فهرست

کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار

جلد دوم

کتب خطی فارسی - عربی - ترکی

تألیف

ابو یوسف شیرازی

چاپخانهٔ مجلس

فهرست

کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار

جلد دوم

کتب خطی فارسی و عربی و ترکی

تألیف

ابن یوسف شیرازی

در چاپخانه مجلس از خرداد ۱۳۱۶ تا دیماه ۱۳۱۸ چاپ شد

تهران

بنام خداوند بخشنده مهربان

یگانه خداوندی را سپاسگزارم که این کشور باستانی را

زیرسایه یگانه پیشوای توانا

اعلیحضرت همایون شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلدالله ملکه

رو به بزرگی برده و مردمان آنرا هم از خواری نادانی بسر افرازی دانائی رسانیده است.

یکی از گامهائیکه برای پیشرفت کارهای فرهنگی در پرتو دلبستگی

شاهنشاهزاده و ولیعهد جوانبخت

والاحضرت همایون شاهپور محمد رضا

برداشته شده توجه بکتابخانه های کشور بوده که دربردارندهٔ افکار عالی و آثار مهم نیاکان وموجب افتخار آیندگان میباشد وشاید بتوان با کمال جرئت گفت کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ازلحاظ دربرداشتن نسخه های کهن سال و کمیاب و ممتاز، از جهت خط و تذهیب و جلد در ردیف کتابخانه‌های خوب جهان قرار گرفته و نگارنده درمقدمهٔ جلد نخستین تاریخچهٔ آنرا نگاشته است.

کتابهای نفیس این کتابخانه در اثر نداشتن فهرست جامعی مانند بهترین کتابخانه های کشورهای اروپا، بر دانشمندان پوشیده بود

ومسلم است که استفاده از کتاب و کتابخانه بدون وجود اینگونه فهرستها که در حقیقت کلید وراهنمای جویندگان و متتبّعین میباشد امکان پذیر نیست و گذشته ازاین ، فهرستهائي که مشتمل برشرح حال و آثاربزرگان علم وادب است وتمام یابیشتر آنان ایراني بوده اند بهترین وسیله برای معرّفي یك کشور باستاني بجهان میباشد .

دراین فهرست گذشته از اینکه خصوصیات کتب ادبي و نسخ آنها نگارش یافته شرح حال وآثار ومؤلفات دویست و پنجاه نفر از ادبا وشعرا ودانشمندان نگاشته شده و تقریباً سه هزارمؤلفهٔ دیگررا بمناسبت معرفی نموده ودر آخر ، چون اعلام ونام شهرها ، آنهارا بترتیب حروف تهجی مرتب نموده ایم .

این مجلد که شامل بخشي از کتب ادبي کتابخانه است بادقت زیاد تألیف گردیده مؤلف و یاران وی در تألیف و تنظیم آن رنجهای فراوان برده اند وبررسي ودقت درمندرجات آن، ادعا را ثابت میکنند وزبان حال نگارنده این بیت است :

بدانی چو نیکو در او بنگری که جان کنده ام تاتو جان پروری

درمجلد پیشین چندگراور ازنسخ مهمه گذارده شد ولی دراین مجلد چون بیشتر نسخه ها از حیث خط و کمیابي و تذهیب و نقاشي دارای اهمیت زیادی میباشند ترجیح هریك را بردیگری بدون مرجح دانسته واز این کار برکنارشدیم .

گذشته ازمآخذیکه درمقدمه جلداول یادآوری شده بیش‌ازپنجاه مجلد از کتب تاریخ ورجال وادب درهنگام نگارش این مجلد نیزموردمراجعه بوده وعموماً درمواقع خود مآخذ نگارش مطالب را نگاشته ایم .

درخاتمه متذکر میشود که نگارش این مجلد چون مجلّد پیشین بمعاونت و مساعدت و همراهي دانشمندان محترم آقای عبدالحسین امین عراقی و آقای محمد جعفر واجد که هردوازبهترین دانشجویان وفارغ‌التحصیلهای دانشکده معقول و منقول میباشند صورت گرفته و تصحیح آنرا هم آقای سید حسن نوربخش عهده دار بوده وبدین وسیله از ایشان شکر گزاری مینمایم .

تهران ٥ دیماه ١٣١٨ ضیاءالدین حدائق ـ ابن یوسف شیرازی

فهرست مندرجات

		از صفحه تا صفحه
۱	ـ مقدمه	
۲	ـ خطب و منشآت (مشتمل بر ۳۸ کتاب و ۶۷ نسخه است)	۲ ـ ۱۵۹
۳	ـ لغات و فرهنگها (« « ۴۸ « ۹۹ « «)	۱۶۰ ـ ۳۰۲
۴	ـ صرف و نحو (« « ۵۵ « ۱۱۴ « «)	۳۰۳ ـ ۴۰۰
۵	ـ معاني و بیان و بدیع (مشتمل بر ۱۹ کتاب و ۴۸ نسخه است)	۴۰۱ ـ ۴۳۵
۶	ـ عروض و قافیه (« « ۲۲ « ۲۳ « «)	۴۳۶ ـ ۴۵۱
۷	ـ اشعار و تذکره‌ها و دیوانها (« « ۱۱۳ « ۱۹۸ « «)	۴۵۲ ـ ۷۰۵
۸	ـ فهرست اماکن	۷۰۶ ـ ۷۱۲
۹	ـ فهرست کتب متفرقه	۷۱۳ ـ ۷۳۵
۱۰	ـ فهرست اعلام	۷۳۶ ـ ۷۷۱
۱۱	ـ فهرست کتب این مجلد	۷۷۲ ـ ۷۹۱
۱۲	ـ غلطنامه	۷۹۳ ـ ۷۹۵

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

خطب و منشآت

چنانکه در مقدمه جلد اوّل نگاشته شد مجلّد دوّم فهرست این کتابخانه شامل کتب ادبی میباشد و نخستین فصل آن بنام « خطب و منشآت » نامیده شد .

[۳۰۱] آداب‌المشق (فارسی)

مؤلف این کتاب میر عماد حسنی قزوینی (۹۶۱-۱۰۲٤)(۱) خطّاط معروف میباشد که در عالم خوشنویسی مخصوصاً خطّ نستعلیق گوی سبقت از همه ربوده و چنین معمول گردیده که هر کس را خواهند بخوبی خط تعریف نمایند گویند میراست و یا مثل میر مینویسد و گذشته از این صنعت زیبا دارای طبع شعر هم بوده و میرزای سنگلاخ در جلد اوّل از کتاب « تذکرة الخطاطین » یا « امتحان الفضلا » در ذیل شرح حال میر مذکور پاره ای از قطعات و ابیات وی را نقل کرده و در آخر مجلّد دوم از کتاب نامبرده این کتاب یا رساله را که در طریقهٔ نگارش خط نستعلیق و مقدمات آن تألیف نموده با رساله **سراط‌السطور**(۲) **سلطانعلی** مشهدی و رساله « مداد الخطوط » خواجه میرعلی هروی که این دو نیز

---

(۱) ج ۱ تذکرة الخطاطین سنگلاخ ، پیدایش خط و خطاطان ۱۶۳ و ۱۷۳ و نامه روضة الصفا .

(۲) نام این رساله را در جلد دوم تذکرة الخطاطین بدین طرز بیت نموده و در حاشیه نوشته شده ؛ سراط همان صراط معروف است و این رساله نیز بنظم و آغاز آن این است :

بسماه با این همه بی حاصلی بوالهوسی درمانده به بارسائی و هیچ کسی .

از معاریف این فنّ میباشند و رسالهٔ آنها در طرز نگارش است ثبت نموده و به طبع رسیده و آداب المشق مستقلاً نیز چاپ شده است.

مؤلّف نام این رساله را آداب المشق نهاده و بدیباچه و شش فصل مرتب گردانیده بدین تفصیل:

فصل اول: در اینکه کاتب از صفات ذمیمه باید احتراز کند. **فصل دوم:** دربیان اجزای خط. **فصل سوم:** درتعریف مشق وآداب آن. **فصل چهارم:** در بیان چگونگی قلم و تراشیدن آن. **فصل پنجم:** در آداب مرکّب ساختن. **فصل ششم:** در تربیت کردن کاغذ و اقسام آن و طریقهٔ رنگ آمیزی و آهار ومهره کردن آنها. و این رساله در حدود (۲۰۰) بیت میباشد.

آغاز: بسمله صبا بعطر آمیزی رقم مشکین بسم‌الله که سردفتر ارقام مشکفام دیوان حمد وثنای خالق بیچون است الخ.

انجام: وخوبی مهره آنستکه همچنان روشن شود که عکس روی در وی نماید والله اعلم تم.

(۷۴۷)

آداب المشق این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، در سال ۱۲۹۶ داخل در کتابخانهٔ اعتضادیّه شده و پشت صفحهٔ اوّل بنام «رساله در قواعد خط از میر عماد» یاد داشت گردیده است.

جلد تیماج. کاغذدولت آبادی. واقف‌سپهسالار. قطع بغلی. شمارهٔ اوراق (۲۵). صفحه (۹) سطر. طول (۱۱ سانتیمتر)، عرض (۶ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۶۴۸).

(۷۴۸)

آداب المشق این نسخه بخط نستعلیق خوب در سال ۱۲۶۱ نگاشته شده، کاتب از خود نام نبرده و جای عناوین و فصول را سفید گذارده اند.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۱) . صفحهٔ (۱۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷٦۷) .

[۳۰۲] ادب الکاتب (عربی)

مؤلف این کتاب ابن قتیبه دینوری ره است (ابو محمّد عبدالله بن مسلم بن قتیبه کوفی ۲۱۳-$\frac{۲۷۰}{۲۷۱}$$\frac{}{۲۷٦}$(۱)) که از علماء فقه و لغت و نحو بوده و بغریب قرآن و حدیث و معانی آن اطّلاع کامل داشته ، مولدش کوفه است و غلّو در طریقهٔ بصریّین داشته واقوال کوفیّین رادر کتب خویش نقل نموده و در گفتار خویش راستگو و طرف اعتماد بوده و چندی مقام قضاوت دینور (۲) را داشته و بدین سبب مشهور به دینوری گردیده ، ابن الندیم که در قرن چهارم میزیسته پس از بیاناتی که عبارات گذشته ترجمه پاره‌ای از آنهااست مؤلّفانیکه ذیلاً نام میبریم دونسبت داده و ابن خلّکان نیز همین معانی را در کتاب وفیات خویش آورده و گوید که بمرگ ناگهانی درگذشت واختلافات فوق را درسال وفات او وی نقل نموده و گوید که پسر وی **ابو جعفر احمد بن عبدالله** در سال ۳۲۱ قاضی مصر گردید و تمام مصنّفات پدر را روایت نمود و بسال ۳۲۲ همانجا در گذشت و اینست مؤلّفات ابن قتیبه :

کتاب **معانی الشعر** (کتابی بزرگ ومشتمل بردوازده کتاب است) ، **کتاب الفرس** (در چهل و شش باب) ، **کتاب الابل** (درشانزده باب) ، **کتاب الجرب** (دردهباب) ، **کتاب العرور** (در بیست باب) ، **کتاب الدیار** (در ده باب) ، **کتاب الریاح** (درسی و یك باب) ، **کتاب السباع والوحوش** (درهفده باب) ، **کتاب الهوام** (درچهارده باب) ، **کتاب الایمان والدواهی** (درهفت باب) **کتاب النساء و العزل** (فقط در یك باب) ، **کتاب النسب واللبن** (درهشت باب) ، **کتاب تصحیف العلماء** (دریك باب) ، **کتاب عیون الشعر** (این کتاب بگفته ابن الندیم مشتمل برده کتاب است وازآنها کتاب المراتب ، کتاب القلائد ، کتاب المحاسن ، کتاب المشاهد ، کتاب الشواهد ، کتاب الجواهر ، کتاب المراکب ، میباشد) . (در کسف الظنون بدین نام کتابی ضبط نگردیده ولی ازاین مؤلف کتابی بنام « طبقات الشعراء » نقل نموده که بقرائنی توان آنرا همین کتاب (عیون الشعر) دانست ج ۲ کشف الظنون

(۱) شرح حال این مؤلف ازابن خلکان ج ۱ ص (۲۵۱) و فهرست ابن الندیم ص ۱۱۵ و معجم المطبوعات ص ۲۱۱ تا ۲۱۳ گرفته شده .

(۲) دینور یکی ازشهرهای مغرب ایران و درنزدیکی کرمانشاهان فعلی بوده است .

ص ۹۳ و ابن‌خلکان طبقات الشعرا را از این مؤلف دانسته و درفهرست ابن الندیم این کتاب ذکر نشده‌است) ، **کتاب عیون الاخبار** (این کتاب مشتمل بر ده کتاب ذیل میباشد :
کتاب السلطان ، الحرب ، السئودد ، الطبایع ، العلم ، الزهد ، الاخوان ، الحوائج ، الطعام و **کتاب النساء** (بروکلمان آلمانی و مصریین بچاپ کتاب النساء پرداخته اند) ، **کتاب التفقیه** (ابن ندیم گوید که سه جزواز این کتاب رادرششصدورق بخط برْك (۱) دیده ام و تقریباً دوجزء آن ناقص بود ازجمعی که اهل خط بودند پرسش نمودم چنین گمان دارند که اینك موجودمیباشدواز کتابهای **بندنیجی** بزرگتراست) ، ونیزابن الندیم پس ازاین گوید که ازبهترین کتابهای وی اینها است : **کتاب الحکایة والمحکی** ، **کتاب ادب الکاتب** (همین کتاب) ، **کتاب الشعر والشعراء** (این کتاب درمصر چاپ شده وآنرا باطبقات الشعراء که‌ازمؤلفات این مؤلف است صاحب معجم المطبوعات یکی‌دانسته است) **کتاب الخیل** ، **کتاب جامع النحو** ، **کتاب مختلف الحدیث** ، **کتاب اعراب القران** ، **کتاب دیوان الکتاب** ، **کتاب فرائد الدر** ، **کتاب خلق الانسان** ، **کتاب المراتب و المناقب** از عیون الشعر ، **کتاب التسویة بین العرب والعجم** ، **کتاب الانواء** ، **کتاب المشکل** **کتاب دلائل النبوة** ، **کتاب اختلاف تأویل الحدیث** ، (ظاهراً همین کتاب است که بنام «تاویل‌مختلف الحدیث » چاپ شده ،) **کتاب المعارف** ، **کتاب جامع الفقه** ، **کتاب اصلاح غلط ابی عبید** درغریب‌حدیث، **کتاب المسائل والجوابات** ، **کتاب العلم** (درحدود پنجاه‌ورق است) ، **کتاب المیسر والقداح** ، **کتاب حکم الامثال** ، کتاب الاشربه (این کتاب بسال ۱۰۹۷ م درمجله المقتبس طبع گردیده)، **کتاب جامع النحو الصغیر** ، **کتاب الرد علی المشبهه** ، **کتاب آداب العشره** و **کتاب غریب الحدیث** ،

ابن خلّکان در وفیات الاعیان پاره ای از مؤلّفات فوق را ذکر نموده و کتابی بنام مشکل القران و اصلاح الغلط نام برده ظاهراً همان کتاب المشکل و اصلاح غلط ابی عبید است که ابن ندیم ذکر نمود و کتاب **طبقات الشعراء** و کتاب **غریب القرآن** را نیزازمؤلّفات‌ابن‌قتیبه دانسته و صاحب‌معجم المطبوعات کتاب **الامامة والسیاسه** و **الرحل والمنزل** و **اللباء واللبن** راکه طبع شده‌اند از مؤلّفات ابن قتیبه دانسته است .

این کتاب (ادب الکاتب) یکی از کتب مهمّه ادب میباشد و ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸) در مقدّمه تاریخ خویش ذیل علم الادب دربارهٔ آن چنین گفته: هنگام استفاده از مدرسین خویش چنین یاد دارم که میگفتند : اصول فن ادب وارکان آن این چهار دیوان است : **ادب الکاتب ابن قتیبه** ، **کامل مبرد** ، **البیان و التبیین جاحظ** و **نوادر ابوعلی قالی بغدادی** و جز این چهار کتب‌دیگر فرع و تابع اند . (مقدمه ابن خلدون ص ۴۸۶) .

(۱) درفهرست ابن الندیم چاپ‌اروپا و مصر بهمین نحوضبط گردیده است .

ابن قتیبه پس از آنکه شرحی در خطبه و دیباچه کتاب از روزگار خویش و کساد بازار علم و ادب و نا رواجی فضل و دانش شکایت نموده گوید : چون کتّاب و فضلاء معاصر از شرائط کتابت عاری و بری اند واگر برین منوال پیش رویم از ادب جز نامی و از ادبا جز آثاری نخواهیم یافت ، ناچار گردیدم برای اشخاصی که تاحدّی تحصیل نموده واز دانش بی بهره نیستند کتابی تألیف کنم که آنها رادر انجام وظائف خویش آگاه نماید واغلاطی راکه عامّه استعمال میکنند بیاورم تا آنان از آن غلط در گفتار و کتابت محفوظ مانند و نیز در این خطبه آنچه راکه ادیب ونویسنده بایستی بداند از فقه واصول و حدیث و نجوم وغیر ذلك بدانها اشاره نموده وطریقه نگارش را بدست میدهد .

این کتاب دارای مطالب بسیارمفیدلغوی ، نحوی ، صرفی ،طبیعی ودینی است ودر (۱۲۷) باب میباشد ، بعضی از مطالب‌هم بدون عنوان باب مذکور دیده و در تمام مطالب باشعار فصحا و بُلغا استشهاد شده است .

مؤلّف خود نامی برای این کتاب نگذارده ولی چنانکه دانستیم ابن الندیم که قریب بیك قرن پس از ابن قتیبه زندگانی مینموده آن را « ادب الکاتب » معرّفی کرده و تمام علماء سیر آنرا بهمین‌نام یاد کرده اند جز اینکه **ابو محمدعبدالله** بن محمّد بن سید بطلیوسی اندلسی (٤٤٤ - ٥٢١) شرحی بر این کتاب بنام « الاقتضاب فی شرح ادب الکتّاب » نگاشته وچنین وانمود کرده که نام این کتاب « ادب الکتّاب » است ولی چنانکه‌دانستیم یك قرن پس از این تاریخ ، این کتاب به « ادب الکاتب » معروف بوده و تغییرش جائز نبوده و صاحب کشف‌الظنون‌درذیل ادب‌الکاتب گوید (ج ۱ ص ۷۳) :

بعضی گفته‌اند ادب‌الکاتب خطبه‌ای است‌بدون کتاب درصورتی که مشتمل برهمه‌چیزاست‌وبرآن شروحی نوشته شده که از آنجمله **الاقتضاب** میباشدو این شرح‌مشتمل برسه‌قسمت است اول شرح خطبه وبیان اقسام منشیان وآنچه‌ایشان را لازم است ، دوم‌اشتباهاتیکه مؤلف کرده ، سوم شرح ابیاتی که دراین کتاب آورده‌شده است . (الاقتضاب بسال ۱۹۰۱ م . در لیپزیك چاپ‌شده) .

کشف الظنون درج ۱ ص ۷۳ و ۷٤ پس از اینکه ادب‌الکاتب ابن قتیبه را ذکر نموده شروح ذیل‌را برآن یاد آور شده (۱) ، **الاقتضاب** که شرح آن داده شد (۲) شرح

ابی منصور موهوب بن احمد جوالقی متوفی بسال ٤٦٥ - (٣) شرح **سلیمان بن محمد** زهراوی . (٤) شرح ابی علی **حسن بن محمد بطلیوسی** متوفی بسال ٥٧٦ . (٥) شرح **احمد بن داود** جذامی متوفی بسال ٥٩٨ (٦) شرح **اسحق بن ابراهیم فارابی** متوفی بسال ٣٥٠ .

ونیز گوید که بعضی فقط خطبهٔ این کتاب را شرح نموده اند و از آنها (١) **ابو القاسم عبد الرحمن** بن اسحق الزجاجی متوفی بسال ٣٣٩ . (٢) **مبارك بن فاخر** نحوی متوفی بسال ٥٠٠ را نام برده (علت اینکه بعضی فقط بشرح خطبهٔ آن اکتفا کرده اند این است که بتفصیل دارای مطالب مهمه ای میباشد که اندکی از آنها را یاد کردیم و بهمین سبب بعضی بغلط افتاده وتصور نموده اند که ادب الکاتب خطبه ایست بدون کتاب) وبعضی فقط **ابیات این کتاب را شرح** نموده و صاحب کشف الظنون از آنها **احمد بن محمد خاز رنجی** متوفی بسال ٣٤٨ را ذکر نموده است .

در ص ٧٤ ج ١ کشف الظنون کتب ذیل بنام نیز ادب الکاتب باموٴلفین آنها ثبت شده :

(ادب الکاتب) تألیف امام ادیب **ابو بکر محمد بن القاسم** بن الانباری متوفی بسال ٣٢٨ .
(ادب الکاتب) تألیف **ابو جعفر احمد بن محمد النحاس** نحوی متوفی بسال ٣٣٨ .
(ادب الکاتب) تالیف **ابو عبد الله محمد بن یحی الصولی الکاتب** متوفی بسال ٣٣٥ . (١)
(ادب الکاتب) تالیف **ابن درید محمد بن الحسن** اللغوی متوفی بسال ٣٢١ .
(ادب الکاتب) تالیف **صلاح الدین خلیل** بن ایبك الصفدی متوفی بسال ٧٦٤ .

ادب الکاتب ابن قتیبه در اروپا واسلامبول ومکرراً درمصر چاپ شده است.

آغاز : بسمله قال ابو محمّد عبدالله بن مسلم بن قتیبه رحمه الله تعالی **اما بعد** حمد الله بجمیع محامده و الثّناء علیه بما هو اهله و الصّلوة علی رسوله المصطفی و آله فانّی لمّا رأیت اکثر اهل زماننا الخ .

(٧٤٩)

ادب الکاتب این نسخه بخطّ نسخ بسال ١٢٨٢ نگاشته شده ، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب است و عناوین را با سرخی نوشته و چند ورق ننوشته در اوّل آن است .

(١) درفهرست ابن الندیم نام این کتاب را چنین ثبت نموده « ادب الکاتب علی الحقیقه» و گوید دراثر اینکه خبری درباره علی بن ابی طالب علیه السلام روایت نموده شیعه وسنی درصدد کشتن وی بودند پنهان شدودربصره بحالیکه ازنظرها مخفی بود بمرد و بهترازهر کس شطرنج را بازی میکرد و تاسال (٣٣٠) زندگی میکردانتهی . (ص ٢١٥) .

جلدمیشن‌ضربی . کاغذفرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ‌اوراق (۱۷۱) . صفحهٔ (۱۷)سطر . طول (۲۲ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۳) .

(۷۵۰)

ادب الکاتب

این نسخه بخطّ نسخ نگاشته شده ومشتمل بر بیشتر ازنصف ازاین کتاب‌میباشد (از ابتداء کتاب تاآخر باب ماجاء نحرّکا و العامّه تسکنه) و آخرین سطر نسخه این است : (الذّبحه بالضّم واسکان الباء و ذهبَ دَمه هدراً بفتح الدّال .) از کاتب نامی در نسخه نیست به سال ۱۲۸۷ بنام « ادب الکاتبین » داخل کتابخانه اعتضادیّه شده وپشت صفحهٔ اوّل یادداشت گردیده و برگهای آن مجدول بطلا و سرخی وکاغذ آن فرنگی و بر تمام اوراق شیر وخورشید بر آمده ایست .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی‌آبی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری شمارهٔ‌اوراق (۱۸۰) صفحهٔ (۱۱)سطر . طول (۲۲ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۲) .

[۳۰۳] اطباق الذهب (عربی)

مؤلّف این کتاب شرف الدّین شفروه اصفهانی ره است (شرف الدّین محمّد (۱) اصفهانی‌شفروه متوفی در حدود ۶۰۰) .

(۱) در تعلیمات استادعلامهٔ قزوینی ذکر شده که‌درفهرست اسپرنگر بنقل‌ازتقی‌الدین کاشانی نام ابن‌مؤلف‌شرف الدین‌عبدالمؤمن ضبط گردیده ، پشت صفحهٔ اول نسخه چاپ شده مؤلف نیز شرف‌الدین‌عبد المؤمن بن‌هبة الله مغربی‌اصفهانی ضبط گردیده ، ولی با تتبع مقدور ندانستیم بچه مناسبت ایشانرامغربی معرفی کرده‌اند و در تذکره آنشکدهٔ آذرذیل‌شعراء اصفهان نام ایشان‌شرف‌الدین‌فضل‌الله ثبت گردیده‌ولی درلباب‌الالباب ج ۱ ص ۲۶۸ وتذکرهٔ نفت‌الیم درذیل اصفهان‌شرف الدین‌محمدودر ذکرهٔ دولتشاه نسخه خطی‌این کتابخانه‌ص ۹۷ شمارهٔ (۲۷۲۷) شرف الدین سفروه‌اصفهانی باسین مهمله و درنسخه تاریخ گزیده مصحح قدیمی این کتابخانه شرف الدین شهروه‌اصفهانی و درمجمع الفصحاء ج ۱ص ۳۰۲ بنام شرف ضبط گردیده ولی جز آنشکده این کتاب را هیچیک‌ازتذکره‌نویسان از تألیفات و انشاآت او نشمرده اند در ص ۱۶۵ ماحق‌دوم‌ازجزوسوم‌فهرست‌دار الکتب‌المصریه‌نام‌مؤلف‌اطباق الذهب‌نیزشرف الدین عبدالمؤمن‌المغربی‌الاصفهانی‌ضبط شد وصاحب‌معجم المطبوعات ص ۱۳۰۰ وی را شرف‌الدین عبدالمؤمن بن هبة لله‌المغربی الاصفهانی المعروف بشقوره یا شتروه معرفی‌نموده و در ذیل آن گوید که دراواسط قرن دهم هجری معروف گردیده پشت نسخه خطی که اخیراً باین کتابخانه رسیده و بسال ۱۱۱۵ نگاشته‌شده نام‌مؤلف چون‌نسخ‌چاپی با حذف کلمه مغربی است و اطباق الذهب درمصر وبیروت ولاهور چاپ شده است

عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان بمؤلّف و معاصر با وی میباشد در لباب الالباب (ص ۲٦۸ ج۱) وی را « از اماثل اصفهان‌واعیان جهان معرّفی نموده و گوید که در علم تذکیر شهرتی داشت و مواعظ و نصایح او عقل را مرشد شافی و مصقلهٔ وافی بود فامّا لطف طبع مروی را باعث و محرّض آمد بر آنك گاه گاه نظمی چون آب زلال وشعری چون سحر حلال ببردازد ودرغزل ومدح لطائف و ظرائف نظم مرتّب گرداند و دیوان اشعار او مشهور است» و شصت و هفت بیت از اشعاراو را در ذیل شرح حال وی آورده ونامی از این کتاب نبرده‌و آذربیگدلی در « آتشکده » ذیل شعراء اصفهان این شخص‌را نام برده و گوید که معاصر با رفیع الدّین لنبانی (متوفی بسال ٦۰۳) و جمال الدّین عبد الرّزاق بوده و مجیر بیلقانی (۱) (متوفی سال ٥۹٤) راهجا گفته شاهد فضلش رساله اطباق‌الذّهب کافیست که درمقابل‌اطواق‌الذّهب‌زمخشری‌مشتمل‌برصد پندوموعظه و شرح حال اصناف خلائق نوشته . ودر آتشکده ۲٥ بیت از اشعار این‌مؤلّف نقل گردیده ، در تذکرهٔ دولتشاه نام این دانشمند مذکور و اشعاری از مدیحه وی دربارهٔ سلطان طغرل بن ملکشاه نقل گردیده ودر تاریخ گزیده درذیل شعراء نام وی و چند بیتی از او هست ، صاحب مجمع الفصحاء ایشان را بنام « شرف اصفهانی » و از اهالی شفروه از قراء اصفهان که اینك آنرا پژوه میگویند معرّفی نموده ولی برحسب تحقیق اسناد علاّمه آقای میرزا محمّد خان قزوینی مدّ‌ظله‌در تعلیقات بر لباب الالباب(ج ۱ ص ۳٥٦ - ۳٥۹) شفروه باشین و فاء وراء مهمله و واو و هاء با ضمّ دو حرف اوّل و سکون راء یافتح آن دو و سکون راء نام یکی از اجداد شرف الدّین بوده و « شرف » تخلّص مینموده و در حدود سال ٦۰۰ وفات یافته است .

برای شناسائی بیشتری ازاین‌دانشمند به‌تعلیقات مذکور که‌مفصّل تر وجامع‌تر

(۱) مجیر الدین بگفته‌استاد معظم آقای بدیع‌الزمان‌بسال ٥۰۱ یا ٥۰۲ باصفهان آمده ومردمان آنجا راهجا گفته ایشان‌وی‌واستادش خاقانی‌را هجو کرده‌اند و بهمین جهت‌خاقانی‌قصیده‌معروف بردیف «صفاهان» در مدح‌اصفهان‌سروده‌واز کارمجیر الدین عذر خواسته است .(ج۲ سخن و سخنوران ص ۲٦٤) .

از همه نگاشته اند مراجعه شود ودیوان این شاعر درموزه بریطانیا موجود است.

و چنانکه خود درمقدّمه‌نگاشته تألیف اطباق‌الذهب برحسب امر **احمد بن محمود** بن علی الخوّی ،زاده الله توفیقاً بوده واز ایشان چنین خواستار شده که صد مقاله (۱) در وعظ و نصیحت و خطب بهمان نهج که علاّمه زمخشری در اطواق الذهب برداشت کرده اند بنگارد. و گوید که پس اززمخشری کسی نتواند چون وی قلم بدست گیرد و عباراتی چنان نگارش دهد ولی چون امر معظم له واجب بود شروع نموده واین مقالات را نوشته و آنها را مرتّب ساخته و از آن پس « اطباق الذهب » نام گذاردم و هر یك از مقالات را بآیه ای از قرآن کریم ختم نمودم تا ختام آن‌مسك باشد.

از مطالعهٔ مقالات اطباق الذّهب قدرت مؤلّف و منشی آن بخوبی واضح میگردد و آنرا توان بر اطواق الذّهب ترجیح داد.

ودر ص ۱۶۵ ملحق‌دوّم از جزءسوّم فهرست دار الکتب المصریّه نسخه ای از شرح **بر اطباق الذهب** که‌بسال ۱۱۰۰ تحریر یافته میباشدوآغاز آن این است : (اعلم انّ فی التّسمیه و البسمله مباحث الاوّل فی لغتها الخ) و در ذیل آن نگاشته شده که شارح آن معلوم نشد.

شیخ یوسف افندی النبهانی الفاظ مشکله و لغات غریبه این کتاب (اطباق الذّهب) را شرح ونسخه منطبعهٔ در بیروت آنرا داراست.

آغاز: بسمله اللّهمّ انا نحمدك علی اما اسبلت من جلابیب نعمك الخ.

انجام: و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمهن.

---

(۱) اطباق‌الذهب چنانکه‌مؤلف در مقدمه‌تصریح نموده‌مشتمل برصد مقاله است ولی در نسخه چاپ بیروت‌شمارهٔ مقالات را به (۱۰۲) رسانده‌باین طریق که مقاله‌سوم را دو مقاله نموده و خاتمه‌راهم یك مقاله شمرده و ترتیب مقالات‌این نسخه بادونسخه‌خطی کتابخانه بدین‌نحو که مذکور میشوداختلاف‌دارند. ۹۰ خطی= ۹۲ و۹۳ چاپی و۹۱ = ۹۲،۹۴ - ۹۲، ۹۵ ۹۳، ۹۱ ، ۹۴ =۹۷ و ۹۵ = ۹۶ ،۹۶= ۹۸ ، ۹۷ = ۹۹ ، ۹۸ - ۹۰ ، ۹۹ - ۱۰۰، ۱۰۰ = ۱۰۱ وخاتمه خطی = ۱۰۲ چاپی است.

(۷۵۱)

اطباق الذهب

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب **حسن بن عبد المجید** واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷۶ نوشته و در دو صفحهٔ پس از ختم کتاب بخط شکسته نستعلیق همین کاتب شرحی مبنی بر اینکه این کتاب را برحسب امر **سیف الملك** برشته تحریر در آورده مرقوم داشته اند ، ترجمه پاره ای از لغات از کتب لغت نقل و در حاشیه صفحات ثبت گردیده ، صفحات نسخه مجدول بطلا و لاجورد وشمارهٔ مقالات رابا لاجورد وبرخی را باشنجرف نگاشته ، بعضی از کلمات دو صفحهٔ پیش از ورق آخر را آب ضایع کرده و پشت آخر بن صفحه شرحی مقامه مانند نوشته شده و در حاشیهٔ آن چند بیت عربی در مذمّت معاویه ازاینکه زیاد را برادر خود معرّفی کرده است میباشد .

ضمیمه اطواق الذهب میباشد . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق این کتاب (۱۰۱) . صفحه (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتا بخانه (۳۳۴۸) .

(۷۵۲)

اطباق الذهب

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، کاتب از خود نامی نبرده و سال کتابت را ننگاشته ولی بقرینه قطع و اینکه ضمیمهٔ مقامات بدیع الزّمان است که بسال ۱۲۷۷ نوشته شده و نسخهٔ اطواق الد هبیکه نیز ضمیمه این نسخه است چنانکه می آید ظاهراً ازروی نسخه ایکه بسال ۱۲۷۶ نگاشته شده تحریر یافته ، بنابر این تاریخ نگارش این نسخه سال ۱۲۷۷ بوده واطواق الدّهب زمخشری ومقامات رادر جاهای خود شرح خواهیم داد . این نسخه دارای سر لوحی زیبا وصفحات آن مجدول بطلا وشماره مقالات آن بخط ثلث بالاجورد و بعضی باشنجرف است .

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق اطباق (۴۴) اوراق اطواق (۱۸) مقامات (۱۲۰) صفحه (۹ و ۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۳۵۰) .

[۳۰۴] اطواق الذهب (عربی)

مؤلّف این کتاب جار اللّه زمخشری رهٔ است (۴۶۷ - ۵۳۸) که در جلد اوّل فهرست

ص ۱۵۸ بشرح مختصری از حالات و مؤلّفات ایشان پرداخته شده و این کتاب از آن جمله است .

اطواق الذّهب کتابی است مشتمل بر یکصد (۱) مقاله که هر یك ازمقالات مواعظ و نصایح سودمندی را در بر دارد و مؤلّف میان هر دو جملهٔ از مقالات سجع را رعایت نموده وبا نهایت ایجاز و اختصاروفصاحت وبلاغت این کتاب را خاتمه داده و چنانکه مذکور گردید **اطباق الذهب** را مؤلّف آن در اقتداء به جارالله زمخشری تألیف نموده است .

در خود کتاب نامی ازمؤلّف واسم کتاب نیست ولی درمقدّمه اطباق الذهب مؤلّف آن تصریح نموده که صدمقاله زمخشری موسوم به اطواق الذ هب میباشد و کشف الظنون درذیل همین نام این مقالات را نسبت بزمخشری داده و در آنجاست که مؤلّف در ابتداء هر مقاله خود را مخاطب ساخته و پس از گفتن یا ابا القاسم مطالب ومواعظی را آورده است ومؤلّف معجم المطبوعات بتبع او نیز این مطلب را در ص ۹۷۳ ذکر نموده در صورتیکه در دو نسخه خطّی این کتابخانه و نسخهٔ چاپ وین که بضمیمهٔ ترجمه آن بزبان اطریشی است و در این کتابخانه در تحت شمارهٔ (۳۳۴۹) موجود است و نسخهٔ چاپ بیروت چنین نیست و با مطالعه مقالات این کتاب ثابت میشود که طرز دخول در موضوع هم تقریباً مثل ندارد جملهٔ یا ابا القاسم ویا عبارت دیگری که بیان کند مطالب این مقاله از خطاب بخود جامع باشد دارا بوده است و کشف الظنون آغاز این کتاب را این جمله نقل نموده : (احمده علی ما ادرج لی من الالفاظ) (۲) در صورتیکه نسخ مذکورهٔ فوق ابتدا بعبارتیکه ذیلاً نقل میشود گردیده است . و این کتاب چنانکه در

(۱) درنسخه چاپ وین مقالات را ۹۹ دانسته ولی درنسخهٔ چاپ بیروت ونسخ خطّی این کتابخانه قسمت اخیر مقاله ۹۹ چاپ وین را مقاله صدم دانسته اند و در بیانات مؤلف اطباق الذهب درمقدمه کتاب معلوم میشود که این کتاب هم صدمقاله بوده و کشف الظنون نیز آنرا صدمقاله دانسته است .

(۲) این نیز ازاشتباهات حاجی خلیفه در کشف الظنون است که مقالات زمخشری را که دارای پنجاه مقاله است به اطواق الذهب او اشتباه کرده و این آغاز را که نقل نموده آغاز مقالات پنجاه گانه او است واین مقالات است که ابتداء به یا ابا القاسم گردیده وخود زمخشری مقالات آنرا شرح کرده و باهمین شرح دوبار درمصر بسال ۱۳۱۲ و ۱۳۲۵ چاپ شده است .

معجم‌المطبوعات است بزبان‌ترکی و آلمانی و اطریشی‌ترجمه گردیده وبا ترجمها در اروپا طبع شده وچاپ بیروت آن مشتمل بر شرح لغات و کلمات مشکله آن بقلم شیخ یوسف افندی اسیر است و آقای‌دکتررضا زاده‌شفق استادمعاصر درص ۱۹۳ تاریخ ادبیّات نوشته اندکه : شاعر شهیر وصال شیرازی (متوفی بسال ۱۲۶۲) اطواق الذّهب را بفارسی ترجمه کرده اند .

آقای یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای ملی ایران که از نویسندگان شهیر این دوره میباشند ونوشتهای ایشان سرمشق نویسندگان عصر است این کتاب را شرح‌وبنام « قلائدالادب‌فی شرح‌اطواق‌الذهب» مسمّی گردانیده و بسال ۱۳۲۱ در مصر چاپ شده و طرز این شرح آنستکه پس ازنقل عبارات‌اطواق بشرح‌الفاظ وعبارات‌مشکله آن پرداخته ودرتأیید مطالب به اشعار و کلمات بزرگان از ادبا و حکما متوسل شده و در بیشتر از صفحات عباراتی مناسب مقام از اطباق الذّهب آورده اند .

آغاز : بسمله اللّهمّ انّی احمدك علی ما اذللت الیّ من نعمتك الخ .

انجام : فکیف رضیت لدینك بالقذی ، والمؤمن لایرضی لدینه بذا .

(۷۵۳)

اطواق الذهب

این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده ، وکاتب آن **حسن بن عبد المجید الحسینی** واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷۶ میباشد و پشت آخرین صفحه و صفحهٔ مقابل آن بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب شرحی در معرّفی از این کتاب و مؤلّف آن و اینکه بر حسب امر **سیف الملك** بکتابت آن پرداخته نگاشته است .

مقاله ۴۳ و ۴۷ راکاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرّفی کرده و چهار مقالهٔ آنرا (از ۹۱ تا ۹۴) ننوشته و پس از این کتاب نسخهٔ اطباق الذهب مذکورتحت‌شمارهٔ (۷۵۱) درص ۱۱ این‌فهرست‌میباشد ، صفحات‌آن‌مجدول‌بطلاو لاجورد است و بر ورقی که پیش از ورق اوّل است اشعاری بخط‌شکسته نستعلیق خوب نوشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق دو کتاب (۱۳۹) اوراق این کتاب (۳۸) . صفحهٔ (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۸) .

(۷٥٤)

اطواق الذهب این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده ، مقاله ٤۳ و ٤۷ را کاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرفی کرده و چهار مقالهٔ آنرا از ۹۱ تا ۹٤ چون نسخه سابق ننگاشته‌اند بقرائنی که در ص ۱۱ ذیل نسخهٔ (۷٥۲) اطباق الذهب نگاشتم در سال ۱۲۷۷ تحریر یافته ، دارای یك سرلوح زیبا میباشد ومیان سطور صفحهٔ اول تذهیب برگ موئی دارد ، تمام اوراق مجدول بطلا وشمارهٔ مقالات بخط ثلث بالاجورد نوشته شده و کتاب اطباق الذهب مذکور و مقامات بدیع الزمان که در این فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمهٔ این نسخه است .

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۸) صفحهٔ (۱٥) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) ضمیمهٔ شمارهٔ (۳۳٥۰) کتابخانه است .

[۳۰٥] ترجمه و شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

مترجم این عهد نامه که از معروفترین انشاآت حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام میباشد و شروح بسیاری بر آن نگاشته شده و در ذیل شرح کتاب نهج البلاغه از آن نیز یادخواهیم نمود ملاّ **محمد صالح** بن حاج محمد باقر قزوینی معروف بروغنی رحمة الله علیه میباشد که از علماء قرن یازدهم هجری بوده و ما در جلد اوّل این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲٥ دو مؤلفهٔ ایشان را ذکر نموده و در آنجا متذکّر شده که در سال ۱۰۸۰ بترجمه توحید مفصّل پرداخته‌اند ولی تا کنون بتحقیق بدست نیاورده‌ایم که پس از آنسال چند گاه در این جهان زیسته‌اند و در ذیل شرح نهج البلاغهٔ همین مؤلّف، پاره‌ای از مؤلّفات ایشان که در آنجا نیز از آنها نام و نشانی نیافته اشاره خواهد گردید و از بیت موجود در آخر یکی از نسخ این ترجمه چنین معلوم میشود که در سال ۱۰۹٤ بجدید نظر در ترجمهٔ این عهد نامه خاتمه یافته است .

مترجم این عهد نامه را که مشتمل بر دستور حکمفرمائی و فرمانروائی است

با نهجی خوب و اسلوبی متین ترجمه و شرح نموده و در ضمن باشعار عربی و فارسی و حکایات مناسب تمثّل جسته و پیش ازشروع بترجمه عهد نامه دیباچه‌ای مشتمل بر حمد و ثنا و علّت ترجمهٔ این عهد نامه و شرح مختصری از حالات و مقامات **مالک‌اشتر** و معنی لغوی اشتر و لزوم تعیین حاکم و امام برای نگهبانی مردمان، انشاء و پس از آن شروع بترجمه وشرح نموده ودردیباچه نگاشته‌اند: این ترجمه و بیانی است ازعهدنامه. و بنابراینکه بیان عهد نامه باشد بایستی این کتاب را شرح **عهد نامه** معرّفی نمود وبا مراجعه بخود کتاب مسلّم میشود که مؤلّف کاملاً بشرح وبسط وبیان مراد حضرت ع پرداخته وقناعت بترجمهٔ عبارات ننموده است.

این ترجمه وشرح عین آنست که مؤلّف در **شرح نهج‌البلاغه** خویش که در همین فصل از آن یاد خواهیم نمود آورده جز اینکه در هر صفحه‌ای تقریباً دو یا سه بیت ودربعضی ازصفحات بیشتر برمطالب افزوده ومقدّمه‌ای چنانکه مذکورشد بر آن نگاشته و در حدود پنجاه بیت نیز در آخر اضافه نموده و چنانکه از قرائن بدست میآید این ترجمه و شرح را مؤلّف پس از **شرح نهج‌البلاغه** خویش مرتّب کرده و انتشار داده ولی در هیچ جا اشاره‌ای بدان ننموده است.

آغاز: بسمله سپاس و ثنا خداوندی را رواست که ذاتش از وصمت فنا و زوال [معرّاست] کذا الخ.

انجام: وآنکه ختم کند از برای تو بسعادت و شهادت بدرستیکه ما بسوی او تعالی را غبیم وسلام بر رسول خدا ص (۱).

---

(۱) نسخهٔ مدرسه ترجمهٔ آخرین فقرهٔ عهد نامه را ندارد و کاتب پس از نقل عبارت آن دست از نگارش کشیده وما عبارت فوق‌را ازروی شرح عهدنامه که **درشرح نهج‌البلاغه** مؤلف میباشد نقل نمودیم ولی در نسخه‌ایکه جناب آقای **حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری** از این ترجمه عهدنامه دارند واینك نزد نگارنده است پس از عبارت فوق درحدود پنجاه بیت درشرح وتوضیح فقرات مذکوره اضافه دارد و آخر آن این بیت میباشد: **فارغت من تسوید هذاالمختصر • في اربعا یومان من‌اقبل‌الصفر**) و بحساب جمل مصراع اخیر سال ۱۰۹۴ را بیان مینماید وظاهر این‌است که اینسال تاریخ تألیف این ترجمه نباشد، چراکه تاریخ کتابت نسخهٔ **شرح نهج‌البلاغه** مؤلف که اینك در این کتابخانه است بسال۱۰۸۸ بوده واگرتاریخ مذکور دراین بیت ازقلم وانشاء مترجم باشد تا آنسال درحیات بوده و درآن تجدید نظر کرده و ازاسلوب عبارت **امل‌الامل** که درسال۱۰۹۷ تألیف شده (امل ج ۱ ص ۲٤) نیزحیات مؤلف را در این تاریخ میتوان استنباط نمود (**امل‌الامل** ج ۲ ص ٦٤)

(۷۵۵)

ترجمه و شرح عهدنامه مالک اشتر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده و کاتب از خود و سال کتابت نامی نبرده ولی ظاهراً در اوائل قرن یازدهم نوشته شده ، ورق اوّل کتاب که مشتمل بر شش بیت بوده افتاده و صفحات مجدول بطلا و زنگار میباشد و اوّلین سطر موجود آن این است :

(جز در تو قبله نخواهیم ساخت گر نه نوازی تو که خواهد نواخت)

و درسال (۱۲۸٤) داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و کنار اوّلین صفحهٔ موجود یاد داشت شده و از آخر هم موافق نسخهٔ مذکور در فوق بیش از پنجاه بیت نوشته نشده و آخرین سطر نگاشته شده اینست : (انا الیه راغبون والسّلام علی رسول‌الله صلی الله علیه و آله) .

جلد سوخته . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۰) . صفحهٔ (۱۱) سطر . طول (½ ۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ ردیف (۳۰۹۶) .

[۳۰۶] ترجمه نهج‌البلاغه با تنبیه‌الغافلین (فارسی)

مترجم و مؤلّف این کتاب **ملافتح‌الله کاشانی** ره مفسّر معروف و متوفی بسال ۹۸۸ میباشد که بشرح حال ایشان در (ص ۱۲۳ تا ۱۲۶ ج ۱) بر داخته شده ، و چنانکه خود در مقدّمه بدان تصریح کرده اند نام این ترجمه را « تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین » نهاده و از ترجمه های بسیار مختصر این کتاب بزرگ میباشد و بعضی این ترجمه را شرح گفته اند ولی از حدّ ترجمه تجاوز ننموده و از کتاب **نهج‌البلاغه** در این فصل مفصّلاً صحبت خواهیم نمود . این ترجمه دو بار بسال ۱۲۷۵ و ۱۳۰۵ در طهران چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله الّذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لولا ان هدانا الله ...

• ... اما بعد برذوی بصائر ثاقبه و خواطر باهره مخفی نیست که ترقی بمدارج قرب الهی الخ .

(۷۵۶)

ترجمهٔ نهج البلاغه یا تنبیه الغافلین

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخطّ نستعلیق در سال (۱۰۱۶) هجری نگاشته شده و پشت ورق اوّل یادداشت هائی است که کهنه ترین آنها مؤرخ بتاریخ (۱۰۲۷) هجری میباشد و بخطّ عبدالواهب مشتهر بواعظ ملکن اصفهانی است ، حواشی ورق آخر از بین رفته و وصّالی شده است.

جلد چرمی روغنی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۸۷) صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۱) .

(۷۵۷)

ترجمهٔ نهج البلاغه یا تنبیه الغافلین

این نسخه را بخطّ نسخ خوب صالح بن سعید بحرانی درسال (۱۰۷۸) نگاشته و پس از ختم کتاب خطبهٔ شقشقیّه را نیز همو نوشته ، متن نهج البلاغه باشنجرف تحریر گردیده ودر حواشی صفحات تعلیقاتی بامضاء شیخ علی و بدون امضاء نوشته شده و بر دو ورقی که پیش از نسخه است مطالب متفرّقه ای یاد داشت و پاره‌ای از اوراق وصّالی گردیده و مطالبی از پشت ورق اوّل محو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۷) . صفحهٔ(۲۷) سطر . طول (۲۷سانتیمتر) . عرض (۱۶سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۳۰۷۳) .

[۳۰۷] ترجمه نهج البلاغه یا شرح محمد باقر لاهیجی (فارسی)

محمّد باقر لاهیجی مشهور بنوّاب (۱) رحمةالله علیه که ازعلماءعصر فتحعلیشاه قاجار بوده و علوم معقول و منقول را در اصفهان تدریس مینموده و از علم نجوم نیز با خبر و در علم تفسیر دست مخصوصی داشته و قرآن کریم را بنام

(۱) درروضات درص (۱۲۲) ج ٤ و قصص العلماء در ذیل محمد علی نجفی فقط بمناسبت نام ایشان برده شده و از مؤلفات وسال وفات ایشان تاکنون خبر و اثری نیافته ام .

« تحفهٔ خاقانی » بطرزی خاص تفسیر نموده (در ج ۱ ص ۹۷ و ۹۸ شرح این کتاب گذشت) کتاب نهج البلاغه را بامر پادشاه مذکور بفارسی ترجمه کرده ودرمقدّمهٔ آن خود علّت شروع بترجمه را نگاشته ودربعضی ازفقرات برخلاف بناکه فقط ترجمهٔ کلمات و عبارات بوده بشرح و بسط پرداخته و از این جهت برخی این ترجمه رابنام شرح نیز ذکر ومعرّفی نموده اند وخودمترجم درمقدّمه هم اشارتی بشرح بودن آن مینماید و آن اینست : (بر ترجمهٔ وجیزه مشتمله بر فوائد عالیه وفرائد غالیه که شروح مبسوطه سلف خالی از آن بود اقدام نمود الخ .) و نیز در مقدّمه گوید : (چون کلام آن حضرت در مثل هره فصحا و بلغا میباشد برای اثبات فصاحت و بلاغت آن کلام معجز نظام باشعار معرا و کلمات بلغا استشهاد نگردید) .

مترجم چنانکه در آخر مجلّد اوّل و دوّم تصریح نموده اند در سال ۱۲۲۵ ترجمه مجلّد اوّل و سال ۱۲۲۶ ترجمه مجلّد دوّم نهج البلاغه را انجام داده و از ترجمه های خوب یکی این ترجمه میباشد ودر حدود (۲۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۱۷ در طهران چاپ شده است .

آغاز: بسمله‌سپاس موفوروستایش نامحصور مخصوص ذات بی‌مانندی است که الخ

انجام: باتمام رسید ترجمه این کلام معجز نظام در عصر روز جمعه غرّه شهر جمادی الاولی سنه یکهزار و دویست و بیست و شش باعصبه هجرتی و ما توفیقی الابالله ....وانا .... الجانی محمّد المدعوّ بباقر اللاهیجانی عفی الله عن جرائمه و الحقه بالصّالحین بمحمّد و عترته الطّاهرین صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین .

(۷۵۸)

ترجمهٔ نهج البلاغه یا شرح محمد باقر لاهیجی

این نسخه که مشتمل بر خود اوّل کتابست در سال ۱۲۳۰ بخط نسخ محمّد باقر بن حسنعلی حسینی سبط اصفهانی نگاشته‌شده وعناوین خطب را کاتب با مداد بحرف نوشته و از ابتداء ترجمه تا ترجمهٔ کلامیست که حضرت درمذمّت اهل کوفه انشاء فرموده و اوّل آن اینست : (فقال علیه السّلام بعدا

لهم کما بعدت تمود).

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحهٔ (۲٤) سطر . طول ۲۱ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۵) .

[۳۰۸] درّة الغوّاص فی اوهام الخواص (عربی)

مؤلّف این کتاب حریری رهاست (ابو محمّد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان البصری ٤٤٦ - ٥١٥/٥١٦) (۱) که از علماء علم ادب بوده و در فنّ انشاء سرآمد اقران و امثال خود شده ومقامات او بسرحدّ کمال اشتهار رسیده وشروحی چند بر آن نگاشته شده و دو شرح آن در این فصل ذکر خواهد شد و نیز در حرف میم این فصل بشرح کتاب مقامات مفصّلاً خواهیم پرداخت .

در وفیات الاعیان ابن خلّکان مذکوراست که حریری راموٴلّفات نیکوئی است از آنها مقامات مشهورهٔ او و **ملحة الاعراب** بنظم در علم نحو و شرح آن ، **دیوان رسائل** ، دیوان شعر و **درة الغواص** فی اوهام الخواص (همین کتاب) و سه کتاب اوّلیّه و کتاب اخیر موٴلّف چنانکه در ص (۷٤۸) معجم المطبوعات مذکور است مکرّر درمصر واروپا وغیره چاپ شده ونگارنده تاکنون بموٴلّفات دیگری از حریری دست نیافته ودر کتابی نام آنها را ندیده است .

ابن خلّکان آورده که حریری از اهالی مشان (به میم مفتوحه و شین پس از آن الف) بوده که شهر کوچکی درنزدیکی بصره است وحریری منسوب بحریر میباشد که ابن شخص یا اشتغال بساختن و عمل آوردن آن داشته وخود یایکی ازپدرانش فروشنده آن بوده است .

درة الغواص کتابی است که اغلاط مستعملهٔ درعبارات وکلمات و ابیات دانشمندان در آن جمع آوری شده و مؤلّف ادلّهٔ خود را در غلط بودن آن الفاظ ذکر و پس از آن صحیح آن را نیز با ذکر ادلّه از اشعار بزرگان نقل نموده و تقریباً مشتمل بر تصحیح دویست و پنجاه کلمه از کلمات غیر صحیحه در

(۱) ابن خلکان ج ۱ ص (٤۱۹) ، روضات الجنات ص (۵۲٦) ، بغیة الوعاة درحرف قاف ،

استعمال و کتابت میباشد و در حدود (۴۲۰۰) بیت کتابت دارد و از کتب بسیار خوب ادب است .

نظام الدّین حکیم الملك گیلانی این کتاب را مختصر نموده (۱) باین معنی که شواهد را انداخته و اقتصار بر کلمات مستعمله و صحیح آنها کرده و در مقدّمهٔ آن گوید که در کمتر از چهار ساعت این انتخاب را انجام داده و نیز اغلاط مستعملهٔ دیگری که حریری بذکر آنها نپرداخته بآخر آن افزوده و نسخه‌ای از آن را که در زمان حیات مؤلّف تحریر گردیده بضمیمه دوازده رسالهٔ دیگر از آن مؤلّف آقای تربیت (محمّد علی) دارند و در این مجلّد ذیل **حکایات غریبه** از مؤلّفات این مؤلّف نام خواهیم برد .

آغاز: بسمله قال الشّیخ الرّئیس ابو محمّد القسم بن علی بن محمّد بن عثمان الحریری البصری رضی الله عنه امّا بعد حمد الله الذی عمّ عباده بوظائف العوارف الخ .

(۷۵۹)

درة الغواص

این نسخه را بخطّ نسخ در سال ۱۰۵۰ حاج بن منصور الحسانی نوشته و نیز همین کاتب رساله ای که در رد بر طاهریّه و مجسّمه و مشبهه است در حواشی کتاب نگاشته و پس از اتمام کتاب منظومه جزری در درایه که مسمّی به « الهدایه » میباشد تحریر و چون منظومه بپایان میرسد شرحی در طریق وصول بحق از شیخ نجم الدّین کبری نگارش یافته و بعد از آن مطالب متفرّقه ای نیز همین کاتب نگاشته ولی قسمت هائی از صفحات و چند سطری از صفحات اخیر کتاب پاره شده و در حواشی نیز مطالب متفرقه ای موجود است .

جلد تیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع رباعی . شمارهٔ اوراق (۹۷) . صفحه (۱۶) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸۷) .

(۱) صاحب کشف الظنون جمعی از دانشمندان را که بر این کتاب حاشیه نوشته و یا آنرا شرح نموده و یا مختصر کرده و یا نظم بسته و یا بر آن تکمله نگاشته اند در ص (۴۸۴ و ۴۸۵ ج ۱) نام برده ولی این اختصار حکیم الملك در آنجا ذکر نشده است .

(۷۶۰)

درة الغواص این نسخه رابخط نسخ خوب، محمّد تقی بن‌شاه‌محمّددرسال ۱۱۰۰ نگاشته، در حاشیهٔ صفحات معنی بعضی از لغات متن یاد داشت شده وپس ازاتمام نسخه **شرح قصیده برده** تألیف مهلّب بن حسین‌بن برکات موجود است و شرح آن درفصل دواوین واشعارمذکور خواهد شد، پشت صفحه اوّل مطالب متفرّقه ویاد داشتهائی موجود است.

جلد چرمی. کاغذسمرقندی. واقف‌سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔاوراق کل(۱۷۷) اوراق درّه (۱۲۷). صفحهٔ (۱۹)سطر. طول (۱۲ ½ سانتیمتر). عرض (۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸۸).

[۳۰۹] دستور الکاتب فی تعیین المراتب (فارسی)

مؤلّف این کتاب بنا بتصریح در ابتدا وانتهاء آن شمس منشی نخجوانی پسر هندو شاه مؤلّف تجارب السّلف است که در دستگاه شیخ اویس بهادرخان که از سال ۷۵۷ تا ۷۷۶ سلطنت‌داشته، منشی بوده ودرك سلطنت پدرش شیخ ابوسعید را نیز نموده است وبگفته ریودرذیل فهرست موزه‌بریتانیاص ۱۲۳ این مؤلّف کتاب «صحاح العجم»را بنام‌خواجه غیاث‌الدّین رشیدی تألیف‌نموده‌ویکی از مطّلعین گوید اینك نسخه ای از آن در کتابخانه حاج حسین آقای ملك در طهران موجود و مانند سایر کتب آن کتابخانه راهی برای دیدن آن نیست.

درتعریف کتاب نویسنده خود در دیباچه گوید:

وچون دراین‌عصر میمون وروزگارهمایون، اکابر وقت برتتبع فن انشا اقبال نموده اند واز مجموع منشآت منشیان معاصرتراکیب این‌ضعیف و هوالفقیر الی الله الغنی‌المغنی محمد بن هندوشاه المشتهر بشمس المنشی‌النخجوانی غفرالله له ولوالدیه‌واحسن الیهما و الیه بنابر حسن ظنی که درحق اودارند والظن یخطی و یصیب ملحوظ‌نظر گردانیده اند وباستدعاءمسوّدات عربی و پارسی او رغبت نموده و تسمع بالمعیدی خیر من ان تراه و تمسك‌این معنی را ساخته که‌ضابطهٔ تراکیب برحسب‌هر عصروزمان‌مختلف‌ومتفاوت‌می‌شودوتراکیب منشیان سابق‌واقاضل وجود واستادان جهان، رشیدالدین‌وطواط‌وبهاءالدین‌محمدبغدادی‌ونورالدین‌منشی ورضی‌الدین

خشاب سقی الله ثراهم وجعل فرادیس القدس مثواهم با وجود تفوق درمراتب فصاحت و رجحان درمعارج براعت وبلاغت مصطلح ابناء روزگار درلواحق اعصار نیست (۱) البته آن قاعده مهمل وآن ضابطه غیر مستعمل مینماید الخ .

ونیز در دیباچه است که در ایّام سلطنت سلطان ابوسعید صاحب سعید شهید خواجه غیاث الدّین محمّد رشیدی و دیگر ارکان دولت و اعیان حضرت حکم یرلیغ بتصنیف چنین کتابی رسانیدند بواسطهٔ کثرت اشتغال و تعاقب موانع میسّر نشد و تقدیر ازلی این بود که این کتاب بالقاب همایون پادشاه اسلام (مراد شاه اویس است) مطرّز و موشّح شود بنا بر این تألیف این کتاب در اوایل سلطنت سلطان اویس و مسلّماً پس از سال (۷۵۷) بوده است .

این کتاب که مؤلّف آن را « دستور الکاتب فی تعیین المراتب » نامیده در یك مقدّمه و دو قسم و خاتمه مرتّب گردیده و از دیباچه هر دو قسم فهرست تفصیلی مطالب هر یك از آنها را ذیلاً میآوریم :

مقدمه : در کیفیت این کتاب و شرط شروع متامل در آن **قسم اول** : در مکاتبات سلاطین که بیکدیگر نویسند والقاب و ادعیه ایشان وخواتین سلاطین و اولاد ایشان و دیگر پادشاه یعنی آنکه مکتوب ازقبل او نویسند و احوال که بدان متعلق خواهد شد و این مرتبه مشتمل است بردوضرب (ضرب اول بسه صورت وضرب دوم به بیست فصل تقسیم گردیده) .

مرتبه دوم : درمکاتبات امراء الوس ووزراء وخواتین واولاد ایشان و نقیب السادات ومشایخ ومریدان و قاضی القضاة ودیگر قضاة و ابناء ایشان ونوایب دیوان سلطنت و دیوان وزارت و امراء اولکا و تومانات وایناقان واتابکان ووکیل حضرت سلطنت واصحاب دیوان بزرگ ودیگر ارکان مملکت مشتمل بردوضرب (ضرب اول دربیست وشش فصل وضرب دوم درشانزده فصل است) **مرتبه سوم** : درمکاتبات اشراف الناس وعلما وحکما ومدرسان ومفتیان ومفسران ومفیدان ومحدثان و ائمه وخطبا ووعاظ و اطبا وفقها وحساب وصلحا وارباب فنون و منقطعان وگوشه نشینان ومحتسبان ومنجمان وشعرا واستادان وجد و پدر وجده ومادر وعم وخال وعمه وخاله و برادران بزرگ و کوچك وخواهران وپسران کبرهم الله تعالی و دختران و خواجه سرایان و دوستان وندما و تجار و ابطال وشجعان واسفهسالاران و کوتوالان قلاع ومقدمان

(۱) صاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ۴۹۲) و بتبع او ریو مؤلف فهرست مودة بریطانیا (ص ۱۲۲ ذیل فهرست) ، و استاد معظم آقای اقبال آشتیانی درمقدمه حدائق السحر (ص مه) این کتاب را از منشآت رشید وطواط ورضی الدین خشاب وغیره مؤلف دانسته در صورتیکه خود مقدمه برخلاف آن ناطق وتصریح دارد که از انشاءآت شمس بخسروانی است .

طوائف ومهندسان ومعماران و صدور واعیان والقاب وادعیه ایشان و اوساط الناس وغیر هم و این مرتبه مشتملست بردوصنف و مضمونات که بعد از القاب وخطاب بدین دوصنف نویسند (صنف اول مشتمل برسی و هشت فصل وصنف دوم مشتمل بر دوازده فصل است) **مرتبه چهارم** : در مکاتبات مقربان سلاطین وامراء و وزراء وخوانین و خدم و ارکان دولت و ملوك ولایات وسادات و مشایخ وقضاة و غیر هم ومضمونات آن وعرضه داشت رعایا بسلاطین وجواب آن ومحاضر و اجوبه و شرطنامه که نواب وعمال بسلاطین دهند وجواب وتذکرة که بامرا ووزرا و اعاظم مملکت نویسند واجوبه آن (این مرتبه مشتمل بر بیست فصل وهر فصلی بر دوصورت مکتوب وجواب وهر صورتی مشتمل برسه نوع است) .

قسم دوم : دراحکام دیوانی وتفویض اعمال بامراء مغول ووزراء ونواب وبواب سلطنت واستیفاء ممالك و الخ تبیگچی ونظارت واشراف وحکمی وانشاء ونیابت وزارت و دفترداری وحکومت ومتصرفی ولایات وقانون یاسامیشی و تعدیلی وخرز و تخمین و احصاء مواشی و اسفهسالاری و امارت عسس وملك التجاری وحکومت دارالضرب و معیری وصاحب جمعی اموال ومناصب قلمی ولایت و عمارت بایران وکاروان سالاری و ریاست و تولیت قضایاء شرعی ازقاضی القضاتی ممالك و قضایاء ولایات و نقیب النقبائی وحکومت اوقاف سادات واوقاف ممالك و امارت محمل و وفد حجاج و تدریس وخطابت و احتساب و اعادت و نقابت وشیخی خانقاه وانبات صوفی درخانقاه وساغوری بیمارستان و کتابت دارالقضا وامین آنجا و مورخین حجج و قبالات وعامل زکوات وحکومت بیت المال ومتصرفی جزیه و تفویض امامت و اذان واحسان ورعایت مصلحین وتهدید وسیاست مجرمان ولوازم و لواحق آن (این قسم دوم مشتمل بردوباب ، باب اول آن درسه ضرب و مجموعاً در پنجاه و شش فصل و باب دوم در دو ضرب در بیست و دوفصل مرتب گردیده است) .

مطالب فوق چون مشتمل بربیان مندرجات وطرز کتاب بود عینا نقل گردید تا مطالعه کنندگان بخوبی دریابند که در این کتاب چه مباحثی هست و برای دانستن و پی بردن به کیفیّت انشاء و القاب و اطّلاع بر تشکیلات آن عصر و حتّی حدود و ثغور دولت شیخ اویس از کتب خوب و نفیس میباشد و مؤلّف در طیّ منشآت به اشعار عربی و فارسی بسیار تمثّل جسته و در خاتمهٔ کتاب قصیده ای در مدح شاه اویس از انشاء خویش ضبط نموده و این کتاب تقریباً در حدود (۲۳۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله تحمیدی که ستّار فهم دوربین بمراحل ومنازل آن راه نیابد الخ.

(۷٦۱)

دستور الکاتب فی تعیین المراتب

این نسخه نستعلیق بد خطّی است ، یك یاچند صفحه از آخر آن افتاده ، نام کاتب و سال کتابت در صفحات موجود نیست ولی از رسم الخط چنین بر می آید که در قرن هشتم یا اوائل قرن نهم نگاشته شده و اوراق آن بدون ترتیب صحافی گردیده وچنانکه در آن مطالعه شد پاره‌ای ازاوراق هم افتاده است و از ابتداء و انتهاء آن هم پاره ای از برگها وصالی دارد ، پشت صفحهٔ اوّل از حسن بن محمّد مدعوّ بحکمی که از نویسندگان دستگاه سلطنتی بوده یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۱۲ نوشته شده و قسمت اوّلیّهٔ آن محو گردیده و فقط نام نگارنده وسال تحریر خوانده میشود ونیز در ذیل آن یاد داشتی است که قسمتی از آن رادست روزگار محو نموده وعبارات خوانای آن اینست : (مدّ اعاره الدهر علی افقر عباد الله ..... المدعوّ بمحسن احسن الله تعالی .....) و چنین بنظر میرسد که نویسندهٔ آن مرحوم ملاّ محسن فیض ره بوده و آخرین سطر نسخه این بیت از قصیده ایست که مؤلّف در مدح پادشاه در خاتمه گذارده است :

بدخواه تست همچو خزان ای بهار ملك وزباد سرد خویش جو برگست در خزان

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲۲۸) . صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۳) .

[۳۱۰] رسم الخط آخوند زاده (فارسی)

این رساله یکی ازنوشتهای آخوند زاده آذربایجانی ره میباشد (میرزا فتحعلی بن میرزا محمّد تقی بن حاجی احمد ۱۲۲۷ - ۱۲۹۵)(۱) که یکی از دانشمندان ایران و ساکن تفلیس بوده و همانجا وفات کرده ، چندی تحصیل علوم قدیم و

(۱) شرح حال آخوند زاده را فقط ازص ۲ تا ۸ دانشمندان آذربایجان تالیف آقای تربیت گرفته ام و درمکتوب خود بوزارت علوم ومعارف ایران که درحرف (م) همین فصل آن را خواهیم نگاشت خودرا شیعه معرفی میکند و آن جمله اینست : مکتوب من که از متوطنین خاك قفقازم و از جهت اسلامیت ومذهب باملت ایران برادری دارم الخ .

جدید نموده و در اواخر عمر مترجم السنه شرقیّه در پیشگاه جانشین قفقاز بوده و در همین اوقات چنانکه از ابتداء این رساله و کتاب معلوم میشود بدین خیال افتاده که ملّت اسلام از سایر ملل مخصوصاً غربی ها عقب افتاده و بایستی آنهارا آشنا بتمدّن غربی نمود و در این خصوص شروع بنگارش کرد و آداب واخلاق و رسوم ملل اسلامی را مورد بحث و انتقاد خویش قرار داد ونوشتهای او بزبان فارسی و عربی و ترکی بود و از آنجمله یکی کتاب« **تمثیلات** » بزبان ترکی میباشد که‌مشتمل بر هفت نمایش یاداستان است و نسخه ای از آنرا که‌خود آخوند زاده در تفلیس باعتضادالسّلطنه علیقلی میرزا اهداء نموده و پشت آن یادداشت کرده اینك در این کتابخانه در تحت شمارهٔ (۲۸۸۸) موجود است و چنانکه در « دانشمندان آذربایجان » نگاشته شده میرزا جعفر قرچه داغی آنرا بفارسی ترجمه و در سال ۱۲۸۸ در طهران چاپ شده و بزبان روسی وانگلیسی و فرانسوی و آلمانی نیز ترجمه گردیده است .

ودیگری از مؤلّفات آخوندزاده خطابه هائی نظیر **صدخطابه** میرزا آقاخان کرمانی است که سرمشق کرمانی بوده و نسخه ای از آن بگفته آقای تربیت در کتابخانهٔ مرحوم نصیرالدّوله وزیر معارف در طهران موجود میباشد . ودیگری « **تلقین‌نامه** » بعربی که از منشآت سیاسی مؤلّف در آخر عمر بوده و در قسمت فارسی روزنامه ارشاد در باکو (بادکوبه) چاپ شده ودیگری‌مکتوبی است که درنقد و انتقاد مطالب روزنامهٔ ملّتی درسال ۱۲۸۳ نوشته ونسخه ای ازآن تحت شمارهٔ (۲۷۷۶) در این کتابخانه میباشد و نیز در حرف میم این فصل آنراذکر خواهیم‌نمودودیگری‌رساله‌ایست که درانتقادازانشاءمجلّدات‌سه‌گانه روضة‌الصّفای ناصری در سال ۱۲۷۹ نوشته و نسخه ای از آنرا آقای تربیت دارند و دیگری همین رساله درمعائب خط اسلام ومقدّمه ومؤخّره آنست که ذیلاً ازآن‌نام میبریم و بهتر آن‌دیدم که‌عین عبارت دانشمندان آذربایجان‌راکه مطالب مذکوره‌منحصراً از آنجا گرفته شده در اینجا بیاورم وآن اینست :

زبدهٔ آثارآخوند زاده‌الفبای‌اختراعی اوست که‌بجای الفباء حاضرهٔ اسلامی درسنهٔ (۱۲۷۴)

از ترتیب و تألیف آن فراغت یافته ودورساله دیگری هم در تاریخ خطوط ومعائب الهباء جمع کرده ومحاسن الهباء اختراعی خوددرسنوات ۱۲۸۰ و۱۲۸۵ بزبان ترکی وپارسی تصنیف نموده در اول رساله ثانی شمارهٔ (۷۶۳ ذیل) چنین گفته است : «بنابرقصورات الهبا باسلام سیاقیکه در دیباچهٔ کتاب اول خود تصریح کرده‌ام من الهباء جدیدی بروضع خط قدیم اختراع ونقطه هارا کلاً ساقط واعراب رادر پهلوی حروف صامته مرقوم نمود ، اول این رسم جدید را بواسطه قنسول دولت علیه ایران در تفلیس میرزا حسینخان بنظر اولیای دولت علیه ایران معروض داشتم وبعد یك جلد دیگر از آن رسم جدید برداشته درسنهٔ ۱۲۸۰ عازم اسلامبول شدم . . . . . ، آخوندزاده درتاریخ مزبور که بشهر اسلامبول سفر کرده است پیشنهادی در این باب بدولت علیهٔ ۲۰ صفر ازهمان سال میباشد به فؤاد پاشاصدراعظم دولت عثمانی تقدیم داشته و این مذکرهٔ را ۱۴ مجموعه فنون جمعیت عثمانی منتشره در این تاریخ چاپ شده است ، ازقرار معلوم میرزا حسینخان مرحوم که در آن وقت سفیر ایران درپایتخت عثمانی بوده است این اقدام آخوند زاده را دردربار عثمانی عقیم گذارده و آن مرحوم بدون اخذ نتیجه بقفقاز برگشته ، هجوی هجو آمیزی قریب بهشتاد بیت راجع باین مسافرت خود منظوم ساخته و در آن چنین گفته است :

که ناگاه یك مردك زرد چهر — بخام مرادم بر آمیخت زهر
به پیش وزیران ورا راه بود — مرا دشمن دین و دولت نمود
ازو هیچ شد رنج ده ساله ام — شنید آسمان از زمین ناله ام
بنا چار برگشتم از خاك روم — که ماندن در آنجا مرا بود شوم

از کتاب ثانی آخوند زاده چنان مفهوم میشود که پس ازمراجعت از اسلامبول بواسطهٔ بروز پسرش مدتی پریشان حال گشته ودیگر به پیشرفت الهباء خود اقدامی ننموده ، نسخه در آن اوان نسخه ای از الهباء اختراعی میرزا ملکم خان که دوروپس طبع ومنتشر شده ، برای آخوند زاده فرستاده بوده است دو باره اورا بحرکت انداخته ورسالهٔ ثالثی از تراوشات خود را با دورسالهٔ دیگر که یکی از آنها پیشنهاد اولی و صورت خط مختصر پیشنهادی عبدالعزیز بوده و دیگری عبارت ازتاریخ مختصر خطوط قدیم وبعضی معایب الهباء اختراعی خود او میباشد همه را باخط و امضای شخصی درسنهٔ ۱۲۸۵ بوزارت معارف ایران تقدیم داشته است که الحال این نسخه هاعیناً درضمن کتب موقوفهٔ اعتضادالسلطنه مرحوم که بکتابخانهٔ سپهسالار (دانشکدهٔ معقول ومنقول) افزوده اند موجود بوده و قابل استفاده است . انتهی .

(کتب مرحوم اعتضادالسلطنه را مرحوم سپهسالار بخانهٔ مدرسهٔ خود وقف کرده است وخصوصیات نسخ مذکوره چنانست که ذیلاً مذکور میشود).

آغاز : بوزارت علوم اعلیحضرت شاهنشاه ایران خلدالله ملکه ـ از مصر جمالهٔ شرقیّه درخدمت حضرت افخم جانشین قافقازمیرزا فتحعلی آخوند زاده ـ معروض ـ

نامه است بنابر قصورات الف‌باء اسلام بسیاقیکه در دیباچهٔ کتاب اوّل خودم تصریح کرده ام الخ .

(۷۶۲)

رسم الخط جدید آخوند زاده

این نسخه که بخط نستعلیق در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده، از قرائن بدست میآید که خط خود آخوند زاده است و در آخر امضاء اورا دارد ومشتمل بر کاغذ ومکتوبی است که آخوند زاده ازتفلیس در خصوص تغییر خطّ بوزارت علوم آن عصر نگاشته ، چند ورق کاغذ ننوشته در ابتداء وانتهاء نسخه میباشد وآغاز آن چنانست که در بالای این نسخه نقل گردیده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری بزرگ . شمارهٔ اوراق (۲۰) . صفحه (٦) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۸) .

(۷۶۳)

رسم الخط جدید آخوند زاده

این نسخه مشتمل بر اشکال حروف جدید وترکیبات آن میباشد، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده ولی پیداست که نویسنده همان کاتب نسخهٔ سابق میباشد ودر سال ۱۲۹۲ داخل کتابخانهٔ اعضادیّه شده وچند ورق کاغذ ننوشته دراوّل وآخر دارد ولی این نسخه دارای مقدّمه ایکه در مقدّمه نسخه فوق بدان اشاره نموده نیست و اگرچه بایستی این نسخه را مقدّم ذکر نمود چراکه مؤلّف این را کتاب اوّل معرّفی نموده امّا نظر باینکه نسخه فوق مقام مقدّمه این نسخه را دارد مقدّم گردید .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری بزرگ . شمارهٔ اوراق (۷) . صفحه (۱۲) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۹) .

(۷٦٤)

رسم الخط جدید آخوند زاده

این نسخه که بخطّ نستعلیق نگاشته شده وکاتب آن نویسندهٔ دو نسخه پیش است مشتمل بر سواد تقریر مطبوع جمعیّت علمیّه عثمانیّه در خصوص الف باء و رسم الخطّ آخوندزاده

و سواد فرمان سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی و سواد شرحیکه مؤلف بجمعیّت علمیّه عثمانیّه در جواز شرعی تغییر خطّ اسلام و تاریخچهٔ مختصری از خطوط اسلامی است میباشد و در ذیل سواد تقریر مذکور سرتیپ دوّم علیخان ژنرال قنسول دولت ایران در تفلیس مطابق بودن آنرا با اصل بخطّ خوب خود نگاشته و در آخر نسخه میرزا فتحعلی آخوند زاده امضاء کرده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۲) صفحه (۱۲) سطر . طول (۲۸ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۲) .

[۳۱۱] سفینة الانشاء یا تذکرة الشباب (فارسی)

این کتاب پاره ای از انشاآت فروغ اصفهانی زده است (میرمحمد مهدی بن محمدباقر اصفهانی نائینی) که از شعراء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری بوده (از اوائل سلطنت فتحعلیشاه تا چندسال از سلطنت ناصرالدّین گذشته) و در دربار سویسندگی اشتغال داشته و از این کتاب معلوم میشود که شاگردی آقا محمدکاظم والهٔ اصفهانی متوفّی بسال ۱۲۲۹ را نموده و از کتاب « صحائف العالم » وی معلوم میشود که باصطلاحات حکما آشنائی داشته و پیرو مرحوم شیخ احسائی و مرحوم سیدکاظم رشتی بوده است .

چنانکه در دیباچهٔ کتاب نگاشته شده اسدالله منشی نائینی با اجازهٔ خود فروغ بنظم و ترتیب نگارشات ایشان پرداخته و آنرا بفصول ذیل تقسیم و نام آنرا «سفینة الانشاء» گذارده و در اینجا نام فروغ را میرزا محمّد منشی نائینی نوشته و در آخر اشعار تخلّص وی فروغ ثبت شده ولی در ذیل کاغذی که فروغ بمیرزا محمّد تقی فرزند خویش نگاشته (ص۲۵۷ سفینه) اصفهان را وطن خود خوانده بنا بر این معلوم گردید که فروغ اصفهانی است و مرتّب کتاب چون خود نائینی بوده افتخارا ایشان را بنائین که شاید وطن اصلی فروغ بوده نسبت داده است .

در ص ۲۰۶ کتاب المآثر والآثار که فقط تاریخ چهل سال سلطنت ناصرالدّین شاه از (۱۲۶۴ تا ۱۳۰۵) میباشد و مجمع الفصحاء (ج ۲ ص ۳۹۶) ذیل شعرای معاصر

متخلّص بفروغ را فقط میر محمّد مهدی اصفهانی دانسته و گویند با منصب استیفا بتألیف رسائل و نظم اشعار روزگار میگذرانید ودرمجمع الفصحا کتاب «صحائف العالم»(۱) را با داشتن در حدود دویست هزار بیت کتابت و«تذکرة الشّباب» را با اشتمال آن برنامهای تازی و پارسی و قصائد عربی و عجمی و محتوی بودن بر حالات او بوی نسبت داده و بعقیدهٔ نگارنده «سفینة الانشاء» مرتّب شدهٔ همین تذکرة الشّباب میباشد و جملهٔ ذیل این اعتقاد را تأیید و اثبات مینماید (در ص ۲۰) درذیل تاریخ فتحعلیشاه گوید: (اگرچه استیفاء تمام انواع نیز ممکن نیست بذکر بعضی این تذکره را مطرّز میدارد الخ.) وکتاب دیگری را نگارنده ازاین فروغ بنام «فروغستان» درعلم سیاق با مقدّمات خوبی درمطالب متنوّعه باشرح وبسطی نیکو سراغ دارد که نسخه‌ای از آن درکتابخانهٔ معارف ونسخهٔ دیگر درکتابخانهٔ این مدرسه موجود ولی دو نسخه اندك تفاوتی دارند باین معنی که نسخهٔ مدرسه پس از نسخهٔ اوّلی نوشته شده و درتقسیمات و مطالب آن تجدید نظر گردیده و تاریخ تألیف آن سال ۱۲۵۸ و بنام محمّدشاه قاجار میباشد ونسخهٔ کتابخانه معارف بسال ۱۲۵۹ نوشته شده و مؤلّف در آنجا خود را محمّد مهدی بن محمّد باقر اصفهانی متخلّص بفروغ معرّفی کرده است.

اسدالله مذکور نام فروغ را چنانکه گذشت درابتداء کتاب میرزا محمّد نوشته و پشت صفحهٔ اوّل بسال ۱۲۹۷ بنام کتاب انشاء میرزا مهدی منشی وقف شده واین دو اختصار درذکراسم موجب شبهه در نام اصلی فروغ نخواهد بود و امثال این اختصار از نویسندگان بسیار و معلوم است که اگر در یك عصر دو شاعر

(۱) یك دفتر ازدودفتر (باستثناء یك قسمت از آخر آن) صحیفهٔ پنجم از کتاب صحائف العالم فروغ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی تحت شمارهٔ ۲۵۹ کتب خطی موجود است و از مطالعهٔ این کتاب اطلاعات تاریخی ودینی و فلسفی مؤلف بدست میآید واز فحوی کلام معلوم میشود که از پیروان مرحوم شیخ احسائی ره بوده و ازمرحوم سیدکاظم رشتی مکرراً نقلهائی نموده است و نسبت بصوفیه تاخت آورده و در ذیل شرح حال بزرگان آن طریقه چون مولوی و شیخ عراقی و کرمانی مخالفت آنها را با ظواهر شرع یاد آور شده و در ابتداء کتاب ادیان وملل غیر از اسلام و شعب مسلمانان را یاد آور گردیده و پس از فراغ ازبیان فرق اسلام دو مناظره را که یکی مناظره فضال با ابوحنیفه امام اعظم اهل سنت ودیگری مناظره شیخ حسین بن عبد الصمد عاملی پدر حضرت شیخ بهائی را که باعلماء حلب میباشد و بسال ۹۵۱ اتفاق افتاده نقل نموده است.

فروغ تخلّص و هر دو اصفهانی و مستوفی دربار سلطنتی وجود داشت مورّخی چون صاحب‌المآثر والاثار که مخصوصاً بنایش بر معرّفی از این گونه افراد میباشد و حتّی درباران و چراغچیان آندوره را نام برده و تذکره نویسی چون صاحب مجمع‌الفصحاء که هردونیزدرباری ومعاصربوده‌اند بذکراوو بیان آثارش مبپرداختند و بسیار دور است که منشی توانائی چون فروغ را با وجود شاعری و نویسندگی این دونویسنده معاصروی‌نام‌نبرند ، بنا براین‌میرزا محمدمهدی فروغ را که‌نام برده‌اند صاحب و منشی منشآت سفینة‌الانشا است .

تذکّری راکه بایدداد این‌است که درمجمع‌الفصحاء تولد فروغ را بسال۱۲۲۳ نوشته در صورتیکه در این کتاب (سفینة‌الانشاء) انشاآتی بسال ۱۲۱٤ و ۱۲۱٦ و ۱۲۱۹ درص۳٤-۳۷ ، ۲٤٤-۲٤٦ و۲۵۵ موجودو گذشتهاز آنها فروغ سال ولادت خودرا دراین بیت معین نموده :

شمارعمرزهفتادوشش گذشت ومرا [illegible] نظر هنوز بخوبان چهارده ساله است

و پس از یکی دو بیت نیز گوید:

بماتمند خلایق زنالهای فروغ [illegible] مکن بماتم‌فتحعلی‌شهش‌نالان

و چون میدانیم که این پادشاه بسال ۱۲۵۰ وفات یافته نسبت میدهد کهتولّد فروغ بسال۱۱۷۳ بوده‌است ودومؤلّف مذکور فوق سال‌وفات‌وی‌را اشتباه نکرده‌اند ولی در مجمع‌الفصحا این بیت که میرساند تا سال ۱۲٦۷ فروغ زنده بوده ثبت است :

بنگاشت فروغ بهر تاریخ [illegible] این کاخ لقا بشاه میمون . ۱۲٦۷

وتاریخ تحریر نسخهٔ سفینة‌الانشاء سال ۱۲٦۹ میباشد و قرینه اینکه کاتب در ابتداء کتاب پس از نام منشی آن (فروغ) مد ظلّه‌العالی نگاشته و پس از ختم کتابت چون خواسته که عناوین را با سرخی چنانکه معمول کتاب میباشد بنگارد پیش از بسمله چنین نگاشته : (کتاب منشآت مرحوم جنّت مکین آقا میرزامحمّد منشی تائینی .) پس ازاین همه جا درعناوین مطالب رقوم رحیم نموده و در کتاب گنج شایگان که در تذکره شعرائی است که میرزا آقاخان صدر اعظم نوری را مدح گفته اند و بسال ۱۲۷۳ تألیف گردیده نام این شاعر و شرح حال او با دو

قصیدهٔ فارسی و عربی در مدح صدر اعظم مذکور و تهنیت عید اضحی ذکرشده و قطعه ای هم‌دربنای‌عمارت‌نظامیّه درشهرطهران‌بسال ۱۲۷۲ که‌اینك مهمانخانه ای بنام «لقانطه» در آن دائر است ازوی ثبت گردیده و مادّه تاریخ آن این است:

تاریخ زانجام گرفتیم‌خرد گفت ☆ ازقصر نظامیّه شکست‌اوج‌حنانی = ۱۲۷۲ .

و در آنکتابست:

«از آنجا که آنجناب (مراد میرزا آقاخان است) مراتب فضل وی نیکومیداست بحضرت خویش بخواست و پایهٔ جاهش باندازهٔ که شایست برافزود و برجوع خدمتی بزرگ ومهمی خطیر از دیوان مامور و سپردهٔ جناب‌جلالت نصاب اجل امجد نظام‌الملك (پسر میرزا آقاخان صدراعظم است) آمد و هم اکنون در آن درگاه درپناه نعمت و راحت وآسوده فراغت واستراحت است . »

سفینة‌الانشاء یکی‌از کتب ادبی و تاریخی است وبعقیدهٔ نگارنده ازنسخهای نفیس این کتابخانه میباشد و بسیاری از اطلاعات تاریخی را متضمّن و قدیمترین انشاء با تاریخ فروغ در این کتاب انشائی است که بسال ۱۲۱٤ نگاشته (ص ۳٤ – ۳۷ سفینه) وآخرین‌انشاء باتاریخ وی مقدّمه ایست که بر وصیّت نامه (ص۱۵٤– ۱۵٦ سفینه) میرزاابوالحسن‌خان‌شیرازی وزیردول‌خارجه‌بسال ۱۲٦۰ نگاشته‌است و فهرست مطالب و فصول کتاب چنانکه مرتّب درمقدمه گفته اند این است :

فصل‌اول : پاره‌ای‌از وقایع بطرزتاریخ مرقوم داشته‌اند‌در این فصل‌شرح‌مبسوطی ازتاریخ فتحعلیشاه و قسمتی از اشعار او و تاریخچهٔ ایل قاجار و کیفیت سلطنت آنها تا مردن این پادشاه ووقائع مهمه وعهد نامها و بعضی از منشآت که درآن اوان انشاء کرده است ثبت‌شده .

فصل‌دوم : نامه ها و مراسلاتی‌است که از جانب سلاطین‌واولیای دولت‌ابدمدت قاهره ایران بدول خارجه نگارش یافته .

فصل سوم : قبالجات و دیباجه و شروحی چند که در عنوان و ظهر پاره ای کتب و غیره مرقوم شده .

فصل چهارم : رسائل وفرامین سلاطین‌دولت علیه (دراین فصل فرمان ولیعهدی محمدشاه و ناصرالدین شاه که هرد و از منشات فروغ میباشد ثبت گردیده و جوابهائی که فتحعلیشاه بعلماء اعلام‌معاصر خویش بقام‌فروغ نوشته نیزدر این فصل است و از آنها جوابی است که به جناب شیخ احسائی ره بعربی نوشته است (ص ۱٤٦ و ۱٤۷ سفینه)(از اینکه تاریخ بعضی

از فرامین که با نشاء فروغ نگارش یافته سال ۱۲۲۵ میباشد و از انشائیکه در فصل اول بود دانستیم که در سال ۱۲۲٤ در اصفهان بوده واز طرف مرحوم واله مراسله‌ای نگاشته معلوم میشود ابتداء ورود وی بانشاء دردستگاه سلطنتی سال ۱۲۲۵ بوده است) .

فصل پنجم : مراسلات و عریضجات (دراین فصل آنچه از طرف خود و دیگران نگاشته مندرج است) .

فصل ششم : اشعاری چند برسبیل نمودار (در این فصل اشعار تاریخی و ترجیع بند موشح باسم فتحعلیشاه وغزلیاتی که نیز درمدح وتعریف این پادشاه گفته واشعار متفرقهٔ دیگری است) .

از آثارشعری فروغ در دورهٔ محمّد شاه وناصرالدّین‌شاه چیزی دراین کتاب نیست ولی در مجمع الفصحاء و گنج شایگان مختصری موجود است .

این کتاب درحدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت دارد(۱) .

آغاز : بسمله منشیان فصیح‌اللّسان را فروغ انجمن مرّیان ستایش فرماندهی است الخ .

انجام : عروس ملك بامّید رجعتش تاحشر

نشسته چشم براه خطیب و دلاله است(۲)

اللهمّ اغفرلی ولوالدیّ ولاخوانی المؤمنین والمؤمنات درروز پنجشنبه دوازدهم شهر ذی‌قعدةالحرام هزار و دویست و شصت و نه ۱۲۶۹ مسلّمت میباید(۳) بنده ذلیل اسدالله نائینی .

(۷٦٥)

سفینة‌الانشاء این نسخه را بخطّ شکسته نستعلیق خیلی خوب جامع و مرتّب آن اسد الله نائینی در سال ۱۲۶۹ نگاشته و عناوین مطالب بشنجرف نوشته شده وبا تفحّص ممکن نسخهٔ دیگری از آنرا نیافتم .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۲۹) . صفحهٔ (۱۷) سطر . طول (۳۵ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۱ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷٦۹) .

(۱) مطالب راجعه بفروغ ازالمآثر والآثار ص (۲۰٦) ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص (۳۹٦) و گنج شایگان ص (۳۵۲ - ۳۵۸) و خود سفینة‌الانشاء استفاده شده است .

(۲) این آخرین شعر غزلیست که دو بیت آن نیز در ص (۳۰) نقل گردیده است .

(۳) عین عبارت آخر نسخه‌است .

[۳۱۲] شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

این شرح ازملاّ ابوالحسن عاملی رحمة الله علیه است (ابوالحسن بن محمّد طاهر بن عبدالحمید بن موسی بن علی بن معتوق بن عبدالحمید عاملی اصفهانی نجفی) که ازعلماء و فقهاء امامیّه در قرن دوازدهم هجری بوده و جدّ مادری صاحب جواهر میباشند ومادر ایشان خواهر امیر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی بوده و بدین سبب در اجازات و آخر مؤلّفات خود را شریف معرّفی نموده اند و از مؤلّفات این عالم جلیل یکی **فوائدغرویه** است که مشتمل بر دو مقصد و هریك دارای دوازده فائده از مسائل اصول دین واصول فقه میباشد و قسمت دوّم آنرا که بخط مؤلّف بوده صاحب روضات داشته وتاریخ تألیف آن قبل از ظهر روز ۱۷ جمادی الثانیه سال (۱۱۳۱) (۱) ضبط شده است بنابراین معلوم میشود که تااین سال شارح در قید حیات بوده و دیگری کتاب « **مشکوة الانوار** » در تفسیر قرآن کریم میباشد که پس از مجلّد اوّل آن که در مقدّمات تفسیر وعلوم متعلّقه بقرآن میباشد جز اندکی از آن تألیف نگردیده و بنای مؤلّف بر آن بوده که قرآن را بنحوی که در اخبار امامیّه وارد شده تفسیر نماید و دیگری **رساله دررضاع** میباشد که صاحب حدائق بگفته خود ردّی برآن نگاشته وشرحی بر کفایه سبزواری نگاشته و این شرح از ابتداء کتاب متاجر تألیف گردیده چنانکه در ذیل شرح کتاب کفایه در ص (۵۰۵) ج ۱ گذشت وشرحی برمفاتیح فیض بنام « شریعة الشّیعه و دلائل الشریعه » نگاشته اند و بگفته صاحب لؤلؤتی البحرین که قسمتی از آنرا دیده بوده تاریخ تألیف آن سال ۱۱۲۹ میباشد و دیگری این شرح است (شرح عهدنامه مالك اشتر) که با بتصریح مؤلّف در ص (۹) نسخهٔ ذیل نام آن « نصایح الملوك و آداب السّلوك » گذارده شده و آنرا بنام شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده و چنانکه از تاریخ کتابت نسخهٔ ذیل نیز معلوم میشود بسال

(۱) تاریخ تالیف راصاحب روضات درحاشیهٔ ص ۱۱۹ ج ٤ از آخر نسخه چنین نقل نموده: فی الثلث الثانی من الیوم الثانی من النصف الثانی من الثلث الثانی من الشهر الثانی من الثلث الثانی من السنة الثانیه من بعد الثلثة الثانیة من العشر الثانی من الالف الثانی من الهجره .

۱۱۱۸ یا پیش از آن تألیف گردیده و هیچیك از صاحب روضات (ج ٤ ص ۱۱۹) و صاحب لؤلؤ (ص۷۳) که بشرح حال ومؤلّفات ایشان پرداخته و مطالب فوق بامراجعه بآنها نگاشته شده از این شرح نام نبرده‌اند و مؤلّف این شرح را در مقدّمه‌ای و پنج باب مرتب نموده وهریك از مقدّمه و ابواب را در ذیل نصائحی بانجام رسانده و فقط بترجمهٔ فارسی عهد نامه آن هم قسمت قسمت اکتفا نموده وبرای ایضاح مطالب گاهی حکایاتی آورده است ودرحدود (۳۲۵۰) بیت کتابت این شرح میباشد .

آغاز : بسمله حمد بیحد وثنای ببعد قادریرا رواست الخ .

انجام : واگرنفعی از آن برنداین محرم عاصی‌را بدعائی یادآورند انه‌القریب المجیب والحمدلله رب‌العالمین والصّلوة والسّلام علی خیر خلقه‌محمد و آله‌الاقدمین اجمعین وسلّم تسلیماً کثیراً فی ۱۱۱۸ .

(۷٦٦)

شرح عهدنامه مالك اشتر این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۱۱۸ نگاشته شده پشت صفحهٔ اوّل و بر خود آن یادداشت‌هائی بوده آنهارا محو کرده اند ، ورق اوّل و آخر وحواشی گردیده ، پاره ای از کلمات سیاه و چرك شده و صفحات بجدول طلا میباشد .

جلدتیماج . کاغذسمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۰) صفحهٔ (۱۱) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹٤٦) .

[۳۱۳] شرح غررالحکم و دررالکلم (فارسی)

این شرح را بفارسی آقا جمال خونساری ره متوفی بسال ۱۱۲۵ که از علماء نامی امامیّه بوده ودر ص ۱۸ و ۳۹۱ و ٥٦٤ ج ۱ این فهرست بشرح حال خونصری ازایشان وپاره‌ای ازمؤلّفاتشان پرداخته شد بر کتاب «غررالحکم ودررالکلم» آمدی که در همین فصل از آن نام خواهیم برد و معرّفی کامل از آن خواهیم کرد نگاشته اند .

بعضی این کتاب را ترجمه معرّفی نموده و مولّف خود نیز در خاتمه قسمت

دیگر این کتاب که ذیلاً از آن نام میبریم آنرا ترجمه نامیده ولی درمقدّمه مجلّد اوّل گفته است:

« ودر عبارات غامضه و فقرات مشکله آن که محتاج باشند بکشف و بیان اکتفا بترجمه ننموده وبروجهی که باید تقریر و تفسیر مراد و ایضاح و افصاح مقصود نماید ، لاجرم با وجود عدم استطاعت و قصور بضاعت بحکم المأمور معذور بشرح کتاب مزبور بر نهجی که منظور خاطر ملکوت ناظر والا و مطمح نظر اندیشه جهان پیما بودپرداخت » .

وگذشته ازاین چون بخود کتاب مراجعه می کنیم معلوم میشود که مؤلّف پس از نقل عبارات وکلمات و ببارسی ترجمه کردن کلمات بشرح وبسط وتحقیق در آنها پرداخته واز کتب خوب فارسی است .

صاحب روضات در ص ۱۵۵ ج ۱ نگاشته‌اند که این شرح دردو مجلّد است ولی در آنجا وجای دیگر نیافته‌ام که آیا شارح موفق باتمام این شرح شده اند یانه فقط دونسخه از این شرح را نگارنده دیده یکی نسخه ذیل است که متعلّق باین کتابخانه است ودیگری متعلّق بآقای تربیت (محمدعلی) میباشد که ازابتداء شرح حرف الباء تا آخر حرف الکاف میباشد و درخاتمه آن چنین نگاشته شده :

وسیلهٔ رستگاری ودست آویز رحمت کردگاری نصیب شده باتمام این اجزا که مجلد ثالث (۱) ترجمه کتاب مسطور است کام تمنا یافته چون بنا بر عزم سفر حج بیت‌الله حرام از سعادت ادراک ما بقی که وجههٔ همت است بازماندرجاء واثق وامل صادق است که بعون الله وحسن تأییده ادراک هریك از مقصدین میسر و محصل گردد کتب ذلك حامداً لله رب العالمین ومصلیاً علی خاتم النبیین وآله الطیبین الطاهرین فی اواخر شهرشعبان المعظم من شهورسنة ۱۱۱۳ من الهجرة النبویه علی هاجرها اکمل الصلوة واشرف التحیة . انتهی .

و بقرائن مذکوره فوق احتمال میدهم که شارح موّفق باتمام این شرح نفیس نگردیده وکلیّه این دو مجلّد موجود در حدود (۵۵۰۰۰) (۲) بیت کتابت دارد و ظاهراً کاتب نسخه آقای تربیت همین نویسندهٔ نسخه مدرسه است .

(۱) درنسخه مذکور فوق مجلد ثالث نوشته شده ولی ظاهراً کاتب سهو کرده و صحیح آن مجلد ثانی باشد چرا که باتفحص بسیار در خود کتاب ابتداء مجلد دوم را نیافتم و صاحب روضات هم دومجلد بودن آن را تصریح کرده‌اند .

(۲) شمارهٔ ابیات مجلد اول تقریباً (۴۲۸۰۰) و مجلد دوم (۱۲۲۰۰) میباشد .

آغاز : بسمله غرر و درر الفاظ و معانی و سلسله آرای شاهد زیبای حمد وسپاس الخ .

(۷۶۷)

شرح غررالحکم و دررالکلم

این نسخه مجلّد اوّل و مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا آخر حرف الف میباشد بقرینه اینکه در حاشیه پاره ای از صفحات آن حاشیه هائی از مؤلّف بخط کاتب نسخه نگاشته شده و در ذیل آنها کلمه « منه سلّمه‌الله تعالی » یا « منه مدّ ظلّه‌العالی » تحریر یافته مسلّماً در زمان حیات مؤلّف یعنی پیش از سال ۱۱۲۵ نوشته شده ، ولی کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده ، عبارات غررالحکم (اصل کتاب) بخط نسخ و شرح آن بخط نستعلیق است ، محمّدحسین بن نورالدّین موسوی حسینی جزائری درلکنو از شهرهای هند بسال ۱۱۴۸ شرحی مبنی براینکه این نسخه قسمتی از ترجمهٔ غررالحکم آمدی و تألیف آقا جمال است پشت ورقیکه پیش از ورق اوّل کتاب است مرقوم داشته و نیز بر ورقیکه در آخر نسخه است شرحی مبنی بر تشرّف بزیارت این کتاب بدون امضاء بسال ۱۲۸۹ نوشته شده و شبیه بخط مرحوم حاج فرهاد میرزا معتمدالدّوله است و نیز در پشت نسخه یادداشتی مورّخ بسال ۱۲۷۳ بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب و بامضاء نصرالله موجود است .

جلدتیماجی · کاغذسمرقندی · واقف‌سپهسالار . قطع‌رحلی کوچك . شمارهٔ‌اوراق(۳۴۱).صفحه (۲۱ و ۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۳۰۷) .

[۳۱۴] **شرح مقامات حریری ـ شریشی** (عربی)

این شرح مقامات از شریشی ره است (ابوالعبّاس احمدبن عبدالمؤمن بن موسی بن عیسی بن عبدالمؤمن قیسی شریشی نحوی ۵۴۷ - ۶۱۹) (۱) که از مشاهیر علماء

(۱) معجم‌المطبوعات تولد این مؤلف را در سال ۵۴۷ و وفات را سال ۶۱۹ ضبط نموده بنا بر این عمر مولف ۱۶۲ سال خواهد بود ولی ظاهراً عدد چهار و پنج هفتم ومؤخر شده و سال تولد شارح ۵۴۷ بوده که بنا بر این عمر ایشان ۷۲ سال خواهد بود واین نزدیك تر بواقع است لذا بدینگونه آنرا ثبت نمودیم . [به متن صفحهٔ بعد رجوع شود]

ادب است و به شارح مقامات نیز در میان فضلاء معروف میباشد ، در نحو ولغت و ادب و عروض و انشاء دستی قوی داشته و مردی بلیغ و ثقه بوده از جمعی دانشمندان روایت نموده و بسیاری نیز از او روایت کرده اند ومؤلّفات او عبارتست از سه شرح بر مقامات بزرگ و متوسط وکوچك که نسخهٔ ذیل یکی از آنهاو همانست که چندبار در مصر چاپ شده وشرح **الایضاح** وشرح عروض الشّعر و **علل القوافی** و شرح الجمل و **مختصر نوادر القالی** و قصائد مشهورهٔ عرب **والتعلیقات الوفیه** که شرح **الدره الالفیه** ابن معط میباشد ودر آن تمام الفیّه مذکور را نقل نموده وغیر از اینها .

و در شریش (۱) در ماه ذیحجه ۶۱۹ وفات نمود نمود این شرح چند بار در دو مجلّد طبع گردیده است (۲) چنانکه از نسخهٔ ذیل معلوم میشود شرح اوّل شریشی است و در حدود (۴۲۶۰۰) بیت کتابت دارد و مشتمل بر حکایات و اشعار خوب فصحاء عرب و بیان معانی لغات مشکله و کلمات مستعمله در مقامات است و مطلبی را که محتاج بشرح و بسط بوده از آن نگذشته و چنانکه خود اشاره نموده از شروح دیگر استفاده‌ها نموده وچون چاپ شده محتاج بتعریف بیش از این نیست .

صاحب کشف الظنون گوید مختصر شرح مقامات شریشی ازشیخ شهاب الدّین احمدبن محمّد حجازی متوفی سنهٔ ۸۷۵ است و میتوان گفت که این مختصرشرح بر شرح شریشی است (ج ۲ ص ۴۹۸) .

[بقیه از ذیل صفحه قبل]

ونیز شارح را احمدبن عبدالمؤمن بن عیسی بن موسی بن عبدالمؤمن ضبط نموده در صورتی که درنسخ بغیة الوعاة وروضات الجنات که نقل از بغیه نموده موسی بن عیسی ثبت شده ولی درنسخه ذیل عیسی مقدم بر موسی ثبت گردیده است - معجم المطبوعات ص ۱۱۲۱ ، بغیة الوعاة در حرف الف روضات ص ۸۴ ، کشف الظنون ج۲ ص ۴۹۸ .

(۱) شریش که اول و آخرش شین معجمه است بفتح اول و کسر راء مهمله و یاء مثناة تحتانیه شهر بزرگی است از کوره شذونه ومرکز آنست واینك آنرا شرش گویند ، شذونه بفتح اول و پس از واو ساکنه آن نون شهری است در آندلس که متصل میشود اطراف آن بحدود موزور از توابع آندلس ، معجم البلدان ج۳ ص ۲۶۷ و ۲۸۵ .

(۲) مطالب فوق فقط از بغیة الوعاة ومعجم المطبوعات ترجمه گردید .

و صاحب کشف‌الظنون گوید که شرح متوسط این شارح بر مقامات مزجی و مشتمل برشرح لغات غریبه آنست و آنرا برحسب درخواست اهالی سجلماسه با عباراتی سهل نگاشته ، و آغاز آن این است : بسمله الحمدلله‌الذی علّمنا ما لم نکن نعلم الخ . واز شرح سوّم نام ونشانی ذکر نکرده معلوم میشود که از نظرش نگذشته بوده .

آغاز : بسمله (۱) الحمدلله‌الذی اختص هذه‌الامه بافصح‌الالسنه الخ .

انجام: اذا فکّرتُ في نَدَمی علیها * عَضَضْتُ انامِلی و قَرَعْتُ سِنّی

و هذا آخر شعر قاله ابوالعتاهیه و آخر شعر ختمت به‌الشّرح راجیا من‌ربی صفحه‌وعفوه والحمدلله‌اوّلاً و آخراً کما یجب‌بجلاله‌غفرانک اللهم‌تبارکت‌و تعالیت والحمدلله رب‌العالمین وصلّی‌الله علی سیّدنا محمّد و آله و صحبه و سلم .

(۷۶۸)

شرح مقامات حریری شریشی

این نسخه که مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پشت صفحهٔ اوّل شرحی نظما و نثرا بخط شکسته نستعلیق خوبی مبنی برتعریف وتوصیف کتاب تحریر گردیده ، کاتب‌خودرا یکی ازعمّال دیوان و مستخدمین دولت معرّفی کرده و در آخر شرح مهری بنام « موسی » زده شده و از تاریخ آن مهر معلوم میشود که از رجال قرن سیزدهم هجری بوده ، نسخه در سال ۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده وپشت ورق اوّل یادداشت گردیده‌است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی‌مهره زده . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۲۶) ، صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۵۵) .

(۱) در نسخهٔ ذیل‌پس‌از بسمله نگاشته‌شده : قال‌الشیخ الاستاد اللغوی النحوی ابوالعباس احمدبن عبدالمؤمن بن عیسی بن موسی بن عبدالمؤمن القیسی الشریشی رحمه‌الله‌علیه و رضوانه الحمدلله الذی اختص الخ . و نسخه چاپ شده ابتدا آن عینا ابتدا این نسخه است .

[۳۱۵] شرح مقامات حریری ـ مطرزی (عربی)
(الایضاح)

این شرح مقامات از مطرّزی ره است (۱) (ابوالفتح ناصربن ابی‌المکارم عبدالسّیدبن علی مطرّزی $\frac{۵۴۶}{۵۳۸}$ ـ ۶۱۰) که یکی ازفقهاء حنفی مذهب بوده و از ادباء نامی و نحویّین معروف و لغویّین مشهور می باشد و دراصول معتزلی است در خوارزم متولّد ودر همانجا بدرود زندگی گفته و اورا خلیفه زمخشری خوانند چرا که وفات او درسال ولادت این مؤلّف یعنی بسال ۵۳۸ بودو وابن خلّکان گوید که مطرّزی بضمّ میم و فتح طاء مهمله و راء مشدّده مکسوره‌و راء و یاء منسوب به کسی است که لباس را طرح زند وآنرا نقّاشی کند و نمیدانم آیا خود او بدین‌کار مشغول بوده یا یکی از اجدادش مطرّز بوده‌اند وخدا داناست . ولی سیوطی در بغیه گوید علی پسر مطرّز علم است نه وصف و پاره‌ای مؤلفات او عبارت است از **الاقناع** لماحوی تحت‌القناع در لغة ، **المعرب** (لغة فقهی) ، **المغرب** فی ترتیب‌المعرب **ومختصر اصلاح‌المنطق** (اصلاح‌المنطق تألیف ابن سکّیت‌است)و**مصباح**(۲)درنحو**و شرح‌مقامات‌حریری** که‌آنرا‌الایضاح(۳)نام‌نهاده

شارح پیش از آنکه شروع بشرح کلمات و عبارات مقامات نماید مقدّمه ای در مطالب معانی وبیان و بدیع ذکر وبرای هریك از مطالب مثالهائی از کلمات فصحاء و بلغاء سابق آورده و مخصوصاً مقیّد شده که از عبارات حریری

---

(۱) ابن خلکان چاپ طهران ج۲ ص (۲۸۰) ، روضات‌الجنات ج٤ ص ۲۲۳ ، الفوائدالبهیه ص ۲۱۸ ، بغیةالوعات ص (٤۰۲) ، معجم‌المطبوعات ص ۱۷٦۰ ، کشف‌الظنون ج ۱ ص ۱۱۲ و ۱۳۲ ج ۲ ص ٤٤۸ و ٤۷۱ و ٤۹۷ ، کتیه ولقب شارح در نسخهٔ کهنهٔ این کتابخانه مخالف آنچه موافق بامؤلفین سابق ثبت گردیده نگاشته شده ودرذیل اولین‌نسخه آنرا نقل کرده‌ایم وصاحب کشف‌الظنون دردوجای مجلد اول اسم مؤلف را ناصرالدین و در سه جای ازمجلد دوم مؤلف را ناصربن عبدالسید ضبط نموده است .

(۲) فقط در بغیه نام این کتاب «مختصرالمصباح» ثبت شده است .

(۳) کشف‌الظنون در ج۲ ص ٤۹۷ در ذیل‌شروح مقامات‌حریری نام این‌شرح را«الافصاح» نقل نموده و مسلماً غلط و تصحیف الایضاح است ودرحرف الف بعده الفا و الف بعده الیاء از آن کتاب مراجعه گردید این نام را در آنجا نیاورده بود درنسخه چاپ شده نام شرح ثبت نگردیده است ودرتاریخ آداب‌اللغةالعربیه ج ۳ ص ٤۸ نیز نام‌این‌شرح **الایضاح** است.

در مقامات حتماً استشهاد نماید پس ازاتمام این مقصود چند سطری درمعنی مقامه نگاشته آنگاه شروع درشرح خطبه کتاب نموده واز آن پس بشرح مقامات پرداخته (مقدّمات کتاب که آنرا رسالهٔ خوبی در فصاحت وبلاغت توان دانست ودر حدود (۱۰۰۰) بیت میباشد) وچون داخل در شرح مقامات شده کلمات مشکله را شرح کرده و امثال و حکایاتی را که حریری بدانها تمثّل جسته و یا بنقل آنها پرداخته تشریح نموده و برای توضیح کامل بعبارات صاحب صحاح و دیگر دانشمندان متوسل شده وبسیاری ازاشعار و کلمات بزرگان عرب را برای تأیید نظریه خویش آورده است وکلیّهٔ این شرح درحدود (۸۸۰۰) بیت میباشد

سال تألیف را شارح در آخر کتاب سنهٔ (۵۶۳) معین نموده ، درمعجم المطبوعات چاپ شدن آن تذکر داده نشده ولی بسال ۱۲۷۲ در طهران چاپ گردیده است.

آغاز : بسمله الحمدلله المحمود علی جمیع الآلاء المشکور بحسن البلاء الخ.

انجام : فاحمدالله علی الآئه المتظاهره واصلّی علی محمّد وعترته الطاهره و اسلم تسلیماً کثیراً.

(۷۶۹)

شرح مقامات حریری مطرزی

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده و بدکر آخرین عبارت مصنّف قناعت نموده ولی در حاشیهٔ آخرین صفحه نوشته شده : (بلغت المقابله بخط المصنّف) و از حرف آخر کلمه مصنّف اندکی محو شده واز طرز کتابت وکاغذ نیز بدست می آید که در قرن هفتم نگارش یافته وپشت صفحهٔ آخر وبراوراقیکه در آخر کتاب است یادداشتها ومهرهای قدیمی واشعاری عربی بخط نسخ ونستعلیق تحریر یافته ویکی از یادداشتها را محو کرده اند وهیچیك جز یادداشت اعتضاد السلطنه تاریخ نداشته وبیشتر از خطوط قرن هفتم هجری است، و سجع مهر مدوّری که بردوّمین ورق کتاب زده شده اینست . (حبیب الله محمود است از جان ۱۱ غلام شیخ ابراهیم سلطان) پشت صفحهٔ اوّل کاتب نسخه چنین نوشته: (کتاب الایضاح فی شرح المقامات الحریریّه تصنیف الشیخ الامام العالم الاجل برهان الدّین

ابی المظفّر ناصربن‌المطرّزی رحمةالله تعالی علیه .)و در آخر کتاب در آنجا که شارح میخواهد کلام خود را خاتمه دهد و میگوید قلت ، دراین نسخه کاتب نوشته : قال‌الامام‌الاجل برهان‌الدّین ابوالمظفر ناصربن‌المطرّزی رحمه‌الله قلت . واز اینجا معلوم میشود که یکی از پدران شارح به مطرّزی مشهور بوده و در نسخه مطرّزی بضم‌اوّل وفتح‌ثانی و کسر ثالث با تشدید وزای معجمه با یاء نسبت مشدّد تشکیل شده است و در نسخه دیگرپس ازبسمله اینست : یقول‌عبدالله‌المفتقر الیه ناصربن‌ابی‌المکارم‌المطرّزی‌تجاوزالله‌عنه،الحمدلله‌المحمودالخ.ونیز یادداشتی‌است که بخطّ شکسته نستعلیق نگاشته شده و امضاء آن غیاث الدین بن محمّد حسنی حسینی است‌و سجع مهرآن‌یاغیاث‌المستغیثین است وسال ۱۰۰۷ بر آن نقش شده و مسلّماً غیاث الدّین منصور دشتکی شیرازی نیست چراکه بنص روضات (ج٤ ص۱۲۹) وی بسال ۹٤۸ وفات یافته وسجع مهر او« ناصرالشریعه منصور » بوده بنا براین صاحب این‌یادداشت و مهر دیگری است .

جلدچرمی کهنه . کاغذحنائی . واقف‌سپهسالار .قطع‌رحلی. شمارۀاوراق (۱٦۹) .صفحه(۲۱) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارۀ کتابخانه(۳۲۵٤) .

(۷۷۰)

شرح مقامات‌حریری مطرزی

این نسخه در سال ۱۱۰۰ بخط نسخ احمد بن علی‌حسینی نگارش یافته ، حاشیه دو ورق از اواسط‌کتاب پاره شده یکی را وصّالی کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارۀ اوراق (۲۰۹) . صفحه (۱۸) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر)شمارۀ کتابخانه (۳۲۵۳) .

[۳۱٦] شرح‌نهج‌البلاغه ـ ابن ابی الحدید (عربی)

مؤلّف‌این‌شرح‌ابن‌ابی‌الحدیدره است (عزّالدّین عبدالحمیدبن‌هبةالله (۱) بن

(۱) نام پدر شارح در معجم‌المطبوعات ص ۲۹ و کشف‌الظنون ص ۳۹۳ و ٦۲۲ ج ۲ و فوات‌الوفیات ص (۲۱۷ ج۱) هبةالله ضبط گردیده ولی درروضات بنقل ازعبدالرزاق‌غوطی بهاءالدین ثبت شده و دراینجا نیز پس از محمد دوم جد مؤلف حسین‌بن ابی‌الحدید نقل شده در صورتیکه‌در کتب فوق‌نام‌حسین‌نیست ودرتجارب‌السلف (ص ۳۵۸ و ۹۵۹) شارح فقط بنام عزالدین‌عبدالحمیدبن‌ابی‌الحدیدذکر گردیده ومطالب‌مرقومه‌از آن کتب گرفته‌شده‌است .

محمّد بن ابی‌الحدید مدائنی معتزلی ۵۸۶ - ۶۵۵) که از معاریف ادباء متکلمین قرن هفتم هجری و معاصر با آخرین خلیفهٔ عباسی بوده و هنگام تصرّف مغول شهر بغداد را گرفتار آمده و بجوانمردی ابن علقمی وزیر و شفاعت خواجه نصیرالدّین او و برادرش موفق الدّین از کشته شدن نجات یافتند (ذیلاً شرح قضیّه ذکر میگردد). صاحب روضات (ص ۴۲۲ تا ۴۲۴) بشرح حالات و معرّفی ایشان مفصّلاً پرداخته و مؤلفات ذیل را بنقل از نوشته های شیخ ابوالفضل عبدالرزاق الغوطی مورخ بایشان نسبت داده: از مؤلفات ابن ابی‌الحدید یکی کتاب **العبقری الحسان** میباشد که در آن قسمتی از کلام و تاریخ و اشعار و پاره‌ای از از انشاآت و مراسلات خودرا جای داده و دیگری کتاب **الاعتبار** و این کتاب در سه مجلّد و نظر مؤلف در آن بر کتاب **الذریعه فی اصول الشریعه** سیدمرتضی‌ره میباشد و دیگری کتاب **الفلک الدائر علی المثل السائر** (این کتاب چنانکه در ص ۳۰ معجم المطبوعات چاپ شده است و کتاب **المثل السائر** تألیف ضیاء الدّین بن الاثیر جزری متوفی سنه ۶۳۷ میباشد و در فن انشاء و کتابت است کشف الظنون ص ۲۷۵ ج ۲) و دیگری شرح محصّل امام فخر رازی است که در حقیقت نقض و رد بر آن میباشد و دیگری کتاب **نقض المحصول** (محصول نیز کتابی است از امام فخر است) و دیگری شرح **مشکلات الغرر** مانند کتاب **غرر الادله** تألیف شیخ ابوالحسن محمّد بن علی بصری متوفی سنه ۴۶۳ که از علماء معتزله بوده‌اند میباشد (کشف الظنون ج ۲ ص ۱۵۳) و دیگری شرح **یاقوت** ابن موهب و **قصائد هفتگانه** در مدح حضرت علی علیه‌السّلام که بخطبهٔ مذکور باب ذم ص ۴۵ شیخ رضی استرابادی و صاحب مدارك بشرح آن پرداخته اند و دیگری شرح **نهج البلاغه** (همین کتاب) میباشد که از معاریف کتب و موجب شهرت شارح گردیده است.

این شرح نهج البلاغه یکی از شروح مفصّله و مشروح در آن بیان البلاغه و فضیلت و تحقیق را داده و چون طریقهٔ انصاف را پیش گرفته و چنانکه شایسته است خطب و کلمات را شرح و تفسیر نموده، اهل سنت نیز این شرح را بسیار مقبول از خود کتاب

بر می آید که سنّی و معتزلی است ، بسیاری از اخبار ومعتقدات شیعه را هم نقل و بردّ آنها پرداخته و بسیاری از مطالب بر خلاف عقائد امامیّه دارد که آنها را صاحب حدائق جمع نموده و ذیلاً از آن نام می بریم ، ولی در دوستی حضرت علی و اولاد آن بزرگوار علیهم‌السّلام بی‌اختیار بوده و ما ترجمهٔ پاره‌ای از دیباچه این شرح را که شارح از روی راستی بی کم وکاست کتاب واسلوب آنرا معرّفی نموده دراینجا می آوریم :

چون امر حضرت وزیر بزرگوار محمد بن احمدبن محمد علقمی که خدایش مشمول عنایات کاملهٔ خویش دارد واورا ازین مقام ارجمند بالاتر برد بنام این بنده درگاه برشرح کتاب نهج‌البلاغه که بر صاحب آن بهترین‌صلوات وپاکیزه‌ترین تحیات بادصادر گردیده ، مانند کسیکه خود پیش پیش بنا بر کاری داشته و فرمائی جازم اورا ازجا برانگیزاندشروع در انجام خدمت نمود و بشرحی پرداخت که در آن بذکر غرائب لغات و اسالیب عبارات و بیان مرادقناعت نموده بود اما چون چندی بدین منوال گذشت اندیشیدم دانستم که‌این‌مختصر تشنهٔ حقائق را سیراب نمیکند وسرگردان را جز سرگردانی نمی افزاید بنابراین آن‌روش را گذاشتم و بشرحی مفصل پرداختم که مشتمل بود بر غریب لغات و اسالیب و قواعد معانی و بیانی وچون کامه‌ای ممکن باشد ازلحاظ اعراب وتصریف اشکالی پیدا کند ببیانش‌پرداخته و در موارد بسیار بنقل نظم ونثرهائی نظائر عبارات کتاب همت گماشتم ، حکایات و مطالب تاریخی را که درالفاظ اشارتی بدانها رفته بودآورده ، دقائق توحید و عدل که اشاره بدانها نموده تشریح کرده ، آنچه از انساب و امثال نکتها و مواعظ و زواجر دینی وحکم‌وآداب اخلاقی‌ومسائل‌فقهی‌بودشرح‌وبسط‌داده ، مقامات‌عارفین‌را که انحضرت درکلمات‌خویش‌بطریق رمز یاد فرموده بیان نمودم ، درصورتیکه همه کس توانائی بر آن ندارد واین کار را کسی نتواند جز دانشمندان و روحانیان مقرب ، پرده سائر مقاصد را از روی عبارتیکه حضرت علیه‌السلام بطریق کنایه واختصار و اشاره وشکایت بیان فرموده برداشته وبرهان اقامه کرده که بسیاری ازفصول این کتاب‌داخل در معجزات محمدیه صلی‌الله‌علیه‌وآله است‌چرا که مشتمل بر اخبار بغیب میباشد و از قوه بشر خارج است که اینگونه حقائق را در قوالب الفاظ درآورد

(بهمین جهت است که در میان خاصه این کتاب **اخ القرآن** نامیده شده)

و چنانکه امید بود کتابی در فن خود کامل و یگانه در میان امثال گردید و هیچ شگفت نخواهد بود که بوسیله این کتاب که بهترین کتابها است کسی بسر پادشاهان تقرب جوید و بواسطهٔ یگانهٔ زمان به یگانهٔ روزگار نزدیك شود چرا که همه چیز بمانند خویش بایستی متصل شود وهرچیزی نظیر خودرا بخود می کشاند و تا آنجا که میدانم پیش از من کسی

بشرح این کتاب نپرداخته جز سعیدبن هبةالله‌بن حسن فقیه معروف بقطب راوندی که یکی‌از فقهاء امامیه بوده لیك وی مرد این میدان نبوده چرا که همه عمر خویش را صرف فقه کرده و کجا فقیهی که بس عالم این یك‌رشته است تواند بحقائق این کتاب که دارای‌فنون‌متعدده وعلوم متشعبه میباشد پی برد ، بنابراین حال شرح او بر دانا مخفی نیست ومن در چند جا مطالب متناقضهٔ آنرا در این کتاب نقل نموده و از بسیاری از آنها که چندان فائده‌ای در ذکر آن ندیده در گذشته‌ام ، و پیش از آنکه شروع بشرح کتاب نمایم اقوال اصحاب خودمان معتزله رحمهم‌الله را درباب امامت وتفصیل بغاة و خوارج وذکر نسب و مختصری‌از فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام‌وشرح مختصری از نسب وحالات رضی‌ابی‌الحسن محمدبن حسین موسوی رحمه‌الله نقل پس از آن شروع بشرح خطبه کتاب که ازمنشآت‌سید رضی ره است می نمایم . **انتهی** .

سید هاشم بحرانی متوفی‌بسال ۱۱۰۷ که در ج ۱ ص ۸۹، ۲۲۱، ۲۸۶، ۳۰۳، و ۳۱۰ مؤلفاتی از ایشان را باشرح حال مختصری ذکر کرده‌ایم آنچه از فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السّلام وسائر ائمّه هدی در شرح ابن ابی‌الحدید بوده جمع آوری نموده و آنرا « **سلاسل‌الحدید** » نامیده است .

صاحب حدائق متوفی بسال ۱۱۸۸ (ج ۱ ص ۳۹۹) ردّی بر شرح مذکور نگاشته و نام آنرا « **سلاسل‌الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید** » گذاشته و در آخر لؤلؤتی‌البحرین ذیل مؤلفات خود در معرّفی از این کتاب گوید :

این کتاب رد بر شارح نهج‌البلاغه است که بخیال خویش آنرا بررأی معتزله واصول مذهب ایشان نگاشته و در ابتداء آن مقدمهٔ مفصلی در معنی امامت نوشته‌ام که اوخود شایسته است کتابی مستقل باشد پس ازآن آنچه راجع بامامت و احوال خلفاء و مطالب مناسب باین مبحث بود از شرح مذکور نقل و خال و مفاسد هریك را کاملا تشریح نموده‌ام ومجلد اول آن خاتمه یافته ودرحدود یك ثلث ازمجلد دوم را نیز تالیف نموده ولی اشتغال بتالیف کتاب حدائق مرا از بپایان رسانیدن آن بازداشته است . **انتهی** .

این شرح ابن ابی‌الحدید را شمس‌بن محمّدبن مراد درسال ۱۰۱۳ (۱) شرح

---

(۱) فقط در آخر شرح جزء اول نسخهٔ این‌ترجمه نام‌مترجم‌وشارح ذکرشده آنهم بدینگونه که در اینجا ثبت میگردد : تمام شد ترجمه جزء اول از شرح نهج‌البلاغه که مترجم آن الفقیر الی رحمة ربه‌الجواد شمس‌بن محمدبن مراد فی یوم‌الاحد من شهر ربیع‌المولود سنه ۱۰۱۳ ؛ ۱۸ شهرمذکور وصلم تم .

و ترجمهٔ فارسی نموده و نسخه‌ای از آنرا جناب حاج محتشم‌السّلطنه اسفندیاری رئیس دورهٔ دهم مجلس شورای ملّی دام ظلّه دارند و مدّتی نزد نگارنده بود از قرائن چنین بنظر میرسد که نسخه بخط شارح و مترجم میباشد ومشتمل بر ترجمه و شرح شش جزء از شرح ابن ابی‌الحدید وشرح جزو هفتم آن تا خطبه ای که آغاز آن این است میباشد : امّا بعد حمد لله والثنآء علیه ایهاالنّاس فانّی نقأت‌عین الفتنه الخ .

شارح و مترجم پس از نقل این خطبه از شرح ابن ابی‌الحدید چیزی نقل ننموده وشروع بنقل مطالب تاریخی راجع بمعامله عبّاسیّین باموّیین وقبور اموات ایشان نموده پس ازآن درتحت‌عنوان خاتمه احادیث واخباری درفضائل‌حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السّلام پرداخته وقسمتی ازآخرآن افتاده ولی ظاهراً بیش از یك ورق نبوده است .

این شارح ومترجم در بسیار از موارد نسبت بمخالفین امامیّه وحتّی‌بزرگان آنها ازطریق ملایمت واخلاق خارج گردیده است .

ترجمهٔ دیگری‌ازاین کتاب‌درزمان سلطنت ناصرالدّین‌شاه قاجار حاج‌نصرالله بن ملاّفتحعلی دزفولی نموده وچنانکه درخاتمه آن مذکور است درسال ۱۲۷۸ بامر آن پادشاه شروع و درسال ۱۲۹۲ ترجمهٔ کتاب را بانجام رسانیده ودر سال ۱۲۹۵ تصحیح وپاکنویس شده است ، مترجم پس ازاینکه عبارات نهج‌البلاغه را قسمت‌قسمت نقل نموده بترجمه تحت‌اللفظی عبارات‌شرح‌ابن ابن‌الحدیدپرداخته و چون خود در آن مورد نظریه ای داشته باشد پس از آن تحت عنوان اقول ذکر کرده‌وبانتهی‌خاتمه‌میدهد وتمام ترجمهٔ‌بیست جزءرا در چهار مجلّد گذارده و آنرا « مظهرالبیّنات و مظهرالدّلالات» (۱) نامیده و اجزاء (٤،٥،٦،٨،٩،١٠، ١٦،١٧،١٨،١٩،٢٠) این کتاب را درپنج مجلّد استاد این‌دانشکده‌آقای مشکوة بیرجندی دارند و نگارنده آنهارا دیده است ودر حواشی آن مترجم خودمقابله

(۱) نام کتاب در آخر بعضی از اجزاء « و مظهرالایات » و در بعضی«و مظهرالدلالات » ثبت شده است .

و تصحیح را نوشته و مهر کرده و حواشی مفیدی هم بخط خود تعلیق نموده سجع مهر مترجم اینست : (لااله الاالله الملك الحقّ المبین عبده نصرالله .) و از سایر اجزاء این کتاب خبری بدست نیاوردم و از ترجمه‌های خوب و دارای مزایای زیاد و تحقیقاتی است .

در امل الامل ج ۲ ص ۷ آورده که سلطان محمود بن غلام علی طبسی که از معاصرین بود شرح ابن ابی الحدید را مختصر کرده است .

فخر الدّین عبدالله بن المؤید بالله نیز این شرح را مختصر نموده و آنرا « العقد النضید یا الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و نسخه‌ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نگاشته شده در کتابخانه مجلس موجود است (فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۱۶۷) .

هندوشاه نخجوانی در تجارب السّلف مؤلفه بسال ۷۲٤ که ۶۹ سال پس از وفات ابن ابی الحدید است راجع باین کتاب و مؤلف آن شرحی نگاشته که نقل آنرا بیمورد نمیدانم و آن اینست :

و عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید نهج البلاغه بنام او شرح کرد و چون معرض رسانید بغایت بپسندید و از مجلس برخاست و در خزانهٔ کتب رفت و هزار و ده تخت جامه که لائق مردان و زنان باشد و کنیز کی ترك و خوب صورت و خادمی حبشی کوچك و فرش و زیلو و اوانی نقره کوفت حاضر گردانیدو بفرمود تا بر در سرای استری زینی با آلات نیکو حاضر کردند و غلامی دیگر حبشی جامه‌های نو پوشیده جهت رکابداری بداشتند و چون این مجموع تمام شد عزالدین عبدالحمید را بخواند و خلعت بپوشانید و تفصیل اجناس و نقد و غلام تسلیم کرد (در این کتاب مقدار نقدی معین نشده ولی در ص ٤٢٢ روضات بنقل از کتاب عبدالرزاق عوطی نوشته شده که صد هزار دینار بوده است) عزالدین چون این مکرمت و مروت بدید ، ران وزیر را بوسه داد و گفت ای خداوند بنده را این همه توقع نبودو بر گمانی که بنده داشت مبرات وزیر باضعاف زائداست . وزیر گفت این سخن بگذار که منتی بر گردن من نهاده‌ای که بشکرانه آن قیام نتوانم کرد و بخدای که تا زنده باشم این حق را رعایت کنم ، آنگاه عزالدین شاکر و شادمان بیرون آمد و فراشان اجناس را در خدمتش میبردند و او بر استر سوار شد و بخانه رفت و زبان روزگار میگفت :

آن خسروان که نام نکو کسب کرده اند ... رفتند و یادگار از ایشان جز آن نماند
نوشیروان اگرچه فراوانش گنج بود ... جز نام نیك از پس نوشیروان نماند

و در واقعهٔ بغداد عزالدین مذکور و برادرش موفق الدین را بیرون آوردند تا بکشند

و **ابن علقمی** را پادشاه نواخته بود ومهمات عراق و بغداد باو تفویض کرده ودردل پادشاه مقامی تمام داشت ، چون حال عزالدین بن ابی‌الحدید بشنید دودبسر اودرآمد درحال بخدمت خواجه افضل‌العالم **نصیرالدین طوسی** قدس‌الله روحه رفت ودامن‌او بگرفت و گفت دو کس از افاضل بغداد که بربنده حقوق عظیم دارند خواهند کشت والتماس دارم که‌خواجه‌بمقدگی پادشاه شتابد و بنده در خدمت باشد و در باب این دوبزرگ شفاعتی کند . خواجه بی توقف روان شد و وزیر هزار دینار بموکلان مغول داد و مهلت خواست و بدرگاه رفت چون پادشاه ایشان را بدید دانست که بکاری آمده اند وزیر برسم مغول زانو زد و گفت دو کس را ازشهر بیرون آورده‌اند وبرلیغ پادشاه نافذ شده‌است که ایشانرا بیاسا رسانند بنده کمترین را آرزو آن است که پادشاه مرا عوض ایشان بکشد و ایشان را آزاد کند . خواجه اینمعنی را در بندگی پادشاه بعرض رسانید پادشاه بخندیدو گفت اگر من خواستمی ترابکشتم تا این غایت نگذاشتمی و درحال عاطفت بفرمود و هردو را باو بخشید . وزیر بتعجیل بیرون آمد و ایشانرا خلاص داد و با عزالدین بن ابی‌الحدید گفت بخدای که اگر در قبول شفاعت توقفی میرفت نفس خود را فدای تو خواستم کرد تامکافات آن لطف باشد که توباهن کردی ونام مرا بسبب شرح نهج‌البلاغه مخلد گردانیدی .

و رغبت وزیر **ابن علقمی** در کتب بغایت بوده ده هزار مجلد کتب نفیس داشت‌چون از مهمات فارغ میشدبمطالعه مشغول می بود ودر همان سال که از جانب پادشاه حاکم بغداد شد وفات یافت در جمادی‌الاولی سنهٔ ست‌وخمسین وستمائه . (تجارب‌السلف چاپ آقای‌اقبال آشتیانی از ص ٣٥٨ تا ٣٦٠) .

ابن ابی‌الحدید این شرح را در بیست جزء و چنانکه خود در آخرتصریح کرده در مدّت چهارسال وهشت ماه ازغرّه رجب ٦٤٤ تاسلخ صفر ٦٤٩ باتمام رسانیده ودرآخر هرقسمت خاتمهٔ هرجزء را تصریح نموده و تمام اجزاءدرایران و مصر مکرّر چاپ شده و پس از شرح آخرین عبارت نهج‌البلاغه هزار کلمه از کلمات‌قصار که بسیاری از آنها مسلّماًازحضرت امیرالمؤمنین‌علی علیه‌السّلام میباشد وبرخی باحتمال چه مشابهت‌بکلمات آن‌حضرت داشته وسید رضی‌ره ذکرنکرده بدون شرح وبسط آورده است .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الواحدالعدل ، الحمدلله الذی تفرّد بالکمال فکل کمال سواه منقوص الخ .

(۷۷۱)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر ده جزء اوّلیه کتاب است ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی در آخر جزء اول **شیخ صنعان** نام در سال ۱۰۳۳ چنین نگاشته‌اند : بانسخه‌ایکه بخط **مرندی** بوده است مقابله گردیده . و در آخر بعضی از اجزاء آن نیز نوشته‌اند : در مکّه معظمه استکتاب شده . و این مطلب اخیر را شیخ مذکور بفارسی تحریر نموده است .

قسمتی از جزء ششم این نسخه افتاده و محمّدتقی نام اسمرابادی در سال ۱۲۹۴ پشت ورق اوّل و بر موضعی که از آنجا افتاده است یادداشت کرده اند . و نیز پشت ورق اوّل یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۴۳ حضرت **خلیفة السلطان** (سلطان العلماء) مبنی بر مالکیّت کتاب بخط خویش مرقوم فرموده اند ، چند ورق آخر و اوراقی از اوائل کتاب وصالی شده است .

جلد میشن . کاغذسمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۶۹۷). صفحه(۲۵) سطر . طول (۳۷سانتیمتر) . عرض (۲۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۶).

(۷۷۲)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء شانزدهم تا آخر کتاب میباشد (ربع چهارم) ، دو ورق از آخر و یك ورق از اوّل آن را در سال ۱۲۳۳ نگاشته‌اند ولی خط اصلی ظاهرا از خطوط قرن یازدهم هجری بوده و در آخر اوّلین جزء نسخه (جزء شانزدهم) عبارات ذیل نگاشته شده : (تم تصحیحه علی ید مالکه **لطف الله** بن محمّدبن عبدالمهدی البحرانی ولکن علی نسخة غیر ظاهرة الصحّة وذلك بخامس عشر من شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۶۴) .

ابتداء هر جزء سر سوره مطلاّئی است که نام هر جزئی با سفید آب بر آن نگاشته شده و صفحات کتاب مجدول بطلا و لاجورد است ، فهرست بعضی از مطالب مندرجه در آن جزء را باذکر صفحات آن پشت ورق اوّل نگاشته اند و بعضی از صفحات وصّالی شده است .

جلد میشن . کاغذ خانبالغ . واقف سپهسالار .قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۴۰۰) . صفحه (۲۵) سطر . طول . (۳۰ سانتیمتر) .عرض(۱۸ سانتیمتر) .شمارهٔ کتابخانه(۳۰۷۸).

(۷۷۳)

شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل برجزء چهاردهم تا آخر کتاب است ، کاتب نامی ازخود وسال کتابت درهیچ جای از کتاب نبرده ولی ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری است ، پشت ورق اوّل فهرست قسمتی ازمطالب مندرجه در این نسخه نوشته شده و در حاشیهٔ بعضی از صفحات حواشی مختصری نوشته‌اند.
جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی‌بزرگ . شمارهٔ اوراق(۲۵۳) . صفحه (۳۵) سطر . طول (۳۷ سانتیمتر).عرض(۲۵ سانتیمتر) .شمارهٔ کتابخانه(۳۰۷۷).

(۷۷۴)

شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید

این نسخه بخط نسخ **عبدالکریم** بن معصوم در سال ۱۲۵۵ نگاشته شده وشامل ازابتداء کتاب تاآخرشرح کلام‌حضرت علی علیه‌السّلام در جنگ صفّین (در جزء ( ) از این شرح است) وهنگام بازداشتن‌اصحاب معویه اصحاب آن حضرت را از آب فرات میباشد .
جلد میشن . کاغذ فرنگی‌مهره زده . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ‌اوراق(۲۹۲) . صفحه (۲۱ سطر) . طول (۲۶ سانتیمتر) .عرض(۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۰۷۹).

[۳۱۷] شرح نهج‌البلاغه ـ ابن میثم (عربی)

این شرح بزرگ ابن میثم رحمة الله علیه است (کمال‌الدّین میثم بن علی بن میثم بحرانی متوفی بسال ۶۷۹) (۱) ومؤلف این کتاب یکی ازعلماء امامیّه وحکماء

(۱) مطالب راجعهٔ باین مؤلف واین کتاب بامراجعه بروضات ص (۱۴۲ تا ۱۴۴) ولؤلؤص (۱۶۱ تا ۱۶۶) ،امل‌الامل ح۲ ص (۷۲) و کشف‌الظنون ج۲ ص (۶۲۳) ومجالس‌المؤمنین و محبوب‌القلوب‌اشکوری نگاشته شده ودر کشف‌الحجب سال وفات شارح ۶۹۹ ثبت گردیده درصورتیکه در کشکول شیخ بهائی وروضات ولؤلؤو کشف‌الظنون و هدیةالاحباب سنه۶۷۹ معین‌شده و در کتب مذکورهٔ دیگر سال وفات ذکر نشده و در آخر شرح صغیر ابن میثم چنانکه‌در کشف‌الظنون است(ونسخه‌ایکه‌متعلق به‌مجدالدین خواجه‌نصیری‌نیز چنانست) فراغ‌از آن درسال ۶۸۱ بوده اگر این تاریخ‌را مُصحَف ندانیم باید گفت که شارح درسال‌مذکور فوق وفات نیافته و قول صاحب کشف‌الحجب را که در اینگونه امور چندان اعتماد بصحت طبع نسخه آن نتوان نمود قبول کرد و یا در غیراین دوسال وفات ویرا قائل شویم .

و عارفین قرن هفتم هجری بوده و از محضر خواجه نصیرالدّین طوسی ره استفاده علوم حکمت و کلام نموده و ایشان شهادت بر کمال فضل و بسط اطلاع وی در این دو رشته داده اند و گذشته از آن خود این شرح بهترین گواه بر مراتب علمی و اطلاعات گرانبهای این عالم جلیل میباشد و گویند خواجه از ابن میثم مطالب فقهی را فرا میگرفته است. و در نزد علما ابن میثم به «**عالم ربانی**» ملقب و مشهور میباشد.

در بحرین شهرت فضائل ایشان پیچید و از آنجا بخارج سرایت نمود ولی گوشه گیری را اختیار نموده واز مردم کناره میکرد ، علماء حلّه که در آنوقت مرکز دانشمندان امامی مذهب بود چون بر این حال وقوف یافتند شرحی بوی نگاشته واو را بدین خوی و رفتار سرزنش نمودند وی این دو بیت را پاسخ آنان نگاشت :

طَلَبتُ فنون العلم ابغی بها العلی — فَقَصَّرَ بی عمّا سَموتُ بِهِ القُلّ

هر گونه دانشی را جستجو کردم تا بدانها به بزرگی رسم — لیک بی چیزی مرا از آنچه بدان بلندی می جستم باز داشت

تَبَیَّنَ لی انّ المَحاسِنَ کُلَّها — فروع و انّ المال فیها هُو الاصل

و آشکار شد برایم آنکه تمام دانشها برای رسیدن بمقصود — فرع و شاخه اند و مال داشتن اصل است

آنها باز در جواب وی نگاشتند که از چون تو دانشمندی بس شگفت است که دارائی را اصل دانسته و دانش را فرع و شاخه شناسانده ای ، وی باز در نامه ای این ابیات را از شعرای سابق نگاشت و بدانها فرستاد :

قَدْ قالَ قَومٌ بِغَیْرِ عِلْمٍ — ما المَرْءُ اِلاّ بِاَکْبَرَیْهِ

اگروهی بدون تحقیق گفته اند — که عظمت آدمی بدل دانا و زبان گویا است

فَقُلْتُ قَولَ امْرِئٍ حَکیمٍ — ما المَرْءُ اِلاّ بِدِرْهَمَیْهِ

ولی من چون گفتار مردی فرزانه بپاسخ گفتم — بزرگی مرد جز بدارائی او نیست

مَنْ لَمْ یَکُنْ دِرْهَمٌ لَدَیْهِ — لَمْ تَلْتَفِتْ عِرْسُهُ اِلَیْهِ

انکس که پول نداشته نباشد — حتّی زن او توجهی بوی ننماید

پس از آن خود بعزم زیارت قبور ائمّهٔ هدی علیهم السّلام بعراق حرکت نمود ووارد شهر حلّه گشت با لباس مندرس و ناشناس بیکی از مدارس در آمد که جمعی ازعلماء وطلاّب گرد هم بر آمده ومشغول بحث بودند سلام داد باکمال خونسردی بوی جواب گفتند ودرپائین مجلس بنشست اتفاقا درفهم معنی ومطلبی ماندند، ابن میثم آنرا بأنه وجـه حلّ نمود ولی کسی بگفتارش گوش نداد ، چون ناهار حاضر شد وی را برسرسفره راه ندادند وخوردنی برایش جدا فرستادند ، روز دیگر با لباس پاکیزه وعمّامه بزرگ بهمان مجلس در آمد ، همه ازجای برخاسته وی را بسی احترام نموده و درصدر مجلس جای دادند ، چون صحبت علمی بمیان آمد مطالبی بیهوده و بی معنی آغاز کرد ، همه تصدیق برصحّت ودرستی آن کردند وخوردنیهای نیکو مهیّا ساختند ، چون برسر سفره نشستند ، ابن میثم آستین خویش رادرغذا فروبرد و همی گفت آستین نو توبخور ، که این پذیرائیها همـه از بهر تو است ، حاضرین ازاین رفتار و گفتار بشگفت آمدند ، شیخ گفت آقایان من همان شیخ دیروزیم که بامن آن معامله راکردید و چون امروز با این لباس بمحفل شما درآمدم اینگونه احترام و تجلیل از من نمودید ، درصورتیکه دیروز مطالب صحیح و درستی را حلّ نمودم همه منکر شدیدوامروز آنچه مهمل گفتم همه تصدیق کردید ،آیا این رفتار بواسطه لباس فاخر من نیست ؟! وآیا آنچه را در آن کاغذهابشما نگاشتم و مالرا اصل داستم خلاف حقیقت بود ؟! حضّار مجلس چون براین مطالب آگاه گشته معذرت خواسته از قدوم ایشان اظهار خورسندی نمودند .

این عالم بزرگ گذشته از این شرح برنهج البلاغه که پس از این از آن معرّفی خواهیم نمود بنابگفتهٔ بعضی از رجالیّین واهل سیر دو شرح دیگر یکی صغیر ودیگری وسیط براین کتاب دارد ویکی ازاین دوراکه بنابگفتهٔ خویش درمقدّمه آن برای دو پسر علاءالدّین عطاملك جوینی ازشرح بزرگ خود (همین کتاب) مختصر نموده درکتابخانه مدرسهٔ فاضلیّه خراسان بنام شرح متوسط ثبت گردیده ونسخه‌ای از آن درکتابخانه مدرسهٔ مروی درطهران موجود و نسخهٔ دیگر از آنرا مجدالدّین خواجه نصیری و بعضی دیگر دارند وبامراجعه ومطالعهٔ این شرح مختصر بدست آمد که درحدود

دو ثلث یا سه ربع متن (نهج البلاغه) کتابت دارد و بگمان نگارنده از این مختصرتر شرحی بر نهج البلاغه تصور نشود و در صورت وجود نتیجه‌ای نخواهد داشت و اینکه بعضی ابن میثم را دارای سه شرح بر نهج البلاغه دانسته‌اند شاید شرح مائة کلمه آنحضرت را (که در ذیل آن کتاب در این فصل بخصوصیات آن نیز تذکر داده خواهد شد) سومین شرح دانسته و شرح معروف را کبیر و خاصر آنرا متوسط اراده کرده‌اند. و اینکه صاحب لؤلؤ البحرین (جز آنچه از رساله «السلافة البهیة فی الترجمة المیثمیّة» نقل نموده) و کشف الظنون و جمعی دیگر جز دو شرح مذکور را نام نبرده‌اند بیش از دو شرح نداشتن این شارح تأیید میشود و آغاز شرحیکه از شرح کبیر اختصار گردیده اینست: بسمله سُبْحانَ مَنْ حَسُرَتْ اَبْصارُ الْبَصائِرِ عَنْ کُنْهِ مَعْرِفَتِهِ وَ قَصُرَتْ اَلْسِنَةُ الْبُلَغاءِ عَنْ اَداءِ مِدْحَتِهِ الخ

از مؤلفات ابن میثم **شرح اشارات** استادش شیخ علی بن سلیمان بحرانی، **قواعد المرام** در کلام، **شرح مائة کلمه**، البحر الخضم، **نجاة القیامه** فی تحقیق امر الامامه، **استقصاء النظر** فی امامة الائمة الاثنی عشر، **المعراج السماوی** و غیر از اینها است و رسائل این عالم جلیل بسی بظیر و از آنها رساله‌ای **در وحی و الهام**، رساله‌ای در **علم** و رساله‌ای در **آداب بحث** میباشد.

این شرح نهج البلاغه را ابن میثم در سال ۶۷۷ بنام خواجه علاء الدین عطا ملك جوینی وزیر متوفّی بسال (۶۸۰) تألیف نموده و از شروح بسیار خوب این کتاب و بزرگترین شرح‌های این شارح میباشد، پیش از شروع بشرح کتاب مقدّمه بسیار مفید و جامع و مفصّلی در حدود (۳۳۸۰) بیت مشتمل بر مه قاعده بدین تفصیل نگاشته: **قاعده اولی** در مباحث الفاظ. **قاعده ثانیه** در معانی و موضوع خطابه **قاعده ثالثه** در آنکه علی علیه السلام مجمع جمیع صفات کاملة انسانیه بوده و هریك از قواعد فوق مشتمل بر مباحث زیادی میباشد و این شرح در سه جلد بدین طریق تقسیم شده: **مجلد اول**: مشتمل بر مقدّمه و شرح خطبه تا آخر شرح خطبه ایکه پس از شنیدن اینکه طلحه و زبیر بیعت او را شکسته‌اند ایراد فرموده است.

مجلد دوم: پس از شرح خطبه مذکوره تا اوائل خطبه که در حمد

وثناء الهی است (نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا الی مایکون) . **مجلد سوم:** از ابتداء شرح خطبه مذکور تا ابتداء خطبه ایکه در هنگام دفن حضرت فاطمه زهراء سلام‌الله علیهاانشاء گردیده است . **مجلد چهارم** : ازابتداء شرح خطبه فوق تا ابتداء شرح وصیّت آنحضرت بحضرت امام‌حسن علیهماالسّلام . **مجلد پنجم** : ازابتداء شرح وصیّت مذکور تا آخر کتاب .

مؤلف به تقسیمات فوق در ابتداء کتاب ودرآخر آن اشاره‌ای ننموده و نام خودرا هم جز در آخر کتاب ذکر نکرده ونامی‌هم برای این شرح در مقدّمه و خاتمه نیست ولی در آخر مختصر این شرح شارح گوید : و هذا اختیار مصباح السّالکین لنهج‌البلاغة من کلام امیرالمؤمنین . بنا برین نام این شرح را خود «**مصباح السالکین**» گذارده وطرز این‌شرح اینستکه پس‌ازنقل قسمتی از کلمات، درتحت عنوان‌اقول ، معانی‌لغویّه‌آنها را با اشاره‌ای‌بقواعدصرفی ونحوی ومعانی‌و بیانی ببان و قواعد ومطالب کلامی‌وحکمی‌راجعهٔ بآنهارا ذکر نموده و بهمین نحو تاباآخرنهج البلاغه راشرح نموده وچون از کتب‌متداوله ومعروفه‌ودردسترس‌عموم میباشد وبعلاوه بسال ۱۲۷۶ در طهران‌چاپ شده محتاج بمعرّفی‌بیش‌ازاین‌نیست .

نظام‌الدّین گیلانی ملقّب بحکیم‌الملك همین شرح کبیر ابن‌میثم را مختصر کرده و برآن اضافاتی نموده و نسخهٔ آن را که ظاهراً بخط مؤلف میباشد آقای تربیت (محمّد علیخان) دارند و چندی نزد اینجانب‌بوده ومؤلف نام آنرا «انوارالفصاحه واسرارالبراعه» گذارده‌وسال تألیف آن‌درآخر کتاب سنهٔ (۱۰۳۶) ضبط گردیده و آغاز آن اینست : الحمدلله‌الّذی دَلّ عَلی ذاتِه بِذاتِه وَ جَلَّ عَنْ مُلائَمَةِ کَیْفیّاتِه ، تَوَحّدْتَ فی ذاتِكَ فَلا یُدْرِكُكَ عارِفٌ وَتَفَرّدْتَ فی صِفاتِكَ فَلا یَبْلُغُ مِدْحَتَكَ واصِفٌ الخ .

صاحب‌امل‌الامل (ص ۴۰ ج ۲) درذیل مؤلفات حضرت علاّمهٔ حلّی کتابی بنام «مختصر شرح نهج‌البلاغه» ذکر کرده وصاحب کشف‌الحجب (ص ۴۹۶) این مختصر راختصر شرح ابن‌میثم تعیین‌نموده ومؤلف فهرست کتابخانهٔ معارف (ج ۱

ص ۱٤۲) نسخه ای از آنرا نزد میرزا محمّد باقر خونساری نشان داده و چنین بنظر می آید که این شخص در نجف اشرف اند .

آغاز : بسمله سبحانك اللّهم و بحمدك توحدت فی ذاتك فحسر عن ادراكك انسان كلّ عارف الخ.

(۷۷٥)

شرح نهج البلاغه ابن میثم

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخط نسخ خیلی خوب عبدالقادر بن محمّد شریف مکّی در سال ۱۰٤۰ نگاشته شده، دارای پنج سرلوح زیبا است ، دو صفحهٔ اوّل کتاب حواشی آن تذهیب گردیده تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است عناوین مطالب باشنجرف نگاشته شده ، ورق اوّل مختصر وصالی دارد و یادداشتهائی داشته بعضی از آنها را محو کرده اند و یکی از آنها اینست : کتب الباعث علی استکتاب هذا الکتاب المبارك لنفسی و ـــــ الله ـــــ الفقیر الی الله الغنی بهاء الدّین بن محمّد العاملی ، مهر بادامی (بهائی ۱۰٤۳) و بعضی از کلمات فوق هم از آثار خط نقل گردید و در امل الآمل نام این شخص نیست و مسلّما شیخ بهائی معروف خواهد بود.

جلد ساغری ضربی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۷۱۲) . صفحه (۲۳) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰٦۹).

(۷۷٦)

شرح نهج البلاغه ابن میثم

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء اوّل و تقریبا سه ربع از جزء دوّم کتاب میباشد و چون کتابت آن ناقص مانده نام کاتب و سال کتابت معلوم نیست ولی ظاهرا از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد و آخرین سطر نسخه اینست :

(وقوله فانها لا تعمی الابصار ولکن تعمی القلوب التی فی الصدور ـ وفائدة هذه الکلمات تحریك النفوس الی الاعتبار کیلا یعدّ التارك له) .

جلد میشن مطلا . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۳٥) . صفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۲٦½ سانتیمتر) . عرض (۱٦½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰٦۷) .

[۳۱۸] شرح نهج البلاغه ـ امام جمعهٔ طهران (فارسی)

این شرح چنانکه بسال ۱۲۷۰ از طرف مرحوم اعتضادالسّلطنه پشت نسخهٔ ذیل نگاشته شده تألیف میر محمّد مهدی امام جمعهٔ طهران رحمةالله علیه است (میر محمّد مهدی بن سید مرتضی بن میر محمّدمهدی بن میر محمّد حسین حسنی حسینی ۱۱۸۵ - ۱۲۶۳) (۱) که از خانواده‌های معروف و پدران ایشان بیشتر از علماء شهیر بوده وچنانکه در المآثر والاثار (ص ۱۴۱) مذکور است سبباً بمرحوم علاّمه مجلسی میرسند ومنصب امامت جمعه دراصفهان وطهران تاکنون دراین خانواده برقرار است ومرحوم فتحعلیشاه پس از اتمام مسجد شاه طهران امامت آنرا بمرحوم میر محمّد مهدی برگذار و در تتمهٔ روضة‌الصّفا مذکور است که بیست وشش سال ودوماه باین مقام منصوب و بوظائف آن اشتغال داشت و در ج ۱ نامهٔ دانشوران ص ۴۸۹ نگاشته شده که چون میرمذکور اولاد ذکور نداشت بامر فتحعلیشاه آقا میرزا ابوالقاسم برادر زادهٔ خویش راکه بسال ۱۲۳۷ باتفاق علمای اصفهان برای تعزیت پادشاه بفوت شاهزادهٔ محمّد علی میرزا بطهران آمده بود نائب امام مسجدشاه نمود ودختر خود رانیز بوی داد (مرحوم حاج میرزا زین‌العابدین متوفی بسال (۱۳۲۱) والد آقای حاج سید محمّد امام جمعه فعلی طهران ازآن دختر بوجود آمده است).

نگارنده از مرحوم میر محمّد مهدی مؤلفهٔ دیگری تاکنون ندیده واز آقای امام جمعهٔ طهران که نوادهٔ ایشان اند پرسش نموده مؤلفه‌ای سراغ نداشتند و از مطالعهٔ این شرح بدست می آید که میر محترم درتاریخ دستی قوی داشته وبدبختانه چنانکه تحت خصوصیّات نسخه خواهیم نگاشت این شرح ناقص وفقط برسه چهارخطبه

---

(۱) درجلد دهم روضة‌الصفا درذیل ذکرشهر مشهد مقدس وبنای آن نام ونسب وعمر وامامت ایشان چنانکه نگاشته شد ضبط گردیده است ودر کتاب « نخبة‌التواریخ » تألیف مرحوم میرزا اسمعیل خان دبیر که یگانه نسخهٔ خطی آنرا آقای ابوالقاسم سحاب دارند و از لحاظ اینکه درحدود دوهزار ماده تاریخ وفات درآن درج گردیده از کتب نفیس میباشد دو بیت ذیل که مصراع اخیر آن تاریخ وفات این عالم جلیل‌است درج گردیده:

رهبر خلق جهان حبر امام جمعه — گل باغ نبوی میر محمد مهدی
گشت واصل چوبحق گفت بتاریخ دبیر — زجهان رفت علوی میر محمد مهدی = ۱۲۶۳

از اوّل و اواسط نهج‌البلاغه بیش نیست و شارح در موقع نوشتن این شرح بیشتر بشرح ابن میثم و ابن ابی‌الحدید مراجعه مینموده و در صفحات آن ترجمه عین عبارات آن‌دو کتاب مذکور دیده میشود و درقسمت های تاریخی از کتب‌تواریخ مخصوصاً تاریخ طبری بسیار نقل‌نموده و دربین شرح وبسط باشعار فارسی‌وعربی و آیات و اخبار تمثّل جسته‌اند و این قسمت موجود در حدود (۸۰۰۰) بیت میباشد و با تجسّس نسخهٔ دیگری از آنرا درکتابخانه‌ای سراغ نیافتیم.

آغاز: برضمایر صافیه اخوان‌الصفای‌خلاّن ایمانی‌و خواطر زاکیه نکته‌سرایان رموز بیان ومعانی الخ. (کاتب بسمله را انداشته و نسخه بعبارت مذکور فوق ابتدا گردیده‌است).

(۷۷۷)

شرح نهج‌البلاغهٔ امام جمعهٔ طهران

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نگاشته شده، کاتب از خود وسال کتابت نام‌نبرده، ازقبل مرحوم‌اعتضادالسّلطنه بسال ۱۲۷۰ پشت صفحهٔ اول شرحی مبنی براینکه این شرح تألیف مرحوم آقا میرمحمّد مهدی امام جمعهٔ سابق طهران میباشد نوشته شده وپس‌از دیباچه وشرح خطبهٔ کتاب شروع بشرح نخستین‌خطبهٔ نهج‌البلاغه گردیده و پس از شرح جملهٔ: **والسنة الی رسله** که از جمل همان خطبه است (درص ۷۵ نسخه) کاتب از نوشتن بقیهٔ شرح بازمانده و در ص ۷۶ شروع بشرح کلامیکه دراحتجاج بر خوارج انشا فرموده و اول آن اینست: (فَاِنْ اَبَیْتُمْ اَنْ تزعُمواالاّ اَنّی اَخْطَأْتُ) کرده ولی قسمتی ازشرح اوائل این کلام نیز دراین نسخه نوشته نشده وچنین تصوّر میرود که پیش از این از مسوّدات بدست نیامده و پس از شرح بقیهٔ این کلام شروع بشرح خطبه‌ای‌فرموده که درآن از وقایع جنگهای آتیه بصره اشاراتی است و ابتداء آن این است: (یا اَحْنَفُ کَاَنّی بِه) و میان آن قسمت اولی و این خطبه درحدود شرح ثلث خطب افتاده وشرح هفت‌بیت ازاین‌خطبه اخیرهم نوشته نشده ودرشرح این‌جمله:

(اِنَّ اللهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السّاعَةِ) که تقریباً شش بیت بآخر خطبه مانده است خامهٔ کاتب ایستاده ودرشرح این خطبه کلیّهٔ وقایع تاریخی ومطالب راجعهٔ **بصاحب الزنج** که حضرت درخطبهٔ خویش از آن نام برده، ازاین طرف وآنطرف جمع آوری نموده و درحدود (۴۸۰۰) بیت شده ومدّعی گردیده‌اند که درهیچ جا جز تاریخ طبری وشرح ابن ابی‌الحدید آنهم باختصار این قضایا مرتباً نوشته نشده و مقصود من ازاین اطناب «کشف نقاب از عذار عذرای مخطوبه فصل فضل خطیب منبر فصل الخطاب والی ملك ولایت دین بوتراب نه شرح حال زنك ضلالت مآب است» و آخر نسخه این است: وشارح ابن ابی‌الحدید باقلمی چون حدید این امر تبدید (کذا) بر این صفحه چنین تسوید میکند ..... وما بچشم خود دیدیم و بدیدهٔ تعجّب بر آن امور غرابت آثار وظهور چنان حکایات عجائب دثار که وعدهٔ آنرا از کلام (۱).

عبارات نهج‌البلاغه بخط نسخ نگاشته شده و پس از آخرین صفحه سه ورق و نیم ننوشته میباشد و کاغذ نسخه فرنگی مهره زده است.

جلد بیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۹۷). صفحهٔ (۲۱) سطر. طول (۳۵ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۰).

[۳۱۹] شرح نهج البلاغه ـ عز الدین آملی (فارسی)

این شرح از عزّ الدین آملی رحمة الله علیه است (عزّ الدین بن جعفر بن شمس الدّین آملی)(۲) که ازعلما ودانشمندان قرن دهم هجری ومعاصر وهمدرس محقّق کرکی ره (متوفی بسال ۹۴۰) بوده اند، نگارنده نام ایشان را جزدر تذکرهٔ هفت اقلیم ذیل شهر آمل و مستدرك الوسائل ج ۲ ص ۵۱۴ بنقل از ریاض العلماء نیافتم، در امل الامل و روضات و رجال ممقانی ولؤلؤتی البحرین تفحّص کامل شد نام و نشانی از عزّ الدین نبود در مستدرك این شرح و **رساله حسنیه** را از مؤلّفات ایشان نام

(۱) ترجمه از شرح ابن ابی‌الحدید میباشد واصل عبارات آن تقریباً در یك خمس بآخر جزء (۸) آنست بدانجا مراجعه گردد.

(۲) در نسخه مدرسه کلمه ابن میان عزالدین وجعفر نگاشته نشده ولی درنسخهٔ کتابخانه حضرت رضا علیه السلام و نسخه متعلقهٔ بآقای مشکوة استاد محترم این دانشکده عزالدین بن جعفر ثبت گردیده و در دو مأخذ مذکور فوق هم فقط مؤلف عزالدین آملی معرفی شده است.

برده ودرهفت‌اقلیم‌فقط رساله حسنیّه را یادآور شده واین کتاب را ریاض العلماء در اصول دین و فروع عبادات معرّفی کرده و هردو مؤلّفه را برای آقا حسن که نماینده و وکیل(۱) آقا محمّد سلطان و وزیر مازندران بوده تألیف کرده اند .

این شرح را شارح در مقدّمه « ترجمه نهج‌البلاغه » معرّفی نموده ولی چون بدان مراجعه و مطالب آن مطالعه شود دانسته خواهد شد که از حدّ ترجمه تجاوز نموده وبشرح وبسط کلمات و عبارات پرداخته است وشاید بهمین مناسبت صاحب ریاض‌ومستدرك بتبع ایشان سید هبةالدین شهرستانی در «ماهو نهج‌البلاغه» وصاحب فهرست معارف این کتاب را شرح نهج‌البلاغه معرّفی نموده‌اند .

بر نگارنده پس از مطالعه این شرح مسلّم گردید که عزّالدّین بترجمهٔ شرح ابن‌میثم باکمی اختصار پرداخته‌ودربسیاری ازمواردهم گفته‌اند که در شرح ابن‌میثم بحرانی چنین آورده‌شده (۲) ودربیشتر ازمطالب دیگر هم که نامبرده‌نشده عینا ترجمه آن شرح است ولی درمقدّمه وخاتمه مجلّد اوّل ومطاوی کتاب تا حدّیکه مراجعه شد اشاره به اینکه تمام مطالب را از شرح ابن‌میثم ترجمه کرده‌ام نیافتم و شاید تسمیه کتاب بترجمه بهمین لحاظ بوده که اگر چون نگارنده کسی این دقت را کند راه عذری بازباشد که من بدین جهت آنرا ترجمه معرّفی کرده‌ام .

عزّالدّین قبل‌از شروع درشرح وترجمه خطب نهج‌البلاغه مقدّمه‌ای درمعنی فصاحت و بلاغت و فروع واجزاء آن و محسّنات لفظیه ومعنویه و تعریف‌خطابه و شروط آن و شرحی درفضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ومعرّفی‌از سیّد رضی ره جامع نهج‌البلاغه و شرح خطبه کتاب نگاشته . پس از مطالعه معلوم گردید که این مطالب نیز کلمه بکلمه ترجمه مقدّمات شرح ابن‌میثم ولی با اندك تصرّف واضحی در بعضی از مطالب آن میباشد و آخر این مجلّد آخر مجلّد دوّم

(۱) این معنی را عزالدین در ص ۲و۶۹۴ (از نسخه مدرسه) ذکر داده است .

(۲) در صفحات ۴۸، ۶۳، ۶۶، ۲۱۷، ۲۵۰، ۲۷۲، ۲۷۴و۲۸۲ (از نسخه مدرسه و صفحات دیگر) .

شرح ابن میثم است بنابر آنچه گفته شد این شرح چون اصل مترجم از آن شرحی خوب و مفید است وچنانکه از آخر نسخ مجلّد اوّل آن بدست میآید شارح درسال (۹۴۴)(۱) از تألیف این مجلّد فراغت یافته وتا کنون با تفحّص زیاد از مجلّدات دیگر خبری نیافته‌ام و شاید بیش ازاین هم از قلم مترجم صادر نشده باشد و این مجلّد مشتمل برشرح از ابتداء نهج‌البلاغه تا ابتداء خطبه حمد و ثناء میباشد که ابتداء آن این است : نَحْمَدُهُ عَلَىٰ مَا كَانَ وَنَسْتَعِينُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَىٰ مَا يَكُونُ الخ. ومشتمل برشرح کمتر از نصف خطب نهج‌البلاغه و در حدود (۱۶۰۰۰) بیت است.

آغاز: بسمله راجیاً منك الاعانة یاکریم عزّ من علّم الانسان نهج البلاغه وانعم.....

اما بعد این کتابیست مشتمل بر لطائف فوائد محتوی بر ظرائف فرائد در ترجمه کتاب نهج‌البلاغه که در دریای الخ.

انجام: یعنی بدرستیکه حق سبحانه وتعالی ازفضل خود اجر صابرانرا مستوفی خواهد داد بی‌حساب تمّ بالخیر ، تمّت الکتاب بعون الملك الوهاب ..... هذا آخر المجلّد الاوّل من ترجمة کتاب نهج البلاغه ..... وقد اتّفق الفراغ من کتبه ظهیرة یوم الاثنین تاسع العشر الثالث من الشهر الحاد یعشر فی شهور السنة الرّابعة الکائنة فی العشر الخامس الواقع فی المائة العاشره الداخله فی السنوات الهجریه صلوات الله علی مشرّفها علی ید مترجمه العبد الفقیر الحقیر الرّاجی عبد الموالی عزّ الدّین بن جعفر بن شمس الدّین الاملی بدّل الله سیّاتهم حسنات وغفر لهم ولسایر المؤمنین والمؤمنات انّه مجیب الدّعوات و واهب العطیّات .

(۷۷۸)

شرح نهج البلاغه عزالدین آملی

این نسخه بخطّ نستعلیق وعبارات متن آن بخط نسخ وعناوین باشنجرف نوشته شده ، در حاشیه ص۶۹۳ نوشته شده که در سال ۱۰۴۶ مقابله وتصحیح گردید ، ولی بدبختانه با مراجعه

(۱) تاریخ تألیف و ترجمه را در مقابل انجام از خط مترجم وشارح نقل نموده ایم و در فهرست رضویه ص۲۵ ج ۱ سال ۹۷۲ نوشته شده و ظاهراً بلکه مسلّماً غلط و تاریخ مذکور سال کتابت نسخهٔ آن کتابخانه است .

بآن دانسته شد که دقت کامل در تصحیح نشده .

صورت خطّ شارح بر آخر مجلّد اوّل که قسمتی از آنرا در مقابل انجام نیز نقل نمودیم بقسمی نوشته شده که ممکن است در نظر اول تصوّر شود که نسخه بخطّ خودشارح و یا فقط این قسمت اخیررا ایشان نوشته اند ولی مسلّما خطّشارح نیست و اغلاط نسخه نیز این نظریّه را تأیید مینماید و پس ازکلمه **واهب العطیات** مذکور در فوق نوشته شده : والسّلام علی کاتبه بمحمّد و عترته الطّاهرین آمین یا ربّ العالمین . و این قسمت در نسخهٔ دیگر نیست ، ورق اول نسخه وصّالی و پشت آن یاد داشتهائی در معرّفی از این کتاب و مطالب متفرقه نوشته شده و یکی از آنها را محو کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۷) . صفحهٔ (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۳) .

[۳۲۰] شرح نهج البلاغه ـ علاء الدین گلستانه (عربی)

(حدائق الحقایق)

این شرح ازعلاءالدّین گلستانه رحمةالله علیه است (علاءالدّین محمّدبن الامیر شاه ابوتراب محمّدعلی الحسنی متوفی بسال ۱۱۰۰) (۱) که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده وصاحب تنقیح المقال (ص ۲۵۸ ج ۲) مطالبیکه ذیلاً ترجمه آن نگاشته میشود در تعریف شارح از جامع الرّواة که مؤلف آن معاصر ایشان بوده نقل نموده : این عالم جلیل ازسادات گلستانه و جلیل القدر و عظیم الشّأن وبزرگوار و ثقه و عادل وزاهد و پارساترین اهل زمان و دورهٔ خویش است وجامع جمیع خصال پسندیده و علوم معقوله و منقوله اند دوبار منصب صدارت رابوی تکلیف کردند ، دراثر کمال خرد ونهایت زهد نپذیرفت . خداوند سایهٔ ایشانرامستدام

(۱) در هدیة الاحباب ص ۲۰۱ و در فهرست کتابخانه معارف ج ۱ ص ۱۴۵ و در حاشیه ص ۱۹۸ وقایع الایام بنقل از تاریخ خاوری آبادی [illegible] شارح [illegible] ۱۱۰۰ ضبط شده ولی درحاشیه ص ۳۸۳ ج ۳ وقایع الایام نوشته شده که وفات ایشان درحدود ۱۱۱۰ بوده است

بدارد وازخطرها نگاهدارد ، ایشان را تصنیفاتی است از آنها **حدائق الحقائق** (۱) (همین کتاب) و **بهجة الحدائق** که هردو در شرح نهج البلاغه است و **روضة الشهدا** و **منهج الیقین** (۲) و غیر ازاینها . انتهی . ایشانرا نیز شرحی براسماءالله الحسنی است ونسخه آنرا آقای تنکابنی دارند .

برای معرّفی از این شرح بجا است که بترجمهٔ قسمتی ازمقدّمهٔ آن بپردازم ، شارح درمقدّمه فرماید :

پیش ازاین برنهج البلاغه شرحی مختصر که پاره‌ای ازمشکلات آنرا حل مینمود نگاشته (بنابراین معلوم گردید که تألیف بهجة الحدائق شارح پیش ازسال ۱۰۷۴ که تاریخ اتمام مجلداول این شرح است بوده و آن شرح مختصر برتمام نهج البلاغه است) ولی چون دیدم که حقائق وانوارآن کتاب مستطاب ازپس پردهٔ خفا ظاهر وآشکار نگردید وآن شرح ریزه کاری ومطالب دقیقهٔ آن معدن فصاحت وبلاغت راهویدا ننمود ، برآن شدم که دگر باره بشرح آن پردازم ولی این لیاقت و قابلیت را در خود نمیدیدم و خویشتن را شایستهٔ این بلند پروازی نمیدانستم ، تا آنکه توفیقات وتأییدات ربّانی شامل حال گردید وتوسل بذیل عترة طاهره علیهم السلام را بهترین وسیلهٔ برای موفقیت دانسته بدامان آنها چنگ زده و شروع بشرح با تفصیل کامل نموده و در مطالب مهمه مذاهب و اقوال را نقل و بیان وچون مقام اقتضا نموده از تفصیل و طول دادن باك نداشته و چون لازم ندیده برای ایضاح و اثبات مطلبی و محو باطلی چون ناچار باطناب درکلام گردیده ازآن هم دریغ ننموده ودرمباحث امامت مخصوصاً جستجوی کامل نموده و شبههای مخالفین را یك بیك نقل و راه حق و راست را برای جویندگان واضح وآشکار نموده و باخالفین باخباربکه در نزد خود آنها صحیح و معتبر است احتجاج کرده و ازترس اینکه نهمت افتراء بدامن نویسنده بندند به مآخذ هریك درجای خود تصریح نمودم و چندان بذکر قصص و حکایات نپرداختم جز آنجائیکه مطلب مهمی مبتنی برآن بوده ونیز از انشاد اشعارمناسب مقام خودداری کردم (کلامی ابیاتی در این شرح دیده میشود ولی خواسته اند بگویند که چون شرح ابن ابی الحدید نیست) و در درجاکه مطالبی بنظر شارحین پیش ازمن رسیده و مرا استنباط دیگر بود آنها را با نظر خوش نقل نموده و امیدوارم که توفیق رفیق و در فهم کلمات مبارکات بر دیگران برتری داشته باشم ونام این شرح را «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق»

(۱) بتصریح صاحب روضات در ص ۶۵ ج ۴ نام شرح نهج البلاغه قطب الدین کیدری «حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق احسن الخلائق» میباشد وکتابی در فقه بنام «الاصباح» نیز تألیف کرده اند انتهی . و در مستدرك الوسائل ج۳ ص ۵۱۳ نام شرح نهج کیدری را الاصباح ضبط کرده اند و قول صاحب روضات نرجیح بر قول ایشان دارد چرا که نقلهای دیگری هم از آن شرح نموده و میرسانند که از روی تحقیق و مراجعه بخود کتاب نام آنرا یاد داشت کرده اند .

(۲) اینکتاب بفارسی ودر بحث امامت است ونسخه‌ای ازآنرا آقای مشکوة اسناد این مدرسه دارند .

گذاردم و از نگاه کنندگان و خوانندگان امیدوارم که از نهج و طریقه انصاف و عدالت تجاوز ننمایند و از دیده کینه ورزی و دشمنی بر آن ننگرند. **انتهی ترجمة ملخص کلامه رحمه الله.**

چون باین شرح مراجعه گردید آنچه را مؤلف و شارح در مقدّمه بیان نموده بودند در آن یافتم و بلحاظ اثبات امامت چنانکه در مقدّمه بآن اشاره نمودند خطبهٔ شقشقیّه را بانهایت تفصیل تقریباً در (۱۶۸۰۰) بیت شرح و چنانکه در آخر مجلّد دوّم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته و مجلّد دوّم را فقط بشرح این خطبه اختصاص داده اند و مجلّد اوّل را که در حدود (۳۱۰۰) بیت میباشد مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه شقشقیّه قرار داده اند و صاحب روضات در ج ٤ ص ٦٥ نگاشته‌اند این شرح نهج البلاغه اساس آن بر اخبار گذارده شده چنانکه شرح ابن ابی الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن میثم جنبه حکمی آن غالب است. ولی گذشته از اینکه جنبهٔ اخباری دارد شارح بجنبهٔ ادبی آن هم توجه داشته و در بیان معانی لغات و مقصود از جمل و عبارات نهج البلاغه بنقل اقوال ائمّه ادب مبادرت نموده و گذشته از این تتمّه کلمات و خطب را که سیّد رضی مختصر آنهارا نقل نموده از کتب معتبره نقل و پس از شرح آنچه در نهج البلاغه است نیز بشرح و بیان آنها پرداخته اند.

بدبختانه این شرح باتمام نرسیده زندگانی شارح آن بآخر رسید و از مجلّد سوّم بیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته نشده و چنانکه حضرت آقا محمّد علی بهبهانی ره بسال ۱۱۹۵ پشت نسخه‌ایکه اینک متعلّق بحضرت استاد آقا میرزا محمّد طاهر تنکابنی دام ظلّه العالی میباشد نوشته‌اند فقط بشرح نهج البلاغه تا آخر خطبه: (کنتم جند المرئه و اتباع البهیمه) که در مذمّت اهل بصره میباشد توفیق بر شرح یافته‌اند و تمام این شرح بشماره نگارنده در حدود (۲۱۱۰۰) بیت است. و گویند این شرح در بیست مجلّد است ولی در مقدمه نیست.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی رفع لنا اعلام المجد بولاء حامل لواء الحمد الخ.

انجام: فقال ابان بن تغلب لعبدالله بن شریك هذه سیرتان مختلفان فقال اهل الجمل قتل طلحة والزّبیر وان معاویة کان قائما بعینه وکان قائدهم.

(٧٧٩)

شرح نهج‌البلاغه حدائق‌الحقایق

این نسخه قسمتی ازجلددوّم این کتابست (مبحث اوّل‌ودوّم) وبانسخه ذیل تمام جلددوّم را شامل‌و یك‌سطر ازآخر مبحث دوّم در ابتداء نسخهٔ دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی ودراینجا تاریخ را ننگاشته است .

جلد نیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (١٧٥) . صفحهٔ (٢٣) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣٤٢) .

(٧٨٠)

شرح نهج‌البلاغه حدائق‌الحقایق

این نسخه بقیه جلد دوّم است و در سال ١٠٨١ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده وبانسخه پیش یکی بوده برای آنکه‌ضخیم‌نشود بدینگونه تقسیم شدد وعناوین‌مطالب‌را باشنجرف نوشته است .

جلدتیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف‌سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢٠٧) . صفحهٔ(٢٣) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣٤٣) .

[٣٢١] شرح نهج‌البلاغه ـ محمد صالح روغنی (فارسی)

این شرح رابفارسی محمّد صالح روغنی‌ره که ازعلماء ودانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند ودرمجلّد اوّل این‌فهرست ص٢٢٣ و٢٢٥ومجلّد دوم ص٣٣ سه مؤلّفه‌باشرح مختصری‌ازحالات‌ومؤلّفات‌ایشان‌راذکر کرده‌ایم ، بر کتاب‌نهج‌البلاغه نگاشته اند و راستی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است ، بعضی آنرا بنام « ترجمه نهج‌البلاغه » نامیده اند ، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرابنام ترجمه معرّفی میکند : (چون دیدکه همّت ..... و اندیشه خاطر بعضی از ارباب مآثربترجمه کتاب نهج‌البلاغه .... معطوف‌است ، همّت گماشت بتوفیق‌ملك وهّاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تکلّف و تصلّف الخ .) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چراکه در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهاد آورده‌و حکایات مناسبی

گذاردم و از نگاه کنندگان وخوانندگان امیدوارم که از نهج وطریقه انصاف وعدالت تجاوز ننمایندو ازدیده کینه ورزی ودشمنی برآن ننگرند. **انتهی ترجمة ملخص کلامه رحمه الله.**

چون باین شرح مراجعه گردید آنچه‌را مؤلف وشارح درمقدّمه بیان نموده بودند درآن یافتم وبلحاظ اثبات امامت چنانکه درمقدّمه بآن اشاره نمودند خطبهٔ شقشقیّه‌را بانهایت تفصیل تقریبا در (۱۶۸۰۰) بیت شرح وچنانکه در آخر مجلّد دوّم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته ومجلّدسوّم را فقط بشرح این خطبه اختصاص داده اند ومجلّد اوّل راکه درحدود (۳۱۰۰) بیت میباشد مشتمل برشرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه شقشقیّه قرار داده اند وصاحب روضات در ج ٤ ص ٦٥ نگاشته‌اند این شرح نهج‌البلاغه اساس آن را اخبار گذارده شده چنانکه شرح ابن ابی‌الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن میثم جنبه حکمی آن غالب است. ولی گذشته از اینکه جنبهٔ اخباری دارد شارح بجنبهٔ ادبی آن هم توجه داشته و در بیان معانی لغات ومقصود از جمل و عبارات نهج‌البلاغه بنقل اقوال ائمّه ادب مبادرت نموده وگذشته ازین تتبّع کلمات و خطب راکه سیّدرضی مختصر آنهارا نقل نموده از کتب معتبره نقل وهر آنچه در شرح آنچه در نهج‌البلاغه است نیز بشرح وبیان آنها پرداخته اند.

بدبختانه این شرح باتمام نرسیده زندگانی شارح آن باخر نرسید واز مجلّدسوّم بیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته نشده و چنانکه حضرت آقا محمّدعلی بهبهانی ره بسال ۱۱۹۵ پشت نسخه‌ایکه اینك متعلّق بحضرت استاد آقا میرزا محمّد طاهر تنکابنی دام‌ظلّه‌العالی میباشد نوشته‌اند فقط بشرح نهج‌البلاغه تا آخر خطبه: (کتبه جندالمرئ و اتباع‌البهیمه) که درمذمّت اهل بصره میباشد توفیق بر شرح یافته است وتمام این شرح بشماره نگارنده درحدود (۲۱۱۰۰) بیت است. و گویا این شرح در نسخ مجلّداست ولی در مقدمه نیست.

آغاز: بسمله الحمدلله‌الذی رفع لنا اعلام‌المجد بولاء حامل لواء الحمد الخ.

انجام: فقال ابان‌بن تغلب لعبدالله‌بن شریك هذه سیرتان مختلفان فقال اهل الجمل قتل طلحة والزّبیر وان معاویة کان قائما بعینه وکان قائدهم.

(٧٧٩)

شرح نهج البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه قسمتی ازجلددوّم این کتابست (مبحث اوّل ودوّم) وبانسخه ذیل تمام جلددوّم را شامل و یك سطر از آخر مبحث دوّم در ابتداء نسخهٔ دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی ودراینجا تاریخ را ننگاشته است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (١٧٥) . صفحهٔ (٢٣) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣٤٢) .

(٧٨٠)

شرح نهج البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه بقیه جلد دوّم است و در سال ١٠٨١ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده وبانسخه پیش یکی بوده برای آنکه ضخیم نشود بدینگونه تقسیم شده وعناوین مطالب را باشنجرف نوشته است .

جلدتیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢٠٧) . صفحهٔ (٢٣) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣٤٣) .

[٣٢١] شرح نهج البلاغه ـ محمد صالح روغنی (فارسی)

این شرح رابفارسی محمّد صالح روغنی ره که ازعلماء ودانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند ودر مجلّد اوّل این فهرست ص ٢٢٣ و ٢٢٥ و مجلّد دوم ص ٣٣ سه مؤلّفه باشرح مختصری ازحالات ومؤلّفات ایشان راذکر کرده ایم ، بر کتاب نهج البلاغه نگاشته اند و راستی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است ، بعضی آنرا بنام « ترجمه نهج البلاغه » نامیده اند ، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرابنام ترجمه معرّفی میکند : (چون دید که همّت ..... و اندیشه خاطر بعضی از ارباب مآثربترجمه کتاب نهج البلاغه .... معطوف است ، همّت گماشت بتوفیق ملك وهّاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تکلّف و تصلّف الخ .) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چراکه در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهاد آورده و حکایات مناسبی

هم دربعضی موارد نقل کرده ، شارح خوددر آخرباب خطب فرماید : (تمت الخطب و شرحه حامداً الله تعالی ومصلیاً علی عبده ورسوله محمد المصطفی و آله ائمة الهدی وانا الفقیر الی الله الغنی محمّد صالح ابن محمّد باقر الفزوینی و پیش از من سه کس (۱) از علماء طاب الله لهم المثوی بفارسی شرح کردندو هریك طرزی واسلوبی آوردند و امیدوارم که این اسلوب وبیان از آنها نافعتر ودر نظر دوستان صحیح تر ومقبول تر افتد والمرجوهو الله تعالی وعلیه المعوّل فی کل حال ، عجب مدار اگر خدای عزوجلّ کاربی بضاعتان راست آورد و دشوار به بیدست و پایان آسان سازد ...)(۲) .

واز این کتاب بدست میآید که سالك یکی از مسالك طریقت بوده و نسبت بعلماء ظاهر چندان خوش بین نبوده است

در مطالعه نسخه بسه مؤلّفه از مؤلّفات این شارح که در کتب سیر نامی از آنها دیده نشده برخورده ام یکی در ص ۱۲۱ در ابتدا شرح وصیت حضرت علی بحضرت حسن علیهما السلام گوید :

و از این پیش این وصیت جامعه را شرحی کرده بودم مبسوط مشتمل بر ... تا رساله ای باشد برأسه در باب خود جامع وعدیم المثل مسمی به ... کار آگاهی » آنرا باندك تخفیف اینجا داخل کرده

و نیز در ص ۴۲۳ در ذیل نصائحیکه حضرت علی علیه السلام (ای احناف علیك من الفقر) بفرزند خویش محمّد حنفیّه رضی الله عنه فرموده گوید :

ومن در این باب و محاکمه میان فقر و غنی که کدام یك افضل است ... (با تفحص تاکنون بوجود این دو نسخه آگاه نشدم)

ودرص ۲۱۶ تا ۲۹۳ (از نسخه ذیل) عین ترجمه و شرح عهدنامه آنحضرت (ع) بمالك اشتر که درص ۳۳ و ۳۴ همین مجلّد بذکر و توضیح آن پرداختم بدین مقدمه و پنجاه بیت آخر آن وبا اختصار دربعضی از عبارات واضافات در پاره ای دیگر آورده شده است .

---

(۱) طاهرا مرادشارح ارسه نفر ۱ ـ ملا فتح الله کاشانی و۲ ـ علی بن حسن زواری و۳ ـ حر العاملی آملی میباشد که ازعلماء امامیه و پیش ازاین شارح بوده الله و شرح فارسی موسوم ... که در ذیل نهج البلاغه دراین فصل ازآن نام خواهیم برد ، مسلما ازشروحی است که پس ازاین شرح تألیف گردیده است .

(۲) نسخه مدرسه این قسمت را ندارد و از روی نسخهٔ حضرت آقای نقوی مد ظله نقل گردید .

نسخی که نگارنده ازاین کتاب سراغ دارد ازاینقرار است :

۱ ـ نسخه‌متعلّقه بجناب آقای حاج سیدنصرالله تقوی اخوی رئیس محترم این دانشکده که‌فقط مشتمل‌برشرح خطب میباشد(۱)وسال تحریر ندارد ولی ازقرائن بدست میآید که در همان قرن یازدهم نوشته شده ووجود این نسخه کمك خوبی به نگارنده‌نمودومؤلّف این شرح‌را که بقرائن شناخته بود گمانش‌به‌یقین پیوست .

۲ ـ نسخه متعلّقه بجناب آقای حاج محتشم‌السّلطنه (حسن اسفندیاری)رئیس کنونی (دورهٔ دهم) مجلس شورای ملّی ایران که آن نیز مشتمل بر دو ثلث از شرح خطب میباشد و بسال ۱۲۷۰ نوشته شده است .

۳ ـ نسخه ایست که دانشمند محترم آقای جواهر کلام(عبدالعزیز) در ج۱ فهرست کتابخانه معارف‌نوشته اند نجف‌اشرف‌در کتابخانهٔ خونساری موجوداست بوسیلهٔ دوست محترم ودانشمند معظّم آقای ثقةالاسلامی تبریزی (میرزا عبدالله) خصوصیّات آن نسخه را خواستم در پاسخ نگاشتند که درب آن کتابخانه بسته شده و بکتب آن اینك دسترسی نیست .

٤ ـ نسخهٔ این کتابخانه است که خصوصیّات آن ذیلاً درج میشود وبانسخهٔ آقای تقوی یك شرح کامل بدست میآید .

٥ ـ نسخهٔ دیگری است که اخیراً باین کتابخانه وارد شده و در آن نام و نشانی از مؤلّف نیست و پس از تحقیق معین شد که قسمت اخیر (شرح کلمات قصار یاباب سوّم) از این شرح است و چون هنوز بتنظیم و ترتیب کتبی که این نسخه جزء آنها است پرداخته نشده خصوصیّات آن نوشته نمیشود .

چنانکه درابتدا نگاشته شده بعقیدهٔ نگارنده این شرح ازبهترین شروح‌فارسی نهج‌البلاغه است و در آن‌گاهی نقل قول از شارح‌کاشی و شارح بحرانی وشرح ابن ابی‌الحدید وتحقیق در آنها شده و درحدود (۳٤۰۰۰) بیت کتابت دارد.

(۱) این نسخه ونسخهٔ مدرسه آخرین مطالب باب خطب را خطبه ای که درذکر آل محمد صلی الله علیه وآله وآغاز آن اینست: (هم عیش‌العلم و موت‌الجهل) دانسته وبشرح آن پرداخته وپس ازآن شرح مذکور فوق (ص ٦٤) را نوشته اند ولی در نسخ چاپی و بعضی از نسخ خطی پس از این خطبه مطالب دیگری نیز موجود است .

وطرز این شرح اینست که پس از نقل جملی از نهج البلاغه بترجمه و شرح آن مبادرت شده و از اشعار مولوی رومی و سعدی و حافظ و قصص و حکایات در آن زیاد دیده میشود.

آغاز: بسمله و به ثقتی الحمدلله علی ماانولینا من نعمآئه و انعم علینا من الائه.....

وبعد این فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت محتاج برحمت رب غنی محمّد صالح ابن حاجی باقر قزوینی عفی‌الله عن سیّآتهما الخ.

انجام: بالجمله صحبت محتشمان با مراعات حشمت ایشان موجب وحشت و ضجرت باشد نه التیام و مودّت حکیمی گفته: نصف غمهای دنیا در دل افکندم بمعاشرت دوستان که از ایشان حشمتی ندارم.

(۷۸۱)

شرح نهج البلاغه
محمد صالح روغنی

این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمّد رحیم بسال ۱۰۸۸ نگاشته، پشت صفحهٔ اوّل عبارات ذیل نوشته شده: باب سوّم شرح نهج البلاغه داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردید و از ورثهٔ میرزا داود خان خریداری شده. بفارسی ترجمه شده و مترجم معلوم نشد.

و نیز در همین صفحه است: بخشیدم بفرزندم وزیر لشکر میرزا داود خان شهر رجب ۱۲۷۹. وفقط بنام شرح نهج البلاغه بر این کتابخانه وقف شده و مشتمل بر شرح خطبه همّام تا آخر نهج البلاغه است (قسمتی از باب اوّل و تمام باب دوّم و سوّم) و عبارات اصل بخط نسخ و برخی از آنها با شنجرف نگاشته شده و دارای دو سرلوح بسیار زیبا در ابتداء نسخه و در اوّل باب سوّم (ص ۲۲۱ نسخه) میباشد و صفحات آن مجدول بطلا و لاجورد است.

جلد سوخته. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۴۲). صفحهٔ (۲۵) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۳).

[۳۲۲] شیخ و وزیر (فارسی)

این رساله یکی از نوشتهای ملکم خان ارمنی اصفهانی ملقّب به ناظم الدّوله است و چنانکه از مقدّمه ربیعزاده مورّخ بسال ۱۳۲۵ و نگاشته شدهٔ بر رسائل این مؤلف که ذیلاً از آن نام میبریم معلوم میشود مؤلف تا آن تاریخ در قید حیات بوده و بگفته آقای دبستانی کرمانی بسال ۱۳۲۶ در کشور ایطالیا با مقام سفارت ایران

وفات‌نموده‌و این‌مردیکی از رجال‌منوّرالفکردورهٔ سلطنت ناصرالدّین شاه قاجار بوده ودر راه آزادی و تمدّن و اصلاحات، مقالات ورسائلی‌نگاشته و بهمین‌جرم ازسفارت اورا معزول کردند ولی دردورهٔ مشروطیّت مجدّداً رونقی‌یافت وبانجام امور دولتی اشتغال داشت ومختصری از شرح حال او در ایّام حیاتش نوشته‌شده وآن اینست : (المآثر والاثار ص ۱۹۷) **میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله** در فنّ دیپلوماسی و شعب سیاسی مسلّم است و در غالب فضائل مشرق زمینی و اروپی مقام استادی دارد و برخی اعمال عجیبه و علوم غریبه‌را بسرحدّ کمال رسانیده ترجمه او در این مختصرات کجا میگنجد **انتهی** . از نوشتهای ملکم خان بر میآید که نسبت بعقائد و قوانین اسلام خوش بین بوده ودرمقدّمه گلستان که با حروف اختراعی خود درسال ۱۳۰۳ طبع نموده صریحاً این عقیده را اظهار کرده ومعتقد بوده که قوانین دیانت اسلام بهترین قوانین است ولی یکی از علل انحطاط‌شرقیها و عقب ماندن آنها از ملل غربی مخصوصاً ایرانیان و مسلمین خط آنها است که خواندن وفهمیدن آن بسیار مشکل میباشد، چرا که اعراب جزء کلمات گذارده نمیشود و بدین جهت هرجمله و عبارتی بچندین قسم خوانده میشود و بایستی این خط را تغییر داد و یا اصلاح نمود و برای این مقصود چندین قسم الفباء خود اختراع نموده وآنها را باولیاء امورپیشنهاد کرده و گلستان سعدی و کلمات قصار حضرت‌علی علیه‌السّلام (مأئةکلمه الجاحظ) و ضروب امثال ترکی را در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ درلندن با یکی‌از آن حروف طبع نموده والفباء مطبوع او بنام «رسم‌الخط جدیدملکم» بشمارهٔ (۲۷۷۵) دراین کتابخانه‌موجود است وهمین رساله (شیخ‌ووزیر را) دربیان معائب‌وادلّهٔ بدی خطّ فعلی بزبان‌شیخ ووزیر انشاء کرده امّا نامی ازمؤلّف‌در آن نیست ودر تحت‌عنوان سه مجلس‌مذاکرات شیخ و وزیر خاتمه‌یافته وچنانکه از نسخهٔ ذیل معلوم میشود تألیف‌آن‌پیش‌ازسال ۱۲۸۷ بوده وچنانکه‌در ذیل« رسم‌الخطّ آخوندزاده» در ص ٥ نگاشته‌شده‌دراین‌سالهای اخیر قرن‌سیزدهم‌هجری خیال‌اصلاح‌خط فعلی‌دردماغ بسیاری‌ازافراد افتاده و درصفحهٔ (٥) دانشمندان آذربایجان نام جمعی از آنها ضبط گردیده است.

ازنوشتهای ملکم‌خان رسالهای ذیل‌درتحت عنوان «کلیّات ملکم»بسال۱۳۲۵ در طهران‌چاپخانهٔ‌مجلس‌چاپ‌نموده‌وناشر آن (هاشم ربیع زاده) درآخر آن وعده داده که در مجلّد دوّم نگاشتهای دیگر مؤلّف را چاپ کند ولی جز این قسمت که نام میبریم وشامل رسالهای ذیل است چاپ نشده :

حرف غریب ، رساله غیبیّه ، رفیق ووزیر ، شیخ ووزیر (همین رساله است)، پولتیکهای دولتی ، تنظیم لشکر و مجلس اداره ، سیّاحی گوید ، توفیق امانت ، اصول آدمیّت و اصول مذهب دیوانیان .

مقالاتی متوالی بنام قانون نیز خودملکم‌چاپ‌نموده و در مشروطیّت آنها را باز طبع و منتشر کرده اند .

آغاز: وزیر - هرگاه دول خارجه بر دولت اسلام حمله بیاورند دفاع بر ما لازم خواهد بود یا خیر .

(۷۸۲)

شیخ و وزیر این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده و شرح ذیل را پشت صفحهٔاول آن نوشته‌اند: رساله ایست که درباب پیدا کردن معایب خطّ عثمانی وایران در اسلامبول نوشته شده و این بنده **تقی عبقری**منشی عملی‌نسخهٔ آن را اینك برای‌تفنّن خاطرجناب‌آقائی منشی حضور همایون استکتاب کرده و پیشنهاد حضورایشان کرده ام انشاء اللّه‌بمرور این‌نسخه خاطرخودشان را هر وقت مجال داشته باشند مشغول خواهند گرد ،در این نسخه شیخ ووزیر اشاره است بمعلّم و متعلّم شیخ معلّم است و وزیر متعلّم سنهٔ ۱۲۸۷ .

جلد تیماج .کاغذ فرنگی . قطع وزیری‌کوچك . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۱۲) . صفحهٔ (۲۷) . سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۱) .

[۳۲۳] صد کلمه یا ترجمهٔ مائة کلمه (فارسی)

این ترجمه که بصدکلمه مشهور گشته ترجمه منظوم مائة کلمةالجاحظ است که‌در حرف میم از همین فصل آنرا ذکر خواهیم کرد و ناظم آن چنانکه درذیل فقرهٔ **افقرالفقر الحمق** بدان‌تصریح شده **عادل** نامی‌است :

(بد ترین‌درویشی حمق‌است‌ای‌جان‌جهان ☆ بشنواز عادل کلام شاه مردان‌را بیان)

این شاعر هر یك از کلمات قصار را بیك بیت فارسی ترجمه نموده(۱) و در کتب تذکره شعرا و سیر بنام عادل این چند نفر ضبط گردیده اند: ۱ـ شاه طهماسب صفوی(۲)(۹۱۹-۹۸٤). ۲ ـ شاه عادل (۳) پادشاه لارفارس که بسال ۹۸۳ کشته شده . ۳ ـ عادل نام یکی از شعراء خراسان است که در قاموس الاعلام ترکی(٤) نام آن برده شده . ٤ ـ عادل بن علی که شرحی برقصیده ابو الفتح بستی دارد (٥) . ٥ ـ عادل بن مراد اردستانی که از شاگردان مرحوم میر داماد بوده و آقای شهابی (محمود) استاد محترم این دانشکده در کتاب « مسرح الفؤاد »(٦) که در شرح حال مرحوم میر داماد ره نگاشته اند از او نام برده اند وجز این پنج نفر متخلّص به عادل را تا کنون نیافته ام و همین عادل کتاب نثر اللآلی را که نیز مشتمل بر قسمتی از کلمات قصار حضرت علی علیه السّلام است ودر همین فصل آنرا ذکر خواهیم نمود به نظم درآورده و نسخهٔ آن بسال ۱۳۰٦ درطهران چاپ و منتشر شده و آغاز آن این است :

هر که درهر کار بسم الله الرحمن الرّحیم ☆ گوید ایمن گردد از وسواس شیطان رجیم

گفتهای شاه مردان و امیر مؤمنان ☆ یاد گیر ومبدء خویش ومعاد خود بدان

---

(۱) درفهرست رضویه این صدکلمه را باحتمال نسبت بعبدالباقی صوفی تبریزی داده اند درصورتیکه ایشان باقی تخلص میکرده اند (دانشمندان آذربایجان ص ۱٤٤) و گذشته از این مذاقش عرفانی وحکمی بوده و این عادل ظاهری و مخالف با حکمت و فلسفه میباشد چنانکه در ذیل کلمه : **الحکمة ضالة المومن** . گوید :

حکمت و ایمان محرم شد بهم روز الست زان نمیجویند حکمت مؤمنان حق پرست .

(۲) در تذکره آتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحاء ج ۱ ص۳۹ درذیل سلاطین شاعر ، تخلص شاه طهماسب **عادل** تصریح شده ودر تحفهٔ سامی که سام میرزا برادر این پادشاه نوشته شعری از وی نقل کرده ولی تخلص اورا ضبط ننموده است .

(۳) در هفت اقلیم و تحفهٔ سامی نام این پادشاه و ابیاتی از او ثبت شده .

(٤) در قاموس الاعلام ترکی (ص ۳۰۳۷ و ۳۰۳۸) در حرف عین فقط یکنفر **عادل** را ذکر نموده که خراسانی و شاعر بوده و دو بیت فارسی از او نقل کرده است .

(٥) نسخه ای ازاین شرح راکه بسال ۹۰۳ نگارش یافته حضرت آقای حاج سید نصرالله تقوی مدظله دارند و درمقدمه شارح خودرا اینگونه معرفی میکند : چون فقیر حقیر مقصر بتقصیر اصغر العباد جرماً واکثرهم جرماً **نظم :**

آنکه نعت نبی ومدح ولی ❁ بعبارات واضحات جلی ❁ گوید ارصدق نیت و اخلاص ❁ افقر خلق **عادل** بن علی غفرالله ذنوبه الخ . وازمقایسهٔ اشعار صدکلمه بااشعار این شرح بخوبی معلوم میشود که ناظم آنها یکی نیست .

(٦) این کتاب تا بحال چاپ نشده واین نقل ازنسخه خطّی مؤلف محترم گردیده است .

و انجام آن این است :

میرسد از صدق مرد اندر مقام اولیاء ☆ ختم کن برصدق ای‌عادل کلام اولیاء

ونسخه چاپی‌این ترجمه متعلّق به ۲۵۸کلمه و در ۲۶۰ بیت میباشد وهر کلمه ای‌را بیك‌بیت ترجمه نموده و از مراجعه باین اشعار معلوم میشود که ناظم مردی دین‌دار و مقدّس مآب بوده ، و با قرآن سروکار داشته چنانکه در ذیل این کلمه شِفاءُالْجِنانِ فِي قِرآئَةِ القرآن . گوید : هر که قرآن خواندن اورا ورد چون عادل شود * عاقبت درد دل اورا شفا حاصل شود . و نیز در ذیل این کلمه : كَلامُ اللهِ دَواءُ الْقَلْبْ . گوید : درد دل را از کلام حق تعالی جو دوا * خود تو را در سینه محفوظ است قرآن عادلا . و نیز از اسلوب اشعار بخوبی معلوم میشود که ناظم هردو یکی و از شعراء دورهٔ صفوّیه بوده است .

جز این عادل شعراء دیگر هم بترجمه این‌کلمات قصار پرداخته اند و مناسب است که دراینجا چندتن از آنها راکه نگارنده تاکنون یافته بیاورد اول‌رشیدالدّین وطواط متوفی بسال ۵۷۳ که ازسخن سرایان شهیراست ، بدوا این کلمات قصاررا بنثر عربی و پس‌از آن به نثرفارسی‌و از آن پس‌هر کلمه ای‌را بدو بیت فارسی‌ترجمه وشرح نموده‌وچنانکه‌آقای محمّد علی تربیت درص ۱۰ شماره اوّل گنجینهٔ معارف که بسال ۱۳۴۱ درتحت مدیریت‌ایشان درشهر تبریزمنتشر میشده مرقوم‌داشته‌اند نسخهٔ کامل این ترجمه و شرح درکتابخانه ولیّ‌الدّین در اسلامبول بوده و شمارهٔ آن در آن کتابخانه (۲۶۳۹) است و آنرا « مطلوب کل‌طالب» نام گذارده وریو در فهرست موزهٔ بریتانیا سال این ترجمه و شرح را ۵۵۹ دانسته و آقای اقبال آشتیانی درص نه مقدّمهٔ حدائق‌السّحر نگاشته اند که این کتاب در اروپا وایران چاپ شده وترجمه یکی‌از کلمات‌را بهمان‌سه نحو که گذشت عیناً نقل‌نموده چنانکه پیش از ایشان در همان شماره گنجینهٔ معارف آقای تربیت ترجمه یکی از کلمات قصار دیگررا آورده اند و ترجمهٔ نظمی رشید مکرّر در ایران‌چاپ شده وتاهنوز درمکاتب قدیمه‌از کتب درسی بچهااست ولی‌چاپ‌شدن‌مطلوب کل طالب راکه سه ترجمه رشیدّالدین باشد تاکنون آگاهی نیافته ام .

دوم : در ص ۱۴۷ دانشمندان آذربایجان است که درویش اشرف در سال ۸۳۸ صد کلمهٔ حضرت امیر علیه‌السّلام را بقطعات فارسی ترجمه نموده است .

سوم: نیز آقای تربیت در گنجینهٔ معارف نوشته اند که جامی (عبدالرّحمن متوفی بسال ۸۹۸) نیز این کلمات قصار را بفارسی ترجمه کرده .

چهارم : نیز در گنجینه معارف نگاشته تربیت است که بسال ۱۲۵۵ با ترجمه ترکی آن در بولاق مصر چاپ شده .

پنجم : فلایشر این کلمات را بآلمانی ترجمه نموده و با ترجمه فارسی رشید وطواط بسال ۱۸۳۷ م . در لایپزیك چاپ گردیده (آقای اقبال در مقدّمهٔ حدائق السّحر ص ند) چون نسخه آن را بدست نیاوردم ندانستم که آیا آنچه در اروپا از ترجمه رشید چاپ شده همان ترجمه نظمی و یا تمام مطلوب کلّ طالب و یا ترجمه نثری اواست .

ششم : ترجمه بنظم فارسی از عبدالواحد است که بگفته صاحب ریاض العلماء (وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۳ ج ۳) عالمی متصوف و مفسر و متکلم در دوره صفویه بوده است .

صد کلمهٔ عادل بسال ۱۲۵۹ در تبریز و بسال ۱۲۷۲ در آخر شرح باب حادی عشر در طهران چاپ شده است .

آغاز: بسمله بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان * هست نام خالق بسیار بخش مهربان

انجام: مٰا اَضْمَرَ اَحَدٌ شَیْئاً اِلاّ ظَهَرَ فی فَلَتٰاتِ لِسٰانِه وَ صَفَحٰاتِ وَجْهِه

گر نهان دارد کسی سرّی توان دریافتن * در کنار روی آنکس یا در اثنای سخن

اللّهم اغفر لنا رمزات الالحاظ وسقطات الالفاظ وهفوات اللّسان وشهوات الجنان

یاالهی بیرضایت گر زبان و چشم و دل * زشت گویدیا ببیند یارود جائی مهل .

(۷۸۳)

صد کلمه یا ترجمه مائة کلمة الجاحظ

این نسخه ضمیمهٔ مجموعه ایست که بسال ۱۰۷۴ نگاشته شده و کاتب هریك از ابیات را بخطّ نستعلیق درمقابل اصل کلمات که بخط نسخ نوشته شده نگاشته و ترجمه بسمله را که در مقابل آغاز نقل نمودیم نیاورده و ابتداء بترجمه لَوْ کُشِفَ اَلْغِطاء ما اِزْدَدْتُ یَقیناً که نخستین کلمه از مائة کلمه و این بیت میباشد نموده :

(گراجل بردارد از پیشم حیات مستعار * در یقین من نیفزاید بحق کردگار)
وبترجمهٔ این کلمه : لِسانُ ٱلْعاقِلِ وَراءَ قَلْبِهْ که این بیت میباشد : (بی تأمّل دم مزن اوّل بدل اندیشه کن ☆ تا نیندیشد بدل دانا نیاید درسخن) نسخه را ختم کرده است .

خصوصیّات دیگر نسخه بمجموعه شمارهٔ (۲۷۹۹) این کتابخانه مراجعه گردد و این نسخه از ص ۳۱ تا ۳۶ این مجموعه را حائز است .

(۷۸٤)

صد کلمه یا ترجمه مائة کلمة الجاحظ

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب **علی نائینی** درسال ۱۲۷٤ با طلا ولاجورد نگاشته و ترجمهٔ کلمات را هریك بیك بیت درذیل آنها تحریر نموده و ترتیب کلمات نسخه چاپی این ترجمه و نسخ خطّی آن با یکدگر مطابق نیست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸) . صفحهٔ (۹) سطر . طول (۲۳ ½ سانتیمتر) عرض (۱۷ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰٤۹) .

[۳۲٤] الطراز الموشی فی الانشاء (عربی)

این کتاب مجموعه ای از مراسلات و انشاآت رسمی و دوستانه است وچنان که پشت نسخهٔ این کتابخانه نگاشته شده مؤلّف و گردآورندهٔ آنها شیخ شمس الدّین محمّد بن حسن نواجی رضی الله عنه است وصاحب معجم المطبوعات در ص ۱۸۷۲ بمناسبت کتاب «حلیة الکمیت » وی که چاپ شده شرحی در معرّفی از ایشان از کتب : حسن المحاضره ۱ - ۲۷٤ و ابن ایاس جزء ۲ ص ۳۲ و ٤۹ وطبقات الشافعیّه اسدی ورق ۱۱۳ و الخطط الجدید . ۱۷ - ۱۳ نقل نموده ودر آنجا است : وَقالَ ٱلشِّعْرَ ٱلْفائِقْ وَالنَّثْرَ ٱلرَّائِقْ وَجَمَعَ ٱلْمَجامیعْ . ولی نام نبرده که یکی از آن مجموعات موسوم به « الطّراز الموشّی » میباشد .

در کتاب شذرات الذّهب ص ۲۹۵ ج ۷ که ذیلاً شرح حال این مؤلّف را از آنجا ترجمه خواهیم نمود نامی از مجامیع نیست و این کتاب را از مؤلّفات نواجی نشمرده ولی از قرائنی که ازخود این مجموعه بدست می آید صحّت انتساب جمع این مؤلفه بدانشمند مذکور واضح میشود .

شمس‌الدّین محمّد بن حسن بن علی بن عثمان نواجی(۱) شافعی مصری بسال ۸۵۹ درگذشت علم ادب را امام ودانشمند فرزانه ای بوده ، در « عنوان‌الزّمان» آمده که پس‌ازسال ۷۸۵(۲) درقاهره تولّدیافته‌ودرقرائت‌شاگردی ابن جزری (۳) معروف را نموده و علوم ادب و فقه و اصول و معقول را از اساتید آن عصر استفاده کرده و بعلوم ادبیّه توجه خاصی نمود و چنان در آن مستغرق شد که سرآمد اهل زمان گردید و ازمصنّفات وی **حاشیه توضیح**(٤)، حاشیه جاربردی، **کتاب تاهیل‌الغریب** (این کتاب‌مشتمل برقصائداست)، **الشفا فی بدیع‌الاکتفا**، خلع‌العذارفی‌وصف‌العذار، **صحائف‌الحسنات**، روضة‌المجالس فی بدیع‌المجانسه، **مرائع‌الغزلان** فی‌وصف‌الحسان من‌الغلمان و کتاب **حلیة‌الکمیت** فی‌وصف‌الخمر است انتهی . **الطراز‌الموشی** مشتمل‌برانشاآت‌رسمی‌ودولتی‌وشخصی‌است‌وبیشتر مکاتباتی‌راکه سلاطین‌وامراءممالک‌بپادشاهان‌مصرنگاشته انددرآنست وعهد نامهای آنهارا نیزداراست‌وانشاآت‌شخصی‌وغیررسمی آن هم‌ازنویسندگان‌مصرمیباشدودر این کتاب‌مراسلاتی‌ازچنگیزیان‌خصوصاًاحمدمورّخ‌بسال ۶۸۱ وامیر تیمور گورکانی و شاهرخ بپادشاه مصر و جواب او بآنها موجود است و پاره ای از منشآت برهان‌الدّین باعونی(٥) شافعی متوفی بسال ۸۷۰ را دارا میباشد و از انشاات‌زمان خلفاء بنی عبّاس و اعصار بعد نیز چند نسخه داراست و از مجموعات خوب ادبی و تاریخی بشمار میرود .

سه کتاب‌دیگررانگارنده بنام‌الطرازمیشناسدوممکن‌است‌یکی ازآنهاباین کتاب

(۱) نواج یکی از دهات کشور مصر و در ناحیه مدیریّه غربیه آن میباشد (معجم‌المطبوعات) .
(۲) در معجم‌المطبوعات تولد نواجی بسال ۷۸۵ یا ۷۸۸ بتردید ثبت شده .
(۳) شرح حال ابن جزری در (ص۱۹۱ ح۱) این فهرست نوشته شده و در آنجا است که‌بسال ۸۳۳ وفات یافته و همین نواجی در رثاء او دو بیت‌گفته و آنرا در آنجا ثبت کرده‌ایم .
(٤) توضیح تألیف ابن هشام نحوی معروف است که شرح حالش درفصول بعد نوشته میشود و این کتاب شرح‌الفیّه ابن مالك مشهور است و نام اصلی آن « اوضح‌المسالك الی‌الفیّة ابن مالك » میباشد ولی‌مشهور بتوضیح گردیده است .
(٥) در ص ۳۰۹ ح ۷ شذرات‌الذهب ذیل وفیات سال ۸۷۰ گوید : در این سال برهان‌الدین ابراهیم بن احمد بن ناصربن خلیفه مقدسی شافعی ناصری باعونی دمشقی وفات یافت و دانشمندی بزرگ وسال‌عمرش نزدیك بصد سال بود (عن بضع و تسعین سنه) و درحاشیه همین صفحه است که تولد وی در صَفَدْ بوده و بشام آمده ، از مشایخ آن کسب فضیلت نموده و **کتاب‌الضوء** را تصنیف کرده است و دراین‌نسخه الطراز‌الموشی باغونی با غین معجمه ضبط شده است .

اشتباه شود یکی «**الطراز**» در علوم بلاغت که تألیف یحیی بن حمزه العلوی ره امام زیدیّه است و مؤلّف آن در سال ۷٤۹ وفات یافته و در ص ۱۰ کتاب «ماهو نهج البلاغه» جناب سیّد هبة الدّین شهرستانی آنرا ذکر کرده و چاپ شده است. و دیگری «الطراز الموشی فی صناعة الانشاء» تألیف شیخ محمّد نجّار معلّم عربی در مدرسه محمدیّه امیریّه مصر میباشد که بسال ۱۸۹٤ م. چاپ شده و در ص ۱۷۰۰ معجم المطبوعات ذکر گردیده و مسلّماً غیر از این کتاب است. و دیگری «الطراز فی الحقیقة و المجاز» تألیف حجة الاسلام رشتی ره میباشد و نسخه آنرا آقای تنکابنی دارند.

الطراز الموشی نواجی در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله و صلی الله علی سیّدنا محمّد و آله و صحبه اجمعین ـ نسخة کتاب ورد علی الابواب الشریفة الملکیّة الظاهریّه خشقدم من الشّیخ برهان الدّین الباغونی الشّافعی یقبل الارض الّتی یودّلو ظفر بقربها و کحّل جفونه بتربتها الخ.

(۷۸۵)

الطراز الموشی این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، پشت ورق اوّل سیّد حسین نام مصری در سال ۱۱۸٤ یاد داشتی مبنی بر اینکه این کتاب بتملّك او در آمده نوشته است.

جلد مقوائی. کاغذ قدیمی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق (۱۷۷). صفحهٔ (۲۱) سطر. طول (۱۹ ـ ۱/۲) سانتیمتر). عرض (۱۱ ۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۵).

[۳۲۵] عیون الحکم و المواعظ (عربی)

این کتاب که بتصریح مؤلّف در مقدّمه موسوم به «عیون الحکم و المواعظ و ذخیرة المتعظ و الواعظ» میباشد، بنابر آنچه علاّمه مجلسی ره در باب ما جمع من کلمات علی علیه السّلام (در مجلّد ۱۷ ص ۱۳٦ چاپ کمپانی (۱)) نگاشته اند جامع

(۱) عین عبارت بحار الانوار اینست: وکذا الشیخ علی بن محمد اللیثی الواسطی فی کتاب عیون الحکم و المواعظ و خیرة المتعظ و الواعظ الذی قد سمیناه بکتاب العیون و المحاسن و هو یشتمل علی کثیر من کلماته و کلمات باقی الائمة علیهم السلام. چنانکه بنقل از مقدمه دانستیم **و ذخیرة المتعظ** است و ذال آن در این نسخه افتاده **و خیرة المتعظ** شده و مندرجات آن از حضرت مولی علی امیر المؤمنین است نه از ایشان و سائر ائمه علیهم السلام. صاحب کشف الحجب در ص ۳۸۹ این کتاب را بنام «العیون و المحاسن» که اسم اختراعی علامه مجلسی برای این کتاب است ذکر نموده است و علامه مجلسی در مجلد ۱۷ ص ۱۱۲ نیز بنقل کلمات قصاری از نسخه قدیمی این کتاب مبادرت نموده است.

ومؤلّف آن علی بن محمّداللیثی الواسطی رحمةاللهعلیه است و از مقدّمه آن بخوبی معلوم میشود که ازعلماءامامیّه‌بوده وچنین بنظرمیرسد که درقرن‌ششم یاهفتم‌هجری میزیسته اند ، در کتب سیر و رجال چون روضات و لؤلؤتی‌البحرین و رجال ممقانی و امل‌الامل نامی از ایشان نیافتم .

ابن کتاب‌رادر مجلّداوّل‌این‌فهرست (ص۲۸۳-۲۸۶) در فصل‌اخبار بانقل قسمتی ازدیباچه آن نام برده‌ام ولی‌درآن‌هنگام که مشغول بنگارش‌ومعرّفی‌از آن‌بودم‌بنام مؤلف‌آن برنخورده وعدم‌اطلاع‌خویش‌رااظهارنمودم اخیراکه‌مؤلف‌وجامع آن‌را شناختم‌چون دراین فصل‌کلمات قصار حضرت مولی علی امیرالمؤمنین علیه‌السّلام و خطب ومنشآت‌آنحضرت وشروح آنهانقل‌گردیده وبشرح ومعرّفی‌آنهاپرداخته شده‌ومیشود مناسب‌آن دیدم که این‌کتاب‌را باز دراینجا بیاورم و نظر باینکه در شمارهٔ کتب مجلّد اوّل اختلافی‌رخ‌داده ودرذیل‌صفحهٔ (ح) ازمقدّمه‌آن مجلّدبدان اشارتی رفته و شمارهٔ مسلسل را دراین مجلّد موافق آخربن شمارهٔ مجلّد اوّل‌قرار داده ام لذا این تکرار بشمارهٔ مسلسل خللی وارد نمیسازد .

این کتاب (عیون‌الحکم‌والمواعظ) بتصریح‌جامع درمقدّمه ۱۳۶۲۸ کلمه‌از کلمات قصار راکه در سی باب بترتیب حروف تهجّی مرتب گردیده شامل و در باب سی ام مختصراتی از بیانات توحیدی و وصایا و مواعظ و عباراتی در مذمّت دنیا و ادعیّه و مکاتبات آنحضرت راکه بنظر جامع لطیف و فوق‌العاده تر ازسائر کلمات‌بوده آورده‌ولی دونسخه ذیل و نسخه‌صاحب‌وقایع‌الایام فاقد این‌باب میباشدو شاید تألیف نشده‌است واین بیست‌ونه باب‌درحدود (۶۸۰۰) بیت کتابت‌دارد.

آغاز: بسمله الحمد للّه فالق‌الحبّه و باری‌ءالنّسم ، موجدالاشیاء بعدالعدم الخ .

انجام: فلیحذرالذین یخالفون عن‌امره‌ان تصیبهم فتنةٌ اویصیبهم عذابٌ الیم.

(۷۸۶)

عیون‌الحکم والمواعظ و

این نسخه بخط نسخ خیلی‌خوب نوشته شده ، در سال ۱۰۷۹ محمّد هادی نام مقابله شدن‌آنرا بانسخه دیگر نوشته ومطالبی که کاتب ازمتن انداخته بوده در حاشیه نگاشته شده است.

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۸۵) . صفحهٔ (۱٤) سطر . طول (۲۰½ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۸۵) .

(۷۸۷)

عیون الحکم والمواعظ و ذخیرة المتعظ والواعظ

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب محمّدقلی در سال ۱۰۸۵ بنا بدستور علم‌الهدی فرزند حضرت فیض رحمهماالله نوشته وخودایشان در آخر نسخه یادداشتی درشش سطر نگاشته‌اند.

جلد چرمی اعلا . کاغذ اصفهانی .واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۳۷) صفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱۵½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۸٤) .

[۳۲۶] غررالحکم و دُررالکلم (عربی)

جامع این کتاب که نیز مشتمل بر قسمتی ازکلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام میباشد **آمدی** ره است (ناصح الّدین ابوالفتح عبدالواحدبن محمّد بن عبد الواحدالتمیمی الامدی) که بتصریح صاحب روضات (درص ٤٦٤) معاصر سیّدرضی ره متوفی (٤۰٦) وسیّدمرتضی ره متوفی (٤۳٦) و شیخ طوسی ره متوفی (٤٦۱) بوده و نیز از ابن شهرآشوب نقل نموده که از علماء امامیّه بوده و گوید روایتی درکتب امامیّه بدو نمیرسد و هم از قاموس و تقویم‌البلدان نقل کرده است که **آمد** شهری‌است میان‌دجله وفرات ازدیاربکر و دارای باغها واراضی زراعتی است و بفتح وضم و کسر میم قرائت شده . و صاحب معجم‌المطبوعات (در ص۹۱) وفات این مؤلف را بسال ۵۱۰ ضبط نموده و مأخذ خودرا هم ننگاشته بنا بر آنچه نقل شد بسیار دور بنظر میآید که تا این تاریخ زندگانی کرده باشد .

آمدی در مقدّمه ابن کتاب گوید :

آنچه مرا وادار بر جمع آوری این کتاب کرد افتخاری است که ابو عثمان جاحظ در جمع آوری مائة کلمه نموده است و بسی موجب تعجب میباشد که این مرد با اینکه علاّمه روزگار خویش بوده

و در دانش و بینش یگانه عصر خود شمرده میشود و بمبدء نزدیکتر بوده چگونه عظمت کلمات دیگر آنحضرت بر او مخفی شده و از آن همه کلمات بیشمار بدین شمارهٔ اندك قناعت نموده و من با اینکه شایستگی این مقام را ندارم بسیاری از کلمات آنحضرت را جمع نموده، گر چه در مقابل حکم و مواعظ و کلمات آنحضرت اندکی از بسیار و یکی از هزار است و آنرا بترتیب حروف معجم مرتب ساختم و اسانید آنرا برای اختصار انداختم و آخر کلمات را هم چون ذوق و طباع مائل بسجع بودوبگوش خوشترمی آمدمسجع قراردادم وآن را «**غررالحکم ودررالکلم**» نامیدم.

این کتاب بیش از چهار هزار بیت کتابت دارد و در مصر و بمبئی چاپ شده و عبدالکریم بن محمّد یحیی قزوینی آنرا به نود و نه باب تقسیم و مطالب متفرقه راجعهٔ بیك موضوع را جمع ودرابواب مذکوره منظم کرده پس از آن بشرح وی پرداخته و آنرا «نظم الغرر و نضد الدّرر» نامیده و در این فصل آنرا مفصلاً ذکر خواهیم وچنانکه درمقدّمه مجلّددوّم این کتاب نگاشته شده همین مؤلّف «غررالحکم» رانیز بفارسی ترجمه نموده و آنرا «اصداف الدّرر» نام نهاده و آقاجمال خونساری برغررالحکم شرحی فارسی نگاشته که در ص (۳۴-۳۶) این فصل بتفصیل از آن نام برده شد. ونیز این کتاب را برحسب خواهش آقامیرزا احمد تبریزی متوطن شیرازمیرزامحسن خوشنویس (عمادالفقرا) متخلّص بحالی که ازاهالی اردبیل و فضلاء آن سامان اند بفارسی ترجمه نموده و قسمتی از آن ترجمه ذیل قسمتی از غررالحکم در ضمن مجموعه ای که بنام «**انهار جاریه**» در شیراز میرزا احمد مذکور درمطبعهٔ خویش بسال ۱۳٤٤ طبع نموده اند مندرج گردیده است.

آغاز: بسمله الحمد للّه الّذی هدانا بتوفیقه الی جادّة طریقة الخ.

(۷۸۸)

غررالحکم ودررالکلم

این نسخه بخط نسخ خوب در مدینه طیّبه بسال ۹۹۵ نگاشته شده و در سال ۱۰٤۹ معزّالدّین مخاطب **بمعزالملك** بخطّ خود شرحی مبنی براینکه این کتاب رابه سیّد **امیرمحمد زمان** بنام یادگار داده نوشته و بنا براین سیّد مذکوراز علماء آنعصر بوده و در ذیل

این شرح مهر مدوّری است که بر آن چنین نقش گردیده : بنده‌شاه جهان پادشاه غازی معزّ الملك .

ورق اوّل و آخر کتاب وصّالی گردیده ، کلمات افتاده از متن در حاشیه نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن سالم مانده است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۶) . صفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۱۹ ½ سانتیمتر) عرض . (۱۳ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۴۲) .

[۳۲۷] مائة کلمه (عربی)

جامع وانتخاب کننده این کلمات جاحظ ره است (ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب کنانی لیثی بصری متوفی بسال ۲۵۵)(۱) که از معاریف دانشمندان اسلام بوده و روش اعتزال داشته و خود در اصول دین دارای آراء و عقاید خاصی میباشد ، شهرستانی در ملل و نحل بذکر برخی از آنها پرداخته وپیروان این مرد را جاحظیه مینامند .

جاحظ چون کتب فلاسفه را زیاد مطالعه مینموده افکار آنها دروی بی اثر نمانده و ابن‌الندیم در بارهٔ وی در فهرست خویش تحت عنوان « الفتح بن خاقان» چنین آورده : (ابوهفان گوید : ندیده و نشنیده ام کسی در دوستی بکتاب و علم بپایهٔ جاحظ و فتح بن خاقان و اسمعیل بن اسحق قاضی برسد امّا جاحظ هیچگاه کتابی بدست او نرسید مگر آنکه سرتا پا آنرا خواند و گاهی دکان کتاب فروشها را اجاره میکرد و در آنجا می‌ماند و مطالعه مینمود الخ) .

یکی ازبرمکی‌ها گوید (ترجمه ازابن‌خلّکان ج ۱ ص۳۸۸) :

وارد بصره شدم شنیدم جاحظ دچاربفلج گردیده ، با خودگفتم وی‌را دیداری کنم ، بدرب خانه وی

(۱) مطالب راجعهٔ بجاحظ ازاین کتب اقتباس شده : ابن خلکان ص۳۸۸ و۳۸۹ ج ۱ ، فهرست ابن الندیم ص ۵۷ و ۱۶۹) ، روضات ص ۵۰۲ و ۵۰۵ معجم المطبوعات ص ۶۶۶ - ۶۶۸ و بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ورق ۴۷۹ ب . باتفاق همه مورخین وفات جاحظ در محرم سال ۲۵۵ بوده و ابن خلکان از وی نقل نموده که فلج و دردیکه بواسطه سنك مثانه دارم مرا بزحمت انداخته است و عوارض نود و شش سالگی بد تراز همه میباشد واگر فرض کنیم که در همین سال وفات کرده باشد تولدوی بسال ۱۵۹ یا ۱۵۸ خواهد بود و در معجم المطبوعات تولدجاحظ سال ۱۶۰ ضبط گردیده مآخذ آنرا ندانستم و بنا برآنچه گفته شدمسلماً پیش از سال ۱۶۰ تولدیافته است .

رفتم ، درکوفتم ، کنیزکی زرد رو بیامد ، پرسید کیستی ، گفتم مردی غریبم ، میخواهم ازدیدار صاحبخانه بهر مند شوم ، کنیزك گفتهٔ مرا بجاحظ رساند ، شنیدم بدو گفت او را بگوی چه میخواهی ازدیدار کسی که یکطرف بدن وی بیحس شده و آب از دهانش فرو میریزد و رنك رخسارش تیره گشته (ماتَصْنَعُ بِسَقِمِ مائِلٍ وَلُعابِ سائِلٍ وَلَوْنِ حائِلٍ) چون کنیزك باز گشت گفتم من آمده ام که جاحظ را به بینم و چاره ای ازآن نیست ، چون این بارکنیزك حاجت را عرضه داشت جاحظ گفت این مرد از بصره گذر میکرده و بیماری مرا شنیده تصور نموده خوبست پیش از مرگ اورا دیدار کنم و بگویم که من هم درمرض موت جاحظ را دیده ام . پس از آن بارداد باطاق وی در آمدم سلام کردم با طرزی نیکو جواب داد و اصل و نسبم را پرسید خاندانم را گفتم گفت خدا رحمت کند پدران دست بازنورا که روزگار آنها بهشت بود و بواسطهٔ آنها شکسته مردمان بسیاری بسته میشد و پروردگار آثارا از آب رحمت خویش سیراب کند و در آنسرای آنها را دستگیری کامل نماید ، من نیز ویرا دعا نمودم و گفتم خواهشمند چنانم که از شعر خویش اندکی برایم بخوانی گفت :

لَئِنْ قَدمتْ قَبْلي رِجالٌ فَطالَما ... مَشَيْتُ عَلى رِسْلي فَكُنْتُ الْمُقَدَّما

وَلكِنَّ هذا الدَّهْرَ تأتي صُروفُه ... فَتُبْرِمُ مَنْقوضًا وَ تَنْقُضُ مُبْرَما

مؤلّفات ذیل منسوب بجاحظ است : : **البخلاء** ، **البیان والتبیین** ، **التاج فی اخلاق الملوك** ، **الحنین الی الاوطان** ، **کتاب الحیوان** (دمیری صاحب حیاة الحیوان از این کتاب بسیار نقل نموده) **سلوة الحریف** بمناظرة الرّبیع والخریف **المحاسن والاضداد** ، و رسائل ذیل : **حاسد و محسود** ، فضائل الاتراك ، **فخر السودان علی البیضان** ، التربیع و التدویر ، **تفضیل النطق علی الصمت** ، مدح التجار وذم عمل السّلطان ، **العشق والنساء** ، الوکلاء ، **استنجاز الوعد** ، بیان مذاهب الشّیعه **وطبقات المغنین** ، (رسائل فوق یکجا بسال ۱۳۲٤ درمصر چاپ شده ورساله دوّم آن جداگانه نیز چاپ گردیده است) و کتب مذکوره پیش از این رسائل نیز چاپ شده و نیز از مؤلّفات جاحظ یکی **الاصنام** است که صاحب معجم المطبوعات گوید چاپ نشده و اینکه در اکتفاء القنوع نوشته شده بطبع رسیده غلط است و دیگری **نظم القرآن** میباشد که ابن ندیم بوی نسبت داده است (ص ۵۷) و دیگری کتاب **الهرجان** والبرصان **والقرهان** میباشد که سیوطی بدو نسبت داده است .

و این مجموعه از کلمات قصار که عنوان این ترجمه است در مآخذ فوق بجاحظ نسبت داده نشده جز اینکه صاحب روضات گوید : درفصول الائمّه ذیل شرح حال و اوصاف حضرت

علی‌بن ابیطالب علیه‌السّلام مذکور است که آن بزرگوار را کلماتی است که جاحظ دربعضی از مؤلفات خود آنها را جمع آوری نموده ومشتمل بر مطالب حکمیست وهرکلمهٔ از آن هزار کلمه میباشد الخ ودرذیل کتاب غررالحکم (ص ۷۶)نگاشته شد که آمدی درمقدّمه‌این کتاب گفته که‌سبب‌وباعث برجمع این‌کلمات‌افتخاری‌است که جاحظ درجمع‌مأئة کلمه از کلمات‌قصار آنحضرت نموده‌وبسی شگفت‌است که علامهٔ روزگاری چون وی ازیم به نهو از بسیار باندك‌قناعت نموده است ونیز در مقدّمه « عیون‌الحکم والمواعظ » (ص۷٤ - ۷٦) ازاین‌انتخاب‌نام‌برده شده‌است .

نگارنده با تفحّص ندانست که این انتخاب را در کدام یك ازنوشتهای خود گنجانیده است .

این کتاب یاکلمات‌قصاردرطهران‌وبسال۱۳٤۱دردمشق‌شام‌ودریکی‌ازشهرهای هندوستان و در لندن با حروف اختراعی ملکم و در سال ۱۳۲۵ ضمیمهٔ مقالات زمخشری‌درمصرچاپ شده‌وشرحی ابن‌میثم در حدود (٥٤۷۰)بیت‌بر این کلمات نگاشته و نسخه ای از آنرا استادمحترم‌این مدرسه آقای مشکوة بیرجندی دارند ومشتمل برسه قسم است **قسم اول** : در مبادی و مقدماتیکه بیان آنها لازم‌میباشد از قبیل تعریف نفس حیوانی و تحقیق در آن وبرهان بوجود آن وغیر از اینها . **قسم دوم** : در شرح کلمات قصار (مائة کلمه‌الجاحظ) . **قسم‌سوم** : در لواحق ومتممات ودراین قسم‌شطری ازفضائل وکمالات حضرت علی‌علیه‌السلام و آنکه آنحضرت مستجمع جمیع صفات کمالیه انسانیه بوده اند میباشد .

و در ص ٥٦٦ کشف‌الحجب والاستار نام این شرح را « منهاج‌العارفین فی شرح کلام امیرالمؤمنین ع » معرفی کرده ولی در خود کتاب این نام نیست .

آغاز این‌شرح‌این : بسمله اللهم یاذاالجلال‌والاکرام یاحی‌یاقدوس‌یاسلام‌الخ .

وانجام آن اینست : اللهم وفقنا لفهم هذه‌الکلمات‌والعمل بمقتضاها کما تحب و ترضی واجعل‌عواقب امورنا خیرا واعذنا من شرور انفسنا وسیآت اعمالنا و قبائح افعالنا بحق محمد و آله وعترته‌الطاهرین آمین یارب‌العالمین .

قطب راوندی را نیز براین‌کلمات قصار (مائة کلمة‌الجاحظ)شرحی میباشد .

این کلمات قصار مکرّر بنظم و نثر فارسی ترجمه شده و در ذیل « صد کلمه » در ص (۶۸-۷۲) همین مجلّد پاره ای از آنها را نقل نموده ایم .

آغاز: بسمله لو کشف الغطاء ما ازددتُ یقیناً .

انجام: لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه . (۱) اللّهم اغفر رمزات الالحاظ وسقطات الالفاظ وشهوات الجنان وهفوات اللّسان .

(۷۸۹)

مائة کلمه این نسخه را بخطّ بسیار خوب آقا زین العابدین اصفهانی در سال ۱۲۷۶ نگاشته و پس از اتمام آن مناجات منسوب به حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام که اوّل آن این است : (لك الحمد یاذاالجود والمجد والعلی) نیز همین کاتب نگاشته ودر آخرین قسمت رقم کرده واوراق نسخه متن و حاشیه است و دارای یك سرلوح کوچك میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ متن حنائی ، حاشیه آبی فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۷) . صفحهٔ (٤) سطر . طول (۱۷½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۹۹۷).

[۳۲۸] مختصر تقویم اللسان (عربی)

تقویم اللّسان کتابی است چون درّة الغواص حریری که درص (۱۹-۲۱) این مجلّد بشرح و معرّفی آن پرداخته ایم و موضوع آن تصحیح اغلاطی است که نویسندگان و گویندگان از خواص و عوام استعمال میکنند و مؤلّف آن **ابوالفرج ابن جوزی** واعظ معروف بغدادی متوفی بسال ۵۹۷ (۲) میباشد و در نامه دانشوران (ج ۱ ص ۲۷٤) این کتاب در ذیل مؤلّفات ابن جوزی آورده شده، شیخ بهائی ره در کشکول نیز این کتاب را بدون نسبت داده واز آن نقل کرده است

(۱) آخر بیشتر نسخها چنان است که نقل گردید ولی آخر نسخهٔ ذیل این جمله است : البخیل مستعجل للفقر یعیش فی الدنیا عیش الفقراء و یحاسب فی الاخرة حساب الاغنیاء اللهم اغفر رمزات الخ و آخر نسخه صد کلمه پیش از اللهم اغفر الخ ما اضمر احد شیئاً الا ظهر فی وجهه وفلتات لسانه میباشد و در تقدیم و تاخیر سائر جمل با یکدیگر مختلف اند .

(۲) روضات ص ٤۲۷ و ٤۲۸ ، ابن خلکان ج ۱ ص ۲۷۹ ـ ۲۸۰ . نامه دانشوران ج ۱ ص ۲٦۲ ـ ۲۷۵ وشذرات الذهب در ج ٤ ص ۳۲۹ .

و صاحب روضات بنقل از کشکول مطالبی که ذیلاً ذکر خواهیم نمود از این کتاب آورده(۱) و در کشف‌الظنون (ج۱ ص ۳۲۱) بنام تقویم‌اللّسان سه کتاب ذکر شده : **اول** تقویم‌اللّسان در نحو تألیف محمّد بن ابی‌القاسم بقالی خوارزمی حنفی متوفی بسال ۵۶۲ . **دوم** تقویم‌اللّسان در نحو تألیف زین‌الدّین قاسم بن قطلوبغا حنفی متوفی بسال ۸۷۹ . **سوم** تقویم اللّسان تألیف ابن قتیبه . درص۱۷۸۸ ج۳ فهرست آصفیّه نیز کتابی بنام «تقویم‌اللّسان» تألیف محمّدذکاءالله نام برده شده و گوید که بسال ۱۸۹۳ م بچاپ رسیده و موضوع آن معیّن نگردیده‌است. در ص (٤-۷) این مجلّداز فهرست مؤلّفات ابن قتیبه‌ذکرشد و در کتب سیرومآخذ نسبت کتابی بدین نام به ابن قتیبه دیده نشد ، نگارنده تصوّر میکند که‌مؤلّف ابن‌جوزی‌بوده‌وکاتب‌نسخه‌ایکه مأخذ کشف‌الظنون‌چاپ‌اسلامبول بوده اشتباهاً ابن قتیبه نوشته و یا در چاپ غلط چیده شده و مصحّح بدان متوجه نشده به نسخه کشف‌الظنون چاپ فلوگل مراجعه شد در آنجا نیز مؤلّف ابن‌قتیبه ضبط گردیده ، در مقدّمه این کتاب که مختصر تقویم اللّسان میباشد تقویم‌اللّسان‌را تألیف‌ابن‌جوزی معرّفی کرده ونامی ازاین‌مختصردر کشف‌الظنون و مآخذ دیگر نیافتم ، مختصر کننده هم تاکنون شناخته نشده ودر مقدّمه وخاتمه نسخهٔ ذیل نیز نامی و اثری از او دیده نمیشود و چنانکه خود نیز بدان تصریح نموده و فقط کاری که کرده از آن کتاب جملی را انداخته و مقدمه ای بر آن نگاشته ولی بدان چیزی نیفزوده و ترجمهٔ مقدّمه نسخه این است :

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان : سپاس وستایش مرخداوند را سزااست ودرود پروردگار برروان پاك سرور ما **محمد**ص و کسان پاکیزه‌اوباد ، نگارنده چون« کتاب تقویم‌اللسان »را که از گرد آورده های پیشوای بزرگ وداشمند فرزانه ، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن **بن جوزی** که خدایش بیامرزاد ، نگارشی سودمند یافت و دید که درآن بسیاری از آنچه مردمان ، نادرست بر زبان یا خامه‌می آورند گردآورده وبسیاری از نمونهای گفتارمردم را برای گواه خویش‌برآن افزوده و در این باره سودی چندان جز بد نامی آنانکه بر زبان رانند ندید برآن شدکه آنرا

(۱) صاحب روضات‌الجنات درص۴۲۸ نام این‌کتاب را بااستناد بکشکول شیخ بهاءالدین عاملی‌ره «تقویم غلط‌اللسان» معرفی نموده درصورتیکه‌در کشکول (در حدود ۱۳۰۰ بیت بآخرمجلد سوم مانده) نام کتاب « تقویم‌اللسان » ضبط گردیده و در مقدمه همین مختصر و نامه دانشوران نیز « تقویم‌اللسان» نوشته شده است .

ار این پاره تنك سازد و ازآن بیندازد وبس آنچه که سودی در دانستن آنست بگذارد ، تایادگیرنده اش بآسانی بر درستی و نادرستی درگفتار ونگارش آگاه شود و خداوند یاری دهنده بر توانائی نیکو است .

بنا بر آنچه از مقدّمه نسخهٔ ذیل که بترجمهٔ آن پرداختیم معلوم گردید ابن جوزی شواهد وامثله ای از کلمات وبیانات عوام را درتقویم اللّسان آورده بوده و آنچه شیخ بهائی ره درکشکول از این کتاب نقل نموده اند بدون امثله وشواهد میباشد بنا بر این احتمال دارد که ایشان هم نسخه دیگر مختصر شدهٔ از تقویم اللّسان را دردست داشته اند و از آن نقل نموده اندواصل این کتاب مأخذ ایشان نبوده وگرنه یا درهنگام نقل بنام نقل باختصار از تقویم اللّسان جمل راذکر میفرمود ویا اشاره ای مینمودند که من از آن کتاب این قسمت را انتخاب نمودم و ما برای تسجیل تصوّر خویش عین نقل ایشان را که در اواخر مجلد سوّم از کشکول است در اینجا میآوریم : من کتاب تقویم اللّسان لابن الجوزی :

جَوابٌ لا یُجْمَعُ وَ قَوْلُ الْعامَّةِ اَجْوِبَةُ کُتُبِی وَ جَوابات کُتُبِی غَلَطٌ وَالصَّوابُ جَوابُ کُتُبِی * حاجات وَحاج جَمْعُ حاجَةٍ وَ حَوائِجُ غَلَطٌ . یُقالُ حَمَیْتُ الْمَریضَ لا اَحْمَیْتُهُ . یُقالُ لِلْقائِمِ اُقْعُدْ وَ لِلْقاعِدِ اِجْلِسْ وَ الْعَکْسُ غَلَطٌ . یُقالُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ کانَ کَذا لا الَّذی کانَ کَذا . اَلْعَروس یُقالُ لِلرَّجُلِ وَ اَلْمَرَةِ لا لِلْمَرْأَةِ فَقَطْ. لا یُقالُ کَثُرَتْ عَیْلَتُهُ اِنَّما یُقالُ کَثُرَتْ عِیالُهُ وَ الْعَیْلَةُ اَلْفَقر . اَلْمَصْطَکی بِفَتْحِ الْمیمْ وَ الضَّمُّ غَلَطٌ .

این بود آنچه شیخ در کشکول از این کتاب نقل نموده اند و چون باین نسخه که مختصر تقویم اللّسان میباشد مراجعه مینمائیم می بینیم که همین جمل با اندك تفاوت در وی موجود است و جمل فوق در این نسخه بدینگونه است :

وَجَوابات وَاَجْوِبَةُ کُتُبِکَ خَطاءٌ فَلا یقالُ الاّ جَوابُ کُتُبِکْ لِاَنَّهُ لا تُجْمَعُ وَ جَمْعُهُ مُوَلَّد قالَه سیبویه وجَمْعُ حاجَةٍ حاجاتٌ او حاجٌ اوحَوْجٌ وحوائِج

خَطاءٌ . وَحَمَيْتُ المَريضَ بِغَيْرِ أَلِفٍ وَتَقُولُ لِلْقائِمِ أُقْعُدْ وَلِلنّائِمِ أَوِ السّاجِدِ اجْلِسْ لِأَنَّ القُعُودَ انْتِقالٌ مِنْ عُلُوٍّ إِلى سِفْلٍ وَالْجُلوسُ عَكْسُه وَ مِنْهُ قيلَ لِنَجْدٍ جِلْسٌ لِارْتِفاعِها . وَكَثُرَ عِيالُه وَكَثُرَتْ عَيْلَتُه وعائِلَتُه خَطاءٌ . وَالعُرْوسُ لِلْمَرْأَةِ وَالرَّجُلِ أَيّامَ البِناءِ . وَالمَصْطَكى وَحَبُّ المَحْلَبِ وَالمَنارَةُ وَالمَرْقاةُ بِفَتْحِ المِيمِ .

بهرحال نگارنده تاکنون تقویم اللّسان را ندیده و بمعجم المطبوعات هم مراجعه شد در آنجا نامی ازاین کتاب نبود از فضلاء طهران که دارای کتابخانه و اطلاع بکتب میباشند پرسش شد آنها هم تاکنون ندیده وسراغ نداشتند و نسخهٔ ذیل که بتصریح در آن «مختصر تقویم اللّسان» است در حدود (٦٠٠) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمد لله رب العالمین . . . . . .

باب الالف: تقول اُسْتُهْتِرَ فُلانٌ بِكَذا بِتائَيْنِ الأُولى مِنْهُما مَضْمُومَةٌ وَالأُخْرى مَكْسُورَةٌ عَلى ما لَمْ يُسَمَّ فاعِلُه الخ .

انجام : وَالْيَوْمَ فَعَلْتُ ما دامَتِ الشَّمْسُ طالِعَةً فاذا غَرُبَتْ فَأَمْسِ الّا حَدَثَ (كذا) لِأَنَّ اليَوْمَ انقَضى .

(٧٩٠)

مختصر تقویم اللسان

این نسخه بخطّ نسخ بسیار خوب نوشته شده ، قسمتی از آخرین صفحه بریده شده وباکاغذی شبیه بکاغذ اصل وصّالی کردیده ، شاید بر آن قسمت نام کاتب و سال کتابت بوده ، بسیار شبیه بخط یاقوت مستعصمی خطّاط معروف نگارش یافته و توان گفت از میان بردن رقم کاتب وسال کتابت برای آن بوده که بنام یاقوت قلم داد گردد ، بهرحال چنین بنظر میرسد که از خطوط قرن هفتم هجری باشد ، پشت صفحهٔ اوّل این

عبارت نوشته شده : این کتاب تقویم اللّسان خط مولانا صیرفی(۱) بمجموع اوراق سی و هشت ورق است قیمت ..... پس از لفظ قیمت کلماتی بوده محو گردیده ومهر بادامی نیز داشته که آنهم محو شده است و پشت آخرین صفحه نیز یاد داشتی بوده که قسمتی از آن محو گردیده و آنچه از آن خوانده میشود این است : تاریخ ولادت بنده درگاه شب یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام سنهٔ ۱۱۳۱ و یادداشتهای مختصر دیگر در دو جای مذکور موجود است . وچنانکه ترجمه گردید در مقدّمه تصریح شده که این نسخه مختصر تقویم اللّسان است ، نه خود تقویم اللّسان میباشد ولی کاتب پس از جمله لِأَنَّ الْيَوْمَ انْقَضَى که در مقابل انجام ذکر شد گوید : نجز کتاب تقویم اللّسان آخر نهار الخمیس الخامس من شهر شعبان المبارك من سنه . (تاریخ ندارد)

جلد تیماجی مذهب . کاغذ قدیمی حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۳۸) . صفحه (۱۱) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۰۲) .

[۳۲۹] مقامات بدیع الزمان همدانی (عربی)

مؤلّف ومنشی این مقامات بدیع الزّمان همدانی رحمه الله است (ابو الفضل احمد بن حسین بن یحیی بن سعید همدانی ۳۵۸ - ۳۹۸)(۲) که یکی از معاریف ادباء وشعراء و دانشمندان و در درجهٔ اوّل نویسندگان و منشیان بزبان عربی میباشد و این مقامات وی از آفتاب پیش اهل دانش شهرتش بیشتر وفائدهٔ آن درفنّ ادب کمتر از آن نیست ونخستین کس است(۳) که بدینگونه مطالبی را از زبان مرد مجهولی (ابو الفتح اسکندری) ساخته وپرداخته وبنام راوئی که وی نیز ساختگی است

---

(۱) صیرفی چنانکه آقای نریمت در ص ۲۳۸ و ۲۳۹ دانشمندان آذربایجان مرقوم داشته اند معروف بخواجه عبد الله ویکی از شاگردان شنگرفی یاقوت مستعصمی است و از مشاهیر خطاطین میباشد و بسال ۷۴۲ وفات یافته و در مقبرهٔ جرند اب که یکی از محلات تبریز میباشد دفن گردیده است .

(۲) یتیمة الدهر ج ٤ ص ۱٦۷-۲۰٤ چاپ دمشق ، معجم الادبا ص ۹٤ ج ۱ ، روضات ص ٦٦ ج ۱ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۵۰ ، کشف الظنون ص ٤۹٤ ج ۲ ، ابن خلکان ج ۱ ص ۳۹، معجم المطبوعات ص ۱۸۹۵ و ۱۸۹٦ ، امل آمل ص ۳۲ ج ۲ ، منتهی المقال ص ۳٤ ، هدیه الاحباب ص ۱۰٤

(۳) گویند نخستین کس که بانشاء مقامات پرداخته ابن فارس استاد همدانی است ولی در دست نیست (تاریخ الادب العربی ص ۳۹٦) .

(عیسی بن هشام)(۱) روایت نموده و **حریری** چنانکه خود در دیباچهٔ تصریح نموده باقتداء این دانشمند مقامات را ساخته و در آنجا نیز تصریح شده که بدیع‌الزّمان همدانی نخستین کس میباشد که این روش را برگزیده وازمن خواسته شد وی را پیروی کنم : (ذُکِرَ المَقاماتُ الَّتی اِبْتَدَعها بَدیعُ الزَّمانِ وَ عَلّامَةُ هَمَدان .... اِلی اَنْ اُنْشِیَ مَقاماتٍ اَتْلو فیها تِلْوَ البَدیع الخ) .

و آخرین همدانی که تا امروز بانشاء مقامات پرداخته ومطالبی علمی و ادبی و اخلاقی و فکاهی را بزبان اهل ادب در آورده و تصنّع را در آن وارد نموده مرحوم میرزا جعفر **همدانی** متخلّص **بریاض** میباشد (بنا بضبط آقای تربیت بسال ۱۲۶۸ وفات نموده و نیز از مقدمه ایکه آقای تقوی‌مد ظله بر غزلیات ریاض مرقوم داشته اند معلوم میشود که تا اندکی پس از عزل امیر کبیر (۱۲۶۸) حیات داشته است.) که چون بدیع الزّمان مقاماتی ساخته و او نیز ازعهده برآمده و مقامات وی بیست و یك مقامه است و آغاز آن این : (بسمله الحمدلله مبدع الانسان و مودع اللّسان انشاء الکلام وعلّم بالقلم الخ .) وانجام آن این است : (اوغارفی الماء اوالقیَ فی جنح الظلماء اوابتغی نفقا فی الارض او سُلّما فی السّماء تمّت المقامَةُ بالخیرِ والعافیه)(۲)ودر کشف الظنون(ج۲ ص۴۹۴ - ۴۹۹) آنانکه بدین سبك و بنام مقامه یا مقامات نگارشی دارند نام برده شده و آخرین مقامات نگارش یافته «لمعه مظفریه» است(۳).

ثعالبی که از دانشمندان و مؤلّفین معاصر با بدیع الزّمان بوده در کتاب یتیمة الدّهر (ص۱۶۷-۲۰۴ ج ۴)وی را اینها بت ستوده و در اینجا ترجمه مختصری از آن میپردازیم :

« احمد بن الحسین، بدیع زمان ویکانه روزگار ومعجزه همدان و نادره فلك و روشنائی زمانه، کسی بود که در هوش و قریحه نظیر نداشت، طبعی شریف و ذهنی با صفا و نفسی قوی داشت ؛ درنثر ونظم مانند وی را کس ندیده و نخواهد دید ، گویا سحر مینمود ویامعجزه داشته ، حالاتی

(۱) مقامات بدیع الزمان چنین شروع شده : حد ثنا عیسی بن هشام قال . . . . . و در بیشتر از مقامات بدین گونه : فاذا هو والله شیخنا ابوالفتح الاسکندری ویا معارتی نظیر این عبارت تصریح گردیده که مطالب از زبان ابوالفتح است .

(۲) نسخه ای از این مقامات که بخط منشی آن مرحوم میرزا جعفر ریاض و شامل ۲۰ مقامه میباشد و در سال ۱۲۶۹ نوشته شده است اینك نزد جناب آقای تقوی رئیس این دانشکده موجود و نسخه ای آقای تربیت (محمدعلی) دارند که بسال ۱۲۹۰ نگارش یافته و نسخه ای دیگر نیز آقای تقوی دارند که بسال ۱۲۹۷ نوشته شده است . (۳) نسخه این کتاب در کتابخانه منیر السلطنه میباشد .

بس شگفت انگیز داشت ، از آنها این است : چون قصیده ای که بیش از پنجاه بیت داشت یکبار می شنید همه در حافظه اش جای گزین میشد و از آغاز تا انجام آنرا بدون اینکه یك حرف ازآن پس یا پیش شود میخواند ، هرگاه چندین ورق از کتابی که هرگز ندیده بود یکبار برآن گذر میکرد مقصود آنرادرك وعبارات آنرا نیرحفظ میشد و درآن بحث وتحقیق مینمود ، درهر موضوع بشر یا نظم از وی پرسش یا درخواستی میکردید بی درنگ بپاسخ و انجام آن مبادرت مینمود ، بسیار از او دیده شد که کاغذی را از آخر شروع میکرد وبآغاز انجام میرسانید(۱) مشکلات نظم و نثر راوی حل میکرد ومرجع دانشمندان زمان و دورهٔ خویش بود

در سال ۳۸۰ همدان‌را ترك گفت‌وازابوالحسین بن فارس (ازایشان درفصل‌بعد ذیل‌کتاب مجمل‌اللغه که ازمؤلفات نفیس ابن فارس است نام خواهیم برد) آنچه دانائی داشت‌فراگرفت وبسدهٔ سنیه صاحب‌بن عباد در آمد وازآن بوستان پُربَر میوه ها چید ، پس ازآن بجرجان آمد وبابی‌سعید **محمدبن منصور** اختصاص یافت و سرمایه خویش را عرضه داشت وی بنا بعادت دیرین که اهل‌فضل و دانش را مینواخت وی را بهره‌ای زیاد بخشید و چون خواست که از آنجا رخت‌بندد و بشهر دیگرود وسائل‌سفروی‌را آماده ساخت وبسال۳۸۲ بشهرنشابور رسید، دراین شهرسرمایه خویش را کاملاً آشکارو قماش خودرا پراکنده‌کرد وچهار صد مقامه(۲) که‌درآن آنچه دل‌میخواهد و چشم ازآن لذت میبرد گدارده شده ، ارزبان ابوالفتح اسکندری بساخت ومیان وی **وابوبکر خوارزمی** مکاتبات و مناظرات ومفاضلات زیاد رد وبدل گردید و دانشمندان معاصر آنهاجمعی با خوارزمی و گروهی طرفداربدیع‌الزمان شدند وهردسته یکی‌را ترجیح میدادند و همین معارضات موجب شهرت کامل همدانی گردید و سلاطین و امراء معاصر نام و آوازهٔ ویرا شنیدند و طالب

(۱) صاحب روضات درج۱ ص۶۶ گوید که در بحارالانوار از خط شهید اول ره نقل شده که‌از اصحاب ما امامیه ابو عبدالله حسین بن ابراهیم در اینکه از آخرکاغذی شروع و باول آن ختم میکرد نظیر بدیع همدانی است و نیز چون وی مقامانی پرداخته است . انتهی (نام این‌مقامات و منشی‌آن‌در کشف‌الظنون نیست).

(۲) در یتیمة‌الدهر اربعمائه ثبت شده ولی چنانکه ذکر میشود نسخه ذیل و نسخه چاپ طهران مشتمل بر چهل مقامه است ، دانشمند فقیدسعید مرحوم شیخ محمد عبده رضی‌الله عنه که ازافاضل عصر اخیر کشور مصر بوده در مقدمه ای که بر این مقامات نوشته‌گویند : مشهور است که شمارهٔ مقامات بدیع‌الزمان بچهار صد میرسد ولی امروز جز پنجاه و چند مقامه آن‌که در اسلامبول چاپ شده دردست نیست (لکن لم‌یظفرالناس منها الیوم بغیر عدد قلیل ینیف‌علی‌الخمسین طبع مجموعه فی‌الاستانه) ودراقرب الموارد ج ۲ ص۱۳۶۰ در ذیل لغت « نیف » از ابوالعباس نقل شده که‌آنچه ما ازدانشمندان مسلّم بصره وکوفه بدست‌آوردیم ینف ازیك تا سه وبضع ازچهار تا نه را گویندونیف استعمال نشود ومکر پس ازعقدی‌چون « عشرة و نیف و مائة و نیف والف ونیف » وپیش ازاین‌نقل صاحب اقرب‌الموارد گوید :نیف چون سیدوگاهی بتخفیف خوانده میشود زیادتی را گویند چون « عشرة و نیف » و آنچه ازعقد تجاوز کند تا بعقد دیگر رسد نیف گویند .) و شمارهٔ مقامات چاپ عبده (۵۱) میباشد واز مقدمه ایشان معلوم میشود که شمارهٔ چاپ اسلامبول (۵۲) بوده چرا که در آنجا است که بجهتی مقامه شامیه راکه درآن نسخه بودمن نقل نکردم .

دیدارش شدند ، دراین میان خوارزمی از میان برخاست و عرصهٔ میدان و جولان درآن مخصوص بدیع الزمان شد و از آن پس سفر های بسیار نمود و از شهر های خراسان و سجستان و غزنین جائی نماندکه بدآنجا نرودوبهرهای بسیار نبرد ، پادشاه وامیر ووزیری نبودکه از آسمان بخشش او بروی باران نعمتی نبارد ، چون از این کارتا اندازه ای بهره کامل گرفت ، بار اقامت را در شهر هرات انداخت و در آنجا اقامت گزید ، خانواده ای جستجو نمود که دانش را با نجابت و شرافت جمع کرده باشند، توفیق باوی رفیق گردیدوخداوند دامادی **ابوعلی حسین بن محمد خشنامی** را که فاضلی کریم و شریف بود نصیب وی نمود ، از این پس حال وی بهتر از پیش شد ودیده ودل وی خنك و قوی و توانائی او افزوده گردید و بکمك ومشورت وی املاك بسیارمجلل وخوب تهیه نمودو با کمال خوشی زندگانی کرد وبسال ۳۹۸ درچهل سالگی دعوت حق را اجابت گفت و بجوار خدای شتافت وعالم علم وادب را داغدارکرد ودانشمندان وی رامرثیه‌ها گفتند ودرمفارقتش نالها نمودند ولی چون وی کسی، که دارای چنین فضایل وکمالاتی بوده نمرده وهرگز نخواهد مرد.

پس از بیاناتیکه ترجمه فوق مختری از آنها بود ثعالبی قسمتی از منشآت و رسائل و اشعار وی را نقل نموده واز آنها چندین مکاتبه شیرین ومتین میباشد که میان بدیع و **خوارزمی** ردّ و بدل شده و کاغذی است که باستاد خویش **ابن فارس** نوشته و خود واهل خراسان را نثراً هجا کرده و یاقوت درمعجم الادباء ج ۱ ص ۹٤ مطالبی را کـه ثعالبی در باره بدیع الزّمان نگاشته مختصر کرده و آورده و قسمتی از آثاری که در آن کتاب است نیز در این کتاب میباشدو بر مطالب آن چندان چیزی نیفزوده جزاینکه گوید : در نقل حدیث ثقه بوده ، و باشعری بودن متّهم گردیده و اهل حدیث و سنّت را متعصّب بوده وهمدان پس از وی چون اورا بوجود نیاورده ودر ۱۳ جمادی الاخر سال ۳۵۸ تولّد یافته است .

و در ابن خلّکان است که گویند بمرض سکته دفن گردید و درقبر بهوش آمد ناله و افغان آغاز نمود چون قبر را شکافتند دیدند که دست بر ریش خویش گرفته و جان داده است .

و بعضی نوشته اند که آخر عمر دیوانه شد و در همان حالت بمرد .

مؤلّفاتی که ازایشان مشهور است یکی **دیوان اشعار** و دیگری رسائلی که بنام رسائل بدیع الزّمان معروف میباشد(در ج ۱ کشف الظنون ص ۱٤۸ کتابی بنام «امالی بدیع الهمدانی» میباشدظاهراً همین رسائل باشد واسمی از رسائل وی چون دیوان او در این کتاب نیست) و این مقامات است که همه را درمصر چاپ کرده اند .

مقامات بدیع الزّمان چنانکه ذکر گردید قدیمترین مقاماتی است که انشاء شده(۱) و همه دانشمندان برتری آنرا ایمان دارند و مشتمل بر مقاماتی شیرین و روان و متضمّن مطالب عالیه و مضامین بسیار لطیف میباشد و در آنهااشعاری صاحب مقامات از خودآورده ونیزباشعاردیگران استشهاداتی نموده‌است ومکرّر در ایران ومصروهندوستان وقسمتی از آن دراروپا چاپ شده‌ومرحوم‌شیخ محمّد عبده که از افاضل قرن اخیر کشور مصر بوده بشرح کلمات و عبارات مشکله آن پرداخته و در ذیل اصل آن مکرّر چاپ شده و نیز با ترجمهٔ انگلیسی آن بسال ۱۹۱۳ م . در مدرس که یکی از شهرهای هندوستان میباشد چاپ گردیده‌است .

آغاز : بسمله المقامة الاولی حدّثناعیسی بن هشام قال دخلت البصرة وانامن سِنّی فی فناء و من‌الزّیّ فی حبرٍ ووشاء الخ (۲) .

انجام : ان یقم یحك لنا خُرطوم فیلٍ فی انتصابه (۳) .

مقامات بدیع الزمان همدانی (۷۹۱)

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب‌علی محمّدبن ابوالقاسم در سال ۱۲۷۷ برحسب‌امر سیف‌الملك عباسقلیخان نوری‌نوشته ترجمه پارسی پاره‌ای از کلمات در ذیل آنها نیز بخطّ نسخ نگاشته‌شده، دارای‌سرلوح‌بسیارزیبائی‌میباشدو صفحات‌مجدول‌بطلاوشنجرف‌وزنگار گردیده وزیرسطوربرای‌ترجمه‌با طلاسطربندی‌شده‌و پیش ازحدّثنای‌مذکوردرفوق

(۱) صاحب روضات‌الجنات در باره بدیع‌الزمان همدانی گوید: از اجله شعرا و نویسندگان امامیه بوده ، درصورتیکه جز صاحب امل الامل‌ومنتهی المقال وبس‌ازایشان صاحب هدیة الاحباب اورا ازاین دسته وطائفه ندانسته و خود صاحب روضات هم جون ویرادر فصل علماء مخالفین ذکرکرده معلوم‌میشودباین‌مطلب ایمان‌نداشته ودر کتابی دیگرهم‌این‌نسبت‌راندیده‌ام حتی‌صاحب‌مجالس‌المؤمنین هم‌که‌بادقت‌وموشکافی ازآثار اشخاص‌تشیّع وامامی‌بودن‌آنهارا بدست‌آورده‌و برهمهٔ آقایان مقدم‌است اثری از تشیّع‌بدیع‌الزمان نیافته‌وازاین‌روویرا درعدادعلماءشیعه ذکرنکرده‌است .

(۲) این آغاز را از روی نسخه خطی ذیل و نسخه چاپ طهران نقل نمودیم ولی آغاز نسخه در چاپ شیخ محمد عبده اینست : القامةالقریضیّه حدثنا عیسی بن هشام قال : طرحتنی‌النوی مطارحها حتی اذا وطئت جرجان الاقصی الخ .

(۳) انجام نسخه‌مدرسه‌اینست : مقامةاخری قال‌رای‌الحجاج‌اعرابیاً واقفاً علی‌مزرعة فقال‌تعیب وهذا الوجه فضحك وولاه‌ضیاعه بالطائف تم . وانجام نسخه چاپ شیخ محمد عبده این‌عبارتست : (وحلف لاارکب حِصاناً ولا تزوج حَصاناً . تم زوج ابنة عمه لابنه) و این آخرین جمله از مقامه **بشریه** است و عبارتی‌که در مقابل انجام بالا نوشته شده از نسخه چاپ طهران نقل‌گردیده است .

این جمل نوشته شده : بسمله الحمدلله علی جزیل نعمائه ، ممّا املاها الاستاد ابو الفضل احمد بن الحسین الهمدانی و رواها عن عیسی بن هشام عن ابو الفتح الاسکندری مقامة حدثنا الخ.

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۲۰). صفحهٔ (۹) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). ضمیمهٔ شمارهٔ (۳۳۵۰) کتابخانه است .

[۳۳۰] مقامات حریری (عربی)

منشی این مقالات حریری ره است که در ص ۱۹-۲۱ بشرح حال ایشان پرداخته ایم و این کتاب یکی از کتب معروفه و با اینکه چندان بزرگ نیست مشتمل بر بسیاری از لغات و امثال و رموز و اسرار کلام عرب میباشد و جارالله زمخشری مفسّر و ادیب معروف در وصف این کتاب گوید :

أُقْسِمُ بِاللهِ وَ آیاتِهِ وَمَشْعَرِ الْحَجِّ وَمِیقاتِهِ
اِنَّ الْحَرِیرِیَّ حَرِیٌّ بِاَنْ تُکْتَبَ بِالتِّبْرِ مَقاماتُهِ

ابن خلّکان در سبب تألیف کتاب گوید :

(ص ۴۱۹ ج ۱) فرزند حریری ابو القاسم عبدالله گفته روزی پدرم در مسجد بنی حرام نشسته بود ناگاه پیرمردیکه خود را با دو پلاس کهنه پوشیده بود داخل گردید ، بر او آثار سفر پیدا بود و آشفتگی احوال داشت ولی کلامش فصیح و نیکو بیانی داشت از او پرسیدند از کجائی گفت از سروج ، گفتند کنیهٔ تو چیست ، گفت ابو زید ، پس از این پیش آمد ، پدرم مقامه معروفه بحرامیه را که مقامهٔ چهل و دوم از این مقامات میباشد بنام ابو زید ساخت ، در میان دانشمندان خبر آن منتشر گشت تا بگوش شرف الدین ابو نصر **انوشیروان** بن محمد بن خالد بن محمد کاشانی وزیر المسترشد بالله رسید ، چون آن مقامه را از نظر گذرانید در نظرش جلوه ای بسزا نمود و پدرم را وادار کرد که مقامات دیگری بر آن بیفزاید او امتثال نمود و در پنجاه مقامه باتمام رسانید (اشاره بهمین وزیر است که حریری خود در خطبه مقامات گوید: فَاَشارَ مَنْ اِشارَتُهُ حُکْمٌ وَطاعَتُهُ غُنْمٌ اِلَیَّ اَنْ اُنْسِیَ مقاماتٍ اَتْلُو فیها تِلْوَ اَلْبَدیعِ وَاِنْ لَمْ یُدْرِکْ الطّالِعُ سَاوَ الصَّلیعُ .) ابن خلکان گوید آنچه نقل کردید در چندین تاریخ دیده ام ولی در سال ششصد و پنجاه و شش در شهر قاهره (مصر) نسخه ای از این کتاب مقامات را مشاهده نمودم که تمام آن بخط حریری بود و در پشت آن بخط خود نگاشته بود که این کتاب را برای جمال الدین عمید الدوله ابو علی حسن بن ابو العزعلی بن صدقه وزیر المسترشد تصنیف نموده ام . و شکی در آن نیست که این مطلب راست تر از این است که برای انوشیروان وزیر تصنیف شده باشد چرا که این را مؤلف بخط خویش نگاشته است و جمال الدین وزیر مذکور در سال ۵۲۲ وفات کرده است .

و در بعضی از مجموعات دیده ام که مؤلف بدوا این کتاب را در چهل مقامه مرتب نمود و آنرا با خود ببغداد آورد و بر دانشمندان عرضه داشت ، جمعی از اهل دانش وی را منکر شدند که از تو نیست و تألیف یکی از فضلاء مغرب بوده و بدست تو افتاده وی گفت نه چنین است و خود بتألیف

آن پرداخته ام، وزیر اورا خواست و از وی پرسید چه کاره ای گفت منشی ام، وی برای آزمایش قضیه ای را بدو گفت وخواست که آنرا انشائی کند، دوات وقلم را برداشت وبگوشه‌ای ازعمارت رفت و آنچه قلم را گردانید، اهمیت مجلس اورا گرفت و نتوانست چیزی بنگارد.

آری چه نیکو گفته است سعدی:

اگر هر هفت سبع ازبر بخوانی چو آشفتی الف از با ندانی).

چون بمصره برگشت ده مقامه دیگر بر آن چهل مقامه اضافه نمود وببغداد فرستاد و از آن حادثه که در اثر مهابت مجلس برایش پیش‌آمد کرده بود معذرت خواست و انوشیروان وزیر مذکور مردی دانشمند وبزرگ بود ویرا کتابی درتاریخ بنام «صدور زمان‌الفتور و فتور زمان‌الصدور» میباشد و عماد اصفهانی درکتاب «نصرة الفترة وعصرة القطره» که در تاریخ دولت‌سلجوقی میباشد از آن نقلهای بسیار نموده‌و ابن وزیر درسال ۵۳۲ وفات یافته است

وبر این مقامات شروح بسیار نوشته شده که بعضی از آنها مختصر و پاره‌ای مفصّل اند. انتهی کلام ابن خلکان.

صاحب کشف‌الظّنون (درص ۴۹۶ تا ۴۹۸ ج ۲) بذکر شروح این کتاب پرداخته وحضرت استادی آقای میرزا محمّد طاهر تنکابنی‌دام ظلّه فرماید که در پاره ای از کتب نقلهائی ازشرح مقامات حریری تألیف مظهرالدّین شیرازی معاصر قاضی عضدایجی (متوفی بسال ۷۵۶) دیده اند. صاحب کشف‌الظّنون نامی ازاین شرح نبرده است.

صاحب بغیة الوعاة گوید که یکی از شاگردان در موقعیکه خدمت حریری مقامات را میخواند کلمه شعثامغبّراً را در این شعر:

یـا اَهْلَ ذَاالْمَعْنی وُقیتُمْ شَرّاً وَلا لَقَیْتُمْ ما بَقِیْتُمْ ضُرّاً

قَدْ رَفَعَ اللَّیْلُ الَّذی اکْفَهَرّا الی ذَراکُمْ شَعثاً مُغْبَرّا

بدین نحو «سفباً معترا» خواند که معنی مصراع اخیر بطرز اصلی این است: بآستان مرتفع وبلند شما ژولیده حال گرد آلودی‌را آورد. وبطور تصحیف شده چنین است: گرسنه‌ای راکه سئوال نمیکند بآستان بلند شما کشاند.

حریری مقداری اندیشه نمود پس از آن گفت حق باتو است و بدینگونه که تو تصحیف کرده ای بهتر از اصل است ولی چون تاکنون هفتصد نسخه از این کتاب‌را بر من خوانده اند وبر تمام آنها تصدیق نوشته ام آن راتغییرنمیدهم

نخستین کس که بشرح مقامات حریری‌پرداخته‌ابوالحسن بیهقی میباشد و در فهرست‌مؤلفات‌او تذکّر داده‌شده است.

و در ص ۲۳۹ تاریخ‌الآداب العربی نوشته شده که بیش ازبیست نفر ازمستشرقین فرانسوی وآلمانی و انگلیسی مقامات حریری‌را ترجمه کرده‌اند وترجمه انگلیسی آن بسال ۱۸۵۰ و ترجمه‌لاتینی

بسال ۱۸۳۲ م چاپ شده وبسال۱۲۶۳ بفارسی (وپیش از اینسال ترجمه شده)ونیز بترکی‌ترجمه ودر اسلامبول‌چاپ شده است واینك باشرحیکه رئیس‌مستشرقین‌سلف‌سلفستر(سیلوستر)دساسی بسال ۱۸۲۲ برآن نوشته در مدارس عالیه اروپا تدریس میگردد .

مقامات‌حریری‌درمصروایران‌واروپاوهندوستان‌باترجمه‌فارسی آن‌مکرّرچاپ‌شده

آغاز : بسمله اللهم‌انا نحمدك علی ما علّمتنا من‌البیان والهمت‌من‌التبیان‌الخ.

(۷۹۲)

مقامات‌حریری این نسخه که نیز مشتمل بر تمام‌کتابست بخط نسخ خیلی خوب در سال ۱۲۳۶ نگاشته شده و ترجمهٔ فارسی عبارات درذیل آنها بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب باشنجرف نیز درهمان سال تحریر گردیده ، کاتب از خود نام نبرده و نام کسیکه این نسخه بامر او نوشته شده در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند و در حاشیه پاره‌ای ازصفحات مطالبی که شارح مشکلات کتابست بدون امضاء میباشد .

جلد روغنی زر افشان . کاغذ فرنگی مهره رده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۶۲) . صفحه(۱۴سطر) . طول(۲۸سانتیمتر) . عرض(۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۲۵۸) .

(۷۹۳)

مقامات‌حریری این نسخه را که مشتمل بر تمام‌کتاب است در سال ۱۲۵۵ بخط نسخ‌خوبی‌عبدالله‌المحمّدیه نگاشته ، پس از آن‌درسال ۱۲۵۷ سیدابوالقاسم نائینی ترجمهٔ فارسی آنرا درزیر هر سطر بخط نستعلیق‌تحریر نموده ، پشت صفحهٔ آخر و ورق بعد از آن آیاتی از قرآن کریم نقل گردیده و شرح قصیدهٔ برده‌که در فصل دواوین ازآن یاد خواهیم نمود ضمیمه این نسخه میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۶۳) . اوراق مقامات (۱۴۹) . صفحه (۱۲) سطر . طول (۳۰ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۵۷) .

(۷۹۴)

مقامات‌حریری این‌نسخه‌که مشتمل بر چهل مقامه میباشد بخط نسخ بدی‌در سال ۱۲۶۷ نگاشته شده وکاتب نامی ازخود نبرده ، ترجمهٔ پاره‌ای از لغات وکلمات بخط نستعلیق در زیر آنها تحریر گردیده و پشت صفحهٔ

اوّل کتاب شرحی بوده آنرا محو کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۴۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۵۶) .

(۷۹۵)

مقامات حریری این نسخه بخط نسخ و نستعلیق نوشته شده ، درحدود ده بیت از اخر آنرا کاتب نوشته و پشت آخرین صفحه عباراتی نگاشته شده وچنین تصوّر میرود که جزء مقامات است ولی از آن نیست ، کاتب نام خود و سال کتابت را تذکر نداده ولی ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته شده و بسال ۱۲۳۲ بر مدرسه صدر وقف گردیده وجزء (۳۲۱) شماره کتابهائی استکه از آن مدرسه باین کتابخانه آورده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۳۸) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ (۳۰۹) کتب مدرسهٔ صدر .

[۳۳۱] مقامات حمیدی (فارسی)

مؤلف این کتاب قاضی حمیدالدّین محمودی مشهور بحمیدی بلخی ره است (ابوبکر حمیدالدّین عمربن محمودالمحمودی متوفی بسال ۵۵۹) (۱) کهازقضات عالیجناب ونویسندگان شهیر نیمهٔ اوّل قرن ششم بوده وعوفی در ابتداء فصل دوّم از لباب الالباب ویرا بینهایت ستوده ودرآنجا است :

« اشارات او مقبول و عبارات اومنقول در فقه واصول و نظر بی نظیر و در دقائق رموز فضلیات ناقد بصیر وچند رسائل را وسائل حصول مقاصد ساخته است وهریك درمتانت بمنابتی است که آب طراوت سحر برده است و بازار حلاوت عسل بدست کساد سپرده یکی از آن جمله مقامات است (همین کتاب) و دیگر « وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة » و دیگر « حنین المستجیر الی حضرة المجیر » و دیگر « روضة الرضا فی مدح ابی الرضا » ودیگر « قدح المغنی فی مدح المعنی » ورساله « الاستغاثه الی الاخوان الثلاثه » و « منیة الراجی فی الجوهر التاجی » ودرهریك داد فضل بداده است و برهان هنر فرا نموده و اگرچه درسخن مراعات سجع کرده چنانکه **اهوازی** در نثر تازی وامام **رشیدالدین** وطواط درترسل فاما جائی که سخن ازحد تکلف میگذرد ولطافتی دارد بغایت واشعار او بغایت لطیف است » .

عوفی پس از بیانات فوق و مختصر دیگری که درمقدّم ومؤخر آنست چند

(۱) تاریخ وفات مؤلف درتاریخ ابن اثیر ج ۱۱ ص ۱۲۷ ثبت شده واسم و لقب وکنیه مؤلف چنانکه نوشته شده در ص ۱۹۸ ج ۱ لباب الالباب چاپ اوقاف گیب مسطور است .

بیت از قصیده‌ایکه درمدح **شرف‌الملك** رضی‌الدّین ابوالرّضا فضل‌الله گفته و چند بیت که درواقعهٔ انهزام حشم سلطان‌سنجر ازخطائیان درسمرقندسروده آورده‌است و صاحب مجمع‌الفصحاء در ص ۱۹۷ ج ۱ قسمتی‌از اشعار سفرنامه مرورا که گفتهٔ حمیدی است با ابیاتیکه درواقعه لشکر سنجر عوفی آورده بود نقل نموده‌و در مقامات اشعار عربی وفارسی ازمؤلف دیده میشود.

مقامات حمیدی بیست وچهار مقامه (۱) ویکی از کتب نثر فارسی است که‌از بدوانشاء شهرتی بسزا یافته ونخستین کس که از آن معرّفی نموده **نظامی عروضی** در چهار مقاله است که در مقالهٔ اوّل خویش خواندن این کتاب را چون مقامات بدیع‌الزّمان وحریری برای دبیر و نویسنده لازم شمرده (ص ۱۳ طبع برون) و چنانکه از تحقیقات استاد **علامه قزوینی** دام ظله برمی‌آید تألیف چهار مقاله در سالهای ۵۵۱ و ۵۵۲ بوده و چنانکه پس ازاین خواهیم گفت در آن سالها هنوز این مقامات بآخر نرسیده‌بوده‌ودیگری **سعدوراوینی** درمقدّمه مرزبان‌نامه (ص ۲ چاپ طهران) است که آنرا کاملاً ستوده و بنا بتحقیق **علامه قزوینی**

(۱) صاحب کشف‌الظنون در ص ج ۲ شماره مقامه های مقامات حمیدی را ۲۳ تعیین نموده در صورتیکه این کتاب مشتمل بر مقدمه و بیست و چهار مقامه و خاتمه‌ایست، در جمل و کلمات این مقامات رعایت سجع گردیده و در آخرین مقامه که اختصاص بذکر خلفا و جانشینان حضرت‌پیغمبر خاتم صلی‌الله علیه و آله وسلم دارد وقسمت اخیر آن نظم عربی و فارسی است خلیفه عصرخودرا المستنجد بالله عباسی (از سال ۵۵۵ تا ۵٦٦ خلافت نموده) معرفی کرده وآن ابیات این است:

و مستنجدٌ حُرٌّ کریمٌ خِتامُهُ اِمامُ الاَنامِ اَلْیَوْمَ اَظهر مفتخر

ونیز بپارسی گوید:

وز بعد آن رسید بمستنجدآن سریر وامروز هست عالم ازو پرجمال‌وفر

وچون دانستیم که ابن‌الاثیر وفات حمیدی را بسال ۵۵۹ ثبت نموده و در مقدمه مقامات شروع بتألیف را مؤلف خود جمادی‌الاخری ۵۵۱ معین کرده بنابراین ازنقل فوق بدست می‌آید که فراغت ازانشاء این مقامات میان سال ۵۵۵ و ۵۵۹ بوده است واینکه نظامی عروضی درچهار مقاله که بنا بر تحقیق آقای قزوینی بسال ۵۵۲ تألیف شده نامی از این مقامات برده تولید اشکالی نخواهد نمود چرا که ممکن است عروضی قسمتی از مقامات را که تا آنوقت از قلم نویسنده بیرون شده بوده مشاهده نموده وچون آنرا چنانکه هست متین و شایسته تقلید دیده بآنانکه طالب دبیری اند مراجعه بدانرا توصیه کرده ومؤلف پس‌ازآن بچندسال مقامات را خاتمه داده است.

تاریخ این مقدّمه و اصلاح مرزبان‌نامه درمیان سال ۶۰۷و۶۲۲ بوده است (ص بز مقدّمه قزوینی چاپ طهران) و دیگری شاعر مشهور انوری متوفی‌بسال (۵۷۵) است که این کتاب را چنین ستوده :

هر سخن کو نیست قرآن یا حدیث مصطفی
از مقامات حمیدی گشت اکنون ترّهات

و نیز حمیدی را مدائح بسیار گفته چرا که وی انوری را پس از آن حکم نجومی معروف وعدم وقوع آن که مورد حملهٔ عمومی گردیده نگاهداری کرده واز آزار مردمان نجات داده است .

مقامات حمیدی درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و چند بار در ایران وهندوستان چاپ شده و چون سائر مقامات‌حکایات آن جعلی و اگرچه بظاهر از دیگری نقل گردیده ولی همه از منشآت خود قاضی حمید الدّین بلخی است .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرفنا بالعلم‌الراسخ . . . و سلّم تسلیماً کثیراً کثیرا سپاس‌وستایش‌حضرت‌خداوندی راکه بیاراست‌ارواح مارا بوجود اصل‌وبیپراست اشباح مارا الخ .

انجام : ایزد تعالی مارا و دوستان مارا از عیب جستن یاران و طعن و قدح همکاران نگاهدارد و هذیانات این افسانه های نابوده و سرگذشت هائی‌باشنوده از ما درگذراناد بحق‌المصطفی محمّد و آله‌الطّاهرین وسلّم تسلیماً کثیراً .

(۷۹۶)

مقامات‌حمیدی ابن نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و از ابتداء کتاب تا یکصفحه از مقامهٔ نوزدهم گذشته میباشد و آخرین سطر موجود نسخه این است : (وهر که علّمناه من‌لدّنا علماً دانست داند که اساس علم از مدار عرش رفیعتر واز جدار فرش منیع تر .) صفحات مجدول بطلا و لاجورد ودر ابتداء هر مقامه سرسورهٔ ظریفی میباشد و ورق اوّل و آخر نسخه وصالی‌شده و ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد و بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۹) . صفحهٔ (۱۶) سطر . طول (۱۸ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۶۰).

[۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسندهٔ این کاغذ را در ص (۲۴-۲۸) این مجلّد نگاشته‌ایم، این مراسله چنانکه درابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامهٔ ملّت (۱)نوشته ، از مطالعه آن معلوم میشود که موجب نگارش آخوندزاده اعتراضی بوده که فیشر معلّم اوّل السنهٔ شرقیّه در غرمانیا (ظاهراً معرّب جرمانیا است که مملکت جرمن یا آلمان باشد) بریکی ازابیات قصیدهٔ سروش شمس الشّعراداشته که درشمارهٔ اوّل این روزنامه درج شده و آن اینست :

(مطاوعان وی و پیروان عترت وی بمعنی آدمیانند و دیگران حشرات)

و گفته‌است چرا سروش مارا حشرات دانسته و این اعتراض در آخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه آمده روزنامه‌را مطالعه کرده و اعتراضات ذیل را بر روزنامه و نویسندهٔ آن نموده‌است : **اولاً** چرادرابتداء این روزنامه که ملّی است عکس مسجد گذارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است و بایستی شعار ملّیت ایرانی یانقوش تخت جمشید و یا تاج دوازده ترك که از یادگارهای سلاطین صفویه است بوده باشد. **ثانیاً** چرا در روزنامهٔ ملّی شرح حال شعرارا می نویسی و مطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه‌ایست که بامر ناصرالدّین شاه قاجار در طهران منتشر شده وتاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع‌الاول سال ۱۲۸۳ بوده و تا ۲۰ جمادی‌الاخری سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره آن انتشار یافته و در هرشماره شرح حال و ذکر بعضی ازآثارشعرای معاصر یا گذشته پرداخته شده ومقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی بنام روزنامه علمی ودیگری بنام روزنامهٔ دولتی و بگفتهٔ دانشمند معاصر آقای تربیت درص۷ دانشمندان آذربایجان تحت نظر مرحوم اعتضادالسلطنه بوده است و مرحوم اعتضادالسلطنه پشت نسخهٔ این مکتوب بسال ۱۲۸۵ نوشته‌اند : رساله‌ایست که ملافتحعلی آخوند زاده بمرحوم حکیم سامانی نوشته‌داخل کتابخانه .... گردید. ودرص ۲۰۳ ج ۲ مجمع الفصحاء وص ۲۰۴ المآثر والآثارسامانی را محمد حسن بن قا آنی شیرازی معرفی کرده‌اندو گویند جوانی خوش قریحه‌وباذوق بود ودرجوانی بسال ۱۲۸۵ بهار عمرش خزان گشت. وازمکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود که مرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است. سخه‌ای از شماره‌های روزنامه ملت بشمارهٔ (۱۴۸۱) وشماره‌های روزنامه دولتی بشماره (۱۴۷۹) وشماره‌های روزنامه علمی شماره (۱۴۸۰) در این کتابخانه موجود است .

عام‌المنفعه که‌موجب تشریح اذهان و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید .
ثالثاً چراسروش‌شمس‌الشعرآ ءنسب‌خودرابامیر نجم‌ثانی‌منتسب‌میداند، وشرحی‌مبتنی بر عدم لیاقت امیرنجم باستشهاد از تاریخ حبیب‌السّیر ومتمّم روضة‌الصّفا نگاشته.
رابعاً دربیان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی ازجنبهٔ اعتدال و صحّت خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون : عزّ وجل ، علیهم‌الصّلوات ، عزّی ولات، مرآت ، مابقی ، ترّهات ، عقارب و حیّات ، خیرات ، تحرّك ، حشرات ، دەودو، معترف، هدیه و **بضاعت‌مزجات** وبعضی‌ازابیات‌قصیده‌سروش‌را که‌بنظراو خلل وزنی‌داشته درذیل این‌بیانات نقل نموده ودرپایان این قسمت اعتراض کرده که چـرا چنین شخصی را شمس‌الشّعراء لقب دهند تا عصر و دوره‌را ننگین کنند و آنانکه این آثاررا مشاهده می کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران حالشان معلوم خواهد بود . اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانهٔ سنگی چاپ شده و بایستی باحروف باشد و این مکتوب درحدود (۵۷۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : قربتکا بمنشی روزنامه ملّت سنیّهٔ ایران مکتوب است برادرمکرّم‌من از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع‌الاوّل سنهٔ ۱۲۸۳ در شهرتفلیس روزنـامهٔ ملّت ایران واصل‌شده بتقریبی‌که درذیل ذکرخواهدشد الخ .

انجام : هم‌خودت بمنافع وافره نائل خواهی‌شد وهم بملّت فوائد کثیره خواهی رساند خدا حافظ توباد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ئیل ۱۲۸۳ درتفلیس تحریرشد .

(۷۹۷)

مکتوب آخوندزاده

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده وبا نسخه اصل مقابله گردیده ، درسال ۱۲۸۵ چنانکه پشت ورق اوّل یادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و در سال ۱۲۹۷ سپهسالار آنرا براین کتابخانه وقف کرده‌اند .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۵) . صفحه (۱۲) سطر . طول ($21\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۶) .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۹) . صفحهٔ (۱۶) سطر . طول (۱۸½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۶۰) .

[۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسندهٔ این کاغذ را در ص (۲۴-۲۸) این مجلّد نگاشته‌ایم، این مراسله چنانکه درابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامهٔ ملّت (۱)نوشته ، از مطالعه آن معلوم‌میشود که‌موجب‌نگارش آخوندزاده اعتراضی‌بوده که فیشر معلّم اوّل السنهٔ شرقیّه‌درغرمانیا (ظاهراً معرّب جرمانیااست که مملکت‌جرمن یاآلمان باشد) بریکی ازابیات‌قصیدهٔ سروش شمس‌الشّعراداشته که درشمارهٔ اوّل این روزنامه درج شده و آن اینست :

(مطاوعان وی‌و پیروان‌عترت وی بمعنی آدمیانند ودیگران‌حشرات)

و گفته‌است چرا سروش مارا حشرات دانسته واین‌اعتراض درآخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه‌آمده روزنامه‌را مطالعه کرده‌واعتراضات ذیل را بر روزنامه ونویسندهٔ آن‌نموده‌است : **اولاً** چرادرابتداء این‌روزنامه که‌ملّی است عکس‌مسجد گذارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است و بایستی شعار ملّیت ایرانی یانقوش تخت‌جمشید ویا تاج دوازده ترک که از یادگارهای سلاطین‌صفویه است بوده باشد. **ثانیاً** چرا در روزنامهٔ ملّی شرح حال شعرارا می نویسی ومطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه‌ایست که بامر ناصرالدّین شاه قاجار در طهران منتشر شده وتاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع‌الاول سال ۱۲۸۳ بوده و تا ۲۰ جمادی‌الاخری‌سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره‌آن انتشار یافته و در هرشماره بشرح حال و ذکر بعضی ازآثارشعرای معاصر یا گذشته پرداخته شده ومقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی بنام‌روزنامه علمی ودیگری بنام روزنامهٔ دولتی و یکعدّهٔ دانشمند معاصرآقای تربیت درص ۷ دانشمندان آذربایجان تحت نظرمرحوم اعتضادالسلطنه بوده‌است ومرحوم اعتضادالسلطنه پشت نسخهٔ این‌مکتوب‌سال ۱۲۸۵ نوشته‌اند : رساله‌ایست که ملافتحعلی آخوند زاده بمرحوم‌حکیم سامانی‌نوشته‌داخل کتابخانه ....گردید. ودرص ۲۰۲ ج ۲ مجمع الفصحاء وص ۲۰۴ المآثر والآثارسامانی را محمد حسن بن قاآنی شیرازی معرفی کرده‌اندو گویند جوانی خوش قریحه‌وباذوق بود ودرجوانی سال ۱۲۸۵ بهار عمرش خزان گشت. وارمکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود که‌مرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است. نسخه‌ای از شماره‌های روزنامه ملت بشمارهٔ (۱۴۸۱) وشماره‌های روزنامه دولتی‌بشماره (۱۴۷۹) وشماره‌های روزنامه علمی شماره(۱۴۸۰) در این کتابخانه موجود است .

علم‌المنفعه که موجب تشریح اذهان و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید .
ثالثاً چرا سروش شمس‌الشعرآء نسب خود را بامیر نجم ثانی منتسب میداند، و شرحی مبتنی بر عدم لیاقت امیرنجم باستشهاد از تاریخ حبیب‌السّیر و متمّم روضة‌الصّفا نگاشته.
رابعاً دربیان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی ازجنبهٔ اعتدال و صحّت خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون : عزّ وجل ، علیهم‌الصّلوات ، عزّی ولات ، مرآت ، مابقی ، ترّهات ، عقارب و حبّات ، خیرات ، تحرّك ، حشرات ، ده‌ودو، معترف، هدیه و **بضاعت‌مزجات** وبعضی‌ازابیات‌قصیده‌سروش‌را که‌بنظراو خلل وزنی‌داشته درذیل این‌بیانات نقل نموده ودرپایان این قسمت اعتراض کرده که چرا چنین شخصی را شمس‌الشّعراء لقب دهند تا عصر و دوره‌را ننگین کنند و آنانکه ابن آثاررا مشاهده می کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران حالشان معلوم خواهد بود . اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانهٔ سنگی چاپ شده و بایستی باحروف باشد و این مکتوب درحدود (۵۷۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : فریتکا بمنشی روزنامه ملّت سنیّهٔ ایران مکتوب است برادرمکرّم‌من از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع‌الاوّل سنهٔ ۱۲۸۳ در شهر تفلیس روزنامهٔ ملّت ایران واصل‌شده بتقریبی که درذیل ذکرخواهدشد الخ .

انجام : هم‌خودت بمنافع وافره نائل خواهی‌شد وهم بملّت فوائد کثیره خواهی رساند خدا حافظ توباد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ئیل ۱۲۸۳ درتفلیس تحریرشد.

(۷۹۷)

مکتوب آخوند زاده

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده وبا نسخه اصل مقابله گردیده ، درسال ۱۲۸۵ چنانکه پشت ورق اوّل یادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و در سال ۱۲۹۷ سپهسالار آنرا براین کتابخانه وقف کرده‌اند .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۵) . صفحه (۱۲) سطر . طول (۲۱-$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۶) .

[۳۳۲] مکتوب مرتضی قلیخان (فارسی)

مرتضی قلیخان پسر میرزا علیمحمّد خان نظام‌الدّوله واز حفیده محمّدحسینخان صدراعظم اصفهانی است که درطهران متوطن بوده وبسال ۱۳۰۶ درهمانجا وفات نموده و در فنون ادبیّه و علوم عربیّه ونظم ونثر عربی وفارسی ازدانشمندان و اساتید بشمار میآمده وکتاب **جمرات** و اشعهٔ قدسیّه از او است (المآثر والآثار ص ۲۲۶).

چنانکه مرحوم اعتضادالسّلطنه پشت‌نسخهٔ ذیل در ۱۲۸۵ که همان‌سال نگارش این مکتوب‌است‌نگاشته‌اند ، این مکتوب‌بقلم‌مرتضی قلیخان است. وما با تفحّص و استعلام یقین کردیم که‌دراواخرقرن‌سیزدهم مرتضی قلیخان دانشمند و ادیب همین شخص‌است که ترجمه اورا از المآثر والاثار نقل نمودیم . و این مکتوب جواب مکتوب آخوند زاده است که پیش‌از این بشرح آن پرداختیم ومنشی این‌مکتوب بَردِّ مندرجات آن اقامه دلیل وبرهان نموده وثابت کرده که آخوند زاده ندانسته اعتراض نموده و پس از جواب یك بیك اعتراضات وی را با دلیل و برهان دفع کرده واغلاط‌مکتوب اورادرجدولی باذکر صحیح آنها مرتب نموده‌واین مکتوب درحدود (۵۰۰) بیت است .

آغاز : بسم‌الله عزّ سبحانه ـ درجواب مکتوب کاتب قافقاز بر سبیل عجلت و ایجاز مرقوم شده ، بتاریخ روز پنجشنبه دوازدهم شهر صفر ۱۲۸۵ لَا زَالَ مَقْرُونًا بِالْأَمْنِ وَالظَّفَرْ ، نگارش محبّت گذارش حاوی مراتب مشفقانه‌ونصائح دوستانه که محض مودّت و خلوص طوّیت از مخزن فکرت جلوهٔ ظهور نموده برده و رود گشود . الخ .

انجام : ولی داعی کلی بر این التزام وتطویل کلام هدایت حیرت زده‌صحرای لاغ‌سرائی وارشاد گم‌گشته بادیه خودنمائی است که من بعد گرد چنین‌کاری‌نگشته تحصیل علوم را الزام داشته خود و دیگران را ازصرف عمر بادعوی فرهنگ و هوش باعتراض وطرد ازشعر شمس‌الشّعراء سروش محفوظ ومصون داشته باشند ،

هٰذا وَ اَنّا اَسْتَغْفِرُ اللهَ العَظِيمَ اَلْوَهّابَ مِنْ اَنْ اَكُونَ مِمّا رَسَمْتُهُ فِي هٰذَا البابِ . . وَ لَولا مٰا قَصَدْتُ بِهِ مِنَ الْاِرْشادِ اِلىٰ نَهْجِ النَّجاحِ وَ الْاِصْلاحِ مٰا اسْتَطَعْتُ وَمٰا توفيقي اِلاّ بِاللهِ لَتَرَكْتُ اِرْسالَ الجَوابِ عَنْ هٰذَا الكِتابِ وَحَسَمْتُ الْكَلامَ عَنْ مِثْلِ هٰذَا المَرامْ وَ السَّلامُ عَلىٰ اَهْلِ السَّلامِ .

(۷۹۸)

مکتوب مرتضی قلیخان

این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، درسال ۱۲۸۵ که همان سال انشاء آن است داخل کتابخانهٔ اعتضادالسّلطنه گردیده ، قسمتی از شواهد مطالب نگاشته نشده وچنین بنظر میرسد که مخصوصاً برای مرحوم اعتضادالسّلطنه این نسخه را نوشته اند .

جلد مقوائی . کاغذفرنگی . قطع خشتی . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲۳۱) . صفحه(۱۲) سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۸۰) .

[۳۳٤] **مناظر الانشاء** (فارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه خوددرمقدّمه بدان تصریح نموده محمودبن شیخ محمّد گیلانی ره است که از فضلا ودانشمندان معاصر با عبدالرّحمن جامی شاعروادیب وعارف معروف بوده وراجع باین مؤلف فقط شرحی ذیل شهر گیلان در تذکرهٔ هفت اقلیم یافت شد که مختصرش این است : خواجه نجم‌الدّین مشهور بخواجه جهان درجوانی سیاحت را بر اقامت رجحان داده وبسیاری ازشهرهای کشورهارا گردش نموده تا درخدمت سلطان محمّد لشکری که بر سریر سلطنت دکن متّکی بود رسید ، در اندك روزی اعتبار بسیار بهم رسانیده بخطاب **خواجه جهانی** ممتاز گردید وبتدریج مهمّش بجائی انجامید که محسود همگان گشت وبکاغذی ساختگی اورا ازنظر شاه انداخته و بکشتن دادند ،

از آن وزیر نیکوتقریر رساله‌ایست درانشاء که امروز بین‌الجمهور متداول و مشهور است ودرطبقات اکبری آمده که خواجه محمود درایام دولت خود

بافاضل عراق و خراسان همیشه هدیه و تحفه میفرستاده وقتی بجهت مولانا عبدالرّحمن جامی ارمغانی چند فرستاده بود مولانا شکر عطیّهٔ او را بقصیده‌ای مقابله کرده که مطلعش این است :

مرحبا ای قاصد ملك معانی مرحبا الصّلا کاین جان و دل نزل تو کردم الصّلا .

و بر اثر آن خواجه جهان غزلی برای جامی فرستاده که این دو بیت از آنجمله است :

جامی اشعار دلاویز تو جنسی است نفیس
بود از حسن ادا لطف معانی یارش
همره قافلهٔ هند روان کن که رسد
شرف مهر قبول از ملك التّجارش . **انتهی** .

صاحب کشف الظّنون (ج ۲ ص ۵۲۵) این کتاب را نام برده و در بارهٔ وی و مؤلف آن گوید :

« مناظر الانشاء » فارسی مختصری است و مؤلف آن محمود بن شیخ محمّد گیلانی معروف بخواجه جهان میباشد و آن را بر مقدّمه و دو مقاله و خاتمه‌ای ترتیب داده واز کتابهای سودمند است صاحب آن از مشاهیر دنیا و دارای مال و دارائی زیاد بوده و بخشش‌های او از هند بدانشمندان روم و ایران میرسید و در آنجا مقام وزارت داشته است . **انتهی** .

وجز در این دو مأخذ از این مؤلف نامی و ترجمه‌ای نیافته‌ام و از اینکه در این کتاب از جامی (عبد الرّحمن ۸۱۷- ۸۹۸) مکرّر با ترحیم بر وی نام برده و از رساله عروض و قافیه وحیدی تبریزی متوفی سال ۹۴۲ هم نقل نموده و مؤلف آنرا بنام « مولانا وحیدی » بدون ترحیم بروی ذکر نموده، معلوم میشود که تألیف این کتاب در اوائل قرن دهم هجری و ظاهراً بیش از سال ۹۴۲ بانجام رسیده و از سید محمّد عطّار تبریزی متوفی بسال ۸۹۲ نیز یاد نموده (ص ۹۶ نسخهٔ ذیل) و ظاهر اخواجه جهان چنانکه از مطاوی این کتاب مستفاد میشود بر طریقه‌ای از طرق چهارگانه اهل سنّت میرفته و تا اواسط این قرن حیات داشته است . (در یادداشتهای دانشمند محترم

و متتبّع معاصر آقای تربیت (محمّدعلی) چنین دیدم که شیخ محمود معروف به خواجه جهان بسال ۹۶۲وفات یافته ودرجای دیگر این ضبطرا نیافته‌ام).

از سایر حالات ومؤلفات این مؤلف اطلاع کافی دردست نیست جز اینکه‌در ص ۲۲٤ نسخهٔ این کتابخانه تفصیل مطالب را بکتاب « ریاض‌الانشآء » حوالت نموده وصاحب کشف‌الظّنون نیز این کتاب را ازمؤلفات وی دانسته و از کیفیّت عبارات صفحهٔ مذکور این نسبت تأیید میشود . و نیز در ص ۱۸۹ همین نسخه مؤلف گوید : این فقیر درعنفوان شباب ابکار اشعار انوری و کمال اسمعیل‌وسلمان را حلل نثر پوشانیده است وطبع سقیم خودرا ازجام تتبّع شعر ایشان صهبای‌قوّت وقدرت انشا نوشانیده .

مناظر الانشاء چنانکه صاحب کشف‌الظنون بیان نمود برمقدّمه و دو مقاله وخاتمه‌ای مرتب شده ودرفنّ انشاء است ، مؤلف بمناسبت بسیاری از مطالب علم معانی و بیان و بدیع را ذکر نموده و باشعار و کلمات بزرگان‌گذشته و معاصر از عرب وعجم چون متنبّی وحریری‌وسعدی وحافظ وظهیر فاریابی‌وغیرهم استشهاد نموده وگاهی از نثر ونظم خویش آورده واین دوبیت ازاوست :

علم است چون حیات ابد ای پسر بکوش
وز چشمه حیات خود آب حیات نوش .

. . . . . .

از هر دو کون جانرا مأوی دهان اوبس
آری بلا مکان جان دارد همیشه منزل .

وفهرست مطالب‌این کتاب‌را ازروی خود نسخه ذیلاً مینگارم : **مقدمه** : در بیان‌ماهیّت علم‌انشاء وموضوع وفائدت آن وغیراز ایها ودر آن هشت‌فصل‌است . **مقاله ولی** : درتقسیم کلام بنابرطریقه وروش منشیان ودرآن‌چهار **منظر**است. **مقاله‌دوم** . دربیان اقسام ارکان وشرائط آنچه مردم بیکدیگر مینویسند و در آن پنج **منظر** است . **خاتمه** دربیان‌ماهیّت خطوط‌وقواعد نگارش‌کلمات‌واین‌مطالب‌را در ذیل هفت قاعده آورده است .

این کتاب درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و بااختصارش مشتمل برمطالبی سودمندواز کتب نفیس این فن میباشد و چنانکه درمقدّمه است مؤلف خود آنرا « **مناظرالانشاء** » نامیده ووجه تسمیه تقسیم دومقاله آن برمناظری چند میباشد .

آغاز : بسمله یامبدءالانشاء ببسط نورالوجود . . . . امابعدچنین گوید فقیرجانی محمودبن شیخ محمّد گیلانی که برخاطرپاك وضمیردرّاك صدرنشینان محافل ادراك ظاهر وهویدا است که علم انشاء رسائل وخطب ازجلائل اقسام اثنی عشرعلم ادبست الخ .

انجام : ولفظ قفص که درپارسی بسین مینویسند وبصاد نیز جائز است و در عربی بحرف صاد مینویسند وبسین (۱) قدتمّ .

این کتاب بدون تاریخ در اسلامبول چاپ‌شده است .

(۷۹۹)

مناظر الانشاء این‌نسخه بخط نستعلیق خوب‌نگاشته‌شده ، کاتب‌از خودوسال کتابت‌نام نبرده‌ولی‌ظاهراً از خطوط قرن دهم‌هجری‌میباشد ، برکنارصفحهٔ دوّم محمّد کاظم بروجردی بعربی‌نوشته است : یکی از دوستان در سال (۱۲۴۰) این کتاب را بمن بخشید . برگ اول نسخه وّصالی گردیده وبر ورقیکه پس از ختم کتاب سفید بوده اشعاری از صائب نوشته شده و بنام رساله درانشاء بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وبهمین نام وقف بر این کتابخانه گردیده است .

جلد جرمی . کاغذ دولت آبادی . واقف‌سپهسالار . قطع‌ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۳) صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۱۷ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۹۷) .

[۳۳۵] نثر اللآلی (عربی)

این کتاب نیز منتخبی‌ازکلمات قصارحضرت‌مولی امیرالمؤمنین‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السّلام میباشد و درسی باب بترتیب حروف تهجّی‌مرتب شده وهریك‌ازابواب دارای چندین کلمه ازکلمات حکمت آمیز است ، جامع ومرتب‌آن چنانکه پشت نسخهٔ چاپی ودرمقدّمه‌بعضی‌ازنسخهای خطی‌مشاهده میگردد حضرت شیخ ابوعلی

(۱) در نسخه و بسین نوشته شده وظاهرا بلکه مسلما « نه بسین » بوده وکاتب غلط نوشته و در نسخه نظائری دارد و بنابراین واو «ودرعربی» در عبارت فوق نیز زائد است .

طبرسی صاحب مجمع البیان رحمة الله علیه است که بسال ۵۴۸ وفات یافته و در ج ۱ ص۱۰۸ این فهرست بترجمه وشرح بعضی از مؤلفات ایشان پرداخته شده ولی صاحب روضات (ص ۵۱۲) در ذیل شرح حال شیخ طبرسی گوید: ونیز از مؤلفات این عالم جلیل بنابر آنچه بایشان نسبت میدهند کتاب نثر اللالی است که رساله‌ای مختصر و چون غرر و درر آمدی مرتب بترتیب حروف تهجّی است و در آن کلمات حضرت علی ع جمع آوری شده ولی گمان من این است که این کتاب گرد آوردهٔ سید علی بن فضل الله حسینی راوندی باشد و بر هر تقدیر با «**نثر اللالی**» مؤلفهٔ شیخ محمّد بن جمهور الاحسائی که موضوع آن مسائل فقهیّه واخبار می باشد نباید تی آنرا اشتباه نمود **انتهی**.

و صاحب کشف الحجب والاستار این کتاب را (نثر اللالی ـ کلمات قصار) جزماً به عزّ الدّین سید علی بن فضل الله راوندی نسبت داده است و شرح حال این سید جلیل را فقط در هدیة الاحباب (ص ۱۴۰) در ذیل **راوند** ونام پدر وی یافتم وترجمه آن این است: سید ابوالحسن عزّ الدین علی بن ضیاء الدّین عالمی دانشمند و فقیهی راستگو و ادیبی اریب و شاعری ادیب است و صاحب تصنیفات زیاد می باشد و سیّد علیخان در «الدرجات الرّفیعه» وی را بدینگونه معرّفی میکند: وی بچه شیریست که شیر روش وی را پیروی میکند و دانش بوی پا برجا است وآنکس که ببدر خویش اقتدا نماید جای دوری نرفته. ونیز در آنجا نوشته شده وی را مدرسه‌ای بزرگ در کاشان است که بر روی زمین مانندی ندارد ودر آن بسیاری از علما و دانشمندان و پرهیزکاران و عابدان مسکن دارند و این سید جلیل (سیّد علی بن فضل الله) تا سال ۵۴۸ زندگانی میکرده است. **انتهی**.

صاحب وقایع الایّام در حاشیه ص ۴۰۹ ج ۳ بنقل از ریاض العلما گوید که جامع کلمات قصار موسوم به نثر اللالی قطب راوندی است.

چنانکه در ذیل صد کلمه در ص(۶۹) گذشت این کلمات قصار را **عادل** هریك بیك بیت فارسی ترجمه نموده و آغاز وانجامش نیز در آنجا ثبت شده بدانجا مراجعه شود.

در تحفهٔ سامی کتابی بنام «نثر اللالی» به **امیر علیشیر نوائی** نسبت داده شده واین امیر کلمات قصار (نثر اللالی) را هریك بیك رباعی ترکی ترجمه نموده و آنرا «نظم ـ الجواهر» نامیده و یك رباعی از آنرا در «بدایع اللّغه» ذیل لغت «ایلدام» یافتم.

و نیز این کتاب بنثر فارسی ترجمه گردیده و نسخهٔ خوبیکه بخطّ سیّد محمّد بقا بسال ۱۳۱۲ با سفیداب نوشته شده و اخیرا جزء کتب این کتابخانه گردیده دارای آن است و نامی از مترجم در آن نیست و چون هنوز نظم و ترتیب کتب اخیر تمام نشده خصوصیّات آن نسخه را در اینجا نمی آوریم . وبسال ۱۳۱۸ با ترجمه فارسی آن که انشاء کاظم بن محمد گیلانی (فیلسوف الدوله) درهمانسال میباشددر طهران چاپ شده است .

نثر اللائی بسال ۱۳۱۲ بضمیمهٔ « اربعین شهید اوّل » و « شرح حدیث کسا » و « اربعین میرفیض‌الله حسینی تفرشی » نیز درطهران چاپ سنگی شده است (۱) .

آغاز: بسمله حرف الالف . اِیْمانُ الْمَرْءِ یُعْرَفُ بِاَیْمانِه .

انجام: یأس القلبِ راحةُ النَّفس ، یَسْعَدُ الرَّجُلُ بمصاحَبَةِ السَّعید (۲).

(۸۰۰)

نثر اللالی این نسخه بخطّ نسخ نوشته‌شده ، کاتب ازخود و سال کتابت نام نبرده ، از اینکه جزء مجموعه ایست که بیشتر رسائل آن بسال ۱۰۷٤ نوشته شده بایستی این نسخه نیز در آن سال نگارش یافته باشد .

خصوصیّات دیگر این نسخه را بمجموعهٔ شمارهٔ (۲۷۹۹) کتابخانه مراجعه نمائید و این کتاب در ص ۲۶ تا ۲۹ آن مجموعه نوشته شده است .

[۳۳۶] **نصایح حضرت امیر (ع)** (عربی)

کتاب یا رساله ایکه بدین نام در این کتابخانه میباشد عبارت است از کلمات وعبارات منتخبه‌ای ازنهج‌البلاغه ونثراللالی و غررالحکم که درنصیحت وموعظه از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام مأثور است و ظاهرا جامع آن همان

---

۱ ـ در کشف الحجب آغاز این کتاب پس از بسمله اینگونه نوشته شده : الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین هذا کتاب نثر اللالی الخ . و در نسخهٔ حاضر پس ازبسمله‌چنین‌است : الحمدلله رب‌العالمین‌والصلوة علی محمدخیرالمرسلین وآله‌الطیبین‌الطاهرین اما بعد فهذه کتاب نثر اللالی من کلام امیرالمؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین و خلیفةرسول رب العالمین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام علی ترتیب حروف الهجا حرف الالف ایمان المرء یعرف بایمانه .

۲ ـ در نسخهٔ چاپی ترجمه نثر اللالی عادل ارکلمات قصاری که ابتداء بیاءشده فقط این کلمه ذکر شده : (یبلغ المرء بالصدق منازل الکبار) ولی انجام نثراللالی چنان است که ملاحظه میشود .

محمّدعلی جرّاح نظام نویسندهٔ نسخه است ودرحدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : نصائح حضرت امیر ع بسم‌الله خیرالاسمآء ـ اوصی امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب ولده الحسین صلواة‌الله علیهما وعلی الائمّة الاطهار من ذرّیتهما وسلامه فقال یا بنی اوصیك بتقوی الله الخ .

انجام : لاتتمّ مروّة الرّجل حتی لایبالی ایّ طعام اکل و ایّ ثوب لبس ، حرّره الفقیر الحقیر محمّدعلی جرّاح النظام خلف مرحوم عبدالله بیك جرّاحباشی نظام فی عشر الثّالث من شهر رمضان المبارك سنة ۱۲۸۵ .

(۸۰۱)

نصائح حضرت امیر (ع) این نسخه‌را بخطّ نستعلیق خیلی خوب محمّدعلی جرّاح نظام بسال ۱۲۸۵ نوشته و در همین سال چنانکه بشت صفحهٔ اوّل یاد داشت گردیده داخل کتابخانهٔ اعتضاد السّلطنه شده وبهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده ومجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است.

جلدمقوائی. کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵) . صفحه (۸) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵۰) .

[۳۳۷] نظم الغرر و نضد الدرر (فارسی)

عالم‌جلیل عبدالکریم‌بن محمّد یحیی(۱)قزوینی رحمة الله علیه که‌ازدانشمندان دورهٔ سلطنت شاه سلطان حسین صفوی بوده وبشهادت مندرجات این کتاب و تصریح خود در مقدّمه مجلّد دوّم آن سالها بمطالعه و مباحثه و دقّت در اخبار

(۱) بنا بضبط در مقدمه مجلد دوم و مجلد اول که در تبریز موجود است و صاحب وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۶ ج ۲ از آن نقل نموده و ضبط درمقدمه نسخه کتابخانه‌حضرت رضاسلام‌الله‌علیه و نسخه مجلس‌شورای ملی نام پدر عبدالکریم ، **محمدیحیی** بوده ولی درفهرست‌رضویه ص۱۰۱ ج ۱ فصل اخارخطی **محمدبن‌یحیی** ثبت شده بنابر آنچه گفته شد کلمه ابن میان محمد و یحیی غلط‌است وبامراجعه بکتب روضات و تنقیح المقال ولؤلوئی‌البحرین وجامع الرواة وفیض القدسی و مستدرك الوسائل و غیره بنام و شرح حال این عالم و محدث بر نخوردیم . درحاشیه‌نظم‌الغرر نسخه مجلس رساله‌ای نیز از این مؤلف « راجع به ذوالقرنین » میباشد و دارای مطالب زیاد و افسانه‌ائی در حدود (۲۵۰) بیت‌میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله‌بدانکه خلافست‌درمیان مفسرین وارباب سیر که آیاذوالقرنین اسکندر رومیست یاغیر او الخ . انجام : و ملوك آفاق را مملوك ساخت چگونه خوابید که بیدار نمیکردد و چون خاموش شد که هیچگونه سخن نمیگوید .

ائمّهٔ اطهار علیهم صلوات‌الله فی کل لیل و نهار اشتغال داشته ، هنگامیکه تشرّف بآستان حضرت مولی الموالی علی بن ابی طالب علیه سلام الله را یافته (۱) بر آن شده که کلمات قصار آنحضرت را که آمدی ره در غرر الحکم (از این کتاب و مؤلّف آن در ص ۷۶-۷۸ همین مجلّد معرّفی کرده ایم) بترتیب حروف تهجّی مرتّب نموده و بترتیب و مناسبت معنوی میان آن کلمات مبارکات منظّم نماید ، خوشبختانه بنا بگفته خویش در مقدّمه های مجلّدات موجوده موفقیّت باین امر یافته و در نود و نه باب بشمارهٔ اسماءالله الحسنی این کتاب را تألیف و درذیل پاره‌ای از کلمات آیه‌ای یا آیاتی از قرآن کریم وخبری یا اخباری را که از معصومین ع مناسب مقام بوده نقل نموده و پس ازاین کار برای استفاده فارسی زبانانیکه استفاده از کتب عربی نمیتوانند کرد بترجمه وشرح آن بزبان فارسی پرداخته و گذشته از بیان مراد و معنی آنها قصص وحکایات وابیات مناسبه‌ای آورده است و تا اینجا که نگارنده تحقیق نموده و بدست آورده پنج مجلّد از این شرح و ترجمه که مشتمل بر (۲۰) باب میباشد مسلّماً از قلم شارح خارج شده و ذیلا مجلّدات و ابواب آنها ذکر خواهد شد .

فهرست مجلّدات و ابواب این کتاب تا حدّیکه پیش نگارنده مسلّم است :

مجلد اول مشتمل بر سه باب وبدین تفصیل است : **باب اول** در علامات ثبات دول و بقای آن . **باب دوم** در منافع عدالت ومضارّ جور . **باب سوم** در آداب سلوك در خدمت ملوك .

این تقسیم از مقدّمه مجلّد دوّم که اینك دراصفهان موجود است و مالك آن آقای محسن نعمت اللّهی دامت توفیقاته بنمامه آنرا بخطّ خوبش استنساخ نموده و برای نگارنده فرستاده و رهین امتنانم فرموده اند استفاده گردید و قسمتیکه مبیّن این ابواب است از مختصر مقدّمه آن که ذیلا نقل میگردد معلوم خواهد شد و بنابراین مسلّم میشود که مجلّد اوّل دارای این مطالب است و ابواب نسخهٔ

(۱) در مقدمه نسخه خراسان باین مطلب تصریح شده و چنانکه در صفحه بعد تذکر داده خواهد شد بعقیده نگارنده این مقدمه مجلد اول و خود نسخهٔ نیز مجلد اول از این کتابست و کاتب و مستنسخ اسامی ابواب را غلط نوشته است .

خراسان اگر چه بنام سادس و سابع و ثامن نامیده شده ولی پس از دقّت معلوم میشود که نویسنده اوّل و ثانی و ثالث را تصحیف نموده و برای تأیید خویش فهرست ابواب نسخه خراسان را ذیلاً نقل مینمائیم :

الباب السادس: فی الدُّوَلِ وَ عَلاماتِ اِقْبالِها وَ اِدْبارِها وَ زَوالِها وَ اِنْتِقالِها وَ ما قارَبَها .

الباب السابع: فی مَنافِعِ العَدْلِ وَ الْاِنْصافِ وَ مَضارِّ الجَوْرِ وَ الْبَغْيِ وَالْاِعْتِسافِ .

الباب الثامن: فی تَعْلِيمِ السُّلُوكِ فِي خِدْمَةِ الْمُلُوكِ وَالرِّياسَةِ وَما يَتَعَلَّقُ بالسِّياسَةِ .

و از آنچه صاحب وقایع الایّام در حاشیهٔ ص ۳۹۶ ج ۳ نگاشته اند بدست میآید که نسخهٔ تبریز نیز قسمتی از مجلّد اوّل ویا تمام آنست و در مرقومه ایکه بنگارنده نگاشته‌اند تصریح نموده که تاریخ تحریر این نسخه سال ۱۱۱۴ واز کتب کتابخانهٔ مرحوم حاج سیّد علی آقای ایروانی واینك متعلّق به آقای سیّدعبدالحجّه ایروانی دام عمره میباشد و عبارت وقایع الایّام اینست :

و عالم جلیل میرزا عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی از علما عهد شاه سلطان حسین صفوی در کتاب نظم الغرر ونضد الدرر بعضی ازکلمات معجزات (کذا) آیات آنحضرت را آنچه متعلق باستقرار دولت و استحکام معدلت است با ذکر بعضی از حکایات مختصره و ابیات رائقه نقل کرده و حقیر در مجلد دوم منتخب المقاصد درج کرده‌ام **انتهی** .

مجلد دوم چنانکه مؤلّف درمقدّمه‌بدان تذکّر داده‌اند این مجلّد فقط مشتمل بر دو باب است : **باب چهارم** در خصائص و اسرار پیغمبر (محمّد ص) واهل بیت اطهر آنسرور علیهم صلوات‌الله الملك الاکبر . **باب پنجم** در علم و جهل و علامات عالم و جاهل و فضائل عالم عامل .

نسخه این مجلّد را فقط در اصفهان نزد آقای محسن نعمت اللّهی دام عمره و توفیقه سراغ دارم .

مجلد سوم و چهارم مشتمل بر باب ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است و از این ابواب بس **باب دهم** که‌درمنافع دوستی و آنانکه شایستگی آنرا دارند و آنانکه نبایستی بدانها دوستی کرد است و **باب یازدهم** که‌در خوشی وخوشروئی وخلق نیکو است و بضمیمهٔ باب‌چهاردهم که ذیلاً ازآن نام میبریم در کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی درتحت شمارهٔ (۲۹۲) کتب خطّی (خارج از شمارهٔ‌جلد اوّل‌فهرست کتب خطّی‌است)موجوداست‌وبر وجود دیگر ابواب این مجلّد وموضوعات‌آنها تا کنون اطلاعی نیافته ام و درص (۱۰۶) این‌فهرست ذیل همین کتاب‌تذکّر داده شد که‌آنچه در فهرست کتابخانه حضرت رضا علیه‌السّلام (ص ۱۰۱ ج ۱ اخبار خطی) در ذیل‌خصوصیّات نسخه آنکتابخانه‌نوشته‌شده که مشتمل بر باب ششم تانهم‌میباشد ، موافق با واقع نیست .

مجلد پنجم مشتمل بر هفت باب بتفصیل ذیل میباشد : **باب چهاردهم** در شجاعت و مذمّت جبن و تهوّر وعجز و تعلیم آداب حروب و دستور برگزیدن سرداران لشکر و علامات نیك و بد ایشان و طریق محافظت ثغور مملکت‌وسلوك باسباه و رعیّت‌و غیر آن . **باب پانزدهم** در جهاد اصغر و جهاد اکبر . **باب شانزدهم** درنیکوئی اقتصاد وحسن تدبیر ونهی از اسراف وتبذیر . **باب هفدهم** در تقدیر ارزاق عباد . **باب هیجدهم** در نهی از سئوال از مخلوق و بیان مذمّت آن و محو شدن رزق بسبب آن . **باب‌نوزدهم** در منافع قضای حوائج مؤمنین . **باب بیستم** در مذمّت تکبّر و مدح تواضع و ثمرات آن | چون آمدی بعضی از فقرات خطبه فاصعه را که در موضوع تکبّربوده نقل کرده است مؤلف پس‌از نقل آن جمل بر آن شده که در این باب (باب بیستم) بشرح تمام آن خطبه بپردازد وپس‌ازآن سائرکلمات واخبار وآیات واردهٔ دراین باب‌راشرح‌نماید | .

بدبختانه ازاین مجلّد جزباب چهاردهم که‌اشارت رفت نسخهٔ آن‌در کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی موجود است و این فهرست ابواب از آنجا استنساخ گردیده و باب بیستم آن که در این کتابخانه است و ذیلاً بخصوصیّات آن خواهیم پرداخت بدست نیاورده و ازوجودسائرابواب‌وحتّی‌از فهرست آن‌خبری نداریم .

نگارنده تاکنون نام این کتاب‌را جزماً نمیداند چیست چرا که مؤلّف‌خود در مقدّمه مجلّدات موجوده هر یك بنحوی آنرا معرّفی کرده ولی از اسم کتاب و توجّه بموضوع آن بنظر میرسد که بایستی « نظم الغرر و نضدالدرر » نام‌مرتّب شده غرر الحکم آمدی در نود و نه باب باضافه اخبار و آیات مناسبه هرباب که بزبان‌عربی‌است بوده‌باشد واین کتاب فارسی را که باب بیستم آن‌دراین کتابخانه و ابواب دیگر آنرا نشان دادیم شرح یا ترجمه نظم الغرر و نضد الدرر نامید امّا بمتابعت فهرست کتابخانه رضویه وصاحب‌وقایع‌الایّام ما نیز آنرا بنام نظم الغرر و نضدالدرردر این‌فهرست ذکروذیلاً بنقل عبارات مؤلّف از مقدّمه‌های مجلّدات موجوده‌میپردازیم .

در مقدّمه نسخهٔ کتابخانهٔ رضویّه که مسلّماً مجلّد اوّل است چنین نگاشته شده :

اما بعد چون بمساعدت توفیقات ربانی و معاضدت تأییدات یزدانی دیده بصیرت خاك قدم شیعیان ائمه اطهار علیهم صلوات الله‌الملك الغفار المفتاق الی عفور به‌الغنی المغنی **عبدالکریم بن محمدیحیی القزوینی** بمطالعه‌و تتبع کتاب‌مستطاب‌غرر و دررکه منتخب حکم‌مختصره و مواعظ موجزهٔ‌حضرت امیر المؤمنین ع . . . . . رسید و آن کنز رایکان وگنج شایگان که شمهٔ‌آن(ازظ) کنوزعالم‌غیبی‌وشرزمهٔ‌ازمعادن اسرارلاریبیست‌ازنظراکثرابنای‌زمان‌خصوصاًسکان متوطنین عرصه‌وسیع فضای ایران جنت نشانراکه‌تکلم‌بلغت فارسی‌واقع‌میشودوهریك‌از ایشانراتعلم بلغت عرب مقدور نیست نهان و باین جهت بسیاری ازشیعیان‌اخباراز انتفاع . . . . . تصمیم‌عزیمت‌نمود که‌شرح‌واضحی بزبان فارسی برفقرات اعجاز سمات‌آن نگارد . . . . وبعون‌الله تعالی و حسن توفیقه یك‌مجلد آن‌شرح‌مذکوربروجه منظور سمت‌اختتام یافت . . . . و چون جامع کتاب‌مستطاب غررو درر بنارا بر ترتیب حروف‌هجا دراوائل آن‌فقرات اعجارآیات گذاشته و تناسب معنوی را مرعی نداشته بود درطی مطالعه و مراجعه بهدایت الهام غیبی ودلالت توفیق لاریبی بخاطر قاصررسید که دردیده بینش معنی شناسان بنای ترتیب آنها بر تناسب‌معنوی نظر بفضل معنی بر لفظ انسب و بسهولت انتفاع ناظرین وطالبین اقرب بنماید . . . . متوکلاً علی‌الله مشغول باین نظم و ترتیب گردید ودر اندك زمانی بعون عنایت سبحانی و امداد باطن فیض مواطن ناظم درر غرر آن کلمات اعجاز سمات ربانی این کتاب مستطاب بر نود ونه باب بعدد اسماءحسنی‌مرتب گشته بانجام رسانید و موسوم **بنظم الغرر و نضد الدرر** گردید و بعد از انجام و اتمام‌این مهم خیر اختتام بخاطر فاتر رسید که عجالةً ترجمه مختصری‌که قریب بفهم عام و خاص باشد ولمی شود تا چنانکه منظور و مقصود است این نسخهٔ شریفه موجب انتفاع عموم مؤمنان خصوصاً اخوان دینی گردد ودعائی بجهت این سراپا تقصیر از مؤمنین بظهوررسد

و چون مطابقت فارسی با سیاق عربی موجب وحشت عبارت میگردد و مقصد (مراد مقصود است و شاید غلط استنساخ شده است) از آن قسم عبارتی بفهم هر کس نمیرسد لذا در ترجمه اکثر فقرات طیبات بحاصل معنی اکتفا نمود و درترجمهٔ آیات و احادیث آنچه که مذکور شده یابعنوان نقل از مفسرین و شارحین یا بطریق اظهار احتمال نگارش پیرا گردید . . . . . .
و همت والا نهمت پادشاه جمجاه . . . . . شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی . . . . .
مصروف بر ترویج احادیث ائمه ع . . . . . لازم و واجب دانست که این مختصر را هدیه مجلس بهشت آئین و منظور نظر فیض مظهر ایستادگان پایه سریر معدلت قرین گرداند امید که بحلیه استحسان خاطر ملکوت ناظر متحلی گشته ثواب آن بروزگار فرخنده آثار واصل و متواصل و عامه ناس را انتفاع باین کلمات اعجاز سمات حاصل گردد **و من الله الاستعانه فی کل باب و علیه التوکل فی المبدء والمعاد .**

و نیز در حاشیهٔ نسخهٔ کتابخانه رضویّه است :

توقع آنکه ارباب بصیرت نظر بر گهر گماشته صدف را در میان نه بینند و در مقام تدبر وتفکر در آمده بربساط اعراض واعتراض ننشینند چه مترجم را دراین تحریر نصیبی بجز منصب ترجمانی نیست و بهرهٔ غیر از شیوهٔ سخن رانی نه .

(ازنقل این قسمت از مقدمه نیز بخوبی واضح و آشکار است که مقدمه مجلد اول کتابست و الا چون در سائر مقدمات اشاره بمجلدات پیش آن مینمود.)

و در مقدّمه مجلّد دوّم است :

الحال مدتی است که لآلی شاهوار کتاب درر غرر را که حاوی کلمات موجزه حضرت سید ازهر و آفتاب انور و کلام ناطق خدا و مترجم آیات حضرت حقتعالی حضرت امیر المؤمنین حیدر علیه صلوات الله الملك الاکبر و مشحون بدراری سپهر معرفت و مالامال زلال بحر دانش و حکمت است روشنی بخش سراچه دل و وسیلهٔ انحلال هر مشکل نموده و از مطالعه و تتبع آن مفاتیح باب مدینه علم نبوی ابواب معرفت برروی خاطر ناقص خود گشوده است و بعد از آنکه در ذیل شمهٔ از فقرات آن کتاب مستطاب برای فارسی زبانان از یاران و اصحاب شرحی بلغت فارسی بقلم ضعیف نال این شکسته بال مرقوم و **باصداف الدرر** موسوم شد بنابر آنکه فنون حکمت بدون رعایت تناسب در ابواب آن کتاب متفرق بود آنرا نه بود و نه باب که در باب مشتمل بر کلمات متعلقه بفنّی از فنون حکمت بالغه باشد با انضمام احادیث مناسب هر باب ترتیب داد واین وضع و ترتیب در نظر علمای عصر کثرالله امثالهم مستحسن افتاد و ثانیا درشرح آن کلمات اعجاز طراز بترتیب معروض شروع شده **بنضدالدرر** موسوم گردید و بمیامن توفیقات ملك علام وجدوجهد تمام یك مجلد آن که مشتمل بر علامات ثبات دول و بقای آن ، و منافع عدالت و مضار جور ، وآداب سلوك درخدمت ملوك بود باتمام رسید . . . . رغبت طبع همایون بملاحظه تتمه شرح مذکور بر زبان الهام بیان آنخسرو قضا فرمان گذشته . . . . . و در اوان فرمان قدر توامان مجلدی دیگر از **نضدالدرر** چنانچه باید سمت انجام نگرفته و حلیه تمامی نپذیرفته بود لهذا نسخه **اصداف الدرر** که سابقا در سلك انتظام آمده بود معروض سدّه سنیه والا شد و در در اینوقت که مجلد دیگر از **نضد الدرر** مشتمل بر باب خصائص و اسرار پیغمبر و اهل بیت

اطهار آن سرور علیهم صلوات الله الملك الاکبر و باب علم و جهل صورت انجام یافت الخ .

و در مقدّمه مجلّد پنجم چنین نگاشته شده :

و در این ایام چنانچه در مجلدات سابقه بعرض ناظرین رسانیده بالهام غیبی و اشارهٔ لاریبی بعد از ترتیب معنوی مشغول ترجمه و شرح کتاب نظم الغرر و نضد الدرر گردید وچهار مجلد ازآن بعون الله الملك المنان صورت انجام پذیرفت و بنظر خیر منظر ایستادگان پایه سریر خلافت مصیر رسیده پذیرائی حسن قبول یافته و حسب الفرمان قضا جریان باتمام سائر مجلدات و انفاذ آن بدرگاه عرش اشتباه مأمور گشته ودراین وقت یکمجلد دیگر از آن که مشتمل بر . . . . . .

(فهرست ابواب را که قبلاً نقل نمودیم دراینجا ذکر نموده است) صورت انجام پذیرفته بود واجب دانست که هدیه سده والا ودرگاه معلی نماید الخ .

مقدّمه مجلّدیکه در تبریز است بوسیلهٔ آقای حاج ملاّ علی واعظ خیابانی دام علاه خواستم ازشرحیکه مالك مذکور آن بایشان نوشته وعیناً آنرا برای نگارنده فرستاده بودند معلوم شد که آن نسخه را کسی عاریه گرفته و نداده لذا نقل مقدّمه آن ممکن نشد ولی بقرینه نقلیکه صاحب وقایع الایام کرده و در ص (۱۰۷) گذشت در آنجا نیز نام این کتاب « نظم الغرر و نضدالدرر » ثبت شده است .

آغاز سه مجلّد فوق را ذیلاً مینگاریم :

آغاز مجلد اول : بسمله حمد و ثنائیکه جمیع مخلوقین و ملائکه سموات و ارضین بامداد مداد بحار و اقلام اشجار از عهده نگارش برخی از آن عاجز آیند مالك الملکی را سزاوار الخ .

آغاز مجلد دوم : بسمله شکر وسپاس بیقیاس مخصوص حضرت قادرعلیم و صانع حکیمی است که نضد درر کواکب در اصداف افلاك بدست قدرت کامله او انتظام گرفته الخ .

آغاز مجلد پنجم : بسمله و به ثقتی حمد و سپاسی که جنود نامعدود معتکفان معابد فلك و صاحبان مفاخر نحن نسبّح بحمدك ونقدّس لك از اقدام بآن عاجز آیند الخ .

انجام مجلد پنجم : اگر بر زللی یا خللی واقف شوند بر مترجم خرده نگیرند و باصلاح آن منّت نهند

شعر

به بینند مهر علی درمیان نگیرند بر شارح بیزبان

و علی الله التکلان .

(۸۰۲)

نظم الغرر و نضد الدرر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، ورق اوّل را ندارد ، اوراق آن مجدول بطلا و زنگار میباشد ، چنانکه در ص (۱۰۸) تذکّر داده‌شد این نسخه‌باب پانزدهم ازاین کتابست وبجهتیکه نیز درهمان صفحه ذکر شد مشتمل بر شرح خطبه قاصعه میباشد و براوّلین صفحهٔ موجود ازطرف مرحوم اعتضاد السلطنه این نسخه بنام « شرح خطبه قاصعه بانضمام صد کلمه و شرح آن » معرّفی گردیده و بر حاشیه دوّمین صفحه بنام « شرح کلمات حضرت امیر ع » وقف و در دفاتر سابق کتابخانه نیز بدین نام ثبت گردیده و پس از اتمام شرح و ترجمه کلمات و عبارات این باب مؤلف وشارح خاتمه ای در حدود (۷٤) بیت درآخر آن گذارده واتمام مجلّد پنجم‌راضمناً تذکّر میدهدو نخستین سطر نسخه اینست :

و بهر کس که شریك‌سازد در عبادت بخدای برحق خدای دیگر را الخ .

در کنار آخرین صفحه اشعاری در تعریف از این کتاب نوشته شده و ذیلا بنقل آن پرداخته میشود

نگاهی ز عبرت گرفتم بوام — سراپای‌این نسخه دیدم تمام
عیان گشت در دیدهٔ اعتبار — محیطی پر از گوهر شاهوار
بملك سخن در جهان خیال — بآن باغبان باغبانی حلال
[که‌بدن‌میوه‌کاخ‌این‌باغ‌چید | کدا] — بفکر بلند از سر شاخ چید
چنان خطو معنیش‌خوا‌فتاد — که‌هر کورفهمست‌روشن‌سواد
عروسی چنین‌چشم‌لیل‌وبهار — ندیداست درحجله روزگار
خوشا‌روبق‌بخت‌آن‌جوهری — که دریاُدرش‌راشودمشتری

زنگار اوراق نسخه‌را پاره نموده و ورق اوّل و آخر و صالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ خان‌بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه(۱۲) سطر . طول (۱۹½ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵۱) .

[۳۳۸] نهج البلاغه (عربی)

کتابیکه بدین نام نامیده شده یکی ازمشاهیر کتب اسلامی ومنتخبی ازخطب ومکاتیب وکلمات حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه است و دارای اهمیّت علمی و ادبی و تاریخی میباشد ، علماء امامیّه رضوان الله علیهم اجمعین آنرا تالی قرآن میدانند و **اخ القرآن** مینامند و بسیاری از بزرگان علماء عامّه نیز بعظمت آن معترف اند و اینك که این شرح در معرّفی از آن نگاشته میشود ۹۵۶ سال تمام از جمع وتألیف آن گذشته و ازبدو انشاء و تألیف تاکنون همواره مورد نظر و دقّت و مطالعهٔ فضلا و دانشمندان بوده و هست .

نهج البلاغه را در کتابخانها و فهرستها بمناسبت اینکه منقول از امام علیه السّلام است و اطلاق اسم حدیث و روایت بر آن صادق میباشد در عداد کتب اخبار و احادیث و بعضی در اثر اشتمال آن بر مواعظ و حکم در ضمن کتب مواعظ واخلاق و پاره‌ای بواسطه دارا بودن دستور های اجتماعی وسیاسی و مشتمل بودن برمباحث اثبات مبداء ومعاد درشمار کتب حکمت وکلام و برخی چنانکه اسم کتاب بر آن دلالت دارد، آنرا سرمشق فصحا وبلغا شناخته واز کتب ادب دانسته و در این ردیف و دسته گذارده و در اطراف آن بحث کرده اند .

نگارنده بااعتراف وتصدیق براینکه هریك درنظریّه وروش خویش راه صواب را پیموده ، نتوانست یکی از آن روشهارا رجحان دهد و بنظر وی چنین رسید که در این فهرست فصلی مستقلّ بنام « خطب ومنشآت » ایجاد و چون قسمت اعظم این کتاب منتخبی ازخطب حضرت مولی ع میباشدوقسمت دوّم آن مشتمل برمکاتیب ودستورهای سیاسی و اجتماعی آنحضرت ع و قسمت سوّم کلمات موجزه و حکم مختصره ایشانست آنرادراین فصل جای دهدوترجمهاوشروح آنرانیزچون اصل آنها در همین فصل گذارد و کتب دیگریکه در این فن تألیف گردیده و نسخه ای ازآن دراین کتابخانه است بتبع نیزازآنهایاد شود ، توفیق رفیق شد و کتب دیگر که فرع و فرع فرع بودند لجّاره وار در این فصل ثبت گردید اینك این کتاب که مقصود اصلی از این نظم و ترتیب بود شاه وار در آخر فصل قرار گرفت .

جامع این کتابیکه بنام نهج البلاغه معروف و مشهور گردیده باتّفاق تمام علماء امامیّه و علماء عامّه جز چند نفر سیّد رضی (۳۵۹-٤۰٦) رحمة‌الله‌علیه‌است که پس از این بشرح حال ایشان خواهیم پرداخت ولی برخی از عامّه این جمع و ترتیب را بتردید نسبت بسیّد مرتضی علم الهدی و یاسیّد رضی داده‌اند، نگارنده نخستین کس که این تردیدرا نقل نموده ابن خلّکان متوفی بسال ٦۸۱ رادید (وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۳٦) وباتفحّص قائل آنراهم بدست نیاوردو آنچه متأخّرین این تردیدرا در کتب خویش آورده ابن خلّکان‌را اقتدا وازاو پیروی کرده اند، چون یافعی ابو محمّد عبدالله یمنی ٦۹۸ - ۷٦۸ در مرآت الجنان و حاجی خلیفه متوفی بسال ۱۰٦۷ در کشف الظنون و عبدالحیّ بن عماد متوفّی بسال ۱۰۸۹ در شذرات الذهب وادوارد فاندیك درص۳۵٦ اکتفاء القنوع مؤلّفه و مطبوعه بسال ۱۳۱۳ ه. وفرید وجدی در دائرة المعارف خویش ص ۲٦۰ ص ٤

بعضی ازعامّه تردیدراترك کرده‌واین جمع وترتیب‌را جزماً به‌سیّدمرتضی نسبت داده‌اند از آنها جرجی زیدان متوفّی‌بسال۱۹۱٤م. درص۱۹۵ ج۱وص ۲۸۸ج۲ تاریخ آداب اللّغة العربیّه و کلمان هوار مستشرق فرانسوی (دانشمند مرحوم اعتصام الملك (یوسف اعتصامی) درص ۳٤۸ ج ۱ فهرست کتب خطّی مجلس شورای ملّی این نسبت را باین مستشرق داده اند) میباشند وبعضی‌ازعامّه اصلاً نسبت مطالب این کتاب را بحضرت علی بن‌ابی‌طالب ع منکرشده‌اند وابن خلّکان نیز بدان‌اشاره نموده وصاحب کشف‌الظنون نیز گوید که ذهبی‌در میزان‌الاعتدال صریحاً گفته که این مطالب از آنحضرت نمیباشد و گویند جامع و نسبت‌دهندهٔ آن بدان حضرت منشی و واضع آنست وجرجی زیدان نسبت‌قسمتی ازنهج‌البلاغه را بحضرت ع تصدیق نموده است.

وبعضی‌ازمعاصرین‌سیّدین (رضی‌ومرتضی) چون‌خطیب‌بغدادی‌متوفّی‌بسال٤٦۳ درتاریخ‌بغدادوبرخی‌ازمورخین‌چون ابی‌الفداءمتوفی بسال۷۳۲ درتاریخ‌خویش‌و ابن‌اثیر متوفی بسال ٦۳۰ درکامل التّواریخ وغیر ازاینها بااینکه نام‌هردو برادر را برده‌انداز شدّت تعصّب‌یا بعلّت‌دیگر نام این کتاب را نبرده‌اند.

دراینجا مناسب دیدم که‌این بحث‌را تشریح نموده وپس از آن ادلّهٔ‌خویش‌را

در بطلان تردید و نسبت تألیف آن به سیّد مرتضی بنگارم :

عمده چیز یکه موجب و باعث شده که پاره‌ای از متعصّبین اهل سنّت و جماعت مطالب مندرجهٔ در نهج البلاغه را از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام ندانند خصوصاً خطبهٔ شقشقیّه است که حضرت در آنجا درد دل خود را اظهار و معاملهٔ صحابه را با خود با همهٔ آن سوابق درخشان و خدمات نمایان در راه پیشرفت اسلام و وصایای حضرت پیغمبر ص نسبت بایشان، بیان کرده و گفتنیها را گفته و استحقاق و اولویّت خود را در خلافت و جانشینی پیغمبر ص ثابت نموده و بهترین شرحیکه حلّ رموز و کنایات و بیان مراد و مقصود آنحضرت را در این خطبه نموده « حدائق الحقائق » شرح بزرگ علاء الدّین گلستانه است (در ۶۰-۶۳ این مجلّد از این کتاب معرّفی کرده ایم) و بهمین سبب بعضی از متعصّبین که خجالت کشیده اند خطب و کلمات و مکاتیب نهج البلاغه را که چون آفتاب نسبت آنها بحضرت علی ع روشن و آشکاراست فقط این خطبه را جعل و ساختهٔ سیّد رضی دانسته‌اند والّا کدام منصف است که بتواند گفت فصیح و بلیغی جز علی بن ابی طالب میتواند اینگونه خطابه ها را القا کند و حقائق را بگوید ، جمعی دیگر از عامّه اعتراف نموده اند که سالها پیش از تولّد پدر و جدّ سیّد رضی این خطبه وجود داشته و در کتب مؤلّفه پیش از وجود سید رضیّ مندرج گردیده و چون بادلّه منکرین نسبت مطالب نهج البلاغه به امام علیه السّلام مراجعه نمائیم ادلّه و امارات و قرائن آنها را بسیار سست و اوهن من بیت العنکبوت میبابیم و سیّد جلیل هبة الدّین شهرستانی در کتاب « ماهو نهج البلاغه » آنها را نقل و بردّ ایشان پرداخته و نیز تذ در داده اند که خطبهٔ شقشقیّه در نهج البلاغه و سایر کتب که قبل از سیّد تألیف گردیده اندك تفاوتی در الفاظ دارد و آنها را عیناً از مآخذ آن نقل نموده اند .

در آخر شرح خطبهٔ شقشقیّه ابن ابی الحدید مطالبی نگاشته و عین آنرا با اندك اضافه ابن میثم نیز در آخر شرح این خطبه از شرح نهج البلاغه خویش آورده و بی مناسبت نیست که در اینجا بترجمهٔ عبارات ابن ابی الحدید پرداخته شود :

واما گفتار ابن‌عباس. ما آسِفُ عَلی کلامٍ قطّ کآسَفی علی ذلك الکلام آلا" یکونَ امیر المؤمنین بَلَغَ مِنْهُ حَیثُ اَراد ، استادم ابوالخیر مصدّق بن شبیب واسطی(۱) بسال ۶۰۳ گفت که این خطبه را پیش شیخ ابومحمد عبدالله بن احمد معروف به **ابن الخشاب** (۲) میخواندم چون بدینجا رسیدم چنین گفت : هر گاه در آن هنگام که ابن عباس این جمله را ادا کرد آنجا میبودم بوی میگفتم : آیا در دل پسرعمویت چیزی نگفته ماند ؟ وآیا دراین خطبه چیزی فرو گذار نمود ؟! تانومتأسف‌باشی که چراخاتمه داد ورازهای نهفته خودرا نگفته گذاشت وساکت شد ، بخدا سوگند که از اولین و آخرین نگذشت و کسی دردلش باقی نماند که از او یادی‌نکرد مگر رسول الله صلی‌الله علیه وآله را

مصدّق گویدابن الخشاب مردی شوخ طبع و مزّاح بود تصور نمودم که در این مورد هم شوخیش جنبیده بدو گفتم آیا این خطبه را ساختگی میدانی و از حضرت علی ع نمیدانی گفت : نی بخداسوگند یقین دارم که این خطبه کلام خود آنحضرت میباشد چنانکه میدانم تومصدّق هستی

مصدّق گوید: بوی گفتم بسیاری ازمردم‌میگویند که از منشآت‌رضی میباشد . گفت : کجا رضی و امثال وی دارای چنین روح واسلوبی درنگارش توانند بودومن برسائل رضی دست یافته وطریقه وروش اورا درنثر میشناسم و میان این دوفرق بسیار میباشد ، بخدا سوگند که این‌خطبه را در کتابهائیکه دویست سال پیش از آنکه رضی بدنیا آید تالیف گردیده، یافته‌ام ونیز آنرا بخط جمعی ازعلما که خط آنهارا میشناسم وبرآنها خطوط بسیاری از علماء ادب که نیز بدانها آشنا هستم دیده وزمان اینهانیز سالها پیش از تولد نقیب ابو احمد پدر رضی بوده است .

پس از این ابن ابی الحدید گوید : من خود نیز بسیاری از مطالب این خطبه را درمصنفات استاد ابوالقاسم بلخی (۳) امام بغدادیین که از معتزله بود یافتم و این عالم جلیل در زمان خلافت المقتدر (۲۹۵-۳۲۲) بوده سالها پیش‌از آنکه رضی‌متولدشود ونیز بسیاری از آنهارا

---

(۱) شرح حال ابوالخیر مصدق بن شبیب واسطی را بدست نیاوردم .

(۲) ابو محمد عبدالله بن احمد بن احمد بن عبدالله بن نصر بغدادی معروف به ابن خشاب از علماء عامه بوده ودرنحو وادب دستی قوی داشته ودرسائر علوم ادبی وریاضی وفقهی وغیره توانا بوده و اشعاری از او بیادگار مانده وعبد الحیّ بن عماد در شذرات الذهب ج ٤ ص ۲۲۰ - ۲۲۲ بشرح حال و نقل اشعاری از ایشان پرداخته و گوید بسال ٤۹۲ متولد و در ٥٦۷ وفات کرده ولی صاحب معجم المطبوعات در ص ۹۳ وفات ویرا بسال ٥٦۸ نقل کرده است .

(۳) شیخ ابو القاسم بلخی بسال ۳۱۷ وفات کرده است.

در کتاب « الانصاف » ابو جعفر ابن قبه (۱) که یکی از متکلمین امامیه و از شاگردان شیخ ابو القاسم بلخی رحمه الله بوده دیده ام و ابن قبه پیش از آنکه رضی دراین جهان آید از این جهان رفته است .

شارح بحرانی پس از نقل مطالب فوق گوید :

این خطبه‌را من نیز بخط ابوالحسن علی‌بن‌محمدبن الفرات (۲) وزیرالمقتدر بالله که شصت وچند (۳) سال پیش از تولد رضی بوده دیده ام .

سیّد شهرستانی دام ظلّه در ص ۲۹ - ۳۱ « ما هو نهج البلاغه » بنقل‌عبارات ابن ابی‌الحدید راجع باین کتاب که در جزء ۱۰ ص ۵۲۶ پس از خطبهٔ مشهورهٔ به ابن ابی الشحناء میباشد و اظهار نظر خویش مبادرت نموده ، برای آنکه این مختصر جامع نظریّات راجع باین کتاب باشد ملخّص آنرا ذیلاً ترجمه مینمایم و مطالب ابن ابی الحدید اینست :

گروهی هوا وهوس داران گویند بسیاری ازمطالب نهج البلاغه ساختگی وازکلمات حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام نیست وشیعیان فصیح آنهارا ساخته وبدانحضرت نسبت داده اند و بسیاری از آنهارا ریخته قلم سید رضی ابوالحسن میدانند ، اینان کسانی هستند که عصبیت چشم آنها راکور کرده و از نهج حق بر گشته اند ، چراکه اگر میگویند مطالب مندرجهٔ در نهج البلاغه همه ساختگی است و از آنحضرت نیست ، این نظریه و عقیده بضرورة باطل است برای آنکه میدانیم وبتواتر بمارسیده که بسیاری ازابن خطب وکلمات ومکاتیب ازمنشات آنحضرت میباشد وبسیاری ازعلماء عامه وخاصه‌ازمحدّثین ومورخین در کتب خویش ازصدر اول تا زمان سید رضی ره با انتساب آنها بحضرت م بنقل آنهاپرداخته اند و این ناقلین‌در میان عامه وخاصه موثق وقول آنهامقبول وحجت است

ویامیگویند که پاره‌ای‌ازخطب‌ومطالب نهج البلاغه ساختگی وباقی‌آن از امام‌علی‌م میباشد ، این قول نیز مردود است چراکه هر کس بکتب ادب اندك آشنائی و با ادبیات سر و کار داشته باشد بخوبی‌تشخیص‌تواندداد که درهرمؤلفهٔ منسوب‌بنویسنده‌یاشاعری چه مطالب‌یاابیاتی از او و گفته وی ونوشته او است و کدام یك ازعبارات یا ابیات از اونیست ، مثلا چون دیوان ابونواس ویاابوتمام را مراجعه کنیم ازخود افکار واشعار بدست می آوریم کدام بیت ازآنها

(۱) ابن قبه ابوجعفر محمد بن عبد الرحمن بن قبه رازی فقیه ومتکلم معروف شیعه و صاحب کتاب الانصاف درامامت میباشد وابن قبه استاد شیخ محمد بن نعمان معروف به‌مفید متوفی بسال ۴۱۳ بوده است .

(۲) ابو الحسن بن فرات وزیر المقتدر بوده و بسال ۳۱۲ وفات کرده است .

(۳) بنابرآنکه وفات ابن الفرات بسال ۳۱۲ چنانکه در ص۲۶۴ ج۴ شذرات الذهب ضبط شده صحیح‌باشد بایستی عبارت شارح‌چهل وچند سال باشد نه‌شصت وچندسال .

و کدام یك از آنها نیست ولی چون بنهج البلاغه مراجعه می کنیم تمام مطالب را درعرض یکدگر می یابیم واختلافی در روح قائل و منشی آن نمی بینیم تاشك کنیم که خطبه یا کلام یامکتوبی شاید از آنحضرت نباشد . انتهی کلام ابن ابی الحدید .

وسید شهرستانی در این باب فرماید:

برادران شیعه ما معتقدند که خطب و کلمات و مکاتیب موجودهٔ در نهج البلاغه پیش ماچون خطب مرویه ازحضرت پیغمبر صلی‌الله علیه و آله هیباشد که پاره ای از آنها متواتر وقطعی الصدور و بعضی غیر متواتر وظنی السنداند و با وجود این ماحکم نمیکنیم که آنها ساختگی است مگر پس از آنکه دلیل برآن اقامه شود ، چنانکه بصحت آنها نیز حکم نمی نمائیم مگر آنکه دلیل و برهانی بر آن قائم گردد و هر کس جز این بما نسبت دهد برخلاف حقیقت گفته است .

وچگونه منصفی تواندنسبت بهشیعه دهد که جزماً آنچه‌درنهج البلاغه است بدون‌شك‌وتردید از امام علیه السلام هیباشد درصورتیکه در این کتاب آنچه مخالف با اصول ایشانست بسیار هیباشد و از آنجمله است مدح فوق العاده ایکه از خلیفه ثانی عمر بن الخطاب رض نموده (ظاهراً مراد سید شهرستانی دام ظله خطبه ایستکه به **لله بلاد فلان** ابتدا شده و ابن‌ابی‌الحدید درشرح آن نوشته که‌درنسخه‌نهج‌البلاغه‌ایکه بخط سیدرضی بوددرذیل‌کلمه فلان نام « عمر » نوشته شده) و اگرمغرضین ازشیعه میخواستندتصرفی درکلمات وآثارآنحضرت کنند ودستی در آنها برند و زیاد و کمی نمایند امثال این مقالات را ازآن برمیداشتند

اعتدال وحقیقه شایسته پیروی میباشد اینستکه برای‌نهج البلاغه همان قیمتیکه برای کتب صحاح و سائر کتب دینی معتبر قائل هستیم معتقد باشیم و بقدر و قیمت ادبی آن و برتریش برهر کتابی پس‌از کتاب خدا(قرآن کریم) معترف گردیم انتهی .

در معرّفی از نهج البلاغه شرّاح آن و علماء رجال و فهرست نویسان هریك بیاناتی دارند، دراینجا بترجمهٔ عبارات ابن میثم ره درمقدّمهٔ شرح بزرگ خویش واشعاریکه ابومحمّد بن‌شیخ صنعان کاتب نسخه شماره (۳۰۸۵) کتابخانه در آخر آن انشاء و تحریر نموده نیز مبادرت مینمائیم :

کلام حضرت علی‌بن ابی طالب ع که درآن آثاری از کلام الهی و بوئی از بیانات نبوی‌ص میباشد ، هماره درسینه راویان پراکنده و دردست موافقین ومخالفین وجود داشت ، دشمنان وی بر آن شدند که آن کلمات مشهوره را پنهان کنند ولی خداوند نخواست که نوراو را پنهان دارند ، از این رو اسلام را بوجود سید امام شریف رضی محمد بن الحسین الموسوی قدس‌الله‌سره ونورضریحه‌تقویت‌فرمودواین بزرگوارکلمات جدش‌را که‌خورد و کهنه شده‌بود زنده کرد و آنچه از آنها درشرف پراکنده شدن بود جمع آوری نمود ودرجمع بهترین آن کلمات باندازهٔ توانائی خویش کوشش فرمود و آنرا نهج البلاغه نامید و اسم باهسمی ولفظ بامعنی مطابق آمد **فجزاه الله عن العلماء خیر الجزاء** . انتهی .

و آن اشعار اینست :

نهج البلاغه روضة ممطورة — بالنورهن سبحات وجه الباری
او حکمة قدسیة جلیت بها — مرآة ذات الله للنظار
او نور عرفان تلالا هادیاً — للعالمین مناهج الابرار
اولجة من رحمة قد اشرقت — بالعلم فهی تموج بالانوار
خطب روت الفاظها عن لؤلؤ — من هاته بحر المعارف جار
و تهللت کلماتها عن جنة — حفت من التوحید بالتوّار
وکانها عین الیقین تفجرت — من فوق عرش الله بالانهار
حکم کامثال النجوم تبلجت — من ضوء ماضمنت من الاسرار
کشف الغطاء بیانها فکانها — للسّامعین بصائر الابصار
وتری من الکلم القصارجوامعاً — یغنیك عن سفر من الاسفار
لفظ تمد من الفواد سواده — والقلب منه بیاض وجه نهار
وجلی عن المعنی السواد کانه — صبح تبلج صادق الاسفار
من کل عاقلة الکمال عقیلة — تشتاف فوق مدارك الافکار
عن مثلها عجز البلیغ واعجزت — ببلاغة هی حجة الاقرار
و اذا تاملت الکلام رایته — نطقت به کلمات علم الباری
و رایت نهراً بالحقائق طامیاً — من موجه سفن العلوم جواری
ورایت ان هناك براً شاملا — وسع الانام کدیمة مدرار
ورایت ان هناك عفو سماحة — فی قدرة تعلو علی الاقدار
ورایت ان هناك قدراً ماشیاً — عن کبریاء الواحد القهار
قدر الذی بصفاته وسماته — ممسوس ذات الله فی الاثار
مصباح نور الله مشکوة الهدی — فتاح باب خزائن الاسرار
صنوالرسول وکان اول مؤمن — عبد الاله کصنوه المختار
و به اقام الله دین نبیه — واتم نعمته علی الاخیار .

پیش از این گفته شد کـه جمعی جمع و تألیف نهج البلاغه را بسیّد مرتضی نسبت داده اند و این نسبت بر خلاف حقیقت است و گویندگان حتّی یك دلیل و برهان هم برمدّعای خویش ندارند ولی گذشته از اتفاق همه شراح در ازمان و اعصار مختلفه و تمام امامیّه بر اینکه این جمع و انتخاب از سیّد رضی موسوی ره میباشد خود این سیّد جلیل درتفسیر قرآن کریم که « حقایق التّأویل » نام دارد نظیرمطلبی رابه کتاب نهج البلاغه مؤلّفهٔ خویش که موضوع آن خطب ومکاتیب وکلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام میباشد حواله نموده

(بصفحه (۱۶۷) این تفسیر که اخیراً در نجف اشرف چاپ شده مراجعه گردد) و نیز در کتاب « المجازات النبویّه » مکرّر نظائری برای کلام مقدّس نبوی به این کتاب نهج البلاغه که مؤلّفه خویش میباشد حواله نموده (بصفحه ۲۲ ، ۴۱، ۱۲۷ ، ۱۶۱ ، ۲۵۲ چاپ بغداد مراجعه شود) و از علماء رجال نخستین کس که تألیف نهج البلاغه را در ذیل شرح حال با مؤلّفات دیگر سیّد رضی نسبت داده **نجاشی** متوفی بسال ۴۵۰ میباشد که خود معاصر ایشان بوده و در ذیل شرح حال علم الهدی سیّد مرتضی ره (ص ۱۹۳ چاپ هند) نگاشته که علم الهدی بسال ۴۳۶ وفات نمود و من متولّی غسل ایشان گردیدم و شیخ طوسی ره که نیز معاصر با این دو برادر بوده وبنقل روایاتی از آنها پرداخته در فهرست خویش فقط نام سیّد مرتضی علم الهدی را برده و شرح حال و مؤلفات ایشانرا نگاشته و ندانم چرا نامی از سیّد رضی نبرده و نامی هم از نهج البلاغه در مؤلّفات سیّد مرتضی نیاورده و این نیز بهترین دلیل بر اینست که این کتاب تألیف این سیّد جلیل نیست و الّا با اهمیّت زیادیکه دارد و توجّهی که امامیّه خصوصاً باین کتاب دارند اگر از مؤلّفات سیّد مرتضی بود ممکن نبود که شیخ آنرا یاد ننماید و پس از نجاشی ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ در معالم العلماء (ص ۴۴ چاپ آقای اقبال آشتیانی) نیز سیّد رضی را نام برده و تألیف نهج البلاغه را بایشان نسبت داده است .

سیّد جلیل هبة الدّین شهرستانی در « ماهو نهج البلاغه » نگاشته‌اند که سیّد (محمّد بن الحسین) رضی و سیّد (علی بن الحسین) مرتضی بمناسبت لقب جدّشان ابراهیم مرتضی هردو به لقب **مرتضی** خوانده میشدند ولی چون محمّد ملقب به **الرضی** گردید علم الهدی بلقب **مرتضی** اختصاص یافت و بدان مشهور گردید و پیش از ایشان شیخ محمّد عبده ره در آخر شرح خویش بر این کتاب این مطلب را ذکر کرده اند و این عبارت قسمی نگاشته شده که تصور میشود نقل از تاریخ ابو الفدا میباشد ولی در آنجا ذیل نام سیّدین این مطلب نیست واحمد بن مهنّا متوفی بسال ۸۲۸ در ص ۱۷۵ عمدة الطالب ومامقانی در ص ۳۵ ج ۱ تنقیح المقال لقب ابراهیم جدّ رضی را مرتضی ضبط نموده اند.

چیزیکه مناسبت دارد در اینجا تذکّر داده شود اینست که ادوارد فاندیك مؤلّف کتاب « اکتفاء القنوع عما هو مطبوع » در ص ۳۵۶ آن کتاب ، تألیف

نهج البلاغه را به سیّد مرتضی یا سید رضی نسبت داده و تصوّر نموده (در ص ۱۰۸) که بنام نهج البلاغه دو کتابست یکی در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت مولی علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام که گرد آوردهٔ سیّد مرتضی علم الهدی متوفی بسال ٤٣٦ یا سید رضی میباشد و دیگری نهج البلاغه در احادیث امامیّه تألیف سیّد رازی متوفی بسال ٤٠٦ در صورتیکه در میان مسلمین جز نهج البلاغه مشتمل بر خطب و مکاتیب و کلمات قصار مورد نظر و اهمیّت نیست و حتّی بدین نام کتاب دیگری نداریم و همین نهج البلاغه سیّد رضی است که علاّمه مجلسی رحمه الله در مقدّمه مجلّد اول بحار الانوار تذکّر داده که یکی از مآخذ اخبار کتاب ایشان بوده و پیش از فاندیك کسی دیگر سیّد رازی نام مؤلّف نهج البلاغه در اخبار امامیّه و متوفّی بسال ٤٠٦ را نشان نداده و تا کنون هم چنین کس و چنین کتابی در میان ما امامیّه و دیگران مشهور نبوده و نیست و با کمال جرئت میتوانم گفت که فاندیك در این نسبت اشتباه کرده و نهج البلاغه مشهوریکه این شروح در تحت عنوان آن نگاشته میشود همان خطب و منشآت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است که بلحاظ کلام و بیان امام بودن اطلاق نام حدیث و خبر بر آن صادق میباشد و شیعه عبارات و جمل آنرا حدیث مأثور میدانند و بدان ترتیب اثر میدهند (فاندیك در ص ۱۸۰ نیز اشتباهاتی در مؤلّفین کتب حدیث امامیّه دارد و گوید که امامیّه صحاح ست را قبول ندارند و خود پنج کتاب در حدیث دارند و از آنجمله نهج البلاغه را بنحو فوق ذکر نموده، در صورتیکه ما چهار کتاب مهم در اخبار داریم و در این چهار قرن اخیر چهار کتاب دیگر در اخبار جمع آوری شده که بنام اربعه متأخّره معروف میباشند و در این موضوع در ص ۲۳٤ ج ۱ فهرست این کتابخانه شرحی نوشته ام.

دانشمند فقید فرید و جدی در «کنز العلوم واللّغه» از اشتباه فاندیك باشتباه افتاده و نهج البلاغه ای در حدیث امامیّه به سیّد رازی متوفّی بسال ٤٠٦ نسبت داده است.

عالم جلیل آقا شیخ علی اکبر نهاوندی دام عمره که اینك در مشهد مقدّس حضرت رضا سلام الله علیه مجاور اند نیز در ص ۱۲۵ جزء اوّل کتاب «الجنّة العالیه

والجعبة الغالیه » بنقل از « کنزالعلوم » فرید وجدی دو نهج البلاغه قائل شده واز اشتباه ایشان باشتباه افتاده اند .

سیّد جلیل هبة الدّین شهرستانی دام ظلّه در « ما هو نهج البلاغه » (ص ۲۸) از « کتاب علی علیه السّلام » تألیف احمد صفوة المورخین نقل نموده : آنانکه پیش از سیّد رضی میزیسته اند گفته اند که چند صد خطبه از این امام (علی بن ابی طالب ع) مأثور است . و نیز گوید : مسعودی متوفی بسال ۳٤٦ نوشته که از حضرت علی ع چهار صد و هشتاد و چند خطبه منقول است .

و نیز در ص (۳) « ماهو نهج البلاغه » نوشته شده مطالبیکه در نهج البلاغه جمع آوری گردیده عبارتست از (۲٤۲) خطبه یا منتخبی از آنها و بیاناتیکه بمنزله ونظیر خطبه میباشند . و (۷۸) مکتوب ووصایا . و (٤۹۸) کلمه از کلمات قصار.

سیّد رضی در مقدّمه نهج البلاغه چنین نگاشته اند : چون کتاب خصائص الائمّه را تألیف و در انجام فصلی که راجع بحضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام بود کلمات قصار وحکم منتخبه ای از آنحضرت مندرج ساختم، جمعی آنرا از نظر گذرانیده وخواستار شدند که بجمع آوری خطب و دیگر آثار آنحضرت ع نیز مبادرت نمایم ، با استمداد و تکیه بخداوند شروع بجمع آوری شد و در سه باب بدین ترتیب مرتّب گردید : **باب اول** : در خطب و آنچه نظیر آنست . **باب دوم** : در نامه ها و وصایای آنحضرت بعمّال خویش و بدیگران . **باب سوم** : در کلمات قصار . و آنرا **نهج البلاغه**(۱) نام نهاده ودر آخر هر باب کاغذهای نوشته گذارده ام تا اگر پس ازاین بر آثاری از آنحضرت دست یابم درجای مناسب آن گذارم(۲).

در آخر کتاب تاریخ این جمع و ترتیب را در ماه رجب سال ٤۰۰ هجری معیّن فرموده و این شرح راجع باین کتاب (نهج البلاغه) نیز در ماه رجب از

(۱) صاحب معجم المطبوعات در ص ۱۱۲٤ نام این کتاب را « نهج البلاغه و مشرع الفصاحه » ثبت نموده و ندانستم از کجا جمله « و مشرع الفصاحه » را بر نام اصلی کتاب افزوده است .

(۲) نسخ شماره (۲۹۲ و ۲۹۳) کتابخانه رضویه که در ص ۹۶ و ۹۷ فصل اخبار ج ۱ فهرست آن کتابخانه خصوصیات آنها ذکر گردیده و اولی بسال ۹٤۸ وآخری بسال ۷۲۹ نوشته شده ونسخه شمارهٔ (۳۰۸۳) این کتابخانه دارای اضافاتی استکه در نسخ دیگر نیست و کاتب آنها تصریح نموده که از روی نسخه ایکه در زمان مؤلف نگارش یافته استنساخ گردیده است .

سال ۱۳۵٦ ه. نگاشته شد.

چنانکه در ابتداء این بحث تذکّر داده شد نهج البلاغه از بدو تألیف مورد نظر و دقت دانشمندان عامّه و خاصّه بوده و گروهی از آنان بشرح و بسط آن پرداخته اند اینك هنگام آن شد که شروح آنرا ذکر و شرّاح را نام بریم.

در اینکه نخستین شارح نهج البلاغه کیست سه قول تا بحال بود و اینك قول چهارم را بنده افزود. ۱ ـ ابن ابی الحدید در مقدّمه شرح خویش گوید که فقط پیش از من قطب راوندی بشرح این کتاب پرداخته و در ص ٤٤٣ همین مجلّد ترجمهٔ عین عبارات ایشانرا نقل کرده‌ام. ۲ ـ محدّث نوری ره در ص ۵۱۳ ج ۳ مستدرك الوسائل بیهقی را نخستین شارح معرّفی کرده و صاحب وقایع الأیّام و سیّد شهرستانی بایشان اقتدا کرده اند. ۳ ـ سید اعجاز حسین در ص ۵۳ کشف الحجب علی بن ناصر معاصر سید رضی را نخستین شارح دانسته و آقای عبدالعزیز جواهر الکلام در ص ۱٤٤ ج ۱ فهرست معارف ایشانرا پیروی کرده اند.

نگارنده در کتب رجال و سیر شیعه و خصوصاً فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی که تا علماء قرن پنجم شیعه را شامل میباشند و در سائر کتب رجال چون روضات، لؤلؤ، تنقیح المقال، امل الآمل، مجالس المؤمنین و غیره بدین نام عالمی را معاصر سید رضی نیافت و لی نزدیك بأنعصر فقط بنام **علی بن ناصر** در طبقات الشافعیه سبکی (ج ٤ ص ۲۸٤) یکی را دیده که نامی از مؤلّفاتشان برده نشده و بترجمه عبارات آن کتاب مبادرت میشود:

علی بن ناصر بن محمّد بن ابی الفضل بن حفص النوقانی(۱) متولّد بسال ٤۷٦ و متوفی بسال ۵٤۹ از فقهای شافعی مذهب و مدرّس در شهر مشهد بوده است.

٤ـ قول نگارنده است که نخستین شارح **امام وبری** میباشد که معاصر با بیهقی بوده و ایشان در شرح خویش از آن شرح نقلهائی دارند و عین عبارات بیهقی در شرح خود اینست:

وَ مِمَّنْ سَمِعْتُ خَبَرَه وَ عاینتُ اَثَرَهْ وَلَمْ اَرَهْ الامام احمد بن محمّد الوبری اَلْمُلَقَّب بالشیخ الجلیل وَ قَدْ شَرَحَ مِنْ طَریق مُشْکِلاتِ

(۱) نوقان یکی از محلات شهر مشهد فعلی میباشد که پیش از بنای شهر یکی از دهات طوس بود و یاقوت گوید نیز بدین نام دهی در نیشابور است.

نَهج البَلاغَهْ شَرحاً آنا اوردُه و اُنسبه اِلَيْه وَ اُثنی عَلَيْه وَالله تعالی ولیُّ التَّوْفيقْ وَ مُعينُ اَهْلِ التَّحْقيق .

و ازعبارات فوق برمیآید که شرح وبری برتمام نهج البلاغه نیست و اختصاص به جمل و مطالب مشکله آن دارد و این اختصاص موجب عدم ذکر آن در شمار شروح نخواهد بود ونظائری دارد.

پس از محدّث نوری رحمة الله علیه عالم متتبّع محمّد محسن طهرانی ایّده الله تعالی مشهور به شیخ آقابزرگ ساکن سامراء در «الذریعه الی تصانیف الشّیعه» وسیّد جلیل هبة الدّین شهرستانی وحاج ملاعلی واعظ تبریزی در وقایع الایّام وجواهر الکلام درفهرست معارف شروح نهج البلاغه را نام برده وهرمتأخری برشروحی چند دست یافته که متقدّم بروی از آن خبری نداشته ما برای اینکه این شرح که دراطراف این کتاب نوشته میشود تاحدّی جامع باشد تمام شروح را بترتیب تألیف نام میبریم وهریك را که فقط در یکجا نام برده شده تصریح خواهیم نمود .

۱ ـ شرح امام وبری

احمدبن محمّد الوبری، چنانکه گذشت معاصر بیهقی بوده ودرشرح وی وشرح ابن عتائقی قسمتهائی ازاین شرح دیده میشود وفقط نگارنده به آن آگاهی یافته است.

۲ ـ شرح بیهقی

ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زیدبن الحاکم متوفی بسال ٥٦٥، وبنا بتصریح شارح درآخر شرح درجمادی الاولی سنه ٥٥٢ از تألیف آن فراغت یافته و نسخه‌ای ازاین شرح اینك درکتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و در معجم الادباء (ج٥ص٢١١) نوشته شده : بیهقی درمشارب الانجارب گوید: ونیز ازمؤلفات من «معارج نهج البلاغه وهوشرح الکتاب» میباشد الخ .

۳ ـ شرح قطب راوندی

ابو الحسین سعید بن هبة الله متوفی بسال ٥٧٣، این شرح در دو مجلّد و نام آن « منهاج البراعه » و نسخه ای از آن بگفته آقای جواهر الکلام در کتابخانه سلطنتی طهران موجود است .

۴ ـ شرح قطب کیدری

ابو الحسن محمّد بن الحسین بیهقی معروف به قطب الدّین کیدری ،

این شرح بسال ۵۷۶ تألیف شده و نام آن « حدائق الحقائق فی فسر دقایق احسن الخلائق » میباشد و نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و درمقدّمه آن نوشته شده که این شرح را پس از دوشرح معارج و منهاج تألیف کرده ام ، صاحب روضات در ص ۶۵ ج ٤ قسمتی از مقدّمه این کتاب را نقل و این شرح را دوازده هزار بیت دانسته و گوید که این دوشرح (معارج ومنهاج) از قطب راوندی است و کسی جز ایشان و مؤلّف فهرست معارف تألیف دوشرح را بقطب راوندی نسبت نداده و صاحب مستدرك الوسائل معارج را باتصحیف بصورت «معراج» نقل نموده و فرماید که منهاج نام شرح قطب راوندی است و معراج را ندانم از کیست .

چنانکه دانسته شد معارج نام شرح بیهقی است و جز سه شرح مذکور فوق مقدم بر قطب راوندی شرحی دگر سراغ نیافته‌ایم که بتوان آنرا بنام « معراج » دانست .

۵ ـ شرح فضل‌الله راوندی

ابوالرضا ضیاء الدین سیّد فضل‌الله راوندی که معاصر سمعانی مولف الانساب (۵۰۲ـ ۵۶۲) بوده، ابن عتائقی درشرح خود شرح عبارات ومطالبی ازنهج البلاغه را ازایشان نقل نموده وصاحب روضات درص ۳۰۲ درذیل قطب راوندی از ریاض العلماء آورده که بعضی اشتباه کرده وتألیف شرح نهج البلاغه را به ابی الرضا فضل‌الله بن علی حسینی راوندی نسبت داده‌اند .

نگارنده معتقد است که ایشان را نیز شرحی برنهج بوده وابن عتائقی به تصریح خود مطالبی را از آن کتاب گرفته ونسبت اشتباه صاحب روضات راجع بوجود این شرح اشتباه است .

۶ ـ شرح مهابادی

افضل الدّین ابو الحسن بن علی بن احمد المهابادی ، بنا بضبط مؤلف فهرست معارف مؤلف آن بسال ۵۸۵ وفات یافته است .

۷ ـ شرح امام فخر رازی

قفطی درص ۱۹۲ تاریخ الحکما بدین تألیف تصریح نموده و صاحب مستدرك ودیگران نیز آنرا ذکر و امام در سال ۶۰۶ وفات کرده است .

۸ ـ شرح ابن ابی الحدید

از این شرح درص ٤۱ تا ٤۷ همین مجلّد معرّفی کامل شده وبسال ۶٤۹ تألیف آن خاتمه یافته است .

۹ ـ شرح سید بن طاوس

رضی‌الدّین علی متوفی بسال ٦٦٤ در کشف الحجب ذکرشده وحاجی نوری نیزدرمستدرك آورده اند .

۱۰ - ۱۱ - ۱۲ ـ شروح ابن میثم

کبیر ، متوسط و صغیر ـ از این شروح در ص ٤٩ تا ٥٤ همین مجلّد معرّفی کامل شده و آقای شیخ جواد عراقی که‌ازوعاظ معروف طهران میباشندمدّعی‌اند که شرح صغیر ابن میثم را در بروجرد دیده اند ولی عقیدهٔ نگارنده همانست که در آنجا نگاشت و تألیف شرح کبیر بسال ٦٧٧ میباشد .

۱۳ ـ شرح علامه حلی

حسن بن یوسف بن مطهرحلّی‌رهمتوفی‌بسال ٧٢٦ ، درفهرست معارف آمده چنانکه از خلاصة الاقوال بر می آید شرحی است مختصر و در بعضی ازنسخه‌های خلاصه‌بنام « مختصر شرح نهج البلاغه » ذکر گردیده و مؤلّف کشف الحجب گفته که از شرح ابن میثم بحرانی مختصرشده . و بگفته‌آقای‌جواهرالکلام‌نسخه آن نزد میرزا محمّد باقرخونساری موجود است .

۱۴ ـ شرح یحیی بن حمزه

سیّدشهرستانی‌این شرح را نام برده و گوید : یحیی‌بن حمزةالعلوی‌امام زیدیّه بوده و بسال ٧٤٩ وفات یافته و این شرح شامل تفسیر لغات نهج البلاغه است .

۱۵ ـ شرح بنام « نفائس »

این‌شرح ازعلماء عامّه ونسخه‌ای از آن که بسال ٧٥٩ نوشته شده درکتابخانه حضرت رضا ع در مشهد موجود است (ج ۱ فهرست ص ۹۹ فصل اخبارخطی) .

۱٦ ـ شرح تفتازانی

سعدالدّین مسعود بن عمر تفتازانی $\frac{٧٩١}{٧٩٢}$ $\frac{٧١٢}{٧٢٣}$ ، که از علما و ادباء معروف قرن هشتم هجری و عامّی مذهب بوده اند .

۱۷ - شرح ابن عتائقی

عبد الرّحمن بن محمّد بن ابراهیم المشهور به ابن عتائقی ، که از علماء قرن هشتم هجری بوده و مذاق حکمی و عرفانی داشته و نسخه‌ای از این شرح را که مشتمل برشرح ثلث نهج البلاغه میباشد نگارنده دارد (از ابتداء شرح‌خطبه‌ایکه

دراستسقاء ایراد فرموده و آغاز آن اینست : اَلا وَانَّ الْاَرْضَ الَّتي تَحْمِلُكُمْ و چند سطری ازشرح خطبه سابق بر آن خطبه‌را نیز دارا است تا آخر شرح وصیّة و دستوریکه به یکی ازمتصدّیان صدقات مرقوم گردیده وبدین عبارت سیّدرضی‌ره آنرا شروع فرموده : وانّما ذَكَرْنا جُمَلًا هٰهُنا لِيُعْلَمَ بِها اَنَّه علیه السّلام الخ) .

شارح بمناسباتی درچندمورد ازاین قسمت سال شرح هرقسمت ازاین کتابرا تذکّر داده ونخستین تاریخ آن بسال ۷۷۷ ودرذیل کلمه « وانه سیأتی زمان» ازخطبه‌ایکه آغاز آن‌این‌عبارت : «فبعث محمّداً صلی‌الله‌علیه وآله بالحق‌لیخرج به عباده» میباشد وآن اینست : « فان خفاء الحق وظهور الباطل امر ظاهر ولا سیّما فی زماننا هذا و هوسنةسبع وسبعین وسبعمائه فانه ظهر فیها الخ» . وآخرین آنها بسال ۷۸۶میباشد وآن درذیل شرح خطبه ایستکه درذکر ملاحم میباشد و اغاز آن خطبه اینست : «الا بابی وامّی هم من عدّة الخ» وعبارت مشتمل برتاریخ این : « ومن سنة سبع وسبعین وسبعمائه وقع فی‌بلاد العراق والعجم تشویشات‌ووقوع اشیاء لایعبرعنهاولا یحصی کثرة الی هذه السنة التی نحن فیها و هی سنة ست و ثمانین فان الحرام صار خالصاًغیر ممزوج بالحلال الخ » .

نگارنده با مطالعه مکرّر در بیشتر ازصفحات آن چنین یافت که این‌دانشمند درهنگام‌تألیف این‌شرح شروحی چند ازنهج البلاغه را در دست داشته‌وگذشته از آنها کتب دیگر چون صحاح ست و الاستیعاب تألیف ابن عبدالبر و تاریخ کبیر محمّدبن جریر طبری و کتاب‌شفاومقامات‌العارفین‌ازاشارات ورساله‌الاضحویه (رساله معادیه) از تألیفات شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا و ربیع الابرار زمخشری وکتاب‌المعارف‌وکتاب‌غریب‌الحدیث‌ابن‌قتیبه ومقاتل‌الطالبیّین ابوالفرج اصفهانی وکتاب الحیوان جاحظ وغیرازاین کتب درجلوچشم‌وی‌بوده‌واز آنهامطالبی‌رانقل و بدانها استشهاد کرده و از اخبار ائمّه اثنی عشر علیهم سلام الله الملك الاکبر در آن یافت میشود و شرح‌هائیکه شارح از آنها مطالبی را نقل نموده عبارتنداز شرح ابن ابی‌الحدید ، شرح ابن‌میثم ، شرح بیهقی ، شرح امام وبری ، شرح‌قطب کیدری ، شرح قطب راوندی وشرح سیّد فضل‌الله راوندی، بنابراین تحقیق معلوم

گردید آنچه صاحب ریاض العلما چنانکه در ص ۳۸۱ وقایع الایام از آنجا نقل شده از نوشتهٔ پشت نسخه ای از این کتاب که بدست ایشان رسیده نقل کرده و باستناد بآنجا تشکیل این شرح را از شروح ابن ابی الحدید و ابن میثم و قطب کیدری و قاضی عبدالجبّار شیعی دانسته‌اند مقرون بصحّت و تحقیق نیست چرا که **اولا**-این شارح مطالبی را که از شروح و کتب مذکوره فوق نقل نموده کمتر از عشر کتاب میباشد و اقوال آنها را بعنوان استشهاد و تأیید خویش آورده نه اینکه شرحی ساخته باشد که مطالب آن منتخبی از شروح مذکوره باشد چنانکه از آن عبارت نوشته شدهٔ بر نسخه صاحب ریاض بر میآید و **ثانیاً** اینکه در این نسخهٔ نگارنده برای نمونه یك بار هم نامی از عبدالجبّار نیست بنابر این تصوّر میکنم یادداشت کننده بدون دقت در اوراق کتاب مراجعه مینموده و نام «ابن عبدالبر» مؤلّف الاستیعاب را دیده در ابتداء نظر تصوّر نموده که عبدالجبّار بوده و همان تصوّر خویش را نگاشته است و گرنه چرا در نسخهٔ نگارنده که تقریباً ثلث شرح نهج البلاغه ابن عتائقی میباشد ابداً نامی از این شرح و شارح آن (بادقت و مطالعه مکرر) دیده نشد **ثالثاً** اگر نویسنده پشت آن نسخه این شرح را مطالعه کرده بود بمطالبیکه از شروح دیگر و کتابهای نام برده شده در این کتاب موجود است نیز خبری میداد.

بنا بر آنچه گفتیم و اینکه صاحب ریاض العلما نوشته و صاحب روضات بایشان اقتدا نموده و محدّث نوری شهادت داده اند در کتب رجال و سیر نامی از عبدالجبّار شارح نهج البلاغه نیست و مدرك آنهائیکه یکی از شروح را شرح عبدالجبّار دانسته‌اند فقط نوشته پشت آن نسخه بود که آنرا رد کردیم بنابراین بر آنم که عبدالجبار شیعی نداریم تا او را شرحی بر این کتاب باشد و در اینجا نامی از آن نخواهیم برد.

ابن عتائقی در این شرح تفصیل مطلبی را به کتاب تفسیر خویش که بنام «الوجیز» بوده حوالت داده، شاید این تفسیر «مختصر تفسیر علی بن ابراهیم» باشد که صاحب روضات آنرا از مؤلّفات ایشان دانسته و یا کتابی دگر از مؤلّفات ایشانست چنانکه ظاهر هم نظر دوّم را تأیید میکند.

۱۸ ـ شرح محمد بن حبیب‌الدین

شرح محمد بن حبیب الدین احمد حسنی حسینی بگفته مؤلف فهرست معارف در ص ۱٤٦ بسال ۸۸۱ تألیف آن خاتمه یافته (این تاریخ در الذریعه است) و نگارنده نسخه آنرا سراغ ندارد

۱۹ - شرح الهی اردبیلی

جلال الدّین حسین بن خواجه شرف الدّین عبدالحق اردبیلی معروف به الٰهی معاصر شاه اسمعیل صفوی بوده و نهج البلاغه را بسال ۹۰۵ بفارسی شرح و ترجمه نموده و بگفته آقای تربیت (ص ٤۸ دانشمندان آذربایجان) نسخه‌ای ازاین شرح در کتابخانه اسعدپاشا در شهر اسلامبول موجود و نام آن «منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه» میباشد.

۲۰ ـ شرح قوام الدین شیرازی

قوام الدّین یوسف شیرازی معروف به قاضی بغداد از شاگردان ملاّ جلال دوّانی متوفی بسال ۹۰۸ بوده و در اوائل سلطنت سلطان سلیم خان (۹۱۸-۹۲٦) وفات کرده و این شرح را صاحب وقایع الایام از شقائق النعمانیه نقل نموده و در ص ۳۵۳ کتاب شقائق مذکور نوشته شده که پس مرگ مؤلّفات وی چون فرزندانش کوچك بودند از میان رفت.

۲۱ - شرح عز الدین آملی

معاصر شیخ عبدالعالی کرکی متوفی بسال ۹٤۰ میباشد که نیز بفارسی و در ص ۵۷ تا ۵۹ معرفی آن گردید.

۲۲ - شرح زواری

علی بن حسن زواری نهج البلاغه را بفارسی شرح و خود آنرا «روضة الانوار» نامیده و بسال ۹٤۷ در دو مجلّد تألیف آن خاتمه یافته و نسخه آن در کتابخانه رضویه در مشهد مقدس و کتابخانه مدرسهٔ مروی در طهران موجود است.

۲۳ - شرح عمادالدین استرابادی

مولی عماد الدّین علی قاری استرابادی از معاصرین شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸٤) بوده و مؤلف فهرست معارف از صاحب ریاض العلما نقل نموده که این شرح مانند حاشیه و تعلیقه بر نهج البلاغه میباشد.

۲۴ - شرح ملافتح‌الله کاشی

این شرح بفارسی وآنرا ترجمه نیز خوانند ومؤلّف بسال ۹۸۸ وفات‌یافته و در ص ۱۶ معرّفی از آن شد.

۲۵ - ترجمه شرح ابن ابی‌الحدید

چنانکه در ص ۱۴ و ۱۵ گذشت‌شمس بن محمّدبن مراد بسال ۱۰۱۳ بترجمه شرح ابن‌ابی‌الحدید پرداخته وبرآن‌اضافاتی نموده، صاحب وقایع‌الایام ازصاحب ریاض العلما نقل نموده که وی گوید: شمس‌بن محمد بن مراد از علمای عصرما بلکه در عصر خود ما بوده وشرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید را در زمان شاه سلیمان بامر **درویش‌بن مظفر** بفارسی ترجمه کرده و ترجمه مجلّد اوّل آنرا در اصفهان دیده‌ام. از کیفیّت عبارت نویسی صاحب ریاض نگارنده را بنظر میرسد که اطلاع درستی از این مؤلّف نداشته و نسخه‌ای از این ترجمه راکه در عصر سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) بامر درویش بن مظفّر نویسانده بوده‌اندیده وتصوّر نموده که‌مؤلّف درهمان زمان بوده وتاریخ تألیف‌فوق که نسخهٔ آقای حاج محتشم السّلطنه (حسن اسفندیاری) دارای آنست بهترین‌مؤیّد نویسنده است ونام این‌مترجم (شمس بن محمّدبن‌مراد) را که‌مسلّماًشیعه بوده‌در کتب‌رجال نیافتم.

۲۶ - شرح و ترجمه نور محمد

نورمحمّدبن قاضی عبدالعزیزبن قاضی طاهر محمّد محلّی که ازعلماء عامّه بوده، چنانکه درآخر شرح خود تصریح نموده‌بسال ۱۰۲۸ نهج البلاغه را بفارسی‌شرح و ترجمه کرده و شارح بکتب فلاسفه و آراء آنها آشنائی داشته و"بمناسبت در ذیل شرح بعضی از فقرات از خطب و کلمات بنقل آنها پرداخته و با عرفان نیز سر وکار داشته ومطالبی عرفانی دراین شرح جا داده و مطالبی از قطب‌راوندی نقل کرده و بردّ آن مبادرت نموده، نسخه‌ای از این شرح اخیراً جزء کتب‌این کتابخانه شده و قسمتی از اوائل آن افتاده و چون کتب دیگریکه با این نسخه واردشده، نظم‌وترتیب آنهاانجام‌نیافته، خصوصیّات‌نسخه رادراین‌جلد ذکرننمودیم.

۲۷ - شرح نظام‌الدین گیلانی

این شرح چنانکه ذیل شرح ابن میثم در ص۵۳ گذشت نسخه آنرا آقای تربیت دارند و مختصر شرح ابن میثم بحرانی میباشد، نظام‌الدین گیلانی ملقّب به حکیم‌الملك باختصار آن پرداخته و مختصر اضافاتی نیز ازخود درشرح وبسط نهج البلاغه دارد وبسال ۱۰۳۶ این اختصار خاتمه یافته و آنرا « انوار الفصاحه واسرار البلاغه »نامیده است.

۲۸ - شرح عبد الباقی صوفی

این شارح از خطّاط های معروف عصر شاه عباس کبیر بوده و بگفته آقای تربیت در ص۱۴۴-۱۴۶ دانشمندان آذربایجان ازاهالی تبریز و **دانشمند** تخلّص میجسته و بسال۱۰۳۹ وفات یافته و صاحب مستدرك الوسائل ازریاض‌العلما نقل نموده که‌این‌شرح فارسی و مفصّل میباشد ولی توفیق براتمام آن نیافته و مؤلّف را میل زیادی بمسلك تصوف است.

درفهرست رضویه قسمتی ازاوائل شرحیکه بنام «منهاج‌الولایه» نامیده شده‌موجود و باین دانشمند نسبت داده شده ، نگارنده سه نسخه دیگر از این کتاب را دیده یکی از آنها که‌مشتمل بر یازده‌باب ازاین کتابست‌واندکی ازباب یازدهم‌وباب‌دوازدهم راندارد، متعلّق بحضرت آقای حاج‌میرزاعبدالحسین ذوالرّیاستین‌شیرازی دام‌عمره قطب‌فعلی‌سلسله نعمت اللّهی میباشدونسخه دیگریکه باب‌دوازدهم راکه درادعیه نهج‌البلاغه‌میباشد، بدون‌شرح‌دارابود دیده وآنرا آقای امیری‌فیروزکوهی که جوانی صاحب‌ذوق وشاعرمیباشدخریداری کرده‌اندونسخهٔ سوّم‌راکه‌مشتمل‌برسه‌باب‌اوّلیّه این کتاب‌میباشد دانشمند معاصر آقای سید عبدالرّحیم خلخالی‌دارندو ازلحاظ‌خط نفیس است.

شارح مطالب نهج البلاغه را دوازده نوع بتفصیل ذیل نموده و هریك‌را در بابی قرار داده و بشرح آن پرداخته و در آن بنقل عین کلمات محقّقین از عرفا چون صدرالمحقّقین (صدرالدین قونوی)وابن‌العربی و سیّد علی همدانی مبادرت نموده و باشعار سعدی و حافظ و ابن فارض و قاسم (ظاهراً قاسم انوار باشد) و عطّار و گلشن راز تمثّل جسته و از تفسیر کشّاف و کتب عرفانی و غیره نقلهائی دارد.

فهرست ابواب این شرح اینست : ۱ ـ در توحید ذات و اسماء و صفات و تحمیدالله . ۲ ـ در مناقب حضرت پیغمبر وآل وی علیهم السلام . ۳ ـ در شرف علم وهدایت واصناف علما . ٤ ـ در تقوی و صفات متقین وشعار اولیاء و صالحین . ٥ ـ در ظرائف حکم ولطائف امثال آداب و شیم . ٦ ـ در وصایا و نصایح شافیه و مواعظ و زواجر . ۷ ـ دراعراض از دنیای فانی و اقبال به آخرت که باقی است . ۸ ـ در مذمت از تکبر وتفاخروحسد وسرزنش متکبرین و متفاخرین . ۹ ـ در بدگوئی از ستم و ستمکاران وهرکس که مخالف راه نمائی وآئین است . ۱۰ ـ در قوانین عدالت و سیاست ومملکت داری . ۱۱ ـ در معادن و احوال مرگ و قبر و حشر و قیامت ودرآمدن به بهشت . ۱۲ ـ دعاها ایستکه درنهج البلاغه از انشاء آنحضرت میباشد و این شرح بدعا ختم گردیده است .

این شرح بفارسی است ولی شارح عباراتیکه از کتب عرفا نقل نموده بعربی است و در مقدمه نامی ازمؤلف نیست، بامطالعه مختصری که در خودشرح گردید آثاری دیگر ازمؤلف بدست نیاوردم وبقرینه اینکه شرحی است موافق مذاق عرفان و تصوّف و باب آخر آنهم بدون شرح مانده و نشانه اینکه صاحب ریاض العلما از شرح عبدالباقی داده بود، نگارنده احتمال مؤلف فهرست رضویّه را در نسبت این شرح (منهاج الولایه) به عبدالباقی صوفی قوی دانست واین شرح را که فهرست ابواب آن گذشت از او میداند . ولی بر نسخه آقای امیری نوشته شده که این شرح از کاشفی است و دلیلی براین نوشته درخود نسخه نگارنده نیافت .

۲۹ - شرح طبسی

سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که از شاگردان مرحوم مجلسی (ظاهراً مجلسی اوّل) بوده و صاحب رساله در رجعت بفارسی میباشد شرح ابن ابی الحدید را مختصر کرده است .

۳۰ - شرح شیخ حسین عاملی

در امل الآمل نگاشته شده که شیخ حسین بن شهاب الدّین عاملی کرکی متوفی بسال ۱۰۷۷ شرحی بزرگ برنهج البلاغه نگاشته است .

۳۱ - شرح فخرالدین

فخرالدین عبدالله بن المؤیدبالله شرح ابن ابی الحدید را مختصر نموده وآنرا « العقدالنضید ـ یا ـ الدّر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و نسخه ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نوشته شده در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است .

۳۲ - شرح محمد صالح روغنی

این شرح در ص ۶۳ تا ۶۶ مفصّلاً از آن معرّفی شد و پیش از سال ۱۰۸۸ تألیف یافته و بهترین شرح فارسی بر نهج‌البلاغه است.

۳۳ - شرح سید ماجد بحرانی

سیّد ماجد بن محمّد حسینی بحرانی ره از علمای عصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و معاصر صاحب امل‌الآمل بوده وازعبارات امل‌چنین برمیآید که پیش از اتمام امل‌الآمل (سال ۱۰۹۷) وفات یافته و ایشان گویند این شرح ناتمام مانده است.

۳۴ - شرح کجکجی

این شرح را شیخ محمّد مهدی بن ابی تراب مشهدی کجکجی بفارسی تألیف و در سال ۱۰۹۷ خاتمه یافته و بگفته آقای جواهرالکلام در فهرست معارف نسخه آن در کتابخانه حضرت رضا ع موجود است.

۳۵، ۳۶ - دو شرح گلستانه

سیّدعلاء الدین محمّد گلستانه متوفی‌بسال ۱۱۰۰ دوشرح برنهج‌البلاغه نگاشته یکی مختصر و تمام که نام آنرا «بهجةالحدائق» گذارده‌ودیگری مفصل‌وناتمام که نام آن «حدائق‌الحقایق» میباشد ودرص ۶۰ تا۶۲ معرّفی کامل از شرح‌بزرگ گلستانه گردید.

۳۷ - شرح حرموزی

سیّدحسن‌بن مطهر بن‌حسین جرموزی یمانی متوفی بسال ۱۱۱۰ نهج‌البلاغه‌را شرح نموده وسیّد شهرستانی آنرا از کتاب «الذریعه الی تصانیف الشّیعه» بنقل از کتاب نسمة السّحر نقل نمودهٔ است.

۳۸ - شرح سید جزایری

شرح سیّد نعمت‌الله جزائری متوفی بسال ۱۱۱۲ بگفته آقای جواهر الکلام در فهرست معارف، در سه‌مجلّد میباشد.

۳۹ - شرح محمد رفیع جیلانی

رفیع‌الدین محمّدبن فرج گیلانی متوفی بسال ۱۱۶۰ یکی ازعلما و زهّادبوده ودرشهرمشهدمقدّس‌تدریس‌مینموده‌وصاحب فهرست‌معارف نوشته‌اند که‌این‌شرح

جامع میان شرح ابن ابی‌الحدید و شرح ابن میثم بحرانی است .

۴۰ ، ۴۱ - دو شرح شبر

سیّد عبدالله شبّر متولّد بسال ۱۱۸۸ و متوفی بسال ۱۲۴۲ از علماء امامیّه و دانشمندان ومفسّرین قرن‌سیزدهم هجری بوده ودر کاظمین وفات یافته، دوشرح بر این کتاب نگاشته و گفته‌اند یکی چهل‌هزار بیت و دیگری سی‌هزار بیت کتابت دارد.

۴۲ - شرح لاهیجی

این شرح از محمد باقر لاهیجی مشهور به‌نواب و بفارسی است ، تألیف آن بسال ۱۲۲۶ خاتمه یافته وبنام ترجمه‌نیز خوانده‌میشود ودرص ۱۷ و ۱۸ معرّفی از آن گردید.

۴۳ - شرح امام جمعه طهران

میرمحمّد مهدی امام جمعه طهران ره متوفی بسال ۱۲۶۳ شرحی بر نهج البلاغه دارند و درص ۵۵ و ۵۶ معرّفی‌از آن نمودیم .

اخیراً استاد محترم این دانشکده آقای سیّد محمّد مشکوة پنج مجلّد از شرح فارسی بر نهج البلاغه نزد نگارنده فرستاده‌اند که در آن دقت نموده وبگوییم‌از کیست، پس از مدتی مطالعه ازخود کتاب بدست آمد که مؤلف آن از طرف مادر بحضرت علامهٔ مجلسی منتسب میباشند و ازلحاظ اینکه بیشتر ازمطالب‌ترجمه عین عبارت شرح ابن عتائقی میباشد بی اهمیّت نیست وازمقایسه این مجلّدات‌با قسمتی‌ازشرح‌امام‌جمعه طهران که‌دراین کتابخانه‌موجوداست‌ونسبت‌ایشان ازطرف مادربه‌مجلسی ثابت‌میشود که این مجلّدات بقیّه آن‌شرح‌میباشد ودریکی‌ازاین مجلّدات دیدم که مؤلف گوید مرا کتابی‌درامامت وغزوات بنام «تکملة الحیات» میباشد و مطالبی‌را بدانجا حوالت نموده‌ولی این کتاب وحتی‌نام آنر جائی نیافتم واین‌پنج مجلّد در حدود (۱۸۰۰۰۰) بیت کتابت دارد .

۴۴ - شرح سید محمدتقی

محمّد تقی بن الامیر مؤمن قزوینی متوفی بسال ۱۲۷۰ بر نهج البلاغه شرحی نوشته و مؤلف فهرست معارف گوید که بسال ۱۲۶۸ مجلّد اوّل آنرا باتمام رسانیده است .

۴۵ - شرح محمد صالح برغانی

حاجی محمّد صالح برغانی قزوینی برادر ملاّ محمّد تقی شهید ثالث و پدر قرّة العین معروفه است که پیرو میرزا علی محمّد باب گردید ، پدر و عمو را بکشتن داد و ازاین رو عمویش معروف به شهید ثالث گردید و صاحب روضات گویند که هردو برادر درحدود سال ۱۲۷۰ بمردن و کشته شدن دعوت حق را اجابت گفته اند ، مؤلف وقایع الایام فقط این شرح را نام برده و درجای دیگر نامی از آن نیست ، آقای تربیت گویند که این شرح بفارسی میباشد و محمّد علیشاه قاجار درهنگام ولیعهدی خویش با حروف سربی درشهر تبریز آنرا چاپ ومجّاناً بعلما و دانشمندان داده است ، ولی بدبختانه با تفحّص زیاد نگارنده در طهران نسخه ای از آنرا نیافت .

۴۶ - شرح خوئی (الدرة النجفیه)

مؤلف این شرح میرزا ابراهیم بن حسین بن علی خوئی میباشد که بسال ۱۳۲۵ در مشروطیّت کشته شده و صاحب مستدرك ازایشان به «الفاضل المعاصر» تعبیر نموده و بسال ۱۲۹۱ تألیف آن خاتمه یافته و بسال ۱۲۹۳ در تبریز چاپ شده و نام آنرا « الدرة النجفیّه » گذارده است . و کتابی این مؤلف در رجال بنام « تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال » دارند .

۴۷ - شرح دزفولی

چنانکه در ص ٤٥ و ٤٦ گذشت حاج نصرالله بن ملاّ فتح الله دزفولی بامر ناصر الدّین شاه قاجار شرح ابن ابی الحدید را بفارسی ترجمه نموده و پس از هر قسمت از ترجمه کلمات نظریه خویش را درشرح آن کلمات بیان نموده و بسال ۱۲۹۲ این ترجمه و شرح خاتمه یافته و در صفحات مذکوره این فهرست برخی از مجلّدات این شرح را در کتابخانه استاد آقاسیّد محمد مشکوة نشان دادیم .

۴۸ - شرح شیخ محمد عبده

شیخ محمّد عبده مصری متوفی بسال ۱۳۲۳ از افاضل عصر اخیر و ازشاگردان سید جمال الدین اسد آبادی همدانی ایرانی معروف به افغانی بوده و این شیخ جلیل از مشاهیر علماء عامّه اند و شرح ایشان حلاّل الفاظ مشکله و لغات غریبه نهج البلاغه میباشد و نخستین بار بسال ۱۸۸۵ م در بیروت چاپ و تاکنون بارها درذیل نهج البلاغه چاپ گردیده است .

۴۹ - شرح خوئی

سید حبیب‌اللّه‌بن محمّد هاشم هاشمی علوی موسوی خوئی شرحی بر نهج‌البلاغه نگاشته ونام آنرا نیز « منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه » گذارده و شش مجلّد از این شرح چاپ‌شده‌ومجلّد ششم آن تاشرح‌دویست‌ونهمین کلام یاخطبهٔ حضرت که باین جمله آغاز شده : (ان فی‌ایدی الناس حقاً وباطلا) میباشد وتاریخ اتمام مجلّد پنجم را مؤلف‌بسال ۱۳۱۷ ضبط نموده و مجلّد ششم بی تاریخ مانده واین مجلّددرسال۱۳۵۲ ومجلّدات‌دیگرپیش‌ازاین‌تاریخ‌چاپ گردیده واز مجلّدات دیگر این‌شرح خبر واثری نیافتم‌واین‌شرح‌یکی‌ازشروح‌مفصّله نهج‌البلاغه میباشدوترجمه فارسی نهج البلاغه را نیز داراست .

۵۰ - شرح شیخ جواد طارمی

شیخ‌جواد بن محرم علی‌طارمی متوفی در زنجان بسال ۱۳۲۵ میباشد وصاحب وقایع‌الایام گویند که نام این شرح « شرح الاحتشام علی نهج بلاغةالامام» است .

۵۱ - شرح جهانگیرخان قشقائی

قشقائی یکی‌ازایلات ترک‌ایران‌است که درفارس‌متوطن میباشند وجهانگیرخان از علما و حکمای اخیر ایران بشمار میرود و اصفهانرا برای تحصیل اختیارکرد و تا آخر عمر در آنجا بود و از اساتید حکمت در این عصر شمرده میشدوشیخ اسداللّه گلپایگانی در کتاب « شمس‌التواریخ » وفات ایشانرا بسال۱۳۲۸ ثبت کرده است .

۵۲ - شرح مرصفی

محمّدحسن نائل مرصفی نیز ازفضلاء اخیر کشور مصر میباشند و شرح‌ایشان بسال ۱۳۲۸ در مصر در ذیل نهج البلاغه چاپ شده و متکمل بیان و شرح لغات مشکله این کتابست و گاهی بمناسبت اشاره ای به قواعد علم معانی و بیان شده و اشعاری‌رابمناسبت‌مقام‌آورده‌اند وپیش‌ازشروع بشرح ، مقاله‌مختصری‌راجع بلغات مخصوصاًلغت‌عربی‌انشا نموده‌اندوچون‌دقت گردد‌مطالب وعبارات این‌شرح‌عین عباراتی است که مرحوم شیخ محمّد عبده مرقوم داشته‌اند ، درمعجم المطبوعات ص۱۷۳۳مؤلفات دیگر این‌مؤلف (مرصفی) که‌چاپ گردیده‌تذکر داده شده ولی نامی‌ازاین شرح در آنجانیست .

۵۳ - شرح شهرستانی

عالم جلیل معاصر سید هبةالدین شهرستانی دام ظلّه وزیر سابق معارف عراق که از مفاخر عالم تشیّع میباشند، چنانکه خود در « ماهو نهج البلاغه » آورده‌اند ، بر نهج البلاغه شرحی بنام « بلاغ المنهج » نگاشته و پس از ایشان کسی را سراغ نداریم که برتمام این کتاب شرح نوشته باشد.

شروح مذکوره چنانکه پیدا است بترتیب سالهای تألیف مرتب گردید اینك شروحی دیگر را که مؤلف آن شناخته نشده و یا زمان تألیف آنرا بدست نیاورده‌ایم مینگاریم :

۵۴ - شرح مختصر قدیمی

حاجی نوری ره در خاتمه مستدرك الوسائل نگاشته‌اند که شرحی بسیار کهنه و مختصر بر نهج البلاغه در مشهدمقدس ملاحظه فرموده ولی چون اوراقی ازاوّل آن افتاده بوده مؤلف آنرا نشناخته‌اند .

۵۵ - شرح المولوی الهندی

این شرح را سید شهرستانی در « ماهو نهج البلاغه » و در فهرست معارف آقای جواهرالکلام ذکر فرموده‌اند ، نام وزمان مؤلف را بدست نیاوردم .

۵۶ - شرح سید ذاکرالحسین

سیدذاکرالحسین اخترهندی دهلوی بتصریح مؤلف «الذریعه الی تصانیف الشیعه» بنام « نیرنلت فصاحت » (کذا) بر نهج البلاغه شرحی دارد و سید شهرستانی وعبدالعزیز جواهرالکلام نیز آنرا نقل کرده‌اند .

۵۷ - شرح (منهاج الولایه)

شرحی نیز بنام « منهاج الولایه » بر نهج البلاغه نگاشته شده و سید شهرستانی بنقل از «الذریعه» گویند که مؤلف آن خطب نهج البلاغه را سه‌دسته نموده **قسم اول** در توحید و اصول دین . **قسم دوم** درمواعظ و عبادات . **قسم سوم** در اخلاق . نگارنده نیز بر نام مؤلف و عصر ایشان دست نیافت و آقای جواهرالکلام در فهرست معارف ج ۱ ص ۱٤٤ ذیل شروحی که بر اجزاء نهج البلاغه نوشته شده

این شرح را نام برده و گویند که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ نجف آبادی در نجف اشرف موجود است

۵۸ - شرح مختصر

شرح مختصری که جامع جُمل مفیده از شروح قدیمی نهج البلاغه میباشد و سید شهرستانی از «الذریعه» نقل کرده اند که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ حضرت رضا علیه السلام موجود است ولی نگارنده در فهرست آنجا نیافت .

۵۹ - شرح مزجی

سید شهرستانی از « الذریعه » نقل نموده که شرحی مزجی بر نهج البلاغه در کتابخانهٔ حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام موجود است .

۶۰ - شرح تحفة العلویه

فقط آقای جواهر الکلام در فهرست معارف این شرح را نام برده و گویند مؤلف آن **افصح الدین** میباشد تاریخ وزمان شرح وشارح بدست نگارنده نیامد .

۶۱ - شرح ابن العنقاء

مؤلف وقایع الایام از ریاض العلماء نقل نموده که ابن عنقاء از علماء عامّه بوده و این شرح را از چهار شرح جمع آوری کرده و در این جهت نظیر شرح ابن عتائقی است . نگارنده بر نسخهٔ آن وزمان وعصر مؤلّفش دست نیافت .

۶۲ - شرح اصفهانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از کتاب «تحفة الابرار » تألیف سید حسین بن مساعد حائری گوید : اصفهانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و او از علماء عامه بوده . عصر وزمان مؤلف ونام وی واین شرح نیز بدست نگارنده نیامد .

۶۳ - شرح صنعانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از « تحفة الابرار » مذکور گوید : صنعانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و چنین معلوم میشود که از علماء عامه بوده است . نام مؤلف وزمان حیاتش را بدست نیاوردم .

۶۴- شرح علی بن ناصر

مؤلف کشف الحجب و محدث نوری ره وسید شهرستانی و مؤلف وقایع الایام و مؤلف فهرست معارف شرحی بنام «اعلام نهج البلاغه» به علی بن ناصر نام نسبت داده اند و نگارنده چنانکه درص ۱۲۳ نگاشت باتفحص و تجسّس بزمان مؤلف و مکان نسخهٔ این شرح دست نیافت ولی از اینکه در کشف الحجب آغاز آن نقل گردیده معلوم میشود که مؤلف آن نسخه ای ازاین شرح را دردست داشته اند .

۶۵ - شرح محی الدین خیاط

محیی الدین خیّاط مطالبی را از شرح ابن ابی الحدید انتخاب و در بعضی از موارد نادراً اظهار نظر کرده و این شرح منتخب از شرح ابن ابی الحدید درذیل نهج البلاغه در دو مجلد دربیروت بدون تاریخ چاپ شده است .

۶۶ - شرح محمد محی الدین

محمد محیی الدین عبدالحمید که یکی از مدرسین و اساتید فعلی جامع الازهر وفضلاء کنونی کشور مصر میباشند ، نهج البلاغه را اخیراً (بدون تاریخ) با طرزی نیکو بضمیمهٔ شرح مرحوم شیخ محمد عبده چاپ نموده وجمله هائی که سیّدرضی آنها را در نهج البلاغه نیاورده و ابن ابی الحدید در شرح خویش آورده، دراین چاپ بر نهج البلاغه افزوده شده و این استاد محترم شرح و توضیحی که بعضی از جمل و کلمات لازم داشته وشیخ محمد عبده در شرح خویش از آنها صرف نظر نموده باداء آن پرداخته اند .

☆☆☆

اینك هنگام آن رسید که ترجمه‌ها و شروحیکه فقط بربعضی ازخطب یا اجزاء دیگرنهج البلاغه نوشته شده در اینجا یاد شود :

دو شرح بر خطبة البیان

خطبة البیان یکی از خطب منسوبه بحضرت مولی علی بن ابی طالب سلام الله علیه است ، سید رضی ره آنرا معتبر ندانسته و در نهج البلاغه نیاورده ولی بعضی از دانشمندان آنرا از آنحضرت میدانند ، از آنها شیخ رجب برسی است که از علماء

قرن نهم هجری میباشد، نگارنده دو شرح بر این کتاب را دارد ۱ - بفارسی تألیف محمد بن محمود دهدار فارسی است که بچاپ نرسیده و نام آن « خلاصة الترجمان فی تأویل خطبة البیان » است - ۲ - نیز بفارسی و تألیف میرزا ابوالقاسم بن مجدالاشراف شیرازی متوفی بسال ۱۲۸٦ قطب سلسلهٔ ذهبیّه میباشد و بسال ۱۳٤۳ در مطبعهٔ احمدی شیراز چاپ شده و نام آن «معالم التأویل والتبیان فی شرح خطبة البیان » است .

شروح خطبه شقشقیه

این خطبه چنانکه در اوائل بحث راجع به نهج البلاغه نوشته شد از خطب مهمّهٔ حضرت مولی سلام الله علیه است و بعربی و فارسی شروح بسیار بر آن نوشته شده و نگارنده بر شروح ذیل دست و خبر یافته :

۱ - شرح سید محمد عباس شوشتری که از علماء قرن سیزدهم هجری و در هندوستان بوده و بفارسی میباشد و بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است .

۲ - تعلیقات و حواشی همین مؤلّف بر این خطبه بعربی است که در حاشیهٔ نسخه چاپ شده نگاشته شده .

۳ - شرح سیّد مرتضی علم الهدی علی بن الحسین رحمة الله علیه متوفی بسال ٤۳٦ .

شروح عهدنامهٔ مالك اشتر

این دستور حکمفرمائی یا عهدنامه یکی از ابلاغ های تاریخی و مهمّی است که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در حالیکه مالك اشتر نخعی را والی کشور مصر نموده انشاء فرموده و چون مشتمل بر مطالب سودمندی است و بعظمت نویسنده و منشی آن گواهی میدهد بسیاری از دانشمندان بشرح و بسط و ترجمهٔ آن پرداخته اند:

۱ - شرح سید ماجد بحرینی معاصر شیخ حرّ عاملی ره میباشد که پیش از سال ۱۰۹۷ وفات یافته و بفارسی و در تحت شصت مقاله و بنام « تحفهٔ سلیمانیه » میباشد و در سال ۱۳۰۱ در طهران چاپ شده است .

۲ - شرح یا ترجمه محمد صالح روغنی قزوینی از علماء اواخر قرن یازدهم هجری میباشد که نیز بفارسی است و در ص ۱٤-۱٦ معرفی کامل از آن گذشت .

۳ ـ ترجمه و شرح میرزای وقار پسر مرحوم وصال شیرازی متوفی به سال ۱۲۷٤ که بنظم فارسی است و در شیراز چاپ شده .

٤ ـ در مؤلفات فارسی علامه مجلسی (محمد باقربن محمدتقی) شرحی براین عهدنامه نام‌برده شده است .

٥ ـ محمد باقر بن محمد تقی نام‌رارساله ای‌استکه درسلوك ولاة از اخبار ائمهٔ اطهار ع بفارسی تألیف شده وتمام‌این عهدنامه‌را که بفارسی ترجمه‌وشرح کرده‌اند در آن گذارده ونسخهٔ آن‌اخیراً جزء کتب‌این کتابخانه گردیده، شاید این رساله همان شرح وترجمه مجلسی‌ره‌باشد .

٦ ـ مرحوم‌شیخ محمدعبده‌مفتی‌دیارمصرمتوفی به سال۱۳۲۳این‌عهدنامه را شرح نموده و « مقتبس‌السیاسیّه » نام نهاده وبسال ۱۳۱۷ درمصرچاپ‌شده‌است.

۷ ـ مرحوم حاج شیخ‌محمد سلطان متوفی بسال ۱۳٥٤ که عالمی واعظ وواعظی عالم بودند بر این نامه شرحی نگاشته و نسخه آن نزد فرزند خلف ایشان آقای ملك خلاقی در طهران موجود ونام آن « اساس‌السیاسیه فی‌تأسیس‌الریاسه » است .

۸ ـ شیخ محمد هادی‌بن محمد حسین قائنی بیرجندی که از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی (محمد حسن) ره و از معمّرین علمای فعلی ایران میباشند بسال ۱۳۳۳ این عهدنامه‌را بفارسی ترجمه وباترجمهٔ ادب‌الکبیر تألیف ابن مقفع که نیز خود ایشان ترجمه نموده اند بسال ۱۳۱٥ شمسی در طهران چاپ شده است .

۹ ـ محمدحسین‌بن‌علینقی همدانی این خطبه‌را بسال۱۳۰۸ که زین‌العابدین‌خان حسام الملك والی ایالت کرمانشاهان بوده بنام وی بفارسی ترجمه و شرح نموده بدین مناسبت آنرا « هدایات الحسام فی عجائب الهدایات للحکام » گذارده و گوید که مجموع این اسم موافق با تاریخ کتاب است ، نسخه‌ای از این شرح را آقای اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) رئیس محترم دورهٔ یازدهم مجلس‌شورای‌ملی دارند وبسال ۱۳۱۱ نوشته شده و ضمیمهٔ آن رساله‌ای ازهمین مؤلف بفارسی در علم فراست یاقیافه میباشد که برحسب‌خواهش شاهزادهٔ عزالدوله عبدالصمد میرزا تألیف گردیده و آغاز این رساله اینست : بسمله الحمدلله وسلام‌علی عباده‌الذین اصطفی، فراست بردوقسم‌است الهیّه نوریه وطبیعیّه مزاجیّه‌اما فراست الهیه الخ .

۱۰ ـ در المآثر والاثار ص ۱۸۶ نگاشته شده که میرزا ابراهیم‌بن محمد مهدی بدایع نگار را شرحی برعهدنامهٔ مالك اشتر میباشد که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از شرح این عهدنامه در کتابخانه حضرت رضا (ع) موجود و مؤلف فهرست آنجا نوشته که بسال ۱۲۶۲ وقف گردیده ودیباچه وخطبه ندارد ومحتمل‌است که‌همان ترجمه مذکور در المآثر والاثار باشد وآغاز آن این :

(هذا ماامربه عبدالله امیرالمؤمنین مالك‌بن الحارث الخ) و آنجام آن‌اینست: (و درود فرستد خدای براو درود فرستادن بسیار) .

۱۱ ـ نسخه‌ای از ترجمه این عهدنامه در کتابخانه مجلس موجود ودر مقدمهٔ آن مترجم‌خودرا فقط بدایع‌نگار معرفی‌نموده‌و سال‌تألیف را ۱۲۷۳ معین کرده‌و فارسی بسیار سلیس و روانی است و آغاز و انجام آن با نسخه پیشین مختلف میباشد وآغاز نسخه این‌جمله : بسمله چون درسال چهلم هجرت رسول صلوات‌الله وسلامه علیه مصر واعمال مصر برمحمد ابی‌بکر برآشفت واورا بدان صفت که‌در تاریخ‌مغازی عرب مسطور است بسوختند الخ.

و آغاز ترجمه عهدنامه این : بسمله این‌فرمان بنده خدا امیرالمؤمنین علی‌است بسوی مالك بن حارث‌النخعی در آن عهد که بدو نبشت الخ . و انجام نسخه اینست : و در قبول این عهود و امضاء این حکم که یکان یکان بر تو شمردم و هریك‌را دلیلی روشن وحجتی قاطع آورده سعی خویش بکاربری وشرط اجتهاد مرعی داری و انا اسئل‌الله بسعة رحمته و عظیم قدرته علی اعطاء کل رغبة ان یوفقنی و ایاك . . . . . والسلام علی رسول‌الله صلی‌الله علیه‌و آله‌الطاهرین، اللهم اغفرلراقمه الفقیر عبدالغفار التوسرکانی . . . . . فی سنة ۱۲۹۷ .

بنا بر اینکه آغاز و انجام این ترجمه با نسخه کتابخانهٔ رضویه اختلاف دارد معلوم میشود که دوترجمه‌است وشاید که ترجمهٔ‌میرزاابراهیم بدایع نگارنسخه مجلس باشد وترجمه ایکه در کتابخانه رضویه‌است‌ازدیگری وتواند بود که‌عکس‌این‌باشد

ومانعی ندارد دو نفر که ملقّب به بدایع نگار بوده‌اند این عهدنامه را ترجمه کرده باشند وبدایع نگار مقام ولقبی بوده‌و اکنون هم بدین نام ولقب دانشمندی در طهران میباشد .

۱۲ ـ محمد جلال الدین این عهدنامه را بترکی نظم بسته وبسال ۱۳۰۴ در اسلامبول چاپ شده .

دو شرح بر خطبهٔ همام یا خطبة المتقین

۱ ـ تألیف میرآصف قزوینی که در ایام فتنهٔ افاغنه در اصفهان وفات یافته است .

۲ ـ تألیف آقاشیخ مهدی قمشه‌ای متخلّص به الهی دام ظلّه است که اینک یکی از اساتید فلسفه در دانشکدهٔ معقول و منقول میباشند و از مفاخر این عصر شمرده میشوند و گذشته ازفضائل صوری دارای معنویات بسیار پسندیده‌ای هستند و توان ایشان را خداوند اخلاق خواند واین شرح وترجمه بنظم فارسی است چند بیتی از آغاز آنرا دراینجا میآوریم :

بنام ایزد پیدا وپنهان روانبخش تن، افروزندهٔ جان
خداوندی که عالم آفریده جهان در جان آدم آفریده

. . . . . .

شنیدم عاشقی پروانه خوئی بآئین محبت راست گوئی
رفیق خلوت آنسلطان دین را حریف صحبت آنعشق آفرین را

شرح خطبهٔ قاصعه

چنانکه در ص ۱۰۸ گذشت عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی بمناسبت جمله‌ای ازاین خطبه که درمذمت کبر وحسد بوده در کتاب نظم الغرر ونضد الدرر تمام این خطبه‌را نقل نموده‌وبشرح وترجمه آن پرداخته‌ونسخه آنرا فقط در کتابخانه مدرسه سپهسالار سراغ دارم .

شرح خطبه طتنجیه

خطبه ایکه بنام طتنجیه معروف گردیده در نهج البلاغه نیست و آنرا سید کاظم رشتی متوفی بسال ۱۲۹۵ که از شاگردان مرحوم شیخ احمد احسائی متوفی بسال ۱۲۴۰ و یکی از رؤسای شیخیه بوده اند، شرح نموده وبسال ۱۲۷۰ چاپ شده است .

شرح و ترجمهٔ بعضی از خطب ومکاتیب

۱ ـ در فهرست معارف نوشته شده که شیخ محمد علی بن شیخ ابی طالب زاهد جیلانی اصفهانی متوفی دربنارس بسال ۱۱۸۱ بعضی ازخطب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را بفارسی شرح کرده‌اند .

۲ ـ محمد تقی لسان الملك در ذیل شرح حال و وقایع تاریخی حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام از کتاب ناسخ التواریخ (مجلّد دوّم) خطب ومکاتیبی از آن حضرت را نقل و بترجمه فارسی آنها پرداخته است .

۳ـ میرزا جهانگیرخان ناظم الملك آذربایجانی متخلص به صبائی متوفی بسال ۱۳۵۲ که ازاهالی آذربایجان بوده بسال ۱۳۲۹ سه وصیّت نامه حضرت مولی امیرالمؤمنین ع خطاب به فرزندخویش حضرت حسن مجتبی علیهما السلام را به نظم فارسی ترجمه و شرح کرده و درهمان سال در اسلامبول درذیل اصل وصیّت نامها چاپ گردیده است .

بیش از آنچه در اینجا نام برده شد نگارنده بر شروح و ترجمهای قسمتهائی از نهج البلاغه و خطب و مکاتیب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دست نیافت ، اینك بر آنچه از شروح و ترجمه های کلمات قصار آن حضرت دست و خبر یافته در اینجا تذکر میدهد که تاحدی این شرح ومطالب که در اطراف نهج البلاغه نوشته شده جامع باشد .

۱ ـ نخستین کس که بجمع کلمات قصار حضرت علی ع مبادرت نموده جاحظ متوفی بسال ۲۵۵ بوده که بنام « مائة کلمه » مشهور گردیده و در ص ۷۸ تا ۸۱ معرفی از آن و دو شرحی که دارد شد و نیز در ص ٦۹ تا ۷۱ ترجمه های آنرا نیز تذکر دادیم و مکرّر باترجمه وبی ترجمه چاپ گردیده است .

ودر کشف الظنون ص ۷۸ ج۲ آمده که مصطفی بن محمد معروف به خواجکی زاده صد کلمهٔ امام علی بن ابیطالب ع را بترکی شرح کرده است .

۲ ـ نثر اللآلی است که مؤلف آنرا ابوعلی طبرسی یا علی بن فضل الله راوندی یا قطب راوندی نوشته‌اند و راجع باین کتاب و ترجمه‌های آن درص ۱۰۲ تا ۱۰٤

شرحی نگاشته شد و این مجموعه بترتیب حروف تهجّی در سی باب مرتب شده وهربابی مشتمل برچندین کلمه از کلمات قصار میباشد وبسال ۱۳۱۲ چاپ شده است .

شیخ عبدالسّلام احمدالقویسنی که از دانشمندان نیمه اول قرن چهاردهم هجری بوده اند در ص ۱۳ تا ۲۲ کتاب « مراقی النّجابه فی قواعدالکتابه» کلمات قصاری از حضرت علی ع نقل و آنکلمات نثراللآلی میباشد و کتاب مذکور بسال ۱۳۲۸ در مصر چاپ شده است .

جز آنچه درصفحات مذکوره بالا از شروح و ترجمه های این مجموعه نامبرده شده نثراللّآلی ترجمه های ذیلرا نیز دارد :

۱ ـ ابن ساوجی ابوالمحاسن محمدبن سعدبن محمدبن نخجوانی بسال ۷۳۲ هریك از کلمات قصارنثراللآلی را بیك بیت فارسی ترجمه نموده ومؤلف کتاب دانشمندان آذربایجان در ص ۲۱ آورده که نام آن « بدرة المعانی فی ترجمة اللآلی » میباشد و بسال ۱۳۱۵ در اسلامبول چاپ شده است .

۲ ـ در فهرست کتب عربی لندن نوشته شده که **یوسف نصیب** نثراللآلی را بترکی ترجمه نموده ونام آنرا « رشتهٔ جواهر » گذارده وبسال ۱۲۵۷ دراسلامبول چاپ شده است .

۳ـ نیز درفهرست مذکوراست که **معلم ناجی** کلمات قصارفوق رابترکی ترجمه نموده وبنام «امثال علی» بسال ۱۳۰۳ دراسلامبول چاپ گردیده است .

سوّم از کلمات قصار

غرر الحکم و دررالکلم آمدی است که نیز در ص ۷٦ تا ۷۸ معرّفی از آن گذشت ، این مجموعه بیش از (٤۰۰۰) بیت کتابت دارد و آقا جمال خونساری (ره) بر آن شرحی فارسی نوشته و در ص ۳٤-۳٦ معرّفی از آن گردید و آقا میرزا محسن خوشنویس (عمادالفقرا) متخلّص بحالی که از معاصرین و فضلاء کنونی واز مردمان اردبیل وساکن آنشهر میباشند آنرا بفارسی ترجمه کرده اند.

٤ ـ عیون الحکم والمواعظ وذخیرة المتّعظ والواعظ استکه درص ۷٤-۷٦ همین مجلّد معرفی از آن گردید، این کتاب مشتمل بر (۱۳٦۲۸) کلمه ازکلمات قصار میباشد

و درج ۱ فهرست ص ۳۸۳-۳۸٦ مقدمه آنرا نقل نموده‌ام، لسان الملك سپهر در آخر یکی از مجلّدات ناسخ التواریخ (جلد دوم - احوال حضرت امیر ع) با ترجمهٔ فارسی پاره‌ای از آن کلمات بدون نام و اشاره به مؤلف، عیون الحکم را نقل نموده و این مجلد بسال ۱۲۸۹ چاپ گردیده است.

مؤلف عیون الحکم چنانکه پیش دانسته شد علی بن محمد اللیثی و الواسطی میباشد ولی مؤلف وقایع الایام تصور نموده اند که لسان الملك خود بجمع آن کلمات موفق شده و عباراتی که ناشر در ابتداء آن کلمات نگاشته نیز موهم این تسوّر هست ولی نگارنده آنرا شناخت و با نسخه این کتابخانه مطابقه و مقابله نمود، عین آن کتاب بود، و این خود موجب خورسندی است که این کتاب نفیس (عیون الحکم) بچاپ رسیده است.

۵ - عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی معاصر شاه سلطان حسین صفوی کلمات قصار موجوده در غرر الحکم را در تحت ۹۹ باب که هر بابی راجع بیکی از مباحث و موضوعات خاصّ میباشد مرتب نموده و پس از آن بفارسی شرح کرده اند و در ص ۱۰۵-۱۱۲ بنام «نظم الغرر و نضد الدّرر» معرفی از آن گذشت.

٦ - ابن ابی الحدید پس از شرح کلمات قصار موجوده در باب سوّم نهج البلاغه هزار کلمه قصار از آن حضرت ع جمع و بدون شرح و بسط در آخر شرح خویش گذارده و جداگانه بسال ۱۳۲۹ در بیروت چاپ گردیده و خود جامع در مقدمه آن گفته اند که بسیاری از این کلمات مسلّماً از آن حضرت و برخی هم گرچه کلام آنحضرت بودن آنها مسلّم نیست ولی چون مشتمل بر حکمی بود بنقل آنها مبادرت گردید.

محدّث معاصر آقای حاج شیخ عباس قمی سلّمه الله صد کلمه از این کلمات را انتخاب و آنها را بفارسی شرح و ترجمه نموده، بسال ۱۳۵۳ بنام «صدکلمه» در طهران چاپ گردیده و در مقدمه آن مذکور است که تمام هزار کلمه را نیز بفارسی ترجمه و شرح کرده اند.

۷ - سید شهرستانی نگاشته اند که برحسب خواست جمعی امین نخله که از فضلاء میباشند نیز صدکلمه از کلمات قصار حضرت (ع) را انتخاب کرده و در مقدمهٔ

آن اظهار عجز نموده که متحیرم از این دُرر شاهوار کدام یك را برگزینم .

۸ ـ حسین بن یوسف هروی که بگفتهٔ مؤلف کتابخانهٔ رضویه از علماء قرن دهم هجری بوده چهل کلمه از کلمات قصار حضرت ع را هریك بیك رباعی فارسی ترجمه نموده و نسخهٔ آن که بسال ۹۵۲ نوشته شده در آن کتابخانه موجود است .

۹ ـ مکتبی شیرازی که لیلی و مجنون او مشهور است شصت کلمه از کلمات قصار حضرت را بفارسی نظم بسته و پس از ترجمه، تمثیلی نیز بنظم برای توضیح هریك آورده و مجموع اشعار آن (۱۵۰۰) بیت میباشد و نسخهٔ آن که بسال ۱۰۳۶ نگارش یافته در کتابخانهٔ استاد معظم آقای ملك الشعراء بهار موجود و بنام « کلمات علیّه غرّا » بهمّت آقای کوهی کرمانی بسال ۱۳۱۳ شمسی در طهران چاپ گردیده و نسخهٔ چاپی آن در تحت شمارهٔ (۴۰۰۰) در این کتابخانه میباشد .

۱۰ ـ در وقایع الایام نوشته شده که مولی میرالقاری الکوکبی الجیلانی از معاصرین شاه عباس بوده و کتابی بنام « زبدة الحقائق » دارد که مشتمل بر ابوابی چند بعربی و فارسی است و یکی از ابواب آن بنام « باب کلمات حضرت پیغمبر ص و الفاظ حضرت علی بن ابیطالب ع » است و تألیف این کتاب برای سلطان احمدخان حاکم گیلان میباشد و قسمتی از آنرا مؤلف وقایع الایام در تبریز دیده‌اند .

۱۱ ـ الفرائد والقلائد نیز مجموعه ای از کلمات قصار حضرت علی (ع) میباشد و جامع آن چنانکه در مقدمه عیون الحکم والمواعظ ثبت گردیده قاضی ابو یوسف یعقوب بن سلیمان الاسفرائنی است و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ مدرسه مروی در طهران موجود و نگارنده آنرا زیارت نموده و باحتمال دانشمند فرزانه آقای امین عراقی رئیس محترم آن کتابخانه از خطوط اواخر قرن ششم هجری است .

۱۲ ـ کمال الدوله محمد حسن قاجار در زمان سلطنت مظفر الدین شاه قاجار پاره‌ای از کلمات قصار حضرت را که جنبهٔ اخلاقی واجتماعی داشته بفارسی ترجمه کرده و آنها را بحروف تهجی مرتب نموده و مجموع آن کلمات (۴۳۰) جمله میباشد و آنرا « ابواب الحکم » نامیده و بسال ۱۳۱۹ در طهران چاپ شده و در آخر برای تیمّن و تبرك عین الفاظ یکی از کلمات حضرت (ع) را نقل نموده و آغاز آنجمله اینست : ثمانیة ان اهینوا فلا یلوموا الّا انفسهم الخ .

۱۳ ـ آقای حاج سید عبدالله بهبهانی دام عمره که از علماء فعلی ایران وساکن بندر بوشهر میباشند نیز پاره‌ای از کلمات قصار را انتخاب و بترجمهٔ فارسی آنها مبادرت نموده و نام آنرا « محفظة الانوار » گذارده و بوسیله دانشمند معظم آقا شیخ عبدالکریم سعادت بسال ۱۳٤۳ درشیراز چاپ شده است .

۱٤ ـ آقای مورخ الدوله (احمد علی سپهری) دسته ای از کلمات قصار را که جنبهٔ عملی و اخلاقی داشته (در حدود ۵۷۰ کلمه) بنظر خویش انتخاب کرده ، پس از آن بفارسی بسیار فصیح و روان و فرانسه ترجمه نموده و مقدمهٔ شیوائی درمعرفی از صاحب آن کلمات، آفتاب جهان دانش و پادشاه پرهیزکاران حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز بفارسی و فرانسه نگاشته و تاکنون درطهران بنام « کلمات قصار » چندبار چاپ گردیده است .

در خاتمه این قسمت لازم است نیز تذکر داده شود که حضرت سید رضی رضی الله عنه و اعلی الله مقامه چنانکه خود در مقدمهٔ نهج البلاغه تذکر داده اند و در ص ۱۲۲ ترجمهٔ آن گذشت قسمتی از کلمات قصار و آثار آن حضرت (ع) را در آخر بابی از ابواب کتاب خصائص الائمه که شامل حالات و فضائل حضرت ع میباشد نقل نموده وچنانکه گذشت درنهج البلاغه‌هم ٤۹۸ کلمه از کلمات قصار را باشرح موارد لازمه ای از آنها جمع آوری فرموده اند .

آقا شیخ احمد کاشانی که اینك در حدود شصت سال دارند و در مدرسهٔ نجم آبادی واقعه در محلهٔ سنگلج طهران ساکن میباشند از بیست سال پیش تاکنون فهرستی بر نهج البلاغه بنام « کشف السّتاره عن نهج البلاغه » تألیف و آنرا در مقدمه‌ای و دو مقصد مرتب نموده و مقدمه را در تطبیق اصول ابن ابی الحدید با نهج البلاغهٔ فعلی قرار داده و مراد از این تطبیق اینست که در شرح ابن ابی الحدید خطب و مطالب نهج البلاغه مقدم و مأخر است و از اینرو محی الدین خیاط در شرح خویش تصور نموده که ابن ابی الحدید بعضی از خطب را شرح نکرده ، آقای کاشانی باین تقدیم و تأخیر برخورده ودراین مقدمه تمام مندرجات نهج البلاغه و شرح حدیدی را با ذکر اینکه هریك در کدام صفحه واقع شده تذکر داده اند و **مقصد اول** در مطالبی است که در اصول دین و مذهب (توحید و نبوت و معاد و عدل وامامت) در نهج البلاغه موجود است . **مقصد دوم** در سائر مطالب

از فروع و مواعظ و غیره است که بترتیب حروف تهجی مرتب شده و نگارنده پاکنویس آنرا تا حرف ع دیده ، و گذشته از تعیین صفحات نهج البلاغه در بسیاری از مواردعین عبارات نهج‌البلاغه‌و یامختصری‌از آنرا نیز درج نموده‌اند .

نگارنده بیش از آنچه در اینجا مندرج گردید از شروح نهج البلاغه و اجزاء آن و کلمات‌قصار سراغ‌نیافت(درذیل‌شروح عهدنامه مالك‌شرح‌ملاّ ابوالحسن‌عاملی که‌ازعلماء قرن دوازدهم بوده وجدّ صاحب جواهراند ودرص۳۳ و۳٤ معرّفی از آن گذشت بعلت فراموشی تذکرداده نشد بنا براین، این‌شرح سیزدهمین شرح و ترجمه ایستکه ازاین عهدنامه معرفی نموده ایم و چهاردهمین شرح‌وترجمه‌بنام «دستورحکومت»است که بخواست میرزامحمودخان طباطبائی‌تبریزی (علاءالملك) شیخ احمد ادیب کرمانی مؤلف « سالار نامه » بفارسی نوشته و مرحوم محمد حسین فروغی (ذکاءالملك) آنراانشاء وبسال۱۳۲۱درطهران‌چاپ‌شده است) امیداست که این خدمت کوچك‌درنظر صاحب کلمات مورد قبول ودرنظردانشمندان‌مقبول‌افتد .

اینك به وعده‌ای که در آغاز بحث‌داده اموفا وشروع بنگارش شرح مختصری ازحالات جامع‌محترم نهج‌البلاغه میگردد :

سیدرضی رحمة‌الله‌علیه (ابوالحسن،ذوالحسبین،الشریف‌الاجل،نقیب‌العلوّیین، **محمد**بن‌الطاهرذوالمناقب ابی‌احمد**الحسین** بن‌موسوی بن‌محمدبن ابراهیم المرتضی ابن‌موسی‌بن جعفربن‌محمد بن علی‌بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب سلام الله‌علیهم اجمعین) ازاعاظم‌سادات موسوی ومفاخرعلم‌وادب واز پرهیزکاران و نوابغ دوره و زمان خویش‌بوده، بسال ۳۵۹دربغدادمتولد شد، چندماهی بیش ازده‌سالگی‌وی نگذشته بود، که‌زبان‌بسرودن‌اشعار گشود، دراندك مدت گوی‌سبقت از گذشتگان ربود،دانشمند شهیر ثعالبی دریتیمة‌الدهر باانکه‌درهنگام‌تألیف آن کتاب‌بیش‌از۲۵ سال‌ازعمر**رضی** نگذشته‌ودرعنفوان‌جوانی‌بوده‌برای‌نخستین‌بارو یرابنهایت‌ستوده‌و منتخبی‌ازاشعارش‌را زینت‌بخش‌مؤلفهٔ‌خویش‌نموده‌است‌و گوید: ابوالحسن‌الموسوی محمدبن حسین‌امروز برومندترین جوانان این عصر ونجیب‌ترین سادات عراق میباشد وازهمه‌طالبیّین گذشته و کنونی‌درشاعری‌برتری‌دارد باآنکه درآنهاشعرای بسیار بزرگی بوده واگربگویم اشعرقریش می باشدازراستی برکنارنرفته‌ام الخ .

تاکنون آنانکه بنوشتن رجال علم وادب مبادرت نموده نام‌سید رضی (ره) را

در آن دفتر ثبت و بشرح مکارم اخلاق وصفات وعظمت روحی و ادبی و علمی این بزرك پرداخته اند، جزچند نفری که بواسطه تألیف نهج البلاغه و نقل شکایات آن حضرت از معاصرین در آن کتاب، بر وی خشم ورزیده و کوچکترین یادی از او نکرده اند (مراجعه بصفحهٔ ۱۱٤ همین فهرست شود).

بسال ۳۸۰ (۱) مقام نقابت علویّین وامارة حاج ونظر درمظالم را که از مشاغل پدربود درزمان حیاة او داراشد وبگفته ثعالبی بقصیده‌ای (انظر الی الایام کیف تعود) پدررا از این برگذاری شکرگزاری کرده و گویند از هیچکس حتی از پدرخویش هدیه‌ای (۲) نپذیرفت وپیش خلیفه الطائع (۳۶۳-۳۸۱ه) والقادر (۳۸۱-٤۲۲ه) محبوب بود، فخرالملك وزیر بهاءالدوله و دیگر اعیان دولت بنظر احترام وتجلیل بی نهایت بایشان می نگریستند، (بمقدمهٔ شرح ابن ابی الحدید مراجعه شود)

در حرّیت ضمیر و عظمت روحی نظیرنداشته با اینکه آل بویه الطائع را از خلافت معزول وتا بمرد محبوس داشتند در تأسف ازعزل ورثاء او دو قصیده عالیجنابانه انشاء وازنکبت وی اظهار تأسف و تلهّف کرده است (ص ۳۷٦ - ۳۷۹ دیوان مراجعه شود) ودر قصیده‌ایکه القادر خلیفه‌را مدح گفته وبدین شعر ابتداء گردیده:

لمن الحدوج تهزهنّ الانیق والرکب یطفو فی السراب ویفرق (۳)

علوّ همت وعظمت خویش‌را اظهار وچندبیت آخر آنرا که حاکی از آنست دراین‌جا نقل میکنم:

عطفا امیر المؤمنین فاننا فی دوحة العلیاء لا نتفرق
ما بیننا یوم الفخار تفاوت ابدا کلانا فی المعالی معرق
الا الخلافة میّزتك فاننی اناعاطل منها وانت مطوّق

نوشته‌اند چون خلیفه این شعر اخیررا شنید گفت: علی رغم انف الشریف.

---

(۱) در یتیمة الدهر و تمام کتب سال نقابت سید ۳۸۰ ثبت شده ولی جرجی زیدان در تاریخ الاداب اللغة العربیه ج ۲ ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و بتبع وی فرید وجدی در دائرة المعارف ج ٤ ص ۲۵۱ نقابت اورا بسال ۳۸۸ نوشته‌اند و ظاهراً ازوفیات الاعیان گرفته اند صحت تاریخ اول مسلم است.

(۲) استاد وی بالطائف الحیل خانه‌ای بایشان هدیه کرد به مقدمه تفسیر سید و ابن ابی الحدید یا روضات مراجعه شود

(۳) ابتداء این قصیده را جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیه ص ۲٦۷ همین شعر که نقل گردید دانسته و در تاریخ آداب العربی ص (۲۷۹ - ۲۸۱) آغاز این قصیده این است: لله یوم اطلعت به العلا علما یزاول بالعیون و یرشق

میان سید با ابواسحق صابی متوفی بسال ۳۸٤ که از پیر مردها و ادباء شهیر بود دوستی فوق العاده برقرار و با اینکه صابی مذهب بود و آنچه دلیل و برهان اقامه و وسیله انگیخته شده بود مسلمان نگردید و بدیانت اصلی خویش پایدار بود بپاس احترام دوستی ومقام علمی وادبی ویرا رثائی بسیار فصیح گفته و ثعالبی در ذیل شرح حال صابی بسیاری از آن قصیده را آورده و چون بر قبر او گذر کرده ابیاتی نیز انشاء نموده که در دیوان سیّد موجود است .

میان اشعار سیّد و مهیار دیلمی شاعر مشهور ایرانی متوفی بسال ٤۲۸ که از شاگردان سید بوده وبدست رضی از مجوسیّت بقبول دیانت اسلام مفتخر گردیده (وفیات الاعیان ج۲ص ۱٤۹) مقایسه کنند و گویند که اشعار خوب مهیار بهتر از اشعار خوب سید رضی است جز اینکه اشعار سید همه خوب و یك نواخت است .

اگرچه سید رضی (ره) مشهور به ادب وشعر گردیده ولی بگفتهٔ یکی از دانشمندان : سید رضی عالمی است که شعر وی برعلمش غلبه نمود وسیدمرتضی شاعر یستکه علمش برشعروی چیره شد وهریك بدان مشهور گشته‌اند .

تفسیر حقائق التأویل وی که جزء پنجم آن فقط تا بحال بدست آمده و بهمت انجمنی علمی بنام « منتدی‌النشر » درنجف اشرف منتشر شده بهترین گواه برسعه اطلاع و معلومات غیر ادبی او نیز میباشد و چنانکه در کتب سیر نگاشته شده پیش حضرت شیخ مفید محمدبن نعمان ره متوفی بسال ٤۱۳ و جمعی دیگراز بزرگان که در تفسیر مذکور بمناسبت نام برده‌شده‌اند بتحصیل اشتغال داشته وچنانکه‌نیز نگاشته‌اند محفلی خاص‌ومدرسهٔ شبانه روزی بنام « دارالعلم » درخانهٔ وی بوده که تمام احتیاجات مادّی ومعنوی طلاب آنرا سیدخود متکفل بوده است .

و چنانکه ازاین بیت سیّد برمی‌آید ازاینکه بشعر وشاعری مشهور گشته‌خود راضی نبوده وآن اینست :

مالكَ ترضی ان تکونَ شاعراً بُعداً لها فی عدد الفضائل

بهر حال علوّ مقام و عظمت سیّد رضی بیش از آنستکه نویسندهٔ کوچکی چون‌نگارنده بتواندبزرگی ایشان‌را نگارش دهدمفصل ترین شرح‌حال وترجمه‌ای که‌برای‌این‌عالم‌جلیل نگاشته شده بقلم‌دانشمند معاصروعالم‌جلیل شیخ‌عبدالحسین

حلّی بلغت عربی میباشد که در مقدمهٔ تفسیر مذکور ایشان اخیراً در نجف اشرف در ۱۱۲ صفحه چاپ گردیده و در آنجا است که بهاءالدوله بسال ۳۸۸ سید رضی را «شریف اجل» لقب داد و در سال ۳۹۲ از واسط امر کتبی داد که وی را «ذی المنقبتین» بخوانند و درسال ۳۹۸ اورا «الرضی ذی الحسبین» لقب داد و سیّد رضی بهاءالدوله را بدان سبب در قصیده ای مدح گفته است.

پیش از آنکه بیکی از القاب فوق ملقّب گردد «موسوی» را پس از نام وی میآورده اند و مخصوصاً در یتیمة الدهر بنام ابوالحسن الموسوی محمّد بن الحسین نام برده شده اند.

مؤلفات سیدرضی را نجاشی، ابن شهر آشوب، مؤلف تاریخ بغداد، صاحب روضات، صاحب لؤلؤ البحرین، صاحب شذرات الذهب، یافعی، ابن خلکان و صاحب عمدة الطالب هریك بعضی را ثبت نموده ولی دانشمند فرزانه شیخ عبدالحسین حلّی همه را نام برده وبهمان ترتیب که ایشان نام برده اند مانیز در اینجا آنها را میآوریم:

۱ ـ نهج البلاغه (همه آنرا نام برده اند) . ـ ۲ ـ خصائص الائمه (بعضی آنرا بنام خصائص نامیده اند) . ـ ۳ ـ مجازات الآثار النبویه . ـ ٤ ـ تلخیص البیان عن مجازات القرآن. ـ ٥ ـ حقائق التأویل فی متشابه التنزیل (۱) . ٦ ـ سیرة والده الطاهر

(۱) ابن شهر آشوب متوفی بسال ٥٨٨ این کتاب را بهمین نام در ص ٤٤ معالم العلما (چاپ آقای اقبال آشتیانی) ذکر نموده و نجاشی متوفی بسال ٤٥٠ در رجال خویش (ص ۲۸۳ چاپ بمبئی) و صاحب روضات و امل الآمل بنقل از نجاشی آنرا بنام «حقائق التنزیل» نامیده اند و در عمدة الطالب مؤلفه بسال ۸۰۲ نام این تفسیر نیست ولی در آنجا کتابی بنام «المتشابه فی القران» ذکر شده و صاحب لؤلؤ البحرین نیز آنرا ذکر نموده و صاحب روضات از آن دو پیروی نموده و گویند که سید رضی خود در کتاب مجازات الحدیث مطلبی راجع بعصمت انبیاء (ع) بتفسیر خود که بنام «متشابه القرآن» میباشد حوالت داده است، نگارنده را عقیده آنست که نجاشی نام تفسیر را مختصراً بحذف قسمت اخیر آن نقل نموده و «متشابه القرآن» نیز نام همین تفسیر است با تبدیل کلمهٔ «تنزیل» به «القرآن» وعدم ذکر قسمت اول اسم کتاب.

آقای شیخ عبدالحسین حلی در ص ۱۳ مقدمهٔ این تفسیر که بسال ۱۳۵٥ در نجف اشرف چاپ شده تاریخ تالیف آنرا در حدود دوسال پیش از سال ۳۹۲ دانسته اند در صورتیکه مؤلف در همان تفسیر (ص ۱٦۷) مطلبی را حواله بکتاب نهج البلاغه که در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت (ع) میباشد حواله داده و میدانیم که نهج البلاغه بسال ٤۰۰ تالیف یافته بنابر این چون برنسخه‌ای ازاین تفسیر که ماخذ چاپ میباشد عبارتی از سید بتاریخ ٤۰۲ نقل گردیده بدست میاید که تالیف آن تفسیر میان سال ٤۰۰ و ٤۰۲ بوده ولی نگارش آن نسخه بسال ٥۳۳ میباشد.

(در عمدة الطالب و لؤلؤ ذکر شده) . ۷- رسائل رضی (فقط آقای حلّی در مقدمه تفسیر مذکور در ذیل شمارهٔ (۵) این مؤلفه را به سیدرضی نسبت داده‌اند ودر مؤلفات دیگر نامی ازاین کتاب نیافتم جز درشرح ابن ابی الحدید بنقل از ابن الخشاب در ذیل خطبه شقشقیّه که در ص ۱۱۶ ترجمه آن گذشت و شاید مراد ابن خشاب از «رسائل رضی» نسخه ذیل باشد) . ۸- مادار بینه و بین ابی اسحق الصابی (در عمدة الطالب و لؤلؤ البحرین نگاشته شده که درسه مجلّداست) . ۹- کتاب الزیادات فی شعر ابی تمام (صاحب روضات این کتاب را ذکر ننموده ولی کتابی بنام «الجیّد من شعر ابی تمام» از مؤلفات سیّد شمرده و شاید مرادش از این نام همین کتاب باشد) . ۱۰- مختار شعر ابی اسحق الصابی . ۱۱- منتخب شعر ابن الحجاج بنام «الحسن من شعر الحسین» . ۱۲- اخبار قضات بغداد (این کتاب فقط در عمدة الطالب نام آن موجود است) . ۱۳- تعلیق خلاف الفقهاء . ۱۴- حاشیه بر ایضاح ابوعلی فارسی . ۱۵- دیوان شعر(۱) . ۱۶- معانی القرآن(۲) .

(۱) چنانکه ابن خلکان و دیگران نوشته‌اند جمعی بجمع آوری اشعارسیدرضی مبادرت نموده‌اند و بهتر از همه آنست که ابو الحکیم خبری در چهار مجلد جمع آوری کرده است خبری منسوب به خبر باخاء معجمه مفتوحه و باء موحده تحتانی وراء مهمله است واصطخری در کتاب خود گفته که خبر نام دوجااست یکی جزء کوره استخر و دیگری تابع کوره دارابجرد است . پس از معاشرت عرب با عجم پاء فارسی به فاء بدل گردیده چون پارس = فارس . اسپهان = اصفهان . پسا = فسا وغیره ودرفارسنامه ناصری گفتار۲ ص ۱۹۶ نوشته شده که خفر واقع در نواحی اصطخر اصل آن خیر با پاء فارسی است .

و بعقیدهٔ نگارنده آنکه جزء کوره دارابجرد بوده بایستی قصبه «خیر» با یاء مثناة تحتانی باشد که بگفتهٔ فارسنامه ناصری در گفتار۲ ص ۱۷۸ درشمال اصطهبانات واقع شده و دهات شمالی اصطهبانات در او افتاده است .

شرح حال ابو الحکیم درج ۳ طبقات الشافعیه سبکی ص ۲۰۳ بدین نحو ذکر شده است : ابو الحکیم خبری عبد الله بن ابراهیم بن عبد الله فقه را از شیخ ابو اسحق شیرازی فرا گرفت و در فرائض و حساب بسیار دانا شد و در آنها تألیفهای خوب نموده و کاملا آشنا بقواعد عربیت بود و خط بسیار خوبی داشت و املائش در کمال صحت و درستی بود بشرح حماسه و دواوین چندی چون دیوان بحتری متنبی ورضی موسوی وغیر از اینها پرداخت و احادیث بسیار استماع نمود و بوقایع تاریخی آشنا بود و آنها را نقل مینمود وسبط وی ابو الفضل محمد بن ناصر السلامی الحافظ ازایشان روایت نموده وابو الحکیم کتابت قرآن مینموده و گویند

(بقیه در زیر صفحه بعد)

وفات سیّدرضی را ابن ابی الحدید و شیخ طریحی در مجمع البحرین در کتاب الالف باب الرّاء و شیخ محمد عبده و مؤلف تاریخ الادب العربی بسال ٤٠٤ و دیگران چون نجاشی معاصر رضی و تمام شراح و مورّخین در ششم محرم الحرام سال ٤٠٦ ثبت نموده اند و این تاریخ اخیر صحیح و اشعاریکه با تاریخ در دیوان سیّد میباشد مؤید ما است.

نهج البلاغه مکرّر در ایران و مصر با شرح و بدون آن چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله امّا بعد حمدالله الذی جعل الحمد ثمنا لنعمائه و معاذا من بلائه و سبیلا الی جنانه الخ.

انجام: و قال ع اذا احتشم المؤمن اخاه فقد فارقه. یقال حشمه و احتشمه اذا اغضبه و قیل اخجله و احتشمه طلب ذلك له و هو مظنة مفارقته و هذا حین انتهاء الغایه بنا الی

(بقیه از حاشیه صفحه قبل)

روزی چون آیه‌ای از قرآن کریم را نوشت قلم را از دست انداخت و گفت بخدا سوگند بدین طرز مردن بسیار خوب و گوارا است و همان وقت جان بجان آفرین تسلیم نمود و این در ذیحجه سال ٤٧٦ بوده انتهی.

و نیز در ص ٥١٣ ج ١ کشف الظنون نوشته شده که یکی از ادباء دیوان سید رضی را مختصر کرده و نام آنرا «انشراح الصدر» گذارده و چنانکه در ص ٢٠٨ ج ٤ فهرست کتابخانه خدیویه نوشته شده نسخه ای از این مختصر که بسال ١٠٢٠ نگارش یافته در آن کتابخانه موجود و نام انتخاب کننده آن را بدست نداده اند و جرجی زیدان در ص ٢٥٧ - ٢٥٨ ج ٣ تاریخ آداب اللغه گفته که سید رضی را کتابی بنام «انشراح الصدر» میباشد که نسخه آن در کتابخانه خدیویه است و نسبت این کتاب به سید رضی بی اشکال نیست و نیز در همان صفحات مذکوره نوشته اند که در کتابخانهٔ اسکوریال مجموعه اشعاری بنام «طیف الخیال» منسوب به سید رضی است. و ابو الحکیم را خیری با خاء معجمه باباء مثناة تحتانی ضبط کرده چنانکه فریدوجدی و براخیری باحاء مهمله و یاء مثناة تحتانی ثبت نموده است.

(٢) آقای شیخ عبد الحسین حلی نام این کتاب را نبرده و در ذیل معرفی از «حقائق التاویل فی متشابه التنزیل» در ص ٨٤ مقدمه آن نوشته اند: و کفی بقول معاصریه فیه: انه یتعذر وجود مثله» و در معالم العلما ابن شهر آشوب و شذرات الذهب و مرآت الجنان این عبارت راجع به «معانی القرآن» از ابن جنی استاد سید رضی نقل گردیده و در معالم العلما چنانکه گذشت حقائق التاویل فی متشابه التنزیل و معانی القرآن را بنام دو مؤلفه از سید رضی ذکر نموده است و صاحب لؤلؤ البحرین غیر از کتاب حقائق التاویل و کتاب المتشابه فی القرآن که گفتیم هر دو یکی است کتابی بنام «تفسیر القرآن» به سید نسبت داده و نگارنده را عقیده آنست که مراد ایشان از آن تفسیر همین «معانی القرآن» است.

قطع المختار من کلام امیر المؤمنین علیه السّلام و ذلك فی رجب سنة اربعمائه من الهجره و صلی الله علی سیدنا محمد خاتم الرسل و الهادی خیر السبل و آله الطاهرین و اصحابه نجوم الیقین . (نگفته نگذریم که سیّدرضی بشرح مطالب مشکله نهج البلاغه پرداخته و بدین سبب خود وی اوّل شارح است) .

این بود آنچه نگارنده اینك توانائی یافت راجع باین کتاب بزرگ که مشتمل بر مطالب دنیوی و آخری است بنگارد و تا کسی آنرا با دقت مطالعه ننماید نخواهد دانست که در این گنجینه چه دُرر شاهوار و چه حقائق و اسرار بودیعت گذارده شده **وفقنا الله و جمیع المؤمنین للاستضائة من انواره الباهره بحق صاحبه والعترة الطاهرة.**

(۸۰۳)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ نگاشته شده واز نسخ قدیمی این کتاب میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی ظاهراً درقرن پنجم یااوائل ششم نوشته شده‌و درآخر هر باب مطالبی که در نسخ دیگر موجود نبوده با ذکر اینکه این موضوع از روی نسخه‌ای که در زمان مصنّف نگارش یافته نوشته شده است ، تحریر شده و برکنار صفحات و اوراقی که در بین آنها الصاق گردیده مطالب زیادی در شرح و توضیح عبارات کاتب نسخه نوشته است و بعضی ازاوراق اوائل واواخر کتاب وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی ضربی. کاغذ قدیمی حنائی. واقف سپهسالار. قطع رحلی کوچك. شمارهٔ اوراق (۳۳۰). صفحه (۱۳) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۳).

(۸۰۴)

نهج البلاغه این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب ابو محمد بن شیخ صنعان در سنه (۱۰۷۲) نگاشته و درحاشیه تمام صفحات مطالبی در توضیح مطالب کتاب از شرح ابن میثم بخط شکستهٔ خیلی خوب و در بعضی ازصفحات شکسته نستعلیق نوشته شده و بر کنار صفحه ای که مشتمل بربیان معنی انصاراست کاتب حواشی چنین رقم نموده‌است : (کتبه هوشنگ بن ابوالملك بن فتحعلی شاه) و پس از ختم اصل کتاب و اضافاتی که منقول از نسخه مکتوبه در

عهد مصنّف است کاتب اشعاری درمدح نهج‌البلاغه بعربی سروده و مرقوم داشته که در ص۱۱۹ نقل گردید و پس‌ازاین بعضی از مطالبی که درشرح ابن‌ابی‌الحدید و کافی و بعضی از کتب دیگرراجع خطب ومطالب این کتاب بوده کاتب متن‌نقل نموده چنانکه قبل از شروع بکتابت اصل کتاب هم خطبی و مطالبی را که در کافی وغیره نقل‌شده کاتب متن نگاشته‌است . دارای‌یك سرلوح زیبا و تمام‌صفحات مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف میباشد و عناوین مطالب نیز با شنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ خانبالغ . قطع وزیری . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲۵٤) . صفحه (۱۵ سطر) . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۵) .

(۸۰۵)

نهج‌البلاغه این نسخه را محمد رضا بن علیخان الطریشی بخط نسخ خوب در سال (۱۰۹۳) نگاشته و متضمل بر تمام کتاب است‌درذیل تمام‌سطور ترجمه فارسی آنها بخط‌نستعلیق نگاشته شده و درحاشیه صفحات‌تعلیقاتی تحریر گردیده‌است و صفحه‌اوّل و دوّم‌و صفحه‌آخر کتاب‌و حاشیه‌شده . وبرورقی که بعدازورق آخر است در سال (۱۲۷۵) شرحی‌از کتاب اقبال راجع باعمال اولین جمعه ماه رجب،عبدالکریم بن میرزا محمد سعید اردستانی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذدولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۰۸) . صفحه (۱٤) سطر . طول (۲۶ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۰۸۶) .

(۸۰۶)

نهج‌البلاغه این نسخه بخط‌نسخ نگاشته شده و متضمل بر تمام کتاب‌است پس ازختم کتاب کاتب کلمات و عباراتی نیز از حضرت علیؑ نقل نموده و قسمتی از آن افتاده لذا نام کاتب بدست‌نیامد ولی کاتب پشت‌نخستین برگ شروع به تحریر را سال (۱۰۹۶) نوشته است . در حاشیه صفحات تعلیقات و حواشی بسیار بامضاء علاءالدین‌محمد که ازمعاصرین کاتب‌بوده از کتب‌لغة وتفسیر

وغیره نقل شده وظاهراً امضا کننده سیّد گلستانه شارح نهج البلاغه (حدائق الحدائق) متوفی بسال ۱۱۰۰ میباشد بنابرین این نسخه نفاست دارد و آخرین سطر موجود آن اینست : (و قال اشدّ الذّنوب ما استخفّ صاحبه وقال ماأخذالله علی اهله) .

جلد میشن . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۸۳). صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۲) .

(۸۰۷)

نهج البلاغه

این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده مابین سطور آن بقسمی فاصله گذاشته شده که شرح وترجمه ملاّ فتح‌الله کاشی زیرهرسطر آن نوشته شود وقسمتی از آن شرح هم بر اوراق اوّلیه این نسخه مرقوم گردیده و در صفحاتی که مطالب ترجمه و شرح جای بیشتری میخواسته بر اوراق خارج نوشته و بکتاب ملحق شده و مقدمه این شرح را قبل ازشروع بکتابت اصل کتاب درچهار ورق بخط نستعلیق کاتب شرح نگاشته ولی ورق اوّل راکه ظاهراً مشتمل بر سرلوحی بوده پیش از سال (۱۲۷۷) که تاریخ دخول این کتاب در کتابخانه اعتضادیه است بیرون آورده اند . پس از ختم کتابت متن بعضی از مکاتبات حضرت درجواب معویه با نقل نامهٔ او و داستان طرماح با ترجمه فارسی آنها کاتب نسخه نگاشته و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است . عناوین و بعضی ازمطالب با طلا و شنجرف تحریر گردیده وصفحات بجدول بطلا و لاجورد است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (٤٦٥) . صفحه (۹ سطر) . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه . (۳۰۸۱) .

(۸۰۸)

نهج البلاغه

این نسخه را بخط نسخ خوب سیدمرتضی بن نورالله کازرونی ازروی نسخهٔ که درسال (۵۸۷) به تصحیح محمدبن ابی‌نصر نام رسیده‌بوده بسال (۱۱۰۷) نگاشته و مشتمل برتمام کتاب میباشد در حاشیهٔ اوراق اوّلیه و بعضی از اوراق دیگر تعلیقاتی نگاشته شده و بر کنار صفحهٔ اول شاهزاده

فرهادمیرزا درسال (۱۲۵۶) یادداشتی نموده . ورق اوّل و ورقی از اواسط و صّالی گردیده کنار و پشت ورق آخر مطالب و ادعیّه ای بخطّ نسخ نگاشته شده ودارای یك سرلوح و تمام صفحات بجدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱٦٤) . صفحه (۱۹) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸٤) .

(۸۰۹)

نهج البلاغه

این نسخه بخط نسخ خوب محمدتقی درسال ۱۱۱۲ هجری نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است در حاشیه بعضی از صفحات مطالبی از شرح ابن میثم نقل گردیده تمام صفحات بجدول بطلا است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۷۱) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹) سانتیمتر . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۹) .

(۸۱۰)

نهج البلاغه

این نسخه کامل بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پس از ختم کتاب عهد نامه حضرت ع بمالك اشتر ودعاهائی ، همان کاتب نگاشته ، در آغاز و انجام نسخه چند ورق کاغذ ننوشته است پشت آخرین ورق تولد دختریکه بسال ۱۲٦۳ بوده یادداشت شده ، وخود نسخه بسال ۱۲٦۲ نگارش یافته و بنام خصائص الائمّه بر این کتابخانه وقف شده و برحاشیه نخستین صفحهٔ کتاب تذکر داده شده ولی مسلّماً نهج البلاغه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۲) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۸۵۸) .

(۸۱۱)

نهج البلاغه

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲٦۳ نگاشته شده و کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب میباشد ، همان کاتب پس از اتمام کتاب عهدنامه حضرت را بمالك اشتر نخعی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۱٦۸) . صفحه (۱۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۷) .

(۸۱۲)

نهج البلاغه این نسخه کامل را بخط نسخ علی‌بن‌احمد حسینی بسال ۱۲۶۸ بر حسب امر سلطان حسین میرزا نوشته و عناوین خطب و مطالب با شنجرف است.

جلد چرمی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹٤) .

(۸۱۳)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن محمد در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۰۳) صفحه (۱۵) طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۰) .

فصل لغات

[۳۳۹] بدایع اللغة (ترکی بفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه خود درمقدّمه تصریح نموده **ایمانی** متخلّص به **طالع** است ، وی بر آن شده که لغات جغتائی و مغولی را که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده بفارسی ترجمه نماید و درهنگام شروع تصمیم نموده که پس از ترجمه هر یك از لغات یك یا چند بیت ترکی باستشهاد آورد و تا بآخر چنین کرده و گذشته ازاین گاهی باشعارعربی تمثّل جسته و این کتاب را خود « بدایع اللّغة» نام گذارده و لغات را موافق حروف الفباء مرتّب نموده و در (۳۵۰۰) بیت خاتمه داده است .

در فهرستهای موجود نزد نگارنده و مجمع الفصحاء و آتشکده و تحفه سامی و کشف الظنون و کشف الحجب و دیگر کتابها نام این کتاب و مؤلف آن را نیافتم ولی چنین بنظر میرسد که درهمان عصر و زمان امیرمذکور و سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا (۹۰۸ - ۹۱۱) تألیف گردیده و در مقدّمه عبارت ذیل تصریح بدان دارد : خصوصاً در اوان عنفوان بهار سلطنت خلاصه خاندان گیتی ستانی و نقاوهٔ دودمان صاحبقرانی بلکه اسم اعظم نگین خاتم سلیمانی . . . . . .

شهی کزوی جهان را زیب و زین است شهنشاه جهان سلطان حسین است

شه انجم حشم دارای دوران نخستین وارث ملك سلیمان

میرزا مهدیخان منشی نادرشاه درمقدّمه کتابیکه بنام « سنگلاخ » نیز در ترجمه فارسی لغات ترکی جغتائی و مغولی است که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده، گوید: **طالع** نام هروی نیز بجمع و ترجمه پاره‌ای ازاین کتاب پرداخته است

[نسخه خطّی « سنگلاخ » تحت شمارهٔ (۱٤۱۲۰) دفتر و (۷۰۰) پشت نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود و چاپ نشده است].

درص ۳٦۷ ج ۲ فهرست رضویّه نسخه ای بنام « ترجمه لغات ترکی بفارسی » تألیف امیر علیشیر نوائی موجود است ، ولی مسلّماً این کتاب (بدایع اللّغه) نیست چراکه آغاز و انجام آن که در آنجا نقل گردیده با این کتاب موافقت ندارد و در تحفهٔ سامی که بسیاری از مؤلفات امیر نام برده‌شده چنین کتابی به امیر علیشیر نسبت داده نشده است .

پشت نسخهٔ ذیل ، ازطرف مرحوم اعتضاد السلطنه بنام « لغت نوائی » معرّفی گردیده ، و بهمین نام وقف براین کتابخانه شده و با تصریح مؤلف بتسمیهٔ آن به کتاب بدایع اللّغه ، مسلّماً این نام غلط است .

آغاز : بسمله طوطی شیرین مقال ، سخنی که از آشیان نیشکر قلم بال گشا گردد الخ .

انجام : ذاتی که خلایقه تیار فیض آندین عالم اهلی انچون سلامت بولسون .

(۸۱٤)

بدایع اللغة این نسخه بخط نستعلیق نگاشته‌شده ، نام کاتب و سال نگارش ذکر نگردیده ، پشت آخرین ورق صفحه ای مشتمل برلغات ترکی و ترجمه آن بفارسی است ، ازکلمهٔ پائین صفحه ایکه برای ربط کلام بصفحهٔ بعد نوشته‌شده برمیآید که رساله ای در این قسمت ضمیمه بوده وآنرا برداشته اند، بسال ۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه اوّل یاد داشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق(۱٤۲) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱٤) .

[۳٤۰] برهان قاطع (فارسی)

این کتاب یکی از فرهنگهای مشهور فارسی و مؤلف آن محمّد حسین بن خلف تبریزی متخلّص به « برهان» میباشد که ازشعرای قرن یازدهم هجری بوده ومتوطّن

هندوستان گردیده و از دیگر آثار وی اثری نیافتم ، در این مؤلّفه گذشته از لغات فارسی لغات ترکی و عربی و پهلوی و دری و غیره که در زبان فارسی استعمال میشوند آورده شده و نیز شامل کنایات و استعارات مستعملهٔ در محاورات فارسی است و مؤلّف در مقدّمه تصریح کرده که لغات موجوده در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ «مجمع الفرس» سروری و «سرمهٔ صفاهانی» و «صحاح الادویّه» حسین انصاری را که هریك حاوی لغات چندین کتاب اند جمع آوری کرده وشواهد ومکرّرات آن را انداخته و این کتاب را پرداخته و **برهان قاطع** نامید و این تألیف را بنام سلطان عبدالله قطب شاه بن قطب شاه ، که از سلاطین قطبشاهیّه هند میباشد موشح کرده است .

پیش از شروع در اصل کتاب که در بیست و نه **گفتار** و هر گفتاری در چندین **بیان** میباشد مطالبی را در نه **فائده** ذکر نموده و فهرست آن فوائد این است : **فائده اول** در بیان معرفت زبان دری و پهلوی و فارسی **فائده دوم** در بیان چگونگی زبان فارسی . **فائده سوم** در بیان تعداد حروف تهجّی و تفرقه میان دال و ذال و صیغهائیکه در فارسی مقرر است . **فائده چهارم** در بیان تبدیل هر یك از حروف بیست و چهار گانه فارسی بحروف دیگر . **فائده پنجم** در ضمائر و آن در چند حرف بهم میرسد . **فائده ششم** در بیان حروف مفرده که در اوائل و اواسط و اواخر کلمات بجهت دریافت کلمات ومعانی مقصوده بیاورند . **فائده هفتم** در ذکر حروف و کلماتیکه بجهت حسن و زیب کلام می آورند . **فائده هشتم** در معانی حروف و کلماتیکه در آخر اسماء و افعال بجهت حصول معانی گوناگون آورند . **فائده نهم** در بیان توصیف آنچه صاحبان املا را از دانستن آن گزیر نیست .

چنانکه هر مؤلّفی را این بلا دست میدهد مؤلّف برهان قاطع را اشتباهاتی در این جمع آوری رخ داده و جمعی بردّ او پرداخته و جمعی هم بحمایت وی برخاسته و این دو دسته کتابها نگاشته اند و دانشمند متتبّع معاصر آقای تربیت درص ۶۸ و ۶۹ دانشمندان آذربایجان آنها را ذکر نموده و مناسب این است که در اینجا بنقل عین عبارت ایشان مبادرت نمائیم :

« برهان قاطع جامعترین فرهنگهای پارسی است مؤلف آن بعضی کلمات اجنبی و غیرپارسی را نیز که در نظم و نثر پارسی معمول بوده و هست همه را جمع آوری کرده و در این مجموعه مندرج ساخته است ولی مانند سائر فرهنگها محتاج به تنقیح و تصحیح است ولذا بعضی از ادبای نامی هند مانند **غالب دهلوی** و غیر او در خصوص این کتاب حواشی و تعلیقات عدیده بعناوین مختلفه مثل **قاطع برهان** و **ساطع برهان** و **رافع هذیان**(۱) و**محرق قاطع برهان** و**تیغ تیز** و **تیغ تیزتر** وغیر آنها مشتمل برد وانتقاد یکدیگر نوشته و نشر کرده اند

سید احمد عاصم عنتابی ازفضلای عثمانی نیزدراوائل قرن سیزدهم هجری این مجموعه را باسم **تبیان نافع** نقل بترکی کرده و در ضمن ترجمه بفرهنگهای معتبر موجوده نیزرجوع نموده و پس از اصلاح اغلاط و رفع شبهات مبلغی از لغات بر آن افزوده است و این تالیف او در تاریخ ۱۲۵۱ در قاهره مصر چاپ شده است . انتهی.

شمارهٔ لغات و کنایاتیکه در گفتارهای بیست و نه گانه برهان قاطع موجود است (۱۹۴۱۷) میباشد و بسال ۱۰۶۲ مؤلّف از تألیف و جمع آوری آن فراغت یافته و خود در مقدّمه تاریخ اتمام آنرا سروده و آن اینست :

چو برهان از سر توفیق یزدان　　مر این مجموعه را گردید جامع
پی تاریخ اتمامش قضا گفت　　کتاب نافع برهان قاطع =۱۰۶۲

این کتاب مکرّر در ایران و هندوستان چاپ شده و بهترین چاپهای آن چاپ سربی است که با کمال دقت تصحیح و در کلکتّه بسال ۱۲۳۳ چاپ شده و ملحقاتی نیز دارد ، نسخهٔ شمارهٔ (۶۹) این کتابخانه از روی آن نسخه نوشته شده در ص (۱۶۵) این فهرست خصوصیّات آن نگاشته شده مراجعه شود .

آغاز: بسمله :

ای راه نما بهر زبان در افواه　　یزدان و کرسطوس چو تکری و آله
از نام تو بردند زبانها بتوراه　　لا حول ولا قوّة الاّ بالله

انجام: یعقوب بفتح یای حطّی و عین بینقطه وقاف بواو کشیده و بیای ابجد زده نام پیغمبری بوده‌مشهور و نام مردی بوده صاحب مذهب و مجتهد نصاری و کبگ نررا نیز گفته اند که جفت کبگ ماده باشد .

(۱) این کتاب را مرحوم اعتصام الملك در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۷۱ « دافع هذیان » ثبت نموده واین صحیح است ومؤلف آنرا نجف‌علی خان حجری معرفی نموده . ونیزدر همین صفحه‌مؤلف قاطع برهان را اسد الله غالب دهلوی ومؤلف ساطع برهان راشیخ رحیم هندی شناسانده اند .

(۸۱۵)

برهان قاطع

این نسخه بخط نسخ سیّد محمود بن یوسف در سنه ۱۲۰۵ نگارش یافته ، لغات با سرخی نوشته شده و دارای یك سر لوح و صفحات آن مجدول بطلا میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲٦) . صفحه ای (٤۱) سطر . طول (۳۸ سانتیمتر) . عرض ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷٦) .

(۸۱٦)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق عبدالحسین اصفهانی در سنهٔ ۱۲۲۷ نوشته شده ، کلماتی راازمیان سطور آخر کتاب محو کرده‌اند و صفحات نسخه مجدول بسرخی و لاجورد و زردی میباشد .

جلد روغنی مستعمل . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۷۳) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض ($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦۸) .

(۸۱۷)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق در سنهٔ ۱۲۳٤ نوشته شده ، کاتب نامی از خود نبرده و لغات را با سرخی نوشته است .

جلد مرغش . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۱۷) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦٦) .

(۸۱۸)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق محمد مهدی بن محمد علی در سنه ۱۲٤۲ نوشته شده ، دارای یك سر لوح و صفحات آن مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۵۷) . صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦۷) .

(۸۱۹)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، در آخر کتاب کاتب نام خودرا میرزا بابا ابن میرزا محمّد معرفی نموده و سال کتابت را

سنه (۱۲۵۲) تعیین کرده است.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۳۷۲). صفحه ای (۲٦) سطر. طول (۳٤ ½ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۷٤).

(۸۲۰)

برهان قاطع این نسخه را بسال ۱۲۸٤ مراد علی قمشه ای بنا بخواست میرزا علی اکبر نام از روی نسخه ایکه بسال ۱۸۱۸ میلادی درکلکتّه چاپ سربی شده وبهترین وجامعترین نسخ مطبوعه میباشد ونسخهٔ آن بسیار کمیاب بوده و هست، بخطّ نسخ نوشته وآن نسخه چاپ شده نخستین چاپ این کتاب است ودرمقدّمهٔ آن خصوصیات وامتیازات وشرح سیزده نسخه ایکه ازاین کتاب درموقع تصحیح وچاپ دردست بوده وکتب دیگری که موردنظر ودقّت در تصحیح این نسخه بوده واسامی آنانکه متصدّی تصحیح وتنقیح بوده اند وآنها: مولوی حیدرعلی، مولوی نظام الدّین حیدر، بابوتاریخزن متر، مولوی غلام قادر، مولوی کاظم علی نصیرآبادی، منشی امام علی خیرآبادی ومولوی محمد اکبر عظیم آبادی، میباشند **حسین الحسینی** بلگرامی که خود نیز از مصحّحین میباشند نوشته و پس از ختم کتاب، لغاتیکه در فارسی استعمال میشود ودر برهان نبوده از کتب لغت جمع و بنام ملحقات برهان قاطع نگاشته شده و این قسمت مشتمل بر (۳۷۱۷) لغت و کنایهٔ مستعملهٔ در زبان فارسی است ودرمقدمه نیز گوید: پاره ای ازلغات که در فرهنگها نبوده از زبان دانهای معاصر که عبارتند از: ۱ - سیدعلی شیرازی متخلّص به نیاز، ۲ - فضل مولی خان متخلّص به فضل، ۳ - حاج میرزا شفیع شیرازی، ٤ - نظام الدین حیدر متخلص به اوباش، گرفته شده وبنام خود آنها ضبط گردیده است.

این نسخه چون اصل مطبوع آن بسیار مطبوع ودارای یك سرلوح میباشد، صفحات آن مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف و لغات آن نیز با شنجرف نگاشته شده است.

جلد ضربی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۳۷۷). صفحه ای (۳۱) سطر. طول (۳۱ ½ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٦۹).

[۳٤۱] تنقیح الصحاح (عربی)

محمود بن احمد زنجانی (۱) صحاح اللّغه جوهری را که در همین فصل معرّفی آن خواهد شد و از کتب مهمّهٔ لغت میباشد بدواً از نظر گذرانیده و مطالب صرفی و نحوی و بعضی از مکرّرات و امثال و شواهد آن را که بمناسبت در آن ذکر شده بوده انداخته و آن را « ترویح الارواح فی تهذیب الصّحاح » نامیده وپس از آن چون همّت معاصرین را درحفظ و ضبط باقی کم دیده بقیّه شواهد وامثال موجودهٔ در آنرا حذف کرده « تنقیح الصحاح » نام گذارده ودرمقدّمه این کتاب گوید که مختصر اوّل در حدود خمس اصل و این مختصر عشر صحاح و بیش از عشری هم از اصل لغات صحاح اللغه حذف نشده است .

آغاز : بسمله الحمدلله حقّ حمده والصّلوة علی خیر خلقه محمّد و آله و صحبه الخ .

(۸۲۱)

تنقیح الصحاح این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پشت صفحهٔ اوّل نام کتاب ومؤلّف آن ومطالب متفرّقه نگاشته شده، درحاشیهٔ بیشتر از صفحات تعلیقات مختصری تحریر گردیده، نسخه آب دیده ولی خطوط آن ضایع نگشته از آخر آن یکی دو صفحه افتاده و آخرین سطر نسخه که در معانی کلمه وقا میباشد این است : فی مامضی وامّا الیوم فهی عشرة دراهم و خمسة اسباع درهم والجمع الاواقی . نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در سنه (۱۲۸۷) داخل کتابخانهٔ اعتضاد السلطنه شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) ، صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۹٤)،

[۳٤۲] تهذیب اللغه (عربی)

این کتاب که یکی ازمشاهیر کتب لغت میباشد تألیف ازهری رضی الله عنه است

(۱) در روضات الجنات و طبقات الحنفیه و طبقات الشافعیه سبکی و شذرات الذهب و فهارس موجوده و دانشمندان آذربایجان نام این دانشمند و شرح حال و سایر مؤلفات ایشان را نیافتم در کشف الظنون ذیل صحاح اللغه (ص۷٦ ج ۲) نام این مختصر و مختصر سابق و مختصر کننده آنها بدون ذکر سال وفات ثبت شده است .

(ابومنصور محمدبن احمدبن ازهربن طلحة الازهری الشافعی الهروی۲۸۲-$\frac{۳۷۰}{۲۷۱}$)(۱) که‌از کبار فقهای این‌طایفه و از معتمدین ومتورعین بشمار میرود، درفقه وحدیث مهارتی بسزا داشته ودر زهد وعبادت انگشت نما بوده ، بسیاری ازعلما ازوی روایت نموده وجمعی‌هم پیش وی بتحصیل‌علم‌لغت اشتغال‌داشته‌اند، خودازهری در مقدّمه این کتاب‌گوید : در جنگ قرامطه بدست اعراب بدوی اسیر شده و مدّتی بسیار در میان آنها زندگانی‌نموده و از آنهالغات‌و الفاظ فراوانی‌دریافتم و در خلال این کتاب گنجانیدم .

ازهری را مؤلّفات بسیار است ازآنها التّقریب در تفسیر قرآن کریم، شرح الفاظ المزنی ، علل القراآت ، کتاب الرّوح (در این کتاب آنچه راجع بروح درقرآن کریم و اخبار وارد شده جمع‌کرده) ، شرح اسماء الله الحسنی ، شرح اصلاح المنطق ابن سکیّت ، شرح دیوان ابی تمّام و تهذیب اللغه (همین‌کتاب) .

تهذیب‌اللغه یکی‌از کتب مهمّه لغت ونادرهٔ علم‌ادب میباشد ومؤلّف درپیان لغات و تنظیم مفردات طریقه ای انتخاب نموده که خطا و خلل کمتر درآن‌راه یابد و ازتصحیف‌و تحریف نسبةً مصون باشد .

لذا«کتاب‌العین»خلیل‌راپیروی‌وازحرف عین‌شروع‌وبحرف‌الف‌وهمزه‌خاتمه‌داده موافق‌مخارج‌حروف‌است‌که تمام‌آنهارابه نه‌دسته‌به‌این‌طریق‌تقسیم‌وتسمیه کرده‌اند : **حلقیه** (ع ح ه خ غ) ، **لهویان** (ق ك) ، **شجریه** (ج ش ض) ، **اسلیه** (ص س ز) ، **نطعیه** (ط د ت) ، **لثویه** (ظ ذ ث) ، **ذلقیه** (ر ل ن) ، **شفویه** (ف ب م) ، **هوائیه** (ی و ا) . و در مقدمه این کتاب یکباب راجع باین تقسیم و وجه‌تسمیهٔ آنها نگاشته اند .

سبکی در طبقات الشّافعیّه گوید : تهذیب‌اللّغه ده مجلّداست (عشرمجلّدات) ولی‌در نسخهٔ کامل این کتابخانه با تفحّص بسیار اثری از این تقسیم در مقدّمه

(۱) طبقات الشافعیه سبکی‌ج ۲ ص ۱۰۶، طبقات الحنفیه حاشیه ص ۲۱۸، کشف الظنون ج ۱ ص ۱۱۲ و۳۵۱ .

و خاتمه و اواخر کتاب ومباحث وابواب آن دیده نشده جز اینکه فقط درآخر کتاب الکاف (نسخه شماره (۸۲٤) این فهرست) این کتابخانه نوشته شده : تمّ الجزء الثانی عشر ویتلوه فی الثالث عشر کتاب الجیم .

در فهرست کتابخانه خدیویه مصر (ج ٤ ص ۱٦۹ و ۱۷۰) و فهرست دارالکتب المصّریه (ج ۲ ص ۱۰) چند نسخه از این کتاب که مشتمل براجزائی ازاین مؤلّفه است موجود وتاریخ نگارش یکی از آن نسخ سال ٦۳۳ و دیگری بسال ٦۸۷ وتاریخ کتابت یك جزء آن بسال ۷۵۳ میباشد و تقسیمات ذیل ازآن دو فهرست استفاده گردید : **جزء هشتم** شامل قسمتی از حرف الهاء (ظاهراً از ابتداء ماده مُهر) تا ابتداء باب الخاء و الّزای . **جزء نهم** از ابتداء باب الخاء والّزای تا باب الغین و الزای . **جزء یازدهم** تا ابتداء باب القاف و الیاء . **جزء دوازدهم** از ابتداء کتاب الکاف تا آخر . **جزء شانزدهم** از ابتداء باب السین والّتاء تا ابتداء کتاب الطّاء . **جزء هفدهم** ازابتداء کتاب الطّاء تا ابتداء کتاب الذّال .

بنا بر این از ابتداء کتاب تا قسمتی ازکتاب حرف الهاء هفت جزء (۱تا۷) و از باب الغین و الزای تا ابتداء کتاب القاف (ظاهراً) یك جزء (جزء ۱۰) و از ابتداء کتاب الجیم تا ابتداء باب السّین والتاء سه جزء (۱۳ و ۱٤ و ۱۵) و از ابتداء کتاب الذال تا آخر نیز مشتمل بر سه جزء (۱۸و۱۹و۲۰) میباشد و بنا بر این تقسیم بایستی گفت شمارهٔ اجزاء تهذیب اللّغه راسبکی نیز درطبقات الشافعیّه عشرین نوشته بوده و در چاپ یا در نسخه ایکه از روی آن این نسخه چاپ شده‌است به « عشر » تصحیف گردیده لیکن لفظ « مجلّدات » این احتمالرا تزییف میکند جزآنکه آنرا نیز محرّف بدانیم .

ازهری در این کتاب هر یك از حروف را بنام کتابی خوانده و در ابتداء آن بسمله گذارده وآنرا باین ابواب (ابواب المضاعف ، ابواب الثلاثی الصّحیح، ابواب المعتلّ، ابواب اللّفیف ، ابواب الرّباعی ، ابواب الخماسی وابواب الملحق

بالخماسی تقسیم کرده و کلیّه لغاتیکه یکی از حروف حلقیّه یا شغویه و یا غیر از آنرا دارد بمناسبت در یکی از ابواب مذکوره جای داده و ترتیب ابواب نیز موافق ترتیب کتب بر حسب اعتبار مخارج آنها است و چون بخواهیم لغتی را که ازسه یا چهار حرف ترکیب شده بدست آوریم بایستی دانست که آن حروف از کدام یك از دسته های نه گانه میباشد و از آن پس در کتابی که شامل آنحرف بترتیب مذکور فوق میباشد جستجونمود باین طریق که اگر آن کلمه شامل یکی ازحروف حلقی است این لغت را در کتب راجعه باین حروف و اگردارای یکی ازحروف لهوی باشد در کتاب آن و بهمین طریق است سایر حروف ، و یکی از کارهای مهمّ مصنّف این کتاب این است که کلیّه صور متصوّره از ترکیب چند حرف را با یکدیگر در جای خود متذکر شده و مهمل و مستعمل آنها را بیان نموده و در اکثر لغات شواهدی از آیات و اخبار و اشعارفصحاوکلمات لغوّیین آورده است .

مؤلف پیش از شروع در بیان لغات حرف عین که نخستین کتابی از کتب تهذیب است تحت عنوان بابُ ذِکر الأئِمّة الّذین اِعْتَمَدْتُهُم فی ما جَمَعْتُ فی هٰذ الکِتابْ ، شرح مفصلی درمعرّفی بسیاری ازلغویین سابق ومعاصر نگاشته و پس از آن دوباب بنام : باب القاب الحروف و مدارجها وباب ایجاز الحروف . نیز تحریر نموده وتقسیمات حلقی وغیره حروف را مفصّلا در این دوباب آورده و در اطراف آن بحث کرده اند .

تهذیب اللّغه در حدود (۱۳۵۰۰۰) بیت کتابت دارد وتاکنون چاپ نشده و نسخهٔ کامل آنرا جز در این کتاب خانه سراغ نداریم ، جرجی زیدان در ص ۳۰۸ ج ۲ تاریخ آداب اللّغه گوید که نسخی از تهذیب در کتابخانه ایاصوفیا و نورعثمانیه وکوبرلی درآستانه و نسخه‌ای درکتابخانه احمدیه در حلب موجود است ، و از لباب الالباب عوفی برمی آید تاهنگام تألیف آن کتاب (درصفحهٔ یط مقدمه چاپ اوقاف گیب آقای قزوینی نوشته اند که ظاهر آمیان این دو سال ۶۱۷ - ۶۲۵ تألیف شده است) نسخه اصل تهذیب وجود داشته ومناسبت دارد که دراین جا عین عبارات عوفی را نقل کنیم وآن اینست :

عوفی در ص۲۱۱ ج اول لباب الالباب درذیل قطب الدین سرخسی که ازمعاصرین خویش بوده آورده است که قطب الدین در آغاز خوشی خویش گوید : بعد از مدت اندك شنیدم که بجهت کتابخانه سرپل بازارچه (علامهٔ قزوینی نگاشته اند که سرپل یاسرپل وزیران چنانکه از جهانگشا در حکایت خروج تارابی معلوم میشود قریه ایست از نواحی بخارا بکمتر از سه فرسنگ یا ازارباض بخارا ست) تهذیب از هری بخط مصنف از دار الکتب مرو آورده اند و کاتبی بجمال فضل می طلبند چون هیچکس را آن قوت نبود که اورا چه اگر فضلا بودند که آن را نیکو بدانستند از خط حظ ایشان وافر نبودی و اگر خط نیکو بودی اهلیت آن نداشتند بدو ارسال کردند و صدراجل مجیر الدین اورا بخدمت خود خواند و از فضل و هنر او معلوم کرد و دانست که ذات او جهان علم وکان فضل است اورا بخدمت صدر سعید عبد العزیز[بن]عمر بن سیدسادات بردفرمودند تواین رادیدهٔ و ازاینجا لغت استخراج توانی کرد او تبسم کرد چه اورا فضل آن بود که مثل این تالیف کند فرمودند که صفحهٔ از این کتاب بنویس تا خط تو صدر جهان مطالعه کند بر بدیهه فصلی در فضل این کتاب و استخراج لغات آن تحریر کرد و شعری بر ترتیب حروف که بناء استخراج آن بدانست انشا کرد و بخدمت فرستاد و چون این فضل وافر بدیدند آن کتاب بدو دادند و اورا راتب نیکی مهیا گردانیدند و بتدریج محل او عالی و رتبت او سامی شد وکار او بالا گرفت و دبیر صدر جهان شد کتابخانه سرپل بازارچه اورا دادند و پیش از آن در بخارا اشتغال محصلان در شرعیات بود و بفضلیات کس التفات نکردی و در آن خوض نکردی چون اقبال او بدیدند خلق بتحصیل آن شیوه اقبال نمودند ومن درخدمت او تحصیلها کرده‌ام وقتی از سمرقند نامهٔ نوشته بود به نزدیك خواجه امام ناصرالدین پسرخود الخ).

مؤلّف در مقدّمه بیان کرده که پس از آنکه هفتاد سال ازعمر وی گذشته باین تألیف مبادرت نموده و چون دانستیم که تولد وی بسال ۲۸۲ بوده بدست می‌آید که اینك که سال هجرت ۱۳۵۷ قمری است بیش از هزار سال از تألیف این کتاب گذشته است .

چنانکه صاحب کشف الظنون درص۸۳ ج ۲ نوشته اند تاج الدین محمودبن ابی الحواری لغوی که تا سال ۵۸۰ زنده بوده کتابی بنام « ضالّة الادیب فی الجمع بین الصّحاح والتهذیب » تألیف نموده و در آن بر جوهری انتقاداتی دارد .

این کتاب را نبایستی بکتاب « تهذیب الاسماء والکنات » تألیف محیی‌الدین ابی زکریا یحیی‌بن شرف شافعی نوادی شامی (۶۳۱ - ۶۷۶ه.) اشتباه نمود .

عبدالکریم بن عطاء الله اسکندری متوفی بسال ۶۱۲ تهذیب اللّغة ازهری را مختصر کرده است (کشف الظنون ج ۱ ص۳۵۱) .

آغاز : بسمله الحمدالله بکل ماحمده به اقرب عباده الیه و اکرم خلایقه علیه الخ .

انجام : و اعلم ایها الناظر فی کتابی انی لاادّعی انی حصّلت لغات العرب کلها ولا طمعت فی ذلك غیر انّی حرصت ان یکون مادوّنته مهذّبا من آفة التّصحیف مُنقّاً من فساد التّغییر ومن نظر فیه من ذوی المعرفه فلا یعجلنّ الی الردّ والانکار ..... وایّاه اسئل مبدئاً ومُعیدا ان یُصلّی علی محمدالنبیّ وآله الطّیبین اطیب الصّلوات و ازکاها وان یحلّنا دار کرامته و مستقر رحمته انّه اکرم مسئول و اقرب مجیب و الحمد لله ربّ العالمین حمداً کثیرا جلیّاً مبیناً .

(۸۲۲)

تهذیب اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، نامی از کاتب وسال کتابت در این نسخه و سائر مجلّدات نیست ، کتابت بیشتر از اوراق این نسخه بایستی در قرن نهم شده باشد اوراق دیگر هم که نو نویس میباشد بسیار شبیه با اوراق سابقه نگارش یافته و اوراق اوّلیّه متن وحاشیه است .

پشت اوّلین ورق نسخه تقسیمات نه گانه حروف ولغاتیکه دراین مجلّداست (حرف العین من الحاء الی الیاء و حرف الحاء مع القاف و الفاء) تذکّر داده شده و پشت اوّلین صفحه کتاب مطالبی راجع بترتیب تهذیب و کیفیّت استفاده از آن نوشته شده و بنام مجلّد اوّل تهذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشمل بر کتاب العین وقسمتی از کتاب الحاء میباشد و صفحات آن مجدول بشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۱۰) صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۵۷) .

(۸۲۳)

تهذیب اللغه این نسخه بخط نسخ نگارش یافته ، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده، و بنام مجلّد

دوّم تهذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر بقیّه لغات کتاب **الحاء** و تمام کتاب **الخاء** ازغین تاسین (تامادهٔ بخس) میباشد، فهرست مندرجات بر اوّلین ورق نسخه بخط نسخ نوشته شده و برنخستین ورق کتاب مهراسمی بوده آن را محو کرده اند.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤٢٥) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۸) .

(۸۲٤)

تهذیب اللغه این نسخه چون نسخهٔ اولی بخط نسخ خوب نوشته شده ، بعضی از اوراق آن کهنه و متن و حاشیه میباشد ، کنار سه ورق از آن سوخته ولی خطوط ضایع نشده ، پیش از شروع بماده **قبو** یك ورق کاغذ ننوشته گذارده شده و مطالب ورق پیش پیداست که نا تمام مانده و شاید بیش از همین یك ورق افتاده نداشته باشد ، بنام مجلّد سوّم بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر کتاب **الخاء** (از زاء تا آخر) و کتاب **الغین** و کتاب **القاف** و کتاب **الکاف** میباشد و فهرست مندرجات بخط نسخ خوب پشت اوّلین ورق نسخه نگاشته شده و در آخر این نسخه تصریح شده که جزء دوازدهم تهذیب باینجا ختم گردید .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۲۵) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۹) .

(۸۲۵)

تهذیب اللغه . این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و در آخر کتاب حرف الجیم تاریخ فراغ از کتابت سال ۵۷۵ تذکر دادشده چنانکه پیش‌ازاین نیز گفته شد ازخود نسخه معلوم میشود که این تاریخ راجع بکتابت این نسخه نیست و بایستی تاریخ نسخه ای باشد که این‌نسخه را از روی آن نوشته اند و مشتمل برکتاب **الجیم** و کتاب **الشین** و کتاب **الصاد** وقسمتی

از کتاب **السین** (از حرف زاء تا میم) میباشد و در کتاب الجیم از حرف اللام تا آخر کتاب(۵۰ ورق) مکرّر نوشته شده، این نسخه بنام مجلّد چهارم تهذیب بر این کتابخانه وقف شده و تمام صفحات مجدول بشنجرف میباشد و فهرست موادیکه این نسخه مشتمل بر آنها است بخط نسخ خوب پشت اوّلین صفحه نوشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول . (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۶۰) .

(۸۲۶)

تهذیب اللغه این نسخه که بر کنار صفحه اوّل بنام مجلّد پنجم بر این کتابخانه وقف گردیده مشتمل بر کتاب السّین (بقیّه نسخهٔ پیش) و کتاب **الزاء** و کتاب **الطاء** و کتاب **الدال** و کتاب **التاء** و کتاب **الظاء** و کتاب **الذال** و کتاب **الثاء** و کتاب **الراء** و کتاب **اللام** و کتاب **النون** و کتاب **الفاء** و کتاب **الیاء** و کتاب **المیم** و کتاب **الجوف** (ی ، و ، ا) میباشد و تهذیب بآخر این نسخه بانجام میرسد و برنخستین ورق، فهرست مندرجات نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ومهر اسمیکه دراوّلین صفحه کتاب بوده دراینجا نیز بوده وهمچنان محو گردیده و پاره ای از اوراق متن و حاشیه و مجدول بشنجرف است ، نام نویسنده و سال نگارش ندارد و ظاهراً خط کاتب مجلّدات پیشین میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۸۹) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۶۱) .

[۳۴۳] خلاصهٔ عباسی (ترکی بفارسی)

این کتاب مختصر سنگلاخ تألیف میرزا مهدیخان منشی معروف نادر شاه میباشد . نسخهٔ سنگلاخ را (درص ۱۶۰) در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران نشان دادیم ، مؤلف ومختصر کننده در مقدّمه خود را محمّد خوئی معرّفی کرده وگوید :

چون خاطر ملکوت ناظر بندگان اسکندرشان نائب السلطنة العلیه والخلافة البهیه ولی النعم الجلیله (نمج الخلیله) الحلیله مجاهد کفار، غازی کرار، حافظ بیضهٔ اسلام . . . . . السلطان ابن السلطان (۱) شاه عباس قاجار ادام الله عهده ومهد ممالك حکمه و مهده بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ که مرحوم میرزا مهدیخان درلغات ترکی نوشته وتار و پود آن نسج را مانند برهان قاطع درلغت فارسی رشته مشتمل است بر زیادات در بیان معانی اشتقاقات و بیان معانی بعضی لغات وحاوی بود بر ابحاث (نمج ، برنصیری) وغیره ازشارحان لغت ترکی درفهم اشعار نوائی وغیره تصرفی در آن کتاب نظیر المحکم والعباب (۲) شود بطوریکه همه لغات که در آن کتاب است در آن مختصر درج لهذا کمترین دعا گویان واقل منسوبان ؟ **محمد خوئی** برخی ازاوقات را به آن خرج کرده مشتقات را حذف ومعرا ازشواهد ساخته وابحاث وتکریرات از او انداخته اکتفا به بیان معانی مصادر و جوامد نمود چه بعد از دانستن معنی النصر مثلا درلغت عربی معانی مشتقات آن بمقایسه معلوم گردد ومعهذا برای غایت توضیح در ذیل یك مصدر کیفیت اشتقاقات را بیان نمود تا به آن قرار درهمه مصادر معلوم شود وعلاوه بر آن در مقدمهٔ کتاب قواعد و ضوابط لغت ترکی بیان شده و از آن هم کیفیت اشتقاقات واضح است و بعد از اتمام مرام کتاب مختصری شد گذاشته شده درطرف تمام آن بحسب حجم و کتابت عشری از اعشار سنگلاخ نیست و همه لغات که در سنگلاخ است فعلاً و قوةً در آن مختصر است و آن کتاب را بجهة تیمن و تبرك موسوم به **خلاصه عباسی** نمود والاستعانه من الملك المعبود مقدمه .

از اینکه نسخه ذیل بسال ۱۲٤۰ نوشته شده و قرائنی که در عبارات مذکور بالا موجود میباشد تألیف آن در سال تحریر نسخه و یا کمی پیش از آن است .

چنانکه گفتیم در این کتاب مؤلّف خود را **محمد خوئی** معرّفی کرده ودر

---

(۱) در نسخه این مدرسه بدین نحو که بالا نقل شد نوشته شده و در نسخهٔ دیگری که بسال ۱۲٤۵ از این کتاب نگاشته شده ودر کتابخانهٔ مجلس شورای ملی موجود است عبارت در اینجا چنین است : ابوالنصر شاه عباس ادام الله عهده ومهد ممالك حکمه مهده بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ الخ . واین شاه عباس همان عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه قاجار است که بسال ۱۲٤۹ پیش از پدر بمرد و بشاهی نرسید ویادشاه پسر وی محمد شاه را ولیعهد کرد وبسال ۱۲۵۰ دراصفهان بدرودزندگی کرد ونوه اش محمدشاه مزبور بسلطنت رسید .

(۲) **محکم** درلغت و تالیف ابن سیده و**عباب** نیز درلغت وتالیف حسن ابن محمد الصنعانی متوفی بسال ٦۵۰ میباشد ودر ص ٤۰۱ ج ۱ کشف الظنون است که تاج الدین المعروف بابن المکتوم متوفی بسال ۷٤۹ کتابی بنام « الجمع بین العباب والمحکم » تالیف و نیز آنرا مختصر نموده و نام آنرا « المشوق المعلم فی تلخیص الجمع بین العباب و المحکم » گذارده است .

مقدّمهٔ کتاب« مجمع الحکمتین و جامع الطّبین »(۱) و کتابیکه در علم تشریح وقواعد طبّیّه بنام « انوارناصریّه» (۲) تألیف نموده خود را محمّد بن عبد الصبور معرّفی کرده ودر کتاب اوّل گوید مشهور به طبیب و پشت کتاب دوّم نوشته شده تألیف حکیم باشی است، آقای تربیت درص ۱۲۲ دانشمندان آذربایجان ایشانرا در تحت عنوان **حکیم قبلی** (۳) ذکرودرص ۲۰۳ المآثر والاثار این مؤلف بنام **ملامحمد قبلی** نام برده شده و در دو کتاب فوق سال وفات وی نگاشته نشده ، از اینکه انوار ناصریّه رابسال ۱۲۷۲ تألیف نموده و اینکه در المآثر والاثار مؤلفه بسال ۱۳۰۶ نوشته شده : حکیم باشی حضورمبارك بود معلوم میشود که میان این دو تاریخ وفات یافته است و در دانشمندان نوشته شده کتاب « تعلیم نامه درعمل آبله زدن» تألیف دکتر کارمك انگلیسی را بفارسی ترجمه نموده و بسال ۱۲۴۵ در تبریز باحروف سربی چاپ شده است .

از مؤلّفات فوق بر می آید که مردی جامع علوم قدیم و جدید بوده و در ادبیّات دستی قوی داشته و در دستگاه عباس میرزا نائب السلطنه و محمد شاه وناصرالدین شاه مقرّب و طبیب رسمی بوده و بالاخره حکیم باشی شده است .

برای معرّفی ازاین کتاب عین عبارات قسمتی از دیباچه را نقل نمودیم و مؤلّف مقدّمه را که در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد در قواعد و ضوابط متعلّقهٔ بلغت ترکی وصرف ونحوآن زبان قرار داده و برحسب تصدیق ترکان دانشمند با کمال اختصارش بسیار جامع نوشته شده است و این مختصر بشمارهٔ حروف

(۱) نسخه ای از این کتاب که بسال ۱۲۵۰ نوشته شده و از مقدمه آن بر می آید به امر عباس میرزا نائب السلطنه تالیف ودر زمان محمد شاه خاتمه یافته وزبان انگلیسی را میدانسته و از کتب طبی آنها ترجمه و در این کتاب آورده تحت شماره (۷۶۹) در این کتابخانه موجود است .

(۲) این کتاب بسال ۱۲۷۲ در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری تالیف گردیده و همانسال در تبریز چاپ سنگی شده و نسخه آن تحت شماره (۷۹۷) دراین کتابخانه موجود است .

(۳) دروجه تسمیه ولقب این طبیب دانشمند به قبلی آقای تربیت فرمایند که این طبیب برسم اعیان واشراف آن روزگار با جلالی تمام در کوچه وبازارحرکت میکرد وبقلیان هم علاقه زیادی داشته ویکی از تعینات وی این بود که نوکری سوار با قبل ومنقل که لوازم قلیان و آتش افروخته در آن گذارده میشود همواره ملازم داشت بدین سبب معروف به **حکیم قبلی** گردید .

تهجّی بکتابهائی تقسیم شده و از کتاب‌الالف شروع گردیده و حرف دوّم هم درترتیب ذکر لغات معتبر و مشتقّات را نخست و پس از آن جوامد را آورده است و تمام کتاب در حدود (۶۰۰۰) بیت کتابت دارد و در آخر کتاب اشعاری‌را ازامیرعلیشیرنوائی که معانی آنها معلوم‌نشده بنام خاتمه نقل نموده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل النّاس شعوباً و قبائل الخ . . . . امّا بعد چون خاطر ملکوت الخ .

(۸۲۷)

خلاصهٔ عباسی این نسخه را بخطّ نستعلیق خیلی خوب محمد صادق سبزواری بسال ۱۲۴۰ بگفته میرزا محمد ابراهیم سبزواری که از القاب مرقومه معلوم میشود از رجال دربار بوده نوشته است و مراتب را در آخر نسخه تذکّر داده و اصل لغات بخطّ نسخ نگاشته شده و اسامی کتب و عناوین دیگر را با شنجرف تحریر نموده و پشت نخستین برگ یادداشت شده که بسال ۱۲۶۲ داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۹) . صفحه ای (۱۶)سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۹۱).

[۳۴۴] دستور اللغة (عربی وفارسی)

مؤلّف این کتاب ذواللّسانین بدیع الزّمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی(۱) متوفّی بسال ۴۹۷ (۲) میباشد که یکی از ادباء نامی قرن پنجم هجری

(۱) نطنز شهر کوچکی است میان اصفهان و کاشان وفاصله آن موافق تعیین اداره پست به اصفهان(۱۲۸٫۶) کیلومتر وبه کاشان (۶۰) کیلومتر میباشد ومیوه‌جات مخصوصا گلابی آنجا بخوبی معروف است .

(۲) سمعانی (۵۰۲ - ۵۶۲) که معاصر و شاگرد سبط وی بوده وفات اورا بسال ۴۹۷ نوشته (ص ۴۶۴ چاپ عکسی الانساب) و یاقوت که در اوائل قرن هفتم زندگانی مینموده وی و دختر زاده اش ابوالفتح را که نیز از ادباء نامی و استاد سمعانی بوده نام برده (ج ۴ ص ۷۹۳ معجم البلدان چاپ اروپا) و گوید که ابوالفتح بسال ۴۹۷ درگذشته و این قول غلط است چرا که سمعانی متولد ۵۰۲ در الانساب ابوالفتح‌را استاد خود معرفی نموده و در وقت نوشتن این کتاب زنده بوده است . و سیوطی در بغیةالوعاة (ص ۲۳۱) وفات ذواللسانین را در جمادی الاخری بسال ۴۹۹ ثبت‌نموده و گوید که‌ابن‌جماعه نوشته درمحرم سنه ۷ مرده وصاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ۴۹۲) قول سیوطی‌را معتبر دانسته درصورتیکه قول‌سمعانی مقدم‌میباشد چرا که‌نزدیك بعصروی بوده است .

بوده و در ادب مؤلّفاتی داشته و بعربی و فارسی شعر میگفته و سیوطی در بغیة الوعاة این سه بیت را از اشعار او آورده است :

اَلْعِزُّ مَخْصوصٌ بِهِ الْعُلَمآءُ ما لِلْاَنامِ سِواهُمُ ما شاءُوا
اِنَّ الْاَکابِرَ یَحْکُمُونَ عَلَی الوَرَیٰ وَ عَلَی الْاَکابِرِ یَحْکُمُ الْعُلَمآءُ

اَسْوَءُ الْاُمَّةِ حالًا رَجُلٌ عالِمٌ یَقْضِی عَلَیْهِ جاهِلٌ

در دستور اللّغة نیز اشعاری که مشتمل برقواعد صرفی و نحوی است ازایشان دیده میشود و درجای دگر باشعار این دانشمند دست نیافته‌ام، چنانکه ازمؤلّفات دیگر ایشان هم اطّلاعی بدست نیاوردم جز اینکه دانشمند فقید یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملك)(۱) مؤلف فهرست کتب خطّی مجلس شورای ملی درص ۲۷۲-۲۷٤ کتابی بنام « مرقاة »(۲) نیز باین مؤلّف نسبت داده اند .

کتابی که اینك بنام مشهور آن (دستور اللّغه) در این جا نام برده شده یکی‌از کتب خوب لغت میباشد و با اختصاریکه دارد بسیارمفید و دارای ارزش و اهمیّت خاصی است ، در پاره ای از موارد لغات عربی را بفارسی دری(۳) نیز

(۱) این دانشمند یگانه رحمة‌الله علیه شب یکشنبه ۲۹ شوال ۱۳۵٦ زندگی را بدرود گفت و قلوب دوستداران علم و ادب را جریحه دار کرد .

(۲) در کشف الظنون (ج ۲ ص ٤۱۸) بدین نام سه کتاب نام برده شده : ۱ - **مرقاة الادب** لغتی‌است فارسی ومنظوم‌ازاحمدی کرمانی متوفی‌بسال ۸۱۵ . -۲ - **المرقاة** که نیز در لغت و دارای دوازده باب و بفارسی است و آغاز آن این است: الحمدلله مبدع الاشیاء بقدرته الخ. ومؤلف آن ذکر نشده بنا برصحت انتساب کتابی بدین نام باین‌مؤلف ممکن است همین نسخه که آغاز آنرا مؤلف کشف‌الظنون نقل کرده‌اند ازنطنزی بدانیم و یا مؤلفهٔ اورا غیرازاین بدانیم . -۳- **مرقاة اللغه** مؤلف آن‌چهارده‌هزارلغت‌ازصحاح‌جوهری و شانزده هزار ازقاموس درآن جمع کرده و اصل آن بعربی میباشد و مؤلف خود آنرا به ترکی ترجمه نموده است . بنابرین مسلماً این کتاب از نطنزی نخواهد بود .

(۳) سروری درمجمع‌الفرس گوید : دری زبان پارسی‌است‌ومحمد هندوشاه گفته که بواسطهٔ آن این‌زبان‌را دری میگویند که درزمان بهمن‌بن‌اسفندیار چون مردم ازاطراف‌عالم بدرگاه او می آمدند وزبان یکدیگررا نمیدانستند پادشاه فرمود تادانشمندان‌زبان فارسی‌وضع کردند یعنی زبانیکه بردرگاه شاه به‌آن تکلم کنند وحکم کرد تا درجمیع ممالك به‌آن زبان‌سخن کنند ، جهانیان‌را این‌وضع‌خوش آمد وبمرور ایام منقح ویا کیزه‌شدحکیم‌انوری گوید بیت :

سمع بگشاید زشرح بسط او جذر اصم چون زبان نطق بگشاید بالفاظ دری.

ترجمه نموده و گذشته از تفسیر لغات مهمّه و مستعمله در کتب و اشعار و بیانات فصحا و بلغا در مقدّمهٔ آن قواعد مهمّه صرفی و نحوی و اوزان زبان عرب را با بهترین طرز (با نظم بسیاری از آن قواعد(۱) و اوزان) آورده و گذشته از این در جداولی(۲) صیغ مشتقّة از ابواب را ضبط نموده تا برای طلاب کار آسان گردد و در آخر مقدّمه در چند بیت تصریح نموده که نام این کتاب را « الخلاص » گذارده و وجه تسمیهٔ آنرا هم بیان کرده‌اند و در اینجا با قسمتی از ابتداء کتاب نقل میشود و آن این است :

وَ سَمَّيْتُهُ بِكِتابِ الخَلاص لِخلاصة كُلِّ لَفْظٍ مُعادٍ وَكَلامٍ
مُعْتاصٍ بِما لابُدَّ مِنْهُ العامُّ وَ الخاصّ ثُمَّ لِلْتَّفأُلِ بِخَلاصِ
نَفْسَيِ المُسيئَةِ القَصاص كما قالَ القائِلِ :

كِتابُ الخَلاصِ كِتابٌ بِه خَلاصُ النَّطَنْزِيِّ يَومَ الحِساب
اَراحَ بِه الخَلْقَ عَنْ كَدِّهِم فَجاءَ بِمَقْصودِهِم في كِتاب
اِذا ما تَأَمَّلْتَ مَضْمُونَه وَ فَكَرت فى كُلِّ . . . . . وَ باب
عَلِمْتَ حَقيقَةَ ما قُلْتُه وَ قُلْتَ احفِظوهُ كَاُمِّ الكِتاب
فَحافِظُه عَنْ قَليلٍ بِهِ يَعُودُ مَلِيّاً بِفَصْلِ الخطاب
جزى اللهُ خَيْراً مَنْ تَأَمَّلَ صَنْعَتي وَ قابَلَ ما فيها مِنَ السَّهْوِ بالْ . . . (۳)
وَ اَصْلَحَ ما اَخْطَأْتُ فيهِ بِفَضْلِهِ وَ فِطْنَتِهِ وَ اسْتَغْفَرَ اللهَ مِنْ سَهْوِى .

(۱) نطنزی گوید : جمیع اصول الفعل سبعة اضرب . لها انا فی بیت علی الوجه واصف . صحیح و مهموز مثال و اجوف . لفیف و منقوص البناء مضاعف .

(۲) نویسندهٔ نسخه این کتابخانه این اشتقاقات را در جداول نگذاشته و بترتیب کتاب نگاشته ولی نگارنده نسخهٔ کتابخانه مجلس بعضی از آنها را در جداول گذارده و بعضی را هم نگذاشته است .

(۳) در نسخه دستور اللغه متعلق بمجلس که عبارات فوق از آن استنساخ گردیده در این دوجا (سه سطر پیش و اینجا) جای کلمه ای را خالی گذاشته ولی از قرینه بدست می آید .

کتاب الالف من الاسماء الالف‌المفتوحه **آس**: مورد. **آسان**: للجبال(۱).
آلاء: نیکیها . **آل**: خویشان، بالا، کوراب. **آصره**: خویشاوندی . [وللعاطفه](۲)
آصوت : [و](۳) شجرمرّ . **هوعلی آسان وآسال** من ابیه‌ای شبه. **هو آبل الناس**: ای اشدّهم تأنّقاً فی رعیة الابل . . .(٤) بیننا و بین مکّه عشر لیال . **آنسات** : ای مودعات . **آسات** : ای تارکات . **آرك** : یرعی‌الاراك . **کبش آذن** ونعجةٌ آذناء : بزرگ گوش . آنسه زنی نیکو حدیث الخ.(٥)

از جمله ایکه در مقدمه نسخه ذیل نگاشته شده : « حررّها الشیخ الادیب ذواللّسانین اسعده الله فی الدّارین للمجلس الشّریف النّظامی(٦) لازال قصر عمره عامرا الخ». بدست می آید که این کتاب بنام‌خواجه نظام‌الملك متوفی بسال٤٨٥ تألیف گردیده بنا بر این تألیف آن پیش از سال مذکور بوده است.

مؤلّف خود در مقدّمه گوید : این کتاب را به بیست و هشت کتاب وهر کتابی را به دوازده باب تقسیم کرده . و ترتیب تنظیم‌وطریقهٔ استفاده از آن را خود متذکّر شده اند .

دستور اللّغه ، یاکتاب « الخلاص » درحدود (۷۵۰۰) بیت کتابت‌دارد.
آغاز : بسمله الحمدلله الّذی ابدع العالم بقدرته و خصّ بنی‌آدم بکرامته‌الخ.
انجام : جزی الله ذالفظ یعاضد قائلاً ـ تطوّع آغثْ شخص الحسین برحمتك،

---

(۱) در نسخهٔ ذیل للجبال باحاء مهمله نوشته شده ولی چنانکه در فهرست معارف ضبط شده در نسخه آن کتابخانه با جیم میباشد ودرنسخه کتابخانه‌مجلس هم که این قسمت (از سمیته تا الخ .) ازآنجا نقل گردیده للجبال با جیم ایجد است .
(۲) درنسخه‌ها این‌کلمه‌را نوشته‌اند وما مراد آنرا ندانستیم .
(۳) واو ، دراینجا زیاد بنظر می‌آید ودرنسخه این کتابخانه اصلا این لغت نوشته نشده است .
(٤) درنسخه مجلس بجای سه نقطه ظاهراً کلمهٔ بوده ولی در نسخه ذیل فاصله نیست ، بنا بر این بایستی ترجمهٔ لغت آبل باشد ویا کلمه‌ای بوده ونوشته‌نشده‌است .
(٥) برای نشان دادن طرز کتاب این مقدار از ابتداء آن نقل گردید واین نقل بانسخهٔ ذیل تقدیم و تاخیر و اختلافی دارد.
(٦) درنسخهٔ ذیل بهمین نحو نوشته شده ولی در ص ۱۳ ج ۲ فهرست دارالکتب‌العربیه مؤلف آن گوید : الفه لمجلس الاجل جمال الملك النظامی الخ . و بنظر نگارنده جمال الملك نظام الملك بوده وکاتب نسخه « دارالکتب العربیه » یا مطبعه آنرا تحریف کرده اند .

تمّت و الحمدلله الخ(۱) .

(۸۲۸)

دستور اللغه این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۶۲ نوشته شده و کاتب نامی از خود نبرده ، قسمتی از آخر کتاب ناقص بوده ، نویسنده بد خطّی بسال ۱۲۷۱ آن را نوشته‌است، عناوین مطالب کتاب و ابواب و پاره‌ای از لغات با سرخی نوشته شده و ورق اوّل و آخر مصالی گردیده است .

جلد تیماجی ، کاغذ فرنگی . واقف آقای درخشان (۲) . قطع خشتی. شماره اوراق (۱۶۸). صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($17\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (٤٤٥٦) .

[۳٤٥] دیوان الادب (عربی)

مؤلّف این کتاب ابو ابراهیم اسحق بن ابراهیم فارابی متوفی در حدود ۳۵۰ یا ۳۷۰ (۳) میباشد ، جوهری صاحب صحاح اللّغه پسر خواهر این دانشمند بوده و درمآخذ قدیم وجدید بس‌در کتاب معجم‌الادباء (ارشادالاریب الی‌معرفة‌الادیب) و بغیة‌الوعاة سیوطی و بنقل از آن دو ، در روضات الجنّات نام ابو ابراهیم و مختصری از حالات او که ذیلاً نقل خواهیم نمود دیده شد .

---

(۱) درنسخهٔ مجلس آخر نسخه چون عبارت بالا میباشد و در نسخه این کتابخانه «قالا و «یطوع» نوشته شده و درفهرست معارف آخر این نسخه را این بیت فارسی نقل کرده اند :

گرچه زخاك دست نطنزی شود تباه یك چند یادگار بود زو خط سیاه

(۲) آقای محمد درخشان رئیس امور اداری مدرسه عالی سپهسالار بر حسب وصیت دانشمند مرحوم آقای شیخ محمدعلی کاتوزیان وصایت آن فقیدرا دارا وبایستی ثلث ایشان‌را درخیرات ومبرات‌مصرف نمایند ، ایشان‌هم بهترین‌مواردمصارف بریه‌را تهیهٔ کتب‌واهداء بیکی از کتابخانه های‌مهم عمومی دانسته و کتب خودآن مرحوم‌را خریداری وموافق‌شروط مندرجه دروقفنامهٔ مدرسه وقف ودرشهریور ۱۳۱۵ تحویل کتابخانه داده اند و درقفسه ای بنام خود آنمرحوم گذارده شده و شماره این کتب (۱۳٤) مجلد و در دفتر کتابخانه از شمارهٔ (٤۳۳۰ تا ٤٤٦٤) ثبت گردیده است .

(۳) معجم الادباء ج ۲ ص ۲۲٦ تا ۲۲۹ ، بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ص آ ورق ۲٤٦ و روضات الجنات ص ۱۱۱ ج ۱مراجعه‌شود وسال‌تقریبی‌وفات مؤلف درمعجم‌الادباء ۳٥۰ ثبت شده وناشر درذیل ۳٥۰ تصحیح کرده ولی‌در بغیة‌الوعاة ۳٥۰ و ۳۷۰ بتردیدنقل گردیده‌است .

اسحق بن ابراهیم فارابی (فاراب درنزدیکی خراسان وازشهرهای ترکستان است) میباشد و بنقل از قفطی بکشور یمن مسافرت نموده و در زبید(۱) کسه از توابع آن است مسکن گزیده و دیوان الادب را در آنجا تألیف نموده ولی کسی توفیق نیافت که پیش وی آن را بخواند ومرگ او را در ربود .

یاقوت درذیل بیانات قفطی مطالبی نگاشته که معلوم میشود بعضی پیش مؤلف توفیق بر خواندن این کتاب را یافته و از وی روایت نموده انـد و کتاب بیان الاعراب و شرح ادب الکاتب را نیز از مؤلّفات ابو ابراهیم نقل نموده است .

سیوطی چیزیکه برمطالب یاقوت افزوده تردید درسال وفات این مؤلّف است که بسال ۳۵۰ یا ۳۷۰ بوده و از شرح مطالب دیگر هم بمختصری از نوشتهای یاقوت قناعت کرده است .

از دیباچه و مقدّمهٔ دیوان الادب نگارنده استفاده میکند که مؤلّف آن شیعی مذهب بوده و مسافرت بیمن و توقّف درآنجا که از اوائل اسلام مرکز شیعیان بوده این احتمال را قوّت میدهد و چون قسمت عمـده ای از شیعیان یمن زیدی مذهب اند شاید این دانشمند هم بر این مذهب بوده و نبودن نام ایشان در کتب رجال امامیّه و عامه ممکن است بهمین جهت اخیر باشد وعبارات مقدّمه وطرز آن احتمال تشیّع اورا تأیید میکند و آن عبارات این است :

صلّی الله علي خیر البریّه المخصوص بالرّفعة و الفضیلة الّذی اقسم بعمره و غفرله ما تقدّم مِنْ ذنبه و ما تأخّر محمد خاتم النّبیّین وعلي آله اجمعین امّا بَعْد . . . . . وکان من قضائه تفضیل المصطفي علیه السلام علي الخلیقه ادّخر له کل فاضل وابتدأ له کل نفیس من زمان وبلد واصحاب واسم وترکیب وخلق وسمت ونسب وعترة وامة و لسان و اما الزمان فهو زمان العلم . . . .

(۱) زبید بفتح اول و کسر ثانی بایاء مثناة تحتانی نام شهری است در یمن (معجم البلدان ج ۲ ص ۹۱۵) . وقاموس درباب دال وفصل زاء .

.....واماالعترةفهی السفينة التي من ركبها نجا ومن تباعدعنها تردی وهوی.

و نیز در آخر هر یك از کتب ششگانه چنین نگاشته : (انقضي كتاب . . . والحمدلله رب العالمين وصلي الله علي محمد و آله الطيبين و سلّم تسليما).

و میدانیم که اهل سنّت همواره در این موارد صحابه را هم عطف به آل مینمایند ولی شیعه و امامیّه در صلوات نامی از صحابه نمیبرند و چون عموماً کتّاب هم خلاف امانت نمیکنند و در عبارت مؤلّف تغییری نمیدهند بنابر این عبارت مذکور از خود مؤلف ودالّ بر تشیّع او است .

مؤلّف، دیوان الادب را به شش کتاب بدینطریق تقسیم نموده : (الاوّل) **كتاب السالم** . (الثانی) **كتاب المضاعف** . (الثالث) **كتاب المثال** . (الرّابع) **كتاب ذوات الثلاثه** و هو ماكان في وسطه حرف من حروف العلّه. (الخامس) **كتاب ذوات الاربعه** وهو ماكان آخره حرف علة . (السادس) **كتاب الهمزه** .

و در مقدّمه پیش ازشروع باصل کتاب مطالبی نافع نگاشته و طرز کتاب را هم تذکر داده است . اگر چه پیدا کردن لغات ازدیوان الادب بی زحمت نیست و تا کسی اصل و ریشه و باب و وزن هر کلمه را درست نداند نمیتواند آن را پیدا کند و بهمین جهت متروك مانده ولی بدین نظم و ترتیب خدمت بزرگی بادب و ادبیّات شده ومؤلّف راه تحریف وتصحیف را برکلمات بسته و نظر بکثرت اسماء در هر کتاب ذکر آنها بر افعال مقدّم گردیده و میزان در ترتیب کلمات حروف اواخر بترتیب حروف ابتث (ا ب ت ث الخ) میباشد و درموارد لازمه استشهاد بآیات قرآن کریم واحادیث واشعار فصحا و کلمات بلغا و حکم و امثال گردیده و ما برای بصیرت کامل مراجعه کنندگان قسمتی ازاین کتاب را برای نشان دادن طرز و روش آن در اینجا نقل مینمائیم :

باب فعل بفتح الفا وضم العين . ث يقال رجل حَدُث وحَدَث ای كثير - الحديث . ح يقال رجل فرح و فرح بمعني د العَبُد استعمله الشاعر في

موضع العبد قال الفرّا هو من ضرورة الشعر و هوقوله :

اَبَني لبيني اِنَّ اُمَّكُمُ اَمَةٌ وَ اِنَّ اَبَاكُمُ عَبُدُ

ويقال رجل نُجد ونَجْداى شجاع ر يقال رجل بكرفي حاجته وبكرو رجل حذر و حذر والسمن من العضاه ويقال وظيف عَجُر وعَجْر للغليظ و يقال رجل نكرو نكر ز هوالعجز يذكرو يؤنث س يقال رجل ندس و ندس اى فهم و نطس و نطس للمبالغ في الشي ش يقال مكان عطش و عطش لقليل المآء ع هوالسبع وهي الضبع و الضبع ايضاً السنة الجديه يقال اكلتهم الضبع وذالك اذا اجدبوا قال الشاعر: اباخراشة اما كنت(كذا) ذانغر: فانّ قومي لم تأكلهم الضبع . ويقال رجل طمع وطمع ل الرجل واحد الرجال ويقال رجل عجل و عجل بمعني ن يقال رجل فطن وفطن بمعني. وممّا الحقت الها من هذا البنآءِ: الصدقة الصداق قال ابن الجريح و كان من افصح الناس قضي ابن عباس لها با الصدقه ل المثله العقوبه باب فعل بفتح الفا و كسر العين الخ.

صاحب كشف الظنون درص ۵۰۳ ج ۱ ديوان الادب را نام برده ودر ذيل آن شرحى نوشته كه مشتمل بر اغلاط فاحشى ميباشد و در اينجا ترجمهٔ آن عبارات با تذكر باغلاط و اشتباهات آن آورده ميشود :

ديوان الادب در لغت تاليف اسحق بن ابراهيم فارابى دائى جوهرى است كه نزديك بسال ۳۵۰ وفات يافته و اين كتاب را براى اتسز بن خوارزمشاه تاليف ودر خطبه آن نام وى را آورده كتابى معتبر و مشتمل بر پنج قسم است بدين تفصيل **اول** دراسماء **دوم** درافعال **سوم** در حروف **چهارم** در تصريف اسماء **پنجم** در تصريف افعال . **قفطى** گويد تاليف اين كتاب در شهر زبيد گرديده و مؤلف پيش از آنكه اين كتاب از وى روايت شود بمرد وسيوطى آنانرا كه از وى روايت كرده اند نام برده، بنابراين گفتار قفطى غلط است . ديوان الادب را حسن بن مظفر نيشابورى متوفى بسال ٤٤٢ تلخيص و تهذيب كرده ونيز گويد كه **ياقوت** گويد امام **ابوسعيد محمد بن جعفر** ديوان الادب فارابى را تهذيب نموده و مطالبى بر ابواب آن افزوده وچيزهائيكه مطالب را زينت ميدهد نيز درآن گنجانيده وآنرا در ده مجلد بزرگ گذارده و كتابى مفيد گرديده است انتهى .

صاحب کشف الظنون اوّلاً نسبت‌داده که در مقدّمهٔ این کتاب نام **اتسزبن خوارزمشاه** موجود و تألیف آن بنام وی گردیده در صورتی که‌در مقدّمه‌چنین مطلبی نیست و بعلاوه چنانکه در کتب تواریخ ضبط گردیده اتسزبن خوارزمشاه مؤسس سلسلهٔ خوارزمشاهیّه متوفی بسال ٥٥١ میباشد و بنا بضبط خود حاجی خلیفه و یاقوت و سیوطی مؤلّف دیوان الادب در حدود سال ۳٥۰ وفات کرده و دویست سال مقدّم‌بر اتسززندگانی میکرده وبنام اتسز کسی را در قرن چهارم سراغ ندارم ولی‌درص۲۰٦ ج ۳ معجم الادبا نوشته شده : حسن بن محمد بن ابی الشحناء شکست خوردن اتسزبن اوق غزی را که بسال ٤٦۹ روی داده در مراسله ای بپادشاه عصر تهنیت گفته و این اتسز نیز غیر از اتسز مؤسس سلسه خوارزمشاهیه میباشد . و نیز درتقسیم مطالب کتاب چنانکه دانستیم مرتب ساخته و تقسیمات آن چنانکه گذشت غیر از تقسیمات این کتابست و نیز خوداو گفته کسی که بسال ٤٤۲ وفات یافته باختصار آن پرداخته است .

نگارنده احتمال‌میدهد که‌بنام دیوان‌الادب درزمان‌اتسز نیز کتابی‌مشتمل‌برپنج قسمت تألیف گردیده وحاجی خلیفه‌آنرا دیده ونام مؤلف درآن نبوده وبا عدم توجه بخصوصیّات‌تاریخ وزمان تصوّر نموده که‌همان‌دیوان‌الادب فارابی‌میباشدو این کتاب‌را ندیده است بنا براین اختصار فوق ازدیوان الادب فارابی‌خواهدبود .

دیوان الادب از کتابهای نفیس این کتابخانه میباشد و در کتابخانهای ایران نسخهٔ کاملی ازآن نیافتم و قسمتی ازابتداء این کتاب در کتابخانه فاضلیه‌خراسان موجوداست . درفهرست‌دارالکتب‌المصریه‌چندنسخه کامل‌وناقص ازاین کتاب‌نام برده‌شده که‌تاریخ کتابت‌آنهابکی‌بسال٥٧٤ ودیگری٦١١ ودیگری٦١٧ هـ . است و کیفیت خط (چنانکه ذیلاً ذکر خواهد شد) حاکم بر این است که نسخهٔ این کتابخانه پیش ازکهنه ترین نسخ آن کتابخانه نوشته شده ودر حدود (۱۸۰۰۰) بیت کتابت دارد و ظاهراً تألیف آن مقدّم بر تهذیب اللّغه ازهری است .

بنام « دیوان الادب فی نوادر شعراء العرب » کتابی است که « الحلونسیم » استاد دانشگاه صیدا ازاشعار شعرای‌عرب که‌در کتب‌معروفه موجوداست انتخاب و جمع آوری نموده و بسال ۱۹۱۲ م در صیدا ازکشور شام چاپ شده است .

آغاز : بسمله قال اسحق بن ابراهیم تولاّه الله بعصمته فی الدّارین الحمدلله رب العالمین حمداً یبلغ رضاه و یمتری المزید منه و یستوجب به ماأعدّ من الکرامة الخ .

(۸۲۹)

دیوان الادب این نسخه بخط نسخ با شیوهٔ مخصوصی نوشته شده .کاتب نامی ازخود وسال کتابت نبرده وظاهراً ازخطوط اوائل قرن پنجم هجری میباشد بعضی از اوراق این نسخه و صّالی ومطالب تصحیح شده و مشتمل بر کتاب اوّل (کتاب سالم) تا آخر باب تفعیل است ، ورق آخر دارای قسمتی ازباب مفاعله بوده بامهارت تمام آنرا دوپوسته کرده واینقسمت را برورقی حنائی رنگ چسبانیده ودراوّل نسخه دوّم که پس ازاین ذکر میشود گذارده اند ، پشت ورق اوّل یادداشتی موّرخ بسال (۶۰۸) میباشد و نیزدرهمانجا یاد داشتی مبنی براینکه حسین بن حاجی محمد کاشانی این کتاب راوقف براولادخودنموده، نوشته شده وبرتمام صفحات کلمه وقف نیزنگاشته شده، فهرست ابواب کتاب رابر سیزده ورق کاتب دیگری نوشته ودر ابتدای کتاب گذارده واین نسخه ضمیمهٔ نسخهٔ بعدبوده، اوراق وسطورهردو نسخه متوالی است و شاید مرحوم اعتضاد السّلطنه که درسال (۱۲۷۰) دارندهٔ این کتاب شده اند آنرادر دو جلد گذارده اند .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۴۳) صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۵) .

(۸۳۰)

دیوان الادب این نسخه بخط کاتب نسخه پیش و تتمّهٔ آنست . ومشتمل برقسمتی از کتاب سالم (ازباب مفاعله تا آخر کتاب) و کتاب دوّم وسوّم وچهارم وپنجم وششم میباشد ولی قسمتی از آخر کتاب ششم آن افتاده و پاره ای از اوراق آن وصّالی شده و آخرین سطر موجود این است :

باب الفعلله ص بالاص الرّجل ای فرّ ن طامن ظهره وطمان بمعنی . باب .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۳۳) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۰۶) .

[۳٤٦] رساله در الفاظ مفرده (عربی بفارسی)

این رساله در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلّف نامی از خود نبرده و با تفحّص او را نشناختم، ومرتب بحروف تهجّی است.

آغاز: بسمله و به ثقتی باب‌الالف «ابتداء وافتتاح» آغاز کار کردن، «انتها» بپایان بردن کار، «انشاء» ازخود پیدا کردن، «التجا» پناه گرفتن، «التقا» بهم رسیدن و یکدیگر را دیدن، «احصا» شمردن، «استقامت» راست ایستادن، «استعانت» یاری خواستن، الخ.

انجام: «یمامه» کبوتر، «یقطین» درخت کدو، والله اعلم بالصواب تمّت الالفاظ.

(۸۳۱)

رساله در الفاظ مفرده

این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمّدامین بسال ۱۱۰۹ نگاشته و در حاشیه دو ورق اوّل آن لغات مثلثه که درحرف لام از همین فصل آنرا معرفی خواهیم نمود نگاشته شده وخود این رساله هم پس از کنز اللّغه میباشد، خصوصیات دیگر نسخه درذیل کنز اللّغه که در تحت شماره (۱۰۷) کتابخانه‌است، ذکر خواهد شد.

[۳٤۷] رساله در الفاظ مفرده و مرکبه (عربی بفارسی)

این رساله نیز درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد، در خود کتاب نامی از جامع نیست و درجای دگرهم گردآورندهٔ آنرا نیافتم، ولی درآخر نسخه کلمه «**لراقمه**» موجود است بنا بر این شاید محمّدامین کاتب نسخه‌مؤلّف باشد ومقصود وی‌ازاین تألیف ازعبارت مقدّمه معلوم میشود:

اما بعد بدانکه این الفاظ چند است از مفردات و مرکّبات که بر زبانها متداولست و درنامه های تازی وپارسی مستعمل، مبتدی چون اینقدر بخواند ویاد گیرد و در استعمال آرد عبارات او در محاورات ومکاتبات مهذّب گردد انشاءالله تعالی فصل الخ.

این رساله در پنج فصل مرتب گردیده و مؤلّف نظم و ترتیب صحیحی برای

آن در نظر نگرفته و فصل آخر آن در اضداد است برای نمونه قسمتی از یکی ازفصول آنرا نقل میکنیم : **فصل** « معزّ » عزیز کننده ، « مغیث وغیاث » فریادرس، « رکن » گوشه ، « عضد » یارو بازو ، « فلك » آسمان ، « قطب » آنچه آسیا بر او گردد ، « قیام » آنکه ایستادگی بدوبود ، « عدّه » ساخته ازجهت حوادث ، « زین و زینت » آرایش ، « مجد و شرف » بزرگواری ، الخ .

آغاز : بسمله حمد وثنا مبدع بی آلت ومخترع بیغرض وعلّت را و درود بسیار بر سیّد انبیا الخ .

انجام : « راجی و خاطی » امید دارنده و گناهکار ، « میمون و همایون » مبارك و خجسته ، « ابتدا وانتها » اوّل و آخر والله اعلم بالصّواب و الیه المرجع و المآب تمّت .

(۸۳۲)

رساله در الفاظ مفرده و مرکبه این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب نامی از خود وسال نگارش نبرده ولی ازقرائن معلوم میشود که بخط محمّد امین کاتب رساله پیش از اینست که بسال ۱۱۰۹ نگاشته شده است، خصوصیّات دیگر بشمارهٔ (۱۰۷) کتابخانه مراجعه شود .

[۳۴۸] شرح نصاب (عربی و فارسی)

نصاب الصبیان یکی ازمنظومه هائی است که ترجمهٔ لغات مهمّهٔ عربی را بپارسی در بردارد وبسیار مشهور است و دارای شروح زیاد میباشد وما در اواخر همین فصل از این کتاب و شروحی از آن معرّفی کامل خواهیم نمود ،

این شرح که خصوصیّات نسخه آنرا پس ازاین خواهیم نگاشت یکی ازشروح خوب نصاب است ولی بدبختانه صفحهٔ اوّل و قسمتی از آخر آن افتاده و نسخهٔ دیگری از آنرا هم سراغ نداریم ، لذا نام مؤلّف را نمیتوان بدست داد ، ازمطالعه نسخه هم مؤلّف شناخته نشده ، امّا ازقرائن معلوم میشود که هندی وحنفی مذهب بوده است .

این کتاب طرزخاصّی دارد وآن اینست که مطالب مندرجهٔ در دیباچهٔ نصاب

را یك یك بنام **سئوال** ذکر نموده و در تحت عنوان **جواب** بشرح آن پرداخته پس از آن معانی حروف را در تحت سه باب و هر بابی را مشتمل بر فصولی چند بدینگونه ذکر نموده : **باب اول** درمفردات . **باب دوم** درمرکّبات **باب سوم** در حروف عوامل . پس از این شروع بشرح قطعات کتاب یك بیت یك بیت نموده و پس از نخستین بیت هر قطعه بدواً آنرا تقطیع میکند و آنوقت بشرح یك بیك لغات مندرجهٔ در آن میپردازد و گاهی معادل هندی آنرا هم ذکر میکند .

بمناسبت شرح بیت نخستین که مشتمل برنام خدایتعالی میباشد منظومه ای در (۱۰۲) بیت دربیان اسمآء الله الحسنی از **صدرالممالك** نام نقل نموده ودرذیل بیت دوّم (۵۰) بیت راجع بمعنی آسمان و زمین و خلقت آنها از پدر خویش آورده است .

برای نشان دادن طرز کتاب قسمتی از آنرا در اینجا میآوریم :

بیت : « عرش » سقف و « بیت » خانه « کحل » سرمه « رمل » ریك « حسن » خوبی « قبح » زشتی « جاف » خشك و « رطب » تر .

العرش : بفتح العین المهمله وسکون الراء المهمله وبالشین المنقوطه **تخت ملك** کقوله تعالی : ایکم یأتینی بعرشها قبل ان یأتونی مسلمین **وسقف** ، و«**بیت**» « خانه » بفتح الباء الموحده و « **عیال** » را نیز بیت گویند و « دومصراع » را نیز بیت گویند و جمعه البیوت والابیات و جمع الجمع الابابیت والبیوتات وتصغیره بییت بالضم وقد جاء بالکسر وقس علی هذا تصغیر امثاله کالشیخ والشیئ والعین . « **الکحل** » بضم الکاف وسکون الحاء المهمله «سرمه **وعمال بسیار**» وبفتح الکاف « سال قحط» **والرمل** بفتح الراء المهمله وسکون المیم«**ریگ**» والرمله قلیل منه وجمعه الرمال والرمل بالفتحتین **بحری ازعروض است** ونوعی از رفتن شترواند کی ازباران » الخ .

این شرح تقریباً دوازده برابرمتن نصاب میباشد وجون اوّل و آخر آن افتاده و نسخهٔ دیگری از این شرح بدست نیاوردم آغاز و انجام آن نقل نگردید .

(۸۳۳)

شرح نصاب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اوّل آن افتاده نویسنده ای قسمتی از ابتداء شرح نصاب محمد بن فصیح دشت بیاضی را استنساخ و بآن ملحق نموده ولی بامطابقه با نسخهٔ چاپ شدهٔ شرح دشت بیاضی دانسته شد که نویسنده تقلّب نموده و این شرح غیر از آنست . آغاز ورق

اوّل اصل نسخه اینست: مشهور بکنیت بود وغرض ازنام امتیاز است پس بچیزیکه سخت امتیاز حاصل شود اولی بود بذکر و دیگر آنکه نصر دلالت بر نصرت میکوند (کذا) پس چنانستکه مصنّف میگوید اللّهم اجعلنی نصیراً للصّبیان الخ.

یك ورق پیش از ورق آخر ننوشته مانده و آخرین بیت کـه در ورق آخر نسخه شرح شده هفت بیت بآخر قطعهٔ ۳۸ میباشد وآخرین سطر نسخه این است: و الخیاض من باب نصر یعنی درآب شدن و درکاری شروع کردن و **الغیل** بفتح الغین المعجمه و سکون **الیاء** التّحتانیّه.

بسال ۱۲۶۱ بنام شرح نصاب دشت بیاض(۱) داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردیده و بهمین نام در دفاتر مدرسه ثبت شده است.

جلد تیماج. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۱۹). صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۹۲).

[۳۴۹] شرفنامهٔ منیری (عربی و فارسی و ترکی)

مؤلّف این کتاب چنانکه در مقدمهٔ آن بنظم و نثر (و نیز در ذیل لغت دوستکانی) نگاشته شده **ابراهیم قوام فاروقی** ره است که شاعری متتبّع بوده واز اشعارخویش درذیل بعضی از لغات ابیاتی آورده وبمناسبت لقب شرف الدّین احمد منیری که از مشاهیر مشایخ هندوستان (ظاهراً مراد و مرشد مؤلف است) و صاحب مکاتیب مشهوره و شرح آداب المریدین ومؤلّفات دیگرند که در ص ۸-۱۰ نزهة الخواطر ذکر شده وبسال ۷۸۲ جهان‌را وداع گفته اند، این مؤلّفرا

(۱) **دشت بیاض** چنانکه در فرهنك عباسی نوشته‌شده‌ازتوابع خراسان‌است ودرص ۵۰ ج ۲ مجمع‌الفصحا در ذیل نام ولی‌دشت بیاضی که از شعرای متاخرین‌بوده نوشته شده: دشت بیاض از توابع قائن است و بسبب سفیدی خاك آنجا را دشت بیاض گویند.

واز رساله ای خطی که متعلق به آقای صادق انصاری ودرشرح حالات و اشعار ولی دشت بیاضی میباشد معلوم میشود که معاصر شاه طهماسب صفوی بوده و پس از وفات آن پادشاه (سال ۹۸٤) زنده بوده و باحتمال مالك محترم، این رساله جزئی از تذکره تقی‌الدین کاشی است وطرز نگارش هم این احتمال را تایید میکند.

شرفنامه مَنیری (۱) نام نهاده و چنانکه در ذیل فرهنگ میرزا ابراهیم خواهیم نگاشت این شاعر شرفنامه را در دست داشته و در عبارات آن اندك تصرّف واضافاتی نموده و بنام خود جلوه داده است.

در کتب رجال و تذکره و سیرنامی از ابراهیم قوام فاروقی نیافتم، از معاصر بودن با شرف الدین احمد منیری که این فرهنگ بنام وی تألیف گردیده وایشان بتصریح در تذکرهٔ علمای هند طبع لکنهوص ۸٤ ونزهة الخواطر ص۸ - ۱۰ پس از یکصد وبیست سال زندگانی بسال ۷۸۲ وفات یافته‌اند، عصر وی قرن هشتم هجری دانسته‌شد واز آنچه درذیل پاره ای از لغات نگاشته شده نیززمان مؤلف استفاده میشود ولی اشکالی که داریم اینست که نسخهٔ ذیل در بیان معنی طهماسب گوید نام پادشاه ایران‌زمین که هفت سال خراج رعایا را بخشیده بود وپنجاه سال ملك رانده.ومیدانیم که‌شاه‌طهماسب‌صفوی‌معروف‌ازسال۹۳۰تا۹۸٤یعنی‌پنجاه‌وچهارسال سلطنت کرده وجزاین پادشاه‌طهماسب‌آنهم پنجاه سال سلطنت کرده ای در تاریخ نیافتیم(۲)وگذشته‌از آنچه گفته‌شد نسخه‌ای‌ازشرفنامه که‌بسال۸۷۹یعنی پیش‌از تولّد شاه طهماسب نوشته شده در کتابخانهٔ آصفیّهٔ دکن‌موجود است واحتمال میدهیم که این لغت از اضافات متأخرین باشد و در فرهنگ میرزا ابراهیم عین این‌الفاظ را در ذیل کلمهٔ **طهماسپ** می بینیم و خواهیم دید که وی اضافاتی بر شرفنامه دارد بنا بر این حکم میکنیم که این لغت جزء اصل کتاب شرفنامه نبوده واشکال تقریباً رفع خواهد شد.

---

(۱) از این دوبیت که در دیباچه کتاب است:

مغیث جهان سرور منیر است — که خاك درروضه اش‌عنبر است
سمی نبی احمد مغیری — که دارد بدودین حق‌پروری

بدست آمد که مغیر نام محلی است، درص۹ نزهة الخواطر آنرا بفتح میم و کسرنون ضبط و در ص ۵۲ معجم الا مکنه نزهة الخواطر گوید که مغیرازتوابع ولایت بهار هندوستان است وعارف شهیر شیخ شرف‌الدین احمدبن یحیی‌المنیری بدانجا منسوب است.

(۲) در شاهنامه فردوسی زو پدر گرشاسپ را پسر طهماسپ معرفی کرده و آن اینست:

ز تخم فریدون بجستند چند * یکی شاه زیبای تخت بلند
ندیدند جز پور طهماسپ زو * که زور کیان داشت فرهنك او

مؤلّف پس‌از دیباچه ایکه بنظم‌در حمدوثناء الهی ونعت حضرت‌رسالت‌پناهی و مدح شرف الدّین احمد منیری ودر ۸۶ بیت میباشد مقدّمه‌ای بنثر در بیان معنی حروف‌مفرده‌ومرکبه‌فارسی وترکی‌باشواهد ذکر کرده پس‌ازآن‌دربیان معنی‌لغات عربی‌وفارسی بفارسی پس ازآن‌لغت ترکی‌بفارسی بترتیب حروف‌تهجّی برآمده وحرف‌اوّل‌را باب وآخررافصل‌قرارداده‌وبرای معانی‌لغات‌باشعارقدماچون‌سعدی، حافظ، خاقانی، سلمان، ظهیر، نظامی، فردوسی، انوری، خواجو، سوزنی، کمال اسمعیل، سنائی، منصور شیرازی، عمادی، بدرشاهی، خجندی، عنصری، عبد الواسع جبلی، همای همایون، عماد فقیه، وباشعارکتاب تاج المآثر و مدخل منظوم وبسحق اطعمه و نگارشات فرهنگنامهٔ اسدی طوسی و عجائب البلدان و لسان الشعراء واداة‌الفضلاء ومسموعات‌ازدانشمندان معاصرچون امیرشهاب‌الدّین‌حکیم کرمانی وشیخ واحدی محقّق‌وغیرازاینها مکرّرا تمثّل‌جسته ودرذیل **دوستکانی** نام‌حسنخان امیرزین‌الدّین هروی ملك الشعرا راکه نیزمعاصروی بوده برده‌است.

اینکتاب درحدود (۱۶۸۰۰) بیت کتابت دارد ونسخه ای ازآنرا درطهران و سائرکتابخانه های ایران نیافتم و در فرهنگهای موجوده فقط نسخه ای را در دکن‌یافته‌ام (ص۶۱۶ ج ۳ فهرست آصفیّه‌مراجعه شود) ومؤلّف کشف‌الظّنون درص۵۸ ج ۲ گوید: شرفنامه درلغت فارسی واز منیری‌است.

وچنانکه‌دانستیم مؤلّف آن‌منیری‌نیست واین نیزازاغلاط کشف‌الظنون‌است.

آغاز بسمله: بنام خداوند گیتی بهست — سرآغاز هر نامهٔ راکه.....

خداوند انس و خداوند جان — خداوند جسم و خداوند جان

انجام: الترکی «یارکی» دارنده «یخشی» نیکووخوب ویغشی‌مثله، «ترنقچی» رحمت کننده، «یرتلی» گناه کار، «یلنجی» بالا «یلقی» سجده کرد، «یلغی» کله «یویری» ازاینسوی. وپس ازاین درنسخه ذیل بعنوان باب بحوراوزان اشعارو مطالبی در (۱۰۰) بیت میباشدکه ظاهراً خاتمه کتاب قرار داده شده و در مقدّمه نامی از آن نیست.

(۸۳٤)

شرفنامهٔ منیری این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته ، لغات ومآخذ اشعار با شنجرف میباشد ، پشت نسخه بسال ۱۲٦۱ بنام «منتخب شرفنامه» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و درهمانجا بهمین نام وقف گردیده ولی ازدیباچه ومقدمهٔ نسخه بدست نمیآید که منتخب شرفنامه باشد بلکه تصریح دارد که شرفنامهٔ احمد منیری است، چند ورقی از اوائل نسخه و صالی گردیده وپس وپیش شده اوراقی هم از آن میان افتاده است از اینکه اشعارشواهد لغات بیشتر ازمتن خارج و در حاشیه نوشته شده احتمال میدهم که مرحوم اعتضاد السلطنه یا مالك پیش از ایشان تصوّرنموده اند که این کتاب منتخب شرفنامه میباشد و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار ، قطع ربعی . شماره اوراق(۳۸۱) . صفحه‌ای (۱۱) سطر . طول (۱٦ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸٦) .

[۳۵۰] صحاح اللغه (عربی)

مؤلّف این کتاب جوهری ره است (ابونصر اسمعیل بن حماد الفارابی الجوهری متوفی بسال ۳۹۳(۱)) این دانشمند (۲) با اینکه زبان مادری وی ترکی بوده از ائمّه لغت عرب شمرده میشود و نخستین کس میباشد که لغات عربی را بترتیب حروف تهجّی مرتب نموده و تا آنوقت تدوین لغت بطرز تهذیب اللغه

(۱) در تعیین سال وفات جوهری اختلاف کرده اند و صاحب روضات آنها را بدینگونه نقل کرده : جوهری چنانکه در کشکول و غیره است بسال ۳۳۳ یا ۳۵۳ وفات یافته وچنانکه درمجمع البحرین درباب ما اوله الجیم از کتاب الرآء تالیف طریحی نوشته شده مرك وی درحدود سال چهارصد(٤۰۰) بوده واین قول مناسب است فاضل شمنی درحاشیه مغنی وسیوطی در طبقاتش بنقل از ابن فضل‌الله درمسالك وی نیز ذکر نموده اند . و از شیخ عبدالله یافعی مورخ مشهور (صاحب مرآت الجنان) نقل گردیده که جوهری بسال ۳۹۳ وفات یافته و این قول گویا راست باشد(درشذرات الذهب ج۳ ص۱٤۲ و کشف الظنون ج ۲ ص۷٤ وفهارس مصر نیز این تاریخ ثبت شده) ویا قوت درمعجم الادباء گوید آنچه تحقیق و تجسس نمودم بسال تولد ووفات جوهری دست نیافتم .

(۲) این شرح در اطراف جوهری بامراجعه به یتیمة الدهر ج ٤ ص ۲۸۹ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱٤۲ ، روضات ص ۱۱۰ و ۱۱۱ و کشف الظنون ج ۲ ص ۷٤ تا ۷٦ وبغیة الوعاة ومعجم المطبوعات ص ۷۲۳ نگاشته شده است .

ودیوان‌الادب (درصفحه۱۶۷و۱۸۲طرز آنهابیان گردید) معمول‌بوده وگذشته‌از تحصیل‌علوم‌ادب درنزد اساتیدبزرك‌چون **ابوعلی فارسی** و **سیرافی** و دائی خود ابو ابراهیم اسحق مؤلف دیوان الادب ، و اتقان و تعمّق در آنها چنانکه خود در مقدمه همین کتاب نگاشته ومعاصروی ثعالبی دریتیمة الدّهرودیگران‌درکتابهای دیگر شهادت داده اند بقبائل عرب چون ربیعه و مضر رفته و چندی درمیان آنها زندگانی نموده ولغات و اصطلاحات آنهارادریافته و در این کتاب جاداده‌است .

جوهری‌چون‌ازعربستان برگشت وبه دامغان رسید ابوعلی‌الحسن بن علی(۱) که‌ازمعاریف دانشمندان‌ونویسندگان بود ویرابخانه‌خودبرد و اوراپذیرائی شایان وهمراهی نمایان نمود و از ادب وخط او بهره ای برداشت وباهمراهی‌زیاد بنشابور فرستاد وهماره درآنجا بتدریس و تألیف ونگارش قرآن کریم وکتب ، روزگار میگذرانید تا زندگانی وی با آثار نیکو ونام نیك سپری گردید .

گاهی شعر میسروده و ثعالبی درباره وی گفته : وَلِلْجَوهَرِيِّ شِعْرُ العُلَمَاءِ لاشِعْرُ مُفْلِقِي الشُّعَرَاءِ و از اشعار وی آنچه را نقل نموده ما نیز در اینجا میآوریم :

لوکان لی بدّ من النّاس قطعت حبل النّاس بالیاس
العزّ فی العزلة لکنّه لا بد للنّاس من النّاس

و از اوست

فها انا یونس فی بطن حوت بنیسابور فی ظلل الغمام
فبیتی والفؤاد ویوم دجن ظلام فی ظلام فی ظلام
رأیت فتی اشقراً ازرقا قلیل‌الدماغ کثیر الفضول
یفضل من حمقه دائما یزید بن هند علی بن البتول

و نیز از اوست

یا صاحب الدعوة لا تجز عن فکلّنا ازهد من کرز

(۱) در یتیمة الدهر نام این راد مرد بدین نحو ثبت شده ولی صاحب روضات (ص ۱۱۰) وسیوطی در بغیة الوعاة این دانشمند را بنام ابوالحسین بن علی بنقل از معجم الادباء یاقوت معرفی کرده اند.

والماء كالعنبر فی قوموس من عزّة یجعل فی الحرز
فسقّنا ماءً بلا منّة وانت فی حل من الخبز

در یتیمة الدهر ودیگر کتابها نوشته شده که جوهری خط را خوب مینوشته و درعرض ابن مقله و مهلهل و یزیدی شمرده میشود .

یاقوت در معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفة الادیب) مؤلفات وی را کتابی درعروض ، و مقدمة النحو ، وصحاح اللّغة دانسته و در روضات بنقل از بغیة الوعاة شرح ادب الکاتب و بیان الاعراب نیز بجوهری نسبت داده شده‌است و درنسخه خطی بغیة الوعاة که در این کتابخانه میباشد این نسبت موجود ولی مؤلّف شذرات‌الذهب که مطالبی راجع بجوهری ازبغیة الوعاة نقل‌نموده این دو کتاب را نام نبرده وچنانکه در ص ۲۸۱ گذشت دانستیم که این دو کتاب را یاقوت از مؤلّفات ابو ابراهیم فارابی دائی جوهری دانسته است .

صحاح اللّغه که اینك مورد بحث ما میباشد یکی از کتب مهمّهٔ لغت عرب است وثعالبی که خود از بزرگان ادب وشهسواران میدان دانش وصرّافان سخن بوده یکچند سال پس ازتألیف « صحاح » که یتیمة الدهر را تألیف نموده دربارهٔ آن گفته : جوهری را کتابی بنام « الصّحاح » درلغت میباشد که بهتراز « جمهره » و دلنشین تر از « تهذیب اللّغه » میباشد و ازآن زودتر نتیجه توان گرفتن تا از « مجمل‌اللّغه » و ابو محمّد اسمعیل بن محمّد نیشابوری که این کتاب صحاح بخط مؤلف نزد او موجود است در باره وی گفته :

هذا کتاب الصحاح سیّد ما صنّف قبل الصّحاح فی‌الادب
یشمل انواعه و یجمع ما فرّق فی غیره من‌الکتب

مؤلف معجم‌المطبوعات این کتاب را بنام « تاج‌اللّغه وصحاح العربیّه » نامیده وگوید درنسخهٔ خطی کهنه ای که بسال ۸۵۱ نوشته شده نام این کتاب بدینگونه نوشته شده : « تاج اللّغه و سر العرّبیّه » و یعرف بالصحاح (او) کتاب‌الصحیح فی‌اللّغه روایة الشیخ ابی محمّد اسمعیل‌بن محمّدبن عبدوس‌النّیسابوری .

چنانکه دانستیم دریتیمةالدّهر که تألیف آن بسیار نزدیك بسال تألیف صحاح بوده این کتاب بنام « صحاح » ذکر شده وابومحمّد آن را در نظم خویش بااین نام تعریف کرده و یاقوت درمعجم الادبا نیز آنرا بهمین نام آورده‌و آخر نسخه ایکه بسال ۸۴۳ه. نوشته شده‌و دراین کتابخانه میباشد (شماره ۸۳۵ همین فهرست) کاتب تصریح نموده کـه نام این کـتاب « الصحاح » میباشد . ندانم از کجا نام «تاج‌اللّغه» براین کتاب گذارده شده که نویسندگان بعضی از نسخ که پس از سال ۸۴۳ نوشته شده آنرا تذکّر داده‌اند .

مؤلف خود در مقدّمه و خاتمه نامی بـرای کتاب نگذارده و آن را بدین سبب صحاح گویند که مؤلف خوددرمقدمه گفته : امّابعد فانی قداودعت هذاالکتاب **ماصح** عندی‌من‌هده‌اللّغه‌الخ. وصاحب‌روضات گوید : ابن‌صلاح‌در«مشکل‌الوسیط» گفته : آنچه را صاحب صحاح تنها نقل نموده وهمه اهل لغت آنرا انکار کرده‌اند نباید پذیرفت چرا که فقط جوهری بصحت آن معتقد است . واین قول ابن‌صلاح مردودمیباشد چراکه **تقریری** و **جوالی** (درروضات جوالی‌نوشته‌شده‌ولی‌ظاهراً مراد **جوالقی** یا **جوالیقی** لغوی‌معروف باشد)وغیر ازایشان صحت‌لغات صحاح‌را گردن‌گرفته اند وخلاصه اینکه همه دانشمندان کتاب صحاح را باعتبار پذیرفته وبنوشته‌های در آن‌ترتیب‌اثر میدهند وبعضی‌از بزرگان‌بدین‌اعتبار تصریح کرده‌اند .

جمعی ازدانشمندان مطالب مندرجه در صحاح اللّغه را دقت نموده و باغلاط آن پی‌برده اند و دراطراف‌آن کتابها نوشته اند ، از آنجمله « الاصلاح‌للخلل الواقع فی‌الصحاح » تألیف علی‌بن‌یوسف بن‌ابراهیم قفطی متوفی بسال ۶۴۶ میباشد که سیوطی آنرا نام برده ودیگری « نورالصّباح فی اغلاط الصحاح » میباشد ودر معجم المطبوعات است که بسال ۱۳۲۸ در هندوستان در آخر « صراح اللّغه » بچاپ رسیده و دیگری « ضالة الادیب » است کـه در جمع میان لغات صحاح وتهذیب میباشد ودر آن اغلاط جوهری‌را تذکّرداده‌است .

وبسیاری ابن کتاب را (صحاح اللّغه) مختصرنموده ویا برآن اضافاتی نموده ویابرآن حاشیه نگاشته ویا بتکلمه ای آنرا تکمیل کرده اند ونام آنها درص۷۴

تا ۷۶ ج ۲ کشف الظنون و ص ۱۱۰ و ۱۱۱ روضات و در بغیه و معجم الادبا وشذرات الذهب وامل الآمل ودیگر کتب میباشد برای اختصار نام آنهارا نیاوردیم یکی ازاختصارات صحاح « ینابیع اللّغه » تألیف ابوجعفر احمدبن علی بیهقی معروف به جعفرك متولد ومتوفی بسال ۴۷۰-۵۴۴ میباشد که شواهد آنرا انداخته ولغاتی از تهذیب ازهری والشامل ابو منصورجبان و مقاییس ابن فارس بر آن افزوده و حجم آن ازصحاح بیشترنشده است (معجم الادبا ج ۱ ص ۴۱۴-۴۱۶) ودیگری بنام « الراموز فی اللّغه العربیه » است وچنانکه درص ۱۴ ج ۲ فهرست دارالکتب نوشته شده مؤلف آن سید محمّد بن سید حسن است و نسخه ای از آن که بسال ۹۸۸ نوشته شده در کتابخانه یکی جامع در آستانه موجود است . و دیگری « صفوالراح من مختارالصحاح » تألیف عبدالرحمن بن عیسی است و نسخه‌ای از آن درکتابخانه خدیویه مصر موجود است (ج ۴ ص ۱۷۵ فهرست خدیویه) . و در این کتابخانه دومنتخب و مختار ویك ترجمه از صحاح میباشد که در این فصل آنها را معرّفی مینمائیم .

جمعی خواسته اند که از اغلاط واشتباهات صحاح اللّغه عذر خواهی کنند و گویند که تا باب ضاد معجمه این کتاب برمؤلف خوانده شده در این هنگام وسوسه وجنونی عارض وی شد و بخیال پرواز در هوا افتاد (۱) و برای خویش دو بال از چوب بساخت و بربام مسجد جامع نیشابور رفت و از آنجا بزیر افتاد و بمرد وکتاب او پاکنویس نشده بماند ، شاگرد وی **ابراهیم بن صالح وراق** بقیّه را پاکنویس و صحاح را تمام نمود . این گفتار درست نیست برای آنکه اغلاط موجوده دراین کتاب منحصر بابواب اخیرآن نیست وثانیاً چنانکه صاحب روضات متذکر شده اند حضرت علامهٔ حلّی رحمه الله این کتاب را از اساتید خویش ازمؤلف آن جوهری نقل وروایت نموده اند وثالثاً چنانکه دیدیم ثعالبی

(۱) جزاین فکر وخیال مورخین برای جوهری آثاری ازدیوانگی نشان نداده اند وآنانکه درقرن بیستم میلادی زندگانی میکنند و موفقیت پرواز درهوا را برای نوع بشر مشاهده مینمایند قطع خواهند یافت که وی دارای فکری صحیح بوده ولی روزگار وسائل کار را برای وی چنانکه بایدمهیا ننمود ونادانی معاصرین بجنون ونادانیش متهم ساخت .

معاصر مؤلف صحاح نسخه آن را بخط مؤلف آن نزد ابو محمد اسمعیل‌بن محمد نیشابوری نشان داد .

صحاح اللّغه بگفتهٔ صاحب روضات (۴۵۰۰۰) چهل و پنجهزار بیت کتابت دارد وچنانکه دراوائل این بحث گفته‌شد ترتیب تنظیم آن مخالف کتب لغتی است که پیش از آن تألیف گردیده ومؤلف لغات موجوده در آن را در بیست و هشت باب وهربابی را دربیست و هشت فصل بشمارهٔ حروف تهجّی‌مرتب نموده و مناط در تنظیم ابواب را حرف آخر گرفته و فصول‌را حرف اوّل مثلاً لغت عشق را درباب القاف وفصل‌العین باید دید و دیگر لغات را بهمین طرز بایستی پیدا نمود و مؤلف در صحت معانی لغات باشعار فصحا و کلمات بلغا استشهاد کرده اند .

صحاح اللّغه را مولی محمّدبن مصطفی الوانی معروف به « وان قلی » متوفی بسال ۱۰۰۰ بترکی ترجمه نموده و بسال ۱۱۴۱ در قسطنطنیّه در دو مجلد چاپ شده و نسخهٔ آن در تحت شمارهٔ ۳۵ و ۳۶ در این کتابخانه موجود است و ترجمهٔ فارسی صحاح بنام « صراح اللّغه » میباشد که پس ازاین معرّفی خواهد شد . و در ص ۲۹۲ جزء ۷ معجم الادبا نوشته شده زین‌الدین مغربی زواوی« یحیی‌بن معطی بن عبدالنّور » که ازمعاصرین می‌باشد وبسال ۵۶۴ متولّد شده مؤلّفاتی‌دارد و از آنها نظم صحاح جوهری میباشد که ناتمام مانده است .

کتاب صحاح مکرّر در مصر و ایران وهندوستان چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله شکرا علی نواله ، والصّلوة علی محمّد و آله ، امّا بعدفانّی اودعت هذاالکتاب ماصح عندی من هذه اللّغة الخ.

انجام: قال ذوالرّمّه :

اَلا یا اَسْلَمي یادارَمَیَّ عَلي البِلی وَلازال مُنهلًا بِجَرْعائِكَ القَطْرُ . تم.

(۸۳۵)

صحاح اللغه این نسخه بخط نسخ [illegible] الدین مکرّم‌بن یحیی بن مکرم در سنهٔ (۸۴۳) نوشته شد، و شامل تمام کتاب است، دارای یك

سرلوح و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد، بیشتر از صفحات را موریانه سوراخ کرده و پارهٔ از اوراق و صالی شده ، حواشی صفحات آب دیده ولی خطوط آن سالم مانده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٦٨٥) صفحهٔ (٢١) سطر . طول ($26\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٧ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (١٢٩) .

(٨٣٦)

صحاح اللغه این نسخه که از نسخه های نفیس میباشد عبد الکریم بن علی کاتب حلبی بخطّ نسخ خوب در سال ٨٦٣ نگاشته و دارای یك سرلوح زیبا است ، عناوین فصول و ابواب باطلا نوشته شده و ابتداء هرباب سرسورهٔ ظریفی دارد ، صفحات آن مجدول بطلا میباشد ، پشت ورق اوّل تذهیب و میناکاری بسیار زیبای مدوّری است ، نسخه کمی آب‌دیدگی دارد و بعضی از خطوط آنهم ضایع گردیده ، بنام مرحوم اعتضادالسلطنه در پشت صفحهٔ اول یادداشتی مشعر براینکه این کتاب داخل کتابخانه ایشان گردیده نگاشته اند و برورقیکه پیش ازورق اوّل کتاب میباشد نیز یادداشتهائی ازمالکین سابق نسخه و اشعاری نوشته شده است.

جلد سوخته بسیارخوب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤٢٧) . صفحهٔ (٣٣) سطر . طول (٢٦سانتیمتر) . عرض (١٧سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (١٣٤) .

(٨٣٧)

صحاح اللغه این نسخه بخطّ نسخ بدی بسال ٨٦٧ نوشته شده ، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل برتمام کتابست پشت صفحه اوّل شرحی بخط نسخ کهنه مبنی براینکه این نسخه را سیّد محمّدبن سیّد حاج مصطفی برمدرسه ایکه پدرش ساخته وقف کرده ، نگاشته شده ، بعضی از مطالب آن را محو کرده اند و بسال ١٢٠٣ پشت همان صفحه شرحی بدین مضمون که مرحوم

شیخ محمّد پسر حاجی محمّد ابراهیم طهرانی این نسخه را نیز وقف کرده اند نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سید محمد مذکور . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۵۲) صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۷سانتیمتر). عرض (۱۸$\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۳۹) قسمه مدرسه صدر .

(۸۳۸)

صحاح اللغه

این نسخه بخطّ نسخ ابراهیم بن محمّد حسین الغفّاری بسال (۹۸۷) نوشته شده و شامل جلد اوّل (از ابتدای کتاب تا آخر باب عین) میباشد ، پاره ای از اوراق کتاب وصالی شده و پشت ورق اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو کرده اند ونیز اشعاری در تعریف کتاب وطریقه استخراج لغت از آن و نیز یادداشتهائی موجود است .

جلد چرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شماره اوراق (۲٤٦) . صفحهٔ (۳۱) سطر. طول (۳۰سانتیمتر) . عرض ($۲۱\frac{۱}{۲}$سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳۱) .

(۸۳۹)

صحاح اللغه

این نسخه بخطّ نسخ خوب درسنهٔ (۱۲٤۱) نوشته شده ، در آخر نسخه کاتب خود را سمّی امام سادس جعفر الصّادق ع ابن امام رابع علی بن زین العابدین علیهما السّلام نام برده و شامل تمام کتاب است ، صفحات نسخه باسرخی جدول کشی شده و در پشت صفحهٔ اول روایتی از ابن عباس نقل گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(۵۷۹) . صفحه (۲۵) سطر . طول ($۳۰\frac{۱}{۲}$سانتیمتر). عرض ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۳۲)

(۸٤۰)

صحاح اللغه

این نسخه جلد اوّل و بخطّ نسخ بد نوشته شده از ابتداء باب همزه تا اواخر فصل میم از باب ظاء میباشد ، آخر نسخه افتادگی دارد و آخرین سطر آن این است : (المظّ الرّمان البرّی قال ابوذویب

یصف عسلاً فجاء بمزج لم یرالناس) اوراقی ازاوّل وآخر کتاب وّصالی شده‌و نسخه قدیمی است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی قدیمی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۶) . صفحهٔ (۲۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۳) .

(۸٤۱)

صحاح اللغه . این نسخه مجلّد دوّم و ازابتدای باب سین تااواخر فصل عین از باب لام میباشد وآخرین سطر آن این است : (والعتلّه واحدة العتل وهی القسیّ الفارسیّه وجدیلة طی تقول للاجیر عتیل والجمع عتلاء) ، بخط نستعلیق نوشته شده و آخر آن افتادگی دارد ، اسم کاتب و سال کتابت معلوم نشد ، درآخر فصل هاء از باب غین عبارتی بوده ولی انرا محوکرده اند ، دو ورق کاغذ ننوشته در وسط کتاب میباشد و حواشی مختصری از کتب لغت‌با اشعاری فارسی درحاشیه دارد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شماره اوراق (۳۳۳) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۳۵) .

[۳۵۱] **صراح اللغه = الصراح من الصحاح** (عربی وفارسی)

مؤلف این کتاب جمال قرشی (۱) رضی الله عنه است (جمال الدین محمدبن عمربن خالد قرشی (۲)) که از دانشمندان اواخر قرن هفتم هجری بوده و ابن مؤلف یکی از مختصر کنندگان « صحاح اللغه » میباشد وآن مختصر را خود « الصراح من الصحاح » نامیده و دانشمندان آن را « صراح اللّغه » خوانند و بدین نام مشهور گردیده .

(۱) قرش در معجم البلدان و آثار البلاد نام قرش نیست و در اکتفاء القنوع نوشته شده که جزء ماوراءالنهر است .

(۲) ترجمه وسایر مؤلفات وتاریخ تولدووفات مؤلف را در کشف الظنون ، معجم المطبوعات، بغیة الوعاة ، شذرات الذهب ، طبقات سبکی ، الفوائد البهیه نیافتم درص ۱٤۳٦ ج۲ فهرست آصفیه وفات مؤلف بسال ٦۸۱ که سال تالیف صراح میباشد ثبت شده و در فهرست معارف ج ۱ ص ۱۹۳ سال ۹٦٦ نقل شده ومسلما این تاریخ غلط است چرا که عادةً کسیکه بسال ٦۸۱ کتابی تألیف کرده باشد تاسال ۹٦٦ که ۲۸۵ میشود و شایدسی چهل سال هم هنگام تالیف داشته نخواهد ماند و شاید مؤلف محترم آن فهرست در مآخذی سال ٦۹٦ را دیده باشند و درچاپخانه شماره غلط چیده شده است .

این مختصر شامل تمام لغات صحاح اللّغه میباشد و مختصر کننده آن فقط اشعاری را که جوهری برای استشهاد پاره ای ازلغات آورده بود جزچند بیتی راانداخته ولی امثال و آیات و اخبار مستشهده را دراین مختصر باقی گذارده و دراین قسمت نیز تاحدّی که ممکن بود اختصاررا مراعات کرده مثلاً ازآیات موجودهٔ در « صحاح » بس محلّ شاهد را نقل نموده وباقی را ترك کرده است .

گذشته از آنچه گفته شده مؤلّف پس از بیانات صاحب صحاح در بیان مراد از لغات مذکوره برای استفادهٔ آنانکه ازعربیّت بهرهٔ وافی ندارند ترجمهٔ فارسی آن لغات را نیز نقل و گذشته ازاین بواسطهٔ علامات وآثاری که برلغات و پس از آنها گذارده شده و زن و باب وجمع و مصدر هریك از آنها رانیز بعلامات وشماره ها معین کرده‌اند .

این کتاب در حدود (۴۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۶۰ درکلکتّه و بسال ۱۲۸۶ در طهران و در سال ۱۲۷۹ طاهراً نیز در هند چاپ گردیده و در ص ۷۰۷ معجم المطبوعات نوشته شده که بسال ۱۳۲۸ درهند صراح اللّغه چاپ شده و دارای دو ضمیمه است **اول** : « القراح بتکمیل الصحاح » . **دوم** « نورالصّباح فی اغلاط الصّحاح » .

آغاز: بسمله قال الفقیر الی مولاه الغنی عمّن سواه الواثق بالمتعالی عن الولد و الوالد، ابوالفضل محمّدبن عمربن خالدالمدعوّ بجمال القرشی جمل الله احواله وعمّل آماله ، احمدالله وهوالمحمود بکل اللّغات وجلّها واشکره وهوالمشکور علی کثرالهبات وقلّها الخ .

انجام : قال ذوالرّمّه شعر .

الا یا اسلمی یادارمیّ علی البلی ولازال منهلاً بجرعائك القطر (۱)

(۱) این بیت چنانکه درص ۱۹۷ گذشت درانجام کتاب صحاح اللغه میباشد که قرشی عینا در اینجا آورده . درنسخهٔ صراح اللغه شماره (۸۴۲) این فهرست که بسال ۱۰۶۰ نوشته شده نویسنده آن پس از این شعر شرحی مبنی برنام خویش و سال نگارش نوشته و چنین وا نمود کرده که آخر کتاب همان بیت میباشد ونیز نسخهٔ دیگری از این کتاب که بسال ۱۰۹۲ درلاهورهند نوشتهٔ شده ودرذیل شماره (۸۴۴) معرفی‌میشود بهمین‌شعرختم گردیده

(بقیه درذیل صفحه بعد)

(۸۴۲)

صراح اللغه

این نسخه را بخطّ نسخ صدرالدین محمّدبن ملاّ حسین سالکدهی درسنهٔ (۱۰۶۰) نوشته ، حواشی مختصری ازبرهان درحاشیهٔ کتاب نگاشته شده و حاشیهٔ یکی ازصفحات وسط را پاره کرده اند .

خلد چرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔاوراق (۳۴۲) . صفحه‌ای (۲۵) سطر. طول(۳۲سانتیمتر) . عرض (۲۱سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۱۱۱) .

(۸۴۳)

صراح اللغه

این نسخه بخط نسخ درسنهٔ (۱۰۷۳) ترقیم یافته ، کاتب نام خود را در آخر کتاب احمدبن ملاّ حامد معرّفی کرده ، حواشی مختصری بدون امضاءبندرت درکتاب مشاهده میشود ، تصحیح گردیده وکلمات افتاده درحاشیه نوشته شده ، صفحات مجدول بسرخی ولاجورد میباشد ، درصفحه‌آخر پس ازاتمام تاریخ بیش ازیك سطر نوشته بوده آنرا پاك کرده‌اند

(بقیه از ذیل صفحه قبل)

و نسخه ایکه در تحت شماره (۸۴۳) خصوصیات آن ذکر خواهد شد وبسال (۱۰۷۳) استنساخ شده پس از شعر مذکور این عبارت است : (وکان الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق الله وحسن تاییده ظهیرة الثلثاء السادس عشرمن صفر سنة احدی وثمانین وستمائه بکاشغر حرسها الله تعالی وعمر .) و در آخر نسخه خطی شمارهٔ (۸۴۵) این فهرست پس از شعر مذکور عبارتی است که در آخر نسخه ایکه در طهران بسال ۱۲۸۶ چاپ شده موجود است و ذیلا نقل می‌شود و قسمتی از آن در نسخ دیگر نیست و آن این است : [تم الکتاب ولله نحمد نحمد (کلمهٔ دوم مکرر شده و درچاپی نیست) حمداً لا یحویه العدوالحساب علی تتمیم هذه النسخة انتساخاً ضحوة اثنین (در چاپی الاثنین ثبت شده) الثالث والعشرین من ذی‌القعده لسنة سبعمائه هجریه وکان (درچاپی واتفق الفراغ است) الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق الله وحسن تاییده ظهرالثلثاء السادس عشرمن صفر سنة احدی و ثمانین و ستمائه بکاشغر .] و در ص ۱۴۳۶ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای از صراح اللغه را نام برده که دارای همین تاریخ تالیف میباشد و در مقابل آن نوشته شده که بخط مصنف است . بهرحال از نقل عبارات فوق چنین بدست می‌آید که مؤلف تاریخ تالیف را در آخر کتاب تصریح نموده ولی برخی از استنساخ کنندگان در نقل آن اهمال کرده اند وسال ۷۰۰ که در آخر یکی‌از نسخ خطی این کتابخانه و نسخهٔ چاپی تذکر داده شده سال نسخه برداری نسخه ای است که این نسخهٔ خطی وچاپی از روی آن نوشته شده وشاید که چاپی را از روی همین نسخهٔ خطی نوشته باشند .

وبجای آن شمارهٔ اوراق کتاب ونام آنرا نوشته‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۰۳) . صفحه‌ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳۰) .

(۸٤٤)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ محمّد هاشم بن محمّد قاسم درسنهٔ (۱۰۹۲) درشهر لاهورهندوستان درمحلّهٔ تلبغه درعهد اورنگ‌زیب عالمگیر نگاشته شده ، دارای یك سرلوح وصفحات مجدول بطلا ولاجورد ، لغات باشنجرف نوشته شده ، اوراق اواخر کتاب را موریانه خورده و وصالی گردیده پشت ورق اوّل چند یادداشت ودرحواشی اوراق حاشیه های مختصری بفارسی وعربی نگاشته شده است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۳۵) . صفحه ای (۲٤) سطر. طول (۳٤ ½ سانتیمتر) . عرض (۲٤ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۲۸).

(۸٤۵)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نامی ازخود و سال کتابت نبرده ، وبنگاشتن عباراتی که درحاشیهٔ ص ۲۰۲ نقل گردیده اکتفا نموده تاآنانکه بخطوط هرقرنی آشنائی ندارند آنرا ازخطوط آخر قرن هشتم وکهنه پندارند ، درصورتیکه پرآشکار است که ازخطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد وتذهیب سرلوح آنهم دارای اهمیّتی نیست، لغات باشنجرف نوشته شده وصفحات مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است ، پشت صفحهٔ اوّل یاد داشتی بوده آنرا محو کرده اند ، اثر نام فتحعلیشاه قاجار و برخی ازکلمات دیگر باقی و قابل دیدن است وتاریخ این نوشته بسال ۱۲۳۳ میباشد و چند یادداشت موجود است و پشت ورق آخر نیز یادداشتی بوده که جز سطر اوّل و آخر آن همه را محو کرده اند درحاشیه بعضی از صفحات مطالب سودمندی نگاشته شده است .

جلد تیماجی وسط یارچه . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق

(۳٤۳) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۱۲).

[۳۵۲] طراز اللغة (عربی)

مؤلّف این کتاب سید علی خان کبیر رحمة الله علیه میباشد (صدرالدّین علی بن الامیر نظام الدّین احمد بن الامیر محمد معصوم الحسینی الحسنی (۱) دشتکی شیرازی معروف بمدنی متوفّی بسال ۱۱۱۸) (۲).

درج(۱) همین‌فهرست برخی ازمؤلّفات ایشان‌نامبرده شده (۳) ولی طرازاللّغه ومؤلّفات دیگر ایشان که ذیلاً نام میبریم درآنجا نیست .

سیّد علیخان که ویرا کبیر لقب داده اند و بهمین نام هم مشهور گردیده از مفاخر قرن یازدهم ودوازدهم هجری میباشد و شیراز هم بوجود چنین دانشمندی

---

(۱) در فارسنامه حسینی حسنی نوشته شده ولی در روضات حسنی حسینی ثبت گردیده وخود ایشان هم تصریح بتقدم حسینی برحسنی دارند وما در جلد اول قول روضات را اقتدا کرده ولی چون فرزند زاده ایشان بدین نحو خودرا معرفی کرده اند ما نیز در این مجلد ایشان را پیروی نمودیم و جرجی زیدان در ص ۲۸۵ ج ۳ تاریخ آداب اللغه این دانشمند را بدین گونه معرفی نموده (صدر الدین بن معصوم الحسینی المدنی علی خان المتوفی سنه ۱۱۰٤) چند نام از اجداد مؤلف را انداخته و سال وفات وی را هم غلط نقل نموده و از طراز اللغه او هم نامی نبرده است .

(۲) درص ۲۸ ج ۱ فهرست سال‌وفات این‌عالم جلیل‌چنانکه درص ٤۱۳ روضات و در ذیل صفحهٔ ۸۳ آثارالعجم تالیف مرحوم‌فرصت‌الدوله‌بدان‌تصریح‌شده‌درسال ۱۱۲۰ ضبط گردید ولی نبیره این بزرگ مرحوم حاج میرزاحسن‌مؤلف‌فارسنامهٔ‌ناصری‌درص ۸٦ گفتاردوم ازفارسنامه وفات سید علی خان پدر جد خود را در ذیحجه سال ۱۱۱۸ نوشته و در ص ۲۹ از همان گفتار نوشته اند که محدث کامل شیخ یوسف بحرانی تاریخ وفات سید علیخان را در جمله «سرمقبر شیراز» یافته است .

(۳) در ص ۲۸ ج ۱ فهرست ریاض السالکین‌یا شرح صحیفه سجادیه این دانشمند و نیز درص ٤۵ ج ۱ الکلم الطیب ایشان را معرفی کردیم ودرص ۲۸ بجای‌انوارالربیع که درعلم بدیع‌می باشد و بسال ۱۳۰٤ در طهران چاپ شده است زهر الربیع در علم بدیع نوشته شده اصلاح گردد و زهر الربیع او مؤلفات سید نعمت الله جزائری است و در غلطنامه هم بدین غلط تذکری نیست و دیگر مؤلفات ایشان که درآن صحیفه تذکر داده ام سلافة العصر ، ومخالاة نظیر کشکول ، و سه شرح بر صمدیه است که صغیر و کبیر آن چاپ شده و شرح وسیط آن را آقای میرزا سید احمد مهذب خلف مؤلف فارسنامهٔ ناصری و نواده مؤلف شرح دارند.

مفتخر بوده وهست ، این عالم جلیل ازسادات عظیم القدرشیرازومعروف بدشتکی میباشند و اجداد ایشان همه اهل فضل ودانش بوده و از معاریف اند ، از آنجمله سید صدرالدّین وفرزند ایشان سیّد غیاث الدّین منصور هستند که ازبسیاری اشتهار محتاج بمعرّفی نیستند ودراین فهرست بیاری خداوند شرح حال ومؤلّفات این پدر وپسر نگاشته خواهد شد .

بمناسبت اینکه در مدینهٔ طیّبه متولّد گشته اند بمدنی معروف شده وچندی هم در حیدر آباد دکن هندوستان مسکن گزیده و بپادشاه آنجا نزدیك بوده و در سال ۱۱۱۶ ازمکّهٔ معظّمه بشیرازمراجعت کرده وپس ازدوسال برحمت ایزدی پیوسته ودربقعهٔ امامزاده بزرگ حضرت میرسیّداحمدبن موسی الکاظم علیه السّلام که مشهور بشاه چراغ میباشند پهلوی قبرعالم جلیل سیّد ماجدمجتهدبحرینی که قاضی شیرازبوده بخاك سپرده شده اندولی درزلزله ایکه دریکقرن پیش آمده وقسمتی ازبقعه راخراب نموده قبرمحو گردیده است مؤلّفات دیگرایشان عبارتند از **شرح ارشاد** درنحو (درروضات آمده که نام این شرح موضح الرشاداست) ، الدرجات الرّفیعه فی طبقات الشیعة الامامیّه (جرجی زیدان درص ۲۸۵ ج ۳ تاریخ آداب اللّغه نسخه ای ازاین کتاب رادربرلن نشان داده اند و در طهران آقای ارگانی نمایندهٔ خورستان درمجلس شورای ملّی نیزنسخه ای از آنرا دارند) ، سلوة الغریب و اسوة الادیب (این کتاب مسافرت نامه سیّد بحیدر آباد میباشد و جرجی زیدان درج ۳ تاریخ آداب اللّغه نوشته که این مسافرت بسال ۱۰۶۶ بوده ونسخه آنرا نیردربرلن نشان داده ودانشمند معاصر آقای تربیت نسخه ای ازاین کتاب را دارند) ، احوال الصّحابه والتّابعین (صاحب روضات در ص ۴۱۳ بنقل از ریاض العلما گوید این کتاب بآخر نرسیده وفقط یك مجلّد آن در احوال بعضی از صحابه تألیف گردیده است) ، رساله در اغلاط قاموس فیروز آبادی (در روضات نیز بنقل ازریاض العلماء گوید که این رساله ای نیکو است) ، الزّهره (صاحب روضات وفارسنامه گویند درنحواست) ، التذکره

فی الفوائد النادره(۱) (صاحب روضات گوید ظاهراً این کتاب غیر از کتابی است که بنام نخلاة و نظیر کشکول تألیف کرده اند و در فارسنامه فقط بنام کتاب تذکره نام برده شده است) نظم کافیه ، دیوان شعر (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه استاد معظم آقای تنکابنی موجود است) ، رسائل متفرقه (این سه کتاب اخیر در فارسنامه ذکر شده است) ، غنیمة الاغانی درمعاشرت اخوان (نسخهٔ این کتاب را صاحب فارسنامه داشته اند و از آن قسمتی را نقل نموده واین چند بیت از آنجا گرفته شد :

یقول راجی العمّد علیّ بن احمد حمداً لمن هدانی بالنّطق والبیان
وقال الصدیق من صدق فی حبّه ومامذق وقیل من لم یطعنا فی قوله انا .)

ودیگر از مؤلّفات گرانبهای این عالم جلیل طراز اللّغه است .

طراز اللغه چنانکه مندرجات آن شهادت میدهد یکی از کتب بسیار ذیقیمت میباشد ومصنّف در دیباچه تصریح نموده اند که نام آن را « الطراز الاوّل » نهادم و در ص ٤١٣ روضات بنقل از ریاض العلما نام این کتاب « الطراز الاوّل فیما علیه من لغة العرب معوّل » ضبط شده و درفارسنامه ناصری « الطراز اللّغه » ودر نسخهٔ این کتابخانه در آخر باب الهمزه و باب الباء بدین نحو از خط مؤلف نقل گردیده : تمّ باب الهمزه (باب الباء) من الطّراز الاوّل والکناز لما علیه من کلام العرب المعوّل » نوشته شده ، خلاصه اینکه پیش از این مؤلف بدینگونه کسی لغت ننوشته وصاحب

(۱) حضرت استاد آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظله العالی ضمن مجموعه‌ای رساله‌ای از سید علیخان کبیر دارند که شامل پنج حدیث مسلسله به آباء میباشد وجامع گوید : در احادیث امامیه کم اتفاق افتاده که مسلسل به آباء به ۲۷ واسطه باشد ومن توفیق یافته ام که این پنج حدیث راجمع نمایم وبرای آن دیباچه و خاتمه ای با تصریح باسم مؤلف بر آن اضافه کرده و از درایه شهید نقل نموده که در آنجا پس از حدیثی که مسلسل به ١٤ پدر بوده فرموده : این حدیث بیشترین حدیث مسلسل به آباء است که بدست ما رسیده پس از آن سید گوید : وانفق توضیح ما لعله یحتاج الی التوضیح عجالة حالما رقم هذه الاخبار فی هذه التذکره ولم اقف علی شیئی من ذلك لاحد من السلف فان اصبت فبرکات اهل البیت و الله یقول الحق و هو یهدی السبیل والیه المرجع و المآب . (بنظر نگارنده از کلمه فی هذه التذکره ، محتمل است که این رسالهٔ جزء کتاب تذکره باشد و مانعی ندارد که خود رساله ای جداگانه باشد چنانچه ظاهر این را مقتضی نیست . و آغاز رساله این است : بسمله الحمد لله الذی اکمل بنبیه احمد نظام الدین و شرح بوصیه علی صدر الدین صلّی الله علیهما وعلی ابنائهما الهادین ائمة الامه و الخلفاء الراشدین الخ و رساله در حدود (۱۵۰) بیت است .

روضات در ص ٤١٢ از ریاض‌العلما که مؤلّف آن معاصر بامؤلّف طراز‌اللّغه بوده نقل نموده که تألیف طراز‌اللغه از نصف نگذشته و بآخر نرسیده بود که زندگانی مؤلّف آن بآخر رسید و گوید که نزد ما ازاین کتاب نسخه ای است که گویا تاحرف صاد مهمله باشد **مراجعه گردد** انتهی . بدبختانه نمیدانم کتب کتابخانه صاحب روضات کجا رفت و از این کتاب نفیس که طرز آنرا زیر همین سطرها خواهیم گفت بیشتر از آنچه) تاحرف سین مهمله) نسخه ای از آن دراین کتابخانه‌است سراغ نداریم و در کتابخانه های عمومی ایران ومصر نسخ این کتاب نیست و در کتابخانه های شخصی بعضی ازدانشمندان پاره ای از مجلّدات آن یافت میشود از آنجمله مجلّد اوّل آن در کتابخانهٔ شخصی جناب آقای حکمت وزیر محترم معارف واوقاف درطهران موجود وبسال۱۱۱۳ از روی نسخهٔ مؤلّف نوشته شده وپشت صفحهٔ اوّل بسال ۱۱۱٤ مقابله وتصحیح آن نوشته شده وظاهراً این تصدیق بر تصحیح، خطّ مؤلّف است و این نسخه از ابتداء کتاب تاآخر حرف ذال معجمه میباشد ومجلّد دوّم کتاب ازحرف راء مهمله شروع شده است .

روش این مؤلّف در تألیف این لغت این‌است که بدوا لغات را موافق صحاح‌اللّغه وقاموس بترتیب حروف اواخر قرارداده و ابتداء بحروف همزه بنام **باب‌الهمزه** نموده و هریك از ابواب را برفصولی بشمارهٔ حروف تهجّی تقسیم نموده است و چون لغتی را نام برد معانی آن را در ذیل آن مینگارد و در بعضی موارد باشعار فصحاء واقوال ائمّهٔ لغت هم استشهاد میکند پس از آن اگر این لغت و یامشتقات آن در قرآن کریم استعمال شده و درذیل عنوان **الکتاب** آن آیه یا آیات را نقل و بشرح و تفسیر آنها میپردازد وپس از آن اگر این لفظ یا مشتقّی از آن در اخبار واحادیث آمده باشد در زیر عنوان **الاثر** آنها را نیز ذکر وبیان آنها مشغول ودرمرتبهٔ چهارم اگراین لغت یایکی ازمشتقّات آن اصطلاح خاصی‌ازقبیل فقهی یااصولی یامنطقی یاریاضی یا حکمی و یا غیراز آنهاشده باشد درذیل‌عنوان **المصطلح** آنها را یاد میکند وچون آن لغت یایکی ازشاخه هاویاریشه‌های آن درمثلی یاامثالی باشد درتحت عنوان **المثل** آنها را نیزنقل ومراد ومعنی آنرا هم میگوید وچون

لغتی دریکی ازعناوین پنجگانه نیامده باشد درذیل آن لغت عنوان مذکور نوشته نشده است و چنانکه خود در مقدّمه گفته اند بیشتر درذکر لغات عرب توجه بغریب آنها داشته ودر موارد بسیاری باغلاط فیروز آبادی در قاموس تصریح نموده است .

اگراین کتاب بهمین نحو که برداشت شده بآخرمیرسید توان گفت که دارنده آن گنجی بزرگ داردولی بمصداق مالایدرك کلّه لایترك کلّه وقاعدهٔ مسلّم نزدعقلا که وجود ناقص بهتر از عدم صرف است این مؤلّفه باهمین نقص بسیار ذیقیمت ونافع است وبقول شاعر **باین شکستگی ارزد بصد هزار درست** و امید است که دوستداران دانش بچاپ آن همت گمارند و نسخ آنرا در دسترس دوستداران فضیلت گذارند .

این کتاب (تافصل عین از باب سین) که اینك در این کتابخانه موجود است در حدود (۷۲۰۰۰)(جلداوّل ۴۵۰۰۰ دوّم ۲۷۰۰۰) بیت کتابت دارد ومقدمهٔ آن یکی از شاهکار های ادبی است و تاریخ تألیف آن در آخر باب الهمزه سال ۱۱۰۷ و در آخر باب الباء درسال ۱۱۰۹ یاد داشت شده است .

آغاز : بسمله انّ ابلغ مانطقت به البلغاء بادی بدا و افصح مابدأت الفصحاء به الکلام مابدا حمدالله الذی انطق العرب باعرف لسان الخ .

(۸۴۵)

طراز اللغه این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۲۵۷ نوشته شده، ازاوّل کتاب تاماده **عبد** از فصل العین از باب الدال را دارامیباشد، لغات و آیات واخبار و مصطلحات با سرخی نگارش یافته و چندورق از ابتداء نسخه مجدول بطلا ولاجورد و سرخی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۴۲) . صفحه ای (۳۷) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانهٔ (۲۹) .

(۸٤٦)

طراز اللغه این نسخه بخط نسخ آقا باباشاهمیرزائی در سنهٔ(۱۲۸۳)نوشته شده و شامل ازاوّل کتاب تالغت **عبد** از فصل عین از باب دال میباشد ، لغات را باسرخی نوشته‌اند ودانسته شد که از روی نسخه‌ایکه پیش ازاین معرّفی از آن کردیم نوشته شده و این نیز چون اصل آن بی‌غلط نیست.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۰) . طول (۳٦ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۲) .

(۸٤۷)

طراز اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و شامل از باب حرف الراء فصل الالف (جلد دوّم) و تاشرح لغت « عبقس » که از باب السّین وفصل العین میباشد و آخرین سطر موجوده آن این است : والعبقسی نسبةٌ الی عبدالقیس و تعبقس انتسب الیه والعبنقس کعضنفر النّاعم الطویل .

شواهدولغات‌را باسرخی‌نوشته‌اندودرآخرباب الرّاء سال تحریر راسنهٔ ۱۱۲٤ معیّن نموده ولی نام کاتب نگاشته نشده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۸۳) صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($29\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($18\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ(۲٤۳) قفسه مدرسه صدر .

[۳۵۳] فرهنگ بشیرخانی (فارسی)

این‌فرهنگ‌درحدود(٤۲۵۰)بیت کتاب‌دارد، شرح‌حال‌مؤلّف‌رادرتذکره‌ها وکتب رجال و نسخهٔ این فرهنگ را در فهرستها نیافتم ، مناسب دیدم که‌قسمتی از مقدمهٔ آن راکه مشتمل برنـام مؤلّف و غرض تـألیف میباشد و چند سطر از ابتداء آن در اینجا بیاورم و آن این است :

« بندهٔ ضعیف الی الرب القوی المجید الملقب ببشیر خان برمزید غفر الله له ولوالدیه واحسن الیهما والیه، چون دید که یاران با فرهنك وقت قرائت دیوان خواجه حافظ و شرفنامهٔ جامی وبوستان‌و گلستان سعدی ودیوان کمال‌وقاسم انوار وسلمان ومسعودبیك(کذا)وسلسلة الذهب و طوطی نامه و یوسفی و مغربی و شامی و خمسه نظامی و خسرو و شاهنامه و غیر هم از کلام اکابر قدس‌الله سرهم العزیز بسوی لغات حاجتمند میشوند واحضار کتابها هریك بنوعی

تعذیر مینما یند وچون بعضی یاران که مصاحب فقیر بودند بکرات و مرات برای جمع لغات علی فصل الغایات فوق الطاقات التماس نمودند بنا بر این رهی کتابهای مذکور و بعضی لغات متفرقه از کتابها و معنیها کشیده بر ورقی مثبت کرده تا ادراك معانی به آسانی دست دهد ونام این مجموعه «فرهنك بشیر خانی» نهاد و با الله التوفیق علی التطویق **فصل الالف**

استفتا بالکسر طلب گشایش کردن وفتوی خواستن . **ایعا** نگه داشتن چیزی . **انشا** بالکسر انگیختن از خود . **اصغا** شنیدن . **ایذا** بدخوئی و بیفرمانی الخ » .

از مطالعه مندرجات این فرهنك چنین بدست می آید که مؤلف ایرانی نیست و از روی قرائن موجوده در عبارات کتاب و نقل معانی لغات هندی احتمال قوی میرود که هندی و یا افغانی بوده و نام مؤلف هم خود یکی از مؤیدات میباشد .

از عبارات مندرجه ذیل لغات **ری** ، سپاهان ، **ارمن** ، باد صبا ، **قم** ، هیرهنـد ، **قلاب گازلان** و بسیاری دگر و مطابقه کامل با عبارات شرفنامه منیری در ذیل آن لغات معلوم میشود که آن فرهنك را در دست داشته است .

زمان تألیف این فرهنگ را نگـارنده در اوائل قرن یازدهم هجری میداند چراکه در آن ازشیخ فیضی که بگفتهٔ هفت اقلیم مؤلّفه بسال ۱۰۰۲ درآن عصر ملك الشّعراء بوده شعر نقل نموده (درشمس التّواریخ ومجمع الفصحا وفات شیخ فیضی بسال ۱۰۴۰ ضبط شده وآدوار دبرون (ص ۱۳۲ ترجمه ادبیات ج ٤) بسال ۱۰۰٤ نوشته است) ونیزدر ذیل لغت **محابا** گوید : ازشیخ محمّد خضری بمعنی دریغ مسموع است .

و در تذکره خشگودر حرف خاء فقط خضری خوانساری وخضری لاری را نام برده و گوید هردو معاصروا کثردر ملازمت اما مقلیخان حاکم فارس می بودند . در تذکره های دیگر خضری نام یاتخلّص نیافتم و از قرائن هم مسلّم میشود که غرض بشیرخان یکی از این دو خضری است و نگارنده احتمال میدهم که چون شاه صفی بسال ۱۰۴۳ اما مقلیخان و پسرانش را در قزوین بکشت و فرمان داد که اولاد و نزدیکان او را هم که در شیراز بودنـد بکشند (۱) این دو شاعر کـه سمت ملازمت اما مقلیخان راداشته اند از ترس بهندوستان گریخته و بشیر خـان بیکی از آنها رسیده و استفاده‌هائی کرده است .

طرز این فرهنگ این است که لغات را باملاحظهٔ حروف اوّل و آخر مرتب

(۱) در گفتار دوم ص ۲۸۷ فارسنامـه ناصری خضری لاری نام برده شده و در ص ۱٤٦ گفتار اول شرح کشته شدن امامقلیخان و پسران و کسانش مختصرا نگاشته شده است .

نموده و حرف اوّل را باب وحرف آخررا فصل قرار داده مثلاً لغت **قباب** رادر باب القاف وفصل الباء ولغت **قناد** را درهمین باب و فصل الدّال ذکر نموده است واستشهاد باشعار در بعضی موارد کرده ودر آن از شاهنامه فردوسی و گرشاسب نامه اسدی و دواوین سعدی و حافظ و جامی (متوفی بسال ۸۹۸) و خاقانی و فضولی وقاسم انوار (متوفی بسال ۸۳۷) ونظام استرآبادی (متوفی بسال ۹۲۱) و منصور شیرازی و ظهیر فاریابی و غیر ازاینها ابیاتی دیده میشود وازنقل لغات وجُمل بسیار واضح بدست میآید که مؤلّف آن چون نگارنده ازعلم ودانش بهره‌ای نداشته از آن جمله است : **علم ریاضی** علمی است در حکمت . **عالم علوی** آنجهان . **لاادری** نمیدانم . **مشاهیر** مشهوران. **قاض** حاکم بود. **قابض** گیرنده و ترك کننده . **لاینصرف** نیست تصرّف . **صنادیق** جمع صندوق . **فویل ثم‌ویل للمساکین** پس هلاکی و بسیار هلاکی برمسکینان .

آغاز : بسمله حمدبیغایت و ثنای بی‌نهایت خالقی را که طبیعت انسان راالخ .

انجام یادگی مجال و خجل و اندازه و زمره و مرتبه . **یباهی** فخر میکنند تمام شد کتاب فرهنگ .

(۸۴۸)

فرهنگ بشیرخانی

این نسخه بخط نسخ‌خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش‌نام‌برده ، ابواب وفصول ونام کتب وشعرا باشنجرف نوشته شده ، صفحات مجدول بلاجورد و شنجرف میباشد و پشت ورق اوّل از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه جُمل‌ذیل نگاشته شده : لغتی است‌موسوم‌بلغت‌بشیرخانی که‌تازه‌جمع‌شده(گفته‌شد که‌بنظر نگارنده‌ازمؤلّفات‌اوائل قرن یازدهم است) نوّاب مستطاب اشرف والا معتمد الدّوله حکمران مملکت فارس در شیراز استنساخ نموده و برسم هدیه از برای حضرت اشرف امجد والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم ومعادن دام اجلاله فرستاده و مبارکی داخل کتابخانه مبارکه شد فی‌شهر رمضان سنه ۱۲۹۷ .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۴۲). صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳).

[۳۵٤] فرهنك جهانگیری (فارسی بفارسی)

مؤلّف این فرهنگ جمال‌الدّین حسین انجواست (عضدالدّوله جمال‌الدّین حسین‌بن فخرالدّین حسن (۱) انجو (۲)) و چنانکه خود در مقدّمه این فرهنگ تصریح نموده سی سال بعضی اوقات و برخی از عمر خود را صرف تحقیق لغات پارسی‌ودری و پهلوی و اصطلاحات وغیرآن نموده و از بسیاری تتبّع و تفحّص چندان لغات و مصطلحات بهم رسید که هیچ صاحب فرهنگی را دست نداده بود لیکن نظم و ترتیب آن بعللی چند بتأخیر می‌افتاد. وازبس دراین رشته تتبّع کرده وزحمت کشیده قول او پیش اهل فن مقبول و بیان او در معانی لغات ومصطلحات برهان قاطع وقاطع برهان بود واین شهرت بگوش جلال‌الدّین محمّد اکبر پادشاه کشمیر رسید در ذیقعدهٔ سال ۱۰۰۵ باحضار مؤلّف فرمان داد وفرمود از آنزمان که عرب بربلاد عجم چیره گردید زبان پارسی باعربی آمیزش پذیرفته اکثر لغات پارسی و دری و پهلوی متروك بل نابود گشته ومعانی اشعاری که شعرای باستان

---

(۱) درص ٤٤ گفتار دوم فارسنامه ناصری درذیل‌عنوان‌سادات انجو که درفارس میزیسته‌اند گوید : و از اعیان این سلسله جناب محامد اکتساب شاه حسن انجوی شیرازی که بعد از تحصیل کمالات علمیه بهندوستان رفته درمملکت گجرات توقف نمود و در سال نهصد وبیست و هشت برهان نظام الدین شاه هندوی اورا از گجرات بولایت احمدنگر خواسته مسائل و احکام مذهب اثنی عشریه‌را از او بیاموخت انتهی . شاید مؤلف فرهنك فرزند این عالم جلیل باشد و صاحب فارسنامه از این مؤلف نام نبرده است .

(۲) نیز در ص ٤١ و ٤٢ گفتار دوم فارسنامهٔ ناصری است : انجو لغت مغولی و بمعنی املاك خالصه است و جدّ اول سادات انجو زید اسود ازاولاد زاده های حضرت حسن مجتبی علیه السلام بوده وبسال ۳۵۲ که عضد الدوله دیلمی ازمکه مراجعت مینموده برحسب خوابیکه سید دیده و برایش نقل نموده و با خوابیکه چندی پیش در شیراز خواهرش دیده و برای او در همان هنگام نقل کرده بود (شرح این خواب در فارسنامهٔ مراجعه شود) سید را از مدینه طیبه بشیراز آورد و خواهر خود را بوی داد پس از چندی چون خواهرش بمرد دختر خودرا نیز بسید تزویج نمود واملاك زیادی را وقف کرد وتولیت آن را باولاد ذکور این سید جلیل که دختر زادگان او بودند برگذار نمود ، درفترهٔ مغول این موقوفات خالصه دولت یا بزبان مغولی انجو گردید ، متولی وقت سعی نمود و پس از سالها نیمی از آن‌ها را گرفت و چون نام انجو بران املاك گذارده بودند از آن پس این سادات را انجوی گفتند (تا بحال هم این طائفه در شهر شیراز مسکن دارند و بانجوی مشهور اند) .

بزیورنظم آراسته اند در پردهٔ خفا وستر حجاب خفی ومستور مانده و پیش‌ازاین چند نفراز دانشمندان را بترتیب کتابی مشتمل برجمیع لغات باستانی ومصطلحات امر فرمودیم هیچکدام چنانکه شاید و باید اداء این وظیفه را ننمودند ، اینك تو بایستی این کاررا در زمان من انجام دهی .

مؤلّف بگفتهٔ خویش همگی همّت خود را بر تصحیح و ترتیب لغات و مصطلحات پارسیان مصروف داشته در جمع کتب و نسخی که در این فن ساخته شده بیشتراز پیشتر مبالغه نموده، ازهرجائی کتابی ونسخه ای درلغت وتاریخ وغیره بدست آورده و از روی آنها بتألیف این فرهنگ پرداخت ونیز خود گوید که در این تألیف چهل و چهار فرهنگ که نام آنها را درمقدّمهٔ فرهنگ آورده و نه فرهنگ دیگر که نام نداشته و مؤلّفین آنهم معلوم نگردید مأخذ وی بوده وفرهنگهای نامدار که مأخذ لغات این کتاب بوده عبارتند از :

۱ - **فرهنگ ابوالحفص سغدی** ، ۲ - **فرهنگ** ابوالمنصور علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ، ۳ - **فرهنگ** ابراهیمی ، ٤ - **فرهنگ** اداة الفضلا تصنیف قاضی خان بدرمحمد دهلوی‌المعروف به ٥ - **فرهنگ** استادی عبدالله نیشابوری ، ٦ - **فرهنگ** اسکندری ، ۷ - **فرهنگ** تحفة الاحباب تصنیف‌اوبهی ، ۸ - **فرهنگ** جامع‌اللغات‌منظوم‌نیازی حجازی ، ۹ - **فرهنگ** حسین وفائی ، ۱۰ - **فرهنگ** حسنی ، ۱۱ - **فرهنگ** حکیم قطران ، ۱۲ - **فرهنگ** دستور ، ۱۳ - **فرهنگ** دستور الافاضل ، ۱٤ - **فرهنگ** دستورالفضلاء ، ۱٥ - **فرهنگ** رسالة النصیر ، ۱٦ - **فرهنگ** زبان گویا و جهان پویا مشهور بهفت بخشی تصنیف بدرالدین ، ۱۷ - **فرهنگ** سروری کاشی ، ۱۸ **فرهنگ** سعدبن نصیر [سعیدبن نصیرطوسی‌نسخه] بن‌طاهر تمیم الغزنوی که بنام خواجه نظام الملك نوشته و آن یکهزارودویست‌وپنج لغت است ومسمی‌است بسخن نامه نظامی ، ۱۹ - **فرهنگ** شرفنامهٔ احمد منیری مشهور (۱) بابـراهیم فاروقی ، ۲۰ - **فرهنگ** شیخ زاده عـاشق ، ۲۱ - **فرهنگ** شیخ عبدالرحیم بهاری ، ۲۲ - **فرهنگ**شیخ محمود بهاری ، ۲۳- **فرهنگ** ضمیر [ضمیری نسخه] ۲٤ - **فرهنگ** عاصمی ، ۲٥ - **فرهنگ** عالمی ۲٦- **فرهنگ**عجائب۲۷ - ، **فرهنگ**علی نیك پی ، ۲۸-**فرهنگ**فوائدبرهانی، ۲۹-**فرهنگ** قاضی‌ظهیر ، ۳۰ - **فرهنگ**فتنة الطالبین، ۳۱ - **فرهنگ** فتنة الفتیان ، ۳۲ - **فرهنگ** لسان‌الشعراء ، ۳۳ - **فرهنگ** لغات دیوان خاقانی ، ۳٤ - **فرهنگ** لغات شاهنامه ،

(۱) درنسخه‌چنین ضبط شده‌ودانستیم که‌مؤلف‌فرهنگ ابراهیم فاروقی‌بوده وبنام‌شرف‌الدین احمد منیری که مرادوی بوده تألیف شده است .

۳۵ - **فرهنگ** محمدبن قیس ، ۳٦ - **فرهنگ** محمدبن هندو شاه منشی که بنام خواجه غیاث‌الدین رشید تصنیف کرده ، ۳۷ **فرهنگ** مختصر ، ۳۸- **فرهنگ** میرزا ابراهیم‌بن میرزا شاه حسین اصفهانی ، ۳۹ - **فرهنگ** معیار جمالی ، ٤۰ - **فرهنگ** مولانا الهداد سرهندی[سرهدی نسخه]، ٤۱- **فرهنگ** منصورشیرازی ، ٤۲- **فرهنگ** مولانامبارکشاه غزنوی [مشهور بفخرقواس نسخه] ، ٤۳- **فرهنگ** موید‌الفضلاء تصنیف محمد لاد (دهلوی است) ، ٤٤ - **فرهنگ** فوائدالفؤاد .

مؤلّف نیزدرمقدّمه تصریح نموده که نظم وترتیب این فرهنگ بآخر نرسیده بود که زندگانی جلال‌الدّین محمّد اکبربسال ۱۰۱٤ بآخر رسید ونوبت سلطنت بفرزند وی جهانگیر افتاد ودراوائل‌سلطنت این پادشاه این تألیف انجام پذیرفت و بنام نامی او مطرز گشت وآنرا فرهنگ جهانگیری نامیدم و مادّهٔ تاریخ اتمام تألیف آنهم : زهی فرهنگ نورالدّین جهانگیر - ۱۰۱۷ یافتم .

فرهنگ جهانگیری را مؤلّف در بیست و چهار باب بترتیب حروف تهجّی که نزد پارسی زبانان معمول میباشد مرتّب نموده و مقدّمه ای مشتمل برمطالب مفیده در دوازده‌آئین که ذیلاً ازآنها نام میبریم برآن افزوده وخاتمه ای بآخرش ملحق ساخته و کنایات واصطلاحات واستعارات ولغات مرکبه از پارسی و عربی ولغات عربیّه که دانستن آنها ضروری بود واز آن گریزی نبود و آنها را داخل اصل کتاب که مشتمل برفرس قدیم است نمودن مناسب ننمود هرکدام را دردری علیحده درج نمودم و هردری را برچند جلوه مرتب گردانیدم و در خاتمه **در** را بجای باب و **جلوه** را بجای فصل استعمال کرده است (در جهانگیری چاپی و سه نسخه از نسخ این کتابخانه خاتمه ذکر نشده و در حدود (٤۵۰۰) بیت کتابت خاتمه است) وفهرست مطالب آئین‌ها این است :

آئین اول : دربیان‌اطلاق اسم فارس برملك ایران وآنکه در زمان قدیم وعهد باستان از کجاتا کجارا فارس می نامیده‌اند وتعداد زبان فارسی که‌چند است وذکرفصاحت‌و تفضیل آن بردیگر زبانها . **آئین دوم :** در چگونگی زبان فارسی . **آئین سوم :** در تعداد حروف تهجی که نزد پارسی زبانان متداول است و بیان تفرقه حرف **دال** و **ذال** منقوطه و تعیین صیغ آن که چند است . **آئین چهارم :** در ذکر ترتیب این کتاب که برچسان و چند باب است . **آئین پنجم :** در بیان ذکر تفرقه میان حروف و علامات هر حرفی . **آئین ششم :** در بیان تجوز تبدیل هریك از حروف بیست و چهارگانه بحروف دیگر در

بعضی از مواضع برای آسانی منشیان و شاعران . **آئین هفتم :** در بیان ضمائر . **آئین هشتم :** در ذکر حروف و کلماتی که بجهت ترتیب و حسن کلام بیاورند و آن را در معنی مدخلی نباشد . **آئین نهم :** در بیان حروف و کلماتی که باواخر اسماء و افعال بجهة حصول معانی گوناگون در آورند و بدون ترکیب افادهٔ معنی نکند . **آئین دهم :** در بیان حروف مفرده ایکه در اوائل و اواخر کلمات بیاورند بجهة در یافت معانی مختلفه . **آئین یازدهم** در املاء . **آئین دوازدهم :** در بیان عقد انامل .

فرهنگ جهانگیری بسال ۱۲۹۳ دردو مجلّد در لکنهور (هندوستان) بدون خاتمه چاپ شده است .

تألیف و تنظیم فرهنگ جهانگیری بدینگونه است که حرف دوّم هرلغت را باب و حرف اوّل را فصل قرارداده مثلاً لغت **دغل** را درفصل دال از باب غین گذارده و عموما برای معانی لغات باشعار فصحا و بلغای فارسی زبان استشهاد کرده است .

آغاز : بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر

آنکه بر لوح زبانها حرف اوّل نام اوست

این همی گوید اله آن ایزدو آن تنگری

دیباچهٔ فرهنگ خود از نام تو سازم

تا هر ورقی گیرد از آن قیمت دیباج .

حمد بیحد وسپاس بیقیاس مرصانعی را سزا هست که کاخ دماغ صدر نشینان محفل سخندانی را بنقوش خیالات رنگارنگ رشك ارتنگ مانی ساخت الخ .

انجام : لغات فرهنگ بلغت هبون خاتمه یافته و پس از شعر ناصر خسرو که شامل لغت مذکور میباشد قطعه‌ای از مؤلّف که مادّه تاریخ تألیف فرهنگ جزء آن است شده وانجام خاتمه فرهنگ این است :

هیلاج با اول مفتوح بثانی زده این لغت یونانی است و معنی آن چشمه زندگانی است و آنرا منجّمان فارس کدبانو گویند بسبب آنکه در برابر کدخدا واقع شده وشرح این درذیل لغت مرقوم گشت والله اعلم بالصّواب. قدتمّ الکتاب بعون الملك الوهّاب .

(۸۴۹)

فرهنگ جهانگیری این نسخه چنانکه در آخر لغات تصریح شده است بخطّ نستعلیق میرزا کاظم ولد میرزا صادق در سنهٔ (۱۲۳۹) نگاشته شده و دارای خاتمه فرهنگ است که درنسخ دیگر خطی این کتابخانه ونسخهٔ چاپی نیست. پشت ورق اوّل یادداشتی بقلم فخری قاجار میباشد در آن یادداشت ورود ناصرالدّین شاه در تاریخ ۲۵ رجب سال ۱۲۶۷ بقریه آوه است واز گرمی هوا وترس ازحشرات گزنده راحت نبوده واین رباعی بنظم نویسنده یادداشت شده:

گویند قدیم آوه شهری بوده است
جاری دروی بزرگ نهری بوده است
هرکس که در آن شهر گرفته است وطن
شك نیست که مستوجب قهری بوده‌است.

جلد میشن. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۹۰). صفحه (۲۶ و ۲۷) سطر. طول (۳۰ ½ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۸).

(۸۵۰)

فرهنگ جهانگیری این نسخه بخطّ نستعلیق نوشته شده، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده، ظاهراً ازخطوط قرن دوازدهم هجری است، پاره ای از اوراق نسخه وصّالی گردیده است و لغات باشنجرف نوشته شده و درآخر نسخه دو مهر بوده آنهارا محو کرده اند وخاتمه کتاب را هم ندارد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۰۱). صفحهٔ (۲۷) سطر. طول (۲۷ سانتیمتر). عرض (۱۶ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۷).

(۸۵۱)

فرهنگ جهانگیری این نسخه را بخط نستعلیق یوسف بن شیخ اویس چشتی ساکن کول جلالی که از نقاط هندوستان

میباشد نوشته و خاتمه را چون سال نگارش ندارد ، چهارده ورق ابتداء نسخه نونویس و اصل نسخه کهنه و آثار تصحیح ومقابله در آن مشاهده میشود و ورق اوّل بجلد چسبانیده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(٤٦٠) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۵) .

(۸۵۲)

فرهنگ جهانگیری

این نسخه بخط نستعلیق در سنهٔ (۱۲٤٤) بقلم جمعی برای میرزا فضل‌الله مستوفی نوشته شده ، محرّرین هیچیك اسمی از خود نبرده اند ، ازشیوهٔ خط وشرحی که در آخر نسخه درحاشیه نگاشته شده معیّن میشود که ثلث اصل لغات این نسخه را با سرخی حسن‌نامی در سال (۱۲۵٤) تحریر نموده صفحات کتاب مجدول باسرخی وسیاهی است .

جلد تیماجی بیمضربی . کاغذفرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار . قطع‌رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (٤۹٤) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول . (۳٦ سانتیمتر) . عرض (۲۲سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۵) .

[۳۵۵] **فرهنگ رشیدی** (فارسی بفارسی)

مؤلف این فرهنگ عبدالرّشیدبن عبدالغفورالحسنی‌مدنی تتوی(۱) ره میباشد وچنانکه خود درمقدّمه تصریح نموده این کتاب درجمع میان فرهنگ جهانگیری وسروری است . این مؤلف استشهادات و توضیحات راجعهٔ بلغات را که در آن دو فرهنگ موجود است زیاد دانسته وآنها را دارای نواقصی میداند چون‌عدم تصریح بضبط لغات و عدم تذکر فارسی نبودن پاره ای ازآنها و یك لغت را که بواسطهٔ تخفیف و اضافه وعلل دیگر بچند قسم خوانده میشود در چند جا ذکر

(۱) در خاتمة الطبع این فرهنك عزیزالرحمن نوشته اند : عبد الرشیدبن سید عبدالغفور تتوی در عهد سلطنت شاه جهان و عالمگیر از اجله فضلا بوده و در حضرت سلطان و حلقه علما و اعیان اعتبار تمام داشته ، مولد او در بلده تته من مضافات سند است و اصلش از سادات کبار مدینه منوره ، از اینجا است که حسنی و مدنی در لقب خود می آورد ..... الخ ودر آنجااست که تاریخ جلوس‌عالمگیررا که بسال۱۰٦۸ بوده آیهٔ کریمهٔ اطیعوالله واطیعوالرسول الخ یافته است بنابراین تاسال ۱۰٦۸ در حیات بوده و پس از این از وی خبری نداریم .

نمودن و گذشته از اینها گوید درضبط معانی والفاظ لغات آنها را اشتباهاتی رخ داده که بهریك در جای خود اشاره خواهدشد . ودر آخر دیباچه این بیت را که شامل تاریخ تألیف کتاب است آورده : **بیت**

گشت تاریخ وی ازروی قبول بادفرهنگ رشیدی مقبول = ۱۰۶۴

و پس از این گوید این کتاب مشتمل است بریك مقدّمه وچند باب وخاتمه .

مقدّمه را در بیان جمیع حروف تهجّی وبیان بعضی کلمات مرکّبه ودیگرفوائد وضوابط صرفی وغیره چون عقد انامل ووجه تسمیه کتاب لغت بفرهنگ ومعنی و مراداز کلمهٔ پارس‌واقسام زبان فارسی‌قرارداده واگربگوئیم که‌این‌مقدّمه مختصری از مقدّمات فرهنگ جهانگیری میباشد که در دوازده آئین گذارده ، بخطا نرفته ومراجعه بهردو کتاب مارا بهترین‌مؤید است .

ابواب این کتاب بشماره حروف تهجّی ۲۴ باب میباشد ودر آخر هرفصل‌از هرباب اسنعاراتی که در آن فصل موجود است نیز درج گردیده واثری ازخاتمه در نسخ موجوده نیست (۱)

طرز پیدا کردن لغت را از این فرهنگ مؤلّف خود در دو بیت نظم بسته وآن این است :

ای فهم کنندهٔ معانی ترتیب لغات اگر بدانی
از باب بگیر حرف اوّل وازفصل بگیر حرف ثانی

از مؤلّفات این مؤلّف یکی منتخب‌اللّغات شاهجهانی است که نیزدرلغت‌ودر همین فصل از آن معرّفی میشود دیگر رساله **معربات** میباشد که در خاتمة الطبع این فرهنگ عزیزالرّحمن مدرّس عربی و فارسی مدرسهٔ عالی‌کلکته نوشته اند .

نسخه ای از این فرهنگ که سه سال پس از تألیف نوشته شده در کتابخانهٔ مجلس‌شورای ملّی ایران موجود است، (ص۲۷۱و۲۷۲) فهرست خطی مجلس ج۲ .

این فرهنگ بسال ۱۲۹۲ در کلکته چاپ شده است .

(۱) درخاتمة الطبع این کتاب نوشته شده : اما در آخر هیچکدام از نسخهای هشتگانه که مدار تصحیح برآن بوده و دیگر نسخها که باوقات مختلف بنظر رسیده ازخاتمه اثری‌نیست (نسخهٔ این کتابخانه نیز خاتمه را ندارد) .

آغاز: بسمله ستایشی که آرایش سرنامهٔ هرسخن‌وپیرایش‌دیباچه هرنوو کهن وپروازش‌خامه وآمه خردمندان وتزارش‌نامه وخامه دانش‌پسندان‌تواند بود الخ .

(۸۵۳)

فرهنگ رشیدی این نسخه را بخط نستعلیق حاجی امامقلی در شهرلاهور در سنهٔ (۱۱۳۳) نگاشته ، آخرین صفحه نسخه مرحوم رضاقلیخان هدایت مؤلف مجمع الفصحاء نوشته اند که بسال ۱۲۵۶ آنرا خریداری وپشت صفحهٔ اوّل نیز یادداشتی‌بسال ۱۲۵۸ کرده وبرورق حنائی که پیش ازورق اوّل‌کتاب میباشد بسال ۱۲۸۱ یاد داشتی نموده و برورق سفید رنگی که پیش‌از ورق حنائی است نیز نگاشته اند : هوالباقی حرکت ازباغ شمال تبریز بجای‌چمن داش تپه رحمت آباد مشهور بمیان دواب از مراغه در رکاب ظفر مآب نوّاب مستطاب‌ولیعهدسلطان مظفرالدّین‌میرزا ایدالله بقاه‌درروزجمعه۲۵ شهرربیع الاولی سنه ۱۲۸۲ حرره رضاقلی هدایت . ونیزهدایت بر بسیاری ازصفحات این‌فرهنگ حاشیه های سودمندی نگاشته اند و پشت ورق اوّل اشعاری ترکی و پشت ورق آخر اشعاری فارسی نوشته شده وچند ورقی ازنسخه وصّالی گردیده .

جلد تیماجی . کاغذ سمر قندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۸۶) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول(۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۵).

[۳۵۶] **فرهنگ سروری = مجمع الفرس** (فارسی‌بفارسی)

این فرهنگ از کتب مشهورهٔ لغت میباشد و مؤلف آن محمّد قاسم بن حاجی محمّد کاشانی متخلّص بسروری است که از شعرای اوائل قرن یازدهم هجری بوده وبگفته ریو در ص ۴۹۸ ج ۲ فهرست موزهٔ لندن پس از سال ۱۰۳۲ بهندوستان رفته ونیز از « مرآت‌العالم » و « ریاض الشعراء » نقل نموده که بسال ۱۰۳۶ به لاهور رسیده و سیّد علی حسن در کتاب « صبح گلشن » (بسال ۱۲۹۴ تألیف و بسال ۱۲۹۵ درهند چاپ شده) که تذکره ایست مختصردرص ۲۰۳ نام سروری وفرهنگ او را برده وگوید که درلاهور قیام نموده . ودر « سفینه خشگو » در

ذیل نام سروری معرّفی از این شاعر متتبّع و فرهنگ مجمع الفرس وی گردیده و گوید : از نوشته نصر آبادی مستفاد میشود که در ایران فرهنگی مختصراز اودر میان است چون در عهد جهانگیری بهندوستان رسید و فرهنگ جهانگیری که میرجمال‌الدّین انجو نوشته بنظر آورد فرهنگ مبسوطی نوشت و مؤلّف کشف‌الظّنون در حرف لام ج ۲ ص ۳۵۹ در ذیل علم لغت اسامی قاموس ها و فرهنگ هائیرا بترتیب حروف تهجّی ذکرنموده ودرذیل حرف **واو** گوید : وجیزلغت سروری عجم(۱) فارسی و مرتب برحروف است و قسمتی از ابتداء ومقدّمه آن را نقل و اسامی مآخذ شانزده گانه را نیز آورده است واین آغاز و خصوصیّات مجمع‌الفرس را نشان میدهد وحاجی خلیفه بغلط نام این‌فرهنگ را وجیز گذاشته درصورتیکه مؤلّف نام آنرا در مقدّمه مجمع الفرس معیّن کرده است .

دانشمند معاصر آقای **سعید نفیسی** یادداشت ذیل را بنگارنده داده اند :

سروری پس از مجمع الفرس که بسال ۱۰۰۸ بنام شاه عبّاس کبیر تألیف کرده چون درسال۱۰۲۸ فرهنگ جهانگیری بایران آمده وشامل اللّغه تألیف قراحصاری که درلغت فارسی بترکی است و فرهنگ تحفة السّعاده تألیف ملاّ محمود بن شیخ ضیاء الدین محمّد را مطالعه کرده تألیف سابق خود را کامل کرده است .

نگارنده فقط بنا براعتماد بقول دانشمند محترم شرح بالارا نگاشت و مدرك دیگری جز سفینه خشگو بر این ادّعا نیافت .

سروری درمقدّمه فرهنگ مجمع الفرس نگاشته که بسال ۱۰۰۸ دراثرممارست باشعار و دیوانهای شعرا ونبودن فرهنگی پارسی که جامع لغات واستعارات فارسی باشد این کتاب را ازروی‌شانزده فرهنگ پارسی که هریك خصوصیّتی‌را دارابوده که دیگران آنرا نداشته اند تنظیم و نام آن نسخه ها را بدین گونه ذکر کرده است : ۱ ـ شرف‌نامهٔ احمدمنیری تألیف ابراهیم‌قوام‌فاروقی (در ص۱۸۹-۱۹۲ از این‌فرهنگ معرفی کامل گردید). ۲ـ معیار جمالی افصح المتکلّمین‌شمس‌فخری. ۳ـ تحفة‌الاحباب

(۱) صاحب کشف الظنون سروری را هقید بعجم ذکر نموده چرا که مصطفی بن شعبان متوفی بسال ۹۶۹ نیز متخلص بسروری و ترك نژاد بوده است .

حافظ اوبهی . ٤ـ نسخهٔ حسین وفائی . ٥ ـ رسالهٔ ابونصر علی بن اسدالطوسی . ٦ ـ نسخهٔ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی (بنام فرهنگ میرزا ابراهیم در این فصل معرّفی میشود) . ۷ ـ رسالهٔ محمد هندوشاه . ۸ ـ مؤیدالفضلاء تألیف محمّدلاد. ۹ ـ شرح سامی فی الاسامی میدانی. ۱۰ـ رسالهٔ ابوحفص سوزی (کذا) . ۱۱ـ اداةالفضلا تألیف قاضیخان بدر محمّد دهلوی . ۱۲ ـ جامع اللغات منظوم نیازی حجازی و چهار رساله دیگر که اسم مصنّف معلوم نبوده .

مؤلّف در این فرهنك لغات عربی را نیاورده و نیز لغات سادهٔ فارسی را انداخته و از اشعار قدما، برمعنی بیشتر از لغات شاهد آورده و برای طرز تلّفظ لغات نظیر مشهوری آورده مثلاً گوید :

"رنبه چون دنبه و چون درمعنی یا لفظ لغتی میان دانشمندان اختلاف باشد آنرا که بنظر وی صحیح است بدواً ذکر و پس از آن معانی یاتلفّظات دیگر را می‌آورد مثلاً درلغت **تکوك** گوید : ظرفی باشد که اززر یانقره سازند برصورت شیر یاازسفال سازند وبدان شراب خورند رودکی گوید :

می گسار اندر تکوك شاهوار خور بشادی روزگار نوبهار

و در نسخ این لغت مختلف واقع شده : بلوك و بکوك و تکوك وتلوك.

در این فرهنگ یك لغت را که بچند جور تلفّظ شده در چندین باب ذکر نموده مثلاً لغت اسپر غم را که سپر غم و شاهبسرم و شاد اسپرم و خوش اسپرم نیز گفته شده درباب الف وسین وشین می‌یابیم . (چنانکه گذشت در فرهنگ جهانگیری امثال این لغت فقط دریك باب باتذ کّربسائروجوه ذکر گردیده است .)

مجمع الفرس دارای دیباچه‌ای در ۸۷ بیت و بیست و چهارباب(۱) مشتمل بر (٦۰۰۰) لغت وفصلی در آخر بنام باب استعارات مشتمل بر (۱۰۳) (۲) کلمه و معانی آنها وخاتمه ای در ۱۸ بیت است .

(۱) چون حروف : ث ، خ ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، ق ، مختص بعربی است در این فرهنك لغاتی که ابتدا بیکی از این حروف شده باشد نیست وشمارهٔ لغاتیکه در دو نسخه ذیل از این فرهنك است مطابق نیست و نسخه دیگر ۲۰۰ لغت کمتر دارد .

(۲) شماره استعارات نسخهٔ دیگر از این فرهنك ۸٦ میباشد .

طرز این فرهنگ این است که حرف اوّل را باب قرار داده وحرف آخررا فصل بنابراین چون لغت پرند را بخواهیم بایستی در باب پاء فارسی و فصل دال بجوئیم وجزحرف اوّل وآخر ملاحظهٔ سائرحروف نشده است . برای نشان‌دادن طرز کتاب ، لغت نخستین و آخرین فرهنگ را نقل میکنیم :

افدستا بفتح همزه ودال مهمله وسکون فاوسین حمد خدای‌عزّوجل‌وستایش شگفت ونیکو چه این کلمه مرکّب است از **افد** که بمعنی شگفت است و **ستا** که ستایش باشد مثالش‌استاد دقیقی فرماید : **بیت**

جز ز ایزد توام خداوندی زان کنم برتو از دل افدستا

وصاحب معیار جمالی **شمس‌فخری** نیز فرماید :

براین کتاب اعانت نمود طبع مرا که جمله بندگی شاه راست افدستا

یزدادی بفتح یاوسکون زاء معجمه و کسر دال قیمه و تخم مرغ که باهم پزند(۱) .

سروری خود مجمع الفرس را مختصر نموده و دیباچه آنرا بنام اعتمادالدوله حاتم بیك وزیرشاه عبّاس موشح کرده ونسخه ای ازآنراکه بسال ۱۰۱۸ نگارش یافته جناب‌آقای اسفندیاری دام ظلّه العالی دارند ودر مقدّمه‌آنست : «بنده‌مدنب جانی سروری‌کاشانی چون ازتألیف مجمع الفرس باز پرداخت دید که بعضی‌ازیاران بواسطهٔ اینکه ایجاز درکلام مطلوبست یا بجهة آنکه در اجرت کاتب تخفیفی شود درنوشتن آن ابیات استشهاد واعراب که صحّت لغت بدان‌منوط ومربوطست حذف میکنند و چهرهٔ شاهد این نسخه را ازحلّی ربط عاطل میسازند بنا برتمهید این مقدّمات بخاطر این ضعیف رسید که با تصحیح حروف و مراعات (کذا) خلاصه بنویسم وبجملی مرقوم گردانم از آن نسخه که مؤلّفست از شانزده کتاب که اسامی ایشان اینست (پس ازاین اسامی مآخذ شانزده‌گانه را ذکرنموده ۱۲ کتاب آن همان کتاب های نام برده بالا است واسامی چهار نسخه دیگر راکه در آنجا

(۱) آخرین لغت موافق یکی از دو نسخهٔ این کتابخانه آنستکه نقل گردید ولی در نسخهٔ دیگر اینست : **یتاقی** یعنی پاسبان . و میان این لغت ولغت **یزدادی** دولغت دیگر میباشد .

مجهول بوده اینجا بدینگونه ثبت کرده است : معجم‌البلدان، فرهنگ زفان گویا ، لسان‌الشعرا و ترجمه صیدنه ابی ریحان بیرونی .) (۱) تا جمعیکه معانی آن لغات را مفصل ولغات را مستشهد خواهند به مجمع الفرس رجوع فرمایند وبعضی که مجمل و محذوف الاستشهاد خواهند باین خلاصه توجه کنند و زبان قلم را از انتخاب وقلم زبانرا ازاعتراض قاصر و کوتاه سازند واین نسخه‌را موسوم به «خلاصه المجمع» ساختیم امید که الخ» .

بدبختانه تابحال این دو فرهنگ چاپ نشده و از نسخه خلاصه آن جز یکی سراغ نداریم .

آغاز : بسمله ـ ابتدای کلام هردانشمند سخنور و انتهای سخن هرخردمند هنرپرور الخ .

انجام : از لطف عمیم و کرم جسیم جمعیکه کتابت این نسخه کنند آن است که تقصیر وتهاون در نوشتن دیباچه این نسخه نکنند که در ننوشتن آن نه همین براین ضعیف ستم میکنند بلکه برخود نیز جور کرده چه خود را محروم ساخته ازکتاب توحید ونعت ومنقبت وازمرتبه انصاف ومرحمت و شفقت

من آنچه شرط بلاغ است باتومیگویم تو خواه از سخنم پند گیرو خواه ملال

تمّ بالخیر.

(۸۵٤)

فرهنگ سروری

این نسخه را بخط نستعلیق محمّد صالح بن عبدالوهاب جوشقانی بسال ۱۰٤۷ که سی و نه سال پس ازتألیف میشود ، نوشته ، ابواب ولغات با شنجرف نگاشته شده ، درذیل آخرین صفحه اخباری از حضرت رسول‌ص نقل گردیده ورق اوّل نسخه وصالی ودو ورق آخر وصالی لازم دارد .

(۱) ظاهراً مراد از معجم‌البلدان غیر ازمؤلفه یاقوت است ودر کشف الظنون جز آن کتابی بدین نام از سبکی نقل نموده ولی مؤلف وموضوع آن را تعیین نکرده و بنا برسیاق عبارت در این دیباچه ، بایستی در لغت باشد و فرهنگ زفان گویا بافاء تبت شده و مراد همان زبان گویا وجهان پویا است که از ماخذ فرهنگ جهانگیری بوده است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷۵) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳) .

(۸۵۵)

فرهنگ سروری

این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، درحدود ۲۹ ورق از ابتداء کتاب که شامل ۲۸۸ لغت و دیباچه بوده افتاده و صفحه اوّل موجود لغت اسبرغم را بیان نموده و از آخرهم یك ورق افتاده که شامل دو سطر بوده و آن دوسطر ازروی نسخه بالا درحاشیه آخرین ورق نوشته شد ، لغات وابواب را باشنجرف نگاشته اند ، شماره لغات این نسخه بیشتر از دیگری میباشد وظاهراً نو تر از آن نسخه است کنار ورق اوّل یادداشتی بوده قسمتی از آن محو گردیده ونیز یادداشتی ازاعتضاد السلطنه است که بسال ۱۲۸۳ نسخه داخل کتابخانه ایشان شده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٤۰۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱۸ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱) .

[۳۵۷] فرهنگ عباسی (فارسی)

مؤلّف این فرهنگ چنانکه دردیباچه بدان تصریح گردیده نایب الصّدر تبریز ابن محمد رضا محمّدالمدعوّ بصدرالدّین التبریزی میباشد، دانشمند معاصر آقای تربیت در ص ۳۷۰ دانشمندان آذربایجان گوید: «**نائب الصدر** خلف محمّد رضا المدعوّ بصدرالدّین تبریزی بوده کتاب لغتی درتاریخ ۱۲۲۵ برای عبّاس میرزا نائب السلطنه بعنوان فرهنگ عبّاسی تألیف کرده نسخه ای از آن در دانشکده معقول ومنقول دیده ام .» جز آنچه نقل شد اطلاعی راجع باین شخص اظهار نداشته‌اند ودرص ۲۲۸ همان کتاب بنقل ازنگارستان دارا گوید: « **صدرالدین محمد** تبریزی خلف ملاّ رضا قاضی عسکر متخلّص **بشفاء** تبریزی است درعلوم شرعیّه وفنون ادبیّه و لغت عرب ید طولائی داشت و تحصیل علم و ادب را اوّل در خدمت والد ماجد و بعد از آن در عتبات عالیات از آقا سیّد مهدی بروجردی و آقا سیّد علی مجتهد وسایر مجتهدین عظام کرده و دراطلاع از مسائل شرعیّه و آگاهی از

فنون ادبیّه بی‌نظیر است وطبعی موزون دارد و نظم ونثری باحلاوت بلغت پارسی وعربی دارد **وله** :

آنِیسُ الصِّبِّ فِي الْحُبِّ الْعَنَاءُ فَلَیْسَ عَنِ الْعَنَاءِ لَهُ الْفِنَاءُ
فَإِنْ شِئْتَ أَحْیِنِی أَوْ شِئْتَ فَاقْتُلْ فَعَیْشُ الصِّبِّ وَالْمَوْتُ سَوَاءُ
أَیَا مَرْضَی الْهَوَیٰ مُوتُوا بِغَمٍّ فَدَاءُ الْحُبِّ لَیْسَ لَهُ دَوَاءُ

ونیز آقای تربیت در ص ۱۹۸ در ذیل **شفا ـ ملارضا** ، پدر مرد نامبردهٔ بالا گوید: درحوالی‌سنهٔ ۱۲۰۸ برحمت‌ایزدی‌پیوسته‌است . ومیدانیم که‌وفات آقا سید مهدی‌بروجردی(بحرالعلوم)بسال۱۲۱۲ووفات آقا سیّد علی (صاحب‌ریاض) بسال ۱۲۳۱ بوده‌است‌بنابراین‌معلوم‌میشود‌ازعلماءقرن‌سیزدهم‌هجری‌بوده‌وازتصریح‌خود مؤلّف فرهنگ عبّاسی دردیباچه میدانیم که بسال ۱۲۲۵ شروع بتألیف این کتاب نموده‌وازاطلاع براینکه‌صدرالدّین‌محمّدبن‌ملاّرضای‌مذکوردر« لغت یدطولائی داشته » و « در اطلاع از مسائل شرعیّه بی‌نظیر است » گمان نزدیك بیقین پیدا میکنیم که مؤلّف این فرهنگ همین صدرالدّین محمّدبن ملاّرضا میباشد ومؤلّف نگارستان از این فرهنگ وی خبر نداشته که در کتاب خود آنرا یاد نکرده ویا تألیف کتاب او پیش از این فرهنگ بوده است .

چنانکه نیز از دیباچه معلوم میشود تألیف این کتاب بامر نائب‌السّلطنه عبّاس میرزا بوده ومشتمل برلغات فارسی وموافق حروف آخرکلمات مرتّب شده ولغات مترادفه را در ذیل یکی از مشاهیر آنها ذکر نموده و در ترتیب کتاب گوید :

ترتیب کتاب من چنین‌است ای‌عدل تو درزمانه ظاهر
از فصل بگیر حرف اوّل وز باب بگیر حرف آخر

برای لغات شواهدی نیاورده وکتاب را برمقدّمه وابواب وخاتمه ای ترتیب داده است . **مقدمه** درکلّیّات وقواعد حروف وزبان پارسی درشش نمایش است **باب اول** ـ دررجحان‌زبان‌فارسی‌پس‌ازعربی‌برتمام لغات. **باب دوم**ـ درچگونگی زبان فارسی‌وشمارهٔ حروف. **باب سوم**ـ دربیان‌ضمائرلغت‌فارسی. **باب چهارم** ـ

در حروف زائده ایکه در اوایل و اواخر کلمات آورند . **باب پنجم** ـ در الفاظ و حروفی که برای زینت کلام آورند . **باب ششم** ـ در بیان جواز تبدیل حروف بیکدیگر **ابواب** فرهنگ بشمارهٔ حروف تهجّی است و **خاتمه** چنانکه در دیباچه نوشته شده مشتمل بر استعارات و کنایات و لغاتی که مشتمل برحروف هشتگانه یعنی ث ، خ ، ص ، ط ، ظ ، ع ، ق ، که در اصل زبان فارسی نیامده است الّا بندرت، میباشد ولی نسخهٔ ذیل خاتمه راندارد، چون نسخهٔ دیگر از این فرهنگ تابحال نیافته ام نمیدانم که مؤلّف توفیق برتألیف خاتمه نیافته یانویسندهٔ این نسخه آنرا ننوشته است و این فرهنگ درحدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: آرایش گفتاردانشوران وپیرایش کردار سخن گستران ستایش خداوند جهان آفرین الخ .

انجام: یك روئی بروزن بدگوئی بمعنی بی ریائی و یك جهتی باشد تمّت الکتاب الخ .

(۸۵۶)

فرهنگ عباسی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۱۳۰ نگاشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، درپایان آخرین صفحه یادداشتی است که بسال ۱۲۶۰ این کتاب سه تومان (سی ریال کنونی) خریده شده، مهراسم یادداشت کننده را محو کرده اند وتمام لغات کتاب باشنجرف نوشته شده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۱). صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۶) .

[۳۵۸] **فرهنگ مثنوی = لطائف اللغات** (فارسی وغیره بفارسی)

مؤلّف این فرهنگ چنانکه درمقدّمه تصریح شده عبداللّطیف بن عبدالله کبیر(۱) میباشد که در تحصیل و تصحیح و مقابلهٔ مثنوی مولانا جلال الدّین رومی رنج فراوان کشیده و دوازده سال این کتاب عالیجناب را بتلمّذ وتتبّع خوانده

(۱) دردیباچه مثنوی ترتیب داده خویش خود را عبداللطیف بن عبدالله العباسی معرفی نموده و در مقدمه فرهنگ بدانگونه که نقل گردید .

و نسخه ای از آن که تقریباً باهشتادنسخه مقابله گردیده ترتیب داده (۱) و شرحی بنام لطائف المثنوی بر آن نگاشته و ازمندرجات لطائف اللّغات برمی آید که ازعلم نجوم و اصطلاحات آن باخبر بوده وبمناسبت بدان اشاره نموده و در هنگام تألیف این فرهنگ بقاموس و صراح و جهانگیری و کشف اللغات عبدالرّحیم سوربهاری ومدارالافاضل شیخ الله داد سرهندی ومؤیّدالفضلاء و فرهنگهای دیگر مثنوی که پیش از وی نوشته اند مراجعه نموده است . (در ذیل لغت نبید و چاپلوس از فرهنگ میرزا فتح‌الله رازی نام برده ولی نام این فرهنگ دردیباچه نیست) وپس ازلغات عربی رمز (ع) و فارسی (ف) و ترکی (ت) و سریانی (س) وپس از کلماتیکه میان فارسی‌وعربی‌مشترك است (عف) وآنچه میان ترکی‌وفارسی مشترك است (تف) ولغتی که میانه فارسی وهندی مختلط است (فه) والفاظیکه میانه عربی وهندی است (عه) علامت گذارده که مراجعه کننده گذشته از معنی، بداند که این لفظ ازچه لغت وزبان است .

ازدیباچه ایکه برمثنوی مرتب کردهٔ خویش بسال ۱۰۳۲ نگاشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این لغت را ترتیب داده (۲) وازآنچه درمقدّمهٔ این‌فرهنگ آورده (۳) معلوم میشود که این لغت را خصوصاً برای نسخهٔ ناسخهٔ مثنوی که

(۱) نسخه ای از این مثنوی که دفتر اول آن بسال ۱۰۸۳ و دفتر دوم آن بسال ۱۰۸۶ نوشته شده ودر کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود ونگارنده آنرا دیده شامل‌شش‌دفتر وهفت دیباچه و شش فهرست ومقدمه ای است که آنرا « مرآت المثنوی » نامیده وفهرستها هریك مشتمل بر حکایات و مندرجات دفاتر بتفصیل میباشند مرحوم اعتصام الملك در ص ۲۸۰ و ۲۸۱ فهرست کتب خطی آن کتابخانه این نسخه را معرفی وقسمتی ازمقدمه آنرا هم نقل کرده اند . نسخه‌ای ازاین مثنوی‌را نیزحضرت حاج سیدنصرالله تقوی دارند.

(۲) ازمندرجات مقدمه معلوم میشود که این تصحیح وترتیب نسخهٔ مثنوی درسال ۱۰۳۱ در برهانپور هندوستان خاتمه یافته است .

(۳) درمقدمه فرهنگ است : هرچه درمثنوی واقع شده عموما بتحریردرآمده باوجود آنچه برمبتذل وزبان زد عوام وخواص بود ازآن احترازنموده ومیتواند بود که دراین‌جمع بعضی لغات از این عالم داخل شده باشد که درنسخهٔ ناسخهٔ مثنوی که این فرهنگ بجهة آن ترتیب یافته یافته نشود اما چون درلغات مثنوی که بعضی‌ازسلف نوشته اند داخل بود بملاحظه‌آنکه شاید درجائی نسخه‌ای باشد یادر کتاب دیگری یافته شود وبعد ازتفحص درین‌فرهنگ نیابند ترك آن لایق ندانست الخ .

خود ترتیب داده تألیف کرده بنابراین تألیف این فرهنگ درسال ۱۰۳۱ بایستی خاتمه یافته باشد.

این فرهنگ بمناسبت اوّل لغات مشتمل برابواب وبمناسبت اواخر آنها منقسم بفصول میباشد و در بسیاری ازموارد باشعار شعرای معروف استشهاد گردیده ودر حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد.

در ص ۱۴۵۸ ج ۲ فهرست آصفیّه نسخه ای ازاین کتاب که بسال ۱۸۷۷م. چاپ شده موجود است.

چنانکه مؤلّف درمقدّمهٔ فرهنگ نوشته پیش از این فرهنگ برای مثنوی فرهنگ هائی تهیّه شده ونسخه‌ای‌ازیکی ازآنهاکه‌آغازآن این‌است : ربّ انعمت فزدانت حبیبی اللّهم اجعلنی فی‌الحقائق‌موجودا الخ ، وتاریخ کتابت وتألیف ونام مؤلّف را ندارد در کتابخانهٔ مجلس موجود است (بفهرست کتب خطّی ج ۲ ص ۲۷۷ مراجعه شود).

احمدبن‌مصطفی‌اللّبابیدیّ‌الدّمشقی بسال۱۳۲۱ کتابی‌درلغت بنام«لطائف‌اللّغه» تألیف نموده و بدون تاریخ چاپ شده وآنرا ازلغات دستگاهی توان شمرد.

آغاز: بسمله این فرهنگ مشتمل بر حلّ لغات غریبه عربیّه و الفاظ عجیبه عجمیّه مثنوی مولوی معنوی الخ.

وابتداء لغات آن این است : باب الالف فصل‌الالف **استثناء** چیزی ازجمله ای بیرون آوردن وانشاءالله گفتن.

انجام: «یوفن» ف بمعنی یافه‌گوی (است نسخه) یعنی بیهوده‌گوی.

(۸۵۷)

فرهنگ مثنوی لطائف اللغات این‌نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۵ نوشته شده ، کاتب نامی ازخود نبرده ، از کیفیّت نگارش ورسم‌الخط معلوم است که نویسنده آن هندی بوده واز غلط هم بی بهره نیست ، در مقدّمه نام کتاب « لطف‌اللغات » ثبت شده ولی مسلّماً لطائف بوده و کاتب غلط نوشته است ، صفحهٔ اوّل کتاب افتاده و نخستین‌سطرموجودآن‌این‌است : شیخ

لاددهلوی که الحق در حلّ لغات مؤیّد الفضلای وعلما است الخ .

لغات وابواب وفصول را بامنجرف نوشته‌اند ونسخه در آب افتاده ولی خطوط ضائع نشده، یادداشت اعتضادالسلطنه ووقف نامه درحاشیه ورق اوّل موجوداست.

جلد میشن مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۰۶) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤) .

(۸۵۸)

فرهنك مثنوی لطائف اللغات

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته ، لغات و ابواب و فصول باسرخی میباشد وبرگ نخستین نیازمند چسبانیدن است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱٤٤) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۹) .

[۳۵۹] **فرهنك میرزا ابراهیم = نسخهٔ میرزا** (فارسی وعربی وترکی بفارسی)

میرزا ابرهیم، پسر میرزا شاه حسین اصفهانی (۱) است ودر «عالم آرا» ذیل خوشنویسانی که در عهد شاه طهماسب شهره بوده‌اند، نام وشرح حال مختصری از ایشان ثبت گردیده‌و گوید: درشعرفهمی وتتبّع لغات‌فرس دعوی انفرادنمود، رساله‌ای که درلغات فرس تصنیف نموده‌اکنون درعراق شایع است . ونیزدرتذکره هفت‌اقلیم درذیل‌نام پدر اسم این پسروبرادروچندشعرازاوموجودواین دوبیت ازآنجاست :

ریدان گاهی ملك جهان میبازند گاهی بنگاهی دل و جان میبازند
اینقسم قماررانه چنداست‌ونه چون هرنوع برآید آنچنان میبازند

دردوجای دیگر نام این‌مؤلّف‌وفرهنگ‌وی ثبت شده یکی درمقدّمهٔ فرهنگ سروری (مجمع‌الفرس) که بسال ۱۰۰۸ تألیف گردیده، وسروری یکی ازمآخذ خودرا بنام « نسخهٔ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی » معرّفی نموده و دیگری

(۱) میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل صفوی بوده و در سال ۹۲٦ مهترشاه قلی در دیوانخانه اورا کشته و وزیری کریم الطبع بوده است .

در مقدّمه فرهنگ جهانگیری مؤلّفه بسال۱۰۱۷میباشد که در آنجا بنام «فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی» درشمارهٔ مآخذ کتاب آمده است.

دونسخه از این فرهنگ را نگارنده در این کتابخانه دید که بنام «رساله در لغات فارسی وعربی وعربی وترکی» وقف وثبت وضبط گردیده ودرمقدّمه وخاتمهٔ آن نامی ازمؤلّف نیست، پس ازمطالعه ودقّت زیاد بر آن شد که این فرهنگ همان شرفنامهٔ منیری مذکوردرص۱۸۹-۱۹۲ این فهرست میباشدولی اندك تصرفی در آن شده و کتابی جداگانه معرّفی گردیده است ومراد سروری ازنسخهٔ میرزا ابراهیم نیز همین رساله بوده ازاینرو برای اثبات مدّعای خویش چندنمونه مختصر از آنهارا نقل مینمائیم:

عبارت شرفنامه	: انج	بوزن رنج بیرون روی وبیرون کشیدن.
عبارت رسالهٔ میرزا	: انج	بوزن رنج گردا گرد روی وبیرون کشیدن.
عبارت فرهنگ سروری	: انج	بوزن رنج بمعنی گردا گرد روی و بیرون کشیدن باشد. درنسخه میرزا.
عبارت شرفنامه	: کدست	بضم یکم و کسردوم بدست که بتازی شبرووجب گویند
عبارت رساله	: کدست	بضم کاف و کسردال بدست وبعربی شبرووجب است.
عبارت فرهنگ سروری	: کدست	بضم کاف و کسردال در نسخهٔ میرزا بدست باشد که بعربی شبرووجب گویند.
عبارت شرفنامه	: هو	زرد آب وریم.
عبارت رساله	: هو	بفتح چرکی که از زخم وغیره آید.
عبارت فرهنگ سروری	: هو	بفتح ها در نسخهٔ میرزا چرکی باشد که ازجراحت رود اما در سامی فی‌الاسامی آن باشد که آب درجراحت افتد گویند که این جراحت هو کرده است یعنی آب دراندرونش رفته است.

با دقّت مختصر در این سه نمونه که ازسه کتاب نقل گردید دیگرجای تردید باقی نیست وبنظرنگارنده میرزاابراهیم تاسال۱۰۰۸ که سال تألیف فرهنگ سروری است زنده بوده وخود او تقاضا کرده که این فرهنگ را بنام نسخهٔ میرزا ابراهیم معرّفی کند تا اگر اصل حقیقت واضح و آشکار شود خجل نگردد ولی سروری این رساله را در مقدّمه تألیف میرزا ابراهیم دانسته و نیز در ذیل معنی کلمهٔ ژاژ گوید: و میرزا ابراهیم بمعنی علفی آورده که تخمش نباشد و عبارت شرفنامه در ذیل لغت ژاژ این است: هرسبزه که تخمش نبود. وعبارت رساله این است: علفی.

که تحمّش نبود . وبا تفحّص ندانستم که میرزا ابراهیم تا چه سالی زنده بوده ولی ازطرزعباراتی که اسکندربیك در عالم آرا بسال ۱۰۲۵ دربارهٔ وی نگاشته بدست می آید که در آنموقع زندگانی را بدرود گفته بوده است .

میرزاابراهیم چندان تصرّفی درعبارات شرفنامه ننموده وحتی قسمتی ازمقدّمات آنرا هم باتصرّف کمی درمقدّمهٔ این فرهنگ کورده و لغاتی چند بر آن افزوده وازشرفنامه ابیاتیکه ازمؤلّف بوده نیاورده وشرح چندلغتی راچون دوستکانی واصفهان باختصار آورده است وبقرینهٔ اینکه درلغت طهماسپ نوشته که پنجاه سال پادشاه بوده و در دو نسخه (۱) پنجاه نوشته شده ومیدانیم که سلطنت این پادشاه از ۹۳۰ تا ۹۸٤ یعنی پنجاه و چهار سال بوده احتمال میدهیم که میرزا ابراهیم این رساله را بسال ۹۸۰ که پنجاهمین سال سلطنت شاه طهماسپ بوده منظّم نموده باشد .

این رساله درحدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله (۲) بدانکه عرب بچیم وبا وگاف وژامثل چه وپا وگردن وگژ تنطق ننماید . الخ

انجام : « یویه » بضم آرزو ، « بوزه» بفتح تنهٔ درخت ، « یزدادی » (۳) قیمه وتخم مرغ که درهم پزند .

(۸۵۹)

فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده . پشت ورق اوّل یادداشت شده : هرالله تعالی شأنه در دارالخلافهٔ طهران داخل دارالکتب گردید بتاریخ ربیع المولود ۱۲۷۲ . ودرذیل آن مهری بدین

(۱) در نسخه شماره (۸۷) کتابخانه نوشته شده نام پادشاه ایران که هفت سال مال رعیت بخشید وپنجاه وچهار سال پادشاه بود .

(۲) آغاز دونسخه این کتابخانه همین است که نقل گردید ولی تنظیم مطالب آن باشرفنامه پس وپیش شده و قواعد مختصره ایکه اززبان ترکی درآنجانگارش یافته چون قسمت هائی از قواعد زبان فارسی که نیز درآنجا است دراین نسخه نیست وآغاز لغات آن این است : آرا آرایش وآراینده وبمعنی دوم اسم فاعل مستعمل شود چون سخن آرا وبزم آرا .

(۳) در دونسخه این کتابخانه یزدادی که در فرهنگهای دیگر بادو دال نوشته شده در یکی یزداری بادال وراء و در دیگری یزدارج بادال وراء وجیم درآخر نوشته شده ومسلما هردو غلط از کاتب است .

سجع است : عبدالله بن غلامعلی آل محسن ونیزدرهمین صفحه نوشته شده که بسال ۱۲۹۶ لغت بزبان فارسی و عربی وترکی داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردید وبسال ۱۲۹۷ وقفیّت آن براین کتابخانه بهمان نام مذکورنگاشته شده ، کتابت نسخه پیش ازقرن سیزدهم هجری نیست. صفحات مجدول بطلا و شنجرف ولاجورد ولغات وفصول وابواب باسرخی است .

شانزده ورق میان ورق اوّل ودوّم نسخه ازچند جای کتاب است که صحّاف نادان جای خود نگذارده است .

جلد روغنی گل و بوته دار . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۲) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۷) .

(۸٦۰)

فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده ، کاتب از خود نام نبرده ، بدبختانه مصداق این شعر میباشد : آدمی زاده نادان بچه ماند دانی ؟ نسخهٔ معتبر (منحصر) خوش خط بسیار غلط . لغات را باسرخی نوشته اند ، ولغات جوك که درحرف لام همین فصل ازآن نام خواهیم برد ضمیمه آن است و پشت ورق اوّل بنام فرهنگ زبان فارسی وعربی وترکی داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه واین کتابخانه گردیده ودردفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده ، سه ورق کاغذ نوشته درآخر ومیان دونسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۵) . اوراق این فرهنگ (۹٤) . صفحه‌ای (۱۹) سطر . طول (۱/۲ ۳۲ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷) .

[۳٦۰] قاموس المحیط (عربی)

مؤلف این کتاب که از معاریف کتب میباشد فیروزآبادی است (ابوطاهر

مجدالدّین محمّدبن یعقوب بن محمّد (۱) شیرازی شافعی ۷۲۹ $\frac{۸۱۶}{۸۱۷}$ه.) (۲) که نیز از مشاهیر دانشمندان و ادبا و لغویین قرن هشتم و نهم هجری بوده و شهرت ایشان بواسطهٔ همین قاموس گردیده ومؤلّفات دیگر در تفسیر وشرح احادیث دارند .

دانشمند معاصر آقای سلطانی نمایندهٔ بهبهان درمجلس شورای ملّی ایران درسال ۱۳۱۶ شمسی در دانشکدهٔ معقول و منقول خطابهٔ مفصّلی در حیاة و خدمات این دانشمند ایراد و مجلّهٔ مهر ازشمارهٔ فروردین ۱۳۱۷ شروع بچاپ آن نموده و بهترین وجامع ترین شرح حال از این عالم جلیل میباشد و بیانات ایشان که در دسترس عموم گذارده شده ما را بی نیاز از تفصیل نموده وباختصار میکوشیم .

فیروزآبادی **درکازرین** که از توابع فیروزآباد فارس است واینك نیز بدین نام مشهور میباشد در سال ۷۲۹ متولّد شده وخود در ماده کرز قاموس متذکر گردیده که مولد مؤلّف درآنجا بوده وسخاوی بااینکه خود تصریح بدین موضوع نموده باز او را کازرونی(۳) و مولد او را در آنشهر دانسته و صاحب روضات وسیوطی فقط او را کازرونی ثبت کرده اند وسیوطی دربغیه از ابن حجر نقل نموده که گویند نسب خود را به ابواسحق شیرازی میرسانده باابکه گویند شیخ بلاعقب بوده است و از این انتساب هم بالا رفته وخود را به خلیفهٔ اوّل ابوبکر صدّیق منسوب نموده است .

---

(۱) در اول و آخر قاموس مؤلف خود را محمدبن یعقوب بن محمد معرفی نموده و مسلما کنیه او ابوطاهر و لقبش مجدالدین بوده و در منقول از « الضوءاللامع » نام ونسب ایشان بدینگونه است : محمدبن یعقوب بن محمدبن ابراهیم بن عمربن ابی‌ابکربن‌احمدبن محمودبن ادریس بن فضل‌الله بن الشیخ ابی اسحق ابراهیم الکازرونی المشتهر بمولانا الشیخ مجدالدین الفیروزآبادی الشیرازی اللغوی‌الشافعی . (صاحب شذرات‌الذهب بعضی از آباء مجدالدین را ذکر ننموده است وآنچه نقل گردید از روی ضمیمهٔ دونسخه ازقاموس‌این کتابخانه‌است) .

(۲) این شرح حال با مراجعه به شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۲۶ — ۱۳۱ و کشف‌الظنون و فهرستهای کتابخانهای ایران وهندوستان ومصرومعجم‌المطبوعات‌ص ۱۴۶۹-۱۴۷۱ وشقائق نعمانیه‌ص۳۲ ج ۱ وروضات ج ٤ ص ۲۰۲ وبغیه‌ذیل‌محمد وتاج‌العروس‌وغیره‌نگاشته‌شده است .

(۳) کازرون‌شهری‌است درنزدیکی‌خرابهای‌شاپوررومیان شیرازوبوشهرواقع شده وتقریبا ۱۲۰ کیلومتر تاشیراز مسافت دارد .

سخاوی در کتاب « الضوء اللامع فی اعیان القرن التّاسع » (۱) گوید در هفت سالگی قرآن را حفظ نمود و پس از اینکه هشت سال از عمر وی گذشت برای کسب معارف وعلوم بشیراز آمده ودر آنجا از پدرخویش وعلما و دانشمندان کسب فضائل نموده و بعراق رفت واز بزرگان آنجا بهره هائی گرفت و مدّرس مدرسهٔ نظامیّه بغداد گردید و بسیاری از شهر های ایران و شام و روم و مصر را گردیده وبادانشمندان هرجا ملاقات کرده وازآنها سود ها یافت و پیش سلاطین و امراء و حکّام هرجا محترم و مکرّم بوده ، امیرتیمور گورکانی وشاه منصور پسر شاه شجاع هریك ورا جائزهٔ قابلی داده اند و در رمضان سال ۷۹٦ وارد زبیدیمن گردید و در آنجا مورد عنایت و توجه اسمعیل مشهور باشرف پادشاه یمن شد و بیست سال در آن شهر بود و مکرّر بمکّه معظّمه و مدینه منوّره مشرف شده و درهردو شهرمدرسه‌ای ساخته وآرزو داشت درمکّه دعوت حق‌را اجابت گوید وتألیف قاموس را هم درآنشهرخاتمه داده و خود درآخر آن تصریح کرده است ولی بآرزوی‌خود نرسیده ودرشب بیستم شوّال سال ۸۱۷ در نودسالگی در زبید یمن بااینکه حواس وی‌کاملا بجا بود درگذشت .

و درسیره اونوشته‌اند که شبی براو نگذشت که پیش ازخواب دوبست بیت حفظ ننمایدوبفارسی وعربی شعر میسرودهولی‌ازاشعار وآثارفارسی اواثری‌نیافتیم در مقدمهٔ نسخه شماره (۵۷۸) مدرسهٔ مشیرالسّلطنه ابیاتی از مؤلّف قاموس نقل گردیده و گوید اگر اشعار وی جمع‌آوری‌شود دیوانی میشودو این چند بیت از آنجا نقل گردید :

الاّ انما القرآن تسعة احرف — اتیت به (۲) فی نظم شعر بلا خلل
حلالٌ حرامٌ محکمٌ متشابه — بشیرٌ نذیرٌ فصّة عظة مثل

(۱) درحاشیه صفحه۱۰۱۲ معجم‌المطبوعات نسخه خطی‌این کتاب‌را که در پنج مجلد میباشد، مصر دربیت‌السعاده ودمشق در کتابخانه‌ظاهریه نشان داده . وآقای محیط طباطبائی گویند اخیراً درمصرچاپ شده است .

(۲) نگارنده ازمرحوم حاجی ملا محمد حسین عموی مادرخویش رحمه الله این دوبیت را در ایام صبا شنیده وبجای « اتیت به » کلمه « ابینها » بخاطردارم واین‌اصح وانسب بنظرمی‌آید.

و نیز در آنجا است که قاضی علی بن محمّد بن الناشری چون از ایشان اجازه طلب نمود نوشت :

یقول محمد المدعوّ مجدا — وملتجیا الی الحرم العزیز
اجزت له روایه ما رواه — لنا الاشیاخ بالشرط الوجیز
و خیرت الاجازه بامتداح — فیا عجبا لممدوح مجیز

و در شذرات الذهب بنقل از «الضوء اللامع» ابیاتی است و این دو بیت نیز در آنجا است :

احبّنا الاماجدان رحلتم — ولم ترعوا لنا وداً والاّ
نودعکم و نودعکم قلوبا — لعل الله یجمعنا والاّ

مؤلّفات فیروز آبادی بسیار ، سیوطی در بغیه و مؤلّف شذرات الذهب بنقل از الضوء اللامع و صاحب روضات و دیگران بنقل آنها پرداخته وما نیز در اینجا آنچه را بدو نسبت داده شده میاوریم :

تیسیر فاتحه الاهاب بتفسیر فاتحة الکتاب (در یك مجلد بزرگ)، **الدر** النظیم الی فضائل القرآن العظیم (نسخه آن در کتابخانه مجلس است)، **حاصل** کورة الحلاص فی فضائل سورة الاحلاص، **شرح** حطبة الکشاف، **بصائر** ذوی التمیز فی لطائف الکتاب العزیز، **تنویر** المقباس فی تفسیر ابن عباس (در چهار مجلد) ۱، **منهج الباری** بالسیح الفسیح الجاری فی شرح صحیح البخاری. (در شذرات و کشف الظنون و دیگر کتابها از الضوء اللامع نقل گردیده که از این کتاب بس ربع عبادات تالیف شده و در بیست مجلد است ولی در مقدمه نسخهٔ ۸۹۵ ذیل از نفیس الدین سلیمان بن ابراهیم علوی نقل نموده که وی گوید : یادداشتی از قاضی صفی الدین احمد بن ابی بکر المیرهی یافتم که شیخ مجدالدین تا باب الصیام صحیح بخاری را در بیست و چهار مجلد شرح نموده وندانستیم که دیگر چقدر از آنرا شرح کرده است)، **شوارق** الاسرار العلیه فی شرح مشارق الانوار النبویه (در چهار مجلد)،

(۱) در چند جا مقباس با باء ابجد ضبط شده ولی در معجم المطبوعات و کشف الظنون با باء حطی است وصحیح با باء موحده است ومؤلف معجم مذکور در ص ۱۴۷۰ گوید که نسبت ابن کتاب به مجدالدین غلط و مؤلف آن ابن عباس رضی الله عنه است . وعلماء رجال این کتاب را از مؤلفات فیروز آبادی دانسته اند و از نام کتاب هم برمی آید که این کتاب غیر از تفسیر ابن عباس میباشد ونسخه ایکه در هند بنام تفسیر ابن عباس چاپ شده عین آنستکه بنام فیروز آبادی در مصر چاپ و مشهور گردیده، بنابراین نگارنده را عقیده اینستکه فیروز آبادی اخبار یکه ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر سور و آیات قرآن کریم نقل نموده، جمع آوری کرده و آنرا «تنویر المقباس فی تفسیر ابن عباس» نام گذارده و خود ابن عباس رحمة الله تفسیری تدوین نکرده است .

الصلات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر، الوصل والمنی فی فضل منی ، عمدة الحکام فی شرح عمدة الاحکام (در دو مجلد) ، حاسن اللطائف فی محاسن الطائف، تحبیر الموشین فیما یقال بالسین والشین(۱) ، الروض المساوف فیما له اسمان الی الوف ، امتضاض السهاد فی اقتراض الجهاد ، البلغه فی تراجم ائمة النحاة واللغه(۲)، النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه، نزهة الاذهان فی تاریخ اصبهان ، اللامع المعلم العجاب الجامع بین المحکم والعباب وزیادات امتلابها الوطاب (مؤلف در مقدمه قاموس خود این کتاب را نام برده و گوید تخمینا درشصت مجلد خواهد بود ولی چون مفصل میشد طلاب ودانشجویان خواستار شدند که مختصر بنویسم شواهد و زوائد آن را انداختم وهرسی جلدی را درمجلدی گنجانیدم، ولی در شذرات و کشف الظنون ومقدمه های نسخ بنقل از سخاوی نوشته شده که تمام آن صد مجلد تخمین زده شده که هریك مجلد باندازه صحاح جوهری باشد و پنج مجلد آن تالیف گردیده است ، نگارنده این اجتهاد مخالف نص مؤلف را ندانست علماء رجال بچه دلیل کرده اند ومدرك آنها چیست) ، الاسعاد بالاصعاد الی درجة الاجتهاد (سه مجلد است) ، المغانم المطابه فی معالم طابه ، تهییج العزام الی بلد الحرام، اثارة اللحون فی زیارة الحجون (۳) (گویند در یك شب تالیف گردیده)، فصل الدره من الخزره فی فضل السلامة علی الخبزه (دریکی از نسخ است که این دو، نام دو قریه از طائف می باشند) ، روضة الناضر فی ترجمة الشیخ عبدالقادر ، المرقاة الوفیه فی طبقات الحنفیه ، الفضل الوفی فی العدل الاشرفی ، تبیین الغرفات للمعین علی عین عرفات ، منیة السؤل فی دعوات الرسول ، انجاریح فی فوائد متعلقة باحادیث المصابیح ، تسهیل طریق الوصول الی الاحادیث الزائدة علی جامع الاصول ، الدر الغالی فی الاحادیث الغوالی ، سفر السعاده ، (٤) العقیق وضعا المختلف صقعا ، مقصود ذوی الالباب فی علم الاعراب ، المثلث الکبیر (در پنج مجلد) ، تحفة القمائیل ویمن یسمی من الملائکة والناس باسمعیل ، اسماء السراح فی اسماء النکاح ، الجلیس الانیس فی اسماء الخندریس (٥) انواء الغیث فی اسماء اللیث ، ترقیق الاسل فی تضعیف العسل (چند جزو است) ، زادالمعاد (بروزن بانت سعاد است) ، شرح زادالمعاد ، النخب الطرائف فی النکت الشرائف ، الصراط المستقیم (این کتاب در

(۱) در ص ۱٤٦۹ معجم المطبوعات نوشته شده که این کتاب چاپ گردیده و نسخه ای خطی نفیس از آنرا در کتابخانه شخصی آقای تربیت دیده‌ام .

(۲) دانشمند معاصر آقای تربیت گویند : نسخه ای از این کتاب را در برلن دیده ام و از بغیه سیوطی بهتر است .

(۳) این کتاب درحدیث می باشد و از جمله کتب سیره حضرت پیغمبر (ص) شمرده می‌شود و نسخهٔ ای از آن در کتاب خانه خدیویه در ۲۰۰ صفحه موجود است (آداب اللغه).

(٤) خندریس شراب است و در این کتاب آنچه درقرآن کریم واحادیث واقوال علماء در موضوع شراب آمده آورده شده و تالیف آن بنام ملك اشرف گردیده و نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه در ۲٤۲ صفحه موجود است (آداب اللغه ج ۳ ص ۱٤٦).

آخر قاموسی که بسال ۱۲۷۰ بچاپ رسیده(ظاهراً درهندوستان) ازمؤلفات فیروزآبادی شمرده شده است)، **المرقاة** الارفعیه فی طبقات الشافعیه (در کشف الظنون و مقدمه تاج العروس از مؤلفات این مؤلف شمرده شده) ، **الاشارة** الی مافی کتب الفقه من الاسماء والاماکن واللغات (این کتاب را جرجی زیدان نقل نموده و گوید نسخه ای از آن در کتابخانه ملا پتر میباشد) ، **تحفة** الابیه فی من نسب الی غیر ابیه (نیز جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است) ، **مجمع** السؤالات من صحاح الجوهری (جرجی زیدان نسخه ای از آن را در کتابخانه کوپرلی نشان داده است) ، **رسالة** فی حکم القنادیل النبویه (جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است) ، **المثلث** المتفق المعنی (جرجی زیدان نسخه ای از آن را درخزانهٔ تیموریه نشان داده) ، **مقامات** فیروزآبادی (در مقدمه نسخهٔ شماره ۵۷۸ مدرسهٔ مشیر السلطنه بدین تصریح شده ، **الغرر المثلثه** والدرالمثنه(نسخه ای ازاین کتاب را آقای تربیت بخط عبدالرحیم پسرفیروزآبادی دارند و بسال ۷۷۳ نوشته شده است،) **والقاموس المحیط والقابوس الوسیط فی جمع لغات العرب التی ذهبت شماطیط** (۱) (همین کتاب که مشهور به قاموس است) .

قاموس ازمشاهیر کتب لغت میباشد وازهنگام تالیف تاکنون همارهمورد استفاده مراجعه کنندگان بکتب عربی و ادبیات آن زبان بوده و از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۳۲ در چهار جزء درکلکته (ظاهراً برای نخستین بار) باحروف سربی چاپ شده و تاکنون مکرر در ایران ومصر وهندوستان چاپ شده است .

جمعی بردوانتقاد قاموس پرداخته وآنچه بغلط نقل وترجمه شده ویا بایستی ذکر شود و نشده است متذکر شده اند و جمعی دیگرهم بشرح ویا ترجمهٔ آن پرداخته اند وما آنان را که بنام ومؤلفهٔ آنها دست یافته ایم دراینجا میاوریم :

۱ ـ « **ابتهاج** النفوس بذکر مافات القاموس » نسخه آن در کتابخانه خدیویه میباشد ،

۲ ـ « **الدر الثمین** فی اغلاط القاموس المحیط» تالیف محمد بن مصطفی مشهور به داودزاده متوفی بسال ۱۰۱۷ و نسخه ای از آن در کتابخانه ایاصوفیا است ، ۳ ـ « **الجاسوس**

(۱) مؤلف خود درمقدمه گوید : **واسمیته بالقاموس المحیط** . و درآخر کتاب جملهٔ : **والقابوس الوسیط** . رابرنام مذکور اضافه نموده ودرآخر ماده **وجد** (به نسخه شماره ۶۳ و ۵۵ این کتابخانه وشمارهٔ (۵۷۸) مدرسه مشیر السلطنه مراجعه شود) ازکلمهٔ فی **جمع** تا **شماطیط** نیز بنقل از نوشته مؤلف برجمله های سابق اضافه شده ، و قاموس چنانکه در قاموس نوشته شده بمعنی محل عمیق دریا وقابوس بمعنی مرد نیکو منظر است و مراد ازوسیط معتدل القامه میباشد ، وشماطیط بمعنی پراکنده شد ها است وطولانی بودن نام کتاب چون نظائر آن ازاز مؤلف نقل نمودیم موجب انکار نخواهد بود .

علی القاموس» تالیف احمد فارس معروف به یاق متوفی بسال ۱۸۸۶ م. که انتقادات خود را بر قاموس در ۲۴ نقد مرتب نموده و کتابی مفید وشامل مطالب مهمه است، و بسال ۱۲۹۹ که ظاهراً همان سال اختتام تالیف آن است چاپ گردیده است ، ۴ ـ « اضاءة الادموس و ریاضة الشموس من اصطلاح صاحب القاموس » تالیف عبدالعزیز حلی است و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه الجزائر میباشد ، ۵ ـ « اضائة الراموس وافاضة الناموس علی اضائة القاموس » تالیف ابوعبدالله محمد بن الطیب بن محمد الفاسی المغربی میباشد و این کتاب شرح قاموس و در سه مجلد است و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب المصریه موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دارالکتب مراجعه شود) ، ۶ و ۷ ـ « اضائة الادموس و ریاضة النفوس من اصطلاح صاحب القاموس » تالیف ابوالعباس احمد بن عبدالعزیز بن الرشید الهلالی السجلماسی المغربی است و آن را ذیل کتاب خود که در شرح خطبهٔ قاموس و بنام « فتح القدوس فی شرح خطبة القاموس » میباشد در سه رکن ترتیب داده و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دار) ، ۸ ـ « تاج العروس من جواهر القاموس » تالیف سید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی (۱۱۴۵ ـ ۱۲۰۵)، شرح قاموس و در ده مجلد میباشد وخود در آخر کتاب مدت تالیف را چهارده سال وچند روز معین نموده وازشروح بسیار خوب قاموس میباشد و گذشته از شرح قاموس مستدرکاتی راهم از لغات دارا است ودوبار تا کنون در مصر چاپ شده است ، ۹ ـ « الاقیانوس البسیط فی ترجمة القاموس المحیط » ترجمه ترکی قاموس میباشد و مترجم آن احمد عاصم افندی است که بسال ۱۲۲۵ ترجمه شده و مکرر در آستانه و مصر چاپ شده است ، « ۱۰ ـ القابوس » ترجمه فارسی قاموس وتالیف محمد حبیب‌الله درزمان محمد شاه (ظاهراً پادشاه هند) ترجمه شده و دومجلد است و نسخه ای از آن در دومجلد که بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ نوشته شده در کتابخانه آصفیه موجود است (ج ۳ ص ۶۱۸ فهرست آصفیه) ونسخه‌ای از آن نیز درموزه لندن است ، ۱۱ ـ و ـ ۱۳ ـ « القول المانوس فی تحریر القاموس » والقول المانوس بشرح مغلق القاموس » تالیف بدر الدین قرافی (۹۳۹ـ۱۰۰۸) و کتاب اول در حاشیهٔ قاموس بسال ۱۳۴۴ در مصر چاپ شده ونسخهٔ آن بخط مؤلف در کتابخانهٔ خدیویه بگفته جرجی زیدان موجود است ، ۱۴ ـ « شرح خطبة ـ القاموس » تالیف مناوی تاج‌الدین عبدالرؤف بن علی المناوی القاهری الشافعی (۹۵۲-۱۰۳۱) میباشد و نسخهٔ آن در دارالکتب العربیه موجود است ، ۱۴ ـ « رجل الطاووس فی اغلاط القاموس» صاحب روضات در ص ۱۱۱ نوشته‌اند : بعضی از متاخرین نوشته است (۱) ، ۱۵ ـ «رساله در اغلاط قاموس » تالیف سید علیخان کبیر (متوفی بسال ۱۱۱۸) . در مقدمه تاج‌العروس مؤلف آن جمعی که بشرح خطبهٔ قاموس وخود کتاب پرداخته و یادر اطراف مندرجات قاموس صحبت

(۱) مؤلف تاج‌العروس در ذیل آنهائیکه اعتراضاتی برقاموس دارند « رجل الطاووس » را نام برده و گوید مؤلف آن سید محمد بن رسول البرزنجی است .

وبحث کرده اند یاد شده، جز آنهائیرا که قبلا نام برده ایم دیگران را در اینجا می آوریم :
۱۶ ـ « **شرح خطبه** قاموس » تالیف محب بن شحنه ، ۱۷ ـ « **ایضاً** تالیف ابوالروح عیسی بن عبدالرحیم گجراتی ، ۱۸ ـ « **ایضاً** تالیف علامه میرزاعلی شیرازی ، ۱۹ ـ « **شرح قاموس** » تالیف نورعلی بن غانم المقدسی (حاجی خلیفه گوید : نورالدین علی بن غانم مقدسی متوفی بسال ۱۰۰۴ بر قاموس حاشیه ای نوشته است) ، ۲۰ ـ « **شرح قاموس** » تالیف سعدی آفندی ، ۲۱ ـ « **شرح قاموس** » تالیف عبدالله بن الامام شرف الدین الحسنی پادشاه یمن متوفی بسال ۹۷۳ شارح « نظام الغریب » و این شرح قاموس موسوم به « **کسر الناموس** » است ، ۲۲ ـ **محمد بن** یحیی القرافی نیز بر این کتاب شرحی بنام « **بهجة النفوس** فی المحاکمة بین الصحاح والقاموس » نوشته واین شرح را از نوشته های عبدالباسط بلقینی و سعدی افندی وامام لغوی ابوالعباس احمد بن عبدالعزیز فیلالی که اینك (تاریخ تالیف تاج العروس ۱۱۷۴ـ۱۱۸۸) درقید حیات بند جمع کرده، وصاحب تاج العروس گوید: ازهمه شرحهائی که دیده وشنیده ام بهتر « **شرح** محمد بن الطیب بن محمد قاسی متولد بسال ۱۱۱۰ درفاس ومتوفی بسال ۱۱۷۰ در مدینهٔ منوره می باشد (نام آن درص ۳۳۸ گذشت) و این شرح در دو مجلد بزرك گذارده شده ونسخه ای از آن درنزد من (صاحب تاج العروس) است

وجمعی آنچه ازلغات راصاحب قاموس نیاورده جمع نموده ودرحقیقت بر آن ذیل نوشته انداز آنها ۲۳ ـ **علی بن** محمد معصوم حسینی قاسی ، ۲۴ ـ **امام لغوی** عبدالله بن المدی حوالی حمیری ازعلماء یمن متوفی بسال ۱۰۶۱ می باشد ۲۵ ـ « الناموس » تالیف ملاعلی بن سلطان الهروی، ۲۶ ـ **ابوعبدالله** محمد بن احمد المناوی برقاموس ردی نیکو نوشته ، ۲۷ **ابن حجر مکی** در « التحفه » با صاحب قاموس مناقشات و ایرادات خوب کرده ، ۲۸ ـ **شهاب الدین** خفاجی در « العنایه » بامؤلف قاموس محاورات و مطارحات دارد ، ۲۹ ـ **صاحب** تاج ـ العروس گوید : شنیده ام که البرهان ابراهیم بن محمد الحلبی متوفی بسال ۹۰۰ قاموس را مختصر کرده است .

تااینجا ترجمه مندرجات مقدمه تاج العروس بود وپس ازاین نام آنانکه باختصاراین کتاب پرداخته ویا بشرح وترجمه آن مبادرت نموده اند وپیش ازاین نام آنهارا نبرده ایم میپردازیم ۳۰ ـ « **ترجمان اللغه** » ترجمهٔ قاموس بفارسی است ومترجم آن محمد یحیی قزوینی بنام شاه سلطان حسین صفوی می باشد وباّدعاء خویش درآخر ترجمه سی ویکماه و ده روز این کار را بانجام رسانیده (دهم شعبان ۱۱۱۴ تابیستم ربیع الاول ۱۱۱۷) واین ترجمه دوبار یکی مستقلا بسال ۱۲۷۳ ودیگری درحاشیه قاموس بسال ۱۲۷۷ درطهران چاپ شده است ، ۳۱ ـ « **مختصر قاموس** » صاحب روضات ج ٤ ص ۲۰۷و۲۰۸ از تقی الدین کرمانی نقل نموده که برحسب خواهش پدرش، فیروزآبادی قاموس را دریك مجلد بزرك مختصر کرده است ولی کشف الظنون در ج ۲ ص ۳٤۷ درذیل کتاب « اللامع المعلم العجاب » این گفتار تقی الدین

را نقل نموده بنا براین اختصار کتاب مذکور یعنی تالیف قاموس اللغه برحسب خواهش پدر تقی‌الدین بوده است .

صاحب کشف الظنون گذشته از اینکه بعضی از مذکورات بالا را نام برده نسخ ذیل را هم یادآور شده است :

۳۲ ـ «حاشیه‌قاموس» سعدالله بن عیسی المفتی معروف به‌سعدی‌چلبی بر قاموس تعلیقاتی نگاشته شاگرد وی عبدالرحمن بن علی‌الاماس آنها را جمع آوری نموده وجامع بسال ۹۸۳ مرده‌است، ۳۳ ـ جواب اعتراضات قاموس «مرج‌البحرین» اویس بن محمد متوفی بسال ۱۰۳۷ بجواب اعتراضات فیروز آبادی برجوهری پرداخته است ، ۳۴ ـ « البابوس » ترجمه ترکی قاموس و مترجم آن احمد بن مرکز میباشد ، ۳۵ ـ « حاشیه قاموس » یا القول المانوس تالیف شیخ عبدالباسط بن خلیل حنفی متوفی بسال ۹۲۰ ، ۳۶ ـ « مختصر القاموس » تالیف شیخ علی بن احمد الهیتی است ونسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود میباشد (ج ۲ ص ۳٦ فهرست دار) ، ۳۷ ـ سیوطی لغاتیکه صاحب قاموس برصحاح افزوده جمع آوری نموده و آنرا : الافصاح فی زوائد القاموس علی الصحاح ، نامیده است ، ۳۸ ـ « القول المانوس فی صفات القاموس » تالیف مفتی محمد سعدالله مرادآبادی متوفی بسال ۱۲۹۳ میباشد که نگفته مؤلف فهرست آصفیه (ج ۲ ص ۱٤٤۰) بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است ، ۳۹ ـ عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری بسال ۱۲۵۲ قاموس را بفارسی ترجمه نموده و آن را بترتیب حرف اول و دوم مرتب ساخته(۱) وچون لغت یالغاتی دریکی ازمواد در قاموس نموده از کتب معتبره چون صحاح ودیوان الادب وتاج المصادر و دیگر کتابها ترجمه نموده و بر آن افزوده و نام آن را « منتهی الارب فی لغات العرب » گذارده وبدواً در کلکته وبسال ۱۲۹۸ درطهران چاپ شده است ، ٤۰ ـ محمد یحیی بن شفیع قزوینی رساله ای بنام الجموع والمصادر که درفصل بعد از آن نام خواهیم برد تالیف و آنچه صاحب قاموس در مصادر و جموع احمال کرده و یا اشتباه نموده تذکر داده شده‌است .

٤۱ ـ «الوشاح وتثقیف الرماح فی رد توهیم المجدعلی الصحاح» تالیف ابوزیدشیخ عبدالرحمن بن عبدالعزیز میباشد و بسال ۱۲۸۱ در بولاق مصر و بسال ۱۲۹۲ درحاشیه صحاح نیز درمصر چاپ شده است ٤۲ ـ ترجمه «فارس وشرح قاموس» نسخه‌ای ازاین کتاب را داشمندمعاصر آقای تربیت دارند که ازقرائن بدست میاید خط مؤلف است وناشرح ماده قراح را شامل میباشد وآغاز آن اینست : باب الهمزه فصل الهمزه محفی نماناد که مؤلف در بصائر ذکر کرده که الف

(۱) کشف الظنون (ص ۲۱۵ ج ۲) گوید که شروح وحواشی قاموس را (که ما آنها را در اینجا ذکرخواهیم نمود) از « تلخیص القاموس » تالیف شیخ ابراهیم بن محمد حلبی متوفی بسال ۹۵٦ نقل کرده‌ایم ودر اینجا کلمه البرهان که ظاهراً مختصر برهان الدین میباشد نیست وسال فوت مؤلف هم باآنچه مؤلف تاج العروس ضبط کرده ودر ص ۲۳۹ ذکر شده مخالف است.

اصل وهیولای سائر حروف است وجمله کلمات ولغات از آن متخالفند الخ. وباحتمال خود ایشان این ترجمه وشرح تالیف محمدبن حسن شیروانی مشهور به ملامیرزای شیروانی متوفی بسال ۱۰۹۸ میباشد و در ص ۳۳۲ دانشمندان هم یکی از مؤلفات این دانشمند را ترجمه وشرحی مبسوط برقاموس شمرده اند. **۴۳ـ « حاشیه قاموس »** بقلم مرحوم شمس العلماء گرکانی متوفی در اوائل دهه ششم از قرن چهاردهم هجری که از دانشمندان شهیر طهران بوده و نسخه ای از قاموس که دارای آن حواشی بخط محشی است اینك در کتا بخانه شخصی آقای حاج سید نصرالله تقوی اخوی رئیس محترم دانشکدهٔ معقول و منقول در طهران موجود است.

قاموس چنانکه مؤلّف در دیباچهٔ آن تذکّر داده دوبرابر صحاح اللّغه دارای لغت میباشد و بعضی گفته اند که باندازهٔ ثلث صحاح اضافه دارد و مؤلّف تاج العروس گوید : قاموس مشتمل بر شصت هزار مادّهٔ لغت میباشد و بیست هزار بر صحاح اللّغه افزوده است چنانکه ابن منظور الافریقی در لسان العرب بیست هزار لغت بر صحاح اللّغه افزوده است (۱) . فیروز آبادی در مقدّمهٔ قاموس گفته آنچه را که در صحاح نیست و دراینجا آورده شده با سرخی نوشته است.

این بود آنچه نگارنده برنام کتب راجعهٔ بقاموس دست یافت و چون این کتاب مکرّر چاپ شده و هر کس اندك آشنائی بادبیّات عرب داشته باشد آنرا بخوبی میشناسد از بیان طرز آن خود داری و بنقل دو بیت از مقدّمهٔ تاج العروس که درطرز استفادهٔ ازقاموس میباشد قناعت میکنم :

إذا رُمْتَ في القامُوسِ كَشْفاً لِلَفْظَةٍ فَآخِرُها لِلْبابِ وَ الْبَدْءُ لِلفَصلِ
وَ لا تَعْتَبِر فی بَدْئِها و آخیرِها مَزیداً وَ لٰکِنَّ اعْتِبارُکَ لِلْأَصْل

(۸٦۱)

قاموس المحیط این نسخه بخطّ نسخ خوب نگاشته شده و مشتمل برتمام کتاب است. کاتب ازخود وسال کتابت نام نبرده ، اوراقی از اوّل و آخر نسخه نو نویس میباشد وبعضی ازاوراق دیگر کتاب وصالی شده ،

(۱) پشت نسخه (۸٦۳) این فهرست از شهاب الدین خفاجی ازخط فیروز آبادی نقل شده که صحاح مشتمل بر پنجهزار ماده لغت میباشد ومن بر آن بهمین اندازه افزوده ام. وچون این بیان با نوشته مؤلف تاج العروس مخالفت زیاد داشت نگارنده مواد لغات صحاح را شماره نمود درحدود (۵۵۰۰) ماده لغت بود بنا براین نقل خفاجی صحیح خواهد بود ووجه جمع این دوقول اینست که کلمهٔ ماده در تاج العروس زیاد باشد.

پشت ورق اوّل از جزء دوّم حاج فرهاد میرزا معتمدالدّوله نوشته اند که در سنه (۱۲۵٦) در شیراز این کتاب خریده شد و در ذیل آن بعربی نگاشته اند که آنرا بمیرزا فضل‌الله نصیرالملك در روز غدیر سال مذکور بخشیدم و در چندین جای ازنسخه جلال نام پسرخضربن داود درسنه (۹٤۳) نوشته اند که این نسخه متعلّق بایشان گردیده ، نسخه درآب افتاده ولی خطوط آن ضایع نگردیده و دارای یك سرلوح تازه‌است که ازقرن سیزدهم میباشد ومجدول بسرخی است .

جلد ساغری ضربی مینا شده . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۸۲۲) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۲).

(۸٦۲)

قاموس‌المحیط این نسخه بخطّ نسخ عبدالرّزاق بن محمّدالیمنی در سنهٔ (۹۵۵) نوشته شده وبانسخهٔ اصل مصنّف مقابله گردیده ومشتمل برتمام کتاب است، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وصفحه اوّل وآخرنو نویس میباشد ، تمام اوراق کتاب بانهایت مهارت متن وحاشیه شده و چند ورق ازاوّل وآخر وصّالی گردیده است .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵٦۷) : صفحه‌ای (۳۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۷ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۵٦).

(۸٦۳)

قاموس‌المحیط این نسخه بسال ۹٦۲ نگاشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته و مشتمل بر تمام کتابست ، در حاشیه بیشتر از صفحات حاشیه‌هائی ازعبدالباسط وسعد مفتی وعمادالدین کاشی وقطب‌الدّین حنفی مکّی در توضیح مطالب کتاب میباشد ونیز مطالبی از کشاف و کشف‌الکشاف و شرح موجز ومغرب‌اللغه وعقدالفرید ومصباح‌المنیر والفتن والملاحم ودیگر کتابها نوشته‌شده ، پیش‌ازشروع بنگارش کتاب‌نویسنده‌ای برحسب‌امر یکی ازقضات معاصرخویش که از وی چنین تعبیر نموده : (نقل ذالك برسم القاضی العلام البحر الهمام زین الدّین نسیمی بن صالح عامله الله تعالی بخفی لطفه وجعله من اهل محبته والفه بحقه علیه آمین.)،

شرح حال فیروز آبادی را مفصل تر از آنچه در الضوء اللامع و دیگر کتابها میباشد از تاریخ شیخ عفیف الدّین عبدالوهاب بن وجیه الدّین عبدالرحمن بربهی (از قرائن بدست میآید تاریخ راجع به علماء زبیدیمن است) نقل نموده است ، از یادداشتیکه پشت صفحهٔ اوّل قاموس میباشد و عبارت آن اینست : (آخوند ملاّ صدرای مرحوم بخداوندگاری برسم هدیه دادند) و مهر اسم مربعی که سجع آن اینست : (المذنب محمد المدعوّ بصدرالدّین) معلوم میشود که این نسخه متعلّق بحضرت آخوند بوده و جمله هائی بخط شکسته نستعلیق پشت صفحه اوّل و آخر نسخه و درحاشیه بعضی از صفحات میباشد و با آشنائی بخط آخوند و قرائن بالا توان گفت جزماً نگاشته ایشانست ، یادداشتهای دیگر بر این نسخه نیز یافت میشود ، درابتداء قاموس سرسورهٔ موجود و صفحات مجدول بشنجرف میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیر السلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۲۱) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۲۷ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۷۸) قسمه مدرسه مشیر السلطنه .

(۸٦٤)

قاموس المحیط این نسخه بخطّ نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب است . نویسنده ذکری از نام خود و سال نگارش ننموده ، چند ورقی ازفصل عین تامیم از باب طاء جابجا شده ، صفحات مجدول بسرخی میباشد ، پشت برگ نخستین اشعاری درمعرّفی و مدح قاموس بسال ۱۰۵۲ نوشته شده ، ورق اوّل و آخر و صالی گردیده و بیشتر اوراق را موریانه سوراخ کرده و ظاهراً نسخه درقرن نهم نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٦۷۱) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۵) .

(۸٦۵)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و از نسخ نفیسهٔ این کتاب است ، نویسنده ذکری از نام خود و سال نگارش ننموده ، پس از اتمام معانی لغت **وجد** عباراتی از نسخه مؤلّف که حاکی از ختم جزو اوّل

کتاب است نقل نموده، و حاشیه صفحهٔ اوّل و دوّم گل و بوته طلائی دارد و تمام صفحات بجدول بطلا است . چند ورق از فصل تاء تاحاء از باب باء عرضاً پاره شده و قابل و صّالی است ، پشت آخرین ورق شرح حال مؤلّف را نوشته اند و این قسمت برخی از مطالبی است که در الضوء اللّامع میباشد و دو ورق آخر مختصر و صّالی گردیده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۷۰۵) . صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦۳) .

(۸٦٦)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ یوسف بن خضر بحیری در جامع الازهر مصر نوشته شده و شامل حزء اوّل کتاب تا آخر باب ضاد میباشد . کاتب ذکری از سال کتابت نکرده و ظاهرا از خطوط قرن دهم بنظر میرسد، پشت صفحهٔ اوّل نسخه تذهیب شده و مقابل صفحه آخر ترنجی است که بر آن اتمام جزء اوّل قاموس نگارش یافته، چهار صفحه از اوّل و یك صفحه از آخر کتاب بجدول بطلا و لاجورد و عنوان ابواب باطلا نوشته شده است .

جلد چرمی . کاغذ نباتی ضخیم . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲٤) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱) .

(۸٦۷)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، صفحهٔ اوّل و آخر آن نو نویس است، نویسنده کتاب را بدین ترتیب چهار قسمت نموده (۱) از باب همزه تا فصل زاء از باب راء. (۲) از فصل سین از باب راء تا فصل سین از باب عین. (۳) از فصل شین از باب عین تا فصل الظاء از باب اللّام . (٤) از این فصل تا آخر کتاب و فاصله هریك از این قسمتها یك دو صفحه کاغذ ننوشته میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت در هیچیك از قسمتهای کتاب نام نبرده ، صفحات بجدول بسرخی و لاجورد ، نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن نهم است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۰۵) . صفحه ای (۳۱) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۷) .

(۸٦۸)

قاموس المیحط این نسخه بخط نسخ درسال (۱۰۳۲) نوشته شده ومشتمل برتمام کتاب است، پشت ورق اوّل تذهیب شده و باسفیداب نام کتاب ومؤلّف را نوشته اند ، درابتدای کتاب برورقی دوبیت دروصف قاموس در چهار سطر میباشد ، نخستین برگ کتاب دارای دو سرلوح میباشد ، صفحات مجدول بطلا وسرخی است ، درحاشیهٔ اوراقی که یکی از بابها در آن میباشد وبرگ مقابل آن دوایر کوچك تذهیب شده‌ای رسم‌شده ، هشت ورق کاغذ ننوشته در آخر کتاب میباشد ، اوائل ابواب سرسوره ای میباشد واوّل جزء دوّم کتاب نیز دوسرلوح کوچك است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۷۰) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول ($۳۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۲) .

(۸٦۹)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ درسال (۱۰۵۸) در مکّه معظمه نوشته شده وشامل تمام کتاب است ، کاتب نامی از خود نبرده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی میباشد یکی از آنها بسال ۱۲۵۱ بخط محمّد کاظم بروجردی است که نسخه را از محمّد کاظم شروانی خریده است ، مهری در آخر کتاب بوده آنرا محو کرده اند ، صفحات مجدول بسرخی است ، اولین وآخرین برگ نسخه وصّالی شده ونویسنده ای پشت آخرین ورق مختصری از شرح حال مؤلّف را نگاشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤٤۳) . صفحه ای (۳۵) سطر . طول ($۳۰\frac{۱}{۱}$ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٤۳) .

(۸۷۰)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ خوب محمّد یوسف بن محمّد قاسم نطنزی در سال (۱۰۷۸) نوشته شده و در سنهٔ (۱۰۸۱) مقابله و تصحیح کردن آنرا بانسخه ایکه بانسخهٔ مصنّف مقابله شده پشت صفحهٔ اوّل و در حاشیه آخرین صفحه تذکر داده اند ، ورق اوّل کتاب بطرزی بد وصّالی گردیده ،

صفحات مجدول بطلا وسرخی ومشتمل برتمام کتاب میباشد ودرآخر کتاب عباراتی که میرساند این نسخه از روی نسخه ایکه بسال ۸۷٦ نگارش یافته ، نوشته شده وپس از ختم کتاب شرح حال مصنّف از کتاب « الضوء اللّامع » سخاوی ملخّصاً در دوصفحه نوشته شده است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۵۳۵) . صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۹ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۵) .

(۸۷۱)

قاموس المحیط این نسخه که بخط نسخ نوشته‌شده مشتمل برسه قسمت از قسمت های چهارگانه قاموس میباشد وازباب همزه تافصل سین ازباب عین مهمله است هریك ازقسمتهای سه گانه دارای یك سرلوح میباشد ، صفحات مجدول بطلااست ، سال کتابت ونام کاتب نگاشته نشده ولی پشت صفحهٔ اوّل یادداشتهائی ازمالکین این کتاب میباشد که قدیمی ترین آنها درسنهٔ (۱۱۹۳) نگاشته شده ، فاصله بین سطور صفحهٔ اوّل و دوّم را باطلا خط کشیده اند .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤۰۱) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹) .

(۸۷۲)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و بقیّه نسخه قبل میباشد (فصل سین از باب عین مهلمه تاآخر کتاب) سال کتابت ونام کاتب ذکر نشده ولی بقرینه معلوم میشود که خط کاتب نسخه سابق که تحت شمارهٔ (۸۷۱) این فهرست وشمارهٔ (۳۹) کتابخانه ازآن نام بردیم میباشد ودارای یك سرلوح وصفحات مجدول بطلا است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۸۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۰) .

(۸۷۳)

قاموس المحیط این نسخه را بخط نسخ فتح محمّدبن محمّد صالح لاهوری نگاشته ولی سال کتابت را ذکر ننموده ، مشتمل بر تمام

کتاب است، قسمتی از اوّل کتاب تصحیح گردیده لغات با سرخی نوشته شده، قسمتی از اوراق را موریانه سوراخ کرده و صفحات آن مجدول بسرخی وزنگار است، پشت نسخه نوشته شده : این کتاب قاموس مبلغ هفتاد روپیه .

جلد چرمی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۸۲۷) . صفحه‌ای (۲۷) سطر. قطع رحلی کوچك . طول (۲۸ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٤) .

(۸۷٤)

قاموس المحیط این نسخه درسال (۱۲٤۷) بخط نستعلیق نصرالله بن ابوالقاسم نوشته شده و شامل تمام کتاب است وصفحات آن بسرخی وزنگار مجدول شده .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٥٥۳) . صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (٤٦) .

[۳٦۱] **قانون الادب** (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب حبیش (۱) تفلیسی است (ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمّد التفلیسی) که ازدانشمندان قرن ششم هجری وباقلج ارسلان بن مسعود (از سال ٥٥۹ تا ٥۸۸ سلطنت نموده) (۲) از سلاجقه روم معاصر بوده و بدبختانه شرح حالی از ایشان در کتابی نیافته ام ، مؤلّفاتی بپارسی و عربی دارد .

از آنها «بیان الطب»(۳) «ملحمه دانیال»(٤) «بیان الصناعات»(٥) «صحة الابدان»(٦)

---

(۱) حبیش بضم حاء حطی وباء ابجد ممتوح وباء آخرحروف وشین قرشت میباشد و درمقدمهٔ قوافی همین مؤلف ، نام وی بدین گونه تشکیل شده است .

(۲) تاریخ سلطنت و مختصری از حالات قلج ارسلان در ص ۳۷ ج ۲ تاریخ کامل ابن اثیر است .

(۳) نسخه ای از این کتاب که بفارسی است درتحت شماره (۸۲٦) دراین کتابخانه میباشد .

(٤) ملحمه دانیال که بنام اصول الملاحم نیز نامیده میشود، بفارسی است وترجمهٔ این مؤلف است نه تالیف .

(٥) درمقدمه بیان الطب تالیف این کتاب را بخود نسبت داده است .

(٦) درمقدمه کامل التعبیر خود این کتاب را نام برده .

«کتاب القوافی» (۱) «کاملة التعبیر»(۲)، «کفایة الطب»(۳)، «بیان التصریف»(٤) وقانون الادب میباشد .

قانون الادب یکی از کتابهای نفیس وقابل مطالعه ومفید درمعانی پارسی لغات عربی میباشد ، مؤلّف در مقدمهٔ آن سعهٔ اطلاع ادبی خود را نشان داده ومآخذ خود را نام برده وقسمتی از مقدّمه را که مبیّن طرز کتاب وانشاء مؤلّف ومطالب مندرجهٔ در آنست ذیلاً مینگاریم :

اما ترتیب این کتاب چنان نهادم وساختم که نخست حرف الف را به آغاز کتاب بردو نوع نهادم چنانکه دو نوع نخستین کلمتهای که آخرش حرف الف بود مفتوح و فتحهٔ ناقصه بود جمله را بترتیب حروف بروزن قافیه بنسق یاد کردم ودرنوع دوم کلمتهای که آخرش حرف الف ممدود بود جمله را هم برطریق نوع نخستین بازنمودم چنانکه نخست اسما را درهر نوعی نبشتم بعدش جمع وحرف را بعدش افعال را و در مقدمهٔ هر نوعی کلمتهای که آن ثنائی بود یعنی دوحرفی بود معنی هریك بزیر کلمتش بپارسی شرح کردم بعد آن کلمتهای ثلثی را یعنی سه را بعدش رباعی را یعنی چهار حرفی را بعدش خماسی را بعدش سداسی را و باخر هر نوعی کنیتها وکلمتهای که دوبهم جمع بودند این جمله را بیان کردم وبالای هر کلمتی که از افعال بود علامتی از حروف حساب هفد سیاهی بکردم و این علامتها از تصریف افعال است مقصودم ازاین علامتها آن بود تاخواننده وآموزندهٔ این کتاب تصریف هرفعلی را درست صرفی بتواند کردن الخ .

و در اواخر مقدمه گوید :

ونیز در اواخر کتاب سه فصل بنهادم یکی اندر دانستن نامهاء بزرگان وشعراء عرب ازمرد و زن و آنچه در کتابهای لغت و در شعر های شعراء عرب موجود یافتم **و دوم فصل** در معرفت بنیاد مصادر و اوزانش که از هر بابی مصدر برچند وزن حاصل شود **وسیم فصل** اندردانستن وحدان جمعهاء قیاسی و طریق اوزان هریکی که استخراج آن را چگونه توان دانستن تا کتاب بغایت کمال باشد وخواننده ازمقصود بازنماند الخ .

ازنقل عبارات بالا طرزاین کتاب بدست آمد وبامراجعه بکتاب دیوان الادب معلوم خواهد شد که این مؤلّف آن مؤلّفه را پیروی نموده است .

---

(۱) نسخه آن دراین کتابخانه است وپس از قانون الادب ذکر میشود .

(۲) نسخه ازاین کتاب در کتابخانه معارف موجوداست (ج ۲ ص ٤۱۳) ودرفهرست آصفیه تذکر داده شده که بسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است .

(۳) بعربی است ودر مقدمه بیان الطب ازآن نام برده وتفصیل مطالب را بدان حوالت داده .

(٤) درمقدمه دیوان الادب از آن نام برده است.

قانون‌الادب تاکنون چاپ نشده، ودرحدود (۲۸۰۰۰) بیت کتابت دارد وسعدالدّین مستقیمزاده آنرا بترکی ترجمه نموده و نام آن را « السنه ثلاثه » گذارده و این نام خود ماده تاریخ شروع به ترجمهٔ آنست = ۱۱۸۳ .

آغاز : بسمله سپاس خدای راکه قادربرکمالست ودرود برمحمّد علیه‌السّلام که برگزیده وخوب خصالست و بریاران واهل بیت و هرکه مصطفی را قرابت وآلست الخ .

(۸۷۵)

قانون‌الادب این نسخه بخط نسخ نوشته‌شده، قسمتی از فصل سوم آن افتاده ، نویسنده وسال نگارش در جای دیگر از نسخه تذکر داده نشده ، ظاهراً خط قرن یازدهم هجری میباشد ، پیش از کتاب فهرست انواعیکه این کتاب بر آنها مرتب‌شده، بوده،ولی ورق اوّل آن نیست و پشت ورق اوّل نسخه یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و یادداشت دیگری بسال ۱۲۳۳ برهمان صفحه موجود و یادداشت مرحوم اعتضادالسلطنه جای یادداشت محوشده نگارش یافته، بعضی از اوراق نسخه وصّالی شده وعناوین مطالب باشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹٦) . صفحه ای (۲۰) سطر. طول . (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۰).

(۸۷٦)

قانون‌الادب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، خاتمه کتاب که در سه فصل میباشد نگاشته نشده و آخر نسخه اینست : سقی کندم باب پرورده ، هوابن عمة دنیا اوپسرعم وی است نزدیك ؛ قانون ادب تمام اولدی مشقه عهدی بن شمس البغدادی فی سنة ۹٦۸. ونیز این یادداشت در کنار آخرین برگ نسخه نوشته شده : الحمد لله والصّلوة علی رسول الله ترجمت تلك النسخه المنقّحه من اوّلها الی آخرها مع ابقاء معانیها فصارت السنة ثلاثه فسمیّتها بذلك فوقع تاریخها السنة ثلاثه ۱۱۸۳ لابتدائنا بترجمتها فاتممنا فی سبع سنین بعون القوی المعین تعالی

وبهمة الامیر نوری نورالله قلبه وعمّره مع اولاده الامجاد الذینهم للسلطان احمد الثالث احفاد ووفقه لامثالهما آمین بالنبی الامین حرّره مترجمها الفقیر ابوالمواهب سعدالدین سلیمان امین الله العریف بمستقیمزاده زادالله زاده فی الدّارین بالسعاده سنة ۱۱۹۱ .

دارای یك سرلوح كوچك میباشد كه اندكی چرك شده و نسخه تصحیح گردیده و مجدول بطلا ولاجورد است .

جلد ضربی خوب طلائی . كاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۳٤) . صفحه‌ای (۲۷) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض ($17\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ كتابخانه (۱۱) .

[۳٦۲] قوافی (عربی بفارسی)

مؤلّف این كتاب حبیش تفلیسی است (ص۲٤۷) [۳٦۱] وبرحسب امر پادشاه عصر خویش بتألیف آن پرداخته وآن را بنام پسروی قطب الدین ، موشح نموده، مقدمه آن را كه مبیّن سبك نگارش آن روزگار بوده وكتابرا معرفی مینماید در اینجا می آوریم :

بسم الله الرحمن الرحیم رب تمم بالخیر سپاس وشكر خدایرا كه ازعلم ودانش مارا بهره داد و راه راست نمود و دین اسلام بارزانی داشت و درود خدای بـر محمد باد علیه السلام و بریاران واهل بیتش چنین گوید حكیم ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد الكمالی التفلیسی كه ملك اجل عادل عالم كبیر قطب الدین عمادالاسلام ونظامها ، جلال الملة وجمالها ، نجم الملة وتاجها ، شمس الملوك والسلاطین ، ناصر جیوش المسلمین ، فخر الانام عز المجاهدین ، قاتل الكفره والمشركین ، قامع المتمردین ، ابوشجاع قلج ارسلان بن مسعود ، یمین امیر المومنین ، اطال الله بقاه ، وادام فی الدولة ارتقاه ، واباد حساده واعداه ، بحق محمد وآله ،

از آنجا كه بزرگ همتی و رغبت او بعلم و دانش بند (كذا) را اشارة فرمود كه باید كه (كذا) از بهر من كتابی سازی در قوافی چنانك كلامهای را (كذا) مشكل تازی كه شعر را (كذا) در قوافی شعر ها بكار برند بپارسی شرح كنی ، و ترتیب كتاب خراسان نهی ، ودر تصنیف كتاب اختصار نگاهداری ، تا كتاب دراز نكشد ، وخواننده را ملال نفزاید ، وما را یاد گـار بود ، پس بنده برحسب طاقت خویش جهد كرد و فرمان بجای آورد وبرقدر دانش خویش این كتاب مختصر تصنیف كرد و آخر هرقافیه را بترتیب برحروف معجم بیذا كرد ، چنانك اگر كسی را قافیهٔ باید نگاه كند كه آخر حرف آن قافیه را (كذا) از جمله حروف معجم كدامست و از كدام نوعست و از هر كدام كه بود وی را

طالب کند تا معنی آن بداند و هر قافیهٔ که دو حرف بود وی را در اول هرحرفی مقدم کردم وبعدش سه حرفی راوعلامتش حرف ج ۳ بکردم وبعدش چهارحرفی را ۴ و پنج حرفی را ۵ وشش حرفی را ۶ وهفت حرفی را ۷.

واما قافیهائی(کذا) که بپارسی بودوآسان، دراین کتاب یادنکردم که کتاب درازشدی بپارسی بر کس پوشید نبودوبجایی که قافیهای (کذا)پارسی مشکل بکردم حرف س بالای او بنوشتم ، تا کسی گمان نبرد که بپارسی است (عبارت بی‌اشکال نیست) وبداند که هر کسی که شعر گوید وهوس شاعری دارد یابخواهد که معنی قافیهای مشکل داند از دانستن اینقدر ناچار بود تا در علم قافیه شاعر جاهل نباشد و شعر گفتن بروی آسان شود زیرا که اصل شاعری قافیه بودبایدکه قافیها(کذا)نیك بداند بس کتاب باسم قطب‌الدین زادالله عمره تمام کرده شود انشاءالله تعالی تاهر کسی که بخواند وفایده بگیرد خداوند را و مصنف را بدعا یادآرد وحسبناالله ونعم‌الوکیل

قوافی حرف اول یا ای ، لا نه ، ما نه ، ما آب و جه ، ما ای ، دا درد ، ذا آن الخ .

این کتاب در حدود (۳۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۸۷۷)

قوافی این نسخه بخط نسخ و ترجمهٔ آن بخط نستعلیق بسال ۹۲۸ درشهر بروسه نگارش یافته ، نویسنده در آخر این نسخه نام خودرا نیاورده، ولی محمدبن عبدالکریم بیکسماتی نویسند نسخه ایکه ضمیمه این نسخه است نویسنده آنست، ترجمه فارسی قوافی درذیل کلمات نوشته شده وعناوین باشنجرف است .

خصوصیات نسخه به « مختصر الصحاح » شمارهٔ (۱۱۰) کتابخانه که در فصل میم همین فصل درص ۲۸۲ زیر شمارهٔ (۹۰٤) از آن نام میبریم مراجعه شود .

[۳۶۳] کنز اللغات (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه درمقدّمه تصریح شده : محمّدبن عبدالخالق بن معروف میباشد که در قرن نهم هجری در زمان سلطنت کارکیا سلطان محمد پسر کارکیا ناصر کیا پادشاه گیلان (ازسال ۸۵۱ - ۸۸۳ پادشاهی نموده) (۱) زندگانی میکرده واین کتاب را بنام آن پادشاه موشح کرده است .

(۱) تاریخ گیلان تالیف میرظهیرالدین مرعشی ص ۲۶۰-۳۸۱ ومجالس المؤمنین ص ٤۱۱ مراجعه شود .

مؤلّف ، لغات قرآن کریم و احادیث شریفه را بترتیب حروف تهجی اواخر آنها دربیست و هشت باب مرتب نموده وهربابی را مشتمل برفصولی چند قرار داده وازلغات مشتقّه بذکرمصادرآنها قناعت کرده وپس ازآن غیرمشتقّه‌را ذکر نموده و درمقدّمه گوید که این کتاب را بامراجعه به صحاح ، مجمل ، دستور ، مصادر ، اختیارات بدیعی ، لغات‌القرآن و شرح نصاب تألیف کرده ام وکلیّاتی‌را دربیان مطالب لغوی وصرفی در۱۶ ماده بنام مقدّمه آورده وگاهی بآیات واخبار استشهادکرده است .

این کتاب در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر در ایران چاپ شده است .

آغاز : بسمله ابتدی هرسخن آن خوبتر در هرمقام
کوبود باحمد معبود خدای‌لاینام(۱) ،

جواهر کنوز لغات حمد و سپاس نثار بارگاه حضرت متکلمی که زبان اصناف آدمیان را کلید گنج خانه سخن گردانید الخ .

(۸۷۸)

کنز اللغات

این‌نسخه را بخط نستعلیق بامرمحمد اکبربیك، محمد سلمان‌بن عبدالباقی در سال (۱۰۷۹) نوشته ، لغات را باسرخی نگاشته وصفحات مجدول بطلا میباشد ، پشت صفحه نخستین یادداشتی بخط آقا محمد علی پسر آقای بهبهانی موجود و سجع مهریکه درذیل آن میباشد اینست : عبده محمد علی‌بن محمد باقر ۱۲۶۵ . شعر نقل شدهٔ بالا ابتدا. نسخه نوشته نشده واز عبارت : جواهر کنوز لغات حمد وسپاس الخ. شروع شده است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱۴) . صفحهٔ (۲۶) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۸) .

(۱) دربعضی از نسخه‌ها « نیك نام » و در بعضی « پاك نام » و در برخی « لاینام » نوشته شده است .

(۷۷۹)

کنز اللغات این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۹۷ محمد اشرف نوشته ، دارای سرلوحی زیبا میباشد ، میان سطرهای دو صفحهٔ ابتداء نسخه تذهیب شده ، دیگر صفحات مجدول بطلا ولاجورد وابواب و فصول ولغات باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیر السلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق ( ) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ قفسه مشیر السلطنه (۵۷۹) .

(۷۸۰)

کنز اللغات این نسخه بخط نستعلیق متوسط میر محمد امین نوشته شده ، سال کتابت را کاتب سنه ثمانمائه بعدالالف نگاشته و اعداد آنرا هم مغشوش رقم نموده ولی در آخر رسالهٔ کـه بلا فاصله بعد از این نسخه بقلم آمده سال کتابت (۱۱۰۹) قید شده ومعلوم میشود که سال نگارش این نسخه ثمان ومائه بعدالالف بوده (۱۱۰۸) وکاتب بغلط ثمانمائه بعدالالف نوشته دو رساله در الفاظ مفرده ومرکّبه ضمیمهٔ این نسخه میباشد که در ص ۱۸۶ و ۱۸۷ همین فصل از آنها نام برده شده .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۳۷۶) . اوراق این نسخه (۳۶۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۷) .

(۷۸۱)

کنز اللغات این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اوّل ودوّم کتاب باخط زیبا تری از بقیه کتاب نگارش یافته ، بنظر میآید کـه کاتب آن دیگری است ، در آخر نسخه کاتب نـام خود را عبدالرزاق الویری ابن محمد هاشم معرّفی وسال کتابت را سنهٔ (۱۲۴۵) معین نموده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۵۹) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۹) .

۳٦٤ لغات ثلثه = ترجمان معارف (ترکی عربی وفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه درمقدّمه آن بترکی نگاشته شده: **حاج حسن** میباشد که مقام مترجمی لغات سه گانهٔ عربی و ترکی وفارسی را در بغداد داشته و این کتاب را در سه مجلّد بدین ترتیب در آنشهر مرتب نموده که درهریك از مجلّدات یکی از لغات زبانهای مذکور را اصل قرار داده وموافق حروف تهجّی هریك ازفصول آنها را مرتب نموده و بدوزبان دیگر مراد از آن لغت را بیان کرده و هریك از مجلّدات را در ده فصل بترتیب زیرین گذارده:

فصل اول مصدر ۰ ۲- فعل ماضی. ۳- فعل مضارع. ٤- فعل امر. ٥- فعل نهی. ٦- در بیان اعضاء انسان وخویشان او و آلات جنگ و اسماء. ۷- در بیان حیوانات وطیور. ۸- دراسامی واشجار ونباتات. ۹- درنامهای پیشه ها و ابزار آنها. ۱۰- درنامهای افلاك وستارگان و روزها و سالها و خواندن و نوشتن وآنچه بدین دو متعلق است ومعادن وآنچه بدانها مربوط میباشد وغیر از اینها.

نام این کتاب را مؤلف «**ترجمان معارف**» گذارده تا سال تألیف هم از حروف نام کتاب بدست آید، بنا براین بسال ۱۰۸۵ تألیف گردیده ونیز مؤلّف درمقدّمه گوید که این لغات ثلثه را از کتابهای لغت: اختری، شاهدی، حلیمیّ، نصاب، نعمة اللّه وسائر کتب معتبره انتخاب کرده‌ام و این مؤلّفه نخستین کتابی استکه در لغات ثلثه (عربی وفارسی وترکی) تألیف گردیده (۱).

نسخه این کتابخانه فقط مشتمل بردو مجلّد (عربی بترکی و فارسی - ترکی بعربی وفارسی) میباشد و مجلّد سوم را ندارد واین دو مجلّد در حدود (۸۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله حمد بیقیاس وسپاس لایقاس، اوّل خالق ملکوت و آسمان، وآفرینندهٔ جهان وجهانبانه که فرمان کن برله عالمی پیدا الخ.

---

(۱) در کشف الظنون ج ۱ ص ۲۷۹ نوشته شده: «ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب» تالیف شهاب الدین احمد بن محمد بن عربشاه دمشقی حنفی متوفی بسال ۸۵٤ میباشد. (بنا براین کتاب مذکورمقدم برترجمان معارف تالیف گردیده و نام این کتاب هم در کشف الظنون نیست).

(۸۸۲)

لغات ثلثه یا ترجمان معارف

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲٤٤ و ۱۲٤٥ نوشته شده، کاتب نامی از خود نبرده، لغات وعناوین فصول وابواب‌را با سرخی نگاشته، مرحوم رضا قلیخان هدایت در سال ۱۲۷۱ دارای این‌نسخه شده وپشت صفحه اوّل بنام لغت ترکی‌ترجمه بلغت عربی وفارسی آن را معرّفی کرده ودر زیرنوشتهٔ خویش مهربادامی‌رضا قلی زده شده وبسال ۱۲۹۰ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق(۱۷۸) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول($\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳٤).

[۳٦٥] لغات جوك (سانسکریت بفارسی)

کتاب جوك چنانکه در مجلّد سوّم از آن معرّفی خواهدشد یکی از کتب عرفانی ومؤلّف آن‌پندت کشمیری میباشدودرزمان ولیعهدی سلطان‌سلیم ازسلاطین عثمانی که از سال ۹۱٦ تا ۹۲٤ سلطنت کرده، بامر وخواست وی نظام الدّین پانی‌پاتی(۱) آنرا بفارسی ترجمه نموده وحضرت میرفندرسکی ازآن ترجمه انتخابی کرده وبرآن اضافاتی نموده ونسخهٔ آن در آخر یکی از مجموعات (شمارهٔ ٦٤۰ فهرست خطی ج ۲) درکتابخانهٔ مجلس شورای ملّی میباشد.

نظام الدّین‌مذکورپاره‌ای‌ازلغات‌را بهمان‌نحو که‌دراصل‌سانسکریت بوده‌نقل، در بعضی از موارد، معنی آنها از تفسیر و بیانات وی معلوم میشود ولی پارهٔ از مطالب‌را باجمال وابهام گذاشته‌وگذشته‌است. مرحوم‌میرفندرسکی‌درضمن‌منتخب خویش بشرح آن الفاظ ولغات پرداخته و یکی از دانشمندان که با تفحّص زیاد بنام ایشان دست نیافتم‌برخی‌ازبیانات نظام وپارهٔ ازتفاسیرمیر را جمع نموده، ونسخهٔ ذیل را بنام « لغات جوك » ترتیب داده وبعضی ازنویسندگان نسخ آن را ضمیمهٔ ترجمه جوك کرده اند(۲).

(۱) پانی پت از نقاط مشهور هندوستان است ودرهفت اقلیم نام چند نفر از مشاهیر آنجا ثبت است.

(۲) نسخه ترجمه جوك متعلق بدانشمند محترم آقای تربیت ونسخه مجلس‌شورای ملی این‌لغات را ضمیمه دارد ولی نسخهٔ این کتابخانه ندارد.

این کتاب مشتمل بر (۴۶۰) لغت و در حدود (۵۴۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله باب‌الالف آتمان هستی مطلق و اصل آفرینش و آنچه همه را آفریده الخ .

انجام : « یاسدیو » پادشاه عالم ، « یرته » معبد ، « بشن‌دنار » اسم یك ذاتست تمّ بالخیر .

(۸۸۳)

لغات جوك

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده ، لغات باشنجرف میباشد، آخر نسخه‌را در بالا از روی نسخه ضمیمهٔ ترجمه جوك کتابخانه مجلس نقل کرده‌ام واندك مخالفتی باانجام این نسخه دارد و پس از آخرین لغت باین شعر ختم گردیده : عالم ضمندد وات مائیم در کنسه وسومنات مائیم.

ضمیمهٔ نسخه (۱۷) کتابخانه وشمارهٔ (۸۶۰) این فهرست میباشد خصوصیّات آن در ص ۲۳۲ گفته شد .

[۳۶۶] لغات دساتیر (فارسی)

این کتاب که بدین نام نامیده شده مشتمل بر معانی لغاتی استکه در دساتیر میباشد ، مؤلّف ازخود در مقدّمه وخاتمه نامی نبرده ، ازمطالعه کتاب هم مؤلّف بدست نیامد ، موجب آنهم آشکار است که چون در کشور مسلمانان باغلبه عوام برخواص اظهار فضل واطلاع بر کتب ادیان دیگرموجب نقص بوده، جامع خود را نشناسنده، ولی ازمندرجات کتاب بدست میآید که صوفی مسلك بوده و بکتب واصطلاحات عرفا وحکما آشنائی داشته و از مزایای این کتاب یکی ترجمه لغات واصطلاحات حکمی میباشد ، ازلغت برهان قاطع که بسال ۱۰۶۲ تألیف شده بسیار نقل‌دارد ، عبارات آن بسیار سلیس ومتین است برای‌نمودار پاره ای از آنرا در اینجا می‌آوریم :

مخزن نامه یزدانی نزد عارفان واصل ومحققان کامل‌تمام عالم کتاب حضرت حق‌است چه پیوسته ایشان از اوراق ذرات موجودات احکام اسرار تجلیات الهی عزاسمه میخوانند و مجموع عالم از غیب و شهادت را کتاب حق تعالی میدانند که مشتمل بر تمامی اسما وصفات الهیت ومطابق این معنی یکی از عرفا منظوم فرموده ، رباعی :

از لوح جهان خط الهی خواندن خوشتر بود از حرف و سیاهی خواندن
بر صفحهٔ کائنات خطیست کز آن اسرار ازل توان کماهی خواندن ،

نشیبسار بفتح اول و کسر ثانی اسم مرتبه فرق است از مراتب ثلثهٔ ایزد شناسی باصطلاح هیربدان یعنی صوفیه صفیه که مشاهدهٔ کثرت باشد بدون وحدت وجدا دانستن وحدت از کثرت وویژه درونان فارس این مرتبه فرق را **فرجند شای** نیز گویند چنانکه در **باب الفا** گذشت .

این لغت در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد وشامل (۷۹۳) لغت است .

آغاز : بسمله باب الف ممدوده **اب** بسکون ب بای ابجد نام یکی از عناصر اربعه وبمعنی آبرو وعزت و دولت و قدرت الخ .

انجام : والحاق‌های هوّز درآخر بجهت حرکت حرف آخراست چه پیوسته آخرکلمات فارسی ساکن میباشد .

(۸۸٤)

لغت دساتیر ابن نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب نام خود وسال نگارش‌را ننگاشته، لغت زندوپازند ضمیمهٔ آن میباشد و بسال ۱۲۷۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (٤۲) . این نسخه (۲۸) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($21\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۹۰) .

[۳٦۷] لغات رامند قزوین (فارسی)

رامند(۱) یکی ازبلوك قزوین میباشد وتقریباً ۱۲۰/۱۸ کیلومترمربع مساحت دارد وازسی کیلومتری‌قزوین شروع ودر٤۸ کیلومتری خاتمه میابد ، اهالی آنجا بیشتر بفارسی گفتگودارند ، برحسب خواست مرحوم اعتضادالسلطنه وزیرعلوم آن عصر یکی از اهالی آنجا لغات مستعملهٔ در آن بلوك را در شش مبحث گرد آورده و از خود نام نبرده است : ۱ – لغات راجعهٔ بانسان و اعضاء او . ۲ – در

(۱) دهات رامند عبارت از : سیاه دهن ، آك ، اسفرورین ، شال ، خیارج ، قرقه ، نرجه ، خروزان ، تزرك ، شارین ، ولازیگرد ، محمودآباد ، حسین آباد ودان اصفهان میباشد.

عمارات و بعضی ابزار خانه ازلباس و ظروف وغیره . ۳ ـ در خوراکیهای انسان و حیوان . ٤ ـ در نامهای مرغها وحیوانات و حشرات . ٥ ـ در اسامی روز ها و ماهها و سالها و اقسام حرفه ها و ابزار های آنها . ٦ـ در کلمات وافعال مفرده و مرکّبه درهنگام گفتگو .

این رساله در حدود (۲٥۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّد و آله الطّاهرین. **امابعد** این شطری‌است ازلغات واصطلاحات فرس معمولی اهالی رامند که حسب‌الفرمایش نواب اشرف امجد والااعتضادالسلطنه وزیرعلوم وصنایع و تجّار دام اجلاله العالی جمع آوری گشته هرچه‌در مقام خود نوشته و مختلف فیه هرقریه از قراء فارس(۱) را هم بسمت تحریر برآورده و درمقام خود قلمی نموده و کلام درشش مبحث است .

انجام : مخفی نماند چیزهائیکه نوشته نشده یکی آنکه گنجایش ندارد ویکی آنکه اکثر چیزها فارسی مصطلح است الهم اختم بالخیروالسّعاده بجاه محمّد وآله صلّ علی محمّد وآله وارزقنا زیارت‌الحسین تمام شد .

(۸۸٥)

لغات رامند قزوین

این‌نسخه بسال ۱۲۸٦ نگارش یافته ، دررمضان ۱۲۸۷ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت ورق اوّل یادداشت شده و بنام لغات اهل قزوین در همان صفحه براین کتابخانه وقف گردیده وپس از اتمام نسخه صورت صرف افعال بزبان فرس قدیم بامعادل آنها بفارسی کنونی درهفت ورق نوشته شده واین‌نگاشته شده بخط نسخ غیرازنویسنده نسخه است وهردونویسنده نام خود را ننگاشته اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف‌سپهسالار . قطع رزیری . شمارهٔ اوراق (۱٤) . صفحه (۱۸) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ـ۲۳ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$ـ۱٤ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۹٦).

(۱) دهات نام برده رامندبعضی ترك وبرخی فارس‌اندومراد از قراء فارس مذکور درمقدمه، بعضی از دهات رامند است که بفارسی گفتگو مینمایند و در رساله نام شال و سیا دهن و اسفروربن مکرر دیده‌میشود .

[۳۶۸] لغات زند و پازند و اوستا (پارسی بفارسی)

این رساله چنانکه از عبارت ذیل که برسر نخستین صفحهٔ آنست ، برمیآید ، یك باب از کتابی میباشد ولی با تفحّص ندانستم چه کتابی بوده و آن عبارت اینست : درچهارم مشتمل است بر لغات زند و پازند واستا (۱) جلوه الف ازدر الف .

مؤلّف ظاهراً بهمان سبب که درذیل «لغات دساتیر» درص ۲۵۶ گفته شد نامی از خود نبرده و پس ازبیان معنی بیشتر ازلغات ابیاتی از «زاتشت بهرام» که متضمّن آن لغت میباشد آورده و ترتیب تنظیم این لغت مراعات حرف اوّل ودوّم میباشد وحرف دوّم را باب واوّل را فصل قرار داده است .

این رساله مشتمل بر (۴۳۶) لغت و درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : (پس از عبارت بالا در چهارم تا از در الف) **آبهی** بابای مکسور نام رود آموست زراتشت بهرام گوید **شعر** .

درآنوقت نزدیك دریا رسید	یکی ژرف دریای بن ناپدید
بوستا درون نام آن آبهی	که قعرش نبودست هرگز بهی .

(۸۸۶)

لغات زند و پازند واستا

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون ذکر تاریخ وبویسنده نوشته شده و ضمیمهٔ نسخهٔ شمارهٔ (۹۰) کتابخانه میباشد خصوصیات دیگردرص ۲۵۷ ذیل شماره (۸۸۴) این فهرست مراجعه گردد .

[۳۶۹] لغت فارسی بترکی دقائق الحقائق (فارسی بترکی)

مؤلّف در مقدّمه نام خود را نبرده ، مؤلّف کشف الظنون درص ۴۹۴ ج ۱ دقائق الحقائق را نام برده گوید :

مؤلف این کتاب مولی احمد بن سلیمان مشهور به **ابن کمال** پاشا متوفی بسال ۹۴۰ میباشد الیف آن بترکی وبنام ابراهیم پاشای وزیر موشح گردیده ونام آن را « دقائق الحقائق »

۱) زند واوستا دو کتاب دینی زردشت وپازند شرح زند است .

گذارده (۱) چرا که مشتمل بر دقیقه ای متعلق بلغات متشابهه میباشد و احمدبن‌خضر اسکوبی شاعر معروف به علوی آنچه‌لغت‌مفرد و مرکب‌در آن کتاب بوده بترتیب‌حروف تهجی هرتب نموده واول آن اینست : حمد بیهمال و مدح بی‌مثال الخ .

ابن‌کمال پاشا یکی ازترکهای بسیار دانشمند ومعروف میباشدومؤلفات بسیار دارد ، شرح حال ایشان در شقائق‌النعمانیّه ص ٤۲۰ - ٤۲٤ و شذرات ج ۸ ص۲۳۸ومعجم المطبوعات‌ص۲۲۷ نگاشته شده ودر شقائق بسیاری ازمؤلفات وی نام برده شده و گوید مقام قضاوت داشته و در قسطنطنیّه مقام افتاء یافته و شعربترکی وفارسی میسروده وبیش ازصد کتاب ورساله تألیف نموده وتفسیری بسیار خوب نوشته که‌مرگ اجازه اتمام آنرا نداد و کتابی بفارسی چون گلستان بنام نگارستان تألیف نمود و تاریخ آل عثمان را بترکی ادبی نگاشته و کتابی‌در لغت فارسی وحاشیه ای برکشاف وحاشیه‌ای برهدایه و کتابی درعلم کلام‌وشرحی بر آن بنام « نجریدالتجرید » و کتابهای دیگردارد .

اگرچه در کشف‌الظنون آغاز این کتاب نقل‌نشده ولی بقرائنی که بدست داد وتصریح درمقدّمه این‌نسخه، که درزیرمعرّفی‌وخصوصیّات آن ذکر خواهد شد نام کتاب « دقائق‌الحقائق » میباشد وموضوع آن لغات مترادفه ومتشابه ومتقاربه زبان فارسی‌است ومؤلّف چند لغت را بیکی از جهات مذکوره بایکدگر ذکر وبشرح وترجمه آنها بترکی پرداخته و شواهدی از مصرع ها وابیات ورباعی های فارسی برمدعای‌خویش آورده مثلاً لغات سخن و گفتار ، بوم و کوج و جغد ، جنگ و چنگل وچنگال ، روزن‌وپنجره ، کلان‌وبزرگ‌وبزرگواروسترگ ، مردمك‌ومردم و مرد وزن ، سراسروسرتاسروسربسر ، سخت ودرشت‌وزفت ، پادشاه وپادشای ، هما وهمایون ، خرگوش وخرچنگ ، خاروخارا و خاشه وخاشاك وخس‌وخسك ، اسب وستور ؛ را بهمین نحو که نقل شد بیان وبشرح وترجمه آنها پرداخته ونظم وترتیبی را در ذکرلغات نه از حیث ترتیب حروف اوائل یا اواخر ونه از حیث

(۱) نام کتاب « دقائق‌الحقائق » گذارده شده وبایستی درحرف دال ازاین فصل از آن معرفی نمود ، چون غفلت شده بود ودرآنجا ذکر نشد ودرلغت‌فارسی بترکی‌بود از اینرو بدین نام دراینجا معرفی گردید .

موضوع وغیره ملتزم نگردیده و بشرح لغت سخن و گفتار ابتدا و بشرح لغات اسب وستور کتاب را خاتمه داده و لغات دیگرهم میان این دو عنوان شرح گردیده است .

این کتاب درحدود (۴۰۰۰) بیت کتابت دارد وبشهادت عبارت آن وتصدیق ترك زبانان ادیبانه نوشته شده است .

آغاز : سپاس بی‌قیاس خدای بی همتایه که گلزاربدیع الاثار بیاننده ازهار الخ .

(۸۸۷)

لغت فارسی بترکی دقائق الحقائق

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، ازطرز خط معلوم میشود که ترك بوده ، رساله ای در اقسام **یاء** که در آخر کلمات زیاد میشود ، نیز بزبان ترکی موجود و در فصل نحو و صرف از ان معرفی خواهد شد ، ودارای سرلوح کوچك ودوصفحه اوّل مجدول بطلاولغات باشنجرف نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۶) این نسخه (۹۱) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۱۸سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۱) .

[۳۷۰] **لغت فارسی وعربی** (بفارسی)

نسخه ایکه خصوصیات آن درزیراین سطرها نگاشته خواهدشد مشتمل بر لغات عربی وفارسی میباشد که بترتیب اواخر آنها مرتب گردیده وفارسی وعربی آنان از یکدیگر مجزّی وفرهنگ تازه ایست .

مؤلّف پس از اینکه کلمات ولغات را از الف تا یا منظّم نموده دوباره یك‌بك آن لغات را ذکر وبشرح و بیان آنها پرداخته و برای اثبات معنی مذکور شعری ازیکی ازشعرای معروف شاهد آورده واشعار : ابن یمین ، خاقانی ، دقیقی ، فردوسی ، سید حسن غزنوی ، رشید وطواط ، آذری ، مجدهمگر ، سعدی ، مولوی ، اسدی ، امیرمعزی ، انوری ، عمادی ، کمال اسمعیل ، خواجو کرمانی ، حافظ ، اوحدی ، امامی هروی وبسیاری دیگر ازمتقدمین ومتأخرین به استشهاد در آن دیده میشود واز اشعار صباملك الشعرا متوفی بسال ۱۲۳۸ ومیرزا ابوالقاسم قائم مقام متوفی بسال ۱۲۵۱

و میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب تخلّص متوّفی بسال ۱۲۵٦ و محمد حسین عندلیب تخلّص پسر ملك الشعرا در آن مکرّر دیده شد .

در اوّل و آخر کتاب مؤلف نامی از خود نبرده و در ذیل مطالب کتابهم با جستجوی زیاد اثری از وی نیافتم ، بالای صفحه اوّل و دوّم نسخه نوشته شده :

« این مسوده باطلهٔ کتابست خدمت قبله گاهی حکیم باشی دادم که اگر لغتی ضرور شود در اینجا پیدا کنند تا کتاب صحیح شود انشاء الله و این را در آب بشویند وصحیحش را نگاه دارند وشرط کردند که احدی ازروی آن ننویسد که ناقص است و بدناهی کتاب صحیح » .

پشت صفحه نخستین ازطرف اعتضادالسلطنه چنین نوشته اند :

« هو کتاب درلغت است شخصی جمع کرده است چون زحمتی درجمع کردن آن کشیده و گفته است به آب بشویند ازبابت کثرت زحمت او شایسته نبود محوشود در کتابخانه مبارکه نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده اعظم افخم اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دام اقباله ضبط شد فی شهر رجب ۱۲۹۷ » .

ازقرائن بالا بدست می آید که تألیف این کتاب در اواخر قرن سیزدهم هجری ودرهنگام پادشاهی ناصرالدین شاه انجام و درالمآثر والاثار چهار نفر بعنوان حکیمباشی معرفی شده اند :

۱ - درص ۲۰۳ گوید: میرزا محمدحسین طبیب کاشانی ازحکیمباشیان مشهور این عهد جاوید مهد است .

۲ - ص ۲۱۰ نگاشته : میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی مقیم دارالخلافه از حکیمباشیان معتبر بود الخ .

۳ - ص ۲۱۹ نوشته : میرزا محمد حکیمباشی شیرازی در ایران چنانست که ارسطو در یونان معالجاتش بنتائج دم عیسوی میماند الخ . (این حکیمباشی جدّ پدری جناب آقای حکمت وزیر معارف است) .

٤ - محمدقبلی که درص ۱۷۳ و ۱۷٤ در ذیل خلاصه عباسی بشرح حال وی پرداخته ایم . ونیز درص ۲۰۲ المآثر والاثار نگاشته شده :

« میرزا عبدالمطلب کاشانی مشهور بادیب درشعب ادب وعلم طب رنج بسیار برده وخون جگرخورده و در فن ادب واحاطه بلغت عرب وتفسیر وطب مسلم است .

ودر کتاب مذکور که شامل حال دانشمندان چهل سال اوّل سلطنت ناصرالدّین شاه میباشد جز عبدالمطلّب در فنّ ادب و احاطهٔ بلغت کسی معرفی نشده بنابراین

احتمال قوی میدهیم که این کتاب تألیف وی باشد وحکیم باشی مذکور که مؤلّف نسخه، کتاب خودرا پیش اوفرستاده بایستی میرزامحمد حسین باشد که مقیم طهران وتاهنگام تألیف المآثر والآثار زنده بوده است .

این کتاب هنوزناقص بوده ، شواهد بسیاری ازلغات آن نگاشته نشده ، نظم وترتیب آنهم چنانکه بایست ، نیست وشامل دوقسمت است : قسمت اوّل لغات بترتیب حروف‌اواخر ازالف تا یا . قسمت‌دوّم همان لغات باترجمه وشواهد آنست و تمام آن در حدود (۱۰۷۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : قسمت اوّل : بسمله آلا ، آسا ، آوا ، آشنا ، آشنا ، آسیا الخ .
قسمت دوّم : بسمله **اسا** (۱) بکسر الف بمعنی خمیازه و بمعنی شبه و نظیرهم آمده .

انجام : یمنی دست راست و قسم و مبمنت ، یتامی یتیمان ، یتمطّی خرامان میرود .

(۸۸۸)

لغت فارسی وعربی

این نسخه بخط نسخ و نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، از قرائن بخوبی واضح میشود که خط مؤلف میباشد وتألیف آن خاتمه نیافته ، لغات قسمت دوّم باشنجرف وبسیاری از شواهد درحاشیه صفحات نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱٤۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱٦) .

[۳۷۱] لغت کبیر اختری (عربی بترکی)

مصلح الدین مصطفی بن (۲) شمس الدّین قره حصاری مشهور به اختری از

(۱) مؤلف قسم دوم را بترتیب ذکر لغات درقسم اول نیاورده وآسارا برآسا و آلا و غیره مقدم داشته وتاباخر هم بهمین نحو پیش رفته است .
(۲) در کشف‌الظنون و اول و آخر نسخه چاپی نام پدر مؤلف شمس الدین ضبط شده ولی در مقدمه نسخهٔ خطی این کتابخانه بدینگونه است : المحتاج الی رحمة ربه اللطیف الشهیر بالاختری مصطفی بن اختری بن شمس‌الدین القر حصاری مولداً والکوتاهیوی محتداً الخ .

دانشمندان قرن دهم هجری بوده وبگفته کشف‌الظنون (ج ۱ ص ٦۳) دو کتاب در لغت عربی بترکی دارد یکی کبیر ودیگری صغیر وچنانکه در آخر همین لغت کبیر مؤلّف خود تصریح نموده بسال ۹۵۲(۱) تألیف آن خاتمه یافته و نیز در مقدّمهٔ کتابست که این کتاب را درلغاتیکه مورد احتیاج عموم بود و درك معانی آنها مشکل مینمود از صحاح اللّغه ، دستور ، مجمل ، تکمله والمغرب گرفته وبرای استفاده عام وخاص اهالی کشورخویش بترکی ترجمه کرده است .

دراین کتاب فقط بترجمهٔ لغات پرداخته شده وشواهد ندارد وبترتیب حرف اوّل ودوّم مرتب گردیده وحرف اوّل باب وحرف دوّم را فصل ، موافق حروف تهجی قرارداده ودرحدود (۲٦۷۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲٤۲ درقسطنطنیه بنام « اختری کبیر » چاپ سربی شده است .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرّفنا بالنّطق والبیان ، و فضّلنا بالفصاحة والتّبیان الخ .

انجام: الیهماء صحرا مفازه کبی ، الیهمور الرجل الکثیر الکدو یری کوترن بالق .

(۸۸۹)

لغت کبیر اختری

این نسخه بخط نسخ محمد بن حاج قرط بسال ۱۱۲٤ نوشته شده ، فصول وابواب باشنجرف میباشد ، پس از انمام نسخه محمد داودالحسینی قصیده انشاء وبخط خوبش نگاشته ومطلع آن اینست : العین من فقدالشباب تدمع ـ والقلب من تذکاره یتوجع . نسخه درآب افتاده ولی خطوط ضایع نشده برگ اوّل وآخر وصّالی گردیده و پشت هردو یادداشتهائی است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۹۸) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض ($19\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳٦) .

(۱) در آخر نسخه چاپی این کتاب (شمارهٔ ۳۷ کتابخانه است) پس از آخرین لغت که در مقابل انجام نقل گردیده عبارتی از مصنف که حاکی از سال تالیف می باشد نگاشته شده ولی در آخر نسخه خطی نیست .

[۳۷۲] لغت نعمة الله رومی (فارسی بترکی)

در مقدّمه این کتاب مؤلّف خود را « نعمة الله بن احمد بن مبارك رومی » معرّفی نموده و گوید که این کتاب را با کوشش بسیار از چندین لغات جمع کردم، همچون اقنوم عجم وقائمه لطف الله حلیمی و وسیلة المقاصد و لغة قره حصاری و صحاح عجم دیرینه مختصر و صحاح عجم جدید کبیر (۱) و جز اینها از بسیار کتب چیدم و برسه قسم مرتب ساختم. **اول** مصادر آوردم که اصل است **بعد** از آن قواعد این زبان دری ایراد کردم **بعد** از آن اسماء جامده و مشتقّه و ترتیب حروف را برقاعدهٔ اقنوم عجم مرتب کردم اوّل بامفتوحه ثانیاً بامکسوره ثالثاً مضمومه تا یافتن لغت مطلوب آسان شود ..... و نامش را بنام خود اضافت کردم یعنی **لغت نعمت الله** نهادم.

در ص ٦۰۷ ج ۲ کشف الظنون وفات این مؤلّف بسال ۹٦۹ ثبت گردیده ودرص ۱۲۵ « العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم » (۲) نوشته شده : مولی نعمة الله الشهیر ببروشنی زاده پدرش قاضی پاره ای از قصبات بود ، چون لبیك حق را اجابت گفت اموالی زیاد برای پسر گذاشت وی دراندك زمان درهوا وهوس آنها را صرف نمود ، از آن پس درطلب دانش افتاد وبسیار از محافل درس را حاضر شد ومدرس مدارس روم گردید وبمرتبه قضاوت حلب وبغداد ومدینهٔ منوره رسید و در این شهر اخیر بسال ۹٦۹ جهان را وداع کرد و گویند در علم کلام دستی توانا داشته وداستان زیرین را برخی از ثقات از وی نقل نمودند و آن اینست :

در روزگار قضاوت بغداد جمعی از اهالی یکی از محلات آنجا توسعهٔ مسجد جامع خودرا خواستار شدند خواهش آنها را بعرض پادشاه رساندم جواب مساعد رسید چون شروع بکارشد دراطراف جامع قبرهائی کهنه یافت شد که یکی از آنها قبرشریف مرتضی علی بن طاهر

(۱) کشف الظنون گوید : اقنوم درلغت فارسی است وقائمه لطف الله حلیمی در توضیح کتاب بحر الغرائب وی درلغت فارسی بترکی است و وسیلة المقاصد درلغت فرس تالیف خطلب رستم هولوی میباشد وصحاح العجم تالیف محمد هندو شاه ودومختصر است معروف بدیرینه وجدید . و لغت قره حصاری همان اختری مؤلفه بسال ۹۵۲ میباشد که در ص۲٦۳، ۲٦٤، ۲٦٥ معرفی از آن گردید .

(۲) این کتاب در حاشیه وفیات الاعیان ابن خلکان (ج ۲ ص۹۵ تا ٤۲٤) بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و درحقیقت ذیل شقائق النعمانیه است .

بود ، بر آن شدیم آنها را برداریم چون قبر شریف را گشودیم او را چنان دیدیم که گویا دیروز بخاك سپرده شده ، یکی از همراهان کفن‌را بالا زد پیرمردی‌نیکومنظر آشکار شد که دارای ریشی زیاد بود وابداً در او تغییری پیدا نشده و گویا زنده و خوابیده است ، برماترس وهیبت حکمفرماشد واقدام برپیرون آوردن ونقل آن ننمودیم قبر را پوشیده واو را واگذاشته وقبر او در مسجد شریف ماند و این مرد از فرزندان علی‌بن‌ابی‌طالب کرم الله وجهه میباشد که امام در کلام وادب وشعر بوده الخ .

نظیر این حکایت وداستان رااز معمّرین وموثّقین طهران راجع به‌صدوق محمدبن علی‌بن‌بابویه‌متوفی بسال ۳۸۱ که‌اینك‌قبروی‌درجنوب‌طهران‌درحوالی‌شهرری‌میباشد نگارنده شنیده وحکایت نبش قبر حرّ بن یزید ریاحی رحمه‌الله نیز مشهور است .

نگفته نماند که جزاین‌نعمت‌الله درقاموس‌الاعلام ترکی وشذرات‌الذهب ج ۱ وشقائق نعمانیه والعقدالمنظوم نعمت الله رومی نیافتم و عدم ذکر نام پدر در این کتاب اخیر موجب‌شبهه دردونفر بودن مؤلّف باروشنی زاده نخواهد بود .

برمؤلّفهٔ دیگر از این مؤلّف دست وخبرنیافته واین کتاب که مقدّمهٔ آن بپارسی‌وترجمه لغات آن بترکی‌است درحدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد وگاهی برای لغات شواهدی از اشعار فارسی آورده است .

آغاز: بسمله حمد بی‌قیاس وشکر باسپاس آن مالك بی‌همتائی راکه ملکش بی انبازست الخ .

انجام: «یویو» بویمل قوشی ، « یویه » آرزومند ، « یهه » مثله ، «یهره» مثله .

(۸۹۰)

لغت نعمة‌الله رومی

این نسخه‌بخط نستعلیق‌فضل‌الله‌نام‌بسال ۱۰۵۸ نوشته شده ، نام‌پدرکاتب‌راونام شهریکه‌درآنجا نگارش‌یافته‌محو کرده‌اند، شرحی بسال ۱۲۸٤ رضاقلیخان هدایت در تبریز مبنی‌براینکه این نسخه را خریده اند بر ورق ننوشته ایکه پیش از ورق اوّل نسخه میباشد یادداشت کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۵۳) . صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲) .

[۳۷۳] لغت نوائی (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی‌ازوزرای دانشمند دانش گسترقرن نهم هجری بوده و گذشته ازاینکه مؤلّفات نظم ونثرازخود بیادگار گذارده ، مشوّق تألیفهای گرانبهائی میباشد که در این فهرست بسیاری از آنها معرّفی خواهد گردید ، در اشعار امیرمذکور لغات ترکی جغتائی بسیار وجود دارد ، جمعی بر آن شده که آنها را گردآورند وبفارسی یاترکی تفسیر نمایند ، میرزامهدیخان منشی‌نادرشاه که خودیکی ازعلاقمندان باشعار امیر علیشیر میباشد لغات نام برده را جمع و بشرح آن پرداخته ونام آن را « سنگلاخ » گذارده ونسخه‌آن درکتابخانه مجلس‌شورای ملّی میباشد، درمقدّمه آن اشاره بآنهائیکه بتفسیر لغات امیرمبادرت نموده اند مذکور و عین آن را در اینجا می‌آوریم :

اما بعد چون بنده حقیر محمد مهدی غفر ذنوبه ، از مبادی حال بخواندن اشعار امیر نافذالامر کشور بلاغت گستری و سخن آرائی امیرعلیشیر نوائی ، شوقی تمام وبدانستن آن کلام میل مالا کلام داشت ، بعد از آنکه فی‌الجمله تتبعی حاصل شد ، منوی خاطر گشت که لغات مشکلهٔ آنها را جمع سازد وبرمعانی آن لغات کتابی بپردازد ، اگرچه دونفر رومی که اسمشان درتالیفشان مذکور نیست وطالع نام‌هروی (۱) وفراغی وندرعلی وهیرزا عبدالجلیل نصیری ازلغت فهمان این فن کتابها برلغت نوائی هدون ساخته اند الخ .

نسخه ذیل فاقد نام مؤلّف میباشد و ازقرائن مؤلّف شناخته نشد ، چون‌نسخه سال ۱۰۵۱ نوشته شده وامیر در سال ۹۰۶ وفات یافته تألیف کتاب میانه این دو سال بوده ودر حدود (۱۶۸۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله عشق و محبّت میخانه سپینوبك رند قدح پیمای وشعر و بلاغت کاشانوبك الخ .

انجام: « یولداماق » یول کوسترمك **بیت:**

اول زمان لطف پرلاقولداقولوم واخی اوزجانبکغه بولدایو لوم .

تمّت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب .

(۱) لغت این مؤلف بدایع اللغه نام دارد و در ص ۱۶۰ و ۱۶۱ شرح آن گذشت .

(۸۹۱)

لغت نوائی این نسخه را بخط نستعلیق رجب بن محب علی شاملو بسال ۱۰۵۱ بفرمان زال بیك قورچی خاصه نوشته ومهرزال بیك زیر آخرین سطر نسخه میباشد ودو صفحه اوّل تذهیب شده و لغات باشنجرف و صفحات بجدول بطلا است، پشت آخرین صفحه وورق سفیدیکه پس از آن بوده ابیاتی از امیرنوائی ودیگران نوشته شده ، مجالس النفائس امیرعلیشیرورساله ای در معرفت تقویم ازقاسمعلی ضمیمه داردکه هریك درمحل خود معرّفی خواهد شد .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق نسخه (٤۰) تمام اوراق(۱۱۸) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۹سانتیمتر) .عرض (۱۲-۱/۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰) .

[۳۷٤] مبانی اللغه = مقدمه سنگلاخ (فارسی)

در ذیل « بدایع اللّغه » در ص ۱٦۰ و ۱٦۱ و « خلاصهٔ عبّاسی » درص ۱۷۳ و ۱۷٤ و «لغت نوائی» در ص ۲٦۷ گفته شد که میرزا مهدیخان منشی نادر شاه لغات ترکی جغتائی راکه امیر علیشیر در اشعار ومؤلّفات خویش آورده و آن را « سنگلاخ » نام گذارده و نسخهٔ از آن درکتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است (۱) .

مؤلّف در سنگلاخ پیش ازشروع بنقل لغات و ترجمه فارسی آنان مقدّمه ای درقواعد زبان ترکی بفارسی نگاشته ودر ابتداء آن تصریح نموده که نام این مقدّمه را مبانی اللغه نهادم ، وموجب این تألیف آن بود که چنین مشهور گردید وفراغی درمؤلفه خود نوشته که زبان ترکی دارای قواعدونحووصرف نیست . پس ازتتبع و مطالعه بر آن شدم که آنچه ازقواعد بدست آورده ام دراین مقدّمه بنگارم .

بنابراین بایستی این کتاب را درفصل صرف ونحو جای دهم ولی چون حقیقةً جزءومقدّمهٔ کتاب سنگلاخ میباشد و آن کتاب درلغت است دراین فصل گذارده شد .

مؤلّف مبانی اللّغه میرزا مهدیخان منشی نادرشاه مؤلّف دره نادری وجهانگشای

(۱) خلاصه عباسی مختصر همین کتابست و در ص ۷۳ . و ۱۷٤ معرفی کامل ازآن کردید .

نادری و منشآت معروف میباشد واین سه کتاب چاپ گردیده وبگفته آقای تربیت مبانی‌اللّغه نیز درتبریز چاپ شده. ومیرزا مهدیخان گذشته ازمقام منشی گری در سال آخر عمر نادرشاه (۱۱٦۰) بسفارت روم (ترکیه فعلی) رفته و نیـز بگفته آقای تربیت که خودرا ازنواده های ایشان میدانند پس‌ازمرگ نادر به تبریز آمده وبا فاصله کمی درآنجا وفات یافته و تاریخ روزانه نادر را نوشته ولی نسخه آن در دست نیست.

این کتاب یامقدّمهٔ سنگلاخ در حدود (۲۸۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی لایستقصی حمده بلغات مختلفه والسنة شتی .... وصعوبت لغات آنرا سنگلاخ موسوم ساختم و بعضی از اشتباهات سلف را ... مقدمه اگرچه نظربقاعدهٔ لغت نویسی‌بایست که همه جا حرف پ و چ و گ قید عجمی وعربی ..... از آنجا که دانستن آنها برطالبان لازم بود آن ضوابط و قواعد را درضمن یك ترصیف ونش مبنا مرقوم و بشواهد و حجج مبرهن و معلوم ساخته وآنرا بمبانی اللغه موسوم وچون الی‌الآن کتابی بدین نحو بصرف همت احدی برصرف ونحو لغت ترك تألیف نگشته الخ.

مؤلّف هم مبنائی را برابواب وهربابی را برفصول بااقسام یا رسم هائی منقسم نموده است.

(۸۹۲)

مبانی اللغه یا مقدمهٔ سنگلاخ

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننوشته، بسال۱۲۸۳داخل کتابخانه اعتضادیه شده ورق اوّل وآخر و صالی گردیده وچند ورق کاغذ ننوشته درابتداء نسخه است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۳۰). صفحه ای (۲٤) سطر. طول (۳۰سانتیمتر). عرض (۲۰سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۸).

[۳۷۵] مثلثات قطرب با ترجمه فارسی (عربی و فارسی)

لغات عربی راکه ازحیث لفظ یکی‌وازلحاظ حرکات سه قسم خوانده میشود

ومعانی آنها متعدد میشود مثلث گویند ونخستین کس که بجمع آن مبادرت نموده قطرب ابوعلی محمدبن المستنیربن احمد بصری متوّفی بسال ۲۰۶ میباشد که شاگرد سیبویه بوده واو ویرا از اینرو کـه صبح بسیار زود بخانهٔ استاد می آمده قطرب لقب داده است و این مثلّثات را بسیاری شرح نموده‌اند ، نام جمعی از آنها درص ۳۷۶ ج ۲ کشف‌الظنون ثبت گردیده وفیروزآبادی صاحب قاموس‌نیز بر این کتاب شرحی‌دارد ونسخه آن در دارالکتب میباشد وپس از قطرب دانشمندان ولغویّن دیگر بجمع بسیاری ازلغات مثلثه پرداخته اند .

نسخه ذیل‌شامل(۱۰۷) لغت ازلغات مثلّثه بترتیب حروف تهجّی بلحاظ اوائل کلمات میباشد و در ابتداء آن این عبارت نوشته شده : بسمله قال‌الشیخ الامام قدوة‌الفضلاء سیّدالادباء افتخارالعلماء قطربن‌احمدالبصری‌نوراللّه مضجعه هذا کتاب المثلّث الفته علی وجوه‌الثلث من‌الفتح والکسر والضم و باللّه التوفیق .

بنابر تصریح کشف‌الظنون ومعجم المطبوعات و فهرست دارالکتب و جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللّغه العربیّه ص ۱۲۵ مثلّثات قطرب بصری مشهور بنظم و چنین ابتدا شده : یامولعاً بالغضب ـ فی الهجروالتجنب ـ فی‌جده واللعب . ولی در نوشته شده که مثلث قطرب بنثر وبعضی آنرا نظم بسته اند و آغاز مذکورمنظوم‌راتقل کرده‌اند این‌نسخه بنثرمیباشدو آغاز آنهم نقل‌خواهدشدو چنانکه نقل‌شد مؤلّف درنسخه قطربن احمد بصری‌معرفی کردیده وبدین نام‌در کتب‌رجال کسی را نیافتم وبنظر نگارنده این کتاب مثلث نثر از قطرب نحوی مذکور فوق میباشد وکاتب یاء قطرب را بانام پدر وی ذکر ننموده ونام جدّ اورا آورده است .

درشذرات الذهب مؤلّفات زیرین به قطرب نسبت داده شده : معانی‌القرآن الاشتقاق ، القوافی ، النوادر ، الازمنه ، الصفات ، العلل فی النحو ، الاضداد ، خلق‌الانسان ، خلق‌الفرس ، غریب‌الحدیث ، کتاب‌الهمز، کتاب فعل‌وافعل ، الرد علی‌الملحدبن فی متشابه‌القرآن ومثلث وغیره است .

آغاز: الاثـر، الاثـر ، الأثر ، الاسر ، الاسر، الاسر .

روایت کردن، رفتن‌ازبعدچیزی، نشان . اسیر ، آفریدن ، بول‌بستك .

---

(۱) این‌شرح با مراجعه به ص ۳۷۶ ج ۲ کشف‌الظنون وص ۱۵۱۶ و۱۷ معجم‌المطبوعات و ص ۷۸ فهرست ابن ندیم و ص ۴۹۴ ج ۱ و فیات‌الاعیان و ص ۱۴ ملحق سوم جزء دوم فهرست دارو بغیةالوعاة سیوطی درتحت عنوان محمد بن‌المستنیر نوشته شد .

انجام: الوِجد ، الوُجد ، الوجد . الوَرد ، الورد ، الوُرد .
اندوه یافتن ، آفت ، فراخ دستی . گل ، نماز ودعا ، شیرسرخ .

(۸۹۳)

مثلثات قطرب این نسخه ضمیمه کتاب « مختصرالصحاح » میباشد که بشمارهٔ (۱۱۰) دراین کتابخانه میباشد و در حرف میم آنرا معرّفی خواهیم نمود ونویسندهٔ آن و این کتاب مثلث محمدبن عبدالکریم بسال ۹۲۸ است وترجمهٔ فارسی هریك از لغات نیزدرزیر آنها نگاشته شده ، مترجم نام خود رانبرده و خصوصیّات دیگر در ذیل مختصرالصحاح درص ۲۸۲ گفته خواهد شد .

[۳۷۶] **مثلث منظوم** (عربی بفارسی)

مثلّثات قطرب را با ترجمهٔ فارسی آنها بدیعی در (۹۸) بیت بنظم درآورده ومکرراً بانصاب الصبیان وبسال ۱۲۶۵ بانصاب مثلث چاپ شده است درتذکره هفت اقلیم بنام **بدیعی** دو نفر نام برده شده ، در ص ۱۱۵۳ نسخه خطی این کتابخانه درذیل سمرقند گوید :بدیعی مشهوربمولانازاده دروسعت مشرب واطلاع برعلم تاریخ و وقوف درعلوم غریبه ازهنرمندان آن خطّه بوده . و در ص ۱۰۲۶ نسخه مذکوردرذیل تبریز گوید : ازشعرای غیرمشهوراست واحوالش بنظر نیامده .

در ص ۶۵ دانشمندان آذربایجان در تحت عنوان **بدیعی حکیم** گوید : دیوان غزلیات کوچکی از این بدیعی نزد نگارنده هست وباغلب احتمال منظومهٔ مثلّثات لغت نیز باید از آثار همین بدیعی باشد الخ .

آغاز : از پس حمد خداوند زمین وآسمان
در لغت نظمی کنم همچون لآلی عمان
ازیکی لفظ ارسه معنی خواهی ای صاحب کمال
اوّلش را فتح و کسر وضم بدین ترتیب دان
رَبّ دان پروردگارو رِبدان جمعی زخلق
رُبّ آب خالص ازانگوروسیب و ناردان

انجام:

اینچنین نظم بدیعی را **بدیعی** کرد نظم تابوددرروزگار ازوی همی نام و نشان
هست درواديعصیان تشنه ز آب مغفرت ساز سیرابش الهی یاالٰه انس و جان .

(۸۹٤)

مثلث منظوم این نسخه در حاشیه کنزاللّغه ایستکه بشمارهٔ (۱۰۷) در این کتابخانه میباشد و محمد امین بسال ۱۲۰۹ نویسندهٔ آنست، نویسنده نسخه نام برده نوشته ، خصوصیات نسخه بشماره (۷۸۰) این فهرست در ص ۲۵۳ مراجعه شود .

[۳۷۷] مجمع البحرین (عربی)

مؤلّف این کتاب شیخ طریحی ره است (فخرالدّین بن محمّد بن علی بن احمد بن طریح النجفی متوفی بسال ۱۰۸۵) (۱) که از علماء امامیّه در قرن یازدهم هجری ومعاصر باشیخ حرّ عاملی بوده و اودرامل الآمل نام وی را برده و گوید فخرالدین بن محمّد .... طریحی مردی فاضل وپرهیزکار وعابد وفقیه وشاعر میباشد ودیگران همین صفات را دربارهٔ وی نوشته ومؤلّفات اورا ذکر نموده اند ، صاحب روضات اقوال علماء رجال رادر بارهٔ وی نقل نموده و آنچه هریك راجع بمؤلّفات ایشان نوشته اند ذکر کرده و در آخر گویند که صفی الدّین طریحی پسر فخرالدّین در پاره ای از اجازات خود مؤلّفات پدررا بدین تفصیل آورده : کتاب **جامع المقال** فی تمییز المشترکة من الرّجال (۲) واین کتاب برای رفع حاجت محدّثین بی مانند است،

(۱) روضات ص ۵۱۰ ، لؤلؤالبحرین ص ٤۵ ، امل الامل ص ۵٦ ج ۲ ، هدیة الاحباب ص ۱۹٤ برای نوشتن این شرح مراجعه شده و جز لؤلؤ که فقط ایشان را بنام فخر الدین طریح نام برده همه اجداد مؤلف را چنانکه ما نیزذکر نموده ایم آورده اند ولی مؤلف در آخرجلد اول ودوم مجمع ودیگر مولفات خود را بدین نحومعرفی نمود : فخرالدین ولدمحمد علی طریح النجفی.

(۲) در لؤلؤ بنام جامع المقال کتابی نام برده شده و گوید از مؤلفات وی کتاب تمییز المتشابه من اسماء الرجال میباشد وخالی از اجمال هم نیست .

و در روضات بنقل از صفی الدین پسر طریحی دررجال کتاب « جامع المقال فی تمییز المشترکه من الرجال» بشیخ طریحی نسبت داده شده و بمصداق اهل البیت ادری بمافی البیت این نام صحیح و آنچه صاحب لؤلؤ نقل کرده اند مختصر این نام باانداك تصرفی در آنست .

کتاب **فخریه** کبری و **فخریه** صغری فتاوی راجعهٔ بطهارت و صلوة است ، و **الضوء اللامع** فی شرح مختصر الشرایع ، شرح رساله شیخ حسن بن الشهید الثانی (صاحب روضات نقل نموده که شرح **اثنی عشریه** درصلوة شیخ حسن بن الشهید ثانی از او است) ، **حاشیه** بر معتبر محقق حلّی ، کتاب **اللمع** فی شرح الجمع ، **اثنی عشریه** الاصول ، **فوائد** الاصول ، شرح المبادی للعلاّمه ، **الاحتجاج** فی مسائل الاحتیاج ، **کشف** غوامض القرآن ، غریب القرآن (۱) ، **جواهر** المطالب فی فضائل علی بن ابیطالب ، الکنز المذکور فی عمل الساعات والایام واللیالی والشهور ، **مراثی الحسین** سه مجلّد کبیر وصغیر ووسیط (۲) ، **تحفة** الوارد وعقال الشارد ، **مجمع** الشتات ، **النکت** اللطیفه فی شرح الصحیفه ، **مستطرفات** نهج البلاغه ، **عواطف** الاستبصار للشیخ الطوسی ، **جامعة** الفوائد ردّ بر محمّد امین ، **ترتیب** خلاصة العلامه ، و مجمع البحرین ومطلع النیّرین (همین کتاب) وغیر از اینها است .

صاحب روضات کتابی بنام **الاربعین** بنقل از لؤلؤ البحرین بشیخ طریحی نسبت داده ولی در نسخهٔ چاپی لؤلؤ نگارنده نیست و در امل الامل است که طریحی را رسائل واشعار بسیار میباشد .

مجمع البحرین طریحی یکی از کتب مشهورهٔ درلغت میباشد ، مؤلّف در مقدّمهٔ آن گوید : چون توفیق برتشرّف و مجاورت مکّهٔ معظمه و مشهد مقدّس حضرت رضا علیه آلاف التحیّة والثناء یافتم کتابهای بسیار در لغات غریب قرآن کریم و احادیث غیر امامیّه یافتم و دیدم لغتی که مشتمل برلغات غریبه احادیث

(۱) صاحب روضات پس از نقل مؤلّفات طریحی از اجازه صفی الدین ولؤلؤ وامل ورياض العلماء گوید : و این مؤلف را مؤلفه دیگری بنام « نزهه الخاطر و سرور الناظر » درغریب قرآن می باشد که بیشتر از هفتاد هزار بیت کتابت دارد . وقسمتی از مقدمه آنرا هم ذکر نموده اند .

صاحب روضات تصور کرده اند که مؤلفهٔ تازه‌ای ازطریحی بدست آورده‌اند درصورتی که این کتاب همانست که صفی الدین بنام « غریب القران » آنرا معرفی نموده است

(۲) در لؤلؤ کتابی بنام « المنتخب فی الزیارة والخطب» به این مؤلف نسبت داده شده و صاحب روضات گوید : بر این کتاب (المنتخب) دست نیافتم وتصور میکنم که این همان کتاب مقتل وی باشد چرا که آنرا «المنتخب فی جمع المراثی والخطب» نامیده‌است .

امامیّه باشد تألیف نگردیده بر آن شدم در این موضوع تألیفی نمایم برای آنکه فائده آن اتم باشد لغات غریب القرآن را هم بآن اضافه نموده و آن را « مجمع البحرین ومطلع النیّرین » نامیدم و ترتیب آنرا موافق صحاح جوهری که بهترین طریقه در تنظیم لغت میباشد مبتنی بر آخر حروف ساختم و الف وهمزه را برای آنکه استفاده از آن آسان باشد یك باب قرار دادم . و در آخر کتاب خود تصریح نموده که بسال ۱۰۷۹ تألیف آن خاتمه یافته است .

صاحب روضات از ریاض العلماء نقل نموده که طریحی خود و پسرش بر مجمع البحرین حاشیه نگاشته اند .

وشیخ یوسف بحرینی در لؤلؤ گوید : مجمع البحرین و مطلع النیّرین در تفسیر غریب قرآن واحادیثی استکه درمیان ما امامیّه صحیح ومعمول به میباشد جز اینکه چنانکه باید وشاید شامل تمام غریب نیست واین امر بر آنانکه دراین کتاب تتبّع کرده اند مخفی وپوشیده نیست .

صاحب روضات گوید صفی الدّین پسر مؤلف را گذشته از حواشی مجمع «ملحقاتی» بر آن کتابست وفخر الدّین پیش از مجمع کتاب « غریب الحدیث » را تألیف کرده ودر آنجا که خود ایشان مؤلّفات پدر را از پسر نقل نمودند دیدیم که بدین نام کتابی نبود و دیگری هم ندیدیم که تألیف چنین کتابی را بایشان نسبت داده باشد ، نگارنده تصوّر میکند که عبارت طریحی درمقدّمه مجمع که ترجمهٔ پارسی آن گذشت ایشان را بدین تصوّر انداخته که اوّل غریب احادیث امامیّه را جمع پس از آن غریب القرآن را بآن اضافه نموده . ونام آنرا مجمع البحرین گذارده وظاهراً ازمقدّمه این نتیجه گرفته نمیشود .

پشت نخستین صفحه نسخه ای ازمجمع که بیست سال پس ازتألیف نوشته شده واینك در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است ابیات زیرین به پسرفخر الدّین نسبت داده شده چنین مناسب دید که آنهارا دراینجا نقل نمائیم:

دع کتاب الصحاح والقاموسا وبهذا الکتاب کن مأنوسا
فهو النور لم یشبه ظلام اطلع الفکر فی سماه شموسا

کم حوی شرح آیة وحدیث بمعان تسرّ منها النفوسا
فخلیق ان یبذل العلماء العمر فیقرؤه دروسا
و حقیق ان یکتبوه بتبر ویشیبوا به اللحی والرؤسا

لمّا رأینا مجمع البحرین تقذف بالدرر
ویحیط علماً بالکتاب والحدیث والخبر
شرحاً وایضاحاً وجمعاً بالکلام المختصر
حقاً مؤلّفه عرفنا انه بحر زخر
قد فاز بالقدح الرقیب و بالمعلی قد ظفر

فی کلّ حرف من مؤلّفك الجزاء غداً یسرك
فقت الاوائل والاواخر یا ابی لله درك

بنام «مجمع البحرین» کتب زیادی در علوم مختلفه تألیف شده و نام جمعی از آنها در ص ۳۸۳ تا ۳۸۵ ج ۲ کشف الظنون ثبت است.

مجمع البحرین در حدود (۲۶۸۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر در ایران چاپ شده ومؤلّف آنرا دردو مجلّد گذارده (جلد اوّل تا آخر حرف الراء جلد دوّم از حرف الزاء تا آخر کتاب) وفوائدی درمطالب متفرقه در آخر بیشتر نسخ میباشد.

آغاز: بسمله الحمد لمن خلق الانسان وعلّمه البیان والتّبیان واوضح له الهدی والایمان الخ.

(۸۹۵)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ بسال (۱۱۶۰) نگارش یافته و مشتمل برتمام کتاب بافوائد ملحقه بآنست، کاتب در آخر کتاب وقبل ازفوائد نام خود را بهاء الدّین بن علی النجفی الشهیر بالغطاوی معرّفی کرده و در آخر قسمت فوائد نیز تصحیح ومقابله آنرا تصدیق نموده است، پشت صفحه اوّل سیّد عبدالله بن محمد رضا شبّر متوفّی بسال ۱۲۴۲ شرحی بخط خویش مبنی براینکه این کتاب متعلق بشیخ احمد زین عاملی بوده و نزد ایشان عاریه است نوشته اند و خط شیخ مذکور و بعضی از علماء دیگر نیز در این صفحه موجود

و یکی از یاد داشتهای پشت صفحه را محو کرده اند ، چند ورق از اوّل و آخر نسخه وصّالی شده است .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۸) . صفحه‌ای (۳٤) سطر . طول (۳۸ سانتیمتر) . عرض (۳٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۸٤) .

(۸۹٦)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب باقسمت فوائد آن میباشد ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته و فقط بتاریخ تألیف آن قناعت کرده پشت صفحهٔ اوّل یادداشت هائی مشتمل براخبار و مطالب متفرقه نوشته‌شده ودر آنجا است که بسال ۱۲٤۰ داخل کتابخانه یکی از شاهزادگان گردیده ومهری بدین سجع در ذیل آنست : (الواثق الراجی محمد رضا) . ودرحاشیهٔ چند ورق اوّل مطالبی بخط مرحوم اعتضادالسلطنه موجود وزیر بعضی را بعنوان « وزیرعلوم » امضاء کرده است .

جلد جرمی روغنی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۷۰) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷۷) .

(۸۹۷)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ محمد تقی بسال ۱۲٤۱ نوشته شده وشامل مجلّداوّل کتاب است (از اوّل تاآخر حرف راء) ورق اوّل وصّالی شده ولغات آنرا باسرخی نگاشته‌اند .

جلد صربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۹٤) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ - ۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷۹) .

(۸۹۸)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنهٔ (۱۲۲٤) نوشته شده وشامل تمام کتاب (بدون فوائد) میباشد ، یك صفحه از اوّل کتاب افتاده و اوّلین سطر موجود این است : (سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفرلهم وللانکار الابطالی فتقتضی بطلان مابعد ها الخ) . ورق اوّل و آخر وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی مهره زده. واقف سیهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۵۶). صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۰) .

(۸۹۹)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنهٔ (۱۲۵۹) تحریر یافته وشامل تمام کتاب بافوائد آن است ، درپشت صفحه اوّل یادداشت هائی ازمالکین نسخه‌درهروقت نوشته شده وقبل از آن سه ورق کاغذ ننوشته است که برروی صفحهٔ اوّلی محاسبهٔ باسیاق و صورت رملی یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۹۸) صفحهٔ (۳۱) سطر. طول (۳۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷۸) .

(۹۰۰)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵٤ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، مجلّد اوّل کتابست ، لغات در متن و حاشیه باشنجرف نگاشته شده وصفحات بجدول بدانست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۳٤۳) صفحه‌ای (۲۰و۲٤)سطر. طول ($\frac{1}{1}$ ۲۱ سانتیمتر)،عرض($\frac{1}{1}$ ۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۱۰۳).

(۹۰۱)

مجمع البحرین این نسخه مجلّد دوّم ونگارش نویسنده نسخه بالا بسال ۱۲۵٦ میباشدونیز لغات درمتن وحاشیه باشنجرف وبجدول بآنست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره‌زده. واقف سیهسالار . شمارهٔ اوراق(۲٦۲) . صفحه ای (۲٤) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۱سانتیمتر). عرض($\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰٤) .

(۹۰۲)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، شامل تمام کتابست(فوائد را ندارد) ، لغات باشنجرف وظاهرا ازخطوط قرن سیزدهم‌هجری میباشد ، وقبلهٔ آن پشت

ورق اوّل نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۹۰) صفحه ای (۳۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۸۱) مدرسه مشیرالسلطنه .

[۳۷۸] مختارالصحاح (عربی)

این کتاب از آنهائی است که از صحاح اللّغه (در ص ۱۹۲-۱۹۷ معرّفی شده) مختصر شده ، مختصر کننده زین‌الدّین محمّدبن شمس‌الدّین ابی بکر رازی حنفی از علمای قرن هشتم هجری میباشد و تنظیم آن نیز بترتیب صحاح‌اللّغه مبنی بر حروف آخر لغاتست .

درص۹۱۷ معجم المطبوعات بدون ذکرمأخذ نوشته شده : محمدبن ابی بکر رازی ازعلماء قرن هشتم هجری وتاسال ۷۶۸ زنده بوده و مؤلّف کتاب « الذّهب الابریزفی تفسیرالکتاب‌العزیز » و « روضة الفصاحه » درعلم بیان و « شرح مقامات حریری (۱) » میباشد و این اخیرچاپ نشده ونسخه ای ازاین شرح در کتابخانهٔ دارالکتب‌المصریّه ونسخه ای درکتابخانهٔ تیموریه میباشد و « انموذج جلیل فی اسئلة واجوبة من غرائب آی‌التنزیل » که درحاشیه تفسیر عکبری چاپ شده و « مختارالصّحاح » میباشدکه مکرّر چاپ گردیده و محمود خاطربیك آنرا بترتیب حروف اوائل مرتب نموده و آن نیز بسال ۱۳۲۳ بچاپ رسیده است .

مختارالصحاح یکی‌ازکتب معروفه ومختصرهٔ لغت میباشد ، مؤلّف درمقدّمه آن بمعرّفی کتاب پرداخته وگوید :

این مختصری‌است درعلم لغت که‌ازکتاب صحاح‌جوهری جمع گردیده، چراکه صحاح بهترین ونافعترین کتب لغت میباشد ونام آنرا « مختارالصحاح » گذاردم ودر این اختصار اقتصار برلغاتی شده که هرفقیه و حافظ و محدث و ادیب ناچار بدانستن وحفظ آن است و زبان زد ایشان میباشد و مراعات لغات مهمه مستعمله ، خصوصا درقرآن عزیز واحادیث نبویه ﷺ گردیده و از ذکر لغات مشکله و غریبه برای اختصار خود داری شده وگذشته از آنچه درصحاح بوده ازتهذیب‌اللغه ازهری ودیگر کتابهای مهمه لغت دراین کتاب لغاتی نقل گردیده وآنچه پس ازلفظ : **قلت** ذکر شده از فوائدی است که براصل کتاب اضافه شده و ازآنهائی است که خدای داعش آن را بمؤلف ارزانی داشته الخ .

(۱) این شرح مقامات حریری را حاجی خلیفه در کشف الظنون نام نبرده است .

پیش ازشروع بذکر لغات مطالب مهمّه ایکه دانستن آنها مراجعه کننده بلغت را لازم است درسه قاعده آورده شده و گذشته از آنچه درمقدّمه ذکر شده شواهد صحاح را هم برای اختصار نیاورده و چنانکه در آخر کتاب تصریح کرده بسال ۷۶۰ این اختصار خاتمه یافته است .

آغاز : بسمله الحمد لله بجمیع المحامد علی جمیع النعم والصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّدالمبعوث الی خیرالامم وعلی آله وصحبه مفاتیح الحکم ومصابیح الظلم قال العبدالفقیرالی رحمةالله ومغفرته محمّدبن ابی بکربن عبدالقادر الرّازی رحمةالله علیهم هذا مختصر فی علم اللّغه ..... وسمیّته **مختارالصحاح** واقتصرفیه الخ .

(۹۰۳)

مختار الصحاح این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده ، از کیفیت خط معلوم میشود که نویسنده ترك نژاد بوده و در قرن یازدهم هجری نگاشته شده در حاشیه از کتب مجمل اللّغه ، قاموس ، اختری ، مغرب ، صحاح ، ودیگر کتابها مطالبی نقل گردیده و برچهارورقیکه پیش ، و یك ورقیکه در آخر نسخه است مطالب متفرقه ای از تفسیر واشعار ولغت وغیره یادداشت شده وپشت صفحهٔ اوّل نسخه یادداشتهائی از مالکین نسخه پیش از وقف براین کتابخانه میباشد و از آخر درحدود دوورق افتاده وآخرسطر آخرین صفحه موجود که درذیل لغت ما می‌باشد نوشته شده :

قال ابوعبید تنسب القصیده الّتی قوافیها علی ماماویّه وقول الشّاعر اماتری یعنی ان تری و تدخل تمّ الکتاب تم پس ازلغت ما لغات چندی است که ببان راجع بآنها در این نسخه نیست

وبامراجعه بنسخهٔ چاپی مختار الصّحاح دانستیم که قسمتی از آخر کتاب در حدود (۲۰۰) بیت این نسخه ناقص است وتمّ الکتاب هم دراین نسخه الحاقی است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۹۱) صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۹۵) .

| ۳۷۹ | **مختصر الصحاح** (عربی)

نسخه ایکه خصوصیات آن درزیر این سطور گفته خواهد شد یکی از مختصرات

صحاح اللّغه جوهری است که معرّفی از آن گذشت، در اوّل و آخر نسخه نامی از مختصر کننده نیست و جز مقدّمه‌ای در چند سطر بر مطالب صحاح چیزی زیاد نگردیده که در آن زوائد اشاره ای و دلیلی بر مختصر کننده باشد و چنانکه در مقدّمه تصریح شده آیات و احادیث و ابیات استشهاد شده و قواعد صرفیّه و نحویّه را که صحاح شامل بود جز بسیار کمی از آنها در این مختصر نیست. و در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت این مختصر است.

مختصر کنندگان صحاح را که برنام آنها دست و خبر یافته ام در اینجا می آورم و احتمال میدهم که این مختصر از آثار ابن صائغ دمشقی (شمس الدّین محمّد بن حسن بن سباع متوفّی بسال ۷۲۰) بوده باشد ولی جازم بر آن نیستم و مختصر کنندگانیکه حاجی خلیفه در ص ۷۵ ج ۲ کشف الظنون یاد نموده اینانند:

۱ ـ شمس الدین محمد بن حسن بن سباع المعروف با بن الصائغ الدمشقی متوفی بسال ۷۲۰ و در این مختصر شواهد حذف گردیده است.

۲ ـ محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی متوفی پس از سال ۷۶۰ مختصر خویش را که بسال ۷۶۰ انجام یافته «مختار الصحاح» نامیده (این کتاب را در ص ۲۷۸ و ۲۷۹ معرفی کامل نمودیم).

۳ ـ مولی محمد معروف به العیشی متوفی بسال ۱۰۱۶ نیز از مختصر کنندگان میباشد و گفته میشود که اختصار وی سودمندتر و بهتر از مختار الصحاح است ولی این مؤلفه مشهور نشده.

٤ و ٥ ـ محمود بن احمد زنجانی متوفی بسال ۷۰۰ از مختصر کنندگان کتاب صحاح میباشد و در کشف الظنون عبارت مذکور در مقدمه «تنقیح الصحاح» را که در ص ۱۶۶ معرفی از آن نمودیم بدون ذکر ماخذ آورده و ما از مقدمهٔ تنقیح نقل نمودیم که مؤلف آن بدواً مختصری در حدود پنج یک $\frac{1}{5}$ صحاح بنام «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» تالیف پس از آن باز آنرا مختصر نموده و نام آنرا «تنقیح الصحاح» گذارده و این مختصر ده یک $\frac{1}{10}$ اصل کتاب گردیده است.

٦ ـ و دیگر از مختصرات صحاح بنام «نجد الفلاح» و مانند مختار بحذف شواهد می باشد (نامی از مؤلف مختصر نبرده است).

و نیز در ص ۷٦ ج ۲ کشف الظنون نگاشته شده:

۷ ـ پیر محمد بن یوسف الاقروی صحاح اللغه را ترجمه کرده و در آن ذکر نموده که چون از کتاب «ملتقط الصحاح» فراغت یافتم گروهی را بترجمه آن مائل دیدم از اینرو بر آن شدم و آن را ترجمه کرده و «الترجمان» نامیدم

و در ص ٥١٤ ج ۲ در حرف میم نوشته:

« ملتقط الصحاح الجوهری و الملتحق بمختار الصحاح » تالیف پیر محمد بن یوسف القرمانی (کذا فی النسخه والصحیح الانقروی کماصرحنا به آنفا - ابن یوسف) الارکلی اوله : الحمدلله بکل ماحمده اقرب عباد الیه الخ :

و در ص ۲۷۹ ج ۱ گوید :

« ترجمان » تالیف پیر محمد بن یوسف الانقروی ، لغت ترکی ودر سه مجلد میباشد وآنرا ازجوهری و مغرب وجزاین دو جمع کرده ودر بیست وهشت باب مرتب شده است.

تناقض این بیان کشف الظنون با آنچه پیش از این دربارهٔ « الترجمان » از وی نقل گردید ، آشکار و محتاج بیان نیست .

صاحب روضات در ص ۱۲۷ ج ٤ بنقل از امل الامل « مختصر الصحاح » را به شیخ مفلح صیمری مؤلف شرح شرایع و شرح موجزو منتخب الخلاف وجواهر الکلمات فی العقود والایقاعات که معاصر شیخ علی بن عبدالعالی کرکی بوده نسبت داده و نیزدرذیل آن گوید پسر وی حسین بن مفلح معاصر صاحب « مشایخ الشیعه » بوده واورا بی‌نهایت ستوده وگوید که از وی استفاده علمی نموده و بسال ۹۳۳ در حالیکه بیش از هشتاد سال عمر داشت جهان را وداع گفت .

بنابر این این مختصر در قرن نهم هجری تنظیم شده است ونیزصاحب روضات گوید : صیمر چون حیدر و گاهی هم آن رامضموم خوانند وصاحب قاموس درماده صمر پس از بیان بالا گوید ونیز نام رودخانه‌ایستکه‌دربصره است که بر کنار آن دهاتی است وصیمره چون‌هیمنه شهری است در نزدیکی دینور و نیز نام بخشی است از بصره که در دهانه رود حانه معقل قرار گرفته و مردمان آنجا مردی‌عاصم نام و پس ازوی پسران اورا پرستش میکنند الخ.

۹ - در امل الامل « مختصر الصحاح » به علی بن یونس عاملی نباطی نسبت داده شده و مادر ص ۲۷۵ درج ۱ فهرست این کتابخانه مؤلفات دیگر این مؤلف را نقل نموده وسال وفات ایشان را سنهٔ ۸۷۷ پیدا کرده ایم .

باتفحص و تجسس در فهارس چاپ شده و استفسار از دانشمندان‌معاصر وفهرست های کتابخانهای شخصی که در دسترس نگارنده است مختصر دیگری برای صحاح بدست نیاورده ام .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی فضّل لسان‌العرب علی جمیع اللسان الخ .

انجام : وقد یحذف حرف النداء نحو یوسف اعرض عن هذا اذا کان المراد معلوما والحمد لله علی الاتمام بعون‌الملک العلاّم والصّلوة والسّلام علی‌رسوله‌الانام محمّد و آله‌الکرام وصحبه‌العظام صلوة جامعة بین‌الاسم والمسمّی ومزلفة‌بین‌المکشوف والمعمّی .

(۹۰٤)

مختصر الصحاح این نسخه را بسال ۹۲۸ بخط نسخ محمدبن عبدالکریم بن محمودمشهوزربه بکسماتی نوشته‌وپس‌ازاتمام‌این‌مختصر مثلثات قطرب که درص ۲۷۰و ۲۷۱از آن‌معرفی‌شدو پس از آن‌قوافی‌تألیف حبیش‌تفلیسی که نیز درص ۲۵۰و ۲۵۱ آنرا معرفی کردیم‌نگاشته‌شده ، قسمتی‌از لغات‌نوشته‌نشده (بقیه تفسیر ماده رجز تاقسمتی ازماده مرز) دو ورق کاغذ ننوشته بجای آن گذارده شده و در حاشیه بسیاری از صفحات حاشیه هائی از کتب قاموس وصحاح ومغرب و کتب فقه وغیره نوشته اند لغات وابواب وفصول را باشنجرف نگاشته اند ، پشت ورق اوّل یاد داشتهائی از مالکین کتاب در هرعصر ومطالب متفرقه ای میباشد .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۵۵) اوراق ابن مختصر (۲۰٦) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۱۰) .

[۳۸۰] المصادرزوزنی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب ابوعبدالله حسین‌بن احمد زوزنی(۱) قاضی است و سیوطی در بغیة الوعاة بنقل از عبدالغافر گوید در لغت ونحو وعربیّت امام عصر خویش بوده و بسال ٤۸٦ زندگی را بدرود گفته است (در کشف‌الظنون نیز همین‌تاریخ ثبت شده) .

چنانکه در ابتداء دو نسخه زیر و در کشف الظنون ص ٤٤۵ - ٤٤٦ ج ۲ نگاشته شده کتاب «المصادر» از مؤلّفات اومیباشد وقصائد « سبعه معلّقه » را هم شرح‌نموده واین کتاب‌درایران بسال۱۲۸۲ ودرمصر ولبنان‌مکرّرچاپ‌شده‌وشرح

(۱) در ص ۹۵۸ ج ۲ معجم‌البلدان نوشته شده : زوزن (بضم و بعضی بفتح اول‌و سکون دوم وفتح سوم و سکون نون)نام شهری است که میان نیشابور و هرات واقع شده‌و چون بسیاری از دانشمندان از آنجا برخاسته‌اند آنرا « بصرة الصغری » نامند و از بیهقی نقل نموده که زوزن نام رستاق وقصبه آن نیززوزن نامیده میشود ومشتمل بر ۱۲٤ ده میباشد .

ولی نام‌ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی مؤلف مصادر در این کتاب نیست و در کتابی دگر جز بغیةالوعاة سیوطی و روضات در ص ۲۳۸ ذیل حسین ابن الحائك ومعجم المطبوعات ص ۹۱۱ و۹۱۲ واین دو بنقل از بغیه و تاریخ آداب اللغه جرجی زیدان ج ۳ ص ٤٤ نام زوزنی را نیافتم و در ابتدا دو مؤلفه وی بلقب‌سید معرّفی شده است .

قصیده امرءالقیس آن بسال ۱۸۲۰ م. در پاریس چاپ شده وجرجی زیدان در ص٤٤ ج۳تاریخ آداب اللّغه کتابی‌بنام «ترجمان‌القرآن» بعربی‌وفارسی ، اززوزنی دانسته ونسخه‌ای از آنرا درغوطا نشان داده جزاین‌سه مؤلّفه از این مؤلّف اثری نیافتیم .

زوزنی مؤلّف مصادر درمقدّمهٔ این کتاب گوید :

این مصادری است که آنها را ترجمه نموده و آنانرا را پیراسته‌ام و از اینرو آن را بی شواهد از حدیث وامثال و اشعار قرار دادم که اندازهٔ آن کوچك شودواز بر کردن آن آسان گردد و در آغاز هر بابی مصادر افعال صحیحه آن را قرار دادم وپس ازآن مصادر معتله را آوردم و تاباخر چنین کردم (مصادر مهموزه را پس ازمعتله ذکر نموده) و در ترتیب هرنوعی از مصادر صاحب دیوان الادب را اقتدا و متابعت نمودم الخ .

مصادرهریك ازفعلهای سالم ومعتل ومهموز را بترتیب حروف تهجی اواخر آنها مرتب کرده وابتدا بافعال ثلاثی مجرد نموده پس از آن ثلاثی مزید و ازآن پس رباعی مجرد و درآخر مصادر رباعی مزید را آورده است .

این کتاب « مصادر » برای دانستن ترجمه فارسی کلمات عربی مفید ونگارنده برآنم که ابوجعفر احمد بن علی‌المقری البیهقی معروف به جعفرك متوفی بسال ٥٤٤ همین مصادر زوزنی را تهذیب و تنقیح نموده و نام آنرا « تاج المصادر » گذارده ولی درمقدّمه نامی از زوزنی و کتاب وی نبرده ولی بادقت این معنی را از عبارات آن توان دریافت و آن عبارت از مقدّمه اینست : اما بعد فان هذا مصادر هذّبت فارستّتها وعرضت‌علی کتب الائمّة اعربتّتها وجردتها عن‌الامثال والاشعار الخ .

وگذشته ازاین بخش ازآغاز وانجام لغات هردو کتاب را دراینجا می‌آورم تاخود مؤید این ادعا باشد وآن اینست :

عبارت آغاز لغات تاج المصادر :

باب فعل یفعل من‌السالم بفتح العین فی‌الماضی وضمها فی‌الغابر :

(۱) نسخه خطی کامل این کتاب در کتابخانه مجلس‌شورای‌ملی ایران موجود و بسال۱۳۰۱ قسمتی از آن در هندوستان چاپ شده است .

ب ، الثقب » سوراخ کردن ، « الثقوب والثقابه » افروخته شدن آتش. «والثقوب» بسیار سیر شدن اشتر . « الجلب » گوسفندو اشتر وبرده بجای بردن برای فروختن ، والغابر یجلب ویجلب « الخلب » چیزی باخویشتن گرفتن و بانگ برستورزدن تااز پیش بشنود ، «الجنابه» در میان بیگانگان فرود آمدن ، « الجنب » کشیدن اسب و اشتر ،

عبارت آغاز لغات مصادر :

باب فعل یفعل بفتح العین فی الماضی و ضمّها فی الغابر من السالم :

ب « الثقب » سوراخ کردن . «الثقوب » افروخته شدن آتش وجز آن . « الجلب » گوسفند و شتر وبرده از جای بجای بردن برای فروختن . « الجنب » دور کردن (و بر پهلو زدن - نسخه) . « الجنوب » دور شدن و باد جنوب آمدن یقال جنبت الرّیح ای تحولت جنوباً « الجنب » کشیدن اسب .

عبارت انجام لغات تاج المصادر :

ن ، الاقئینان : رمیدن پس بیارامیدن ، « الاطمئنان والاطمینان والطمانینه » اسم اقیم مقام المصدر ، « الاقبئنان الاکبئنان الاقسئنان » سخت تاریك شدن شب ، اقسان الرجل کبروعسا ، « الاکبئنان » واهم آمدن نوع منه . «الاکوینان » کوتاه شدن واکوان الشیخ ارعش والله اعلم .

عبارت انجام مصادر زوزنی :

ن « الاقئینان » بیارامیدن . « الاطمئنان » مثله . « الاقسئنان» سخت شدن از پیری . « الاکبئنان » باهم (فاهم نسخه) آمدن . تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

مصادر زوزنی تاکنون چاپ نشده و درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله علی سوابغ الائه المتسابقه افواجا الخ .

(۹۰۱)

المصادر زوزنی این نسخه را بسال ۱۰۷۰ نظام الدّین افضل بن قاضی محمد بخط نسخ نوشته ، ابواب وفصول آنهم باشنجرف نگاشته شده وپشت نسخه بنام تاج المصادر براین کتابخانه وقف گردیده ولی مسلّماً مصادر زوزنی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی ، واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۲) ، صفحه‌ای (۱۵) سطر ، طول (۲۰ سانتیمتر) عرض ($14\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۸) .

(۹۰۶)

المصادر زوزنی این نسخه را بسال ۱۰۹۹ محمدکاظم بن عبدالغفور برای خود بخط نسخ استنساخ نموده و در آخر و پشت صفحه اوّل یادداشتهائی ازمالکین این نسخه درهرعصروزمان نوشته شده برورقیکه درآخر کتاب بوده مطالبی لغوی ونحوی نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن محو نشده و دو ورق اوّل و ّصالی مختصری میخواهد وتصحیح گردیده وبهتر ازنسخه پیش است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی شمارهٔ اوراق (۱۲۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۹۹).

[۳۸۱] مقاییس اللغه (عربی)

مؤلّف این کتاب ابن فارس میباشد (ابوالحسین(۱) احمدبن‌فارس‌بن‌زکریابن محمد بن‌حبیب‌القزوینی‌الهمدانی‌الرازی‌متوفی‌بسال ۳۱۵)(۲) که ازمعاریف‌لغویّین ونحویّین قرن‌چهارم‌هجری بوده ودرحاشیه ص۸۵ گذشت که بدیع الزمان همدانی شاگرد وی بوده ومقامات خود را در پیروی از او ساخته است .

---

(۱) کنیه ابن فارس درتمام مآخذ ابوالحسین ثبت شده ولی در نامه دانشوران ابوالحسن میباشد و مسلما این دومی غلط است .

(۲) این‌شرح بامراجعه به معجم‌الادباج ۲ ص ٦ ـ ۱۵ ، وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۵و۳٦، بغیةالوعاة ذیل احمد ، تاریخ آداب‌اللغه العربیه ج ۲ ص۳۰۹ ، روضات ج ۱ ص ٦٤ و ٦۵، معجم‌المطبوعات ص ۱۹۹و۲۰۰ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۳۲ و ۱۳۳ ، کشف‌الظنون ج۲ ص ۷۳ ، نامه دانشوران ج۲ ص۵۱۱ـ۵۱۵ نوشته‌شده‌ودریتیمةالدهر ازابن‌فارس‌معرفی نشده فقط در آخر قسم سوم بمناسبت نامی از او برده شده و وفات ابن فارس را یاقوت از ابن‌جوزی بسال ۳٦۹ و از خط حمیدی بسال ۳٦۰ نقل نموده و گوید این دو تاریخ را اعتباری نیست چرا که من خط ابن فارس را بر کتاب الفصیح که تالیف خود او بود مورخ بسال ۳۹۱ دیده ام و در آخر نسخه ای از مجمل‌اللغه دیدم که نوشته بود ابن فارس درماه صفر سال ۳۹۵ در ری وفات یافت (قبراو اینك در این شهر معروف نیست) .

در شذرات‌الذهب وفات ابن فارس درذیل وفیات سال ۳۹۰ ثبت شده وسیوطی ازذهبی نقل نموده که بسال ۳۹۵ بدرود جهان گفته است و در کشف‌الظنون ومعجم‌المطبوعات این قول پیروی شده است .

ابن فارس گذشته از اینکه دربسیاری از علوم امام و پیشوا بوده و درلغت ونحو تخصّصی بسزا داشته و در مکارم اخلاق وسعهٔ صدر وبسط ید هم مشهور میباشد ، یاقوت وسیوطی و دیگران درسیره او نوشته اند :

جوانمردی کریم بود ، بسا میشد که لباس و فرش خانه خود را هم بکسی که ازوی چیزی میخواست میبخشید .

ابن‌فارس را ازهمدان برای‌تعلیم ابوطالب بن فخرالدّوله دیلمی به ری خواستند یاقوت گوید : چون‌بدین‌شهر آمد ، مردم آنجاراشافعی یافت، از آن‌مذهب‌صرف‌نظر کرد و مالکی گردید و گفت دلم بحال امام احمدبن مالك سوخت که در چنین شهری پیرو نداشته باشد .

سیوطی نیز همین معنی را نگاشته ولی در نامه دانشوران مسطور است که چون به ری درآمد جمعی ازمردم آنجارا شافعی و گروهی را حنبلی دید وعبارت مذکور را برزبان برد و مالکی گردید و این روایت بهتر از روایت اولی بنظر میآید .

محدّث نیشابوری وبعضی‌دیگررا عقیده اینستکه ابن‌فارس شیعه بوده وحکایتی راکه‌صدوق دراکمال‌الدّین وسیّدبحرینی درغایة المرام وصاحب‌بن‌عبّاددرمؤلفه‌ای ازخودراجع باینکه جدّطائفه بنی‌راشدمتوطن درهمدان حضرت‌قائم آل‌محمد ص را زیارت نموده از وی نقل کرده اند ، دلیل این مدّعی گرفته اند وترجمه فارسی آن داستان درنامه دانشوران موجود است .

صاحب بن عباد نزد ابن فارس تحصیل نموده و گویند که در باره وی گفته است : استاد ما از اشخاصی استکه تصنیف نیکو نصیب او گردیده و کریم وجوانمرد بود .

درمآخذ مذکوره اشعاری عربی به ابن‌فارس نسبت داده شده واز آنهاست :

اذا کنت‌فی‌حاجة مرسلاً وانت بها کلف مغرم

فارسل حکیماً ولاتوصه وذاك الحکیم هوالدرهم(۱)

ونیز این اشعار که سه بیت آنرا درص ۵۰ ذیل شرح حال ابن میثم بحرینی نقل نمودیم بدین نحو به ابن فارس نسبت داده شده :

قدقال فیما مضی حکیم ماالمرء الاّ باصغریه
فقلت قول امرء لبیب ماالمرء الاّ بدرهمیه
من لم یکن معه درهماه لم تلتفت عرسه الیه
وکان من ذلّه حقیراً تبول سنّوره علیه

درمعجم الادباء نوشته شده که ابن فارس دو روز پیش از مرگ این دوبیت را گفت :

یارّب انّ ذنوبی قد احطّت بها علماً و بی وبا علانی و اسراری
اناالموحد لکنّی المقرّبها فهب ذنوبی لتوحیدی و اقراری

ودرنامه دانشوران بنقل ازسیوطی مصرع اوّل و آخررا بایکدگر جمع نموده و یك بیت ترتیب داده و به ابن فارس نسبت داده و دربغیه هم این بیت ونسبت نیست .

مؤلّفات ابن فارس را که دانشمندان یاد نموده اند در اینجا می آوریم :

---

(۱) چندین سال پیش از این در یکی از کتب ادب ابن دوبیت را بدینگونه دیده ام .

اذا کنت فی حاجة مرسلا فارسل حکیما ولا توصه
و ان باب امر علیك التوی فشاور حکیما ولا تعصه

و نیز این دوبیت فارسی را که ظاهراً از فردوسی ویادیگری ازقدما وتقریبا ترجمه آن میباشد بخاطر دارد :

فرستاده باید که دانا بود بگفتن دلیر و توانا بود
همه گفته خویش انشا کند بدانسان که مجلس تقاضا کند

وبنظر نگارنده چنین میرسد که دوبیت عربی مذکورازدیگری بوده وابن فارس موافق نظریه حق و صواب : که پول حلال مشکلات است ، در آن تصرف نموده باینمعنی که دو مصرع یك بیت از آنرا دو مصرع از دوبیت قرار داده و آن حکیم را درقول شاعر تفسیر کرده که پول است ودر این معنی شاعری فارسی زبان گوید :

خواهی که دل دلبر تو نرم شود ازخانه برون آید و بی شرم شود
زاری مکن و زورمزن زر بفرست زر بر سر فولاد تهی نرم شود .

۱ـ فقه اللّغه = الصاحبی(۱) ، ۲ ـ الاتباع والمزاوجه ، ۳ ـ الحجر(۲) ، ٤ ـ مقدمة فی النحو ، ٥ ـ ذم الخطاء فی الشعر (جرجی زیدان نسخه آنرا در برلن نشان داده) ، ٦ ـ فتاوی فقیه العرب ، ۷ ـ اختلاف النحویین (۳) ، ۸ ـ الانتصار لثعلب ، ۹ ـ اللیل والنهار ، ۱۰ ـ خلق الانسان ، ۱۱ ـ تفسیر اسماء النبی ص ، ۱۲ ـ حلیة الفقهاء ، ۱۳ ـ تقدمة دارات العرب ، ۱٤ ـ غریب القرآن ، ۱٥ ـ الفرق(٤) ، ۱٦ ـ تقدمة الفرائض ، ۱۷ ـ ذخیرة الکلمات ، ۱۸ ـ کتاب الثلاثه (فقط جرجی زیدان این کتاب را به ابن فارس نسبت داده و نسخه آنرا در اسکوریال نشان میدهد) ، ۱۹ ـ کتاب الحماسه المحدثه (٥) ، ۲۰ ـ شرح رساله زهری الی عبدالملك بن مروان ، ۲۱ ـ سیره النبی ص ، ۲۲ ـ کتاب

(۱) درمعجم الادبا و نامه دانشوران صاحبی یا فقه اللغه دو کتاب شمرده شده درصورتیکه ابن هردو یك کتابست وبسال ۱۳۲۸ ازروی نسخه ایکه بسال ۳۸۲ نوشته شده و درقسطنطنیه میباشد چاپ شده است وچون این کتاب را بنام صاحب بن عباد تالیف کرده بصاحبی معروف شده و حاجی خلیفه در ج ۲ ص ۷۳ قسمتی ازعبارت ابن فارس را از مقدمه فقه اللغه نقل نموده و آن نیز مؤیداستکه صاحبی و فقه اللغه یکی است وجرجی زیدان هم بدین معنی تصریح کرده است .

(۲) ثعالبی در یتیمة الدهر ذیل شرح حال صاحب بن عباد گوید : ازابوالحسین (در نامه دانشوران ابوالحسن ثبت شده ولی در یتیمه ابوالحسین) نحوی شنیدم که ابن فارس کتابی بنام « الحجر » ازهمدان برای صاحب فرستاد ؛ چون ابن فارس از منتسبین به ابن العمید و متعصبین در باره وی بود او را بوی توجهی وعنایتی نبود و گفت حجررا بهمانجا که از آنجا آمده بر گردانید ولی پس از آن گفتار طبعش حاضر نشد که رد احسان کند آنرا گرفت ومطالعه نمود وابن فارس را صله فرستاد .

یاقوت درمعجم الادباء نیز این کتاب را نام برده ولی در کشف الظنون ذکر نشده است .

(۳) نام این کتاب را یاقوت « کفایة المتعلمین فی اختلاف النحویین » ثبت نموده ولی سیوطی وحاجی خلیفه و دیگران بنام اختلاف النحویین خوانده اند .

(٤) درنسخه چاپی معجم الادبا این کتاب بنام «العراق» باعین مهمله و در نامه دانشوران « الفراق » بافاء ثبت شده وحاجی خلیفه این کتاب را یاد نکرده است .

(٥) ابن ندیم باآنکه معاصر ابن فارس بوده ازاو ومؤلفاتش نام نبرده فقط در ذیل آنهائیکه درنحو مذهب کوفی و بصری را مخلوط کرده اند گوید : ابن فارس وله من الکتب کتاب الحماسه (ص ۱۱۹ چاپ مصر) و در کشف الظنون نام این کتاب نیست .

العم والخال، ۲۳ـ اخلاق النبی ص (۱)، ۲۴ـ الشیات والحلی، ۲۵ ـ اصول الفقه، ۲۶ ـ کتاب صغیر الحجم (کذا)، ۲۷ ـ جامع التأویل فی تفسیر القرآن (در چهار مجلّد)، ۲۸ ـ الفصیح (۲)، ۲۹ ـ مجمل اللّغه، ۳۰ ـ نقد الشعر (جرجی زیدان گوید: در المزهر نام آنرا برده ولی دیده نشده)، ۳۱ ـ مسائل فی الفقه (۳)، ۳۲ ـ مقاییس اللّغه.

مقاییس اللّغه یکی از کتاب های بسیار خوب و کمیاب میباشد، باوجود این هیچیك از آنهائیکه بشرح حال و ذکر مؤلّفات ابن فارس پرداخته اند این کتاب را از مؤلّفات او ندانسته اند جز یاقوت در معجم الادبا که از این کتاب در دوجا نام برده یکی از نقلهای او را در ص ۱۹۶ این جلد آورده ایم و دیگر در ذیل

(۱) درمعجم الادباء ونامه دانشوران سه کتاب بنام «تفسیر اسماء النبی ص» و «سیرة النبی ص» و «اخلاق النبی ص» نام برده شده، نام اخلاق النبی وسیرة النبی در کشف الظنون نیست ودر حرف الف ذیل اسماء النبی گوید: ابن فارس کتابی در این موضوع تالیف نموده و آن را «المغنی» نام نهاده است سیوطی در بغیه فقط تفسیر اسماء النبی ص را نام برده که به احتمال قوی همان اسماء النبی مذکور میباشد وبایستی اخلاق النبی وسیرة النبی نیز هردو یکی باشد.

(۲) کتاب «الفصیح» را یاقوت در ضمن شماره مؤلفات ابن فارس نیاورده ولی در ذیل شرح حال، این کتاب را بدونسبت داده وترجمه آن گذشت ودر کشف الظنون ج ۲ ص ۱۹۷ کتابی درلغت بنام فصیح ذکر شده و گوید در مؤلف آن اختلاف میباشد واضح اینستکه تالیف ثعلب باشد وبر آن شروحی زیاد نوشته شده الخ، ودرص ۱۱۱ فهرست ابن ندیم به ثعلب متوفی سال ۲۹۱ کتابی بدین نام نسبت داده شده است. و کتاب «الشیات والحلی» و «کتاب صغیر الحجم» و «جامع التاویل فی تفسیر القرآن» و «متجیز الالفاظ» و «العلم والحال» را نیز یاقوت نام برده و در مآخذ دیگر مخصوصا در کشف الظنون نام آنها نیست.

(۳) سیوطی پس ازذکر این جمله گوید: یغالی بها الفقهاء ومنه اقتبس الحریری صاحب المقامات ذلك الاسلوب ووضع المسائل الفقهیه فی المقامة الحربیه وهی مائة مسئله. صاحب روضات نام این مقامه را طیبیه ذکر نموده و ظاهراً مراد مقامه ۳۲ حریری باشد که درنسخه چاپ ایران «مقامه فقهیه» معرفی شده و در شرح مطرزی «مقامه حربیه» نامیده شده و بنظر نگارنده چون درابتداء آن تذکر داده که عزم مسافرت مدینه طیبه داشته بعضی آن را طیبیه نامیده اند و آنهائیکه این مقامه را «حرمیه» نه حربیه، خوانده اند شاید بدین لحاظ باشد که بحث ازحرمین محترمه معظمه و مدینه منوره در آن گردیده و احتمال دیگر که بنظرم میرسد اینستکه این مؤلفه (مسائل فی الفقه) بامؤلفه ایکه بنام «فتاوی فقیه العرب» در مؤلفات ابن فارس نوشته شده یکی است چرا که حریری که دراقتداء به ابن فارس این مقامه را انشاء نموده ومطالب آنرا از زبان فقیهه عرب بیان کرده بنابراین بایستی ابن فارس هم این مسائل را از زبان فقیهه عرب ذکر کرده باشد وبنام «فتوی فقیه العرب» مشهور شده باشد.

شرح حال ابن فارس میباشد ودر اینجا گوید : **مقاییس اللغه و هو کتاب جلیل لم یصنف مثله** ممکن استکه بعضی تصور کنند که این کتاب ومجمل اللّغه ابن فارس که از کتب مشهوره وابن فارس بیشتر بدان مشهور میباشد یك کتاب است ولی بیانات یاقوت که حاکی از اینستکه هردو کتاب را در دست داشته این تصوّررا دفع میکند وما برای توضیح و اثبات مدعی دیباچه آن را کـه مبیّن طرز کتاب وقدرت مؤلّف درانشاء ومآخذ آنست می آوریم .

بسمله الحمدلله وبه نستعین وصلّی الله علی محمّد وآله اجمعین، قال **احمد** اقول وبالله التوفیق ، انّ للغة العرب مقاییس صحیحه واصولاً یتفرع منها فروع وقد اختلف الناس فی جوامع اللّغه ماالّفوا ولم یعربوا فی شیئ من ذلك عن مقیاس من تلك المقابیس ولااصل من الاصول والذی اومانا الیه باب من العلم جلیل وله خطر عظیم وقد صدّرنا کل فصل باصله الذی یتفرع منه مسائله حتی تکون الجملة الموجزه شاملة للتفصیل ویکون المجیب عمّا یسئل عنه مجیباً عن الباب المبسوط باوجز لفظ واقربه وبناء الامر فی سائر ماذکرناه علی کتب مشهوره عالیة تحوی اکثر اللّغه ، فاعلیها واشعرفها کتاب ابی عبدالرحمن **الخلیل بن احمد** المسمی بکتاب العین اخبرنا به علی بن ابراهیم القطان فیما قرأت علیه اخبرنا ابوالعباس احمد بن ابراهیم المعدانی عن ابیه ابراهیم بن اسحق عن بندار بن لوّة الاصفهانی و معروف بن حسان عن اللّیث عن الخلیل **ومنها** کتابا ابی عبید فی غریب الحدیث و مصنف الغریب حدثنا بهما علی عن عبدالعزیز عن ابی عبید **ومنها** کتـاب المنطق و اخبرنی به ابی **فارس** ابن زکریا عن ابی نصر اخت اللیث بن ادریس عن اللیث عن بن السکیت **ومنها** کتاب ابی بکر بن درید المسمی **الجمهره** واخبرنا به ابوبکر محمد بن احمد الاصفهانی وعلی بن احمد الساوی عن ابی بکر فهذه الکتب الخمسه معتمدنا فیما استنبطنا من مقاییس اللغه ومابعد هذه الکتب فمحمول علیهما وراجع الیها حتی اذا وقع الشیئ النادر نصصناه الی قائله انشاء الله فاوّل ذلك کتاب الهمزه باب الهمزه فی الذی یقال له المضاعف الخ .

مؤلّف مقاییس را چون کتب لغت متداولـه امروز بترتیب حروف هجاء اوائل بامراعات حرف اوّل و دوّم مرتب نموده و بدواً لغات دوحرفی را ازالف

تا یا پس از آن لغات سه حرفی را نیز از الف تا یا و پس از آن لغاتیکه از سه حرف بیشتر است ذکر نموده وشواهدی ازاشعار وگاهی ازآیات واخبار برآنها اقامه نموده و در حدود (۳۷۰۰۰) بیت کتابت دارد.

انجام: قال الشیخ الامام الاجل السعید ابوالحسین احمد بن فارس رحمة الله علیه واجزل له الثواب قد ذکرنا ماشرطنا فی صدر الکتاب ان نذکره وهو صدر من اللّغه صالح فاما الاحاطه بجمیع کلام العرب مما لایقدر علیه الّا الله تعالی اونبی من انبیائه علیهم السلام بوحی من الله تعالی وغیر ذلك الیه والحمدلله اوّلاً وآخراً وباطناً وظاهراً والصّلوة والسّلام علی رسوله محمد وآله اجمعین الطیّبین الطاهرین.

(۹۰۷)

مقاییس اللغه این نسخه را بخط نسخ علم الهدی بن صفی بسال ۱۰۹٤ بنا بخواست عبدالرضا بن محمد بن مبارك موسوی درشیراز نوشته واین معنی را عبدالرّضای مذکور پشت صفحهٔ نخستین و برآخرین صفحه نسخه باتذکر به مقابله وتصحیح آن در تکیه نور ازتکایای شیراز بخط خود بسال ۱۰۹۵ نگاشته (تکیه نام برده اینك درشیراز معروف نیست) ونیز پشت آخرین صفحه تولد فرزند خود را که عبدالله نام داشته بسال ۱۱۰۱ معین نموده ونویسنده نسخه پشت صفحه اوّل این کتاب را بنام **مجمل اللغه** ابن فارس معرّفی نموده وبرصفحهٔ اوّل شاهزاده فرهاد میرزا مختصری از شرح حال ابن فارس را ازکتاب ابن خلکان بخط خویش نگاشته. وبراین صفحه نیز تصریح شده که این کتاب مجمل اللّغه میباشد وبهمین نام نیز وقف نامه آن درهمین صفحه نگارش یافته، هرکس که درهرهنگام مالك این نسخه بوده یادداشتی براین صفحه نموده ویکی ازیادداشتها ازمحمد معصوم حسینی منصوری دشتکی بسال ۱۱۳۷ ودیگری ازسید مفید استرابادی است که بسال ۱۱٤۷ نگارش یافته ودیگری ازمحمد کاظم پسرسید مفید مذکوراستکه بسال ۱۱٦٤ نوشته شده ونیزقطعه ای دروفات پدرخویش که شامل ماده تاریخ آن میباشد و سال ۱۱۵۱ را معین میکند نگاشته ویادداشتهائی دیگری هم در این صفحه است.

نگارنده چون خواست خصوصیّات این نسخه را در فهرست بنگارد بمقدّمه مراجعه نمود و عبارات آنرا بادقت از نظر گذرانید دید که مؤلّف گوید : وقد الّف النّاس فی جوامع اللغة ماالفوا ولم یعربوا فی شیئ من ذلك عن مقیاس من تلك المقاییس ونیز گوید :

فهذه الکتب الخمسه معتمدنا فیما استنبطناه من مقاییس اللّغه و ما بعد هذه الکتب الخ .

باهمهٔ قرائن موجوده که مجمل اللّغه بودن نسخه‌را ثابت مینمود بر آن شد که مجمل اللّغه نیست و مقاییس است خوشبختانه نسخه‌ای از کتاب مقاییس را در کتابخانه مدرسه مروی در تهران سراغ داشت و در ایران ظاهراً تا کنون منحصر بفرد بود و چند سال پیش دانشمندان کشور مصر بوجود آن خبردار شده و نسخه‌ای از روی آن استنساخ نموده و بکشور خویش بردند و پانصد مجلّد از کتابهای چاپ آن کشور را درعوض بان کتابخانه فرستادند دو نسخه را بایکدگر مقابله نمود هردو را یکی دید و از این کشف خویش مانند یك مخترع و کاشف مطلب و موضوع علمی خورسند شد برای اینکه کاملاً تردید او رفع شود و این تصوّر هم دور شود که گویند آن نسخه مجمل اللّغه میباشد و بغلط مقاییس ثبت و معرفی شده در جستجوی دلیلی بر ردّ این احتمال شد خوشبختانه نسخه‌ای از مجمل اللّغه را در کتابخانه مجلس یافت و دو نسخه را بر یکدگر عرضه داد آنهارا یکی ندید و نیز در فهرست کتابخانه رضویه ع (ج ۲ ص ۳۷۷ و ۳۷۸) نسخه ای از مجمل اللغه را نشان یافت که از ابتداء کتاب تا آخر باب الراء بعده المیم بود و قسمتی از ابتداء دیباچه آن را نقل نموده و آن اینست : اَمَّا بَعْدُ وَلِيكَ ٱللّٰه بِصُنْعِهِ وَجَعَلَكَ مِن عَلتِ (کذا فی الفهرست والظاهر ممّن علت .) فِي ٱلْخَيْرِ .

و نیز قسمتی از آخر نسخه را نقل نموده و آن اینست : وامّ رمال فیما ذکره ابن السیت الضبع تم المجلّد الاوّل .

و این هردو عبارت را در مقدّمه و دیباچه کتاب و در باب الراء بعده المیم نیافت و با کمال جزم توانست بگوید که این کتاب مقاییس است نه مجمل اللّغه .

ابواب و فصول و لغات باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۹) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول(۲۸ سانتیمتر) . عرض(۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۷۲).

[۳۸۲] منتخب اللغات شاهجهانی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب عبدالرشیدبن عبدالغفور حسنی مدنی تتوی است که در ص ۳۱۷ - ۲۱۹ بمناسبت فرهنگ رشیدی مختصری از حالات ایشان ذکر گردید و این منتخب را بنام شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) از پادشاهان هندوستان که از نواده های امیر تیمور گورکان بوده تألیف کرده وخود برای معرّفی از کتاب در مقدّمه آن گوید :

«این کتابی است درتحقیق بیان لغات ضروریه کثیرةالاستعمال منتخب از کتب معتبره چون قاموس وصحاح و صراح بعبارت فارسی عام فهم خاص پسند وتحقیق الفاظ وتنقیح معانی واعتبارحرف ملفوظ نه مکتوب درعنوان باب وفصل بارعایة حرف اوّل ودوّم وآخر چنانکه حرف اوّل باب وحرف آخر فصل باشد بی رعایة مأخذ اشتقاق و اسقاط حروف زواید تاهرقاصی ودانی از آن بهره‌ورشود الخ» .

و در آخر کتاب تاریخ اتمام تألیف راکه بسال ۱۰۴۶ بوده باذکر مآخذ آورده‌و ان اینست :

نسخه جامع ز لغات عرب — از نسخ معتبره، منتخب
نسخه قاموس و مهذب صحاح — کنز واسامی و مصادر صحاح
یافته اتمام بعهد شهی — از حق وازخلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالك ستان — شاه جهان، ثانی صاحبقران
ازپی تاریخ اش بی قال و قیل — گفت خرد «منتخب بی بدیل»

منتخب اللغات بشمارهٔ حروف تهجّی مشتمل برابواب وفصول میباشد .

این کتاب بسال۱۲۲۳ه و۱۸۰۸م در کلکته باحروف سربی نستعلیق چاپ شده ، مقدّمه نسخه چاپی بانسخ خطی مختلف واضافاتی دارد ودرحدود (۲۷۷۰۰) بیت کتابت این کتابست .

آغاز : بسمله ستایش وسپاس مالك الملکی که تذکار آلای بی احصای بی منتهایش الخ .

(۹۰۸)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳٤ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، صفحات مجدول وابواب وفصول باسرخی ولغات بخط نسخ نگاشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی : واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱٦٥) . صفحه‌ای(مختلف السطور).طول(۱/۲ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱).

(۹۰۹)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن حسنقلی بسال ۱۲٤۹ نوشته شده ، قسمتی از مقدّمهٔ کتاب (ازابتدا تا امّا بعد)را نویسنده ننوشته و از امّا بعد شروع کرده است ، پشت صفحه اوّل یادداشتی ازمحمد حسین‌بن فضل‌الله حسینی میباشد که درهمان سال نگارش نسخه نوشته شده و از قرینه عبارت آخر نسخه که مقدّمه برای نوشتن نام کسی استکه نسخه را نویسنده‌برای وی‌نوشته وناتمام‌مانده معلوم میشود که برای‌سیّد نام بردهٔ بالا که ازعلماء آنعصر بوده نگارش یافته ودرآخرین صفحه مقابله و تصحیح آن نیز یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۱). صفحه ای (۲٦) سطر . طول(۱/۲ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲) .

[۳۸۳] **مهذب الاسماء** (عربی‌بفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه در دیباچه تصریح گردیده محمودبن عمربن محمد بن منصور قاضی‌الزنجی‌السنجری‌العربی ازقبیله شیبان میباشد .

درکتب سیرورجال نام وشرح حال این دانشمند را باتفحص نیافتم، درنسخ این کتاب ، مؤلّف **الزنجی** بازاء معجمه و نون وجیم ثبت شده ونیز **سنجری** باسین مهمله ونون وجیم وراء نگاشته شده ، دانشمند شهیر آقای‌علی‌اکبردهخدا (مؤلّف کتاب مشهور «امثال وحکم » ونویسندهٔ توانای ایران‌اند که اینك رئیس‌دانشکده

حقوق وسیاسی میباشند و درلغت توانائی زیادی دارند ودرهمین نزدیکی ها کتاب لغت بزرگ ایشان ازچاپ بیرون خواهد آمد) دونسخه که یکی بسیار کهنه ودیگری برحسب احتمال از نسخه این کتابخانه کهنه تراست، دارا میباشند ودر آن دونام مؤلّف نیز بهمین نحو که نقل گردید ضبط شده ولی ایشان را عقیده اینستکه کلمهٔ اوّل زنجی نیست و **ربنجنی** (باراء مهمله وباء ابجد ونون وجیم ونون) است وکلمهٔ دوّم هم سنجری نیست و **سجزی** باسین مهمله و جیم ابجد و زاء معجمه که معرب سکز باشد.

در ج ۲ معجم البلدان ص۷۵۲ نوشته شده : ربیخن بفتح اوّل ودوّم وسکون سوم وخاء معجمه ونون و آربیخن نیز گفته شده، شهر کوچکی از سغد سمرقنداست ونامی از ربنجن یاارینجن دراین کتاب نیست.

ونیزدر ج ۳ معجم البلدان ص ۳۹٤ درذیل صغد (سغد) گوید گفته‌اند قصبه آن اشیتخن‌است و نامی دراینجا از اربنخن یاربیخن نیست تصوّر میکنم که الزنجی مذکور دراین مؤلفه مصحّف ومحرف، ربیخن یا اربیخن بوده است.

درالانساب سمعانی‌ص‌ب‌ورق ۲٤۸ بنقل‌از تاریخ‌بغدادر**بنجن** باجیم میان‌دونون ضبط‌شده‌وگوید شهری ازسغد سمرقند است‌وآنرا اربنجن باهمزه نیز تلفظ میکنند ودرحرف همزه گوید کلمهٔ اربنجن باحذف نون دوّم یافت میشود وتصورمیکنم که همان نام‌سابق است که در تاریخ بغداد کاتب آنرا این گونه نوشته است.

و در ص ۲٤۹ ج ۱ مجمع الفصحا در ذیل عنوان سنجری خراسانی نوشته شده از قدما و شعرابوده، مدّاحی سلطان سنجر سلجوقی (این پادشاه چنانکه در کتب تاریخ ثبت شده درسال ٤۷۹ درسنجار شام متولّد شده وپدر بدین مناسبت او را سنجر نامیده ، پس ازاینکه بیست سال ازطرف برادران خود (برکیارق وسلطان محمد) در خراسان حکومت کرده و چهل و یکسال در پنجنوبت دراکثر ممالك معموره جهان سلطنت کرده بسال۵۵۲ وفات یافته است) مینموده، وی‌بین‌الشعرا مشهورومعروف است‌ودرزمان‌سلطان‌نهایت جلالت داشته، چنانکه‌حکیم انوری (در ج ۱ ص ۱۵۲ و ۱۵۳ مجمع الفصحا وفات انوری بسال ۵۷۵ ثبت

شده است) در جائی ازاشعار خود گوید :

اینکه پرسد هرزمان اینکون خران ریش گاو

کانوری به یا فتوحی در سخن یا سنجری . انتهی .

مسلّماً دراین شعر قافیه سنجری است واحتمال سجزّی بودن نمیرود زیرا که این بیت درقصیده ایستکه نیز درشکایت از روزگار خویش سروده ومطلع آن اینست :

ای برادر بشنوی رمزی ز شعر شاعری

تا زما مشتی گدا کس را بمردم نشمری

وسنجری را با شاعری و نشمری ومستکبری وسرسری و پیغمبری و گستری وانگشتری وغیره هم قافیه نموده بنا براین مسلّم گردید که سنجری است نه سجزّی امّا اشعارسنجری از میان رفته این رباعی را بجهة آبله گفته :

اگر بر رخ چون ماه تو ای جان جهان

از آبله چون ستارگان هست نشان

حسن تو نهان نگردد ای ماه بدان

هرگز ز ستاره مه نگشته است نهان

وجز این سنجری در کتب سیر کسی را نیافتم از قرینه انشاء و مآخذیکه در مقدّمه نقل شده احتمال اتحاد این مؤلّف بااین سنجری شاعر تأیید میشود .

مهذب الاسماء شامل اسمائی ازلغت عرب میباشد که بفارسی ترجمه شده وشواهد ندارد ، مؤلّف خود گوید که آنرا ازکتب ائمه ادب چون السّامی فی الاسامی (تألیف ابوالفضل احمدبن محمد میدانی متوفّی بسال ۵۱۸ میباشد) ، الاسمی فی الاسما (تألیف سعیدبن احمدبن محمد میدانی پسر میدانی نام برده بالا است وبسال ۵۳۹ فوت کرده) ، کتاب الاسامی موسوم به سعیدی (در نسخه مدرسه بدینگونه که نقل شد ثبت شده ودر کشف الظنون ج ۲ ص ۵۷۵ بنام «الشهاب السعیدی» نام برده شده ونگارنده تصورمیکند که سعیدی نام کتاب لغت پسر میدانی مذکوراستکه سعید نام داشته) ، بلغة المترجم فی اللّغه (درج ۱ ص ۲۰۲ کشف الظنون تألیف نوح بن مصطفی مفتی قونیه ثبت شده است) ، کنزالاسامی ، ترجمان القرآن ، الروضه

(ندانستم این سه کتاب تألیف کیست) و کتابهائیکه پیش از اینها تألیف گردیده چون اصلاح المنطق (تألیف ابن سکیت متوفّی بسال ۲٤٤)، غریب المصنف (تألیف ابی عمرو اسحق بن مرار الشیبانی متوفّی بسال ۲۰٦)، دستور اللّغه (تألیف قطنری متوفّی بسال ٤۹۷ میباشد که در ص ۱۷٦ تا ۱۸۰ معرّفی از آن شد) و کتب مشاهیر و غیر از اینها گرد آورده ام و پیش از شروع بذکر اسامی اسماء الله الحسنی را موافق حروف تهجی بترتیب اوائل ذکر و بترجمه فارسی آنها پرداخته و پس از آن شروع در نقل لغات و اسامی نموده و کتاب در بیست و هشت باب منظّم شده و هریك بسه باب (مفتوح و مضموم و مکسور) تقسیم گردیده و پس از اتمام در آخر، بابی در اسماء متفرقه نیز بر آن افزوده و نام کتاب را خود «مهذب الاسماء فی مرتب الحروف و الاشیاء» نامیده است و در حدود (۹٦۰۰) بیت کتابت آنست.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی خلق الاسماء بقدرته و خصّ بنی آدم بعزّته الخ.

(۹۱۰)

مهذب الاسماء این نسخه که لغات آن بخط نسخ و ترجمهٔ آنها بخط نستعلیق خوب میباشد آنرا محمّد باقر نام بسال ۱۰۸۷ نوشته، اسامی کتابها و ابواب و فصول باشنجرف میباشد، در حاشیه صفحات مطالبی از کنز اللّغه و فرهنگ ابراهیم شاهی که همه بفارسی بوده اند نوشته شده و حاشیه هائی در بیان معانی لغات بپارسی نیز تحریر یافته، ورق اوّل و آخر و صالی شده و پشت هردو یادداشتهائی از مالکین سابق آن دیده میشود.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۵۹). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض ($19\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۳).

[۳۸٤] **النهایة فی غریب الحدیث و الخبر** (عربی)

مؤلّف این کتاب ابن اثیر جزری است (ابوالسعادت مجد الدّین مبارك بن

محمّدبن‌عبدالکریم ٥٤٤ - ٦٠٦) (۱) که ازمشاهیرعلما ومفسّرین وفقها ولغویّین قرن ششم هجری ودرنحوشاگرد ابن‌الدهان‌ویحیی‌بن سعدون‌القرطبی بوده وبرادر وی عزالدّین ابن اثیر صاحب تاریخ کامل میباشد و او وفات برادر را درحوادث سال ٦٠٦ ثبت (ص ۱۲۰ ج ۱۲) و در باره وی گوید : در این سال برادرم مجدالدّین ابوالسعادت المبارك بن محمّدبن عبدالکریم کاتب بدرود زندگانی گفت وتولّد وی در یکی‌از دو ربیع سال چهل و چهار بوده و در بیشتر از علوم دست داشت از آنجمله فقه واصول دین و اصول‌فقه ونحو وحدیث و حساب، واو را رسائل زیادیست ونویسنده‌ای‌زبردست بودبدین پایه که‌دراین‌فن بوی مثل‌میزدند و مردی‌بود درآئین استوار وره رو راه‌راست‌خدای اورا رحمت‌کناد وازوخشنود باد ووجود او زیور زمانه بود، شاید هرکس این نوشته را بخواند مرا متهم کند که برادری وی مرا براین گفتار وادار نموده ولی آنانکه در این عصراند و او را دیده ومعاشرت کرده بودند تصدیق خواهند نمود که آنچه در باره وی گفته ام اندکی ازبسیار ویکی از هزار است .

شرح بسیار لطیف ومبسوطی درمعرّفی این دانشمند بنقل ازمآخذی چند در ج ۱ نامهٔ دانشوران (از ص ٦٣٤ تا ٦٣٩) نگاشته شده اگر از حدّ عادی در معرّفی از مؤلّفین بیرون نمیرفتیم همهٔ آنها را دراینجا می‌آوردم وباهمهٔ اینها در نقل این قسمت از آن، چون‌شامل مطالبی سودمند میباشد خود را موظف میدانم :

ابناء اثیرالدین بباید دانست که عنوان این ترجمت نیز مانند عنوان بنی بابویه وابناء طاوس‌ازمشترکاتست چه فرزندان‌اثیرالدین‌ابوالکرم محمدبن‌محمدبن‌عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی‌هرسه مابین‌العلماء بابن‌اثیراشتهار دارند و درالسنه ارباب ادب جزبدین‌عنوان مذکور نیایند ولعل بسیاری از مبتدئین ومتوسطین محصلین آن سه دانشمند بی‌مانند را یکی پندارند و « نهایه ابن اثیر » و « کامل ابن اثیر » و « مثل‌السائر ابن اثیر» هرسه را تصنیف یك‌عالم

(۱) تاریخ کامل ابن‌اثیر ج ۱۲ ص ۱۲۰ ، نامهٔ دانشوران ج ۱ ص ٦٣٤ - ٦٣٩ ، بغیةالوعاة در حرف میم ، معجم‌الادبا ، ج ٦ ص ۲۳۸ ، کشف‌الظنون ج ۲ ص ٦۲۱ و معجم المطبوعات ص ۳٤ و ۳٥ .

انکارند با آنکه هریك از آنها تصنیف یکی از ایشان است پس تعیین مراد و رفع اشتباه را گوئیم :

بنی اثیر سه محقق بی نظیر اند که در ادب و حسب ونسب و عصب برادراند، درفنون فضل و شجون کمال سر آمد دانشوران عهد خویش بودند ، از معاصرین آن سه دانشور یگانه ستایشها درحق ایشان بنظر رسید شیخ شهاب الدین ابوالدر یاقوت حموی درذیل جزیره ابن عمر گوید : **بنو الاثیر العلماء الفضلاء الادباء کل منهم امام** . قاضی شمس الدین احمد بن خلکان در ذیل ترجمت ابوالفتح نصرالله گوید : **و کان الاخوة الثلاثه فضلاء نجباء رؤساء لکل واحد منهم تصانیف نافعه** .

مهتر ایشان ابوالسعادات مجدالدین مبارك است که در غریب حدیث کتاب نهایه تصنیف کرده و کهتر ازوی ابوالحسن عزالدین علی است که در علم تاریخ کتاب کامل تالیف نموده و کهتر از ایشان ابوالفتح ضیاء الدین نصرالله است که در صناعت انشاء کتاب المثل السائر نوشت ولادت هرسه برادر در جزیره ابن عمر اتفاق افتاد چه ابو الکرم پدر ایشان در آنجا توطن وحکومت داشته و از اینروی هرسه را ابن اثیرجزری گویند وجزیره ابن عمر شهری است در سه منزلی موصل بر کنار دجله از آنکه آب بشکل هلال از سه جانب بر آن محیط شده علی الاستعاره بنام جزیره اشتهاریافته اکنون بشرح اخبار آن سه عالم لبیب علی الترتیب (ص ۶۳۹ تا ۶۵۷ ج ۱ نامه دانشوران شرح حال دوبرادر ابن اثیر صاحب نهایه را دربردارد .) اشتغال جوئیم و گوئیم مبارك بن محمد ازارکان اساتید واعیان مشایخ است الخ .

پس از شرح بسیار جالبی ازحالات وسیره این دانشمند که از لحاظ انشاء نیز فوق العاده و حاکی ازقدرت بیان و بنان مؤلّفین نامه دانشوران میباشد مؤلّفات این دانشمند بدینگونه نام برده شده است :

کتاب **جامع الاصول** فی احادیث الرّسول و آن کتاب جامع احادیث صحاح سته اهل سنّت است ، کتاب **المصطفی والمختار** فی الادعیه والاذکار ، کتاب **الانصاف** فی الجمع بین الکشف و اکشاف (آنرا از تفسیر ثعلبی و تفسیر زمخشری فراهم آورده) ، کتاب **البدیع** فی شرح الفصول فی النحو لابن الدهان ، کتاب **الشافی** فی شرح مسند الامام الشافعی ، دیوان الرسائل والمکاتیب و کتاب **النهایه** فی غریب الحدیث که پنج مجلد است واورا نیز رساله ایست سودمند درصنعت کتابت .

سیوطی در بغیه کتاب ۱ و ۳ و ۴ و ۵ نامبرده را از مؤلّفات ابن اثیر نام برده و نیز کتاب **الباهر** فی الفروق فی النحو ، **تهذیب فصول** (فصول از استادش ابن الدهان است)،

البنین والبیان والآباو الامهات والاذواء والذوات را نام برده و گوید این کتاب را دیده ام و کنیه های آن را در کرّاسه ای ملخص کرده ام ودرمعجم الادباء (ج ٦ ص ۲۳۸) این کتاب بنام المرصع فی الاباء والامهات والبنین والبنات والاذواء والذوات ثبت شده و چنانکه در معجم المطبوعات نوشته شده جامع الاصول و کتاب المرصع وی چاپ شده است .

النهایه فی غریب الحدیث والاثر تألیف ابن اثیر شامل لغات غریب احادیث میباشدو مشهور به نهایه اثیریه ، نهایة اللّغه و نهایه ابن اثیر شده است ودرمقدّمه آن بسیاری از آنانکه تازمان وعصروی غریب قرآن واحادیث را جمع آوری و تفسیر کرده اند نامبرده شده و مختصری ازخصوصیّات وطرز هریك بیان گردیده ودر آخر گوید :

غریب القرآن والحدیث ابی عبید احمد بن محمّد بن محمّد هروی صاحب امام ابی منصور ازهری لغوی راوتتمه ایکه ابوموسی محمّدبن ابی بکربن عیسی اصفهانی بر آن نوشته جامعتر ازهمهٔ آن کتب دیدم ولی باز در این دو همهٔ لغات غریبهٔ کتب صحاح بخاری ومسلم وغیره را نیافتم ، از اینرو بر آن شدم کتابی جامع آن دو کتاب ولغات دیگر تألیف کنم و آنهارا بترتیب حروف تهجی مرتب ساختم ونشانه لغاتیکه ازهروی نقل شده «ها» و آنهائیکه ازلغت ابوموسی آورده شده «سینا» و آنهائی راکه خود یافته ام بدون علامت آوردم وغریب لغات قرآن راکه در آن دو کتاب بود دراینجا نیاوردم واین مؤلّفه را مخصوص غریب الحدیث قرار دادم و آن را « النهایه فی غریب الحدیث والاثر » نامیده ام .

در ابتداء حرف صاد نهایه اثیریه که بسال ۱۲٦۹ در طهران چاپ گردیده نوشته شده : القسم الثانی من نهایة اللّغه. ولی درجاهای دیگر از آن نسخه ذکر دیگر قسمتهای این کتاب نشده و در مقدمه هم از آن نامی نیست امّا از نسخه شمارهٔ (۹۱۲) این فهرست تقسیمات زیرین بدست می آید :

جزءاول : از اوّل کتاب تا آخر حرف الشین . **جزءدوم** حرف الصاد تا

آخر حرف الفاء . **جزء سوم** حرف القاف تا آخر حرف الکاف . **جزء چهارم :** از حرف لام تا آخر کتاب .

تألیف این کتاب چنانکه مؤلّف در آخر تصریح کرده در اوائل قرن هفتم گردیده و بسال ٦٠٤ پاکنویس شده و تنظیم آن موافق حروف اوائل کلمات میباشد ، و مکرّر در مصر و ایران چاپ شده و در حدود (٥٢٠٠٠) بیت کتابت دارد .

در کشف الظنون (ج ٢ ص ٦٢١) ذیل این کتاب نوشته شده که صفی الدّین محمود بن ابی بکر ارموی متوفّی بسال ٧٢٣ نهایه را تذیل نموده و عیسی بن محمّد صفوی متوفّی بسال ٩٥٣ و جلال الدّین سیوطی متوفّی بسال ٩١١ و شیخ علی بن حسام الدّین هندی مشهور به متّقی هریك نهایه را مختصر نموده اند و از آن سیوطی بنام « الدرالنثیر » میباشد و اورا نیز براین کتاب ذیلی است .

آغاز : بسمله احمدالله علی نعمه بجمیع محامده واثنی علیه بالائمه الخ .

(٩١١)

نهایه اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نام نویسنده و سال نگارش را از آخر محو کرده اند ، در آخر جزء دوّم سال نگارش سنهٔ ١٠٧٠ ثبت شده و ازاینجا نام کاتب نیز محو گردیده است و جزء اوّل نسخه هم دراین مجلد نیست و مشتمل بر چندسطر پیش از حرف الصاد تا آخر حرف الیاء (آخر کتاب) میباشد .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٢٩) . صفحه ای (٢٢) سطر . طول (٣١ سانتیمتر) . عرض (١٩ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٠) .

(٩١٢)

نهایه اللغه این نسخه بخط نسخ نوشته شده و مشتمل برسه جزء اخیر کتابست (٢و٣و٤) کاتب نام خودوسال نگارش را ننگاشته ، مجدول بطلا و لاجورد و دارای سرلوح ظریف کوچکی میباشد ، لغات و ابواب باشنجرف نوشته شده ، میان سطرهای دوصفحه اوّل نسخه و حاشیه آنها تذهیب

برگ موی است ، ورق اوّل و آخر و صالی شده وقفنامه را هم پشت صفحه اوّل نوشته اند وظاهراً تاریخ کتابت آن پیش از نسخه پیش است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۴۰۸) صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض ($۱۶\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ(۲۴۹) قفسه مدرسهٔ صدر.

فصل نحو و صرف

[۳۸۵] الفیه ابن مالك = الخلاصه (عربی)

مؤلّف وناظم این کتاب ابن مالك نحوی مشهور است (جمال‌الدّین ابوعبدالله محمّدبن عبدالله‌بن مالك‌الطائی الجیّانی (۱) الشافعی $\frac{۶۰۰}{۶۰۱}$—۶۷۲) (۲) که ازمشاهیر علماء نحوولغت میباشد وچنانکه خود درمقدّمه این کتاب گفته پیش از ایشان ابن‌معط (یحیی بن عبدالمعطی ۵۲۴-۶۲۸) الفیّه ای در نحو انشاء نموده(نام آن « الدّرة الالفیه فی‌علم‌العربیّه » میباشد وبسال ۱۹۰۰ م. درلیپزیك چاپ‌شده است) و این کتاب ، الفیه ابن‌معط را نسخ نمود و بـرآن شروح و حواشی زیاد نوشته شده ، درکشف‌الظنون (ج۱ ص ۱۳۹ - ۱۴۲) وروضات درص۲۰۲ ج ٤ ذیل ابن‌ناظم‌نام بسیاری ازآنهاثبت‌شده ومشهورترین شرح‌وی‌شرح ابن‌ناظم وسیوطی و ابن عقیل و ابن هشام میباشدکه در این فصل از آنها معرفی خواهیم نمود .

سیوطی سی وسه مؤلّفه از ابن مالك را نام برده وابن ناظم و سیوطی بنقل از ذهبی درتاریخ الاسلام‌شرحی برالفیه بخودابن مالك نسبت داده‌اند وحاجی خلیفه نیز آنرا تذکر داده ونیز سیوطی ودیگران نوشته اندکه ابن مالك شافعی مذهب بود وبه این صفت وخصلت حسن خلق وکرم بامغربیها خالفت داشت .

---

(۱) جیانی منسوب به جیان بفتح جیم ابجد وباء تحتانی مشدد ونون میباشد که یکی ازشهر های اندلس بوده است .

(۲) بغیة الوعاة ذیل‌محمدبن عبدالله، معجم‌المطبوعات ص۲۳۲-۲۳٤، روضات ص۱٤٦ج٤، شذرات‌الذهب ص ۳۳۹ ج ٥ وتاریخ آداب اللغه جرجی‌زیدان ج ۳ ص ۱٤۰-۱٤۱.

چنانکه در معجم المطبوعات نگاشته شده از مؤلّفات ابن مالك **الاعلام** یا اکمال الاعلام بمثلث الکلام بسال ۱۳۲۹ در مصر و **تحفة المورود** فی المقصور والممدود نیز بسال ۱۳۲۹هیا۱۸۹۷ م **والخلاصه** یا الفیه مکرّر درایران ومصر و بیروت و پاریس باشرح سلوستر دساسی بفرانسه وباترجمه ایطالیائی مسیو ویتو Evitto قنصل ایطالیا در بیروت وبا حواشی و تعلیقات بزبان فرانسه مسیو کوکه A.goguer نیز دربیروت چاپ شده جرجی زیدان در آداب اللّغه العربیّه. گوید : بنتو مستشرق فرانسوی الفیه‌را بفرانسه ترجمه نموده ودرآستانه چاپ‌شده است **وشواهدالتوضیح** والتصحیح لمشکلات الجامع الصحیح (شرح احادیث مشکله واعراب صحیح بخاری است) بسال ۱۳۱۹ درهند **ولامیة الافعال** یاالمفتاح یابنیة الافعال در پطرز بورغ (لنین گراد) بسال ۱۸٦٤ م . چاپ شده است .

جرجی زیدان سیزده مؤلفه ابن مالك را درتاریخ آداب اللّغه نام برده ومحل وجود نسخ آنرا تذکر داده است . از هزار بیت الفیه (۹۱۳) بیت درعلم نحو و (۸۷) بیت در علم صرف میباشد ومؤلّف در این بیت که سه بیت بآخر کتاب مانده است تصریح بنام خلاصه نمود وآن اینست : احصی من الکافیة **الخلاصه** .

آغاز : بسمله قال محمّد هو ابن مالك احمد ربّ الله خیرمالك

انجام: وآله الغرالکرام البرره وصحبه المنتجبین الخیره

(۹۱۳)

الفیه ابن مالك این نسخه بسال۱۱۸۷ بخط نسخ خوب نوشته شده ، دوورق. ازاوّل آن که مشتمل برسیزده بیت اوّل بوده افتاده ونخستین بیت نسخه اینست : والا مران لم یك للنون محل . ترکیب ابیات اولیّه نسخه درذیل آنها نگاشته شده وتعلیقاتی مختصر درحواشی آنست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (٥) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۰ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۷) .

(۹۱٤)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، تمام سیوطی « بهجة المرضیّه »

در حاشیه صفحات نسخه بخط شکسته نستعلیق نیز نوشته شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۷۳) . صفحه ای (۷) سطر . طول (۳۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۱) .

(۹۱۵)

الفیه ابن مالك این‌نسخه را بخط نسخ خوب عبدالحمید موسوی بسال ۱۲۰۱ نوشته ، سی و پنج بیت ازاوائل الفیه بفارسی ترجمه و ترکیب شده و زیر آن نگاشته شده دو ورق از اوّل و دو ورق از آخر وصالی گردیده وبنام شرح الفیه فارسی وقف شده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه‌ای (۷) سطر و اوائل دو سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۶ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۹) .

(۹۱۶)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ ابوطالب نام بسال ۱۲۵۷ در مدرسه حاج محمد حسینخان مروی درطهران نوشته شده وترکیب ابیات اولیّه در ذیل آنها نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۱) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۶) .

(۹۱۷)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را تذکّر نداده ولی مسلّماً از خطوط اواخر قرن سیزدهم هجری میباشد ، پشت ورق‌اوّل‌راچسبانیده اند و دارای یك سرلوح وجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۵۳) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۱۳ سانتیمتر) عرض (۸ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۱) .

(۹۱۸)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نام نویسنده وسال نگارش را ندارد ، قسمتی ازاوّل آن افتاده کاغذ ننوشته گذارده اند ، درآب افتاده ومحتاج وصّالی است .

جلد تیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۳) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۱۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۵) .

[۳۸۶] **لوضح المسالك الى الفية ابن مالك** (عربی)

التوضیح = شرح الفیه

مؤلّف این کتاب ابن هشام نحوی انصاری است (جمال الدّین ابو محمد عبدالله بن یوسف بن احمدبن عبدالله بن هشام انصاری نحوی حنبلی ۷۰۸-۷۶۱) (۱) که ازعلماء مشهور نحو وادب بوده و سیوطی بنقل ازالدّرّ الکامنه ازابن خلدون نقل نموده که چون درمغرب بودم خبر آوردند درمصر عالمی بعلوم عربیّت ظهور کرده و او را ابن هشام نامند و از سیبویه نحوی تراست . ودربارهٔ وی نوشته اند که باابی حیّان بسیار مخالفت میکرد واز عقائد او منحرف بود و یگانه کس بود که فوائد غریبه ومطالب دقیقه واستدراکات عجیبه وتحقیق کامل وتوانائی برتصرف درکلام وملکهٔ برایراد آن رابابهترین طرز وروش پسندیده وفروتنی واحسان و مهربانی ونرمی اخلاق ورقت قلب جمع کرده بود .

مؤلّفات ابن هشام نحوی عبارتنداز: **مغنی اللبیب** عن کتب الاعاریب، **قطر الندی وبل الصدی** ، شرح قطر الندی ، **الغاز نحویه** ، شذور الدهب فی معرفة کلام العرب ، شرح **شذور الذهب** ، شرح بانت سعاد ، **موقظ الاذهان وموقظ الوسنان** . که همه بچاپ رسیده و **عمدة الطالب** فی تحقیق تصریف ابن الحاجب در دو مجلّد ،

(۱) بغیة الوعاة در حرف العین ، شذرات الذهب ج ۶ ص ۱۹۱ و ۱۹۲ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۱۴۳ ومعجم المطبوعات ص ۲۷۳ - ۲۷۵ .

رفع الخصاصه(۱)عن قراء الخلاصه (درچهار مجلّد)، الجامع الکبیر، الجامع الصغیر(۲)، شرح الشواهد الکبری والصغری (۳)، التحصیل والتفصیل لکتاب التکمیل والتذییل(٤) (درچند مجلّد میباشد وشرح کتاب تسهیل الفوائد وتکمیل المقاصد تألیف ابن مالك است) ، شرح الملحه(٥)تألیف ابی حیّان، حواشی علی الالفیّه، مسائل سفریّه، الاعراب عن قواعد الاعراب(٦) ، مسائلی که سیوطی آنهارا در اشباه ونظائر درج نموده (۷) **واوضح المسالك الی الفیة ابن المالك** وغیر از اینها است .

اوضح المسالك چنانکه‌ازنام آن برمی آید شرح مشکلات وبسط مطالب مختصرهٔ الفیّه ابن مالك ودرنحو است و این نام را مؤلّف خود بر آن گذاشته و چون در توضیح و تبیین مطالب الفیّه میباشد مشهور **بتوضیح** نیز گردیده و بسال ۱۳۰۲ و ۱۳۱٦ در مصر و بسال ۱۸۳۲ م. درکلکته چاپ شده و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت دارد و کتاب التصریح بمضمون التوضیح تألیف خالد ازهری که درهمین فصل ذکر خواهد شد شرح براین کتاب میباشد وچنانکه در ص ۱٤۲ و۵۷۵ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده کتاب «رفع الستور والارائك عن خبیّات اوضح المسالك »

---

(۱) دربغیه ومعجم المطبوعات رفع الخصاصه ضبط گردیده ، ولی درص ۱٤۲ و٤۹۳ ج ۱ کشف الظنون دفع بادال مهمله است .

(۲) جرجی زیدان نسخهٔ این کتاب را دریاریس نشان داده .

(۳) جرجی زیدان کتابی بنام « الروضة الادبیه فی شواهد علوم العربیه » بابن هشام نسبت داده وگوید نسخهٔ آن در برلن میباشد. ولی بدین نام و نام شواهد کبری و صغری در کشف الظنون کتابی ذکر نشده ، احتمال دارد که این کتاب موجود در برلن یکی از دو کتاب مذکور باشد .

(٤) سیوطی این کتاب را بنام «شرح تسهیل» ذکر نموده وگوید مسوده آن بالك نویس نشده است.

(٥) ملحه در نحو و تالیف ابوحیان محمدبن یوسف اندلی متوفی بسال ۷٤٥ میباشد (ظنون ج۲ ص٥۱٦) .

(٦) سیوطی در بغیه « القواعد الکبری والصغری » را بابن هشام نسبت داده ومؤلف خوددر مقدمه یکی از آنها تصریح نموده که آنرا «الاعراب عن قواعد الاعراب» نامیده این کتاب الاعراب « قواعد الاعراب » نیز خوانده میشود و بایستی این کتاب یکی از دو قواعد مذکور باشد (قواعد کبری) وبرالاعراب شرحی ازخالد ازهری دراین فصل ذکرخواهد شد .

(۷) در معجم المطبوعات بدینگونه شرح داده شده : ۱ - مسائل فی النحو واجوبتها . ۲ - مسالة لاعتراض الشرط علی الشرط . ۳ - کتاب الشهد افی احکام هذا . ٤ - شرح القصیده فی المسائل النحویه .

تألیف محیی‌الدّین عبدالقادر بن ابی‌القاسم السعدی‌المالکی المکّی متوّفی بسال ۸۰۸ ثمان و ثمانمائه حاشیهٔ بر اوضح‌المسالك میباشد .

تذکّری که در اینجا بنظر لازم می آید اینستکه نباید این ابن‌هشام نحوی انصاری را باابن هشام بصری مؤلّف سیرهٔ رسول‌الله ص اشتباه نمود و صاحب کشف‌الظّنون برخلاف همهٔ مآخذ سال وفات ابن هشام نحوی را بسال ۷۶۲ ضبط کرده است .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین .... قال الشیخ الامام .... اما بعد حمدالله مستحق‌الحمد و ملهمه ومنشی الخلق و مقدمه الخ

(۹۱۹)

اوضح المسالك این نسخهٔ بخط نستعلیق نصیر بن فرج نوشته شده ، سال نگارش را ننوشته ، پشت نخستین برگ یادداشتی بسال ۱۲۸۰ نوشته شده قسمتی از آن را محو کرده اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۸) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۲) .

(۹۲۰)

وضح المسالك این نسخه را بخط نسخ احمد بن محمّد رضا بسال ۱۲۶۸ نوشته ، همین نویسنده « المقدمة الجزریّه » را که منظومه ای درعلم قرائت میباشد و در ص ۱۹۱و۱۹۲ ج ۱ فهرست از آن معرّفی گردیده ، پیش از شروع بنگارش اصل کتاب نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۸۳) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۹) .

[۳۸۷] ترکیب کافیه (عربی)

این کتاب در اعراب و ترکیب کافیه ابن حاجب میباشد که از آن درحرف کاف همین فصل معرّفی کامل خواهیم نمود ، قسمتی از ابتداء نسخه ذیل افتاده از اینرو نمیتوان گفت تألیف کیست ، بنام « ترکیب کافیه » براین کتابخانه وقف گردیده ، ما نیز بهمین نام از آن معرّفی مینمائیم ، از مطالعهٔ مطالب مندرجهٔ هم نتوانستم مؤلّف را شناخت فقط در ورق چهاردهم نسخه این عبارت را یافتم :

وهذا ماافاده الشیخ العلامه اسحق بن محمود القرشی رحمه الله . درمآخذ یکه در دست داشتم این دانشمند را هم نشناختم وندانستم که در چه عصری بوده است .

در کشف الظنون (ج ۲ ص ۲۵۱ و۲۵۳) سه کتاب دراعراب کافیه نام برد شده آنهارا دراینجا می آوریم :

۱ ـ معرب الکافیه لمحمدبن ادریس بن الیاس المرعشی اوله : الحمدلله القدیم الباری الخ . ۲ ـ (درذیل کافیه ابن حاجب) وفی اعرابها کتاب مسمّی **بالافصاح** لواحد من علماء الدولة المرادیّه قدم فی اوّله تفسیرسورة الفاتحه صنعه لولد الشیخ احمدبن یوسف السلانیکی با شارته ٤ ـ اعرابٌ حاجی بابا الطوسی المتوفی سنه . . . . (در فهرست کتابخانه رضویه ج ۳ ص ٤ نسخه ای از اعراب کافیه موجود و به حاجی بابا الطوسی نسبت داده شده است) .

ونیز درص ۱٦٤۰ ج ۲ فهرست کتابخانه آصفیه کتاب زیرین دراعراب کافیه نام برده شده :

تعلیل الاعراب الشائیه فی حل الترکیب الکافیه ، ودر مقابل آن نوشته شده که بسال ۱۸۷۱ دراروپا چاپ شده ونامی ازمؤلّف وزمان حیات او نبرده است .

(۹۲۱)

ترکیب کافیه این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۵ نوشته شده ، از ابتداء آن اوراقی افتاده ، اوّل موجود آن اینست ، ماهیّة وهی واحدة وان کان الاسم العموم و ذلك عارض ولاینافیه تاءالوحده **ولفظ** خبرها وهومصدر یستوی فیه المذکّر والمؤنث **وضع** ماض مجهول والمستکن فیه مفعول مالم یسمّ فاعله راجع الی اللفظ الخ .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦٦) .

[۳۸۸] **التصریح بمضمون التوضیح** (عربی)

این کتاب شرح اوضح المسالك الی الفیة ابن مالك میباشد که درص ۳۰٦

معرّفی از آن گردید و شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است (زین الدّین خالد بن عبدالله بن ابی بکر المصری الازهری متوّفی بسال ۹۰۵) که ازعلماء نحومعاصر با جلال الدّین سیوطی و عبدالرّحمن جامی آن دو عالم نحوی بزرگ بوده و صاحب شذرات الذهب (۱) در زیر مردگان در سال ۹۰۵ نام و نسب او را چنانکه نقل نمودیم ذکر نموده و گوید : کار وی روشن ساختن چراغهای یکی از مدارس بود ، روزی فتیلهٔ وی بر جزوهٔ یکی از طلاّب افتاد، اورا ناسزا گفت و بنادانی نسبت داد، این نسبت بروی سخت آمد، با اینکه سی و شش سال ازعمرش گذشته بود، شروع بتحصیل نمود و در آن موفقیّتی یافت و مردم را بخویشتن مشغول کرد و شرحی جامع برتوضیح نگاشت که مانند ندارد و دیگر ازمؤلّفات وی اعراب الفیه ابن مالك و شرح سودمندی برجرومیه (۲) و شرحی برقواعدالاعراب ابن هشام (۳) و شرحی برمقدّمه جزریه درتجوید (٤) و شرحی برقصیده برده (٥) و مقدّمه ازهریه و شرح آن (٦) میباشد و ازمؤلّفات او مردم بسیار سودمند میشوند چرا که بی زوائد و واضح و آشکار بدون تعقید تألیف گردیده است .

صاحب روضات گوید نسبش به ابومنصور ازهری (صاحب تهذیب اللّغه) میرسد و بسال ۸۹٦ تألیف تصریح خاتمه یافته و مشتمل برسی و چند هزار بیت و مورد توجه و عنایت طلاّب و مدرسین دراین زمان است .

در مقدّمهٔ آن خود گوید : ابن هشام را در خواب دیدم بوی گفتم کتاب توضیح شما محتاج بایضاح است تصدیق نمود و گفت برآنم که در مشکلات آن

---

(۱) شذرات الذهب ج ۸ ص ۲٦ ، روضات ج ۱ ص ۲۷۰ ، معجم المطبوعات العربیه والمعربه ص ۸۱۱ .

(۲) بنام : شرح الاجرومیه دو بار درمصر چاپ شده .

(۳) در معجم المطبوعات بنام «موصل الطلاب الی قواعدالاعراب » که نام آنست ثبت شده و گویددر حاشیه تمرین الطلاب مکرر چاپ شده است .

(٤) بنام الحواشی الازهریه فی حل المقدمه الجزریه دوبار چاپ شده .

(٥) بسال ۱۲۸٦ چاپ شده است .

(٦) بنام شرح الازهریه این شرح دوبار چاپ شده است .

چیزی بنگارم چون بیدار شدم خواب خود را بدوستان و دانشمندان نقل نمودم گفتند که این خود تورا اجازه ایست که بدین کار اشتغال جوئی با استخاره از خداوند توانا شروع باین کار نمودم و نام آنرا « التصریح بمضمون التوضیح » گذاردم الخ .

تصریح بسال ۱۲۸٤ درایران چاپ شده است .

آغاز : بسمله الحمدلله الملهم لتحمیده حمداً موافیا لنعمه مکافیاً لمزیده الخ .

(۹۲۲)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه را بخط نسخ محمدبن حسین بسال ۱۰۸۱ نوشته ، چند ورق از اوّل و آخر آن و صالی شده و پشت صفحه اوّل یاد داشتهائی و مطالب متفرقه ای نگاشته اند و این نسخه سال فراغت از تألیف را مطابق آنچه صاحب روضات نقل کرده بود داراست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۸٤) . صفحه‌ای (۲۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۲۲ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۵) .

(۹۲۳)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه بخط نسخ خوب محمد باقر بن ملاّ ولی استرابادی بسال ۱۰۹٦ نوشته شده ، عبارات متن را در همهٔ صفحات باشنجرف نگاشته ، از کلماتیکه درحاشیه صفحات نوشته شده معلوم میشود که تصحیح و مقابله با نسخی گردیده و کتاب الجوهرة الثانیه فی الشعر و علل القوافی تألیف ابوعمرو احمدبن محمدبن عبدربّه که در این مجلّد از آن معرّفی خواهم نمود ضمیمهٔ آنست و فهرست مطالب تصریح در دو ورق اخیراً نوشته شده و پیش از کتاب گذارده اند .

جلد ساغری . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۳۰۵) . اوراق ضمیمه (۱۸) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۸ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱٦) .

(۹۲٤)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه را بخط نسخ محمد شریف ابهری نوشته ، روی متن کتاب خطّی باشنجرف کشیده شده ، بقرینه یادداشتیکه پشت ورق سفید یکه پیش از کتاب بوده وبسال ۱۱۸٦ محمد صالح بن محمد کاظم هزار جریبی نوشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این نسخه نوشته شده ولی ازقرن یازدهم پیشتر نیست . بر اوراق زیادی اوّل و آخر گذشته ازفهرست مطالب کتاب مطالب متفرقه‌ای نگاشته‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱٦) صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲٤ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۲) .

(۹۲۵)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۲٦ نوشته شده ، کاتب نام خودرا نبرده ، براوراقیکه پیش از ورق اوّل بوده فهرست مطالب کتاب را نگاشته و پشت ورق نخستین نسخه بخط شکسته نستعلیق بسیار خوب چند کلمه در بیان قضا و قدر تحریر یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۸) . صفحه ای (۲۳) سطر. طول ($21\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۷) .

(۹۲٦)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب آن محمد حسین استرابادی میباشد ، از سال نگارش نام نبرده ، و ظاهراً از خطوط اواسط قرن سیزدهم هجری است .

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۳۹۸) .صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱٤).

[۳۸۹] تصریف = العزی فی التصریف (عربی)

مؤلّف این کتاب عزّ الدّین زنجانی است (عزّ الدّین عبدالوهاب بن ابراهیم بن عبدالوهاب بن ابی المعالی الخزرجی الزنجانی متوفی پس از سال ٦۵۵) (۱) که از دانشمندان قرن هفتم هجری بوده و این مؤلّفه وی درعلم صرف از مشاهیر کتب

(۱) بغیة ذیل عبدالوهاب ، کشف الظنون ج۲ ص ۱۱۵ و ۲۲۲ ومعجم المطبوعات ص ۹۷۷ .

این فن میباشد وشروح بسیار بر آن نوشته ، صاحب کشف‌الظنون (ج ۲ ص ۱۱۵) بسیاری از شروح آن را نام برده واین مؤلّف کتاب «هادی»(۱) مؤلفه خود را که در نحو وصرف بوده بنام « **کافی فی شرح الهادی** » شرح نموده و « تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس » درعلم عروض ، که شرح **قسطاس** زمخشری است وبسال ۶۵۵ از تألیف آن فراغت یافته نیز ازاو و « المظنون به علی غیر اهله »(۲) را که مشتمل بر مجموعهٔ اشعار منتخبهٔ از جاهلیین ومولّدین تاروزگار خود اواست وبسال ۱۹۱۳ م با شرح عبیدالله عبیدی که بسال ۷۲۴ بر آن نوشته چاپ گردیده، تألیف نموده ومشهورترین مؤلّفات وی همین کتاب تصریف اوست که بنام « العزی فی التصریف » نیز مشهور میباشد .

تصریف درحدو (۳۰۰) بیت کتابت دارد و **ریموندوس** آنرا به لاتینی ترجمه نموده وبسال ۱۶۱۰ م. چاپ گردیده واصل متن هم مکرر درایران و آستانه ومصر وتونس وغیره بچاپ رسیده‌است .

آغاز : بسمله اعلم انّ التصریف فی اللغه التغییر الخ .

(۹۲۷)

تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، آخر آن افتادگی دارد و انجام نسخه اینست : (المرقمن مصدر الثلاثی المجرد علی) . در حاشیه صفحات تعلیقاتی از تفتازانی وغیره نوشته شده و چند برگ اوّل و تالی شده است.
جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۷) . صفحه ای (٤) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$-۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۳) .

[۳۹۰] **تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب** (عربی)

این کتاب در بیان اعراب و ترکیب الفیه ابن مالك میباشد و مؤلّف آن خالد بن عبدالله ازهری است [۳۸۸] ص (۳۰۹)، مشهور به ترکیب یا اعراب الفیه شده

---

(۱) در ص ۲۵٤ و ٦٤٥ کشف الظنون و بغیه تصریح شده که هادی متنی متوسط از عزالدین است و خود بر آن شرحی بنام کافی در دو مجلد نوشته ولی در ص ۳۷۱ کشف الظنون در ذیل « مبادی فی التصریف » نوشته شده که عزالدین زنجانی بر این مولفه خود شرحی نوشته و آن را الهادی نام نهاده و جاربردی در شرح شافیه بسیار از آن نقل نموده وسیوطی نیز این نقل جاربردی را تذکر داده واز مندرجات ص ٦٤٥ کشف الظنون خلاف این نوشته معلوم میشود.
(۲) این کتاب در کشف الظنون نام برده نشده ولی بدین نام کتابی درمطالب حکمی منسوب به ابی حامد غزالی است ونیز در آنجا تذکر داده شده که نبایستی از او باشد .

صاحب روضات تألیف آنرا بسال ۸۸٦ دانسته و معجم المطبوعات ایشانرا پیروی کرده واین کتاب درحدود (۱۸۵۷۵) بیت کتابت دارد .

بنام اصلی خویش مکرّر درمصر چاپ شده است .

آغاز: بسمله (۱) الحمدلله الّذی رفع قدرمن اعرب بالشهادتین الخ .

(۹۲۸)

تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب این نسخه بخط شکسته، نستعلیق بسال ۱۲۲۱ نوشته شده و کاتب نام خود را ذکر نکرده ، در صفحهٔ آخر یادداشتی بوده قسمتی از آنرا محو کرده اند و پشت صفحهٔ اوّل صیغ نکاح نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۵۵) . صفحه‌ای (۱٦) سطر. طول . (۲۰ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۹) .

[۳۹۱] **الجمل = جرجانیه** (عربی)

مؤلّف این کتاب مختصر عبدالقاهر جرجانی است (ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرّحمن جرجانی متوفی بسال $\frac{٤٧١}{٤٧٤}$) (۲) که از علماء بزرگ نحو و مؤسس علم معانی و بیان بوده و شاگردی ابوالحسین محمّد بن حسن فارسی پسر خواهر ابوعلی فارسی را نموده و مؤلّفاتی گرانبها بیادگار گذارده، دراصول اشعری ودرفروع شافعی مذهب بوده، گویند ورع و پرهیزکار و خرسند (قانع) بوده، آورده اند که دزدی بخانه وی درآمد او درنماز بود آنچه بدستش آمد برداشت و برد ، جرجانی میدید و نماز خود را نشکست ، شعر میسروده واین دو بیت از او است :

کبر علی العلم لاترمه (۳) ومل الی الجهل میل هائم

---

(۱) در نسخه این کتابخانه پس از بسمله چنین نوشته است : یقول الفقیر الی عفو ربه الغنی خالد بن عبدالله الازهری عامله الله بلطفه الخفی **الحمدلله** الذی رفع الخ .

(۲) شرح حال و مؤلفات جرجانی از طبقات سبکی ج ۳ ص ۲٤۲ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۳٤۰ ، بغیة الوعاة ص ٤۰۸ نسخه خطی ، معجم المطبوعات ص ٦۸۱ ، روضات الجنات ص ۳٤٤ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ٤٤ و کشف الظنون ص ٤۰۲ وصفحات دیگر گرفته شد.

(۳) در طبقات سبکی بدینگونه که نقل شد نوشته شده و در بغیه بجای لاترمه ، یاخلیلی ودر شذرات الذهب مصراع اول بدینگونه : کبر علی العقل لاترضه نقل گردیده و بر دانشمندان پوشیده نیست که درمقابل جهل موجود درمصراع دوم علم اولی ولاترمه بهتر از لاترضه میباشد .

وعش حمارا تعش سعیدا فالسّعد فی طالع البهائم (۱)

مؤلّفات عبدالقادر، کتاب **المغنی** که شرح ایضاح ابوعلی فارسی (در سی مجلّد)، **المقتصد** (۲)، اعجاز القرآن کبیر و صغیر (۳)، **العمده** در صرف، **عوامل المائه**، التتمه (٤)، **المفتاح**، تفسیر فاتحة الکتاب، دلائل الاعجاز، اسرار البلاغه (این دو کتاب در علم معانی و بیان میباشد و بسال ۱۳۲۰ و ۱۳۳۱ در مصر چاپ شده اند)، شرح الجمل، الجمل (همین کتاب) و غیر از اینها است.

جمل که بنام جرجانیه نیز مشهور میباشد یکی از مؤلّفات مفیده و مختصرهٔ در علم نحو میباشد، درحدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلّف خود بر آن شرحی نگاشته و دانشمندان نیز بشرح آن پرداخته‌اند درص ۴۰۲ ج ۱ کشف الظنون نام جمعی از آنها ثبت گردیده و مشتمل بر پنج فصل بدین تفصیل میباشد: ۱ - در مقدمات. ۲ - درعوامل از افعال. ۳ - درعوامل از حروف. ٤ - در عوامل از اسماء. ۵ - در اشیاء منفرده.

بنام **جمل** درعلم نحو جز این کتاب در کشف الظنون کتب ذیل نام برده شده: ۱ - جمل درنحو تألیف ادیب فاضل حسین بن احمد معروف به **ابن خالویه** نحوی همدانی متوفی بسال ۳۷۰، ۲ - الجمل الکبیره نیز در نحو تألیف ابی القاسم عبدالرّحمن بن اسحق الزجاجی النحوی متوفی بسال ۳۳۹. ۳ - جمل درنحو تألیف ابوعبدالله محمد بن

(۱) اشاره بقاعده ای نجومی است که چون کوکب اشخاص در برج حمل و ثور و از اینگونه مواقع باشد سعد است.

(۲) سبکی این کتاب را بنام المقصد فی شرح الایضاح در سه مجلد معرفی نموده و سیوطی پس از کتاب مغنی که شرح بزرگ ایضاح است گوید: المقتصد فی شرحه و کشف الظنون در ص ۱۷۷ ج ۱ درذیل الایضاح گوید که جرجانی شرح بزرگ خویش بر ایضاح را دریك مجلد مختصر نمود و نام آن را المقتصد گذارده.

(۳) در ص ۱۲۰ ج ۱ کشف الظنون استکه: اعجاز القرآن تالیف ابی عبدالله محمد بن زید واسطی متوفی بسال ۳۰۶ میباشد و عبدالقاهر جرجانی آن را دوشرح کرده و شرح بزرگ آن بنام المعتضد میباشد ولی در بغیه اعجاز القرآن کبیر و صغیر و سبکی فقط اعجاز القرآن صغیر را بجرجانی نسبت داده اند.

(٤) این کتاب را فقط جرجی زیدان بجرجانی نسبت داده و گوید نسخه آن در موزه لندن موجود است و در کشف الظنون بنام «تتمة فی النحو» کتابی نام برده شده ولی مؤلف آن را معین نکرده است.

احمدبن هشام نحوی متوفی بسال ۵۷۰ .

آغاز : بسمله الحمدلله حمد الشاکرین والصلوة علی نبیّه محمّد و آله اجمعین قال الشیخ الامام ..... هذه جمل رتبتها ترتیباً قریب الخ .

(۹۲۹)

الجمل

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پیش از شروع باین کتاب همین نویسنده عوامل المائه جرجانی را که درهمین فصل از آن یاد میکنم بدون ذکر تاریخ نگاشته ، یك یاچند ورق از آخر کتاب جمل افتاده و آخرین سطر نسخه اینست : والمکسورة فی فعلت و فعلتما و فعلتم . در میان سطور و حواشی نسخه تعلیقاتی بفارسی بامضاء ح در توضیح و بیان مطالب کتاب نوشته شده و مطالب را گاهی بنظم فارسی ذکرنموده ودر حاشیه یکی ازصفحات همین مخشی تولّد فرزند خود محمّد را بسال ۱۱۹ کـه یا ۱۰۱۹ ویا ۱۱۰۹ بوده یادداشت نموده وخط اصل نسخه پیشتر ازسال ۱۰۱۹ کهنه تربنظر میآید ، پشت نسخه ودر دفاتر کتابخـانه بنام « مجموعه نحو در مقدّمات » ثبت شده و اوراقی از آن وصّالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۱۱) : این نسخه (۹۸) . صفحه ای (۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۲) .

[۳۹۲] الجموع والمصادر (عربی)

این کتاب متضمن جموع ومصادریستکه فیروزآبادی آنها را ترك نموده و درقاموس نیاورده است ، مؤلّف آن درمقدّمه خودرا محمدالمدعوّ یحیی بن الشفیع القزوینی معرفی کرده و گوید: درهنگامیکه اشتغال به تصحیح قاموس داشتم دیدم که مؤلف پاره ای ازجموع ومصادر راآورده و بسیاری را نیاورده ، برآن شدم که آنچه در آنجا نباشد گرد آورم ، چنین کردم و آنرا در دومقصد گذاردم و هرمقصدی را به ابوابی تقسیم نمودم که برای مراجعه کنندگان وجویندگان ، کار آسان باشد .

در کتب سیرورجال این مرد را نیافتم ، چنانکه در ص ۲۳۹ گذشت مؤلّف « ترجمان اللّغه » محمّدیحیی قزوینی ونیز چنانکه در ص ۱۰۵ گذشت پدر مؤلّف نظم الغرر ونضد الدرّ محمّدیحیی قزوینی بوده واین دو مؤلّفه در زمان شاه سلطان حسین صفوی تألیف گردیده ودرص ۴۰۶ روضات ذیل میرزا رفیعا النائینی (محمّدبن سیّد حیدر) گوید: واین مرد غیرازمولی رفیع الدّین محمّد بن مولی فتح الله قزوینی معروف به واعظ مؤلّف ابواب الجنان است که بسال ۱۰۸۹ وفات یافته و چنانکه ازامل الامل برمی آید اورا پسری بنام محمد شفیع بن رفیع الدّین محمّد واعظ قزوینی است که فاضل وعالم وزاهد وصالح وواعظ جامع قزوین بوده وابواب الجنان پدر را که ناتمام بوده تکمیل کرده است .

ازقرائن موجوده درعبارات نقل شده بالا محتملاً بدست میآید که شفیع یا محمّد شفیع پدر یحیی مذکور است این کتاب در حدود (۱۳۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمد لله الذی جعل الجموع باطالیلا بل جموح المفردات الخ .

(۹۳۰)

الجموع والمصادر

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود وسال نگارش را نبرده ، بسال ۱۲۷۰ داخل اعتضادیه گردیده و دارای اغلاطی است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۰) .

[۳۹۳] حاشیه برشرح تصریف تفتازانی (عربی)

دده جنگی

نسخه ایکه خصوصیّات آن زیراین سطرها نگاشته میشود بنام « حاشیه برشرح تصریف » وقف و داخل دراین کتابخانه شده ، در خود نسخه وپشت آن و در دفاتر کتابخانه نامی ازمؤلّف وخود کتاب نیست ، نگارنده چون بمطالعه آن پرداخت بسیاری ازمطالب نحوی و تفسیری وادبی ورجالی درآن دید ، درحاشیهٔ برشرح

تصریف بودن آن شك نمود، متن آنرا باشرح تصریف (از این کتاب درص ۳۱۲ و ۳۱۳ همین مجلّد معرّفی شد) مطابقه نمود عین آن بود بکشف الظنون مراجعه کرد، درص ۱۱۵ و ۱۱۶ ج ۲ ذیل «العزّی فی التصریف» شروح آن وحواشی وشروح برشرح آنرا مطالعه نمود، در آن یازده شرح وحاشیه (۱) برشرح تفتازانی یافت، ودر آنجا نیز این عبارات را دید: (وجمع کمال الدّین دده خلیفه المعروف بقره دده شیئاً کثیراً علی شرح السّعد بالاستطراد فصار مجموعة لطیفة مفیده یقال لها دده جنگی توفی المذکور سنة ۹۷۳ ثلث وسبعین وتسعمائه.) و در شذرات الذّهب (ج ۸ ص ۳۷٤) از آنهائیکه بسال ۹۷۳ مرده اند کمال الدّین دده خلیفه را نام برده

(۱) ۱ - سیوطی را حاشیه‌ای برشرح تفتازانی بنام «التوصیف حاشیة علی شرح التصریف» میباشد و در فهرست مؤلفات خویش بدان تصریح نموده. ۲ - حاشیهٔ شمس الدین محمد بن علی حلبی عرضی معروف به «ابن هلال نحوی» متوفی بسال ۹۳۳ بنام التطریف علی شرح التصریف» (محمد بن ابراهیم حلبی معروف به «ابن الحنبلی» متوفی بسال ۹۷۱ حاشیه ای براین حاشیه نوشته و نام آن را «التعریف علی تغلیط التطریف» گذارده). ۳ - حاشیه ابن الحنبلی مذکور بالا بنام «مستوجبة التشریف بتوضیح شرح التصریف». ٤ - حاشیهٔ شیخ ناصر الدین ابی عبدالله اللقانی (براین حاشیه شاگرد وی شهاب الدین احمد عبادی حواشی نوشته و شاگرد او احمد بن محمد خفاجی خطیب آنها را گرد آورده است). ٥ - شیخ ابراهیم اللقانی متوفی بسال ۱۰٤۱ برشرح تفتازانی حاشیه ای بنام «خلاصة التعریف بدقائق شرح التصریف» نگاشته. ٦ - کمال الدین خلیفه معروف به قره دده مطالب زیادی را استطراداً برشرح تفتازانی گردآورده و مجموعه ای لطیف شده و آن را «دده جنگی» گویند و کمال الدین مذکور بسال ۹۷۳ مرده است. ۷ - شرحی بنام «شرح الشرح» نیز در ذیل «العزی فی التصریف» (ذیل همین شروح و حواشی) نام برده شده و ظاهراً این شرح برشرح تفتازانی باشد چرا که مشهورترین شرح های تصریف این شرح است ومطلق منصرف به فردا کمل میگردد و مؤلف این شرح را سعدالدین طبلاوی معرفی کرده است. ۸ و ۹ و ۱۰ - پس از شروح و حواشی نام برده بالا گوید، و برسعدالدین حاشیه ای از سعد الله بردعی و حاشیه ای از محمد بن قاسم غزی و حاشیه ای از قاسم بن قطلوبغا الحنفی متوفی بسال ۸۷۹ میباشد؛ (ممکن است که مراد کشف الظنون از این سعدالدین، طبلاوی باشد که بلافاصله پیش ازاین بیان، شرح او را نام برده و ممکن است که مرادخود تفتازانی باشد به هردو احتمال این حواشی نیز برتفتازانی خواهد بود). ۱۱ - شرح شمس الدین محمد بن شیخ زین الدین قاسم بن علی بنام «نزهة الناظر بالطرف فی شرح علم الصرف» میباشد.

و گوید درذیل شقائق النعمانیه (۱) از او معرفی گردیده ومؤلّفات او عبارت است از : حاشیه ای برشرح تفتازانی که در آن بسط کلام داده . و منظومه ای در فقه ورسائل زیاد درفنون مختلفه نیزداردواورا دستی توانا درفقه و تفسیر بوده است .

دراین حاشیه اقوال بسیاری ازعلما ودانشمندان ازمفسّرین ونحویین وصرفیّین وادبا ولغویین وعرفا وفقها دیده میشود ونزدیکترین آنها به این عصر ابن کمال پاشا متوفی بسال ۹۴۰ میباشد .

بقرائن ونشانه‌های نام برده بالا گمان نزدیك بیقین بلکه قطع پیدا کردم که این حاشیه همان نگاشته دده خلیفه است کـه بگفته کشف الظنون بـه آن **دده جنگی** گویند وبامراجعهٔ بآن چنانکه گفته شد جنگ بودن آن ثابت میشود .

طرز این حاشیه اینستکه در تحت عنوان قوله قسمتی از عبارت تفتازانی را نقل مینماید پس از آن مطالبی از کتب سابقین ادرفنون مختلفه بمناسبت ذکر و نام بسیاری ازدانشمندان ومؤلّفات ایشان دراین حاشیه دیده میشود وبعضی از آنهارا چون نام برده بشرح حال مختصروذکر مؤلّفات آنان نیز مبادرت نموده واز کتب تفتازانی نقل های بسیار دارد وبگفته دوست محترم آقای امین عراقی که این شرح بکمك فکری وتتبّع ایشان نگارش یافته اگر نام مؤلّفین و مؤلّفات مذکوره در این حاشیه راگرد نمائیم خود رجال و فهرستی میشود و تمام حاشیه در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد وشایسته است که بچاپ آن مبادرت شود .

آغاز : بسمله ابتدا بالبسمله اقتداءً بکتاب الله العلیم وامتثالاً بقول رسوله الکریم کل امر ذی بال الخ .

---

(۱) مراد مؤلف شذرات از ذیل شقائق النعمانیه کتاب « العقدالمنظوم فی ذکرافاضل الروم » میباشد که حقا ذیل شقائق النعمانیه میباشد و درحاشیه ج ۲ و فیات الاعیان ازص ۹۵ تا ۴۲۴ بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و در حاشیه ص ۱۶۴-۱۶۷ کتاب مذکورشرح حال این دانشمند بنام دده خلیفه بدون تصریح به لقب کمال الدین که مؤلف شذرات و حاجی خلیفه تذکر داده اند نوشته شده ومؤلفات وی در اینجا همانست که صاحب شذرات نقل نمود و در اینجا شرح مفصلی در سیره وی میباشد که مؤلف مذکور مختصر آنرا ذکر نموده و مطالعه آن برای تشویق دانشجویان بسیارسودمند ومشوق است ودراینجا است که دده خلیفه دباغ بودو دربزرگی اندیشه تحصیل را یافت و کوشش کرد تابهره ای کافی یافت .

الجام: الطعم بالفتح والضم مصدر طعم الشیٔ ای اکل وذاق الّا انّ المفتوح هوالشهور بین الجمهور والفقهاء والله اعلم .

(۹۳۱)

حاشیه برشرح تصریف یا دده جنگی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۰ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، درمیان نسخه دوجا چند برگ کاغذ ننوشته دارد ولی رشته مطالب بایکدگر پیوسته است. وافتاده ندارد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع ربعی تقریبا . شمارهٔ اوراق (۱۶۰) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۹) .

[۳۹٤] **حاشیه برشرح جامی از اسفراینی** (عربی)

این حاشیه نگارش عصام‌الدّین اسفرائنی است (۱) (عصام الدّین ابراهیم بن محمّد بن عربشاه حنفی اشعری متوفی بسال $\frac{۹٤۳}{۹۵۱}$(۲)) که ازشاگرد های جامی بوده و در منطق و نحو و ادب دستی قوی داشته ، در جلد اوّل فهرست (ص ۱۲۰) حاشیه ای از ایشان برتفسیر بیضاوی معرّفی گردید ، شذرات‌الذهب و یرا از اولاد ابواسحق اسفرایینی (یاقوت درص۲٤۷ج۱معجم البلدان وفات ابواسحق رابسال٤۱۸ در روز عاشورا معین کرده) معرّفی نموده و در روضات جز حاشیه نام بردهٔ بالا مؤلّفات زیرین بوی نسبت داده شده : **الاطول** درشرح تلخیص المفتاح درمعانی

(۱) شرح حال این مؤلف بامراجعه به شذرات الذهب ج ۸ ص ۲۹۱ و روضات ص ۵۰ ومعجم المطبوعات ص۱۳۳۰ و کشف‌الظنون ج ۲ ص۲۵۰وفهرست دارالکتب ج۲ ص۹۹ نگاشته شد .

(۲) درروضات بنقل از تاریخ اخبارالبشر ودر کشف الظنون وفات عصام الدین بسال ۹٤۳ ثبت شده ولی در شذرات وفات وی در حدود سال ۹۵۱ معین گردیده و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب وی را پیروی کرده‌اند وصاحب شذرات گوید در اواخرعمر از بلخ بسمرقند آمده وپس ازبیست ودوروز ناخوشی درهفتادو دوسالگی بدرود زندگانی گفت وآخرین کلمه ایکه برزبان‌راند الله بودوصاحب‌روضات ازریاض‌العلمانقل نمود که عصام‌الدین دراواخر عمر ببلاد روم رفت و در آنجا بودتا بمرد .

اسفرائن یا اسفرآیین ازنواحی نیشابور است ویاقوت اصل آن را اسپرآئین یعنی مرکب از کلمهٔ « اسپر » وکلمهٔ « آیین » دانسته است .

وبیان و بدیع ، **شرح شمسیه** درمنطق ، **حاشیه** برشرح شمسیه قطبی ، **حاشیه** بر حاشیه میر سید شریف برشمسیه ، **حاشیه بر کبری** که تقریباً شرح فارسی بر آنست ، **شرح آداب البحث** قاضی عضد ایجی ، **شرح** رسالة الاستعاره ابوالقاسم سمرقندی ، **شرح عبارت** قدجرت عادة المصنفین ، **رساله درشرح** کل ج ب (این دو مؤلّفه در شرح عبارت شارح شمسیّه است) ، **رساله** دربیان نسب میان قضایا ، **رساله** درتحقیق محصورات اربع ، **رساله** درمبحث تقسیم قضیه ، **رساله** دراستعارات بدیعیه و حقیقة و مجاز بفارسی ، **حاشیه** برشرح عقائد نسفی تفتازانی و **حاشیه برشرح جامی** (همین کتاب) .

درمعجم المطبوعات چاپ شدن کتاب ۱و۳و۷و۱٤و۱۵ عصام الدّین تذکر داده شده و نیز در آنجا کتابی بنام **میزان الادب** مشتمل برنحو و صرف و بیان به عصام الدّین نسبت داده شده و گوید بسال ۱۲۸٦ در آستانه تمام آن و بسال ۱۲۹۰ درمصر باب صرف آن چاپ شده و نیز حاشیه بر رساله وضعیّه که آن نیز بسال ۱۲۷٤ در آستانه چاپ شده و کتابی بنام شرح عصام برفریده که بسال ۱۲۷٦ چاپ شده بایشان نسبت داده شده و مؤلّف در حاشیهٔ برشرح جامی نامی از این کتاب برده است .

این حاشیه برشرح جامی برکافیه ابن حاجب است ودرنحو میباشد ، ازشرح جامی وکافیه درهمین فصل معرفی خواهد شد ، وفضلا حاشیه غفور را که پس از این معرفی میشود براین حاشیه ترجیح میدهند و برمطالب مهمّهٔ از اوّل تا بآخر شرح جامی میباشد ، وبسال ۱۲۷٦ مستقلاً در آستانه چاپ شده ونیز درحواشی شرح جامی قسمتهائی از آن چاپ شده و در حدود (۱۰٦۰۰) بیت کتابت این حاشیه است .

آغاز : بسمله یاهادیاً لسالك مسالك محامدك و یاسامعاً لجامع الخ .

(۹۳۲)

حاشیه اسفراینی برشرح جامی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته ، از خطوط قرن دهم هجری است ، در آخرین صفحه یادداشت مشعر برنملك ابوالشرف بن صفی الدّین محمّد زواری که از علماء امامیّه بوده موجود است .

و یاد داشت دیگری نیز پشت صفحهٔ اوّل داشته زیر وصله صحاف رفته وتاریخ آن که سال ۹۹۵ را میرساند و برخی از عبارات آن قابل خواندن میباشد ، قسمتی ازنسخه تصحیح گردیده ، پشت آخرین صفحه نیز مطالبی ازتفسیر امام‌فخر بخط ابوالشرف مذکور نوشته شده و پشت صفحهٔ اوّل یاد داشتهای دیگری نیز بوده قسمتی از آنها محو شده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۱۴) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۰ سا نتیمتر) . عرض (۱۳ سا نتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۹) .

(۹۳۳)

حاشیه اسفراینی بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ خوب مسیح شیرازی نوشته شده ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، یاد داشتهائی ازعلماء قرن دوازدهم وسیزدهم بامهرهای ایشان (بعضی باتعیین سال) پشت ورق اوّل وآخر موجود ویادداشتی در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند ، دارای سرلوحی زیبا وصفحات آن مجدول بطلا است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۷) .

(۹۳۴)

حاشیه اسفراینی بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ورق آخر که ظاهراً مشتمل برنام نویسنده و سال نگارش بوده بریده شده وباورقی دیگر وصّالی شده، ازنسخهٔ پیش‌از این نوترمیباشد، پشت صفحه اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو و بجای آنها یادداشتهای دیگری نگاشته‌شده درابتداء صفحه اوّل هم آثار محو موجود است.

جلد چرمی مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری شمارهٔ اوراق (۳۲۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($۲۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۸) .

[۳۹۵] حاشیه برشرح جامی ازعبدالغفور (عربی)

منشی این حاشیه ملاعبدالغفور لاری(۱) متوفی بسال ۹۰۵ یا ۹۱۲(۲) میباشد که از شاگردان جامی بوده وشهرت وی بواسطهٔ همین حاشیه شده ،در مآخذیکه در دست نگارنده است شرح حال این دانشمند یافت نشد ، صاحب روضات در ذیل عصام الدّین اسفراینی (ابراهیم) فقط بهمین اندازه که ترجمهٔ آن اینست در اطراف این دانشمند بحث نموده :

اسفراینی مذکور معاصر فاضل‌هوشیار مولی عبدالغفورلاری بوده که وی نیز شاگردجامی‌است‌وسی‌وهشت‌سال پیش‌ازوفات‌اسفراینی (پیش‌ازین‌وفات‌اسفراینی‌را سال۹۴۳ رامعین کرده)وفات یافته و بعضی ازدانشمندان حاشیه غفوررا برحاشیه اسفرائنی ترجیح میدهند. انتهی درمعجم المطبوعات درص ۱۵۸٤ تحت‌عنوان**اللاری** مصلح‌الدین‌متوفی بسال ۹۷۹ رانام برده وحاشیه غفوررایکی ازمؤلّفات‌وی‌دانسته‌و درنگارش این بحث مآخذ خود را یکی‌العقد المنظوم ودیگری ذیل شقائق‌نعمانیه (بتصریح خود این مؤلّف درص ۱۳۵۷ معجم کتابی ترکی ومؤلّف آن عطائی میباشد و ازعطائی درمعجم مؤلّفه أی نیست) معرفی نموده در ص ۲٤۷ - ۲۵۲ العقدالمنظوم شرح حال مصلح الدّین لاری مذکور ثبت شده وهمهٔ مؤلّفاتیکه در معجم نام برده شده دارا است ولی‌حاشیه برشرح جامی آنهم منسوب به غفور در آنجا نیست و مؤلّف این حاشیه وآن مؤلّفات مسلماً دونفراند ، ازعبدالغفور هم ابداً نامی نبرده است و در هفت اقلیم (ص ۲۱٤ نسخه خطی این مدرسه) درذیل عنوان**لار** این دو نفر را جداگانه نام برده و مؤلّفه عبدالغفوررا همین حاشیه واز مؤلّفات مصلح الدّین بس حاشیه برشرح هدایه (۳) را نام برده است .

---

(۱) لار در جنوب غربی شیراز واقع شده و بخلیج فارس منتهی میشود و جزء فارس میباشد .

(۲) ۹۰۵ راصاحب روضات بنقل‌ازتاریخ اخبارالبشرنقل نموده‌و۹۱۲ را صاحب کشف‌الظنون ضبط کرده و در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۹۸) ۹۱۲ ثبت است واگروفات اسفرایتی مذکور را بسال ۹۵۱ صحیح بگیریم و از آن ۳۸ را جدا سازیم ۹۱۳ میشود .

(۳) درالعقدالمنظوم تصریح شده که این حاشیه برشرح هدایه اثیریه میبدی است .

این حاشیه برابتداء این شرح تاآخر مبحث اسماء افعال واوّل مبحث اصوات شرح جامی است و عمر منشی آن بآخر رسید و تا آخر نرساند و مکرّراً بسال ۱۲۸۲ و ۱۳۰٦ و ۱۳۰۹ درآستانه و بسال ۱۲۹۲ و ۱۳۱۳ درهندوستان و در حاشیه شرح جامی مکرّراً چاپ شده ، عبدالحکیم سیالکوتی متوفی بسال ۱۰٦۷ و مولی نور محمد علی براین حاشیه حاشیه ای دارند و در آن اقوال علماء نحو خصوصاً شیخ رضی شارح کافیه را در بسیار از موارد نقل و برد آن پرداخته وشاید کمترصفحه ایست که نامی از او نداشته باشد .

حاشیه غفور درحدود (۳۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله قوله الحمد مصدر معلوم واللاّم للجنس او للاستغراق ای کل حمد الخ .

انجام: قوله وجه الاکثرین انّ ای ان وجه البناء فی ذی الراء قصد الاماله اذهی امر مستحسن والمصحح للاماله کسر الراء وهی لایتصل الّا بتقدیر البناء لانّه اذا اعرب منع الصرف لم یکسر .

(۹۳۵)

حاشیه عبدالغفور بر شرح جامی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، آخرورق آخرین راکه شاید مشتمل برنام نویسنده و سال نگارش بوده ، پاره کرده اند وپس ازآن وصّالی گردیده ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد وورق اوّل هم وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱٤٦) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۱) .

[۳۹٦] حاشیه برشرح جامی از سید جزائری (عربی)

سیّد نعمة الله جزائری(۱) یکی ازمشاهیر علماء قرن یازدهم هجری و صاحب تألیف های زیاد میباشد ، وفات وی بسال ۱۱۱۲ در قریه جایدر اتفاق افتاده ،

(۱) شرح حال این سید جلیل با مراجعه به روضات ج ٤ ص ۲۲۰-۲۲۲ ، لؤلؤ ص۷۵ ، هدیة الاحباب ص ۱۵٤ امل الامل ص ۷۲ و ۷۳ ج ۲ نگاشته شد .

صاحب روضات بعنوان السیّدالسندالمعتمدالجلیل الاواه نعمةالله بن عبدالله الحسینی الموسوی الجزائری الشوشتری معرّفی کامل ازایشان و مؤلّفاتشان نموده و گوید الجزائر دراطراف شط العرب واقع شده نخست در آنجا بکسب دانش مشغول گردید پس از آن بشیراز آمد و ازدانشمندان آنجا بهره گرفت و باصفهان شتافت بشرف شاگردی آقا حسین خونساری و ملا محسن فیض کاشی و علاّمه مجلسی و بسیاری از معاصرین ایشان نائل شد و چنانکه نوهٔ ایشان سیدعبدالله بن نورالدّین بن نعمة الله در یکی ازاجازاة خود گفته تولّد این سیّد جلیل در ده **صباحیه** از جزائر درحدود سال ۱۰۵۰(۱) بوده ومؤلّفات این سیّد عبارت است از : شرح تهذیب الاحکام کبیر وصغیر ، شرح صحیفهٔ سجّادیه کبیر و صغیر ، شرح ملحقات صحیفه ، الانوار النعمانیه ، شرح غوالی اللالی ابن ابی جمهور احسائی ، رساله ای بنام التحفه در نماز ، شرح عیون اخبارالرضا ، شرح توحید صدوق ، شرح احتجاج بنام قاطع اللجاج ، شرح کافیه ابن حاجب ، شرح روضهٔ کافی (درفهرست معارف ج۱ ص ٦٧ نوشته شده که دوشرح یکی مختصر و دیگر مفصّل براین کتاب نگاشته) ، زهرالربیع ، غرائب الاخبار ونوادرالآثار ، شرح تهذیب شیخ بهائی درنحو ، قصص الانبیاء ، ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار ، شرح اسماءالحسنی (این شرح تاحرف ضاد تألیف شده و بسیار مفصل است) ، شرح استبصار (آقای جواهر کلام درص ٥٥ ج۱ فهرست معارف دوشرح براستبصار بایشان نسبت داده اند یکی بنام «غایةالمرام» در هشت مجلّد و دیگری در دوازده مجلّد و گویند از این شرح چند مجلّد در کتابخانه امام جمعه کرمانشاهان دیده ام . ولی بتصریح در ص ۳۲۸ کشف الحجب غایة المرام شرح تهذیب الاحکام میباشد ونیز درص ۳۲۲ تصریح شده که شرح استبصار بنام کشف الاسرار میباشد و درقصص العلماء نیزشرح تهذیب را در هشت مجلّد و

(۱) درروضات تاریخ تولدرا فی حدود الخمسین والماة بعدالالف نوشته و نیز در همین کتاب وفات ایشان را بسال ۱۱۱۲ ضبط نموده واساتید او پیش از این تاریخ تولد ووفات یافته اند بنابر این کلمه الماة زائد خواهد بود . و در ترجمه ج ٤ تاریخ ادبیات برون ص ۲۳٤ و کشف الحجب والاستار ص۳۲۸ وفات سید جزائری بسال ۱۱۳۰ ثبت شده ولی درهدیه الاحباب نیز بسال ۱۱۱۲ تعیین شده است.

شرح استبصاررا بنام کشف‌الاسرار در دو مجلّد بنقل ازنوشته سیّدمؤلف معرّفی نموده‌است) ،شرح نهج‌البلاغه(ص٥١٤ مستدرك) حواشی وتعلیقات‌برقرآن کریم‌یا تفسیرآن‌درسه‌مجلّد بزرگ(حاجی نوری‌در ص٥١٤ ج٣ مستدرك نام‌این تفسیررا « العقودوالمرجان » معیّن کرده اند) ، حاشیه برمغنی ، حاشیه بر استبصار و حاشیه برشرح جامی (همین کتاب) و کتب‌ورسائل دیگر.

این‌حاشیه وتعلیقات برابتداءشرح جامی تاآخرمبحث‌اسم‌میباشد وبرمبحث‌افعال وحروف درنسخه چاپی شرح جامی حاشیه ای نیست و دونسخه خطی زیرین این کتابخانه ونسخه خطی کتابخانه حضرت رضاع (بسال ١٢٥٣ نوشته شده) نیزشامل همین اندازه حواشی برشرح جامی است و در فهرست‌آن کتابخانه (ص ٩ ج ٣) نوشته شده که بیش ازاین را ننوشته اند و بقرینه اینکه صاحب امل‌الآمل متوفی بسال ١١٠٤ که معاصرسید نعمة‌الله بود در امل‌الآمل که بسال ١٠٩٧ تألیف شده این حاشیه را درضمن مؤلّفات ایشان ذکرنموده تألیف آن پیش از سال مذکور بوده‌ومحشی‌دراین حاشیه اشاره‌ای‌باقوال‌شارح‌رضی‌نموده وبردّ آنها پرداخته‌است. کتابت نسخه ذیل درحدود (٦٦٠٠) بیت میباشد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی جعل علم النحو نوراً یهتدی به الی فهم القرآن المبین الخ .

انجام: (١) هذا مایتعلق‌بشرح الاسم کتبناه مع تفرق‌البال وتشتت‌الحال ونتبعه انشاء‌الله‌بشرح‌القسمین‌الاخیرین‌قاله بلسانه‌وحرّره‌ببنانه مؤلّفه الحقیرالفقیرالی‌الله‌الغنی نعمة‌الله‌بن‌عبدالله الحسینی الجزائری عفی‌الله عنهما .

(٩٣٦)

حاشیه جزائری بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، چهار ورق اوّل آن و ٢٨ ورق ازآخرآن باکمال تناسب بخط اصلی نسخه بسال ١٢٢٥ نوشته شده ، کاتب این قسمت نام خود را ننگاشته ، درحاشیه دوصفحه ازصفحات قدیمی اوائل نسخه حاشیه هائی

(١)

درتوضیح وبیان محشی، تعلیقاتی بامضاء وخط محمدحسین بن محتشم موجود ومسلّماً این نویسنده پسر محتشم معروف متوفی بسال ۹۹۲ یا ۱۰۰۰ نخواهد بود و حاشیه‌هائی بامضاء منه درقسمت قدیمی نسخه موجود وظاهراً بخط خود مؤلّف ومحشی میباشد وبرورقیکه پس از آخرین ورق نسخه است مطالبی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی وفرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۹٤) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۷) .

(۹۳۷)

حاشیه جزائری بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده ، نام نویسنده را ندارد ، ورق اوّل وصالی شده، پشت ورقیکه درآخر نسخه بوده ، نسخهٔ معجونی نوشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷٦).

[۳۹۷] حاشیه برشرح کافیه (عربی)

این حاشیه چنانکه در آخر آن تصریح شده ودرفهرست رضویه (ج ۳ ص ۸) نیز معیّن گردیده ، نگاشتهٔ **ملااحمد ابی وردی** میباشد ، درکتب سیر و رجال بنام و شرح حال وی دست نیافتم ، بقرینه اینکه از محقّق تفتازانی متوفی بسال ۷۹۱ یا ۷۹۲ یا ۷۹۳ دراین حاشیه نقل نموده وخود نسخه بسال ۹۰۱ نوشته شده زمان تقریبی حیاة و زندگانی وی معلوم میشود که میان ۷۹۳ و ۹۰۱ بوده ومسلماً توان او را از دانشمندان قرن نهم هجری دانست .

این نسخه دارای دیباچه ومقدّمه نیست وپس از بسمله شروع بمطلب مینماید ، درآخر هم تصریح نشده که این تعلیقه برچه کتابی میباشد ، پشت صفحه اوّل نسخه ذیل ، ابوالحسن نام اصفهانی نوشته اند که این حاشیه برشرح جامی است . ودرفهرست رضویه حاشیه ای از احمد ابی وردی موجود (۱) وبنام حاشیه برشرح

(۱) نسخه آن کتابخانه آغاز آن مطابق این نسخه میباشد ونقص آن ازاین نسخه فقط هفت بیت است .

متوسط برکافیه معرّفی شده ، نگارنده چون بتحقیق آن پرداخت وازاوّل تاآخر آنرا مطالعه نمود ازمندرجات آنهم نتوانست بدست آرد که حتماً این تعلیقه برچه شرحی است چراکه بیشتر عناوین مطالب از متن (کافیه) نقل شده ، جزدرجاهای بسیار معدودی که پس ازلفظ قوله عباراتی ازشرح متوسط کافیه نقل گردیده ودراطراف آن بحث نموده ودرجاهای متعدّد نیز پس ازلفظ قوله عباراتی است که نه ازمتن (کافیه) ونه ازشرح متوسط میباشد (۱) بنابراین احتمال میدهم که این حاشیه برشرح کبیرکافیه تألیف سیدرکن الدّین است وما درهمین فصل ازشرح متوسط کافیه مفصلاً معرّفی خواهیم نمود وازشرح کبیرهم بمناسبت نامی خواهیم برد .

این حاشیه درحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد وبرابتداء کتاب (شرح کافیه) تاآخر آنست وبنای محشی برآن نبوده که برتمام مطالب تعلیقه ای داشته باشد و در بسیاری ازمباحث بیش از یك یادوحاشیه ننگاشته است .

آغاز : بسمله قوله مایتلفظ به الانسان الاحسن ترك لفظ الانسان لانه قیدلافائدة فیه الخ .

انجام: لاثبات ماانتفی عن الاول للثانی (۲) .

(۹۳۸)

حاشیه بر شرح کافیه

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۰۱ نوشته شده ، در آخر آن فضل‌الله بن ابراهیم انصاری نام، بخط خود که بسیار شبیه بخط نویسنده نسخه است و شاید خود وی کاتب آن بوده مالکیت‌خویش را تصریح نموده وپائین دوورق بآخر نسخه مانده مهر اسم دائره ایست که در وسط آن نوشته شده :

---

(۱) در مبحث منع صرف این حاشیه حاشیه ای براین مطلب است : قوله قدس سره قدل علی ان اصلها تا ء التانیث الخ و این عبارات در شرح متوسط ومتن کافیه نیست ، و نیز در مبحث تثنیه وجمع ، حاشیه ای بدینگونه است که درشرح متوسط نیست : قوله المثنی ما لحق الخ فیه ان هذا التعریف لا یصدق علی المثنی لان آخر المثنی هو النون ولم یلحق باخره الف الخ .

(۲) پس از عبارت بالا درنسخهٔ این کتابخانه نوشته شده : تمت الحاشیه لمولانا احمد ابی وردی فی خامس عشرین شهر رجب المرجب سنة احدی تسعمایه .

فضل‌الله بن الفقیه ابراهیم الانصاری . و در اطراف آن آیة الکرسی بخط نسخ نوشته شده است . ازنوشته های دراطراف صفحات نسخه معلوم میشود که تصحیح گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۶۲) . صفحه ای (۱۲ و ۱۶ و ۱۷) سطر . طول (۱۷ سانتیمتر) . عرض (۹ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۵) .

[۳۹۸] حاشیه شرح سیوطی بر الفیه — (عربی)

حاشیه میرزا ابوطالب

نگارندهٔ این تعلیقه و حاشیه حاج میرزا ابوطالب اصفهانی ازعلماء قرن سیزدهم هجری و معاصر بافتحعلیشاه قاجار بوده و بسال ۱۲۲۳ تألیف آن بپایان رسیده ، ودرمقدّمه گوید که مطالب شرح الفیه جلال‌الدّین سیوطی که مشهور به **سیوطی** گردیده دربسیاری ازموارد مشکل ومندمج میباشد وفهمیدن مراد آن بسی دشوار است گروهی از دانش جویان خواستار شدند که من بحلّ مشکلات آن پردازم برای اجابت آنها بنگاشتن این حاشیه مبادرت نمودم .

در کتب رجال و سیر بشرح حال این مؤلّف و مؤلّفات ایشان دست نیافتم چیزیکه لازم است در اینجا تذکر داد اینستکه معاصر این مؤلّف میرزا ابوطالب اصفهانی پسر میرزا علیرضا بن محمّد علی بن میرزا کوچك بن حکیم داود استکه اسلافش از مشاهیر حکما و اطباء بوده اند و از مقام طبابت بتولیت آستان قدس رضوی سلام الله علیه رسید وسی وهفت سال دارای این منصب بزرگ بوده وبسال ۱۲۱۶ بدرودزندگانی گفته بنابراین، این دو راکه هردو اصفهانی ویك نام داشته ومعاصر بوده اند یکی نباید دانست (ازص ۴۱۶ ج ۲ مطلع الشمس نقل گردید) .

این حاشیه درحدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۸۲ مستقلاً در طهران و درحواشی سیوطی مکرّر چاپ شده است .

آغاز : بسمله ربّنا ربّنا لك الحمد لما ترفعنا نحوك الخ .

(۹۳۹)

حاشیه میرزا ابوطالب حاشیه برسیوطی

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۶۰ نوشته شده ، کاتب نام خودرا ننگاشته ، تصحیح گردیده ، فقط چند حاشیه ازمؤلّف براین تعلیقه درحاشیه صفحات نوشته شده است .

جلد تیماجی نقاشی شده . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع خشتی شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (½ ۲۰ سانتیمتر) عرض (½ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۲۰) . قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

[۳۹۹] **شافیه** (عربی)

این کتاب درعلم صرف و مؤلّف آن ابن حاجب است (جمال الدّین ابوعمرو عثمان بن عمر بن ابی بکر بن یونس مالکی ۵۷۰ - ۶۴۶) (۱) که ازمشاهیر دانشمندان قرن هفتم هجری ومعاصر ابن خلکان بوده وچنانکه دروفیات الاعیان نوشته مکرّر برای اداء شهادت پیش وی آمده و او را در مسائل ادبی امتحاناتی نموده و بخوبی ازعهده جواب برآمده است ، وگوید او را ابن الحاجب گویند چراکه پدرش حاجب (دربان) امیرعزالدّین موسك صلاحی بوده ، ابن حاجب درقاهره قرآن کریم را چون بخواند بدیدن فقه بر مذهب امام مالك پرداخت پس از آن علوم عربیّه وقراآت را یادگرفت و درهمهٔ آنها سرآمد اقران گردید ، پس از آن به دمشق مسافرت نمود و در جامع آنجا شروع بتدریس نمود ، بسیاری بروی گردآمدند ، دربسیاری ازعلوم وفنون متبحّر بود ولی عربیّت وادبیّت وی برسائر دانشها برتری داشت ، مصنفات وی عبارت است از : مختصری در مذهب خود (مختصراً فی مذهبه) (۲) ، مقدّمه ای مختصر درنحو بنام کافیه ، مقدّمه ای مختصر درصرف بنام شافیه (همین کتاب) ، شرح هردو مقدّمه وکتابی دراصول

(۱) شرح حال ابن حاجب را از ص ۳۱۴ ج ۱ و فیات الاعیان ابن خلکان ترجمه نموده و به ص ۵۳ ج ۳ تاریخ آداب اللغه جرجی زیدان و ص ۲۳۴ ج ۳ شذرات الذهب که مطالب آن عینا نوشته های ابن خلکان بامختصر اضافه ای از یافعی است و بغیة الوعاة در حرف عین (ذیل عثمان) ومعجم المطبوعات ص ۷۱ و ۷۲ و کشف الظنون درموارد متعدده مراجعه شده است .

(۲) ابن خلکان بدین نحو این مؤلفه را نام برده وسیوطی گوید : (وصنف فی الفقه مختصراً و فی الاصول مختصراً و آخرا کبر منه سماه المنتهی .) و ظاهراً مراد ابن خلکان اینستکه بمذهب امام مالك فقهی نگاشت .

فقه (۱) نیز دارد وهمهٔ تألیف های او درنهایة نیکوئی وخوبی است وبانحوٌ بین درمواردی مخالفت دارد وبرقواعد ایشان اشکال های مهم وارد نموده که جواب از آنها بسیار دور است .

جرجی زیدان این سه مؤلّفه دیگر را بانشان دادن جای آنها از ابن حاجب دانسته : قصیده‌ای بنام : **المقصد الجلیل فی علم الخلیل** درعروض است ونسخه آن درلیدن وبرلن واکسفورد موجود وبر آن شرح هائی نوشته شده . **الامالی النحویه** که حاشیه هائی برپاره ای ازمطالب مفصّل وکافیه میباشد ودردمشق آنها رانگاشته ونسخه‌ای از آن در ٤٦٦ صفحه در کتابخانه خدیویه مصر ونسخه‌ای دیگر درپاریس میباشد . **القصیدة الموشحه** بالاسماء المؤنثه نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ خدیویه است .

وسیوطی شرح مفصل بنام « **الایضاح** »(نسخه کهنه‌ای ازاین کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجوداست) ونظم کافیه را گذشته از آنچه نام برده شد ، به‌ابن حاجب نسبت داده و تولّد ویرا بسال ۵۷۰ یا ۵۷۱ بتردید دانسته وبنقل از ذهبی گوید قرآن را حفظ داشت . و در کشف الظنون هم این دو کتاب نام برده سیوطی ذکرشده است .

گذشته از اینکه وفات ابن‌حاجب پیش از فتح بغداد بوده‌ازبیانات ابن‌خلکان معاصر ابن‌حاجب نیز بدست‌آمد که آنچه راجع بکشته شدن ابن حاجب در بغداد بسعایت‌حضرت خواجه نصیر الدّین‌طوسی بعضی‌نوشته‌اند عاری‌ازحقیقت‌است .

شافیه مختصری درعلم‌صرف‌ودر آخر آن‌قسمتی‌ازقواعدنگارش کلمات‌میباشد، از بدو تألیف تاکنون مورد توجه و نظر دانشمندان و دانشجویان بوده ، بر آن حواشی و شروحی بعربی وفارسی‌وترکی نگاشته‌اند ، حاجی خلیفه بنام بسیاری از آنها را در ص ٤٤ ج ۲ ذکر نموده وما نیز نام بعضی را در این مجلّد بمناسبت خواهیم برد و از سه شرح آن‌که در این کتابخانه میباشد معرّفی کامل مینمائیم .

شافیه درحدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر درایران‌وهندومصروآستانه

(۱) این کتاب بنام : «منتهی‌السئول والامل فی‌علمی‌الاصول والجدل » میباشد ومختصر الاصول ابن حاجب ازاین کتاب مختصرشده وما درص ۵۸۶ ج ۱ این فهرست بمناسبت نام شروح مختصر وخود منتهی و مختصری از شرح حال ابن‌حاجب را داده‌ایم .

بدون شرح چاپ شده است .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیّدنا محمّد خاتم النبیّن وعلی آله واصحابه اجمعین **وبعد** فقد سألنی من لایسعنی مضایقته ولا یوافقنی مخالفته الخ .

(۹٤۰)

شافیه این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننوشته ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بنام حاشیه عصام الدّین پشت نسخه معرّفی ووقف گردیده ومجدول بطلا است .

جلد مقوائی . کاغذ خان با لغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی شمارهٔ اوراق (۵۱) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($10\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۵) .

[٤۰۰] شرح الاعراب عن قواعد الاعراب (عربی)

این کتاب شرح بر « الاعراب عن قواعد الاعراب » ابن هشام میباشد و شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است ص ۳۰۹ [۳۸۸] وشارح آنرا « موصل الطلاب الی قواعد الاعراب» نامیده وشرحی مزجی ودرحدود (۱۸۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۹۹ درمصر درحاشیه تمرین الطلاب تألیف همین شارح چاپ شده است .

آغاز : الحمدلله والصّلوة والسّلام علی سیّدنا محمّد رسول الله وعلی آله وصحبه وجنده وبعد فیقول العبد الفقیر الی مولاه الغنی خالد بن عبدالله الازهری هذا شرح لطیف الخ .

(۹٤۱)

شرح الاعراب عن قواعد الاعراب این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را ننگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری میباشد، ضمیمهٔ شرح شافیه تألیف نظام الدّین است که درهمین فصل از آن معرّفی خواهیم نمود خصوصیّات دیگر درذیل شرح مذکور ذکر ، به خصوصیّات کتاب شمارهٔ (۳۱۲٦) کتابخانه درص ۳۵۰، ۳۵۱ مراجعه گردد .

[۴۰۱] شرح الفیه = شرح ابن عقیل (عربی)

این شرح الفیه از ابن عقیل است (بهاء الدین عبد الله بن عبد الرّحمن بن محمّد بن محمّد بن عقیل القرشی الهاشمی العقیلی الهمدانی الاصل ثم البالسی (۱) المصری $\frac{٦٩٤}{٦٩٨}$ — ۷۶۹) (۲) که از مشاهیر دانشمندان قرن هشتم هجری بوده ومقام قاضی القضاتی یافته ونسب وی به عقیل بن ابی طالب (رض) برادر حضرت مولی امیر المؤمنین علی علیه السّلام میرسد، وی دوازده سال شاگرد ابوحیّان نحوی معروف بوده و او در حق ایشان گفته: (زیر خرگاه آسمان در نحو کسی برتر از ابن عقیل نیست.) وفقه را از زین بن الکنانی وغیر از او واصول فقه و دین را از علاء قونوی و قراآت را برتقی صائغ خوانده واحادیث را از محدّثین استماع نموده و در زاویه شافعی درمصر مدرّس گشته و درجامع طولونی مدرس تفسیر شده واز اوّل تا آخر قرآن را باتفسیر دربیست و سه سال آنجا القا نمود وباز ازاوّل شروع کرد و در اثنای این بار مرگ او را درآغوش گرفت، دولت و امراء برای او خاضع بودند، پیش کسی نمیرفت، مردی پردل ودارای حشمة بود ومؤلّفات وی عبارتست از تفسیر بزرگ برقرآن که تا اواسط سورهٔ نساء رسیده (۳) و تفسیر دیگری که آن را «التعلیق الوجیز علی الکتاب العزیز» نامیده واین نیز بآخر نرسیده است وشرح تسهیل بنام «المساعد» (سیوطی گوید براین شرح حاشیه ای بنام «السیف الصقیل» نگاشته ام)، مختصر الشرح الکبیر والجامع النفیس وشرح الفیه ابن مالك (همین کتاب).

این شرح را چنانکه سیوطی و دیگران نوشته اند برای فرزندان قاضی القضاة جلال الدّین قزوینی نوشته ولی خود مقدّمه‌ای برآن ننوشته که در آنجا تذکر دهد واین شرح از شروح معروفه الفیه میباشد.

---

(۱) منسوب به بالس میباشد که یاقوت در معجم البلدان (ج ۱ ص ۴۷۷) میان حلب ورقه واقع شده است.

(۲) ماخذ نگارش این شرح روضات ص ۴۵۸، شذرات الذهب ج ۶ ص ۲۱۴، بغیه نسخه خطی مدرسه ص ۳۶۲، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۴۰ ومعجم المطبوعات ص ۱۸۷ میباشد.

(۳) کشف الظنون در ص ۳۰۴ ج ۱ تذکر داده که تا آخر آل عمران است ونامی از تفسیر دیگر ابن عقیل نبرده است.

براین شرح ، سجاعی متوفی بسال ۱۱۹۷ شرحی بنام « فتح الجلیل علی شرح ابن عقیل » نگاشته وچاپ شده است و برشواهد مذکوره درشرح ابن عقیل دو شرح نوشته شده : ۱ - عبدالمنعم جرجاوی متوفی درحدود سال ۱۱۹۵ و ۲ - بنام « فتح الجلیل شرح علی شواهد ابن عقیل » تألیف محمد قطه العدوی متوفی بسال ۱۲۸۱ (۱) واین هردو شرح بایکدگر چاپ گردیده است .

جرجی زیدان گوید : مشهورترین شروح الفیّه شرح ابن عقیل میباشد که مکرّر چاپ شده وبه آلمانی ترجمه گردیده و این ترجمه بسال ۱۸۵۳ م. دربرلن چاپ شده است .

آغاز : بسمله (۲) **ش** الکلام المصطلح علیه عندالنحویین عبارة عن اللفظ المفید فایدة الخ .

(۹٤۲)

شرح الفیه (ابن عقیل)

این نسخه مشتمل برتمام این شرح میباشد ، سه ورق اوّل آن نونویس میباشد ، اوراقی از ابتداء آن نیز بخط نستعلیق و قسمت عمده اخیر آن بخط نسخ است ، نویسنده نسخه نام خود وسال نگارش را نبرده احتمال دارد که ازخطوط قرن یازدهم هجری باشد ، اوراق آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲٤٤) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۱۸ـ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲ـ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۵) .

(۹٤۳)

شرح الفیه (ابن عقیل)

این نسخه بخط نسخ علی نقی بن بهرام بسال ۱۱۰۸ نوشته شده ، یک درمرتبه آحادهزار را محو کرده‌اند ، قسمتی از ابتداء آن افتاده وچند برگ کاغذ نوشته درجلو آنست ، نخستین

(۱) نام این دو شارح و تاریخ وفات ایشان در ص ۱۰۰۷ و ۱۶۸۹ معجم المطبوعات مذکوراست .

(۲) ابن عقیل پس از بسمله نه بیت از الفیه را نقل پس از آن درزیرعنوان «ش» که مختصر شرح میباشد بشرح مطالب پرداخته است .

سطر موجود آن اینست : وهوالمنصرف کزید وعمروالی متمکن. چند ورق اوّل وچندین برگ از آخر نسخه وصالی شده است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۷۸) . صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۱۸ـ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱٤).

(۹٤٤)

شرح الفیه (ابن عقیل)

این نسخه قسمت اوّل آن بخط نستعلیق و بقیه آن بخط نسخ نگارش یافته ، قسمتی از آخر را ندارد (در حدود ۱۲۰ بیت) عبارت آخرین سطر آن اینست : نقلت حرکة الواو الی القاف ثم قلّبت الواو الفالمجانسة الفتحه .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱۲ـ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱٦) .

[٤۰۲] **شرح الفیه = شرح ابن ناظم** (بفارسی)

این شرح تألیف ابن ناظم میباشد (بدرالدّین محمدبن محمدبن مالك مشهور به ابن ناظم متوفی بسال ٦۸٦) (۱) که این پسر چون پدر از مشاهیر علماء نحو و امام در ادبیّت (معانی، بیان ، بدیع ، عروض ، صرف ، لغت ومنطق) میباشد ، چندی ازپدر استفاده علمی نمود ودراو آخراورا ترك گفت ودربعلبك رحل اقامت انداخت ودر آنجا بافاضه اشتغال داشت ، چون پدرش زندگی را بدرود گفت او رابجای پدر به دمشق خواستند ، و برمسند افاضه و تدریس برقرار گردید تاششم محرم سال نام برده بدرد قولنج در گذشت .

سیوطی گوید : بازی ومعاشرت کسانیکه شایستگی نداشتند بروی غلبه داشت وتوانائی برنظم یك بیت نبود. مؤلّفات وی عبارتست از : **شرح کافیه** ، شرح لامیه پدرش درصرف ، **تکمله** در شرح تسهیل که ناتمام مانده ، **المصباح** مختصر

(۱) روضات ص ۲۰۲ ج ٤ ، شذرات الذهب ص ۳۹۸ ج ٥ ، بغیة الوعاة ص ۱۳۱ نسخه خطی مدرسه و کشف الظنون در نگارش این شرح حال مراجعه شده .

مفتاح درعلم معانی است (۱) ، **روض الاذهان فی البیان** (۲) شرح ملحة الاعراب ، **مقدمة فی العروض** ، مقدّمة فی المنطق ، شرح شافیه ابن حاجب (۳) و شرح الفیه پدرش (همین کتاب) وغیرازاینهاست .

شرح الفیه ابن ناظم که بنابر اختصار از آن به **ابن ناظم** یا **ابن المصنف** نیز تعبیر میگردد چنانکه در ص ۱۹ ج ۳ فهرست رضویه تذکر داده بسال ۶۷۶ تألیف گردیده ودر چند جای ازمباحث کتاب بخطای مؤلّف وناظم الفیه اشاره نموده وبنظر نگارنده گذشته ازشرح خود ابن مالك این شرح نخستین شرح الفیه میباشد وبسال ۱۲۷۶ درایران وچاپ گردیده است .

آغاز : بسمله قال الشیخ الامام العالم الصدر الکامل حجة العرب لسان الادب افصح الفصحاء قدوة البلغاء بدرالدّین ابوعبدالله محمّدبن شیخنا جمال الدّین ابی عبدالله محمدبن محمدبن عبدالله بن مالك الطائی **بعد** حمدالله سبحانه بما هواهله وناله من المحامد الخ .

(۹۴۵)

شرح الفیه (ابن ناظم)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب علی اکبر نام برای خود نوشته ، صفحات اولیّه نسخه حاشیه هائی علی اکبر نگاشته و زیریکی از آنها سال ۱۲۴۷ معین شده و پشت صفحهٔ اوّل تاریخ تولّد پسری بسال ۱۲۴۵ یادداشت گردیده ، از آخر کتاب قسمتی نگارش نیافته و آخرین سطر موجود آن اینست : (یقول بناء اسم الفاعل من الفعل الثلاثی علی وزن فاعل فمثل ذلك ما کان علی فعل اوفعل اوفعلا) . و پشت صفحهٔ اوّل بنام « کتاب

(۱) صاحب روضات نوشته اند که این مختصر را (المصباح) محمدبن یعقوب بن الیاس دمشقی معروف به **ابن النحوی** شارح الفیه ابن معط شرح کرده است .

(۲) در بغیه پس ازروض الاذهان **کامه فیه** نوشته شده وصاحب روضات عینا آن را نقل نموده و در بغیه پیش از این کتاب ، المصباح درمعانی ذکر شده بنابراین فیه راجع بمعانی خواهد بود ولی در کشف الظنون بااضافه البیان بان ذکرشده ازاینروما آن را توضیح دادیم .

(۳) در بغیه این شرح بنام « شرح حاجبیه » نام برده شده وشرح کافیه هم جداگانه ذکر گردیده و در شذرات بنام « شرح غریب تصریف ابن الحاجب » نامیده شده و روضات عین عبارت سیوطی را نقل نموده در کشف الظنون هم نام این شرح ذکرنشده است .

«ابن مصنّف» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه و بهمین نام که مرادف باابن ناظم میباشد براین کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) .صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۴ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰۰).

[۴۰۳] شرح الفیه = سیوطی = البهجة المرضیه (عربی)

این شرح الفیه ابن مالك (درنحو) یکی ازمؤلّفات سیوطی است (جلال الدّین عبدالرّحمن بن کمال بن ابی بکر الخضیری (۱) القاهری الشّافعی السیوطی (۲) ۸۴۹-۹۱۱) (۳) که از مشاهیر علما و دانشمندان قرن نهم هجری بوده ودراوائل قرن دهم وفات یافته است ،

سیوطی دربسیاری از علوم وفضائل متبحّر بوده مخصوصاً در تفسیر و حدیث وفقه ونحو ومعانی وبیان وبدیع ولغة که همه بر آن شهادت داده اند ودر این فنون و سائر علوم مؤلّفات دارد ، جرجی زیدان بنقل از « حسن المحاضره » مؤلّف مؤلّفات او را از کتاب ورساله بیشتر از سیصد (۳۰۰) دانسته و تقسیم زیرین در تاریخ آداب اللّغه میباشد : ۲۳ مؤلّفه درتفسیر ومتعلّقات آنست و۹۵ در حدیث و ۲۱ درلغة و ۴۳ در اجزاء مفرده و ۳۵ در علوم عربیّه و ۲۱ در اصول وبیان تصوف و ۵۰ در تاریخ وآداب و غیر از این دو میباشد و خوشبختانه بیشتر از مؤلّفات وی باقی است و صاحب معجم المطبوعات ۹۲ مؤلّفه چاپ شده او را نام برده و ازکلمان هوار شمارهٔ مؤلّفات سیوطی را ۴۱۵ وازفلوگل ۵۶۰ و از جمبل بك درکتاب وی که بنام « عقدالجوهر » میباشد مؤلّفات سیوطی را ۵۷۶ کتاب ورساله

(۱) جرجی زیدان گوید که سیوطی جداعلی خود را اعجمی معرفی کرده شاید بهمین جهت او را خضیری گویند که منسوب به « الخضیریه » باشد که محله‌ای ازبغداد است .

(۲) سیوطی منسوب به اسیوط یاسیوط استکه یکی ازنواحی کشور مصر میباشد وبررودنیل واقع شده و دانشمندانی بانجا منسوب اند صاحب معجم المطبوعات جهارنفررا بدین نسبت نام برده است .

(۳) این شرح بامراجعه به معجم المطبوعات ص ۱۰۷۳ تا ۱۰۸۵ وج ۲ تاریخ آداب اللغه ص ۲۲۸-۲۳۴ و روضات ص ۴۳۲-۴۳۷ نگاشته شده .

دانسته و تذکرداده استکه‌سیوطی در« حسن‌المحاضره » شمارهٔ مؤلّفات خودرا ۳۰۰ معیّن نموده است .

جرجی زیدان نام ۵۰ مؤلّفه سیوطی راکه مهم بوده اند از چاپ شده و نشده ذکرنموده وما حیرانیم که ازمؤلّفات وی کدام یك را بردیگری‌ترجیح دهیم بدین سبب نامی ازمؤلّفات وی نمیبریم ودر این فصل واین مجلّد از این فهرست چندین مؤلّفه از ایشان معرفی خواهد شد .

این شرح الفیه رامؤلّف خود « البهجة المرضیة فی‌شرح الالفیه» نامیده ومیان طلاب‌ودانشجویان بمناسبت‌اشتهارمؤلّف‌وشارح،به‌نام« **سیوطی** »مشهور گردیده وازشروح مزجی بسیارمفید میباشدوازبد وتألیف‌تاکنون‌تدریس وتعلیم آن معمول وبرآن حواشی متعدد نوشته شده وباحواشی و بدون آن مکرّر در ایران ومصر وهندوستان چاپ شده است .

آغاز : بسمله احمدك اللّهم علی‌نعمك و آلائك واصلی واسلم علی محمّد خاتم انبیائك وعلی آله وصحبه والتابعین الی یوم لقائك اما بعد الخ .

(۹۴۶)

شرح الفیه (سیوطی) این نسخه بخط نسخ حیدر علی بسال ۱۲۰۱ نوشته شده ، درحاشیه بیشتر از صفحات حاشیه هائی از میرزا ابوطالب وکتاب تصریح وجامع‌الشواهد و ابن عقیل و چلبی و بدون امضاء موجود است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۷) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ = ۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۷)

شرح الفیه (سیوطی) این نسخه اوائل آنرا بخط نسخ و اواخر آنرا بخط نستعلیق محمّدبن محمّد شریف بسال ۱۲۰۷ نوشته ، درحاشیه بعضی‌از صفحات حاشیه هائی ازجامع الشواهد نیز نگاشته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذفرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۶ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۸)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بر صفحه اوّل نسخه دومهر یکی بادامی باین سجع «عبده محمّد سنجر الحسینی » . ودیگری مربع باین سجع : « عبده سنجرالحسینی ۱۱۰۶ » زده شده ، چندین حاشیه هم برصفحات اولیّه میباشد احتمال داردکه نویسندهٔ آن صاحب دومهر مذکور باشد ومتن (الفیه) باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۴) .

(۹۴۹)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ محمّدبن میر ذوالفقار کرمی بسال ۱۲۳۸ نوشته شده ، قسمتی ازاشعارالفیه برصفحات اولیّه نیزنگارش یافته وکاغذ نسخه ساخت سال ۱۸۱۵ م میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی آبی رنگ. واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۶). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۱۲ سانتیمتر) .عرض (۱۶ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۴) .

(۹۵۰)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نستعلیق علی بن حسین کزازی بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ، در حاشیه صفحات اولیّه مطالبی از ابن عقیل وابن ناظم وخالد ازهری وجامی وبدون امضاء نگاشته شده واوراق اولیّه نسخه وصّالی گردیده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۵) .

(۹۵۱)

شرح الفیه (سیوطی) اصل این نسخه ظاهراً در قرن یازدهم نگارش یافته ، چند ورق از اوّل و آخر ان افتاده بسال ۱۲۲٤ آنرا نوشته اند و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح تسهیل وابن ناظم وابن عقیل وابوطالب وانموزج وکشاف و رضی و تصریح‌واشباه ونظائر و غیر ازاینها در توضیح مطالب کتاب نگاشته شده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳٦) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱٦ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۳) .

(۹۵۲)

شرح الفیه (سیوطی) این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده کتاب را بآخر نرسانده ودرشرح کلمه **وآله‌الغر** تاجمله و« یجوزان یکون » دست نگاه داشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۹٦) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۲) .

(۹۵۳)

شرح الفیه (سیوطی) این‌نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ابتداء آن افتاده واوّل موجود اینست : (بما ذکر وقیّد فی‌التسهیل‌الحم وهو قریب‌الزوج) و نیز از آخر آن یك ورق افتاده و آخر موجود اینست : (اذا ماالليل جنّ متحریاً اوجز العباره) . و شش ورق کاغذ فرنگی سفید در اوّل نسخه گذارده شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۰٦) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۱) .

(۹۵٤)

شرح الفیه (سیوطی) این‌نسخه‌بخط نسخ‌نوشته‌شده، درحدود خمس کتاب‌راازآخر ندارد،باین معنی که‌دراواخر مبحث‌جمع تکثیرنگارش ان‌خاتمه می‌یابد وآخرین‌سطرموجود آن اینست : (مع ماضاهاهما ککوز

وکیزان وتاج و تیجان وقل فی غیرهما کغزال وغزلان وفعلان بفتحة فسکون)، نسخه آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نشده پشت صفحه اوّل و در حاشیه بیشتر ازصفحات مطالب سودمندی از شرح لباب وحاشیه هائی بامضاء سیّد محمد و ازابن ناظم وجامی وغیره نگارش یافته است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق(٦٤). صفحه‌ای (۱۹) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۰).

(۹۵۵)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننوشته، چند ورق از اوّل کتاب افتاده ونخستین سطر نسخه که درشرح این بیت (بالجرّ والتنوین والنّداوال ومسند للاسم تمییز حصل) میباشد اینست: الرّحمن الرّحیم و زید وصه بمعنی طلب سکوت ما ومسلماتٍ وحینئذٍ وکلٍ وجوارٍ.

جلد میشن. کاغذ فرنگی. واقف نامعلوم. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۱٤). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ (۲۷۲) قفسه مدرسه صدر.

[٤٠٤] شرح الفیه توسرکانی (فارسی)

این شرح چنانکه در مقدّمه آن تصریح گردیده تألیف محمّد علی‌بن مولانا بابای توسرکانی(۱) میباشد، از کیفیّت‌دخول وخروج معلوم میشود که‌شیعی مذهب بوده، درکتب سیر که در دست بود نام ایشان را نیافتم، ازطرز و روش انشاء بایستی مؤلّف ازدانشمندان‌قرن یازدهم هجری باشد، مطالعه وخواندن این شرح مبتدیان را سودمند است.

این شرح در حدود (۸۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله الحمد لله ربّ العالمین والعاقبة للمتقین وصلی الله علی سیدنا الاوّلین والاخرین محمّد واهل‌بیته الطیبین الطّاهرین **اما بعد** برضمائر اصحاب سخن وابصار

(۱) در نسخه کلمه باین قسم (سرکانی) نوشته شده وظاهراً **توسرکانی** بوده ونویسنده نسخه، کلمه «تو» را ازعبارت انداخته است. و گویند که«تو»و«سرکان»نام دومحل‌میباشد

ثاقبهٔ (۱) ارباب حکم پوشیده نیست که اساس علوم دینیّه علم صرف و نحو است الخ .

(۹۵٦)

شرح الفیه توسرکانی

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۱۲۲ محمد زمان بن حاجی عبد اللطیف تبریزی نوشته ، برگ هائی از اوّل و آخر نسخه وصّالی گردیده ، پشت ورق اوّل و آخر وورقیکه پیش و پس نسخه میباشد حواشی و یادداشتهائی بنظم و نثر موجود است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۸۰). صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۸) .

[٤۰۵] **شرح الفیه = ترجمه الفیه** (فارسی)

نسخه ایکه زیر این سطور خصوصیّات آن را خواهم نگاشت شرحی فارسی ویا ترجمه ابیات الفیه ابن مالك میباشد ، شارح یامترجم نامی از خود در آغاز وانجام کتاب نبرده وپس ازبسمله نخستین شعر الفیه را نقل وبترجمه آن پرداخته و در آخر هم چون از ترجمه آخرین بیت الفیه فراغت یافته قلم را از دست انداخته است .

از مندرجات نسخه نتوانستم قرینه ای برمؤلّف و زمان وعامّی وخاصّی بودن او بدست آورم ، در کشف الظنون که شروح الفیه را نامبرده شرحی فارسی تذکّر نداده ولی در کشف الحجب والاستار دو شرح فارسی از علماء امامیّه بر الفیه ابن مالك نام برده شده :

۱ - شرح عبدالله بن شاه منصور قزوینی طوسی که معاصر شیخ حرّ عاملی بوده (نسخه ای از این شرح در کتابخانه حضرت رضا ع موجود و در ص ٤۹ ج ۲ امل الامل مؤلّفه بسال ۱۰۹۷ ؛ نام این دانشمند برده شده واز معاصرین بودوشرحی فارسی بر الفیه و رساله ای در اثبات خلافت حضرت علی بن ابیطالب ع بنام « غدیریه » تألیف کرده است) .

(۲) درنسخه ثابقه نوشته شده ولی بایستی ثاقبه باشد .

۲ ـ شرح محمّدبن سلیم گیلانی که بسال ۱۱۸۵ از تألیف آن فراغت یافته است .
و درفهرست کتابخانه حضرت رضا ع (ج ۳ ص ۱۹) شرحی فارسی برالفیه تألیف سلطان محمّد بن علی کاشانی موجود و درآنجاست که آنرا بنام پسرخود محمّد جعفر تألیف نموده است .

این شرح مسلماً شرح قزوینی وشرح کاشانی وشرح توسرکانی که پیش ازاین از آن معرفی شد نیست ، شاید شرح محمّدبن سلیم ویا شرح دیگری باشد .

این شرح بامتن درحدود (۳۸۰۰) بیت کتابت دارد و گذشته ازترجمه ابیات متن توضیح ها ومثالهائی برای بیان مقصود آورده‌است .

آغاز : بسمله قال محمّد هوبن مالك احمد رب‌الله خیر مالك گفته پسرمالك‌است حمد میگویم پروردگارخودرا که‌این‌صفت دارد که بهتربن مالکان است الخ .

انجام: وبرصحابه او که این صفت دارند که برگزیده شده اند یااین صفت دارند که اختیار کرده شده اند واین صفت دارند که مختاراند تم .

(۹۵۷)

شرح یاترجمه الفیه

این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده‌نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، از اینکه بسیاری از مطالب درحاشیه نگاشته شده و درمتن هم اصلاحاتی شده احتمال میدهم که خط شارح باشد ، چند ورق از اوّل وآخر وصّالی گردیده ، از مبحث منع صرف ونواصب هریك در حدود دو ورق افتاده و پشت ورق اوّل دعاهائی نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۱۸) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۱۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۸سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۰) .

[۴۰۶] شرح انموزج ـ شرح اردبیلی (عربی)

مؤلّف این شرح جمال‌الدّین محمّدبن عبدالغنی اردبیلی است انموزج کتابی مختصر در علم نحو و تألیف جارالله‌زمخشری متوفی بسال ۵۳۸ میباشد ، صاحب معجم المطبوعات در ص ۴۲۳ گوید بسال ۶۴۷ این اردبیلی وفات یافته و این

شرح وی درضمن مجموعه ای درایران چاپ شده ومرادش از مجموعه آنستکه بنام « جامع المقدمات » مشهور و مکرّر چاپ گردیده ، در مآخذ دیگر نامی از این شارح و زمان وی بدست نیاوردم و معجم مذکور مأخذ خود را درنقل تاریخ وفات وی معین ننموده است ، حاجی خلیفه در کشف الظنون زیر عنوان انموزج فی النحو این شرح و مؤلّف آنرا بدینگونه معرفی میکند : وشرحه الفاضل الشهیر بزین العرب وجمال الدّین محمّدبن عبدالغنی الاردبیلی المتوفی سنه (سال وفات را ذکر نکرده است) اوله الحمد لله الذی جعل العربیه مصباحاً (درنسخه خطی ذیل و نسخ چاپی مفتاحاً میباشد و این صحیح است) للبیان الخ و چنانکه درمقدّمه مذکوراست که این شرح برای علاءالدّین احمد ابن اقضی القضاة عمادالملة والدین مفضل کاشانی تألیف شده وشرحی قولی است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل العربیة مفتاح البیان و صیّرها آلة یحترز بها عن الخطاء فی اللسان الخ .

(۹۵۸)

شرح انموزج (اردبیلی)

این نسخه را بسال ۱۰۸۳ مراد علی فومنی بخط نسخ نوشته ، درحاشیه بیشتر ازصفحات ترجمه عبارات شرح بفارسی نگاشته شده واعراب بعضی ازجمل وعبارات شرح نیز نگارش یافته ، پشت ورق اوّل و آخر مطالبی علمی بعربی و فارسی تحریر یافته و چند ورق از اوّل وآخر وصّالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی و چند برگ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۰٤) . صفحه‌ای (۱۰) سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۷) .

[٤٠٧] شرح تصریف (عربی)

این شرح نخستین مؤلّفهٔ تفتازانی است (سعدالدّین مسعودبن عمر التفتازانی الشافعی $\frac{\frac{۷۹۱}{۷۹۲}۷۱۲}{۷۹۳}۷۲۲$) که مختصری ازشرح حال ومؤلّفات ایشان را درذیل کتاب «التلویح» در فصل اصول فقه در ص ۵۵۹ ج ۱ فهرست این کتابخانه تذکر داده ایم

و تصریف که از آن به **العزی فی التصریف** نیز تعبیر میشود و در ص ۳۱۲-۳۱۳ همین مجلّد از آن معرفی گردید ، مختصری است در علم صرف تألیف عزالدّین زنجانی و تفتازانی بر آن این شرح را نگاشته و صاحب کشف الظنون در ص ۱۱۵ ج ۲ تاریخ تألیف این شرح را بسال ۷۳۸ معین نموده و نام حاشیه هائیکه بر این شرح و بر آن حواشی نوشته شده نیز در این صفحه از کتب موجود و این شرح نیز در ضمن مجموعه ایکه بنام « جامع المقدمات » نامیده میشود مکرّر چاپ شده است .

آغاز : بسمله ان اروی زهر تخرج فی ریاض الکلام من الاکمام الخ .

(۹۵۹)

شرح تصریف این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۳۰ نوشته شده ، حواشی صفحات بسیار چرکین شده ، بر بعضی از صفحات حاشیه هائی موجود و بعضی را هم محو کرده اند ، باب حادی عشر (متن شرح معروف به « النافع یوم الحشر » درفن کلام از آن نام برده خواهد شد ضمیمه به اوّل این نسخه است و شش ورقیکه درمیان این نسخه رنگ آنها با رنگ کاغذ سائر اوراق نسخه مختلف است از این نسخه نیست .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۹) . این شرح (۹۹) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۰) .

(۹٦۰)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پنج ورق از اوّل و سه ورق از آخر آن نونویس و اصل نسخه از خطوط قرن یازدهم هجری است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱٤۲) . صفحه‌ای (۱۷ و ۱۰) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۱) .

(۹٦۱)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ محمّد صادق نام نگارش یافته ، سال نگارش نام برده نشده ، حاشیه سعدالله چلبی بر تمام اوراق

وجود دارد وظاهراً ازخطوط قرن دوازدهم هجری میباشد و بورقیکه پیش از این شرح است وپشت ورق آخر، مطالب متفرقه ای نوشته اند .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق(۱۰۸) . صفحه‌ای (۱۱) سطر. طول (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۲).

(۹٦۲)

شرح تصریف این‌نسخه بخط نسخ وچند ورق آخر آن بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را نبرده ولی واضح است که در قرن سیزدهم هجری نگاشته شده و کتاب « الفوائدالصمدیه » که در همین فصل معرفی خواهد گردید پیش از این شرح گذارده شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه(۱۲۸) . این نسخه (۱۰٦) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . (عرض۱۷ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤٦) .

[٤۰۸] **شرح جمع الجوامع = همع الهوامع** (عربی)

این شرح ومتن آن (جمع الجوامع) هردو تألیف جلال‌الدّین سیوطی میباشد که در ص ۳۳۷ و۳۳۸ همین مجلّد شرح حال ایشان نگاشته شد .

جمع الجوامع مختصری است درنحو وصرف وتألیف آن بطرزی مخصوص شده‌وآن اینست : **مقدمات** در مباحث کلّیه چون معنی کلمه و کلام ، اعراب وبنا منصرف وغیرمنصرف ، انواع اعراب، تثنیه وجمع ، ضمائر ، موصولات، حرف تعریف وغیرازاینها (این قسمت درحدود ربع کتابست .) **کتاب اول** در عمد وآن مرفوعات وآنچه مشابه آنهاست ازمنصوبات نواسخ میباشد . **کتاب دوم** در منصوبات‌است‌واز آن‌به **فضلات** تعبیرمینماید. **کتاب سوم** درمجرورات‌وآنچه‌برآن حمل میگردد ازمجرومات وتوابع آنست . **کتاب چهارم** درعوامل انواع مذکوره است وآن فعل وملحقات بآنست ودر این کتاب مبحث اشتغال ونازع ذکرشده است . **کتاب پنجم** در توابع انواع نامبرده بالا و عوارض ترکیب از تغییر اعراب‌است‌مانداخباربحکایت وتسمیه وضرورت‌شعروابن کتابهای پنجگانه‌درنحو است . **کتاب ششم** درابنیه است. **کتاب هفتم** درتغییر کلمات مفرده چون زیادتی

یك یاچند حرف وحذف وابدال و نقل وادغام . **خاتمه** درخط و طرز نگارش همزه و غیره است .

شارح درمقدّمه‌شرح گوید: «که‌جمع الجوامع‌را بدین طرزبدیع تألیف نموده ام ومطالب آن را ازیکصد کتاب گردآورده ام وبهمین مناسبت آن را « جمع الجوامع » نامیده ام و بر آن بودم که براین کتاب شرحی مبسوط و مفصل که حاوی اقوال وادلّه موافقین و مخالفین و شرح شواهد و توضیح کامل بوده باشد نگارش دهم ولی روزگاررا برای‌این‌مقصود تنگ دیدم و دانشجویان هماره خواستار شرح این مؤلّفه میشدند لذا این شرح راکه‌راهنمای بمقاصد کتابست وایشان رابرمسائل ومطالب غریبه‌ومشکله آگاه مینماید تألیف نموده و آنرا « همع الهوامع فی‌شرح جمع‌الجوامع »نامیدم» .

براین شرح‌احمد بن‌امین شنقیطی‌متوفی‌بسال۱۳۳۱بنام«الدرر اللوامع‌علی‌همع‌الهوامع»شرحی‌نگاشته‌وبسال۱۳۲۸دوبارچاپ گردیده‌است (ص۱۱٤۸مطبوعات)

این شرح درحدود (۳۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۲۷ در مصر در دومجلّد چاپ شده وطرزآن اینگونه‌است که بدواً قسمتی از عبارت جمع الجوامع نقل گردیده پس ازآن شروع بشرح و بسط مطالب آن نموده تاباآخر این‌قسمت میرسد وباز قسمتی دیگر متن را نقل نموده و بشرح آن پرداخته تا باآخر کتاب میرسد .

جمع الجوامع بگفتهٔ مؤلّف معجم المطبوعات نیز بسال ۱۳۲۷ در دو مجلّد چاپ شده و آغاز آن اینست : بسمله احمدك اللّهم ماسبغت من النعم الخ .

آغاز : (شرح جمع الجوامع): بسمله بقول عبدالرّحمن بن ابی بکرالسیوطی الشّافعی لطف‌الله به تعالی‌سبحانك لااحصی ثناً علیك انت کما اثنیت علی نفسك واصلی واسلم علی محمّدافضل من خصیصته بروح قدسك و بعد فانّ لنا تألیفاً فی‌العربیّه جمع دناها واقصاها الخ .

(۹٦۳)

شرح جمع الجوامع (همع الهوامع)

این نسخه را بخط نسخ خوب جلال الدّین ابن شریف حسن عباسی نجفی شهیر به **آل ظفر** بسال ۱۰۷۸ نگاشته ، متن کتاب با شنجرف نوشته شده ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف میباشد و در ابتداء نسخه سرلوح زیبائی است ، ورق آخر و اوراقی از اوّل نسخه و صالی گردیده و چند یادداشت از آنهائیکه پشت ورق نخستین بوده محو گردیده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۸۸) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۲) .

[٤۰۹] شرح شافیه = شرح جاربردی (عربی)

این کتاب شرح شافیهٔ ابن حاجب در علم صرف میباشد که در ص ۳۳۰-۳۳۲ معرفی از آن گذشت ، این شرح یکی از معروفترین شرح های آن کتاب و شارحش **جاربردی** (۱) است (فخر الدّین احمد بن حسن بن یوسف جاربردی متوفی بسال ۷٤٦) (۲) که از معاریف علماء شافعی مذهب و ادباء در قرن هشتم هجری بوده و میانه وی باقاضی عضدایجی (بسال ۷۵٦ مرده و شرح حال و مؤلّفات او را در ص ۵۸٦ ج ۱ فهرست نگاشته ام) مکاتبات در مسائل علمی ردّ و بدل شده (یکی از مکاتبات این دو دانشمند در ص ۱۰۸ تا ۱۱۱ ج ٦ طبقات سبکی موجود است) و بریکدگر ردهائی نوشته اند ، پس از مرگ جاربردی پسرش محقّق فاضل ابراهیم بن احمد نیز کتابی بر ردّ قاضی عضد در حلّ بعضی از مشکلات کشاف نوشته و نام آنرا « السیف الصارم علی عنق عضد الظالم » گذارده است ، جاربردی را مؤلّفاتی دگر چون **شرح منهاج** قاضی بیضاوی در اصول فقه و **شرح الهادی الصغیر** تألیف عبد الغفار بن عبد الکریم قزوینی شافعی متوفی سال ٦٦۵ در فقه (صاحب

(۱) در ص ٤۱٦ ج ۱ و ص ٤٤ ج ۱ کشف الظنون چاربردی با جیم و باء پارسی نوشته شده ولی در جاهای دیگر همه با جیم و باء عربی ثبت کرده اند .

(۲) با مراجعه به روضات ص ۹۱ و شذرات ج ٦ ص ۱٤۸ و بغیه ص ۱۷٦ نسخه خطی و معجم المطبوعات ص ٦۷۰ این شرح نوشته شده .

کشف‌الظنون در ص ٤١٦ ج ١ گوید بآخر نرسیده و آنرا **الهادی** نامیده و آغاز آن را ذکر نموده است) و حواشی و تعلیقات بر کشاف و رسالهٔ در نحو بنام **المغنی** در نحو میباشد [این کتاب را بسال ۸۰۱ بدرالدّین محمّدبن عبدالرّحیم العمری‌البلالی بگفته کشف‌الظنون (ص ٤٧٣ ج ٢) شرح کرده وصاحب روضات شارح را شاگرد مؤلّف و او را میلانی بدون ذکر لقب وی ذکر نموده است].

شرح شافیه جاربردی از کتابهای درسی درعلم صرف میباشد و از بدوتألیف تاکنون همواره مورد مراجعه علما واستفادهٔ دانشجویان بوده وازهمهٔ شروح برتری دارد ، شارح درهنگام شرح به شرح مصنف برشافیه نظر داشته ومشکلات شافیه و شروح پیشین آن را بدون اطناب ممّ‌وایجاز مخلّ حل نموده وتألیف آن بنام سعدالدّین(۱) ابی‌المکارم محمّدبن تاج الدّین علی ساوی وزیر وبرای تقرب بوی گردیده و دارای مطالبی‌است که در کتب دیگر کمتر یافت میشود . و درحدود (۱۲۰۰۰) بیت کتاب دارد ، بسال ۱۲۷۱ در ایران و ۱۳۱۰ در آستانه ضمن مجموعه ای چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله نحمدك یامن بیده الخیر والجود و لیس فی الحقیقة غیره بموجود الخ .

(۹٦٤)

شرح جاربردی

این‌نسخه بخط نسخ بدون نام نویسنده وتاریخ نوشته شده، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲٦۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده‌وتجلیدشده ، متن‌شافیه بالای‌صفحات‌نسخه نوشته شده و درحاشیه بیشتر ازصفحه ها حاشیه هائی بخط نویسنده نسخه وغیراو موجود است .

جلد میشن‌مطلا. کاغذ کاهی . واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۳۰) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول(۱/۲ـ۲۸ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۷) .

---

(۱) در روضات اسعدالدین نوشته شده ولی در نسخه سعدالملة والدین میباشد .

[۴۱۰] شرح شافیه شرح نظام ([illegible])

این شرح نیز از مشاهیر شروح شافیه [illegible] (۳۳۰) [۳۵۹] و شارح آن نظام اعرج نیشابوری است (نظام الدین حسن بن محمد بن حسین المشهور به نظام الاعرج النیشابوری) (۱) که از شاگردان قطب الدین شیرازی (محمود بن مسعود متوفی سال ۷۰۱) بوده و [illegible] که حاشیه بر تحریر [illegible] متفرق بود سال ۷۰۴ [illegible] مشهور به تفسیر نیشابوری [illegible] کتاب توضیح [illegible] (۲) [illegible] صاحب روضات [illegible] و رساله ای در علم حساب [illegible] نیز باین شارح نسبت داده [illegible]

[illegible] هجری بوده و [illegible] (۱۵۰) [illegible]

شرح نظام [illegible] صرف [illegible] (۳۳۰) [illegible] (۵۶۵) [illegible]

(۱) شرح [illegible] ص ۲۵۷ [illegible]

(۲) نسخه ای [illegible] ص ۸۸ ج ۱ فهرست [illegible]

(۳) نسخه ای [illegible] ص ۹۱ ج ۱ فهرست [illegible]

برمیآید تألیف آن درشیراز بنام رکن‌الدّین ابومحمّد یحیی شده که ازعلماء آنشهر درآن‌روزگار بوده‌است ، وشرح‌نظام مکرّر درایران چاپ گردیده ودر حدود (۵۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : احمدك اللّهم علی ان وفقتنی لصرف ریعان الشباب فی اقتناء العلوم والاداب الخ .

(۹۶۵)

شرح شافیه (شرح نظام) این نسخه را بسال ۱۱۱۵ محمّدبن حاجی جمال اردستانی بخط نسخ نوشته ، شامل تمام شرح میباشد ، روی عبارات متن باشنجرف خط کشیده شده واز شرح جدا گردیده، ورق اوّل و دوّم و تّالی شده ونویسنده حمد وصلوة را ازاوّل نسخه انداخته وازجمله وبعد شروع کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار ، قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۵۸) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۹سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۳۲) .

(۹۶۶)

شرح شافیه (شرح نظام) این نسخه را بسال ۱۱۱۲ امامقلی استرابادی نوشته ، ورق اوّل کتاب که شامل قسمتی ازدیباچه بوده افتاده ، ونسخه در آب افتاده وبعضی از کلمات آن محو گردیده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۱۴) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۷) .

(۹۶۷)

شرح شافیه شرح (نظام) این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، دیباچه را ندارد و از ابتداء شرح عبارات شافیه شروع گردیده و دو ورق از آخر آن افتاده و آخرین سطر موجود آن اینست : (ونحوالدین فی التثنیه نصبا وجرا بلامین المفرق بینه وبین الجمع لثقله اولی . ،

شرح قواعدالاعراب یا موصل الطلاب که در ص ۳۳۲ و ۳۳۳ معرفی از آن گردید ضمیمه این شرح میباشد ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی بامضاء

محمد علی موجود، تاریخ نگارش هر دو نسخه [illegible] شرح نظام از خطوط قرن سیزدهم و موصل الطلاب از قرن دوازدهم [illegible].

جلد میشن مطلا، کاغذ فرنگی و سمرقندی، واقف سپهسالار، قطع خشتی، شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۲)، این شرح (۱۰۳)، صفحه ای (۲۲) سطر، طول (۲۰ سانتیمتر)، عرض (۱۵ سانتیمتر)، شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۶).

[۴۱۱] شرح شافیه شرح آقا محمد هادی (فارسی)

آقا محمد هادی [illegible] و بگفته صاحب روضات [illegible] (ص ۳۳۱ [illegible]) [illegible] ۱۱۳۱ [illegible] صحیفه [illegible] خطوطین [illegible] خواست [illegible] مشکلات [illegible] (۱۵۵۰۰) [illegible].

آثار: [illegible] آل الطیبین [illegible] الطهر [illegible].

[illegible]

شرح شافیه (آقا محمد هادی) [illegible] حاجی [illegible] از [illegible] خطوط آن [illegible] از صحیفه [illegible] اخبار [illegible]

جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۸) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۸) .

[٤١٢] شرح شرح جامی (فارسی)

نسخه زیرین که خصوصیّات آن نگاشته خواهد شد ، شرحی فارسی برشرح جامی برکافیه است که آنرا پس از این معرّفی خواهیم نمود ، ورق اوّل نسخه افتاده لذا نام مؤلّف و شارح بدست نیامد از مطالعهٔ نسخه هم شارح شناخته نشد ولی دانستیم که شرح قولی برشرح جامی است و در حدود (٤٠٠٠) بیت کتابت آنست .

(۹٦۹)

شرح شرح جامی

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۵۵ (در آخر نسخه چنین نوشته شده : ۱۵۵) نوشته شده ، ازقرائن چنین بدست میآید که خط شارح میباشد ، ورق اوّل آن افتاده ونخستین سطر نسخه اینست : خاصه خدای تعالی است الحال جواب میگوئیم که شما این راه را قبول دارید که جنس حمد خاصه خدای تعالی است الخ .

اوراق نسخه بواسطهٔ آبدیدگی بعضی از سطور آن محو شده وبرخی وصّالی گردیده است .

جلد تیماج مستعمل . کاغذ کاهی . واقف حاج سید محسن و آقا سید اسدالله . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۱۸) : قفسهٔ مدرسه فیضعلیخان .

[٤١٣] شرح فوائد الصمدیه (عربی)

الحدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه شرح کبیر سید علیخان

چنانکه درص ۲۰٤ – ۲۰۸ زیر شرح حال سید علیخان کبیر گفته شد ایشانرا سه شرح برفوائدالصمدیه شیخ بهاء الدّین عاملی ره میباشد ودرهمین فصل از صمدیّه وشروح آن معرفی خواهد شد ، شرح کبیر سیّد این کتابست که خصوصیّات آن در اینجا نوشته میشود وبسال ۱۰۹۹ تألیف آن بآخر رسیده وپس ازاین شرح صغیر

خود را نگاشته و چون زیاد [illegible] این کتاب نوشته
و نسخهٔ شرح متوسط را نوادهٔ [illegible] مهذب دارند ،
مؤلف نام این شرح (کبیر) را الحدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه گذارده
و شرحی مزجی و چون سائر مؤلفات این مؤلف در [illegible] درجهٔ خوبی میباشد و
سال ۱۲۷٤ در طهران چاپ [illegible] .

آغاز : [illegible] توجهت له
[illegible] .

([illegible])

شرح صمدیه (الحدائق الندیه) [illegible]
[illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible] ([illegible])
[illegible] ([illegible]) [illegible] (۳۱٤٤) .

[٤١٤] شرح فوائد الصمدیه ([illegible])

([illegible])

[illegible] آن
[illegible] را
[illegible] ([illegible]) بیت
[illegible] کتاب علوم
[illegible] .

آغاز : [illegible]
[illegible] .

(۹۷۱)

شرح صغیر صمدیه (الفرائد البهیه) این نسخه بخط نسخ محمّد جعفر بسال ۱۲٤٤ نوشته شده ، شامل تمام کتابست ، در حاشیهٔ اوراق اولیّه نسخه حاشیه ها و تعلیقاتی در مطالب نحوی از شارح و دانشمندان متقدّم ومتأخر بروی و مؤلّفات ایشان موجود است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول(۲۳ سانتیمتر) . عرض(۱۵سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۱٤۵) .

(۹۷۲)

شرح صغیر صمدیه (الفرائد البهیه) این نسخه را محمّد هادی بن معصوم بروجردی بسال ۱۲۵۹ بخط نسخ نوشته ، رسالهٔ مختصر بعربی در علم معانی و بیان وبدیع که اوراقی از اوّل و آخر آن افتاده ضمیمهٔ آنست .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۷٦) . این نسخه (۱٦۱) . صفحه ای (۱٦ و ۲۰) سطر.طول (۱۸سانتیمتر) . عرض (۱۱سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤۹) .

(۹۷۳)

شرح صغیر صمدیه (الفرائد البهیه) این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نگارش آن خاتمه نیافته و شامل از ابتداء کتاب تاقسمتی ازمبحث مبنیّات میباشدو آخرین سطر نسخه اینست : (فیکتب بالیاء وهوللعاقل غالباً ومن غیره قوله والعیش فی اولائك الأیام وقدیق) . متن این شرح (الفوائد الصمدیه) ضمیمهٔ این نسخه است و دراین فصل آن را ذکرخواهم نمود .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۲) . این شرح (٦۱) . صفحه‌ای (۱٦ و ۱۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤۷) .

٤۱۵ | شرح فوائد الصمدیه شرح صمدیه عبدالعظیم (عربی)

این شرح نیز برفوائدالصمدیه و در نحو میباشد ، مؤلّف خود را در دیباچه «محمّدبن عبدالغنی المشتهر بعبدالعظیم الحسنی» معرّفی نموده ، درمآخذیکه دردست

نگارنده است نامی از مؤلف و مؤلفه یافت نشد، از مطالب مندرجه در کتاب هم عصر و زمان وی بدست نیامد، بقرینه اینکه پس از نام مصنف متن متوفی بسال ۱۰۳۰ رحمه الله واسکنه الله فی اعلا علیین گذارده و نسخه هم بسال ۱۱۰۲ یا ۱۱۵۲ نوشته شده تألیف آن مسلماً میان دو تاریخ مذکور خواهد بود، شارح نامی مخصوص برای این شرح نگذارده و از دانشمندان اثنا عشری مذهب بوده است.

این شرح مرجی و در حدود (۳۵۰۰) بیت [illegible] از موارد باقوال علماء ادب چون [illegible] مستشهد شده است.

آغاز: [illegible]

(۱۶۴)

شرح فوائد الصمدیه

شرح (عبدالعظیم)

[illegible] علی بن [illegible] حواشی [illegible] منه رحمه الله [illegible] گذشته [illegible]

[illegible]

[illegible] (۳۱۱۱).

[illegible] شرح قطر [illegible]

[illegible] قطر الندی وبل الصدی [illegible] شرح قطر [illegible] مؤلفات ابن هشام نحوی [illegible] و کاکو یار [illegible]

شرح قطر و باء «مجیب الندی الی شرح قطر الندی» (۱) در مصر چاپ شده و این شرح قطر ابن هشام در حدود (۳۶۰۰) بیت کتابت آنست.

حاجی خلیفه در ص ۲۳۸ ج ۲ کشف الظنون قطر الندی را نام برده و چند شرحیکه بر آن نوشته شده ذکر نموده است.

آغاز: بسمله قال الشیخ الامام.... جمال الدّین ابو محمّد عبدالله بن هشام الانصاری فسح الله فی قبره **الحمدلله** رافع الدرجات لمن انخفض بجلاله و فاتح البرکات لمن انتصب لشکر افضاله الخ.

(۹۷۵)

شرح قطر این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده، طرز نگارش صفحات آن یك نواخت نیست و نویسنده نام خود را نبرده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۱۵) مختلف السطور. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۴).

[۴۱۷] شرح کافیه ـ شرح جامی ـ (عربی)

(الفوائد الضیائیه)

این شرح یکی از مؤلّفات **جامی** است (نورالدّین عبدالرّحمن بن احمد ۸۱۷-۸۹۸) (۲) که از مشاهیر شعرای قرن نهم هجری بوده و برخی را عقیده ایستکه از آن قرن تاکنون بپایه‌وی شاعری یافت نشده و در عرفان و ادب دست داشته و مؤلّفات وی بهترین شاهد و گواه براین مدعی است، جدّ وی شمس الدّین محمد

(۱) «مجیب الندی الی شرح قطر الندی» تالیف جمال الدین یا عفیف الدین عبدالله بن احمد بن علی الفاکهی المکی الشافعی النحوی (۸۹۹-۹۷۲) میباشد و بسال ۱۲۶۴ در بولاق مصر چاپ شده است (ص ۱۴۳۱ معجم المطبوعات).

(۲) برای اطلاع بر شرح حال جامی به ص ۴۳۸ روضات، ص ۸۶ الفوائد البهیه، ص ۲۹۳-۲۹۶ شقائق نعمانیه، ص ۳۶۰ ج ۷ شذرات الذهب، شرح حال جامی تالیف آقای تربیت ضمیمه تقویم ۱۳۰۸ تربیت، ص ۵۶۹ هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه، تکمله نفحات الانس نسخه خطی مجلس شورای ملی و معجم المطبوعات ص ۶۷۱-۶۷۲ مراجعه شود.

دشتی(۱) اصفهانی استکه بتربیت شیخ [illegible] و [illegible] الرحمن در
خرجرد از توابع جام [illegible] از تصوف
از نقشبندیه است ، صاحب روضات از مقالات [illegible] در ذکر
آنهائیکه از عامه امامی مذهب شده [illegible] (در محقق
ثانی است) نقل نموده که در [illegible] (حفظ [illegible]) [illegible] همسفر بودیم
در یکی از منازل درویش [illegible] مولی الموالی
خواند [illegible] تقاضای [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ولی
[illegible]
[illegible] الخ .
ولی [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] اورنگ [illegible]
[illegible]
نقد النصوص [illegible] اشعة اللمعات [illegible] شرح تائیه
ابن فارض ([illegible] رساله [illegible]
لوائح [illegible] بهارستان [illegible]

(۱) شمس الدین محمد دشتی [illegible] در دشت
[illegible] آقای
دشتی [illegible]
(۲) شرح [illegible]
[illegible] ۱۸۳۳ و
۱۸۳۳) .

مناقب مولانای روم، **مناقب**، خواجه عبدالله انصاری، **الدرة الفاخره**، تحقیق مذهب الصوفیه (۱) **رساله دروجود**، مناسك حج، رساله در کلمه لااله‌الاالله، رساله در عروض، رساله در موسیقی، سه رساله در معما، تفسیر آیه فارهبون، تفسیر قرآن کریم (این تفسیر بطریقه عرفانی وبیش ازیك حزب آن پاك نویس نشده است)، دیوان قصائدوشواهدالنبوه بفارسی، شرح کافیه‌ابن‌حاجب (همین کتاب) وغیرازاینها.

این شرح ازمشاهیر شروح کافیه میباشد و توان گفت که آنچه نکات شروح پیش دارا بوده بااضافاتی دراین کتاب میباشد و از بدو تألیف تاکنون در مدارس قدیمه کتاب درسی بوده و خواننده آن از کتب دیگر درعلم نحو بی‌نیاز میگردد وبرآن حواشی وشروح زیاد نوشته شده (ص ۲۵۰ و۲۵۱ ج ۲ کشف الظنون) وشیخ محمدبن عمرمعروف بهقورد آقندی متوفی بسال ۹۹۶ این‌شرح جامی‌را بترکی ترجمه نموده وشارح این شرح را بمناسبت نام پسر خویش ضیاءالدین «الفوائدالضیائیه» نامیده وبنابر تصریح در آخر در ۱۱ رمضان سال۸۹۷ (سال پیش‌از مرگ) تألیف آن خاتمه یافته ومکرّر چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمد لولیه والصلوة علی نبیه و علی آله و اصحابه المتادبین بآدابه الخ.

(۹۷۶)

شرح جامی

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۷۵ محمدبن کمال‌الدّین حسین انصاری شوشتری نوشته و رساله ای درصرف بفارسی که بنام «صرف فارسی» دراین‌فصل از آن معرّفی میشود ضمیمه آنست، دو کتاب‌دارای دو سرلوح زیبا و صفحات مذهّب مطلا ولاجورد ونگار میباشد ونگاربرخی از اوراق را پاره کرده و درحاشیه بعضی از ورقها تصحیحاتی شده است.

جلد تیماج. کاغذ متن و حاشیه خان بالغ وسمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق کلیه (۶۹). شرح جامی (۶۴) صفحه ای (۲۷) سطر. طول (۱/۲ ۳۰ سانتیمتر). عرض (۱/۲ ۲۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۴).

(۱) این کتاب بسال ۱۳۲۸ چاپ شده است.

([illegible])

شرح جامی این نسخه بخط [illegible] نگارش [illegible] نوشته شده قسمتی از اول کتاب [illegible] نوشته شده و قصیده ای در مؤلفات [illegible] نوشته شده و اواخر برگ آخر [illegible]

جلد تیماج، کاغذ دولت آبادی و فرنگی، [illegible] شمارهٔ اوراق (۲۲۱)، صفحه ای (۱۵) سطر، طول [illegible] سانتیمتر [illegible] شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۵).

([illegible])

شرح جامی [illegible] مؤلف در [illegible] نسخه [illegible]

[illegible]

جلد میشن ضربی، کاغذ [illegible] شمارهٔ اوراق (۲۴۰)، [illegible] شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۶).

([illegible])

شرح جامی [illegible] ۱۲۴۱ [illegible]

[illegible]

جلد تیماجی [illegible] (۲۲۹)، صفحه ای (۱۵) سطر [illegible] (۳۱۵۶).

[٤١٨] شرح کافیه ـ شرح رضی (عربی)

این شرح از رضی استرابادی است (نجم الائمّه رضی الدّین محمّدبن حسن استرابادی متوفی بسال ٦٨٧) (١) که ازمشاهیرعلماء امامیّه بوده ودرنحو خصوصاً توانائی زیاد داشته واین شرح کافیه وی خود شاهدی بزرگ براین مدّعی است ، چنانکه در آخر شرح شارح خود تصریح نموده بسال ٦٨٦ (٢) تألیف این شرح درجناب غروی (نجف اشرف) خاتمه یافته وسیوطی که ازمشاهیر ائمّه نحومیباشد دربغیه بنام الرضی این شارح را نام برده وگوید: امام‌مشهور وصاحب شرح‌کافیه ابن حاجب میباشد که مانند آن نه شرحی برکافیه نوشته شده ونه درعلم نحو کتابی تألیف گردیده و مورد اعتماد علماء معاصر و پیشین بوده و هست و در مؤلّفات خویش برمطالب این‌شرح اعتماد نموده وروی آن بحث کرده وبرنام وترجمه‌حال وی دست نیافته ام انتهی .

شیخ رضی در اثر همین شرح معروف به شارح رضی گردیده و صاحب روضات گویند نخستین کس که ملقب به لقب نجم الائمّه گردید این دانشمند بود این شرح وی بیش از سی‌هزار بیت (٣٠٠٠٠) کتابت دارد ، مؤلّفات دیگراین شارح نیزشرحی برشافیه ابن‌حاجب درعلم صرف وشرحی برقصائدسبعه ابن‌ابی‌الحدید درفضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام میباشد .

شرح رضی برکافیه مکرّر چاپ شده ومؤلّف خود آنرا در دو مجلّد گذارده (جلد اوّل درمعربات دوم درمبنیّات) وپس از اینکه شارح ازشرح کافیه فراغت یافته وتاریخ تألیف را تذکرداده در حدود دویست بیت راجع به : هاء السکت ، حرف التذکیر ، حرف الانکار ، شین الکشکشه وسین الکسکسه باین شرح ملحق نموده است .

---

(١) مجالس المؤمنین ص ٣٤٤ ، امل‌الامل ج ٢ ص٦١ ، روضات ص ٢٨٧ ، کشف‌الحجب ص ٣٤٨ ، بغیة الوعاة درحرف الراء ، فهرست رضویه ج ٣ ص ١٢ کشف‌الظنون ج ٢ ص ٢٤٩ در ذیل کافیه .

(٢) در مجالس المؤمنین وروضات و کشف‌الظنون و معجم المطبوعات تاریخ تالیف این شرح سال ٦٨٣ ثبت شده ولی در آخر نسخه خطی این کتابخانه ونسخه چاپ ایران (درسال ١٢٧٥) سال ٦٨٦ نوشته شده است .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی [illegible] .

(۵۶۰)

شرح رضی

این نسخه [illegible] موجود [illegible] تحریر یافته است .

جلد تیماجی [illegible] ، کاغذ [illegible] ، شمارهٔ اوراق (۱۹۱) ، صفحه ای (۲۱) سطر ، طول (۲۴ [illegible]) ، شمارهٔ [illegible] (۳۲۰۲) .

(۵۶۱)

شرح رضی

[illegible] ۱۰۱۵ [illegible] افتاده [illegible] الفکر [illegible]

جلد میشی ، کاغذ [illegible] (۳۳۳) ، صفحه ای (۳۰) سطر ، طول (۳۰ [illegible]) [illegible] (۳۲۰۲) .

(۵۶۲)

شرح رضی

[illegible] است .

[illegible] صفحه ای (۲۵) سطر [illegible] (۳۲۰۰) .

(۵۶۳)

شرح رضی

[illegible] تاریخ [illegible] میباشد

وقسمت دوّم آن که از طرز وروش خط از خطوط اوائل قرن هشتم بنظرمیآید، ازمبحث عدد شروع وتاآخر شرح آنرا داراست ومیان مبحث اسماء اشاره تاعدد که درحدود ۵۰۰۰ بیت میشود افتاده دوورق کاغذ ننوشته میان این دوقسمت گذارده شده وتمام قسمت دوّم متن وحاشیه است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی وخان بالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲٤٤) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰۷) .

(۹۸٤)

شرح رضی این نسخه و نسخه زیرین شامل تمام شرح (دوجلّد) بوده ، برای اینکه اززیادی حجم آن کاسته شود در دوجلّد گذارده شده ، بخط نسخ تعلیق نگارش یافته وظاهرا ازخطوط قرن دهم هجری میباشد ، ورق اوّل این نسخه افتاده ونخستین سطر آن اینست : وقیل انّ اشتقاق الکلمة والکلام من الکلم الخ . وتا قسمتی از مبحث ضمیر متّصل ومنفصل که جزء قسم دوّم شرح است در این نسخه گذارده شده وبیشتر ازصفحات آب دیدگی دارد ومتن کتاب (کافیه) باشنجرف نگارش یافته وبرپاره ای ازصفحات تعلیقاتی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۷۸) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰۳) .

(۹۸۵)

شرح رضی این نسخه بقیّه نسخه پیشین میباشد ، یك ورق پیش ازآخرین ورق موجود و یکی پس از آن نسخه افتاده ، اوراق اواخر وّصالی شده ونیز آثار آبدیدگی در اوراق نسخه موجود است .

جلد تیماجی کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۷۹) . صفحه‌ای (۲۰) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰٤) .

[٤۱۹] شرح کافیه شرح متوسط رکن الدین = (عربی)

الوافیه فی شرح الکافیه

این شرح تألیف رکن الدّین اسم اضافی است (رکن الدّین حسن بن محمد بن

شریفشاه العلوی الحسینی الاسترابادی متوفی بسال ۸۱٦ [illegible]) (۱) که از مشاهیر شاگردان حضرت خواجه نصیر الدین طوسی بوده و حوزه علامه شیرازی (محمود بن مسعود) بعنوان [illegible] [illegible] اصحاب [illegible] یافت و بتدریس علوم حکمی پرداخت و [illegible] (در [illegible] ۷۱۲) ملازم وی بوده و دو سال پیش از اینکه [illegible] در مسائل منطقی و حکمی [illegible] خط خویش جواب آنها را [illegible] (۲) پس از [illegible] خواجه [illegible] طوسی [illegible] یافت و [illegible] در [illegible] بوده و در [illegible] ([illegible] و متوسط و صغیر) [illegible] کبیر و صغیر آن [illegible] از شرح کبیر [illegible] سال ۷۷۱ مرده) گوید که [illegible] و این [illegible] جستجو [illegible] شرح [illegible] شرح مطالع [illegible] چنانکه [illegible] آن [illegible] و در آن [illegible] (سیوطی [illegible] نموده) و [illegible].

(۱) [illegible] شذرات الذهب ج [illegible] ص [illegible]

(۲) نسخه [illegible] از مجموعات خطی [illegible] دارم .

شارح این شرح را که پس ازشرح مفصل و مختصر خویش تألیف نموده «الوافیه فی‌شرح الکافیه» نام نهاده وشامل بسیاری‌ازمطالب‌سودمند میباشدوتاکنون مورد عنایت و توجه دانشمندان و اعتماد ایشان بوده وتاکنون چاپ نشده و در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بنام وزیر، یحیی بن ابراهیم بن یغرش بیلکا پادشاه ختن آنرا موشح نموده ،وبر آن حاشیه‌هائی نوشته‌شده، صاحب کشف‌الظنون چند حاشیه آنرا نام برده و گوید شرح کبیر آن **البسیط** نام دارد و ابیات شواهد شرح متوسط را اسمعیل بن علی شرح نموده و اوّل آن اینست : لك الحمد یامن صرف قلوبنا فی بحرالمعانی والبیان الخ .

باید دانست که سید رکن‌الدّین استرابادی صاحب این‌شرح غیراز رکن‌الدّین محمّد بن علی استرابادی استکه فصول نصیریّه را تعریب نموده و در ص۷۰ ج ٤ روضات نام برده شده ومؤلّف روضات دربارهٔ وی گوید که زمان‌وحیوة وی‌نزدیك بزمان و عصرخواجه بوده‌است .

(۹۸٦)

شرح متوسط (الوافیه) این‌نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۵۰ نوشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته ،ورق اوّل که شامل چند سطرازمقدمه بوده افتاده و نخستین سطر نسخه اینست : (الکبیرالعالم الفاضل الکامل سلالة الامراء والوزراء ... یحیی بن المخدوم المعظم... ابراهیم‌بن یغرش‌بیلکاملك الختنی الخ) در حواشی صفحات آثار تصحیح وگاهی حاشیه هائی در توضیح مطالب دیده‌میشود ، ورق اوّل و تالی شده وبعضی از اوراق آن آثار آبدیدگی دارد .
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲٤۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦٤) .

(۹۸۷)

شرح متوسط (الوافیه) این‌نسخه بخط نسخ نوشته شده، متن کتاب (کافیه) باشنجرف میباشد ، از اوّل کتاب تاقسمتی ازمبحث **عدول** از بحث غیر منصرف آن افتاده ونخستین سطرموجود آن اینست : (صحراء

علی صحاری او صحراوات فقیاس جمعاء ان یجمع علی جماعی الخ .) ورق آخر نسخه نونویس است و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح رضی ، شرح خبیصی ، شرح کبیر مؤلّف و تعلیقاتی بامضاء سعیدی ، نعمة الله ، کمال الدّین ، عصمت و حاشیه هائی از خود شارح دارد و بعضی از اوراق وصّالی گردیده و پشت آخرین ورق نسخه (نونویس) یادداشتی بامضاء محمّد حسن حسینی مورخ بسال ۱۲٤٥ و مطالب متفرقه ای از دیگران میباشد و خود نسخه ظاهراً در قرن نهم هجری نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۰) . صفحه‌ای (۲۰) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۵) .

(۹۸۸)

شرح متوسط (الوافیه)

این نسخه بخط نسخ تعلیق بد خطی نوشته شده ، اوراق اوّل نسخه (۷ ورق) مشوش گذارده شده پس از دقت روی آنها صفحه گذاری شد ، چند سطر از دیباچه را ندارد و از این عبارت : (ترکیباته و مبانیه الّا نادراً مع ذکر علل اکثرها و جعلته لرسم خدمة الامیر الکبیر سلالة الامراء الخ .) دیباچه نسخه شروع شده و از آخر هم ناقص و تا قسمتی از مبحث حروف جاره را دارد ، ورق آخر باطر زبسیار بدی وصّالی گردیده بر ورق اوّل فعلی نسخه بنام : **لباب برکانیه** بر این کتابخانه وقف گردیده و در دفاتر هم بهمین نام ثبت شده ولی مسلماً شرح متوسط کافیه است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۲۱) . مختلف السطور . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۲) .

[٤۲۰] شرح کافیه : شرح میرسید شریف (فارسی)

شرح گیبائی

بفرائنیکه زیر این سطرها نگاشته میشود این شرح تألیف میرسید شریف جرجانی است (علی بن محمد بن علی جرجانی حنفی یا شیعی استرابادی ۷٤۰-۸۱٦ هـ) (۱) که

(۱) این شرح با مراجعه به بغیة الوعاة ص ۲۵۹ نسخه خطی مدرسه ، مجالس المؤمنین ص ۳٤۵ - ۳٤۷ در مجلس هفتم ، روضات ص ٤۹۷-٤۹۹ ، کشف الظنون ، فهرست رضویه و معجم المطبوعات ص ٦۷۸-٦۸۱ نوشته شده .

از مشاهیر علماء علم ادب و دانشمندان و حکما بوده و صاحب معجم المطبوعات ازاو به عالم اهل المشرق تعبیر کرده‌اند، بسال ۷۷۹(۱) که شاه شجاع در قصر زراسترآباد بود، سیّد بخدمت پادشاه رسید و مورد عنایت و توجه گردید، باخود بشیراز آورد و تدریس مدرسه دارالشفاء مؤسسه خویش را بدو تفویض نمود وچون امیر تیمور گورکان شیراز را فتح نمود فرمان داد که سیّد بسمرقند رود و باسعدالدّین تفتازانی مناظرات داشته وتا مردن این پادشاه در آنجابود وپس از آن بشیراز آمد ودر آنجا بدانسرا اشتافت وقبروی درجائیکه آنرا اکنون دارالشفا گویند مزار دانشمندانست.

صاحب مجالس المؤمنین وروضات بادلّه ایکه ازمؤلّفات این سیّد بیرون آورده اند تشیّع اورا ثابت کرده ولی مشهور به حنفی بودن است و مؤلّفات وی عبارت از: شرح مواقف قاضی عضدایجی در کلام، شرح مفتاح العلوم (قسمت بلاغت درحدود ده هزار بیت)، تعریفات العلوم، رساله در تحقیق معنی حرف، کتاب در معمّا (درحدود پانزده هزار بیت است)، حاشیه بر کشاف (۲)، حاشیه برشرح متوسط کافیه (این حاشیه ناقص ماند و پسرش باتمام آن پرداخت)، حاشیه برشرح رضی بر کافیه، حاشیه بر شرح اصفهانی برتجرید (سیوطی شرحی برتجرید بوی نسبت داده وشاید مراد وی همین حاشیه است)، حاشیه برمطول، حاشیه برشرح مطالع، حاشیه برشرح شمسیّه اسفرائنی قطب الدّین رازی، شرح تصریف العزی، شرح مختصر الاصول عضدی، شرح حکمة العین، حواشی بر فوائد شیخ میثم بحرانی، رساله درفن اصول الحدیث، شرح فرائض سراجیه، الاصول المنطقیه، الرسالة الشریعیه (در آداب بحث است)، حاشیه الزّمانی بر مختصر الجرجانی، و مؤلّفات فارسی وی عبارت ازصرف میر که از کتب مختصره ومشهوره در علم صرف میباشد و کتاب کبری و صغری(۳) در علم منطق وجواب مسائل امیر اسکندر خان و ترجمان القرآن در

(۱) این تاریخ درمجالس المؤمنین ثبت شده ولی در روضات این تاریخ را ۷۸۷ سبع و ثمانین وسبعمائه نوشته است.

(۲) در ص ۱۲۳ ج ۱ فهرست این کتابخانه معرفی از این کتاب گذشت.

(۳) شمس الدین محمد پسر سید شریف متوفی بسال ۸۳۸ کبری وصغری را بنام «الدّره» و «الغرّه» تعریب نموده است.

ترجمه فارسی لغات قرآن کریم(۱) وغیراز اینهاست .

این شرح مشهور به **گیپائی** است و گیپا درزبان فارسی بمعنی کلّه پز است و دروجه تسمیه این شرح بدین نام در فهرست رضویه نوشته شده که سیّد در اوائل جوانی که مدرسه نشین بوده بتعلیم پسر کلّه پزی مشغول بود و پدرش هرروز ناهاراستاد فرزند را تهیه مینمود و سیّد این شرح را برای او نگاشت بنابراین مشهور بشرح گیپائی شد و درحدود (۶۰۰۰) بیت کتابت آنست .

در اینجا مناسب است که گفته شود جز سیّد جرجانی بر کافیه شروح فارسی نوشته‌اند واز آنها شرح محمّد امین هروی (ج ۲ کشف الظنون ص۲۵) میباشد .

آغاز : بسمله (۲) **الکلامه** معنی کلمه در اصل لغة یك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی الخ .

انجام: آنکه اعراب فعل جاری برحرف شود که کلمه دیگراست حقیقةً تمّت الکتاب .

(۹۸۹)

شرح کافیه شرح گیپائی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۲۰ نوشته شده ، از خود نسخه مؤلّف و نام شرح معلوم نشد ، پشت صفحهٔ اوّل بنام « شرح گیپائی » معرّفی شده و آغاز وانجام آن با شرحیکه در ص ۱۵ ج۳ فهرست رضویه بنام شرح گیپائی از آن معرّفی گردیده یکی است، متن کافیه در ۸۲ ورق بیش ازاین شرح گذارده شده ودرضمن فصل خصوصیّات آن ذکرخواهد شد .

جلدتیماجی، کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه( )این شرح(۱۷۶) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۳) .

(۱) نسخه ای از ترجمه لغات قرآن کریم بشمارهٔ (۲۰۱۵) دراین کتابخانه میباشد ، چنانکه درص۱۸۵ ج ۱ فهرست گفته شد بایستی همین کتاب باشد واز مؤلفات نام برده بالا اول و ۳ و۶ و۱۰ و۱۲ و۱۳ و۱۴ و۱۷ و۱۸ و۱۹ و۲۰ و۲۱ و۲۲ و۲۳ و۲۴ آن چاپ شده است .

(۲) نسخه کتابخانه رضویه واین کتابخانه بدون مقدمه ودیباچه است وشاید که مؤلف بدون مقدمه شروع بشرح کرده باشد .

[٤٢١] شرح لب الالباب = العباب (عربی)

این شرح تألیف نقره کار است (سیّد جمال الدّین عبدالله بن محمّد بن احمد(۱) الحسینی متولّد ومتوفی بسال ۷۰۶–۷۷۶) (۲) که از علماء قرن هشتم هجری بوده و بسال ۷۳۵ از تألیف این شرح فراغت یافته و شرحی نیز برشافیه ابن حاجب بسال ۷۷۲ نگاشته وشرح اخیر مکرّر در آستانه چاپ شده است .

لب الالباب یا **الباب** درعلم نحو و تألیف تاج الدّین محمّد بن محمّد بن احمد بن السیف معروف به **فاضل اسفراینی** متوفی بسال ٦٨٤ میباشد ودر ص ۳۷۲ بشرح حال ایشان پرداخته میشود واز کتب مشهوره دراین علم میباشد وشروح چندی بر آن نوشته شده و مشهور ترین آنها همین شرح نقره کار است .

صاحب معجم المطبوعات در ص ۷۷۵ زیر عنوان : **الحسینی «عبدالله»** گوید: عبدالله بن محمّد بن احمد الحسینی النیسابوری الشریف. جمال الدّین. المعروف بنقره کار : ابن حجر گوید : در اصول و عربیّة سر آمد اقران بود ودر اسدیه حلب تدریس مینمود و یکی از ائمّه معقول میبود و ریش وی سفید و نیکو وشیعی مذهب بود (۳) . و این عبارت با اسقاط جمله المعروف بنقره کار و مأت سنة ۷۷٦ وتغییر مختصری دراواخر عبارت که درزیر این سطور نقل میشود عیناً دربغیة الوعاة موجود و در شذرات الذهب در ذیل و فیات سال ۷۷٦ نیز عبارات بغیه با اضافه اینکه چندی در دمشق و مصر نیز اقامت نموده و مقام شیخی بعضی از خانقاه ها رایافته وهفتادسال زندگانی نموده و گوینده این سه بیت زیرین میباشد آورده شده :

---

(۱) در کشف الظنون و فهرست دار الکتب العربیه فقط نام پدر نقره کار نقل گردیده ولی در بغیه ومعجم المطبوعات نام جد او احمد نیز ذکر شده ودرشذرات این جد او محمد نامیده شده است .

(۲) بغیة الوعاة درذیل عبدالله بن محمد ، کشف الظنون ج ۲ ص ٤٤ و ۳۵۰ و ۳۵۱ ، شذرات الذهب ج ٦ ص ۲٤۲ ، معجم المطبوعات ص ۷۷۵ ، فهرست دار الکتب العربیه ج ۲ ص ۱۳٤ وفهرست خدیویه ج ٤ ص ۷۸ و ۷۹ .

(۳) عبارت منقول درمعجم المطبوعات اینست : « **حسن الشیبة یتشیع** » . وعبارت بغیه اینست : « **حسن الشیبة یتشیع مات سنة ۷۷٦** » . و عبارت شذرات بدینگونه میباشد : « **وکان یتشیع وکان احدائمة المعقول حسن الشیبه** » .

هَذِّبِ النَّفْسَ بِالعُلُومِ لِتَرْقَى وَتَرَى الكُلَّ وهو لِلْكُلِّ بَيْت
إِنَّمَا النَّفْسُ كَالزُّجاجَةِ والعَقْـــــلُ سِراجٌ وَ حِكْمَةُ اللهِ زَيْت
فَاذا اَشْرَقَتْ فَانَّكَ حَيٌّ وَ اِذا اَظْلَمَتْ فَانَّكَ مَيْت

چنانکه درمقدّمه شرح نقره کار (همین شرح) تذکر داده شده ودر کشف الظنون نقل گردیده شارح تصور نموده که لباب اسفراینی پیش ازوی شرح نشده درصورتیکه محمدبن مسعود (سعید) بن محمودبن ابی الفتح السیرافی القالی بسال ۷۱۲ درشیراز براین کتاب شرحی نوشته و دو نسخهٔ از آن که هردو بسال ۷۳۲ نگاشته شده اند در دارالکتب العربیّه درمصر موجود (ج ۲ فهرست دارد ص ۱۳٤) و نسخه ای از آن کـه بسال ۷٦٤ نوشته شده در کتابخانه حضرت رضاع نیز وجود دارد و آغاز آن اینست: الحمدللّه الذی هدانا الی معرفة اعجاز القرآن الخ. وبنابردوتاریخ نام برده بالا ۲۳ سال این شرح مقدّم برشرح نقره کار تألیف گردیده است.

در کشف الظنون تصریح گردیده که نام این شرح **العباب** میباشد و درفهرست خدیویه بنام: «**العباب فی شرح اللباب**» نام برده شده ولی شارح در مقدّمه نامی برای این شرح نگذارده ودر آخر نسخه این کتابخانه هم نامی برای آن دیده نمیشود وتاکنون چاپ نشده وازشروح بسیار نافع وسودمند میباشد و در حدود (٤٤۰۰) بیت کتابت دارد.

در کشف الحجب والاستار (ص ۳۷۹) کتابی بنام «**العباب فی علم الاعراب**» تألیف سید محمد تقی بن سیّد حسین نصیرآبادی که از علماء اواخر قرن سیزدهم ومعاصر بامؤلف کشف الحجب بوده یاد شده و گوید که مرتّب بر پنج باب میباشد وآغاز آن اینست: الحمد من حمد ما ازهراسمه واعزّشأنه الخ.

آغاز: بسمله الحمدللّه قاشع غمام الغموم وقاصع هماهم الهموم الخ.

انجام: بخلاف المتذکّر فانّه لایقصد الوقف وانما عرض له ما اوجب قطع کلامه من النسیان.

(۹۹۰)

شرح لب الالباب (العباب)

این نسخه را بخط نسخ خوب عبدالجلیل بن حسن بسال ۷۹۰ نوشته ، مقابله و تصحیح گردیده ، درحاشیه پاره ای از صفحات تعلیقاتی مفید بخط نسخ و بیشتر بخط شکسته نستعلیق تحریر یافته و پشت صفحه نخستین فهرست مطالب با تذکر باینکه در چه صفحه ای میباشد نگارش یافته و در همین صفحه میرزا آقا خان صدر اعظم نوری بسال ۱۲۷۳ بخط خود نوشته که بفرزند مکرّم نظام الملك هبه کردم و بنام «لب اللباب» درعلم نحو داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۱۱) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۶½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۳) .

[۴۲۲] شرح مراح الارواح = المفراح (عربی)

مراح الارواح مختصری معروف درعلم صرف میباشد و در همین فصل از آن بحث و معرّفی خواهد شد ، این شرح که بنابر تصریح در آخر بنام « المفراح فی شرح مراح الارواح » نامیده شده تألیف **حسن پاشا** بن علاء الدین اسود است که ازعلماء عصر سلطان بایزید بن سلطان مراد (۷۹۱-۸۱۶) ازسلاطین عثمانی میباشد و شرحی هم برمصباح درنحو بنام الافتتاح دارد (۱) .

این شرح مراح شرحی قولی و چون اصل آن مختصر میباشد و درحدود (۶۵۰۰) بیت کتابت دارد و درمعجم المطبوعات چاپ شدن آن تذکر داده نشده تصور نمیکنم که چاپ شده باشد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی صرف افکار قلوبنا الی صراط المستقیم الخ .

انجام : هذا آخر ما اردنا بیانه من کتاب المفراح فی شرح مراح الارواح فمن وصل الیه من علماء الاصحاب و فضلاء الاحباب . . . . . والحمدلله علی الاتمام یاالله انت المستعان .

---

(۱) شقائق النعمانیه ج ۱ ص ۳۵ .

(۹۹۱)

المفراح شرح مراح الارواح

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۸ نوشته شده ، پشت ورق نخستین اتمام عوامل ملا محسن که اوراق این نسخه ضمیمهٔ آن بوده بسال ۱۱۲۲ یادداشت گردیده، عبارات متن را از شرح بخطیکه در بالای آن کشیده شده تمیز داده اند ، چند برگ آخرین وصّالی گردیده و آثار آبدیدگی در نسخه پیداست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۷۸) . صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول . (۲۰ سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ ۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۳۱۰۹).

[۴۲۳] شرح المصباح الضوء (عربی)

مصباح مختصری در علم نحو و تألیف ناصر الدّین مطرزی متوفی بسال ۶۱۰ میباشد و در ص ۳۹ و ۴۰ همین مجلّد بشرح حال و مؤلّفات ایشان پرداخته ایم و این کتاب مشتمل بر پنج باب میباشد : ۱ ـ در اصطلاحات نحویه . ۲ ـ در عوامل لفظیّه قیاسیّه. ۳ ـ در عوامل لفظیّه سماعیّه. ۴ ـ در عوامل معنویّه. ۵ ـ فصولی چند در مطالب راجعهٔ بعربیّت (در این فصل از معرفه، نکره، تذکیر، تأنیث، توابع پنجگانه، اعراب اصلی و غیر اصلی ، اضمار معمول و عامل و غیره بحث گردیده است) .

بر این کتاب (مصباح) شروح و حواشی زیاد نوشته شده و در ص ۴۴۸ و ۴۴۹ ج ۲ کشف الظنون نام بسیاری از آنها دیده میشود .

این شرح مصباح تألیف تاج الدّین محمد بن محمد بن احمد بن سیف معروف به **فاضل اسفراینی** متوفی بسال ۶۸۴ است(۱) و مختصری از شرح بزرگ وی میباشد که نام آن « **المفتاح** » بوده و این مختصر را « **الضوء** » نامیده و در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۸۵۰م در لکنو هندوستان چاپ شده و در ص ۳۶۹ گذشت که « اللباب فی علم الاعراب » یا « لب الالباب » نیز از مؤلّفات ایشانست .

بر ضوء حواشی و تعلیقاتی نوشته شده و در ص ۴۴۹ ج ۲ کشف الظنون نام آنها موجود و **سودی** ضوء را بترکی ترجمه کرده است .

---

(۱) سیوطی در بغیه گوید شرح حال و ترجمه این دانشمند دست نیافتم و در کشف الظنون هم سال وفات وی معین نشده و ما این تاریخ را از فهرست خدیویه (ج ۴ ص ۷۸ و ۹۰) و معجم المطبوعات ص ۴۳۶ نقل نموده ایم .

آغاز : بسمله (۱) ان احق ما تتوشح بذکره صدور الکتب والدفاتر الخ .

آغاز کتاب پس از خطبه : بسمله اما بعد حمدالله امّا کلمة فیها معنی الشرط فلذلك کانت الفاء لازمة لها قال سیبویه اما زید فمنطلق معناه الخ .

(۹۹۲)

الضوء (شرح المصباح)

این نسخه بخط نستعلیق بد خطّی بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، در حاشیه صفحات مطالبی از شروح مصباح چون : اصباح وافتتاح و مفتاح و حواشی و تعلیقات برخود این کتاب و مطالبی ازشرح جامی و شرح لباب و غیره نگاشته شده و پشت نسخه بنام « ضوء سیبویه » وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه هم بهمین نام ثبت شده ، پس از تحقیق و تتبع بدست آمد که شرح مصباح و تألیف تاج الدّین اسفراینی است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۱) .

[٤٢٤] شرح مغنی اللبیب = اغناء الادیب (عربی)

این شرح یاحواشی را برمغنی اللبیب ابن هشام که درهمین فصل معرّفی خواهیم نمود محمّد مهدی بن علی اصغر قزوینی (۲) که از معاصرین شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰٤) واز دانشمندان شیعی و امامی مذهب بوده تألیف نموده و بنا بر تصریح در امل الامل ، مؤلف باایشان مکاتبه داشته و مؤلّفات دیگر ایشان **عین الحیوة** درادعیه **الانتقاد** درنحو **شرح جمل** ملاّ خلیل ، **شرح شواهد الانتقاد** ، رساله در تحقیق لفظ جلاله و علم نبودن آن ، رساله **غنیة الطلاب** درابا حه و تخییر **فهرست کافیه بدیعیه** صفی حلّی ، **رساله** درمؤنثات سماعی و احکام آن ، **حاشیه** برشرح عربی توحید

---

(۱) نسخه این کتابخانه خطبه ندارد وازابتداء شرح کتاب شروع شده واین آغاز ازفهرست حدیویه نقل شد و در کشف الظنون آمده که برخطبه ضوء رضی الدین خوارزمی شرحی بنام « درةالنوء فی شرح خطبة الضوء » دردو ورق نوشته است .

(۲) فقط شرح حال این دانشمند را درص ٦٩ ج ۲ امل الامل وبنقل از اینجا در ص روضات یافته ام وبقرینه اینکه نخستین نسخه زیرین بسال ۱۱۲۲ نوشته شده و درحاشیه نیمهٔ اول آن حاشیه هائی موجود و در زیر آنها نوشته شده منه دام ظله بدست میاید تا این تاریخ تقریبا زندگانی میکرده است .

ملاّ خلیل قزوینی است ودرمقدّمه این شرح مغنی گوید: پدرم(۱) حماه‌الله عن المکاره والمکاید (معلوم میشود تاهنگام تألیف این کتاب حیوة داشته) برنسخه مغنی اللبیب خویش که بر آن درس خوانده بودم ونیز بر آن درس میگفتم تا اواسط جهت دوم از باب پنجم آن منتخباتی از شرح شمنّی و زبده ای ازشرح شواهد خبیصی و مطالب مناسبه ای از کتب لغت و تفاسیر وتحقیقاتیکه درحلّ مشکلات برخاطر خطیر خود ایشان گذشته بود نگاشته بودند ومن نیز درهنگامیکه این کتاب را درس میگفتم آنچه دربیان مراد وشرح مطالب آن بنظرم رسید در حواشی نگاشتم و از سخنان پیشینیان نیز در آنجا آوردم و چون بآخر رسید بر آن شدم که همهٔ آن مطالب مندرجهٔ درحواشی را باقید باینکه هریك ازکی و کجا است درمجلّدی مرتب نمایم واین کارشد و آنرا « اغناء الادیب فی‌فهم مغنی اللبیب » (۲) نامیدم . وپیش ازشروع درمطلب، مختصری ازتاریخ نحووشرح حال ابن‌هشام‌را بیان واشارات ورموزیکه دراین کتاب آورده شده ذکروپس از آن **فهرست شواهد مغنی** را که پدرمؤلّف بترتیب حروف اوائل موافق ترتیب حروف تهجی مرتب نموده گذارده و در هنگام یافتن آن در کتاب کمك بزرگی میباشد وچون این بخش بپایان میرسد اصل کتاب شروع میشود و درحدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت تمام این کتابست .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی رفع لواء الکلام والخطب الخ .

(۹۹۳)

شرح مغنی اللبیب (اغناء الادیب) این نسخه را محمد نبی بسال ۱۱۲۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته ، طرز نگارش صفحات آن برخلاف عادت حمائلی میباشد، حاشیه ای بر شرح مختصر ، تلخیص المفتاح که درهمین جلد از آن معرّفی خواهد شد ومطالب متفرقه از احادیث و غیره وشرح ترجمه فارسی

(۱) درامل الامل ج ۱ ص ۱۵ شرح حال ومؤلفات این عالم نقل گردیده و گوید از معاصرین میباشند و درص ٤۱٤ روضات ذیل ترجمه دیگری نیز بنقل از آن کتاب نام وشرح حال ایشان موجوداست .

(۲) در نسخه کهنه این کتابخانه نام کتاب **غناء الادیب** نوشته شده چون موافق قواعد غنا مقصور است نه ممدود و در اینجا همزه گذارده شده و در نسخه دیگر کتابخانه صریحا اغناء ضبط شده وبمناسبت تتمه نام کتاب که کلمه مغنی را داراست انسب واقرب بواقع اینستکه نام کتاب‌را « اغناء الادیب فی‌فهم مغنی اللبیب » بدانیم ازاینرو بهمین نحواز آن معرفی گردید .

زیارت رجبیّه ائمّه اطهارعلیهم السلام الله فی کل لیل ونهار تألیف میرزا محمّدبن محمد رضای مشهدی را نیز درآخر این‌نسخه ، همین نویسنده نوشته است .

جلد میشن . کاغـذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۸۶) . صفحه‌ای (۳۰) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۱) .

(۹۹٤)

شرح مغنی اللبیب (اغناء الادیب)

این نسخه را بخط نسخ محمّدبن عبدالرّحیم حسینی بسال ۱۲٦۸ نوشته ، و بسال ۱۲۷۰ بنـام اغناء الادیب فی فهم مغنی‌اللبیب » داخل کتابخانه ایشان شده و بالای نام کتاب پس ازالادیب نوشته شده : عن کتب‌الاعاریب وپیداستکه ازالحاقات نویسنده‌است و درمقدمه‌نسخه نام کتاب چنین نیست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۲۲۱) . صفحه ای (۲۱) سطر. طول($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سا نتیمتر) . شمارهٔ کتابخا نه (۳۲۳۰) .

[٤۲۵] **شرح مغنی اللبیب = تحفة الغریب** (عربی)

این شرح از معاریف شروح مغنی‌اللبیب میباشد و مؤلّف آن **دمامینی** است (بدرالدّین محمّدبن ابی بکربن‌عمربن‌ابی‌بکرقرشی مخزومی مالکی۷٦۳-۸۲۷(۱)) (۲) که نیز از مشاهیر ائمّه ادب وعلماء قرن هشتم ونهم هجری بوده وتدریس‌بسیاری از مـدارس مصر و یمن و هند و غیره را دارا شـده و مقـام تدریس نحو در الازهر را یافته و بقضاوت مصر معین گـردید ولی عملی نشد ، از راه کسب روزگار میگذرانید وشرکت بافندگی بزرگی در قاهره تأسیس نمود ، ولی آتش

(۱) در نسخه خطی بغیة الوعاة این کتابخانه وتاریخ آداب‌اللغه ومعجم‌المطبوعات تولددمامینی بسال ۷٦۳معین گردیده ولی درروضات وشذرات بنقل ازبغیه سال۷٦٤ معین‌شده وقول اول ترجیح دارد وسال وفات وی را سیوطی مردد بسال ۸۲۷و۸۲۸ دانسته وحاجی خلیفه درتمام موارد ۸۲۸ وصاحب شذرات وحرجی زیدان جزماً بسال ۸۲۷ گفته اند .

(۲) این شرح بامراجعه به بغیه‌الوعاة درذیل محمدبن ابی‌بکر وشذرات‌الذهب ج ۷ ص ۱۸۱ و روضات ج ٤ ص ۲۰۹ و تاریخ آداب اللغه ج ۳ ص ۱٤۳ و ۱٤٤ و معجم المطبوعا ت ص ۸۷۹ و ۸۸۰ و کشف‌الظنون درذیل مغنی‌اللبیب در ص ٤۷٤ ج ۲ و دیگر صفحات وی نگاشته شد .

گرفت و زیان بسیاری بدو رسید از آنجا به صعید (ظاهراً همین پرت سعید فعلی باشد) گریخت طلبکاران در پی وی رفتند وبخواری اورا بقاهره برگردانیدند، شیخ تقی‌الدّین بن حجّه باوی‌مساعدت کردوباناصرالدّین بارزی سراً مکاتبه نمود وکار او اصلاح شد .

سیوطی دربغیه‌مؤلّفات‌زیرین‌رابدین‌مؤلّف‌نسبت‌داده‌ودیگران‌چون‌شرح‌حال‌وی آنهارا از کتاب‌بغیه‌نقل‌نموده‌اند: **شرح بخاری**، شرح‌تسهیل، **شرح خزرجیه** (۱)، جواهرالبحور فی‌العروض (ابن لؤلؤ زرکشی براین کتاب شرح نوشته ونسخه از آن در الجزائر موجود است) ، **الفواکه البدریه** (منتخبی از اشعار و منظومات اوست) ، **نزول الغیث** (این کتاب رد برشرح لامیة‌العجم صفدی میباشد و نسخهٔ آن‌در کتابخانهٔ خدیویه موجود است. تاریخ آداب‌اللّغه) ، **مقاطع الشرب** (۲) مختصر حیاةالحیوان دمیری بنام **عین الحیاة** ، وتحفة الغریب (همین کتاب) وجرجی زیدان این کتابها را نیز ازمشاهیر مؤلّفات دمامینی معرفی کرده است **کتاب‌القوافی** (ابن عمربلخی برآن شرح نوشته ونسخه‌ای‌ازآن درلیدن ومکتب هندی موجوداست) الفتح‌الربانی‌فی‌الرد علی البنبانی (این کتاب ردّ برمنهاج بنبانی میباشد و نسخه آن در لیدن است) ، شمس المغرب فی‌المرقص والمطرب (نسخهٔ آن در برلن موجود است) .

مؤلّف کشف‌الظنون در ذیل معرفی از کتاب مغنی گوید : دمامینی بدرالدّین محمّدبن ابی‌بکرشرحی برمغنی‌اللبیب درمصرتألیف نمودوچون بهند رفت‌درآنجا نیز شرحی قولی بزرگتر از شرح پیشین براین کتاب نگاشت و بسال ۸۱۸ (۳) از

(۱) این شرح در معجم المطبوعات بنام « العیون‌الفاخرة‌الغامزه علی خبایاالرامزه » و در علم عروض‌معرفی شده وبسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است .

(۲) در کشف الظنون این کتاب « مقاطیع الشرب » بایاء میان طا، وعین ضبط شده ولی در بغیه وسائر ماخذ که همه ازبغیه گرفته‌اند بدون یاء میباشد .

(۳) ازمندرجات بغیه بدست میاید که پس از سال ۸۲۰ دمامینی بهند رفته و از مقدمه خود شارح بدست میاید که چون عازم برگشتن بوطن خویش بوده پادشاه ازاوخواسته که چندی دیگر توقف نماید و بتدریس مشغول باشد ودرآن هنگام بتالیف این شرح پرداخته و تصور میکنم که مراد کشف‌الظنون سال ۸۲۸ بوده و بیست‌آن ده نقل شده ودر آخر نسخ این کتابخانه سال فراغت ازتالیف نیست .

آن فراغت یافت و پس از آن بشرحی مزجی برمغنی اشتغال یافت وتاحرف الفاء آن تألیف گردید ولی بآخر نرسید واگرتمام آن ازقلم وی بیرون آمده بود بهترین شروح بود.

شرح دمامینی (تحفة الغریب) در میان دانشجویان بسیار مشهور وبرسائر شروح آنرا ترجیح میدهند و این همانست که مؤلّف درهندوستان بتألیف آن مبادرت نموده و مقدّمه آنرا بنام احمد شاه بن محمّد شاه بن مظفرشاه از سلاطین هندوستان موشح کرده و شمنّی در مقدّمه شرح خویش از آن تجلیل نموده ودر حدود (۳۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .

صاحب معجم المطبوعات در ۸۸۰ نوشته شده که تحفة الغریب بشرح مغنی اللبیب بسال ۱۳۰۵ در حاشیه شرح شمنّی در مصر چاپ گردیده وآغاز آن اینست : الحمدلله الذی لاافتقار الی مغن سواه الخ .

ولی چنانکه می بینید آغاز این کتاب غیرازعبارت بالا میباشد ونسخه چاپ مصر هم دردست نگارنده نیست تابا آن مقابله شود ولی گمان میکنم که نسخه چاپ شده شرح مختصر دمامینی باشد که درمصر تألیف گردیده و در ص ۱۳۵ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه در ذیل عنوان شرح دمامینی برمغنی اللبیب نوشته : شرح مصری است ومؤلّف تاحرف **فاء** رسیده و اوّل آن اینست : اما بعد حمدالله علی افضاله . وچنانکه میدانیم این جمله ابتداء مغنی اللبیب میباشد ومعلوم میشود که خطبه ودیباچه شرح را آن نسخه ندارد لذا نمیتوانیم حکم کنیم که این نسخه موجود دردارالکتب کدام یك ازشروح ابن مؤلّف است ولی بقرینه گفته کشف الظنون شاید شرح سوّم وی باشد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی منح من لسان العرب الایادی(۱) الحسنه الخ .

انجام: ولیکن انفصالی من الکلام فی الشرح علی هذا الوجه الحسن ولنکف القلم عن شوطه ..... والصلوة علی خاتم النبیّین ..... محمّد بدر التمام ومسك الختام وآله وصحبه مصابیح الظلام والتحیات الطیبات واصلة الیه والیهم السّلام .

(۱) این کلمه دردونسخه ذیل الایادی نوشته شده ودردیگری که بنظر نگارنده اصلی است الادیان ضبط شده است .

(۹۹۵)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بخط نسخ عمربن بهاءالدین بشیطی شافعی بسال ۱۰۱۱ ازروی سه‌نسخه باکمال دقت‌استنساخ گردیده، متن و حاشیه‌شده و عناوین متن و شرح با شنجرف میباشد ومجدول به زنگار وسرخی است و پشت صفحهٔ اوّل اردشیر قاجار بسال ۱۲۶۸ یاد داشت نموده که این کتاب را فرمانفرما فریدون میرزا به علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه) داده است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی‌وسمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۴۳). صفحه ای (۳۳) سطر. طول (۳۳ ½ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۵).

(۹۹۶)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بسال۱۰۹۹ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده، پشت صفحهٔ اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو کرده اند و یادداشتهای دیگری اینك میباشد، ورق اوّل ودو ورق آخر وصّالی شده و از نسخه پیشین صحیح تر میباشد.

جلد میشن. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۸۴). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۵ ½ سانتیمتر). عرض (۱۷ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۶).

(۹۹۷)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۲ نوشته شده ولی شامل‌ازابتداء شرح تااوّل‌مبحث مسوّغات ابتداء بنکره (اواسط باب چهارم مغنی) میباشد و در حاشیه ۱۸۴ صفحهٔ آن مغنی اللبیب تا آخر حرف لام همین نویسنده نوشته و یادداشتی از پشت صفحه نخستین محو شده است.

جلد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۲۰) صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۲۵ ½ سانتیمتر). عرض (۱۹ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۷).

[٤٢٦] شرح مغنی اللبیب = شرح ابن ملا = (عربی)

(منتهي امل الاديب من الكلام علي مغني اللبيب)

مؤلّف این شرح **ابن ملا** است (احمدبن محمّدبن علی‌بن احمد مشهور به ابن ملاّ متوفی بسال ۹۷٤ یا درحدود ۹۹۰) (۱) که از علما وادباء قرن دهم هجری بوده وشاگردی رضی‌الدّین ابوالبقا محمّدبن ابراهیم بن یوسف بن عبدالرّحمن بن حسن حلبی حنفی متوفی‌بسال ۹۷۱ (۲) را نموده و ازاین شرح او معلوم میشود که در علم ادب دستی قوی داشته و بکتب سابقین آشنا بوده و در این شرح خویش مطالب مهمّه‌ای ازدانشمندان پیشین گردآورده وخصوصاً مطالب دمامینی وشمنّی در شرح مغنی و شرح شواهد سیوطی را برآن کتاب ذکرنموده وتحقیقاتی ازخود دارد و گذشته ازشرح مطالب مغنی‌اللبیب بمناسبت نام اشخاص، شرح‌حال ومؤلّفات ایشان را نیز بیان نموده وصاحب روضات گوید که شرح ابن ملاّ بزرگ است ومن بر مجلّد اوّل آن که بخط مؤلّف بود دست یافتم .

نگارنده بیش از این از مؤلّف و مؤلّفه او در کتب اطلاعی بدست نیاورد و در فهارس موجوده هم نسخه ای از این شرح را نیافت و نمیداند که مؤلّف موفق باتمام شرح شده ویا بیش از این مقدار که نسخه زیرین شامل آنست و در حدود (۱۷۰۰۰) بیت کتابت‌داردازقلم او بیرون نیامده و این شرح مزجی میباشد ودرمقدّمه آنرا « منتهی امل(۳)الاديب من الكلام علی‌مغنی‌اللبیب » نامیده است .

آغاز: بسمله حمداً لمن شرح صدورنالفهم اسرارالعربیه الخ .

---

(۱) در ص ۹۳ روضات نام مؤلف و اجداد وی چنانکه نقل گردید ضبط شده و گوید که بروفات او دست نیافته ام و صاحب کشف‌الظنون در ص ٤۷۵ ج ۲ ذیل مغنی‌اللبیب گوید : واین کتاب را احمدبن محمد حلبی معروف به **ابن‌ملا** متوفی در حدود ۹۹۰ شرح نموده و شش سطر پس از این نیز گوید : و ازشروح این کتاب شرح عالم احمدبن منلا محمد حلبی متوفی بسال۹۷۹ میباشد . نگارنده احتمال قوی میدهد که این هردو یکی میباشند ودرنسخه زیرین و روضات ابن ملا بدون نون ضبط گردیده وتاریخ وفات غلط ثبت‌شده‌است .

(۲) صاحب روضات این تاریخ را ازشرح ابن ملا نقل نموده است .

(۳) درنسخه زیرین نام کتاب « منتهی‌اصل‌الاریب من‌الکلام علی‌مغنی‌اللبیب» ثبت گردیده‌ولی صاحب‌روضات بدینگونه که دراینجاعنوان‌شده ضبط کرده‌اند، گذشته براینکه‌این‌تسمیه‌بهتر بنظر میاید وچون نقل‌ازنسخه خط مؤلف کرده‌اند مورد قبول بیشتراز نامی‌استکه دراین نسخه‌است .

(۹۹۸)

شرح مغنی اللبیب (منتهی امل الادیب) این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده برعبارات متن باشنجرف خط کشیده شده و از شرح ممتاز گردیده ، شامل شرح از ابتداء مغنی تااواخر مبحث امّای مفتوحه میباشد ، از آخر افتادگی دارد و آخرین سطر آخرین ورق نسخه اینست : و امّا الباء ففی متعلقه نظر لایکون حالاً من الشرّای بتقدیر کائناً لانه مبتداء والمبتداء) چندورق کاغذ نوشته دراوّل و آخر نسخه میباشد .

جلد تیماجی مذهب ، کاغذ فرنگی ، واتف سپهسالار ، قطع رحلی ، شمارهٔ اوراق (۱۷۰) . صفحه ای (۲۵) سطر ، طول ($28\frac{1}{2}$ سانتیمتر) ، عرض ($18\frac{1}{2}$ سانتیمتر) ، شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۹) .

[۴۲۷] **شرح مغنی اللبیب شرح شمنی** (عربی)

(المنصف من الکلام علی مغني ابن هشام)

این شرح از شمنی است (تقی الدّین احمدبن محمّدبن محمّدبن حسن بن علی بن یحیی بن محمّدبن خلف الله بن خلیفه الشمنّی القسطنطنی الحنفی ۸۰۱-۸۷۲) (۱) که از مشاهیر شرّاح مغنی اللبیب میباشد و استاد جلال الدّین سیوطی بوده ، وی او را دربغیة الوعاة تجلیل بسیار نموده وقسمتی از اشعار او را نقل و قصائد و اشعاریکه درمدح ورثاء او،خودسروده بود (سیوطی) ویادیگران انشاء کرده بودند آورده و گوید مؤلّفات شمنی عبارتست ازشرح مختصر الوقایه ، شرح نظم النخبه هردو در فقه ، حاشیه برشفا وشرح برمغنی اللبیب و اورا مقام قضاوت دادند نپذیرفت و در تفسیر و فقه و اصول وحدیث و معانی وبیان وغیره استاد بود ، قسمت زیادی از مطول سعدالدّین و توضیح ابن هشام را بادقت بیش ایشان خوانده ام و برشرح الفیه وجمع الجوامع تألیف من تقریظ نگاشته وباهن بنظر لطف و عنایت نگاه میکردند .

شارح گوید : درهنگام تدریس مغنی ومراجعه بشرح دمامینی (تحفة الغریب)

(۱) بغیة الوعاة ذیل احمدبن محمد (نسخه خطی مدرسه ص ۲۱۲-۲۱۷) ، روضات (عبارات بغیه بااختصار) ص ۹۲ و معجم المطبوعات ص ۱۱۴۳ .

دیدم که اعتراضات زیاد در آنست و اشکالاتی داراست که حل نگردیده و خداوند بر من منّت گذارد و آن مطالب مشکله بر من کشف شد و اعتراضات را وارد ندیدم مطالب نام برده متفرق بود یکی از اصحاب خواستار شدند که آنها را در کتابی گذارم و شرح شواهد مذکوره در مغنی را بر آن افزایم و مشکلاتی را هم که دیگران شرح نکرده اند شرح نمایم ، خواهش ایشان را پذیرفتم و با کمال انصاف بتألیف این کتاب پرداختم و آنرا « المنصف من الکلام علی مغنی ابن هشام » نامیدم و از خداوند راه راست را خواستارم .

شرح یا حاشیه شمنی بسال ۱۲۷۳ در طهران و بسال ۱۳۰۵ در مصر چاپ شده و میان طلاب و دانشجویان بسیار مشهور میباشد و سیّد علیخان کبیر که ازمشاهیر ادباء قرن دوازدهم هجری بوده برنسخه زیرین شهادت داده اند که این حاشیه بسیار مفید وسود مند است . و در حدود (۲۶۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خصّ کتابه بعدم المعارضة و بالاعجاز تبیاناً لکل شیئ فهو مغنی اللبیب بالحقیقه لابطریق المجاز الخ .

(۹۹۹)

شرح مغنی اللبیب المنصف من الکلام

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، پشت صفحه اوّل این عبارت نوشته شده : استکتبته لنفسی ولمن شاءالله من بعدی و کتبه الفقیر علی صدرالدّین بن احمدالحسینی عفی عنهما آمین . و در ذیل آن آقا محمد مهدی عبدالرب آبادی بخط خویش بعربی نوشته اند که احتمال قوی میدهم که این خطّ خطّ شارح صحیفه سجادیه سید علیخان میباشد . نگارنده با آشنائی بخط مرحوم سیّد این احتمال را تصدیق مینمایم و در این کتابخانه چند قطعه خط ایشان میباشد بنابراین باشهادت خط وکاغذ این نسخه در اواخر قرن یازدهم یااوائل قرن دوازدهم هجری نوشته شده است .

بر ورقیکه پس از کتاب سفید بوده ابوالحسن جهرمی چند غزل از خود نوشته ومطلع یکی از آنها اینست :

عشق آمد و عقل نکته دان رفت شمس آمد و شمع از میان رفت

جلد تیماجی کهنه . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۰۹) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۸) .

[۴۲۸] شرح مفصل = المحصل (عربی)

این شرح بر کتاب المفصل زمخشری درعلم اعراب ونحو میباشد که در همین فصل از آن معرّفی خواهد شد ومؤلّف آن اندلسی است (ابوالقاسم یا ابومحمّد علم الدّین قاسم بن احمد بن موفق بن جعفر المرسی اللورقی الاندلسی ۵۷۵-۶۶۱) (۱) که از قراء ونحوّیین ومتکلّمین قرن ششم وهفتم هجری بوده وآشنائی کامل به اصولین وعربیّت و قرائت داشته ، شاگردی تاج الدّین کندی (۵۲۰-۶۱۳) (۲) را نموده و ریاست قراء شام را دارا بوده و درآنجا بتدریس وتصنیف اشتغال داشته و شاطبیه را شرح نموده و این شرح مفصل که المحصل(۳) نام دارد نیز از اواست .

نسخه ذیل شرح بر $\frac{1}{16}$ مفصل میباشد و (۸۶۸۰) بیت کتابت آنست ودر آخر آن تصریح شده که مجلّد اوّل این کتاب خاتمه یافته وپس از این مجلّد دوّم شروع خواهد شد، بنا بر این بایستی تمام شرح درحدود (۱۴۰۰۰۰) بیت کتاب داشته باشد از سائر

(۱) شرح حال این شارح از ص ۳۰۷ ج ۵ شذرات الذهب نقل گردید ودر اینجا لقب شارح فقط العلم ذکر شده و در کشف الظنون ص ۴۸۹ ج ۲ علم الدین تصریح گردیده وشذرات گفته که ورقی منسوب به لورقه بافتح دو حرف اول و سکون سیم نام شهری در اندلس است و یاقوت برخلاف این تشکیل گفته .

(۲) این تاریخ از ص ۵۴ ج ۵ شذرات نقل شد و شرح حال ایشان در آن صفحه و صفحه ۵۵ نگاشته شده است .

(۳) درنسخه ذیل که نزدیك بزمان شارح نوشته شده نام این شرح با کمال وضوح وآشکارائی « المحصل فی شرح المفصل » ضبط گردیده ولی در ص ۴۸۹ ج ۲ کشف الظنون موصل معین گردیده و نیز در ۴۸۹ ج ۲ همین کتاب در ذیل مفصل گوید از شروح آن شرح منتخب الدین محمد بن سعد المروزی الدیباجی متوفی بسال ۶۰۹ بنام المحصل شرحی برمفصل نوشته و فخر اسفندری (ابوعاصم علی بن عمر بن خلیل بن علی فقیهی) متوفی بسال ۶۹۸ نیز شرحی برمفصل بنام « المقتبس فی توضیح ماالتبس » نگاشته و مطالب آن مقتبس از شروح مفصل میباشد و از آنجمله ابن محصل دیباجی است .

مجلّدات آن در فهارسیکه در دست نگارنده است نامی و نشانی نیافتم ، مؤلّف در مقدّمه تصریح نموده که این تألیف را به پیشگاه پادشاه دانشمند **شرف‌الدین عیسی** بن ملك‌العادل ابی‌بکر بن ایوب تقدیم داشته و درص ۱۱۵ ج ۵ شذرات‌الذهب درزیر مردگان سال ٦٢٤ نام این پادشاه را برده و گوید بسال ٥٧٦ در مصر متولد شده وقرآن را حفظ نموده ودرفقه عالم شده وجامع کبیر را درچند مجلّد شرح نموده و اشعار بسیار دارد و حنفی متعصبی بود ، هرکس که مفصل زمخشری را حفظ مینمود صد اشرفی وخلعتی باو جائزه میداد بدین سبب بسیاری آن کتاب را حفظ نموده‌اند ، واین شارح درست گفته که هیچکس را شایسته تر از ایشان ندیده که شرح خود را بوی تقدیم نماید .

شارح پیش ازشروع بشرح مفصل مختصری ازشرح حال زمخشری را نگاشته پس از آن بشرح خطبه پرداخته و در این شرح اقوالی ازتاج الدّین کندی متوفی بسال ٦١٣ و صدرالافاضل قسم بن حسین خوارزمی که بگفته کشف‌الظنون (ص٤٨٩ ج٢) بسال ٦١٧ مرده وسخاوی و ابوالبقا وسیبویه وجرجانی وسیرافی وابن‌جنی ومشاهیر دیگر آورده وشرحی بسیار روان وشامل مطالب سودمندی است وچون نام تاج الدّین را بالفظ ترحیم ذکر نموده وشرف‌الدین عیسی بسال ٦٢٤ مرده تألیف این شرح میان سال ٦١٣ و ٦٢٤ بوده است .

آغاز :(۱) شرح مافی‌الخطبة من‌الغریب افتتح رحمه‌الله خطبته بقوله‌الله احمد مقدّماً لاسم الله تعالی تبرکا واهتماماً علی‌عادة العرب فی‌تقدیم ماهوالا هم الخ .

(۱۰۰۰)

شرح مفصل (المحصل)

این‌نسخه بخط نسخ نوشته‌شده، اگر خط مؤلّف نباشداز آنعصر هم‌چندان دورتر نگارش نیافته،وتاابتداء شرح جواز حذف مبتدا یاخبر را دارا میباشد ، ورق نخستین آن افتاده واولین سطر موجودش اینست : کتاب المحصّل فی‌شرح المفصّل(این‌قسمت بالای صفحه نگاشته

(۱) چون ورق اول نسخه افتاده آغازاصل شرح پس ازبسمله بدست نیامد بدین سبب ماآغاز شرح را دراینجا آوردیم .

شده) ثم لم ازل اجوب به الی البلاد وانفق الطارد والتلاد واطلب عالماً یعرف قدر ماتحملته فی تحصیله الخ . برورقیکه پیش از برگ نخستین میباشد یادداشتهائی است .
جلد تیماجی . کاغذ قدیمی حنائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۳٦) صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . سمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۱) .

[٤۲۹] شرح شواهد سیوطی (عربی)

این کتاب که خصوصیّات نسخه آنرا زیراین سطرها مینگاریم مشتمل برشرح شواهد ابیاتی استکه درشرح سیوطی برالفیه ابن مالك (بهجة المرضیه) بآنها استشهاد گردیده ، بسیاری از مطالب وعبارات آنرا باعباراتی که از شرح شواهد عینی در حاشیه سیوطی های چاپ ایران نوشته شده مطابقه نمودم عین آن عبارات بود باحذف جملی از آنها ، بابراین توان این کتابرا « مختصری ازشواهد عینی » دانست باین معنی که آنچه از ابیات سیوطی در شرح خود برالفیه شاهد آورده در شروح چهارگانه(۱) ایکه عینی شواهد خودرا برای ابیات مستشهده در آنها ترتیب داده وجود داشته و این انتخاب کننده که نام آن درخود کتاب نیست و درجای دگر هم بدان آگاهی نیافته ایم بترتیبیکه ابیات در سیوطی قرار گرفته مختصرا آورده وخود کتابی مستقل گردیده است .

طرز کتاب اینست که شعر استشهاد شده را ذکر و گوینده آنرا در صورت امکان معین نموده و دربعضی موارد مقدم ومؤخر آنرا هم بیان نموده وپس از آن محل شاهد را نشان داده وگاهی بترکیب بیت هم میپردازد و درحدود (۲۵۰۰) بیت کتابت آنست .

---

(۱) کشف الظنون درص ۱٤۲ ج ۱ و ۷۱ ج ۲ نوشته که بدرالدین محمودبن احمد مشهور به عینی متوفی بسال ۸۵۵ شواهد شروح چهارگانه الفیه را (شرح ابن عقیل ، شرح ابن ناظم ، شرح ابن هشام وشرح ابن ام قاسم) جمع نموده و بسال ۸۰٦ شرح بزرگی برآن بنام «المقاصد النحویه فی شرح شواهد شروح الالفیه» نگاشته پس از آن برحسب خواست جمعی آنرا مختصر نموده وبنام آنرا « فوائد القلائد فی مختصر شرح الشواهد » نامیده (بسال ۸۱۷ تالیف آن تمام شده) وابن ام قاسم را شیخ شمس الدین حسن بن قاسم المرادی النحوی متوفی بسال ۷٤۹ معرفی کرده است .

آغاز : بسمله اقائلنّ احضروا الشهودا قاله رؤبه وقبله: اريت ان جأت به املودا مرجلاً ويلبس البرودا اقائلن الخ اريت اصله ارايت والا ملود بضم الهمزه الناعم والمرجلّ بالجيم المزيّن و قيل بالحاء المهمله وهو برد يصور عليه الرّحال والشاهد فی قوله اقائلن حيث ادخل فيه نون التأكيد وهو اسم الفاعل وهذا نادر الخ.

(۱۰۰۱)

شرح شواهد سیوطی

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از اواخر کتاب (چهار پنج ورق) افتاده ، ظاهراً نسخه ازقرن یازدهم هجری یادگار مانده ، پشت نخستین صفحه ابیاتی در بحور اشعار نگارش یافته ، بسال ۱۲۷۰ بنام شواهد سیوطی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده وبهمین نام براین کتابخانه وقف و در دفاتر آن ثبت شده ، اوراقی از اوائل واواخر نسخه وصّالی شده ، آثار مقابله وتصحیح برصفحات موجود ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی نوشته شده و آخرین سطر آن اینست :

(الحق بهمزتين الاولى للاستفهام والثانية همزة اداة التعريف وفيه الشاهد فانه) .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۲) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($12\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۸) .

[٤٣٠] **شرح شواهد مغنی اللبیب** (عربی)

جلال الدّین سیوطی که درص ۳۳۷-۳۳۸ بشرح حال وبیان مؤلّفات ایشان پرداخته ایم اشعاریکه ابن هشام درمغنی اللبیب بآنها استشهاد نموده گردآورده و پس از آن بشرح آنها پرداخته و درمقدّمهٔ همین شرح گوید در حاشیه ایکه بر مغنی اللبیب بنام « الفتح القریب » نگاشتم شواهد آنرا نیزشرحی مختصر کرده ام پس از آن برآن شدم که جداگانه درشرح شواهد کتابی سازم که مشتمل برتمام فصائدی باشد که یك بیت یاابیاتی از آن استشهاد گردیده وفوائد ولطائف دیگری برآن افزایم وشرح حال گوینده ومحل شاهد از آن بیت وبیان معانی کلمات مشکله آنها را متکفل باشد، چون بتألیف آن دست زدم دیدم که در حدود چهار مجلّد میشود واتمام

این کار بسیار طول خواهد کشید وخوانندگان ملول خواهندشد ، از بانجام رسانیدن آن گذشتم وطرزی میانهٔ شرح نخستین و شرح دوم بر گزیدم و در اینجا پس از اینکه بیتی را عنوان مینمایم بقیه ابیات آن اگر از ده نگذرد همه را می آورم واگر بیش از ده باشد ابیاتی که در این کتاب مؤلّف بآنها استشهاد نموده ویا از لحاظ ادبیّت وعربیّت ومحسنات لفظی و معنوی از دیگران پیشتر باشند می آورم وبشرح کلمات ولغات مشکلهٔ آنها می پردازم ومحل شاهد را هم معین مینمایم ومینگارم که این ابیات از کیست و شرح حال او چیست و در چه مورد و هنگام آن را سروده است .

مؤلّف درمقدّمه نیز مأخذ خود را نام برده وتا بآخر بهمین نهج که گفته بود پیش رفته و این مؤلّفهٔ او نیز گنجینه ای ادبی و بسی گرانبهاست و در حدود (۱۸۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۷۱ در ایران و بسال ۱۳۲۲ درمصر چاپ شده است(۱) .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی فتق السن العرب العاربه بالفصاحه الخ .

(۱۰۰۲)

شرح شواهد مغنی

این نسخه را بخط نسخ عبد العلی بن ملاّ علی زنوزی بسال ۱۲۸٤ نوشته ، عناوین ابیات دراوراق اوّلیّه باشنجرف نوشته شده و در اواخر جای آنها باز مانده وبرگ نخستین آن وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۵۲) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲٤٤) .

[٤۳۱] صرف منظوم = رساله درصرف (فارسی)

چنانکه در ص ۳۵۹ زیرشرح جامی شمارهٔ (۹۷٦) این فهرست گفته شد

(۱) در ص ۱۰۸۱ معجم المطبوعات نام این کتاب « الفتح القریب بشواهد مغنی اللبیب من کتب الاعاریب » ثبت شده ولی در خود این شرح این نام نیست تصور میکنم که نام حاشیه مؤلف که درمقدمه برده شده مؤلف معجم مذکور را بخطا انداخته است .

کتاب یا رساله ای در صرف بفارسی ضمیمهٔ آنست و بر وسط سرلوح زیبای آن نوشته شده : **رسالة فی الصرف**. مؤلّف مطالب مهمّه صرفی را که برای فارسی زبانان نوآموز، یادگرفتن آنها لازم است درتحت عناوین مختلفه بنظم آورده ومطالبیکه بیان آنها بنظم مقصود را چنانکه باید وشاید ادا ننمودهٔ چون صیغ افعال ماضی ومستقبل وغیره آنهارا بنثر بیان کرده ومؤلّف در آغاز وانجام نام خودرا نیاورده نگارنده هم باجستجو نگارندهٔ آن را نشناخت ، ازطرز تألیف وانشاء آن بایستی درقرن نهم تألیف شده باشد و کتابت آن در حدود (۲۵۰) بیت است .

آغاز : بسمله وبه ثقتی صرف اللسان نحو ثنائك اولی وعطف البیان الی نعت خاتم انبیائه اجزی یتنی گردانیدن آلت زبان بثنای خداوند جهان بهتر می آید وتافتن عنان بیان بنعت خانم پیغمبران سزاوارتر مینماید **تقسیم کلمات عرب :**

کلمات عرب سه قسم بود نامشان حرف وفعل واسم بود
همچو بالله اقسم ای فرزند بخداوند میخورم سوگند

(۱۰۰۳)

صرف منظوم رساله (فی الصرف) این نسخه بسال ۹۷۵ بخط نستعلیق محمدبن کمال الدّین حسین انصاری طسوجی نوشته شده وضمیمهٔ شرح جامی است کـه خصوصیّات آن را یاد نمودیم ، دارای یك سر لوح زیبا وصفحات آن مجدول بطلا وزنگار است .

خصوصیّات دیگر نسخه بشمارهٔ (۹۷۶) این فهرست درص ۳۵۹ همین مجلّد و شمارهٔ (۳۱۵٤) کتابخانه مراجعه شود .

[٤۳۲] **عوامل جرجانی = العوامل المائه** (عربی)

شیخ عبدالقادر نحوی جرجانی کـه از معاریف علماء علم ادب میباشد و در ص ۳۱٤ - ۳۱٦ همین مجلّد بشرح حال و معرّفی ایشان پرداخته ایم مؤلّف این کتابست و این مؤلّفه باکمال اختصاریکه دارد دارای فوائدیستکه در کتابهای بزرگ یافت نمیشود و بر آن شروحی بسیار بفارسی و عربی و ترکی بنظم ونثر نگاشته شده و برخی از آنها در ص ۱٤۰ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در

حدود (٤٠٠) بیت کتابت دارد وبسال ١٦١٧ م. درلیدن و ١٨٠٣ م. درکلکته و ١٢٤٧ درمصر چاپ شده است.

(١٠٠٤)

عوامل جرجانی (العوامل المائه)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده ، نویسنده نام خود وتاریخ نگارش‌را ننوشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری‌میباشد، درحاشیه اوراق نسخه ومیان سطرهای آن تعلیقاتی‌بفارسی در ترکیب و توضیح جمل کتاب نوشته شده است وضمیمه باوّل کتاب جمل همین مؤلّف استکه در ص ٣١٦ زیر شمارهٔ (٩٢٩) خصوصیّات آن بیان شد بدانجا یاکتاب شمارهٔ (٣١١٢) کتابخانه مراجعه گردد.

(١٠٠٥)

عوامل جرجانی (العوامل المائه)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمیمهٔ سوم مجموعه ایستکه بشمارهٔ (٣١١٣) دراین کتابخانه ثبت شده و هیچیك تاریخ ندارد ولی از قرائن پیداستکه دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است.

[٤٣٣] **عوامل ملامحسن** (عربی)

این کتاب تألیف ملاّ محسن فیض کاشانی است (محمّدبن مرتضی‌بن شاه محمود کاشانی ١٠٠٧-١٠٩١) که از مشاهیر علماء امامیّه و محدّثین و عرفاء قرن یازدهم هجری بوده‌اندودرص ٢٤ و٨٠ و١٣٤ و٣٢٣ و٣٣١و٣٣٣ و٣٣٥ و٣٥١ و٥٢٥ و ٥٤٩ ج ١ همین فهرست ده مؤلّفه ایشان را معرّفی کرده ایم.

بعضی تألیف این کتاب را به ملاّ محسن بن محمد طاهر قزوینی نسبت داده اند، از مطالبیکه صاحب قصص‌العلما در آخر شرح حال و مؤلّفات فیض نگاشته اند بطلان این نسبت واضح میشود و ایشان گویند که ملاّ محسن قزوینی فرزند محمد طاهر قزوینی‌استکه مؤلّف‌شرح الفیه ابن‌مالك درچهارجلدبنام « زینت‌المسالك » میباشد وعوامل ملاّ محسن فیض را تاآخر عوامل سماعیّه شرح کرده ومن(صاحب

قصص العلما) شرحی بفارسی در نه روز برعوامل فیض وشرحی برشواهد عوامل وبرفقرات چند بیتیکه درآخر مبحث عوامل سماعیّه آن کتاب میباشد نگاشته ام و آقای عبدالعزیز جواهر کلام در ص ۱۲۱ ج ۲ فهرست کتب خطی کتابخانه معارف نوشته اند که ملاّ محسن از اجداد طائفهٔ نحویّه قزوین بوده و دراواسط قرن دوازدهم هجری وفات یافته است وایشان نیز تصور نموده اند که عوامل ازاین ملاّ محسن قزوینی است ودرآن کتابخانه ترجمه وشرح شواهد آنرا بقلم عبدالرّزاق بن شیخ داود نشان داده اند .

عوامل ملاّ محسن فیض (همین کتاب) درضمن مجموعه ایکه بنام « جامع المقدمات » نامیده شده مکرّر چاپ شده واین نام (عوامل) درمقدّمه وخاتمهٔ آن نیست .

آغاز : بسمله احمدك یامن یرفع صالح العمل واصلّی علی نبیّك محمّد ص الخ .

(۱۰۰۶)

عوامل ملامحسن این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۳۷ نوشته شده ، درحواشی صفحات ومیان سطرهای آن تعلیقاتی بامضاء شرح ملاّ محسن ونظرعلی ودیگران وترکیب فارسی شواهد دیده میشود ، مراح الارواح وتعلیقه ای برآن که درهمین فصل ازآنها معرّفی میشود ضمیمه آنست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۲۲) . اوراق عوامل (۴۸) مختلف السطور . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۹) .

[۴۳۴] الفوائد الصمدیه = صمدیه (عربی)

این کتاب یکی از مؤلّفات شیخ بهائی است (بهاء الدّین محمّدبن حسن بن عبدالصمد حارثی جبائی عاملی ۹۵۳-۱۰۳۰) که ازمشاهیر علماء امامیّه وفقهاء اثنی عشریه بوده ودربیشتر ازعلوم ومعارف دست داشته ودرآن کتاب ورساله ای پرداخته وشیخ الاسلام ایران بوده و درنظر شاه عباس کبیر مقام ومرتبتی بزرگ داشته و موفق بتربیت دانشمندانی بسیار گردیده و در ص ۷۱ و ۱۱۷ و ۱۹۹ و ۲۴۸ و ۲۵۱ و ۳۷۷ و ۴۱۹ و ۵۰۲ و ۵۲۲ و ۵۶۹ و ۵۷۸ جلد اوّل فهرست یازده مؤلّفه ایشانرا معرّفی کامل کرده ایم .

این کتاب را برای برادرش عبدالصمد درنحو بنام « الفوائدالصمدیّه » تألیف و آنرا بر پنج حدیقه بدین تفصیل : (۱ ـ درمقدّمات . ۲ ـ در آنچه متعلّق باسم میباشد . ۳ ـ در آنچه متعلق بافعال است . ٤ ـ درجمل وتوابع آن . ٥ ـ درمفردات). تألیف نموده وبنام صمدیه مشهور گردیده وبر آن شروحی نوشته شده ازسه شرح آن درص ۳٥۳-۳٥٦ معرفی شد وجز آنها در فهرست کتب خطی معارف ج ۲ ص ۱۲۰ آقای جواهر کلام چهارشرح دیگر را هم نام برده اند .

الفوائدالصمدیّه از کتب مختصره ومفیدهٔ درعلم نحو میباشد ودرمیان آنانکه علم نحو را خواستار شده اند بسی مشهور ومکرّر بدون شرح وباشرح در ایران چاپ گردیده است.

آغاز : بسمله احسن کلمة یبتدء بها الکلام وخیرخبر یختتم به المرام حمدك اللّهم الخ .

(۱۰۰۷)

الفوائدالصمدیه این نسخه را بسال ۲۲۳ بخط نسخ نوشته اند ویا شرح تصریف که در ص ۳٤٦ معرفی خصوصیّات آن گردید دریك مجلّد میباشد خصوصیّات دیگر به کتاب شمارهٔ (۳۱٤٦) کتابخانه که زیرشمارهٔ (۱٦۲) دراین فهرست معرّفی گردیده ، مراجعه شود .

(۱۰۰۸)

الفوائدالصمدیه این نسخه را بخط نسخ‌تعلیق محمّد صالح بن محمّدرفیع طبیب رشتی بسال ۱۲٦۱ نوشته وباشرح صغیرصمدیه « الفوائدالبهیه» دریك مجلّدمیباشدبشمارهٔ (۳۱٤۷) کتابخانه مراجعه شود وخصوصیّات آنها درزیر شمارهٔ (۹۷۳) درصفحه ۳٥ گذشت .

[٤۳٥] کافیه ابن حاجب (عربی)

مؤلّف این کتاب که از مشاهیر کتابهای نحو میباشد ابن حاجب نحوی معروف استکه درص ۳۳۰ - ۳۳۲ همین مجلّد معرّفی ازایشان گردید واین کتاب بنام « مقدّمة فی النحو » نیز نامیده میشود ومؤلّف خود بر آن شرحی نوشته وبراین شرح حسن بن محمدالبوریني شافعی متوفی بسال ۱۰۳٤ شرحی نگاشته و نیزمؤلّف

کافیه را بنام « الوافیه » منظوم نموده و بر کافیه شروح و حواشی بسیار نوشته شده ، شمارهٔ زیادی از آنها را حاجی خلیفه درص۲٤۹ - ۲٥٤ ج ۲ کشف‌الظنون نام برده ، چندین شرح و حاشیهٔ آنرا در این جلد فهرست معرفی کرده ایم .

کافیه درحدود (٦۰۰) بیت کتابت دارد و نخستین بار بسال ۱٥۹۲ م. دررم ومکرّر درهند و روسیه و اروپا ومصر چاپ شده است .

آغاز : بسمله الکلمة لفظ وضع لمعنی مفرد وهی اسم وفعل وحرف الخ .

(۱۰۰۹)

کافیه

این‌نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود وسال‌نگارش را ننگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری ونزدیك بزمان ملاّ جامی متوفی بسال ۸۹۸ میباشد ، درحاشیه ومیان سطور نسخه مطالبی ازشرح جامی وابیاتی از این شاعر وتعلیقاتی از چلبی و ازشرح هندی (در ص ۲٥۰ ج ۲ کشف‌الظنون شهاب‌الدّین احمدبن عمرهندی متوفی بسال۸٤۹ شارح کافیه معرفی شده است) و از وافیه وبدون امضاء نقل شده ، سه ورق از اواخر نونویس و دو ورق اوّل واوراقی ازآخر وّصالی گردیده ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشتی بوده‌آنرا محو کرده اند وبرورقیکه پس از آخرین برگ کتابست یك رباعی درتعریف از قصر احمد بهمن شاه و یك دو بیت دیگر نوشته‌اند .

جلد میشن نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷٦) . صفحه ای (٥) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۰) .

(۱۰۱۰)

کافیه

این نسخه بخط نسخ محمّد تقی ابن حاجی باقر بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، درکنار بیشتر ازصفحات تعلیقاتی ازشرح جامی و بدون امضاء نگاشته شده ، پشت صفحه اوّل و آخر مطالبی متفرقه نگارش یافته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۹۳) . صفحه ای (٦) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ (٥ ■ ٥) . قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

(۱۰۱۱)

کافیه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح جامی وشرح گیپائی و بدون امضاء موجود و در آخر یادداشتی بسال ۱۲۶۰ عبدالصانع ابن حاج علی خونساری نوشته و مهر مربعی که سجع آن عبده محمّد صانع میباشد زیر آن زده شده ، ظاهراً اصل نسخه در قرن دوازدهم هجری نوشته‌شده، اوراقی از اوّل نسخه و برگ آخر آن و صالی گردیده و پشت آخرین ورق یادداشتهائی استکه یکی از آنها دارای تاریخ ۲۲۹ میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۱۲). صفحه ای (٦) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض(۱۲$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۱) .

(۱۰۱۲)

کافیه این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پس از آن شرح گیپائی برکافیه که درصفحهٔ۳٦۸همین مجلّد ازآن معرفی شد گذارده شده ، پشت صفحهٔ نخستین مطالبی بوده آنهارا محو کرده اند و یادداشت وقفیّت آن از طرف سپهسالار برجای آنها نگارش یافته است ، بایستی درقرن دوازدهم نوشته شده باشد .

خصوصیّات دیگر زیر شمارهٔ (۹۸۹) در صفحهٔ۳٦۸نوشته شده وبا ضمیمهٔ آن درکتابخانه دارای شمارهٔ (۳۱٦۳) میباشد .

(۱۰۱۳)

کافیه این نسخه بخط نستعلیق بدخطّی نوشته شده ، حاشیه ای از مصلح الدّین لاری برهدایه ضمیمهٔ آنست (ازاین حاشیه درفصل حکمت و لسفه معرفی میشود)، و نویسنده این نسخه اخیر که نیز نویسندهٔ نسخه پیشین میباشد محمودبن سلیمان است وسال نگارش را ننگاشته وطرز نوشتن میرساند کاتب ازترکان عثمانی بوده ، همین کاتب درحاشیه بیشتر ازصفحات آخر تعلیقات وحواشی بر کافیه را از دانشمندان نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۰) . صفحه‌ای (۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۲) .

[٤٣٦] مراح الارواح (عربی)

این کتاب ، مختصری درعلم صرف و بنا برتصریح در مقدّمهٔ آن تألیف **احمدبن علی بن مسعود** میباشد ، سیوطی در بغیه ذیل این نام گوید مؤلّف **مراح** بوده که مختصری در تصریف و کتابی مشهور است و بر شرح حال وی دست نیافتم(۱). وصاحب روضات درص ۵۱ ج ۱ احتمال داده اند که مؤلّف مراح همان احمدبن علی بن مسعودبن عبدالله معروف به **ابن السقا** باشد که بسال ۶۱۳ مرده وشاگرد ابن خشاب بوده ودربارهٔ وی نوشته اند (۲) که مردی ادیب وفاضل ودرنحو دستی نیکوداشته ولی سیره اش ممدوح نبوده است .

مؤلّف درمقدّمه نام این کتاب را « مراح الارواح » گذارده ، درحدود (۹۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۳۳ در آستانه و ۱۲٤٤ وسالهای دیگر درمصر چاپ گردیده ، بر آن شروح چندی نوشته‌شده ، بعضی درص ٤۱۵ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در ص ۳۷۱-۳۷۲ یکی از شروح آن معرّفی گردید و در ص ۹۰۶ معجم المطبوعات ذکر شده که شرح مراح تألیف شمس الدّین احمد معروف به دیکنقوز که از علماء قرن نهم هجری بوده وشرح ابن کمال پاشا بنام « الفلاح لشرح المراح » بسال ۱۳۰۹ چاپ شده است .

آغاز : بسمله قال المفتقر الی الله الودود احمد بن علی بن مسعود غفر الله له ولوالدیه واحسن الیهما والیه اعلم انّ الصّرف امّ العلوم والنحو ابوها الخ .

---

(۱) در حاشیه ص ۳۷٤ معجم المطبوعات نسخه ای از مراح الارواح که بسال ۸٤۰ نوشته شده دردارالکتب المصریه نشان داده شده ومؤلف آن فهرست‌روی آن‌حدث زده که بایستی مؤلف از دانشمندان قرن‌هشتم یانهم هجری باشدولی ازاین راه این‌احتمال بسیارضعیف است .

(۲) سیوطی ابن‌السقا را درذیل مؤلف مراح در بغیه نام برده و شرحیکه عبارات بالا ترجمهٔ آنست دربارهٔ وی نوشته واحتمال یکی بودن‌این‌دونفر را نداده است .

(۱۰۱٤)

مراح الارواح این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۵ نوشته شده ، ورق اوّل نونویس میباشد ، درحاشیه بعضی ازصفحات مطالبی از یکی از شروح آن نوشته شده ومقابله وتصحیح گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرك . شمارهٔ اوراق (۲۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۰سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۸) .

(۱۰۱۵)

مراح الارواح این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمن مجموعه‌ایستکه مشتمل بر چندین کتاب فارسی و عربی است وهیچیك تاریخ ندارد ، ظاهراً ازخطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد .

این مجموعه بشمارهٔ (۳۱۱۳) دراین کتابخانه ثبت گردیده است .

(۱۰۱٦)

مراح الارواح این نسخه بسال۱۲۳۷بخط نسخ نوشته شده ، درحاشیه بعضی از صفحات مطالبی از دوشرح مراح(المفراح و الملاح)و تعلیقاتی بدون امضاء یافت میشود وپس‌ازاین کتاب تعلیقات وحواشی ملاّ نظر علی جیلانی برعوامل ملاّ محسن ومطالب متفرقهٔ دیگر از او، یکی ازشاگردان وی در (۱۸) ورق در اواخر قرن سیزدهم نوشته وضمیمهٔ آنست .

خصوصیّات دیگر بشمارهٔ (۳۰۹۹) کتابخانه و شمارهٔ (۱۰۰٦) این فهرست در ص ۳۸۹ مراجعه شود .

[٤۳۷] **مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب** (عربی)

مؤلّف این کتاب که از کتابهای مشهور ومفید درعلم اعراب و نحو میباشد **ابن هشام نحوی** معروف استکه در ص ۳۰٦-۳۰۸ بشرح حال ومعرّفی ایشان پرداخته شد ، مؤلّف درمقدّمه تألیف آنرا بسال ۷۵٦ درمکّه معظمه پس‌از کتاب «الاعراب عن قواعدالاعراب» که در همین موضوع وهمین شهر بسال ۷٤۹ تألیف نموده معیّن کرده است .

طرز این کتاب چون کتب نحویّه متقدّمین و متأخرین نیست و مؤلّف آن را به هشت باب تقسیم نموده و مطالب آنرا باشواهد از آیات و اخبار و اشعار فصحا و بلغا توأم نموده ، بر آن شروح و حواشی زیاد نوشته شده ، مؤلّف کشف الظنون در ص ۴۷۳ - ۴۷۶ ج ۲ بسیاری از آنها را نام برده و ابن هشام خود برشواهد این کتاب دو شرح نوشته (کبیر و صغیر) و سیوطی را نیز بر آنها دو شرح است که در ص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرّفی کردیدو چون مغنی اللبیب مکرّر در ایران و مصر و هندوستان چاپ شده و از کتابهای بسیار مشهور و متداول میان دانشجویان و طلاب علوم ادبیّه میباشد بیش از این از آن معرّفی جاندارد .

در ص ۴۷۵ ج ۲ کشف الظنون نیز تذکر داده شده که شیخ شمس الدّین محمّدبن ابراهیم بیجوری متوفی بسال ۸۶۳ بنام « قراضة الذهب فی علم النحو والادب » وشیخ محمّدبن عبدالمجید الشافعی السعودی بسال ۹۶۱ بنام « دیوان الاریب فی مختصر مغنی اللبیب » مغنی اللبیب را مختصر کرده‌اند .

آغاز : بسمله قال شیخنا وسیّدنا ..... امّا بعد حمدالله علی افضاله والصّلوة والسّلام علی محمّد و آله واصحابه فانّ اولی ماتقترحه القرائح الخ .

(۱۰۱۷)

مغنی اللبیب

این نسخه بخط نسخ بسال ۹۰۵ نوشته شده ، در حاشیهٔ بیشتر از صفحات تعلیقاتی بدون ذکر مآخذ نگارش یافته و بقرینه جمله ایکه بهمین خط زیر آخرین سطر اصل کتاب نوشته نگارش تعلیقات بسال ۱۰۹۸ بوده (درنسخه چنین : ۱۹۸ نوشته شده است) ، برگ نخستین کتاب افتاده و سطر اوّل موجود اینست : و ترصیف و تتبعت فیه مقفلات مسائل الاعراب فافتتحتها الخ .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۲۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۷ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۲) .

(۱۰۱۸)

مغنی اللبیب — این نسخه را بخط نسخ محمّد امین نجفی بسال ۱۱۲۱ نوشته وفقط باب اوّل کتابست و در حاشیه برخی ازبرگها مطالبی ازشرح شمنّی نگارش یافته‌است .

جلد تیماج. کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۹٤) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۵سانتیمتر) . عرض (۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲٤۰) .

(۱۰۱۹)

مغنی اللبیب — این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود وسال‌نگارش را نبرده ، ظاهراً در قرن دهم یا یازدهم نوشته شده ، درآخر نسخه محمّد علی‌نام بخط شکسته نستعلیق بسال۱۱۸ چنین‌نوشته :(بنابررسم پیشینیان که‌صفررامیان‌اعداد نمیگذارده اند بایستی یا۱۰۱۸ یا۱۱۰۸ یا۱۱۸۰باشد)مالکیت نسخه‌را یادداشت‌نموده، منتخبی‌ازشرح‌شواهدسیوطی‌برمغنی که در ص ۳۸۵و۳۸٦ معرّفی آن گذشت (از این منتخب پس از این معرّفی میشود) ضمیمه این نسخه میباشد ، در حاشیه اوراق و برکاغذ هائیکه میان آنها گذارده شده مطالبی از دمامینی وشمنّی وغیره نقل گردیده ویادداشتهائی که ازمالکین نسخه، پشت‌ورق‌اوّل وآخر وبراوراقیکه پیش‌ازکتاب وپس ازآن سفید بوده ، نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۲۲۳). صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵سانتیمتر) . عرض (۱۷ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۵) .

(۱۰۲۰)

مغنی اللبیب — این نسخه را بخط نسخ محمّد عسکر بسال ۱۱۲٤ نوشته ، در حاشیه صفحات تعلیقاتی ازکتب نحووداشمندان بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته ، پشت برگ اوّل وآخر یادداشتهائی موجود است .

جلد میشن وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۹۰) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۵سانتیمتر) عرض (۱۸سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳٦).

(۱۰۲)

مغنی اللبیب — اصل‌این نسخه ظاهراً ازخطوط قرن نهم هجری بوده ، دست روزگار بسیاری از اوراق آنرا پراکنده نموده ، ظاهراً در

اوائل قرن سیزدهم هجری اوراق گمشدهٔ آن نگارش یافته وبآن ضمیمه شده ، نام نویسنده و سال نگارش در آن نیست ، پشت ورق اوّل یادداشتی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲٤) . صفحه ای (۲۰و۲۳) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۰ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۹) .

(۱۰۲۲)

مغنی اللبیب این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، یادداشتی بتاریخ ۱۲٤۱ برکاغذ یکه پیش ازورق اوّل نسخه است نوشته شده و پشت ورق اوّل نیز یادداشتهائی موجود است ویکی از آنهارا محو کرده اند ، بایستی نسخه را نیز درقرن سیزدهم نوشته باشند ودر حواشی صفحات اوراق اولیّه تعلیقاتی بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۵۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲٤ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۳) .

(۱۰۲۳)

مغنی اللبیب این نسخه بخط نسخ میباشد ، ظاهراً درقرن دوازدهم نگارش یافته ، برگ آخر کتاب افتاده بوده بسال ۱۲٦۲ نوشته شده ، پشت ورق نخستین یادداشتهائی موجود ، کهنه ترین آنها که دارای تاریخ میباشد سال ۱۲۳۱ را داراست ، درحاشیه بیشتر ازصفحات تعلیقاتی از شروح این کتاب وغیره نگاشته شده ومحتاج بصحافی است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳٤) .

[٤۳۸] مفصل (عربی)

این کتاب تألیف جارالله زمخشری وچون مؤلف ازمعاریف کتب نحو میباشد (درص ۱۵۸-۱٦۰ ج۱ فهرست مختصری ازشرح حال زمخشری ذکر گردیده ودرص ۱۱-۱٤

همین مجلّد زیر عنوان اطواق الذهب ایشان را نیز معرّفی کرده‌ایم) صاحب کشف الظنون در ص ۴۸۸ - ۴۹۰ ج ۲ گوید در رمضان ۵۱۳ تألیف آن شروع و در غره محرم ۵۱۴ خاتمه یافته وشروح این کتاب وچند نفر را که باختصار آن مبادرت نموده و یا آنرا نظم بسته و یا برشواهد آن شرح نوشته‌اند نام برده وخود مؤلّف نیز آنرا مختصر نموده **وانموزج** نامیده است.

مفصّل مکرّر در مصر و اروپا و هندوستان چاپ گردیده و ترتیب آن بدینگونه است: **قسم اول** دراسماء. **قسم دوم** درافعال. **قسم سوم** درحروف. **قسم چهارم** درمشترکات میان اسم وفعل وحرف (در این قسم از اماله، وقف، قسم، تخفیف همزه، التقاء دوساکن ونظائر اینها که مشترك میان هرسه یا دوتای از اقسام کلمه میباشد ذکر گردیده است).

آغاز: بسمله (۱) احمدالله علی ان جعلنی من علماء العربیّه وجبلنی علی الغضب للعرب والعصبیّه و ایّ لی ان انفرد عن صمیم انصارهم الخ.

(۱۰۲۴)

مفصل این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۹۶ معصوم بن ابراهیم الخادم الحسینی برای فرزند خویش نوشته، درحاشیه صفحات اولیّه تعلیقاتی از اقلید وموصل که دوشرح مفصل اندو بدون امضاء وذکر مأخذ، نگارش یافته، برسه‌ورق کاغذ ننوشته ایکه در آخر کتاب بوده رساله‌ای مختصر در محل اعراب جمله بعربی بدون تصریح باسم منتشی آن ونسخهٔ ساختن مرکّب، بدوطریق، نگاشته شده ویادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده است.

جلد میشن مذهب. کاغذ سمرقندی. وافق سیهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۹۳). صفحه‌ای (۱۴) سطر. طول ($19\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۰).

[۴۳۹] **منتخب شرح شواهد سیوطی** (عربی)

شرح شواهد سیوطی را بر مغنی درص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرّفی نمودیم، یکی ازعلماء قصائدیکه به یك یا چند بیت آن در مغنی استشهاد شده، وسیوطی آن قصیده را

(۱) درنسخه این کتابخانه پس از بسمله این جمله است: قال جارالله الامام الزاهد العلامه استاد الافاضل (الزمان خ د) شیخ العرب والعجم فخر خوارزم ابوالقاسم محمودبن عمر الزمخشری رضی الله عنه احمدالله الخ.

در شرح شواهد خویش نقل نموده (این انتخاب کننده که نام خود را در این منتخب نبرده) باتصریح باینکه محل شاهد درمغنی کدام بیت و کدام کلمه بوده از آن شرح مذکور انتخاب کرده و پس از آن مجدداً تجدید مطلع نموده و شواهد مغنی را موافق ترتیب آنها در آن کتاب باتذکر باینکه این بیت از قصیده یا غیر قصیده میباشد نقل نموده و پس از این ، فهرست ابیات شواهدیکه از قصائد شعراست با نام گوینده آنها معیّن کرده وجزجمع و ترتیب از خود تصرفی در آن ننموده واین کتاب بادوضمیمه ایکه دارد در حدود (۲۶۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله شواهدالهمزه طربت وماشوقاً الی البیض اطرب. هذا مطلع قصیدة للکمیت یمدح بها اهل البیت علیهم السّلام وبعده ولاالعباً منّی وذوالشیب یلعب الخ.

(۱۰۲۵)

منتخب شرح شواهد سیوطی این نسخه که ظاهر آنسخه اصل ومنتخب آن همان نویسنده آنست ضمیمه مغنی اللبیب شمارهٔ (۳۲۳۵) این کتابخانه میباشد که درص ۳۹۶ خصوصیّات آنرا زیر شمارهٔ (۱۰۱۹) این فهرست ذکر نمودیم .

[٤٤٠] یائیه ابن کمال پاشا ترکی)

این رساله در اقسام یاء زائده ایستکه در آخر کلمات فارسی یافت میشود ، مؤلّف درمقدّمه نام خودرا نبرده، دریکی ازضمائم کشف الظنون چاپ فلوگل این کتاب یارساله بنام یائیّه ضبط گردیده و به **ابن کمال پاشا** نسبت داده شده ، در کشف الظنون نام آنرا نیافتم، ضمیمه بودن بادقائق الحقائق این مؤلّف که درص ۲۵۹-۲۶۱ معرّفی وشرح حال مؤلّف آن گذشت وشباهت کامل انشاء این نسبت راتأیید مینماید.

مؤلّف درمقدّمه گوید : (۱) درمحفلی حاضر بودم بحث از یاء زائده درآخر کلمات فارسی بمیان آمد ، یکی ازحضّار آنرا منحصر در پنج قسم میدانست یکی از آن معانی را رد کرده و گفتم که انحصار در این اقسام که گفتی ندارد ، درهمان

(۱) مطالب مقدمه را دوست دانشمند آقای جلال محدث ارومی که از فارغ التحصیلهای سال (۱۳۱۷) حوزه علمیه میباشند ترجمه نموده ونگارنده را متشکر کرده‌اند.

هنگام ده مورد از موارد اصلی یاء زائده را باشواهد ازاشعار فصحا بیان نمودم، از من خواستار شدند که در این موضوع نگارشی نمایم. بخواست آنها بتألیف این مختصر پرداخته و پس از تمهید مقدّمه ای ادیبانه اقسام اصلی یاء زائده را باشعبات آن به بیست قسم رسانیده و یك بیك را بیان و باشعار شعرای بزرگ فارسی زبان استشهاد کرده و در دیباچه تفاخر نموده و گوید همانقسم که زمخشری فائق را در مکّه معظّمه بیرون آورد وخطاب به اعراب کرد و گفت بیائید و لغت خود را از مردی غیر عرب گیرید من نیز بفارسی زبانان میگویم که بیائید لغت و قواعد زبان خویش را ازمن یاد گیرید (ازاین عبارات معلوم میشود که طرف صحبت وبحث وی در آن محفل ایرانی بوده است).

این کتاب یارساله درحدود (٦٥٠) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بوصحایف پرلطایفك تسویدنه داعی و باعث مضمون مکنوننده الخ.

(١٠٢٦)

بائیه ابن کمال پاشا

این نسخه بخط نستعلیق بسال ٩٧١ نوشته شده، ضمیمهٔ دقائق الحقائق میباشد که درص ٢٦١ خصوصیّات آن گذشت درابتداء این نسخه نیزیك سرلوح کوچکی است، خصوصیّات دیگر آن به کتاب شمارهٔ (١٠١) کتابخانه که زیر شمارهٔ (٨٨٧) دراین فهرست معرّفی شده مراجعه شود.

معانی و بیان و بدیع

[٤٤١] انوار الربیع فی انواع البدیع (عربی)

این کتاب شرح بدیعیّه سیّد علیخان کبیر میباشد که درص ٢٠٤ - ٢٠٩ معرّفی کامل از ایشان شد، و این کتاب از معاریف کتب در این فن است، شارح بسال ١٠٧٧ در دوازده شب قصیده‌ای در مدح حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلّم در ١٤٧ بیت انشاء نموده و آن قصیده مشتمل بر ١٥٣ نوع از صنایع بدیعیّه میباشد و در هر یك از ابیات که مشتمل بر صنعتی است نام آن نوع تصریح گردیده.

سیّد خود بشرح این قصیده بدیعیّه پرداخته و نام آنرا «انوار الربیع فی انواع البدیع» گذارده و در ذیل هر یك از ابیات بشرح و بسط کامل آن مبادرت کرده و به ابیاتی از شعرا و ادباء معروف استشهاد نموده و در بعضی از موارد شرح مختصری از سیره و تاریخ آن شاعر نگاشته و در حقیقت این کتاب را مجموعه ای ادبی یا گلستانی که گلهای آن همیشه تازه و معطّر میباشد، باید دانست.

در مقدّمه آنهائیکه پیش از ایشان بدیعیّه تألیف و یا انشاء کرده اند نام برده شده و زیر شرح بیت مطلع آن، مطالع سابقین را نقل نموده است.

درص ١٩٠ ج ١ کشف الظنون تاریخ پیدایش و تنظیم علم بدیع و مؤلفین در این موضوع نام برده شده و انوار الرّبیع بسال ١٣٠٤ درهند و ١٣٠٤ نیز در طهران چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمد لله بدیع السموات و الارض و الصلوة علی نبیّه و آله الهادین....

حسن ابتدائی بذکر جیرة الحرم له براعة شوقی یستهل دمی الخ.

(۱۰۲۷)

انوار الربیع این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۲۴۴ عبدالله خونساری بخواست یکی از بزرگان که او را سمی امام کاظم ع معرّفی نموده نوشته ، ودرهمین‌سال محمدکاظم‌بروجردی بر کنار برگ دوّم تملك خویش را یاد داشت کرده اند ، بنابراین‌برای‌ایشان بوده ، عناوین باشنجرف‌نگاشته شده و برگ آخرو صالی گردیده است .

جلد میشن ضربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۲۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰سانتیمتر) . عرض (۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۴۸) .

[۴۴۲] حاشیه چلبی بر مطول (عربی)

مطول شرح بزرگ‌تفتازانی بر تلخیص‌المفتاح خطیب‌قزوینی است که درهمین فصل از آن معرّفی خواهیم نمود ، یکی ازحاشیه ها و تعلیقاتیکه بر آن نوشته شده حاشیهٔ زیرین وازچلبی است (حسن بن محمّد شاه بن محمّد بن حمزه الفناری الچلبی(۱) ۸۴۰—$\frac{۸۷۹}{۸۸۶}$) (۲) که ازعلما وزهاد قرن نهم هجری بوده و عمر خویشتن را میان علم وعمل‌تقسیم نموده ومردی منصف بوده ، چون حاشیه‌ای بر تلویح تألیف کرد، ومقدّمه آنرا بنام‌سلطان بایزیدبن‌سلطان محمّدموشح‌نمود، مورد غضب سلطان محمّد واقع گردید ولی چون از مصر بر گشت نسبت بوی مهربان شدو تدریس در یکی دومدرسه‌رابدوبر گزارنمود وپس از آن‌سلطان‌بایزیدروزانه‌هشتادوهم برای‌ایشان معیّن‌نمود ودیگرازمؤلّفات او حاشیه‌ای بر مختصر تفتازانی و حاشیه بر تفسیر بیضاوی

(۱) درص ٦٤ الفوائد البهیه نوشته شده که سخاوی در «الضوء اللامع» این دانشمند را نام برده و گوید چلبی یعنی آقا و او را فناری گویند بدین مناسبت استکه یکی از اجداد او برای پادشاه روم فنرهائی هدیه آورده و پادشاه چون میخواست از او سئوال کند میگفت فنری کجاست وصاحب معجم المطبوعات گوید در یکی از مؤلفات خطی وی که بسال۸۷۳ نوشته شده نام او را چنین : (ملاحسن الفنری) یافتم .

(۲) این شرح با مراجعه به ص ۲۰۸ ـ ۲۱۱ شقائق ، ص ۷۵۷ و۷۵۸ معجم المطبوعات، شذرات‌الذهب ج ۷ ص ۳۲٤وص ٤٦ الفوائدالبهیه فی‌طبقات‌الحنفیه و کشف‌الظنون نوشته شد و فقط در شذرات وفات وی بسال ۸۷۹ ثبت گردیده است .

وحاشیه برشرح مواقف سیدشریف جرجانی‌است وجزحاشیه مختصروحاشیهٔ تفسیر بیضاوی او مؤلّفات دیگروی چاپ شده است .

این‌حاشیه مطول‌مشتمل برفوائد بسیاری میباشد دانشمندان ودانشجویان بانظر اهمیت بدان نگاه مینمایند ، و در حدود (۱۹۵۰۰) بیت کتابت دارد و برمطالب مشکله هرسه قسمت (معانی وبیان وبدیع) مطول تعلیق گردیده ودرحاشیه مطول ومستقلاً مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرح صدور ارباب الاذهان لایضاح معان‌الکلمه بیدیع البیان . . . . . قوله الحمدلله‌الذی‌الهمنا . . . . الاقرب الی‌الفهم ان‌المراد بالالهام فی‌هذ المقام الخ .

انجام: قوله والتّذکر للاحکام المذکورة فی‌علمی‌المعانی والبیان انما لم یتعرض للبدیع لکونه خارجاً عن‌البلاغه .

(۱۰۲۸)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه را بخط نسخ حافظ مصطفی القونوی بسال ۱۰۵۸ نوشته وازدیباچه تاآخر کتابست ، صفحات باشنجرف جدول کشی شده ، آبدیده ولی خطوط آن ضایع نشده وبرخی از برگهای آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۳۹۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض(۱۰½-۱۴سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۰) .

(۱۰۲۹)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق علی‌بن احمد سینکی رازی بسال ۱۰۱۳ نوشته ، دیباچه را ندارد ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشت هائی‌مالکین‌مختلف که بیشتر آنها پدروپسربوده‌اند بخط خود باتاریخ ومهرنگاشته اند وبیشتراز اوراق دارای حاشیه‌ای ازخود چلبی بر این حاشیه است .

جلد تیماجی وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲-$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۱) .

(۱۰۳۰)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده وسال نگارش نگاشته نشده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم ونگارندهٔ آن هندی میباشد ، برگ نخستین نونویس ونیز دیباچه را ندارد .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۶۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۲) .

(۱۰۳۱)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۷۵ بکتابخانه اعتضاد السلطنه درآمده وپشت نخستین صفحه یادداشت گردیده ، صفحات بجدول بطلا ولاجورد میباشد ، برکنار اوراق حاشیه هائی وجود دارد ، دیباچه را نیز ندارد وعبارات مطول باشنجرف است .

جلد رو پارچه و داخل نرکس روغنی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۷۲) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر) . (عرض ۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۳) .

(۱۰۳۲)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، فقط قسمتی از اول این حاشیه میباشد (اوائل حاشیه تا حواشی شرح دیباچه تلخیص المفتاح) ورق اول آنهم افتاده ونخستین سطر نسخه اینست : (والبدیع علم البیان فیجوز ان یکون دقائق الخ) وآخرین سطر نسخه این : (ولما کان الحمل مفیداً فی الفن الثانی والثالث لبعد العهد اجری الفن الاول مجراهما سوقاً للفنون الثلاثه علی نسق واحد و) . ظاهراً نیز از خطوط قرن سیزدهم است .

جلد ندارد - کاغذ آبی فرنگی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٣٢) . صفحه ای (٢٣) سطر. طول (٢١سانتیمتر) .عرض (١٧سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣٩٧٤).

[٤٤٣] حاشیه حامد بر خطائی (عربی)

این حاشیه برحاشیهٔ خطائی برمختصرتفتازانی است که از هردو کتاب دراین فصل معرّفی خواهیم نمود ، محشی خودرا حامدبن برهان بن ابی‌ذرالغفاری معرّفی نموده، در کتب سیروفهارس‌موجوده، این‌مؤلّف‌ومؤلّفه‌را نیافتم ، چنانکه‌خواهیم دید خطائی در نخستین سال قرن دهم مرده و حاشیهٔ او در این قرن زیاد مورد بحث بوده وبرآن حواشی نوشته شده و نسخه زیرین بسال ١٠٢٧ نگارش یافته و نویسنده مؤلّف را بدینگونه : (تمت هذه‌الحاشیة التی صنّفها الفاضل الکامل حامدالغفاری فی‌حاشیة‌خطائی‌بعون‌الملک‌الغفاری .) معرّفی نموده وازطرزبیان وی استفاده میشود که تاهنگام نگارش‌این‌نسخه (اوائل قرن یازدهم)زنده بوده ومسلّم اینستکه‌ازدانشمندان‌قرن‌دهم‌هجری بوده‌وچنانکه‌دردیباچه مختصرهمین‌حاشیه گفته تألیف آن دردوهفته بوده واشاره‌نموده پیش‌ازاین‌نیزحاشیه‌ای برحاشیه‌خطائی بر مطول‌نوشته و درآن خطائی‌را تأییدومیرسید شریف‌رارد کرده‌است .

این‌حاشیه‌حامدچون حاشیه خطائی برمطالب خمس‌اول مختصرتفتازانی است .

درص٥٨ ج٣ فهرست‌رضویه حاشیه‌ای برحاشیه خطائی (بنابرتصریح‌درمقدمه آن) به **حامد** نسبت داده شده وآغاز آنرا : الحمدلله‌المنزه عن‌تنزیه المتنزهین الخ وانجام آنرا : ان‌الوضع‌فیها تعیین بالقرینه لاتعیین‌بنفسه‌فتامل‌تمت . معین‌نموده ودر ذیل آن گفته‌شده‌احتمال‌دارد که‌حامدهمان‌حمیدالدین **بن** افضل‌الدین‌الحسین‌مذکور درکشف‌الظنون‌باشد . ولی‌محتمل‌استکه این‌احتمال‌دراثر تصور تحریف نام محشی بوده‌وچنانکه‌دانستیم‌پدرحامد بنابرتصریح‌خود او **برهان‌بن‌ابی‌ذرغفاری** بوده‌است وچون آغاز این نسخه بانسخه مدرسه مختلف است اگراحتمال ماهم چون‌احتمال مؤلّف فهرست رضویه نباشد حاشیه حامد برحاشیه خطائی برمطول‌استکه درمقدمه

حاشیهٔ برخطائی مؤلّف بدان تصریح نموده‌است.

این حاشیه حامد درحدود (۲۳۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: حامداً مصلیا مستمسکا بلطفه العمیم وبعد فیقول المتکل علی‌الله الباری حامدبن برهان بن ابی‌ذر الغفاری جعل‌الله سعیه سعیاً مشکورالخ.

(۱۰۳۳)

حاشیهٔ حامد بر خطائی

این نسخه بخط نسخ بسال۱۰۲۷ نوشته شده، حاشیه ملا عبدالله یزدی که نیز برخطائی میباشد و درهمین فصل از آن معرّفی میشود ضمیمه آنست، برورق دوّم بنام حاشیه خطائی براین کتابخانه وقف گردیده پاره‌ای از برگها چرك شده و موریانه بعضی را سوراخ کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۶). این نسخه (٥٦). صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹٦٥).

[٤٤٤] حاشیه خطائی یا خطابی (عربی)

برمختصر تفتازاني

حاشیه خطائی (خطابی) مشهور ترین حواشی برشرح مختصر تفتازانی بر تلخیص المفتاح میباشد، درکشف الظنون تصریح گردیده که این حاشیه فقط براوائل مختصر میباشدومؤلّف آن نظام الدّین عثمان خطابی متوفی بسال ۹۰۱ استکه نیز حاشیه‌ای برمطول دارد(۱) و آغاز حاشیه مختصر اینست: لك اللهم الحمد والمنه الخ. و در ص ٤٨٤ ج ۲ گوید که برشرح سید شریف برمفتاح حاشیه ها نگاشته شده، از آنها یکی حاشیهٔ مولانا زاده خطائی است که اول آن اینست: لك اللهم الحمد والمنه الخ. نسخه هائیکه از حاشیه خطابی بر مختصر در دست میباشد آغاز آن چنانستکه زیراین سطرها می آوریم و آغاز یکه مؤلّف کشف الظنون برای این حاشیه

(۱) نسخه‌ای ازاین حاشیه در کتابخانه مدرسه مروی درطهران موجود و آغاز آن اینست: لك الحمدوالمنه وعلی رسولك وآله واصحابه الصلوة والسلام والتحیه افتتح کتابه بعدالتیمن بالتسمیه الخ.

نقل نموده آغاز حاشیه مولانا زاده خطائی برشرح مفتاح سید شریف استکه نسخهٔ خطی آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران میباشد و در ص ١٤٦ ١٤٧ ج ١ فهرست آصفیه تذکر داده شده که حاشیهٔ مولانازاده دوبار بسال ١٢٥٦ و ١٢٦٥ در کلکته چاپ شده است .

درص ٢ ج ٨ شذرات الذهب نوشته شده که درحدود سال ٩٠١ شهاب الدّین احمدبن عثمان مشهور به منلازاده سمرقندی خطابی که امام و علاّمه وفقیه وقاری عالی السند بوده وفات یافته و او را کتابی درجمع میان کتاب هدایه ومحرر (این دو کتاب ازمعاریف کتب فقه شافعی وحنفی میباشد، بهصفحهٔ ٣٩١و٦٤٧-٦٥٤ ج٢ کشف الظنون مراجعه شود) و شرح هدایه درحکمت است وخطابی منسوب به خطاب جدّ اوست .

وجز این خطابی دیگری را در کتب سیر بدین نام یابنام خطائی نیافتم و در فهرست آصفیه وفات همین خطائی را بسال ٩٠١ ثبت کرده است .

درص ٥٧ ج ٣ فهرست رضویه زیرعنوان این حاشیه نوشته شده : ازنظام الدّین عثمان خطابی باباء موحده چنانکه در کشف الظنون است یاازجلال الدین او بهی از تلامذه مولانا سعد تفتازانی است چنانکه معروف است واورا خطائی باهمزه گویندولی آنچه در کشف الظنون آورده اقرب به قبول است واوبه قریه ایست ازتوابع هراة .

در فهرست آصفیه نظام الدین عثمان را خطائی باهمزه معرّفی نموده بهرحال این حاشیه عتمان خطائی یاخطابی برتمام مختصر نیست وتامبحث تعریف مسندالیه بضمیر(١) (تقریبا پنج یك مختصر) را بیشترحاشیه ننگاشته و در حدود (٢٥٠٠) بیت کتابت دارد .

در ص ١٤٦ و ١٤٧ ج ١ فهرست آصفیه نسخه ازاین حاشیه خطائی که بسال ١٢٥٦ درکلکته چاپ گردیده نشان داده شده و در ص ٦٩ ج ٣ فهرست رضویه

(١) آخرین حاشیه خطائی براین جمله ازمختصراست : وقدیترك الخطاب مع معین . که درشرح این جمله ازتلخیص المفتاح میباشد : و اصل الخطاب ان یکون لمعین و قدیترك الی غیره الخ .

نسخه ای از این حاشیه که بسال ۱۲۸۶ نیز در هندوستان چاپ شده نشان داده شده است .

برحاشیه خطائی برمختصر حاشیه ای از ملاّ عبدالله یزدی وحاشیه ای از حامد غفاری است که در ص۴۰۵-۴۰۶ و۴۱۱-۴۱۳ این فصل نام برده شده و میشود .

آغاز: بسمله نحمدك اللّهم علی ما اعطیتنا من سوابغ النعم وبوالغ الحکم . . . . قوله نحمدك، آثر الحمد علی الشکر لان الحمد یعمّ الفضائل والفواضل الخ .

(۱۰۳۴)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق در مدرسه خواجه تاج الدین حسین در کاشان نوشته شده، پیش از این حاشیه، حاشیه ای برشرح کتابی در کلام بخط همین نویسنده که بسال ۱۰۰۹ نوشته شده موجود و از آن بیاری خداوند توانا درجلد سوم فهرست معرّفی خواهد شد ، درحواشی صفحات تعلیقاتی ازحامد وملاّ عبدالله نگاشته شده است .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۴۳) این نسخه (۷۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۴).

(۱۰۳۵)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۳ نوشته شده ، براوراق اولیّه تعلیقاتی از ملاّ حامد نگاشته اند ، اوراق آن آبدیده ولی خطوط محونگردیده وبنام حاشیه برخطائی ثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۱۰) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۳).

(۱۰۳۶)

حاشیه خطائی این نسخه را بخط نسخ خوب، محمد مؤمن قائنی بسال ۱۰۹۹ نوشته ، برکنار صفحات تعلیقات ملاّ حامد وملاّ عبدالله یزدی براین حاشیه نگاشته شده و حاشیه ملاّ عبدالله برخطائی را که پس از این معرّفی

خواهد شد همین نویسنده بسال ۱۰۹۷ نوشته و در این مجلّد پس از این حاشیه (حاشیه خطائی) گذارده شده .

پشت نسخه و در دفاتر کتابخانه بنام « حاشیه خطائی برمطول » وقف وثبت شده است .

جلد مقوائی‌دورتیماج. کاغذ کاهی . واقف سپهسالار. قطع وزیری . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۸۶) . این نسخه (۹۳) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۱) .

(۱۰۳۷)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است ، برگ اوّل‌ودوبرگ از آخرنونویس ، درائر آبدیدگی بعضی ازاوراق ضایع شده ومحتاج ترمیم ووصّالی میباشدودراین کتابخانه بنام حاشیهٔ میربرمطول وقف وثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۰۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۷ سانتیمتر) . عرض (۱۰سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۳) .

[٤٤٥] **حاشیه زیباری برشرح سمرقندیه** (عربی)

این حاشیه بنابتصریح درمقدّمه ازحسن بن محمّدزیباری(۱) برشرح عصام‌الدّین اسفراینی بر رساله استعارات سمرقندی (الفرائد والفوائد = سمرقندیه) استکه پس از این معرّفی از آن شرح خواهد شد ، پشت نخستین صفحهٔ نسخهٔ زیرین و درآخرآن نویسنده در هنگام درس گرفتن آن،تعلیقات و حواشی براین حاشیه نگاشته وتصریح نموده که این حاشیه معروف به « **ملا حسن** » میباشد .

درمعجم المطبوعات نام این حاشیه ومؤلف آن نیست و در فهرست هائیکه زیردست نگارنده است فقط در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۱۸۹) نسخه ای

(۱) در کشف‌الظنون (ج ۲ص۱۷۹) زیرعنوان « فرائد الفوائد » که همان رساله استعارات سمرقندی‌است که بنام «سمرقندیه» معروف گردیده ، نام این‌حاشیه ومحشی آن بدون ذکر تاریخ‌تالیف یاوفات مؤلف ثبت‌است ومؤلف‌صریحاً برای‌این رساله نامی‌نگذارده فقط گوید: **فنظمت فرائد عوائد** . وعصام‌الدین در شرح آن گوید : تیکوئی‌اضافه فوائددراین کتاب به عوائد مخفی‌نباشد ولی‌اگر گفته بود فرائد فوائد هرآینه بهتر میبود . و حاجی خلیفه این تسمیه بهتررا در کشف الظنون ذکرنموده است .

از این حاشیه که بدون تاریخ کتابت است نگاشته شده موجود، در آنجا از زمان مؤلّف معرّفی نشده ولی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم بوده و در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی خلق الانسان علّمه البیان وجعله ذریعة الی معرفة دقائق القرآن الخ .

(۱۰۳۸)

حاشیه زیباری بر شرح سمرقندیه

این نسخه را محی‌الدّین بن عبدالحی بسال ۱۱۰۷ هنگامیکه پیش استاد بخواندن آن مشغول بوده بخط نسخ نوشته ، تعلیقاتی از کاتب و ملاّ عبدالله کردی الحسینی و خان احمد حریری بر شرح عصام الدّین و بر همین حاشیه نگاشته شده ورق اوّل و آخر و صالی گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۴۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۰) .

[۴۴۶] حاشیه سمرقندی بر مطول و بر (عربی)

حاشیه میر سید شریف

این حاشیه بنابر تصریح در دیباچه تألیف ابوالقاسم بن ابی بکر لیثی سمرقندی بر مشکلات مطول بر حاشیه میرسید شریف میباشد و آنرا بنام امیر کبیر امیر علیشیر نوائی موشح نموده و نیز تصریح نموده که این مؤلّفه نخستین اثر اوست و در آخر فراغت از تألیف را بسال ۸۷۵(۱) معین مینماید ، بدین نام در دانشمندان این قرن در روضة الصفا و حبیب السیر و کتابهای دیگر دانشمندی را نیافتم ، در فهرست دار الکتب ج ۲ ص ۲۰۲ زیر نام سمرقندیه که همان رساله استعارات یا فرائد العوائد(۲)

(۱) وقع الفراغ عن جمع هذه الفوائد و نظم هذه الفرائد و ضبط ما افتتحت له موارد الشهرفی ظلم الدیاجر واحتمات له مکاید الفکر فی ظلماء الهواجر فی یوم الاربعاء التاسع عشر من خامس عشر الثامن من تاسع مائی سنی الهجرة والحمد لله علی نعمه العظام ومنحه الجسام والصلوة علی نبیه محمد واصحابه الغرة الکرام ومن تبعهم الی یوم القیام .

(۲) بحاشیه شماره (۱) در صفحه ۴۰۹ مراجعه شود وعصام الدین اسفراینی بر این کتاب ترجمی نگاشته و در ص ۴۲۳ از آن معرفی میشود .

میباشد، نوشته شده تألیف ابوالقاسم بن ابی‌بکر اللیثی السمرقندی استکه از علماء نیمهٔ دوّم قرن نهم هجری بوده است .

صاحب کشف‌الظنون درص ٣٢٤ ج ١ در ذیل « تلخیص‌المفتاح » نام این حاشیه و محشی آنرا برده ولی سال وفات وزمان او را معیّن نکرده است .

محشی در این حاشیه داد اطلاع و استعداد خود را داده و در آن نقلهای بسیاری از کتب ودانشمندان سابق دارد ودارای مطالبی سودمند میباشد، درحدود (١٠٥٠٠) بیت کتابت‌دارد، فقط حاشیهٔ برمعانی و بیان است و پاره ای از مطالب این حاشیه درحاشیهٔ بعضی ازچاپهای مطول چاپ شده است .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی انعمنا بتلخیص دقائق‌المعانی والبیان الخ .

(١٠٣٩)

حاشیه سمرقندی برمطول و حاشیه میرشریف

این‌نسخه چنانکه پشت صفحهٔ نخستین سید علیخان کبیر (علی صدر الدّین بن احمد نظام الدّین) بخط خویش نوشته اند باسر ایشان نوشته شده ، تاریخ تحریردرخود نسخه واین‌یادداشت نیست ، بنابراین وشهادت رسم الخط ومرکب وکاغذ مسلماً درقرن یازهم یااوائل دوازدهم نگارش یافته ، یادداشتی ازپشت صفحهٔ نخستین ومهری ازآخرنسخه محوگردیده است .

جلد میشن ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٩٢). صفحه ای (٢٧) سطر . طول (٢٣ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٦٩) .

[٤٤٧] حاشیه ملاعبدالله یزدی برخطائی (عربی)

ملاّ عبدالله بن شهاب الدّین حسین شهابادی یزدی از علماء امامیّه قرن دهم هجری وهمدرس مقدّس اردبیلی وملاّ میرزا جان باغنوی شیرازی پیش جمال‌الدّین محمودشاگردملاّ جلال‌دوانی‌بوده وچنانکه در ص ٣٢١ و ٤٥٠ ج١ فهرست گفته شد صاحب‌معالم وصاحب‌مدارك پیش‌ایشان تحصیل‌منطق ومعانی وبیان مینموده‌اند .

این دانشمند دو حاشیه بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته که یکی از آنها بسیار معروف و از کتب درسی میباشد و مکرّر چاپ شده و دیگری نسخهٔ آن در کتابخانهٔ رضویه موجود است (ج ۱ ص ۱۱ فصل منطق خطی)، حاشیه بر حاشیه خطائی (همین کتاب)، حاشیه بر حاشیه ملاّ جلال بر تهذیب (در ص ۱۵ فصل منطق خطی فهرست رضویّه دو نسخه از این حاشیه معرّفی شده)، حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملاّ جلال (نسخه ای از این حاشیه در ص ۲۶ فصل منطق ج ۱ فهرست رضویه نشان داده شده)، حاشیه بر مختصر شرح تلخیص، حاشیه بر شرح شمسیّه و حواشی دیگر بر کتب کلامی و ادبی است

بعضی گویند که این عالم در علوم شرعیّه دستی نداشته، امین احمد رازی در هفت اقلیم (ص ۱۳۴ نسخه خطی کامل مدرسه) این مؤلّف (ملاّ عبدالله) را نام برده و گوید: و مهارتش در فنون علم فقه بغایتی بوده که میگفته: اگر متوجه بدان علم گردم بتوفیق الله تعالی برهان و دلائل عقلی بر مسائل فقهی گفته (کذا) چنان فقه را مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند.

صاحب روضات بنقل از امل الآمل به نقل از سلافة العصر گوید: شرحی بر قواعد علاّمه نوشته ولی صاحب روضات احتمال داده اند که شرح قواعد از ایشان نباشد و ملاّ عبدالله شوشتری شارح قواعد باین ملاّ عبدالله اشتباه شده باشد و ایشان از تاریخ حسن بیك روملو (احسن التواریخ) وفات ملاّ عبدالله یزدی را در عراق عرب درسال ۹۸۱ ضبط کرده اند.

ملاّ عبدالله بسال ۹۶۲ درمدرسه منصوریه شیراز از تألیف این حاشیه بر حاشیه خطائی فراغت یافته وسائر مباحث از مختصر را که خطائی حاشیه ننمود ایشان نیز متعرض نشده اند و درحدود (۳۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله حمدا لمن خلق الانسان وعلّمه البیان وشکرا لمن علّمه بدایع المعانی الخ.

(۱۰۴۰)

حاشیه ملاعبدالله برخطائی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده ، ضمیمهٔ حاشیه حامد برخطائی استکه زیر شمارهٔ (۱۰۳۳) در ص ۴۰۶ معرّفی از آن شد ودر کتابخانه شمارهٔ (۲۹۶۵) شامل این دونسخه است خصوصات دیگر بصفحهٔ نام برده بالا مراجعه شود .

(۱۰۴۱)

حاشیه ملاعبدالله برخطائی این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۷ محمّد مؤمن قائنی نوشته ، ضمیمهٔ حاشیه خطائی استکه زیر شمارهٔ (۱۰۳۶) در ص ۴۰۸ و ۴۰۹ معرّفی گردید ، ودر کتابخانه شمارهٔ (۲۹۶۱) شامل این دونسخه است، خصوصات دیگر بصفحه نام برده بالا مراجعه شود، پشت صفحهٔ نخستین محمّد مهدی عبدالرب آبادی شرحی درمعرّفی این حاشیه ومؤلف آن ملاّ عبدالله بنقل از « احسن التواریخ» حسن بیك روملو نگاشته اند .

[۴۴۸] حاشیه میرسید شریف برمطول (عربی)

این حاشیه برمطول نیز یکی از مؤلّفات میرسید شریف جرجانی استکه درص ۳۶۶-۳۶۸ معرّفی از ایشان گردید ، از مطول نیز درهمین فصل معرّفی مینمائیم ، پیش دانشمندان این حاشیه شهرتی بسزا دارد و مورد بحث و نظر گردیده و در تأیید وردّ آن تعلیقاتی نگاشته شده وچند باردر آستانه وایران مستقلاً ودرحاشیه مطول چاپ گردیده و در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوة علی سیدالمرسلین محمّد و آله وصحبه اجمعین **اما بعد** فهذه حواش علی الشرح المشهور لتلخیص المفتاح کنت قد قیدتها علیه بجملة حال ماقرء علی بعض احبتّی الخ .

(۱۰۴۲)

حاشیه میر برمطول این نسخه را بسال ۸۳۶ محمد قاری رودآوری بخط نسخ خوب نوشته ، درحاشیه بیشتر ازبرگها حاشیه هائی بخطوط مختلف از اشخاص متعدد نگاشته شده ، تمام اوراق متن

وحاشیه گردیده ومجدول بطلااست ، یك سرلوح کوچك دارد،باطلا بر آن نوشته شده : حاشیه میرسید شریف برمطول . قسمت پائین تمام برگها و صالی‌شده وبر آنها مطالبی نوشته شده است .

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی وخان بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۱). صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۱۹–۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۸).

(۱۰۴۳)

حاشیه میر بر مطول

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده (سال نگارش رانویسنده اینگونه : (۱۲۷) نوشته، از طرز نگارش و کاغذ مسلّم استکه ۱۰۲۷ بوده وموافق رسم قدما صفر درمرتبهٔ مآت را نگذارده است) سه ورق اوّل نونویس میباشد ، برکنار پاره ای از صفحات حاشیه هائی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۰) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول . (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ – ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۷).

(۱۰۴۴)

حاشیه میر بر مطول

این نسخه را بسال ۱۰۷۰ محمد شریف بن حاجی حسن آملی بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته ، ورق اوّل و صالی گردیده درحاشیه بعضی از اوراق تعلیقاتی بامضاء ابن وردی ، چلبی ملاّ میرزاجان ، وغیره دیده میشود .

جلد تیماج . کاغذ کاهی و دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۲) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۶) .

[٤٤٩] رساله در مجاز و استعاره (عربی)

این رساله چنانکه درآخر آن نگاشته شده تألیف جارالله زمخشری است که در ص ۱۵۸ – ۱۶۲ ج ۱ و ص ۱۱ – ۱۴ همین مجلّد معرّفی ایشان گردیده ولی در هیچیك از مآخذ تألیف رساله ای در این موضوع صریحا بایشان نسبت داده

نشده ولی هیچکس تمام مؤلّفات وی را نام نبرده وعموماً پس ازنام برخی از آنها گویند **وغیر ذلك** بهرحال این‌نسخه رساله ای مختصروپس‌ازمقدمه ای که در بیان معنی حقیقت ومجازمیباشد دریك‌باب سیزده قسم مجازمرسل ودرباب دیگرچهارده قسم استعاره را بیان نموده وتمام این رساله (۱۵۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحقیقة ان یثبت لفظ فیما وضع له بعرف کائن من کان الخ .

(۱۰۴۵)

رساله در مجاز واستعاره

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، بمجموعه ایکه بشمارهٔ (۹۶۸) در این کتابخانه ثبت شده از ص ۱۶۱-۱۶۴ شامل این‌رساله میباشد ، فهرست این مجموعه درص ۶۱۹ ج۱ فهرست ذکرشده است .

[۴۵۰] رساله‌درمعانی و بیان‌و بدیع = الانموزج = موجزالبیان (عربی)

مؤلّف دراین رساله ازخودنامی نبرده ، بامطالعهٔ اجمالی تمام‌آن جز بنام صاحب مفتاح‌وصاحب ایضاح‌برنخوردم، بقرینه وطرزحمد وصلوة درابتدا وانتهاء مسلّماً تألیف یکی ازعلماء امامیّه میباشد وبسیارسلیس وروان است و در حدود (۳۵۰) بیت کتابت دارد .

مؤلّف الذریعه الی تصانیف‌الشیعه در ص ۴۰۲ ج ۲ آن‌کتاب زیرعنوان **الانموزج** عباراتی دارد که مختصراً ترجمه آن اینست : تألیف عبدالوهاب‌بن‌علی استرابادالحسینی است‌ونسخهٔ‌اصلی آنرا که‌مؤلف‌بخط‌خوبش‌نوشته‌وتاریخ‌تألیف‌آن سال ۸۷۹ بود به ضمیمهٔ شرح وی برفصول نصیریه وحاشیهٔ اوبرشرح میرك‌برهدایه اثیریّه دیده ام ومرتب برمقدّمه و فنونی چند و خاتمه ایست و نویسنده ای غیراز مؤلّف براین نسخهٔ‌انموزج نوشته بود که نام‌آن « موجزالبیان » میباشد .

گذشته ازاینکه‌آغاز منقول در الذریعه با آغـاز این رساله مطابق است این عبارت(وبعد فهذاانموزج من‌علم‌البلاغه الخ) که‌پس‌ازحمدوصلوة این رساله میباشد مؤید کاملی‌است که این رساله همان انموزج استرابادی یاموجزالبیان است .

وتفسیرآیة‌الکرسی تألیف عبدالوهاب حسینی استرابادی‌راآقای تربیت‌دارند .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خلق‌الانسان علّمه‌البیان واسبغ له‌الاحسان الخ .

(١٠٤٦)

رساله در معانی وبیان وبدیع این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ضمیمه بمجموعه ایستکه در کتابخانه شمارهٔ (٩٦٨) را دارد و ص ٢٠٢-٢١٤ آن بمجموعه این رساله است .

[٤٥١] شرح تلخیص المفتاح = مختصر (عربی)

این کتاب نیز یکی از کتب مؤلّفهٔ تفتازانی (ملاّ سعد) استکه درص ٣٤٤-٣٤٦ بشرح حال ومؤلّفات ایشان پرداخته ایم .

این شرح را پس ازشرح بزرك خود که مشهور به **مطول** گردیده، بر تلخیص المفتاح بسال ٧٥٦ در **غجدوان** (١) تألیف وگذشته ازاینکه آن شرح اوّل را مختصر نموده، مطالبی تازه نیز دارد ومشهور به **مختصر** گردیده ودانشمندان براین وآن حواشی و تعلیقات متعدد نوشته اند .

تلخیص المفتاح یکی از مختصرات قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی میباشد و خطیب چنانکه خود درمقدّمهٔ آن (تلخیص) تذکر داده ، گذشته از اختصار در توضیح وبیان مطالب آن اضافاتی نموده وترتیب آنرا هم بطرزیکه بهتر ازروش اصل بوده قرارداده وآنرا برمقدّمه ای وسه فن (معانی وبیان وبدیع) تقسیم کرده ودانشمندان بحفظ وتدریس آن پرداخته وچندین شرح بر آن نگاشته شده است (٢).

خطیب قزوینی (جلال الدّین محمّدبن عبدالرّحمن بن عمر بن احمد عجلی قزوینی دمشقی شافعی ٦٦٦-٧٣٩) (٣) درموصل تولد یافته وچندی در روم مسکن گزیده وبتحصیل انواع علوم پرداخته پس ازآن مدرس شده ومقام نیابت قضاوت یافته وخطیب وقاضی دمشق گردیده ویازده سال قضاوت مصر را دارا شده و ازآنجا

---

(١) غجدوان بضم غین معجمه وجیم ابجد ودال مهمله مضمومه نام دهی از بخارا میباشد (ص ٥٧٧ ج ٣ معجم البلدان) .

(٢) کشف الظنون ج ١ ص ١٧٦ و ٣٢٣ - ٣٢٧ .

(٣) به ص ١٢٣ و ١٢٤ ج ٦ شذرات الذهب وص ١٥٠٨ معجم المطبوعات و ص ١٢٨ ج ٤ تاریخ ابوالفداء وطبقات الشافعیه ص ٢٣٨ و ٢٣٩ ج ٥ وروضات الجنات ج ٤ ص ٢٠٣ مراجعه شود.

قضاوت شام را گرفته و بآنجا آمد و در این هنگام تلخیص المفتاح و شرح آنرا که الایضاح نام دارد تألیف نمود .

این شرح (مختصر) در حدود (٨٠٠٠) بیت کتابت دارد، نخستین بار در کلکته بسال ١٨١٥ م. و پس از این در آستانه و بیروت چاپ شده است .

آغاز: بسمله نحمدك یا من شرح صدورنا لتلخیص البیان فی ایضاح المعانی الخ .

(١٠٤٧)

مختصر این نسخه را بخط شکسته، سعید بن محمد ابراهیم رازی، مسلماً در قرن یازدهم نوشته [در آخر سال نگارش اینگونه : (١٠٠٦) نگاشته شده شاید هزار و ده (١٠١٠) باشد] ، بیشتر از اوراق دارای تعلیقات میباشد و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی موجود و بعضی را هم محو کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٢٢) . صفحه ای (٢٤) سطر . طول ($20\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($13\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٦٠) .

(١٠٤٨)

مختصر این نسخه بخط نستعلیق بسال ١٠٤٥ نگارش یافته ، برخود نسخه بنام مطول وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده ، پس از اتمام این کتاب « منظومه ابن الشحنه » در معانی و بیان و بدیع که در ص ٤٣٢-٤٣٤ این فصل معرّفی خواهد شد، نوشته شده ، چهار برگ نخستین نسخه از اواسط کتابست ، برگ اوّل کتاب و اوراقی از اواسط آن افتاده و برگهائی هم از آن و صالی گردیده و تعلیقاتی بر کنار صفحات نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٤٣) . صفحه ای (٢٣) سطر . طول (٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٧٥) .

(١٠٤٩)

مختصر این نسخه بخط نسخ بسال ١٠٧٤ نوشته شده و بسال ١٠٧٥ مقابله و تصحیح گردیده ، بر کنار صفحات تعلیقاتی موجود ، دو یادداشت از پشت برگ نخستین نسخه محو گردیده و نیز بنام مطول بر این کتابخانه وقف شده است .

جلد تیماجی . کاغذ نباتی . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۰۹) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۸) .

(۱۰۵۰)

مختصر

این نسخه را بخط نسخ، محمدمهدی بن حاج محمد یوسف، بسال ۱۰۸۸ نوشته ، بر صفحات آن تعلیقاتی میباشد و برخی ازاوراق آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۵) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۵) .

(۱۰۵۱)

مختصر

این نسخه را بخط نسخ، علی‌نقی بن اسمعیل موسوی، بسال ۱۲۲۱ نوشته، بر کنار صفحات آن تعلیقاتی موجود، مقابله و تصحیح گردیده پشت ورق اوّل و آخر و برگی که در ابتدا وانتهای نسخه میباشد مطالب متفرقه ای نگارش یافته واز آنجمله این مطالب است :

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

انکارکرد درپیوست واقف‌کرد سخن‌کرد زود یاموخت تربیت‌کرد نگاه داشت تمام کرد.

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۳۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۴).

(۱۰۵۲)

مختصر

این نسخه بخط نسخ، عباس بن نجف، بسال ۱۲۳۳ نوشته شده و پاره ای‌ازصفحات دارای تعلیقاتی‌بخط شکسته میباشد .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۵۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۶سا نتیمتر) . عرض (۱۵ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۶) .

(۱۰۵۳)

مختصر

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، درحاشیهٔ صفحات (از اوّل تاآخر) شرح

بزرگ تفتازانی (مطول) را جعفربن عباس مورانی(١) بسال ١٢٤٣ نوشته وظاهر اینستکه نویسنده مختصر هم همین شخص میباشد .

جلد نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٣٠٦) . صفحه ای (١٤) سطر . طول (٢٥ سانتیمتر) . عرض (١٧ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٩) .

(١٠٥٤)

مختصر این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده موفق بنوشتن نام خویش وسال نگارش نگردیده ظاهراً درقرن یازدهم ان را نگاشته اند، برکنار برگها بیشتر ازنسخه های دیگرپیشین تعلیقاتی ازشیخ الاسلام میباشد و از دیگران نیز حاشیه هائی موجود وپارهٔ از اوراق وّصالی گردیده

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢١٧) . صفحه ای (١٦) سطر . طول (٢٦ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ١٣ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٧) .

(١٠٥٥ و ١٠٥٦)

مختصر این نسخه بخط نسخ نوشته شده، ورق آخر آن افتاده، حاشیه هائی ازشیخ الاسلام وخطائی ودیگران برکناربرگها نگارش یافته، برگ اوّل وّصالی گردیده، **منظومهٔ مؤنثات سماعی** درعلم صرف که درص ٣٣١ در ذیل مؤلّفات ابن حاجب نام برده شد پشت صفحهٔ اوّل نوشته شده و آغاز آن اینست:

نفسی الفداء لسائل وافانی بمسائل فاحت کروض جنانی .

و ٢٣ بیت میباشد .

وآخرین سطر نسخه اینست : وکونها بین ادعیة و وصایاومواعظ وتحمیدات .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢١٨) . صفحه ای (١٣) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٣) .

---

(١) درص ٦٧٩ ج ٤ معجم‌البلدان نوشته‌شده که **موریان** بضم میم وراء ومهمله وپس‌از آن یاء حطی‌نام دهی از نواحی خوزستان میباشد ونسبت بدان موریانی است وابو ایوب موریانی که وزیر منصور ونام وی سلیمان بن ابی سلیمان بن ابی مجالد بوده ومنصور او را کشته بدینجا منسوب است .

(۱۰۵۷)

مختصر

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، درحدود پانزده برگ از اوّل وقسمتی ازفن بیان وتمام بدیع آن افتاده و آغاز نسخه اینست : خارج عن حدّ الاعتدال نافرٌ کل التنافرفائنی علیه الخ . و آخر آن این : (وقدیکون حقیقة کما فی انبت الربیع، فصل فی شرائط حسن الاستعاره.) بر کنار بعضی از صفحات تعلیقاتی بامضاء خلخالی و نورالدّین و میرسید شریف و دیگران وجود دارد.

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۵۲) .

[۴۵۲] شرح تلخیص المفتاح مطول (عربی)

این کتاب چنانکه گفته شد نیز تألیف تفتازانی است (۱) و بنابر ضبطی که در آخر نسخه شمارهٔ (۱۰۶۱) این فهرست و شمارهٔ ۲۹۷۷ کتابخانه گردیده ، در دوم رمضان سال ۷۴۲ تألیف آن شروع و در بیست و یکم صفر سال ۷۴۸ در هراة خاتمه یافته (۲) واز مشاهیر کتب در این موضوع میباشد، ودانشجویان ودانشمندان باستفاده وافادهٔ آن شوقی تمام داشته و دارند ، حواشی و تعلیقات بسیار بر آن نگاشته شده (ص ۳۲۳ - ۳۲۷ ج ۱ و ص ۴۸۰ - ۴۸۴ ج ۲ کشف الظنون) و از چند حاشیهٔ آن در ص ۴۰۰ و ۴۱۲ و ۴۹۶ این مجلّد معرّفی گردیده و مکرّر با حواشی در ایران ومصر وهندوستان چاپ گردیده .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی الهمنا حقائق المعانی ودقائق البیان الخ .

(۱۰۵۸)

مطول

این نسخه را سید احمدبن شیخ حمزة (کذا) بن شیخ (کذا) منصور، بخط نستعلیق بد، بسال ۸۶۰ نوشته، بر کنار برگها تعلیقاتی ازملا زاده ، چلبی ، خطائی ، میرسید شریف و دیگران ومطالبی ازشرح خطیب (الایضاح) وصحاح وغیره نگارش یافته ، پیش ازورود باین کتابخانه بر گ

(۱) در ص ۳۴۴ - ۳۴۶ همین مجلد شرح حال تفتازانی مؤلف این کتاب نگارش یافته .

(۲) در ص ۲۲۴ ج ۱ کشف الظنون تاریخ اتمام این شرح مطابق آنچه دربالا یاد شده ضبط گردیده است .

نخستین نسخه افتاده واولین سطر آن اینست : سطر منه عقد من الدرر وکان یعوقنی عن ذالك الخ.

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱۶۹). صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۲۷ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۲) .

(۱۰۵۹)

مطول

این نسخه را بخط نسخ، صادق بن امین ، بسال ۱۰۵۰ درمدرسهٔ جعفریه اصفهان نوشته ، در حاشیهٔ برگها تعلیقاتی از مؤلف ابوالقاسم سمرقندی ، چلبی ، جمال الدین ، شیخ الاسلام ، سیّدشریف وغیر ازاینها موجود ومحتاج وّصالی وصحافی است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار. قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۱). صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۸) .

(۱۰۶۰)

مطول

این نسخه را بخط نسخ،عبدالله بن عبدالعلی جزائری، بسال ۱۰۸۱ نوشته ، برحاشیه بیشتر از اوراق تعلیقاتی از چلبی ، ابوالقاسم سمرقندی ، میرزاجان ، سید شریف ، جمال الدین ، شرح مفتاح سید (الاطول) ، صحاح وکشاف وغیراز اینها نگاشته شده ، یادداشتی پشت برگ نخستین بوده آنرا محو کرده اند وبرخی ازبرگها چرب شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱۸) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۳۲ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۸) .

(۱۰۶۱)

مطول

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۸۲ درمدرسه مقیمیّه شیراز(۱) نویسنده ای نوشته ، تعلیقات وحواشی زیادی از مصنّف واز

(۱) این مدرسه درجنوب غربی مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) شیراز متصل بمسجد مذکور واقع ودریکی اززلزله های سخت شیراز منهدم شده بتشویق پدر نگارنده آقای حاج شیخ یوسف دام ظله العالی وآقای حاج سیدابراهیم انوار (حاج مدرس) دام عمره مرحوم حاج میرزا علی محمد تاجر دهدشتی آن رادرحدود سی سال پیش مجددا ساخت و نخستین سنك بنای نوین آن را دو نفر عالم نام برده بدست خویش گذاردند واینك از مدارس قدیمهٔ آباد این شهر است .

شرح مفتاح میرسیّد شریف ، چلبی، شرح کشاف مصنّف، صحاح اللغه، ابوالقاسم سمرقندی وغیراز اینها بخط شکسته نستعلیق براوراق آن نگارش یافته ، پشت برگ نخستین یاد داشتی بوده محو گردیده ، وقفنامه کتاب جای آن نوشته شده وبردو ورق کاغذیکه درآخرنسخه بوده مطالب متفرقه ای نگاشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۸۶) . صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۲۳ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۷) .

(۱۰۶۲)

مطول این نسخه را بخط نسخ، محمّد ولی بن علی اصغر، بسال ۱۲۴۹ نوشته، پاره‌ای از برگها دارای تعلیقاتی از چلبی، شیخ الاسلام، ابوالقاسم سمرقندی ، ابوتراب و خود مصنّف میباشد و بعضی از آنها هم محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۲۱) . صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۳۲سانتیمتر) . عرض (۲۲سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۳) .

(۱۰۶۳)

مطول این نسخه را محمد هادی بن محمد صادق حسینی، بسال ۱۲۵۹ بخط نسخ نوشته ؛ برکنار ، خرین برگ وپشت برگ نخستین یاد داشتی بوده محو گردیده ، بعضی از صفحات حواشی بسیاری از چلبی ، میر سیّد شریف ، خواجه وخود مصنّف وغیره دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۵۴) .صفحه‌ای (۲۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۰) .

(۱۰۶۴)

مطول این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را تذکر نداده ، ظاهرا در قرن دهم نگاشته شده و برخی ازبرگها دارای تعلیقاتی ازهمین نام برده بالا میباشد .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹۱) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول(۲۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۹) .

(۱۰۶۵)

مطول این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نگارش یافته ، نام خود و سال نوشتن را معیّن ننموده ، پشت نخستین صفحه قسمتی از آخر رساله سمرقندیه که پیش ازوارد شدن این نسخه باین کتابخانه، بدان پیوسته بوده، موجود وتاریخ نگارش آن سال ۱۰۵۸ (۱۵۸ کذا) میباشدوخط این نسخه بدان تتمّه شباهت دارد، بنابراین نویسنده هردویکی وازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد، برگ آخر کتاب افتاده وآخرین سطر آن اینست : وفیه تهکّم ولهذا وصفه بالرشید وارادبه القوی . برکنار صفحات حاشیه های زیاد ازمحشین وجود دارد .

جلد مقوائی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۰۳) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۲۵سا نتیمتر) . عرض (۱۷سا نتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۶) .

(۱۰۶۶)

مطول در حاشیهٔ شرح مختصر تفتازانی برتلخیص المفتاح (مختصر) که درزیرشمارهٔ (۱۰۵۳) درص ۴۱۸ و ۴۱۹ آنرا نام بردیم و دارای شماره (۲۹۵۹) کتابخانه میباشد وبسال ۱۲۴۳ جعفربن عباس مورانی آنرا بخط نسخ ونستعلیق نوشته است، این کتاب نگارش یافته خصوصیّات دگر نسخه در آن صفحه مراجعه گردد .

[۴۵۳] **شرح سمرقندیه** (عربی)

این شرح رابر رساله استعارات ابوالقاسم بن ابی بکر لیثی سمرقندی (۱) که به «سمرقندیه» مشهور است عصام الدّین اسفرایینی که درص ۳۲۰ و ۳۲۱ بشرح حال ومعرّفی ایشان پرداخته‌ایم، تألیف نموده، چندین حاشیه نیز بر آن نگاشته‌اند (ج ۲ کشف الظنون ص ۱۷۹) واین شرح حی مزجی وچون اصل آن مرتب درسه عقد وهرعقدی مشتمل برفرائدی میباشدو درحدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد وتاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز : بسمله یقول العبد . . . . ان احسن ما یزاد به النعم الوافیه و یدفع به البلیّه الخ .

(۱) در ص ۴۱۰ و ۴۱۱ « حاشیه مطول » که یکی ازمؤلفات ایشان میباشد معرفی گردید و زمان حیات مؤلف نگاشته شد .

(۱۰۶۷)

شرح سمرقندیه این نسخه را محمود بن سلیمان بخط بد خویش بدون تاریخ نوشته، ظاهراً درقرن یازدهم نگارش یافته، بر برگ سفیدیکه در آخر نسخه بوده چند دعاء بنقل ازاحیاء العلوم دردفع بلاء طاعون وغیره نوشته شده است.

جلد مقوائی. کاغذفرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۴) مختلف السطور. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$-۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۴).

[۴۵۴] شرح شواهد التلخیص (عربی)

(معاهد التنصیص)

مؤلّف این شرح عبّاسی است (بدرالدّین (۱) ابوالفتح عبدالرحیم بن عبدالرحمن احمد شریف قاهری اسلامبولی شافعی $\frac{۸۶۷}{۸۶۸}$-۹۶۳) (۲) که ازدانشمندان وادباء نامی قرن نهم ودهم هجری بوده، درمصر متولد شده، نزد دانشمندان آنجا علوم ادبیّه وحدیث وتفسیر را فراگرفت، بایکی ازسفرای پادشاه آن هنگام مصر، به اسلامبول آمد، شرحیکه برصحیح بخاری نوشته بود بسلطان بایزید خان پادشاه عثمانی اهدا نمود پادشاه جائزهٔ خوبی بوی عطا فرمود و مدرسه ایکه درقسطنطنیه خود بنا نموده بود بوی برگذارنمود، که درآنجا بتدریس حدیث اشتغال ورزد، شریف نپذیرفت وبوطن خویش برگشت چون سلسله پادشاه مصر منقرض گردید دوباره به اسلامبول آمد و تا آخر عمر آنجا بود، وروزی پنجاه درهم حقوق تقاعد بوی میدادند، درعلوم ادبیّه وحدیث وتفسیرتوانا بود وآثنائی کامل بتاریخ وخاضرات وقصائد عربی داشت وخطی نیکو وانشائی بلیغ ونظم خوبی دارا بود در شذرات استکه شرحی مفصل برصحیح بخاری شروع کرد ولی ظاهراً بآخرنرسید وشرحی برمقامات حریری دارد [خود مؤلف هم در معاهد التنصیص در ذیل شرح حال حریری

(۱) درنسخه شماره (۲۹۸۶) این کتابخانه لقب مؤلف زین الدین ثبت شده ولی در شذرات ومعجم المطبوعات بدرالدین است.

(۲) شقائق النعمانیه ح ص ۴۵۹-۴۶۱ ج ۱ وفیات الاعیان، شذرات الذهب ج ۸ ص ۳۳۵ و ۳۳۶ ومعجم المطبوعات ص ۱۲۶۷ ماخذ نگارش این شروح است.

(ص۳۴۶از نسخه خطی شمارهٔ ۱۰۶۸ این فهرست وشمارهٔ (۲۹۸۷) کتابخانه) بتألیف آن تصریح کرده] وحاشیه‌ای برقسمتی ازارشاد درفقه شافعی وشرح خزرجیه درعلم عروض و معاهدالتنصیص (همین کتاب) تألیف نموده واین کتاب اخیر را خود وی اختصار بسیار خوبی کرده است .

این کتاب را مؤلف خود « معاهدالتنصیص علی شواهدالتلخیص » نامیده ودر مقدّمه گوید : «ازجمله متن‌هائیکه بخاطرسپرده بودم تلخیص المفتاح استکه درباب خویش‌راحت روح میباشد وخداوند مؤلف آنرا بیامرزد ودرآن ازشواهدشعریّه اشعاری استکه بقدما ومولّدین نسبت داده میشود ولی‌بسیاری ازآنها مجهول مانده وبرخی بغلط بدیگری‌نسبت داده شده ، آنچه‌را که برشواهدتلخیص‌تاکنون شرح نوشته اند اداکننده حق آن ندیدم، جزآنرا که جلال‌الدّین سیوطی رحمه‌الله نوشته که‌آنهم پاکنویس نشده ، هماره میخواستم که باینکار مبادرت نمایم ولی خویشتن را شایسته آن نمیدیدم تااینکه بالاخره تصمیم گرفته وبتألیف آن پرداخته و در انجام آن کوشش نمودم و در ذیل هریك از شواهد آنچه مناسب بود ازنظائر آن نیزآوردم وباتحقیق وتفحص بشرح حال وترجمه گویندهٔ ابیات شواهد پرداختم ، جزدرمواردیکه بترجمهٔ آنها دست نیافتم(در این کتاب شرح حال ۹۹ شاعردیده میشود وگذشته از مقام ادبیّت تذکره بسیار مفید خوبی است) و جد را باهزل توأم نموده‌ام» .

مقدّمه این کتاب را بنام سلطان سلیمان موشح نموده (۱) (ازسال۹۲۶تا۹۷۴ سلطنت نموده است) وپس ازنقل هریك ازشواهد، گوینده ومورد آنرا معین کرده وقسمتی ازتتمّه آنرا ذکرنموده ومحل‌شاهد را در آن بیت معین کرده ونظائرآنرا هم می‌آورد، پس‌از آن بشرح حال وترجمه گوینده آن پرداخته وبآخرمیرساندوبهمین

(۱) دیباچه دو نسخهٔ این کتابخانه با یکدگر مختلف ونسخه شمارهٔ (۲۹۸۷) باسم سلطان سلیمان موشح گردیده ودیباچهٔ نسخه دیگربنام ابوالبقا محمدبن‌شاکربن‌جیعان موشح‌شده و تصریح گردیده که برای کتابخانه‌ایشان تالیف گردیده وآغاز این‌دیباچه اینست : بسمله قال ـ الشیخ‌الامام ..... زین‌الدین‌عبدالرحیم بن وجیه‌الدین‌عبدالرحمن‌بن‌احمد العباسی‌القاهری الشافعی ..... الحمدلله‌الذی اطلع فی‌سماءالبیان اهلة المعانی الخ .

نحوتا آخر کتاب رفته است وبسال ۱۲۷۴ و۱۳۱۶ دوبار درمصر چاپ شده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل العقل مفتاح العلوم و مدرك معانی المنطوق والمفهوم الخ.

(۱۰۶۸)

شرح شواهد تلخیص (معاهد التنصیص) این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۲۶۵ نوشته شده ، شواهد واسامی شعراو عناوین مطالب را باشنجرف نوشته اند و بر ورقیکه پیش از برگ نخستین کتاب میباشد نام شعرائیکه در این کتاب شرح وترجمه حالات آنها نگارش یافته باتعیین صفحات مندرجهٔ در آنها ثبت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۳۱) . صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۷) .

(۱۰۶۹)

شرح شواهد تلخیص (معاهد التنصیص) این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود وسال نگارش را معین نموده، ولی مسلماً در قرن سیزدهم هجری بوده و اسامی شعرائیکه شرح حالشان در این کتاب میباشد ، بردرون جلد کتاب نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۳۱) . صفحه‌ای (۲۸) سطر . طول (۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۶) .

[۴۵۵] شرح شواهد مطول (عربی)

این شرح را کمال الدّین محمّد بن معین الدّین محمّد فدشکوئی (۱) فسائی (۲) مشهور به میرزا کمالا که یکی ازفضلا وعلماء امامیّه درقرن یازدهم ودوازدهم (۳) هجری بوده و داماد علاّمه مجلسی میباشند، برابیات و شواهد موجودهٔ درمطول

(۱) فدشکو یکی از دهات فسا می باشد که از شهرهای کوچك فارس است .

(۲) روضات ص ۱۷۰ ج ۳ ، فارسنامه ناصری گفتار دوم ص ۲۳۰ والفیض القدسی درذیل نام (ومختصر احوال) چهارمین دخترمرحوم مجلسی .

(۳) صاحب فارسنامه که خود نیز فسائی بوده وفات ایشانرا صریحا معین ننموده و گوید درحدود هزار و صد واند وفات کرده وصاحب روضات گوید ازعلماء اوائل سدهٔ دوم پس از هزار میباشد.

تفتازانی بسال ۱۰۹۶ (۱) نوشته و نظیر «معاهد التنصیص» مذکور در ص ۴۲۴-۴۲۶ میباشد، باین معنی که پس از نقل بیت یا مصراع استشهاد شده مختصری از شرح حال گویندهٔ آن نگاشته شده و پس از آن تتمّه بیت یا مصراع و اینکه در چه مورد انشاء گردیده و معانی لغات و الفاظ مشکلهٔ در آنها بیان گردیده است.

در روضات و فارسنامه ناصری و الفیض القدسی شرح شافیه ابن حاجب (۲) و در دو مأخذ اول شرح قصیدهٔ دعبل خزاعی نیز بهایشان نسبت داده شده و هیچیك این کتاب (شرح شواهد مطول) وی را تذکر نداده‌اند و در مقدّمهٔ این کتاب حواشی و تعلیقاتی بر مطول، بخود نسبت داده‌اند.

فهرست کلیّه ابیات اصلی و فرعی این شرح را دانشمندی (از خود نام نبرده) بترتیب حروف تهجی مرتب نموده و نسخهٔ زیرین دارای آنست.

این شرح تاکنون چاپ نشده و در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله الحمد للّه الذی نظم سلسلة الوجود نظماً کاملا لیس فیه انثلام الخ.

(۱۰۷۰)

شرح شواهد مطول

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، کاتب نام خود را نبرده، ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد، بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده، فهرست نام برده بالا در ده برگ پیش از اصل کتاب گذارده شده و برگهائی ننوشته اوّل و آخر نسخه و میان دو قسمت مذکور میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۲۵) سطر. طول ($30\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۹).

[۴۵۶] شرح معانی و بیان و بدیع مختصر (عربی)

این رساله یا کتاب شرحی مختصر بر یکی از متون مختصرهٔ در علم معانی و بیان

(۱) این تاریخ در آخر نسخه این کتابخانه میباشد و نویسنده بان قناعت نموده و تاریخ کتابت را نگذارده ولی مسلما نسخه در قرن سیزدهم نگارش یافته است.

(۲) نسخه‌ای از این شرح در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است.

و بدیع میباشد ، بادقت زیاد نام متن و شرح و ماتن و شارح بدست نیامد مسلماً متن تلخیص المفتاح و میزان البلاغه و دو رساله ایکه ضمیمه مجموعه شمارهٔ (۹۶۸) کتابخانه میباشد نیست ، چنانکه ازنقل قسمتی از آن بدست می آید متن و شرحی لطیف و متین میباشد ، علم معانی را درچهار باب ذکر و هریك ازمعانی و بیان و بدیع را بنام علم معرفی کرده ، برای نمونه پاره ای از ابتداء علم بیان را باامتیاز متن ازشرح دراینجا می آوریم : **العلم الثانی علم البیان :**

التشبیه فی اللغة والاصطلاح **تشریك امر** وهو المشبه **لاخر** وهو المشبه به **فیما** ای فی وصف **له اختصاص بهما** ليخرج زيد كالاسد فی الحيوانيه **وغیرها** من الصفات العامه وبقی له وجه الشبه **باداة** ای الكاف وكان ومثل وشبه **وغیرها** من الاسماء المشتقة منهما يليها **الثانی** وهو المشبه به **غالباً** قيد به ليخرج ما اذا كان المشبه مركبا لم يعبر عنه بمفرد **كقوله** تع **واضرب لهم مثل الحیوة الدنیا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیماً تذروه الریاح.** فان المشبه به ليس هو الماء وحده بل حالها من انه اذا نزل ماء الارض وانبتت حتی يختلط بعضها مع بعض لكثرتها ثم يفنی القبات سريعا مع انه ولی الكاف **بخلاف قوله** تع **مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا** فان المشبه به وان كان مركبا ولكن عبر عنه بمفرد وهو المثل **فكل من الاولین** و هو المشبه والمشبه به **امامفرد حقیقی** الخ .

قسمتیکه نسخه زیرین شامل آن میباشد در حدود (۷۰۰) بیت و شاید تمام آن (۱۵۰۰) بیت بوده است .

(۱۰۷۱)

شرح معانی و بیان و بدیع مختصر

این نسخه در آخر شرح صغیر صمدیه سند علیخان کبیر میباشد که بسال ۱۲۵۹ نگارش یافته و در ص ۳۵۵ زیر شمارهٔ (۹۷۲) معرّفی از آن شده و در کتابخانه زیر شمارهٔ (۳۱۴۹) میباشد، قسمتی از علم معانی (تقریباً دو باب از چهار باب) و پاره ای از علم بدیع آن افتاده و آغاز نسخه اینست : اهل الدنیا و المتعسّر للکثره نحو علماء العراق اوللزوم الترجیح .

وانجام این : ثم اعلم ان الطباق اما ان یکون اللفظین متوافقین فی الاسمیه و الفعلیة .

[۴۵۷] **مفتاح المفتاح = شرح مفتاح العلوم** (عربی)

این کتاب تألیف قطب الدّین شیرازی است (ابو الثناء محمود بن مسعود بن مصلح شیرازی الشافعی ۶۳۴-۷۱۰) (۱) که از مشاهیر حکما و اطباء قرن هفتم هجری بوده و شاگردی حضرت خواجه نصیر الدّین طوسی را نموده و در دستگاه هولاکو و اعقاب وی راه یافته و بنام سفارت او را بمصر و روم فرستاده اند ، مردی ظریف و خوش ادا بوده ، صاحب روضات از **سلم السموات** ابو القاسم کازرونی و صاحب هفت اقلیم نقل کرده اند که روزی اتابك سعد زنگی در عنفوان جوانی خویش بتماشای ساختمان مسجد جامع (۲) که خود او بانی آن بود ، رفت علما هم آنروز در آنجا جمع بودند ، قضارا ادك گلی ازدست بنّا دررفت و بر رخسار سعد نشست ، قطب الدّین فوراً گفت : یَالَیْتَنِي کُنْتُ تُرابا . سعد روبسعدی کرد که پسر خواهر قطب الدین بود و نیز از حضّار و پرسید که چه گفت ، شیخ نیز بی درنگ گفت : وَیَقولُ الْکافِرُ یالَیْتَنِي کُنْتُ تُرابا . سعد ازاین سرعت انتقال و حاضر جوابی سعدی بسیار مشعوف شد و بر آن جسارت ترتیب اثر نداد . و نیز در روضات است : که چون قطب درشهری غریب بود و روزگارش سخت میشد خودرا کافر و طالب دین اسلام و دارای نور ایمان معرّفی میکرد ، مردم اطراف وی گرد می آمدند و هریك تحفه ها میدادند که دین مقدس اسلام را بپذیرد و ازاین رهگذر دارائی خوبی بدست میآورد ، یکبار پسر خواهرش **شیخ سعدی** گذارش بشهری افتاد که قطب در آنجا این نیرنگ را ریخته بود و آنچه از وی شنیده بود بچشم خویش بدید ، بزبان دهاتی شیراز ، که مردمان ندانند چه گفته شد ، بدو گفت ، **قطبو تو هرگز مسلمون نمی به** . یعنی ای قطب تو هرگز مسلمان نمیشوی .

---

(۱) در روضات ج ۳ ص ۱۸۳ ذیل قطب رازی وص ۷۱ ج ٤ ذیل خواجه نصیر طوسی و ص ۲۱٤ بنام محمود بن مسعود ، طبقات الشافعیه ج ٦ ص ۲٤۸ ، هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ص ۷۸ و ۷۹ ، طبقات الحنفیه در حاشیه ص ۱۲٦ ، بغیة الوعاة زیر نام محمود بن مسعود ، تاریخ گزیده زیر نام قطب الدین محمود در فصل پنجم از باب پنجم شرح حال این دانشمند نگاشته شد .

(۲) این مسجد اینك از مساجد معمورهٔ شیراز و معروف بمسجد نو در مقابل مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) میباشد .

سیوطی در بغیه و دیگران بنقل از وی نوشته اند که قاضی سیواس و ملطیّه گردید و از آنجا بشام آمده و به‌تبریز رفته و در آنجا بتدریس علوم عقلیه و حدیث پرداخته و جامع الاصول را از صدرالدّین قونوی از یعقوب هذبانی از مصنّف آن روایت نموده و با آنکه با پادشاهان آمد و رفت داشت از زیّ درویشی دست برنداشت و بازی شطرنج را بسیار دوست میداشت و چنگ را خوب می نواخت و شعبده را بخوبی میدانست و از هوشمندان جهان و دانشمندان دوران بود و فقها را فروتنی مینمود و نماز جماعت را ترك نمیگفت و چون کتابی تألیف مینمود روزه میگرفت و شبی را احیاء میداشت و هرچه مینوشت منقح بود و پاکیزه و محتاج به پاك نویس نبوده انتهی (عجب مرد عجیبی بود و چگونه میان لهو و لعب و علوم و فضائل و عبادت و ریاضت که ضِدّان مُفْتَرِقان أَيْ تَفَرُّق میباشند جمع کرده است) صاحب روضات گوید گاهی شعر میگفته و از اشعار عربی و فارسی وی چند بیت زیرین را نقل نموده :

ایا ربّ تَخْلُقُ ما تَخْلُق وَتَنْهي عِبادَكَ أَنْ يَعْشِقُوا
خَلَقْتَ المِلاحَ لَنا فِتْنَةً وَقُلْتَ اعبُدوا رَبَّكُم واتَّقوا
إِذا كُنْتَ أَنْتَ خَلَقْتَ المِلاح فَقُلْ لِلمِلاحِ بِنا يَرفُقوا

☆☆☆

یك چند بیاقوت تر آلوده شدیم یك چند پی زمرد سوده شدیم
آلودگی بود ولیکن تن را شستیم بآب توبه و آسوده شدیم

واز مندرجات درمقدّمه شرح کلیّات قانون معلوم میشود که در بیمارستانهای شیراز و فارس و دیگر جاها بتحصیل علم طب و عمل کحّالی اشتغال داشته است .

گذشته از لقب قطب الدّین، این دانشمند درمیان فضلا به علاّمهٔ شیرازی معروف میباشد و دربارهٔ وی نوشته اند که در آخر عمر از مزاولهٔ بالمراء خودداری نموده بفکر خویش افتاد و بعبادت و تلاوت قرآن کریم و تدریس آن و تفاسیر و امثال این امور پرداخت و در رمضان سال ۷۱۰ به‌تبریز درگذشت و در همانجا بخاك سپرده شد .

مؤلّفات قطب‌الدّین شیرازی بدین تفصیل میباشد : **شرحی بر کلیات قانون** ابوعلی‌سینا (۱) که جامع مطالب چندین شرح میباشد و مقدّمه ای بسیار نفیس دارد ودرآنجا نسبت بحضرت خواجه‌نصیر تجلیل فراوان نموده و دیگر **شرح حکمت‌الاشراق** (۲) وشرح مختصرالاصول ابن‌حاجب، درةالتاج لغرة الدیباج(۳)، نهایةالادراك، تحفة الشاهیّه (٤)، شرح رساله‌ای‌درهندسه (٥)، شرح‌مفتاح العلوم (همین کتاب) وغیرازاینهاست (٦).

مفتاح‌العلوم یکی از معاریف کتب ادبیّه ومؤلّف آن سراج‌الدّین ابویعقوب یوسف بن محمّدبن علی‌السکاکی‌الخوارزمی (٥٥٥-٦٢٦)(۷) است که نیز ازمشاهیر علما وادبا بوده و مفتاح‌العلوم وی مشتمل بردوازده علم میباشد ، قسم سوم این

---

(۱) نسخه‌ای بسیار نفیس از این شرح آقای استاد معظم تنکابنی دارند و نسخه‌ای از آن در این کتابخانه بشمارهٔ (۸٤٥) موجود است .

(۲) این کتاب در تهران بسال ۱۳۱٥ هجری قمری درطهران چاپ گردیده است .

(۳) در تاریخ گزیده و ص ۱۸۳ ج ۲ روضات نام این کتاب « غرةالتاج » ضبط گردیده ولی در مقدمهٔ خود نسخه تصریح گردیده که آنرا « درةالتاج لغرةالدیباج » نام نهاده واین کتاب‌را که شامل بسیاری‌ازعلوم‌معقوله‌ومنقوله‌بزبان‌فارسی‌است وزارت معارف ازسال ۱۳۱٦ شروع بچاپ نموده و امید است که بسال ۱۳۱۸ منتشر گردد .

(٤) نسخه این کتاب را استاد معظم آقای تنکابنی هد ظله‌العالی دارند .

(٥) نسخه‌ای ازاین مؤلفه در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی درمجموعه‌ایست که در ج ۱ فهرست خطی زیر شمارهٔ (٦٤۲) معرفی گردیده است .

(٦) صاحب روضات « رساله‌ای درتصور و تصدیق » بایشان نسبت داده وگوید که مطالب آن دال بر کمال اطلاع واحاطهٔ مؤلف برمباحث عقلی است ولی در این نسبت منفرداند وظاهراً این رساله تالیف قطب‌الدین رازی معاصر قطب شیرازی است نه از این اخیر و حاجی خلیفه در ص ٥٤٤ ج ۱ این رساله‌رانام برده وگوید مؤلف‌آن مؤلف شرح مطالع است ومؤلف‌الفوائدالبهیه در حاشیه ص ۱۲٦ تالیف آنرا نسبت بقطب رازی داده وگوید آنرا مطالعه کرده‌ام . ونسخه‌ای ازاین‌رساله درابتداء مجموعه‌ایست که بشمارهٔ (۳۸۷۸)در این کتابخانه میباشد ونویسنده‌صریحا تألیف‌آنرا به‌قطب رازی نسبت داده است .

(۷) بصفحه ۲۳۱ الفوائدالبهیه و ص ۱۲۲ ج ٥ شذرات مراجعه شود و در ماخذ اول وجه نسبت و معروفیت سراج‌الدین به سکاکی تصریح شده و ترجیح داده که از ماده سکه باشد .

کتاب درعلم معانی و بیان است، چند نفر این قسم سوم را تلخیص نموده و یکی از آن خلاصه ها تلخیص خطیب قزوینی است و بسیاری از علما و دانشمندان بشرح آن پرداخته و جمعی نیز بر آن شروح و حواشی و تعلیقات نگاشته اند (ص۳۲۳-۳۲۷ ج۱ و ص ۴۸۰-۴۸۴ ج ۲ کشف الظنون مراجعه شود).

قطب الدّین شیرازی فقط برقسم سوم آن شرحی مزجی نگاشته و آن را « مفتاح المفتاح » نام گذارده و از شروح بسیار مفید وسودمند میباشد درحدود (۳۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و تاکنون چاپ نشده ، حاجی خلیفه گوید بهترین شروح براین قسم سوم سه شرح است اوّل شرح قطب الدّین شیرازی ودوم شرح تفتازانی (مطول) سوّم شرح سید شریف جرجانی استکه بنام «مصباح» میباشد وبسال ۸۰۳ درماوراء النهر تألیف آن بانجام رسیده ونیز گوید که پشت نسخه ای از شرح مفتاح نوشته شده نخستین کس که مفتاح العلوم را شرح کرده شمس الدّین معزی متوفی سنهٔ . . . بود وپس از آن شیرازی است .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی اختص نوع الانسان بالنطق و الفصاحة الخ.

(۱۰۷۲)

شرح مفتاح العلوم (مفتاح المفتاح)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را معیّن ننموده ، بقرینه کاغذ وخط از نسخ قرن هشتم هجری میباشد، حاشیهٔ بعضی از برگها در اثر رطوبت وموریانه ضایع وسوراخ گردیده و یاد داشتهائی بخط محمّد بن قطب الدّین که ظاهراً از علمای اوائل قرن نهم هجری بوده، پشت صفحهٔ نخستین موجود و متن کتاب باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۴۸) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۹۱) .

[۴۵۸] منظومهٔ معانی و بیان و بدیع (عربی)

این منظومه قسمتی از الفیّه ابن الشحنه است که در ده علم میباشد ، و باکمال استادی ومهارت مطالب مهمّه علم معانی و بیان وبدیع را در یکصد بیت جا داده ،

ناظم ازخود نام نبرده ولی در « مجموع المتون الکبیر » که بسال ۱۳٤۰ درمصر چاپ گردیده این منظومه باتصریح باینکه ناظم آن ابن الشحنه است درص ۳۶۳- ۳۶۹ آن گذارده شده وبدین کنیه چهار نفر مشهوراند (در ص ۱۳٤-۱۳۷ معجم المطبوعات نام ومؤلفاتی ازایشان که چاپ گردیده تذکر داده شده است ودرشذرات الذهب ج ۷ ص ۱۱۳ وص ۳٤۹ دو نفر از ایشان و در ج ۸ ص ۹۸ - ۱۰۰ یکی از آنها رانام برده وباتفحص دراین دو مجلد که بایستی نام چهارمی ازاینها باشد آنرا نیافتم) و در اینجا شرح حال صاحب این منظومه را از شذرات (ص ۱۱۳ ج ۷) ترجمه مینمائیم :

محب الدین ابو الولید محمد بن محمد بن محمد بن محمود بن غازی بن ایوب بن الشحنه محمود مشهور به ابن الشحنه ترکی الاصل وحلبی الموطن وحنفی المذهب، بسال ۷٤۹ متولد شده وقرآن وبسیاری از متون را حفظ نموده ودرفقه واصول ونحو وادب برجستگی داشته .... و خط نیکو مینوشته وشعر خوب میگفته (چهاربیت وی را نقل کرده) ونیز گوید که قاضی علاء الدین در ذیل تاریخ حلب گوید : او را الفیه ای در رجز است که مشتمل برده علم میباشد و او را الفیهٔ دیگر است که منظومهٔ نسفی را درآن مختصر کرده ومذهب امام احمد را بدان ضمیمه نموده واورا تألیف دیگری درفقه واصول وتفسیر میباشد وبسال ۸۱۵ (۱) مرده است انتهی .

چنانکه درص ۹۸ - ۱۰۰ ج ۸ شذرات گفته شده: عبدالله بن محب الدین محمد بن محب الدین معروف به ابن شحنه که نوهٔ ابن شحنه مؤلف الفیه میباشد این الفیه وی را که درده علم انشاشده، شرح کرده است .

گذشته از اینکه این منظومه در « مجموع المتون الکبیر » درمصر چاپ شده

(۱) در حاشیه ص ۱۵ الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه وفات این مؤلف (ابن الشحنه) را بسال ۸۱۷ معین نموده و گوید که ابن حجر گوید او را تصنیفی درسیره پیغمبر اکرم ص وتاریخی لطیف میباشد ، مؤلف الفوائد گوید که تاریخ وی تا حوادث سال ۸۰۶ را دارد و در حوادث سال ۸۰۳ سئوال وجوابهائیکه میان اوو امیر تیمور گورکان در هنگام غلبه وی برحلب رد و بدل شده ضبط گردیده است (این تاریخ بنام « روضة المناظر فی اخبار الاوائل والاواخر » میباشد وبسال ۱۲۹۰ دربولاق درحاشیه تاریخ کامل ابن اثیر چاپ شده است) .

بسال ۱۳۱۹ شیخ احمد شیرازی درطهران آنرا باچندرساله دیگرچاپ نموده ودر فهرست آن نوشته که ناظم آن مجهول است .

آغاز: بسمله الحمدلله وصلي الله علي رسوله الذی اصطفاه(۱)

انجام: براعة استهلال و انتقال حسن الختام انتهي المقـال .

(۱۰۷۳)

منظومه معانی و بیان و بدیع این نسخه بخط نسخ و بعضی ابیات آن بخط نستعلیق نوشته شده و ملحق بآخر نسخه‌ای از مختصر تفتازانی استکه در این کتابخانه دارای شمارهٔ (۲۹۷۵) میباشد و در ص ۴۱۷ زیر شمارهٔ(۱۰۴۸)از آن معرّفی گردید.

[۴۵۹] **میزان البلاغه و تبیان الرشاقه** (عربی

این کتاب که بدین نام نامیده شده مختصری درمعانی و بیان و بدیع میباشد و بسیار ادیبانه است ، وبریك مقدّمه وسه باب وخاتمه ای تقسیم گردیده وهریك ازابواب نیز خاتمه‌ای دارا وتمام کتاب(۱۰۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلّف درمقدّمه خودرا چنین معرّفی کرده: فیقول العبد الودود للعلماء الربانیه . . . (۲) المدعوباکبربابنه الله عن الهمزاة الشیطانیه الخ . ودر آخر کتاب تاریخ تألیف را چنین معیّن نموده : واتفق الفراغ فی الرابع من الثانی من الرابع من الثانی من الرابع من الرابع من الثانی من الثانی(۳) من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله خیر البریه بعدما القانا ایادی القضا و حبائل الهوی

---

(۱) زیر این بیت بخط شکسته نستعلیق که ظاهراً خط ناظم آن قوام‌الدین فرویقی (در ج۱ فهرست ص۶۱۸ شرح حال مختصر ایشان نوشته شده) است این بیت نگاشته شده :
الحمدلله الذی هدانا الی سبیل الحق والایمانا و پس از بیت‌دوم نیز بهمان خط نگارش یافته :
و بعدالعبد قوام‌الدین یقول للمستعصر الامین .

(۲) درنسخه بجای این سه نقطه جائی مانده که باسرخی نوشته شود و ازقرینه معلوم می‌شود که علی بوده بنا براین مؤلف علی اکبر نام میباشد ولی بدین نام ونشان در علما کسی را نیافتم و بنام محمد اکبر در تذکره خوشگو کسی نام برده شده و گوید که درزمان شاه عباس ماضی مستوفی الممالك بوده . ولی نگارنده تصور نمیکند که این شخص مؤلف این کتاب باشد .

(۳) بنابراین درساعت ۴ روز ۲ هفته ۴ ماه صفر ۱۱۳۴ تألیف گردیده است .

ایاماًالی الهرات فلذا فلیقل : لوسئلواعنکم متی قدصنّفا انانئیت فی الهر قدالّفا (١) .

از مقدمه و آخر کتاب بخوبی معلوم میشود که مؤلّف از علماء امامیّه بوده وخود نام آنرا « میزان البلاغه وتبیان الرشاقه » گذارده است .

آغاز : بسمله الحمد لمن اخبرنا دقائق حقائق التبیین والشکر لمن ارادنا الخ .

(١٠٧٤)

میزان البلاغه این نسخه بخط نسخ نوشته شده، شاید خط مؤلّف باشد، زیر بیت نام برده بالا شماره ای روی کلمه سنه نوشته شده که ١١١٤ خوانده میشود و پائین صفحه این بیت بخط نویسندهٔ نسخه است :

درآن مدت که مارا وقت بد بود زهجرت ده صدوده چاروصد بود(٢)

وبنا براینکه مراد از ده چهار چهل باشد میتوان آنرا ١١٤٠ بحذف صفر مرتبهٔ آحاد آن (چنانکه درمیان نویسندگان گذشته بسیارشایع بوده است) دانست ویك درمرتبهٔ آخر را چنانکه اندکی هم ظاهراست دنبالهٔ هاء سنه تصورنمود .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (١٩) . صفحه ای (١٦) سطر . طول (١٦ سانتیمتر) . عرض (١٠ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥١) .

(١) هرگاه الف انا ودوباء درئیت وفی را بحساب در نیاوریم ١٠٣٤ وگرنه ١٠٥٥ خواهد شد وبنابرآنچه ذکر نمود پس از این تاریخ تالیف شده است .

(٢) ظاهراینستکه مراد از ده چهار دراین بیت چهل میباشد بنابراین احتمال دومین مذکور بالا درست خواهدبود واگر بگوئیم مراد ازده چهار ، چهارده میباشد چنانکه منوچهری در قصیده ایکه مطلع آن اینست :

ای لعبت حصاری کاری دیگر بداری مجلس چرانسازی باده چرانیاری

گفته : من کیستم که برمن نتوان دروغ گفتن نه قرص آفتابم نه ماه ده چهاری

بنابرین تاریخ یکه سال ١١١٤ را میرساند درست ولی تاریخ مذکور بعبارتیکه مؤلف در تاریخ تالیف انشاء نموده درست درنمی آید ، بنا برین جمع میان این دو را بدانشمندان بزرگوار بر گذار مینماید .

عروض و قافیه

کتب عروض وقافیه از جهتی بایستی درفصل پیشین گذارده شود واز لحاظ اینکه راجع باشعار میباشد بایستی آنهارا درضمن فصل بعد گذارد ولی بهتر آنستکه آنهارا چنانکه درمقدّمهٔ جلد نخستین پیش بینی کرده ایم ، درفصل جداگانه ومیان دوفصل نام برده جاداد ، نسخ عروض وقافیهٔ این کتابخانه (جزیکی دونسخه آن) در چند مجموعه میباشد ، و بنابر آنچه در مقدّمهٔ نام برده گفته ایم بایستی مجموعات را درمجلّد چهارم معرّفی نمود ولی دراین فصل این چند مجموعه را استثناءً درزیر عنوان « مجموعه عروض وغیره » معرّفی مینمائیم .

[٤٦٠] الجوهرة الثانیه فی اعاریض الشعر (عربی)

این کتاب یکی از اجزاء (۱) کتاب « العقدالفرید » (۲) میباشد که از معاریف کتب ادبی و مؤلّف آن ابن عبد ربه است (ابوعمر احمدبن محمّدبن عبد ربه بن حبیب حدیر بن سالم قرطبی (۳) اندلسی ۲۴۶-۳۲۳) (٤) ، این دانشمند از آنهائی استکه

(۱) در ابتداء جزء چهارم العقد الفرید میباشد و ازچاپ سال ۱۳٤٦ آن صفحات ۳٤-۸۷ شامل آنست .

(۲) و این کتاب تا کنون پنج بار در مصر چاپ شده و چاپ سال ۱۳٤٦ آنرا که در چهار مجلد میباشد این کتابخانه دارد و در بیروت مختصر آن دوبار چاپ شده است .

(۳) قرطبی بنا بتصریح ابن خلکان بضم قاف وسکون راء مهمله وضم طاء مهمله و در آخر آن باء موحده باهاء ، منسوب به قرطبه استکه شهر بزرگ و پای تخت اندلس میباشد .

(٤) این شرح حال بامراجعهٔ به ص ۳۲ ج ۱ وفیات الاعیان و بغیة الوعاة زیر نام احمد وشذرات ص ۳۱۲ ج ۲ ومعجم المطبوعات العربیه ص ۱۶۲ نگاشته شده .

محفوظات بسیار داشت وبر حالات و اخبار مردم اطلاعی بی‌شمار بدست آورده و از آنها درعقدالفرید نمونه هائی‌بیادگار گذارده واورا دیوان شعرخوبی‌است، ابن خلکان ابیاتی از ایشان دروفیات‌الاعیان‌آورده وخود درالعقدالفرید نیزابیات زیادی از خود نقل نموده و ارجوزه ای در فرش عروض دارد که درهمین کتاب (الجوهرة الثانیه) آنرا جای داده است .

این کتاب راکه درعروض وقافیه میباشد در (١٦) باب مرتب نموده وپس‌از هرمطلب‌مهمّی‌بشعری‌ازپیشینان که‌خلیل‌بن‌احمد(متوفی‌بسال ١٦٠ یا ١٧٠ یا ١٧٥ ه باشد واولین کس‌استکه‌درعلم‌عروض تألیف‌نموده)بدان‌استشهاد نموده‌ویااز گفتارهای بزرگان‌ادب چون امرءالقیس ودیگرآن تمثل جسته وخود درمقدمهٔ آن‌گوید : تمام قواعد عروضی‌را دراین‌کتاب که‌آنرا دردو جزء قرار داده‌ام، گذارده‌شده، باین معنی‌که قسمت اوّل درفرش (١) و دوّم درمثال‌است .

این‌کتاب یارساله درحدود (١٦٠٠) بیت‌کتابت دارد .

آغاز : (فرش کتاب الجوهرة الثانیه فی‌اعاریض الشعر و علل‌القوافی) قال **ابوعمر** احمدبن محمّدبن عبدربه قدمضی‌قولنا فی‌فضائل‌الشعرومقاطعه ومخارجه ونحن قائلون بعون‌الله وتوفیقه فی‌اعاریضه وعلله ومایحسن ویقبح وزحافه وما الخ .

(١٠٧٥)

الجوهرةالثانیه این نسخه ضمیمهٔ نسخه‌ای از کتاب تصریح میباشد که محمّدباقربن ملاّ ولی استرابادی بسال ١٠٩٦ نگاشته و درص٣١١ زیرشمارهٔ (٩٢٣) از آن معرفی گردید و در این کتابخانه دارای شمارهٔ (٣٢١٦) است وظاهراً بلکه مسلماً این نسخه نیزخط همان نویسنده است .

[٤٦١] حدائق‌الحقائق (فارسی)

این کتاب تألیف شرف‌الدّین رامی است (حسن‌بن محمّد رامی تبریزی متوفی

(١) فرش نیزاز اصطلاحات قرّاء قرآن کریم میباشد وچنانکه ازقاموس‌اللغه استفاده میشود (باب الشین فصل الفاء) درست تلفظ کردن وادا نمودن کلمات است .

بسال ۷۹۵) (۱) که ازشعرای نام دار ونثرنویسان بااشتهار قرن هشتم هجری بوده وملك‌الشعرای شاه منصور (بسال ۷۹۵ درجنك باامیرتیمور کشته شده) (۲) آخرین پادشاه آل مظفر گردیده و کتاب لطیف **انیس العشاق** را که ازنفائس کتب فارسی میباشدواوصاف سرتاپای دلبرهارا بیان نموده، نیزازمؤلفات اوست ومدّاح خواجه فخرالدّین ماستری بوده وقصائدی درمدح وی گفته ونیزیك رباعی که نام ولقب وی از آن بدست می‌آید انشاء نموده (۳).

این کتاب که بنابرتصریح درمقدّمه آن وکتب تذکره بنام «حدائق‌الحقائق »(٤) نامیده شده وشرح حدائق‌السحررشید وطواط شاعر معروف میباشد وبفرمان سلطان اویس ایلکانی (٥) تألیف گردیده (بنابراین پیش ازسال ۷۷٦ تألیف گردیده است) ولی شرح برتمام مندرجات آن کتاب نیست فقط ازهرموضوعی بخشی ازآنرا باتغییر برخی ازالفاظ وعبارات آن ذکروپس ازآن درتوضیح آن بیانی نموده وشواهدی

---

(۱) ص ۱۷۸و۱۷۹ تذکره دولتشاه سمرقندی نسخه خطی این کتابخانه وص ۱۸۹-۱۹۱ دانشمندان آذربایجان مراجعه شود و در این کتاب اخیر قسمتی از قصیدهٔ وی که درمدح فخرالدین ماستری میباشد نقل گردیده است .

(۲) این تاریخ را دولتشاه سمرقندی درتذکره خویش تصریح نموده (ص ۱۷۹ نسخه خطی این کتابخانه) .

(۳) رباعی نام برده اینست :

خارست جهان پیش نوالت یکسر — فخراست زالقاب تودین را وخطر
تو کان محامدی و از فرط گهر — زالماس ضمیرت سپری شد خنجر

(٤) درمقدمه نسخه این کتابخانه و در تذکره دولتشاه و دانشمندان و مقدمه استاد دانشمند آقای اقبال آشتیانی برحدائق‌السحر نام این کتاب « حدائق‌الحقائق » ثبت گردیده ولی درمقدمه نسخه مجلس « حقائق‌الحدائق » نامیده شده و در ص ٤٤١ ج ۱ کشف‌الظنون نیز بدین نام نامیده شده ودرص ٤۲۱ ج ۱ نیزهمین کتاب را معرفی نموده ولی نام آن را « شقائق‌الحقائق » ضبط کرده وگذشته ازاین اغلاطی چنددارد که بی‌اهمیت نیست ودر رساله « کشف‌العیون فی اغلاط کشف‌الظنون » آنهارا تذکر داده ام .

(٥) درص ۲٤۱ ج ٦ شذرات الذهب در شمار مردگان سال ۷۷٦ گوید از آنها اویس‌بن شیخ حسین بن‌حسن میباشد که پادشاهی عادل وباشهامت وشجاع وخیر ودوستدار کارهای نیك بود، نوزده سال سلطنت کردو سی و هشت سال زندگانی نمود الخ .

از اشعار پارسی خود و شعرای متقدم و معاصر آورده و در تمام آن بیتی عربی نیست ومطالبی هم برمطالب رشید دراصطلاحات متأخرین دراین‌فن اضافه نموده ودر قسم اول گفته‌های‌رشیدرا درپنجاه باب شرح‌داده‌ودرقسم دوم اصطلاحات متأخرین‌رادر ده باب گذارده ودر حدود(۱۲۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله بعدازحمدبیحدوصلوات بیعد چنین گویداقل شعرا شرف‌بن‌الخ .

انجام: همیشه تابود افلاك وانجم ـ معزّالدین اویس‌بن‌حسن باد .

(۱۰۷۶)

حدائق‌الحقائق این‌نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال‌نگارش نام نبرده ، ظاهراً نگارش نزدیکتر از قرن یازدهم هجری نیست ، در ص ۳۸ یاد داشتی بتاریخ ۱۱۵٤ دارد ، عناوین با شنجرف میباشد ، برگ نخستین این کتاب افتاده ونخستین سطر آن اینست :

مرصعت و بدان مفاخرت نموده که‌درعرب‌وعجم کس‌چنین‌قصیده‌انشاء نکرده‌الخ .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف‌حاج میرزا محمدتقی‌وصی میرزا علیمحمدحکمی . قطع‌ربعی. شمارهٔ اوراق کلیه (٦۷) . این نسخه (۳۸) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲٦۸) . قفسه مدرسه صدر .

[٤٦۲] **حدائق‌السحر فی دقائق لشعر** (فارسی) .

این کتاب ازمشاهیر کتب ادبی فارسی ومؤلف آن شاعر شهیر رشید وطواط است (۱) (رشیدالدین محمدبن محمدبن عبدالجلیل عمری بلخی متولد میان سال ٤۸۰و٤۸۷ ومتوفی‌بسال۵۷۳ یا۵۷۸ (۲)) که درفن انشاء بعربی وفارسی نیز شهرتی بسزا داشته ودر عصر وزمان خویش دراستادی این دوفن به دوزبان مسلّم بوده واین کتاب وی که درصنایع شعریه‌ساخته شده مورد قبول دانشمندان گردیده است .

---

(۱) گذشته ازمقدمهٔ بسیار نفیس حدائق‌السحر (۷۳ صفحه) که دانشمند محترم آقای اقبال نگاشته‌اند ، به همت اقلیم ص ٤۸۳ ، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۵۲ - ٦۰مجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۲۲ ، معجم المطبوعات ص ۱۹۲۱، تاریخ گزیده ص ٦۵۰ و آتشکده آذر ص ۳۱۵ و معجم‌الادباج ۷ ص ۹۱ - ۹۵مراجعه‌شود .

(۲) درتولد ووفات این‌شاعر نیز اختلاف میباشد ، آقای اقبال باادله ای تولد وی رامیان‌این دو سال و وفات او را بسال ۵۷۳ ترجیح داده اند .

از آثار رشید آنچه باقی مانده یکی همین کتابست که بفارسی است ولی گذشته ازشواهد فارسی که در آنست بنظم و نثرعربی در آن نیز استشهاد گردیده و دیگری شرح صد کلمه از کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بنظم فارسی و نثر عربی و فارسی بنام « مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب » استکه در اروپا چاپ شده (۱) و رسائل عربی اوست که بسال ۱۳۱۵ درمصر چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله علی ماافاض ..... چنین گوید مؤلف کتاب ..... کی روزی الخ.

(۰۷۷)

حدائق السحر این نسخه را محمد حسین بخط خوب بسال ۱۲۶۷ برای پیش کش به اعتضاد السلطنه نوشته و تزوک تیموری را نیز برای همین مقصد بسال ۱۲۶۸ بهمین خط نوشته و پیش از این نسخه گذارده شده است .

جلد تیماجی ، کاغذ تزوك سمرقندی وحدائق السحر فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۹۱) . این نسخه (۹۰) . صفحه‌ای (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۵۰۲) .

[٤٦٣] عروض و قافیه وحیدی تبریزی (عربی)

وحیدی چنانکه معاصر وی سام میرزا درتحفه سامی (ص ۴۱۰-۴۱۱ نسخه خطی این کتابخانه) نگاشته از یاوه گویان قم بوده و تازنده بود با حیرتی معارضه داشته و یکدیگررا هجوهای رکیك میکردند .

وصاحب خلاصة الاشعار که ازعبارات وی برمی آید او را ندیده ولی بدیدار آنانکه او را دیده اند موفق گردیده (۲) ، درباره وی گوید : « اصل وی از تبریز است اما در قم ساکن بوده وبیشتر مردم او را قمی میدانند ..... رساله ای در عروض وقافیه نوشته ، دراکثر بلاد عراق و آذربایجان مشهور است . وبعضی از ابیات او دراین رساله جهت مثال مذکور و دردوماخذ تصریح شده که بطمع بگیلان رفت وبسال ۹۴۲ جرعه مرگ را در آنجا نوشید .

(۱) حاجی خلیفه گوید (ص ۱۵۶ ج ۱) : محمدبن محمد شهیر به وطواط متوفی بسال ۵۵۲ صد کلمه از کلمات قصار هریك ازخلفای چهارگانه را شرح نموده و برای آنها نامی مخصوص گذارده وهمه آنها را درمجلدی دیده ام و بترتیب نام هریك آنها اینست :

تحفة الصدیق ، فصل الخطاب ، انیس اللهفان و ٤ ـ مطلوب کل طالب .

(۲) به ص ۳۹۳ و ۳۹۴ دانشمندان آذربایجان نگاه کنید .

واشعاری بنام شهرانگیز در مدح تبریز و تبریزیان گفته وچند بیت از آن در تحفه سامی ضبط و در دانشمندان آذربایجان از آنجا نقل گردیده و در تحفه مطلع دوغزل وی نیزنقل گردیده است .

آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان ص ۳۹۳و۳۹٤ نیز این مؤلّف را بنام **وحیدی تبریزی** نام برده و گویند که نام این رساله عروض وقافیه وی «مختصر وحیدی» میباشد و کتابی درلغت پارسی بنام « مفتاح البدائع » تألیف نموده و دیوانی دارد که نسخهٔ آن در کتابخانه اسعد پاشا دراسلامبول هست .

درمقدّمهٔ نسخهٔ زیرین نویسندهٔ آن نگاشته :

بسمله شکروسپاس واجب‌التعظیمی را که بتشریف نطق انسانرا مشرف ساخت و کلام موزون‌وعلم اوزان موهبت فرمود و درود فراوان برمحمد مصطفی صلی‌الله علیه وآله واولاده این مختصریست از منشات وحید (۱) تبریزی در علم عروض و قافیه و صنایع شعری که از برای برادرزادهٔ‌خود تالیف کرده تابدین‌مقدمه دراوزان‌مدخل کند وحدود قافیه وصنایع شعررا بداندواین‌را «جمع‌مختصر» نام نهادوبالله‌التوفیق‌اکنون‌بدانکه شعر کلامیست‌موزون الخ .

واینقسمت درنسخهٔ‌دیگری ازاین‌رساله که‌درص ۷-۳۲و٤٥-٥١ مجموعهٔ‌شمارهٔ (۲٦۸)این کتابخانه که‌درص٤٤۹ از آنمعرفی‌میشود،نیست‌وبدینگونه‌شروع‌میشود:

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله‌الطاهرین **امابعد** برضمایر ارباب فصاحت وبلاغت و عندلیبان گلشن سخنوری وداستان سرایان داستانهای زبان آوری که انتظام نظم کلام بترکیب حروف سنجیده اند [مخفی] وپوشیده نماند ، آنچه باوزان درآید آنرا نظم خوانند و آنچه دراوزان درنیاید آنرا نثر نامند بدانکه شعر کلامیست موزون الخ .

این کتاب درحدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۱۰۷۸)

عروض وقافیه وحیدی

این نسخه‌بدون تاریخ‌ونام کاتب‌بخط نسخ‌نوشته‌شده و پیوسته‌به نسخه‌ای از کتاب « حدائق‌الحقائق » استکه‌درص٤۳۹ معرّفی گردید ، صورت شجره اخرب از آخرعروض و ۳۳ بیت از اوّل قافیه این نسخه افتاده ، خصوصیّات دیگر آن بصفحه نامبرده بالا و یا بشمارهٔ (۲٦۸) قفسهٔ مدرسهٔ صدر مراجعه گردد .

---

(۱) درنسخه وحید بدون یاء نسبت ضبط گردیده در کشف الظنون هم (ج ۲ ص ٤۷۹) نیزچنین است ولی درتحفهٔ سامی و دانشمندان با یاء است .

(۱۰۷۹)

عروض و قافیه وحیدی

این نسخهٔ ازاین کتاب در ص ۷- ۳۲ و ۴۵-۵۱ مجموعه ایکه بسال ۱۲۴۱ نوشته شده موجود واین مجموعه بشمارهٔ (۳۸۶) دراین کتابخانه ثبت ودرص ۴۴۹-۴۵۰ معرفی از آن میگردد.

[٤٦٤] **عروض محمد مؤمن حسینی** (فارسی)

این رساله بنابر تصریح درابتداء آن تألیف محمّد مؤمن بن علی حسینی وموشح بنام محمّد قلی، قطب شاه میباشدکه فرمانفرمای مملکت دکن ومعاصر باا کبرشاه بوده ودر آخر آن سال تألیف سنهٔ ۱۰۰۷ معیّن گردیده، باتفحص در کتب سیر و فهرستها بشرح حال مؤلّف ونسخهٔ دیگری ازاین مؤلّفه دست نیافتم، از مطالعه این نسخه و مقدّمهٔ تعلیقه ایکه بنام «لعل قطبی» معاصر وی نصیرای همدانی بر آن نوشته بدست میآید که ازدانشمندان قرن دهم واوائل قرن یازدهم هجری بوده و گذشته ازمراتب عالیه علمیّه مقام رسمی دولتی داشته وتاسال ۱۰۲۱ درقید حیات بوده است.

در آتشکدهٔ آذر (ص ۱۵۹) گوید: میرمحمد مؤمن از سادات و اکابر علماء استراباد بوده و مدتی معلّمی حیدر میرزای صفوی را نموده و در آخر عمر بهندوستان رفته (در تاریخ عالم آرا ج ۱ استکه تا این سال (۱۰۲۵ - ۱۰۲۶) زنده است - مؤلف) از اوست:

ایکه گفتی عشق را درمان بهجران کرده اند
کاش میگفتی که هجران را چه درمان کرده اند

نگارنده احتمال قوی میدهد که مؤلف این کتاب همین محمد مؤمن است.

این مؤلّفه دریك مقدّمه و دو فصل وخاتمه ای بدین تفصیل تألیف گردیده:
مقدمه دربیان فائده ای چند (۱۲ فائده است) که بجهت دانستن این فن معرفت بعضی ازین فوائد ضروری وبعضی ناصر ومعین است. **فصل اول** دربیان بعضی از بحرهای شعر که بطبایع سلیمه و اذهان مستقیمه قریب و نزدیکی آن بیشتر است وازین جهت اشعارشعرای مشهور مقصور برهمان بحرکه بربعضی از آن بحوراست. **فصل دوم**: دربعضی از بحور که نه بر مهایج مذکور است. **خاتمه**: دربیان بعضی ازاصطلاحات ومقرّرات اهل این فن. ودر حدود (۱۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز : بسمله بعد حمدوسپاس بیقیاس وصلوة و درود نامحدود چنین گوید راقم این سطور الخ .

(۱۰۸۰)

عروض محمدمؤمن حسینی

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده خود و سال نگارش را معیّن ننموده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و بجای آن یادداشت اعتضادالسلطنه بسال ۱۲۸۵ نوشته شده و در ابتداء آن کلمه « عیون‌الشرف » نوشته شده و بدین نام درهمین صفحه براین کتابخانه وقف گردیده ، درخود کتاب و تعلیقهٔ بر آن (لعل قطبی) که ضمیمهٔ این نسخه است این نام نیست و ندانم از کجا پیداشده است و ضمیمه را جداگانه معرفی خواهم نمود .

جلد تیماجی دور گرفته . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۵۵) . این نسخه (٦۹) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر .) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۷) .

[٤٦٥] **لعل قطبی - حاشیه برعروض محمد مؤمن** (فارسی)

این کتاب حاشیه و تعلیقه ای برعروض محمد مؤمن حسینی میباشد که در صفحهٔ گذشته معرفی از آن گردید ، وخودمؤلّف آنرا « **لعل قطبی** » نامیده و چون اصل کتاب موشح باسم محمّد قلی قطب شاه (۱) است ، مؤلف این کتاب **نصیرای همدانی** (محمد الشهیر بنصیر الهمدانی) استکه ازاین مؤلفه و نامه ایکه درطلب اسطرلاب (۲) بهدانشمندی نوشته و مثنوی وی (۳) معلوم میشود ازدانشمندان وشعرا وریاضی دانهای اوائل قرن یازدهم هجری بوده ونثروی چون نظمش منظّم

(۱) شرح حالی ازمحمد قلی قطب‌شاه اینك بدست نیاوردم ، فقط درتذکره خوشگو ایشانرا معاصر اکبر شاه معروف وفرمانفرمای دکن معرفی نموده و دو بیت از وی نقل کرده وازاین مؤلفه معلوم میشود تاسال ۱۰۲۱ که سال تالیف آن میباشد درحیات بوده وفرمانفرمائی داشته است .

(۲) نسخه ای از این نامه درص ۲۵۲ ـ ۲۵۳ مجموعه شمارهٔ (۲۹۱۳) این کتابخانه موجود وبسیار استادانه نگارش یافته است .

(۳) نسخه ای ازاین مثنوی که آغاز آن اینست : (کیم دیوانهٔ ازخود هراسان .) در کتابخانه مجلس درمجموعه ایستکه در ج ۱ فهرست خطی زیر شمارهٔ (٤٤۲) از آن معرفی گردیده است .

ومتین وامامی مذهب بوده و گذشته از اینکه بشرح و بسط مطالب مختصرهٔ مؤلّفهٔ نام برده پرداخته، قواعد ومطالب زیادی ازخود دراین اثربیادگار گذارده‌ومدعی شده که در جای دیگر این مطالب یافت نخواهد شد و انصاف توان داد که رساله ومؤلّفه‌ای جامع است وچنانکه در آخر آن تصریح گردیده تألیف آن بسال ۱۰۲۱(۱) خاتمه یافته و تألیف آن هنگامی بوده که جمعی عروض محمّد مؤمن را پیش وی میخوانده اند ومؤلّف آن درقید حیات بوده و در دیباچه باشرح و بسطی باتجلیل زیاد از ایشان یاد کرده وتمام این تعلیقه درحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد.

درص۱۶۶-۱۶۷ تذکرهٔ نصرآبادی‌استکه نصیرای‌همدانی بسال ۱۰۳۰ مرده ودیوان وی موافق نامهای الهی هزارویك بیت است.

آغاز: بسمله گوهری غریب بدیع که بدستیاری غوّاص‌فکر سریع ازبحرضمیر کاملان اقلیم معنی متواتر مکشوف گردد سپاس صانع بی ابتداست الخ.

(۱۰۸۱)

لعل قطبی این‌نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده وبآخرین عبارت مؤلّف آنرا خاتمه داده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن یازدهم هجری است، بر کنار آخرین صفحه یادداشتی بدون تاریخ نوشته شده وضمیمهٔ کتاب شمارهٔ (۲۸۷) این کتابخانه است که درصفحهٔ ٤٤٣ زیرشمارهٔ (۱۰۸۰) معرّفی گردید.

[٤٦٦ - ٤٧٧] **مجموعه عروض و غیره** (عربی وفارسی)

۱ - عروض نجاتی ۲ - عراضة العروضیین ۳ - مصادر مخالف قیاس ٤ - عروض وحیدی ٥ - قصیده همام تبریزی در مدح حضرت ختمی مرتبت ص ٦- قصیده‌حرباویه ۷- سلوة‌الشیعه ۸- قصیده‌ازبدرالدین‌خبوشانی ۹- ایضاً قصیده‌ای ازهمو ۱۰-بدایع‌الاسحار ۱۱- عروض‌اندلسی ۱۲-لقاب‌العروض‌ودوائرپنجگانه‌آن.

۱ - محمود بن عمر نجاتی بخواهش محمد بن علی مشهدی معروف به سیواك

(۱) عین عبارت آخر رساله که حاکی از سال تالیف میباشد اینست: فارغ شد کلك جواهر سلك از گرداوری این دو عزیز در تاریخ روز سه شنبهٔ دوم عشر سیوم ماه اول از سال اول از عشرسیوم ازمائهٔ اول از الف دوم من‌الهجرة‌النبویه المصطفویه علی‌الهاجر و آله الف الف صلوة وسلام وتحیه.

مختصری بفارسی در عروض و قافیه نوشته و آنرا « الکافیه فی العروض و[الصنعة القافیه(کذا)] »نام نهاده ومثالهای آنرا ازاشعار پارسی آورده ودر آن ازمتاخرین نام جمال‌الدّین محمّد عبدالرزاق اصفهانی وشعری ازوی و نام یوسف عروضی نیشابوری دیده میشود و از هردو بعنوان **استاذ** یاد کرده و در مقدّمه خود تصریح نموده که برای شناسائی صنایع شعریّه از کتاب حدائق السحر انتخابی نموده است .

در کتب رجال وتذکره نام و نشانی از نجاتی نیافتم جز اینکه درص ۱۸۸ ج ۱ کشف الظنون زیر عنوان بدائع الاسحار نوشته شده که محمود بن عمر نجاتی نیشابوری آنرا شرحی فارسی نموده و به غیاث الدین وزیر اهداء کرده است و در حاشیه ص ۲۳۰ شمارهٔ ۳ مجلهٔ مهرسال پنجم (مرداد ۳۱۶) آقای تربیت نگاشته اند که «بساتین الفضلاء و ریاحین العقلا» درشرح تاریخ عتبی تألیف حمیدالدین ابی عبدالله محمود بن عمر النجاتی النیشابوری استکه درسنهٔ ۷۰۹ درتبریز خاتمه یافته است . ودر اصل ص ۲۳۰ مجلّهٔ نام برده عبارتی عربی ازبساتین نقل نموده ومیرساند که آن شرح بعربی ونسخهٔ آنرا آقای تربیت در دست داشته اند .

وبقرینه گذشته واینکه نسخه این عروض بسال ۷۳۸ نوشته شده ونویسنده پشت صفحهٔ نخستین گوید : عروض نجاتی نیسابوری اصلح الله احواله و حقق آماله . بایستی تااواخر نیمهٔ اوّل قرن هشتم درقید حیاة وزندگانی بوده باشد واین رساله درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد ونام این کتاب در کشف الظنون نیست .

این نسخه را در ۱٤ ورق محمد بن یوسف ابی عقیل بیهقی وحیدی بسال ۷۳۸ بخط نسخ خوب نوشته وبیهقی مذکور درحاشیه صفحات تعلیقاتی بر آن نگاشته وبسال ۷۳۹ آنرا مقابله نموده است .

آغاز: بسمله ربّ تمّم بالخیر الحمدلله کما هواهله والصلوة والسّلام علی نبیّه محمّد وآله چنین گوید محرر این اوراق نجاتی الخ .

۲ ـ عراضة العروضیّین تألیف ابوالفضل قرشی (محمدبن خالد) این رساله نیز بفارسی ومؤلّف خود آنرا بدین نام نامیده و درآن گذشته از ابیات فارسی انوری وفردوس وخاقانی وغیره باشعار بعربی استشهاد نموده و درآن آورده که استاذ

کامل فاضل یوسف عروضی نیسابوری قدس‌الله روحه این شانزده بحر را در پنج دائره وضع کرده است و آن پنج دائره را هم در آخر رساله خویش رسم نموده ، ازطرز انشاء واینکه نویسنده که همان نویسندهٔ پیشین میباشد پس از ذکر نام جمله **نور مضجعه** نگاشته‌بنابراینهامسلّماً قرشی‌مؤلف‌دراین‌سال(۷۳۸)زنده‌نبوده‌است.

این رساله درحدود (۵۵۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه از ص ۲۸ - ۶۹ شامل آنست و در کشف‌الظنون نام آن نیست .

آغاز : بسمله الحمدلله . . . . چنین گوید . . . . . محمدبن خالد قرشی . . . بذان اسعدك الله کی عروض الخ.

۳ - مصادر مخالف قیاس را ابوعلی طبری در نه بیت عربی جمع نموده ، در حاشیه وپشت این ابیات ترجمه فارسی مصادر وتعیین ابواب آنها نوشته شده وبخط نویسنده دو رساله پیش است وصفحه ۷۰-۷۱ مجموعه شامل آنست .

آغاز : شفاعة رجعی شروع ظعن ذکری مآل لمعان معذره .

٤ - عروض وحیدی بیهقی چنانکه در ابتداء رساله تصریح شده مؤلّف آن محمد بن یوسف بن محمد بن یوسف ابی عقیل نوقارزی بیهقی ملقب به وحیدی میباشد و این شخص نویسندهٔ سه رساله پیشین میباشد و در این رساله مکرر از رساله عروض ادیب صابرواشعار وی ودیگرشعرا (درص ۹۳ دوبیت ازخواجه نصیرالدین طوسی متوفی بسال۶۷۲ دارد) استشهاد گردیده ودرآخر آن تصریح نموده‌که بسال ۷۳۵ تألیف آن خاتمه یافته است .

این رساله بفارسی و درحدود (٤۰۰) بیت کتابت دارد ، بخط مؤلّف میباشد وصفحهٔ ۷۲-۹۶ مجموعه شامل آنست .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والسّلام علی سیدالمرسلین محمدو آله‌الطیبین الطاهرین چنین گوید مقرراین مقاله وحررراین رساله محمدبن یوسف .... الملقب بالوحیدی الخ.

۵ - قصیده ای در مدح حضرت خیرالبشر ختم مصطفی ص از همام‌الدین تبریزی متوفی بسال ۷۱۳ یا ۷۱٤ که مشتمل بر ۲۳ شعر فارسی و ۸ بیت عربی

میباشد در ص۹۷ – ۹۹ نگاشته شده ، بر گیکه شامل صفحهٔ ۹۶و۹۷ نسخه میباشد، بجای ورق اصلی که افتاده بود ، گذارده شده ودو مصراع از قصیده را محو کرده اند، طرز خط اصل قصیده ثابت میکند که نویسندهٔ آن وحیدی بیهقی مذکور میباشد .

آغاز: ای کرده اقتدا بکمال تو انبیا وی مهتدی بنور جمال تو اولیا .

انجام: گستاخی همام ضعیف از کرم ببخش پیش کریم سهل بود ختم ماجرا.

۶ – قصیده حرباویّه این قصیده بعربی و ۱۲ بیت از آن در ص ۹۹ نسخه ذیل مانده واوراقیکه میان این قصیده وسلوة الشیعه بوده باقسمتی ازاین کتاب اخیر افتاده است .

آغاز: انّی امرء لایطیّبنی الشـــــــادن الحسن القوامـا .

۷ – سلوة الشیعه مؤلّف کشف الحجب والاستار در ص۳۱۲ درذیل این نام نوشته:

« للشیخ علی بن احمد الفنجکردی بفتح الفاء وسکون النون والراء وضم الجیم وکسر الکاف وآخره دال مهمله قریة من قری نیسابور علی حد الدرب المتوفی سنة ثلث عشره وخمسمائه ۵۱۳ ذکره البیهقی فی الوشاح وعبد الغفار فی تاریخه وياقوت الحموی فی معجم الادباء جمع فیه اشعار مولانا علی بن ابی طالب علیهما السلام نحواً من ماتی بیت » .

این نسخه که در ص ۱۰۰ – ۱۱۱ این نسخه نگاشته شامل ۱۳۸ بیت از این کتابست وچنانکه گفته شد از اوّل افتاده دارد بنابر آنچه گذشت ۶۲ بیت آن افتاده است .

۸ و ۹ – دو قصیده از بدرالدین خبوشانی است که در اول (۲۸ بیت است) چهارطبع را ردیف آورده و آغاز آن اینست :

بحمد صدر جهان خاك و باد و آتش و آب

گشاده اند دهان خاك و باد و آتش و آب

و دیگری شامل ۳۰ بیت و از اول تا بآخر به صنعت تجنیس آراسته است و آغاز آن اینست :

برخیز جام می ز کف دلستان ستان چون غافلان چه خسبی در بوستان ستان

این دو قصیده در ص ۱۱۲–۱۱۵ مجموعه میباشد و قصیده اخیر ناقص و تتمّه آن براوراقی بوده که از نسخه برداشته اند .

۱۰ - ص ۱۱۶ این مجموعه شش بیت‌ازقصیده بدایع الاسحار راکه بخط نسخ خوب عبدالله بن الحسن بن عبدالجبار بسال ۷٤۰ نوشته شامل است وقسمت اوّل این قصیده افتاده و « بدایع الاسحارفی صنایع الاشعار » که ازمشاهیر قصاید فارسی ومشتمل برصنایع بدیعیه میباشد، منشی آن جمال‌الدّین محمّدبن ابی‌بکرقوامی مطرزی میباشد ونجاتی چنانکه گفته شد برآن شرحی بفارسی نوشته است .

۱۱ - عروض اندلسی این کتاب بعربی ومؤلف آن ابوعبدالله محمدبن انصاری اندلسی معروف‌به ابی‌الجیش میباشدومؤلف کشف‌الظنون‌درص۱۱۲و۱۱۳ج۲ زیر عنوان « عروض اندلسی » آنرا نام برده وچند شرحیکه برآن نوشته شده تذکر داده وقسمتی ازمقدمه این کتاب‌راهم نقل نموده واین عروض‌در ص۱۱۷-۱۲۹ این‌مجموعه میباشدونویسندهٔ آن بیهقی وحیدی مذکور درماه صفرسال ۷٤۰ میباشد و در ماه رمضان همین سال در بحرآباد جوین شرحی زیر همین رساله نوشته که مدتی چند دراین کتاب بدقت مطالعه میکردم تا اینکه طریقهٔ تحلیل و استخراج رموز وکشف اسرار وگنجینهای آنرا بدست آورده ودرر شاهوار آنرا بیرون آوردم ودرآخر گوید :والسّلام علی‌محمد وآله خیرالانام والفراغ من‌التصفح الخ. واین عروض درحدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .

۱۲ - پس ازاتمام شرح بالا ازبیهقی زیرعنوان **لقاب‌العروض** ٤٥ نام باشرح مختصرآنهادرص۱۳۰ و۱۳۱ ونیزدر ص ۱۳۲-۱۳۶ صورت پنج دائره عروضی که بگفته بیهقی مذکوردرعروض خویش تألیف یوسف عروضی میباشد وشانزده بحرعلم عروض را درپنج دائره وضع نموده وآخرعروض خود (بیهقی) آورده است و در اینجا همان دوائر ولی بزرگتر با شرح و بسط بیشتری ترسیم گردیده و در ص ۱۳۷ مجموعه مطالب متفرقهٔ عروضی و ترجمهٔ فارسی چند لغت عربی نگاشته شده وبامقابله نسخ پیش مسلّم شد که خط بیهقی مذکور میباشد وظاهراینستکه اینها نیزاز انشآت اوست . (۱۰۸۲ تا ۱۰۹۳)

مجموعه عروضی وغیره

این نسخه چنانکه بیان گردید شامل دوازده نسخه میباشد، وقسمتهائی ازآن افتاده‌واز سال ۷۳۵ تا ۷٤۰ بتدریج‌نگارش یافته و کاتب آن فقط در یکجا عبدالله بن عبدالجلیل بوده

وباقی بخط وحیدی بیهقی است که مؤلف یکی دونسخهٔ آن میباشد ، رطوبت دربرگها اثرنموده واندکی ازعبارات را محو کرده وپشت صفحه اول بخط بیهقی ابیاتی چند نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ حنائی . واقف حاج میرزا محمد تقی طهرانی (جارالله‌ی) وصی آقامیرزا علی محمد حکمی اصفهانی (از ترکه وی) . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٦٩) . صفحه ای (١٥) سطر . طول (١٦ سانتیمتر) . عرض (١٢ سانتیمتر) . شمارهٔ (٣١٣) قفسه مدرسه صدر .

[٤٧٨-٤٨٠] مجموعهٔ عروض وقافیه وغیره (فارسی وعربی)

قافیه جامی ـ عروض وقافیه وحیدی تبریزی ـ تحفة الشعراء ـ قسمتی از کتابی دراصول فقه .

١ ـ **قافیه‌جامی** ، عبدالرحمن جامی که‌درص٣٥٧-٣٥٩ مختصری درشرح‌حال ومؤلفات‌ایشان نگاشتیم ، این‌رساله را درقافیه نگاشته‌اند وبسال١٨٧٢م. درپاریس بضمیمهٔ عروض سیفی چاپ گردیده و درحدود (١٦٠) بیت کتابت دارد و این مجموعه ازص ١ تا ٧ شامل آنست .

آغاز : بسمله بعد ازتیمّن بموزون کلامیکه قافیه سنجان انجمن فصاحت بدان تکلّم کنند الخ .

٢ ـ عروض وقافیه وحیدی تبریزی‌استکه درص ٤٤٠-٤٤١ معرّفی گردید و چنانکه گفته شد این‌نسخه دارای دیباچه مختصری میباشد وصفحهٔ٧-٣٢ این‌مجموعه شامل عروض وصفحهٔ ٤٥ ـ ٥١ دربردارندهٔ قافیه آنست .

٣ ـ تحفة الشعراء این رساله شرح ابیاتی استکه درعلم عروض انشاء گردیده و در آخر منشی خود را جوهری معرّفی کرده است : جوهری دریای معنی‌سفته است ـ شانزده بیت آخرینش گفته است . ودرحرف‌جیم‌تذکره خوشگو زیر نام : جوهری سمرقندی نوشته شده : « ازشعرای امیرعلیشیر نوائی بوده عروض وقافیه را نیکومیدانست ازاوست : « شور پروانه زبلبل طلبی شرمت باد ـ آتش ازدور بهشت است تماشائی‌را » . شارح درابتداء کتاب از صاحب ابیات نام نبرده فقط گوید : یکی ازفضلاء وعلماء عصر بروایت مسجّله چند بیتی در بیان القاب علل

که در فن عروض بود الخ . بگمان نزدیك بیقین این ابیات از همین جوهری سمرقندی است و شارح بنا بر تصریح خود صفی‌الدّین علاء بن صفی‌الدّین علی بسطامی میباشد و دیباچه را بنام شمس‌الدّین علی که حاکم و زمامدار بسطام بوده موشح کرده است وظاهر اینستکه شارح ازاهل‌سنّت و دراواخر قرن نهم زندگانی میکرده است

این رساله در حدود (٤٠٠) بیت وص ٣٣-٤٥ این مجموعه شامل آن میباشد.

٤ - قسمتی‌از کتابی دراصول فقه است‌واین قسمت دربحث اصالة حجیّت ظن و ظاهراً انشاء یکی از شاگردان شریف‌العلماء رحمه‌الله میباشد و درحدود (٧٠٠) بیت کتابت دارد و از صفحهٔ ٥٤ - ٦٩ مجموعه را اشغال نموده‌است .

(١٠٩٤-١٠٩٦)

مجموعه عروض و غیره

این مجموعه شامل چهارقسمت مذکور میباشد وهمه را یکنفر بسال ١٢٤١ بخط نستعلیق نوشته و برصفحهٔ ٥٢ اشعاری در اختیارات نجومی وبر صفحهٔ ٥٣ مطالب متفرقه ای نگارش یافته و پشت صفحهٔ اوّل مطالبی از کتاب عروضی میباشد که پیش‌ازین ضمیمهٔ این نسخه بوده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٣٥) . صفحه‌ای (١٧و٢٢) سطر . طول (٢١سانتیمتر) . عرض(١٥سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٨٦) .

[٤٨١] مطلع (فارسی)

این کتاب تألیف رضی‌الدین محمّدبن محمّد شفیع میباشد که بتصریح خواهرزادهٔ ایشان محمّد شفیع طباطبائی که نویسنده نسخهٔ زیرین میباشد، ازمستوفیان خاصّه بوده وازعبارات مذکور دردیباچه کتاب نیزمسلّم میشود که مؤلّف‌ازمستوفیان توانای قرن یازدهم وامامی مذهبی بوده وباقرینه سال تألیف بدست میآید که دردربار شاه عباس ثانی که از سال ١٠٥٢ تا ١٠٧٧ سلطنت داشته، مستوفی‌بوده است.

مؤلّف آنرا به دو مصراع تقسیم وهریك از آنها را به چهارر کن تقسیم‌نموده وعین عبارات کتاب راجع به این تقسیم بدین تفصیل است :

مصراع اول : متضمن عروض وقوافی براسلوب ارباب عروض و وزن مشتمل برچهار رکن هرر کنی از ارکانش محتوی برسه حرف وهرحرفی راح روح پرور معانی را ظرف . **رکن اول**: در تعریف شعر و تفصیل اقسام آن و حد عروض ووزن و تعداد اسباب واوتاد و شرح حروف و حرکات معین برسه حرف . **رکن دوم** : در حد تقطیع و بیان ازاحیف و تعداد فروعی که از استعمال ازاحیف متولد گردند مقرر برسه حرف . **رکن سیم** : در شرح بحوریکه از ترکیب ارکان منبعث گردند و ثبت دوائر وفلك بحور وتفصیل بحوراصلی و فرعی معین برسه حرف . **رکن چهارم** : محتوی برعلم قوافی مشتمل برسه حرف .

مصراع دوم : درصنایع وبدایع . **رکن اول** : دربیان آنچه بفن معانی وبیان اختصاص دارد . **رکن ثانی** : درصنایع معنوی که کلك بلاغت کیشان ازفن بدیعش میشمارند . **رکن ثالث** : درذکرصنایع مخصوصه بفن بدیع . **رکن رابع** : درذکرسائرآنچه ضرور است در دراتمام این بنای رفیع .

این کتاب بتصریح مؤلّف در آخر آن بسال ۱۰۶۳ تألیف گردیده و دراین موضوع مؤلفه ای جامع و در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله ظلماء کامل غبار کلمات فصاحت سمات که در معادن خواطر خورشید نظائر الخ .

(۱۰۹۷)

مطلع این نسخه را بسال ۱۱۰۶ بخط شکسته نستعلیق محمّد شفیع طباطبائی نوشته و در حاشیه برخی از صفحات تعلیقاتی در توضیح مطالب ازقاموس وصحاح وبدون امضاء موجود است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱٤۸) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($۱٤\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸) .

اشعار وتذکره‌ها و دیوانها

[٤٨٢] آتشکدهٔ آذر (فارسی)

آتشکدهٔ آذر یکی از تذکره‌های مشهور و مؤلّف آن حاج لطفعلی بیگدلی شاملو(۱) متخلص به آذر و پسر آقاخان است ، متولد بسال ١١٣٤ و متوفی بسال ١١٩٥ میباشد(۲)، مؤلّف آنرا **آتشکده** نامیده و در آن از اشعار پیشینیان و معاصرین انتخابی بسلیقهٔ خویش کرده و مختصری از شرح حال آنها را هم بیان نموده و در آخر آن شرح حال مختصری باپاره ای از اشعار خود را گذارده و خصوصاً از « یوسف و زلیخا » (۳) (بنقل الذریعه از « تحفة العالم » سید عبداللطیف تستری مشتمل بردوازده هزاربیت است) انشائی خود بخشی زیاد نقل نموده و این تذکره را بدو **مجمر** تقسیم نموده . **مجمراول** : درذکر اطوار و اشعار شعرای متقدّمین مشتمل بریك **شعله** : (درذکر اشعار شاهان و شاهزادگان و امرا که منسوب بولایتی نیستند) و سه **اخگر** : (در ذکر شعرای ایران و توران وهندوستان و هراخگری

---

(۱) بنابتصریح خود در همین آتشکده بیگدلی‌ها طایفه ای از ترکان هستند که بایران کوچ داده شده اند وقسمتی ازآنها را بشام برده اند و امیرتیمور آنهارا بایران آورده وبمناسبت بودنشان درشام بنام شاملو نیز خوانده میشوند .

(۲) شرح حال این مؤلف با مراجعه به آتشکدهٔ آذر وص۷۳ ج ۲ مجمع الفصحا و ص٤ ج۱ الذریعه الی تصانیف الشیعه نوشته شده وخود وی گوید که درفتنهٔ افغان متولد شده وازاصفهان با خویشان بقم هجرت کردیم و در ابتداء سلطنت نادرشاه پدرم بحکومت لار و بنادر خلیج فارس منصوب گردید، باوی بشیراز رفتم وی پس‌از دوسال بدرود زندگانی گفت الخ .

(۳) تاریخ اتمام یوسف وزلیخا را در آخر کتاب بسال ١١٧٦ معین نموده است .

بچند **شراره** که اسم ولایت اقتضا کند تقسیم شده .) و یك **فروغ** : (در حالات ومقالات زنان دانشمندان دیار .) و **مجمردوم** : در بیان حالات وخیالات شعرای معاصرین مشتمل بردو **پرتو** اوّل در افکار یاران معاصر و **پرتودوم** در حالات وآثاری از مؤلّف . و در الذریعه استکه « دفتر نه آسمان » را کـه مخصوص به شعرای معاصر خوداوست و دیوان شعریکه در حدود ده هزار بیت کتابت دارد نیز ازمؤلفات آذراست وخود وی در زیر شرح حالش گوید که دیوان شعرم که هفت هزار بیت بوده در نهب وغارت اصفهان از میان رفت و مدتی طبعم گویـا نشده و در انجمن خاقان استکه بطرز بوستان شیخ سعدی کتابی پرداخته که معروف به « گنجینة الحق » میباشد وشامل نصایح وحکایاتی است .

این تذکره درحدود (۲۲۰۰۰) بیت کتابت دارد ، تألیف آن پیش ازسال ۱۱۸۵ بوده چراکه وفات اسحق بیك متخلص به عذری کـه تذکره اسحق را از اشعار نقل شده درآتشکده ترتیب داده بدینسال بـوده است ولی مسلّماً مؤلّف تا آخر عمر بر آن اضافاتـی نموده چراکه وفات آنهائیکه پس از اسحق بیك بوده چون عبدالمجید درویش خطاط معروف متوفی بسال ۱۱۹۰ ودیگران درآتشکده درج گردیده وبسال ۱۲۹۹ دربمبئی چاپ سنگی شده است .

آغاز : بسمله در طوف حرم دیدم دی مغبچه ای میگفت
این خانه بدین خوبـی آتشکـده بایستی

فروغ آتشکدهٔ دل و زبانه اخگر زبـان سپاس بی قیاس قدیمی است الخ .

(۱۰۹۸)

آتشکده آذر

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب درمتن وحاشیه نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگـارش نـام نبرده ، مرحوم اعتضادالسلطنه پشت صفحهٔ نخستین نوشته اند « از خطوط خوب میرزا کوچك اصفهانی است که از شاگردان معتبر درویش عبدالمجید علیه الرحمه بوده و این کتاب داخل قطعات است الخ » . ومیدانیم که درویش (عبدالمجید) استادمعروف خط شکسته بسال ۱۱۹۰ وفات یافته است بنابرین نگارش این نسخه دراواخرقرن

دوازدهم یا اوائل سیزدهم بوده ، سرلوحی بسیار زیبا دارد و اطراف صفحهٔ اوّل و دوّم نسخه باظرافت تمام تذهیب و نقاشی شده و صفحات مجدول بطلا وعناوین را باشنجرف نگاشته است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲٦) .

(۱۰۹۹)

آتشکدهٔ آذر

این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده خود را علی‌اصغر معرّفی کرده وسال نگارش را چنین نوشته (۱۲۷) . از آثار و علائم ظاهر استکه صفر در مرتبه عشرات را نگذاشته نه صفر درمرتبه آحادرا بنابراین درسال ۱۲۰۷ نگارش یافته ، عناوین مطالب برخی باطلا وپاره ای باشنجرف نگاشته شده ، دارای یك سرلوح زیبا میباشد ، اطراف دوصفحه نخستین و میان سطرهای آن دو تذهیب ونقاشی شده وعناوین مطالب واشعار در وسط سرسوره هائی نوشته شده وتمام صفحات مجدول بطلا است .

جلدروغنی بسیارظریف دورو ، یك‌طرف‌شامل‌تصویرحضرت‌مریم‌وحضرت‌زکریاوحضرت‌عیسی علیهم‌السلام‌هنگام‌ولادت‌وپس‌از آن‌و بعضی‌ازیاران‌ودیگران‌وتصویر کلیسا وطرف‌داخل حضرت مریم و حضرت عیسی علیهماالسلام در وسط و اطراف آن نقاشیهای ظریف میباشد . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۸٦) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۹سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۷٤) .

(۱۱۰۰)

آتشکدهٔ آذر

این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق نگاشته شده ، نویسنده خود را محمد رضا کاتب اصفهانی معرفی نموده ، ماه و روز نگارش‌را نوشته ولی‌سال‌رامعین ننموده ، ولی‌مسلماً درنیمه‌اول‌قرن‌سیزدهم‌بوده ، بسال ۱۲۷۹ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده ودراینجا تذکرداده شده که دارای (۸) صفحه صورت است ، امّاباتفحص کامل بیش از هفت (۷) صورت ندارد ، در حاشیهٔ برگ (٦۹) اعتضادالسلطنه یادداشتی بخط خویش مبنی برایکه درکتاب رجال و بلدان که **دربلو** فرانسوی

بفرانسه تألیف نموده درشرح حال خواجوی کرمانی گوید : « لقب وی ملك‌الفضلا بوده وچون اشعارش آبدار و سلیس بوده مردم وی را نخلبندالشعرا میگفته اند . ونیز گوید صاحب‌تذکره هفت اقلیم گوید : چون دراشعار خود همه تلاش الفاظ غیر متعارفه کرده است بدانجهت ویرا نخلبندالشعرا گفته اند » .

اسامی شعرا گذشته‌ازاینکه درمتن نوشته‌شده درحاشیه‌برروی‌برگهائی‌طلائی با شنجرف نیز نگاشته شده و دارای یك سرلوح است و اطراف دو صفحهٔ اول تذهیب ونقاشی برگ موی گردیده وتمام صفحات مجدول بطلاست .

جلد روغنی دورویك طرف گل وبوته وبابل ودر اطراف روی دوجلد غزل دویارزبرك و از بادهٔ کهن دومنی، خواجه حافظ بخط نستعلیق خوب نوشته شده و درطرف درون یکی تصویر بستکه شاید ازیوسف وزلیخا باشد و دو زن بالا و پائین این تصویر نیز ترسیم شده ودرون دیگری در وسط تصویر لیلی ومجنون ونیز تصویر دوزن بالا وپائین آنست . **کاغذ** فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۶۳) صفحه ای (۲۱) سطر . طول($۲۹\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۲۶۷۶).

(۱۱۰۱)

آتشکدهٔ آذر این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق و بسال ۱۲۲۹ نوشته شده ، نویسنده ازعباراتی که درآخر کتاب نوشته مردی‌ادیب بوده ولی نام خود را تصریح ننموده و شرحی که در بیان علت نگارش این کتاب بعباراتی ادیبانه مینوشته بانجام ترسیده، حرکت دست وی‌در نگارش آن بسکون مبدل گردیده ، پس از نام ابوالقاسم هجری و شرح حال مختصر و آثار منتخبهٔ از اوکه آخرین کس ازمعاصرین‌مؤلف میباشد، نویسنده نسخه بشرح حال محمّدصادق متخلص به **زری** واخیراً به **زیور** که درهنگام نگارش نسخه ۱۸ سال داشته بانقل قصائد ومقطعات و غزلیات و رباعیاتی از او در ص ۵۸۶ تا ۶۱۱ نسخه پرداخته وبنابرآنچه گذشت تولد این محمّد صادق ۱۶ سال پس ازفوت آذر مؤلف آتشکده بوده وکاتب الحاق نموده است .

در حاشیه ص ۱۶۶ مقابل نام خواجواعتضادالسلطنه عین یادداشت نام برده دراوّل‌این‌صفحه را نوشته اند، دارای یك سرلوح وچهارده مجلس نقاشی‌میباشد ،

کنار دوبرگ نخستین تذهیب گردیده ، و میان سطر های آن طلا اندازی شده وتمام صفحات مجدول بطلا وعناوین باشنجرف نگاشته شده است .

جلد روغنی دورو ، برون یکی‌حرکت فتحعلیشاه قاجار برای شکار نقاشی‌شده وبرون دیگر جلد حالت شکار او را نشان داده و درون جلد اول شیرین و فرهاد را رسم نموده و درون دیگری‌ملاقات فرهاد شیرین‌را درهنگام شستشو نشان داده وبیرون جلدمحتاج باصلاح‌است .
کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳٤۰) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۸۲) .

[٤٨٣] الابیات الحسان المجردة من وفیات الاعیان (عربی)

وفیات‌الاعیان تألیف ابن خلکان وشامل شرح حال جمعی از دانشمندان تاقرن هفتم هجری‌میباشد وچنانکه دیده اید یکی از مأخذ مطالب این فهرست میباشد ، مؤلف درذیل‌نام بعضی‌از آنهائیکه بشرح‌حال ومعرّفی آنها پرداخته ابیات واشعاری از منشآت ایشان‌را آورده ، دانشمندی که‌ازخود نام نبرده (بنابرتصریح درمقدّمه) بنا بخواست مصطفی آغا پسر قاسم آغا (۱) نام از اشعار مذکور (بترتیب وقوع آن دروفیات) انتخابی نمود و خاتمه آنرا دوبیت ازامام شافعی که در ذیل شرح حال ابوموسی یونس بن عبدالاعلی در وفیات میباشد قرار داده است و در حدود (٦٤۰۰) بیت شعرمیباشد ونامی صریحاً برای این مجموعه نگذارده ، ولی ازعبارت مذکور درانجام نسخه که زیراین سطرها نقل میشود نام کتاب برمی آید ، ازاینرو بدان نام معرّفی گردید ، بنام « اشعاروفیات‌الاعیان » داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده ویادداشت این دو موضوع پشت صفحهٔ نخستین نگاشته شده وتاکنون درکتابی نام جامع آنرا نیافته ام ، بقرینه اینکه کتاب را به شعر امام شافعی خاتمه داده احتمال دارد که شافعی مذهب بوده است .

(۱) با مراجعه به دانشمندان آذربایجان وقاموس اعلام ترکی و روضات وهفت اقلیم وشقائق نعمانیه والعقدالمنظوم بنام این پسر وپدر برنخوردم و زمان و دورهٔ آنها را هم ندانستم .

آغاز : بسمله حمداً لمن شرح لمن تجلی بالبلاغة صدراً و منح اهل الفصاحة عزا الخ .

انجام: ما حكّ جلدكَ مثل ظفرك فتولّ انت جميع امرك
و اذا قصدت لحاجـــــة فاقصد لمعترف بقدرك .

(۱۱۰۲)

الابیات الحسان این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۲ نوشته شده ، نویسنده نام خودرا معیّن ننموده وجای بعضی ازموارد که بایستی باسرخی نوشته شود سفید مانده است .

جلد تیماجی ـ کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰۰) . صفحه ای (۱۹) سطر ـ طول (۳۰ سانتیمتر) ـ عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۱٤) .

[٤٨٤] الاسعاف (عربی)

این کتاب که مؤلف آن خضر بن عطاء الله موصلی متوفی بسال ۱۰۰۷ میباشد، شرح ابیات استشهاد شدهٔ در تفسیر کشاف و تفسیر قاضی بیضاوی است (۱) و مؤلف آنرا « الاسعاف فی شرح ابیات القاضی والکشاف » نامیده و یکی از گنجینه های ادبی و کتابهای پربها میباشد و بدبختانه تاکنون چاپ نشده است .

تألیف آن چنانکه در مقدّمه آن و سلافة العصر (۲) و قاموس الاعلام ترکی (۳) ثبت شده بنام ابوعلی حسن (٤) بن ابی نمی بن برکات که شریف مکه معظمه بوده ، بسال ۱۰۰۳ (۵) انجام یافته و صاحب سلافه بعباراتیکه ترجمهٔ مختصری از آنها درج میگردد این کتاب را ستوده :

« این مؤلفه کتابی استکه دیده روزگار به مانند آن روشن نکردیده و گلستانی مانند گلها و شگوفه های الفاظ ومیوه های معانی آن بار نداشته ونخواهد داشت » .

---

(۱) از این دو تفسیر درص ۹۰ـ۹٤ و ۱۵۸-۱۶۷ ج ۱ معرفی کرده ایم .

(۲) ص ۳۸۵-۳۸۸ چاپ اول مصر مراجعه شود .

(۳) ج ۳ ص ۲۰٤۸ مراجعه گردد .

(٤) درقاموس الاعلام حسین بن نمی ضبط شده ولی چنانکه درمقدمه این کتاب وسلافه ثبت گردیده حسن بن ابی نمی صحیح است .

(۵) مؤلف خود جمله : **قد انتهی کتابی** را که سال ۱۰۰۳ را معین مینماید ماده تاریخ ختم کتاب معین نموده است .

مؤلف ابیات دوتفسیرنام برده را موافق ترتیبیکه دردوتفسیر مذکورمیباشند (از سورهٔ حمد تا سورهٔ ناس) ذکر وبشرح آنها پرداخته و خود درطرز این کتاب گوید :

« دراین‌شرح‌چندچیزرا کردن گرفته‌ام، نخست آنکه‌هر بیت که فقط صاحب کشاف آنر استشهاد نموده به سرخی و آنچه را فقط بیضاوی شاهد آورده به زردی و آنچه هردو بدانها استشهاد کرده اند به رنك سبز نویسم تا از یکدگر ممتاز باشند و چون بیتی را ذکر نمایم اول محل شاهد را بیان پس از آن لغات واعراب و آنچه متعلق باین دوازقواعد ادبی وقواعد عروض وقافیه میباشد بابیانی شافی وکافی ذکر و بعد از اینها گوینده بیت را نام برده وتتمه آنرا هم نقل مینمایم وبشرح حال گوینده وسبب انشاء آن باعباراتی مختصر ولطیف پردازم».

مؤلف این گنجینه ادب‌را بهمین نحو که امید داشته وملتزم شده باندازه ایکه مقام وموقع اجازه داده توفیق برتألیف یافته وبشرح وبسط پرداخته و در حدود (۳۲۰۰۰) بیت کتابت این شرح است .

خضربن عطاءالله موصلی بشهادت این کتاب از علماء امامیه بوده و بتصریح مؤلف قاموس‌الاعلام (ترکی) ارجوزه ای هم در فضائل اهل بیت علیهم السلام تألیف نموده ولی نام این‌ارجوزه واین‌شرح (الاسعاف) در کشف‌الظنون‌نیست (۱) ودرسلافةالعصر مقامات علمی‌ودینی واخلاقی این‌مؤلف ثبت گردیده ودر آنجاست که شریف مکه حسن‌بن ابی علی‌بن برکات جائزه تألیف «الاسعاف» راهزاراشرفی (دینار) بدوداد و به او بمنتهی‌درجهٔ آرزویش اقبال وتوجه نمود وتا درمکّهٔ معظمه بود مورد عنایت ولطف بود ، وزیر شریف تقی معروف به ابن‌عتیق که مردی ظالم وبی‌باك بود خضر راخواست‌واورا بشهادت مطلبی‌باطل‌ودروغ، برای بردن مالی بدون‌حق‌وادارنمود،خضرازاین‌کارخودداری کرد، وزیر کینه اورابدل گرفت ودربد گوئی وی خود داری نداشت ، بدین پایه که ویرا نصرانی‌لقب داد وپیش شریف او را متهم کرد و فرمان بیرون کردن او را از مکه گرفت و بدون تأخیر همانوقت که‌اجازه گرفت(بسال۱۰۰۷) اورابیرون‌فرستاد، شیخ‌خضر هم رو بمدینهٔ طیّبه آوردهنوز ازمکّه دومنزل‌دورنشده بود که وزیرفرمان دادبخانه وی ریختند

(۱) فقط درص ۳۱۴ ج ۲ گوید : وشرح شواهدالکشاف فی‌مجلدات لخضربن محمدالموصلی نزیل مکةالمکرمه ذکره‌الشهاب .

و آنچه نقائس داشت خود برداشت و بقیّه را چون اموال مردگان حراج کردند این خبر که بخضر رسید همانندم جان بجان آفرین داد .

آغاز : بسمله اللّهم یاکشاف صبابة الاوهام بشموس شواهدالعلوم الخ .

(١١٠٣)

الاسعاف

این نسخه را بخط نسخ محمد حسین نیریزی بسال ١٢٧٧ (١) نوشته و شامل تمام کتابست ، اوراقی جدول کشیده پیش از کتاب گذارده اند که اسامی شعرای مذکور در این نسخه در آنها ثبت شود ولی توفیق براین کارحاصل نگردیده وبریکی ازبرگهای ننوشته ایکه آخر کتاب بوده عبدالله منشی طبری اسامی جمعی ازشعرائیکه شرح حالشان دراین کتابست با قید صفحهٔ آنها بسال ١٢٧٨ ثبت کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرك . شمارهٔ اوراق (٥٣٦) . صفحه ای (٢٥) سطر . طول (٣٥ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣١٨) .

[٤٨٥] انجمن خاقان (فارسی)

این کتاب یکی از تذکره های کاملی استکه درزمان فتحعلیشاه قاجار نوشته شده ومؤلف آن راوی گروسی بایندری است (محمد ملقّب به فاضل ومتخلص به راوی متولّد درگروس از توابع همدان و از طائفه بایندری ترکمان متولّد بسال ١١٩٨ ومتوفی بسال ١٢٥٣) (٢) چنانکه خود وی در آخر همین کتاب گفته شانزده

(١) نویسنده نسخه این کتابخانه ونسخه کتابخانه معارف (کتابخانه ملی) : بنا برتصریح در آخروشهادت سبك هردویکنمراست ولی نسخهٔ آن کتابخانه ازلحاظ جدول کشی ونظم وترتیب کامل‌تر ازنسخه این کتابخانه است وآن نسخه بسال ١٢٧٤ خاتمه یافته وکاتب در آخر نسخهٔ متعلق به این کتابخانه دوغلط در آخر نوشته یکی اینکه سال اتمام را که ١٠٠٣ بوده سبع وثمانون مائه بعد الف (کذا) وسال نگارش نسخه را : سبع و سبعون بعدالالف نوشته و مسلما هردو غلط و درسال ١٢٧٧ نوشته شده وبسال ١٠٠٣ تالیف گردیده‌است ودراصل کتاب هم سقط وغلط دارد .

(٢) این شرح بامراجعهٔ بخاتمه خود کتاب و ج ٩ روضة الصفا ومجمع الفصحا ج ٢ (ص ١٤٢) والذریعه ج ٢ ص ٣٦٥ نگاشته شد و تاریخ فوت نام برده ازمجمع الفصحا وروضة الصفا نقل گردیده ولی مولف الذریعه درحدود سال ١٢٦٠ نقل کرده اند .

سال داشته که پدرش بدرود زندگانی گفته او نیز در آنسال گروس را بدرود کرده ودر شهرهای ایران گردش نموده ودرهنگام پادشاهی فتحعلیشاه بطهران آمده، بوسیله ملك‌الشعرا فتحعلیخان صبا حضور پادشاه چنین معرّفی گردیده که جوانی است راوی اشعار دانشمندان و اورا حافظ عجم توان دانست ودارای استعداد و لیاقت است. اجازه باریافتن یافته ومورد لطف ومرحمت گشته وبروایت اشعار (بگفته صاحب مجمع الفصحا : راوی مدائح خاقانی شده) اختصاص یافت و درسلك غلامان دربار منسلك ودر حضر وسفر ملازم بوده و مأمور به تکمیل تحصیلات ادبیّه گردیده وبسال ۱۲۳٤ بنگارش این تذکره مشغول وبگفته خود در پنج ماه آنرا تمام نموده وپس ازفتحعلیشاه قاجارخانه نشین گردید و آقا محمد شاه ماهیانه ای بدو میرسانید.

مؤلف خود این تذکره را که در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت دارد « انجمن خاقان » نام گذارده و دارای مقدّمه و چهارانجمن وخاتمه ای بدین تفصیل میباشد : مقدّمه در ذکر شمّه ای از آثار شهریار گردون اقتدار. **انجمن اول :** در شرح حال فتحعلیشاه و اجداد وی و ایل قاجار و شمّه ای از اشعار و آثار وی و شمارهٔ کتب نفیسه دربار ایران و بیان چیزهای نفیس و گرانبها. **انجمن دوم :** در خلاصه احوال وافکار ملکزادگان ومعدودی از نوبینان (۱) عظام این سلسله و بعضی ازبزرگان سلسلهٔ قاجار (در این انجمن شرح حال ۱٦ نفر ومنتخباتی از اشعار آنان درج شده) . **انجمن سوم :** درشرح حال و منتخبی از اشعارشعرائیکه به دربار این پادشاه بار یافته اند (دراین انجمن نام ٤۳ نفر واشعاری از آنها درج شده ودربارهٔ ملك‌الشعرا فتحعلیخان صبا که ولی النّعمه وی بوده شرحی مبسوط نگاشته است) . **انجمن چهارم :** در ذکر نام شعرای شهرهای ایران که معاصر یا نزدیك بعصر مؤلّف بوده اند (در این انجمن بشرح حال ۱۱۹ (۲) نفر شاعر

(۱) نوبینان : نوبین باثانی مجهول بروزن موبین بمعنی اول نویان است که پادشاه زاده باشد وملوك وسلاطین را که خویش وقوم وقرابت باشد نیز بدین نام خوانند (برهان قاطع) .

(۲) درالذریعه نوشته شده که این تذکره شامل حال پنجاه و پنج نفر ازمعاصرین مؤلف میباشد درصورتیکه ازنقل شماره های بالا بدست آمد که بااضافه شرح حال پادشاه ومؤلف این تذکره شامل شرح حال وآثار ۱۷۸ شاعر است .

ونقل آثاری از آنها پرداخته). خاتمه درشرح مختصری ازحالات مؤلّف و ۲۷ بیت ازاشعار اوست .

آغاز - بسمله زیب انجمن خاقان که زینت بزم زمان باد، نام بدیعی‌است جلّ شأنه الخ .

(۱۱۰٤)

انجمن خاقان این‌نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳٦ نگارش یافته ، دوصفحه نخستین تذهیب شده و نیز آغازه. انجمن سرلوح وتذهیبی موجود وپیش از آن نام های آنانکه درآن انجمن نام برده میشوند درجدولهائی باشنجرف نوشته شده و در حاشیهٔ صفحه ایکه شامل پاره ای ازشرح حال و آثار سلیمان بیدگلی کاشانی متخلّص به صباحی میباشد بسال ۱۲۸۳ اعتضادالسلطنه بخط خود یادداشتی‌مبنی براینکه آنچه صاحب‌این‌تذکره وسحاب‌درتاریخ خود درباره سال وفات این‌مرد نوشته اند (سال۱۲۰۷) درست نیست چراکه وی درقصیده‌ایکه درخود این کتاب هم ثبت شده فتحعلیشاه را با تصریح بشاهی وی مدح نموده و جلوس این پادشاه بسال ۱۲۱۲ بوده واگربگوئیم درزمان حیات آغا محمدخان ویرا باخطاب شاهی مدح نموده زیاد مستبعد است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢٦٤) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($31\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($21\frac{1}{2}$ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۲۹۵) .

[٤٨٦] **تحفه سامی** (فارسی)

سام میرزا پسرشاه اسمعیل وبرادر شاه طهماسب صفوی میباشد (متولد بسال ۹۲۳ ومتوفی بسال ۹۷۵) (۱) ، شاهزاده ای دانشمند ودانش دوست بوده ، طبعی لطیف داشته ، حکومت قندهار یافته وبربرادربارها خروج نموده وبخشیده شده ، بارآخر که خروج‌نمود درقلعهٔ قهقهه‌زندانی‌شد ودرآنجابااولاد خویش بسرمیبرد درسال‌مذکور درهنگامیکه‌باد وپسرالقاص‌میرزا (سلطان‌احمدوسلطان‌فرّخ) درآن قلعه‌نشسته‌بودنددراثرزمین لرزه بسیارسخت‌منزل برسرایشان‌فرودآمدوروحشان از بدن پرواز نمود .

بسال ۹۵۷ تذکره‌ای بنام « تحفهٔ سامی » (در دیباچهٔ ادیبانهٔ آن که حاکی از قدرت کامل برنثرنویسی وی میباشد بدین تسمیه تصریح شده) تألیف نمود و آنرا برهفت صحیفه قسمت نموده :

صحیفه اول : در ذکر شمّه ای از احوال شاه اسمعیل واولاد واحفاد او وپادشاهان معاصروی . **صحیفه دوم :** درذکر سادات عظام وعلمای افادت اعلام (دراین فصل سادات از علما معاصرنامبرده شده‌اند) . **صحیفه سوم :** درذکرعلماء اگرچه شاعر هم نبوده اند . **صحیفه چهارم :** درذکروزراء مکرم و سائر ارباب قلم . **صحیفه پنجم :** در ذکر شاعران مقرر وفصحای بلاغت گستر (دراین‌فصل از عبدالرحمن جامی متوفی بسال ۸۹۸ که درك حیاة شاه اسمعیل را کرده شروع ومعاصرین خودرا نام برده است) . **صحیفه ششم :** در ذکر طبقهٔ ترکان وشعرای مقرّر ایشان (دراین فصل از امیر علیشیر نوائی متوفی بسال ۹۰۶ شروع نموده) . **صحیفه هفتم :** درطرفه گویان مقبول‌الکلام و ایراد سائر عوام (در این صحیفه کارگران وخنیاگران و دیگران از معاصرین خود راکه گاهی بیتی گفته اند نام برده است) .

چنانکه دردانشمندان آذربایجان (ص ۱۷۷) بنقل از « احسن التواریخ » و « تکملة الاخبار » نقل گردیده این تذکره شامل ترجمه احوال ٦٦٦٤ نفرازشعرای معاصرمؤلف میباشد ودیوانی‌هم‌نزدیك به شش هزاربیت ازایشان دیده‌شده‌است .

این تذکره راآقای وحید دستگردی مدیر ومؤسس مجلهٔ ارمغان بسال۱۳۱۵ خورشیدی درطهران چاپ کرده‌اند .

آغاز : بسمله لله الحمد قبل کل کلام بصفات الجلال والاکرام
حمد او تاج تارك سخن است صدر هرنامهٔ نوو کهن است .

(۱۱۰۵)

تحفه سامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش در آخر این نسخه نام نبرده ولی همین نویسنده « شبستان خیال » فتاحی را (درفصل ادبیات‌از آن معرّفی میشود) بسال ۹۸۳ در

ماه صفر المظفر نوشته وپیش ازاین تذکره دریکجلد گذارده شده وجای هیچگونه تردیدی نیست در اینکه تحفه نیزخط نویسنده نام برده است ، دارای یك سرلوح کوچك زیبا وصفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشنجرف میباشد و زیر آخرین سطر نسخه آثار محو جمله ایست .

جلد چرمی ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق دو کتاب (٢٦١) . تحفه سامی (١٧٤) . صفحه‌ای (١٥) سطر. طول (٢٢ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٢١) .

[٤٨٧] تحفة العراقین (فارسی)

این مثنوی یکی ازمنشآت خاقانی شیروانی شاعرشهیر میباشد ، کمتر کسی استکه اندك سروکار به ادب و ادبیات داشته باشد و بخوبی این حکیم دانشمند و شاعر سخن سنج را نشناسد ، قصیده ایکه دراثر تأثر ازمشاهدهٔ آثار مدائن واظهار روح ایرانی خویش انشا نموده (١) هر کودك دبستانی آنرا بخاطرسپرده وبدین اثر او را میشناسد، عرفا ودانشمندان او را بدیوان قصائد وغزلیات وتحفة العراقین میشناسند واطلاع برلغت فارسی وعربی ومباحث فلسفی وطبیی وملل ونحل(٢) وفنون ادب وقدرت طبع وی از اشعار او بخوبی ظاهر وهویداست .

هر کس که تذکره‌ای نوشته درخورفهم خویش دربارهٔ این دانشمندچیزی نگاشته وبنابر اطلاعیکه اینك نگارنده یافته نزدیکترین آنها بعصر وزمان وی عوفی درلباب الالباب (ج٢ص٢٢١) وپس از آن قزوینی در آثار البلاد ذیل شروان وحمدالله مستوفی درتاریخ گزیده (ص ٦٣٥ نسخهٔ کهنهٔ این کتابخانه) و دولتشاه سمرقندی درطبقهٔ دوم از تذکرهٔ خود (ص ٥١ - ٥٤ نسخهٔ خطی این کتابخانه) و جامی در نفحات الانس وامین احمد رازی درهفت اقلیم (ص ١٠٥٨ - ١٠٧٣ نسخهٔ خطی این کتابخانه)

---

(١) مطلع این قصیده اینست :

هان ای دل عبرت بین ازدیده نظر کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان

(٢) درقصیده ایکه مطلع آن اینست :

فلك کجروتراست ازخط ترسا مرا دارد مسلسل راهب آسا

بسیاری از اصطلاحات نصارا را ذکر نموده وبسیارخوب سروده وبر آن شرح نوشته شده واز سائر اشعار وی اطلاعات دینی او بخوبی ظاهراست .

و قاضی شوشتری در مجالس المؤمنین (مجلس ۱۲ ص ۵۰۸) و آذر در آتشکده (ص۳۹) وهدایت درمجمع الفصحا (ج ۱ ص ۲۰۰) و آقای تربیت در مجله گنجینهٔ فنون(شمارهٔدوم سال ۱۳٤۱)ودر دانشمندان آذربایجان(ص۱۲۹-۱۳۲)و آقای محمّد علی ناصح کارمند کنونی وزارت فرهنگ در مقالهٔ مفصلی و آقای میرزا محمّدخان قزوینی درحواشی چهارمقاله عروضی (ص۱۵۱) و آقای بدیع الزمان در سخن و سخنوران (بخش اوّل از جلددوّم ص ۳۰۰-۴۰۳) ودرسال گذشته نیز آقای تربیت در مجلهٔ مهر (شمارهٔ ۷ سال پنجم ، آذرماه ۱۳۱۶ ص ٦٥٦ - ٦٦١) در زیر عنوان « مثنوی و مثنوی گویان » آخرین کس اند که در بارهٔ این شاعر بزرگ شرح نگاشته اند .

اینك نگارنده مختصری دربارهٔ این دانشمند بزرگ درخور لیاقت واستعداد خویش مینگارد :

خاقانی چنانکه خود درهمین کتاب (تحفة العراقین)تذکر داده بدیل (۱) نام داشته وپدروی چنانکه خود تصریح نموده شیخ علی نجارشروانی است (دراواخر تحفه گوید «ازسرخلایقم سبك بار ـ برمائدهٔ علی نجار » و پس ازچند بیت گوید : آیا پدری بود بدین سان ـ کزبهر جگرفدا کند جان) . و بر حسب تحقیق تولّد وی بدست نیامده ولی مسلما در اوائل قرن ششم بوده و در سال وفات وی اقوال زیاد است (۵۳۲ و۵۷٤ و۵۸۱ و۵۸۲و۵۹۵) محققین سال۵۹۵را ترجیح داده اند، در این موضوع بمآخذ نام برده بالا مراجعه شود که عربك سالی را معین کرده اند.

ونیز بنابر تصریح تذکره نویسان واشارهٔ خوددر دیباچه تحفه ، پیش از آنکه خاقانی

---

(۱) خود در اوائل مقالهٔ پنجم گوید :

ور جزدرتست سجده جایم ‌ ‌ ‌ پس من نه بدیل بوالعلایم

ونیز درجای دگر گوید :

بدل من آمدم اندر جهان سنائی را ‌ ‌ ‌ از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد

درسخن و سخنوران مصراع دوم : بدان دلیل پدرنام من بدیل نهاد . ثبت شده، جامی و امین احمد رازی نیز خاقانی را بنام بدیل معرفی کرده اند ولی بعضی اورا ابراهیم و پاره ای عثمان نامیده و دسته ای جمع میان بدیل و ابراهیم کرده اند.

تخلص کند حقائقی تخلص میکرده وچون بوسیلهٔ پدرزن خویش ابوالعلاء گنجه‌ای(۱) بخدمت خاقان منوچهر شروانشاه (۲) پیوسته خاقانی تخلص نموده (۳) وسالها در این دربار بمدّاحی اشتغال داشته وچون ازاین کارخسته شد وروح عرفانی بروی چیره گردید ،پروانه گوشه نشینی و پرداختن بخویشتن‌خواست، پادشاه نپذیرفت ازشروان به بیلقان فرار کرد ، چاکران پادشاه او را گرفته و بآستان آوردند ، خاقان او را در قلعهٔ شابران زندانی نمود ، هفت ماه درآنجا بسر برد ، چون از زندان درآمد رو به کعبه نمود . مادرش عیسوی مذهب بوده واسلام(٤) اختیار کرده، خاقانی دراواخر تحفة اطلاعات سودمندی ازخانوادهٔ خویش بدست میدهد و در اینجاست که عمویم مرا **حسان‌العجم** لقب داده و در اواخر تحفة زیرعنوان تشکر ازالطاف عموی خویش گوید :

چون‌دید که درسخن‌تمامم حسان عجم نهاد نامم .

معاصرین وی وعموم تذکره نویسان او را به لقب افضل‌الدین ستوده ونام برده اند ودرزمان خویش شهرت زیاد یافته ومعاصرین بروی حسد ها برده واورا بزحمت و رنج فکری وجسمی انداخته اند .

بااین خصوصیات استادی وی پیش‌همه مسلّم وسبك او ممتاز وتاادب وادبیات درجهانست وی چنانکه خود گفته پادشاه سخن‌است .

---

(۱) این شاعر نیز از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری میباشد وچنانچه درص ۳۳۹ بخش اول ج ۲ سخن وسخنوران نوشته شده بسال ٥٤٥ وفات یافته است .

(۲) راجع به نسب این پادشاه که بعقیدهٔ بعضی ازمورخین به **بهرام** چوبینه میرسد و برخی اورا ازاولادانوشیروان میدانند، درهفت‌اقلیم شرحی نگارش یافته، ویدران اورا تاانوشیروان نام‌برده وگوید دوازده نفرازاولادوی نیز درآنجا سلطنت کرده‌اندونام آنهارا نیزبرده‌است .

(۳) چنانکه ازقطعه ابوالعلا درهجووشکایت خاقانی برمیاید این تخلص را او به خاقانی داده :

چوشاعرشدی نزد خاقانت بردم لقب نیز خاقانیت بر نهادم

و درهفت اقلیم و تذکره دولتشاه زیرشرح حال ابوالعلا گوید درهجو خاقانی گفته :

تو ای افضل‌الدین اگر راست گوئی بجان عزیزت که از تو نه شادم

دروگر پسر بود نامت بشروان بخاقانیت من لقب بر نهادم

(٤) در اواخر تحفه درمدح و ستایش مادرخود گوید :

پس کرده گزین بعقل و الهام بر کیش کشیش دین اسلام

از آثاروی دیوان قصائد و غزلیات اوست که در حدود بیست و دو هزار بیت (۲۲۰۰۰) در آنست و دیگری همین مثنوی است که بنام « تحفة العراقین » مشهور میباشد و مثنوی دیگری بنام ختم الغرائب دارد که از آن معرفی میشود و مکاتیبی از او در دست است. (چند مکتوب ضمیمهٔ شمارهٔ ۶۰۰ کتابخانه میباشد و برخی در بحلّه ارمغان چاپ گردیده).

تحفة العراقین بوزن مثنوی ساخته شده، وچنانکه از خود کتاب و قرائن خارجی بدست میآید(۱) بسال ۵۵۱ انشاء گردیده ومسلّماً خاقانی درسفریکه از راه همدان بحجاز رفته درموصل بسرودن آن پرداخته وخود گوید چهل روز(۲) نظم آن طول کشیده و آنرا به شش مقاله (هریك بنامی) بدین تفصیل مرتّب نموده: ۱ ـ عرائس الفکر ومجالس الذکر. ۲ ـ معراج العقول ومنهاج الفحول. ۳ ـ سبحة الاوتاد، در وصف بلاد عراق و همدان و بغداد و وصف مردمان بزرك و دانشمند این شهرها. ٤ ـ شوارد الاوراد و خزانة الاوتاد، درشرح کوفه ومکّه معظّمه و غیر اینها. ٥ ـ هدیة المهتدی الی الهادی در وصف مدینه طیّبه و نعت حضرت رسول ص ٦ ـ (بدون نام است) درمدح شام وموصل ومدح جمال الدین وزیر و در این مقاله نیز بمدح جمعی از دانشمندان پرداخته و از خاندان خویش اطلاعاتی سوده‌اند بدست میدهد و در ابتداء هریك از مقالات مقاله ای در وصف آفتاب انشا نموده و روح تصوّف خود راهم در تمام این مقالات جاداده ولی چنانکه امید بلکه گمان داشته (۳) بستائی وشاید چند مرحله پائین تر هم نرسیده است.

خاقانی درمقدّمه این تحفه دیباچه ای به نثر با کمال قدرت ادبی انشاء نموده وابیات تحفه درحدود (۳۲۷۱) شعر میباشد و بسال ۱۸۵۵ م در هندوستان چاپ شده است.

آغاز: بسمله خیر ما اعتصم الوری بحباله کلمة العجز لقصور باله ..... **اما بعد** این تحفه تذکره ایست بل تبصرهٔ عقلاء عهد ازین مجنون لیلی .....

مائیم نظارگان غمانك زین حقّهٔ سبز و مهرهٔ خاك الخ.

---

(۱) به متن وحاشیهٔ ص ۳۲۷ بحث اول جلد دوم سخن وسخنوران مراجعه گردد.

(۲) دراواخر تحفه گوید: من اینهمه گوهر ازسر کلك راندم بچهل صباح از کلك.

(۳) این بیت خاقانی این آرزو را میرساند:

بدل من آمدم اندرجهان ستائی را ازآن سبب پدرم نام من بدیل نهاد.

انجام: این دعوات را بگاه تهلیل آمین آمین کناد جبریل .

(١١٠٦)

تحفة‌العراقین این نسخه درابتداء دیوان خاقانی گذارده شده ، بسال ١٠١٣ بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، نویسنده نام خود را رقم ننموده ، در ابتداء دیباچه سرلوح زیبائی است ولی قسمتی از آن ضایع گردیده و نیز در ابتداء مقاله اولی سرلوح ظریفی میباشد و دیوان خاقانی‌راضمیمه دارد وآن‌نیز دارای‌دوسرلوح میباشدوخصوصیات آن‌پس‌ازاین‌نگاشته‌خواهدشد، پشت برگ نخستین یادگار های بچه‌گانه و غیره است ، برگ هائی‌از اوّل و برگ آخر تحفه و صّالی شده و اوراق آن مجدول بطلا وزنگار وشنجرف است .

جلد روغنی گل و بوته دورو ومستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق کلیه (٢٨٤) این نسخه (٦٢) . صفحه ای (٢٠) سطر . طول ($24\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($15\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . ضمیمهٔ‌شمارهٔ کتابخانه(٤١٠).

(١١٠٧)

تحفة‌العراقین این نسخه را بخط نستعلیق خیلی‌خوب محمد مسیح ابن‌مولانا نویدی شیرازی بسال ١٠٦٣ نوشته و همین نویسنده « لیلی ومجنون » مکتبی را که درهمین فصل معرّفی خواهیم نمود ، نوشته وبدین نسخه پیوسته است ، درابتداءدیباچه‌واصل‌تحفه هریك‌سرلوحی‌زیباترسیم گردیده‌واطراف صفحهٔ سرلوح دار و صفحهٔ مقابل نیز تذهیب ظریفی شده ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وعناوین‌مطالب باطلانگارش یافته وپشت برگ نخستین‌وبرگیکه پیش ازآنست دویادداشت بخط شاهزاده فرهاد میرزا بامهر وامضاء وی موجود است .

جلد روغنی ظریف و در دوطرف خارج آن ترسیم لیلی مجنون و دوطرف داخل گل وبوته است . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق کلیه (١٧١) ابن‌نسخه (١٠٤) . صفحه ای (١٧) سطر . طول (١٦ سانتیمتر) . عرض (٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٦٣) .

(١١٠٨)

تحفة‌العراقین این‌نسخه رابسال ١٠٣٢ قادرك آقا بیوری (کذا) بخط شکسته نستعلیق نوشته ، دیباچه و ٨٥ بیت از ابتداء آن افتاده ،

نویسنده عناوین را ننگاشته، حواشی نسخه آب دیده ولی خطوط آن چندان ازمیان نرفته ، یکی دوبرگ آن وصالی گردیده ، پشت آخرین ورق ابن اولغ خان بك محمد ابراهیم طسوجی که بقرینه تاریخ مهراسم وی (۱۱۱٦) ازدانشمندان قرن دوازدهم هجری بوده ، مالکیت خودرا یادداشت نموده ونویسندهٔ دیگری قسمتی ازعوامل جرجانی منظوم را پس از ختم کتاب نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲٦۷) .

(۱۱۰۹)

تحفة العراقین این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمدبن عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۳۷ نوشته وپس از آن شروع بنوشتن « عبرت نامه» فتحعلیخان صبا نموده (درهمین فصل از آن معرفی خواهد شد) وبر کنار آخرین ورق تحفه وچندین ورق نوشته پس از آن واوراق آخر عبرت نامه ابیات ومطالبی بسال ۱۲۹۲ نگارش یافته وظاهراً نویسندهٔ آنها اعتضاد السلطنه است .

صفحات نسخه مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف ودارای یك سرلوح درابتداء دیباچه میباشد وعناوین را باشنجرف نوشته است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ کتابه اوراق (۹٦) . این نسخه (۸۳) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض ($13\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱۱) .

(۱۱۱۰)

تحفة العراقین این نسخه بخط نستعلیق درمتن وحاشیه نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده وظاهراً خط اوائل قرن سیزدهم هجری است ، مقاله ای بوزن مثنوی و بنام « تحفة العراقین » همین نویسنده نوشته وآنرا ضمیمه تحفه قرارداده ودرص ۲۰۲ و ۲۰۳ از آن معرفی میشود ، پشت صفحهٔ نخستین بخط شکسته نستعلیق شرح حالی از خاقانی نگارش یافته اسلاف دوصفحه اول نسخه بازنگار نقاشی شده وعناوین را باشنجرف نوشته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۵) این نسخه (۸۸) . صفحه‌ای (۱۰) سطر . طول(۲۰ ½ سانتیمتر) .عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲) .

(۱۱۱۱)

تحفة العراقین این نسخه بدون تاریخ ونام نویسنده است ، دیباچه و ۳۵ بیت ازابتداء نسخه افتادهٔ و آغاز کنونی آن اینست :

زرپاشی وناگشاده گنجی-تب‌داری وناکشیده رنجی.فقط چندعنوان اوائل نسخه باسرخی نوشته شده وبرورقیکه پیش از برگ نخستین نسخه است، یادداشت شده که بسال ۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده ، اصل نسخه ظاهراً درقرن یازدهم هجری نگارش یافته ، برخی ازاوراق وّصالی شده ودرتمام آنها آثارموریانه است . جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۳) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول . (۱۸سانتیمتر) . عرض (۱۱ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۸) .

[٤٨٨] تذکره اسحق (فارسی)

اسحق بیك، برادر کوچکتر حاج لطفعلی آذر بیگدلی شاملو، مؤلف آتشکده بوده ودر جوانی درگذشته ، درغزلسرائی سلیقه‌خوبی داشته **وعذری** تخلص میجسته وبسال ۱۱۸۵ وفات یافته ، راوی گروسی که نزدیك بعصروی بوده درانجمن چهارم از انجمن خاقان زیر عنوان **عذری** ایشان را نام برده وگوید : «گویند آدمی منش و سلیم النفس صبیح الوجه کریم الطبع بوده . . . . . وقتی یکی از اصدقای او را بولایت خود اندر ، ادراك صحبت کردم ، گفتی بروز تشییعش که از خاص وعام پیرامن تابوت را ازدحامی بود ، مرا باحضرت آذر ضیق صدرقرب معبرداد ، شنیدم که باانین خفیف وحنین حزین این شعر برادر را که در قافیه لازم مذکور است همیخواند **فرد** کدامین ماه را یارب درین محمل بود منزل

که محمل میرود ازشهروشهری ازپی محمل!

رحمةالله علیهم جمیعاً جناب صباحی تاریخ وفاتش راگفت :

بادا دربهشت جاودان اسحاق بیك . = ۱۱۸۵ (۱) » .

(۱) آتشکده آذر ص ٤٢١ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۳٤٥ وانجمن چهارم انجمن خاقان دیده شود.

آذر پیش از راوی نیز در آتشکده عذری را نام برده و ۴۶ بیت از او راهم انتخاب نموده وراوی ۲۵ بیت وهدایت درمجمع الفصحا ۱۸ بیت ازمنتخب آذررا درتذکره خویش (آتشکده) نقل نموده اند .

راوی وهدایت دردو کتاب خود نگاشته اند که اسحق بیك اشعار آتشکده را بترتیب قافیه آنها فقط با ذکر نام شاعر بدون شرح حال آنها مرتب نموده (مراد همین تذکره است) وتذکره ای ساخته است .

اسحق بیك این تذکره را چهاربخش نموده : ۱ ـ قصائد . ۲ ـ مقطعات . ۳ ـ غزلیات . ۴ ـ رباعیات . و در هریك از بخشها ابیات شعرای نام برده در آتشکده را بامراعات حروف اواخر آنها بترتیب حروف تهجی (از الف تا یاء) مرتب نموده وتقریباً دراین تذکره (۷۲۰۰) بیت شعروجوددارد وباد قتیکه نگارنده نمود بسیار کم اتفاق افتاده که شعری از آتشکده دراین تذکره نباشد وبرای اعتماد باینکه این تذکره مرتب شده از اشعار آتشکده میباشد اشعار منتخبه از حافظ شیرازی را از آن تذکره دراین تذکره اسحق جستجو کرده بدون نقص یافتم .

آغاز : بسمله عاشق اصفهانی :

تاجر عشقم بکف مایهٔ سودم وفا — تا که شود مشتری تاجه دهد در بها

انجام: مهستی گنجهٔ :

آنی که بهیچ کس توچیزی ندهی — صد چوب مغول خوری مویزی ندهی
سنگی که از آن روغن گنجد گیرند — گر بر شکمت نهند تیری ندهی .

(۱۱۱۲)

تذکره اسحق

این نسخه بخط سنعیق خوب نوشته شده . نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده ، سال ۱۲۷۴ وارد کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده ، از طرز خط و تذهیب دوسر اوراق زیبائی که در ابتداء تذکره وآغاز بخش غزلیات میباشد ، احتمال قوی میدهم که در اوائل نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری برای کتابخانه همین شاهزاده نگاشته شده و اطراف دوصفحهٔ

اوّل نسخه واوّل بخش غزلیات تذهیب برگ موی گردیده وتمام صفحات مجدول بطلا ولاجورد است.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٣٢) . صفحه‌ای (١٧) سطر . طول (٢٤ سانتیمتر) عرض (١٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧١٦).

(١١١٣)

تذکره اسحق این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، پیش از شروع بنگارش تذکره ساقی نامه (مثنوی) انشائی فتحعلیشاه را (٩٦ بیت) که آغاز آن :

چمن تازه شد باز چون روی یار بده ساقی آن بادهٔ خوش گوار

وآخر آن این بیت میباشد :

(زجان و دلت هست خاقان غلام سخن ختم کردم بدین والسّلام)

نویسنده تذکره نوشته و پس از این دیگری چهار بیت از منوچهری نگاشته ، پشت صفحهٔ نخستین تذکره دخول این نسخه به کتابخانه یکی ازشاهزادگان (نام اورا نبرده است) بسال ١٢٢٧ یادداشت گردیده، ودرحاشیهٔ بسیاری ازصفحات اشعاری از **آزاد کشمیری** ومیرزا اسمعیل خان متخلّص به خرسند شیرازی و**ولی محمدبرزا** متخلص به **خسته** و محمد علیخان متخلص به مهر که ظاهراً بخط خود آنهااست نوشته شده و گوشهٔ اوراق نسخه سوخته و وصالی گردیده و پشت صفحه نخستین نسخه نیز بسال ١٢٥٧ که تاریخ ورود آن به کتابخانه یکی دیگر از شاهزادگان (نام وی و مهر اورا محو کرده اند) را میرساند ، نگاشته شده و از بخش رباعیات قسمتی ازردیف الف وقسمتی از ردیف حرف یاء وتمام قسمتهای حرف باء تا حرف هاء افتاده است .

جلد تیماج . کاغذ آبی رنگ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢٥٢). صفحه‌ای (١٣) سطر . طول (٢١ ½ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٢٣).

(١١١٤)

تذکره اسحق این نسخه بسال ١٢٢٧ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، بورقیکه پس از آخرین صفحه تذکره میباشد نویسنده خودرا

عبدالمحمد همدانی معرفی کرده و گوید که این تذکره را بخواست شاهزاده شیخعلی میرزا درهنگام حکومت ملایرایشان درسال نامبرده بالانوشته وقسمتی از برگ نخستین پاره شده وبرگ دوّم وّصالی گردیده است .

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۳ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۲) .

[۴۸۹] تذکره حسن چلبی = تذکره قنالی زاده (ترکی)

مؤلف این تذکره حسن چلبی مشهور به قنالی زاده است (حسن بن علی بن امرالله متوفی بسال ۱۰۱۲) (۱) که از ادبا وشعرای قرن دهم هجری بوده و این مؤلفه بهترین گواه برعلوّ مقام ادبی اوست ، حاجی خلیفه گوید : در این تذکره آنچه دیگران در تذکره های خویش نوشته اند بااندختن زوائد آنها و اضافه لطائف وفوائدی، باانشائی لطیف تألیف گردیده وبهتر ازهمه شده . مؤلف فهرست کتابخانه خدیویه عین عبارت کشف الظنون را درمعرّفی این تذکره نقل نموده وآغاز آنرا که در کشف الظّنون نیست ذکر کرده است .

درآخر مقدّمه این تذکره (بر گ ۲۵ نسخه زیرین) مؤلف گوید این تذکره را بدین ترتیب مرتب کرده ام : **فصل اول** دربیان حالات پادشاهان گذشته (از سلطان مرادبن سلطان محمد ۸۲۵ - ۸۵۵ شروع نمود) . **فصل دوم** در اوصاف شاهزادگان . **فصل سوم** در شرح حال علما وشعرا بترتیب حروف تهجّی .

ومقدمه‌ای درمعرفی ازخود واین کتاب و پادشاه عصر (سلطان مراد ثالث) باکمال قدرت ادبی (بشهادت دانشمندان ترك نژاد) در ۲۰۰۰ بیت پیش ازشروع به فصل نخستین، حاوی ابیاتی بعربی وترکی ازخود و دیگران انشاء نموده و تمام این تذکره در

(۱) مؤلف فهرست کتب ترکی کتابخانه خدیویه (ص ۱۸۱) نام این مؤلف و پدر و جد اورا بدینگونه که نقل نمودیم بانصریح شهرت وی به قنالی زاده وسال وفات وی ضبط نموده و چهار نسخهٔ که بسال ۱۰۱۰ و ۱۰۱۲ و۱۰۱۳ و۱۰۸۷ نوشته‌شده‌اند درآن کتابخانه نشان داده شده ولی چنانکه می بینید نسخه این کتابخانه کهنه تر از آنهاست و در قاموس الاعلام ترکی (ج ۳ ص ۱۹۵۰) مؤلف‌را فقط بنام حسن چلبی‌معرفی وسال‌وفات وی را ۱۰۱۳ نوشته و در کشف‌الظنون (ج ۱ ص ۲۷۵) بنام وشهرت وی نوشته شده وسال‌وفات او را نیز ۱۰۱۲ معین کرده است .

حدود (۲۸۵۰۰) بیت کتابت دارد وچنانکه در آخر آن تصریح شده بسال ۹۹۴ تألیف این تذکره خاتمه یافته است.

آغاز: سرنامهٔ صحائف انّ هذه تذکرة که مفتاح خزائن تبصره در الخ.

(۱۱۱۵)

تذکره حسن چلبی

این نسخه را بخط نستعلیق، **اولان رمضان** نام بسال ۱۰۰۲ نوشته، دارای یك سرلوح ظریفی است که در میان ترنج آن **تذکرة الشعرالحسن چلبی قالی‌زاده** نگارش‌یافته، برگ نخستین وچندین برگ ازاواخر وّصالی شده، کاربسیاری ازاوراق آبدیده ومجدول بطلاست، عناوین و اسامی اشخاص با طلا نگاشته شده، پشت نخستین برگ یادداشتهائی است وبخشی ازیکی ازآنها را محو کرده‌اند.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۴۴). صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۲ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۰).

[۴۹۰] **تذکرهٔ خوشگو = سفینهٔ خوشگو** (فارسی)

این تذکره چنانکه جامع ومرتب کننده اخیر آن **دّری شوشتری** تصریح نموده واز خود آن نیز برمی آید **سفینه** نام داشته وقسمت دوّم از چهار قسم تذکره‌ای بوده که مؤلف آن شاعری **خوشگو** تخلص، شاگرد میرزا محمدافضل متخلص به **سرخوش** (متولد بسال ۱۰۵۰ ومتوفی بسال ۱۱۲۶) بوده و این تخلص را ایشان بوی داده وآنرا درعصر محمدشاه هندی (مغلوب نادرشاه) درهندوستان تألیف نموده ودرهمان‌هنگام بدست قشون نادرشاه افشارافتاده ونصیب یکی ازبختیاریها گردیده وبسال ۱۲۲۸ که دراثر باران سیلی بزرگ درکوه های بختیاری جاری وبسیاری ازخاندانهارا بی‌خانمان کرده، درشوشتر این کتاب‌روی اسبابهائی که سیل باخودمی آورده جای گرفته وبدست یکی از اهالی آنجا رسیده، بالاخره بدست دّری رسید وبرحسب خواست مرحوم سید محمدبن سیّد عبدالکریم موسوی که ازتعبیرهای دّری معلوم میشود ازعلمای بزرگ آن‌شهر بوده ودرهنگام ترتیب وتنظیم این‌نسخه (سال ۱۲۴۰)

زندگانی را بدرود کرده بود ، نخستین بار بجمع و ترتیب آن پرداخته وبار دوّم بفرمان علیقلی خان گروسی که حاکم خوزستان گردیده مشغول تهیه فهرست ومقدّمه‌ای بر آن شده ولی بواسطه‌فوت شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه(۱۲۳۷)این کار بانجام نرسید ، بسال ۱۲٤۰ حکومت خوزستان بشاهزاده محمد حسین میرزا (حشمة‌الدوله) پسردولتشاه‌برگزار وشوشتر راحل اقامت‌خویش قرارداد ودر آنجا بجمع آوری‌اشعار وبحث‌در آنها مشغول گردید ، میرزااسمعیل‌خان ومیرزااحمدخان که از سادات بزرگوار ودرخدمت شاهزاده خدمت گذار بودند ، نسخه اصل آب آورد این تذکره را خدمت شاهزاده برده وداستان آنرا معروض داشتند ، پسند خاطر گشت و گفت : دور ازمروتست که چنین کتابی‌را بچنین وضع گذاریم الخ. آن دو عالیجناب دّری را معرّفی کامل کردند بحدّی که فرمودند گذشته از وضع فهرست وترتیب و تنظیم آن بایستی تصرفهائیکه لازم بداند نیز در آن بنماید وآنرا بنام ما مطرز و موشح گرداند .

تصرفهائیکه دّری در تذکره نموده چنانستکه بخوبی درهمه جا ازاصل ممتاز است و در این مجلّد ازتذکره نام (۷۷۰) شاعر مرتب بحروف تهجی از الف تایا ثبت گردیده وفهرست هریك نوع ازحروف پیش‌از آن گذارده شده واین تذکره شامل شرح حال وآثار شعرای گذشته ومعاصر میباشد ودرحدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت آنست .

آغاز : بسمله ـ دراین زمانه رفیقی که‌خالی‌ازخلل‌است ـ صراحی‌می‌ناب‌وسفینه‌غزل است ، کشتی حیات را ناخدا حمد خدائیست که بنی نوع انسان را الخ .

(۱۱۱٦)

تذکرهٔ خوشگو این‌نسخه بخط نسخ نوشته‌شده ، ازشرحیکه یوسف نام منظر تخلّص در حاشیهٔ آخرین صفحه نسخه بسال ۱۲٤٤ نوشته بدست‌می آید که دّری‌تا آنزمان زندگانی مینموده واین‌نسخه متعلق‌بخودوی بوده ، درحاشیهٔ بعضی صفحات مطالبی بخط دّری جامع و مرتب کننده تذکره است ودر صفحه‌ایکه شامل‌شرح حال **نویدی** شیرازی‌است تصریح باسم خود کرده ومطالب

هم گواه است ، درصفحه ایکه شرح حال امیر ابو تراب رازی میباشد میرزا محمد حسن بروجردی شرحی بخط خویش دربیان احوال میرزا اشراق ، **اشراق** تخلص ونیزدرحاشیهٔ صفحه ایکه حرف **با** بآخر رسیده وشرح حال میرزا **تنها** در آن شروع شده هموشرحی راجع به احوال بیدل(میرزا حسن بروجردی)برحسب خواهش دُرّی در شوال سال ۱۲۴۳ در شوشتر نوشته وپاره ای از برگهای نسخه حواشی آنها وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۳) . صفحه ای (۲۰) سطر. طول(۲۹-½ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۴) .

[۴۹۱] تذکره دولتشاه سمرقندی (فارسی)

دولتشاه بن علاء الدین بختشاه سمرقندی که از ادباء قرن نهم هجری بوده (۸۴۲-۹۰۰) (۱) بسال ۸۹۲ تذکره ای مشتمل بر شرح حال جمعی از دانشمندان عرب وعجم گذشته ومعاصر ، باانتخابی از اشعار آنها وبسیاری از وقایع تاریخی زمان هریك ، پرداخته وچنانکه در دیباچه کتاب نگاشته تصور نموده که پیش از وی کس بدین کار مبادرت ننموده و او مبدع چنین تألیفی بوده ، درصورتیکه لباب الالباب عوفی تقریباً سیصد سال پیش ازوی در این فن تألیف شده است ونیز در دیباچه چندین بار تصریح نموده که در هنگام این تألیف پنجاه سال داشته(۲) و از آثار نظمی خویش بمناسبت ابیاتی آورده و پدران خود را هم به مقام ادب ستوده واین تألیف را بنام امیر کبیر امیرعلیشیر نوائی همان وزیردانشمند دانش پژوه

(۱) درتحفه سامی وهفت اقلیم که نزدیك ترین تذکره بزمان دولتشاه میباشند و آتشکده آذر و مجمع الفصحا شرح حالی ازدولتشاه نیست ،فقط درمجالس النفائس امیرعلیشیر مختصری مذکورو از آنجا بدست می آید که پیش از وفات امیر مذکور (بسال ۹۰۶ مرده) جهانرا بدرود گفته وریو درص ۳۶۴ ج ۲ فهرست موزه بریتانیا است بنقل از «مرآت الصفا» وفات دولتشاه را بسال (۹۰۰) ضبط کرده ودرص ۲۱۸۳ ج ۳ قاموس الاعلام ترکی ازدولتشاه معرفی شده ولی تاریخ تألیف تذکره را بسال ۹۹۵ معین نموده ومسلماغلط است ودرشماره شعرای آن هم اشتباهی است .

(۲) بنابراین وتصریح در آخر تذکره که بسال ۸۹۲ تالیف آن خاتمه یافته وشهادت مندرجات مقدمه که پس ازاتمام نگارش یافته ، مؤلف بسال ۸۴۲ متولد شده است .

موشح نموده و امیر مذکور در مجالس النفائس خویش دولتشاه را نام برده و او را ستوده و از مندرجات تذکره دولتشاه معلوم میشود که مؤلف بعرفان و عرفا علاقه داشته است.

این تذکره به یك مقدمه و هفت طبقه و خاتمه ای تقسیم گردیده و شامل شرح حال ۱۵۰ نفر میباشد ، درمقدمه چند نفر ازمعاریف شعرای عرب را معرفی و در طبقات هفتگانه، ازشعرای گذشته و درخاتمه چند تن ازشعرای معاصرخود را نام برده و تذکره را بمختصری ازتاریخ سلطان حسین میرزا بایقرا ختم نموده واین تذکره نخستین بار بسال ۱۳۰۵ درهندوستان و بسال ۱۳۱۸ باتصحیح و مقدمه فارسی وانگلیسی مستشرق شهیر آدوارد برون انگلیسی در اروپا چاپ شده و چنانکه در قاموس الاعلام ترکی و مقدمه برون نوشته شده درسفینة الشعراء ترکی که بسال ۱۲۹۵ در اسلامبول چاپ شده بسیاری از مطالب این کتاب بترکی نقل گردیده است.

آغاز : بسمله تحمیدیکه شاهباز بلند پرواز اندیشه بساحت وفضای آن نتواند رسید الخ .

(۱۱۱۷)

تذکره دولتشاه سمرقندی

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۲ دوست علی بن قنبر نوشته ، در حدود ۲۵ بیت از ابتداء آن افتاده و نخستین سطر آن اینست : وغفران از دل وجان روشن راویان ایمان نثار روضهٔ منور الخ . عناوین کتاب با شنجرف نوشته شده ، چند برگ از اوّل و برگ آخر و صالی گردیده و برگ آخر یادداشتهائی مورخ بسالهای اخیر قرن یازدهم و بدون تاریخ میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ چهار بغل اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرك . شمارهٔ اوراق (۱۳۹) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۷) .

(۱۱۱۸)

تذکره دولتشاه سمرقندی

این نسخه کامل ولی دوسه‌از آخر سطر آن نخارش نیافته ، بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهر آ از خطوط اواسط قرن سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده

وعناوین را باجوهر قرمز نگاشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۹۱) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۳۱سا نتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۵) .

(۱۱۱۹)

تذکره دولتشاه سمرقندی این نسخه از اوّل و آخر افتاده دارد ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری و نو بسندهٔ آن هندی است ، آغاز نسخه بخشی از شرح حال خاقانی شروانی وانجام آن پاره ای از حالات سیّد ذوالفقار میباشد ، بسیاری از برگهای آن نیازمند وصّالی و برخی در حواشی آن اشعار ومطالبی بدون تاریخ نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ آبی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۴) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۵سانتیمتر) . عرض (۱۷سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۱۷) .

(۱۱۲۰)

تذکره دولتشاه سمرقندی نسخه ای از این تذکره ضمیمهٔ (جزء ۱۱) مجموعهٔ شمارهٔ (۲۹۱۴) این کتابخانه میباشد که بسال ۱۲۳۴ نوشته شده ، خصوصیات دیگر نسخه زیرمعرفی آن مجموعه می آید .

[۴۹۲] **تذکرة السلاطین - بزم خاقان** (فارسی)

جامع این تذکره چنانکه خود تصریح نموده **سلطان محمد** پسر فتحعلیشاه قاجارمیباشد که ملقب به **سیف‌الدوله** ومتخلص به **سلطان** بوده وبسال۱۲۲۸(۱) متولّد شده و درسال ۱۲۴۰ بحکومت وفرمانفرمائی عراق منصوب و ده سال در اصفهان اقامت گزیده وبادانشمندان شهیر آنجا معاشرت نموده و از خرمن هریك

(۱) در ناسخ‌التواریخ (آخر جلد اول قاجاریه) زیرعنوان پسر سی‌وهشتم فتحعلیشاه گوید : سلطان محمد ملقب به سیف‌الدوله درشب پنجشنبه بیست و ششم جمادی‌الاولی سال هزاروبیست بیست و هشت تولد یافته و اورا فرزند نباشد . ودرص ۳۱ ـ ۳۴ ج ۱ مجمع الفصحا معرفی نسبتاً کاملی ازاین‌شاهزاده شده وچنان بدست‌می آید که درهنگام نگارش‌این‌تذکره زنده بوده و تولد او را بسال ۱۱۲۷ ضبط کرده و مطالب بالا از آنجا نقل شده و در این کتاب (مجمع الفصحا) ۱۳۷ بیت از اشعار مختلفه شاهزاده ثبت گردیده است .

خوشه چینی نموده و پس ازوفات فتحعلیشاه بطهران آمده ومقام میرپنجه ای یافته وبسال ۱۲۷۹ بسعادت تشرف به مکّه معظّمه وسیروسیاحت قسمتی ازجهان نائل آمده ومسلّماً یکی دوسال پس از این زندگانی مینموده و از بیانات صاحب مجمع الفصحا برمی آید که تاهنگام تألیف این تذکره بزرگ (بسال ۱۲۸۸ خاتمه یافته) درحیات بوده و **هدایت** مؤلف مذکور گوید از مؤلفات او **ملوک الکلام** شامل نظم ونثر عربی وفارسی درعلوم مختلفه و**تحفة الحرمین** و**سیف الرسائل** ازمثنویات اوست ونامی ازاین تذکره وی درآنجا نیست .

چنانکه در دیباچه این تذکره تصریح کرده نام آنرا « تذکرة السلاطین » گذارده (۱) وبسال ۱۲۴۵ (۲) دراصفهان تألیف گردیده و بر یك مقدمه وسه باب بدین تفصیل تقسیم شده است : مقدمه در وصف سرتاپای محبوب (این مقدمه **انیس العشاق** شرف نامی است و مؤلف ابدآ اشاره ای باین کتاب و مؤلف آن ننموده است). باب اول در اسامی شاهان وشاهزادگان واشعاری از ایشان. باب دوّم در مختصری ازشرح حالات فتحعلیشاه و اشعاری ازاو. باب سوم درشرح حال و اشعار مؤلف .

نسخه زیرین باب سوم را ندارد وباقی آن درحدود (۱۶۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله : حمد وثنای افزون ازحد شکر وسپاس بیرون از عدد پادشاهیرا سزاست الخ .

---

(۱) نسخهٔ دیگریکه از این تذکره در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است در مقدمه بجای « تذکرة السلاطین » که در این نسخه است « بزم خاقان » نوشته شده و عین این کتابست جز اینکه تقسیمات آن برخلاف آنچه دراین نسخه تعیین شده ، میباشد باین معنی که مقدمه را (چنانکه انیس العشاق تقسیم شده) دربیست مجلس مرتب نموده ومطالب کتاب را در پنج انجمن بدین تفصیل : انجمن اول دربعضی ازاشعار وحالات سلاطین وپادشاه زادگان پیشین دوم : در مناقب پادشاه عصر (فتحعلیشاه) واشعاری ازاو . سوم : دراشعاروحالات شاهزادگان. چهارم : در اشعار و احوال میرزادگان . انجمن پنجم : درذکر اشعار وحالات مؤلف واین نسخه فقط شرح حال مؤلف را بدون اشعار او داراست .

(۲) درنسخه مجلس سال تالیف چنین ثبت گردیده ولی نسخهٔ این کتابخانه ۱۲۵۰ وچهل وپنج هردوقسم نوشته شده است.

(۱۱۲۱)

تذکره السلاطین یا بزم خاقان این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده ، دارای یك سر لوح خیلی زیبا میباشد ، میان سطر های دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده و حواشی این دو نقاشی و تذهیب گردیده ، عناوین دیباچه و مقدّمه وباب اوّل باطلا نگارش یافته ، تمام صفحات آنقسمت نیز مجدول بطلاست ، باب دوم ناتمام مانده ولی نویسنده‌ای ، دزد ، یك بیت بعنوان اینکه تتمه اشعار پیش‌است در آخر نوشته و پس از آن تمام شدن تذکره را بسال ۱۲۲۲ ، بنحویکه تصور شود نویسنده اصل نسخه نوشته ، نگاشته ولی گذشته ازاینکه مسلماً این خط ، ازغیر ازنویسندهٔ نسخه‌است تاریخ تألیف کتاب چنانکه‌در دیباچه تصریح‌شده بسال ۱۲۵۰ یا۱۲۴۵ میباشدوچنانکه گذشت تولد مؤلف بسال ۱۲۲۸ بوده ، این دزدیرا ثابت میکند وازاینکه ازاول باب دوم صفحات جدول کشی نشده وعنوان باب واسم پادشاه وتخلص ویراکه در اوائل کتاب باطلا می‌نوشت ، دیگرننوشته ، معلوم میشود که درهمان سال ۱۲۵۰ که فتحعلیشاه زندگانی را بدرود گفته این نسخه را می نوشته اند و چون مؤلف درهمان وقت بطهران آمده نسخه این تذکره ناتمام را همراه آورده و دیگرموفق باتمام آن نگردیده ، پشت نسخه بنام انیس العشاق و تذکرة السلاطین از رشید وطواط بسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و بهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۱) .

[۴۹۳] **تذکره نصرت = خلاصه لطائف الخیال** (فارسی)

امیر محمدصالح نواب رضوی پسرمیرزا محسن‌نواب میباشد که بنابر تحقیق مرحوم آقامحمد باقرمدرس‌رضوی در کتاب « شجرهٔ طیّبه » (۱) ، بانی مدرسهٔ صالحیّه (بسال

(۱) این کتاب درمعرفی افرادی‌از سادات‌رضوی خصوصا آنهائیکه‌درشهرمشهدمقدس بوده‌اند، میباشندونسخه منحصر بفرد آن نزدیسردانشمندمؤلف آقای‌محمدتقی(مدرس‌رضوی)میباشدوماخذ نگارش این شرح بوده است .

۱۰۸۶) است که اینك مشهور به مدرسهٔ نواب و درب آن مقابل ضریح مبارك حضرت امام علی‌بن موسی الرّضا علیه وعلی آبائه وابنائه الکرام آلاف التحیه والثناء در صحن قدیم باز میشود و نیز بانی مصلای ارض اقدس رضوی (بسال ۱۰۷۸) است که بیرون دروازه پائین خیابان واقع گردیده وبر کتیبهٔ آن مدرسه، بانی را بنشر، میرزا صالح و بنظم میرزا ابو صالح معرّفی نموده ودر کتاب نام برده استکه به لقب صدرالممالك مشتهر و مصدر خیرات و مبرّات بود و گذشته ازاملاك بسیار برای مصارف آن مدرسه ، کتابهای زیادی برطلاب آن وقف نمود و رساله‌ای شامل رباعیاتی ازشعرای متقدمین ومتأخرین بترتیب قوافی موافق ترتیب حروف تهجی مرتب‌وهر رباعی‌را بنام گویندهٔ آن ثبت‌نموده و آنرا « دقائق‌الخیال » نامیده‌و گذشته از آثار گذشته ابیاتی لطیف از این سید جلیل بیادگارمانده است .

درمقدّمه کتابیکه **لطائف الخیال** نامیده شده و شامل انتخابی ازاشعارمتقدمین و متأخرین نیز بترتیب قوافی برترتیب حروف تهجی میباشد، منشی آن محمد نصیر متخلص‌بنصرت نوشته که این‌انتخاب ازامیر محمدصالح‌رضوی‌است. وچون این‌مقدمه دارای‌صنعتی‌ظریف میباشد، بخشی‌از آنرا دراینجا می آوریم :

اعنی جناب مقدس القاب خلف‌الصدق دودمان مصطفوی و سلاله امجاد خاندان مرتضوی امیر محمد صالح الرضوی ادام الله تعالی ظلال اقباله الی یوم الدین با وجود کثرت مشاغل دنیوی وصرف همت عالی نهمت بکسب معارف حقهٔ اخروی در فواضل اوقات بقدر انتهاض فرصت از هر گلشنی گلی شگفته وازهرمرغزاری سنبلی تازه رسته وازهر نهالی ثمر نورس حالی‌فراهم آورده گلدستهٔ بسته بودند بخاطر دقائق ذخائرخدام والامقام معزی‌الیه رسید که آن گلدسته های رنگین را که هر برگ گلش آئینه بدن نمای صورت احوال انیسی و هر شاخ سنبلش نمودار رشتهٔ مواصلت صحبت جلیسی است یکجا جمع وترتیبی خاص که هر آینه باعث تسهیل شناختن مقام هریك از آنها خواند بوده‌مرتب و **لطائف‌الخیال** منقب سازند لهذا جهت تبیین این‌مرام حسب‌الاشارهٔ خدام والامقام معزی‌الیه این‌فقیرحقیربی‌بضاعت ابن محمد جعفرالبصری محمد نصیر متخلص بنصرت این شکسته بسته را که بطریق براعت استهلال محتوی است براسامی و تخلصات شعرائی که در این مجموعه انسراج یافته مقدمهٔ بیان ترتیب آن نموده بمضمون‌الاطاعة فوق‌الادب بقدم جرات وجسارت بساط پیمای این گلشن‌نشاط وسرورشد امید ازلطایف ارباب استعداد آنکه باستن کرك اصلاح غبار ذلت وفساد از چهره مقاصد آن پاك و منظور نظر عنایت اثر میساخته باشند والله‌الموفق للصواب .

نصرت که خود از شعرای معاصر مؤلف بوده و ابیات زیادی از وی در لطائف‌الخیال مندرج است پس از مقدّمه دو فهرست برای بدست دادن شعرائیکه در این کتاب از آنها شعر نقل گردیده ترتیب داده یکی مبنی بر نام آنها بترتیب حروف تهجی و در ذیل نام هریك تخلص اورا نیز ثبت نموده و دیگری مبنی بر تخلص آنها با ذکر نام آنها بطرز فهرست اوّل.

تاکنون بر نسخهٔ کامل لطائف‌الخیال دست نیافته ام، از آثاریکه بر نسخهٔ ناقص کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد، بدست می آید که این کتاب در حدود (۲۶۰۰۰) بیت بوده است و از مقدّمه نسخه ایکه در کتابخانه ملّی ملك (در طهران است) موجود است معلوم میشود که همان نصرت نام برده باختصار لطائف‌الخیال پرداخته و آنرا «خلاصه لطائف‌الخیال» نامیده است و گذشته از این دو رسالهٔ دیگر نیز موافق قوانی حروف تهجی از لطائف‌الخیال انتخاب نموده و دیباچه کوچکی بر آن نگاشته:

۱ ـ در اشعاریکه دارای مصرعهای نفیس میباشد و گفتن مانند آنها مشکل و دارای معانی بلند است. ۲ ـ ابیاتیکه دارای معانی لطیف و مشکل میباشد.

نسخهٔ کتابخانهٔ ملّی ملك گذشته از مقدّمه نثری نصرت و دو فهرست نام برده دارای مقدمه‌ای منظوم از شاعر **خالص** تخلص میباشد که در آن تعریف و تمجید زیاد از این انتخاب شده و تاریخ انتخاب را هم که بسال ۱۱۰۴ بوده و میرساند که امیر محمد صالح تا آن هنگام زنده بوده دارد و در آخر آنست:

نسخهٔ با کمال و رنگینی — تحفهٔ این چنین که می بینی
سعی بنمود میرزا صالح — جمع در مود میرزا صالح
آنکه او را بوصف حاجت نیست — هیچ وصفی به از سیادت نیست
خالص این تحفه تمام عیار — هست مجموعهٔ بهشت و بهار
خواهی ار زین کتاب تاریخش — شد **گل انتخاب** تاریخش

این انتخاب یا خلاصه لطائف‌الخیال بر حسب شماره ایکه نگارنده نموده در حدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد و مانند لطائف‌الخیال گوینده هریك از ابیات در مقابل آنها معین گردیده است.

نسخه این کتابخانه که زیر این سطرها خصوصیات آنرا خواهیم نگاشت قسمتی

ازهمین خلاصه میباشد جزاینکه مقدّمه مختصرنثری و دیباچه منظوم نام بردهٔ بالارا ندارد و اوائل آنهم بااوائل نسخه کتابخانه ملك اختلاف داردولی مسلّماًهمین خلاصه است و چنانکه از آثارنسخه کتابخانه ملك بدست می آید نسخه اصل خلاصه میباشد وجامع خود در آن تجدید نظر کرده است .

آغاز : این نسخه پس از مقدّمه مفصل ودوفهرست نام برده اینست: **خالصا** (۱)

ای شده نـام تو زیب هر کتاب گویم از حسن تو دارد هر که تاب

(۱۱۲۲)

تذکرهٔ نصرت یا خلاصه لطائف الخیال

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، مسلماً دراوائل قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، نام شعرا بالاجورد و شنجرف نوشته شده و صفحات بجدول بطلا و لاجورد وشنجرف وزنگاراست ، اوراق فهرست پیش و پس گذارده شده و اوراق نسخه متن و حاشیه میباشد ، دوسرلوح یکی درابتداء مقدّمه ودیگری در آغاز کتاب میباشد وحاشیه دوصفحه اوّل کتاب تذهیب ونقاشی شده ، دارای مقدّمه ودیباچه مفصل نصرت ودوفهرست نام برده است ، پشت ورق نخستین نسخه یادداشتی بتاریخ ۱۱۲۸ موجود وبنام « تذکرهٔ نصرت » براین کتابخانه وقف گردیده و دراینجا یادداشت دیگری بوده آنرا محو کرده اند .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۷) . صفحه ای(۱۰و۱۱)سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ ½ سانتیمتر)· شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۰) .

[۴۹۴] تذکره هفت اقلیم هفت اقلیم (فارسی)

این کتاب یکی ازتذکره های بزرك و کتابهای نفیس فارسی است که گذشته ازشرح حال و آثار شعری ۱۴۵۰ نفرازدانشمندان جهان شامل اطلاعات سودمند

(۱) الف درخالصا چون الف درشفیعا وصائبا ورفیعا برای تعظیم وتکریم میباشد ودرفهرست لطائف الخیال دو نفر بتخلص خالص نام برده شده : ۱ـ خالص استرابادی که نام وی نجیبا بوده و ۲ـ خالص مشهدی که نام وی محمدرضا واوراناظر نذورات معرفی کرده وظاهراً دراینجا دومی مراداست.

تاریخی وجغرافیائی موافق تقسیمات جغرافی نویس های پیشین (مراد تقسیم بندی شهرها به اقلیم های هفتگانه است) میباشد .

مؤلف آن **امین احمد رازی** درمقدمهٔ گوید که برحسب میل خویشتن واظهار دوستان بنقل آثار نظم ونثر دانشمندان مبادرت نموده ، درمدت شش‌سال ازخرمن هر کس دانه ای چیده و آنهارا دریکجا گرد کرده واین بیت را در وصف آن در دیباچه مندرج ساخته : بدانی چو نیکو دراو بنگری * که جان کنده ام تاتوجان پروری . وپس ازاین گوید :

« اگر چه بنظار گیان از گل زمین آن بوستان دماغ جان را معطر ومنور میگردانند اما ازلذات نقل آن ثمرات بنا برافزونی عبارات وزیادتی کتابت بی منفعت ومحروم می‌مانند لاجرم بخاطر رسید که ازهرخرمن آن دانه وازهر گیلش پیمانهٔ جمع سازد ، کتابی علیحده تصنیف نماید تاهر کس را ازنقل و مطالعهٔ آن حظی وافر ونفعی متکاثر باشد . . . . . وچون ماحصل این‌تذکره ذکرهفت اقلیم است هر آینه این نسخه را موسوم به **هفت اقلیم** گردانید تااسمی‌بامسمی باشد وتاریخش ازاین‌رباعی که بکرفکراست معلوم میشود **رباعی :**

این نسخه که هست همچوفردوس بکو تا هو نشوی در او نه بشکافی مو
گر از تو کسی سؤال تاریخ کند **تصنیف امین احمد رازی** گو »

بنابراین اتمام این تذکره بسال ۱۰۰۲ بوده و کلمهٔ **گو** را نبایستی درحساب آورد ، چرا که گذشته از حکم ذوق سلیم وجود نسخهٔ زیرین که بسال ۱۰۲۵ نگاشته خود بهترین مؤید است ودانشمند فرزانه شادروان ادوارد برون (حاشیهٔ ص ۲۹۷ ترجمه تاریخ ادبیّات چاپ تهران دیده شود) ومؤلف‌فهرست آصفیّه‌کامه گورا را درحساب آورده وبدین سبب تاریخ تالیف را بسال ۱۰۲۸ گفته اند .

بدبختانه تاکنون از وجود نسخهٔ اولی این تذکره و شرح حال وآثار دیگر مؤلف این کتاب (**امین احمد**) اطلاعی بدست نیاورده ام ونمیدانم تاچه سالی زنده بوده و از دانستن تاریخ این تألیف معلوم شد که در اوائل قرن یازدهم هجری زندگانی مینموده .

خوشبختانه خود مؤلف در این مؤلفه (از ص ۹۰۰ تا ۹۱۰ نسخهٔ کامل این کتابخانه) درمیان دانشمندان شهر ری گروهی از خویشان خویش را نام برده و ازآثار شعری آنها هم اندکی آورده است ، پدر خودرا خواجه میرزا احمد معرّفی

نموده (بنابراین نام خود مؤلف امین بوده وچنانکه در زبان فارسی معمول است کلمه ابن میان نام پدر وپسر نگاشته وتلفظ نمیشود وبجای آن حرف آخر نام پسر را باکسره میخوانند نه اینکه نام وی مرکب از امین واحمد باشد) و از عبارات وی استفاده میشود که در زمان سلطنت سلطان محمد پسر شاه طهماسب (از سال ۹۸٦ تا ۹۹٦ سلطنت داشته) جهان را بدرود گفته و در زمان شاه طهماسب (۹۳۰ - ۹۸۵) مورد مرحمت وی بوده و در زمان هردو پادشاه کلانتری (حکومت) شهر ری وتصدی املاك خالصه را داشته و مردی کریم وخیرخواه و مهمان نواز بوده و در ایجاد کاریزها و باغها دارای میلی زیاد و گذشته ازمقام رسمی، بازرگانی باجرأت و حوصله بوده‌است وعموی وی خواجه محمد شریف استکه بسال ۹۸٤ وفات یافته و **هجری** تخلص داشته و در خراسان چند سال بوزارت **قاقارسلطان** واعقاب او اشتغال داشته وپس از آنها مورد نظر شاه طهماسب قرار گرفته وهفت سال وزارت یزد وابرقو وبیابانك را دارا و چون در انجام این خدمت امتحان خوبی داده مورد عنایت پادشاه شده ودارای وزارت اصفهان شد ودرهمین مقام بمقام ابدی شتافت (ص ۹۰۰ - ۹۰۲ نسخه کامل همین کتاب از نسخ این کتابخانه دیده شود).

جای بسی تاسف استکه تاکنون این تذکره که شامل مطالب خوب واشعار دلکش (در ۳۰۰۰۰ بیت) میباشد چاپ نشده ولی از آغاز این کتاب تاشرح حال شیخ امین الدین که از علماء کازرون وجزء اقلیم سوم میباشد (در ۲۰۸ ص در دو مجلد) در هندوستان بسال ۱۹۱۸ م چاپ شده و نسخهٔ چاپی آن در کتابخانهٔ مجلس موجود است وامید استکه دراین عصر درخشان که نهضت معارفی ایران شروع شده این گنجینه گرانبها چاپ و منتشر گردد .

آغاز : بسمله خرد هر کجا گنجی آرد پدید بنام خدا سازد آنرا کلید .....
حمد مرخدای را جل جلاله که عندلیب زبان در قفس دهان بذکر او رطب اللسان است الخ .

(۱۱۲۳)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه را بسال ۱۰۲۵ سیر کمال نهرندی درهندوستان نوشته ، برگهائی از نسخه افتاده و (ظاهراً) در اواسط قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، در صحافی اخیر که در تحت نظر نگارنده انجام‌یافت برگهای جدول‌داری برای‌نوشتن‌فهرست دانشمندان نام‌برده‌دراین کتاب تهیه‌شده امیداستکه‌توفیق‌براتمام‌نگارش آنرا دریابم،درحاشیه و برکنار صفحه نخستین نسخه دو یادداشت است یکی بتاریخ ۱۲۵٤ و دیگری بسال ۱۲۸٦ و در ذیل دوّمی مهر مجدالدوله زده شده ودر این یادداشت نویسندهٔ یادداشت‌اوّل، مرحوم رکن‌الدوله معرّفی گردیده‌است وبرکناربرگ‌دوّم‌یادداشت اعتضادالسلطنه بسال ۱۲۹۲ وصورت وقف آن ازطرف مرحوم سپهسالار بسال ۱۲۹۷نگارش‌یافته، پشت برگ‌نخستین وبربرگیکه پیش‌ازآنست نیزیادداشتهائی است ، اوراق مجدول به لاجورد وشنجرف و زنگار ، عناوین نیز باشنجرف‌میباشد وبسیاری ازآنها وّصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق بافهرست (٦٦۹) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول($۲۸\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض(۱۹سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۳) .

(۱۱۲٤)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه که شامل سه اقلیم ازهفت اقلیم میباشد بسال ۱۰۷۱ درشهر کشمیر بخط نستعلیق نوشته شده ، درحاشیهٔ آخرین صفحه بسال ۱۲۰۳ مقابلهٔ آن یادداشت شده ، پیش ازشروع بکتاب فهرست رجال وشهرهای سه اقلیم رابخط شکسته نستعلیق نظام الدین محمد نام نوشته ، سرلوحی ظریف داشته ولی اندکی محو شده ، مجدول بطلا ولاجورد و زنگار ، اوراق متن وحاشیه میباشد ، عناوین باشنجرف ودوبرگ از اوّل ویك برگ آخر وّصالی شده است .

جلد ساغری ضربی دورو . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۲۰) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض ($13\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۸) .

(۱۱۲۵)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه را اشخاص مختلف بخط نستعلیق نوشته اند ، تاریخ ندارد ، ظاهراً اینستکه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، اوراق آن پیش و پس گردیده ، واوراقی از آن افتاده (شاید ده پانزده برگ) وبرخی از آنها وصالی شده وصفحهٔ نخستین کنونی آن درمعرّفی از قفرش استکه از اقلیم چهارم میباشد و بدین سطر آغاز گردیده : از چشمه و کاریزاست وهمه وقت در آن ولایت ارزانی بود وازمیوه وانگوروانمرود وشفتالو خوب میشود الخ .

وبرگ آخر نسخه درمعرفی شهر دکن (از اقلیم دوّم است) وپادشاهان آنجا میباشد وآخرین سطر آن اینست :

اهل حرمش بدست مردم دکن گرفتار گردید سوار کرده بمندو فرستاد ودر سال هشتصدوسی وهشت مرضی برذات سلطان طاری گردید که بعزم درست ونیت صادق ازجمیع .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۴) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض ($19\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۴) .

[۴۹۵] جام جم (فارسی)

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور وناظم آن اوحدی مراغی اصفهانی است [چنانکه برلوح مزار وی ثبت گردیده پدر اوحدی حسین نام داشته و نام خود ایشان بدست نیامده (آقای تربیت اوحدی را بلقب رکن الدین معرّفی کرده اند) و بمناسبت ارادت به‌اوحدالدّین کرمانی (۱) که ازمشایخ معروف طریقت ومؤلّف

(۱) آقای تربیت درداشمندان آذربایجان (ص ۵۵) وآقای اقبال آشتیانی درتاریخ مفصل ایران (تاریخ مغول) وفات ایشانرا بسال ۶۳۶ ضبط کرده‌اند ودرنجم الفصحا (ص ۹۴) بسال ۵۶۲ ثبت گردیده ودر هفت اقلیم و کشف الظنون و نفحات الانس و تاریخ گزیده و آتشکده سال وفات اوحدالدین کرمانی معین نگردیده است .

« مصباح الارواح » (۱) میباشد، اوحدی تخلص میجسته وبهمین تخلص اشتهار یافته (آقای تربیت ازصحف ابراهیم نقل کرده اند که پیش ازاینکه اوحدی تخلّص گیرد « صافی » تخلّص میگرفته است) . وچنانکه ازاین کتاب جام جم بدست میآید بسال ۶۷۲ یا ۶۷۳ (۲) متولد شده وبسال ۷۳۷ (۳) درمراغه که مولدوی بوده وفات یافته است] (۴) اوحدی ازمشاهیرشعراوعرفاوکتاب جام جم وی بهترین معرّف مقام ومرتبهٔ اوست وازابیات جام جم(۵) برتشیّع اومیتوان گواه گرفت .

گذشته ازجام جم اوحدی را دیوانی که تقریباً شامل ۱۵۰۰۰ (۶) بیت قصیده وغزل میباشد ، بیادگار مانده و جامی دربارهٔ آن گوید : ویرا دیوان شعراست در غایت لطافت وعذوبت . وشهادت کسی چون جامی آشکاراست که تا چه حد ارزش دارد .

وکتابی بنام « منطق العشاق » که نیز از آن « ده نامه » تعبیر میشود وآنرا بنام خواجه ضیاء الدّین یوسف بن خواجه اصیل الدّین بن خواجه نصیر الدّین طوسی بسال ۷۰۶ (۷) پرداخته وموشح نموده تألیف وجامی گوید: صاحب ترجیعات مشتمل

(۱) درهفت اقلیم (ص ۲۲۰) وکشف الظنون (ج ۲ ص ۴۴۶) ونفحات الانس (ص ۶۹۳) وتذکرهٔ آتشکده (ص ۱۲۳) این کتاب بدین نام نامیده شده ودرکتاب اول وسوم وچهارم ابیاتی ازآن نقل کردیده و آقای وحید دستگردی درمقدمهٔ جام جم که بهمت ایشان چاپ گردیده نوشته اند نسخهٔ آن دردست نیست .

(۲) در جام جم که بنا برتصریح خود بسال ۷۳۲ (در بعضی از نسخه ها ۷۳۳) تألیف گردیده (جون زتاریخ بر گرفتم فال هفصد رفته بودو سی و(دوسال)سه سال) گوید :

(اوحدی شصت سال سخنی دید تا شبی روی نیك بخنی دید)

بنابر این ۶۰-۷۳۲ یا - ۷۳۳=۶۷۲ یا ۶۷۳ .

(۳) این تاریخ را حاجی خلیفه درص ۳۵۷ ج ۱ وجامی در نفحات ازنقش برقبروی درمراغه نقل نموده وآقای وحید نیزعین عبارات سنگ قبررا درمقدمهٔ جام جم نقل کرده اند ودرتذکرهٔ دولتشاه وصاحب هفت اقلیم ندانسته بتقلیدوی وکشف الظنون درص ۴۹۶ و ۵۰۵ ج ۱ وفات اوحدی را بسال ۶۹۷ نوشته اند و مسلماً غلط است .

(۴) شرح حال اوحدی مراغی را درنفحات جامی (نسخهٔ خطی مدرسه) وهفت اقلیم (ص ۷۲۳-۷۲۸) وتذکرهٔ دولتشاه (ص ۱۲۹-۱۳۲) وکشف الظنون درصفحات نام برده ومجمع الفصحا درج ۱ ص ۹۴ وآتشکده ص ۵۶ ودانشمندان آذربایجان ص ۵۵-۵۶ نگاه کنید که مأخذ نگارش این شرح میباشد .

(بقیه درصفحه ۴۸۸)

برحقائق است و دولتشاه گفته: ترجیع او درمیان موحدان شهرتی عظیم دارد.

جام جم از مثنوی های مشهور وشامل بسیاری ازمطالب اخلاقی و اجتماعی وعرفانی میباشد ودرحدود (۴۵۰۰) بیت‌شعراست، درتذکرهٔدولتشاه مسطوراست که‌یکماه ازنظم آن نگذشته که مستعدان چهارصد نسخه از روی آن برداشتند.

آقای وحید دستگردی مدیر و نویسندهٔ مجلهٔ ارمغان بسال ۱۳۰۷ خورشیدی هجری‌در طهران‌این کتاب‌را بامقدّمهٔ مختصری چاپ کرده اند.

آغاز: بسمله قل هوالله لمره قدقال من‌له‌الحمد دائماً متوال.

(۱۱۲۶)

جام جم این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمود کاتب بسال ۱۰۱۳ نوشته، ازیادداشتهائیکه پشت نخستین برگ نسخه میباشد

(بقیه حاشیهٔ صحه قبل)

(۵) در اوائل جام‌جم در بحث خطاب به پیغمبر صلی‌الله علیه وآله که آغاز آن اینست:

(ای بمهر تو آسمان بلند — یاد من کن چومیدهم سوگند) گوید:

بحدیث حبیبهٔ پیوندت — بجگر گوشگان دلبندت
بشهیدان کربلا ز فسوس — بسته گشگان مشهد طوس
بچهل مرد و چار مردانه — بدو هم خانه و دو هم خانه

(۶) شمارهٔ ابیات دیوان اوحدی را هدایت در مجمع‌الفصحا گوید شش‌هفت هزار بیت از قصیده و غزل و قطعه ورباعیات دیده شده و حاجی خلیفه (ص ۵۰۵ ج ۱ طبع) و آقای وحید دستگردی در مقدمهٔ جام‌جم نه هزار و دولتشاه ده هزار بیت و آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان یازده هزار بیت ضبط کرده‌اند، نگارنده دوسخه ازدیوان وی‌را در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی دیده‌ام که هریك دارای ۷۰۰۰ هفتهزار بیت بیشتر نیست.

(۷) این بیت را از انجام منطق‌العشاق یا ده نامه آقای تربیت و آقای دستگردی نقل کرده‌اند:

بسال ذال وواو از سال هجرت — بپایان برده این در حال هجرت.

وآقای تربیت آغاز این کتاب را این بیت نقل نموده‌اند:

بنام آنکه ما را نامه بخشید — زبان را درفصاحت کام بخشید

و آقای وحید این چند بیت را از اول آن کتاب در مقدمه آورده‌اند:

وجیه دولت و دین شاه یوسف — که دارد رتبت بیحد یوسف
نصیرالدین طوسی را نبیره — که عقل ازنطقت او گشت خیره
زمین‌راازشکوهش زیب‌وزین‌است — سرور خلق‌وسرالوالدین است

و انجام آنرا این بیت معین کرده‌اند:

چودیدم در سخن‌خیرالکلامش — بنامده منطق‌العشاق نامش

و حاجی خلیفه فقط در حرف دال بنام **ده نامه** این کتاب را نام برده و همه گفته اند که این کتاب یك هزار بیت است.

بدست می آید که از کتب پادشاهان صفویه بوده، یك سرلوح ظریف در آغاز کتاب میباشد ومیان سطرهای دو صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا ولاجورد است.

جلد ساغری ضربی طلا پوش و طرف داخل سوخته. کاغذ کشمیری. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۳۱). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۱۷ سانتیمتر). عرض (۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۳۹).

[۴۹۶] جنات الوصال (عربی)

این کتاب یکی ازمثنوی های عرفانی و شامل مطالبی آسمانی است و ناظم آن نور علیشاه عارف مشهور است (محمد علی بن میرزا عبدالحسین بن محمد علی رقّی طبسی متوفی بسال ۱۲۱۲) (۱) که شهرت بی نهایت دارد و از بزرگان سلسلهٔ صوفیّه نعمت‌اللهی است وطبع وقّادوی درانشاء نظم ونثر بسی توانا بوده، پدرش میرزا عبدالحسین ملقب به **فیضعلیشاه** وجدّش محمد علی امام جمعه تون (فردوس کنونی) بوده، پدر برای تحصیل علوم شرعیّه باصفهان آمده ونورعلیشاه دراین شهربدین جهان پای گذارده، بگفتهٔ صاحب طرائق: «فرزند را پس از سنّ بلوغ و اکمال فنون و علوم بشرف حضور سیّد (مرادش از سیّد سیّد معصوم علیشاه است) مشرف ساخت ودرمقام طریقت والد وولد برادر وهمقدم یکدیگرشدند،

والد ومولود گشته درطریق یکدگر را هم برادر هم رفیق».

نورعلیشاه درهرشهر و دیار که قدم میگذاشت هنگامه ها برمیخواست دسته ای براو و گروهی برای او قیام مینمودند، از آثار وی: دیوان غزلیات وقصائد ومقطعات (دراین فصل از آن معرفی میشود)، رساله دراصول وفروع (۲) **جامع الاسرار** نظیر گلستان (۳)، تفسیرسورهٔ مبارکهٔ بقره منظوماً (۴)، **روضة الشهداء** منظوم در احوال حضرت امام‌حسین ع، ترجمه‌وشرح خطبة البیان (۵)، رساله در

(۱) در طرائق الحقایق ج ۳ ص۸۹ نگارش یافته: ودراینجاست که تاریخ وفات‌اوراکه درموصل اتفاق افتاده کلمه **غریب** یافته اند و نزدیك قبر یونس پیغمبر ع دفن گردیده و در تذکرهٔ دلگشا و بستان السیاحة از این عارف دانشمند نام برده شده و معرفی گردیده است.

(۲ و ۳ و ۴ و ۵) نسخه ای از اینهادرنسخه شمارهٔ (۱۷۸) این کتابخانه موجوداست وشمارهٔ ۲ نیز در کتابخانهٔ مجلس بنام رساله در عشق میباشد (ص۲۱۶ ج۱ بفهرست کتب خطی مجلس مراجعه شود).

پند وموعظه ، (۱) نظم کبری منطق (۲) ، مشکوة النجات (دررسالهٔ اصول وفروع از آن نام برده وچنین می نماید که درفروع است) .

نورعلیشاه بناداشته که این مثنوی رادرهشت مجلد بشماره درهای بهشت تألیف نمایدو بهمین مناسبت نام آنرا جنات الوصال گذارده ولی توفیق براتمام آنرا نیافته وچنانکه درص ۹۱ ج ۳ طرائق است از مجلد سوّم بخشی بیشتر را انشاء ننموده و **رونق علیشاه** (بسال ۱۲۲۵ وفات یافته است ص ۹۲ ج ۳ طرائق) که از خلفای ایشان بوده دو مجلّد زیاده بر آن افزوده (۳) و **نظام علیشاه** که از خلفای **مجذوب علیشاه** بوده یك جلد دیگربر آن افزوده است و درآخر مجلّد دوم تصریح شده که در بغداد (دارالسلام) تألیف آن انجام یافته است .

ونیز صاحب طرائق در ص ۱۱۹ ج ۳ بنقل از بستان السیاحة گوید :

«عارف معارف دین وسالك مسالك یقین مولی احمد بن الحاج عبدالواحد الکرمانی الملقب بنظامعلیشاه که از خاندان فضل و کمال واز کبرای اصحاب وجدوحال بود . . . . . آخرالامر درسنهٔ هزارو دویست و چهل و دو (٤) داعی حق را اجابت فرمود . . . . . وطبع گرامیش موزون بود بگفتن

(۱) نسخه ای از این رساله ضمیمهٔ دیوان وی در کتابخانهٔ مجلس موجود است .

(۲) بسال ۱۲۷۰ درطهران چاپ شده و پس از آن کتاب صغری درمنطق و افاداتی از آقاعلی حکیم درمنطق و فلسفه است و نسخهٔ آن بشمارهٔ ۲۰۳۷ در این کتابخانه میباشد .

(۳) ازنسخهٔ شمارهٔ ۱۷۹ این کتابخانه که زیرشمارهٔ ۱۱۲۷ ازآن معرفی میشودوشامل پنج دفتر یامجلد ازجنات الوصال میباشد قسمتی ناقص است و در آخر محمد پنجم از نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس ابیاتی استکه صریح است از غیر ازرونق علیشاه میباشد وآن اینست : بعد شه نورعلی سلطان دین ـ آمده رونق علی شه جانشین ـ آنکه مرآت خدا بینان بود ـ آنکه رونق بخش بزم جان بود . آنکه آمد شیخ راه این فقیر ـ آنکه گشته در ره حق دستگیر ـ نام با کش بد محمد با حسین ـ عاشقان را خاك راهش کحل عین . بنا بر این بدست می آید که رونق علیشاه نیز مجلد پنجم رانام نکرده بدرود زندگانی گفته و بقیهٔ این مجلد را نظام علیشاه تمام کرده است و این مجلد شامل شرح حال و مقامات ائمه طاهرین علیهم صلوات الله والملائکة اجمعین میباشد .

(٤) صاحب طرائق درص ۱۲۰ ج ۳ نقل نموده که برقبری که درتکیه عشاقیهٔ کرمان است این بیت نوشته شده :

یکی مصرع از بهر تاریخ گفت بجان ازعلی دیده احمد نظام ـ ۱۲٤۰ و رضا قلی هدایت صاحب ریاض العارفین نیز وفات ویرا بدین سال ثبت کرده است .

مثنوی رغبت مینمود تاآنکه دومجلد مثنوی جنات الوصال (۱) را بانجام رسانیده » .

ونیزصاحب طرائق ازاصول‌الفصول نقل نموده : « درنظرداشت که برمثنوی جنات‌الوصال که مرحوم نورعلیشاه ورونق علیشاه بانجام رسانیده اند بیفزاید تابهشت برسد » .

نگارنده درجائی ندید که از مجلّد سوّم چند بیت انشاء نور علیشاه میباشد ولی پس از مطالعه ومراجعه ومقایسهٔ ابیات بایکدیگر بر آن شد که ۴۲۲ بیت ازابتداء مجلّد سوّم رانورعلیشاه گفته ورونق علیشاه متوفی بسال ۱۲۲۵ آنرا تکمیل(۲) و مجلّد چهارم و پنجم را نیز او ساخته است و دو نسخهٔ زیر شامل آنهاست ومجلّد ششم وهفتم را نظامعلیشاه انشاء نموده در کتابخانه مجلس موجود است .

آغاز : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم افتتاح کنزاسماء عظیم .

(۱۱۲۷)

جنات الوصال این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۶ ؛ صفا نام شاعر نوشته و درآخر هریك از مجلّدات اتمام را بابیتی ادا نموده وسال نگارش فقط در آخر مجلّد سوّم نگاشته شده ودارای پنج سرلوح بطرز های

(۱) نسخهٔ جنات‌الوصال که شامل دو مجلد نیزمیباشد درکتابخانه مجلس موجود و مجلد ششم درشرح و ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقة منسوب بحضرت جعفرصادق امام ششم علیه السلام در صد لمعه میباشد ودرمجلدهفتم بمدح فتحعلیشاه قاجارو ابراهیم‌خان حاکم کرمان برداخته و در بیت ۲۸۰ ج ۷ گوید : در سنهٔ تاریخ آنیه بخیر کش بود هر سال آتیه بخیر غرفهٔ امن وامان زان یافتم جانب باغ جنان بشتافتم و بر کلمه سنه شمارهٔ ۱۲۲۸ نوشته شده وجمله آنیه بخیر همین سال را (۱۲۲۸) معین مینماید بنا بر این تاریخ نظم این مجلد در این‌سال بوده و ازعبارات بسنان‌السیاحة بدست می‌آید که ابراهیم‌خان‌اورا از کرمان دور کرده بوده‌وپس‌ازمرگ وی‌بازبکرمان‌آمده‌است .

(۲) نگارنده این بیت (گفت ای یاران مرا یاری کنید میل جانم جانب باری کنید) راکه شعر ۴۳۰ از مجلد سوم میباشد از نور علیشاه و آغاز شعررونق علیشاه را این بیت :

(هرچه کردم سیر در وادیّ میل هرطرف بود ازهوا ومیل سیل)

تصورمیکند و درآخرمجلدسوم ساقی نامه ایست و درمجلد چهارم این دوبیت

(جلت سوم جو آمد زوبما با صفا و با بها و با ضیا چند بیتی جونکه آمد در مقال خوش روان شد سوی جنات‌الوصال) که نیز مؤید نقص مجلد سوم و عدم اتمام آن میباشد موجود است .

گوناگون میباشد ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و ابیاتیکه عناوین مطالب را حاکی‌است باسرخی نوشته شده ، مجلّد پنجم افتاده دارد وظاهراً یك برگ بیشتر نباشد وآخرین شعر نسخه اینست :

چونکه بنمودند غصب حقشان این عداوت شد پدید اندرمیان

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۸) صفحه ای (۳۵) سطر درمتن وحاشیه . طول (۱۸ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۲۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۹) .

(۱۱۲۸)

جنات‌الوصال این نسخه شامل چهار جنّت از جنّات‌الوصال وآثاردیگری از نورعلیشاه میباشد و درجای دگر از آنها معرّفی خواهد شد ، بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده و کتابت آن ناقص مانده ، بسال ۱۲۸۰ داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه شده و پشت برگ نخستین یاد داشت گردیده .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق کلیه (۴۲۷) صفحه‌ای(۱۵) سطر . طول (۱۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۲۲ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۸) .

(۱۱۲۹)

جنات‌الوصال این نسخه شامل دو مجلّد اوّل وقسمتی از مجلّد سوّم میباشد ، نام نویسنده و تاریخ نگارش نداشته ، ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم نوشته‌شده ، پیش‌نگاریده‌شامل تاآخرین‌بیت انشائی نورعلیشاه است ، پیش از این کتاب رساله‌ای‌عرفانی است(تصور میکنم ترجمه‌ای از جوك باشد ودرمجلّد بعد این فهرست معرفی خواهدگردید) واین‌دونسخه بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردیده و پشت برگ نخستین یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیهٔ (۱۵۳) . این نسخه (۱۰۲) . صفحه ای(۲۹) سطر . درمتن حاشیه . طول (۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{2}{4}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۶) .

[۴۹۷] حدیقة‌الحقیقه (فارسی)

این کتاب یکی ازمثنویهای مشهور واز آثار گرانبهای حکیم سنائی (ابوالمجد مجدود (۱) بن آدم غزنوی متولد بسال ٤٦٤ (۲) و متوفی بسال ٥٢٥ (۳)) (٤) استکه نیز از مشاهیر شعرا وعرفا میباشد ومندرجات این کتاب مقام ومرتبهٔ ویرا چون

(۱) درنسخ هفت اقلیم نام سنائی مجدالدین ثبت شده درصورتیکه درتمام دیوان وآثار او این نام یالقب برای وی دیده نشده وتذکره نویسان به تبع خود وی ومعاصرین اورا مجدود معرفی کرده اند بنابرین نام مجدالدین برای او مسلماً غلط خواهد بود .

(۲) تاریخ تولد سنائی را تاکنون کسی تعیین نکرده ، نگارنده تاریخ مذکور بالا را از این بیت سنائی : عمر دادم بجملکی برباد برمن آمد زشصت صد بیداد

که در اوائل باب غفلة (پنجم ، حدیقه ، نسخه چاپی) زیرعنوان **فی تبدیل الحال بعدالکمال** میباشد استفاده نموده چرا که میدانیم سنائی بسال ٥٢٤ مشغول بنظم حدیقه بوده وبنابرتصریح در این بیت در این هنگام شصت سال داشته (٦٠ ـ ٥٢٤ = ٤٦٤) بنا بر این بسال ٤٦٤ متولد گردیده است .

تذکری که دراینجالازم داردا اینست که دربعضی ازنسخه‌های خطی ونسخه‌چاپی حدیقه بجای **شصت** کلمه **شیب** نگارش یافته ولی مسلما این کلمهٔ اخیرمصحف شصت میباشد چرا که بیت دیگری ازسنائی که در آغاز همین مبحث میباشد گذشته ازاینکه درنسخ کهنه وصحیح حدیقه صریحاً شصت نوشته شده ، نیز شصت سالگی ویرا معین میکند وآن اینست : شیریك سالگیم کرد اثر * پس چل سال گرد عارض وسر .

ومراد شاعر اینست که یکسال شبر سفیدیکه خورده‌ام موی سیاهیکه ازبیست سالگی دراطراف صورت داشتم چون رنك خود سفید کرده است .

(۳) در سال وفات این شاعر شهیر چندین قول است (٥٢٥ و ٥٤٥ و ٥٧٦ و ٥٩٠) ، متتبعین و دانشمندان ، بیشتر همین سال (٥٢٥) را که نگارندهٔ مقدمه ، حدیقه و مرتب کنندهٔ آن محمدبن علی‌الرقا معاصر وی (بامر پادشاه عصر بهرام شاه بن مسعود) تعیین نموده سال مرگ سنائی میدانند وعلامه نحریر آقای قزوینی درمتن وحاشیه خاتم الطبع تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی (ص ٦٣٥ ج ٥) درابن باب شرحی نگاشته واختلافات ودلیل تأیید این تاریخ را هم تذکرداده اند

(٤) شرح حال سنائی را در تاریخ گزیده (ورق ٢٩٤ و ٣١٩ نسخه مدرسه) ، تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی (ص ٦٢ ـ ٦٤ نسخه مدرسه) ، نفحات الانس (ص ٧٠٦ ـ ٧٠٧ نسخهٔ مدرسه) ، هفت اقلیم (ص ٢٥٣ نسخهٔ مدرسه) مجالس المؤمنین ص ٢٨٨ ـ ٢٩٦ (در مجلس ششم) ، حبیب السیر ص ٣٣ـ٣٤ جزء چهارم ازمجلد دوم چاپ هند ، کشف الظنون ج١ ص ٤٢٧ـ٤٢٨ ، آتشکدهٔ آذر ، مجمع الفصحا ، ج ١ ص ٢٥٤ ـ ٢٧٤ ، ریاض العارفین ص ١٩٦ ـ ٢١٠ ، سخن وسخنوران ج١ ص ٢٦٧ ـ ٣٢٧ ومقالهٔ مفصل دانشمند معاصر آقای بربیت بنام مثنوی ومثنوی گویان ایران (ص ٥٤١ ـ ٥٤٤ شمارهٔ ششم سال پنجم مجله مهر (سال ١٣١٦ شمسی) نگاه کنید که مأخذ این نگارش میباشد .

آفتاب جهانتاب برعالمیان آشکارنموده وهرکس بقدر لیاقت واستعداد خویش از آن بهرور میگردد ،

عارف شهیر مولانا جلال‌الدّین رومی باآن مقام و مرتبهٔ که در عرفان دارد خود را تابع وپیرو سنائی خوانده (عطار روح بودوسنائی دوچشم او مالزپی سنائی و عطار آمدیم) و مثنوی بی مانند خویش را بواسطهٔ آوردن و عنوان قرار دادن ابیاتی از سنائی در آن ، در حقیقت شرح بیانات ایشان معرفی نموده است .

سنائی در اوان جوانی بمداحی و هجوگوئی و غزلسرائی که لازمه این بخش از زندگانی ونا آزمودگی میباشد میپرداخته ولی نور عرفان چنانکه از آثار وی هویداست در اواخر عمر بردل وی تابیده و او را زنده جاوید ساخته است .

از آثار این حکیم یکی دیوان قصائد و غزلیاتست (در زیر عنوان دیوان سنائی معرفی میشود) ودیگری این مثنوی که « حدیقةالحقیقه وشریعةالطریقه »(۱) نامیده شده و دیگر « طریق‌التحقیق (۲) » و رسالهٔ « سیرالعباد الی‌المعاد » (۳) ، عشق نامه ، حکایت بهروز و بهرام (۴) غربیبنامه و عقل نامه (۵) و کار نامه

(۱) در خود کتاب تصریحی از مؤلف در تسمیه این کتاب بدین نام نیامده ولی در نزد دانشمندان بدین نام معروف و نیز آنرا نخبری نامه میگویند ومحمدبن علی‌الرضا در ص ۹ مقدمه حدیقه (نسخه حاب هند) این کتاب را بدین دونام معرفی کرده است .

(۲) طریق‌التحقیق بنا بر تحقیق آقای تربیت (در مقالهٔ مجلهٔ مهر) موسوم به **زادالسالکین** میباشد و بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۸ در طهران و بمتنی چاپ شده و آقای قزوینی بیت آخراین کتاب را که دربارهای ازنسخ موجود وسال ۵۲۸ را معین مینماید محرف یامجعول دانسته ودلیلی برصحت آن نیافته اند .

(۳) این کتاب نظیر حدیقه میباشد و هدایت در ج ۱ مجمع الفصحا ص ۲۶۲ ـ ۲۷۴ تمام آنرا درج ومسلماً برحسب شمارهٔ دقیق هفتصد (۷۰۰) بیت است با مقدمه‌ای بقلم دانشمند محترم آقای سعید نفیسی بهمت کوهی کرمانی بسال ۱۳۱۶ نیزدرطهران جدا گانه چاپ‌شده ، دراین نسخه شمارهٔ ابیات ۷۷۵ میباشد . وبنام **کنزالرموز** نیزنامیده میشود ودرهفت اقلیم گنزالرموزاز مؤلفات‌سنائی شمرده شده ولی ازسیرالعباد الی‌المعاد نامی نبرده واتحاد این دو نامرا هم‌تذکر نداده است .

(۴) آقای تربیت در شمارهٔ ۶ مجله مهر سال پنجم (ص ۵۴۳) چند بیت از این مثنوی را نقل کرده اند .

(۵) نسخه ای از این کتاب در حرف عین همین فصل معرفی خواهد شد .

بلخ است(۱) و نیز از آثار نثری این حکیم مقدمه ایستکه بر دیوان خود نوشته و فهرست مطالب مندرجهٔ در آنرا آخر آن گذارده و نسخه ای از آن در کتابخانهٔ ملّی ملك درطهران موجود و نگارنده آنرا دیده وظاهراً خیلی نزدیك بزمان سنائی آن نسخه نگارش یافته است .

و دیگر مکتوبیستکه به بهرامشاه نوشته و از علمای غزنین شکایت نموده که نفهمیده این کتاب اورا برخلاف دین دانسته ، چراکه علی بن ابن ابی طالب ع را بردیگر اصحاب ترجیح داده و دشمنان خاندان رسالت ص را بدگوئی نموده واز این پادشاه استدعای عدل وتوجه کرده و دو نسخهٔ (شمارهٔ ۳۴۵ و ۱۹۶) این کتابخانه آنرا شامل میباشد و دیگر از آثار نثری وی دیباچه حدیقه است که بنا بر تصریح محمدبن علی الرّقا سنائی در بامداد روز یکشنبه ۱۱ شعبان سال ۵۲۵ که پس از نماز شام آن روز رحلت نمود آنرا انشاء وابوالفتح فضل الله بن طاهر حسینی آنرا املاء نموده است .

جای تردید وشك نیست که تمام این دیباچه ومقدمه حدیقه انشاء سنائی نیست چراکه گذشته از طرز مطالب و معانی آن که خود شاهد بزرگی برمدعی میباشد در سطر ۶ از ص ۶ و ص ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ (نسخه چاپی) محمدبن علی الرّقا تصریح نموده که وی منشی آنست ، نگارنده براینستکه از آغاز دیباچه تااینجاکه گوید : روزی من که محمدبن علی الرّقا . انشاء سنائی واملاء سیّد مذکور است .

ازقطعه ایکه دردیوان سنائی موجود است، بدست می آید که درزمان حیات مسعود سعد سلمان متوفی بسال ۵۱۵(۲) سنائی بجمع و ترتیب دیوان وی مبادرت نموده و از اینکه در اثر غفلت اشعاری از دیگران را نیز در آن دیوان آورده

(۱) آقای تربیت این منظومه را مطایبه نامه سنائی معرفی کرده وگوید شبیه بمنظومهٔ مسعود سعد در همین موضوع میباشد ولی کمی بیشتر از آن که همه در وصف درباریان سلطان مسعود ثالث گفته شده است .

(۲) آقای قزوینی وفات این شاعر را در حواشی چهار مقالهٔ نظامی عروضی (ص ۱۴۵) محققاً دراین سال دانسته وگویند رساله ای درشرح حال این شاعر تألیف و ادوارد برون آنرا بانگلیسی ترجمه و بسال ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ در مجلهٔ انجمن همایونی آسیائی منتشر کرده است .

پوزش خواسته و آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله (ص ۱۴۲ - ۱۵۰) این کار سنائی را تذکر داده اند .

سنائی حدیقةالحقیقه را که شامل اشعار توحیدی و عرفانی و اخلاقی است و بنابرتعیین محمدبن علی‌الرّقا درمقدمه حدیقه وتصریح خود وی شماره ابیات آن ده هزار (۱) میباشد ، بسال ۵۲۵ بآخررسانید وانشاء آن ۱۳ ماه (۲) طول کشیده و در ده (۳) باب گذارده‌است .

نسخهٔ چاپی حدیقه باچهارنسخهٔ خطی از آن که در دست نگارنده است در تنظیم ابواب بایکدیگر مخالف ونگارنده نمیتواند یکی‌از آنها را ترجیح دهد وآنرا اصل قرار دهد ، در آخر مقدّمه نفیسیکه نسخهٔ مجلس شورای ملی دارد وغیراز مقدّمه محمدبن علی‌الرّقا میباشد(٤) و درفهرست آنجا خصوصیّات آن نگارش خواهد یافت وظاهراً آن نسخه درقرن نهم هجری نگاشته شده ودرحاشیه برگ ٤ نسخه این کتابخانه که بسال ۹۲۰ نوشته شده فهرست ابواب حدیقه بدینگونه که زیراین سطرها می آوریم تعیین گردیده ، ابیاتی درحدیقه موجود که دلیل برموافقت این ترتیب باخیال ناظم آنست و خود این ابیات میرساند که از سنائی میباشند :

باب اول بیان تحمید است — بخش تنزید وصرف توحیداست

---

(۱) در ذیل باب دهم درمعرفی از کتاب گوید :

آنچه زین نظم در شمار آمد — عدد بیت ده هزار آمد

(۲) در آخر حدیقه است :

شد تمام این کتاب در مه دی — که در آذر نکنده آن را پی

بانصدو بیست و چار رفته زعام — بانصدو بیست و پنج گشته تمام .

(۳) حاجی خلیفه درص ٤۲۷ ج ۱ کشف این کتابرا شامل بیست باب معرفی وانشاء آن را بسال ۵۲٤ معین نموده و مؤلف فهرست کتابخانه معارف در ص ۱۵۰ ج ۱ عینا اشتباه مذکور را نقل کرده اند .

(٤) بعضی تصور کرده اند که مقدمه نثری موجود درنسخه خانی هند املاء خود سنائی میباشد در صورتیکه نگارندهٔ آن محمدبن علی الرقا درچند جائی از مقدمهٔ تصریح بنام خود کرده و گذشته ازاین طرز انشاء آن بخوبی میرساند که منشی آن غیراز سنائی ناظم کتابست و در این موضوع شرحی در ص ٤۹۵ نگاشته شد .

باب ثانی ثنا و نعت رسول(۱) — وآن بهر چار یار گشته قبول
باب ثالث (۲) زعقل گویم من — زآنکه گنجد در و مجال سخن
باب رابع (۳) زعلم وخواندن علم — گفت خواهم زروی دانش وحلم
باب خامس (٤) زعشق و تعبیرش — کز کجا تا کجا است تأثیرش
باب سادس (٥) زغفلت و نسیان — گرچه مستولیست بر انسان
باب سابع (٦) زحال دشمن ودوست — که بیابی هرآنچه سیرت اوست
باب ثامن (۷) زگشت افلاك است — که چنین جایز است و ناپاك است
باب تاسع (۸) ثنای شاه جهان — آنکه دشمن ز تیغ اوست نهان
باب عاشر (۹) صفات این تصنیف — که نه بینی دیگر چنین تألیف

(۱) در نسخهٔ مجلس ونسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷) این کتابخانه باب دوم در اوصاف قرآن معرفی گردیده درصورتیکه درآخر این باب این بیت : (چون بگفتی ثنای حق زاول بس بگو نعت احمدمرسل) است که خود مؤید اتمام باب اول میباشد و در این باب پس از نعت و ثنای پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم بمدح وثنای خلفای چهارگانه (رض) وحسنین علیهماالسلام وامام شافعی وابوحنیفه (رض) و برخی دیگر از اصحاب پرداخته و در عین حال که از اظهار عقائد مذهبی خویش تقیه میکرده مطالبیکه موافق عقیدهٔ امامیه میباشد مندرج ساخته و بابست بودن خود را بآنها آشکار نموده است .

(۲) نسخهٔ جاب هند وشمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه موافق این تقسیم ودرنسخهٔ (۳٤۷) این کتابخانه باب ٥ ودرنسخهٔ خطی مجلس باب چهارم درعقل است .

(۳) نسخهٔ چاپ هند و شمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه موافق این تقسیم **در علم** میباشد ولی نسخهٔ مجلس بعلت مذکور علم را درباب نجم ذکرنموده ودرنسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷) این باب‌چهارم را در مدح بهرامشاه که موافق تقسیم بالا باب نهم میباشد قرارداده است .

(٤) درنسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷) این کتابخانه باب هفتم در عشق و صفت روح و درچاپ قلب معرفی گردیده ودرنسخهٔ حاجی باب ۸ در این موضوع میباشد ودرنسخهٔ مجلس بخشی از این باب درآخر باب اول نگارش یافته است .

(٥) در نسخهٔ حاجی و شمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه این موضوع در باب پنجم و در نسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷) این کتابخانه در باب هشتم و درنسخهٔ مجلس در باب ٦ گذارده شده و این دونسخه ابیات زیادی که در آن دونسخه در آخر باب علم گذارده شده در آغاز این باب دارد .

(٦) در نسخهٔ حاجی این باب در حکم و امثال و زیر عنوان باب هفتم ثبت شده و در نسخهٔ شمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه نیز چون نسخه حاجی پس از باب نسیان است ولی در نسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷)

(بقیه حاشیه درصفحه ٤۹۸)

چنانکه از مکتوب حکیم سنائی به بهرامشاه غزنوی ومکتوب منظومی که به برهان‌الدین به بغداد نوشته وراجع باین کتاب وصحّت مندرجات آن استفتاء کرده و آنچه محمدبن علی‌الرّقا درمقدّمه حدیقه نگاشته ، برمی‌آید ، پس از اتمام حدیقه و اطلاع جمعی برمندرجات آن (تصورمیکنم که اطباء و منجمین وعلماء که‌دردربار بوده و بیانات سنائی را در باب نهم در ذیل ثنای شاه مخالف منافع خود دیده ، تمایل‌به تشیّع وعلاقمندی سنائی رابخاندان‌حضرت پیغمبر صلعم که‌ازاشعارحدیقه‌آشکار است بهانه نموده وخواسته اند که اورا آزار کنند ، مکتوب و منظومه وی به بهرامشاه وبرهان‌الدین کاملاً صریح‌دراین مطلب میباشد) ناچارشده که‌نظرپادشاه ورئیس علماء اسلام (درآن دوره) را بخود جلب نماید ، نسخه ای ازحدیقه را پاکنویس وبه بغداد پیش ابوالحسن علی‌بن ناصرغزنوی (برهان‌الدین) مشهور به **بریان** فرستاد تافتوی برصحت مندرجات آن دهد .

نگارنده ازمقدّمه محمدبن علی‌الرّقا استفاده میکند که درهمین روزها که سنائی این کار را انجام داد ونسخه را به بغداد فرستاد تب کرده وازاین جهان (تقریباً ۷ ماه پس از انجام تألیف کتاب) بسرای باقی شتافت و دراین مقدمه استکه بامر بهرامشاه رقا از روی مسوّده ها بجمع وترتیب حدیقه پرداخته است .

(بقیه حاشیه ازصفحه ۴۹۷)

این کتابخانه و نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس این موضوع بعنوان باب ذکر نشده و در آخر باب افلاک (نسخهٔ مجلس ونهم نسخه شمارهٔ (۳۴۷) این کتابخانه) گذارده شده و نیز تمام آن ابیات نیست .

(۷) درنسخه جایی و شمارهٔ (۳۴۵) این کتابخانه در این موضوع میباشد و در نسخه مجلس باب افلاک حذاست که درشمارهٔ (۶) گفته شد .

(۸) در نسخهٔ جایی باب دهم و در نسخه شماره (۳۴۵) این کتابخانه باب نهم و در نسخه شمارهٔ (۳۴۷) باب چهارم ودرنسخهٔ مجلس باب هشتم دراین موضوع سخن گردیده و در این باب گذشته از مدح پادشاه ونصائح واندرز های سودمند بمدح و ثنای دوپادشاه عصر بهرامشاه و صدور وامراء وبعضی از علما و وعاظ پرداخته وبرخی ازعلماء نحاة وشعرا ومنجمین واطبای دروغی را هم مذمّت وسرزنش و هجا کرده است .

(۹) در نسخه جایی این موضوع در باب نهم و در نسخه شمارهٔ (۳۴۷) بقسمی از موضوع باب نهم (هجا، شعرا واطبا ومنجمین) بعنوان باب دهم ودرنسخه مجلس همان قسمت معرّفی از کتاب) بنام باب دهم معرّفی گردیده است .

سنائی خود از حدیقه انتخابی کرده و مجدداً برحسب خواست دوستان از آن انتخابی دگر نموده و این منتخب دوّم بشمارهٔ نامهای الٰهی ۱۰۰۱ بیت میباشد وشاید مراد حضرت مولوی ازالهی‌نامه سنائی همین منتخب باشد و بنابر تصریح خود وی درماه مرداد که برحسب احتمال همان ماه آخرعمروی بوده این‌انتخاب بانجام رسیده و بسال ۱۳۱۶ قمری علینقی ملقب به مؤتمن دیوان این منتخب را بنام جعلی «لطیفة العرفان» که بسلیقه‌خویش بر آن گذارده‌درطهران چاپ‌نموده و دیباچهٔ نثری بر آن نگاشته است .

تمام‌حدیقه بسال ۱۲۷۵ دربمبئی وباب اول‌آن بسال ۱۹۱۰ م باترجمه انگلیسی آن بقلم : Magor. g. Stephenson. در کلکته چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله ای درون‌پرور برون‌آرای ❀ ای‌خرد بخش بی خرد بخشای الخ.

(۱۱۳۰)

حدیقة‌الحقیقه این‌نسخه را بخط نستعلیق خالص‌بن کمال‌الدین‌بن‌محمود کرمانی بسال ۹۲۰ نگاشته ، نویسنده ای در حاشیهٔ ص ۷۳۶ - ۷۴۱ شرح حال سنائی را از تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی و در حاشیهٔ ص ۷۴۶ تا آخر **عقل نامه** سنائی راکه درهمین فصل ازآن معرفی خواهد شد نوشته ، پشت صفحه نخستین و چند برگبکه پیش از آنست ابیاتی از سنائی و غیره و یادداشتهائی از مالکین سابق نسخه بفارسی و عربی و ترکی نگارش یافته و صفحات مجدول بطلا و عناوین باشنجرف و دارای یك سرلوح طلائی است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۳۷۹) . صفحه ای(۱۵) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۴۷) .

(۱۱۳۱)

حدیقة‌الحقیقه این‌نسخه را بخط نستعلیق خیلی‌خوب بخواست خواجه بیك در شهر هرات ، عبدالرشید دیلمی بسال ۱۰۱۷ نوشته و از خطوط ممتاز میباشد ، میان دو سطر آخر چند کلمه ای را محو کرده اند ، مکتوب سنائی به بهرامشاه در آخر نسخه نگاشته شده ، تمام صفحات مجدول‌بطلا و لاجورد وغیره میباشد و میان سطرها طلااندازی شده وعناوین مطالب بامرکبهای

گونا گون برسرسوره هائی طلائی نگارش یافته ودر ابتداء نسخه سرلوح ظریف کوچکی است .

تمام برگها متن وحاشیه میباشد وبسیاری از آنها جابجا شده وپاصفحه ها هم اگرچه مطابق میباشد نظم وترتیب آن درست نیست و نیازمند ترتیب و تنظیم درستی است .

جلد ساغری . کاغذ متن خان بالغ **حاشیه** تروه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤١٩) صفحه ای (١٢) سطر . طول (٢٢ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (١٩٦) .

(١١٣٢)

حدیقة الحقیقه این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، برگهائی از آن نونویس میباشد ، طرز نگارش حکم میکند که نویسندهٔ آن هندی و در اواخر قرن نهم نگارش یافته ، عناوین ابواب ومطالب در چندین جا غلط نوشته شده وطرز تنظیم آن تقریبا بانسخهٔ چاپ بمبئی مطابق ، مکتوب سنائی به بهرامشاه نیز درآخر نسخه میباشد و بالای صفحه نخستین **رضی** کتابدار شاهزاده بهمن میرزا پسر نائب السلطنه ، عباس میرزا ، بودن آنرا در کتابخانه این شاهزاده بسال ١٢٤٨ یادداشت کرده است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٧٢) . صفحه ای (١٩) سطر . طول (½ ٢٣ سانتیمتر) . عرض (½ ١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣٤٥) .

| ٤٩٨ | حلبة الکمیت (عربی)

مؤلف این کتاب **نواجی** است که در ص ٧٢ - ٧٤ بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم .

حلبة الکمیت (١) چنانکه درمقدمهٔ آن مؤلف تذکر داده بپاخواست کسیکه

(١) حلبه را (باحاء حطی وباء ابجد) درقاموس دسته ای تراشیدنی جهت براق ساختن معین نموده وعبارت آن اینست :

الحلبه بالفتح الدفعة من الخیل فی الرهان وخیل حلبی جمع بینهما . و الحلبة آلت سرخ رنگ را گویند که مائل بسیاهی باشد ومؤلف خود دراوائل بیت اول در تعلیل این نکته لفظ کمیت در آنست گوید

(بقیه حاشیه درصفحه ٥٠١)

مخالفت وی او را میسّر نبوده تألیف گردیده وشامل بیست و پنج باب وخاتمه ای بتفصیل زیرین بنثر ونظم میباشد :

باب اول - درنامهای شراب . **۲** - در وصف شراب ونخستین کس که آنرا درست کرده و موجب ساختن آن . **۳** - در طبایع و خواص آن . **۴** - در استعمال آن موافق رأی حکما . **۵** - درآنچه براستعمال کننده آنست ازحقوق منادمة و ادب ندیم . **۶** - درندمائیکه مؤلف آنها را می بستدد و مختصری از لطیفه گوئی های آنها . **۷** - دراحسان به ندما و جائزه ها وصله‌های آنها . **۸** - دراشعار نیکو وافکار بلند ندما . **۹** - درآنهائیکه بآشامیدن شراب اصرار دارند . **۱۰** - در نثر ونظم هائیکه ادبا درخواستن شراب انشاء کرده اند . **۱۱** - در وصفهائیکه از آن باعبارات فصیح وبلیغ و شبیه های تازه وخوب گردیده . **۱۲** - دروصف ساقی وادب او . **۱۳** - در وصف مجلس بزم و آلات و ادوات آن . **۱۴** - در وصف نواها و آلات و ادوات آن . **۱۵** - در وصف شمع و فانوس و اقسام چراغها . **۱۶** - در وصف مجلس انس پس از اتمام و ترتیب وانتظام آن ومتحقق بآن . **۱۷** - در وصف هریك از اقسام گلها و ریاحین ومیوه ها . **۱۸** - در وصف عمومی ازآبها وبحث در اطراف بهار . **۱۹** - دروصف جوی ها وگودالهای آب وچرخهای چاه و اسفیر ها و فواره ها . **۲۰** - در وصف رود نیل مصر وگردش گاههای آن بنظم ونثر . **۲۱** - در مناظر طبیعی شهرها . **۲۲** - درنسیم ولطافت آن . **۲۳** - درآواز کبوترها و کبوتران حاپار . **۲۴** - در وصف ابر و رعد و برق و آفتاب وماه و ستاره وبامداد وجزاینها . **۲۵** - در اشعار متفرقه دراوصاف گلها وبهار وغیراز اینها .

خاتمه در توبه واخلاص ومذمت شراب و دور کردن طبایع از آن .

این کتاب درحدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۸۲۴ تألیف آن بآخر رسیده وابن حجه حموئی (تقی‌الدّین) برآن تقریظی نوشته و دوبار بسال ۱۲۷۶

(بقیه حاشیه ازصفحه ۵۰۰)

در لفظ کمیت اینجا نوریه است و از همینجا نام کتاب را حلبة الکمیت گذارده ام چرا که میدان مسابقه ای (اسپرس) برای شعرای رشید است (لما کان مضمارا لفحول‌الشعراء ومجری سوابق افکارهم فی‌النشابه‌الخمریه) و در شذرات و کشف‌الظنون نوشته شده که مؤلف نام این کتاب را الحبور والسرور فی‌وصف‌الخمور گذارد ، دوستان را این نام خوش نیامد وگویند که مؤلف دچار مرض ومحنت گردید از اینرو نام آنرا بر گردانید وبدین نام نامید ؟ ! .

ودر کشف‌الظنون ازالضوء‌اللامع نقل گردیده که دراین تألیف یکی از شعرا زنده ومردهٔ وی را هجا نمود ونام آنرا فتح الاهاجی فی‌النواجی گذارد و هنگامیکه نواجی در بازار کتاب فروشها نشسته بود بدست یکی از دلالهای کتاب داد برهمه عرضه داشت نابه نواجی رسید در آن مطالعه نمود وخواست که آنرا نگاهدارد صاحب آن از دلال آنرا بازخواست و نزدیك بود از این بیش آمد نواجی هلاك شود .

و ۱۲۹۹ چاپ گردیده و ازلحاظ ادبیّت مجموعه ای نفیس است .

آغاز : بسمله الحمدلله الذّی ادار کؤس الادب علی اهل الادب الخ .

(۱۱۳۳)

حلبة الکمیت این نسخه رابسال ۱۰۷۹ بخط نسخ علی یحی علی (کذا) حدید حسینی نوشته و تقریظ نامبرده پشت آخرین صفحه نسخه میباشد وچند برگ اوّل نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۶) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۹۰) .

(۱۱۳۴)

حلبة الکمیت این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را ننگاشته ازطرز خط و کاغذ مسلم استکه در اواخر قرن سیزدهم نگارش یافته وصفحات مجدول بطلا ولاجورد است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹۳) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۹۱) .

[۴۹۹] ختم الغرائب (فارسی)

حکیم خاقانی شروانی که درص ۴۶-۴۶۶ بمعرّفی وی و آثارش پرداخته ایم ، بنا برنسبت دادن نویسنده نسخهٔ زیرین منظومه ای بوزن مثنوی بنام **ختم الغرائب** انشا نموده و جز نسخهٔ زیرین و نسبت دادن نویسندهٔ آن با جستجوی زیاد در کتب سیر وتذکره ها وفهرستها چنین نسبت و آثاری از نسخه ای از آن نیافتم جزاینکه مجموعه ای که بسال ۱۰۳۵ نگارش یافته دراین کتابخانه زیرشمارهٔ (۶۰۰) موجود است و بمناسبت اینکه در ابتداء آن دیباچه تحفة العراقین را کاتب بنام **دیباچه ختم الغرائب** معرّفی نموده دردفاتر مدرسه بنام ختم الغرائب ثبت وبهمین نام وقف گردیده است و مسلّما این نام بغلط براین نسخه گذارده شده و باتتبّعیکه دراین موضوع نگارنده نموده تحفة العراقین بدین نام (ختم الغرائب) نامیده نشده واین جمله غلط احتمال را قوی میکند که خاقانی بدین نام اثری داشته و گذشته

از این راه طرز فکر وانشاء این منظومه که در تقلید حدیقهٔ سنائی میباشد صحت انتساب آنرا بخاقانی تأیید میکند :

برای اثبات مدعی چند بیت از آنرا دراینجا می‌آوریم :

فی حدوث العالم

اینها همه محدث اند و محبور — در قبضهٔ قهر اسیر و مقهور
خلاق همه یکی قدیم است — رزاق همه یکی عظیمست
جبار مهیمن روان بخش — قهار قدیم ذات جان بخش
معبود جهان خدای بی عیب — بل جاعل عین و خالق غیب
از علت ناقص است صنعت (کذا) — پس مردم کاملست عایت (کذا)
تا کاملکی که آرد از خاك — زینگونه هزار آدم پاك
سبحان الله چه جای این است — کو ایزد ایزد آفرین است
کر ایزد نافریده بودی — کی آدم بر گزیده بودی
کر دست تو را خدای عالم — در عالم کدخدای آدم
نه خانه نه کدخدای ماند — کدنیست شود خدای ماند
چون خانهٔ کدخدای دیدی — کدنیست شد و خدای دیدی
جون خانه و کدخدای خود نیست — در خانه بجز خدای خود نیست

بدبختانه فقط قسمتی ازاین مثنوی به نسخه ای از تحفةالعراقین (درص ۴۶۸ از این نسخه زیر شمارهٔ ۱۱۱۰ معرّفی گردیده) پیوسته و (۶۴۴) بیت بیشتر نیست .

آغاز : بسمله بر کرّهٔ خاك تنگ میدان — کم باش چو گوی اسیر چوگان .
انجام نسخه : آب از تشنگی روانست — ور گرسنهٔ شفات نانست

ازپاصفحهٔ آخرین صفحه معلوم میشود که دراین نسخه برگهای دیگری‌بوده واز میان رفته است .

(۱۱۳۵)

ختم‌الغرائب این نسخه پیوسته به کتاب شمارهٔ (۲۷۲) کتابخانه میباشد که ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نوشته شده و در ص ۴۶۸ و ۴۶۹ زیر شمارهٔ (۱۱۱۰) آنرا معرّفی کرده ایم ، خصوصیّات دگر را بآن صفحه مراجعه فرمائید .

[۵۰۰] خریدة القصر و جریدة اهل العصر (عربی)

مؤلف این کتاب عماد کاتب اصفهانی است (ابوعبدالله عمادالدّین محمدبن محمدبن حامدبن محمد ۵۱۹ - ۵۹۷) (۱) که ازمشاهیرادباء نامداروورزرای والاتبار و در فقه شافعی صاحب اجازه بوده و درعلوم ادبیّه و خلاف دستی قوی یافته ، تولّدوی دراصفهان شده ودربغداد کسب کمال نموده ودردمشق مورد توجه وعنایت نورالدین قرارگرفته و او را برسالت به بغداد پیش المستنجد فرستاده و چون بدمشق برگشته تدریس مدرسه ایکه بنام خوداو (مدرسهٔ عمادیّه) مشهورمیباشد بوی داده شد و پس از آن عماد را در محفل اشراف دیوانیان ووزراء وارد نمود وپس از نورالدین اسمعیل پسر وی بجای پدر نشست رقبا پادشاه را بدو بدگمان کردند عماد ناچار شد ، همه مقاماتیکه داشت ترك کرد وروی ببغداد آورد چون بموصل رسید درآنجا ناخوش شد در همین ایام شنید که **صلاح‌الدین** پادشاه مصر برای تسخیر دمشق حرکت نموده ، عماد از رفتن به بغداد منصرف شد و بطرف دمشق برگشت ، درماه شعبان سال ۵۷۰ درهنگامیکه سلطان صلاح‌الدین درحلب بوده و قلعه حمص را تصرف کرده بپادشاه نزدیك شد و قصیده‌ای طولانی انشا و بعرض رسانید ، مورد عنایت و قبول گردید و در حضر و سفر ملازم و مدّاح شد و بالاخره پس از نزدیك شدن زیاد به این پادشاه مقام وزارت یافت وتاآخر زندگانی صلاح‌الدین خوشی وعظمت عمادالدین هم بآخر رسید وابن خلکان گفته « پس ازمرگ وی دری را برخود بازندید و گوشهٔ خانه نشست و بتألیف وتصنیف مؤلّفات ممتاز پرداخت ، وازمؤلّفات اوست : **البرق الشامی** (این کتاب بنابرمعرّفی ابن خلکان ، در تاریخ وهمت خلّد است و در ابتدا شرح حال مؤلّف و کیفیّت حالات وی و انتحال خود را از عراق بشام تاواخر زندگانی وادبار روزگاربوی پس ازصلاح‌الدین مندرج ساخته و از کتب تواریخ مفصله است) ، **دیوان** رسائل فارسی ، **دیوان** رسائل عربی **دیوان شعر** درچهار خلّد ، **دیوان** دوبینی (رباعی)،

(۱) وفیات‌الاعیان ج ۲ ص ۷۴ - ۷۶ ، شذرات‌الذهب ج ۴ ص ۳۳۲ - ۳۳۳ معجم‌المطبوعات ص ۱۳۷۵ مأخذ نگارش ابن مطالب است .

نصرة الفتره و عصرة القطره(۱)(دراخبار وتاریخ سلجوقیان میباشد و مختصر آن بنام زبدة النصره و نخبة العصره در لیدن بسال ۱۸۸۹ م چاپ شده و حاجی خلیفه در ج ۲ کشف ص ۷ وص ۶۰۲ این مختصر رانیز تألیف خود عمادالدین کاتب معرّفی نموده و در مصر بسال ۱۳۱۸ بنام تاریخ دولة آل السلجوق تألیف عمادالکاتب اختصار شیخ امام فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی چاپ شده است)، الفتح القدسی فی الفتح القدسی (ابن خلّکان در وفیات الاعیان نام این کتاب بدینگونه که نقل شد ثبت گردیده و گوید که در دو مجلّد و شامل شرح فتح بیت المقدس میباشد و حاجی خلیفه در ص ۲۱۹ ج ۲ کشف گوید : « القدح القسی فی فتح القدسی در دو مجلّد تألیف عماد کاتب . . . میباشد و در خطبه آن مدح ناصر الدین احمد بن المستضیء بالله عباسی وصلاح الدین یوسف را نموده واین نام برپشت نسخه نوشته شده لیکن خود وی گفته که آنرا الفتح القدسی نامیدم و برقاضی فاضل آنرا عرضه داشتم مرا گفت آنرا « الفیح القسی فی الفتح القدسی » نام گذار » .

و دیگر از مؤلّفات وی خریدة القصر وجریدة اهل العصر است .

این کتاب که مؤلف آنرا **خریدة القصر وجریدة اهل العصر** نامیده یکی از مشهور وشامل شرح حال و آثار ادبا وشعرای قرن ششم هجری (ازسال ۵۰۰ تا ۵۷۲)(۲) که مؤلف آنها را دیده و یا بیك واسطه از آنها شعر بلیغ و یانثر سلیس شنیده) میباشد و مؤلف در حقیقت آنرا ذیل « زینة الدهر و عصرة اهل العصر » تألیف ابی المعالی سعد بن علی وراق خطیری متوفی بسال ۵۶۸ که آن نیز ذیل بر **دمیة القصر**

(۱) در وفیات الاعیان نام این کتاب بدین املاء و در کشف الظنون فتره و قتره با تاء و در معجم المطبوعات فتره وقطره ضبط گردیده واین آخیر صحیح بنظر می آید .

(۲) ابن خلکان تصریح نموده که این کتاب شرح حال دانشمندانی استکه درسالهای ۵۰۰ تا ۵۷۲ وفات یافته و یا در قید زندگانی بوده اند ، مراجعة به نسخه این کتابخانه هم مؤید ایشانست و از عبارت زیرین که در ذیل معرّفی وشرح حال ابو المحاس شنجی نوشته معلوم میشود که تألیف این کتاب هم بسال ۵۷۲ بوده وآن جمله اینست : وسمعت الان فی سنة اثنین وسبعین اره موسوم بالعطله الخ . مؤلف کشف الظنون درص ۴۶۱ ج ۱ گوید تاسال ۵۹۲ اثنین وتسعین وخمسمائه را در این کتاب ثبت نموده ولی چنانکه دانستیم جلد اول را مسلماً درسال ۵۷۲ مینوشته ومکرر تصریح بسالهای پیش از سال مذکور (۵۷۲) را در این مجلّد کرده است .

وعصرة اهل العصر (۱) باخرزی متوفی بسال ۴۶۱ که این نیز ذیل **یتیمة الدهر** ثعالبی متوفی بسال ۴۲۹ یا ۴۳۰ میباشد، قرارداده و یتیمة الدهر ذیل **البارع** تألیف هارون بن علی منجم متوفی بسال ۲۸۸ میباشد و این کتاب اخیر، نخستین مؤلفهٔ بدین طرز استکه نخبه‌ای از آثار نظمی ونثری گروهی در آن گرد شده ونویسندگان ومؤلفین نام بردهٔ بالا مؤلفات خود را بتقلید وی ساخته‌اند. ونیز بر خریدة القصر ذیل هائی نوشته شده است.

چنانکه ابن خلکان تصریح نموده مؤلف خود نخستین کس میباشد که بنام «السیل علی الذیل» (۲) بر خریدة القصر ذیلی نگاشته و ما در ذیل معرّفی از «سلافة العصر» از آنانکه بر این کتاب ذیلی نگاشته اند و از آن مؤلفات نام خواهیم برد.

خریدة القصر چنانکه ابن خلکان و پس از وی حاجی خلیفه گفته اند در ده مجلّد تألیف گردیده و صاحب شذرات الذهب (ج ۴ ص ۳۳۳) گوید که چون عماد کاتب این کتاب را در هشت مجلّد تألیف نمود آنرا پیش قاضی فاضل (عبدالرحیم بن علی بن حسن لخمی میسانی عسقلانی مصری ۵۲۹-۵۹۶ (۳)) فرستاد قاضی بدان وقعی نگذارد و گفت دو جلد دیگر آن کجاست چرا که مؤلف، آنرا **خری ده** نامیده وباین تعبیر کتاب را و آنانکه در وی نام برده شده اند تحقیر کرده است.

بنابراینکه این داستان راست باشد این کتاب در هشت مجلد تألیف گردیده و و چون تا اینجاکه نگارنده تحقیق کرده ام نسخهٔ کاملی از آن در دست نیست نمیتوان تقسیمات آنرا از روی قطع و یقین تعیین نمود ولی از اینکه «عود الشباب» که مختصر خریدة القصر میباشد و زیر این سطرها مختصراً بمعرفی آن خواهم

(۱) حاجی خلیفه در ص ۴۶۰ ج ۱ کشف الظنون مدعی شده که خریدة القصر ذیل بر زینة الدهر فی عصرة اهل العصر تألیف ابی المعالی سعد بن علی وراق الحظیری متوفی بسال ۵۶۸ (نام مفصل کتاب ومؤلف وتاریخ فوت اورا در ص ۱۷ ج ۲ معرفی کرده ودر ص ۴۶۰ مختصراً آنرا نام برده است) میباشد که آن ذیل بر دمیة القصر و آن ذیل یتیمة الدهر و این ذیل **البارع** تألیف هارون منجم است ولی مؤلف در مقدمه زینة الدهر را نام برده و اشکال مؤلف فهرست دار الکتب وارد نیست.

(۲) ابن خلکان گوید: شنیده بودم که این کتاب را عماد الدین ذیل بر کتاب الذیل تألیف ابن السمعانی که ذیل تاریخ بغداد خطیب میباشد تألیف نموده ولی چون آنرا دیدم دانستم که ذیل بر کتاب خریدة القصر خود مؤلف است.

(۳) شرح حال این دانشمند را در ص ۳۲۴ - ۳۲۷ ج ۴ شذرات نگاه کنید.

پرداخت، شامل چهار قسمت میباشد و در مقدمهٔ خریده مؤلف گفته که آنرا به اقسامی چند تقسیم نموده ام: (وقد قسمت هذا الکتاب اقساماً) و قسم اول درفضلاء بغداد ونواحی آن میباشد، چراکه که آنشهر مرکز ودارالخلافه است (وبهمین مناسبت درابتداء آن بشرح حال وآثارچند تن ازخلفاء عباسی که معاصرویانزدیك بعصر مؤلف بوده اند مبادرت گردیده). وچنانکه از نسخهٔ این کتابخانه برمی آید قسم اوّل در دو جزء بوده و جزء اوّل از قسم اوّل در اواسط شرح حال وآثار ابو عبدالله البارع بن الدباس النحوی بآخر میرسد و اوّل جزء دوم قصیدهٔ ضادّیه البارع نحوی مذکور میباشد. ظاهراینستکه هریك ازاقسام چهارگانه را به دو جزء تقسیم نموده، بنابراین تمام کتاب در هشت جزء خواهد بود واین موافق آنستکه صاحب کشف الظنون وشذرات الذهب تعیین کرده اند.

علی بن محمد معروف به **رضائی رومی** متوفی بسال ۱۰۳۹ خریدةالقصر را مختصرنموده وبنام **عودالشباب** معروف میباشد وحاجی خلیفه در ص ج ۲ کشف زیرعنوان عودالشباب گوید که بنابرتسمیه خود وی این مختصر خریده «الشهاب بطردالذباب» نام دارد و آغاز آن اینست: الحمد لله الذی حمده عنوان کل جریده الخ.

دونسخه ازعودالشباب در کتابخانه برلن موجود و درص ۴۸۹ - ۴۹۱ ج ۶ فهرست کتب عربی آن کتابخانه معرفی کامل از آن گردیده و فهرست اقسام و ابواب آنرا مفصلاً معیّن کرده اند وما مختصری از آنرا دراینجا می آوریم:

قسم اول: درفضلاء بغداد وتوابع آن (در ۱۲ باب). **قسم دوم:** درفضلاء عجم وفرس (در ۲ باب). **قسم سوم:** درفضلاء معاصر و نزدیك بزمان مؤلف در دمشق (در ۵ باب). **قسم چهارم:** در فضلاء مصر وتوابع آن وبلاد مغرب (در ۱۰ باب).

بنابراین عودالشباب در ۲۹ باب میباشد وچون این کتاب مختصر خریدةالقصر است بایستی ابواب خریدةالقصر نیز ۲۹ بوده باشد.

چنانکه بالای این سطرها نگاشتیم نسخهٔ کاملی از خریدة القصر در دست نیست

و چنانکه از مندرجات ص ۹۳ ج ۳ فهرست دارالکتب العربیّه بدست می آید نسخهٔ آن کتابخانه عکس نسخه ایستکه در کتابخانه اهلیّه پاریس وجود دارد و فهرست آن اجزاء را از آنجا نقل کردن کمکی به شناختن تقسیمات کتاب و مندرجات آن مینماید و آن اینست :

(نسخه عکسی دارالکتب شش جزء و در شش مجلّد است)

مجلد اول شامل محاسن شعراء عراق : بغداد ، واسط و بصره میباشد و در شرح حال حریری صاحب مقامات بآخر میرسد (از این عبارت معلوم میشود که از آخر این مجلّد نقص دارد) .

مجلد دیگر شامل محاسن شعراء مصر میباشد و از اول افتاده دارد .

دومجلد دیگر که پشت سر یکدیگر میباشد شامل محاسن شعراء شام وفلسطین وموصل وحجاز ویمن است ودر آخر آنها اتمام قسم سوم کتاب یادداشت گردیده (ازفهرست عودالشباب نیز استفاده شد که قسم سوم شامل محاسن شعراء شام است).

دومجلد دیگر که اول آنها نوشته شده : « **الباب الاول من القسم الثانی من القسم الرابع** » در محاسن شعراء جزیرهٔ صقلیّه استکه جزء مغرب (اندلس) میباشد و در محاسن شعراء مغرب نزدیك : (قیروان وافریقا) و گروهی از اهالی مغرب استکه بشام آمده اند و گروهی از ایشان را سمعانی در ذیل اصحاب حدیث نام برده ودسته ای از آنها که بمصر وارد شده اند وذکر اعیان مغرب اقصی و اندلس وشعرائیکه در کتاب فتح بن خاقان (قلائدالعقیان) نام برده شده اند وغیرازاینها .

ودرفهرست نام برده این دو مجلّد اخیررا بنام : **المجلد الحادیعشر والثانی عشر وهو آخرالکتاب** معرّفی کرده و ظاهر اینستکه این عبارت عین آنستکه برنسخه اصل موجود در کتابخانهٔ پاریس نوشته شده وبا آنچه پیش گذشت این تعبیر را نمیتوان درست دانست .

آغاز : بسمله (۱) الحمدلله مودع ارواح المعانی اشباح الالفاظ الخ .

---

(۱) درنسخهٔ این کتابخانه پس از بسمله است : قال الشیخ الامام العالم الفاضل الرئیس الاوحد الامجد صدرالشام والعراق ذوالبلاغتین عمادالدین محمدبن محمدبن حامد الاصفهانی الکاتب رحمه الله تعالی . الحمدلله مودع ارواح الخ .

(۱۱۳۶)

خریدة القصر این نسخه شامل قسم اول کتاب (در محاسن شعراء بغداد و نواحی آن) بوده، بر گهائی ازمیان و آخر آن افتاده، در جاهای افتاده دار بر گهای ننوشته ای گذارده شده، ازطرز کتابت و کاغذ احتمال میدهم که در قرن نهم هجری نگارش یافته، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی ازمالکین پیشین نسخه موجود و پیش ترین تاریخی که ثبت گردیده بسال ۱۰۹۹ بوده و از یادداشت دیگریکه بسال ۱۱۳۲ مرقوم گردیده معلوم میشود که در آنسال این نسخه در دمشق بوده واوراق نسخه آب دیده ولی خطوط آن محو نگردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۴۸). (۱۲ ورق ننوشته است). صفحه‌ای (۲۵) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۴ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۸۳).

[۵۰۱] **خمسه حسینی = اشترنامه و وامق و عذرا** (فارسی)

این مثنوی از آثار حسینی است (حاج محمد حسین بن محمد حسن مجتهد ۱۱۸۴(۱) - ۱۲۴۹) (۲) که اصل ایشان ازقزوین ولی در کربلاء معلّی متولّد شده و چون پدر(۳) ایشان در شیراز رحل اقامت انداخته و به بحث و تحقیق اشتغال

(۱) در مآخذیکه برای نگارش این شرح در دست نگارنده بود تصریحی برای سال تولد حسینی نیافتم ولی در آلهی نامه (۱۰۰ بیت بآخر مانده) که بسال ۱۲۲۹ منظوم گردیده گوید:

چل و پنجسالت بباطل گذشت ‌ ‌ ‌ بباطل بی خدمت دل گذشت

بنا بر این تولد وی بسال ۱۱۴۸ بوده است.

(۲) بامراجعهٔ بمقدمهٔ خمسه حسینی چاپ شده که نگارش خلیفه و برادر زادهٔ ایشان آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالریاسین قطب کنونی سلسلهٔ نعمت اللهی دام عمره میباشد و طرائق الحقائق ج۳ ص۱۶۰ و مجمع الفصحا ج۲ ص۹۵ - ۹۸ این شرح نگاشته شده است.

(۳) در ص۵۶۱ ج ۱ این فهرست شرح حال مختصری ازحاج محمد حسن اصولی پدرحسینی را بمناسبت یکی از مؤلفات وی نگاشته ام و درآنجابتقلید صاحب روضات وفات ایشان بسال ۱۲۳۰ (وکانت وفاته فی العشر الثالث من هذه المائه) ثبت گردیده ولی آقای ذوالریاسین درمقدمه خمسهٔ حسینی ومرحوم نائب الصدر درص۱۵۳ ج ۳ طرائق الحقائق وفات اصولی را بسال ۱۲۴۰ ثبت نموده‌اند و چون این دو نویسنده از خویشان و نزدیکان آنمرحوم میباشند و گفته اند اهل البیت ادری بما فی البیت قول ایشان متبع است بنا براین آن تاریخ مستفاد از روضات غلط و بایستی اصلاح شود و تذکر دیگر اینکه غلط درصفحه گذاری روضات موجب شده که درص۵۶۱ ج ۱ فهرست بجای ص۱۸۰ ص۱۰۸ ثبت گردد، بایستی این غلط نیز اصلاح شود.

یافت و آنجا را وطن ساخت ، خانواده را از عراق عرب خواست ، این فرزند نیز بشیراز آمد وبابهره هائیکه ازمعلومات معقولی و منقولی داشت بسیر و سلوك راغب گشت ودرطلب کاملی که اورا دستگیرشود این‌طرف وآنطرف وباین‌دیار وآن‌دیاررفت، دستش بدامن بزرگی که‌اورادستگیرشود، نرسید، بشیراز باز گشت، دراین‌هنگام حاج میرزا ابوالقاسم متخلص به **سکوت** اورا ارشادودستگیری‌نمود .

پس ازوفات پدر که درشیراز عالم ومقتدا بود ، رئیس‌اهل‌شریعت وطریقت گشت وذوالریاستین حقیقی گردید .

افکاری بلند و قریحه ای سرشار داشته و بنظم قصائد و مثنویها میپرداخته **وحسینی** (۱) تخلص میجسته وخمسه وی که شامل‌مطالب عرفانی میباشد عبارت‌است از : الهی نامه ، اشترنامه ، مهروماه ، وامق وعذرا و **وصف‌الحال** و شرحی بفارسی بردیباچهٔ دفاتر ششگانه مثنوی مولوی رومی(۲) نگاشته است .

ازاین خمسه اشترنامه ، وامق وعذرا ومهروماه آن ازسال ۱۳۲٤ تا۱۳۲۸ در شیراز چاپ شده و در حدود ۲۰۰۰۰ بیت است . و نسخه ای از الهی نامه (۳) و وصف‌الحال که تاکنون چاپ نشده در کتابخانه آقای ذوالریاستین (حاج میرزا عبدالحسین) موجود و درحدود ۹۲۰۰ و ۷۰۰۰ بیت شعر دارند .

درمجمع‌الفصحا ازهریك ازاین خمسه انتخابی گردیده ومؤلف ملاقات خود را باحسینی تذکرداده وگوید قصائد وغزلیاتش مفقود گردیده است .

آغاز : اشترنامه : بسم‌الله الرّحمن الرّحیم قادر غفار و قدیم و قدیم .

تاکه نشان ازدل وازدلبر است نام خدا زینت هردفتر است .

---

(۱) این‌خانواده انتساب بحضرت امام حسن علیه‌السلام دارند ونخلص حسینی بمناسبت نام باطم‌استکه محمد حسین بوده .

(۲) شرح دفاتر ششگانه مثنوی پس ازخمسه حسینی پس از مقدمهٔ آن چاپ گردیده است .

(۳) در آخر الهی نامه گوید : ز تاریخ آخر بدانگاه یکهزار و یکصد و سیم بدار القرار

واین‌مصرع‌اخیر سال۱۲۲۹ را معین میکند درصورتیکه نامه یکهزار را نیز حساب کنیم چراکه اگر آنرا درحساب نیاوریم سال ۱۲۰۱ بدست می‌آید و مطابق که در این سال پدرحسینی از عراق به ایران نیامده‌بوده واشعار الهی نامه درو صف میرزا ابوالقاسم سکوت به رشته نظم‌شده استکه پس‌از آمدن به شیراز و تشرف خدمت وی سرشته منظوم گردیده است .

آغاز الهی نامه : بنام خداوند بالا و پست که مخمور او یند هشیار و مست .
» وامق و عذرا : ای بنامت افتتاح نامها ای بیادت گرمی هنگامها .
» مهر و ماه : خداوندادلی ده سوز در سوز بطور عشق بازی آتش افروز .
» وصف الحال : لله الحمد خالق المتعال بر خلائق رئوف در همه حال .

(۱۱۳۷)

(خمسه حسینی) وامق و عذرا واشتر نامه

این نسخه بخط نسخ بدون تاریخ و نام نگارنده نگارش یافته ، ظاهراً در نیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری نوشته شده ، بسال ۱۲۹۵ بنام دیوان شاه نعمت الله ولی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه و در دفاتر ثبت شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده و مسلماً وامق و عذرا و اشتر نامه حسینی است ولی در حدود ۱۰۰۰ بیت از اول اشتر نامه ص ۱۸۰ - ۲۰۲ خمسه چاپی از سطر ۵) ودر حدود ۱۳۰ بیت از آخر اشتر نامه موافق نسخه چاپی (ص ۲۶۳ سطر ۱۸ تا آخر کتاب) افتاده دارد و پس از آخرین بیت نسخه (صدره اگر طی کنی این مرحله ☆ بازجوئی پی این قافله) مناجات نامه ایکه آغاز آن : الهی برندان دردی کشت ☆ که مستند از بادهٔ بی غشت . و انجام آن : دهد تا تن من زدر ماندگی ☆ بدر خواندگی یازدر راندگی . میباشد موجود و مسلماً نیز از حسینی میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۸۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ $\frac{1}{2}$) سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۵) .

(۱۱۳۸)

(خمسه حسینی) وامق و عذرا واشتر نامه

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ، اشتر نامهٔ آن عیناً نسخهٔ پیشین از اول و آخر ناقص و پس از آن مناجات نامهٔ نام برده موجود و مسلماً نسخهٔ بالارا از روی این نسخه نوشته اند ، برگ نخستین نسخه که شامل هشت (۸) بیت از وامق و عذرا بوده بواسطهٔ داشتن سرلوح برداشته شده ، در اوّل اشتر نامه

سرلوح مختصر زیبائی میباشد ، اطراف صفحهٔ نخستین فعلی و دو صفحهٔ اول اشترنامه نقاشی شده ، تمام برگها مجدول به اکلیل ولاجوردو پشت آخرین برگ این نسخه را بنام وامق وعذرا معرفی وسال ۱۲۸٤ درذیل آن ثبت کردیده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض ($۹\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۳٦) .

[۵۰۲] خمسه خواجو (فارسی)

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن‌علی کرمانی متخلص به **خواجو** (۱) (۶۸۹-۷۵۳) از اکابر شعرا و سخن سنجان زبان فارسی بوده وچنانکه خود در اواخر « گل و نوروز » معین نموده در ۲۰ ذیحجه سال ۶۸۹ (۲) در کرمان متولد شده

(۱) تاریخ گزیده که در حدود سال ۷۳۰ تألیف گردیده و بنا براین مؤلف آن معاصر خواجو بوده درفصل ششم ازباب پنجم (۸۱۸ چاپ عکسی) درزیرعنوان مشاهیر شعرای فارسی گوید : خواجو کرمانی شعر نیك دارد منها: نی‌زدود دل برآتش ما می‌نالد نه تو میندار که از باد هوا مینالد الخ . واز آثاروحالات او چیزی بدست نداده ودرهفت اقلیم (ص۲۲۶ مدرسه) ومجالس‌المؤمنین (ص ۵۱۹ - ۵۲۳) وتاریخ مفصل ایران (قسمت مغول) آقای اقبال ص ۵۴۸ - ۵۴۹ ومقدمه دیوان‌خواجو (صنایع الکمال) ومقدمه روضة الانوار بقلم آقای حسین‌مسرور وشمع انجمن ص۱۳۹ و هفت آسمان ص ۷٦ و تذکره دولتشاه و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۱۵ و ریاض‌العارفین ص ۷۲ و طرائق‌الحقائق ج ۳ ص ۲۹۲ وفهرست کتب خطی مجلس تألیف مرحوم اعتصام ص ۲۳۲و۲۴۷ مقدمه آقای سعید نفیسی برمنتخبات اشعار خواجو (کوهی کرمانی بسال ۱۲۰۷ ش منتشر کرده) وخمسه خواجو مأخذ نگارنده بوده اند .

(۲) خواجو دراواخر گل و نوروز تولد خود را چنین معین نموده :

شب روز الف از مه شده کاف	نگنده آهوی‌شب نافه از ناف
رسیده ماه ذوالحجه بعشرین	بناه آورده گردون خشت زرین
زهجرت ششصد و هشاد و نه سال	شده نجباه روز از ماه شوال
من از کتم عدم برداشم راه	سمن زار وجوده شد جرا گاه

بنابراین تصریح واینکه در ابیات دیگر میان دوبیت اخیر این سال را مطابق ۱۶۱۰ رومی و ۶۵۹ یزد جردی و ۲۱۲ مطابق زیج ملکشاهی دانسته مسلما تولد وی بسال ۶۸۹ و درماه ذیحجه بوده نه در نجم ماه شوال و سال ۶۷۹ که در فهرست زیو ثبت گردیده و مراد از نجباه روز ازماه شوال گذشته باقرینه بیت سابق وطرز تعبیر اینکه ۲۰ ذیحجه خواهد بود نه نجم شوال . و برحسب توجه دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد دانشگاه طهران این‌سنوات مطابق ۱۶۰۲ رومی است و نویسندگان **ذو** را **ذه** نوشته‌اند .

(در کاهنامه طهران سال ۱۳۰۸ تألیف سید جلال‌الدین طهرانی در ص ۶۷ - ۸۰ دربیان مبدء این تواریخ شرحی سودمند نگارش یافته است) .

و در آنشهر بکسب کمال اشتغال ورزیده و مدّاحی تاج‌الدّین عراقی (احمدبن محمدبن علی) وزیر امیر مبازالدین مظفّری را نموده و مثنوی « **گل و نوروز** » را بنام وی ساخته و در بارهٔ وی قصائد و مدائح انشا نموده و این وزیر نسبت بوی عنایت وتوجه زیادداشته و گروهی‌ازنویسندگان رابجمع وتدوین دیوان‌وی وادار کرده ومجموعه ای کـه شامل ۲۵۰۰۰ بیت (۱) گردیده از آثار او مرتب وآنرا **صنایع الکمال** نامیده اند ودرآخردیباچهٔ این دیوان تذکرداده شده که آنچه پس ازاین طبع وقادوی طراوش نماید بنام **بدایع الجمال**(۲) نامیده خواهد شد .

در اواخر عمر خواجو بشیراز آمده ودر دربار شیخ ابواسحق انجو بار یافته وبمدّاحی مشغول وکتابهائیرا بنـام این پادشاه موشح نموده وگویند که درجشن ختان‌علی‌سهل‌بن شاه ابواسحق قصیده‌ای گفته پادشاه طبقی پراززر بوی بخشید از مشاهدهٔ آن نعمت فراوان درهماندم جان تسلیم نمود (۳) .

خواجه حافظ از معاصرین وی بوده و در اشعار متابعت از خواجو مینموده واو را باستادی می‌ستوده و دیوان این دوشاعر درالفاظ ومعانی وافکار بایکدگر بسیار نزدیك است .

---

(۱) در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از این دیوان و سخی ازآن کـه دردست میباشد معرفی خواهد شد واین شمارهٔ در مقدمهٔ نسخهٔمجلس است بدانجا مراجعه گردد .

(۲) بدین نام درآخردیباچه دیوان اوّل خواجو (نسخه مجلس شورای ملی) تصریح گردیده ولی، درکشف‌الظنون نامبرده نشده، بخشی‌ازآن درکلیات خواجو کتابخانه‌ملّی‌ملك موجود و نسخهٔ کامل آنرا تاکنون سراغ‌نیافته‌ام .

(۳) درسال مرگ این شاعر بزرگ میان تذکره نویسان اختلاف است، دولتشاه وصاحب‌طرائق ومجالس‌المؤمنین بسال ۶۴۲ نوشته اند وبطلان این قول را مسلّم بودن تاریخ تألیف وانشاء منظومه های وی تأیید مینماید وهدایت در مجمع‌الفصحا سال ۵۰۳ ودرریاض‌العارفین۸۴۲ نوشته ومرحوم اعتصام وآقای اقبال ومواوی‌آغا احمد علی احمد در کتاب هفت آسمان (در این کتاب نوشته شده که در ریاض‌الشعرا سال ۸۴۲ ودر مرآت‌العالم سال ۷۴۲ وفات خواجو دانسته شده) ودر شمع‌انجمن‌وفهرست ریوس۶۲۰ ج۲ بسال۷۵۳ نوشته اندوما این‌قول را نزدیك بصواب میدانیم ومردن‌وی از شادی صلهٔ زیاد درشمع انجمن مذکور است .

خواجورا نخلبند شعرا(۱) وملك‌الفضلا میگویند وآثار او که اینك دردست میباشد عبارت ازسام نامه (۲) وکلیّات (دونسخه ازآن درکتابخانه‌ملی‌ملك‌موجود یکی از آنها بسال ۷۵۰ در زمان حیواة خواجو نوشته شده ، مندرجات آن در فهرست مجلس نوشته میشود) اوست .

خواجو پس از امیرخسروبتقلید نظامی پنج مثنوی ببحرهای مختلف نظیرخمسه نظامی انشا نموده وهریك را بنامی نامیده ونیزممدوح وی درهریك از کتب پنجگانه یکی از بزرگان بوده وما یکایك آنها را بترتیب سال انشاء دراینجا می‌آوریم :

۱ ـ همای وهمایون، این کتاب را چنانکه خود تصریح نموده در بغداد انشا وتقریباً شامل(۳۲۰۳) بیت میباشد وبسال ۷۳۲ (کنم بذل برهرکه دارد هوس ✲ که تاریخ این نامه بذل است و بس) بانجام رسیده ودرمقدّمه آن ابوسعید بهادر خان وخواجه غیاث‌الدین محمد وزیررامدح گفته ودرخاتمه آن‌ازتاج‌الدین عراقی تشکر نموده که این مؤلفه را در هنگامیکه خدمت پادشاه مشرف میشده بعرض رسانیده ودراین هنگام خواجو درکرمان بوده است .

همای وهمایون بسال ۱۲۸۹ در هندوستان چاپ گردیده وآغازآن اینست :

بنام خداوند بالا و پست ✲ که ازهستیش هست شد هرچه هست .

۲ ـ گل و نوروز، این کتاب را درمعاشقهٔ نوروز پسر پادشاه خراسان باگل دختر پادشاه روم بوزن‌خسروشیرین نظامی‌بسال۷۴۲(بروز جیم و ازمه دال‌رفته✲ زهجرت باو میم و ذال رفته) انشا وبنام تاج‌الدین عراقی موشح کرده ودرحدود (۲۶۱۵) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

---

(۱) در ص ٤٥٥ این فهرست در این موضوع یادداشتی است دیده شود ، خواجو درغزلیکه در وصف حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام سروده و این بیت از آنست : (وصی نفس محمد علی است آنکه بتیغ ـ جواهراز کمرتوأمان فرو ریزد .) ازخود نخلبند تعبیر کرده :

جونخلبند گل مدحت شود خواجو بسا که گل بریاش جنان فرو ریزد .

(۲) نسخه ای از این کتاب که از اول وآخر ناقص میباشد در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود ودرص۲۳۲ فهرست کتب خطی آنجا مرحوم اعتصام شرحی درمعرفی ازآن نوشته اند وگذشته از اینکه سبك آن حاکم براینستکه انشاء خواجو میباشد در زیر عنوان رفتن سام بشکار و دیدن پسرعم خود تخلص خواجو دیده شد وباهمای وهمایون نامه خواجو هرگز اشتباه نخواهد شد ودر اوائل کتاب که میخواهد شروع بمطلب نماید گوید :

نه اکنون که دور سپهری گذشت سه ده سال از عمر من در نوشت .

بنابراین نظم این کتاب بسال ۷۱۹ بوده است .

بنـام نقش بند صفحهٔ خاك عذار افروز مه رویان افلاك

۳ ـ روضة‌الانوار، برابر مخزن‌الاسرار دربیست مقاله مرتّب گردیده وشامل مطالبی عرفانی میباشد، بنام شمس‌الدّین محمدبن صائن‌وزیرشاه شیخ‌ابواسحق بسال۷۴۳ برشته نظم کشیده شده ودرتاریخ وی گوید : جیم زیادت شده برمیم وذال ☆ وآمده چون‌عین‌منعل هلال . بسال۱۳۰۶ خورشیدی‌درطهران چاپ‌شده ودرحدود (۲۲۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

زینت الروضة فی الاول ☆ باسم اله الصمد المفضل .

٤ ـ کمال نامه، نیزمثنوی عرفانی ونظیر هفت پیکر نظامی انشا و بنام شاه شیخ ابواسحق موشح گردیده ودرتاریخ او گوید : شد بتاریخ هفتصد وچل وچار☆ کاراین نقش آذری چونگار . ودرحدود (۱۸۷۹) بیت میباشد وآغازآن‌اینست :

بسم من لا اله الا الله صیغ لفظی وزین معناه

۵ ـ گهرنامه، این کتاب‌اصولاً بوزن مثنوی میباشد ولی در آن غزلهائی را مندرج و بنـام بهاءالدین وزیر (محمود بن عزالدین یوسف) که از نواده های خواجه نظام الملك طوسی بوده موشح ساخته و بیشتر مطالب آن در مدح اجداد بهاءالدین مذکور میباشد و در تاریخ انجام آن گوید :

مه تیر و ز مه یـك نیم رفته زهجرت ذال و واو و میم رفته

(۷۴۶)وشمارهٔ ابیات آنراموافق‌اسم‌نظام‌الملك‌باستثنای‌حرف‌نون‌ولام(۱۰۳۱)دانسته

حسابی از نظام الملك برساز وزآن مجموع لام و نون بینداز

وبرحسب شمارهٔ دقیق نگارنده نسخه ذیل (۱۰۰۹) بیت‌میباشد وآغازآن اینست:

بنام نام دار نام داران گدای درگه او شهریاران

خواجو دریکی ازمسافرتها خدمت شیخ علاءالدوله سمنانی‌متوفی بسال ۷۳۶ رسیده و درتحت تربیت ایشان درآمده واز آنوقت اثر عرفان درآثارش پدیدار گشته و روح دیگری یافته است .

خمسه‌خواجواز کتابهای‌پربهاودارای‌وقع واهمیت‌میباشدودرحدود(۱۰۹۰۶) بیت شعر میباشد و جز همای وهمایون و روضة‌الانوارآن، تاکنون چاپ نگردیده

وترتیب آن برحسب سال انشاء چنانستکه بالای این سطرها آوردیم ولی نسخه‌های خمسه راکه نگارنده دیده ، هریك بطرزی جز این ترتیب منظم گردیده‌اند .

(۱۱۳۹)

خمسه خواجوی کرمانی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب مرشد کاتب شیرازی بسال ۹۵۳ نوشته ، دو صفحهٔ نخستین که شامل چند بیت از روضة‌الانوار میباشد طلا اندازی و نقاشی زیبائی گردیده ، چهار سرلوح ظریف که هریك بطرزی خاص ترسیم گردیده در ابتدای کتابهای دیگرخمسه میباشدوترتیب‌این نسخه اینست : ۱ - روضة‌الانوار . ۲ - گهرنامه . ۳ - کمال نامه . ٤ - همای وهمایون . ۵ - گل و نوروز .

عناوین مطالب بالاجورد وصفحات بجدول بطلاولاجورد میباشد ومهر اسمی که درچند جای نسخه بوده محو گردیده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت اعتضادالسلطنه مبنی براسامی کتابهای خمسه و دخول آن در کتابخانه ایشان ثبت گردیده است .

جلد نیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۲۶) صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۷-$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٤۱۵)

[۵۰۳] خمسه دهلوی (امیرخسرو) (فارسی)

[هشت بهشت]

امیرخسرو دهلوی بنابرتصریح در تاریخ فرشته نام وی ابوالحسن بوده ولی تا حدیکه نگارنده آثارویرا مطالعه نموده ، تصریحی‌بدین نام ازخود وی نیافته ام ، پدر او امیر سیف‌الدین محمود از امیرزاده های هزارهٔ بلخ میباشد ، در فتنه مغول بهند رفته ودرآنجا نیز مقام امارت وریاست یافته وامیرخسرو درقصبه مؤمن‌آباد هندکه به پیتالی شهرت یافته بسال ۶۵۱(۱) متولد شده وتاهفت سال در دامن‌پدر

(۱) درتذکره دولتشاه سمرقندی‌استکه سال عمراومعلوم نیست ولی در تاریخ فرشته‌گوید هفتاد و چهار سال عمر نموده بنا براین بسال ۶۵۱ متولد شده و در تأیید این قول خود امیر خسرو در دیباچه غرةالکمال گوید : بتاریخ سنهٔ خمسه و ثمانین وستمائه که سی و چهار ساله بودم الخ . ونیز درآینهٔ اسکندری که بنص خود وی بسال ۶۹۹ گفته شده گوید :

به پنجاه نزدیکم آمد جهان ❀ هنوزم نشد تو به زین ترجمان .

تربیت گردیده وچنانکه در دیباچه غرة‌الکمال یادآور شده در این‌سن ازاین نعمت محروم شده است .

پس‌ازپدربرادران‌وی تاج‌الدین زاهدوعلاءالدین‌علی‌شاه در تربیت تعلیم وی کوشیده‌واوراتربیت علمی وعملی کردند در دیباچه غرة‌الکمال(ص ۷۰-۸۰ نسخه اکتابخانه) که سوّمین دیوان این شاعر است اطلاعات سودمندی از تاریخ حیواة وزندگانی امیرخسرو و سلاطین معاصر وممدوح وی و استادان ومربیان اودیده میشود وچنانکه درتمام مآخذثبت گردید بسال۷۲۵ درشب‌جمعه ۲۹ ذیقعدةالحرام که ششماه پس از مرگ مراد ومرشد وی نظام‌الدین اولیا باشد بسرای جاودانی شتافته و در جوار نظام الدین اولیا دفن گردید .

این شاعر در تمام آثـار خود خسرو تخلص دارد ، گویند روزی بحضرت نظام اولیا عرضه داشت که خسرو نام بزرگانست خوش ندارم درآنسرا بدین نام نامیده شوم ، نامیکه‌صلاح میدانید براین‌بنده گذارید ایشانهم‌وعده‌دادند که‌درهنگام مناسبی‌نامی‌تقاضا میکنم . پس ازچندی ویرا **محمد کاسه لیس** خطاب‌فرمود وازآثار امیرخسرو برمی‌آید که‌مراداورا **ترک‌الله** نیزخطاب کرده‌وبه‌این‌عنایت‌افتخاردارد.

امیرخسرو باشیخ سعدی معاصر بوده وشیخ‌آذری نوشته که شیخ درپیری‌برای دیدار امیرخسرو بهند رفته وازآثار امیر برمی‌آید که ویرا بسعدی اعتقادی تمام بوده،درقران‌سعدین گوید:نوبت‌سعدی که مبادا کهن☆ شرم‌نداری که‌بگوئی‌سخن . ودرجای‌دیگر گوید: خسروسرمست‌اندرعاشقی‌معنی‌بریخت ☆ شیره‌از خمخانهٔ مستی که درشیراز بود . ونیز ازاوست : جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی .

گویند امیرخسرو نودونه کتاب تألیف نموده و ازوی نقل کرده اند که اشعار او از پانصد هزار کمتر و از چهارصد هزار بیشتر است ، سلطان سعید بایسنقر متوفی بسال ۸۳۸ (ص ۱۳۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب‌السیر) را ارادتی زیاد نسبت باین شاعر بوده وخمسه اورا برنظامی ترجیح میداده ، چنانکه الغ بیك متولد بسال ۷۹۶ و متوفی بسال ۸۵۳ (ص ۱۵۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب‌السیر) را عقیده‌ای کامل‌نسبت به نظامی بوده ومیان این دو برسراین دوعقیده هماره مشاجره بوده وبهمین مناسبت بایسنقر بجمع اشعارامیر پرداخته و یکصدوبیست هزار بیت

جمع کرده پس از آن دوهزار بیت از غزلیات خسرو را درجائی یافتند که در دیوانهای وی نبود ، از آن پس دانستند که جمع آوردن اشعار او متعذر است .

امیرخسرو پنج دیوان برای خود مرتب نموده واز همه آنها هم انتخابی کرده ومجلّدی ساخته ، درهمین فصل زیر عنوان دیوان امیرخسرو از آنها معرفی خواهد شد وآثار دیگر وی عبارتند از : تاریخ دهلی ، خزائن الفتوح (در تاریخ سلطان علاءالدین محمدشاه خلجی (۶۹۵-۷۱۵) از سال جلوس تا سال ۷۱۱ و آنرا «تاریخ علائی» نیز گویند) ، قانون استیفا ، رساله در موسیقی و پنج رساله بنام اعجاز خسروی که بسال ۱۸۷۶ م در دو مجلّد درهند چاپ گردیده وهمه اینها بنثر میباشد و آثار منظوم او عبارتند ازخمسه بتقلید نظامی ، قران سعدین (درهمین فصل آنرا معرفی خواهم نمود) ، نه سپهر (در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۶۸ معرفی شده) ، تغلق نامه (درسه هزار بیت) ، عشقیه یاعشیقه (درچهارهزار بیت ومسلماً غیرازقران سعدین میباشد و در کتابخانه آصفیه موجود است ص۱۴۸۸ ج ۲)، اشك و آه (مثنوی است ودر آصفیه موجود است ص۱۴۸۶ ج۲) ، دول رانی خضرخانی (درفهرست مجلس معرفی میشود) ، لآلی عمان موسوم به جواهر خسروی بزبان اردو میباشد و بسال ۱۳۳۶ چاپ شده (ص ۶۳۶ ج ۳ فهرست آصفیه) وغیرازاینها .

دراینجا بترتیب سال انشا، هریك از کتابهای پنجگانه این خمسه را معرفی مینمائیم :

۱ - مطلع الانوار، این کتاب رانظیر خزن الاسرار دربیست مقاله تنظیم نموده و خود شمارهٔ ابیات آنرا ۳۳۱۰ وانشاء را بسال ۶۹۷ معین نموده و مولوی محمد ابوالحسن که از ادباء اوائل قرن چهاردهم هجری در هندوستان بوده شرح وحاشیه‌ای درتوضیح مطالب کتاب نوشته وبا این حواشی بسال ۱۳۰۲ درهند چاپ گردیده است .

آغاز : بسم‌الله الرحمن الرحیم خطبه قدس است بملك قدیم .

۲ - شیرین و خسرو ، در مقابل خسرو شیرین نظامی است و دومین مثنوی

امیرخسرو میباشد وشمارهٔ ابیات آنرا درآخر کتاب ٤١٢٤ وسال انشاء آنرا ٦٩٨ معین نمود .

آغاز : خداوندا دلم را چشم بگشای ☆ به معراج یقینم راه بنمای .

۳ ـ مجنون ولیلی، این مثنوی‌را درداستان مجنون ولیلی انشاء ونام آنرا چنانکه خود گفته بعکس‌اول(یعنی‌لیلی‌مجنون‌نظامی) گذارده (نامش که‌زغیب‌شدمسلسل☆ مجنون لیلی بعکس اول) وشمارهٔ ابیات آنرا درآخر کتاب ۲٦٦۰ وسال انشاء را ٦٩٨ ثبت نموده و در فهرست ریو تذکر داده شده کـه بسال ١٢٤٤ در کلکته وبسال ١٢٨٦ درلکناهو چاپ شده است .

آغاز : ای داده بدل خزینهٔ راز ☆ عقل از تو شده خزینه پرداز .

٤ ـ آئینه اسکندری، این مثنوی را چون اسکندر نامه نظامی ساخته و شمارهٔ ابیات آنرا خود در آخر تصریح ننموده و برحسب شماره دقیقیکه این نگارنده نموده ٤٢٣٥ بیت میباشد و برحسب تصریح خود مؤلف بسال ٦٩٩ انشاء آن خاتمه یافته است .

آغاز : جهان پادشاها خدائی تراست ☆ ازل تاابد پادشاهی تراست .

۵ ـ هشت بهشت، این کتاب‌را امیر خسرو در اوصاف بهرام‌گور برابرهفت گنبد نظامی ساخته ونیز برحسب تصریح خود وی درآخر کتاب بسال ۷۰۱ انشاء آن بآخررسیده وشمارهٔ ابیات‌آن ۳۳۵۰ میباشد وپس از حمد و ثنای الٰهی ونعت حضرت رسالت پناهی‌صم بمدح نظام اولیا وبعد از آن بمدح علاءالدین محمد شاه پرداخته است .

آغاز : ای گشانیده خزائن جود ☆ نقش پیوندکارگاه وجود .

امیرخسرو دراواخر این کتاب که مثنوی پنجم وی میباشد گوید :

شکر حق راکـه از خزانهٔ غیب ریخت چندان جواهرم از جیب
کـه از آن نقد قیمتی بسه سـال کردم این پنج گنج مـالا مـال .

چنانـکه دیدیم مطلع الانوار‌را‌بسال ٦٩٧ و هشت بهشت را بسال ۷۰۱ بآخر رسانیده وباتصریح باینکه درسه سال این خمسه را ببایان رسانیده جمع میان این

دو قول اینستکه در آخر سال ۶۹۷ شروع و اول سال ۷۰۱ بآخر رسانده و سه سال میان این دو سال را مشغول نظم این پنج کتاب بوده و بنابر محاسبه بالا تمام آن ۱۷۵۷۹ بیت میباشد.

(۱۱۴۰)

هشت بهشت این نسخه را یکی از اساتید خط نستعلیق نوشته ، از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اواخر قرن دهم نگاشته شده، دارای یك سرلوح زیبا وهفت مجلس نقاشی ظریف چینی میباشد، تمام صفحات متن و حاشیه و اوراق حاشیه برنگهای مختلف و زرافشان و برگها مجدول بطلا و غیره و عناوین مطالب برقسمتهائیکه از طلا پوشیده شده با سفیداب نگارش یافته، بسال ۱۲۷۰ بنام « بهرامیّه امیرخسرو دهلوی » داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و پشت برگ نخستین که نیز وقفنامه آن نگارش یافته یادداشت شده ، در اینجا و بر برگیکه پیش از آنست یادداشت هائی بوده محو کرده اند ، چند جای نسخه در اثر آب دهان ضایع و مرکب سطرهای دو صفحه اوّل آن بخودی خود محو شده و آثار کمی از آن مانده و باوجود این از نسخ بسیار نفیس شمرده میشود.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ متن خان بالغ حواشی الوان ترنکی . واقف سبهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴) .

[۵۰۴] خمسه فیضی ـ نلدمن و مرکزادوار (فارسی)

ابوالفیض بن شیخ مبارك ناگوری از شعرای نامدار و دانشمندان والاتبار میباشد، چنانکه خود در اواخر نلدمن گوید(۱) بسال ۹۵۴ متولد شده و پیش پدر چندسالی درس خوانده وبشهادت آثار وی ونگارش تذکره نویسان درعلوم تفسیر ولغت وریاضی و طب وتاریخ ومعما و عروض و قافیه و خط و انشاء وغیره (۲) مهارت

(۱) شد مهدمن این بلند طارم ❁ درنهصد وپنجه چهارم .

(۲) نیز در اواخر نلدمن گوید : از درك ریاضی و طبیعی ❁ شد طبع حدیقه ربیعی ❁ نه طاق رصد نظاره کردم ❁ تقویم و مه ستاره کردم ❁ خط بصره بظل ممدود ❁ نه دائره راست قصر و صعود ❁ در هفت مطب نشست دارم ❁ تشریح ناك بدست دارم ❁ سبابهٔ کلکم از خط زرف ❁ شد نبض شناس معنی حرف .

یافته و بسال ۹۷٤ ملك‌الشعرای اکبرشاه گردیده و گذشته ازاین‌مقام، مرتبه امیری یافته وخوددراواخرنلدمن گوید : (هم باامرا نظیر گشتم ☆ هم برشعرا امیر گشتم). وچنانکه ازخاتمهٔ مرکز ادوار که برادرفیضی ابوالفضل مؤلف تاریخ اکبری نوشته ونگارش بدوانی که نیزباوی معاصرونسبت بوی بی‌عقیده بوده ونیز ازضبط دیگران بدست می‌آید در دهم صفر سال ۱۰۰٤ جهانرا بدرود گفته است .

درهفت آسمان مؤلفه بسال ۱۲۸۵ در کلکته، مؤلف آن ، احمد علی احمد ، گوید صدویك کتاب تألیف کرد . نگارنده تاکنون جز **سواطع‌الالهام** (۱) که تفسیر بی نقطه بر تمام قرآن کریم میباشد و راستی مؤلف قدرت ادبی و اطلاع کامل خود را برلغت و توانائی زیاد برانشاء را بواسطهٔ تألیف آن نشان داده و **موارد‌الکلام** که نیزبزبان عربی وازحروف بی‌نقطه ترکیب یافته و **لیلادقی**(۲) ودیوان شعر(۳) ودوترجمه فارسی از دو متن هندی (٤) واین دوقسمت ازخمسه‌ای که بتقلید نظامی انشاء نموده برنام مؤلفات وی دست نیافته ام .

---

(۱) بسال۱۳۰٦ درهندوستان چاپ گردیده ونسخهٔ آن درمجلس شورای ملی موجود است .

(۲) درص ۸۲۰ ج ۱ فهرست آصفیه درذیل کتب ریاضی فارسی این کتاب نام برده شده وگوید بسال ۱۲۷۱ چاپ شده است .

(۳) از دیباچهٔ دیوان فیضی که خود وی نگاشته ونسخه ای از آن در اوائل مجموعه خطی شمارهٔ ٦۲۱ کتابخانه مجلس موجود وبسال ۱۰۸٦ نگارش یافته بدست می‌آید که این دیوان ازمنتخبی ازاقسام اشعارتشکیل یافته و نه هزاروکسری بیت میباشد و ازقرینه نسخه ایکه درکتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا موجود وشرح آن در ص ٦۷۰ و ٦۷۱ ج ۲ فهرست ریو نگاشته شده و شامل قصائد وماده تاریخها وترکیب بند وغزلهاوقطعات ورباعی‌ها وبلدمن‌ومرکزادوار وغیره میباشد ودرهفت آسمان بنقل ازبدوانی‌اسکه دیوان ومثنوی اوازبیست هزار بیت زیاده است ونیز ازخاتمه مرکز ادوار که بقلم برادر فیضی (ابوالفضل)میباشد نقل نموده که از شعر بیشین پنجاه هزار بیت از صفحه هستی سترده و بسال چهل ودوم الهی (چنانکه درتاریخ اکبری مفصلا نگاشته شده سال جلوس اکبرشاه که نزدیك‌فروردین‌ماه بوده مبدءتاریخی بنام‌الهی قرارداده شده وچهل‌ودومین‌سال الهی مطابق‌سال۱۰۰٦هجری است) این برادر برآن شده که برادرزادگان خویش‌را دریکجا گرد آورد وپنجاه هزار بیت از نثر و نظم وی جمع گردید (در ص ۲۹٤ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای چاپی از دیوان فیضی نشان داده شده ودر ص ۳۰۲ نسخه‌ای بنام کلیات فیضی که بسال ۱۰۳٤ نوشته شده ودرص ۷۳۰ ج۱ آن‌فهرست ، غزلیات فیضی که بسال۱۲۱۷ نوشته‌شده‌ودرص ۷٤۸ ج ۱ نسخه ای بنام« متفرق اشعار فیضی » که نیز بسال ۱۲۱۷ نوشته شده ، نشان داده شده است) .

(٤) درتذکرهٔ علماء هند نیز نام این دو کتاب برده شده است .

ابوالفیض در آغاز شاعری **فیضی** تخلص میکرده ولی در اواخر تخلص خودرا **فیاضی** قرار داده (۱) و در پایان نلدمن خود بدین موضوع تصریح نموده :

زین پیش که سکه ام سخن بود فیضی رقم نگین من بود
اکنون که شدم بعشق مرتاض فیاضیم از محیط فیاض .

ازمطالعه اشعارفیضی ونگارش مورخین وتذکره نویسان معلوم شد که اکبرشاه درسال ۹۹۳ ویرا بنظم خمسه ای بسبك نظامی مأمور فرمود وی از همان هنگام شروع در طرح ریزی هرپنج کتاب نمود و از هریك بخشی انشاکرد و آنها را : مرکزادوار، سلیمان وبلقیس، نلدمن، هفت کشور و اکبرنامه (بدین ترتیب موافق پنج گنج نظامی) نام گذاردولی تاسال ۱۰۰۳ هیچیك از آنها بانجام نرسیددراین سال امر اکید برانجام آن صادر ومقرر گردید که اول نلدمن را که ازداستانهای قدیم هندی وعشق بازی **نل** نام با **دمن** را شامل است بآخررساند وی امتثال امرنمود ودرمدت چهارماه این کتاب زا در ۴۲۰۰ بیت بانجام رسانید وخود درتاریخ انجام آن گوید :

این جاوهزار گوهرناب ✡ کانگیخته‌ام بآتشین آب ✡ بپذیر که آب گوهر تست ✡
از بهر نثار افسر تست ✡ گر بیشتری نثار کردم ✡ نی کسر در او شمار کردم ✡
سی و نهم از جلوس شاهی ✡ تاریخ مجدد الهی ✡ چون سال عرب شمار کردم ✡
الف و سه الف نگار کردم ✡ اکنون که جل و نهصم درین دیر ✡
هفتاد ودو (سه) شعبه کرده‌ام سیر .

درص ۱۴۹۲ ج ۲ فهرست آصفیّه ثبت گردیده که نلدمن چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله ای در تك و پوی تو زآغاز ✡ عنقای نظر بلند پرواز .

---

(۱) تاریخ این تغییرتخلص مسلما معلوم نیست درهفت آسمان ازمرآت العالم وبدوانی نقل نموده که سالها فیضی تخلص میکرد ودر اواخر فیاضی تخلص نمود ولی سازکار نیامد و بعد از یك دوماه رخت حیات از این عالم بربست و این قول گذشته از اینکه گوینده آن بدوانی معاصر وی بوده قرینه دیگردارد که امین احمد رازی درهفت اقلیم که بسال ۱۰۰۲ تألیف گردیده فقط اورا فیضی نامیده است و نیز در هفت آسمان از مرآت العالم نقل شده : در آخر بواسطهٔ موافقت وزن کلمه علّامی که خطاب شیخ ابوالفضل برادرش بود فیاضی تخلص کرد .

درهنگام مراجعهٔ بدیوان فیضی یافیاضی نگارنده بدین دو بیت بر خورد :

شنیدم درخراسان فیضئی بود ✡ که گفتی بلبل این بوستانم ✡ اگراو بود بلبل درخراسان ✡
کنون من طوطی هندوستانم . بدین دلیل علت تغییردادن تخلص را این اشتراك میداند وبنابراین درسال ۱۰۰۳ که نلدمن را بآخر رسانیده این تغییر را هم داده است .

۲ ـ مرکز ادوار چنانکه دانستیم فیضی بدواً بنظم این کتاب شروع کرده ولی حسب‌الامر نلدمن را پیش از آن بآخر رسانیده و ظاهراً این کتاب را تمام نکرده عمرش تمام گشت و برادر وی در تاریخ اکبری تصریح نموده که مأمور بود مرکز ادوار را درسه هزار بیت بانجام رساند ، نسخه ایکه از این کتاب در دست نگارنده است در حدود (۱۴۶۲) بیت دارد و در زیر عنوان : **پیرایه آغاز** گوید :

چون شود این پنج گهر تابناك　　غوطه خورد پنجه قلزم بخاك
آنکه چنین جنبش پرکار داد　　نام ورا **مرکزادوار** داد .

و ربو دو بیت زیرین را که سال تألیف و عمر ناظم را میرساند از این کتاب نقل نموده :

این می بیغش که کشیدم بغور　　دور نخستین بود از پنج دور
شوق کزین نامه پرو بال داشت　　عقل کمال چهلم سال داشت .

آغاز : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ☆ گنج ازل راست طلسم قدیم(۱)

باتفحص وجستجو از سه کتاب دیگر این خمسه آثاری بدست نیاوردم قطعاً در کلیات فیضی که نشان داده شد بخشهائی از آنها را خواهیم یافت .

معاصرین فیضی باوی میانه خوبی نداشته وبدینجهت اورا بی‌دین معرفی کرده و ماده تاریخهای بدی برای مرگ او ساخته اند ولی از مراجعه بتفسیر فیضی و مطالعهٔ این دو مثنوی و قسمتی از دیوان وی و دیباچه آن که در دست نگارنده است جز فضل و دانش و طبع روان نقصی در او نمی یابم و از این آثار اگر

انّ آثارَنا تَدُلُّ عَلَیْنا ☆ فَانْظُروا بَعْدَنا الَی الْآثار

درست باشد اعتقاد وی بمبدء و معاد ظاهر و بی عقیدگی از آن برنمی آید .

(۱) فیضی دیباچه دیوان خود را به سه بیت از مرکز ادوار افتتاح نموده و بس از آن گوید : وصلی‌الله علیه وآله وعترته ومدارج مرقات علمه وجواهرمرادات فطرته این ذره جندیست از ریك بیابان خیال که سراب جهان معنیست چون بادیه بیمایان نشنه لب وآبله بایان . . . . . سبحان‌الله کجا پایه من هندوستانی با اینهمه کجمج زبانی لاف بهلوانی و بهلوی دانی همانا سحرجادو گران هند تواند . . . . و این رطب و یابس که برطبق عرض نهاده ام نه هزارو کسریست نمونه ای از اقسام شعرمن الخ .

علاقمندی فیضی را به سك بعضی ازتذکره نویسان تذکر داده اند (این هم که امروز می‌بینیم ازعلائم و آثارتجدد است وننگی ندارد) وگویند روزی عرفی شاعرشیرازی برفیضی وارد شد دید سگ بچگانی چند دراطراف وی گرد آمده اند ازروی شوخی گفت : **مخدوم زادگان چه نام دارند** . فیضی جواب داد : **عرفی** . عرفی گفت : **مبارك باشد** . واین جواب با بودن مبارك نام پدر فیضی لطفی دارد واین بیانات عرفی موجب تألم فیضی گردید .

(۱۱۴۱)

خمسه فیضی یا نلدمن ومرکزادوار

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً نویسنده هندی و دراوائل قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، یادداشتهائی بسال ۱۱۶۲ و ۱۱۷۱ و ۱۱۷۲ پشت هریك ازبخشهای آن دیده میشود ، پیش ازاین دومثنوی، بخشی ازقطعات وماده تاریخ ها ورباعیات فیضی میباشد که زیر عنوان **دیوان فیضی** معرفی خواهد شد .

جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۲۱۲) این دونسخه (۱۶۳) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱۸ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰) .

[۵۰۵] خمسه نظامی (فارسی)

این کتاب که چون ناظم آن در کمال شهرت میباشد از آثار بزرگ استاد عالیمقام امام و پیشوای مثنوی گویان نظامی گنجوی است (۱) (ابو محمد (۲)

(۱) گویند نظامی گنجوی اصلاً ازقریه تا ازتوابع نفرش ازمحال قم میباشد وابیاتی در این باب دربرخی ازنسخ خطی وجایی نظامی دیده میشود وشهرت وی به گنجه است ، بعضی تصور کرده‌اند که لقب وی نظام‌الدین بوده و بهمین مناسبت نظامی تخلص میگرفته ولی نگارنده دلیلی براین مدعی ازابیات خمسه نیافت وحاجی خلیفه درص ۴۷۵ ج ۲ لقب وی را جمال‌الدین معین نموده ودر این باب منفرد است .

(۲) ابیاتی چند دال براینکه نظامی فرزندی بنام محمد داشته در خمسه موجود ونزدیکترین کس که او را ابو محمد نظامی معرفی نموده قزوینی در آثارالبلاداستکه بسال ۶۷۴ تألیف گردیده و در

(بقیه حاشیه ۲ و ۳ درصفحه ۵۲۵)

ویس(۱) بن یوسف(۲) بن زکی(۳) بن مؤید مطرّزی) که از شعرا و حکمای نیمه دوم قرن ششم هجری بوده و مسلماً پس از سال ۶۰۷ (٤) وفات یافته و در فن مثنوی کس بپایهٔ

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۲٤)

ذیل **جنزه** که معرب گنجه میباشد (در اقلیم پنجم ص۳۰٤ نسخه خطی این کتابخانه) فقط ویرا بدین نام نامیده وستوده است .

(۱) نظامی خود درلیلی مجنون درآخر مدح وستایش شروانشاه (ص ۳۵ چاپ آقای وحید) گوید :

یا رب تو مرا که **ویس** نامم — در عشق محمدی تمامم
زان شه که محمدی جمالست — روزیم کن آنچه درخیالست

و در چند نسخه **کاویس نامم** نوشته شده ولی در نسخ کهنه که **ویس** نوشته شده وجای تعجب استکه دانشمند محترم آقای وحید هم کاویس ضبط کرده اند ودرحاشیه نوشته اند « یعنی من که درعشق محمد اویس وار مشهور شده ام » اگر بادقت نظر کنیم خواهیم دید که بیان ایشان اجتهاد مقابل نص است ونظامی صریحاً گفته نامم ویس است اگر میخواست بگوید مانند اویس عشق دارم کسیکه اینگونه مطالب دقیق و رقیق را برشته نظم کشیده توانا بود این معنی را هم بدان گونه بیان کند که معنی دیگر ازآن استفاده نشود .

نظامی در تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی نظام‌الدین ابومحمد بن یوسف (در ص ۱۲۸ چاپ اروپا « ابی یوسف » میباشد ولی در نسخه خطی کتابخانه یوسف است) بن مؤید . ودکتر اسپرنگر نظام‌الدین احمد بن یوسف . ودر کشف‌الظنون جمال‌الدین یوسف بن م ؤید . و هدایت ابو محمد احمد الیاس بن ابی‌یوسف بن مؤید . وآقای تربیت ابومحمد نظام‌الدین الیاس بن‌یوسف بن مؤید معرّفی کردیده و در اشعار نظامی اشاره‌ای بنام **الیاس** نیز شده است .

(۲) نظامی خود در لیلی مجنون (ص ٤۸ چاپ وحید) گوید :

گر شد پدرم به نسبت (سنّت) جد — یوسف پسر زکی مؤید

بنا بر این پدر وی یوسف وپدر پدر او زکی نام داشته واز این بیت استفاده میشود که **یوسف** بنام جد خود یعنی **مؤید** معروف بوده ، چنانکه ابن‌سینا ، شیخ‌الرئیس بنام جدّش **سینا** به ابو علی **ابن‌سینا** مشهور گردیده و نظائر بسیار دارد ، پس باید کلمه را نسبت خواند و سنّت نسخه بدل معنی ندارد .

(۳) از تاریخ انشاء ونظم چند کتاب از خمسه که مسلماً آن نواریخ از خود نظامی میباشد وقرائن حاکم استکه الحاقی نیست وما آنها را نقل میکنیم و دانستن زمان ممدوحین وی در این کتاب زمان و عصر او بخوبی واضح و هویداست .

(٤) قزوینی در آثار البلاد وفات نظامی را در حدود ۵۹۰ نوشته و دولتشاه سمرقندی درتذکره خود بسال ۵۷۶ و هدایت نیز مرگ نظامی را در همین تاریخ نوشته و مؤلف هفت آسمان از تقی الدین کاشی سال۶۰۶ وازمخبرالواصلین سال۶۰۲ را وفات نظامی نقل‌نموده‌وحاجی خلیفه در ص ۵۲٤ ج ۱ بسال ۵۷۶ ودر ص ٤۶۲ و ٤۷۵ ج ۱ بسال۵۹۶ ودر ص ۲۰۳ ج ۱ ظنون بسال ۵۹۹ نوشته وآقای تربیت‌در دانشمندان‌آذربایجان (ص ۳۸۱-۳۸۵) بنقل از نتائج‌الافکار و صبح صادق وفات نظامی را بسال ۶۰۲ نوشته اند

بطلان وفات نظامی پیش از سال ۵۷۹ را تاریخ انشاء مثنویات وی که در برخی مسلماً

(بقیه حاشیه درصفحه ۵۲۶)

وی نرسیده واورا درتشبیه واستعاره وتمثیل وخلق الفاظ ومعانی دست بزرگی است.

(بقیه حاشیه ازصفحه ۵۲۵)

خود نظامی بدانها تصریح نموده وبعضی‌هم ازتاریخ وزمان ممدوحین وی بدست می‌آید ، بخوبی واضح و محتاج باقامه دلیل و برهان نیست و نیز بطلان تعیین سال ۶۰۲ و ۶۰۶ را هم انشاء اقبال نامهٔ وی که بنام عزالدین مسعود پادشاه موصل انشاء گردیده ثابت میکند [دراقبال‌نامه است :

سر سر فرازان و گردنکشان ملک عزدین قاهر شه نشان
طرف دار موصل بفرزانگی قدر خان شاهان بفرزانگی

ودر آخر کتاب گوید :

چو نام شهش نام مسعود باد وزین داستان شاه محمود باد)

و بنا برضبط درشذرات الذهب (ج۵ص ۶۲) عزالدین ابوالفتح مسعودبن سلطان نورالدین ارسلان شاه بن مسعود صاحب موصل بسال ۵۹۰ متولد شد وپس از پدر در ۱۷ سالگی بسلطنت رسید و گویند در ربیع الاول سال ۶۱۵ وفات یافت وچون پادشاهی عادل وخوش قیافه وسخی بود ملک وی برعیت گران آمد .

ودر این کتاب اشاره به کشته شدن نورالدین ارسلان نموده (در ابتداء اقبال نامه است :

چو شاه ارسلان رفت ودر خون بخفت سخن چون توان اندرین حال گفت
بطغرای دولت چو طغرل تکین ابوالفتح مسعود بن نور دین)

و میدانیم این پادشاه بسال ۶۰۷ کشته شده ، بنابراین انشاء اقبال نامه میان سال ۶۰۷ و ۶۱۵ بوده و شاید در میان همین دو سال نظامی نیز وفات یافته باشد .

در اواخر اقبال نامه است :

بشصت آمد اندازهٔ عمر من بگشت از خود اندازهٔ حال من

بنابراین ناظم ۶۰ ساله بوده که این کتاب را بآخر رسانیده ودر تمام نسخ خطی و چاپی چند صفحه پیش از این بیت در زیر عنوان انجامش نام نظامی این چند بیت میباشد :

نظامی چو این داستان شد تمام بعزم شدن تیز برداشت گام
نه بس روزگاری برین بر گذشت که تاریخ عمرم ورق در نوشت
فزون شش مه آمد شصت وسه سال که بر عزم ره بر دهل زد دوال

و چون بیت بالا که در آخر نسخه است صریح در شصت سالگی شاعر میباشد وطرز انشاءچند بیت پیش حاکی است که از دیگری میباشدو خواسته وفات شاعر را در نیمه سال شصت وچهارمین معین نماید نگارنده تصور میکند که این چند بیت ازدیگری است واز خود نظامی نیست وصاحب هفت آسمان عمر نظامی را از دکتر اسپرنگر شصت و سه سال و شش ماه واز مفتاح‌التواریخ ۸۴ سال نقل کرده است .

از اینکه در اوائل شرفنامه (ص ۳۶ چاپ وحید) که برحسب ضبط در بعضی از نسخ خطی و چاپی بسال ۵۹۷ انشاء گردیده گوید :

چو تاریخ پنجه برآمد بسال دگر گونه شد بر شتابنده حال

ودر اقبال نامه خودرا شصت ساله معرفی نموده ، معلوم میشودکه انشاء این کتاب اخیر بسال ۶۰۷ بوده و اگر وفات اورا درشصت وسه‌سال وششماهه‌ای بدانیم وفات او بسال ۶۱۱ خواهدبود وتولد او بسال ۵۴۷ بوده است .

معرّفی ازچنین دانشمندی درخورهر کس نیست، بهتر آنست دراینجا شرحیکه عوفی معاصر وی چند سالی پس ازاین حکیم سخنور درلباب‌الالباب (ص۳۹۶ج۲ چاپ اروپا) نوشته عیناً نقل نمائیم :

« نظامی گنجهٔ که گنج فضائل رابدست بیان برپاشید وخزانهٔ لطائف را برفرق جهانیان نثار کرد ابکار لطائفی که وراء استار **مخزن اسرار** و متواری‌اند اگر رخ‌بنمایند دلهاء عشاق بربایندوتنگ‌چشمان‌معانی که‌درتر کستان نظم **مجنون ولیلی** اند اگربپرده ازرخ براندازندعقول عقلاء روزگار را شکار کنند چون درشیرین سخنی برسریر فضل خسرو بود **قصهٔ خسرو و شیرین** چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد و چون ممالك بلاغت بود قصهٔ **سکندر** چون آئینه در چشم سامعان نمود خطبه وسکه فضائلش (کذا والظاهر **فضائل**) بنام او ختم شد وجز این مثنویات ازوی شعر کم روایت کرده اند (۱) در نیسابور از بزرگی‌شنیدم که از وی نقل کرد الخ . (پس ازین ۱۵ بیت شعر از نظامی نقل نموده واز سال تولدومرگ وی نامی نبرده و چنانکه دیده میشود گویا از کتاب هفت پیکر وی بی خبر بوده که در شرح بالا اشاره‌ای بدان نکرده در صورتیکه بچهار مثنوی دیگر او اشاره ای کرده است).

چنانکه زیر این سطرها نگارش خواهد یافت هریك از این کتابهای پنجگانه راکه‌سالها(۲) پس‌ازمرگ نظامی‌ازیکدگردور وجدا بودواینك برادروارپهلوی یکدگرقرارگرفته وبنام « خمسه » نامیده شده، بنام‌پادشاهی موشح نموده وهمه‌آنها موافق شمارهٔ زیرین که زیر هریك ازکتابهای پنجگانه نگاشته میشود درحدود (۲۶۰۰۰) بیت شعر میباشد ولی تذکره نویسان شماره ابیات آنرا (۲۵۰۰۰) معین کرده اند .

۱ ـ مخزن‌الاسرار، این کتاب بنام بهرامشاه بن داود رومی ، موشح گردیده و در حدود (۲۲۰۲) بیت میباشد و در بیست مقاله مرتب شده و شامل نصائح وحکم و امثال و مواعظ میباشد، تاریخ نظم آنرا درآخر نسخه چاپ‌سال ۱۹۰۸م.

(۱) از این بیان عوفی معلوم میشود که در آنوقت اشعار دیوان نظامی زیاد شیوع و انتشار نداشته ولی‌درآخر این قرن قزوینی‌درآثارالبلاد(مؤلفه بسال ۶۷۴)وجود دیوانی ازنظامی وخوبی اورا تصریح نموده و دولتشاه سمرقندی شماره ابیات دیوان اورا بیست هزار ثبت نموده و جامی در بهارستان گوید که جزخمسه شعر از نظامی کم نقل کرده اند ، در هفت اقلیم از دیوان‌وی ۷۹ بیت نقل کردیده و آقای وحید اینك مشغول چاپ‌دیوان غزلیات وقصائدواسعار دیگر نظامی‌اند .

(۲) ازمطالب مندرجه درآثارالبلاد قزوینی معلوم میشود که تاهنگام تألیف آن کتاب (سال ۶۷۴) این پنج گنج نظامی دریك مجلد نبوده است .

هند ۵۸۲ وچاپ آقای وحید ۵۷۲ و آقای تربیت بسال ۵۵۹ معین نموده اند ولی درنسخ کهنه خطی تاریخ وجود ندارد وظاهراً این تاریخها الحاقی واز خود نظامی نیست .

برمخزن الاسرار شروحی نوشته شده : ۱ شرح محمدبن قوام بن رستم بلخی (در کتابخانه مجلس موجود و درفهرست آنجا معرفی کامل میشود) .

۲ ـ شرح ابراهیم تتوی . ۳ ـ شرح امان‌الله (این دو شرح را مؤلف هفت آسمان در کتابخانه دهلی نشان داده و در کتابخانه آصفیه دکن ازشرح تتوی نسخه ای که بسال ۱۰۶۸ نوشته شده نیز موجود است ، ص ۱۴۸۲ ج ۲ فهرست آصفیه). ۴ ـ شرح محمدرضا که درحاشیه نسخه چاپ سال ۱۹۰۸ م درهند چاپ شده و ۵ ـ شرحیکه بدون نام مؤلف درمقدمه شرح بلخی اشاره شده است .

آغاز : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم هست کلید درگنج حکیم .

۲ ـ خسروشیرین، این کتاب‌را که از شاهکارهای نظامی باید شمرد و در آن دادقدرت و ادبیّت داده شده بنام طغرل بن ارسلان شاه سلجوقی که از سال ۵۷۱ (۱) تا ۵۹۰ سلطنت داشته موشح گردیده وپس از مدح وی به مدح اتابك محمد جهان پهلوان پرداخته و کنیه او را ابوجعفر معین نموده ودرتواریخ ثبت است که درزمان طغرل‌رشته کارها دردست‌وی بوده وچون بسال ۵۷۱ وفات‌یافت برادر وی قزل ارسلان جای اورا گرفت و او نیز بسال ۵۸۷ در رختخواب کشته شد وشروع بنظم این کتاب‌راسال‌جلوس طغرل(ص ۱۵ چاپ‌وحیددیده شود)وانجام آنرابسال ۵۷۶ معین‌نموده وبرحسب‌شماره دقیق درحدود(۴۹۱۴)بیت شعرمیباشدو خواهردانشمندنگارنده(رضیه‌ـحدائق)این کتابرابنام « افسانه‌شیرین » نثر کرده‌اند.

۳ ـ لیلی مجنون، این‌داستان ازحکایت های عاشقی اعراب میباشد و درایران پس‌ازنفوذ آنها انتشار یافته‌ونظامی چنانکه‌درابتداء این کتاب تصریح نموده، انشاء ونظم آن برحسب‌امر کتبی‌شروانشاه اخستان بن‌منوچهر(جلال‌الدین ابوالمظفر)(۲)

(۱) درروضة‌الصفا (ج ۴)مرگ ارسلان‌بن طغرل بسال ۵۷۱ ثبت گردیده و درشذرات‌الذهب (ج ۴ ص ۲۴۴) بسال ۵۷۳ ضبط شده است .

(۲) در ص ۲۳۲ ج۲سخن وسخنوران وفات وی میان سال ۵۹۰ و۵۹۷ معین گردیده است .

بوده ونیزخود وی شمارهٔ ابیات آنرا بیش از چهارهزار وسال نظم را بسال۵۸٤(۱) معین نموده وبرحسب شمارهٔ دقیق نگارنده درحدود (٤٤٥۰) بیت است .

آغاز: ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

٤ ـ هفت پیکر این کتاب در شرح حالات رزمی و بزمی بهرام گور میباشد وبنام علاءالدین گرپ ارسلان(۲) پادشاه مراغه موشح گردیده وچنانکه درآن کتاب تصریح شده بسال ۵۹۳ بانجام رسیده

(از پس پانصد و نود سه فزان گفتم این نامه را چو نامور ان)

و شمارهٔ ابیات آن باحاسبهٔ دقیق در حدود (٤۵۷۷) شعر میباشد .

آغاز: ای جهان دیده بود خویش ازتو هیچ بودی نبوده پیش از تو

۵ ـ اسکندرنامه این کتاب در داستان اسکندر و دوجزء میباشد ، بخش اول را چنانکه دراوائل کتابست شرفنامه نامیده (ازآن خسروی می که درجام اوست شرف نامه خسروان نام اوست . ونیزگوید : شرف نامه را فرخ آوازه کرد حدیث کهن رابدوتازه کرد) وآنرابه اتابك نصرةالدین ابوبکر پسر محمدجهان پهلوان تقدیم داشته ودرج ٤ روضةالصفا درآخرسلاجقه روم این اتابك را معرفی نموده وگوید پس ازعموی خویش قزل ارسلان (درص ۲۸۹ ج ٤ شذرات نوشته شده

---

(۱) این چار هزار بیت و اکثر شد کفته بچار ماه و کمتر
آراسته شد به بهترین حال در سلخ رجب به ن و ف دال
تاریخ عیان که داشت باخود هشتاد و چهار بعد بانصد

(۲) از این بیت

رسمی کز فلك سواری رخش هم بزرگ است وهم بزرگی بخش

که در ذیل دعای پادشاه و زیر نام گرب ارسلان در ابتداء کتاب میباشد (ص ۲۲ چاپ وحید) و این بیت :

نامه برمرغ نامه بر بستم تا رساند بشاه من رستم

که در اواخر کتابست (ص ۳٦٦ چاپ وحید) معلوم میشود که نام گرب ارسلان رستم بوده ، تا کنون بتاریخ حیوة وی دست نیافته‌ام فقط در دانشمندان آذربایجان نوشته که هفت پیکر را به علاءالدین گرپ ارسلان فرمانفرمای مراغه تقدیم داشته و آقای وحید در ص ج مقدمه هفت پیکر نوشته‌اند که نامه هفت پیکر را حکیم نظامی بنام سلطان علاءالدین گرپ ارسلان افشتری منظوم داشته وافشتر غلام سلطان ملکشاه سلجوقی بوده و نه تن از فرزندانش در حدود موصل و شامات حکمرانی کرده اند .

که بسال ۵۸۷ در رختخواب خود کشته شد) بیست سال بحکومت اران و آذربایجان قیام نمود و درسنهٔ ۶۰۷ درگذشت انتهی .

آغاز شرفنامه : خدایا جهان پادشاهی تراست زما خدمت آید خدائی تراست .

در آخر بعضی از نسخ خطی و نسخ چاپی (جز چاپ هند) این دو بیت :

(بتاریخ پانصد نود هفت سال که خواننده را زو نگیرد ملال
نوشتم من این نامه را در جهان که تا دور آخر بود جاودان)

که سال نظم را معیّن میکند موجود و در اواخر شرفنامه ناتمام بودن آنرا نیز تذکر داده (چو از نیمه نامه پرداختم سریری ببالین او ساختم) .

و بخش دوّم به اقبال نامه و خردنامه مشهور گردیده ، تسمیه آن بخردنامه ظاهراً اینستکه بیت اول از خرد صحبت داشته ولی اقبال نامه بودن آن ناشی از بیانی استکه در آخر این کتاب در ذیل مدح عزالدین ابوالفتح مسعود بن نورالدین ارسلان شاه (بنوبت گه شه دو هندوی بام یکی مقبل و دیگر اقبال نام فرستاده ام هردو را نزد شاه که یاقوت را درج دارد نگاه) ولی چنانکه دانستیم بخش اوّل را خود شرفنامه نام گذارده و مکرّر از آن بدین نام تعبیر نموده از جمله در همین بخش دوم گوید : شرف نامه را تازه کردم نورد سپید آب را ساختم لاجورد

و چنانکه پیش از این در حاشیه گفته شد تاریخ انشاء این بخش دوم میان سال ۶۰۷ (۱) و ۶۱۵ بوده و برحسب شمارهٔ دقیق در حدود (۳۴۸۸) بیت است .

آغاز اقبال نامه : خرد هر کجا گنجی آرد پدید زنام خدا سازد آنرا کلید .

---

(۱) ازاینکه دانستیم شرفنامه را بسال ۵۹۷ انشاء نموده و در آنجا پنجاه سالگی خود را تذکر داده و در اواخر اقبال نامه شصت سالگی خود را اعلام نموده معلوم میشود که انشاء این کتاب بسال ۶۰۷ که سال اول سلطنت ابوالفتح عزالدین مسعود بن نور الدین ارسلان بوده بانجام رسیده و بودن این دو بیت : چو شاه ارسلان رفت و در خون بخفت سخن چون توان اندرین حال گفت مگر دولت شه کند یارئی درآرد بمن تازه گفتارئی . نیز مؤیداستکه درهمان سال ۶۰۷ شروع بنظم شده که مردن پدر پادشاه را مانع از بکار انداختن قریحه وطبع خویش معرفی نموده و پیداستکه میخواسته بدین وسیله خودرا به این پادشاه معرفی نماید و ازعمادخوئی که گاهی ازاو به نام نظام الملك ثانی معرفی میکند و پیداستکه وزیر عزالدین بوده مدح کرده و از آنهاست :

(عماد خوی آن خواجه ارجمند که شد قدر قائل بدو سر بلند) .

سخن بدینجا که رسید بران شدم که چند کلمهٔ دیگر در اطراف این دانشمند بزرگوار بیان نمایم :

از جمله غلطها یکی نسبت کتاب **ویس ورامین** به نظامی گنجوی میباشد و این قول را پیش از دولتشاه سمرقندی از کسی سراغ ندارم و این شخص هم در ذیل نظامی عروضی آنرا بتردید نسبت‌بوی یاگنجوی داده و درذیل گنجوی جزما گوید این کتاب تألیف اوست و مدرکی برای گفتار خویش و این نسبت اظهار ننموده بلکه آنچه را هم مؤید این نسبت ذکر نموده اشکال دارد و در سخن و سخنوران راجع به رد این نسبت شرحی نگارش یافته ، معاصر دولتشاه جامی در بهارستان فخرالدّین گرکانی را نام برده و کتاب ویس ورامین تألیف ویرا ستوده و گوید در این روزگار مهجور و نایاب است و چند بیت از آنرا هم در آنجا نقل کرده .

قزوینی در آثار البلاد که در اواخر قرنیکه در اوائل آن نظامی وفات یافته تألیف گردیده درذیل جرجان فخر الدّین را نام برده و این کتاب را بوی نسبت داده و گوید: نظامی گنجوی خسرو شیرین‌خودرا بتقلید وی انشاء کرده.

حمدالله‌مستوفی‌در تاریخ گزیده‌نیزفخرالدّین‌جرجانی‌واین کتاب‌اورانام‌برده‌است‌و گذشته از آنچه گفته شد طرز فکر و روحیهٔ این دو کتاب با یکدگر مخالف باین‌معنی که ویس‌ورامین داستان عشقی‌است که‌در آن‌چندان‌عفّت راملحوظ‌نداشته ولی نظامی داستان خسروشیرین را باکمال عفت و پاکدامنی آغاز وبانجام میرساند .

نظامی چنانکه همه تذکره نویسان اشاره کرده اند درسیر وسلوك بوده وصاحب مجمع الفصحا نوشته که مرید اخی فرج زنجانی است .

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (فصل شعرای فارسی زبان) گوید : نظامی عروضی معاصر نظامی گنجه‌ای بوده و پیش از معرفی از عروضی گنجه‌ای‌را معرفی کرده و کتابی بنام حدیقه نیز بدو نسبت داده و طاهرا بلکه مسلماً این نسبت غلط محض است و پس از عروضی عنوان نظامی دیگریراهم نوشته ولی در نسخهٔ کهن سالیکه در این کتابخانه میباشد و بنظر این نگارنده پس از وفات مؤلف از

روی‌نسخهٔ خود وی که‌هنوزناتمام‌بوده نگاشته شده‌و بسیاری ازمواردرا که تحقیق میخواسته‌نوشته گذارده‌و درحاشیهٔ آن مقابله وتصحیح‌شدن آن تصریح گردیده بجای آن‌کلمات نوشته‌نشده نقطه گذاری‌شده‌از آنجمله‌یکی‌جای‌نام‌نظامی گنجه‌ایست و دیگری نام و نشان از نظامی سوم میباشد.

حمدالله مستوفی تصور نموده که مراد از نظامی عروضی‌از آن‌شعر که‌درمجلس بزم ملك الجبال (قطب الدّین محمد) انشاء نموده (درجهان سه نظامئیم ای شاه) یکی نظامی گنجوی است وبهمین دلیل ویرا معاصر عروضی دانسته ودیگری راهم تاهنگام تألیف تاریخ گزیده بدست نیاورده درصورتیکه این‌اندیشه نا درست میباشد چرا که عروضی خود تصریح نموده (ص ۵۲ چاپ اروپا) که این سه نظامی یکی نیشابوری است که اورا نظامی اثیری گویند و دیگری سمرقندی است که اورا نظامی منیری گویند و درشعرخود هم تصریح نموده که این دو در مرو پیش پادشاه اند وکسی نظامی گنجهٔ را در مرو نیافته و درآن روزگار اگر نظامی گنجوی هم بحدّ شاعری رسیده بوده ابداً شهرتی نداشته و نظامی عروضی اورا نمیشناخته والا میگفت چهار نظامی در این عصریم(۱).

پنج گنج یاخمسه نظامی مکرر درایران وهندوستان واسلامبول واروپا تمام یا بعضی ازآنها چاپ گردیده‌و انتخاباتی از آن گردیده است.

(۱۱۴۲)

خمسه نظامی این نسخه راکه از نسخ نفیسه وگرانبهای بی مانند میباشد، بسال۹۵۶ مرشد(۲) کاتب‌شیرازی‌بخط نستعلیق خوب نوشته،

(۱) مأخذ نگارش این شرح‌راجع‌به‌نظامی گذشته ازمندرجات خمسه، کتابهای زیرین است: جهار مقاله نظامی عروضی ص ۵۲ متن و ۱۹۲ حاشیه (چاپ اروپا)، لباب‌الالباب عوفی ص ۳۹۶-۳۹۷ ج ۲، آثارالبلاد قزوینی ص ۳۰۵ (نسخه خطی این کتابخانه)، تاریخ گزیده فصل شعرای فارسی‌زبان، تذکره دولتشاه‌سمرقندی ص۱۲۸-۱۳۱(چاپ‌اروپا)، بهارستان امی (آخر روضه هفتم) نفحات‌الانس، آتشکده‌آذر ص۲۴۲-۲۴۴، هفت آسمان ص۵۳-۶۳، مجمع‌الفصحا ج ۱ ص۶۳۷-۶۵۴، طرائق‌الحقائق ج ۲ ص ۲۷۹، قاموس‌الاعلام ترکی ص ۴۵۸۹ ج ۶ سخن وسخنوران ج ۱ ص ۸ و ۹

(۲) بی‌انصافی نام نویسنده را که مرشد بوده محو کرده ولی از اثر آن‌این‌نام بدست‌می‌آید وپس

(بقیه حاشیه درصفحه ۵۳۳)

خاور شناسانیکه باین کتابخانه آمده و آنرا دیده‌اند هریك بهای زیادی برای آن معیّن نموده که اظهار آن سودی ندارد، دارای سی مجلس بسیار ظریف نقّاشی و صورت سازی میباشد، اگر نویسندهٔ توانائی که از صنعت نقاشی هم بهره ور باشد بخواهد در اطراف خصوصیات مزایای هریك از مجالس آن مختصری بنویسد، بایستی مطولی انشاء نماید، اگر ایرانی هیچگونه دلیل و برهانی بر لیاقت و شایستگی زیاد خود نداشت جز سلیقه و صنایعیکه در این نسخه بکار برده از مینا کاریها و جدول کشی ها و طلا اندازیها و نقاشی ها و ترنجها و رنگ آمیزی های مجالس و طرز نقاشی هریك از آنها که بخودی خود با نگاه کننده صحبت مینمایند، نیازمند بگواه دیگر نبود، نگارنده معترف است که در معرّفی از چنین نسخه‌ایکه چشم بیننده را خیره وعقول متفکرین را حیران مینماید، ناتوان، چرا که بنابر اصطلاح دانشمندان حسن وزیبائی را آدمی، می یابد ولی نمیتواند آنرا بزبان در آورد (**یدرك ولایوصف**) وبقول یکی از یاران : چه گویمت تو که نادیده ای بیاو ببین .

گذشته از مجلس نقاشی که هریك بطول وعرض صفحهٔ کتاب میباشد پیش از شروع بکتاب دو صفحهٔ میناکاری ظریف میباشد که در وسط آنها مرغهای ماهی خوار چندی بشکلهای گوناگون رسم شده ودر میان این مرغها در هر صفحه ترنجی است که در میان آن که ازلاجورد پوشیده شده این رباعی :

گنجینه گشای گنجه، آن مؤید راد کآمد ز ازل سخن ورا نرا استاد

بقیه حاشیه ازصفحه ۵۳۲

از کمهٔ الشیرازی شهرت خود را تذکر داده بوده همان بی وجدان نیز محو کرده است ، نسخه ای ازخمسه خواجو که بسال ۹۵۳ همین نویسنده نوشته در این کتابخانه موجود وزیرشمارهٔ (۱۱۳۹) در ص ۵۱۶ معرفی گردیده ، در ص ۶۱ تحفه سامی در صفحهٔ چهارم (چاپ آقای وحید) زیر نام **خواجه مرشد** گوید : پسر خواجه مبرك شیرازیست که سالها صاحب توجیه دنتر اعلی بود ، علم سیاق را با صورت خط نستعلیق جمع کرده ، لوند ولاابالی واقع شده طبعش در شعر خوبست این مطلع ازوست : بهلوی سك بو جاست مارا جائی به ازین کجاست مارا .

بقرینه اینکه مرشد شیرازی نسخه خمسه خواجه را نوشته وخط آن نسخه بااین نسخه شباهت کامل دارد (اگرچه این نسخه را بهتر نوشته) ومطابقت زمان خواجه مرشد بازمان نگارش این نسخه بایستی نویسنده همو باشد ودرآخر این نسخه است :

دربن کتابت من گر نظر کنی روزی بگو که کاتب این خط غریق غفران باد .

دریای معانی از گهر کرد تهی روزی که بنای پنج گنجینه نهاد.

وبرترنج دیگر نیز این رباعی :

خمسه که به خزنش بود زیب تمام از خسرو شیرینش فزودست نظام

لیلی مجنون و هفت پیکر ز عقب تاریخ سکندرش دهد ختم کلام.

بخط ثلث نگارش یافته وتمام دوصفحهٔ اول نسخه که هریك شش بیت از خزن‌الاسرار را شامل میباشد ، با کمال ظرافت نقاشی و مینا کاری گردیده ، میان سطر های دوصفحهٔ بعد از این دوصفحه وهرصفحه ایکه مقابل یکی از مجالس نقاشی میباشد و دوصفحهٔ اول هریك از کتابهای خسرو شیرین تااقبال نامه که نیز دارای سرلوح های (پنج سرلوح) زیبائی است ، طلا اندازی ونقاشی شده ودوصفحه آخرنسخه بطرز جالب توجه ونظر مینا کاری وطلا اندازی و نقاشی گردیده وگذشته ازاینها دو صفحه آخرخسرو شیرین ویك ورق ازمیان لیلی و مجنون ودوصفحهٔ آخر آن ودوصفحهٔ آخر هفت پیکر مینا کاریهای ظریف دارد .

تمام صفحات باکمال استادی و مهارت متن وحاشیه گردیده ومجدول بطلا و لاجورد و شنجرف وغیره میباشد ، عناوین مطالب کتابهای پنجگانه برسرسوره هائیکه ازطلا پوشیده شده باسفیدآب نگارش یافته واطراف آن نگارش هم برگ وگل نقاشی شده است .

برحسب یادداشتیکه پشت نخستین برگ نسخه گردیده بسال ۱۲۸٤ مرحوم اعتضاد السلطنه مالك این نسخه بوده و دیگری بسال ۱۲۹۲ نوشته : در این کتاب سی‌ویك صفحه مجلس سازی شده . ولی باشمارهٔ دقیق مکرر اینجانب سی مجلس بیشتر ندارد و در دفاتر کهنه کتابخانه هم سی مجلس قید گردیده است . دویادداشت دیگر دراین صفحه بوده آنها را محو کرده اند ، بوسائل دقیق شاید بتوان از آثار آن بدست آورد که موضوع نگارش چه بوده است وقف نامه نسخه درحاشیهٔ صفحه سوم خزن‌الاسرار نوشته شده است .

جلد سوخته دورو بسیار اعلی . کاغذ متن حان بالغ **حاشیه** بحارائی . واقف سپهسالار قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٤١٢) . صفحه ای (١٩) سطر . طول (۱/۲ ۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠٠) .

(۱۱۴۳)

خمسه نظامی این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب . . . . . (۱) شیرازی بسال احد . . . . . (۲) تسعمائه نوشته ، پیش ازشروع بنگارش کتاب دو مجلس نقاشی که هر یك تمام صفحه را شامل میباشد ، موجود و اندکی ریختگی دارد ، سی‌وپنج مجلس نقاشی چینی ظریف دارد که هر یك نصف صفحه را فرا گرفته وبخوبی ظاهر و هویداست که در اوائل عصر صفوی کشیده شده و برخی از آنها کمال نفاست را دارد ، برچند مجلس نقاشی آن جمله : **السلطان العادل** . نوشته‌شده و یکی از آنها راکه درخسروشیرین است اندکی دست زده شده وقسمتی ازآنرا محو کرده اند ، اطراف دو صفحهٔ نخستین کتاب که هریك هفت بیت در آن نوشته شده ، با کمال لطافت و ظرافت نقاشی شده ، دارای پنج سر لوح زیباست که بسیار بایکدیگر شبیه اند و نام کتاب های پنجگانه با سفیداب برآن نگاشته شده ، پشت صفحه اول نسخه ترنجی ظریف میباشد که وسط آن ازطلا پوشیده شده و باسفید آب این بیت برآن نگارش یافته :

طبع نظامی و دلش را ستند　　عالم ازآن راستی آراستند .

تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد و همه عناوین باطلا نوشته شده است

جلد تیماجی‌مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۰۶) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۱/۲ ۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۵) .

(۱۱۴۴)

خمسه نظامی این‌نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، دست حوادث برگهای آنرا ضایع و قسمتی ازابیات آن‌را هم ازمیان برده ، درحاشیه آخرین صفحه محمد علی بن محمد رضی بسال ۱۲۲۱ نوشته : بسعی میرزا

(۱) باز هم بی وجدانی نام نویسنده و بخشی از تاریخ کتابت را محو کرده ولی احتمال قوی دارد که نویسنده همان مرشدبن‌میرك شیرازی باشد وبقرین اینکه شاه‌طهماسب **عادل** تخلص میکرده و بر مجالس‌جندی‌از آن‌جملهٔ « السلطان‌العادل » نگارش یافته بایستی برای آن پادشاه نگارش یافته باشد ولی خطآن‌پایه نسخهٔ پیشین‌نمیرسد .

(۲) میان این دو کلمه نیز محو کردیده وبایستی **وثلثین** باو**اربعین** باشد .

محمد هادی طبیب پسر میرزا ابوالفضل طبیب این نسخه که در اثر موریانه منهدم و اوراق شده بود اتمام واختتام پذیرفت .

راستی بحدی خوب وّصالی و ابیات آن تکمیل شده کـه فقط با دقت توان آنها را از اصل تمیز داد ، در آخرهفت پیکر تاریخ اتمام نگارش نسخه ذیقعده سنهٔ ۹۹۷ نوشته شده و قسمتی از عبارات بالای تاریخ محو گردیده ، کتابهای آن بترتیب معمولی نیست وبدینگونه در این مجلّد گذارده شده : مخزن الاسرار ، لیلی و مجنون ، هفت گنبد ، خسرو شیرین ، اسکندرنامه (شرف نامه و اقبال نامه) ، کتاب اوّل و دوّم و چهارم دارای سر سورهٔ ظریفی است که مسلماً از نقاشیهای قرن دهم میباشد و درآغاز کتاب سوّم و پنجم در هنگام صحافی مذکور تذهیب مختصری شده ، اشعار درمتن و حاشیه نوشته شده وعموماً عناوین مطالب نگارش نیافته ، بسال ۱۳۵۶ نیزدراین کتابخانه صحافی گردیده وصفحات آن مجدول است .

جلد تیماجی. کاغذ منن خان بالـغ، حاشیه فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۷۶) . صفحه ای (۳٤ بیت در متن ۱۹ در حاشیه) . طول (۳۰ سانتیمتر) . (عرض ۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۵۵) .

(۱۱٤۵)

خمسه نظامی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش اثری نگذارده ، ظاهراً در قرن یازدهم هجری نگاشته شده، پنج سرلوح دارد، اول و آخر آنها تازه وظاهراً ازکارهای قرن سیزدهم هجری میباشد ولی سه سرلوح دیگر از همان قرن یازدهم و بسبک هندی است ، عناوین باشنجرف و صفحات مجدول بطلاست .

جلد ساغری مذهب. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار.قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۳۰۵)صفحه‌ای (متن ۲۰ حاشیه ۲۹ بیت شعر) .(طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۱) .

(۱۱٤۶)

خمسه نظامی

این نسخه‌را بخط شکسته نستعلیق محمد رضابن حاج بیگلر بسال۱۲۶۲ درقزوین (در آخر خسرو شیرین و لیلی مجنون

و اقبال نامه تصریح باین مطالب شده) بانجام رسانیده ، ابیات الحاقی در آن زیاد دیده میشود ، در متن و حاشیه نوشته شده و صفحات مجدول به جوهر سرخ و آبی‌است ، پس ازدخول در این کتابخانه پسر کتابدارِ آن هنگام پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بسال ۱۳۱۲ نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ نرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۷٤) . صفحه ای (درمن ۲۰ درحاشیه ۱۸)بیت . طول(۳۲ سانتیمتر) .عرض(۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۵٦) .

(۱۱٤۷)

خمسه نظامی این‌نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نگارش یافته ، مخزن‌الاسرار رادرصحافی، آخر کتاب قرارداده اند از آخر خسرو شیرین واسکندرنامه هریك درحدود ٤۰۰ بیت افتاده‌و آخرین بیت از خسرو شیرین اینست :

پس آنگه کردشان در پهلوی یاد که احسنت ای جهان پهلودوهمزاد

و آخرین بیت ازشرفنامه این :

کس از خاصگان پیش دارا نماند از او در دل کس مدارا نماند

(دراین نسخه این بیت چنین ضبط گردیده ودرنسخ دیگر بطرز دیگری است) ، لیلی و مجنون وهفت پیکررا هم بدون نقص دارد ولی اقبال نامه اصلاً دراین‌نسخه نیست ، میان صفحات قسمتهای چندی برای ترسیم مجالس‌نقاشی باز گذارده شده ولی توفیق کشیدن را نیافته اند .

بنام منتخبی ازخمسه نظامی وقف گردیده وبهمین نام دردفاتر کتابخانه ثبت‌شده ولی‌مسلّماً منتخب نیست وخمسه‌ای‌ناقص میباشد . بسال ۱۲٤۱ متعلق به محمد محسن نام‌موسوی بوده و پشت صفحهٔ نخستین بخط خود یادداشت کرده ومهر اسم وی در چندین‌صفحه زده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ برمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲٤) صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۳) .

(۱۱٤۸)

خمسهٔ نظامی (هفت پیکر) این نسخه فقط **هفت پیکر** ازخمسهٔ نظامی میباشد ، برگ آخر آن که شامل ٤۱ بیت بوده افتاده و آخرین بیت نسخه اینست :

تا درآری بحسن او نظری جلوهٔ دادمش بهر هنری .

نویسندهٔ آن ظاهراً هندی ودراواخرقرن نهم هجری بوده ، درآغازنسخه سرلوحی بسبك هندی است که باسفیدآب نام کتاب بروسط آن نگاشته شده، ومیان سطرهای دوصفحهٔ اول نسخه طلااندازی شده وهمه عناوین مطالب برسرسوره هائیکه ازطلا پوشیده شده نیز باسفیدآب نگارش یافته و تمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد وغیره است ، پشت صفحهٔ اول یادداشتی بوده محو گردیده و یادداشت اعتضادالسلطنه مورخ بسال ۱۲۹۱ نیز دراینجاست .

جلد ضربی وسوخته (مستعمل دور گرفته) . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۳۰) . صفحه ای (۱٤ بیت در متن و ٥ در حاشیه) . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۲) .

[٥۰٦] خمسه نوائی (ترکی)

امیرعلیشیرنوائی (علی شیربن کچکنه (درخوشگوئیت شده) ۸٤٤-۹۰٦)(۱)از مشاهیردرباریان سلطان حسین میرزای بایقرا میباشدوبنابر نوشتهٔوی درنجالس العشاق ازروزگاربچگی در مکتب باوی دوستی ومودت داشته ، چون بسلطنت رسید اورا از ماوراءالنهر که مسکن امیر شده بود بهراه خواست وکارهای بزرگی را بتدریج بوی برگذار فرمود .

(۱) دولتشاه درزمان خود امیر درآخر تذکرهٔ خویش شرحی ازحالات اورا نگاشته وسلطانحسین بایقرا درمجلس ۷٤ مجالس العشاق بس ازمرگ وی باتجلیل یاد اورامعرفی کرده و گوید بسال ۹۰٦ وفات یافت وسام میرزا درتحفه سامی شرحی نیکو درحالات وآثار ومؤلفات امیرنگارش داده ، و تصریح کرده که تولد وی بسال ۸٤٤ بوده و گوید مولانا صاحب‌دارا قصیده ای در مرثیهٔ امیر گفته که یکی از مصرعهای آن سال تولد را میرساند و دیگری سال وفات را چند بیت ازآن را هم نقل نموده ومطلع آن اینست :

ای فلك بیداد و بی رحمی بدینسان کرده ای ای اجل مدت چنین را باز ویران کرده ای

ولی چنانکه دیده میشود مصرع دوم سال ۹۰٦ را که مسلما امیر درآن سال وفات یافته نمیرساند ودیگر ابیات هم گرمحاسبه شد درست درنمی آیند این اختلاف شاید ازتحریف یا تصحیف ابیات باشد .

مقام فضل ودانش وعلم دوستی امیرعلیشیر بپایه ایست که هر کس دراین موضوع چیزی نگارش دهد چنانست که بخواهد آفتاب را بشناساند ، بنابراین جز توضیح واضح چیزدیگرنخواهد بود ، دراین مؤلفهٔ ناچیزوفهرست های دیگر(۱) وکتب سیروتواریخ بسیاری ازمؤلفات که درعصر وزمان وتشویق وترغیب این راد مرد بزرگ تألیف شده ، معرّفی گردیده وخواهد گردید ونیزمؤلفین وشعراء وعلماء نامداریکه ازیمن تربیت این بزرگ ، عالم علم و ادب را روشن کرده ، مستقلاً یابمناسبت دراینجا نام برده شده ومیشوند ، این امیردانشمند ، پس ازانجام وظائف اجتماعی بمطالعه و تألیف کتب زیادی پرداخته ، و بزبان ترکی وفارسی اشعاری انشاء نموده وتخلّص وی درترکی **نوائی** ودرفارسی **فانی** میباشدو کتابهائی تألیف نموده،وچهاردیوان ترکی(۱-غرائب الصغر ۲-نوادر الشباب. ۳-بدائع الوسط. ٤ - فوائد الکبر) ویك دیوان فارسی دارد (نسخه ای ازاین دیوان درکتابخانه مجلس موجود خصوصیات آنرا بفهرست آنجا تألیف نگارنده مراجعه نمائید) ومؤلفات دیگرچون : خمسة المتحیّرین، اربعین منظوم ، قصهٔ شیخ صنعان ، منشأت ، تاریخ ملوك عجم(۲) بترکی ، مفردات درفن معمّا و عروض بترکی ، محبوب القلوب ، تاریخ انبیا ، فارسی نثر اللآلی (۳) ، خمسه ای درتقلید نظامی بترکی (همین کتاب)، نسائم المحبه و غیر ازاینها ازقلم توانایش ریخته شده است .

---

(۱) در صفحات ٤۰ و ۱۳۹ و ۳۲۲ و ۳۳۲ و ۳٦۰ و ۳۷۰ و ۳۷۳ ج ۱ فهرست کتب خطی مجلس کتابهائی اسنکه بنام امیرعلیشیر تألیف گردیده است .

(۲) امیر علیشیر در ابتدا، سد سکندری بس از حمد خدا ونعت رسول ص و تعریف نظامی وجامی وسلطان حسین میرزا وفرزند وی بدیع الزمان تاریخ ایران را مختصراً درچهارطبقه(۱ - پیشدادیان ۲ - کیان . ۳ اشکانیان ٤ - ساسانیان) بنظم درآورده ومسلماً تألیف تاریخ ملوك عجم که درسینه وی نوشته اند غیر از این میباشد که پیش از داستان اسکندر در این کتاب گذارده ، چرا که میرزا مهدیخان درمقدمه سنگلاخ این کتاب را در ذیل مؤلفات نثری امیرعلیشیر معرفی کرده است .

(۳) درنسخه خطی تحفهٔ سامی متعلق باین کتابخانه ونسخه جناب آقای وحید نظم الجواهر وفارسی نثر اللآلی بدون واو عطف وچنان نوشته شده که تصور میشود نارسی صفت نظم الجواهر است و نگارنده درس ۱۰۳ زیر معرفی از نثر اللآلی تذکر داده ام که نظم الجواهر ترجمه ترکی نثر اللآلی میباشد بنا براین ترجمه فارسی نثر اللآلی نیز از امیراست و در آن صفحه متوجه این معنی نگردیده بودم و تصور شده بود که بنانثر اللآلی امیر کتابی داشته است .

بنابرادعای دولتشاه در تذکرهٔ خویش پیش از این امیر کسی بانشاء خمسه ای بترکی(۱) درجواب نظامی مبادرت ننموده وکتابهای این خمسه عبارتند از :
۱ ـ حیرت‌الابرار . ۲ ـ لیلی ومجنون . ۳ ـ شیرین وفرهاد . ٤ ـ سبعهٔ سیاره.
٥ ـ سد سکندری . وخود امیرتاریخ‌انجام حیرت‌الابراررا بسال ۸۸۸ وسبعهٔ سیاره و فرهاد و شیرین را بسال ۸۸۹ معین کرده وبرحسب شمارهٔ این جانب در حدود (۲٥۸۰۲) بیت اشعار این خمسه میباشد وتذکره نویسان ودانشمندان ترك نژاد از لطافت مضامین این کتاب در حیرت و درمقابل آن خاضع اند وتاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز حیرت‌الابرار: بسم الله الرحمن الرحیم رشته غه چکنی پنجه دریتیم
در (۳۹۸٤) بیت.

آغاز لیلی ومجنون: ای یخشی آتنیك بیله تر آغاز انجام میغه کم تیارهر آغاز
در (۳٦٥۰) بیت .

آغاز فرهادوشیرین: بحمدك فتح ابواب المعانی نصیب ایت کونکلوما فتح اولماغ آنی
در (٥۸۱٦) بیت .

آغاز سبعهٔ سیاره: ای سپاسپنك دیما کدمل اتلی لال ایلکاتبل سپندین اولدی بیلکامقال
در (٥۰۰۰) بیت .

آغاز سد سکندری: خدایا مسلم خدا لیق سنکا براوشه کدابی کدالیق سنکا
در (۷۳٥۲) بیت .

(۱۱٤۹)

خمسه نوائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اوائل قرن دهم نگاشته شده ،

(۱) جامی درآخر روضهٔ هفتم از بهارستان که بذکر ووصف وستایش امیر پرداخته در وصف خمسهٔ وی گوید: مثنویات که درمقابل خمسهٔ نظامی وقوع یافته بسه هزار نزدیك (مسلماً این شماره غلط نساخ است و شاید سی هزار و تعیین تقریبی نه تحقیقی بوده است) همانا بآن زبان پیش از وی به از وی پیش از وی کسی شعر نگفته است . ونیز گوید که بهردونوع فارسی وترکی شعر میگفته ولی میل طبع وی بترکی ازفارسی بیشتراست وغزلیات از ده هزار زیادت خواهد بود .

برگ نخستین ویك برگ ازاواخرنسخه نونویس میباشد، در آخر فرهاد وشیرین مهر گردیکه بدین سجع میباشد: (محترمه سلطان بیگم بنت السلطان الغازی سلیمان.) و اطراف آن در دوازده کنگره دوازده اسم ازاسماء الله نوشته شده ومیرساند که نسخه متعلق بکتابخانه دختر سلطان سلیمان بن سلطان سلیم (۹۲۶ - ۹۷۴) عثمانی بوده موجود وبر مجلّدات دیگر این کتاب هم همین مهر بوده ولی آنهارا کرده اند.

برخی ازبرگهای نسخه وصّالی گردیده و عناوین مطالب باشنجرف نگاشته محو شده است.

جلد نیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ. شمارهٔ برگها (۳۲۵). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۴ ½ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۶۹).

(۱۱۵۰)

خمسه نوائی این نسخه را بسال ۱۰۱۲ و ۱۰۶۵ و۱۰۷۷ (درآخر کتاب این تاریخ اخیراست) بخط نستعلیق نوشته اند، درآخرسبعهٔ ستاره نویسنده ایکه ظاهراً بدن نویسنده همه پنج کتاب میباشد خودرا **اصالحی خراسانی** معرّفی نموده ودراینجا مهر بادامی که بدین سجع میباشد زده شده: غلام شاه عباس است مرجان. ومیرساند که متعلق بیکی ازامراء آنعصر که **مرجان** نام داشته بوده است.

عناوین مطالب باشنجرف میباشد.

جلد نیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۷۴). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۲ ½ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۶۶).

(۱۱۵۱)

خمسه نوائی (سدسکندری) این نسخه که دراین کتابخانه بنام « اشعار ترکی » معرفی شده، «سدسکندری» یاپنجمین کتاب خمسه نوائی است ولی ۱۸۰ بیت از اوّل و ۲۷۸ بیت از آخر آن افتاده، ظاهراً درقرن دهم هجری نگارش یافته و برگهائی از آن وصّالی شده است.

جلد نیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ. شمارهٔ اوراق (۹۸). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (۱۸ - ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۷۲).

[۵۰۷] خمسه هاتفی (فارسی)

(لیلی ومجنون ، هفت منظر ، تمرنامه یا ظفرنامه هاتفی)

یکی ازشعرائیکه خمسه نظامی‌را جواب گفته‌اند هاتفی‌است (ملاّ عبدالله هاتفی خبوشانی جامی متوفی بسال ۹۲۷)(۱) که ازنزدیکان(۲) عبدالرحمن جامی بوده وگویند مبادرت باین کار را از جامی اجازه گرفته ، وی برای امتحان قدرت طبع وی جواب گفتن شعر فردوسی : درختیکه تلخ است ویرا سرشت الخ . را از او خواست ، هاتفی گفت :

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت — نهی زیر طاوس باغ بهشت
دهی آبش از چشمهٔ سلسبیل — در آن بیضه دم دردمد جبرئیل
بهنگام آن بیضه پروردنش — ز انجیر جنت دهی ارزنش
شود عاقبت بیضهٔ زاغ زاغ — کند رنج بیهوده طاوس باغ .

جامی طبع او را شایسته این کار دید وبدو اجازه داد و مشهوراستکه بوی گفته است بد نگفتی ای ولی چهارجا تخم گذاردی ، هاتفی استدعا نمود که افتتاح لیلی و مجنون را جامی‌نماید وی این درخواست‌را اجابت نمود بنابراین بیت نخستین از جامی است .

از خمسهٔ هاتفی فقط این چهار کتاب انشاء گردیده : (لیلی مجنون ، شیرین

---

(۱) درحبیب‌السیر جزء سیم ازجلد سیم ص ۳۴۶ ، تحفه سامی ص ۹۴-۹۷ حاشیه وحید ، هفت اقلیم ص ۵۷۲ ، تذکره خوشگو ، ترجمه تاریخ ادبیات ادوارد براون ص ۱۵۲-۱۵۳ ، هاتفی مبرده شده ومراجعه گردید ودرحبیب‌السیر است که درماه محرم وفات یافته ودر تاریخ فوت او حبیب‌الله معرفی گوید :

تاریخ فوت او طلبیدم ز عقل گفت — از شاعر شهان وشه شاعران طلب .

وجملهٔ جامی ثانی را نیز ماده تاریخ وفات وی یافته‌اند .

(۲) دراوائل هفت منظر گوید :

نیست این دعویم که خویش نواه — یا ز یاران [illegible] نواه
عمرها شد که از سگان درم — خاک این در [illegible] سرم
دارم امید آنکه آخر کار — دهم در جوار خویش بار

وخسرو ، هفت منظر وتمرنامه یاظفرنامه (۱)) و از کتاب پنجم وی نامی درجائی واثری در کتابی نیست ، شاید توفیق بمبادرت جواب مخزن‌الاسرار را نیافته باشد ، سام میرزا درتحفهٔ سامی گوید بسال ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از فتح بلاد خراسان متوجه‌عراق بودنددرحوالی‌قصبه **خرجرد**جام جهت‌زیارت‌تربت‌شاه‌قاسم‌انوارنزول فرموده بودند ، برسبیل گشت بدر باغ هاتفی رسیدند مولانا خبردارشد وباستقبال شتافت ، مورد عنایت واقع شد و طالب چند بیت از اشعار او شدند مطلوب شد و مورد تحسین واقع گردید و مأمور به نظم فتوحات شاهی شد ، درحدود هزار بیت از آنرا بنظم آورد اما توفیق اتمام نیافت و چند بیت از این مثنوی نیز در تحفه سامی نقل گردیده است .

گذشته از این پنج مثنوی آثار دیگری از هاتفی در دست نیست و تذکره نویسان تذکر نداده اند که جزمثنوی هم شعر داشته ولی دیوان قصائد و غزلیات داشته وخود وی درتمرنامه پیش از شروع بداستان گوید :

نگوئی همی در فن مثنوی — سخن را دهم زینت خسروی
بهر شیوه گرنظم کردم علم — ستانم ز دست عطارد قلم
بلند آستانی اگر همچو میغ — بدامن گهر ریزدم بی دریغ
دهم در قصائد بدانسان ندا — که خاقانی آنجا کند جان فدا
بجلوه درآید گرآن دلفریب — گه ازدل برد هوش‌ازجان‌شکیب
طریق غزل را بداند که چیست — کدامست خسرو حسن نیز کیست

(۱) درآخر تمرنامه گوید :

من آنروز کزطبع گنجینه سنج — نشستم بصرافی نسج گنج
گرفتم ز لیلی و مجنون نخست — وزان صورت دعویم شد درست
شدآن نقش فرخ چو گیتی پسند — ز شیرین و خسرو شدم بهره مند
چو آن گلستان را بیاراستم — ازآن خوشتر آمد که میخواستم
چو باز آمدم زان همایون سفر — سوی هفت منظر فکندم نظر
تماشا گهی کرده آراسته — که شد چرخ از رشك آن کاسته
شدم چون ز افسانه گفتن خموش — هوای سکندر ز دل برد هوش

* * *

شدند آن حریفان فرخنده رای — بسوی تمرنامه ام رهنمای .

وخود دراینجا تصریح نموده که عین ظفرنامه شرف الدین علی یزدی راکه تاریخ صحیح است نه افسانه وخیالی بنظم کشیده .

بود بحر و کان سخن ملك من درو لعل ریزد سرکلك من

یکی از مختصات هاتفی اینستکه در این کتابهای چهارگانه خویش بمدح کسی نپرداخته واشاره ای بزمان وعصر خود نکرده وتاریخ نظم هیچیك از کتابهای چهارگانه را معیّن ننموده وپس از حمد وثنا ونعت وبیان معراج حضرت رسالت پناه ص ع ومنقبت حضرت مولی علی بن ابی طالب ع شروع بمطلب نموده ، در تحفه سامی است که تمر نامه را در چل سال بنظم آورده و در کشف الظنون نیز همین مطلب نگارش یافته ولی این قول را نگارنده از قرائن موجوده در کتاب منکر است، ارادت خودرا به سید قاسم انوار درلیلی و مجنون تصریح نموده و این مثنویات را از برکات آن مرشد کامل دانسته ودرهمین کتاب تشیع خود را اظهار داشته ودر اینجاست :

یارب که کنی خجسته نامم در دین دوازده امامم
بخشای بهاتفی ز کوثر یك جرعه بحق آل حیدر
گردد چو زبان بگفت گویم مدّاح علی و آل اویم .

آغاز لیلی ومجنون : این نامه که خامه کرد بنیاد توقیع قبول روزیش باد (درحدود ۲۰۰۰ بیت است) (۱) .

آغاز شیرین وخسرو : خداوندا بعشقم زندگی ده بفرقم تاج عزّ بندگی ده (درحدود ۱۷۰۰ بیت است) (۲) .

آغاز هفت منظر : ای نگارندهٔ صحیفهٔ غیب نام تو صدر صفحهٔ لاریب (درحدود ۲٤٦٦ بیت است) .

آغاز تمرنامه : بنام خدائی که فکر خرد نیارد که تا کنه او پی برد (درحدود ٤٦٥٦ بیت است) (۳) .

---

(۱) لیلی مجنون هاتفی بسال ۱۷۸۸ م در عکه چاپ شده .

(۲) نسخهٔ شیرین خسرو هاتفی زیر شمارهٔ ۳۳۲ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی بنام خسرو شیرین هاتفی موجود درصورتیکه خود این کتاب را شیرین و خسرو نام گذارده .

(۳) تمرنامه بسال ۱۸٦۹ م درلکهنو چاپ شده وبرحسب تصریح ناظم عین ظفرنامه تیموری است.

(١١٥٢)

خمسه هاتفی

لیلی و مجنون

هفت منظر و تمرنامه

این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاهراً در اواسط قرن دهم هجری) نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، دو صفحه نخستین لیلی مجنون نقاشی و میناکاری و تذهیب ظریفی گردیده، درابتداء دو کتاب دیگر دوسرلوح ظریف کوچك میباشد، صفحات مجدول بطلاولاجوردست، پشت برگ نخستین مرحوم رضاقلیخان هدایت شرحی درمعرّفی از نسخه و مؤلف آن بسال ١٢٨٣ در تبریز نوشته و یادداشت ورود بکتابخانه اعتضادالسلطنه نیز درهمین صفحه است.

در آخر نسخه آثار خو چندین سطر وجود دارد.

جلد تیماجی. تاغد بخارائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق (٣١٤). صفحه‌ای (١٥) سطر. طول ($22\frac{1}{2}$ سانیمتر). عرض ($12\frac{1}{2}$ سانیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٨٠).

(١١٥٣)

خمسه هاتفی

(تمرنامه)

این نسخه نیز بخط نستعلیق خوب (ظاهرا در اواسط قرن دهم هجری) نوشته شده، دارای یك سرلوح زیباست، صفحات مجدول بطلا ولاجورد، عناوین باشنجرف میباشد، بخشی ازورق نخستین پاره و توصالی گردیده، سطرهائی ارصفحهٔ دوم محو شده، ١٣٢ بیت از آخر کتاب افتاده و آخرین بیت نسخه که جمله ای از اول مصرع دوم آن نیز خو گردیده اینست:

ستایند در پیشگه بنده وار ..... ی خداوند گار

جلد تیماجی. تاغد خان بالغ. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق (١٣١). صفحه ای (١٥) سطر. طول (٢٢ سانیمتر). عرض (١٥ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٣٩٤).

(١١٥٤)

خمسه هاتفی

(تمرنامه)

این نسخه را بسال ٩٨٠ زین العباد شریف بخط نستعلیق نوشته، بسال ١٠٣٥ ادریس ابن حاج سلیمان مشهور به ابن البهلوان آنرا خریده ودرآخر نسخه خود یادداشت کرده، دوبرگ از ابتداء نسخه که شامل ٥٠ بیت بوده افتاده ونخستین بیت موجود اینست:

مغنی بیاران نو آئین نوا دل درد مند مراده نوا .

وعناوین باسرخی نوشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۹۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۵۰۱) .

[۵۰۸] دیوان ابن التعاویذی (عربی)

ابن التعاویذی(۱) (ابوالفتح محمدبن عبیدالله (۲) بن عبدالله ۵۱۹ — $\frac{۵۸۳}{۵۸۴}$)(۳) از نویسندگان وشعرای قرن ششم هجری بوده ومعاصر وی عماد کاتب اصفهانی در جلد اول خریدةالقصر زیرعنوان : **مناقب برخی ازمعاصرین** . اورا باتجلیلی زیاد نام برده و اشعاری که بسال ۵۶۱ ازوشنیده دراین کتاب آورده و نیز کاغذیکه باکمال بلاغت و فصاحت از بغداد بشام فرستاده و ازو پوستین خواسته (٤) دراینجا است .

در دیوان مقاطعات بغداد نویسنده بوده ، ابن خلکان مینویسد تاحدّیکه من میدانم تادویست سال پیش ازوی کسیکه مانند وی فصیح وبلیغ باشد وجودنداشته ، وبسال ۵۷۹ که شصت سال از عمر وی گذشته بود ازهردو چشم نابینا شده و در رثاء چشم خویش وتأسف از رفتن جوانی اشعاری فصیح دارد .

پیش از این مصیبت بجمع دیوان خود مبادرت کرده و آنرا بچهار فصل بدین تفصیل که زیر این سطر ها نگارش مییابد منقسم نموده و دیباچه ای ظریف وزیبا بنثر برآن نگاشته و آنچه پس از این ترتیب ازنسخ هریك از فصول مانشاء نموده بنام زیادات برآن اضافه کرده وازاین رو درباره ای ازنسخ دیوان اینگونه اشعار نیست وفصول چهارگانه این دیوان اینست : **فصل اول** درمدح خلفاء عباسی است

(۱) بعوید دعاوطاسم وبمعنی است ، گویاجد ابن شاعردارای این پیشه بوده واز این جهت بدان مشهور شده و این شاعر بدان نسبت داده شده است .

(۲) در نسخه خطی خریدةالقصر این کتابخانه و شذرات الذهب نسب این شاعر عبدالله ولی در وفیات الاعیان و معجم المطبوعات عبیدالله ثبت کرده است .

(۳) خریدةالقصر (نسخه خطی این کتابخانه) ورق ۱٤۸ — ۱۵۲ ، وفیات الاعیان ج ۲ ص ۱۹ — ۲۲ معجم المطبوعات ص ۵۱ مراجعه شود .

(٤) در وفیات الاعیان ، این کاغذ از خریدةالقصر نقل کردیده است .

وابتداء بقصیده ای نموده که درمدح الناصرلدین‌الله عباسی درسال ۵۷۵ درهنگام خلافت وی انشاء گردیده . **فصل دوم** درمدائح وزراء وبزرگان واماثل واقران ودیگر از معاصرین . **فصل سوم** درمدائح بنی‌المظفر میباشد که شاعر خود وجدّ مادریش **ابو محمد بن التعاویذی** (بنابر تصریح خود وی) در تحت تربیت این خاندان بوده و از نوال احسان آنها روزگار میگذرانیده وبمدح وثنای ایشان مشغول بوده اند . **فصل چهارم** دراقسام شعر ازقبیل مرثیه وغزل وهجا و نصایح وقصاید و مقطعات وغیراز اینهاست .

این دیوان بسال ۱۹۰۳ در بیروت تحت نظر مرکلیوث مستشرق چاپ شده ولی ترتیب آن موافق تقسیمیکه شاعر خود نموده نیست و نمام اشعار را موافق حروف قوافی آنها ازالف تایاء مرتب نموده است .

آغاز : خطبه بسمله قال ابوالفتح . . . . **اما بعد** حمدالله علی نعمائه السابغه الخ.

آغاز دیوان موافق نسخهٔ اصل :

طاف یسعی بها علی الجلاس کقضیب الاراکة المیاس(۱) الخ .

(۱۱۵۵)

دیوان ابن التعاویذی

این نسخه ظاهراً دراواخر قرن هفتم نگاش یافته ، اوراقی از اول وآخر آن افتاده . ۶۰ برگ آخر آن نونویس و ظاهراً ازخطوط اواثل قرن سیزدهم هجری ونویسندهٔ آن سیّدعمران‌بن سیّد عزیزمیباشد ، این نویسنده درتمام بودن دیوان تردید کرده ، اشعار این قسمت اخیرموافق تقسیم مذکور بالا ازفصل چهارم میباشد ولی شاید تمام آن فصل را شامل نباشد وگذشته ازاین احتمال دارد ازمیان فصول پیشین هم اوراقی افتاده باشد واین نسخه موافق همان ترتیبی‌است که ناظم خود دیوان را بدانگونه ترتیب داده وشامل اشعاریکه پس‌ازگوری انشاء نموده نیز میباشد واین نسخه بنام «دیوان ابن‌التعاویذی وقصائد بعضی ازشعراء عرب وتذکرة‌الشعرا» داخل کتابخانه گردیده

(۱) این آغاز قصیده ایست که در ابتداء خلافت‌الناصرلدین الله درآخرسال ۵۷۵ انشا نموده است .

و بر کنار نخستین برگ یادداشت گردیده ولی مسلماً شامل غیر از دیوان نام برده نیست .

ازمقدّمهٔ نثری شاعر بخشی (ظاهراً یك صفحه) افتاده ونخستین سطر آن اینست : الاسن المتناسیه وعطفت علیها القلوب القاسیه وشملنی من برها المتواتر الخ . و قسمتی از اشعار اصل نسخه در اثر پوسیدگی اوراق از میان رفته و و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی و فرنگی . واقف سپهسالار . مضمع بخشی . شمارهٔ اوراق (۱۴۳) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ ۱ ابجاده (۲۷۱۹) .

| ۵۰۹ | دیوان ابن خفاجه (عربی)

ابن خفاجه (ابواسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن عبدالله بن خفاجه ۴۵۰-۵۳۳)(۱) از شعرای اندلس میباشد ، فتح بن خاقان گوید : در عید فطر سال ۵۱۰ اورا در شاطبیّه دیده‌ام واز آثار او نقلهائی نموده ، دیوانی بسیار نیکو دارد ، درجزیره **شقر** که از توابع **بلنسیه** است متولّد شده واز پادشاهان معاصر خویش که اردریای بی پایان آنها ادبا بهره‌مند میشدند هرگز چیزی نخواست واین خاکان گوید : **شقر** بضم شین وسکون قاف وراء مهمله شهر کوچکی است ، مان شاطبه و بلنسیه و آنرا بدین سبب جزیره گویند که الحاطی آن آب فرات باشد بسین مفتوح باء موحده وفتح لام وسکون نون و کسر میان مهمله وضم باء مثنی است و **اندلس** بفتح همزه وسکون نون وفتح دال وضم لام وسین مهمله واین (اندلس) جزیره‌ایست که متصل است به **برالطویل** و برّ طویل حسبانده بر قسطنطنیه بر زمینی است واورا جزیره گویند چرا که دریا از اطراف بر آن احاطه دارد و بحر اندلس در شمال و مثلّث شکل است و رکن شرقی آن متصل بکوهی است که راه فرنگ از آنجاست وهرگاه بود دو دریا بیك دیگر متصل میشدند ، و گویند نخستین کس که اینجا را آباد کرده اندلس بن نوح علیه السلام بوده است (تمام شد بیانات ابن خلکان) .

(۱) وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۴ ، قلائد العقیان ص ۲۳۰-۲۴۱ ، معجم البلدان ج ۱ ص ۳۷۵-۳۸۸ و معجم المطبوعات ص ۹۵ مراجعه شده است .

(اندلس جزء کشور اسپانیا میباشد و کوه نام برده « پیرنه » است که میان فرانسه واسپانیا میباشد) .

ابن خفاجه در مقدّمهٔ ادیبانه ایکه خود براین دیوان نوشته گوید : در آغاز جوانی عشقی بخواندن دیوان سیّد رضی موسوی ومهیار دیلمی وعبدالمحسن صوری داشتم وازمطالعهٔ آنها تا وقتی که مناسب روزگار جوانی بود نصیب گردید ، دراقتدای ایشان بنظم اشعار مشغول شدم ، چون روزگار جوانی سپری شد وصبح پیری دمید از این کار دست کشیده و روزگار درازی بگفتن شعر مبادرت ننمودم ، در این روزگار که عمرم نزدیك بتمام بود امیر اجل ابواسحق زمامدار جزیرهٔ اندلس گردید و مقرر شد برای تهنیت امارت شرفیاب حضورش گردم ، الطاف و مراحم وعطایا واحسان پیاپی امیر مدکور طبع خمول وافسرده امرا بانشاء نظم ونثر وادار نمود ،

دوستان گردآوری آثارم را خواستار شدند با آنکه پیری مانع بزرگی بود وبسیاری از گفته های پیشینم نوسید وبرخی فقط جزدرسینهای اشخاص یافت نمیشد، چون آنها را بررسی کردم پاره ای را شایستهٔ محو وبرخی را باندك اصلاح وتصرفی لایق اثبات یافتم ، برای آنکه مطالعه کننده از یك نواخت بودن آن خسته نشود قسمتهای نثری را که آثارم همراه داشت دراینجا نیز گذاردم الخ » .

دراین دیوان چند تاریخ یافت میشود که نزدیکترین آنها بما، سنهٔ ٥١٤ را که شاعر در آن هنگام ٦٤ سال داشته معیّن نموده و گذشته از مکاتیب و عناوین مطالب ومقدّمات آنها شامل قصائد وغزلیّات ومراثی وغیره میباشد وترتیب صحیحی ندارد ، در مقدّمه وعده داده اگر عمر بپایان نرسد خود وی این دیوان را بترتیب قوافی مرتب نماید ولی معلوم نیست که موفق شده یانه .

این دیوان بسال ١٢٨٦ در چاپخانه جمعیة المعارف در مصر چاپ شده و در حدود (٣٧٠٠) بیت از نظم و نثراست .

آغاز : بسمله قال الوزیر (١) ابواسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن خفاجه . . . . .

(١) در اول وآخر این نسخه وبرا بعنوان وزیرنام برده ولی درمآخذ نام برده این مقام برای وی بذکر داده نشده است .

الحمدلله الّذی عمّ بفضله ومن بعد وفتق اللسان برحمته الخ .

(۱۱۵۶)

دیوان ابن خفاجه

این نسخه بخط نسخ (ظاهرا در قرن نهم) نوشته شده ، نویسنده ازخود نام برده وباین جمله ختم میشود: کمل شعر الوزیر الفقیه الجلیل ابی اسحاق ابن ابراهیم بن ابی الفتح بن خفاجه اعزّه الله وذلك فی الیوم السابع عشر من شهر شعبان المکرم عام ست وتسعین و خمسمائة رحمه الله تعالی آمین .

ولی نگارنده تصور میکند که این تاریخ کتابت نسخه نیست و این تاریخ ظاهرا آخر نسخه ای بوده که این نسخه را از روی آن نوشته اند و نظر بنگارش نوع وکاغذ اواین احتمال را مؤیداست .

گذشته از یادداشت اعتضاد السلطنه که بسال ۱۲۸۵ نوشته شده و قطعا کتاب برورقیکه پیش ازبرگ نخستین نسخه میباشد این عبارت نوشته شده من کتب الفقیر الحاج محمد سالار سنة ۱۱۵۷ ثم انتقل الی ... عفی الله عنهما .

و پشت برگ نخستین یادداشت تملك دیگری بر نسخه باین تاریخ وجود دارد .

چند نیاز . تاشد فرآنی . واست ... (۲۲۱) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . دشوار (ج ۲۱ ...) . ... (۱۵۲) .

(۵۱۰) دیوان ابن فارض (۰۰۰)

ابن فارض (شرف الدین ابو الثناء ... الحسن ... مرشد بن علی الحموی المصری ۵۷۶ (۱) ـ ... (۶۳۲) ۱۲۳۱ از مشهور ... معروف صوفیه است

(۱) در مقابل ... برده دیوان سعد ... نسخه ... دیوان (هردو نسخه این کتاب) بسال ۵۷۲ ... نسبت داده .

(۲) قسمتی ازمقدمه این دیوان (بقلم ...) ... ابن فارض میباشد ، این شرح با ... ج ۱ ص ۳۸۳ ... ۲۷۸-۲۷۹ ، کشف الظنون ج ۱ ص ۴۹۹ ... ۱۴۶ ... ۱۵۳ ، ... ۵۰۵ و ۵۰۶ معجم المطبوعات ص ۲۰۰ و ۲۰۱ ... ۰۰۰

(۳) ابن حاکان گوید پدر ... نامه ... شعر ... ابن ... حیث مشهور به فارض ... ابن ...

دیوان وی بهترین گواه برمراتب فضل وادب وسیروسلوك او میباشد ، تائیّه وی بسیار مشهور میباشد وشروح زیاد بر آن نوشته شده ، این قصیده موجب شد که جمعی ظاهربینان ذرعقائد وی شبهه ناك شوند وبعضی بی‌باکانه او را تکفیر وتفسیق کردند ولی گروهی دراین‌قصیده بادقت وامعان‌نظر نگاه کردند وبیشتر بوی گرویدند وبرخی هم میانه را گرفته ودرنفی واثبات وی چیزی ننگاشتند وچنانکه ازاشعاراو استفاده میشود امامی مذهب بوده و قاضی در مجالس اورا بدین وصف معرّفی کرده است .

سبط ایشان که علی‌نام داشته مقدمه‌ای بردیوان‌ابن فارض بنام «عنوان‌الدیوان» نوشته ودرآن بشرح حال ومقامات جدّ خویش پرداخته وچند مکاشفهٔ اورا نقل نموده وازتاریخیکه دراین مقدّمه بمناسبت یاد شده معلوم میشود که انشاء آن مقدّمه پس‌ازسال ۷۱۰ بوده و در اینجاست که نسخه بردارندگان ازدیوان‌تصحیف وتحریفهای زیاد کرده اند ومن این دیوان را ازروی نسخه ایکه بخط ابن فارض پیش‌خودم بود ونزد پدرم شیخ کمال‌الدین محمد آنرا یادگرفته وباکمال دقت در تصحیح ویادگرفتن مطالب آن کوشش نمودم وایشان ازپدرش‌این‌دیوان را (مگر یك قصیده که در مکّه انشاء فرموده) شنیده وبروی خوانده بود واین دیوان را خود وی (ابن فارض) پس از ایام تجرید خویش درمصر مرتّب کرده است .

شیخ بهائی ره درجلد سوم کشکول تائیه ای بنام تائیه صغری ازابن فارض نقل نموده است .

براین دیوان شروح چندی نوشته شده و بعضی ازآنها چاپ شده و دراین کتابخانه شرحی است که معرّفی از آن خواهد شد و خود این دیوان مکرّر در مصر وبیروت واروپا بانرجمهٔ لاتینی وآلمانی چاپ گردیده است .

آغاز مقدمه (عنوان‌الدیوان): بسمله الحمدلله‌الّذی اختص‌حبیبه‌الاسنی بمقام قاب قوسین اوادنی الخ .

آغازدیوان: سائق‌الاظعان یطوی‌البید طی منعما عرّج‌علی کثبان طی .

(۱۱۵۷)

دیوان ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۵۹ مخلوق بن عبدالله بن سلام نوشته ، پس از اتمام نیز همین نویسنده دو قصیده که نیز بوی نسبت داده شده نگاشته و پشت صفحهٔ نخستین مهر معتمدالدوله که مسلماً از فرهاد میرزا نیست زده شده و مقدمه ای را که سبط وی نگاشته شامل میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ برگها (۱۱۹) . صفحه‌ای (۱۳) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ۲/۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲) .

(۱۱۵۸)

دیوان ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۷۴ طاها بن خدام نوشته ، چهارده بیت در آخر از نسخهٔ بالا بیشتر دارد و مقدمهٔ نام برده را نیز داراست ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی میباشد ونیز پشت آخرین صفحه یادداشتی شیرین مبنی بر رهن کتابهائی چند بهای بسیار کمی است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع [illegible] . شمارهٔ اوراق (۱۰۵) صفحه‌ای (۱۳) سطر . طول (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۱/۲ [illegible]) . شمارهٔ [illegible] (۳۱۰) .

| ۵۱۱ | دیوان ابو تمام طائی ([illegible])

ابو تمام طائی (۱) (حبیب بن اوس بن الحارث الطائی ، ۱۹۰ (۲) - ۲۳۱ (۲)) از مشاهیر شعرای عرب میباشد از قبیله طی ابو تمام در شعر و حاتم طائی در سخاوت داود بن نصیر طائی در زهد شهرهٔ آفاق میباشند ، قاضی نور الله در مجالس المؤمنین از کتاب رجال شیعه و کتاب الحیوان ، جاحظ تشیع وی را نقل نموده و گوید قصیده‌ای در مدح ائمه شیعه علیهم السلام از حضرت علی بن ابی طالب ع تا حضرت ابو جعفر محمد بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام

(۱) وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۲۱-۱۲۳ ، شذرات الذهب ج ۲ ص ۷۲-۷۴ ، مجالس المؤمنین ص ۴۷۸ - ۴۷۹ ، کشف الظنون ج ۱ ص ۵۰۱ و معجم المطبوعات ص ۲۹۶ و ۲۹۷ ، در هنگام نوشتن این شرح مراجعه گردیده است .

(۲) ابن خلکان تولد وی را گذشته از سال مذکور بسال ۱۸۸ و ۱۷۲ و ۱۹۲ نیز نقل نموده است .

(۳) ابن خلکان وفات وی را گذشته از سال مذکور بسال ۲۲۸ ، ۲۲۹ و ۲۳۲ نیز نقل نموده است .

که امام زمان وی بوده انشاء نموده ، درشذرات‌الذهب شرح مفصّلی درشرح حال ومعرّفی مقامات علمی وادبی ابوتمام ومقایسهٔ او بامتنبّی وبحتری بنقل از **المثل السائر** وبیانات ابن‌الاهدل نگارش یافته ، برای شناختن این شاعر مطالعه آن بسیارسودمند وابن خلّکان در بارهٔ وی پیش از صاحب شذرات شرحی مفصّل نگاشته ، گویند که چهارده هزار ارجوزه غیراز قصائد وقطعات در حافظه خویش جا داده و در آغاز جوانی دریکی ازمساجد شام سقائی مینموده و پدرش نصرانی بوده است .

ازابوتمام چهار کتاب بیادگارمانده که هریك شامل نفایسی میباشد : ۱ ـ دیوان حماسه (درهمین فصل زیریکی ازشروح آن (شرح ابن فارس) معرّفی‌خواهد شد)، ۲ ـ فحول‌الشعر (دراین کتاب جمعی‌ازشعراء جاهلیّین و مخضرمین(۱) واسلامیّین‌را ذکر نموده) ، ۳ ـ الاختیارات من شعرالشعراء و٤ ـ دیوان اشعارخود وی .

ابوتمام دیوان خود را جمع نکرده و پس از وی دو نفر بدین کار مبادرت کرده اند : ۱ ـ ابوبکرصولی (ابوبکرمحمدبن یحیی‌بن عبدالله معروف بشطرنجی مؤلف « ادب‌الکتّاب » متوفی بسال ۳۳۵ یا۳۳۶(۲) .

۲ ـ علی‌بن حمزه اصفهانی(۳) است و اوّلی آنرا درهشت باب (٤) بتفصیل زیرین بترتیب حروف تهجی موافق قوانی اشعار مرتب نموده :

---

(۱) مخضرمین شعرائی راگویندکه درك زمان جاهلیت و اسلام را کرده اند .

(۲) این تاریخ از ص ۱۲۱۸ معجم‌المطبوعات نقل گردیده است .

(۳) در کتب سیر و رجال بشرح حال و زمان این دانشمند دست نیافتم فقط در ص ٤۸۰ روضات در ذیل ابونعیم بصری (علی‌بن حمزه) گوید: واین شخص غیر از علی‌بن حمزه بن عماره‌بن حمزه اصفهانی است که صفدی او را نام برده وگوید از ادباء مشهور و مؤلف « کتاب الشعر و فقرالبلغاء و فلائد الشرف میباشد. ودرکشف‌الظنون این سه کتاب نام برده نشده است .

(٤) در وفیات‌الاعیان و کشف الظنون مذکور است که ابوبکر صولی‌این دیوان‌را مرتب‌بترتیب حروف نموده و علی‌بن حمزهٔ اصفهانی آنرا بحروف مرتب نکرده ولی به انواع تقسیم کرده ولی در ابتداء ابواب نسخهٔ این کتابخانه که مرتب به انواع هشتگانه موافق تقسیم بالا میباشد تصریح گردیده که‌ابوبکرصولی‌مرتب‌این‌دیوان‌بدین ابواب میباشدبنابراین‌وجه جمع‌میان‌دواینست که گوئیم ابوبکر صولی آنرا مرتب بابواب مرتّبهٔ‌بحروف چنانکه‌نسخه این کتابخانه است نموده ولی علی‌بن حمزه مرتب بانواع و ابواب کرده و مرتب فوائی را موافق ترتیب حروف تهجی منظورنداشته و اختلاف تنظیم‌مطالب ابواب در نسخهٔ چاپی با آنچه پشت صفحه نخستین آن تذکر داده شده و نسخهٔ این کتابخانه ، مؤید مرتب بودن هر دو به انواع است .

۱ - مدیح . ۲ - هجا . ۳ - مراثی . ٤ - غزل . ٥ - معاتبات . ٦ - اوصاف . ۷ - افتخارات . ۸ - زهد . (این ترتیب موافق نسخهٔ زیرین است) .

این دیوان را شروحی چند میباشد که در کشف الظنون زیر نام این دیوان نام برده شده اند و ابو العلاء معرّی از آن انتخابی نموده و آنرا « ذکری حبیب » نام نهاده و اصل دیوان مکرّر در بیروت و مصر چاپ گردیده و باب اول آن تقریباً دو ثلث تمام دیوان است.

آغاز : بسمله (۱) یاموضع الشدة یا الوجناء ومصارع الادلاج والاسراء

(۱۱۵۹)

دیوان ابو تمام طائی

این نسخه را بخط نسخ اسمعیل بن حسن نزفولی بسال ۱۲۷۱ نوشته ، و عناوین با شنجرف میباشد ، در ابتدا هر قسمتی از اقسام ابواب ، ابوبکر صولی نگاشته که این قصیده یا قطعه در چه موضع و موضوع انشاء گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع جیبی . شمارهٔ اوراق (۲۹٥) . صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٥ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۲٤۳) .

| ٥۱۲ | دیوان ادیب صابر (فارسی)

ادیب صابر (۲) شهاب الدین (۳) صابر بن اسمعیل ترمذی متوفی بسال ٥٤٦ یا ٥٤۷ (٤) میباشد که از مشاهیر شعرای فارسی زبان بوده و از قصاید وی فضائل و کمالات او ظاهر و هویداست ، به دیوانهای شعرای عرب بسیار علاقه مند بوده و بآنها اشاره و تصریح کرده و از آنها استفاده نموده ، معاصر رشید وطواط خاقانی ، امیر معزی ،

(۱) بیش از شروع باین بیت بسی از بسمله و نام [illegible] صابر بن اسمعیل الترمذی و هدا سمی الادیب الصابر و نام پدر ابوبکر الصولی و نام [illegible] .

(۲) آنچه تخلص [illegible] صابر و ملقب ولی چون مشهور [illegible] موفق گردید و شرح حال ایشان در لباب الالباب (ج ۲ ص ۱۱۷ - ۱۲٥) ریحانة الادب ص ۱۳۰ ، تذکره دولتشاه (چاپی) ص ۹۲-۹۳ ، هفت اقلیم ص ٤۹٦-٥۰۰ ، مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۱٤-۳۲٥ ، طرائق الحقائق ج ۲ ص ۳٦٥ و سخنوران ج ۱ ص ۲٥۰-۲٦۰ مختصر و مفصلا ذکر شده است .

(۳) لقب مشهور ادیب **شهاب الدین** میباشد ولی در مقدمه نسخه این لقب نیست و یکی از نسخ کتابخانه مجلس که دیوان آن منتخبه است فقط از شرح غزلی از شرح [illegible] شده و در اینجا لقب وی جلال الدین ضبط گردیده و در [illegible] صابر جلال الدین است .

(٤) دولتشاه و مجمع الفصحاء و سخنوران وفات ادیب را بسال ٥٤٦ و در [illegible] بسال ٥٤۷ ثبت گردیده است .

نظامی عروضی ، مسعود سعد سلمان و معاصرین اینها بوده و مربّی وی ابوالقاسم مجدالدّین علی بن جعفر بن حسین قدامه موسوی بوده که اورا **رئیس خراسان** مینوشته اند و ادیب بدین نام و کنیه و لقب از وی نام برده :

حمایت و کنف دین مجد مجدالدّین ز شرم عادت او دین مجد را مأمن
جلال آل پیمبر علی بن جعفر که ذات کامل او چون علی است در هر فن

.....

ابو القاسم علی تاج المعالی که چرخ فضل و خورشید و تبار است

و در غزلی است

ابر سخی حدیث و حکایت به بحر و بر از مجلس رئیس خراسان کند همی ،

نزد سلطان سنجر (۵۱۱ - ۵۵۲) تقرب و احترام داشته ، گویند صابر را بنام رسالت پیش اتسز خوارزمشاه (۵۲۱ - ۵۵۱) فرستاد ، اتسز او را در خوارزم نگاه داشت ، چون ادیب صابر مستحضر گردید که برای کشتن سنجر دو نفر را اتسز بمرو فرستاد ، سنجر را آگاهی داد ، بدین واسطه از کشتن رهائی یافت و آن دو نفر را کشت ، اتسز چون بدین کار ادیب آگاهی یافت فرمان داد تا اورا در شب بجیحون انداخته و غرق کردند .

تخلص ادیب چون نامش صابر میباشد (و گرچه در حوادث صبر بهتر ✻ نیم بی تو چو نام خویش صابر) ولی عموما در قصائد و غزلیات تخلص خود را نیاورده و بیشتر از اشعار وی در مدح ابوالقاسم موسوی و محمد بن طاهر الحسینی (اجل محمد بن طاهر الحسینی کوست بحسن و حمد و جلالت زمانه را منهاج) بوده و بحدی در اظهار انتسابات این دو بزرگ بحضرت حیدر کرّار (۱) علیه السلام

---

(۱) در مسند سیادت و در محفل هنر کوئی درست حیدر کرار دیگری
خیبر علی گرفت و گرفتند دشمنانت خواری ز عزّ تو چو جهودان خیبری

.....

خداوندی که اندر علم و در حلم ز حیدر از پیمبر یادگار است

ونیز این ابیات دالّ بر تتبع ادیب است :

مهدی بود که دفع کند ظلم را بعدل مهدی توئی بدین صفت اندر دیار خویش

ودر یکی از ترکیب بندهاست :

هم مصطفی نسب بود و مرتضی حسب جز مرتضی حسب نبود مصطفی نسب

ونیز در ترکیب بند دیگری است : ای رفعت و علو علی مرتضی تورا علم و وفا و فضل علی الرّضا تورا .

بی اختیار بوده که بدین سبب توان جزم داشت که امامی مذهب بوده ودراین بیت هم تصریح به تشیع خویش نموده :

زروزگار بدردم زدوستان محروم چومرتضی بامامت چوفاطمه زفدك(۱)

از آنکه معتقد مرتضی وفاطمه ام کزین حصول درج باشدو خلاص درك

چندین مدیحه دربارهٔ اتسز خوارزمشاه دارد و سلطان سنجر را هم مدح گفته وقصیده ای غرّا درستایش وی سروده واز اینکه سنجر خود را برادر مرتضی ومقتدای ادیب (ابوالقاسم علی بن جعفر) خوانده او را تحسین وتمجید کرده است .

درمقدّمهٔ نسخهٔ زیرین تذکر داده که ادیب صابر را دیوان بزرگی است واین قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات افتاد (ظاهرا کلمهٔ بدست از قلم نویسنده افتاده است) و برحسب شمارهٔ نگارنده نسخهٔ این کتابخانه در حدود (۵۲۰۰) بیت شعر میباشد درلباب الالباب (۹۴) ودر هفت اقلیم (۵۶) و در مجمع الفصحاء (۷۰۰) و در سخن وسخنوران (۱۷۲) بیت (بعضی ابیات هم درچند کتاب تکرار شده) ازاین ادیب انتخاب وچاپ گردیده است .

قصائد ادیب صابر موافق قوافی مرتب بحروف تهجی میباشد ولی غزلیات و قطعات ورباعیات وی مرتب نیست ، نسخه ایکه از این دیوان سردار معظم خراسانی (خصوصیات آن درفهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی خواهد یافت) تهیه نموده شامل ۵۳۳۴ بیت وتمام مباحث آن مرتب بحروف تهجی موافق قوافی است ونسخهٔ دیگر آن کتابخانه که ۵۲ سال پیش از آن نوشته شده شامل ۴۹۱۴ بیت میباشد .

آغاز : (۲) نوبهار بدیع بی همتا همتی بذل کرد در صحرا

(۱) در ص ۱۲۳ ج ۲ لباب کلمه امامت دراین بیت خلافت میباشد ولی در نسخ خطی امامت است .

(۲) بسلمه ملك الشعرا جلال الدین ادیب صابر شاعری است مشهور و از افاضل نیشابور بوده ودرتاریخ غزالی خوانده که چون الخ .

(۱۱۶۰)

دیوان ادیب صابر

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۶۰(۱) نوشته شده ، پیش از شروع بنوشتن دیوان ، شرح حال مختصری از ادیب که آغاز آن درحاشیه صفحهٔ پیشین نقل گردید ، (در ۱۴ بیت) نگارش یافته است .

جلد نیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۸۷) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۸) .

[۵۱۳] دیوان ازرقی (فارسی)

ابوبکربن اسمعیل وّراق هروی متخلص به **ازرقی**(۲) یکی از شعرای مشهور ایران‌میباشد ، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده لقب او را افضل‌الدین و هدایت درمجمع‌الفصحاء زین‌الدین ثبت کرده اند وعوفی وامین احمد رازی او را بدین عنوان : الاجل‌الحکیم شرف‌الزمان ابوالمحاسن‌الازرقی‌الهروی معرّفی نموده و او را از خصوصان طغان شاه خوانده و زمان اورا برمعزّی سابق دانسته و گویند : « دیوان او خود بتمامت غریب وعجیب است وتشبیهات ونوادر او دل فریب »

گذشته از دیوان دو کتاب منظوم دیگر به ازرقی نسبت داده شده یکی الفیه و شلفیه (۳) و دیگری سند باد میباشد(۴) و خود بدین مؤلفه خویش در این بیت

(هر که بیند شهریارا پند های سند باد نیك داند کاندراودشوار باشد شاعری)

(۱) تاریخ نگارش این نسخه مسلماً در این سال میباشد ونویسنده بعبارت عربی غلط نوشته وسال دیگر از آن استفاده مشود .

(۲) ازاین شاعر درس۸۶-۱۰۴ ج۲ لباب‌الباب و۳۱۸ و۳۱۹(حواشی)آن‌وص۴۳ و۴۴ چهار مقاله و۱۷۱-۱۷۸ (حواسی آن) وتاریخ گزیده ص ۸۱۴ (عکسی) وص۱۳۹ ج ۱ مجمع الفصحا وص۵۳۶-۵۴۲ هفت اقلیم معرفی گردید ودرنگارش این‌شرح بدانها مراجعه شده است .

(۳) الفیه و شلفیه و سندباد گویند دو کتاب از کتابهای باستانی میباشند درص ۸۱۱و۸۴۴ تاریخ گزیده (حاب عکسی) نیز ازسندباد ونرجمه ترکی آن یاد شده وآقای قزوینی درمعرفی از آنها وترجمه های نثری ونظمی که ازاین دو گردیده درص ۳۱۸ و۳۱۹ جلد اول لباب‌الالباب (قسمت حواشی) و در ص ۱۷۱-۱۷۴ چهار مقاله نظامی عروضی (در تعلیقات) شرح مفصل ومفیدی نگاشته اند .

اشاره نموده است وفات ازرقی در مجمع الفصحا بسال ۵۲۶ و در فهرست کتابخانهٔ مجلس (ج ۱ خطی) سال ۵۲۶ یا ۵۲۷ ضبط گردیده ولی علاّمهٔ نحریر آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله وفات ازرقی را پیش ازسال ۴۶۵ که سال جلوس ملکشاه است دانسته اند ودراینجا نیز تذکرداده اند که طغانشاه ابن ارسلان ازطرف الب ارسلان حاکم هرات بوده ولی کاملاً مجهول است وبعضی که ممدوح ویرا طغانشاه ابن مؤید دانسته وبهمین جهت بیت اوراکه شامل مدح آن پادشاه بوده بنام این پادشاه کرده اند راه غلط پیموده اند واین پادشاه اخیرازسال ۵۶۹ تا ۵۸۱ سلطنت داشته وپدرازرقی اسمعیل وراق است که فردوسی را درهنگام فرار ازسلطان محمود شش ماه جای داده وبرحسب عادت مشکل است پسراو تازمان این طغانشاه زندگانی کرده باشد.

دیوان ازرقی که شامل قصائد ورباعیات میباشد ، موافق نسخه ایکه در کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود (۲۴۰۶) بیت شعر (قصائد و ۲۱ قطعه شامل ۱۵۲ بیت و ۷۷ رباعی) میباشد ، ۷۶۲ بیت از آن در مجمع الفصحا و ۲۲۴ بیت در لباب الالباب چاپ گردیده ولی تمام آن تاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز : بسمله ، چه جرمست این که هرساعت زموج نیلگون دریا
زمین را سایبان بندد به پیش گنبد خضرا الخ .

(۱۱۶۱)

دیوان ازرقی هروی

این نسخه فقط شامل قصائد ازرقی میباشد و ۱۷۹ بیت میباشد ، بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۶۱ نوشته شده و در حاشیه صفحات معانی برخی ازواژه های مشکل آن یاد داشت گردیده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری [illegible] (۵۵) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض ([illegible] ۱۵ [illegible]) [illegible] (۳۷۶).

|۵۱۴| دیوان اسیری (فارسی)

شیخ شمس الدین محمد بن یحیی(۱) بن علی لاهیجی متوفی بسال ۹۱۲(۲) که یکی ازخلفای سید محمد نوربخش (۷۹۵-۸۶۹)(۳) مؤسس سلسله نوربخشیه است که

(۱) درص ۹۵۹ هفت اقلیم درذیل لاهیجان زیرعنوان قاضی یحیی گوید : [illegible] قاضی عبدالله [illegible] ۵۵۹ [illegible]

شرح گلشن راز ومثنوی اسرارالشهود وی (درهمین فصل ازاین دو کتاب معرّفی میشود) حاکی ازمراتب فضل و کمال علم و ادب و عرفان ایشان میباشد ، پس‌از مراد خویش در شیراز رحل اقامت انداخته و بدستگیری مشغول و خانقاهی بنام **نوریه** ساخت ودرهمانجا بخاك سپرده شد .

گذشته ازادله ای که قاضی نورالله برتشیع وی نقل کرده در دیوان وی‌ابیات زیادی میباشد و از آنها این بیت : (مرتضی آن منبع صدق وصفا☆آن وصیّ و جانشین مصطفی) صریح درتشیع اوست .

دیوان لاهیجی (اسیری) شامل‌غزلیات ورباعیاتیست که بترتیب قوافی مرتب بحروف تهجی بوده وغزلیات نسخه این کتابخانه اوراق آن جابجا گردیده چندورقی هم از آن افتاده وتمام دیوان موافق نسخه ایکه دریکی ازمجموعات کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود(۴۳۹۰)بیت میباشد و نسخهٔ این کتابخانه درحدود(۳۰۰۰) بیت است وقاضی نورالله گفته‌اند که « دیوان او مشهور وشطری از اشعار ایشان درشرح گلشن راز موجود است» .

در آخر نسخهٔ (دیوان) این کتابخانه دو رسالهٔ کوچك کـه یکی در شرح این رباعی : از پنجهٔ پنج ششدرشش بـدرآی وزکش مکش سپهر سرکش بدرآی

خواهی که چشی ذوق خوشیهای عدم ازناخوشی وجودخوش‌خوش‌بدرآی .

وآغاز آن اینست : بسمله . . . حمد وسپاس وثنای بیقیاس حضرت واجب‌الوجودی راکه اعیان ممکنات الخ (در۷۷ بیت)

ودیگری که ناقص‌است وازآن۸۹ بیت مانده درشرح این بیت است :

زدریای شهادت‌چون‌نهنگ‌لا برآردهو تیمم‌فرض گردد نوح‌را در وقت طوفانش

(نسخهٔ کامل‌این رساله درکتابخانهٔ مجلس موجود است)

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۵۸)

بقینی (بیش از این بقینی را نام برده وگوید از جانب پدر بسلسله نوربخشیه می‌پیوسته) است و گذشته ازشاعری بزیّ اهل‌تصوف درآمد وریاضات‌زیاد کشید . وظاهرا این‌قاضی‌بدراسیری‌است

۲) شرح حال این‌مرد را درس۳۱۶و۳۱۹ مجالس‌المؤمنین ودرص ۱۴۳ ج۲ طرائق وص۴۰ ریاض‌العارفین (چاپ اول) ومختصری درص دانشمندان آذربایجان نگاه کنید .

۳) از ص ۳۰ ج۳ طرائق وص۳۱۲ و۳۱۵ مجالس‌المؤمنین که شامل شرح حال آنجناب‌میباشد بن تاریخ نقل کردیده .

و آغاز آن اینست بسمله . . . . . حمد و سپاس بیحد بر حضرت احد صمد و درود وثنای بی عدد برپیغمبر ما محمد ص متواتر و متوالیاً الی الابد الخ . و در مجموعهٔ کتابخانهٔ مجلس رساله ای (درحدود ۱۲۰ بیت) درشرح دوبیت ازمولوی: چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد الخ بفارسی موجود و آغاز آن اینست: بسمله الحمدلله الذی کان احادیته الخ .

گذشته از طرز عبارت این رساله و تصریح بر ارادت به سید محمد نوربخش در آن، که دلیل بر نسبت به اسیریست ، بر نسخهٔ مجلس صریحاً این دو رساله به اسیری نسبت داده شده است .

(۱۱۶۲)

دیوان اسیری این نسخه بخط نستعلیق (در اوائل قرن یازدهم هجری نوشته شده (در آخر مثنوی اسرار الشهود تاریخ اتمام سال ۱۱۸۲ یادداشت گردیده ولی این تاریخ اصل کتاب نیست بلکه هنگام تکمیل نقص و افتاد های آن کتاب میباشد وطرز کاغذ ونگارش مؤید است) ، مثنوی اسیری که آنرا « اسرارالشهود » نامیده و درهمین فصل از آن نام خواهیم برد پیش از غزلیات گذارده شده و دو رساله که درمعنی یك رباعی ویك بیت میباشد و مختصر معرّفی از آن گردید پس از رباعیات اسیری است ، اوراق غزلیات جابجا شده و برخی از آنها افتاده و دو مکتوب دوستانه درحاشیه چند صفحهٔ آن نگارش یافته و رسالهٔ دوم ناقص و آخرین سطر آن اینست: محرم سرادقات حضرت الهی خواهد بود بیت:

ز من جان پدر این پند بپذیر — برو دامان صاحب دولتی گیر
که قطره تا صدف را درنیابد — نگردد گوهر و روشن نتابد .

آغاز نسخه : ای اسیری چون گرفتارش شدی — دائما خون دل از دیده ببار

انجام نسخه: مامست شراب وصل یاریم — از هردو جهان خبر نداریم .

پشت صفحه نخستین رسالهٔ اول گلی بامداد ترسیم شده وظاهراً اثر فضلعلی قاجاراست که در آخر اسرار الشهود نیز گلی بسال ۱۲۲۳ ترسیم کرده و در آنجا رقم کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کتاب (۱۸۹) دیوان (۹۱) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۴۶) .

[٥١٥] دیوان اظهری (فارسی)

اظهری یکی ازشعرای بسیارعالیجناب عصرصفوی میباشد ، درکتب تذکره وسائر مآخذ که در دست نگارنده میباشد نام واثری از وی نیافته ام ، درآخراین دیوان خود تصریح نموده که نامش **بوداق** بوده (دریکی ازابیات دیوان نیز تصریح باین نام کرده) و تولدش را بسال ۹۹۱ اشاره نموده قصائد، وغزلیات و مقطعات ومثنوی ورباعیات وی هریك دارای روحی لطیف و عباراتی دلنشین میباشد و در ابتداء دیوان بسال ۱۰۳۰ دیباچه ای بنثر ، چون آب زلال انشا نموده و در آغاز غزلیات نیز دیباچهٔ دیگری دارد وازمندرجات درمتن وحواشی نسخهٔ زیرین که نخستین نسخهٔ دیوان این شاعر میباشد بدست می آید که تا سال ۱۰٦۱ زنده بوده و پس از این سال که شاعر هفتاد سال داشته از او خبری ندارم و اشعاریکه در حاشیهٔ صفحات ازانواع نام بردهٔ بالانوشته شده، پس ازاتمام نسخه میباشد که بسال ۱۰٥٤ نگارش یافته است .

اظهری ازاینکه دیگری دراصفهان تخلص ویرا برداشته شکایت نموده وگوید :

قریب پنجه سال است کین تخلص من — به اظهری شده در روزگار افسانه
ز حال غره بی دانشی ابوجهلی — که در فرائض اسلام هست بیگانه
بخود تخلّص من بسته از تهی مغزی — که تابگویند او نیزهست فرزانه الخ

ودر این دیوان نظمی بتاریخ سال ۱۰۱۲ که شاعر ۲۱ سال داشته وجود دارد، ودراین دوبیت تصریح نموده که اصلش ازشیراز است:

گر نیم یونانی اما اصلم از شیراز بس — کوحکیمی تا زفضلم مایهٔ حکمت برد
شد مزاجم منقلب باآنکه دراین روزگار — ارطیون طبعم ازیك نسخه صدجان پرورد

برای هریك ازقصائدخویش نامی بدین گونه گذارده ،وردالابرار ،ضیاءالقلوب ، منتخب النفائس ، تحفة الخیال ، امواج العباد ، فخرالسالکین ، افتخار الملوك ، تحفةالاغنیاء وانوارالعیون .

وچون نام و آثاری از این شاعر در تذکره ای نیست خواستم از اشعار وی انتخابی نموده ونمونه ای از آثار این شاعر را بنظر خوانندگان گرام برساند، بهر

قسم از اقسام اشعاروی توجه نموده نقل آنرا ترجیح بلا مرجح یافته برای رفع تردید بخود دیوان تفأل زدم

این قصیده که آنرا «**سویداءالضمیر**» نامیده آشکارا شد :

هر چند که شایسته شمشیر بلایم — یکباره مدارای فلک این ظلم روایم
در پای میفکن که گرانمایه متاعم — در دام میازار که فرخنده همایم
بر تخت فراغت گهر افسر شاهم — در کنج قناعت دُرَر گوش گدایم
در زیر لب خسته دلان نکته مهرم — بر لوح دل سیمبران حرف وفایم
چون کلک قضا چهره گل گشت نگارم — چون باد سحر طره شبرنگ گشایم
در محفل نازک بدنان نوگل حسنم — بر مشهد خونین کفنان مهر گیایم
ذوق دل اطفال گلستان چو نسیمم — رنگ رخ گلزار نکوئی چو حبابم
در ناصیه کینه وران عقده گذارم — از آینه تیره دلان زنگ زدایم
در زیب گلستان گهرآمیز مسایم — در بزم ریاحین طرب انگیز صبایم
چون یاد رخ شمع وشان شعله فروزم — چون درد دل غمزدگان ناله فزایم
چون پیک غم ماه رخان سینه نوردم — چون دست دل درد کشان جیب گشایم
افلاک برد فیض ز سیارهٔ فکرم — خورشید کشد شرم ز آئینهٔ رایم
طوطی رود ازهوش زشیرینی نطقم — بلبل فتد از ناله ز گلبانگ نوایم
طاوس ارم برتن خود جامه زند چاک — از غیرت این خرقه صد رنگ نمایم
ازبال طبیعت بودم جلوه که آن موج — کز جان ملایک نرود ذوق هوایم
آندم که باقلیم تخیل فتدم سیر — چون سایه دود روح عطارد زقفایم
برخاک فتادست ازان پرتو خورشید — تا عارض خود سوده کند در ته پایم
ای چرخ نکوئی که به آن گرمی بازار — با این گهر طبع چه دادی به بهایم
یکبار بنه گوش رضا بر سخن من — بی مصلحتی نیست اگر هرزه سرایم
از سستی آیین تو شد ورنه نمودی — گنج دو جهان بخشش ایام فدایم
من تا بدم مرگ برای تو دویدم — هرگز تو برقی سر موئی برضایم
ای سنگدل آخر چو توئی راحه سرایت — گیرم که سر سر زند از جیب دعایم
مه و سپر اندازی رزم تو ازین بس — تدبیر دگر نیست تو دانی و خدایم

قصائد وی مرتباً در توحید و نعت پیغمبر اکرم ص ع و مناقب ائمه اثنی عشر ع و مدح شاه عباس کبیر و شاه صفی و شاه عباس ثانی و امراء آن عصر و دیگر مطالب عرفانی و وصف فصول و غیره است .

ودراین دیوان ماده تاریخهای زیاد موجود وازاشعار وی برمی‌آید که تاآخر عمرجوانی را ترك نگفته وخود مکرّر اظهارخجلت نموده ، از آنهاست :

کار تو اظهری همه لهو و لعب بود　　آسوده دل ززلف پریشان نمیشوی
مویت سفید گشت ازین کار های بد　　رویت سیاه باد پشیمان نمیشوی

برای اینکه نمونه ای از نثر این شاعر را هم نشان داده باشیم بنقل این بخش که درآخر دیوان (نسخهٔ زیرین) نوشته مبادرت گردید :

« ناظمه وکاتبه العبد العاصی بوداق اظهری

خود بعصیان‌خود ازشرم گواهی‌دارم　　تکیه بر مرحمت عفو الهی دارم

لله الحمد که در سن شصت و سه سالگی بهوا داری عینك که معاون دیده روزگار دیدگانست بترتیب وتحریر این نسخه مبادرت نمود وآنچه ازحوادث دوران وتطاول زمان ازحمله دوشیزگان طبیعت بازمانده بود بقلم شکسته رقم خود بصورت ترقیم درآورد وبعضی اشعارمقطعات ومثنویات و غیره که زیاده از ترهات نسخه مرقومه به کسوت رسوائی ملبس و بعبارات هذیان ملوث بود و موافق گفتگوی این سن و نوشتن این روزگار نبود از دیوان اخراج نمود با وجود مهر پدر فرزندی طبیعت لائق ندانست و بجهة اضافه ونقصان کلك کاتبان بنوشتن ایشان قائل نشده مابقی ذخیره مردم دیده را بدین صحیفه مصروف ساخت فرموده قدوةالمحققین مصلح‌الدین سعدی شیراز را بکار آورد

کهن جامه خویش پیراستن　　به از جامه عاریت خواستن

چون بعضی ترددات و اشغال اشتغال داشت اگرسهوی وخطائی بدین جهت رو داده باشد بلبلان گلشن بلاغت و طوطیان شکرستان فصاحت بنکته عیب او مترنم ومترنم نگردند و بدین عجز عذر خواهی معذور فرمایند در مقام زکم قرا باغ بتاریخ هفدهم شهر ربیع الاول سنه پیچی‌ایل ۱۰۵۴ قلمی شد .

این دیوان در حدود (۱۱۰۰۰) بیت شعر میباشد وتاکنون نسخهٔ دیگری از آنرا درکتابخانه ای سراغ نیافته ام .

آغاز : بسمله　ای زیور رخساره جان از کرمت　　سرمایهٔ گردش زبان از کرمت
آرایش دیوان بیان از کرمت　　احیای زمین‌و آسمان از کرمت

از افتتاح ابواب خزائن سخن بمفتاح دلگشای ثنای یگانهٔ که شیرازهٔ بند مجموعهٔ کاینات وچمن پیرای سرابستان حیاتست وانجلای ابصارشواهد معانی بمصباح جهان آرای انوار عنایت الخ .

(۱۱۶۳)

دیوان اظهری این نسخه بخط نستعلیق خوب **اظهری** شاعر ومنشی آنست و گذشته ازتصریح در آخر دیوان (۷ برگ بآخر نسخه مانده) طرزنگارش واشعاریکه پس از این تاریخ انشاء گردیده و درحاشیه نگارش یافته وتصریح در چندین جای از عناوین مطالب به اینکه : بنده اظهری در جواب این قطعه گفته‌ام . ونظائراینها ، مؤید این ادعاست ، میان برگ اوّل ودوّم کنونی نسخه، برگهائی افتاده وکنار بعضی از اوراق که بقرینه اوراق بعد معلوم میشود بر آنها نیز ابیاتی بوده پاره شده و وصالی گردیده و قسمت بیشتر از برگ آخر پاره شده واز میان رفته است ، ۷ برگ آخر نسخهٔ رباعیاتی استکه پس از تنظیم دیوان درمسودات مؤلف یافت شده وپیش ازنگارش آنها خودوی نیزنوشته اند :

«بعدازتحریرنسخه بعضی رباعیات که درمیان سیاهیهای اشعار پیدا شدوصورت تنظیم یافت همچنین مرقوم شد » .

جلد مرغش . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۴۳) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۷۷) .

[۵۱۶] دیوان انوری (فارسی)

انوری (اوحدالدین محمدبن محمد(۱) ابیوردی(۲) خاورانی متوفی بسال ۵۸۳(۳)) (٤) ازشعرای قصیده سرا وغزل گوی قرن ششم هجری میباشد ، قصائد

(۱) عوفی نام وی وپدرش را محمد ثبت نموده ولی صاحب مجمع الفصحا بنام علی بن اسحق معرفی کرده وخود وی جد خود را اسحق نامیده

زنده اسلاف تو بنو حو بمن جدم اسحق وجدت سمعیل است

(۲) ابیورد یا **باورد** شهری است ازخراسان میان سرخس ونسا (معجم البلدان ج ۱ ص ٤۸۰) میباشد ، در تذکره دولتشاه و مجمع الفصحا و سخن و سخنوران انوری ابیوردی و در آثار البلاد و تاریخ گزیده و هفت اقلیم خاورانی (وگویند که خاوران ناحیه ایست از خراسان) معرفی گردیده است .

(۳) درتذکره دولتشاه وفات انوری بسال ۵٤۷ ودر هفت اقلیم بسال ۵۸۳ ودرمجمع الفصحا بسال ۵۷۵ ثبت گردیده وچون درتاریخ گزیده وهفت اقلیم قران کواکب سیاره بسال ۵۸۱ ودرکامل التواریخ در ذیل حوادث سال ۵۸۲ ثبت گردیده بنا براین و شهرت نسبت این استخراج نجومی بانوری وشهادت اشارات تاریخی در اشعار انوری که مسلما پس از سال ۵٤۷ بوده تاریخ آخر که

(بقیه حاشیه در صفحه ۵٦۵)

ومقطعات وی بسیارمشهور و گذشته ازنگارش تذکره نویسان ازاشعاروی ظاهر و هویداست که سالها درراه کسب فضائل وعلوم معقول و منقول رنج برده و در نجوم و هندسه و حساب دستی قوی داشته و دولتشاه گوید چند رساله در نجوم نوشته (۱) ومعاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و بمداحی وی ووزراء و امراء او پرداخته وزبانش بهجو باز بوده وحتی گفته اند که انوری خود ومادرش را نیز هجا گفته وبهمین جهت بدزبانی بلخیان قصد آزارش کرده وقاضی حمیدالدین صاحب مقامات اورانجات داده (۲) وبدین سبب حمیدالدین را مدح ها کرده است

درنخستین نسخه ذیل که نسخه ای کهن سال ازدیوان انوری میباشد پیش از مثنوی در هجو قاضی عمزاده بلخی، شرحی نوشته وظاهراً نویسنده این شرح معاصر شاعر بوده وچون شامل بخشی ازشرح حال انوری است دراینجا عیناً آورده میشود:

« حکیم اوحدالدین انوری درانج (کذا) هنوزدراوان شباب بود واکتساب علم وحکمت میکرد پدراو **وحیدالدین محمد** بجوار رحمت حق پیوست ومال واسباب بسیار گذاشت ، انوری دست بدان مال دراز کرد وبای در خرابات نهاد و بمدت اندك آن میراث بشراب و شاهد آخر رسانید چون مفلس شد هیچ نماند شعر وشیوه مدح بگزید و بوقت حاجت قصیده میگفت و بدان روزگار نامرادی بسرمیبرد ناگاه تاج الدین (درنسخهٔ دیگر- تاج الدین عم زاده بلخی) اورا تشنیع

(بقیه حاشیه از صفحه ٥٦٤)

قول صاحب هفت اقلیم باشد براقوال دیگرترجیح داردوحمدالله مستوفی درتاریخ گزیده (ص ٤٧٤) عکسی و نزهت القلوب محاسبه انوری و اثر قران را درست دانسته و گوید این سال مطابق با سالی است که جنگیز خان به سرداری برقرار و شروع به بیشرفت در خرابی جهان نموده است . (نه تولد وی که بعضی نوشته اند)

(٤) لباب الالباب ج ۲ ص ۱۲۵-۱۳۸ ، حواشی ج ۱ لباب الالباب ازآقای قزوینی ص ۳٤۳ ، آثارالبلاد درذیل خاوران(ص ۲۰۷ نسخه مدرسه) ، تاریخ گزیده ص ٤٧٤،٤٨٨،٨١٣و٨١٥، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۸۳-۸٦ ، هفت اقلیم ص۲٤۹-۲٥۲ ، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۱٥۲-۱٦۷ و سخن وسخنوران ج ۱ ص ۳٥٦-۳۸٦ مختصرا ومفصلاً از انوری بحث کرده‌اند واین شرح با مراجعه بآنها نگارش یافت .

(۱) تا کنون به نسخه ای ازاین رسائل دست نیافته ام .

(۲) در ص ٦٥ همین مجلد از فهرست درذیل معرفی از حمیدالدین بلخی نگاهداری اوازانوری‌را در اثرعدم وقوع اثر قران دانسته‌ام واین غلط است وعلّت این بود که بلخیها چون شنیده بودند انوری آنهارا هجا گفته در غضب شده و در خیال آزار وی بوده اند .

کرده و بی رمئینت (کذا) معائب او را (بروی او ـ در نسخه دیگر) گفتن گرفت انوری را این نوع دشوار نمود وبربدیهه آغاز نهاد و آن اینست »

دیوان انوری که درحدود (۱۰۰۰۰) بیت شعر دارد وبسال ۱۲۶۶ درتبریز چاپ گردیده وچون مشتمل براصطلاحات حکمی وفلسفی وریاضی ونجومی میباشد وفهمیدن آنها مشکل بوده بعضی بحل مشکلات وی پرداخته اند و در این فصل دوشرح آنرا معرفی خواهم نمود .

آغاز هریك از نسخ را درجای خود نقل مینمائیم .

(۱۱۶۴)

دیوان انوری این نسخه ایست کهنه و شاید از خطوط اوائل قرن هفتم هجری باشد ، صفحهٔ نخستین و اوراقی از آخر کتاب افتاده ، چند بیت صفحهٔ نخستین را بر ورقی نوشته وبه نسخه پیوسته اند ، شامل قصائد وغزلیات و مقطعات ومثنوی هجوقاضی بلخ (۱۶۲ بیت) و رباعیات (۳۰۵ رباعی) میباشد ، اطراف صفحه دوم تذهیب ونقاشی کهنه ایست واین برگ وصالی شده و نسخه درحدود (۱۳۱۰۰) بیت دارد وبقصیده ای شروع شده که آغاز آن اینست :

مقدری نه بآلت بقدره مطلق کند بشکل بخاری چو گنبد ازرق .

جلد میشن دور گرفته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ گنجینه (۲۰۹) .

(۱۱۶۵)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهراً در قرن یازدهم هجری نوشته شده ، سه سرلوح زیبا دارد وصفحه ایکه شامل آنست ودیگری که مقابل آن میباشد تذهیب ونقاشی گردیده سرلوح اول پس از نوشتن نسخه بصفحهٔ اول پیوسته شده و گذشته ازاینکه بر آن نوشته شده : مقطعات مولانا انوری برگ اول وبرگ شامل مقطعات گواهی میدهند که سرلوح های آنها جابجا شده ، تمام فاصله های میان دو قصیده یا قطعه یاغزل یا رباعی تذهیب ونقاشی شده وصفحات مجدول بطلا وزنگار وشنگرف میباشد و اوراق متن وحاشیه است واز آخر نسخه اوراقی افتاده ومطلع اولین قصیده اینست :

ای قاعده تازه ز دست تو کرم را وی مرتبه تو ز بنان تو قلم را

وشعر آخر نسخه اینست :

ای محنت هجر بردلم سرنائی وی دولت وصل از درم درنائی

در پشت جلد دست چپ شرحی بسال ۱۲۵۷ بخط شکسته نستعلیق خوب درمعرّفی ازنسخه نگارش یافته ونسخهٔ نفیسی است عبارت نثری که درنسخهٔ کهن سال موجود است وبالای این سطرها در ص۵۱۵ و۵۶۶ نقل گردیده با تصحیف واسقاط برخی ازلطمات دراین نسخه نیزنگاشته شده واین نسخه درحدود(۱۱۳۵۰) بیت را شامل است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ متن خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۷) . صفحه‌ای (۲۶) بیت درمتن و حاشیه . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۱۱) .

(۱۱۶۶)

دیوان انوری

این‌نسخه را بسال ۱۰۰۵ علیجان بن حیدرعلی بخط نستعلیق نوشته ، دارای دو سرلوح کوچك (یکی در اول نسخه ودیگری دراول بخش‌غزلیات) میباشد ودرابتداء مقطعات ورباعیات سرسوره های میناکاری ظریفی است ، صفحات مجدول بطلاولاجورد وعناوین باشنجرف است ، پشت صفحه نخستین جلال‌الدین محمد منجم مالك بودن خود را تذکرداده ، در حواشی‌چند صفحه از صفحاتیکه‌شامل‌مقطعات میباشد، ابیاتی‌ازمنجم مذکوربخطوی نوشته شده ، تمام اوراق باکمال‌استادی متن وحاشیه گردیده واین نسخه درحدود (۱۴۰۰۰) بیت شعردارد و آغاز آن اینست :

صبا بسبزه بیاراست داردنیی را نمونه گشت زمین مرغزارعقبی را

جلد میشن .کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق(۳۴۲). صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۱۲) .

(۱۱۶۷)

دیوان انوری

این‌نسخه بخط نستعلیق‌نویسندهٔ بدخطی که‌ازخودوسال کتابت نام‌نبرده ، نگارش‌یافته(ظاهراً درقرن‌دهم‌نوشته‌شده)،دوبرگ

از اول نسخه افتاده بوده اخیراً نگاشته اند ، برگهائی هم از میان نسخه افتاده وبرخی از آنهاهم جابجا شده ، قصائد وغزلیات آن مرتب بحروف تهجی برحسب ردیف ها وشامل مقطعات ورباعیات نیزمیباشد، درحدود (۷۹۰۰) بیت شعراست ، بعضی ازصفحات آن مجدول بسرخی وزنگار گردیدهوبیت اول آن اینست :

بازاین چه جوانی و جمال است جهانرا وین حال که نوگشت زمین راو زمان را

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۹۴) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۰۷) .

(۱۱۶۸)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً دراوائل قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، شامل قصائد و مقطعات و رباعیات و غزلیات میباشد و در حدود (۸۲۰۰) بیت دارد وبدین بیت شروع شده است :

ای ملك تورا عرصهٔ عالم سر کوئی با حجت عدل توستم بیهده گوئی .

یك سرلوح کوچك ظریف دارد و صفحات مجدول بطلااست .

جلد ساغری نیم‌ضربی . کاغذ شمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۳۲) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (½ ۲۳ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۱۰) .

(۱۱۶۹)

دیوان انوری این نسخه را بسال ۱۲۳۰ محمد رضی بن محمد رحیم آشتیانی قمی بخط شکسته نستعلیق نوشته و شامل قصائد و مقطعات ومثنوی هجو قاضی وغزلیات ورباعیات میباشد . درمتن وحاشیه نوشته شده ودر حدود (۱۲۰۰۰) بیت شعر است ونخستین بیت آن اینست :

مقدری نه بآلت بقدرت مطلق کند ز تکل بخاری چو گنبد ازرق.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۳۸) . صفحه‌ای (۱۸) سطر درمتن (۸) درحاشیه . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۸) .

(۱۱۷۰)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم) ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده، شامل قصائدو مقطعات وغزلیات ودرحدود (۹۸۵۰) بیت میباشد وبدین شعر شروع گردیده:

صبا بسبزه بیاراست دار دنیی را نمونه گشت زمین مرغزار عقبی را

یك سرلوح دراول کتاب موجود ، صفحات مجدول به اکلیل میباشد ، وقفنامه مدرسه را که پشت صفحهٔ نخستین بوده محو کرده اند ، یادداشتی مورخ بسال ۱۲۳۰ محمد حسین طباطبائی نائینی دراین صفحه نوشته وبراین صفحه وبرگ پیش ازآن بسال ۱۳۱۵ نیز یادداشتهائی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱٤) . صفحه‌ای (۱٦) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۱۳) .

(۱۱۷۱)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، (ظاهراً در قرن سیزدهم) ، شرح حال انوری ازتذکره آتشکده در دوصفحه پیش از دیوان نقل گردیده وشامل قصائد ومقطعات مثنوی ورباعیات میباشد و در حدود (۱۲٤۰۰) بیت شعردارد وبدین بیت شروع شده :

بازاین چه جوانی وجمال است جهانرا وین حال که نوگشت زمین را وزمان را

وبرگ نخستین وصالی گردیده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۵۷) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۲۰ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۵) .

[۵۱۷] دیوان اهلی خراسانی (فارسی)

اهلی خراسانی ازاهالی ترشیز ومعاصراهلی شیرازی است وبنابرتصریح ادوارد برون(۱) بسال ۹۳٦ درتبریز وفات یافته مردی عاشق پیشه وعاشق فریدون حسین میرزا (۲) پسرسلطانحسین بایقرا گردید ودرعشق وی از پا درافتاده ومجنون‌وار

(۱) ترجمه . ج ٤ تاریخ ادبیات ص ۱۵۵-۱۵٦ .

(۲) در ص ۱۳ و ۱٤ تحفه سامی‌چاپی معرفی گردیده وگوید بسال ۹۲۵ درجنك با ازبکها کشته شده است .

موی شولیده برسر گذاشته غزلیّات زیاد انشاء نمود واین مطلع یکی از آنهااست:

موی ژولیده که برسر من ابتر دارم سایهٔ دولت عشق است که برسردارم

شاهزاده ازاین دلبستگی آگاهی یافت وبرخلاف سیره دیرینه دلبران،دوستدار را دلجوئیها مینمود پس از انقراض آن دودمان بتبریز رفته وتاآخرعمر در آنجا گذرانید ، درشمع انجمن شمارهٔ ابیات وی بیست هزارمعین گردیده ومعاصروی سام میرزا در تحفه سامی(۱) وامین احمد رازی در هفت اقلیم(۲) و خوشگو در تذکره(۳) خود ابیاتی ازغزلهای وی نقل کرده اند وجز غزل ساقی نامه ،آثارشعری دیگری از اونشنیده ودرجائی ندیده ام و این دیوان وی همه غزلیات وساقی نامه ای در مدح ائمّه اثنی عشر شیعه علیهم السلام در ۸۵ بیت است که صریح در تشیع وی میباشد(٤) و غزلیات آن که بحسب ردیف ها مرتب بحروف تهجی است بنا برشماره (۳۱٤۸) بیت شعر است .

آغاز : دوچشمم فرش آن منزل که سازد (سازی) جلوه گاه آنجا
بهرجا پانهی خواهم که گردم خاك راه آنجا
چو خوش بزمیست رنگین صحبت جانان چه سود امّا
که نتوان شد سفید ازشومی بخت سیاه آنجا (۵)

---

(۱) در ص ۱۰۷ تحفه سامی چاپی معرفی از اهلی ترشیزی خراسانی شده و سه بیت از چندین غزل او را هم نقل نموده است .

(۲) درص ٦٥٦ نسخه خطی کامل این مدرسه نام برده شده وچند بیت از او را هم آورده است .

(۳) صاحب این تذکره در حرف همزه دو اهلی را نام برده یکی **اهلی نوائی** و گوید بسال ۹۰۲ بدرود زندگانی گفته ودیگری اهلی شیرازی و گوید این همان اهلی ترشیزی است وحالات این دو را با یکدیگر مخلوط و ابیاتی از این دو نقل نموده وتصور نموده که دو نفر متخلص به اهلی آنهم در یك عصر نمیشود درصورتیکه معاصرین این دو هریك را با خصوصیت مخصوصهٔ بخود معرفی کرده اند .

(٤) این بیت از ساقی نامهٔ اهلی خراسانی :

الهی توئی واقف از حال من — عیان است پیش تو احوال من
بحق محمد رسول انام — علیه الصلوة و علیه السلام
علی ولی سرور اولیا — مجیط کرم گوهر لافتی
باعزاز سلطان دنیا و دین — علی الرضا حجّة هشتمین

(بقیه حاشیه درصفحهٔ ۵۷۱)

(۱۱۷۲)

دیوان اهلی خراسانی

این نسخه در مجموعه ایست که شامل پنج دیوان و بخط نستعلیق میباشد: ۱- دیوان کاتبی، ۲- دیوان شاهی، ۳- دیوان همایون، ٤ - دیوان اهلی خراسانی و ٥ - دیوان لسانی. وهمهٔ آنهارا دراین فصل معرفی کامل خواهم نمود واین دیوان ازص ۲٦۱-٤۰۰ مجموعه را شامل میباشد و در ابتدای هر یك از دیوانهای پنجگانه یك سرلوح بسیارظریف است ومیان سطرهای صفحه سرلوح‌دار وصفحهٔ مقابل آن طلاانداری و نقاشی ظریف شده و کاتب در هیچ‌جا از خود و سال کتابت نام نبرده و ظاهراً درنیمه اول قرن دهم هجری نگارش یافته وتمام صفحات مجدول و در اثر همین کار بسیار از آنها بریده شده است.

جلد میشن. کاغذ بخارائی. واقف سبهسالار. قطع‌وزیری. شمارهٔ اوراق (۳٤۷). صفحه ای (۱۲) سطر. طول (۲۳سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$-۱۲سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹).

[۵۱۸] دیوان بیدل (فارسی)

میرزا عبدالقادر متخلص به **بیدل** از شعرا ومربیان قرن یازدهم و دوازدهم هجری وپسر میرزا عبدالخالق میباشد، بسال ۱۰۵٤ متولد وبسال ۱۱۳۰(۱)وفات یافته، در سرودن انواع اشعار طبع وی توانا و در انشاء نظم برنا بود، در سیر و سلوك وعرفان قدمها زده و مراتبی یافته، کلیات وی که شامل قصائد و غزلیات و مثنویات و رباعیات وترکیب بند ونشرهای متعدد چون **نکات** و مراسلات و غیره

(بقیه حاشیه ازصفحه ۵۷۰)

بمهدی هادی امام انام که یابد ازو ملك و ملت نظام

(٥) درتحفه سامی گوید: روزی شاهزاده بباغی فرموده ومیرزا بخت نام غلام سیاهیرا بر در باغ گذاشته تا کس‌را آنجا نگذارد، مولانا بامید دیدار بدر باغ شتافته موکل مذکور مانع دخول شده مولانا در بدیهه غزلی گفته کهاین‌دو بیت از آنست (همین دوبیت‌را که اول غزل این‌دیوانست نقل‌نموده) درکاغذ نوشته ودرمیان‌موم‌باسیب کرد وازممرّ آب باندرون فرستاد، بعد ازاطلاع‌میرزا اورا طلب کرده و در لطف برویش گشاد. (ای‌کاش همه معشوقها این رویهٔ پسندیده را داشتند تا این بلبلان درمقابل‌گل رویشان هزار دستان خوانند).

(۱) در مقدمه کلیات چاپی وفات بیدل بسال ۱۱۳۳ و در تذکره خوشگو بسال ۱۱۳۰ ضبط گردیده وچون خوشگو معاصر ومستفید از بیدل بوده قول او مقدّم‌است.

ودرحدود (۷۲۰۰۰) بیت کتابت‌دارد بسال۱۲۹۹درهند چاپ گردیده ودرمقدمهٔ آن شرح حال بیدل نگارش یافته وخوشگو درتذکرهٔ خویش دراوائل حرف باء شرح بسیار مفصلی در بیان حالات و نمونه‌ای از آثار وی نگاشته و شاگردی و ملازمت خود را درمجلس افادهٔ ایشان صریحاً اظهارنموده واصل این‌جنابرا مغولی و تورانی وموطن ایشانرا اکبرآباد معیّن کرده ودر مقدّمه کلیّات وفات بیدل در دهلی ثبت گردیده است .

نسخه زیرین برحسب شماره تقریباً شامل ۱۶۰۰۰ بیت میباشد وغزلیات بیدل را مرتب بحروف تهجی از الف تا یاء ومثنوی مختصری بنام « قسم‌نامه » و چندین رباعی‌را نیز در بر دارد .

آغاز : بسمله

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا
سرموئی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

(۱۱۷۳)

دیوان بیدل

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده و بیشتر کلمات‌را بی‌نقطه نگاشته ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ازقرائن احتمال قوی دارد که برای خود مؤلف نوشته شده و اضافاتی که درحواشی نگاشته شده بخط بیدل باشد ودرحاشیهٔ برگ۲۳۵-۲۸۷ « نکات بیدل » که یکی از منشأت نثری وی میباشد کاتب نسخه بخط نستعلیق نوشته ، و بر سه برگی که در آخر نسخه ننوشته بوده یك دو مکتوب و مطالب متفرقه نظم و نثر موجود که‌ظاهرا نیزبخط **بیدل** وانشاء اوست‌ودربعضی‌ازجاها کلمه **بلغ** که‌حاکی از مقابله گردیدن نسخه است دیده میشود .

جلد روغنی گل وبوته ظریف کار هند . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . عظم وزیری کوحث . شمارهٔ اوراق (۴۰۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۰۳) .

[۵۱۹] دیوان (کلیات) تأثیر (فارسی)

میرزا محسن(۱) تأثیر تخلص از تبریزیهای متولد شده در اصفهانست که شاه عباس خانواده آنهارا باصفهان آورده وچنانکه از این رباعی وی :

(در پنجه و پنج عمر درباختنی — یك گوهرم افتاد و نشد ساختنی
تاریخ بجا خالی دندان آمد — انداختمی یکی ز انداختنی)

بدست می آید ، بسال ۱۰۶۰ متولدشده وبنابر تصریح درتذکرهٔ خوشگوبسال ۱۱۲۹ وفات یافته .

این شاعر چنانکه ازمندرجات این دیوان ظاهراست چندی از مستوفیان دربار صفوی وهنگامی رئیس یك قسمت ازتحویل‌خانه بوده وچند سال وزیر یزد گردیده و در سال ۱۱۲۰ چنانکه خود دراین‌قطعه تصریح کرده :

چون خلاص از عمل یزد شدم — گشتم آسوده فتادم به بهشت
پی تاریخ یکی زاهل سخن — قلم آورد و **تخلص** بنوشت

از این مقام معزول و در تذکرة المعاصرین است « در آخرعمر مدتی دست از مهمات دنیا بازداشت بعزت و احترام در اصفهان معتکف منزل خویش بود تابجوار ملك علام رحلت نمود » .

این دیوان‌شامل ۱ـ قصائد درتوحید ومناقب پیغمبراکرم وائمّه مکرّم علیهم صلواة‌الله ومرثیه حضرت سیدالشهداء ع ومدح شاه سلیمان وتاریخ‌ورودعبدالعزیز پادشاه بخارا به‌ایران وورود محمدخان وزیرسابق‌ووزارت وحیدوترکیب بندی بنام « رموزالعاشقین » مزیل به‌منقبت حضرت امام زمان علیه‌السلام وتمام اینها برحسب شمارهٔ دقیق (۱۶۰۰) بیت است. ۲ـ مقطعات وتواریخ در۲۱۶ بیت. ۳ ـ مثنوی دربیان‌معراج‌حضرت‌پیغمبرص ببحرتقارب‌در(۴۳۹)بیت‌وبنام«منهاج‌المعراج»میباشد

آغاز : ستایش همان حد فرزانه ایست — که از سبحه اش نه فلك دانه ایست .

---

(۱) تأثیر در آخر غزلی بنام خود تصریح نموده وگوید :

چند به‌پسرافکنی محسن‌مسنمند خود — هیچ حذر نمیکنی از دم واپسین او

و آقای نربیت هم در دانشمندان آذربایجان (ص ۷۷ـ۸۱) که شرح مفصلی در معرفی از این شاعر و آثار وی نگاشته اند نیز نام ویرا محسن ثبت نموده ، در تذکره خوشگو بنام محمد محسن ودرتاریخ یزدآیتی محمد حسن ثبت گردیده است .

٤ ـ مثنوی بحر مخزن‌الاسرار بنام « جهان نما » در (٦٨٩) بیت

آغاز: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نیزه خطیست بقصد غنیم

٥ ـ « دعوة‌العاشقین » بحر خسرو شیرین در (٢٦٧) بیت

آغاز: بیا ای بلبل فرخ پرو بال که از گل گشتهٔ شوریده احوال

٦ ـ مثنوی در تعریف باغات و عمارات قصر سعادت آباد اصفهان بنام « گلزار سعادت » در (٥٢٧) بیت

آغاز: بسر دارد هوای خامه دولت ز وصف گلشن باغ سعادت

٧ ـ مثنوی درمقابل هفت پیکر بنام « ثمرة‌الحجاب » در (١٤٨) بیت

آغاز: شبی از همدمان ایمانی غفلتی گرم بود روحانی

٨ ـ مثنوی برای مقدمه رساله درمعما در (٢٤) بیت

آغاز: بنام آنکه در اجمال و تفصیل خرد ها رفت از کنهش بتحلیل

٩ ـ مثنوی در وصف تفت یزد و شکر گذاری ازوزارت یزد وثنای پادشاه بنام « حسن اتفاق » در (٢٨٥) بیت

آغاز: تفتست و فرشته بلبل او چون آتش تفته هر گل او

١٠ ـ مثنوی در راستی و درستی و اخلاق بنام « میمنت نامه » در (٢٩٣) بیت

آغاز: بنام خداوند فرد قدیم که بنموده ما را ره مستقیم

١١ ـ غزلیات مرتب بحروف تهجی موافق ردیف ها در (١٠٢٤٠) بیت

آغاز: ای در کف حمد تو سر رشته عنوانها دارند سرافرازی از نام تو دیوانها

١٢ ـ فردها و ابیات متفرقه مرتب بحروف تهجی موافق ردیف ها در (١٠٠٠) بیت.

١٣ ـ رباعیات (١٣٠ رباعی).

١٤ ـ قصائد و غزلیات و قطعات که بترکی انشاء کرده در (٤٤٧) بیت.

بنابر تعیین تحقیقی بالا این دیوان یا کلیات شامل (١٦٤٣٥) بیت میباشد ولی از خلاصة‌الافکار، آقای تربیت نقل کرده اند که دیوانش ده هزار بیت خواهد بود و بنابر شمارهٔ بالا مرادش فقط غزلیات بوده است و خوشگو نوشته که تألیف دیوان خودرا خدمت حکیم‌الممالك شیخ حسین شهرت بهند فرستاد و منظور نظر همه شعرا گردید و منهم از آن بهره ها گرفتم.

(۱۱۷٤)

دیوان تاثیر این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ازقرائن بدست می آید که درزمان حیوة شاعر نوشته شده وبنظر او رسیده ودرچند جا کلمهٔ **بلغ** دیده میشود و از حاشیه ایکه نویسنده درکنار صفحهٔ اول اشعار ترکی نوشته اند این احتمال تأیید میشود ، برگ اول نسخه را چون سرلوح داشته بریده و برده اند وبهمین صورت وقف گردیده ، سه سرلوح مذهب دراوائل قسمت ۲ و ۵ و ۱۱ موجود وصفحات مجدول بطلا میباشد وپاره ای از اوراق وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤۵۵) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۳) .

[۵۲۰] دیوان ثنائی (فارسی)

خواجه حسین متخلص به ثنائی (۱) پسر غیاث الدین محمد مشهدیست وازشعرای اواخر قرن دهم هجری ومداح ائمه اثنی عشر علیهم السلام میباشد وبنا برضبط در تذکره خوشگو بسال ۹۹٦ در لاهور بسرای آخرت شتافته وخالوزادهٔ وی میرمحمد باقر بن میرعربشاه مشهدی جنازهٔ اورا بمشهد برده و درآن آستان مقدس دفن نموده ، بعضی از شعرای معاصر ، اورا خاقانی وقت وحسّان زمان یاد میکنند اگرچه بعضی ازشعرای وقت چون میرزا قلی میلی (۲) وولی دشت بیاضی با وی می‌پیچیدند واو را بخامی طبع ونقصان فطرت منسوب میساختند ومباحثهٔ ایشان مشهوراست ، درج۱ تاریخ عالم آرای عباسی نام برده شده و دربارهٔ وی گوید : شاعر قصیده گوئیست معانی بلند دارد واما درشعر قصیده پیچیده میگوید که طبع اکثر سخن سنجان روزگار ازدرك معنی آن قاصر است . و آذر در آتشکده در بارهٔ ثنائی گوید : دیوانش ملاحظه شد بزعم فقیر یا کسی فهم معنی کلام ایشان ندارد یا کلام ایشان معنی ندارد .(۳)

(۱) درتذکره خوشگو شاعر یراکه نیز متخلص به ثنائی ومعاصر اکبرشاه بوده نام برده شده و از او سه بیت نقل نموده است .

(۲) میرزاقلی میلی درتذکره خوشگو معرفی شده وگوید بسال ۹۸٤ میل گل کشت عالم بالانمود .

(۳) آتشکده آذر ص ۹۰ چاپی

در تذکره حسینی است که با فیضی وعرفی مشاعره نموده و از پهلوانان عرصهٔ سخنوری است ودیوانش تخمیناً پنجهزار (۱) بیت بوده است .

در مقدمهٔ دیوان دیباچه‌ای به نثر خود وی نگاشته و بنام و نسب و تخلص و وطن خویش تصریح نموده و خود را ندیم (همزبان) ابراهیم میرزای صفوی حاکم خراسان معرفی ودرمدح وثنای وی قصائد واشعار متعدد دارد و دیوان او مرکّب ازقصائد وغزلیات وقطعات ورباعیات و ساقی‌نامه است .

آغاز دیباچه : حمدی که متکلمان سخن گذار فصاحت شعار و نادره گویان بلاغت دثار الخ .

آغاز دیوان :

در روش حسن و نازهست کسی خوش نما

غمزه بطرز ستم عشوه برنگ جفا .

(۱۱۷۵)

دیوان ثنائی مشهدی

این نسخه را بسال ۱۰۱۴ محمد حسین مشهدی بخط نستعلیق نوشته ، در ابتداء قصائد و قطعات و غیره باز گذارده شده که تاریخ انشاء ومورد آن که در دیباچه تذکر داده شده نگارش شود ، «دیوان ولی‌دشت بیاضی» که درهمین فصل معرفی خواهد شد بخط همین نویسنده بسال ۱۰۲۵ نوشته شده و پیوستهٔ به این دیوانست ، پشت صفحه نخستین نسخه ودر آخر دیوان ولی یادداشتهائی گردیده است .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شمارهٔ اوراق دو نسخه (۲۳۳) . این دیوان (۱۱۰) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۴) .

(۱۱۷۶)

دیوان ثنائی مشهدی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، دیوان نظام استرابادی (قصائد) پیوسته بآنست ، پشت صفحهٔ نخستین محمد شریف ابن صفی قلی تملک خویش را یادداشت نموده ودر یادداشت

(۱) نسخهٔ اول دیوان نامبرده در این فهرست شامل ۲۸۵۸ بیت و نسخهٔ دوم شامل ۳۱۴۲ بیت است .

دیگر تولد خودرا بسال ۱۰۵۱ درماه ربیع‌الاول نیز ذکرنموده بنابراین و شهادت کاغذ ومرکب بایستی‌نسخه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته باشد ، دیباچه‌ایکه خود ثنائی براین دیوان نوشته (در پنج‌ورق) این‌نسخه شامل ، سه برك اول نسخه و صالی‌شده واز آخر آن اوراقی‌افتاده و آثار آبدیدگی‌دربرگها ظاهرولی‌خطوط آن‌ضایع‌نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۵۹). این دیوان (۱۰۵) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($12\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۷۵) .

[۵۲۱] دیوان جامی (فارسی)

عبدالرحمن جامی ازمشاهیر علما و شعرا ومتصوّفه نقشبندیّه است و در ص ۳۵۷-۳۵۹ شرح حال ومؤلفاتی ازایشان را نگاشته ایم ، خود وی درمقدمه نفیس این‌دیوان نگاشته که پیش ازاین دیوان خودرا برنهج ترتیب حروف‌تهجّی‌مرتب کرده بودم واکنون برآن شدم‌که آنرا بترتیبی که شایسته است مرتب نمایم وقصائدرا بدین ترتیب :حمد وثناء الٰهی ، نعت حضرت‌رسالت پناهی‌ص وحضرت مولی‌الموالی‌ع‌وائمّه‌هدیع ، مدح پادشاه عصر (سلطان حسین) ، نصائح ومواعظ بدون رعایت قوافی منظّم نموده و در تاریخ این ترتیب گوید :

« وشروع دراین ترتیب درتاریخی بود که واقفان قواعد معمّا از این رباعی استخراج‌توانند نمود:

رباعی

بادل گفتم کای بصفا گشته سمر — هستی‌صدف‌پراز گهرچیست‌خبر
از گوهر سال نظم این عقد درر — برروی صدف نهاد یکدانه گهر »

بنابراین بسال ۸۸٤ که چهارده سال پیش از مرگ وی باشد این کار انجام یافته است .

این‌دیوان جامی گذشته ازقصائد شامل‌غزلیّات مرتّبهٔ بحروف تهجی برحسب قوافی‌ومقطعات ورباعیات میباشد ودرحدود (۸۷۵۰) بیت‌شعردارد وقطعاً پس‌از این‌تاریخ هم شاعر بیکارننشسته وازاینگونه اشعار سروده ودرذیل « هفت‌اورنگ » دراین باب سخنی خواهیم راند .

آغاز دیباچه : بسم الله الرحمن الرحیم هست صلای سرخوان کریم
خوان کرم کرده کریم آشکار گویید بسم‌الله دستی بیار

پاکا پروردگاری که زبان سخن گذار در دهان سخن وران شیرین کار شکر گفتار الخ.

آغاز غزلیات : بسم الله الرحمن الرحیم اعظم اسماء علیم حکیم
خترمان حرم انس را تازه حدیثیست زعهد قدیم
.....
یامن بداجمالك فی کلّ مابدا باداهزار روح مقدس ترافدا

(۱۱۷۷)

دیوان جامی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، شامل قصائد و غزلیات و مقطّعات و رباعیات است ، اطراف دو صفحهٔ نخستین تذهیب و مینا کاری و نقاشی بسیار ظریف گردیده و آیات کریمه‌ای که در دیباچه بآنها تمثل جسته باطلا نگارش یافته ، ابیاتی از قصائد و یك برگ از غزلیات وهشت رباعی از آخر آن افتاده ، چهار برگ از قصائد در ردیف الف از غزلیات صحافی شده ، و در اوّل غزلیات سرلوح ظریفی دارد ، پشت برگ اوّل ترنجی مینا شده و مذهّب میباشد و این برگ و تالی گردیده ، و پیش از شروع به دیباچه دو صفحه نقاشی چینی بسیار ظریف که مجلس بزم سلطان را مجسّم مینماید و هریك تمام صفحه را گرفته موجود ، طرز خط و تذهیب و نقاشی حاکی است که نسخه در اواخر قرن نهم و شاید در زمان خود جامی و برای سلطان حسین میرزا نگارش یافته ابیاتیکه از قصیده اول دیوان افتاده در حاشیهٔ آخر پس برگ دیباچه نوشته شده و تمام برگها خدول بطلاست .

جلد تیماجی ، کاغذ بخارائی ، واقف سپهسالار ، مجموعه‌ای ، شمارهٔ اوراق (۲۵۶) ، صفحه‌ای (۱۷) سطر ، طول (۲۳ سانتیمتر) ، عرض (۱۵ سانتیمتر) ، شمارهٔ ردیف (۳۳۴) .

(۱۱۷۸)

دیوان جامی

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۵۵ مقصود تربتی نوشته و شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات ، در برگ اوّل دارای

سرلوح ظریف و صفحات مجدول بطلا و لاجورد ، پشت برگ اوّل و آخر یادداشتهائی موجود و برخی ازاوراق و صالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ بخارانی . واقف سپهسالار ، قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۶۱). صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۳) .

(۱۱۷۹)

دیوان جامی (ترکیب بند)

این نسخه را میر(۱)علی کاتب مشهور ، بخط نستعلیق بسیار خوب بسال ۹۳۵ در بخارا نوشته و شامل ترکیب بند جامی است که آغاز آن اینست :

صبحدم باده شبانه زدیم ساغرعیش جاودانه زدیم

و از نسخ بسیار نفیس کتابخانه شمرده میشود و نگارش این ترکیب بند که هشتاد و هفت بیت میباشد بامرکب وطلا وسفیدآب و مرکب الوان گردیده وسرلوح بسیارظریف کوچکی دارد ، پشت برگیکه پیش ازبرگ نخستین است یادداشتهائی بوده محوگردیده وآثارآن میرساند که درکتابخانه سلاطین صفویه بوده و ازیادداشتهای پشت آخرین صفحه استفاده میشود که چندیهم این نسخه درهند بوده و درآن هنگام دومجلس نقاشی هم درجلو آن بوده و لیکن اکنون بیست مهر های مختلفی هم در اول و آخر کتاب بوده محوگردیده یك برگ که گلهائی برآن‌رسم شده و یك برگ زرافشان در اول وآخرنسخه است .

جلد روغنی دورو ومیناکاری . کاغذ متن الوان حاشیه افشان . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۶) . صفحه‌ای (۶) سطر . طول (۲۳سانتیمتر) . عرض (۱۶سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴۸) .

[۵۲۲] دیوان حافظ شیرازی (فارسی)

شمس‌الدین محمدبن کمال‌الدین متخلص به **حافظ** ومشهور به **خواجه** مطلق (در زبان ادبا) وخواجه‌حافظ ، ازمشاهیر شعرا ومعاریف‌سخنوران ایران‌میباشد ، از آثارموجودهٔ او کمال‌نفسانی واطلاعات حکمی وعرفانی وی‌هویدا وبنابرتصریح

(۱) درآخرصفحه نویسنده رقم نموده و پیش‌ازنام وی (علی) کلمه‌ای بوده محوگردیده بشت‌ورق اول وآخر تصریح گردیده‌که خطّ اسناد خط میرعلی است . و میر علی هروی در سنگلاخ وخط و خطاطان ص ۱۷۷ معرفی شده .

خود وی قرآن کریم را با چهارده قرائت در حفظ داشته و آنچه نصیبش گردیده همه را از دولت قرآن دانسته و بدین مناسبت تخلص خود را حافظ قرار داده ومدّعی شده که چون وی کسی لطائف حکمی را بانکات قرآنی جمع ننموده ، خداوندگار نگارنده حضرت آقای حاج شیخ یوسف حدائق ادام‌الله ظله‌العالی که شصت سال ازشصت وشش سال عمرخویش‌را درتعلّم وتعلیم اخبار مأثوره ازاهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و تفسیرقرآن کریم و فقه و اصول و حکمت صرف نموده وبااصول ومبانی و آثارعرفا همواره سروکار داشته چندیست که بمطالعهٔ این دیوان اشتغال وادّعای این بزرگ را تصدیق وطالبین را بشرح ابیات ومقالات این لسان‌الغیب وتطبیق آنها باآیات واخبار و قواعد حکمی مستفید میفرمایند .

بنابر مقدمه ایکه معاصروی **محمدگل‌اندام** که از نگارش وی ظاهرست در مجلس درس قوام‌الدّین عبدالله با خواجه شریك در استفاده بوده ، خواجه بنظم وترتیب اشعار خود نپرداخته واستاد مکرر دستور فرموده که گل اندام بدین‌کار مبادرت نماید ولی تاپس از مرگ استاد وخواجه موفق بدین کار نگردیده وپس ازآن بجمع وترتیب آن پرداخته عین عبارت مقدمه اینست : محافظت درس قرآن وملازمت شغل سلطان وتحشیهٔ کشاف ومصباح ومطالعهٔ مطالع و مفتاح(۱) وتحصیل قوانین ادب وتحسین دواوین عرب ازجمع ابیات و غزلیاتش مانع آمدی وازتدوین واثبات ابیاتش وازع گشتی الخ .

بنابراین نسبت تألیف تفسیری بخواجه درست خواهد بود ولی بدبختانه تاکنون نسخه‌ای از آن بدست نیامده‌است و از جملهٔ : « ملازمت شغل‌سلطان » که درمقدمه است معلوم میشود که در دستگاه شیخ ابواسحق و آل مظفر مقام دبیری داشته ونگارنده مجموعه ای که شامل چند رساله و چندین مکتوب مرکب از نظم و نثر میباشدو بسال ۷۸۶ نگاشته شده در کتب‌خطی مجلس‌شورای ملّی ایران یافته وبادلّه‌ای که در فهرست آنجا خواهد نوشت آنرا از خواجه میداند ، و مؤید کامل برصحت

(۱) مفتاح تألیف سکاکی متوفی بسال ۶۲۶ وبنام مطالع کتابهای بسیار است ودرس ۴۵۲-۴۵۴ ج ۲ کشف الظنون نامبرده شده اند ظاهرا مراد مطالع الانوار سراج الدین ارموی متوفی بسال ۶۸۹ میباشد که در حکمت ومنطق میباشد .

قول گل اندام خواهد بود .

تولد خواجه مسلّماً بسال ۷۲۸ بوده چرا که درکاغذیکه بپادشاه هند نوشته ومعذرت ازرفتن خود خواسته شمار عمرخود را پنجاه و پنج معین نموده ومرحوم فرصت‌الدوله در «دریای کبیر» دعوت شاه محمود بهمنی پادشاه دکن را ازخواجه وقصد رفتن وعدم موفقیت او را بسال ۷۸۳ معین نموده (این‌قسمت راشاعرشهیر ودانشمند نحریروخطاط کم نظیرمعاصر محمدحسینی متخلص به **قدسی** که ازشعرای معمّر و بزرگوار کنونی‌شیراز اند از کتاب مذکور در مقدمه دیوان‌حافظ که بخط ایشان‌دربمبئی چاپ گردیده‌نگاشته‌اند) وسال وفات ایشانرا شعرا « **خالک مصلی** » که سال ۷۹۱ را میرساند یافته اند ولی جامی درنفحات‌الانس وسلطان حسین بایقرا در مجالس و هدایت درریاض‌العارفین بسال ۷۹۲ نوشته اند و این اختلاف ناشی از اینست که قطعه ایراکه گل اندام دراواخر مقدمه خود بردیوان نوشته :

(بسال ذال و صاد و حرف اول	ز دور هجرت میمون احمد
بسوی جنت اعلی روان شد	فرید عهد شمس‌الدین محمد
بخاك پاك او چون برگذشتم	نگه کردم صفا و نور مرقد)

وبرخی آنرا **بسال باوصادوذال‌ابجد** ثبت کرده‌اند ، بنابراین ۷۹۲ میشود چنانکه بنابرروایت اوّل ۷۹۱ خواهد بود و مرحوم اعتصام در ص ۲۱۳ فهرست کتب خطی مجلس بنقل ازتذکره نویسان سال ۷۹۴ و ۷۹۵ را نیز در وفات خواجه نقل کرده اند ولی در مآخذیکه(۱)نگارنده در این هنگام بآنها مراجعه نموده این دوسال اخیرثبت نگردیده‌است .

معاصرین‌خواجه شاه داعی‌الله ، شاه نعمت الله ، سید ابوالوفا ، شیخ علی کلا ، شیخ زین‌الدین خوافی ، کمال خجندی و شاه ابو اسحق وشاه منصور وشاه شجاع و شاه محمود پادشاه دکن بوده و در دیوان وی بنام بعضی از ایشان اشعار و مدایحی ثبت گردیده است .

---

(۱) تذکره‌دولتشاه‌سمرقندی‌چاپ‌اروپاص ۳۰۲ـ۳۰۸ ، نفحات‌الانس‌خطی کتابخانه‌ص ۷۲۵ مجالس‌العشاق مجلس چهلم ، مجالس‌المؤمنین‌ص ۳۰۳ـ۳۰۴ ، هفت‌اقلیم‌ص ۱۸۰ـ۱۸۳ ، ریاض‌العارفین(چاپ اول) ص ۱۶۷ـ۱۸۵ ، مجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۱۱ـ۱۴ ، فارسنامه ناصری‌ص ۱۴۴ و ۱۴۵ گفتاردوم ، آثار عجم فرصت‌الدوله ص ۱۶۹ـ۱۷۳ ، طرائق الحقائق ص ۳۰۵ـ۳۰۷ ج ۲ ، مقدمه دیوان چاپ قدسی ومقدمه چاپ آقای بژمان .

اشعار خواجه ازهمان عصر و اوان انشاء مطلوب عام و خاص گردیده و خواجه را هم شهره آفاق کرده ، گروهی از معاصرین هم به وی رشگ برده و خود وی در مقطع غزلی گفته :

حسد چه میبری ای سست نظم بر حافظ قبول خاطر و لطف سخن خدا داداست

و همین مطلوبیت و زیادی نسخه برداشتن از آن باعث تحریف و تصحیف بسیار در آن گردیده و اشعار دیگران هم که اندك شباهتی باشعار حافظ داشته (در بعضی از موارد هم بسیار مبائن باسبك و روش اوست) در دیوان او داخل شده و تشخیص آن بسیار کاری دشوار و جز ادیب بارع و سخن شناس ماهر نمیتواند غث را از سمین و اصل را از بدل تشخیص دهد ، خوشبختانه در این عصر درخشنده جناب آقای محمد علی فروغی (ذکاءالملك) که آثار فلسفی و ادبی ایشان چون آفتاب درخشنده در آسمان ، بدانشمندان ایران جان بخش میکند انتخاب که در مدت سی سال از دیوان حافظ نموده و ذوق سلیم ایشان حاکم بر صحت نسبت آنها بدان شاعر آسمانی بوده ، چاپ و نشر داده اند .

محمد مؤمن در فائدهٔ چهارم از مقدمه عروض خود گوید : شیوع اشعار که از خواجه بنظر رسیده در بیست و سه بحر زیاده نیست .

خواجه اگرچه در فن غزل مهارت کامل داشته ولی قصائد و مقطعات و رباعیات و خمسات و ترجیع بند و ساقی نامه (مثنوی) و غیره نیز دارد . دیوان وی مکرر چاپ شده و بزبانهای زنده ترجمه گردیده و چندین نسخ(۱) از آن بدست ما افتاده است .

(۱۱۸۰)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه را منعم الدین ابو حفص سیرازی که مشهور به صحیح نویسی میباشد ، بخط نستعلیق خوب بسال ۹۱۷ نوشته ، اطراف دو صفحهٔ نخستین با بهترین طرز نقاشی و تذهیب و مینا کاری شده ، در فاصلهٔ غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات و مثنوی نامه‌ها ۲۷۰ رباعی از خیام را که تناسب معنوی با مطالب حافظ داشته باطلا نوشته و خود دیوان در حدود (۵۴۵۰) بیت است .

پنج مجلس نقاشی دارد (یکی از آنها چنین و تعریف است) که مطالب و معانی

(۱) دو شرح از دیوان حافظ در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنها معرفی شده است .

پنج غزل را که در ذیل آنها کشیده شده اند مجسم مینمایند ، نسخه در قرن دوازدهم متعلق بدانشمندانی ترك نژاد بوده و یادداشتها و مهرهای اسم آنها پشت صفحهٔ نخستین و اطراف صفحات دیده میشود .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۲۷) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($10\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۹) .

(۱۱۸۱)

دیوان حافظ و دیوان قاسم انوار

این نسخه بسال ۱۰۰۵ بامر علی بن نظام درشهر لار (از توابع فارس است) بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده صفحه دست راست را اشعار حافظ (در حدود ۵۰۰۰ بیت است) ودست چپ را دیوان قاسم انوار (قاسمی) (نیز در همان حدود از ابیات است) نوشته وتا پنج برگ بآخر مانده همین کار را کرده وچون دیوان خواجه بآخر رسیده تمام پنج ورق را از اشعار قاسمی پر کرده وملتزم شده که در آخر صفحه غزل هریك را تمام کند ، دو صفحه اول هریك دارای سرلوحی زیبا واطراف آنها تذهیب ونقاشی گردیده ومیان سطرهای آنها طلا اندازی و نقاشی شده ، چندین برگ از اول و آخر و صالی شده ونام کاتب از میان رفته است .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۰) صفحه ای (۲۰) سطر . طول ($28\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۲) .

(۱۱۸۲)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب عرشاه بن محمد حسینی الاستادی (کذا) بسال ۱۰۴۷ نوشته ، در آغاز دیباچه وقصائد وغزلیات هر یك یك سرلوح زیباست و اطراف دو صفحهٔ اول هر کدام تذهیب برگ موی اعلا گردیده ومیان سطر های آنها طلا اندازی شده وابتداء غزلها نیز تذهیب گردیده وصفحات مجدول بطلا ولاجورد و زنگار میباشد ، شمارهٔ غزلیات این نسخه از دو نسخهٔ پیشین کمتر و در حدود (۴۱۵۰) بیت میباشد ، چند برگ از آخر نسخه باکمال مهارت واستادی و صالی

شده ، دو برگ از دیباچه میان قصائد صحافی شده ، پشت صفحه اول نسخه و آخر صفحهٔ آخر یادداشتهائی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱٤) .

(۱۱۸۳)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه بخط نستعلیق (خوب ظاهرا در قرن دهم) نوشته شده ، مالك نسخه در مقابل بسیاری از غزلها تاریخ تفال وقصد خود را ذکر نموده وقدیمترین تاریخیکه در آن واضح است بسال ۱۰۸۸ ودرمقابل این غزل است : دیدم بخواب خوش که بدستم پیاله بود الخ . اوراقی ازاول و آخر آن افتاده ، صفحه اول و آخر نسخه نونویس و بخشی از دیباچهٔ خمد گل اندام و رباعیات براین دو نگارش یافته ، پاره ای از برگها و صالی شده ، برخی هم نیازمند میباشد ، پیش از شروع بغزلیات قصائد و ترکیب بند و مخمس حافظ نوشته شده ودراول غزلیات سر لوحی موجود واطراف ومیان سطرهای دو صفحه اول غزلیات تذهیب گردیده ، ابیات افتاده ونسخه‌بدلهائی درحاشیه نگارش یافته ودرحدود (۷۱۵۰) بیت است .

جلد روغنی گل وبوته وظرف داخل وخارج کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری (اوجك) شمارهٔ اوراق (۲۲۷) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱۳) .

(۱۱۸٤)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه‌را بخط نستعلیق نوشته اند ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهر آ درنیمه اول قرن سیزدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات ومقطعات و ساقی نامه ها ورباعیات است و در حدود (٤۷۰۰) بیت میباشد ، یك سرلوح دارد وتمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۸) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۱۳ سانتیمتر) . عرض (۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۸) .

[۵۲۳] دیوان حسان بن ثابت (عربی)

حسّان بن ثابت بن المنذر بن حزام انصاری مدنی متوفی بسال ۵۴ (۱) شاعر و مدّاح حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله میباشد ، مورخین اتفاق دارند که یکصد و بیست سال چون پدران خویش زندگانی نمود ، نیمی از آنرا درجاهلیت گذرانیده بود ونیم دیگررا دراسلام بپایان رساند، نابغه جعدی واعشی را دریافته وشعر خود را بآنها عرضه داشته وهردو اعتراف بخوبی آن نموده اند .

گویند که چند نفر ازقریش چون ابن الزبعری ، ابی سفیان ، نوفل بن حرث ، عمرو بن العاص و ضرار بن الخطاب پیغمبر اکرم را هجا میگفتند ، حسان مقابله به مثل نمود و آنهارا هجاها گفت (در دیوان وی بسیار هجای این اشخاص دیده میشود) ، آنها پس ازاین ترك هجا کردند و این چند بیت ازقصیده ایستکه درفتح مکه وهجاء کفّار سروده است :

اَلا اَبْلِغْ اَبَا سُفْیَانَ عَنّی	فَاَنْتَ مجوف نخب هواء
بِاَنَّ سُیوفَنا تَرکَتْكَ عَبْداً	و عَبْدُ الدّار سادَتُها اَلْاِماء
هَجَوْتَ مُحَمَّداً فَاَجَبْتُ عَنْه	و عندالله فی ذاكَ اَلْجَزاء
اتهجوهُ وَلَسْتَ لَهُ بِكُفْوءٍ	فَشَرُّ كُما لِخَیر كُما الْفِداء

در دیوان وی مدائح و هجاها و مراثی ثبت شده، صاحب روضات ازشیخ مفید نقل نموده که حسان پس از پیغمبر ص ازحضرت علی بن ابی طالب بسیار انحراف داشت واز تابعین عثمان بن عفان بود و مردم را از آنحضرت برمی گردانید و بمعاویه میخواند .

در دیوان وی رثاهای متعدد درباره خلیفه سوم دیده میشود اگرچه تصریحی

(۱) درمعجم المطبوعات ص ۵۰۲ بنقل از اغانی وخزانة الادب وجمهره وفات حسّان بسال ۵۴ ثبت گردیده و در شذرات الذهب (ج ۱ ص ۶۰) و روضات الجنات (ص ۳۹ ج ۲) نیز در همین سال ضبط گردیده ولی در این کتاب اخیر گوید که وفات ویرا بسال ۴۰ نیز نوشته‌اند .

بر آن معنی که نقل گردید درمطالعه مختصر خویش نیافتم ولی توجه کامل واعتقاد زیاد وی از رثاهای متعدد بخوبی واضح و آشکار است .

این دیوان شامل ازاقسام شعرمذکور میباشد ومکرر دراروپا وتونس وبمبئی ومصر ولاهور چاپ گردیده است .

آغاز : قال حسان رضی‌الله‌عنه یوم فتح مکّه

عَفَتْ ذاتُ الاَصابع فالْجواء الی عَذْراء مَنْزِلُها خلاء

(۱۱۸۵)

دیوان حسان بن ثابت

این نسخه بخط نستعلیق خوب بدون تاریخ نگارش یافته ، پشت صفحهٔ نخستین بسال ۱۲۸۴ ورود آن به کتابخانه اعتضادالسلطنه یادداشت شده ، ازطرز کتابت و کاغذ بایستی درهمین سال یاکمی پیش از آن نگاشته شده باشد، درحاشیهٔ برخی از صفحات معانی بعضی ازلغات مشکلهٔ اشعاراز کتب لغت نقل گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۶) .

[۵۲۴] دیوان حسن دهلوی (فارسی)

نجم‌الدین حسن بن علی سنجری دهلوی معاصر باامیرخسرو دهلوی است وهردو دست ارادت به نظام‌الدین اولیا داده اند . در شرح حال این دو شاعر سخن سنج مذکوراست که روزی امیرخسرو بانظام‌الدین اولیا میگذشت بدرب دکان نانوائی حسن را دید که درمنتهی درجه لطافت وحسن صورت نشسته و نان میفروشد پیش رفت وپرسیدنان چگونه میفروشی حسن گفت : نان درترازو میکنم واهل سودا را می فرمائیم تامقابل آن زر می‌نهند هرگاه زرگران تر می آید مشتری را روان میکنیم خواجه خسرو گفت اگر خریدار مفلس باشد مصلحت چیست گفت درد و بیمار را بوجه برمیگیریم خسرو از این گونه سخنان موزون حسن حیران بماند و کیفیت بشیخ عرضه کرد . خواجه حسن را درد طلب دامن گیر شد و بخانقاه شیخ درآمده ترک دکان داری نمود ، آتش عشق حسن درامیرخسرو شعله ور گردید ، حسن نیزاورا

دوست داشت چون دومغز دریك پوست ویك جان در دوقالب شدند ، داستان عشق آنها زبان زد مردم گردید ، بگوش پادشاه زمان علاءالدین فیروزشاه رسید ، حسن راکه مقام ملازمت پیدا کرده بود از رفتن بخانه امیرخسرو بازداشت ، ولی سودی نه بخشید وباز باخسرو آمد وشد داشت وشهرت این عاشقی روزافزون میگشت پادشاه روزی برای نافرمانی بردست حسن تازیانه زد ، پس از آن ازهمان راه بخانه امیرخسرو در آمد ، چون این خبر بپادشاه رسید عشق مجازی را بنیور حقیقت آراسته یافت خسرورا طلبید وحسن را نیز بحضور خواست وتحقیق نمود که عشق آنها شایبهٔ هوا و هوس دارد یاازاین نقص بری است ازبوته امتحان چون زرّ خالص وناب پاك بدر آمدند باوجود این ازخسرو برهان ودلیل خواست ، گفت دوئی ازمیان ما برخواسته و دست از آستین بیرون آورده که «گواه عاشق صادق در آستین باشد» ونمود که اثر تازیانه که بربدن حسن زده شده بربدن وی ظاهر گردیده واین رباعی ازشیخ عراقی خواند :

عشق آمد وشد چوخونم اندر رگ وپوست　　تا کرد زمن تهی وپر کرد ز دوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت　　نامیست زمن برمن و باقی همه اوست

درتذکره دولتشاه (ص۲۴۷-۲۴۹) ومجالس العشاق (مجلس ۳۴) ومجمع الفصحا (ج۱ص۱۹۶-۱۹۷) وتذکرهٔ خوشگو وهفت اقلیم ص ۳۰۰-۳۰۲ که درهنگام نگارش این شرح مراجعه گردیده ازتاریخ حیات و زمان مرگ و دیوان وی معرفی نشده ، درتاریخ مفصل ایران آقای اقبال شرحی در باره این شاعر عارف نوشته ومرگ اورا بسال ۷۲۷ دردولت آباد هند معین نموده ودرهفت اقلیم وفات او دردیوگیر ثبت شده است نسخه این کتابخانه در حدود (۶۴۰۰) بیت شعر و شامل قصائد وغزلیات ومقطعات وچند مثنوی و رباعیات این شاعر میباشد و قصائد و غزلیات در مدح سلطان علاءالدین محمد بسیار دارد و در غزلی علاقه خود را بادل بیت پیغمبر اکرم ص آشکار کرده وگوید:

آزاد شد دل حسن ازبند هرغمی　　کوبندهٔ محمد و آل محمد است

دربارهٔ خط خوب خود گوید :

بنده حسن زخط خوشش نسخهٔ کند هر که که عرضه داشت کند پادشاه را.

حسن دهلوی را سعدی هندوستان گویند وخود وی هم خواسته که چنین باشد و در مقطع غزلی گوید :

از نظم حسن نوشد دیباچه عشق آری جلد سخنش دارد شیرازهٔ شیرازی .

وچنانکه در ص۵۱۷ نقل گردید امیر خسرو هم نظیر این بیت را درباره خود گفته بود .

آغاز : ای حاکم جهان وجهان داور حکیم محدث همه بدایع و تو مبدع قدیم .

(۱۱۸۶)

دیوان حسن دهلوی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگ آخر نسخه که ظاهرا شامل تاریخ نگارش و نام نویسنده بوده برداشته‌اند ، پشت صفحه نخستین یادداشتهائی باتاریخ میباشد که بیشتر از همه آنها آنست که بسال ۱۰۵ (کذا) که ظاهرا مراد از آن ۱۰۰۵ بوده نگاشته شده وتصور میکنم که از خطوط اوائل قرن دهم هجری باشد . دو صفحهٔ اول کتاب تذهیب و نقاشی بسیار ظریفی دارد و صفحات نسخه مجدول بطلاست .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۲۶۸) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۰) .

[۵۲۵] دیوان حسن غزنوی (فارسی)

سید حسن بن ناصر علوی ملقب به اشرف الدین از شعرا و عرفای عصر بهرامشاه غزنوی ومعاصر حکیم سنائی بوده و در مقام سیر و سلوک مقاماتی یافته ، پادشاه هم نسبت بوی لطف و محبت داشته ، چون دید که پای منبر ارشاد وافادهٔ وی هرروز درحدود هفتاد هزار کس می‌نشیند وبیشتر آنها ازمریدان و پیروان وی اند صلاح کشورداری خود ندید که درغزنین باشد ، سید هم چون این معنی را دریافت بعزم زیارت کعبه از آنجا رخت بربست ، چون بمدینه طیبه رسید ترجیع بندی در نعت

حضرت رسالت‌صم انشاء و این یك بیت‌را درتاریخ گزیده حمدالله‌مستوفی از آن نقل نموده :

لاف‌فرزندی‌نیارم‌زددرین‌حضرت‌ولی خدمتی گفتم زحضرت‌خلعتی‌بیرون‌فرست.

دیوان وی شامل مدائح بسیار از بهرامشاه میباشد ودر قصیده ایکه این بیت مطلع آنست :

چون ز غزنین کردم آهنگ ره هندوستان

از سپاه روم و خیل زنگ می بستد جهان

تشریح نموده که در این سفر بهرامشاه نیز باو در یك کشتی بوده و او را مدح بسیار نموده و گوید :

اینچنین راهی مرا خوشتر زبر گشتن بود

در پناه رایت منصور سلطان جهان

هدایت درریاض‌العارفین (ص۱۸۵-۱۸۶) که معرفی‌ازاین‌عارف شاعرنموده وفات ویرا بسال ۵۳۵ پس‌ازبرگشتن ازحج وتکریماتی‌که ازطرف سلاطین‌عصر نسبت بوی شده در جوین اسفرائین ثبت نموده وهمودرص ۲۹۲ ج۱ مجمع‌الفصحا که‌دوباره بمعرفی‌وی‌پرداخته‌گوید‌بسال۵۶۵وفات‌یافته‌ودیوانش‌پنجهزاربیت‌است و درحاشیهٔ ص ۲۲۰ ج ۲ سخن و سخنوران وفات سید حسن غزنوی مطابق مجمع‌الفصحا ثبت‌گردیده وبطلان قول اول‌را این‌بیت‌که درص ٤ نسخه زیرین دیوان اوست ثابت میکند :

از بعد پانصد و چهل و پنج گوییا در من نگر که معجزهٔ جد خود منم

و در آتشکده چاپی (ص۱۰۶) وهفت اقلیم ص ۲۶۱-۲۶۶ و تذکره دولتشاه ص ۱۰۴-۱۰۶ تاریخ وفات وی ثبت نگردیده است .

(۱۱۸۷)

دیوان حسن غزنوی

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، ظاهراً از خطوط نیمه اول قرن سیزدهم هجری است ، دیوان مختاری بدین نسخه پیوسته است و در

همین فصل معرفی خواهد شد ، واین دیوان که بدین بیت شروع شد :

داند جهان که قره عین پیمبرم شایسته میوهٔ دل زهرا وحیدرم

بر حسب شمارهٔ دقیق (۱۲۸۰) بیت ازقصیده وغزل وترجیع بند میباشدو بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده است .

جلد تیماج . کاغذ نرمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق دودیوان (۱۱۸) . این نسخه (۳۷) . صفحه (۱۹) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۸۵) .

[۵۲۶] دیوان خاقانی شروانی (فارسی)

خاقانی رادرص ۴۶۳ - ۴۶۶ معرّفی کرده ایم ، دیوان وی شامل قصائد وغزلیات و مقطعات ورباعیات میباشد چنانکه درص ۴۶۶ نقل گردیده شمارهٔ ابیات دیوان وی را (۲۲۰۰۰) نوشته اند ، دیوان وی بنام کلیات سه بار که آخرین آنها بسال ۱۳۲۵ بوده درهند چاپ گردیده و شامل (۲۲۰۰۰) بیت عربی وفارسی میباشد ، درسخن و سخنوران (بخش اول ازجلد دوم ح ص ۳۲۲) تذکر داده شده که درنسخه چاپ هند اشعار دیگران نیزمندرج گردیده ونیز سال ۱۳۱۷ خورشیدی بتصحیح دانشمند معاصر آقای عبدالرسولی استاد ادبیات دانشگاه دیوانی از خاقانی درحدود (۱۷۰۰۰) بیت در طهران چاپ ممتازی گردیده است.

در اشعار خاقانی مشکلاتی ازحیث لغت ومعنی وجود دارد دانشمندانی بشرح آنها پرداخته اند و در این فصل ودرفهرست کتابخانه مجلس چند شرح براین دیوان را معرّفی خواهیم نمود .

آغاز :

دل من پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش ده تسلیم سر بنهم و سر زانو دبستانش
نه مردی این دبستانست مرکز جنبش دردی بهر ده جا رطوفانیست در بنیاد ارکانش (۱)

(۱۱۸۸)

دیوان خاقانی شروانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۰۲ نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، برگهائی از اول آن افتاده ، برخی از برگهای کنونی در اول نسخه نویس و پاره ای از

(۱) در نسخهٔ این کتابخانه بیت دوم بدین نحو نوشته شده و نویسنده در تصحیف و تحریف آن اعجاز کرده است .

برگها و صالی شده ، برحواشی نیمه اوّل برگهای دیوان تعلیقات وحواشی نگاشته شده ، بر برگ نوشته‌ای که پیش از نسخه بوده و وقفنامه مدرسه بر آن نوشته شده یادداشتی بوده محو گردیده و برحسب شمارهٔ دقیق در این نسخه از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات در حدود (۱۴۲۰۰) بیت میباشد و ابیاتی چند از معاصرین که موجب انشاء قصائد یا قطعه هائی بوده نیز در این نسخه از دیوان وجود دارد .

جلد تیماجی مذهّب . کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۳) .

(۱۱۸۹)

دیوان خاقانی شروانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۱۳ نوشته شده پیش از شروع به‌نگارش دیوان ، تحفة‌العراقین خاقانی نوشته شده و خصوصیات آن در ص ۴۶۷ گذشت ، این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و در حدود (۱۳۷۵۰) بیت میباشد ، دو سرلوح زیبا یکی در ابتداء قصائد و دیگری در آغاز غزلیات دارد نسخه زیر شمارهٔ (۴۱۰) در کتابخانه ثبت گردیده ودر ص ۴۶۷ خصوصیات دیگر آن زیر معرّفی تحفة العراقین زیرشمارهٔ (۱۱۰۶) نگاشته شده است .

[۵۲۷] **دیوان امیرخسرو دهلوی تحفة‌الصغر** (فارسی)

شرح حال و آثار امیرخسرودهلوی را درص۵۱۶-۵۲۰ نگاشته‌ام و در آنجا تذکر داده شد که چهاردیوان داشته ، نسخه های زیرین «تحفة‌الصغر» یا نخستین دیوان وی میباشد و در حدود (۱۴۰۰۰) بیت از غزل (مرتب بحروف تهجی بحسب ردیف ها میباشد) و قطعه و رباعی میباشد و خود بر آن دیباچه‌ای نیز نگاشته ولی نسخ این کتابخانه فاقد آنست .

آغاز : حمد رانم بر زبان لله رب العالمین

آنك جان بخشید در قرآن هدی للمتقین الخ .

(۱۱۹۰)

دیوان امیرخسرو دهلی تحفة الصغر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، در میان اوراق غزلیات ردیف واو یك صفحه مجلس نقاشی چینی بسیارظریف که مجلس بزم پادشاه و رقص دائره ای را مجسم مینماید و از بالا تا پائین صفحه را فرا گرفته موجود و در قسمت بالای آن، این جمله بخط ثلث بسیارخوب نگارش یافته:

باشارة السلطان الاعظم والخاقان المعظّم ابوالغازی سلطان حسین بهادر خلد ملکه فی شهور سنة ست وثمانین وثمان مائه .

دوصفحهٔ نخستین نسخه دارای دوسرلوح و اطراف آن تذهیب ونقاشی‌های بسیارممتاز ومینا کاریهای ظریف گردیده ، دست حوادث چون بسیاری ازصفحات این دو صفحه را ناقص کرده ولی با کمال مهارت و استادی وصّالی گردیده و با دقت کامل تشخیص داده میشود ، عناوین غزلها و قطعات با لاجورد و طلا نوشته شده وظاهراً نگارش آن بسال ۸۸۶ که تاریخ مجلس نقاشی مذکور میباشد، بوده است .

چند غزل اول سائر نسخ دراین نسخه نیست وبدین بیت شروع گردیده :

ای بدر ماند کی پناه همه رحمت‌تست عذرخواه همه

از رباعیات هم بخشی افتاده و آخرین رباعی که در آخر نسخه کنونی میباشد کلماتی از آن محو شده و نواقص آن درست تکمیل نشده و در نسخهٔ زیرین صحیح آن نگاشته شده ، تمام صفحات جدول طلا ولاجورد و اطراف عناوین غزلیات وغیره تذهیب گردیده و بسیاری ازصفحات وصّالی گردیده است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ خان بالغ . واقف سبهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤٤٢) . صفحه ای (١٧) سطر . طول (٢٧ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٦١) .

(۱۱۹۱)

دیوان امیرخسرو دهلوی تحفة الصغر

این نسخه در اواخر قرن نهم هجری بخط نستعلیق خوب نوشته شده، از شمارهٔ سال تاریخ ۸۹ باقی مانده و آحاد آن محو گردیده، برگ نخستین نونویس و پاره از برگها و صالی گردیده رطوبت بعضی از سطرها را خراب نموده و شامل غزلیات و مقطعات ورباعیات وفردهاست، دیباچه نثری را نیز ندارد، عناوین بالاجورد وطلا نوشته شده و صفحات مجدول بطلاست.

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك. شمارهٔ برگها (۳۶۰). صفحه‌ای (۱۴) سطر. طول (۲۲ ½ سانتیمتر). عرض (۱۴ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۷۱).

(۱۱۹۲)

دیوان امیرخسرو دهلوی تحفة الصغر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، اطراف دو صفحهٔ نخستین باطرزی خوش وظریف تذهیب و نقاشی ومینا کاری گردیده ومیان سطرها طلااندازی شده، اطراف چند صفحه دراوائل نسخه تذهیب گردیده، صفحات مجدول بطلا وعناوین نیز باطلاست، برگهائی از آخر نسخه افتاده وبعضی ازاوراق هم وصالی گردیده وظاهراً دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است.

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۵۳۱). صفحه‌ای (۱۲) سطر. طول (۲۴ ½ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۶۸).

[۵۲۸] دیوان امیرخسرو - غرة الکمال (فارسی)

غرّة الکمال سوّمین دیوان امیر خسرو دهلوی است که در ص ۵۱۶ - ۵۲۰ بشرح حال او پرداخته‌ایم، چنانکه خود دردیباچه این دیوان نوشته اشعاری که ازسال ۶۸۵-۶۹۳ که ارسال ۳۴ تا ۴۰ (۱) عمرخود سروده در یك مجلّد گذارده

(۱) تاریخ سنهٔ خمس وثمانین وستمائه که سی وچهار سال بودم که تا غایت شهور سنه ثلث و تسعین و ستمائه که چهل سال‌تمام هرنقدی که محرران در دیوان کارخانه خرج شود انشاءالله درین دیوان کارخانه‌خرج شود آنانکه طغرای بی‌مثال دارد اگر بیشتر توقعات کالبدیست (عین عبارات ورق ۳۶ نسخه است و چنانکه دیده میشود اغلاطی در تاریخ مذکور و عبارات یافت میشود).

و آنرا «غرة‌الکمال» نام‌نهاده چنانکه دو دیوان انشائی پیش ازاین را «تحفة‌الصغر» و «وسط‌الحیات» نامیده‌است این دیوان شامل چند بخش میباشد که زیر این سطر نگاشته میشود :

۱ ـ دیباچه ای بنثر ونظم که در آن ابیات عربی امیرخسرو دیده میشود وخود اعتراف‌نموده که‌ازعهده‌شعرعربی گفتن‌برنیامده‌ومعذرت‌خواسته‌است‌واطلاعات سودمندی ازحالات خود و خانواده‌اش دراینجا یافت میشود واین بخش درچهل برگ درمتن و حاشیه نوشته شده ودرحدود (۱۹۰۰) بیت میشود .

۲ ـ قصائد و چند قطعه است که از برگ ٤۱ تا ۱۰۶ را شامل و در حدود (۳۷۰۰) بیت است .

۳ ـ قطعات شامل مطالب توحیدی ونعت و منقبت و عرفان و تصوّف وغیره ازبرگ ۱۰۶ تا ۱۱۵ درحدود (۵۰۰) بیت .

٤ ـ درمتفرقات ازقبیل هزل وذم واستهزاء ومطایبات وشکایات وغیره ازبرگ ۱۱۵ تا ۱۱۸ در حدود (۱۷۰) بیت .

۵ ـ فتحنامه یا «مفتاح‌الفتوح» که به وزن مثنوی وبسال ۶۹۰ انشاء آن خاتمه یافته ازص ۱۱۸ تا۱۳۲ ودرحدود (۸۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست .

سخن برنام شاهی کردم آغاز که برشاهان در دولت کند باز

۶ ـ نامه‌ایست که به‌برادرخود تاج‌الدین‌زاهد بین‌بوزن مثنوی انشا و از برگ ۱۳۳ تا ۱۳۷ را فراگرفته و درحدود (۲۵۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

عنوان این‌نامه که جان درو سرشتم هرحرف بخون دل نبشتم
درخدمت مکرم گرامی زاهد بهمه هنر تمامی.

توحید سرنامه بنام ایزد پاک کاورد پدیدمردم ازخاک.
آغازنامه محدوم برادر گرامی چون خود بهمه هنرتمامی

۷ ـ چند مثنوی کوچك درو صف اسب و عمارات شاهی است در (۲۳۰) بیت ازبرگ ۱۳۷ تا ۱٤۳ .

۸ - مثنوی بنام « بازنامه » است که در برگ ۱۴۴ تا ۱۴۸ نسخه نوشته شده و در آن بمدح و اندرز پادشاه وقت پرداخته و درحدود (۲۲۰) بیت میباشد .

۹ - غزلیات است که ازبرگ ۱۴۷ تا ۱۸۰ میباشد ودر حدود (۱۸۵۰) بیت میباشد ومرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیفها نیست و بدین بیت شروع میشود :

ای زخیال ما برون درتو خیال کی رسد با صفت توعقل را لاف کمال کی رسد

۱۰ - رباعیات امیرخسرو است و چند ورق آخرنسخه جای آن پیشتراست وازمیان رباعیات یك یاچند برگ افتاده واین بخش از برگ ۱۸۰ تا ۱۹۳ نسخه میباشد ودرحدود (۲۸۰) بیت است .

وبنا بر محاسبهٔ نام برده این دیوان درحدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد .

(۱۱۹۳)

دیوان امیرخسرو دهلوی غرة الکمال

این نسخه بدون تاریخ و نام نویسنده بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ازاسلوب آن بدست می آید که نویسندهٔ آن هندی و یك سرلوح ظریف بسبك هندی دارد ، ظاهراً در قرن نهم هجری نگارش یافته ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وعناوین باشنجرف نگارش یافته بدبختانه اغلاط زیاد داردوبرخی ازبرگها وصالی گردیده است .

جلد بیماجی . کاغذ دوات آبادی . واقف سپهسالار . تطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۹۳) . صفحه‌ای (۱۷ سطر درمتن ۲۶ درحاشیه) . طول (۲۸ $\frac{۲}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۰) .

[۵۲۹] دیوان داود (فارسی)

محمد **داود** فرزند میرزا **عبدالله** است که از اجلّه سادات عالی‌درجات اصفهان بوده وعشق(۱) تخلص‌میکرده . چنانکه خود محمدداود در قطعه‌ای ازقطعه‌های این

(۱) در این بیت :

(زاده عشق مصرعی خواند برسم تعمیه قصر جهان‌نما شده آئینه جهان نما)

که درآخر قطعه‌ایست اشاره به تخلص پدر کرده است .

دیوان تصریح نموده بسال ۱۰۶۵ در اصفهان متولد شده ، واز مثنوی وی که در شرح مسافرت بخراسان بعنوان تولیت آن آستان سروده شده و در این دیوان موجود است مسلّم میشود که این مقام را دارا شده ودر ص۳۳۷ ج۲ مطلع الشمس نوشته شده که بسال ۱۱۰۹ دارای این مقام گردیده ودر آتشکده آذر (ص۱۸۰) ثبت شده که در همانجا وفات یافته ولی دراین دو مآخذ که نام ونشانی از این شاعر یافتم معلوم نشد که تا چه سال در اینجهان بوده ولی از قطعه‌ای که در تاریخ فوت میرزا محسن نام سروده و جمله «آه از تأثیر آه» را که سال ۱۱۳۱ معیّن میکند ماده تاریخ وفات وی یافته بدست آمد که ۶۶ سال مسلّماً دراین جهان بوده ودرحاشیهٔ ص۱۵۵ نسخهٔ تذکرهٔ دولتشاه شمارهٔ ۲۷۲۷ این کتابخانه این ماده تاریخ موجود : ذیحجه فغان (۱۱۳۱) بود ومحرم (۱۱۳۲) افغان . به این شاعر متولی مشهد نسبت داده شده است . و پس از این معلوم نیست که چند سال زندگانی کرده و چنانکه خود و دیباچه نویس بدیوانش تصریح کرده‌اند نام وی **محمد داود** (۱) است .

محمد رضی بن محمد شفیع (دریکی از ابیات مثنوی موسوم به «نمکدان دین» که در وصف مجلس خصوصی شاه سلطانحسین و افراد این محفل میباشد از میرزا رضی نام برده و گوید : گرمی هنگامه بزم شهی بود دگر حضرت میرزا رضی) برحسب خواست شاعر دیباچه ای با کمال پیچیدگی که اسامی بسیاری از شعرای پیشین تامعاصرین در آن گنجانیده شده بر این دیوان نگاشته ودر آن اشاره بلکه تصریح گردیده که این دیوان شامل قصائد وغزلیات ومثنوی ها ومقطعات وترکیب بند و ترجیع ها و رباعیات میباشد و تاریخ این نگارش را در آخر چنین نگاشته :

« درصفحه روزی که راقم دیوان روزگار بقلم زرین خورشید در ورق اول جزو چهارم مجلد دهم دفتر اول کتاب دویم زمانه سطر چهاردهم را می نگاشت صورت تسوید یافت » . بنا براین صبح چهاردهم محرم سال ۱۰۹۴ به انشاء این دیباچه مبادرت نموده و با بردانستن سال تولد وی واین تاریخ ، شاعر در اینسال ۲۹ سال داشته ومندرجات دیوان که حاکی از موی سفید و پیری و ناتوانی شاعر میباشد و ماده تاریخهای متعدده که همه از سال هزار وصد بالاتر است و مثنوی

(۱) بیت اول قطعه اینست : طالع بنده سرگشته محمد داود عاصی روسیه و باز عفو وغفران

مسافرت نامه وی به خراسان که بنابرضبط درمطلع‌الشمس بسال ۱۱۰۹ بوده منافات با این تاریخ دارد بنابراین یا این‌عبارات معنی دیگری را میرساند که فهم نگارنده بدان نرسیده و یا اینکه در ایام جوانی و آغاز شاعری که شاعر شور جوانی و انتساب به سلاطین صفویه هم داشته محمد رضی را وادار بر دیباچه نویسی کرده و آنچه پس از آن بردیوان اضافه شده نیز بران دیوان پیشین افزوده است

و از این بیت : «بود ببزم شه خورشیدشان بنده بیقدر هم‌ازحاضران» که درمثنوی «نمکدان دین» میباشد معلوم میشود که‌از مقربان پادشاه بوده، آذردر آتشکده هجوملیحی‌از وی کرده و گوید : « در اکثر اوقات بصحبت فضلای شعرا مشغول و خود نیز صاحب دیوان بوده دیوانش مطالعه شد این یك شعر از تمامی دیوان وی انتخاب گشت و باسم تخلص میکند ازوست :

نگوید آنکه بداند چگوید آنکه نداند بحیرتم که سراغ وصالت از که بگیرم

و این‌شعر نیز از قصیدهٔ اوست که در مذمت دنیا گفته بد نگفته :

دارد برخ این دخترك از پارهٔ دلها بزك
اشك یتیمانش زرك خون شهیدانش حنا(۱)»

شمارهٔ ابیات این دیوان موافق مندرجات نسخهٔ زیرین در حدود (۸۰۰۰) بیت است .

آغاز دیباچه : لوامع حمد و ثنائی که چون کوکبهٔ تباشیر در مطلع بندگی ظهور نماید الخ .

آغاز غزلیات :

نیست با عفو تو پرواز کند کردنها مدّ غفران تو گردیده رگ گردنها

(۱۱۹۴)

دیوان داود این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش و اینکه در برخی از جاها بخشهائی ننوشته و بخش بعد را

(۱) بیت اول را در دیوانش پیدا نکردم وبیت دوم از قصیده‌ایست که ۱۹۵ بیت میباشد و مطلع آن اینست :

شد موبر خسارت سفید ای خواجه میدانی چرا بعنی که باید رو نهی زین جاده تا شهر فنا

نگاشته اند استفاده میشود که از روی نسخه اصل که هنوز کامل نشده نوشته شده و پس از دیباچه شامل چند قصیده ، غزلیات مرتب بحروف تهجّی بر حسب ردیفها ، مثنوی مسافرت نامه از اصفهان تا مشهد مقدس (این مثنوی گذشته از اینکه ابیاتی لطیف دارد نام یك بیك منازل میان این دو شهر نامی ایران را در آن زمان معیّن مینماید و بسیاری از امثال را در آن مندرج ساخته) ، زبور العاشقین این نیز مثنوی است و شامل تعریف سرتاپای محبوب میباشد و خود وی در انجام آن گوید :

چو تعریف سراپا یافت اتمام زبور العاشقینش ساختم نام) ، مقطعات در تاریخ بناهای شاهی و وفیات اشخاص ، مثنوی « نمکدان دین » در بیان مجلس خاص پادشاه و افراد آن و نقل مطالب دینی که در آن مجلس گردیده است ، ترجیع بند و ترکیب بند (فقط این قسمت به ترکی است) .

دارای هفت سرلوح زیباست و اطراف صفحه ایکه سرلوح نخستین میباشد و صفحهٔ مقابل آن تذهیب و نقاشی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد .

جلد میشن ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ برگها (۳۱۹) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۶) .

[۵۳۰] دیوان ذو الرّمه (عربی)

ابو الحرث(۱) غیلان بن عقبة بن مسعود بن حارثة بن عمر بن ربیعه عدوی (۷۷-۱۱۷)(۲) مشهور به **ذو الرّمه**(۳) از مشاهیر شعرای عرب بوده و گویند وی شاعرترین عرب میباشد و شعر به امرؤ القیس آغاز و به ذو الرّمه بانجام رسیده است در ص ۱۷۸ فهرست ابن الندیم کتابی بنام « اخبار ذی الرمه » به هارون بن موسی بن

(۱) در فهرست دار الکتب کنیه ذو الرّمه ابو الحرث ضبط گردیده در صورتیکه در تمام مآخذ ابو الحرث ثبت شده است .

(۲) در ص ۴۰۴-۴۰۶ ج ۱ وفیات الاعیان و ص ۱۷۱ ج ۳ روضات و ص ۹۱۳ معجم المطبوعات ازین شاعر معرّفی گردیده و سال تولّد و وفات بدین گونه که در اینجاست ثبت گردیده است .

(۳) در روضات بنقل از شرح شواهد سیوطی نگارش یافته که این شاعر را بمناسبت اینکه روزی بندی بردوش داشت و زن خود را که مته نام داشته و بر او آب خواسته آب داده و بدو گفته : **اشرب یاذا الرمه** این لقب داده شد و برخی گویند بمناسبت این مصراع وی **اشعث باقی رمة التقلید** او را ذو الرمه گفته‌اند و رمه بضم اول و تشدید و تخفیف دوم ضبط گردیده است .

عبدالملك که یکی از رواة و جامعین اخبار بوده و از آنهائی است که ابن ندیم بدون واسطه رسائل اورا نقل نموده ، نسبت داده شده است .

اصمعی گفته که ذوالرّمه به‌تشنگی جان داد و آخرین حرفی که زد این بیت بود :

يا مُخْرِجَ الرُّوحِ مِنْ نَفْسِي اذا احْتَضَرَتْ

وَ فارِجَ الْكَرْبِ زَحْزِحْنِي مِنَ النّارِ

پشت نسخهٔ زیرین زیر عنوان **الجزء الثانی من شعر ذی الرمه** (۱) نوشته شده **عن الاصمعی** و در ذیل ابیات بشرح لغات و توضیح مطالب و مراد آنها پرداخته شده و بدین سبب آنرا شرح این دیوان توان خواند ولی در فهرست ابن‌النـدیم (ص۸۲) وبغیةالوعاة (ذیل‌عبدالملك) که بشرح‌حال اصمعی وذکر آثار او پرداخته شده ، شرح یا توضیح مشکلات این دیوان بدو نسبت داده نشده واین‌دیوان بسال ۱۹۱۹ م. درلندن درچاپخانه دانشگاه کمبریج چاپ گردیده است .

نسخه زیرین زیر ابیات کلمات مشکلهٔ آنها شرح و بیان گردیده و چنانکه از مطالب مندرجهٔ درفهرست دارالکتب‌العربیه (ج ۳ ص ۱۲۹) برمیآید نسخهٔ چاپی هم با این تقیدات است و استاد کارلیل انگلیسی حواشی برمتن و این تعلیقـات و مقدّمه‌ای براین‌دیوان به انگلیسی نگاشته و درهمین صفحه تذکرداده‌شده که یکی از دو نسخهٔ خطی آن کتابخانه شاملِ قسمتهائی است که مانند شرح میباشد و منشی آنها ابوالفتح حسین بن علی بن ابی‌منصور عائدی (۲) است .

نسخهٔ زیرین بخش دوم ازاین دیوان میباشد و با تعلیقات در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد وبدین بیت شروع شده و بیان عائدی (ظاهراً) که در ذیل آن نگارش یافته اینست :

آغاز : بسمله عَوْذَكَ اللّهم وقال ذوالرّمه ایضاً :

آمِنْ دِمْنَةٍ جَرَّتْ بِها ذَيْلَها الصَّبا لِصَيْدآءَ مَهْلًا ماءَ عَيْنِكَ سافِحِ

(۱) پس ازین کلمه بوده زیروصله رفته ومحو گردیده است .

(۲) در وفیات‌الاعیان وشذرات‌الذهب وبغیةالوعاة و روضات بنـام وزمـان وشرح حال‌این دانشمند دست نیافته‌ام ، وجود تعلیقات دراین نسخه ثابت میکند که پیش‌ازقرن هفتم برآن نگاشته شده است.

يُريدُ ماءَ عَيْنِكَ سافِح ای سائِلٌ مِنْ اجل دَمْنَةٍ لِصَيْداءِ ثُمَّ قالَ مَهْلًا آیْ كُفَّ و ذيل الرّيح ماءِ خيرها .

(۱۱۹۵)

دیوان ذوالرّمه این نسخه بخط نسخ خوب نگارش یافته ، پشت صفحهٔ نخستین نوشته شده : **کتبه جعفر بن شمس الخلافه** .(۱) و در همین صفحه محمد مهدی عبدالرب آبادی که از دانشمندان قرن سیزدهم هجری و یکی از مؤلفین نامه دانشوران بوده شرحی در معرفی از نویسنده نام‌برده ، بنقل از وفیات‌الاعیان نوشته و یکی از مالکین نسخه املاک خود را بسال ششصدو هشتاد واندی (مرتبه آحاد تاریخ سوراخ شده و بجای آن وصله زده شده است) نوشته و یادداشتهای دیگری نیز در این صفحه موجود است .

جلد جرمی ضربی بسیار ظریف . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . مطلع خشنی . شمارهٔ اوراق (۱٤٦) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . (طول ۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۳۷) .

| ۵۳۱ | دیوان رشید وطواط (فارسی)

رشید وطواط در ص ۳۳۹ ـ ٤٤۰ معرفی کرده ام و این دیوان شامل قصیده و غزل و قطعه و ترکیب بند و رباعی اوست نسخه زیرین در حدود (۵۳۰۰) بیت میباشد و بیت هائی عربی از رشید در این دیوان هست و از ابتدا قصیده‌ایکه در برگ هفتم نوشته شده (۲۷) بیت افتاده و از حسن اتفاق ابیات در ص ۲۲۳ ج ۱ مجمع الفصحا آن ابیات چاپ شده است .

آغاز : ای جاه توافروخته اعلام کبریا صاعدست اعتقاد تو از کبر و از ریا

(۱۱۹٦)

دیوان رشید وطواط این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در قرن دوازدهم نگارش یافته ، صفحات خودرا به اکلیل و عناوین با شنجرف است .

(۱) در ص ۱۱۳ـ۳۱٤ ج ۱ وفیات‌الاعیان گوشه‌ای از دانشمندان خوشخط بود و کتابهای بسیار نوشته وخون خوب وصحیح و خوانا مرغوب است و دیوانی لطیف دارد سال ۵٤۳ متولد وسال ٦۲۳ وفات یافته است .

جلد مقوائی ، کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۶۵) . صفحه ای (۱۵) سطر ، طول (۱۹½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۴۲) .

[۵۳۲] دیوان سید رضی (عربی)

درص ۱۴۹-۱۵۵ بشرح حال ومؤلفات سیّد رضی جامع نهج‌البلاغه پرداخته شد و درحاشیهٔ ص ۱۵۳ ازابن خلّکان نقل گردید که جمعی بجمع دیوان سیدرضی مبادرت کرده اند وبهتر ازهمه آنستکه ابوالحکیم خبری فارسی متوفی بسال ۴۷۶(۱) (درچهار مجلّد) گردآورده است .

درص ۵۱۳ ج ۱ کشف‌الظنون نگارش یافته که یکی از ادبا دیوان سیّدرضی را مختصر نموده وآنرا « انشراح‌الصدر » نامیده است .

این دیوان بسال ۱۳۰۶ در بمبئی و بسال ۱۳۰۷ در بیروت در دوجلد چاپ گردیده و درحاشیهٔ ص ۱۵۳ و۱۵۴ راجع باین دیوان مطالبی است .

آغاز :

(۱۱۹۷)

دیوان سید رضی

این‌نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال‌نگارش نام نبرده ، ظاهراً درقرن سیزدهم نگاشته شده ، مرتب بترتیب حروف هجا برحسب ردیف های ابیات میباشد ودرآغاز آن بنام « جزء اول ازدیوان » نویسنده نسخه آنرا معرّفی کرده وتاقوافی حرف عین‌را شامل وبدین بیت نگارش نسخه خاتمه می‌یابد :

يُهابُ ويُرْجي لِرَيْبِ الزّمان كَالنّصْلِ راقٍ عيوناً وراعا

جلد روغنی گل و بوته وازطرف درون نرگس (نیازمند تعمیراست) . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰۰) . صفحه‌ای (۲۰) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴۷) .

---

(۱) درحاشیه ص ۱۵۳ و ۱۵۴ معرفی از این دانشمند گردیده است .
(۲) بحاشیهٔ ص ۱۵۴ مراجعه گردد .

[۵۳۳] دیوان رودکی (فارسی)

رودکی از مشاهیر شعرای بزرگ ایران و به زیادی اشعار مشهور، رشیدی شاعر گوید اشعار اورا شماره کردم یك میلیون وسیصد هزار بشمار آمد:

«گر سری یابد بعالم کس بنیکو شاعری رودکی را بر سر آن شاعران زیبد سری
شعر اورا من شمردم سیزده ره صد هزار هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری»

ولی بدبختانه از آنهمه اشعار جز اندکی در دست ما نیست در تاریخ گزیده مؤلفه در حدود سال ۷۳۰ نوشته شده که اشعار بسیار داشته و اما اندکی مشهور است ولی اهمیت ومقام شعری رودکی را از بیانات شعرای مشهور معاصر ومتأخر او میتوان دریافت:

دقیقی گوید:

کرا رودکی گفته باشد مدیح امام فنون سخن بود ور
دقیقی مدیح آورد نزد او چو خرما بود برده سوی هجر

سوزنی گوید:

رودکی وار یکی بیت زمن بشنودست بلعمی وار بدو نده صفه هر مودست

عنصری گوید:

غزل رودکی وار نیکو بود غزلهاء من رودکی وار نیست
اگرچه بگوشم بیارین وهم بدین پرده اندر مرا یار نیست

نظامی عروضی گوید:

ای آنکه طعن کردی در شعر رودکی
این طعن کردن تو ز جهلست و کودکیست
کآن کس که شعر داند داند که در جهان
صاحب قران شاعری استاد رودکیست

از عبارت عوفی که در دد دوم قرن هفتم هجری تألیف شده استفاده میشود که در آنزمان اشعار وی زیاد مشهور ودیوانش در دست بوده است.

بر حسب تحقیق آقای نفیسی اینك در حدود ۸۴۰ بیت از رودکی بدین تفصیل:

قصائد و مقطعات ۳۶۲ بیت ، رباعیات ٦٤ ، ابیات پراکنده ازقصائد وغیره ۲۲٤ ، مثنوی ۱٤٥ بدست آمده ودیوانی شامل ۱۱٥٤ بیت بسال ۱۳۱٥ هجری قمری بنام رودکی در طهران چاپ گردیده که برحسب تحقیق دانشمند بزرگوار آقای دهخدا و یادداشت درحواشی نسخه ای از آن که اینك دردست نگارنده میباشد کمتر ازنصف این ابیات در کتب بیهقی وغیره به رودکی نسبت داده شده است .

ازابیات مسلمهٔ رودکی نام و کنیه و لقب وی بدست نمی آید و عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان به او بوده وی را زیر عنوان ابوعبدالله جعفر محمد الرودکی السمرقندی : معرّفی و گوید او را **سلطان شعرا** گفتندی و درتأیید خویش از **معروف بلخی** این بیت را نقل نموده :

ازرودکی شنیدم سلطان شاعران کاندرجهان بکس مگروجزبفاطمی

ودرچهارمقاله نظامی عروضی (ص ۳۱ و ۳۲ و ۳۳) که درحدود سال ٥٥۰ تألیف گردیده بعنوان رودکی وابوعبدالله الرودکی نامیده شده وسمعانی(٥۰٦-٥٦۲) درالانساب اورا بدینگونه : ابوعبدالله جعفربن محمدبن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم الرودکی الشاعر السمرقندی نام برده و گوید دیوان او درایران موجود و رواج میباشد ووفات او بسال ۳۲۹(۱) بوده وبلعمی وزیر گوید که مانندرودکی رادرعرب وعجم نظیری نیست .

در تواریخ ثبت گردیده که رودکی بفرمان نصر بن احمد سامانی کلیله ودمنه را بنظم درآورده ولی بدبختانه جزابیاتی چند از آن که درفرهنگ های فارسی باستشهاد آورده شده از آن اثری نیست آقای نفیسی در « احوال واشعاررودکی » برحسب محاسبه‌ای احتمال داده‌اند که این کتاب درحدودهیجده هزار بیت بوده است .

رودك که رودکی بدانجا منسوب است در معجم البلدان (ص۸۳۳ ج ۲) بضم

(۱) در تاریخ وفات رودکی اقوال چندیست سال ۳۲۹ را سمعانی و شیخ منتجب الدین بدیع اختیار و نردید میان ۳۲۹ و ۳۳۰ قول صاحب سخن و سخنوران و سال ۳۰٤ درمجمع الفصحا ودر هفت آسمان از مفتاح التواریخ سال ۳٤۳ نقل گردیده و گوید که در سلم السموات است که نظم کلیله را بسال ۳۲۰ نموده و از واله داغستانی نقل نموده : کتابی را بسال ۳۳۰ تمام کرده. وشاید مراد واله داغستانی همان کلیله ودمنه باشد ودرمقدمه دیوان چاپ طهران سال۳٤۳ ترجیح داده شده است .

اول وسکون دوم وذال معجمه مفتوحه و آخر آن کاف ثبت گردیده و گوید از دهات سمرقنداست .

درلباب الالباب باکاف فارسی تشکیل گردیده ودلیل آنرا ندانستم .

آقای سعید نفیسی بسال ۱۳۰۹و ۱۳۱۰ خورشیدی کتابی در ۷۸۸ صفحه بنام «احوال واشعار رودکی» بامراجعهٔ به ۷۱ کتاب تألیف و در اطراف این شاعر مفصلاً بحث نموده‌اند و گذشته ازمراجعه به این کتاب لباب الالباب ج ۲ ص ٦-۹ وحواشی آقای قزوینی بر ج ۱ لباب ص ۲۹۱ وچهارمقاله نظامی ص ۳۱-۳۳ وحواشی و تعلیقات آن (ص ۱۲۵ و ۱۲٦) وتاریخ گزیده (ورق ۱۸۳ نسخهٔ مذبوره) وتذکره دولتشاه (ص ۳۱-۳۳ چاپی وهفت اقلیم ص ۱۱۱۵-۱۱۲۲ و آتشکده آذر ص ۳۳۵-۳۳٦ ومجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۳٦-۲٤۰ وهفت آسمان ص ٦ - ۱۳ و سخن و سخنوران ج ۱ ص ۳ - ۱۰ مراجعه گردیده است .

(۱۱۹۸)

دیوان رودکی

این نسخه را در ۳ رمضان المبارک بسال ۱۲۸۳ بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته‌اند ، در غرة الحرام ۱۲۸٤ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و پشت صفحهٔ نخستین یاد داشت شده ؛ ترتیب آن چون دیوان چاپ سال ۱۳۱۵ میباشد ولی تعداد ابیات این نسخه ۸۰٤ و ابیاتی چند دراینجاست که در آن نسخه نیست و آن نسخه در حدود نصف این دیوان ابیات بیشتر دارد که برخی از آنها ازقطران و دیگر شاعران میباشد .

جلد تیماجی . تاغستانکی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ آلبوم (۳۸٦) .

| ٥۳٤ | دیوان سحاب (فارسی)

سیّد محمد حسینی متخلص به سحاب متوفی بسال ۱۲۲۲(۱) پسر سیّد احمد هاتف اصفهانی است که از مشاهیر شعرای متأخر بوده و در این فصل بمعرّفی ایشان

(۱) شرح حال این شاعر در انجمن سیم انجمن خاقان و ص ۲۰۷ . ۲۱۲ ج ۲ مجمع الفصحا درج کردیده است .

خواهیم پرداخت، سحاب پیش پدر بتحصیل کمالات اشتغال داشته و ازفن عروض و قوافی و شعر خصوصاً بهره‌ای یافته و از فن طب که پدر وی بدان مشهور و معروف بوده نیز بهره ای داشته ، دراوائل جوانی بمقتضیات آن میپرداخته ، در اواسط عمر بمکّه معظّمه و مدینه طیّبه مشرف گردیده و پس از برگشتن از آن آستان مقدس بمعرّفی فتحعلی خان صبا ملك الشعرا قصائد وغزلیات وی بنظر پادشاه وقت فتحعلیشاه قاجار رسید مورد قبول یافت وملقب به مجتهد الشعراء گردید و به مقام داروغگی دفتر خانه سر افراز گردیده وپس از ملك الشعرا صبا کس بپایه ومنزلت وی نبوده، دراواخر عمراز کارهای جوانی پشیمان شده ودرانجام طاعات وعبادات ساعی گشته و پس ازمرگ جسد اورا به نجف اشرف برده‌اند .

مشغول نوشتن تذکرهٔ شعرا بنام « رشحات سحاب » بوده ولی بآخر نرسانده رشتهٔ زندگانیش بآخر رسید ، رساله‌ای بنام « سحاب البکاء » در مراثی و جنگهای حضرت سیدالشهداء ع بنظم و نثر تألیف و راوی گروسی شهادت داده که پاکیزه انشا گردیده و دیوان شعر وی درمیان خاص وعام شهرت کامل دارد .

شمارهٔ ابیات سحاب را راوی در انجمن خاقان در حدود هشت هزار بیت و هدایت در مجمع الفصحا قریب پنجهزار بیت دانسته‌اند و دو نسخه زیرین که نظیر یکدیگرانند هریك شامل درحدود (۴۰۰۰) بیت میباشد و ۲۰۰ بیت ازاشعارسحاب درمجمع الفصحا چاپ گردیده است .

آغاز :

زهی طغرای نام نامیت عنوان دیوانها　　نیابد زیب بی نام همایون تو عنوانها

(۱۱۹۹)

دیوان سحاب　این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۰ نوشته شده ، دیوان هاتف راکه در همین فصل از آن معرّفی خواهدشدهمین نویسنده بسال ۱۲۳۱ نوشته و پیوسته بدین نسخه میباشد ، در آخر این نسخه اخیر کلمه ضیائی نوشته شده وظاهراً نویسنده دونسخه بوده است .

جلد مرغش . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۲۰۵) . این نسخه (۱۵۱) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۱) .

(۱۲۰۰)

دیوان سحاب این نسخه بسال ۱۲۴۷ بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود نام نبرده و چون نسخهٔ پیشین شامل غزلیات و قصائد وقطعات میباشد وصفحه نخستین مختصر تذهیبی دارد و صفحات مجدول به اکلیل و پشت صفحهٔ نخستین کلمات بچگانه نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ برگها (۱۸۳) صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱۴ ۱/۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹۲) .

[۵۳۵] دیوان سلمان ساوجی (فارسی)

جمال‌الدین سلمان بن علاءالدین محمد ساوجی (۱) از شعرای مشهور قرن هشتم هجری است (۲) وبنام تخلص میکند ، مدّاح شیخ‌حسن ایلکانی وپسر وزنش سلطان اویس ودلشادخاتون ومدّاح سلطان حسین (۳) وعلاءالدین علی (۴) وشاه محمود (۵)

(۱) تذکرهٔ دولتشاه ص ۲۵۸ ـ ۲۶۳ جانی ، هفت اقلیم ص ۸۱۷ ـ ۸۲۰ ، مجالس المؤمنین ص ۵۲۳ ـ ۵۲۵ ، آتشکدهٔ آذر ص ۲۲۳ـ۲۲۶ جانی ومجمع الفصحا ج ۲ ص ۱۹ـ۲۰ مراجعه شده است .

(۲) هدایت وفات وی را بسال ۶۶۹ دولتشاه بسال ۷۶۹ ثبت کرده‌اند و در دیگر مآخذ نام برده تاریخ نگارش نیافته ولی مسلما این دو تاریخ غلط است و در دیوان وی تاریخ سال ۷۷۵ موجود است :

بسال هفصد وهفتاد و پنج گشت خراب بآب خطهٔ بغداد خاک بر سر آب

وگذشته از این مرثیهٔ سلطان اویس متوفی بسال ۷۷۶ در دیوان وی نیز بدین مطلع ثبت است :

ای سپهر آهسته رو کاری به آسان کردهٔ ملک ایران را بمرگ شاه ویران کردهٔ .

بنابراین و مندرجات دیگر دیوان وی ثابت میشود که تا مقداری پس از این تاریخ (۷۷۶) زندگانی میکرده وشاید اصل دوتاریخ نام برده ۷۷۹ بوده ونویسندگان غلط نوشته ونقل کرده‌اند ودرآخر بحث راجع بسلمان درتذکره دولتشاه وجودوی درهنگام مرگ سلطان اویس تصریح گردیده است .

(۳) در دیوانست :

باد باقی بر سریر سلطنت سلطان حسین آن که او آمد سواد مملکت را نورعین .

(۴) نیز درآنجاست :

خسرو عادل علاءالدین والدنیا علی ای که گردن طوق مرگ عقد گردن کرده‌است .

(۵) این بیت در مدح اوست :

قطب‌دین شاه فلک مرتبه محمود که اوست بهمه سیرت محمود محامد مذکور .

و امرای معاصر خویش بوده ، دولتشاه سمرقندی از علاءالدوله سمنانی نقل نموده که گوید « همچون انار سمنان وشعر سلمان در هیچ جا نیست » ، از اشعار خواجه سلمان محبت اهل بیت کاملاً ظاهر و هویداست و برخی از آنها در مجالس المؤمنین نقل گردیده ، گذشته از دیوان قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترکیب و ترجیع بند دو مثنوی بنام « جمشید و خورشید » و « فراق نامه » از سلمان بیادگار مانده و نسخه ای از این دومثنوی در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی خواهم گردید .

سلطان اویس نسبت بوی محبت زیاد داشت واز یمن تربیت این شاه و مادر و پدرش شهره آفاق گردید و در اواخر عمر ازخدمت کناره گرفته واز پادشاه دهی که **ایرن** نام داشت ودرحوالی ری بود درخواست کرد پادشاه بر کنار عریضه وی این بیت را نوشت :

ده **ایرن** که از حدود ری است بدهیدش که التماس وی است .

(۱۲۰۱)

دیوان سلمان ساوجی

این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً درقرن نهم نوشته شده ، شامل قصائد ومقطعات وغزلیات و رباعیات و ترکیب بند و ترجیع بند میباشد ودرحدود (۱۱۵۰۰) بیت است ، پاره ای ازبرگها وصالی گردیده و اوراقی از اول وآخر آن افتاده ونخستین بیت نسخهٔ اینست :

از طبع تو زاده است دریا وز نسبت تست گوهرش پاك .

وآخرین بیت نسخه اینست :

در راه هوا بسر همی پوید شمع پروانه هم ازحسن تومیجوید شمع .

جلد تیماجی . کاغذ دوات آبادی . واقف سیهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۲۹۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۸) .

(۱۲۰۲)

دیوان سلمان ساوجی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگهائی از آخر آن افتاده ، ظاهراً درقرن دهم نگارش یافته وشامل اقسام اشعار نام برده درشمارهٔ پیش میباشد ، ودرحدود (۶۹۰۰) بیت است .

برگهائی از آن وصالی گردیده و بدین بیت شروع شده :

آسمان ساخت در آفاق یکی سور چه سور که از آن سور شد اطراف ممالک مسرور .

وآخرین بیت نسخه اینست :

خواهم شبکی چنانکه تو دانی و من بزمی که در آن بزم تو وامانی و من .

در اول نسخه پیشمانی ظریفی میباشد ولی اندکی خوشدگی دارد و پشت صفحهٔ نخستین ابیاتی نگارش یافته است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۴۰) صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ نسخه (۳۰۳) .

[۵۳۶] دیوان سنائی (فارسی)

حکیم سنائی را در ص ۴۹۲ - ۴۹۹ مفصلاً معرّفی کرده‌ام ، این دیوان که شامل قصائد و غزلیات وقطعات و رباعیات میباشد ودرحدود (۷۵۰۰) بیت میباشد از آثار آنحکیم بزرگ و شاعر عالیمقام است ، قصائد وغزلیات آن برحسب قوافی مرتب بحروف تهجی است ، سنائی براین دیوان مقدّمه ای بنثر نوشته و فهرست قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات آنرا نیز در آخر آن دیباچه مندرج ساخته و نسخه از این دیوان که شامل این دیباچه نفیس میباشد در کتابخانه ملّی ملک در طهران موجود ، طرز خط و کاغذ حاکم است که نزدیك بعصر سنائی نگارش یافته است .

این دیوان بسال ۱۲۷۴ درطهران چاپ گردیده .

(۱۲۰۳)

دیوان سنائی

این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً درقرن دوازدهم هجری نوشته شده ، ازخط برمیاید که دونفر آنرا نگاشته‌اند . بسال ۱۲۷۹ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده ، یك برگ از اول ویك برگ از آخر آن افتاده و بیت نخستین کنونی این :

مر زمین وآسمانرا نیست جز تو خالقی خلق خلوقند و تو خالق و هم لایخلقون

و دو بیت آخر نسخه اینست :

ای قامت سرو گشته کوتاه بتو　　درشب مرو ای خجل شده ماه بتو
گر رنج رسد مباد ناگاه بتو　　آن رنج بمن رسد پس آنگاه بتو

جلد میشن‌دور گرفته . کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۵۶) . صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۴۶) .

[۵۳۷] دیوان سوزنی (فارسی)

حکیم سوزنی از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری بوده و قصائد غرّا دارد ، نصف دیوان وی مشتمل بر اهاجی رکیکه میباشد ، ولی دراواخرعمر پشیمان شده وتوبه نموده ودر قصیده‌ایکه بدین مطلع است :

ای خداوندی که اکرام تو جاه آورده‌ام　　زانکه تو دستم گرفتی پایگاه آورده‌ام

گوید :

پنج ره روزی بدرگه خواندیم پنجاه سال
رو بسوی درگه تو گاه گاه آورده ام
توبه کردم توبه کردم فضل کن رحمت نمای
چون بدرگاه تو خود را در پناه آورده ام

بنابراین در ۶۵ سالگی توبه نموده ودر اشعار خود مکرّر به هفتاد سالگی(۱) و به هشتاد سالگی خود تصریح نموده گذشته از اینکه در بسیاری از ابیات اشاره به پیری وموی سفید خود کرده است .

نام سوزنی چنانکه ازاین بیت وی:

(نام‌من مسعود و القابم بخوانی‌سوزنی　　نیك نامستم گنه کارم پناه آورده ام).

که در قصیده توحیدی او میباشد مسعود(۲) پدر او بنا بر ضبط در تاریخ گزیده

(۱) هفتاد ساله گشتی توحید وزهد گوی　　کم خای زاژ وبیش مدوجون خران عنك
و نیز گوید : درباغ عمرسوزنی ای صدر روزبه　　هفتاد شد خزان و تموز و دی و بهار
(۲) درتاریخ گزیده (ص۸۲۰ چاپی) سوزنی بنام ابوبکر بدون نام پدر ولی درنسخه کهن‌سال این کتابخانه ونسخه خطی مجلس ابوبکر بن السلانی معرفی‌شده و در لباب‌الالباب (ص۱۹۱-۱۹۸ ج۲) وهفت اقلیم (ص۱۱۵۸) بنام محمد بن‌علی وآذر اورا (ص ۳۴۸) شمس الدین محمد و از اولاد های

(بقیه حاشیه در صفحه ۶۸۰)

السلانی است و ممدوحین او طمغاج خان مسعود (۱) بن حسین و وزراء او [ویژه سعدالملك مسعود بن اسعد (۲)] و سلطان سنجر سلجوقی و طغانشاه (۳) و افتخارالدین و حمیدالدین جوهری مستوفی (٤) و غیر از اینهاست .

(بقیه حاشیه از صفحه ۶۰۷)

سلمان فارسی دانسته خود وی نیز باین انتساب تصریح کرده و گوید :

اگر به نسبت سلمانیم زروی پدر — که تا بسیرت سلمان شوم دعائی گوی

ودرجای دیگر گوید :

بزهد سلمان اندر رسان مرا ملکا — چو یافتم ز پدر کز نژاد سلمانم

(۱) عوفی در ص ۴۲ ج ۱ طمغاج خان را جلال الدین ابراهیم بن حسین معرفی نموده و عین این شرح را که عوفی نوشته درهفت اقلیم می بینم ولی سوزنی مکرر نام طمغاج خان را مسعود و پدرش را حسین گفته از آنهاست :

فتح طمغاج خان مسعود شاهنشاه مشرق را ،

طمغاج خان اعظم مسعود رکن دین — فتح طمغاج خان مسعود رکن الدین والدنیا

شهنشاه مسعود ابن الحسین ،

خدایگانا بخت کسی که نام تو گفت — شود چو نام تو مسعود هم در آن گفتن

شاه جهان رکن الدین ودنیا (کذا) مسعود . و غیر از اینهاست .

آقای قزوینی درحواشی لباب الباب (ص ۳۰۰ ـ ۳۰۱) گوید : فتح طمغاج خان ما قبل آخرین از ملوك خانیه ماوراءالنهر است که ایشان را خاقانیه و ایلك خانیه و آل افراسیاب نیز گویند و مدت سلطنت ایشان در ماوراءالنهر بعد از سامانیه وقبل از مغول قریب ۲۳۰ سال است از حدود سنه ۳۸۰ تا سنه ۶۰۹ . . . . ووفات فتح طمغاج خان درحدود ۶۰۰ بوده است .

(۲) درقصیده ایکه مطلع آن اینست .

رسید ماه محرم بسال پانصد و شصت — بیار کاه وزیر خدایگان بنشست

گوید : سروزیران صدر بزرگ سعدالملك — که سعد اکبر ناظر بدی بوی پیوست

ودرجای دگر گوید :

وزیر شاه سعدالملك مسعود بن اسعد را — ثنای محمدت گوید زبان عذب گفتارم .

(۳) دردیوان سوزنی در دوجا نام طغان خان را یافته ام یکی :

تیغ قدر طغان خان راست منتقم — کش در دماغ وسوسه انتقام نیست

ودیگری این :

شه انجم به پیروزی شهنشاه — محول شد برین پیروزه خرگاه

طغان خاقان سر شاهان مغرب — خداوند نگین و خطبه و گاه

آقای قزوینی درص ۳۶۱ ج ۱ لباب (بخش حواشی) سلطنت طغانشاه بن مؤید را ازسال ۵۶۹ ـ ۵۸۱ دانسته اند و در ص ۱۵۲ ـ ۱۵۳ ج ۱۱ کامل التواریخ سال ۵۶۸ ـ ۵۸۲ نوشته شده است .

دولتشاه سمرقندی و تقی‌الدین کاشی(۱) وآذر وفات سوزنی‌را بسال۵۶۹ نقل کرده‌اند ودرتاریخ گزیده سوزنی را از **کلاش** توابع سمرقند شناسانده وآذر گوید عمر او از هشتاد گذشته بود وچنانکه گفتیم خود وی هشتاد سالگی خود را یاد نموده بنابراین پیش از سال ۴۸۹ متولّد شده است .

دیوان حکیم سوزنی را آذر قریب ده هزار بیت وصاحب مجمع‌الفصحا (ج۱ ص ۲۴۹ - ۲۵۲) دوازده هزار بیت دانسته و نسخه زیرین در حدود (۸۲۰۰) بیت است .

آغاز :

در هر گناه سخره دیوم بخیر خیر یارب مرا خلاص ده از دیو سخره گیر

(۱۲۰۴)

دیوان سوزنی این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال۱۰۳۳ نوشته شده ، پیش از شروع بنگارش نسخه دو مجلس نقاشی ظریف که مجلس بزم شاه عباس را مجسم مینماید موجود و درآخر نسخه هم شکارگاه شاه عباس و هنگام شکار در دو صفحه بوده ، پیش از ورود نسخه به کتابخانه اعتضادالسلطنه یك صفحهٔ آن برداشته شده ، اطراف این سه مجلس صورت سازی که تمام صفحه را فرا گرفته تذهیب بسیار ظریف و نقاشی ممتاز گردیده،دارای‌سه سرلوح بسیار زیباست،اطراف‌صفحه‌ایکه سرلوح‌داردوصفحهٔ‌مقابل‌آن‌نقاشی بسیار ظریفی گردیده و نسخه سه بخش است : ۱ - مدائح . ۲ - هجویات . ۳ - رباعیات . تمام برگها متن وحاشیه وجدول بطلا ولاجورد و شنجرف وغیره و زرافشان واطراف‌مطالع آن و میان مصرعها تذهیب ظریف گردیده و از قرائن موجودهٔ در نسخه بدست می‌آید که مخصوص کتابخانه شاه عباس تهیه‌شده وچند یادداشت ازاشخاص‌پشت برگ نخستین نسخه است .

جلد ساغری ضربی مینا شده و طرف اندرون سوخته . کاغذ **متن** خان بالغ **حاشیه** بخارائی . واقف سپهسالار. قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۸۵) . صفحه‌ای (۱۵) سطر. طول($20\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۱۸) .

[۵۳۸] دیوان سیف اسفرنگ (فارسی)

سیف‌الدین اعرج اسفرنگی (اسفرنگ که آنرا اسفره نیز گویند بنا بر نوشته یاقوت در معجم‌البلدان (ج ۱ ص ۲۴۸) از توابع سغد سمرقند است و امین‌احمد نوشته که تا مرغنان نه فرسنگ است) از شعرای قصیده سرای قرن هفتم هجری است و چنانکه خود وی تصریح نموده (۱) بسال ۵۸۱ متولّد شده و در مآخذ نگارش این مختصر (۲) هشتاد و پنج سال عمر برای وی معین گردیده بنابراین بسال ۶۶۶ (۳) وفات یافته در شمع انجمن نوشته که صدسال عمر کرد و بسال ۶۵۲ وفات یافت. و بطلان این قول واضح است.

این دیوان شامل مدائح خوارزمشاهیان از سلطان علاءالدین محمد (۴) بن تکش بن

---

(۱) در ورق ۳۰۲ نسخه شمارهٔ (۲۸۲) این کتابخانه است:

مرا مادر پس از تاریخ هجرت — بسال پانصد و هشتاد و یک زاد
نهال عمر من هفتاد و نه سال — چو طوبی هر زمانی نوبری داد
اگر فرزند جسمانی نبودم — که گیرد در جهان از نام من یاد
مرا فرزند روحانی بسی هست — که جان غمزده زیشان شود شاد
تن من گر بمیرد تا قیامت — بقای جان فرزندان من باد

(۲) تذکره دولتشاه ص ۱۲۶-۱۲۸ هفت اقلیم ۱۲۰۵-۱۲۰۹، آتشکدهٔ آذر ص ۲۳۲-۲۳۳ مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۲۵۲-۲۵۴، مقدمهٔ دیوان سیف (اولین نسخهٔ این فهرست) از هدایت، شمع انجمن ص ۲۱۳ و تاریخ مفصل ایران (مغول) آقای اقبال ص ۵۳۴. شامل شرح حال این شاعر میباشند.

(۳) در آتشکده (فقط در نسخه خطی شمارهٔ (۲۶۸۲) این کتابخانه تاریخ فوت را دارد و در نسخ دیگر خطی و نسخه چاپی سال وفات نوشته نشده است) و تاریخ ایران (مغول) وفات سیف‌الدین بسال ۶۶۶ ثبت گردیده و در مقدمهٔ این دیوان و مجمع‌الفصحا هدایت با اینکه عمر او را ۸۵ سال تصریح نموده و خود او تولدش را نیز بسال ۵۸۱ نقل نموده، گوید بسال ۶۷۲ وفات یافته و این مسلماً اشتباه است.

(۴) سلطان محمد بن تکش بن ایل ارسلان که پیش از سلطنت ملقب به قطب‌الدین بوده و پس از آن علاءالدین گردید از سال ۵۹۶ تا ۶۱۷ چنانکه در ص ۱۷۷ جزء چهارم جلد دوم حبیب‌السیر و تاریخ گزیده ۴۹۴-۴۹۸ عکسی ص ۸-۹ تاریخ مغول آقای اقبال تصریح گردیده، سلطنت داشته و بواسطه فتح‌های پی در پی او را سنجر و اسکندر ثانی خوانده‌اند و اینکه در تمام مآخذ نام برده وی را مداح ایل ارسلان (متوفی بسال ۵۵۸ بنابر ضبط تاریخ گزیده ص ۴۹۲ و بسال ۵۶۷ بنابر قول حبیب‌السیر و بسال ۵۶۸ بنا بر نوشته تاریخ ابوالفدا) معرفی کرده و نوشته‌اند که بامر آن پادشاه قصیده‌ای از خاقانی را جواب گفت، مسلماً اشتباه است چرا که بنابر تصریح خود وی سیف‌الدین ۲۳ سال یا ۱۳ سال پس از مرگ آن پادشاه متولد شده و در دیوان وی نامی از او و حتی از پسرش تکش که از سال $\frac{۵۵۸}{۵۶۸}$ تا ۵۹۶ سلطنت داشته نیست.

الب ارسلان (۵۹۶-۶۱۷) که او را سلطان سنجر و اسکندر ثانی خوانده اند تا سلطان جلال‌الدین آخرین پادشاه این دودمان و درباریان و دانشمندان این عصر و سلطان تاج‌الدین محمود پادشاه کرمان(۱) و امیرعمید قطب‌الدین حبش که ازامراء مغول واز طرف جغتای و جانشینان او اداره ماوراءالنهر بدو برگذار بوده و غزلیات ومقطعات و رباعیات و ترکیب بند وغیره میباشد و دولتشاه شمارهٔ ابیات آنرا دوازده هزار وهدایت ده هزار معین‌نموده اند ونخستین نسخهٔ زیرین تقریباً شامل ۱۱۰۰۰ بیت میباشد با اینکه برگهائی‌هم ازآن افتاده وابیاتی در نسخ دیگر ازاین دیوان یافت میشود که دراین نسخه نیست .

سیف الدین بیشتر بطرز خاقانی و ظهیر فاریابی راغب بوده و اشعار حماسی زیاد دارد در تمام دیوان او تخلصی نیست و از طرفداران و دوستان اهل بیت پیغمبراکرم ص بوده ودراین‌باب ابیاتی‌چند دراین‌دیوان موجودست وازآنهاست :

تو دانی که براهل دین سخت باشد بجای علی دیدن آل مروان
زانکه در باب امامت ز پیمبر بیقین هست بر جملهٔ اولاد علی نص علی

آغاز :(۲)

(۱۲۰۵)

دیوان سیف اسفرنگ

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، برگهائی ازاول ومیان وآخرآن افتاده ، بسال۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وبرکناربرگ ۱۱ یادداشت شده ، پس‌ازآن بدست رضاقلیخان هدایت داده شده ، بخط خود شرح حال سیف‌الدین را درپنجاه بیت دردوصفحه نوشته واول کتاب گدارده ویك صفحه هم پس ازآن ابیاتی از سیف‌الدین نوشته

(۱) دراین دیوان قصائدی چند درمدح این پادشاه دیده میشود ازآنهاست :

تاج دین محمود شاه سندو کرمان آنکه هست ملك و ملت را معین و دین ودولت را نصیر

و درجای دیگرازتوقف سمرقند که موطن وی بوده وبسیارازآن نام برده قصد کرمان کرده وگوید :

من و خدمت شاه کرمان ازین بس که شب کاه کاشان نیرزد بکاهی

(کاشان یکی ازشهرهای اسفرنگ است) .

(۲) دونسخهٔ این کتابخانه ونسخهٔ کتابخانه مجلس‌هریك بطرزی غیرازطرزدیگری تنظیم شده وهریك بقصیده‌ای شروع گردیده است .

شده و متصل به ابیات صفحهٔ کهنه گردیده و برگ ۱۹۵ و چند بیت آخر نسخه (برگ ۷۳۸) نیز بخط هدایت است برگ ۹ و ۱۰ و ۷۶ و ۱۳۹ و ۲۴۱ کنونی نسخه ننوشته است.

کتابت نسخه بشهادت کاغذ و مرکب در قرن دهم بوده و در اواخر سیزدهم هدایت (پس از تألیف مجمع الفصحا) در این نسخه نظر و آنرا تکمیل کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچک. شمارهٔ برگها ۳۷۸. صفحه‌ای (۱۵) سطر. طول (۲۰ ½ سانتیمتر) عرض (۱۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۸۲).

(۱۲۰۶)

دیوان سیف اسفرنگ

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ اول و بخشی از آخر آن افتاده، ظاهرا در قرن یازدهم نگارش یافته، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه شده، میان سطرهای نخستین صفحهٔ کنونی طلااندازی شده و تمام صفحات بجدول بطلا و زنگار و لاجورد میباشد و بیت نخستین نسخه اینست:

عندلیب خوش نوایم گر جهان سردی کند
لوح اسرار معانی بس بود گلزار من

و چنانکه از هفت اقلیم بدست می آید هشت بیت پیش از این بوده و مطلع این قصیده اینست:

شب چو بردارد نقاب از هودج اسرار من
خفته گیرد صبح را راه دل بیدار من

و آخر نسخه این رباعی است:

پیوسته در پی آنم که بمانم از خود — خود را بحیل باز رهانم از خود
از چشم خیال خویشتن بینی خویش — چون مردمک دیده نهانم از خود

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۵۵). صفحه‌ای (۱۷) سطر. طول (۲۴ ½ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۱).

[۵۳۹] دیوان شادان (فارسی)

مهراج(۱) شادان تخلص که گذشته از تصریح نویسندهٔ نسخه در اول دیوان از

(۱) در ص ٤ دیوانست: از طفیل جناب اقدس او [illegible] مشهور [illegible] من مهراج.

اشعار او برمی آید که وزیر(۱) یکی از پادشاهان هند که از اوشاه اسکندر تعبیر میکند وظاهراً نام وی **مهاراجه چندولعل** بوده غزلیات و ترکیب بند و غیره درحدود (۲۰۰۰) بیت انشاء نموده که از نقل ابیاتی از آن پایهٔ شاعری او بدست می آید، در غزلیات بیشتر معاشقهٔ او با خالق است و با مخلوق سروکاری ندارد و میخواسته که قدم درواد ی عرفان گذارده باشد و دریکی از رباعیات خود گوید :

شادان تو محققی می عرفان خور .

در کتب رجال وسیرنامی و آثاری از شادان نیافتم ازماده تاریخیکه برای تعمیر پل ساخته وزیر این سطر نگاشته میشود معلوم میگردد که درنیمهٔ اول قرن سیزدهم زندگانی مینموده وآن اینست :

بعهد شاه اسکندر بشد تعمیر پل یکسر
ز سعی راجه چند و لعل از سابق بود بهتر
بشادان شد ندا **جای غریبی** بهر تاریخش
زسیل اینك بود محفوظ چون اندر صدف گوهر

وجای غریبی سال ۱۲۳٦ را میرساند .

و دراین دیوان بمدح حضرت پیغمبرص وحضرت علی بن ابیطالبع پرداخته وازآنها این دوبیت است :

سرور کائنات فخر رسل — از طفیلش باو شده معراج
هم زفضلش علی عالیقدر — مقتدا گشته ازعلو مزاج

آغاز : بسمله

ناصیهٔ خود ز عجز بردرجانان بسا — شرط غلامی بود بندگی باوفا

(۱۲۰۷)

دیوان شادان این نسخه را بخط نستعلیق خوب نوشته‌اند (ظاهراً درزمان خود شاعر و برای پادشاه تهیه شده باشد) ، عناوین با طلا و

(۱) در حاشیهٔ ص ٤ گوید :

تا بصد سال زالطاف شه اسکندر — گفت امروز بشادان که وزارت فرما

ودر عنوان صفحه نخستین دیوانست : دیوان وزیر ارسطو دبیرمهاراج راجه جندولعل بهادر .

و حواشی و میان سطرهای دو صفحه اول نسخه تذهیب گردیده ، و تمام صفحات بجدول بطلاست ، بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار. قطع وزیری (شمارهٔ اوراق (٤٣) . صفحه‌ای درمتن وحاشیه (٣٦) بیت . طول (٢٩ سانتیمتر) . عرض (١٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٨٩) .

[٥٤٠] دیوان شاهی سبزواری (فارسی)

امیرشاهی (آقا ملك(١))بن جمال‌الدین فیروزکوهی متوفی بسال ٨٥٧)(٢) از اولاد سربداران میباشد ، پس از آنکه سربداران را شاهزاده بایسنقر بر انداخت امیرشاهی بمنادمت بایسنقر رسید و املاك آنهارا که ضبط کرده بودند بدو برگردانند ، پس‌ازچندی ترك ملازمت نمود و در سبزوار بترتیب و نظم املاك خود پرداخت ودر هنگامیکه از هفتاد سال بیشتر داشت دراستر آباد وفات یافت وجسد او را به سبزوار آورده درخانقاهی که ازبناهای اجداد او دربیرون دروازه بود بخاك سپردند .

دیوان شاهی را امین احمد رازی هزار بیت دانسته ونسخ این کتابخانه کمتر از این اندازه را شامل میباشند ، دولتشاه گوید : فضلا متفقند که شور **خسروی** ولطافت **حسن** ونازکیهای **کمال** وصفای سخن **خواجه** در کلام امیرشاهی جمع است .

و درتذکره خود غزلی که در دیوان او نیست و آنرا از غزلیات جدید او معرفی کرده نقل نموده وراستی اشعار او لطافت وصفا دارد و **شاهی** تخلص او میباشد واین دیوان شامل غزلیات وقطعات ورباعیات است .

آغاز : ای نقش بسته نام خطت باسرشت ما این حرف شد ز لوح ازل سرنوشت ما

(١٢٠٨)

دیوان شاهی سبزواری

این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب واز خطوط ممتاز میرعلی هروی(٣) ودارای یك سرلوح بسیار ظریف و درابتداء هرغزل و قطعه سرسوره هائی میباشد . صفحات مجدول ،

(١) نام امیرشاهی در تکملهٔ آثار ملك و در نسخه [illegible] دیوانش ملك بن ملك جمال‌الدین ضبط گردیده است .

اوراق متن وحاشیه گردیده وحواشی زرافشان شده و موریانه برخی از اوراق را سوراخ کرده وبعضی ازمیناهای سرسوره ها هم ریخته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۴۳) صفحه(۱۰) سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۲۱) .

(۱۲۰۹)

دیوان شاهی سبزواری این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، پشت صفحهٔ نخستین وجلد کتاب بنام خط میر علی معرّفی شده ، بی شباهت بخط نسخه پیشین نیست ولی بآن استحکام وظرافت هم نیست اگر این نسبت درست باشد از خطوط متوسط میر علی است ، دارای یك سرلوح زیباست و اوائل غزلیات و قطعه ها سرسوره های مینائی ظریف دارد وصفحات متن وحاشیه ومجدول بطلا ولاجورد وغیره است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ **متن** خان بالغ **وحاشیه** افشان زده . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۵۱) . صفحه‌ای(۹) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۵۷) .

(۱۲۱۰)

دیوان شاهی سبزواری این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ۹۸۳ نوشته شده نویسنده نامی ازخود نبرده ، شاید که آنرا کـه خط میرعماد خطّاط معروف بدانیم ، برگها آبدیده وبرخی وصّالی شده ، یك سرلوح کوچك دارد وصفحات مجدول بطلا ولاجورد وغیره است .

جلد ساغری ضربی . کاغذمتن‌خان‌بالغ وحواشی الوان . واقف‌سپهسالار . قطع‌وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۴۱) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۲۱ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۸) .

(بقیه حاشیه ازصفحه ۶۱۶)

(۲) امیر شاهی در تذکره دولتشاه و ص ۶۴۲ ـ ۶۴۳ هفت اقلیم و ص ۸۴ آتشکده معرفی و بدانهامراجعه شده است .

(۳) میرعلی از مشاهیر نستعلیق نویسان میباشد و در امتحان‌الفضلاء (سنگلاخ) ج ۱ شرح حال مفصل ایشان مندرج و درآنجاست که بسال ۹۷۶ وفات یافته است .

(۱۲۱۱)

دیوان شاهی سبزواری این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً درقرن دهم هجری) نوشته شده ، دارای یك سرلوح زیباست ، صفحات مجدول به رنگهای گوناگون میباشد ، باچهار دیوان دیگر دریك مجلّد است که بشمارهٔ (۲۷۹) در کتابخانه ثبت گردیده ، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ نگاشته ام .

[۵۴۱] دیوان شریف (فارسی)

شریف تبریزی(۱) از شعرای معروف آذربایجان و در زمان شاه طهماسب صفوی میزیسته ، سام میرزا گوید بسال ۹۵۶ به اردبیل آمد و در مرض وبا که در آنجا واقع شد از پای درآمد ، شاگرد لسانی شیرازی بوده گویند کتابی بنام **سهو اللسان** (۲) در ابیاتیکه از **لسانی** بنظر او بی معنی رسیده و یا خود از زبان لسانی ساخته ، نوشته و پس از آن از استاد عذرخواسته ، **آذر** گوید تخلص باسم میکند و در دیگر مآخذ ذکری ازنام وی و پدرش نیست ، در هفت اقلیم ترکیب بندیکه در هجو غیاث کهره که ازمستوفیان شاهی بوده مندرج وقصیده ایکه پس از ترکیب بند نام برده درمدح غیاث مذکور انشانموده وچندین بیت از غزلیات او نیز در این تذکره موجود است .

در دانشمندان آذربایجان شرح مفصلی در شرح حال شریف نگارش یافته و در آنجا نیز از دیوان وی چند بیت انتخاب گردیده و در آنجاست که دیوان غزلیات او را مؤلف آن کتاب دارند و تقریباً ۱۲۰۰ بیت میباشد و دیوان قصائد واشعار او مشهور است .

آغاز : ای نخل تمنّا قد رعنای تو ما را از پای در آورد تمنّای تو ما را

(۱) در تحفه سامی ص ۱۲۱ حدائق هفت اقلیم ص ۱۲۰۸ ـ ۱۰۳۱ ، آتشکدهٔ آذر ص ۳۳ ـ ۳۴ ودانشمندان آذربایجان ص ۱۹۲ ـ ۱۹۷ از این شاعر وقدرت بیان او معرّفی گردیده وهریك ابیاتی از او انتخاب کرده اند .

(۲) در دانشمندان آذربایجان دربارهٔ این کتاب و ردهائیکه بر آن نوشته شده شرحی سودمند نگارش یافته است .

(۱۲۱۲)

دیوان شریف تبریزی این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب **زینب** دختر مقصود علی نوشته ، تاریخ ندارد ولی نسخه گواهی میدهد که در اواخر قرن دهم نگارش یافته ، سرلوح ظریفی دارد ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد میباشد ، سلیمان بن محمد خان قاجار پشت صفحهٔ نخستین تملك خود را یادداشت و پس از آن یادداشتی مورخ بسال ۱۲۸۵ از طرف اعتضادالسلطنه و پس از آن وقفنامه نسخه نگاشته شده و مهریکه در پایان آخرین صفحه بوده محو گردیده است .

جلد روغنی دورو گل و بوته‌دار وتصویر حیوانات برجسته . کاغذ کشمیری رنگارنگ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٤٤) . صفحه‌ای (۱۰ و ۱۱) بیت . طول ($20-\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠٧) .

[٥٤٢] دیوان شهاب اصفهانی (فارسی)

میرزا نصرالله اصفهانی **شهاب** تخلص از شعرای نام‌دار میباشد ، بسال ۱۲٥٤ بطهران آمده ، مورد لطف و عنایت حاجی میرزا آقاسی ایروانی صدراعظم وقت گردید وملقب به **تاج‌الشعرا** شد ، درزمان ناصرالدین‌شاه تهنیت‌ها گفته وانعامها گرفته ومأمور نظم مراثی حضرت سیدالشهدا ع گردیده و انجام داده و هدایت گوید (۱) : « از شعرای معین کثیرالفضل بدیع‌النظم ایدولت همایونست ، اشعار بسیار بوزن تقارب وقطعات و قصائد منظوم نموده که همه در نهایت متانت است وکمال رزانت اگر چه دیوانش حاضر نیست این اشعارش در این کتاب مرقوم میشود (درحدود ۳۰۰ بیت ازقصائد ومسمطات وی را نقل‌نموده) » .

آغاز :

ای نام همایونت دیباچهٔ دیوانها بی‌نام تو نامی‌نیست نه‌نامه نه‌عنوانها (۲)

(۱) در ص ۲۱۹ـ۲۲٤ ج ۲ مجمع‌الفصحا معرفی مختصری ازاین‌شاعر گردیده وجل‌نقل‌شده مختصری از عبارات آن کتاب است ودر ص ۲٤٤ ـ ۳۲٤ گنج شایگان شرح حال مفصل و انتخاب زیادی نیزاز اشعار اوشده است .

(۲) این آغاز نسخهٔ این کتابخانه است که شامل قسمتی ازقصائد شهاب میباشد ودیوان کامل او را تا کنون [illegible]

(۱۲۱۳)

دیوان شهاب اصفهانی

این نسخه بسال ۱۲۷۲ بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، شامل قصائدیستکه شهاب در مدح صدراعظم نظام‌الملك(۱) سروده ومرتب بترتیب حروف تهجی از الف تا یاء برحسب قوافی میباشد و پیش از شروع بقصائد در مدح صدر اعظم سه قصیده درتوحید و نعت که نیز مذیّل بمدح پادشاه و صدراعظم میباشد گذارده شده و این دیوان قصائد درحدود (۸۰۰۰) بیت است و طرز تذهیب و جدول کشی‌ها و اینکه نام پادشاه عصر وصدراعظم درهربیت که بوده باطلا نوشته شده حاکی است که نسخه برای صدراعظم مذکورتهیه شده واعتضادالسلطنه پشت صفحهٔ نخستین یادداشت نموده که ازورثه میرزا داودخان پسرمیرزا آقاخان صدراعظم نوری خریداری شده واین نیز مؤید احتمال مذکوراست،دارای یك سرلوح ظریف میباشد وحواشی دو صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده وتمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است .

جلد روغنی گل وبوته یك‌رو . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۳۹) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۷) .

| ۵۴۳ | دیوان سید صالح قزوینی الدرر الغرویه (عربی)

ناظم و شاعر این دیوان چنانکه درمقدمه تصریح شده سیّدصالح‌بن سیدمهدی بن رضا حسینی قزوینی است که از شعرای قرن سیزدهم هجری ودر نجف اشرف متوطن بوده درکتب سیر ورجال بنام این دانشمند برنخورده‌ام ، جز در ص ۶۵ ج ۲ احسن‌الودیعه در ذیل شاگردان شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۲) گوید : نزد این جناب گروهی از اهل ادب و کمال استفاده کرده‌اند از آنها سیّد صالح قزوینی متوفی بسال ۱۲۹۷ (چنین شنیده شده) میباشد . و جز این چند کلمه دربارهٔ وی چیزی دراین کتاب نگارش نیافته است .

این دیوان که آنرا «الدّرر الغرویّه فی العترة المصطفویّه» نامیده شامل چهارده قصیده درمداح ومناقب ورثاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلّم و حضرت فاطمه زهرا ع وحضرت امیر المؤمنین علی ویازده فرزندش علیهم صلوات الله در (۳۰۰۰) بیت میباشد ومقدمه‌ای مرکب از نثر ونظم بر آن نگاشته واین سه بیت را برای نشان دادن قریحه ونمودار اشعار وی دراینجا می آورم:

واللهِ جادَ علیکُمُ مُتَفَضِّلا ... بِوَلِیِّه وَهُوَ الْجَوادُ الموسِعُ
وَلَطالَ ما اوْصی بِحِفْظِ وِلائِهِ ... خَیْرُ الأَنامِ فخالَفوه وضَیَّعُوا
یامَنْ تُسَبِّحُ بِاسْمِهِ الْأَمْلاکُ في ... آفْلاکِها وإذا دَعاها تُسْرِعُ

(۱۲۱٤)

دیوان سید صالح (الدرر الغرویه)

این نسخه را بسال ۱۲٦۸(۱) بخط نسخ خوب ناجی بن محمد قفطانی نوشته، قصیدهٔ دیگری (٤۹ بیت) که ناظم این کتاب در هنگام مسافرت شیخ مشکور بآستان حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بسال ۱۲٦۹ انشاء نموده بردو صفحه‌ایکه پیش از دیوان ننوشته بوده نیز همین نویسنده نوشته، ۱۵ سرلوح زیبا که طرز هریك با دیگری مخالف در ابتداء مقدمه وچهارده قصیده گذارده شده و حواشی صفحه سرلوح‌دار وصفحه مقابل آن تذهیب ونقاشی گردیده وپشت نخستین صفحه بسال ۱۲۹۷ یادداشت اعتضادالسلطنه و وقفنامه نسخه موجود و تمام صفحات مجدول بطلا وعناوین قصائد با جوهر قرمز نوشته شده است.

جلد روغنی گل وبونه دورو. کاغذ فرنگی. وافف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۱۲۵). صفحه ای (۱۲) سطر. طول (۲۰ سانتیمتر). عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۹).

(۱) نویسنده درآخر نسخه نوشته: تاسع ذی‌الحجه من السنة الثامنه من المائة الثالثه من الالف الثانی من الهجرة النبویه ص. و تاریخ قصیده‌ایکه بخط همین نویسنده و بشهادت مرکب و طرز نگارش نزدیك بزمان نگارش اصل نسخه است پیش از مقدمه کتاب بسال ۱۲٦۹ نوشته شده بنابر این جملهٔ من العشر السابع از عبارت آخر نسخه مسلّماً افتاده است.

[٥٤٤] دیوان صائب (فارسی)

میرزا محمد علی ابن میرزا عبدالرحیم تبریزی متخلص به صائب متولد به سال ۱۰۱۶ ومتوفی بسال ۱۰۸۱ (۱) یکی از سخن‌سرایان معروف قرن یازدهم هجری است ، اشعار وی در هندوستان و عثمانی (ترکیه کنونی) بیشتر از وطن خویش شهرت دارد ، اگرچه آرزوی این را داشته که چون سعدی باشد چنانکه خود گفته :

صائب ازخاك پاك تبریز است هست سعدی گر از کل شیراز

شمارهٔ اشعار اورا دویست هزار بیت نوشته‌اند وگویند هفت دفتر و دیوان ترتیب داده و فتح نامه قندهار وی که بوزن مثنوی است ۱۳۵ (۲) بیت میباشد و گذشته از این قصیده‌ای در همان هنگام فتح (شاه عباس ثانی فاتح است) سروده واین بیت از آن تاریخ فتح را میرساند : (از دل زدود زنگ الم فتح قندهار ۱۰۵۹) و مثنوی در معاشقه محمود و ایاز دارد ، مجموعه از انتخاب اشعار خود و شعرای معاصر و پیشین در حدود ۲۵۰۰۰ بیت ترتیب داده که بگفته شبلی نعمان اینك در حیدرآباد دکن موجود است وخوشگو دیدن آنرا درتذکره خود تذکر داده.

صائب در فن غزل سرائی از دیگر فنون شعر برتری دارد و از اشعار خود انتخاباتی نموده و هریك را نامی گذارده : ۱ - **واجب‌الحفظ** بخیه‌ای از مطالع غزلیات اوست و نسخهٔ از آن بیوسته به نسخهٔ زیرین میباشد و با دقت و مراجعهٔ این نگارنده معلوم شد که این انتخاب از غزلیات غیر این دیوان حاضر اوست و شامل ۳۹۰ بیت مطلع است . ۲ - **مرآت‌الخیال** درو صف اوصاف سرتاپای محبوب است ونسخی از آن درمجموعات این کتابخانه و کتابخانه مجلس میباشد . ۳ - **آرایش نگار** مشتمل برابیاتی است که در آنها آینه و شانه آورده شده . ٤ - **میخانه** ابیات راجعهٔ به می و میخانه را از اشعار خود گرد آورده و بدین نام نامیده است .

---

(۱) این تاریخ وفات دو ماده تاریخ که در دانشمندان آذربایجان نقل کرده مؤید دارد و در ص ۱۷۶-۱۸۱ ترجمهٔ ادبیات ادوارد برون ۱۰۸۰ و۱۰۸۱ و۱۰۸۸ نوشته شده وغیر از این دو کتاب تذکره خوشگو ومجمع‌الفصحا ج۲ ص۲۳ و۲٤ وآتشکده ص۳٤ و۳۵ درهنگامه نگارش این شرح دیده شده است .

(۲) در تذکرهٔ خوشگو شمارهٔ ابیات این قصیده ۱۳۵ بیت و در دانشمندان آذربایجان صد و سی و پنجهزار ضبط گردیده است .

ه - **متفرقات** زیر این‌عنوان درحدود ۲۳۰۰ بیت از اشعار خویش انتخاب نموده و نسخه‌ای از آن پیوسته به‌نسخه زیرین دیوان اوست و با مراجعه ودقت معلوم شد که اینها را نیز از دیوان دیگر خود انتخاب کرده است .

ازسال ۱۲۶٤ تاکنون درحدود ٤۰۰۰۰ بیت از صائب درهندوستان چاپ شده ومنتخبی ازاشعاراو دراین اواخردرطهران واسلامبول نیزبچاپ رسیده ونگارنده نسخه ای ازدیوان صائب‌راکه خط ان عیناً نسخهٔ زیرین وبسیارشبیه نمونه‌ایست که از خط صائب در تاریخ ادبیات برون و دانشمندان آذربایجان گراور شده ، در کتابخانه دانشمند محترم آقای محمد جواد ارگانی نماینده خوزستان در مجلس‌شورای ملّی ایران‌دیده و در حدود (۸۵۰۰۰) بیت میباشد .

دانشمند محترم آقای تربیت شرح حال مفصّلی از صائب درص ۲۱۷ - ۲۲۶ دانشمندان آذربایجان (باگراورنمونهٔ خط وی) نگاشته اندویکی‌ازمآخذنگارنده‌در نگارش‌این شرح‌بوده و۲۵ کتاب‌را برای‌مراجعه بشرح‌حال‌این‌شاعرنشان‌داده اند .

این دیوان که زیر این سطرها خصوصیات آن نگاشته میشود جزضمائم آن درحدود (۱۷۰۰۰) وبا آنها تقریباً (۱۹۶۹۰) بیت است .

آغاز :

اگرنه مدّ بسم‌الله بودی تاج‌عنوانها نگشتی‌تاقیامت نوخط شیرازه‌دیوانها(۱)

(۱۲۱۵)

دیوان صائب تبریزی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، بسیار شبیه‌خط صائب‌نگارش یافته ولی‌غزلهائی که درحاشیهٔ برگ هفتم ودیگربرگهای نسخه زیرعنوان : **لراقمه‌صائب** نگارش یافته و عیناً نمونه ایستکه از خط صائب گراور شده ثابت میکندکه اصل دیوان خط شاعرنیست ومیدانیم که عارف تبریزی اصفهانی نویسندهٔ دیوان صائب بوده ومسلّماً این نسخه خطّاوست

(۱) خوشگو درتذکرهٔ خودگوید : این بیت آغاز یکی از دیوانهای صائب است و شمارهٔ ابیات صائب را سیصد هزار نوشته وازنصرآبادی یکصد وبیست هزارنقل‌نموده ونیز گوید که فقط دوازده قصیده‌یك‌مثنوی‌در فتح‌نامه قندهاردارد و باقی‌اشعاراو غزلیات است و در دانشمندان غزلیات ترکی بوی نسبت داده‌شده وقول بیشتر ازیك‌لك (صدهزار)درشمارهٔ ابیات‌صائب‌از حسینی‌نقل گردیده‌است .

وپس از اتمام غزلیات که موافق قوافی از الف‌تایا مرتب، گردیده، واجب‌الحفظ و متفرقات اشعار صائب که معرفی از آن‌دو گردید نگارش یافته ، نسخه بدست بچه افتاده و در آخر هربخشی کلماتی نوشته از آنجمله مکرر سنه ۱۲۲۲و۱۲۳۵ رارقم نموده وطرز خط ومرکب این یادداشتها دراینکه نسخه ازنظر خودشاعر گذشته وحواشی آن بخط اوست ، تردیدی ایجاد نمیکند .

یادداشتهائیکه بسال ۱۱۱۷ و ۱۲۱۴ نوشته شده‌اند پشت برگ آخرنسخه موجود وچندین برگ ازاول وآخرو صالی گردیده وبسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وپشت برگ اوّل یادداشت شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق(۴۲۵). صفحه‌ای(۱۷)سطر. طول(۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷) .

[۵۴۵] دیوان صاحب علی آبادی (فارسی)

میرزا محمد تقی ابن میرزا زکی مازندرانی متوفی بسال ۱۲۵۶(۱) از درباریان فتحعلیشاه قاجار بوده ، درقصائدوغزلیات گاهی صاحب وهنگامی صاحب دیوان تخلص میکرده ، دراوائل جوانی ده سال وزارت عبدالله میرزا حاکم وفرمانفرمای خمسه وسهرورد وسجاس را داشته بسال ۱۲۳۴ بطهران احضار گردیده و مقام منشی‌الممالکی را پادشاه عصر بوی برگذار نمود ، در شیراز رضاقلیخان هدایت را دیده و میخواسته او را بطهران آورد بعللی معذرت خواسته ، قصائد غرّا وغزلیات شیوا دارد ، راوی گروسی ۵۵ بیت از چند قصیده وی درمدلفهٔ خود نقل وهدایت درحدود ۱۰۰۰۰ بیت از قصائدوی که درنعت حضرت پیغمبر ص وحضرت علی‌بن‌ابی‌طالب ع و پادشاهان معاصر و امرا میباشد واز رباعیات او انتخاب ودر مجمع‌الفصحا چاپ کرده است .

دیوان صاحب شامل قصائد و قطعات و غزلیات و رباعیات ومثنویات میباشد وباشمارهٔ‌دقیق نسخ‌زیرین درحدود(۵۵۰۰)بیت است ، ماده تاریخهائیکه‌بسال ۱۲۵۵ گفته‌دراینجاموجود وپیش از شروع‌به اشعارمنشآت نثری‌صاحب‌دیوان که عبارت

(۱) انجمن سوم انجمن خاقان و ص۲۹۸-۳۱۶ ج ۲ مجمع‌الفصحا ، ترجمه کرده است .

ازشرح حالی ازفتحعلیشاه واجداد وی وطائفه قاجاربانشاء فتحعلیشاه وقلم صاحب وحکایاتی بطرز گلستان و مراسلات دوستانه و قباله نکاح اردشیر میرزا وغیر از اینهاست واین بخش درحدود (۱۰۰۰) بیت میشود .

این شاعر همت وهوس این راداشته که سعدی ثانی باشد وتاحدی هم شایستگی آنرا دارد ولی **همه گویند سخن گفته سعدی دگراست** ودراین معنی گوید :

باقبال دارای یزدان پرست — به نظم و به نثر آمدم چیر دست
چنین ساحری شیخ شیراز کرد — که بانظم خوش نثر انباز کرد
بدوران صاحبقران آن منم — که گویم درین هردوفن یك فنم

آغاز :

کراشاید ثنازان پس که زیبد آل یاسین را — جهان مجدو تمکین آسمان دانش ودین را

(۱۲۱۶)

دیوان صاحب علی آبادی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ۲۳ برگ ازاوّل آن شامل نثریات علی آبادی است ، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده مسلّماً در نیمه دوم قرن سیزدهم نگارش یافته و عناوین باشنجرف نگاشته شده و یادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۹۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۹).

(۱۲۱۷)

دیوان صاحب علی آبادی این نسخه نیز بخط نستعلیق بدون ذکر نام نویسنده و سال نگارش نوشته شده ، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت نخستین صفحه یادداشت گردیده ،بخشی ازنثریات درآخرنسخه میباشد وشرح حال فتحعلیشاه را که به انشاء خود وی نگاشته ودرنسخهٔ پیشین نیست درآغاز نسخه موجود وبخشی ازنثریات نسخه بالا را ندارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۲) . صفحه ای (۱۵)سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۰) .

[۵۴۶] دیوان صبا (فارسی)

فتحعلی خان ملك الشعرا متخلص به صبا از مشاهیر شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد ، گذشته ازمقام ملك الشعرائی چندی حکومت کاشان که وطن اصلی وی بوده وحکومت قم ومقام احتساب الممالکی رادارا بوده ،وقایع سلطنت فتحعلیشاه قاجار ومختصری ازتاریخ نیاکان اورا بنام «شاهنشاه نامه» در چهل هزار بیت در مدت سه سال برشته نظم آورده و **راوی گروسی** شرحی در ترجیح این کتاب بر شاهنامه فردوسی نوشته و گوید در جوانی مثنوی **لیلی ومجنون** گفته که درمیان است و **هفت پیکری** که در یکی از سفرها ازمیان رفته و **خداوند نامه** که شامل اخبار صحیحه درمعجزات احمدی و غزوات حیدری است ودر حدود سی هزار بیت میباشد و آنرا در مدت سه سال بانجام رسانیده ومثنوی عبرت نامه ودیوان قصائد و مقطعات ورباعیات وغیره از آثار آن جناب بیادگار مانده و بنا بر ضبط در مجمع الفصحا بسال ۱۲۳۸ جهانرا بدرود گفته و کلامش فصیح و مطبوع و زیبا ومتین است ، اشعارش بلیغ و جزیل ومصنوع و رنگین ، کمال قدرت را داشته واز او تخمه سخن را درین روزگار او کاشته ، تجدید شیوه وقانون استادان قدیم را کرده .

نسخه زیرین از دیوان او شامل در حدود (۱۲۰۰۰) بیت میباشد و هدایت گذشته ازمثنویهای وی پانزده هزار بیت شعر بوی نسبت داده است .

آغاز :

تعالی الله خداوند جهاندار جهان آرا
کزو شد آشکارا گل ز خار و گوهر از خارا

(۱۲۱۸)

دیوان صبا این نسخه شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و مثنویات پدنامه و خلاصه از حکمه و عبرت نامه صبا میباشد و ظاهراً درزمان خود شاعر نگارش یافته تمام نویسنده و سال نگارش نوشته نشده و برصفحهٔ نخستین نویسنده‌ای آنرا خداوند نامه معرفی کرده ولی مسلماً آن کتاب نیست .

جلد روغنی گل و بوته دار وطرف داخل نرگس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۹۱) صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول ($27\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠٤) .

[٥٤٧] دیوان صهبا (فارسی)

صهبا محمد تقی (آقاتقی) بن ملایدالله[1] از معاصرین آذر وهر دو در تحت تربیت سیّد علی مشتاق بوده وشاگردی اورا داشته‌اند ، این‌تخلص راهم استاد بوی داده، اجداد صهبا از دماوند بقم مهاجرت کرده وصهبا دراین‌شهر متولّد و نشو و نما یافته در اواخر عمر باصفهان رفته و بیست سال در آنجا بوده و بسال ۱۱۹۱ در شیراز وفات یافته و بیشتر بغزلسرائی و رباعی گوئی مایل بوده ودرانجمن خاقان است که «دوسه هزار بیت شعر گفته و در شاعری نیز (کذا فی‌النسخ) بطرزخوش میسروده» وهدایت‌نوشته‌اند که سه هزاربیت دیوان شعرجمع کرده وشاعری غزل سرای بوده است .

نسخهٔ زیرین شامل غزلیات (۱۰۵۰بیت) و رباعیات (۱۶۰ رباعی) میباشد بنابراین درحدود ۱٤۰۰ بیت است .

آغاز :

نه تنها روشن است از پرتو روی تو محفلها
کزین شمع‌است روشن بزم جانها محفل دلها

(۱۲۱۹)

دیوان صهبا نسخهٔ این دیوان ودیوان هاتف ودیوان عبدالمجید درویش راکه با یکدگر پیوسته اند بخط شکسته نستعلیق خوب محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۳۱ نوشته و در آخر دیوان هاتف بدین تاریخ تصریح کرده ، در ابتداء هریك از دیوانها سرلوحی ظریف میباشد و میان سطرهای دوصفحه اول هریك طلااندازی شده وصفحات مجدول به اکلیل است .

برگ ۳۹ ـ ۸۸ شامل این دیوان میباشد .

جلد روغنی گل و بلبل وطرف درون نرگس .کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی‌نازك . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۰) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول ($20\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠١) .

---

(۱) شرح حال ومعرفی ازصهبابامراجعه‌به ص ٤١١ـ٤١٢ آتشکده آذر انجمن‌پنجم‌انجمن خاقان‌و ص ۳۳۰ ج ۲ مجمع‌الفصحا وبعضی از ابیات وی خود وی‌نگارش یافته است .

[۵۴۸] دیوان طالب آملی (فارسی)

طالب آملی (۱) از شعرای مازندران است که بهندوستان رفته ودر آنجا بسال ۱۰۲۸ بمقام ملك‌الشعرائی شاه‌جهان رسیده ودر عنفوان جوانی بسال ۱۰۳۶ وفات یافته است.

مدعی است که درعلوم هندسه ومنطق وهیئت وحکمت وعرفان وخط وشعر سرآمد زمان میباشد، ودرشعر سبکی مخصوص بخود دارد ودر هند بسیار مطلوب شده ولی درایران چندان‌پسند نیامده وبهمین سبب در اشعار بسیار خودرا سیاه‌بخت خوانده ورخت خویش بهندوستان کشیده و گوید:

هندو نبرد تحفه کسی جانب هند بخت سیه خویش بایران بگذار

بزرگتر نسخه‌ای از دیوان طالب را که نگارنده دیده و متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملّی است شامل (۱۷۰۰۰) بیت از قصیده و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی است.

آغاز: غزلیات

خدایا بر سر ناز آر با ما کج کلاهانرا بسحر غمزه برمافتنه کن جادونگاهانرا

(۱۲۳۰)

دیوان طالب آملی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نامی نبرده، ظاهراً در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده، شامل غزلیات ومقطعات ویك مثنوی ورباعیات میباشد و در حدود (۳۵۰۰) بیت میباشد. در ابتداء هریك از بخشها بر مربعی که از طلا پوشیده شده نام موضوع آن بخش نگارش یافته است.

جلد تیماجی. کاغذ دوات آبادی. واقف سپهسالار. قطع بغلی. شمارهٔ اوراق (۱۵۲) صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۱۶ سانتیمتر). عرض (۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۳۷).

---

(۱) درعنوان نسخهٔ زیرین تصریح شده که طالب آملی است ودر آخر نسخه‌ای (بسال ۱۰۴۲ نوشته) ازدیوان طالب متعلق بکتابخانه مجلس محمد طالب ثبت شده و آذر در ص ۱۷۰-۱۷۱ آتشکده اورا از شعرای آمل مازندران معرفی کرده و ص ۳۷۲-۳۷۴ سمع انجمن ملی در نسخه ادبیات ادوارد برون (ج ۴ ص ۱۶۹-۱۷۱) عاملی (بعین مهمله که منسوب بعامل سلطان شده ثبت گردیده است.

[۵۴۹] دیوان طوفان هزارجریبی (فارسی)

طوفان هزارجریبی(۱) نامش میرزا طیّب و از اهالی مازندران متوفی بسال ۱۱۹۰ (۲) میباشد ، معاصر آذر مؤلف آتشکده بوده ودر باره وی گوید « جوانی غیور باستغنای طبع و شکفتگی خاطر مشهور مکرر ملاقاتش اتفاق افتاد » ، این مؤلف وهدایت هردو تذکر داده‌اند که آهاجی رکیکه گفته ولی در آخرعمر توبه نمود ودر نجف اشرف مجاور و درهمانجا بسرای آخرت شتافت و آذر در تاریخ وفات او یك رباعی گفته و این مصراع آن (طوفان در دریای نجف شد زصفا) تاریخ وفات او را میرساند .

هدایت نوشته‌اند که دیوان او شامل هفت هزار بیت و بیشتر آن غزلیات میباشد عبدالله نامی که از دوستان معاصر طوفان درنجف اشرف بوده مقدمه ای بردیوان او نوشته ودر آنجا پس از معرفی وشرح حال مختصری ازمؤلف تذکرداده که طوفان امید این داشت که دیوان متفرق وی جمع گردد بوی گفتم کسی دراین روزگار که بازارعلم وادب نارواست بدینکار مبادرت نخواهد نمود بهتر آنست که خود این کاررا انجام دهی ، بنابراین دراواخر ماه شوال سال ۱۱۷۵ بجمع آنها پرداخت و نیز گوید: «این دیوان شامل قصائد وغزلیات ومثنوی ورباعیات وشکرپاره وجنگ‌نامه وهجویات بنوعی که متقدمین ترتیب بنانهاده‌اند اقتدا بایشان نمود و چون تمام کلیات او هنوز بزیور جمع آوری مزین نگشته بود بتوضیح بعضی مراتب ازفهرست نپرداخت » ودراین مقدمه مراسله ایکه میرزا مهدیخان منشی نادرشاه بوی نوشته و نظم او را ستوده مندرج گردیده است .

نسخهٔ زیرین درحدود ۳۳۰۰ بیت میباشد .

آغاز دیباچه : بسمله جواهر حمدی که صیرفیان بازارنقود معانی و ناظمان سلسلهٔ عقود ولآلی الخ .

---

(۱) در دیباچه نسخهٔ زیرین هزار جریب را از توابع استراباد معرفی کرده ولی اینك از توابع مازندران میباشد وشاید که سهو قلم دیباچه نویس باشد ویاپیش ازاین جزء آنجابوده‌است.

(۲) در ص۴۱۳ آتشکده‌آذر وانجمن خاقان و ص ۳۴۱-۳۴۳ ج ۲ مجمع‌الفصحا شرح‌حال طوفان نگارش‌یافته‌وانتخابی‌از ابیات وی گردیده است .

آغاز دیوان: بسمله چه من دستیاری نباشد قلم را عطارد چه داند سیاق رقم را

(۱۲۲۱)

دیوان طوفان هزارجریبی این نسخه که شامل قصائد و مثنویات و غزلیات و رباعیات وقطعات میباشد، بخط نستعلیق خوب ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم نوشته شده، در ابتداء دیباچه سرلوحی دارد و در آغاز دیوان سرسوره‌ای میباشد. صفحات مجدول به اکلیل و زنگار گردیده، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانهٔ اعتضادیه شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی گردیده است.

جلد روغنی گل وبوته دورو با لفاف قرمائی. واقف سرهنگ. مقدمه‌ور... شعرا اوران(۷۰). صفحه‌ای ۱۴ سطر درهر ۱۲ بیت درحاشیه. طول (با ۲۴ سر...) ۱۱ سانتیمتر. شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴۳).

[۵۵۰] دیوان (کلیات) ظهوری (فارسی)

نورالدین محمد(۱) ظهوری تخلص یکصباحی نیشابوری ملقب به ملک‌الشعرای ترکمانان شیبانی است ولی امین احمد او را در هفت اقلیم از دانشمندان شهر تبریز ثبت نموده و در بارهٔ وی گوید: «باوصاف حمیده و اطوار پسندیده موصوف بوده و بخیرات و مکرمات و حسن اخلاق است، پیوسته شیوه‌اش اینکه کار فقیری پسندد و شیوهٔ خواهشش اینکه مراد درویشی برآرد الخ» وچندبیت ازو نقل کرده. محمد طاهر نصرآبادی در تذکرهٔ خود گوید: «ظهوری ترشیزی بسال ۱۰۲۵ از ترشیز بعزم تحصیل علم به مشهد آمد و از شعرای درشورش که در دکن واقع شد کشته شد. ظهوری از سخن‌سرایان معتبر وخوش سلیقه معدودند الخ».

ساقی نامه ظهوری بسیار مشهور و در حدود (۴۱۰۰) بیت میباشد ولی با این اشتهار او را چنان تپه نموده و دیوان او بسیار مختصر و غزلیات و رباعیات است واز آثار نثری وی سه دیباچه است که یکی دیباچه خمسین، دوم دیباچه نورس سوم گلزار ابراهیم مشهور میباشد و نسخهٔ زیرین شامل آنهاست و مقدمه‌ای از ظهوری

(۱) در هفت اقلیم ص ۵۷۵ و ۵۷۶ و ... ص ۵۷۳ و ... ص ۵۷۵ و ... ص ۴ ... ص ۱۶۹ فقط نام ظهوری معرفی گردیده ولی در چهار ... ظهوری ص ۱۶۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ به ظهوری را همراه این نام معرفی ...

نیز دردست‌است ۱ ـ مکتوبیکه به فیضی (۱۰۰۴ مرده) نوشته و دیگری درشکوه ازاهل کرم و این هردونیز پیش از دیوان وی (نسخهٔ زیرین) نگارش یافته و پنج مکتوب‌او باسه دیباچه‌های نام‌برده درزیر شمارهٔ ۲۸۸ در کتابخانه مجلس موجود است.

دیوان قصائد و غزلیات ظهوری موافق نسخهٔ زیرین درحدود (۱۰۴۰۰) بیت میباشد وباساقی نامه (۱۴۵۰۰) بیت خواهد بود و دراین دیوان مدح و ثنای ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام و عادلشاه ابیات بسیاری است.

آغاز غزلیات:

آنکه خواهد داشت فردارحمتش دیوان ما گشته وصفش آفتاب مطلع دیوان ما

(۱۲۲۲)

دیوان ظهوری ترشیزی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده، نامی ازنویسنده وسال نگارش درنسخه نیست، درعبارات دیباچه های سه گانه: (دیباچه نورس ـ خوان خلیل ـ گلزار ابراهیم) وبعضی از ابیات دیوان اصلاحی بقلم غیرازنویسندهٔ نسخه دیده میشود شاید بنظرخود ظهوری رسیده وباصلاح آن‌پرداخته، کهنه بودن‌نسخه‌این احتمال‌رانأییدمینمایدو گذشته از دیباچه های نام‌برده ودو مکتوب مذکور شامل ساقی نامه وقصائد (غیر مرتب است) وغزلیات ویك صفحه شامل‌چند رباعی ازشاعر میباشد واسلوب خط هندی است ودراثرصحافی‌ایرانی از آن ازمیان رفته وچند برگ آنهم وصالی شده است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت‌آبادی. واقف سبهسالار. قطع خشتی نازك. شمارهٔ اوراق (۲۹۲). صفحه ای (۲۸) بیت در متن وحاشیه. (طول ۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۸۲).

[۵۵۱] دیوان ظهیرفاریابی (فارسی)

ظهیرفاریابی (ظهیرالدین طاهربن محمدالفاریابی(۱) متخلص به ظهیر متوفی

(۱) فاریاب چنانکه در ص ۸۴۰ ج ۳ معجم‌البلدان ثبت شده بکسر راء و یاء حطی و درآخرآن باء است و از سهرهای خراسان در نزدیکی جوزجان ونزدیك بلخ میباشد وازآنجا تابلخ شش‌روز راه و از فاراب تا طالقان سه روز راه است و ظهیرالدین بدانجا منسوب میباشد و فاراب که حکیم معروف ابونصر از آنجاست نیز در ص ۸۳۳ ج ۳ معجم معرفی گردیده وگوید آنطرف سیحون در اواسط بلاد ترك واقع و از شاش دوراست و جوهری و ابوابراهیم صاحب دیوان‌الادب از آنجا میباشند.

بسال۵۹۸(۱)) ازمشاهیرشعرای قرن ششم هجری میباشد ، بمداحی سلاطین معاصر خود : طغانشاه پادشاه نیشابور واتابك قزل ارسلان وابوبکر ونصرةالدین وپدراو محمدبن ایلدگزپرداخته ومعاصرخاقانی وجمال‌الدین اصفهانی وشرف‌الدین شفروه بوده وبه نیشابور واصفهان وآذربایجان مسافرت نموده ودرهرهنگام طبع آزمائی کرده ، گروهی وی را برانوری ترجیح داده ، برخی از امامی هروی(۲) دربارهٔ وی استفتاکرده‌اند سؤال وجواب ایشان اینست :

ای عالم زمانه که بر آسمان فضل ماه خجسته پیکر خورشید منظری
قومی ز ناقدان سخن گفتهٔ ظهیر ترجیح می‌نهند بر اشعار انوری
قوم دگر برین سخن انکار میکنند فی‌الجمله در عمل نرانند داوری
ترجیح یکطرف توبدیشان نما که هست زین رنگین حکم تو ملاك سخن وری

امامی درجواب گوید :

ای سالك مسالك فکرت درین سؤال معذور نیستی بحقیقت چو بنگری
تمیز را ز بعد تناسب درین دو طور هیچ احتیاج نیست بدین شرح پروری
کین معجزست و آن سحر، این نور و آن چراغ •
این ماه و آن ستاره ، این حور و آن پری

ودیگری(۳) گفته :

هر مبتدی که بیهده ترجیح میدهد شعر ظهیر بر سخن پاك انوری
ماند بدان گروه که نشناختند باز اعجاز موسوی را از سحر سامری

دولتشاه گوید درباره دیوان ظهیرفضلا گفته اند :

دیوان ظهیر فاریابی در کعبه‌بدزند اگر بیاسی

(۱) تاریخ گزیده در فصل شعرای فارسی زبان در گذشته ۳۲۰ (نسخه خطی) ، تذکره دولتشاه ص ۱۰۹-۱۱۴، هفت اقلیم در ذیل شهر جیحکبو در اقلیم چهارم ص ۴۹۰-۴۹۳ ، آتشکده آذر ص۳۲۷ مجمع الفصحا ج ۱ ص ۳۳۰-۳۳۶ ودرهفت اقلیم وفات وی بسال ۵۹۲ میباشد .
(۲) درهفت اقلیم امامی نوشته شده ولی درتذکره دولتشاه نجم‌الدین هروی است واین ابیات درهفت اقلیم نقل گردیده است .
(۳) دولتشاه گوید این داوری را بیش از هنگر شیرازی یاد نکرده‌اند و این دو بیت را که گوینده‌آن معین نگردیده از او باشد .

هدایت گوید این بیت که در ضمن شرح حال ظهیر نویسند از قطعهٔ یکی از متأخرین است که درهجو عبدالرحمن جامی معاصرخود گفته و ابیات دیگر اورا هم نقل نموده است .

ازمقدمهٔ نثری که نخستین نسخهٔ زیرین دارد معلوم میشود که نویسندهٔ آن که ازخود نام نبرده ، شاعری معاصر ظهیر بوده ، شهرت او را شنیده ، ازوطن خود بقصد دیدار این استاد حرکت کرده ، چون بآذربایجان رسیده استاد را در این جهان نیافته ، بران شده که آثاراورا جمع آوری کند ، چون این کاررا بانجام رسانید گوید بران شدم که آنرا تقدیم بصاحب هنری نمایم که شایسته این در های یتیم باشد دراکناف واطراف هرچه نظرانداختم کسی راشایسته ندیدم تااینجا که میگوید :

« تا عاقبت عزم کردکه این دفتر که مستودع جندین گهرست و مستجمع چندین درر بخزانهٔ صدر روزگارصاحب مطلق ولی الانعام بحق عالم عادل مؤید مظفر منصور مجدالدولة والدین عمادالاسلام والمسلمین اختیارالملوك والسلاطین ملك الصدور فی العالمین کهف ائمةالمهتدین نظام الملوك باسط العدل والنعم ناشرالجود والکرم قاصم الاعادی قاسم الایادی ملاذالفقراء والزّهاد وملجاءالعلماء والعباد حمیدالاخلاق کریم الاعراق ملك رؤسآء الافاق مدالله ظلاله وضاعف اقباله فرسند چه جوهررا جوهری داند و گوهررا گوهری شناسد ـ

قدرسخن در زمانه طبع تو داند قیمت درّ ثمین بنزد کرامت .

هدایت نوشته اند که دیوان ظهر تخمیناً چهارهزار بیت میباشدو کهنه ترین نسخ درین کتابخانه وبزرگترین آنها دارای ۳۵۰۰ بیت ازقصائد فارسی وعربی وقطعه و غزل و ترکیب بند ورباعی میباشد و این دو بیت عربی ازو در تاریخ گزیده نقل گردیده :

آعْرِفُ الفَرْقَ بَیْنَ دال وذال وهي اصل فن الفارسي معظم

کلُّ ماقبل سُکون بلاواي فذال فما سواه معجم

آغاز :

چوزهره وقت صبوح ازافق بسازدچنگ زمانه تیز کند نالهٔ مرا آهنگ(۱)

(۱) این آغاز دیوانی است که در اول بار گردآوری شده ولی دیگری قصائد وغزلیات آنرا موافق حروف اوآخر مرتب نموده ونسخهٔ این کتابخانه موافق این ترتیب اخیر است .

(۱۲۲۳)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۸۹۵ نوشته اند ، نویسنده از خود نام نبرده ولی خط نسخه بسیار شبیه بخط منعم الدین اوحدی شیرازی نویسنده دیوان حافظ بسال ۹۱۷ میباشد که درص ۵۸۲ و ۵۸۳ خصوصیات آن نگارش یافت ، دیباچه جامع را فقط این نسخه دارا است ودرابتداء آن سرلوح ظریفی میباشد ، درابتداء قصائد سرسوره ایست که وسط آن ازطلا پوشیده شده وبرآن باسفید آب ، دیوان ظهیر فاریابی نوشته شده و تمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . بقلم ربعی بروجردی ، شماره امریکا (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره ۲ بنفشه (۳۷۸) .

(۱۲۲٤)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهراً در نیمه اول قرن سیزدهم) طرز آن چون نسخه پیشین است ولی دیباچه را ندارد ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده ، نویسنده نخستین **انیس العشاق** شرف را نیز بخط نستعلیق نوشته وبدان پیوسته است و این دو کتاب بسال ۱۲۸۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده ، انیس العشاق درفصل گذشته معرفی خواهد شد واین نسخه ازدیوان ظهیر درحدود (۳۵۰۰) بیت شعر است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . بقلم [illegible] (۱۲۵) ، شمیمه (٤٧) . صفحه ای (١٦) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۸۱) .

(۱۲۲۵)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه را بخط نستعلیق حسین بن میرزا حسین قرشی بسال ۱۲۵۷ نوشته ، قصائد آن مرتب بترتیب حروف آخر آنها برحسب ترتیب حروف هجاء نوشته اند ، این نسخه آن اینست :

سفر گزیدم و بشکست عهد قربی را ملک بخرده به پیمانه جمشید سلمی را

و درحدود (۳۵۰۰) بیت را شامل است ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده محو گردیده است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۹) .

(۱۲۲۶)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه ظاهراً درقرن دوازدهم نگاشته شده ، اوراقی ازاول و آخر آن افتاده ، نویسنده‌ای برچند برگ چندین قصیدهٔ ظهیر را نوشته به اول نسخه پیوسته وابیاتی چند هم درآخر آن نوشته وطرز اصل نسخه چون نسخه اصلی غیرمرتب است ولی اینك آغاز آن موافق دیوان مرتب شده ظهیر میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۲۰) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($9\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۰)

[۵۵۲] دیوان عبدالمجید درویش (فارسی)

عبدالمجید مشهور به **درویش** ازخطّاطین معروف میباشد و خط شکسته را بپایه ای رسانیده که تاکنون کسی بدان نتوانست رسید و رونق خط شفیعا و میرزا حسن را که در بارهٔ آنها گفته اند **اثنان لاثالث لهما** برانداخته ، حاجب شیرازی درباره وی گفته :

«ای گشته مثل بخوش نویسی زنخست مفتاح خزائن هنرخامهٔ تست
تاکرده خدا لوح قلم را ایجاد ننوشت کسی شکسته راچون تودرست»

دراشعار مجید تخلص دارد ، راوی گروسی شماره ابیات دیوان او را هزارو پانصد بیت ضبط کرده ونسخهٔ زیرین در حدود (۱۲۳۰) بیت را شامل میباشد ، بسال ۱۱۸۵ وفات یافته و آذر ، **شده ایوان جنان منزل درویش مجید** را ماده تاریخ وی یافته وچند شعر ازدیوان وی انتخاب نموده وهدایت و راوی نیزچند بیت ازودر کتاب خود آورده‌اند(۱) .

(۱) آتشکدهٔ آذر ص ۴۲۴ ، انجمن خاقان در انجمن چهارم و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۴۴۵ دیده شود .

آغاز:

نبود باورت‌ای آنکه(کذا)زخم کاری ما کنون بیابتماشای جان سپاری ما
شب فراق روا نیست منع زاری ما چرا که زاری ما نیست اختیاری ما.

(۱۲۲۷)

دیوان عبدالمجید درویش این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و بادیوان صهبا و دیوان هاتف به‌شمارهٔ(۴۰۱)دراین کتابخانه ثبت گردیده(برگ۸۹-۱۳۰) خصوصیات دیگر آن درص ۶۲۷ نگاشته شد.

[۵۵۳] دیوان عبدالواسع جبلی (فارسی)

عبدالواسع جبلی تخلص ازشعرای مشهورقرن ششم هجری میباشد(۱) بنابر ضبط درهفت اقلیم لقب وی **بدیع الزمان** بوده وهدایت پدران او را عبدالجامع بن عمران بن ربیع نامیده و گوید جبلی بسال ۵۵۵ جهان را بدرود گفته و خود وی بسیادت وانتساب خویش بحضرت پیغمبر اکرم ص اشاره نموده:

نکرد باید بامن بقصد جباری که من زنسل رسول خدای جبّارم

درتاریخ گزیده آمده که عبدالواسع حوالی برزگر بوده و روزی سلطان سنجر گذرش برپنبه زاری افتاده که عبدالواسع در آن بود وبدین بیت مترنم:

اشتر دراز گردنا دانم چه خواهی کرد نا
کردن دراز می‌کنی پنبه خواهی خورد نا

سلطان دراو بوی لطف یافت او را ملازم کرد و تربیت کرد و تا بدان مرتبه رسید که طرز شعر او تاغایت چون او نگفته‌اند.

آقای بدیع الزمان درسخن وسخنوران این قول را با استدلال وشواهد تاریخی رد کرده‌اند.

دراشعار جبلی جنبه حسن الفاظ و صنایع بدیعه زیاد مراعت گردیده وباوجود این تقید لطافت خود را ازدست نداده و سلطان سنجر ۵۱۱ - ۵۵۲ وبهرامشاه بن

(۱) لباب الالباب ج ۱ ص ۱۰۸-۱۰۹، تاریخ گزیده ص ۶۴۰، ۶۴۱ (چاپ خطی)، تذکره دولتشاه ص ۷۳-۷۶، هفت اقلیم ۵۲۰-۵۲۳، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۱۸۰-۱۹۲، سخن وسخنوران ج ۱ ص ۳۲۷-۳۳۴ مراجعه گردیده است.

مسعود غزنوی ۵۱۲-۵۴۴ (در تاریخ سلطنت این پادشاه دولتشاه و حمدالله و بدیع الزمان اختلاف دارند) وارسلان شاه بن کرمانشاه ازسلاجقهٔ کرمان ۴۹۴-۵۳۶ را مدح گفته واین بیت عبدالواسع زبان زد همه است :

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا وزهردو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا

وبدین مناسبت تخلص خود را جبلی قرار داده که از اهالی غرجستان میباشد که ازطرف مغرب بهرات وازمشرق بغوروازجنوب به غزنه وازشمال بمرو محدود میگردد وغرج بمعنی کوه وغرجستان کوهستانست .

نسخهٔ زیرین که شامل قصائد ومقطعات وغزلیات جبلی است درحدود(۴۷۰۰) بیت میباشد .

آغاز :

که دارد چون تومعشوق و نگار وچابك ودلبر

بنفشه زلف ونرگس چشم ولاله روی ونسرین بر

(۱۲۲۸)

دیوان عبدالواسع جبلی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، آخر آن افتاده ، ظاهراً دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته ، یك سرلوحی ظریف که باسفیداب برقسمت طلائی وسط آن نوشته شده : (دیوان افصح المتکلمین عبدالواسع جبلی) درآغازنسخه میباشد وصفحات مجدول بطلا ولاجورد است وآخرین بیت نسخه کامل اینست :

فخردارد برهمه سادات گیتی ازشرف فضل دارد برهمه اشراف عالم درمحل

چندین برگ ازاول وآخرنسخه وصالی گردیده وپشت برگ اول یادداشتهائی باتاریخ وبی تاریخ وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سبهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۵۱) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹۳) .

[۵۵۴] دیوان (کلیات) عرفی (فارسی)

سیّد محمد ابن خواجه زین‌الدین **علی بن جمال‌الدین** شیرازی متخلص به

عرفی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده (متولد بسال ۹۶۳ متوفی بسال ۹۹۹(۱)) پدرش مقام داروغه گی شیراز را داشته، عرفی پس از اینکه بسن رشد رسید و کسب فضائل نمود علم شاعری برافراخت و بامعاصرین خود چون غیرتی شیرازی و دیگر پهلوانان، سخن پردازیها و کشتی گیریها کرده و همه از و حساب میبرده اند، چون آوازهٔ شعر دوستی و شاعرپروری خان خان سپهسالار (عبدالرحیم) را شنید رو بهند آورد و بوسیله حکیم ابوالفتح گیلانی که او را نیز مدائح بسیار گفته به خان مذکور شناسانده شد و بدان آستان راه یافت و منظور نظر او گردید و کار او در دوستی خان خانان بجائی رسید که در هنگام ملازمت از آداب و رسومیکه بجای سلام هندیان و دیگران بجا میآورند معاف گردید، داستان ملاقات و جواب و سؤال بافیضی شاعر هندی را در ص ۵۲۴ نگاشتیم.

عرفی بسال ۹۹۶ نخستین دیوان خود را مرتب نموده و مصراع: **اول دیوان عرفی شیرازی** تاریخ این جمع را میرساند و گذشته ازین صنعتی که در آن بکار برده اینست: بشمارهٔ حروف آحاد این مصراع (۲۷) قصائد و عشرات آن (۲۷۰) غزل و مآت آن (۷۰۰) رباعی و مقطعات در آنست.

عبدالباقی نهاوندی در مقدمه دیوان کامل عرفی که شامل چهارده هزار بیت میباشد و در کتابخانه مجلس موجود است گوید:

چون عرفی دچار ناخوشی اسهال شد و خود را نزدیک به بدرود کردن جهان دید مسوّدات اشعار خود را بکتابخانه خان خانان فرستاد، چون از جهان رفت خان خان هم محمد قاسم ابن خواجه محمد علی اصفهانی مشهور و متخلص به **سراجا** را که از شعرا و دانشمندان و سرحلقه مستعدان بود مأمور جمع و ترتیب و تدوین اشعار عرفی فرمود، سراجا یکسال و نیم پس از مشقت بسیار این دیوان که شامل قصائد و غزلیات و ترکیب و ترجیع بند و قطعه و رباعی و مثنوی میباشد ترتیب داد و نویسنده مقدمه گوید در پاره ای از اوقات در هنگام جمع این دیوان حضور داشتم و میدیدم که بیرون آوردن و مرتب کردن آنها از مسوّدات عرفی تا چه

(۱) تذکره خوشگو حرف عین و مقدمه نسخه دیوان متعلق بمجلس شورای ملی بقلم عبدالباقی نهاوندی معاصر عرفی و ص ۲۰۰-۲۰۵ هفت اقلیم و ص ۲۴-۲۵ ج ۲ مجمع الفصحا مراجعه شده است.

حد زحمت داشت در آخر مقدمه قطعه ایکه سراجا در تاریخ این جمع و ترتیب انشا نموده ، گذارده شده و بیت آخر آن که سال نظم را میرساند اینست :

از خرد خواستم چو تاریخش گفت **ترتیب داده** تا دانی = ۱۰۲۶

طبع عرفی در انشاء قصائد و غزلیات ید بیضاء داشته و دو مثنوی که برابر مخزن الاسرار (مجمع الابکار) و خسرو شیرین نظامی ساخته بسیار سلیس و متین میباشد و اول دیوان وی یا مجمع الابکار که در حدود ۵۶۰۰ بیت میباشد دوبار (بسال ۱۳۰۸ و ۱۳۳۳) در بمبئی و کانپور هندوستان چاپ گردیده ولی تمام دیوان او چاپ نشده و رسالهٔ نفیسهٔ وی که درعرفان (در ۲۵۰ بیت) نوشته قدرت کامل نثر نویسی ویرا نیز میرساند : و آغاز آن اینست : بسمله حدیکه از غایت شایستگی منزّه از شایبهٔ تعیّن و تخصیص آمده الخ .

عرفی در قصیده‌ایکه خود آنرا « ترجمة الشوق » نامیده اظهار نموده :

بکاوش مژه از گور تا نجف بروم اگر بهند بخاکم کنند یا بتتار

پس ازسی سال از وفات عرفی بسال ۱۰۲۸ استخوانهای او بوسیلهٔ درویشی بنجف فرستاده شد، دوسال هم در بین راه استخوانها در مشهد مقدس حضرت رضاع بود، چون بنجف رسید در بیرون دروازه بجائیکه آنرا **بحیره** گویند دفن نمودند و **رونقی همدانی** قطعه‌ای در تاریخ آن گفت وماده تاریخ آن اینست :

رقم زد از پی تاریخ رونقی کلکم بکاوش مژه از هند تا نجف آمد

(در دو نسخه از تذکره خوشگو در مصرع ماده‌تاریخ «از گور» نوشته شده و برحسب محاسبه مسلماً غلط وصحیح «ازهند» میباشد)

(۱۲۲۹)

دیوان عرفی شیرازی

این نسخه از دیوان بدون تاریخ نوشته شده ، پشت صفحهٔ نخستین تاریخ هائی دارد که ازهمه پیشتر بسال ۱۰۷۷ میباشد که نسخه در این تاریخ از کتابخانهٔ دولتخانه بیرون آورده شده ومسلّماً خود دیوان در نیمهٔ اول قرن یازدهم نگارش یافته و گذشته ازمندرجات «اول دیوان عرفی» «رساله نفیسه عرفی» و مجمع الابکار و بخشی از «خسرو شیرین» عرفی

(درحدود ۳۰۰ بیت) وقصائد وغزلیات چندی را شامل و گذشته از رساله نفیسه درحدود ۶۵۰۰ بیت شعر میباشد .

از یادداشتهای پشت صفحهٔ اول و آشنائی بخطوط کتابدارهای دربار صفوی معلوم میشود که نسخه متعلق به آن کتابخانها بوده، چهارسر لوح بسیار ظریف که طرز آنها مختلف و چون خط کتاب از آثار هندی میباشد در آغاز رساله نفیسه، قصائد و مقطعات، غزلیات ، و مجمع الابکار رسم گردیده و میان سطرهای آن صفحه و صفحهٔ مقابل آن طلا اندازی و نقاشی گردیده است .

جلد سوخته مبرق طلا پوش بسیار ظریف . بامقوا شمرنی . ۱۰ لف سفید . ولم . نفیسه وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۶۲) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷) .

(۱۲۳۰)

دیوان عرفی شیرازی

این نسخه را محمدسعید بسال ۹۵۰ با سطر سه ملیق خوب نوشته طرز مندرجات آن با نسخهٔ پیشین تألیف ولی از لحاظ معنی شبیه است (رسالهٔ نفیسه ، مجمع الابکار ، خسرو شیرین ، قصائد و مقطعات ، غزلیات ، و رباعیات) بیش سر لوح ظریف که قسمت بالائی آنها نوساز میباشد در ابتدای شش بخش نام برده میباشد و میان آرایت دو صفحهٔ نخستین هر یك باطلا نقاشی شده و نیز میان ابیات اغلب صفحات و فواصل قصائد و غزلیات وغیره تذهیب گردیده ، تمام ، گهاً با فاصل نقاشی متن و حاشیه گردیده در پایان آخرین صفحه مشاهد اندداشمی بوده محو گردیده و یادداشت دیگری جای آن نگارش یافته و جزء رساله نام برده شامل در حدود ۶۳۵۰ بیت است .

جلد لیماجی ضربی . بامقوا عطف حیرانی حاشیه مرکبی . ۱۰ لف سپیدلار . مقوم وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۱) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸) .

(۱۲۳۱)

دیوان عرفی شیرازی

این نسخه بخشی از اول آن نفیسه و بخشین آن که از ظریف دارای طلا میباشد ابیات :

وبرگهائی میان برگ اوّل و دوم آن افتاده ، این قسمت موجود که شامل بخشی ازغزلیات وقصائد ومقطعات ورباعیات میباشد درحدود ٤٢٠٠ بیت میباشد واشعاریکه عرفی پس از دیوان اول خود ، سروده دراین نسخه موجود وازآنها این قطعه است .

یکتا گهر محیط اخلاص — از بحر محیط پادشا زاد
تاریخ تولدش چه پرسی — « آرایش روزگار مازاد »

واین مصراع چهارم موافق حساب ابجد سال ۹۹۹ را معین میکند ، برگهائی ازنسخه وصّالی‌شده وابیاتی هم درحواشی نگارش یافته واگردرزمان حیات شاعر نگاشته نشده باشد مسلّماً درسال های اوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (١٤٢) . صفحه‌ای (١٤) سطر . طول (٢٢ سانتیمتر) . عرض (١١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٦) .

(١٢٣٢)

دیوان عرفی شیرازی

این نسخه فقط مجمع‌الابکار وخسروشیرین عرفی میباشد بخط نستعلیق بسیارخوب نورالدین محمد لاهیجی بسال ١٠١٤ نگارش یافته ، درآغازهریك ازدوکتاب یك سرلوح زیبارسم شده ، چهار مجلس صورت سازی بسیارقشنگ که هریك نصف صفحه رافراگرفته دارا ، برخی از صفحات مختصر وصّالی شده و بنام « منظومه نورالدین لاهیجی » داخل کتابخانه اعتضادیه واین کتابخانه گردیده ومسلّماً غلط است .

جلد روغنی دورو ، درون مجلس حضرت یوسف ع وزلیخا وزنان مصروکاردوترنج وبرون‌آن گل و بلبل . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٦٧) . صفحه ای (١٥) سطر . طول (١٩ ½ سانتیمتر) . عرض (١٢ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٦٢) .

[٥٥٥] دیوان علی نقی (فارسی)

زین‌الدین شیخ علی نقی کمره ای متولّد بسال ٩٥٨(١) و متوفی بسال

(١) در اواخر بخش‌قصائد ومقطعات درتاریخ ولادت‌خود اززبان پدر گوید :

فرزند علی نقی گزین درّ ثمین — آمد بوجود و حظّ وافر بیقین
ازدانش‌ودین ودولتش‌هست که هست — تاریخ « امام دانش و دولت و دین » .

۱۰۶۰(۱) ازعلمای امامیّه قرن دهم و یازدهم هجری میباشد و مؤلفاتی درفقه وحکمت وکلام واخبار دارند ودرص ۳۰۴-۳۰۶ وص ۳۴۷- ۳۵۰ ج ۱ فهرست در مؤلفهٔ ایشان را معرّفی کامل کرده ام .

این عالم چندی قاضی شیراز بوده وبهمین جهت صاحب امل الآمل (ج ۲ ص ۵۶) ایشان را شیرازی معرفی کرده و پس از آن شیخ الاسلام اصفهان گردیده وکتاب مفصّلیکه دررد برنوح آفندی درمبحث امامت نوشته اخیراً داخل دراین کتابخانه گردیده ودرمجلّد بعد معرّفی خواهد گردید .

این عالم نقی تخلّص است ودیوان وی شامل غزلیات ، رباعیات ، قصائد ، مقطعات ، معمّیات ، ترکیب بند ، مراثی و تاریخ هاست و نسخه رویهمرفته درحدود (۵۳۰۰) بیت شعرمیباشد .

آغاز (غزلیات) :

ای نام همایونت طغراچهٔ فرمانها خورشیدصفت طالع از مطلع دیوانها

آغاز (قصائد) :

چوخفتگان لحد راصباح روزنشور زخواب مرگ تنهاست بهر نفخهٔ صور .

(۱۲۳۳)

دیوان علی نقی کمره ای

این نسخه را بخط نستعلیق خوبی خوب محمد جعفر بن عنایت الله شیرازی بسال ۱۰۴۹ نوشته ، دوسر لوح زیبا ظریف در آغاز قصائد وغزلیات میباشد ومیان مطالب دو صفحهٔ اول آنها طلا اندازی ونقاشی گردیده وصفحات عنوان مطالب را خورده اند ، حاشیه برگ اول وآخر و متالی گردیده است .

چند سفری شرقی و سوخته . ناقص از آخر . وقف سید [illegible] اصفهانی . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) در عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۸۴) .

(۱) در ص ۴۰۹-۴۱۱ رونوشت شرح حال این [illegible] مفصلاً [illegible] ص ۲۱۳-۲۱۴ آتشکده آذر و ص ۴۹-۵۰ ج ۲ مجمع الفصحا و [illegible] معرفی از سفینهٔ شیرازی و [illegible] ایشان شده است .

[٥٥٦] دیوان عماد فقیه کرمانی (فارسی)

عماد فقیه چنانکه در آخر نخستین نسخه زیر تصریح گردیده علی نام وعمادالدین لقب داشته ، تخلّص اوعماد است ازعرفا وعلمای معاصر آل مظفر میباشد در کرمان که وطن او بوده خانقاهی داشته و بسال ۷۷۳(۱)در همانجا وفات یافته است ، داستان گربه وی مشهور ومعارضه خواجه حافظ دراشعار باصوفی ظاهراً باوی بوده وتصور میکنم که عبید زاکانی هم موش و گربه خودرادراشارهٔ بکارهمین عماد ساخته باشد ، دولتشاه درتذکره خود از جواهرالاسرار شیخ آذری نقل نموده : « فضلا برآنند که درسخن متقدمان و متأخران احیاناً حشوی واقع شده الاّ سخن خواجه فقیه کرمانی که اکابر اتفاق کرده اند که در آن سخن اصلاً فتوری واقع نیست نه درلفظ ونه درمعنی» . وباچنین شهادتی نیازمندی دیگربرمعرفی ندارد واین دیوان وی که شامل دوقصیده درتوحید ونعت وغزلیات ومقطعات ورباعیات وفردهای شیوا میباشد درحدود (۵۰۰۰) بیت است .

آغاز :

ای هردم از عطای تو کامی دگرمرا وز شکر نعمت تو دهن پرشکرمرا .

(۱۲۳٤)

دیوان عماد فقیه

این نسخه در زمان حیوة شاعر بسال ۷٦۳ بخط نسخ خوب نوشته شده ، مرتب بترتیبی نیست ، در اینجا عین عبارت نویسنده که درآخر نسخه نوشته نقل مینمائیم :

تمّت کتابة الغزلیات المجموعة في هذا المجلد من مقولات شیخ الاسلام الاعظم قدوة اکابر مشایخ العالم مرشد اعاظم السلاطین عمادالملّة والشریعة والدین علی الفقیه ادام الله میامن انفاسه الشریفه باشارة الصاحب الاعظم سلطان الحاج والحرمین افتخار اکابر الخافقین جمال الدولة والدین مقبول

(۱) تذکره دولتشاه ص ۲۵٤-۲۵٦ چاپی، هفت اقلیم ص۲۲۷-۲۲۹ وآتشکده آذر ص ۱۲۵ مراجعه شده است .

اکابر السلاطین رشید زید قدره وعزّ نصره علی ید العبد الضعیف جنید بن عوض سالارا صلح الله شأنه في سبع الاوّل سنة ثلث وستین وسبعمائه .

ودر حاشیهٔ همین صفحه انتقال آن بسال ۱۲۶۴ بدیگری یادداشت گردیده و دو صفحهٔ نخستین دارای دو مربع مستطیل (پیشانی) مذهّب و نقشی شدهٔ ظریف از همان قرن هشتم وهنگام کتابت نسخه میباشد وتعداد صفحات جدول بطلا و لاجورد است

پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی موجود و یادداشتی بر آن اضافه گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . نظم و نثری . شمارهٔ اوراق (۱۸۷) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . خط نسخ (۲۳×۱۵ سانتیمتر) . عربی (۱۵×۱۰ سانتیمتر) . [illegible] (۱۸۲).

(۱۲۳۵)

دیوان عماد فقیه

این نسخه را بخط نستعلیق خفیف خوب بسال ۹۸۱ حبیب الله بن حسن نوشته و غزلیات آن بر حسب ردیف هر مرتب بترتیب حروف تهجی میباشد و سرلوح کوچک ظریفی در اول دارد و مندرجات آن عیناً نسخهٔ پیشین ولی مرتب بحروف تهجی بر حسب قوافی است و صفحات جدول بطلا و لاجورد و شنجرف گردیده و نقاط غزلیات و نام مقفی و ردیفها در حاشیهٔ برگهای نیمهٔ اول نسخه نگاشته و نیمهٔ دوم صفحات اول یادداشتهائی میباشد و برخی هم محو گردیده و برخی از برگها و اتصال شده است .

جلد تیماجی . مقوا . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . نظم و نثر . شمارهٔ اوراق (۱۲۶) سطر درمیان (۹) درحاشیه . خط نسخ (۲۱×۱۲ سانتیمتر) . عربی (۲۰×۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ [illegible] (۱۸۱) .

دیوان عنصری (فارسی)

عنصری ، ابو القاسم حسن بن احمد عنصری متوفی بسال ۴۳۱ (۱۰۳۹) میباشد . در کوچکی سایهٔ پدر و مادر از سر او کوتاه شد ، دوران [illegible] بتحصیل سرمایه معنوی پرداخت و از فضلای [illegible] سلطان محمود غزنوی گردید و در آن عصر [illegible]

(۱) لباب الالباب ج ۲ ص ۲۹-۳۲ [illegible] ۴۴۷ ، ۴۸۱ ، آتشکدهٔ آذر ص ۳۱۹-۳۲۱ ، مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۵۵ ، ۳۶۰ ، مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۹۸-۱۰۷ مراجعه فرمایند .

وعسجدی وغضائری ومنجیك واسدی طوسی ومنوچهری وزینتی سکزی وابوحنیفه اسکافی وراشدی وابوالفرج سکزی وغیرازاینها امیر بوده و برتری داشته و ازراه مدح وثنای پادشاه تموّل ودارائی بی‌نهایت یافته وسلطنت سلطان مسعودبن محمود را ده سال درك کرد وباعزت در اثر حسن خلق وکرامت زندگانی نمود و پیش پادشاه ومردم معزز ومحترم بود ، گویند سی‌هزار بیت انشا نموده ولی اشعار او در دست نیست ، بزرگترین نسخه‌ای که نگارند دیده متعلق به کتابخانهٔ مجلس میباشد که درحدود ۵۰۰۰ بیت است وهدایت دیوان سه‌هزار بیتی آنرا پیش خود داشته

عنصری گذشته از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات چند مثنوی بنام وامق و عذرا ، « شاد بهرو عین الحیوة » ، « سرخ بت و خنگ بت » نسبت میدهند ولی نسخهٔ آنها در دست نیست ، آقای تربیت در ص ۳۱۹ شمارهٔ ٤ مجله مهرسال پنجم (۱۳۱٦ خورشیدی) نوشته اند که ابیاتی ازمثنویات عنصری را ازجاهای مختلف گرد آورده‌اند وازعبارت عوفی درذیل شرح حال نظامی(۱) نگارنده استفاده میکند که اورا کتابی بنام خسروشیرین و یا بدان وزن وبحر بوده ولی بدین نام کتابی بدو نسبت نداده اند .

(۱۲۳٦)

دیوان عنصری

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادیه گردیده ، ظاهراً چند سالی پیش از این تاریخ نوشته شده ، دیوان منوچهری بخط همان نویسنده بدان پیوسته میباشد واعتضادالسلطنه درحاشیه بعضی از صفحات دیوان دوم یادداشتهائی بسال ۱۲۸۳ نموده واین نسخه ازدیوان عنصری که شامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیاتی چند میباشد درحدود (۲۰۰۰) بیت است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۵٤) . این دیوان (۷۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱/۲ - ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۹) .

(۱) عبارت لباب اینست : « قصهٔ خسرو شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد » .

[۵۵۸ و ۵۵۹] دیوان فضولی بنگ و باده (ترکی)

محمدبن سلیمان بغدادی متوفی بسال ۹۷۱(۱) متخلص به فضولی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده ، بعربی وترکی وفارسی شعر میسروده ومثنوی بنگ وباده ، وی که بترکی و درمعارضهٔ این دو براندازند اساس آدمیّت وعفت در (۳۵۰) بیت میباشد نیز از آثار اوست ، درهفت اقلیم و آتشکدهٔ آذر چند بیت فارسی از او نقل گردیده وما برای نشان دادن طرز فکر و طبع وی آنها و چند بیتیکه در دیباچهٔ این دیوان گذارده دراینجا می آوریم :

آسودهٔ کربلا بهرحال که هست — گر خاک شود نمیشود قدرش پست
بر میدارند و سبحه اش میسازند — منگر دانندش از شرف دست بدست

تا در دلت اندیشه بیداد نیاید — هرگز ز من دلشده ات یاد نیاید
یارمارا به ازین زار و حزین میخواهد — به ازین چیست که مارا به ازین میخواهد
ز بیم دشمنیم ای رقیب ایمن باش — که مهر او بدلم جای کین کس نگذاشت
طبیب عشق علاجی بغیر مرگ نکرد — ولی کشنده تر از مرگ بود درمانش

اگر عمرها مردم بد سرشت — بود همدم حوریان بهشت
در آن محفل پرصفا روز و شب — ز جبرئیل خواند افسون ادب
بآن اعتقادم سرانجام کار — نگردد ازو جز بسوی آشکار
اگر سالها گوهر تابناک — فتد خوار و بیقدر بر روی خاک
بر آنم که کمتر نشیند غبار — ز خاکش بر آیینهٔ اعتبار
چو از خاک خیزد همان گوهر است — شهانرا بر آرندهٔ افسر است .

فضولی دیباچه ای بترکی براین دیوان نوشته و خود دیوان که شامل غزلیات وقطعات و مخمسات و رباعیات میباشد درحدود (۳۱۵۰) بیت میباشد وبسال ۱۲۶۶ درتبریز ونیز درتاشکند چاپ گردیده است .

(۱) در ص ۲۰۳ و ۵۱۸ ج ۱ کشف الظنون و ص ۹۳ هفت اقلیم و ص ۱۷۳ آتشکده مراجعه گردیده است .

علاقمندی فضولی باهل بیت و تشیّع وی از آثارش ظاهر و گذشته از قصائدی که درمدح حضرت مولی علی بن ابی طالب علیه‌السلام دارددر اوائل بنگ و باده (نسخه دوم این فهرست) گوید :

اولدر آئینه درارصورت حق — نه وصی نفس مصطفی مطلق
ناظم شرع ساقی کوثر — باب شبیرو والد شبّر
ربنا لاتعسر و اولسی — ربّنا شربت بکف علی
یار سلمان و خواجهٔ قنبر — والی روضه ساقی کوثر

آغاز (دیباچه) : بسمله حمد بیحد اول متکام نطق آفرینه که سفینه امید سکان بحار بحور نظمی الخ .

آغاز (دیوان) :

قدانارالعشق للعشاق منهاج الهدی — سالك راه حقیقت عشقه ایلر اقتدا .

آغاز (بنگ وباده) : ای ویون بزم کاینانه نسق — براقن جام عشق شاه حق .

(۱۲۳۷و۱۲۳۸)

دیوان فضولی و بنگ و باده

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش وتذهیب احتمال میدهم که درقرن دهم وزمان حیات فضولی نگاشته شده باشد ، سه سرلوح ظریف که طرز آنها بایکدگر مختلف میباشد دراول دیباچه ودیوان وبنگ و باده میباشد ، میان سطرهای دوصفحه اول دیباچه ودیوان طلااندازی شده وتمام صفحات باطلا وغیره جدول کشی شده وتذهیب ونقاشی گردیده ، ومهرهائی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو کرده اند ، بامقابله به نسخه دیگرمعلوم شد که دوبرگ از آخر نسخه هم برداشته شده وبرخی ازاوراق وّصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سبهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۵۱) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول ($26\frac{1}{2}$ سانیمتر) . عرض (۱۶ سانیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷) .

(۱۲۳۹و۱۲۴۰)

دیوان فضولی و بنگ و باده

این نسخه را بسال ۱۰۶۹ بر حسب امر زال بیك یوزباشی ، رجب‌بن محب‌علی‌شاملو بخط نستعلیق نوشته وشامل قصیده‌ای در مدح حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و قصائد

دیگر میباشد وبنگ وباده آن تمام است ، دوسر لوح زیبا در اول دیباچهٔ دیوان وبنگ وباده دارد ، دو صفحهٔ نخستین دیوان اطراف آن تذهیب و نقاشی گردیده در پایان صفحه آخر و پشت آخرین برگ یاد داشتهائی شده و برگ نخستین مختصر وصالی گردیده ومهرزال بیك در چند جا زده شده است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱٤۲) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵) .

(۱۲٤۱)

دیوان فضولی این نسخه بخط نستعلیق خوب (شاهزاده بهرام میرزا) نوشته شده ، نویسنده از خود و سال و محل کتابت نامی نبرده ، دیباچهٔ در اواخر کتاب ولی ناقص و برگهائی آن مفقود صحافی نسبه و جدید صفحهٔ دیوان هم نونویس میباشد ، برگ اول که شامل غزل نخستین بوده ولوازمی از آخر نسخه افتاده ، عناوین غزلها وسر فصل ردیف ها بخطا نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۱۳) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰٦) .

(۱۲٤۲)

دیوان فضولی این نسخه بخط نستعلیق (شاهزاده بهرام میرزا) نوشته شده ، شامل غزلیات و رباعیات فضولی میباشد ورق از دیباچه آن افتاده و بر روی ورق اول که کنون یاد داشتهائی بسیار هائی شده نام نسخه شده که پیشترین آنها بسال ۱۱۹۸ بوده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع بزرگ . شمارهٔ اوراق (۸۵) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸) .

[٥٦٠] دیوان فغانی شیرازی (فارسی)

شاعر شیرین سخن بابافغانی شیرازی متوفی بسال ۹۲۵ه‍ (۱) از شعرای صاحب ذوق وشاعری ظریف بوده ، مشاهراً در شیراز شغل سفو سازی داشته و در آن هنگام

(۱) تحفه سامی ص ۱۰۲ - ۱۰۳ حدیقة الشعراء ص ۵۳۹ - ۵٤۰ ، هفت اقلیم ص ۱۸۷ - ۱۹۰ مراجعه شود .

سکاکی تخلص داشته ، چون صیت شعردوستی وشاعر پروری سلطان یعقوب از تبریز بلند شد، فغانی بدانجا رفته وسالهادر آن خطه مانده وخوش بوده وچون بواسطه مرگ آن پادشاه آن رشته ذوق و معرفت پاشیده شد بشیراز برگشته ، پس‌ازچندی بخراسان رفته ودراواخرعمر ازشرب باده وگذرانیدن عمر بدانگونه که رویه وی بود پشیمان شده وتوبه نموده و این حالات وی از آثار وی هویدا و در مدح حضرت امام هشتم علی‌بن موسی‌الرضاعلیه‌التحیه والثناء قصائدی انشاء وبیشتر ازاشعاراو غزل وگاهی قصیده وقطعه ورباعی وترجیع بند نیزساخته است و روش فغانی درنظم معانی وتلفیق الفاظ روشی خاص میباشد وغزل بلکه بیتی از دیوان او نیست که سوزو گدازعاشقی نداشته باشد .

دیوان‌وی بسال۱۳۱۵ خورشیدی بتصحیح جوان‌دانشمند آقای‌سهیلی‌خونساری ومقدمه ای درشرح حال وی درطهران چاپ گردیده وشامل غزلیات(۵۸۲ غزل) وغیره میباشد ودرحدود (٤٠٠٠) بیت شعراست .

آغاز : ای‌سرنامه نام توعقل گره گشایرا ذکرتومطلع غزل طبع سخن سرایرا

(۱۲٤۳)

دیوان فغانی شیرازی

این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب عبدالرشید (۱) بدون تاریخ نوشته شده ، شامل غزلیات ومقطعات ورباعیات میباشد و درحدود (۳۸۰۰) بیت شعر است ، غزلیات تمام وابیاتی ازغزلهای نسخه چاپی بیشتر دارد ، سرلوحی کهنه و ظریف دارد وپشت صفحهٔ نخستین اعتضادالسلطنه درمعرفی نسخه ونویسنده آن وسال دخول آن بکتابخانه ایشان‌شرحی‌نگاشته‌اند، صفحات مجدول وتمام اوراق متن وحاشیه‌است .

جلد میشن ضربی طلابوش . کاغذ متن خان‌بالغ حاشیه فرنگی‌آبی‌رنگ . واقف سپهسالار . قطع

(۱) نویسنده درآخر نسخه فقط عبدالرشید امضاء کرده واعتضادالسلطنه اورادبامی معرفی کرده و در صفحهٔ ۱۹۵ بیدایش خط وخطاطان قطعه‌ای‌بخطاین نویسنده گراورشده و درص ۱۹٤ گوید‌بشرح حال وی دست نیافتم .

درتذکرةالخطاطین (اواخر ج ۱) گوید : میرزا رشیدا خواهرزاده میرعماد مالك افسر و دیهم سلطنت ممالك خط گشت . . . . . و بسال ۱۰٤۸ درکشمیر وفات یافت . (بایستی مراد همین عبدالرشید باشد) .

وزیری . شمارهٔ برگها (۱۷۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۱) .

(۱۲۴۴)

دیوان فغانی شیرازی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب میر حسین صفوی بی تاریخ نوشته ، ظاهراً در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، چنانکه در دیباچه نسخه نوشته شده انتخابی از دیوان فغانی میباشد که باشاره امیرخان(۱) نام گردیده ودر آخر دیباچه مختصر قطعه ای درمدح امیرخان مذکور گذارده شده بیت آخر آن که اندکی کلمات آن محو گردیده چنین خوانده میشود :

رسد ای کاش به رازی شرف تربیتت که بود بندگیت دولت فرخنده مآل

بنابراینکه کلمه درمصراع اول رازی باشد بایستی مقدمه نویس وانتخاب کننده رازی شاعر باشد واین دیوان منتخب درحدود (۱۸۰۰) بیت میباشد و پیش از شروع بغزلیات دو صفحهٔ اول نسخه نقاشی بسیار ظریف شده ودر میان ترنجی که درمیان صفحه است چند سطری از دیباچه نوشته شده و پس از دیباچه وقطعه نام برده ، ترجیع بند چاپ شدهٔ در دیوان و قصیده ای ردیف آفتاب نیز در مدح حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که مطلع آن اینست :

ای صورت بدیع تو را مظهر آفتاب آئینه ایست روی ترا درخور آفتاب

نیز گذارده شده ، درابتداء دیوان سرلوح ظریفی میباشد ومیان سطرهای دو صفحهٔ اول آن طلا اندازی شده ، فواصل غزلها تذهیب گردیده وحواشی بیشتر ازاوراق باطلا نقاشی گل وبرگ ومرغ وآهو وغیره گردیده وصفحات مجدول بطلا ولاجورد و پشت آخرین صفحه دخول آن بکتابخانه محمود میرزا بسال ۱۲۴۲ بخط نستعلیق خیلی خوب یادداشت گردیده ودرپایان آخرین صفحه محمد اسمعیل نام (ظاهرا کتابدار شاهزاده بوده) نوشته که بسال نام برده ضبط کتابخانه گردیده وبرخی ازاوراق حواشی آنها وصالی شده است وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بنقل از سدقلیخان واله راجع به

(۱) باجستجو بشرح حال ومحل ومکان ومقام این شخص دست نیافتم .

فغانی نقل گردیده وهم در اینجاستکه بسال ۱۱٦۰ داخل درعرض شد .

جلدها روغنی گل وبوته دار دورو . کاغذ خان‌بالغ . واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها (۹۳) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷٤۱) .

[٥٦١] دیوان فیض (فارسی)

ملا محسن‌فیض کاشانی ره (محمدبن مرتضی‌بن شاه محمود ۱۰۰۷-۱۰۹۱) یکی ازمعاریف علما و عرفای قرن یازدهم هجری بوده و مؤلفات مهمی در فنون فقه واخبار وعرفان وغیره ازایشان بفارسی وعربی بیادگار مانده وما درص ۲٤ وص ٥٤۹ - ٥٥۱ ج ۱ فهرست بمعرفی‌ایشان پرداخته‌ایم و درصفحات ۲٤و۸۰و۱۳٤ و۳۲۳و۳۳۱و۳۳۳و۳۳٥ و۳٥۱ و٥۲٥ و٥٤۹ آن مجلّد ده مؤلفه ایشان را معرّفی کرده‌ایم و دراشعار فیض تخلص دارد و دونسخه زیرین شامل قصائد و مثنویها وغزلیات ورباعیات عالمانه وعارفانه ایشان میباشد وچنانکه ازآخر نخستین نسخه معلوم میشود جمع وترتیب دیوان غزلیات فیض بسال ۱۱۰۲ یعنی ۱۱ سال پس از مرگ وی انجام گرفته است .

آغاز غزلیات : ای درهوای وصل تو ، جانها گشوده بالها

تو در دل ما بودهٔ ، درجستجوها سالها

(۱۲٤٥)

دیوان فیض کاشانی این‌نسخه مشتمل برچند قصیده وچندین مثنوی ازفیض‌کاشانی میباشد ، بخط نستعلیق ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته شده ، بسال ۱۲۷۷ در دست **رضاقلیخان هدایت** بوده و پشت برگیکه پیش از برگ نخستین بوده یادداشت نموده ویکی ازمثنوی ها را خود فیض «آب زال» نامیده و دیباچه مختصری بنظم برآن نگاشته وآنرا به دو جرعه تقسیم کرده اول درخطاب به حضرت حق ودوم درخطاب بنفس و این نسخهٔ از دیوان شامل (۱۳٥۰) بیت شعرمیباشد و بدین شعر شروع گردیده :

کتاب آفرینش را بچشم سر اگر خوانی به‌بینی حق‌تعالی را دراین آیات نورانی

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۷۰۱) . صفحه‌ای (۱۰) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض ($10\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۳۲۱) .

(۲۴۶)

دیوان فیض کاشانی

این نسخه شامل غزلیات مرتبه بحروف تهجی برحسب ردیفها ورباعیات درحدود ۲۷۰۰ بیت شعر از فیض میباشد ، بسال ۱۲۳۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، یك مثنوی که ظاهراً نیز از فیض میباشد درحواشی اوراقی از آخر این دیوان وی همین نویسنده نگاشته و فرهاد و شیرین وسخن آنکه بس از این کار معین خواهد شد نیز همین نویسنده نوشته و بدین دیوان پیوسته است .

دو سرلوح زیبا در اول دیوان و فرهاد و شیرین میباشد و اطراف دو صفحهٔ اول هریك از دو نسخه و میان سطرهای دو صفحه اول آنها بسیار شیب و طلا اندازی گردیده و تمام صفحات جدول بطلا و لاجورد است .

جلد وسط ترمه دور بیمیچ . بقطع وزیری . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق دو نسخه (۱۳۴) . اوراق دیوان (۹۶) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . طول (۱۵۱ سانتیمتر) . عرض ($9\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۴۲۲) .

[۵۶۲] دیوان فیضی (۵۰۳)

ناظم این اشعار ابوالفیض فیضی فیاضی است که در سنهٔ ۹۷۰–۹۷۴ در [۵۰۴] شرح حال وی را نگاشته‌ایم و نیز در آنجا از دو دیوان بزرگ دیوان بعضی که خود ترتیب داده و ظاهراً این بخش از آن دیوان مفصل است یاد کرده‌ایم و این بخش در حدود (۱۱۲۰) بیت میباشد و در صفحهٔ [illegible] راجع بدیوان و اشعار فیضی داده شده است .

آغاز (این بخش) :

بوستان خیال فیضی را [illegible]
هرچه بینی بدو دلیلت بس [illegible]
نخلها تا فلك کشیده [illegible]

(۱۲٤۷)

دیوان فیضی

این نسخه شامل قطعات و ماده تاریخ‌ها و رباعیات فیضی‌است چنانکه در ص ۵۲٤ زیرعنوان خمسه فیضی که پیوستهٔ به این نسخه میباشد نگارش یافت ، در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، خصوصیات دیگرنسخه را در آن صفحه زیرشمارهٔ (۱۱٤۱) نگاه کنید وشمارهٔ این کتاب در این کتابخانه (۳۲۰) است .

[۵۶۳] دیوان (یا کلیات) قاسمی یاقاسم‌انوار (فارسی)

علی بن‌نصیربن هارون بن ابی‌القاسم حسینی مشهور به قاسمی(۱) و ملقّب به معین‌الدین(۲) و متخلص به قاسم وقاسمی از مشاهیر شعرا و عرفای ایران میباشد ، در بدو سلوك دست ارادت به شیخ صفی‌الدین اردبیلی داده وپس ازآن به‌صحبت شیخ صدرالدین علی یمنی رسیده و چنانکه قاضی نورالله نوشته در اثر اینکه در خواب دیده نور قسمت میکند شیخ صدرالدین اورا **قاسم‌انوار** نامیده و بدین نام مشهور گشت ، پس از تکمیل کمالات صوری و معنوی از آذربایجان به‌گیلان و ازآنجا به‌خراسان رفته ودرهرات رحل اقامت انداخته و مردم نسبت بوی ارادت ورزیده‌اند ، شاهرخ‌صلاح پادشاهی‌را دراین‌دید که سیّد با این‌مطلوبیت و محبوبیت در آنشهر نماند ، سیّد انوار از آنجا بسمرقند رفت و الغ بیك نسبت بوی کمال همراهی را نشان داد ، پس از چند سالی دوباره به‌هرات برگشته و از آنجا به خرجردجام رهسپار گردید ودرآنجا بسال ۸۳۷ بسرای جاویدان شتافت ودرهمان باغی که منزل داشت به‌خاك سپرده شد و امیرنافذالامر امیرعلی‌شیرنوائی دراواخر قرن نهم عمارتی زیبا بر سر قبر وی بنا نموده ودولتشاه گوید « گردون بهزار چشم بزیبائی آن ندیده است » هدایت تولّد این‌عارف را بسال ۷۷ وعمر اورا نود سال

(۱) دانشمندان آذربایجان ص۳۰٤ ، تذکره دولتشاه ص۳٤۶-۳۵۲ ، مجمع‌الفصحا ج۲ص۲۷-۲۸ ومجالس‌المؤمنین ص ۳۷۳-۳۷۵ مراجعه گردیده است .

(۲) در دانشمندان و مجالس‌المؤمنین لقب وی معین‌الدین ولی در تذکره دولتشاه صفی‌الدین ثبت گردیده ودرمقدمه انیس‌العارفین قاسم انوارخود را حسینی ومشهور به قاسمی‌معرفی کرده است .

نوشته ولی با تعیین سال تولد و وفات که عین آنرا نقل نمودیم هشتاد سال میشود نه نود سال و دولتشاه وفات اورا بسال ۸۳۵ ثبت کرده است.

کلیات یا دیوان قاسم انوار عبارتست از دیوان غزلیات و رباعیات و قطعات و مثنوی «انیس العارفین» و تذکرة الاولیا یا «مقامات العارفین».

چنانکه در تذکره‌ها نوشته شده این شاعر عارف نسبت به خواجه حافظ کمال ارادت داشته و همواره دیوان اورا نزد خود داشته و به آن مراجعه مینموده و بیشتر غزلیات وی موافق غزلیات خواجه از حیث معنی و وزن و بحر میباشد و صاحب ذوقی دیوان غزلیات این دو شاعر را در یک مجلد گرد آورده بدان معنی که صفحهٔ راست را باشعار حافظ و چپ را باشعار قاسم انوار اختصاص داده و بدانگونه چاپ شده است خصوصیات آن زیر دومین نسخهٔ زیر و در ص ۵۸۳ مراجعه شود.

مثنوی انیس العارفین را بمقدمهٔ نثری مختصر شروع نموده و در حدود (۶۰۰) بیت شعر میباشد و آغاز آن اینست:

بسمله منت خدایرا جلّت عظمته و تقدّت کلمته که بشمشعهٔ انوار اسرار شموس ارواح ....

یامغیث المذنبین معطی السئوال یاانیس العارفین یا ذالجلال

و تسمیه این مثنوی بدین نام ظاهراً مقارن با اخیر این بیت میباشد و در مقدمه و خاتمه و جای دیگر از کتاب اثر دیگری باین نام یافت نشد.

«مقامات العارفین» یا تذکرة الاولیا نیز با مقدمهٔ کوتاهی نثری شروع شده و ۱۰۷ بیت شعر میباشد و خود در این مثنوی گوید:

بشنو ای طالب ره توفیق در طریق خدا علی التحقیق

صد مقامست بیش اهل یقین لیک یکیش آخرش توحید

گرچه زین بیشتر توان گفتن لیک معنی بقدر دان سفتن

لیک این صد بود اصول همه سالکان را بود وصول همه

هست این صد مقام برده قسم هر دهٔ از همه تمیز کرده باسم

آغاز: (مقامات العارفین) بر اهل عرفان و اصحاب ... مساعد باد و بر صفا و لقانا

رسیده از دنیا مرواد بالنبی و آله الامجاد روزی جندست که سلطان جمال معشوق حقیقی ازافق دل..... باتو رمزی بگویم.

الای شاه باز ملك لاهوت مقید ماندهٔ در دام ناسوت

دیوان غزلیات و رباعیات و مقطعات و غیره انوار در حدود (۶۰۰۰) بیت میباشد.

آغاز: من بیچارهٔ سودا زده سرگردانم
که باوصاف خداوند سخن چون رانم

(۱۲۴۸)

دیوان قاسم انوار

این نسخه ازدیوان که گذشته ازغزلیات ومقطعات ورباعیات شامل دومثنوی «مقامات العارفین» و «انیس العارفین» میباشد در حاشیهٔ دیوان کمال خجندی از اول تا بآخر نوشته شده (مقامات العارفین ۲۷ برگ بآخرمانده شروع و ۲۰ برگ مانده خاتمه می یابد وبخش اول آنهم مکرر نوشته شده وانیس العارفین از ۲۰ برگ بآخرمانده تاصفحه آخر دیوان نگاشته شده و حواشی آخرین صفحه که شامل اواخراین مثنوی اخیر بوده اندکی محوگردیده است) نویسنده دیوان خود را علی دامغانی و سال نگارش را ۸۲۱ معین نموده وبخط نستعلیق خوب میباشد، درکتابخانه زیر شمارهٔ (۲۶۶) ثبت گردیده و خصوصیات دیگر آنرا زیر عنوان دیوان کمال خجندی ذکر خواهم نمود.

(۱۲۴۹)

دیوان قاسم انوار

این نسخه که بسال ۱۰۰۵ نوشته شده، شامل غزلیات ومقطعات ورباعیات قاسم انوار میباشد و نویسنده نسخه ملتزم شده که صفحه راست را شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات حافظ قرار دهد وصفحهٔ چپ را ازقاسم انوار وتابآخر پیش رفته و شش ورق بآخرمانده دیوان حافظ بآخر رسیده واین دیوان درحدود ۵۳۰۰ بیت است، ودرآنجا سال نگارش موجود وتمام این اوراق آخرشامل اشعارقاسم انوار است هردونسخه در کتابخانه زیر شمارهٔ (۲۰۲) ثبت گردیده و در ص ۵۸۳ خصوصیات دیگرآنرا نگاشته ام.

[٥٦٤] دیوان قطب الدین حیدر (فارسی)

در کتب تراجم و تذکره ها قطب الدین حیدر و یا شاعر حیدر تخلص نیافتم جز در تذکرهٔ هفت اقلیم در ذیل شهر تربت (ص ٥٧٤) که ظاهراً قطب الدین حیدر را که معرّفی نموده صاحب همین دیوانست و عین عبارات آن کتاب اینست:

شیخ قطب الدین حیدر قطب وقت بوده و حیدر [illegible] ابدال سنجان شاه سنجان (در ص ٧٥ جزء ٣ جلد ٣ حبیب السیر وفات ابدال سنجان [illegible] ٥٩٧ ثبت است)

این رباعی در حق وی انشاء نموده:

[illegible]

[illegible]

در تاریخ مبارکشاهی آمده که وی را شاه ابدالان [illegible] و امور عجیبه بوده چنانکه در [illegible] آتش [illegible] وی را در بالای قبه یا شاخ درختی میدیدند که صعود [illegible]

فراز و شیب ره از رهروان [illegible] یکسان است

از شیخ نظام اولیا نقل است که [illegible] که با [illegible] درویشی است [illegible] و این [illegible] آن درویش [illegible] (١) [illegible] گشت.

این شاعر در غزل سرائی [illegible] دارد و برای نمودار یکی از غزلیات او را در اینجا می آوریم:

کنون که [illegible] بستان [illegible] گشود [illegible]

[illegible] دریاب

شکفت [illegible] خواب [illegible]

[illegible] از خواب

چنانکه موسم گل [illegible] روز [illegible]

[illegible] روزگار شباب

مدار در چمن [illegible]

[illegible] جهان خراب

(١) در ص ٧٦ [illegible] است.

اساس هستی حیدر بمی خراب اولی که این خرابه ندارد بنامگر بر آب خراب

این دیوان که بترتیب حروف تهجی موافق ردیف های غزلیات مرتب گردیده درحدود ۲۷۰ بیت شعر میباشد .

آغاز: بیارب یاربم تاروز بی ماه رخت شبها

شب و روز از خدا وصل تومیخواهم بیاربها

(۱۲۵۰)

دیوان قطب‌الدین حیدر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگ آخر افتاده ، ظاهراً از خطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد ، چندین برگ از اول نسخه هم پاره شده و وصّالی گردیده ، یادداشتهائی که پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده ، شاهزاده اعتضادالسلطنه بنام دیوان قطب‌الدین حیدر آنرا معرفی نموده وبهمین نام وقف گردیده ، یك سرلوح بسیار ظریف در اول نسخه میباشد و تمام صفحات تذهیب و نقاشی وجدول کشی بسیار ممتاز گردیده است .

جلد تیماجی ظریف طلائی . کاغذ **متن** خان‌بالغ **حاشیه** بخارائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۳۱) . صفحه‌ای (۹) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲٤۸) .

[٥٦٥] دیوان قطران تبریزی (فارسی)

حکیم قطران از شعرای قصیده سرای معروف قرن پنجم هجری میباشد ، هدایت وفات اورا بسال ٤٦٥ ثبت نموده وشواهد تاریخی بر وجود اوتا اینسال موجود ، نام اوراتذکره نویسان ازعوفی تاکنون (۱) کسی ثبت ننموده شاید قطران تخلّص ونام وی بوده ، پدراورا درهفت‌اقلیم منصور واورا اجلی‌معرفی ، ناصرخسرواورا درتبریز ملاقات(۲) وگوید که دیوان منجیك و دقیقی را پیش من آورد و خواند ومشکلات آنهارا حل‌نمود وزبان فارسی نیکونمیدانست واشعارخود برمن خواند .

(۱) لباب الالباب ج ۲ ص ۲۱٤ ، تذکره دولتشاه ص٦٧-٦٩ جابی ، هفت اقلیم ص ۱۰۱۷ - ۱۰۲۱ ، آتشکدهٔ آذر ص ۳٦ - ۳۷ ، مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ٤٦٦ - ٤٧٦ ، سخن وسخنوران ص ۱۳۰ - ۱٦۰ بخش اول ج ۲ ودانشمندان آذربایجان ص ۳۰۷-۳۰۹ .

(۲) ص ۸ سفرنامهٔ ناصرخسرو چاپ برلن .

بهرحال قطران شاعری قصیده‌سرا و دارای صنایع لفظی و لطائف معنویست و دیوان وی گذشته از قصائد شامل ترکیب بند و تغزلات میباشد و آقای تربیت در دانشمندان نگاشته اند که دیوان او را تا دوازده هزار بیت دیده ام و هدایت از هشت‌هزار تا ده هزار و دولتشاه قطران صاحب ترکیب بند ذو قافیتین را که نزد سائر تذکره نویسان تبریزی است ترمدی و استاد انوری معرفی کرده و آذرهم در آتشکده اشاره باین اختلاف کرده و تبریزی بودن اورا ترجیح داده و برخی تصور کرده‌اند که دو نفر شاعر قطران نام و تخلص بوده یکی ترمدی و دیگری تبریزی و بگفته امین احمد قطران تبریزی چند مثنوی نیز انشا نموده و یکی از آنها « قوس‌نامه » میباشد که بنام امیر محمد بن امیر قماج والی بلخ انشا کرده است .

نسخه ای از دیوان قطران که شامل ده هزار بیت میباشد جناب آقای تقوی رئیس محترم این دانشکده مرتب فرموده و در کتابخانه شخصی ایشان موجود و تذکر دیگر که سابقین نیز نگاشته اند اینکه اشعار قطران با رودکی بسیار شبیه و دیوانیکه بنام رودکی بسال ۱۳۱۵ در طهران چاپ شده بیشتر آن از قطران میباشد.

نسخه زیرین در حدود ۳۰۰۰ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

تا بپوشید بلؤلؤی ثمین باغ سمن بگل سرخ بیاقوت بیاراست چمن.

(۱۲۵۱)

دیوان قطران تبریزی

این نسخه را بسال ۱۲۵۰ محمد [illegible] بن حاجی محمد باقر تنکابنی برحسب امر محمد محسن میرزا در شهر [illegible] بخط نستعلیق نوشته و شاهزاده پشت صفحهٔ [illegible] را ملاّ باشی خود معرفی کرده و مهر خود را هم [illegible] ولی [illegible] محو گردیده و بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و برخی از [illegible] تصحیح گردیده و از ترکیب بند مشهور بخشی را بیشتر ندارد و اوراق [illegible] آن گذارده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع [illegible] . شماره اوراق (۱۰۴) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره [illegible] (۲۵۰) .

[۵۶۶] دیوان کاتبی (فارسی)

محمدبن عبدالله متخلص به **کاتبی** (۱) از ترشیز خراسان میباشد وچون به نیشابور آمده ودرخط شاگردی نسیمی را کرده مشهور به نیشابوری شده ، چندی ملازم بایسنقربن شاهرخ را نموده وقصیده ردیف نرگس را حسب‌الامروی تتبع نموده ولی چنانکه باید در اثر حسد معاصرین مورد قبول نیافته و کار باستهزا کشیده ، پس از آن ازخدمت استعفا کرده و رو به شروان کرده ، و امیرابراهیم که مربای بتربیت دانشمندان بوده اورا پذیرائی کرده ، کاتبی قصیده ای بردیف گل درمدح وی ساخته وانعام بسیار یافته ودرهنگام مراجعت بمرض طاعون دراستراباد در گذشته وصاحب مجمع‌الفصحا وفات اورابسال ۸۳۸ ثبت نموده و گوید دومثنوی یکی بنام « مجمع‌البحرین » و دیگری بنام « محب ومحبوب » داردوهمین مجمع‌البحرین وی میباشد که ذوقافیتین است واهلی شیرازی « سحرحلال » خود را درمقابل آن ساخته است .

آغاز : آفاق پرصداست زکوه گناه ما کوه گناه چند بود سنگ راه ما .

(۱۲۵۲)

دیوان کاتبی نیشابوری این نسخه درابتداء نسخه شمارهٔ (۲۷۹) این کتابخانه میباشد (ص ۱ - ۹۵) ، وخصوصیات دیگر آن در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) نگارش یافت ، شامل غزلیات مرتب بحروف تهجی ومقطعات ورباعیاتی چند است وتمام آن درحدود ۱۰۰۰ بیت شعراست .

[۵۶۷] دیوان کلیم کاشانی (فارسی)

ابوطالب کلیم ازشعرای قرن یازدهم هجری بوده ، باصائب تبریزی ومیرمعصوم کمال الفت و دوستی داشته ، و صائب در این معنی که دوستی و صمیمیّت سه نفر گوینده معاصرباشد بااظهار تعجب ازاین توافق گفته :

---

(۱) هفت اقلیم ص ۶۲۸-۶۳۱ ، آتشکدهٔ آذرص ۷۵ ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۲۸-۲۹ مراجعه شده است .

بغیر صائب و معصوم نکته سنج و کلیم دگر که زاهل سخن مهربان یکدگرند

وچنانکه خود کلیم تصریح کرده

(در دامن الوند اگر غنچه شود گل زنهار مگوئید کلیم از همدانیست)

اصلاً همدانی است ولی در کاشان تربیت شده از اینرو کاشانی مشهور گردید وچنانکه خوشگو درتذکره خود گفته « ظفرنامه شاه جهانی » نظم اوست .

ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود (ص ۱۷۳ - ۱۷۵ ترجمه ج ٤) وفات کلیم را بسال ۱۰۶۱ مطابق ۱۶۵۱ م معین نموده ومعین تاریخ را خوشگو درسفینه خود ذکر نموده ودر بعضی ازتذکره هاست که کلیم مقام ملک الشعرائی شاه جهان را یافته وچنانکه از چند قطعه انشائی وی که در دیوان او موجود است برمی آید چندی باتهام جاسوسی در قلعه شاهدرگ زندانی بوده و اشعار او منسوخ و او تعذیب بند و ترجیع بند وغزل وقطعه ورباعی است و نسبت اهل بیت علیهم السلام در آنها ظاهر واین نسخه ازدیوان او که زیر این سطرها معرفی میشود در حدود ۸۰۰ بیت از اشعار او را شامل میباشد وخوشگو کلیات کلیم را (باضمومات او) بیش از بیست (۲۰۰۰۰) معین نموده است .

(۱۲۵۳)

دیوان کلیم کاشانی

این نسخه ظاهراً درزمان خود کلیم نوشته شده ، بر کنار بخش غزلیات ، غزلیاتی در بین دیوان الحاق شده که بخط نسخ نوشته شده و بخط اصل نسخه مغایرت دارد ، برگهائی از اول دیوان که شامل بخش از قصائد و دیباچه کتاب است که شامل برخی از رباعیات بوده ، افتاده و بخشهایی بدست صفحه اول نسخه آسیب دیده است .

زبس که شوق لبش بحرف آورد [illegible]

چند برگ تا غذ جدول کشی شده نوشته در آخر دیوان گذارده شده و بر صفحه اول آنها سر لوحی کشیده شده ولی بی اهمیت [illegible] این صفحه یادداشت اعتماد الدوله بسال ۱۲۵۹ [illegible]

چند تیماجی [illegible] صفحه ای (۱۷) [illegible] ۱۹۱ [illegible] ۱۱۱ [illegible] ۱۲۴۷ .

[٥٦٨] دیوان کمال‌الدین اصفهانی (فارسی)

کمال‌الدین اسمعیل پسر جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی ازمشاهیرسخن‌سرایان قرن ششم واوائل هفتم هجری میباشد ، بمداحی خوارزمشاهیان و صاعدیّه(١) که مربّی این شاعر بوده‌اند وملك نصرة‌الدین ورشیدالدین وشهاب‌الدین وفخرالدین احمد وصدرالدین عمرخجندی (که از همه صدر تعبیر کرده) و عمیدالدین فارسی پرداخته ، چون درشعر وشاعری مرتبه ای عالی یافت اورا « خلاق‌المعانی » لقب دادند ، برخلاف دانشمندان ثروتی بسزا داشته و ظاهراً پدر یاجدش اززرگری وکسب درطریق تحصیل علوم و فضائل پانهاده و در عالم علم و ادب زرافشان شده ودراواخرعمردست ارادت بشهاب‌الدین سهروردی داده(٢) وبسال ٦٣٥در اصفهان مغولان اورا شهید کرده اند(٣) .

عمر کمال‌الدین را ازروی تحقیق بدست نیاوردم ولی دریکی ازقصائد که شکایت از پیری کرده گوید :

دریغ وغم که پس ازشصت واندسال‌زعمر بناگهان بسفرمیروم نه برگ ونه ساز

---

(١) دردیوان کمال‌الدین مدائحی بسیارازصاعدیه موجودوتاریخ یکی‌ازقصائد که درمدح رکن‌الدین صاعدی میباشد وازاو صدر تعبیرشده وبدین مطلع میباشد :

خفتهٔ بیدار بودم دوش کزدارالسلام مسرع باد صبا آورد سوی من پیام .

اینست : برتومیمون باد این تحویل فرخ کاوفتاد در سنهٔ خمس ثمانین غره ماه صیام

وهمین رکن الدین مسعود صاعدی را مراثی متعدی گفته ودر دیوان وی موجود است . وابوالعلاء صاعدی را نیز بقصیده ای مدح نموده است .

(٢) درقصیده ای که بدین مطلع میباشد :

دلا بکوش که باقی عمردریابی که عمرباقی ازین‌عمربه گذریابی .

علاقمندی خود را به سیروسلوك و تهذب وتربیت نفس بیان وبمدح شیخ سهروردی پرداخته وگوید :

ازین بزرگان امروز درزمانه یکست که مثل او نه همانا بیحرو بریابی

شهاب دین عمرسهروردی آن ره رو که از مسالك او دیو برحذر یابی

و از ابیات آخر قصیده معلوم میشود که خدمت شیخ مشرف نشده واز دور مشتاق گردیده است .

(٣) تاریخ گزیده (ورق ٣٢٢ نسخه کهنه خطی) ، تذکره دولتشاه ١٨٤-١٥٤ چاپی‌هفت اقلیم ص ٧١٠ - ٧٢٠ ، آتشکدهٔ آذر ص ١٩١ - ٢٠١ ومجمع‌الفصحا ج ١ ص ٤٨٩ - ٤٩٤ مراجعه شده وفقط درتذکرهٔ دولتشاه تصریح بسال وفات وی شده است .

وشاید درهمین دهه هفتم جهانرا بدرود گفته باشد .

دیوان کمال‌الدین مشتمل بر قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و چند مثنوی میباشد و اشعار آن بسیار لطیف و سهل و ممتنع است ، هدایت شمارهٔ ابیات این دیوان را ده پانزده هزار نوشته و نسخهٔ کامل زیرین در حدود (۱۳۰۰۰) سیزده هزار بیت میباشد و در قصائد و دیگر اقسام شعر به تخلص وی برنخورده و ظاهرا در اشعار تخلص نداشته و در یک بیت تمام نام (بالقب) وی(۱) موجود است و حمدالله مستوفی گفته که رسائل بکمال دارد و از آنها [illegible] ولی نگارنده تابحال به نسخه ای از آن دست نیافته ، از مکتوبی [illegible] نسخه دیوان وی از این فهرست میباشد قدرت [illegible] .

درفهرست کتابخانه ملی تربیت تبریز نسخه ای از دیوان کمال اسماعیل که در هند چاپ شده موجود است .

آغاز : تبارک الله از آن جنبش نسیم صبا

که لطف صنعت [illegible] کجا .

(۱۳۵۴)

دیوان کمال‌الدین اصفهانی این نسخه را بخط نستعلیق خوب هدایت‌الدین شکرالله ابهوری بسال ۱۰۷۱ نوشته [illegible] بر کنار آخرین صفحه [illegible] در اول نسخه دارد ولی ظاهرا پس از یک قرن از نگارش نسخه [illegible] صفحات مجدول بطلا و لاجورد [illegible] یافته است .

[illegible] (۲۷۸) صفحه‌ای (۲۵) [illegible] (۱۳۶۲) .

(۱۳۵۵)

دیوان کمال‌الدین اصفهانی [illegible] نستعلیق نوشته [illegible] از یکدیگر [illegible] نقل گردیده ،

(۱) [illegible]

در آخر مکتوبی از شاعر نیز نگارش یافته ولی از آخر آن افتاده ، برحسب محاسبهٔ نگارنده درحدود ۱۲۸۰۰ بیت شعر میباشد ودوبیت اول نسخه اینست :

دست از طلب بدار گرت برگ این رهست کانرا که راه توشه نه فقراست بینواست
نه فقر صورتی که بود همعنان کفر بل فقر معنوی که بدو فخر انبیاست.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (٤١٥) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦٥) .

(۱۲٥٦)

دیوان کمال الدین اصفهانی

ازاین نسخه نیز اول و آخر افتاده وچون نسخه پیشین بی ترتیب نگارش یافته وظاهراً در قرن دهم نوشته شده و برحسب شمارهٔ نگارنده درحدود ٥۰۰۰ بیت میباشد و بیت اول نسخه اینست :

دردمندان غمت را دربیابان بلا مرغ شوقت مغز خورده استخوان انداخته .

بر برگ ننوشته ای که دراول نسخه بوده نگارنده مطلع این قصیده را از روی نسخه دیگر این کتابخانه نقل وتذکر داده ام که در توحید باریتعالی است و بعضی از برگهای نسخه و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری باریك . شمارهٔ اوراق (۱٥۱) . صفحه ای (۱۸) بیت . طول ($۲٤\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲٦۳) .

[٥٦۹] دیوان کمال خجندی (فارسی)

کمال الدین خجندی ازمعاریف عرفا وسالکین وشعرای این سرزمین میباشد ، در آتشکده ومجمع الفصحا نام وی مسعود ثبت گردیده ولی درمآخذ دیگر نام وی ذکر نگردیده وفات او درنفحات (ص۷۲۳-۷۲٤ خطی) وهفت اقلیم (ص ۱۲۱۰) بسال ۸۰۳ ودر مجالس العشاق (مجلس ٤٤) بسال ۸۰۸ ودولتشاه (ص ۳۲٥-۳۳۱) وآتشکده (ص ۳٤٦-۳٤۷) ومجمع الفصحا (ج ۲ ص ۲۹) بسال ۷۹۲ نوشته اند واین تاریخ اخیر مسلماً غلط است چرا که درمقدمهٔ دیوان وی که یکی ازمعاصرین خجندی نوشته تصریح کرده که بسال ۷۹۸ از شهر **سرای** ودشت قپچاق به تبریز برگشته وسابقین بردولتشاه و آذر وهدایت هم بسال ۸۰۳ و ۸۰۸ نوشته اند و بایستی یکی ازاین دوقول صحیح باشد .

در مقدمهٔ این دیوان مقام عرفان و ارشاد خجندی و علاقمندی مریدان بآثار وی تذکر داده شده و جامع گوید که این دیوان وی شامل اشعار و غزلیاتی استکه پیش از رفتن از تبریز و در هنگام هجران از این شهر سروده‌اند و اینک که مراجعت کرده‌اند برای استفاده علاقمندان مرتب گردید.

سلاطین وقت نسبت به شیخ کمال توجه داشته و سلطان حسین بن سلطان اویس ایلکانی برای وی خانقاهی ساخته و امیرانشاه بن امیرتیمور که از طرف پدر یازده سال حکومت آذربایجان را داشته نیز نسبت به شیخ اظهار اخلاص میکرده و روزی کسان پادشاه بباغ او رفته و میوه‌هائی از آن گرفته و در عوض امیرانشاه ده هزار دینار قرض شیخ را همانجا بداد.

خواجه حافظ و شیخ یکدگر را ندیده دوستدار هم شده و غزل رد و بدل میکرده‌اند و غزلیکه شیخ کمال خدمت خواجه فرستاده بدین مطلع بود:

یار گفت از غیر ما پوشان نظر گفتم بچشم وانگهی دزدیده در ما می‌نگر گفتم بچشم.

و دولتشاه نقل نمود که: گویند خواجه چون این مصرع را (تشنه‌گانرا مژدهٔ از ما بر گفتم بچشم). از این غزل دید رفتی و حالتی کرد و گفت مشرب این بزرگوار بسیار عالیست و سخن او صافی.

امین احمد گوید: عارفان که بصحبت شیخ کمال و خواجه حافظ رسیده‌اند گفته‌اند که صحبت شیخ کمال به از شعرش بوده و شعر حافظ به از صحبتش.

شیخ کمال را در اثر اینکه اشعار وی نسبت و [illegible] دهلوی به بحرهای سبک و ردیف و قافیه‌های غریب که سهل و ممتنع است «دزد حسن» گفته‌اند و از این بیت:

کس بر سر هیچ رخنه نگرفت مرا معلوم همی شود که دزد حسنم

که امین احمد نقل نموده و ظاهراً از خود کمال [illegible] بدست می‌آید که در زمان خود وی این شهرت بوده و این [illegible] گویندگان و نسبت دهندگان گفته است.

از خصوصیات [illegible] مرجعیت

که داشته پس از مرگ درمسکن او جزبوریائی وخشتی که زیرسرداشته چیزی نبوده است .

چنانکه گفته شد این دیوان شیخ کمال پس‌ازسال ۷۹۸ مرتب گردیده وشامل غزلیات مرتّبهٔ بحروف تهجی برحسب ردیف ها میباشد و درحدود (۳٤۰۰) بیت است وتخلص وی درتمام غزلیات **کمال** میباشد و وفات وی بنابر تصریح تذکره نویسان پیش ازآذروهدایت درتبریزاست واین دو در دارالعباد یزد نوشته اند.

آغاز : افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال بثنای ملك الملك خدای متعال.

(۱۲۵۷)

دیوان کمال خجندی

این نسخه بسال ۸۲۱ بخط نستعلیق نوشته شده و بخشی از مقدمه ایکه برآن نوشته شده در سه برگ پس از سه برگ اول نسخه میباشد و میان برگ اول و دوم کنونی هم افتاده دارد، چنانکه در ص ٦٥٥ گذشت دیوان قصائد وغزلیات قاسمی تبریزی درحاشیهٔ این نسخه نگارش یافته وخصوصیات دیگر آن نسخه را در آنصفحه یاد نمودیم .

جلد روغنی گل وبرگ یك‌رو است ابیاتی در اطراف آن نوشته شده ومیرساند که پیش ازاین کتاب جلد قرآن بوده . کاغذ حنائی . واقف سبهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱٤۳) . صفحه‌ای (۱٤) بیت درمتن و ۱٤ درحاشیه. طول ($\frac{۱}{۲}$ ۱٦ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦٦) .

(۱۲۵۸)

دیوان کمال خجندی

این نسخه بسال ۸٥۹ بخط نستعلیق **محمد جامی** نوشته ، شامل غزلیات ورباعیات وقطعات وفردهای کمال میباشد ودر حدود ۲۸٥۰ بیت است ، یك پیشانی مذهّبی است که بسم‌الله باخط کوفی برآن نوشته شده درآغاز نسخه وپشت صفحهٔ نخستین برترنج ظریف مذهّبی این عبارت بخط ثلث نوشته‌شده : برسم خزانة الکتب السلطان الاعظم ابو القاسم بابر بهادر خان خلد الله ملکه وسلطانه بسعی العبد الضعیف شیخ حاجی حسن حامدار (کذا) وجود دارد واین نسخه گذشته ازقدمت وخط وتذهیب ازاین لحاظ نفاست دارد .

جلد تیماجی دور گرفته . کاغذ دولت آبادی . وقف [illegible] . قطع [illegible] کوچک شمارهٔ اوراق (٢٦٨) . صفحه ای (١١) سطر . طول (٢١ سانتیمتر) . عرض (١٥ [illegible]) . شمارهٔ کتابخانه (٢٦٤) .

[٥٧٠] دیوان لسانی شیرازی (فارسی)

لسانی از شعرای قرن دهم هجری میباشد (١) در تذکره ها بهمین تخلص معرفی گردیده و از نام اصلی وی چیزی نگاشته اند [illegible] تحفه سامی گوید : من با او صحبت داشته [illegible] وفات او در تبریز بسال ٩٤١ واقع شده [illegible] نیز همین تاریخ را سال وفات او دانسته [illegible] در ج ٤ تاریخ ادبیات خود وفات وی را بسال ٩٤٠ نگاشته [illegible] مجالس المؤمنین گوید صد هزار بیت از قول معتمدین و ثقات نقل نموده [illegible] دوازده هزار نوشته و چنانکه دیگران نیز نوشته اند شعر خوب [illegible] در حدود (١٠٠٠) بیت از غزلیات اوست که [illegible] حسب ترتیب قوافی است و در مجالس المؤمنین قصیده [illegible] مولی الموالی علی علیه السلام انشا نموده ضبط [illegible] .

شریف تبریزی (٢) که از شاگردان وی بوده [illegible] پیش [illegible] میرزا اعتراف کرده و او در تحفه سامی نوشته [illegible] ظریف میدانسته اند و مغرض بوده اند [illegible] و آنها را « سهو اللسان » نامیده و دیگری [illegible] .

آغاز : [illegible]

[illegible] گردنها .

---

(١) شرح حال [illegible] ص ١٨٦ - ١٨٧ [illegible] اول حرف [illegible] .

(٢) در ص ٦١٨ [illegible]

(۱۲۵۹)

دیوان لسانی شیرازی این نسخه ازدیوان درص ۴۰۳ - ۵۰۷ نسخهٔ شمارهٔ (۲۷۹) کتابخانه میباشد ، شامل غزلیات و قطعاتی از لسانی است ، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) نگاشته شده مراجعه نمائید .

[۵۷۱] دیوان لطفی (ترکی)

این دیوان که خصوصیات آن زیر این سطرها نگارش خواهد یافت غزلیات ترکی **لطفی** میباشد ، در کتب تذکره بشرح حال و آثاراین شاعر دست نیافتم ، ازقصیده ای که پس‌ازحمد وثنای الٰهی‌ونعت حضرت رسالت پناهی درمدح شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان(۱) سروده زمان و عصراو معلوم شد و در این قصیده به مرض شاهرخ وبهبودی او وشکراین نعمت‌ازطرف خود و عموم مردم ، اشاره نموده واظهار داشته که محمد جوکی میرزا ومیرزا عبداللطیف وعلاءالدوله(۲) از این کسالت بی نهایت متألم ومتأثر بوده اند .

درص ۴۵ ج ۳ طرائق‌الحقائق گوید :

« **مولانالطفی** از سخنوران روزگار ودر نظم اشعار فارسی وترکی با اقتدار درسن نود ونه‌سالگی قصیدهٔ‌ردیف آفتاب را درسلك نظم کشیده ومطلعش اینست:

ای ززلف شب مثالت سایه پرور آفتاب شام زلفت‌را بجای ماه دربر آفتاب.

ومولانا درجوانی نخست بتحصیل‌علوم قیام نمود بعدازآن روی سلوك بطریق درویشان درآورد و درآن روش ثابت قدم میبود تا وقتیکه از این عالم رحلت

---

(۱) شاهرخ‌پسرامیرتیمور گورگان بوده و ۷۸ سال زندگانی کرده و ۴۲ سال سلطنت نموده و بسال ۸۵۰ در شهر ری بدان سرای رهسپار شده و این دو بیت راجع به تاریخ مختصرحیات او درجلد ششم روضة‌الصفا مندرج‌است :

سلطان جهان شاهرخ آن مظهرنور در هفصدو هفتاد و دوآمد بظهور
درهشتصد و هشت شد بشاهی‌مشهور درهشتصد وپنجاه شد ازدار غرور .

(۲) محمد جوکی پسر شاهرخ بوده کـه در زمان حیات وی بدرود زندگانی گفته و عبداللطیف پسر الغ بیك بن شاهرخ وعلاءالدوله پسر بایسنقربن شاهرخ بوده‌اند .

نمود و در آخر زندگانی این مطلع را منظوم ساخته بنزد مولانا عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸) فرستاد که غزلی نماید و در دیوان خویش ثبت کند و چنین نمود:

گر کار دل عاشق با کافر چین افتد به زانکه بدخوئی بی‌مهر چنین افتد»

احتمال قوی و ظن نزدیک به یقین دارم که لطفی صاحب دیوان زیرین همین لطفی صاحب قصیده و این بیت میباشد.

این دیوان غزلیات و رباعیات در حدود (۱۶۰۰) بیت میباشد.

آغاز: ای ایکی جهان بیولیکینك اثباتیغه گویا

ذرات جهان مظهر [illegible] بیدا.

(۱۲۶۰)

دیوان لطفی این نسخه که شامل غزلیات مرتبه بترتیب حروف تهجی بر حسب قوافی میباشد و پس از آن رباعیات [illegible] لطفی را دارد بسال ۱۲۷۵ بخط نستعلیق خوب نوشته شده، دارای یک سرلوح میباشد و حواشی و میان سطرهای دو صفحه اول دیوان تذهیب و نقاشی و طلاکاری [illegible] و تمام صفحات مجدول بطلا و زنگار است.

در آخر نسخه آثار محو چند سطر که [illegible] بوده که نسخه برای وی نگارش یافته موجود و شامل [illegible] میباشد.

جلد ساغری [illegible] طلاپوش، [illegible] شمارهٔ اوراق (۶۱)، صفحه‌ای (۱۳ و ۱۴) [illegible] (۲۲ [illegible] ۱۴ [illegible])، شمارهٔ [illegible] (۱۷۴).

۵۰۲ | دیوان متنبی ([illegible])

ابوالطیب متنبی (احمد بن حسین بن حسن بن عبدالصمد جعفی کندی کوفی ۳۰۳-۳۵۴ (۱)) از مشاهیر شعرا میباشد که [illegible] و در جهان دانش [illegible] متنبی [illegible] پیغمبری

(۱) معجم المطبوعات [illegible] ۱۶۱۵ [illegible] ۱۶۱۷ [illegible] ج ۳ ص ۱۳-۱۶ [illegible] ۴۷۲ [illegible] ۶۱ [illegible]

کرده و حاکم حمص که لؤلؤ نام داشته براو تاخته و تابعینش را متفرق کرده و خود اورا چندی زندانی نموده و پس از توبه دادن رها کرده است .

گویند پدر متنبّی مردی سقّا بود که باشتر خویش مردمان بغداد را آب می آورده وابوالطیّب در محلّه کنده آنشهر باین جهان پا گذارده ، از آنجا با پدر بشام آمده و بتحصیل علوم پرداخته ، حافظه‌ای غرّا داشته ، در شعر و شاعری درجه‌ای عالی یافته ، برخی اورا برابی تمام و پاره ای ابوتمام را بروی ترجیح میدهند ، مدّاح سیف‌الدوله آل حمدان و عضدالدوله دیلمی و کافور اخشیدی بوده و از ایشان جائزه ها گرفته در هنگامیکه ازفارس به بغداد می آمده خود وفرزند وهمراهانش را در راه کشته‌اند

دیوان متنبّی بیش از چهل شرح شده و تاکنون چهار یاپانزده بار درشهرهای هندوستان و مصر و بیروت واروپا چاپ گردیده و در ص ٥٢٠ - ٥٢٢ ج ١ کشف‌الظنون وص ٦١-٦٤ روضات گروهی که بشرح این دیوان پرداخته اندنام برده شده و چنانکه در معجم‌المطبوعات تذکر داده‌شده چاپ سال ١٢٦١ کلکته دیوان متنبّی شامل شرح فارسی آن میباشد.

آغاز :

اَمِنْ اِزْدِیارِکَ فی الدّجیٰ الرُّقباء اِذْ حَیْثُ کُنْتِ مِنَ الظُّلامِ ضِیاءُ.

(١٢٦١)

دیوان متنبی خط نیمه نخستین این نسخه ظاهراً ازقرن دهم و نیمه دوم ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته‌شده، تقریباً شامل ٤١٥٠ بیت شعر میباشد ، پشت صفحه نخستین دو یادداشت که یکی بتاریخ ١١١٧ و دیگری ١١٣٤ نوشته شده ، موجود و برگ اول دیوان نیازمند وصّالی و تمام دیوان مرتب بترتیب قوافی موافق حروف تهجی میباشد ، پشت صفحه‌اول و آخر یادداشتهائی موجود وعناوین نیمه اول باشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (١٨٣) . صفحه ای (١٥) بیت . طول (٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣٢٥) .

[۵۷۳] دیوان مجدالدین ساوجی (فارسی)

حاج میرزا ابوالفضل مجدالدین (محمدبن فضل‌الله ۱۲۴۷-۱۳۱۲(۱)) (۲) از شعرا ودانشمندان قرن سیزدهم و اوائل چهاردهم هجری بوده و بشهادت معاصرین در تحصیل علوم و فضائل جدّی وافی و سعی کافی داشته و گذشته از فضائل ادبی وعلمی طبیعی ماهر ولایق وشایسته بوده و بنابر تصریح در المآثر والآثار درتألیف نامه دانشوران شریك بوده وبسیاری از مطالب آن کتاب را جمع و انشاء این دانشور میباشد ، درنوشتن خطوط نستعلیق و شکسته و نسخ و ثلث چون پدرخویش(۳) مهارت داشته و کتیبه های عمارات سلطنتی آن عصر بیشتر بخط این دانشمند نگارش یافته است .

هدایت درباره وی نوشته اند « گاهی بتخلص غمگین و قصیده و مثنوی مینماید و درحدود ۱۵۸ بیت اشعاری اورا از غزلیات و مسمطات و قصیده نقر و در گنج شایگان چهار قصیده ازاو که درمدح صدراعظم انشاء نموده و ۱۵۰ بیت میباشد درج شده و یك غزل در طرائق از او نقل شده و باین غزلیات که بخط این شاعر است در حدود (۵۰۸) بیت از او سراغ دارم و نمیدانم بایدیکه آثار طبعی وی در کجا وجود دارد و در اشعار مجدالدین تخلص میکرده »

(۱۳۳۲)

دیوان مجدالدین ساوجی

این نسخه بخط نستعلیق شکسته خوش و خوانا نوشته شده و در آخر بخط شکسته نستعلیق بدون نقطه بسال ۱۲۷۴ نگاشته شده ، شامل ۱۶ قطعه مسمط که هر یك از آنها مخمس موشح

(۱) مؤلف طرائق الحقائق درتقریر شرح حال و تاریخ تولد و وفات و مدت عمر او و همچنین دوازده درهزار نقطه سانسکریت بعد و در همین صفحه از قلم افتادگی بعد از اینجا صولی نکشد ... تا آخر ترجمه سقط شده و تمام آنچه در این باب شد و وارد است در مزار معروف بقدمگاه ... در محله خیران (در جنوب صحن انست) تاریخش را بحساب ابجد بر سنگ نوشته اند .

(۲) در ص ۶۸-۶۹، ۵۰۹-۵۱۸ از شعرا این دوره ، همچنین در ص ۳۰ س ۳۰ ، ۴۳۲ ، المآثر والآثار ص ۲۰۲ و طرائق الحقائق ج ۳ ص ۲۷۴ شرح حال این دانشمند موجود است .

(۳) حاج میرزا فضل‌الله سوجبولاغی ملقب بمجدالدین خطی نستعلیق را بسیار خوب مینوشته و در معرفت انواع خطوط بدیع و معماری ... ۱۲۷۵ وفات یافته است .

نموده و ۱۸۶ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بامابتابهل زسر این پس عتابرا برعاشقان مخواه زهجران عذابرا

دارای یك سرلوح زیباست و میان سطر های تمام صفحات طلا اندازی شده وفاصله غزلیات تذهیب ظریفی گردیده و پشت صفحهٔ نخستین دخول آن بکتابخانهٔ اعتضادیه بسال ۱۲۹۳ یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ متن خان بالغ وحاشیه الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ برگها (۸). صفحه‌ای (۱٤) بیت . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱٦٦) .

[٥٧٤] دیوان مجمر (فارسی)

سید حسین طباطبائی زواری متخلص به **مجمر** از شعرای معاصر فتحعلیشاه قاجار میباشد ، راوی گروسی درانجمن سوم انجمن خاقان اورا نام برده و گوید : بسال ۱۲۱۸ که برای انجام مهمی باصفهان رفته بودم در مجلس صاحب کافی معتمدالدوله این سید جلیل را ملاقات و در همان مجلس عقد الفت چنان استحکام یافت که گسستن نپذیرد و بکرّات درحجره **مدرسه کاسه‌گران** که منزل سید بود دریافت فیض صحبت کرده از اخلاق مهذّب و اوراق مذّهب (پیش ازاین هم تصریح کرده گه گاهی بشغل تذهیب مشغولی داشت) ایشان دل و دیده را مسرت میداد .

راوی تصریح نموده که معتمدالدوله برسم منادمت این سید جلیل را باخود بطهران واز آنجا به ایروان که در آن هنگام پادشاه در آنجا بود ، بردو بوسیله ملك‌الشعرا بپیشگاه پادشاه معرفی شد و مورد تفقد گردید و لقب مجتهدالشعرائی یافت و بمنادمت شاهزاده حسنعلی میرزا برقرار و درعین جوانی بسال ۱۲۲٥ جهانرا وداع گفت و درخاك پاك قم دفن گردید و دیوان وی درحدود پنج ششهزار بیت است و ٥۹۰ بیت از قصائد و غزلیات و ترکیب بند او را انتخاب و دراین کتاب جا داده است .

در ص ٤٦٥ ج ۲ مجمع‌الفصحا نیز مختصری از شرح حال مجمر نگارش یافته و ۳۹٥ بیت از دیوان او انتخاب گردیده و ص ٤٦٥ - ٤۷۳ شامل این منتخبات است .

درمقدمه دیوان مجمر که بسال ۱۳۱۲ در طهران چاپ سنگی شده مرحوم میرزای جلوه که ازحکمای اوائل قرن چهاردهم هجری بوده‌اند شرح حال مختصری ازمجمر نوشته‌اندودر آنجاست که بایشان نسبت داشته وتقریباً ۳۰سال زندگانی کرده بنابراین تولد وی بسال ۱۱۹۰ بوده است.

پیش از دیوان مجمر حکایاتی بطرز گلستان شیخ بنظم و نثر از مجمر چاپ گردیده است.

(۱۲۶۳)

دیوان مجمر این نسخه بخط شکسته نستعلیق (ظاهراً درروزگار زندگانی شاعر نوشته شده) تکلوشریافته، بحشو از اول ووسط و اخر نسخه افتاده وکاغذهای نوشته بجای آنها گذارده شده و بیت نخستین صفحه اینست:

یکی بدل همه تابش ز روی او منگر که مشت خاره شد از مهر گوهر لالا.

و آخرین بیت نسخه اینست:

چه خصمی باشدت ای عشق با عقل کزین سر چون شدی در آن سری تو.

وباقصی که دارد شامل ۳۹۰۰ بیت شعر میباشد وبسال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و بر کنار صفحه نخستین یادداشتی کرده است.

جلد تیماجی وسط پرچه، کاغذ ... صفحه‌ای (۱۳) بیت ... (۲۱ سانتیمتر) ... (۱۴ سانتیمتر)، شمارهٔ اوراق (۱۵۵)، صفحه‌ای (۱۳) بیت ... (۲۱ سانتیمتر)، شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳).

| ۵۷۵ | دیوان مختاری (خطی)

عثمان‌بن محمد غزنوی از شعرای نیمهٔ دوم قرن ۱۱ بوده چندی در کرمان(۲) متوطن، تاه تخلص میکرده وسپس ... تخلص شده، دیوان او بهردو تخلص اشعاری موجود است.

(۱) هدیه ... ۵۲۴ ... ۵۲۴ ... وشرح حال وآثار او شده ... ۶۰۷-۶۰۸ ... ۲۶۶، ۲۷۱ آشکده آذر ص ۱۱۸-۱۲۱، مجمع ... ۱۵۰-۱۵۱ ... شده است.

(۲) در دیوان غزنوی ...

معاصر امیرمعزّی و مسعود سعد سلمان وسنائی بوده ومدّاحی سلطان معزّالدین ارسلان ازسلاجقهٔ کرمان (۴۹۴ - ۵۳۶) و ابوالملوك ارسلان بن مسعود غزنوی که ازسال ۵۰۹ تا ۵۱۱ سلطنت داشته و عضدالدوله (۱) وعلاءالدوله محمدخان(۲) وبهرامشاه غزنوی (ازسال ۵۱۱-۵۵۲ سلطنت داشته) وطغانشاه (۳) را کرده است.

دیوان مختاری شامل قصائد و ترکیب و ترجیع بند وغزلیات ورباعیات ومثنوی (۴) میباشد وهدایت شمارهٔ ابیات آنرا درحدود ۸۰۰۰ هشت هزار معین نموده ونسخه‌ای

(۱) دردیوان مختاری قصائد وابیاتی درمدح عضدالدوله موجود، هدایت این ممدوح را عضدالدوله دیلمی دانسته واین سهوی ظاهر است چرا که وی بسال ۳۷۲ وفات یافته و شاعر که در اواخر نیمهٔ اول قرن ششم زندگانی را بدرود گفته نمیشود مداح این پادشاه باشد وعلامه مفضال آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله (ص ۱۵۱) نوشته‌اند «معلوم نشد عضدالدوله کیست» نگارنده احتمال قوی میدهد که این ممدوح عضدالدوله شیرزاد ابن‌مسعود غزنوی است که بسال ۵۰۸-۵۰۹ (یکسال) پس ازپدر سلطنت کرده ومختاری ازاو «فتا خسرو» تعبیر کرده وچنانکه آقای قزوینی تصور کرده‌اند این تصرف (این شاه را فتاخسرو خواندن) ازهدایت نیست واین چند بیت ازدیوان او در این موضوع است.

شاهنشه نوین عضدالدوله عالی — شاهی که جهانرا براوهیچ خطر نیست

گفتم که بهای تو بشعر ازکه ستانم — رخ سوی سرای عضد دولت ودین کرد

کوئی خرد ونقش ونجوم وفلك وطبع — شاهنشه بی مثل فتا خسرو غازیست

(۲) مختاری گوید:

تا جهان باشد محمد خان علاءالدوله باد — بزمخواه و باده نوش و رزمجوی وفتحیاب

وآقای قزوینی ارسلان‌خان محمدبن سلیمان‌بن‌داود بغراخان‌ابن‌ابراهیم طفغاج‌خان‌بن‌ایلك نصرارسلان‌بن علی‌بن موسی‌بن سنق ازملوك ترك خانیه ماوراءالنهر را که از سال ۴۹۵ - ۵۲۴ سلطنت کرده ازممدوحین مختاری معرفی کرده‌اند.

(۳) درنسخه‌ای ازدیوان مختاری که درمجلس شورای ملی میباشدچند قصیده درمدح طغانشه موجود واین دوبیت ازقصائد اوست:

سخی شمس دولت کزین کهف ملت — ملك بوالفوارس طغانشاه صفدر

خجسته شمس دولت را همایون زین ملت را — مبارك کهف امت را طغانشاه است مفخر

(۴) دراین مثنوی گوید:

پیش تخت عز دولت و دین — ارسلان شاه بادشاه زمین

سال‌من‌جون بسی‌وهفت رسید — بر دلم آفتی بتفت رسید

ومیدانم که معزالدین لقب ارسلان‌بن کرمانشاهان سلجوقی است (۴۹۴-۵۳۶).

از آن که ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود ۷۵۰۰ بیت را شامل و از اول آنهم اوراقی افتاده است.

آغاز: ترا بشارت بادای ولایت کرمان [illegible] هندوستان(۱)

(۱۲۶٤)

دیوان مختاری غزنوی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده و [illegible] دیوان سید حسن غزنوی [illegible] دیوان زیر شمارهٔ (۱۸۵) ثبت گردیده [illegible] شمارهٔ (۱۱۸۷) معرفی خصوصیات دیگر آن گردیده و در حدود (۳۰۰۰) [illegible] میباشد و قصیده‌ای که بدین مطلع است شروع شده:

بر اختیار بندگی ملک الرقاب [illegible] از کتاب.

(۱۲۶۵)

دیوان مختاری غزنوی

این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً در قرن دهم هجری) نگارش یافته و از اول و آخر آن اوراقی افتاده و صفحهٔ نخستین بدین بیت شروع گردیده:

صد سال در عجم درو و صد سال در عرب [illegible] صد جشن نوبهار

انجام نسخه این بیت است:

سر فکنده جا است [illegible]

در حاشیهٔ برگ ۵۱ [illegible] ۱۳۷٤ [illegible] در تصحیح یکی از ابیات نسخه [illegible] اظهار داشته و این نسخه در حدود (۳۶۰۰) [illegible] است.

جلد [illegible] (۱۰۹) صفحه‌ای (۱۷) [illegible] (۲۱) [illegible] (۳۷٤).

(۱) در ص ۲۶۷ [illegible] سلطان ارسلان بن مسعود [illegible]

[۵۷۶] دیوان مخمور (فارسی)

مخمور تخلص شاعری از شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد(۱) ، در کتب تذکره های این عصر بنام و آثار او دست نیافتم ، ازقصیده ایکه درشکر گذاری ازحکومت اسدالله خان برتویسرکان وملایر انشاء نموده ودرورق ۶ نسخه میباشد استفاده میشود که ملائری یا تویسرکانی است ، آثار زیرین چند قصیده ایستکه در مدح شاهزاده اعتضادالسلطنه گفته و تخلّص مخمور در همه آنها موجود ، و ۲۵۰ بیت میباشد ، برای نشان دادن طرزفکر وطبع وی چند بیت ازاول و آخر نسخه را در اینجا می آورم :

آغاز :

بردرت ایدوست روی اضطرار آورده‌ام
فقر و مسکینی و عجز و انکسار آورده ام
لنگ لنگان دست بسته دل شکسته سرنگون
چشم خونین جان غمگین جسم زار آورده‌ام
آه حیرت اشك حسرت تاب محنت سوز غم
سینهٔ محزون درونی سوگوار آورده ام

انجام:

کزین سپس پس مدح علی و آل علی — بود دعـای شه و پادشاه تبیانم
بود بود همه تـا دل بسینهٔ تنگم — بود بود همه تا جان بجسم نالانم
مدائح علی و آل او انیس دلم — دعای پادشه و شاه مونس جانم

(۱۲۶۶)

دیوان مخمور — این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود و سال نگـارش نام نبرده ، بسال ۱۲۹۳ داخل کتابخانه

(۱) درص ۳۳۹ـ۳۴۰ دانشمندان آذربایجان میرزا لطف الدین شکرالله تبریزی (۱۰۹۵-۱۱۶۴) مخمور تخلص ازشعرای قرن دوازدهم نام برده شده واین دوبیت را ازاو نقل کرده اند :

تعجب نیست بد طینت اگرحاجت روا کردد — که زخم کهنه را خاکستر عقرب دوا کردد
زدونان کی بخود درماندکان را کار بکشاید — کره امکان ندارد باز با انگشت وا کردد .

اعتضادالسلطنه گردیده و پشت صفحه نخستین یادداشت شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی [illegible] . شمارهٔ اوراق (۱۰) . صفحه ای (۱۵) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ [illegible] (۱۵۱) .

[۵۷۷] دیوان مسعود سعد سلمان (فارسی)

مسعود بن سعد بن سلمان که بنابر روش پارسی مسعود سعد سلمان خوانده میشود از مشاهیر شعرای فارسی زبانست ، در دربار غزنویان مقام امارت و فرمانفرمائی داشته ، بکسب کمال و فضائل پرداخته و در لباب اسکه (ج ۲ ص ۲۳) از شاهنامه فردوسی انتخابی کرده و چنانکه از ابیات موجوده [illegible] معلوم میشود در نظم و نثر پارسی و تازی دستی قوی داشته [illegible] (۱) اولی از آثار نثری وی چیزی در دست نیست و در این دو زبان [illegible] (۲) در خطاب به ثقة الملک طاهر بن علی گوید :

هیچکس را هست انصاف ده ای حاکم حق
[illegible] که مراست
از بزرگان [illegible]
[illegible] شعر است

امیر خسرو دهلوی در مقدمه [illegible] افتخار نموده که بجز من کسی را سه دیوان [illegible] سه دیوان داشت یکی پارسی و دیگری عربی و سومی [illegible] است

از دو دیوان دیگر مسعود سعد سلمان [illegible] نیافته است .

بیش از سی سال پیش علامه [illegible] | گذشته از آنچه در

(۱) [illegible]

[illegible] استقلال
[illegible] مراست
[illegible] دریاست

(۲) [illegible] زبانی
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حواشی چهار مقاله (۱۷۸-۱۸۲) دربارهٔ این شاعر شهیر نگاشته اند] مقاله ای درشرح حال مسعود سعد مرقوم وشادروان ادوارد برون خاورشناس مشهور انگلیسی آنرا به انگلیسی ترجمه وبسال ۱۹۰۵ م در مجله آسیائی درج و بسال ۱۹۰۶ م نیز آن ترجمه را جداگانه منتشر کرده است وبسال ۱۳۱۷ خورشیدی جوان دانش پژوه آقای سهیلی خونساری بنام «حصارنای» شرح حال مفصلی ازاین شاعر باذکر معاصرین وممدوحین وقصائد حبسیّات وی تألیف و منتشر کرده اند و این سه نگارش ما را بی نیاز ازبحث درحالات وی مینماید .

مسعود سعد سلمان گاهی ازخود دراشعار بهمین سه جمله وگاهی مسعود سعد و هنگامی مسعود تنها تعبیر نموده و آقای سهیلی تولد وی را در حدود سال ۴۳۵ دانسته اند ووفات اوراصاحبان تذکره ها بسال ۵۱۵ و ۵۲۵ ثبت نموده اند وبرخی سال ۵۱۵ راکه شاعر هشتاد سال داشته ترجیح داده اند ، درمقدار حبس مسعود سعد هم اختلاف است در یکی از اشعار خود وی نوزده سال آن تصریح شده

(مرترا هیچ باك نامد از آنك نوزده سال بوده ام بندی)

تاسی سال هم نوشته اند ، بیشتر از ربع اشعار دیوان وی ظاهراً درزمان ابوالملوك ارسلان بن مسعود غزنوی میباشد که بنابرتصریح خود مسعود سعد بسال ۵۰۹ بسلطنت نشسته وبنابرضبط مورخین بسال ۵۱۱ بدان سرا شتافته .

حکیم سنائی بجمع وترتیب دیوان مسعود سعد سلمان درزمان حیواة وی پرداخته وثقة الملك طاهربن علی بدو تذکرداده که اشعاری ازدیگران را نیز در دیوان وی گدارده وسنائی درضمن قطعه ای که خطاب به مسعود سعد میباشد ازاین غفلت عذرخواهی نموده و (در ص ۱۴۹ حواشی چهار مقاله این قطعه نقل گردیده) ومندرجات این دیوان عبارتست از :

۱ ـ قصائد ومقطعات بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی ، ۲ ـ مثنوی در وصف امرا و درباریان و حواشی سلطان مسعود ، ۳ ـ ایضاً مقطعات در مدائح

ومراثی وحماسه وغیره، ٤ ـ غزلیات بنام دوازده ماه شمسی سی روز هرماه بنابر نامهای هریك از آنها پیش ایرانیان قدیم وهفت روز هفته وغزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی ٥ ـ رباعیات .

این دیوان بسال ۱۲۹۶ از روی نسخهٔ نفیسی که در کتابخانه اعتضادالسلطنه بوده وازقرائن پیداست که غیراز این نسخه زیرین بوده در طهران چاپ شده است .

(۱۲۶۷)

دیوان مسعود سعد سلمان

این نسخه بخط نستعلیق خوب وشسته شده نویسنده ازخود ونسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در قرن سیزدهم نوشته شده ، بسال ۱۲۷۲ در کتابخانه اعتضادالسلطنه بوده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت گیرنده در حدود ۱۴۰۰ بیت دیده میشود .

چند میشن ضربی طلاپوش . باقطع رحلی . دارای ۳۰۰ برگ . اندازه برگ شمارهٔ اوراق (۲۷۵). صفحه‌ای (۲۸) بیت درمتن وحاشیه . خوانا ، ۳۰ سطر ، ۱۰ × ۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۲) .

(۱۲۶۸)

دیوان مسعود سعد سلمان

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۲۵ نوشته شده و ۲۲۲ بیت از اول آن افتاده وبحساب بیت موجود آن اینست :

کسی که شهره ان [illegible] بکلی ملك را [illegible]

ودر رباعیات وقصائد وغیره در حدود ۱۰۰۰ بیت از نسخهٔ مشین بیشتر دارد، در آخر آن چند بیت زیرین میرساند که این نسخه از روی نسخه ایکه بسال ۱۰۲۱ نگارش یافته نویسانده اند :

این نسخه که در عنوان اشعار [illegible]
اشعار بدیع [illegible]
از رشحات معانی [illegible]
دهبیتش [illegible]
تاریخ طلب نمودم از عقل [illegible]

[illegible] بحری و بحر [illegible] دارای [illegible] برگ [illegible] اندازه برگ [illegible] سانتیمتر ورق (۲۸۵). صفحه‌ای (۲۱) [illegible] ۲۳۱ [illegible] ۱۴ [illegible] ۱۰ × ۲۹).

[۵۷۸] دیوان مشتاق (فارسی)

سید علی حسینی اصفهانی **مشتاق** تخلص ازشعرای قرن دوازدهم هجری بوده وشعرای معروف معاصروی چون آذر وعاشق وهاتف وصهبا باستادی وی معترف اند، بیشتر به غزل سرائی ورباعی سازی رغبت داشته ، آذر گوید « پس از مرگ سیّد مرحوم برفاقت هاتف وصهبا دیوان اذکار اورا مرتب ساخته » وراوی گروسی گوید « قریب به ششهزار بیت دیوان مرتب داشته اند مکرر بنظر رسیده(۱) درسنهٔ یکهزار و یکصدوهفتاد ویك از شهر اصفهان بروضهٔ رضوان رفت ومصراع این بیت ، در تاریخ وفات اوست :

بهر تاریخ او نوشت رفیق جای مشتاق درجنان بادا = ۱۱۷۱».

(۱۲۶۹)

دیوان مشتاق اصفهانی

این نسخه را بسال ۱۲۰۱ محمد هادی قزوینی بخط نستعلیق نوشته وشامل غزلیات مشتاق میباشد ، پس از غزلیات قصیده‌ای و چند غزل دیگرو ترجیع بند شاعر را دیگری بخط شکسته نستعلیق نوشته است وتمام این نسخه ازدیوان درحدود ۳۰۰۰ بیت میباشد .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بیاضی . شماره اوراق (۹۱) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۴) .

(۱۲۷۰)

دیوان مشتاق اصفهانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۵ نوشته شده ، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و ترجیع و ترکیب بند ورباعیات مشتاق میباشد ودرحدود ۳۳۰۰ بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۲۸) . صفحه‌ای (۱۳) بیت . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۱سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۵) .

(۱) در ص ۴۲۵-۴۲۸ آتشکده ۱۳۱ بیت انتخاب وچاپ گردیده و ۶۶ بیت درانجمن خاقان یز انتخاب گردیده است .

[۵۷۹] دیوان امیر معزی (فارسی)

امیر معزّی ازمعاریف شعرای قرن چهارم و نیمهٔ اوّل قرن پنجم هجری میباشد، در آتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحا نام او محمد و پسرش عبدالملك معزّفی گردیده وچنانکه ازمندرجات چهارمقاله معلوم میشود پدر معزّی برهانی تخلّص بوده است وخود وی مداح سلطان سنجر سلجوقی بوده وچون لقب وی معزالدین بوده شاعر را معزّی تخلّص داد ، ملك الشعرای سنجر شد و در حدود نه پست شاعر در زیر دست وی بوده ونسبت بهمه انواع مهربانی میکرده و در هنگامهای مناسب آثار آنانرا بعرض میرسانیده وصله های خوب از آن میگرفته و بدینجهت بخوبی همه آنها بوده است .

وفات امیر معزی را بیشتر از تذکره و پسال ۵۱۸ یا ۵۱۹ ه ضبط کرده اند واستاد بزرگوار آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله این قول را متابعت نموده ولی درحواشی خاتمة الطبع تفسیر ابوالفتوح (ص ۶۳۵ ج ۵) از این عقیده برگشته وگویند :

« و آن اینست که تاریخ ۵۴۲ درخصوص وفات معزّی در لفظ مشهوراست وظاهرا ابتدا از تقی کاشی ناشی شده است وقبل از او [illegible] بظهور نرسیده اطلاع دارم هیچ یك از ارباب تذکره متقدم بر تاریخ وفات معزی نشده اند و چنانکه دوست فاضل من آقای اقبال آشتیانی نیز بر آن تنبیه فرموده اند اواخر درخصوص شرح حال و ممدوحین و معاصرین او کاملا ساکت بوده اند و بنابراین مسلّم است که وفات معزی بحوالی ۵۱۸ و یقین مؤرخ [illegible] نیست و در دیوان او مدح هیچیك ازملوك و امرای [illegible] و در بعضی شروح واقعهٔ ازوقایع تاریخی آن عهد بعضاز تاریخ مزبور وجوه من الوجوه برنمیخورد وچون ازطرف دیگر بارهٔ ازوقایع تاریخی [illegible] دیوان او بعد از ۵۱۸ ه واقع شده است وفات او بخلاف تردید بیقین [illegible] ۵۲۰ نزدیکتر میشود پس

(۱) مجمع الفصحا ج ۱ ص ۵۷۰ ، ۵۹۳ ، [illegible] ۳۵۰ ، ۳۵۱ ، تاریخ گزیده ص ۸۲۵ عکسی [illegible] ص ۵۶۰ [illegible] ۶۲۲ .

معاصرین ومتأخرین ، به استادی امیرمعزّی اعتراف داشته وسنائی اورا مرثیه گفته وانوری ومختاری ابیاتی ازاورا تضمین کرده اند وهمه اعتراف به استادی وفصاحت او دارند وآثار وی شاهدی بزرگ بر مقام استادی وی میباشد .

دیوان امیرمعزّی تاکنون چاپ نشده ومرتب بترتیب حروف تهجی است وامین احمد رازی گوید دیوان او پانزده هزار بیت میباشد و نگارنده بزرگترین نسخه ای از آنرا که دیده در کتابخانه مجلس و در حدود (۱۳۳۰۰) بیت است .

آغاز : ستاره سجده برد طلعت منیرتورا زمانه بوسه دهد پایهٔ سریرتورا .

(۱۲۷۱)

دیوان امیرمعزی

این نسخه رابخط شکسته نستعلیق خوب محمد هادی ابن حاجی عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۵۲ نوشته ، شامل قصائد ومقطعات و چند ترجیع و ترکیب بند میباشد و در حدود (۸۴۰۰) بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۸۰) . صفحه‌ای (۲۳) بیت . طول (۲۱-$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض(۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۴) .

(۱۲۷۲)

دیوان امیرمعزی

این نسخه را بخط نستعلیق اسدالله بن میرزا خلیل بسال ۱۲۶۶ نوشته ، نظیر نسخهٔ پیش است مرتب بترتیب حروف تهجی است ترجیع و ترکیب بند آخر آن نسخه و قصائد و مقطعات آنرا این نسخه ندارد ، برگ نخستین به جلد چسبانیده شده وبرحسب شماره (۵۰۰۰) بیت دراین نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱۵) بیت . طول (۲۱-$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۵) .

[۵۸۰] دیوان مغربی (فارسی وعربی)

محمدبن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی مشهور به محمدشیرین ومتخلص به

مغربی متولد بسال ۷۴۱ و متوفی بسال ۸۰۹(۱) از مشاهیر شعرا و صوفیّه میباشد ، مرید شیخ اسمعیل سیسی است که وی مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفرائنی است و گویند که دریکی ازمسافرتها ازدست یکی ازمشایخ که نسبت وی بشیخ محی الدین عربی ره میرسیده خرقه پوشیده است .

درنفحات الانس معاصر بودن مغربی باشیخ کمال خجندی تصریح شده وحکایتی ازمعاشرت این دو در آنجا مندرج وغزلی ازمغربی نیز نقل گردیده که بااندك تغییری دریکی ازمصرعهای آن در دیوان او (نسخه زیرین) موجود است .

گذشته از دیوان شعر مغربی را آثار زیرین [illegible] : اسرار فاتحه ، نزهة الساسانیه ، جام جهان نما و [illegible] اصل توحید وافعال وصفات خدا بزبان پارسی است که آغاز [illegible] : سبحان ربك رب العزة عما یصفون .

دیوان مغربی شامل اشعار عربی وفارسی میباشد و [illegible] تذکر داده‌اند که بخش فارسی آن مکرر درایران وهندوستان چاپ گردیده است .

آغاز : خورشید رخت چو گشت پیدا [illegible] شد هویدا(۲).

(۱۲۷۳)

دیوان مغربی

این نسخه خط [illegible] خطوط اوائل قرن نهم هجری میباشد [illegible] الف تا یا میباشد وپیش ازشروع باشعار پارسی اشعار [illegible] مغربی نگارش یافته وپس از قوافی یاء ترجیع بندی از مغربی وپس از آن [illegible] خواجو نگارش یافته وپس از این بخش رباعیاتی که ظاهراً ازمغربی [illegible] اوراق غزلهائی نگارش یافته وازاول نسخه اوراقی [illegible] موجود اینست :

کلها اذکره من طلعتی [illegible] کلها

(۱) نفحات الانس ص ۷۲۴ ، ۷۲۵ [illegible] ۳۵۱ ـ ۳۵۱ وآتشکده ص ۳۸ [illegible]

میان ترجیع بند مغربی برگی نیزافتاده وبجای آن برگ ننوشته ای اخیراً گذارده اند ، تمام این نسخه درحدود (۲۸۰۰) بیت میباشد که درحدود (۲۳٤) بیت آن عربی است .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) . صفحه ای (۱٤) بیت . طول ($18\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($11\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۵) .

[۵۸۱] دیوان ملك قمی (فارسی)

ملك قمی ازمعاصرین امین احمد رازی بوده ، وی با احترامی زیاد در هفت اقلیم اورا زیرعنوان : مولانا ملك نام برده و گوید :

« دراوان جوانی غبار حرص از رخسارهٔ خاطر و لوح پیشانی بآب بی تعلقی شسته و گرد ازچهرهٔ صفحه بدستارچه نیازرفته **امروز در ملك دکن** ، ملك فلك ریاضت وملك ملك قناعت است **نظم** :

دارد بجعد طره خوبان مشابهت کاندرشکسته گی بودش قیمت و بها

وبااین نسبت درفضیلت شاعری بخشی تمام ونصیبی وافردارد وشعرش عموماً در جودت چون صورت شاهدان آراسته و چون معانی خردمندان پیراسته است آنچه نوشته میشود فصلی ازآن کتاب وسطری ازآن باب است الخ »

امین احمد ابیاتی ازغزلیات ورباعیات ومثنوی «ساقی نامه» ملك انتخاب ، ابیات غزلیات منتخبه اورا درنسخهٔ زیرین یافتم وآذر در آتشکده (ص ۲٤۱) نیزذیل شهرقم این ملك را نام برده و گویددیوانش ملاحظه شد وبعد از زحمت بسیار این چند بیت (۸ بیت) ازدیوانش پیدا کرده در اینجا ثبت شد .

نگارنده معتقداست که هردو نویسنده جنبهٔ افراط وتفریط را دربارهٔ این شاعر اختیار کرده اند، اشعار ملك نه آن اندازه ستایش امین احمد رازی را در خورو نه این قدر سرزنش را شایسته است ، مضامین لطیف درمیان غزلیات او یافت میشود وبنابر نگارش امین احمد در سال ۱۰۰۲ که هفت اقلیم تألیف شده ملك دردکن متوطن بوده و مقام ومرتبهٔ ارشاد و عرفان داشته است .

نسخهٔ زیرین که فقط شامل غزلیات ملک و مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی میباشد درحدود (۷۱۰۰) بیت است .

آغاز: ای ز نامت تاج گوهر برسر دیوان ما
از نشانت بی نشانی سرخط عرفان ما

(۱۲۷٤)

دیوان ملک قمی

این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً در اوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته ، پشت نسخه از طرف اعتضاد السلطنه و سپهسالار بنام دیوان ملک کاشانی [illegible] حواشی برگها بطرزی زیبا رنگ آمیزی گردیده و [illegible] است .
جلد روغنی گل و بوته دار داخل [illegible]
شمارهٔ اوراق (۲۱٦) صفحه ای (۱۷) [illegible] (۲۱ [illegible] ۱۱ [illegible]) .
شمارهٔ [illegible] (۲٦۸۱) .

[۵۸۲] دیوان منوچهری دامغانی (فارسی)

منوچهری دامغانی از شعرای مشهور قرن پنجم میباشد (۱) ، صاحب مجمع الفصحا نام و کنیه او را **ابوالنجم احمد** ضبط نموده ، دولتشاه سمرقندی او را بلخی دانسته ولی خود وی صریحاً خود را دامغانی [illegible]

(سوی تاج عمرانیان هم بدینسان [illegible] منوچهر بن دامغانی)

در مناسبت تخلص وی به منوچهری گوید : چون [illegible] ملک المعالی منوچهر بن قابوس وشمگیر را [illegible] تخلص خود [illegible] کرد و چون بسال ٤۱۱ منوچهر وفات یافت [illegible] و قصیده ای در مدح عنصری ملک الشعرا [illegible] سلطان محمود غزنوی در آورد و گویند [illegible] در مجمع الفصحا وفات وی بسال ٤۳۲ ضبط گردیده [illegible] دیوان وی در ایران زمین معروف و مشهور است [illegible] دیوانش امروز متداول است .

(۱) شرح [illegible] ٦۸۸ ، آتشکدهٔ آذر ص ۳۲۱ - ۳۲۲ [illegible]

هدایت گوید شنیده‌ام که سی هزار بیت شعر داشته ولی جز سه هزار از آنرا (ازقصائد ومقطعات ومسمطات ورباعیات وغزل) بدست نیاورده ودیوانیکه از منوچهری اینك متداول ونسخ خطی وچاپی آن در دست رس میباشد همان گرد آورده وترتیب داده هدایت میباشد ودراین دیوان قصائدی ازدیگران نیز مندرج ازآنجمله قصیده ایستکه نیز درلغزشمع ومدح وزیر بدین مطلع:

(چیست آنشخص چوزرّین سروچون سیمین بدن
خویشتن سوزان وگریان و گدازان همچو من)

موجود وخود هدایت درحاشیهٔ ص ۵۴، ج ۱ مجمع‌الفصحا چنین نوشته:

این قصیده بدان ماند که ازرافعی نیشابوری است چه لغزشمع بیك وزن وقافیه ازیك شاعر عجیب نماید. ودرحاشیه نسخه ای ازدیوان منوچهری که درکتابخانه مجلس موجود است با ادلّه‌ای قصیده ای که بدین مطلع میباشد:

ای پیکر منوّر محرور خوی چکان ثعبان آتشین دم روئینه استخوان

از خواجو دانسته شده و در ص ۲۰۰-۲۶۰ تذکره کاظم (نسخه کتابخانه مجلس) اشعاری از منوچهری میباشد که‌دراین نسخه ازدیوان اونیست. منوچهری مخصوصاً در انشاء مسمط دستی قوی‌داشته ومضامین بسیار عالی درآن بکار برده است.

دیوان منوچهری گرد آوردهٔ هدایت‌دوبار بسال ۱۲۸۵وبی‌تاریخ درطهران و بسال ۱۸۸۶م در پاریس چاپ شده ودر مجمع‌الفصحا در حدود ۱۷۰۰ بیت از منوچهری انتخاب شده است.

(۱۲۷۵)

دیوان منوچهری دامغانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده ازخود و سال نگارش نامی نبرده، بسال ۱۲۹۵ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و نگارش آن‌ظاهراً ده‌پانزده‌سال‌پیش‌از تاریخ مذکور میباشد وهمان دیوان گرد آورده هدایت است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی آبی رنگ. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۸۵). صفحه ای (۱۴) بیت. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۹۱).

(۱۲۷۶)

دیوان منوچهری دامغانی این نسخه پیوسته بدیوان عنصری و هر دو زیر شمارهٔ (۳۸۹) در این کتابخانه ثبت گردیده اند و این نسخه نیز همان گرد آورده هدایت میباشد و تاریخ نگارش ندارد و خصوصیات دیگر نسخه در ص ۶۴۵ زیر شمارهٔ (۱۲۷۶) نگارش یافت.

[۵۸۳] دیوان ناصر خسرو ([illegible])

حکیم ناصر خسرو (ابوالمعین [illegible] متولد بسال ۳۹۴ و متوفی بسال ۴۶۰ یا ۴۶۱) [illegible] هجری بوده و در نثر و نظم پارسی و تازی [illegible] و دیوان وی که بیادگار مانده برهانی قاطع بر مراتب فضل و [illegible] میباشد و نسبت به اهل بیت حضرت رسالت پناهی [illegible] معنی فاطمی معرفی کرده و دربارهٔ آثار و [illegible] و بزرگان متقدم و متأخر [illegible] دانشمند بزرگوار و [illegible] ایران و [illegible] خواه مشهور میباشد [illegible] دیوان و آثار این حکیم با تتبع بسیار [illegible] مشتمل بر:

۱ ـ [illegible] و مسافرت های او ۳ ـ [illegible] علم دعوت ۵ ـ [illegible] شخصی و خانواده وی [illegible] و ۱۱ ـ [illegible] و جلو دیوان این حکیم [illegible] و طالب [illegible]

از آثار ناصر [illegible]

۱۳۱٤ درطهران وبسال ۱۳٤۰ دربرلن چاپ شده ودیگری زادالمسافرین (آقای تقی زاده معتقداند که نام اصل کتاب « زادالمسافر » است) میباشد که موافق عقاید اسمعیلیّه از روی قواعد حکمی وفلسفی تألیف شده و بسال ۱۳٤۰ نیز در برلن چاپ گردیده ودیگری منظومه « روشنائی نامه » و « سعادت نامه » و « وجه دین » وغیراز اینهاست(۱).

ناصرخسرو « حجت » تخلّص میکرده وتا کنون اشعار عربی وغزلیات وی یافت نشده و جامع ترین دیوانهای این شاعر نسخه ایست که جناب آقای حاج سید نصرالله تقوی رئیس محترم این دانشکده ورئیس دیوان کشور (دیوان عالی تمیز) بسال ۱۳۳۹ مشتمل بر (۱۱۰٤۷) بیت گردآورده (آقای تقی زاده تذکر داده اند جزابیاتی که دراین دیوان ضبط گردیده اشعاری از ناصرخسرو دردست هست) وبایست نسخه مقابله وتصحیح فرموده‌اند وهمین نسخه است که مأخذ چاپ اخیر این دیوان بوده ودیوان ناصر پیش ازاین سه بار: نخست درتبریزوبسال ۱۳۱٤ قمری درتهران وبی تاریخ درهندوستان (ظاهراً) چاپ‌شده. ولی هریك از آنها درحدودنصف این دیوان اخیر ازحیث ابیات میباشند .

این دیوان جامع با مقدمه آقای تقی زاده و آقای مینوی و تعلیقات وحواشی فاضلانه و محققانه آقای علی اکبر دهخدا ، به ضمیمه روشنائی نامه و سعادت نامه ورساله حکیم ناصرخسرو به نثر درجواب نود و نه سؤال فلسفی ومنطقی وطبیعی ولغوی و دینی و تأویلی و غیره بسال ۱۳۰٤ - ۱۳۰٦ خورشیدی درتهران چاپ گردیده است .

(۱۲۷۷)

دیوان ناصرخسرو علوی

این نسخه رابخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۵۸ یعقوب بن ابوالحسن درآشتیان نوشته ، رساله ای که درشرح حالات ناصرخسرو میباشد و انشاء این رساله یا اصل عربی آن بخود وی نسبت

(۱) راجع به این مؤلفات ومعرفی ازمندرجات آنها ومؤلفات دیگر این حکیم به مقدمه آقای تقی زاده بردیوان ناصرخسرو چاپ طهران ص نب - سج مراجعه شود .

داده شده درشش برگ نیز همین نویسنده نوشته و در ابتدای این دیوان گذارده شده ، مصرعها وکلمات برخی از ابیات قصائد در اثر اینکه در نسخه ای که اصل نگارش بوده نداشته و یاخوانا نبوده در این نسخه نگارش نیافته وجای آنها سفید گذارده شده .

واین نسخه که شامل قصائد و مقطعاتی از این [illegible] در حدود ۷۴۰۰ بیت میباشدوبیت نخستین آن اینست :

دربند مدا را کن دربند میانرا [illegible] دربند مکن خیره [illegible] ملکت دارا .

جلد تیماجی ، کاغذ فرنگی ، [illegible] (۱۷۲) . صفحه‌ای (۲۳) بیت ، طول ([illegible] ۲۱ [illegible]) [illegible] ۱۳ [illegible] (۱۹۲) .

(۱۲۷۷)

دیوان ناصرخسروعلوی

این نسخه بخط نستعلیق [illegible] نوشته شده ، ظاهرا در اواخر نیمهٔ دوم [illegible] یافته وبسال ۱۲۹۵ داخل [illegible] صفحهٔ اول یادداشت شده ، ترتیب [illegible] ۵۰۰ بیت از آخر آن نوشته نشده و آخرین [illegible] توفیق نیافته اینست :

[illegible]

و این بیت از قصیده‌ایست که مطلع [illegible] .

اگر باخرد حفت و [illegible] خوریم [illegible] خوریم .

جلد تیماجی ، کاغذ فرنگی [illegible] (۱۸۹) ، صفحه‌ای (۱۹) بیت ، طول (۲۲ [illegible]) [illegible] (۱۹۱) .

| ۵۸۴ | دیوان نظام استرابادی ([illegible])

نظام‌الدین استرابادی [illegible] (۱) وبیشتر قصائد او در مدح [illegible] این موضوع

(۱) تحفه سامی [illegible] ۵۳۸-۵۳۲ [illegible] آتشکده ص ۱۵۹ [illegible]

کمترشعر گفته،دراوائل به فنّ معمّارغبتی داشته وبدین صنعت معروف شده وسام میرزااورازیرعنوان « نظام معمّائی » معرفی نموده و گوید بسال۹۲۱(۱) وفات یافته و یك مثنوی بنام « بلقیس وسلیمان » بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تاکنون نسخه ای ازاین کتاب را سراغ نیافته ، آذروهدایت این کتاب را بنام « سلیمان و بلقیس » معرفی کرده اند وهدایت گوید نسخهٔ آن دیده نشده .

این نسخه از دیوان که زیر این سطر ها معرّفی میشود در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد .

(۱۲۷۹)

دیوان نظام استرابادی

این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیرشمارهٔ (۱۱۷۶) معرفی گردید ودر کتابخانه با آن دیوان زیر شمارهٔ (۳۷۵) ثبت شده،فقط شامل قصائد نظام میباشد،خصوصیّات دیگر نسخه را در ص ۵۷۶-۵۷۷ نگاه کنید و آغاز نسخه این بیت است :

الحمد للقدیم له‌العزّ والجلال شاه سریر لم یزلی حی لایزال

[۵۸۵] دیوان نظیری نیشابوری (فارسی)

نظیری ازشعرای قرن دهم هجری ونام وی **محمد حسین** (۲) میباشد ، ازوطن خویش نیشابور به هندوستان رفته ،گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته وازامراء شعردوست هند محبت دیده وبمدح وثنای آنها مخصوصاً خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (درقرن یازدهم هجری مرده است) پرداخته وغزلیات دلنشین ساخته ، پس ازمراجعت اززیارت مکّه معظمه ومدینهٔ طیّبه درگجرات احمدآباد توطن اختیار کرده وچنانکه ازهفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش ازسال ۱۰۰۲

(۱) درهفت اقلیم نگارش یافته که دختر نظام‌الدین پس از مرگ پدرقطعه ای درطلب سنگ قبر پدر انشا نموده وبرای سلطان حسین میرزا فرستاد وچون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته ووفات نظام‌الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این پادشاه نمیشود که انشا شده باشد ودرآتشکده نوشته شده یکی ازبرادران وی قطعه ای موزون وبخواجه سیف‌الدین فرستاد وقطعهٔ مذکوردرهردو مأخذ نگارش یافته است .

(۲) تذکره خوشگو ، هفت اقلیم ص ۶۳۷ - ۶۳۹ و شمع انجمن ص ۴۵۳ مأخذ نگارش این شرح حال میباشد .

داده شده درشش برگ نیز همین نویسنده نوشته و در ابتداء این دیوان گذارده شده ، مصرعها وکلمات برخی از ابیات قصائد در اثر اینکه درنسخه ای که اصل نگارش بوده نداشته و یاخوانا نبوده در این نسخه نگارش نیافته وجای آنها سفید گذارده شده .

واین نسخه که شامل قصائد و مقطعاتی از این شاعر میباشد در حدود ۷۴۰۰ بیت میباشدوبیت نخستین آن اینست :

دربند مدا را کن دربند میانرا دربند مکن خیره طلب ملکت دارا.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۷۲) . صفحه‌ای (۲۳) بیت . طول (۱/۲ ۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۲) .

(۱۲۷۸)

دیوان ناصرخسروعلوی

این نسخه بخط نستعلیق خلوط باکلمات شکسته نوشته شده، ظاهراً دراواخر نیمهٔ دوم قرن سیزدهم نگارش یافته وبسال ۱۲۹۵ داخل کتابخانه اهتضادیه شده و پشت صفحهٔ اول یادداشت شده ، ترتیب تنظیم آن چون نسخه پیشین میباشد و در حدود ۵۰۰ بیت از آخر آن نوشته نشده و آخرین بیت را که نویسنده نوشته و دیگر توفیق نیافته اینست :

« پیمبر سردین حق است و ما ازین نامور تر مطلع سریم »

و این بیت از قصیده‌ایستکه مطلع آن این بیت میباشد :

اگر باخرد جفت و اندر خوریم غم خور چوخر چند تاکی خوریم.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه‌ای (۱۹) بیت .طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۱) .

[۵۸۴] دیوان نظام استرابادی (فارسی)

نظام‌الدین استرابادی ازشعرای قصیده سرای قرن دهم هجری بوده(۱)وبیشتر قصائداودرمدح حضرت پیغمبراکرم ص وائمه اثنی عشر بوده ودرجزاین موضوع

(۱) تحفه سامی (چاپی)ص ۱۰۰و۱۰۱ ، هفت اقلیم ص۹۳۲-۹۳۳ مجالس المؤمنین ص۵۳۶-۵۳۸ آتشکده ص ۱۵۹ ومجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۰ ، ترجمه شده است .

کمتر شعر گفته، در اوائل به فنّ معمّا رغبتی داشته و بدین صنعت معروف شده و سام میرزا او را زیر عنوان « نظام معمّائی » معرفی نموده و گوید بسال ۹۲۱(۱) وفات یافته و یك مثنوی بنام « بلقیس و سلیمان » بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تاکنون نسخه ای از این کتاب را سراغ نیافته ، آذر و هدایت این کتاب را بنام « سلیمان و بلقیس » معرفی کرده اند و هدایت گوید نسخهٔ آن دیده نشده .

این نسخه از دیوان که زیر این سطر ها معرّفی میشود در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد .

(۱۲۷۹)

دیوان نظام استرابادی

این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شمارهٔ (۱۱۷٦) معرفی گردید و در کتابخانه با آن دیوان زیر شمارهٔ (۳۷۵) ثبت شده، فقط شامل قصائد نظام میباشد، خصوصیّات دیگر نسخه را در ص ۵۷٦-۵۷۷ نگاه کنید و آغاز نسخه این بیت است :

الحمد للقدیم له العزّ والجلال شاه سریر لم یزلی حی لایزال

[۵۸۵] دیوان نظیری نیشابوری (فارسی)

نظیری از شعرای قرن دهم هجری و نام وی **محمد حسین** (۲) میباشد ، از وطن خویش نیشابور به هندوستان رفته ، گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته و از امراء شعردوست هند محبت دیده و بمدح و ثنای آنها مخصوصاً خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (در قرن یازدهم هجری مرده است) پرداخته و غزلیات دلنشین ساخته، پس از مراجعت از زیارت مکّه معظمه و مدینهٔ طیّبه در گجرات احمد آباد توطن اختیار کرده و چنانکه از هفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش از سال ۱۰۰۲

(۱) در هفت اقلیم نگارش یافته که دختر نظام الدین پس از مرگ پدر قطعه ای در طلب سنگ قبر پدر انشا نموده و برای سلطان حسین میرزا فرستاد و چون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته و وفات نظام الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این پادشاه نمیشود که انشا شده باشد و در آتشکده نوشته شده یکی از برادران وی قطعه ای موزون و بخواجه سیف الدین فرستاد و قطعهٔ مذکور در هر دو مأخذ نگارش یافته است .

(۲) تذکره خوشگو ، هفت اقلیم ص ٦۳۷ - ٦۳۹ و شمع انجمن ص ۴۵۳ مأخذ نگارش این شرح حال میباشد .

بوده و دراین تاریخ اشعار وی مطلوب و متداول بوده و پس از مراجعت گوشه نشینی اختیار و بخود پرداخته واز آثاراین بخش اززندگانی وی بوی زهد وتصوف آشکار و بمدح و ثنای نبیّ مختار و ائمّهٔ اطهار علیهم صلوات‌الله پرداخته وعلم حدیث وتفسیر را ازمولانا حسین جوهری آموخته وباخواجه حسین ثنائی دوستی کامل‌داشته واورامرثیه گفته وچنانکه درشمع انجمن ثبت شده بسال۱۰۲۳بخلوتکدهٔ عدم آرامیده وازدیوان وی چنین معلوم میشود که خود شاعر آنرا مرتب کرده‌است.

نسخی که ازدیوان نظیری نگارنده دیده شامل‌قصائد وغزلیات مرتّبهٔ بحروف تهجی وترجیع بند وغزلیات وترکیب بند (دوازده بند) در مدح ائمّه اثنی عشرم وغیرازایشان ورباعیات میباشد وتمام دیوان او درحدود (۱۰۰۰۰) بیت است .

غزلیات مرتّبهٔ نظیری که درحدود ۵۰۰۰ بیت میباشد بسال ۱۹۲۸ م درلاهور هند چاپ شده وپشت جلد نسخهٔ چاپی تذکر داده شده که این غزلیات به اردو ترجمه وچاپ گردیده است .

آغاز قصائد :

ای جلالت خلوت از اغیارتنها ساخته حکمت تو از کرم دی کارفرداساخته

آغاز غزلیات مرتبه :

اذاماشِئْتَ اَنْ تُحْيِي حَيٰوةً حُلْوَةً اَلْمَحْيا برسوائی برآورسرزمستوری برون نه‌پا

آغاز ترکیب بند درمدح ائمّه‌ع:

وقتی که شکل دائرهٔ کن فکان نبود جز نقطه حقیقت حق در میان نبود

(۱۲۸۰)

دیوان نظیری نیشابوری این‌نسخه‌را بخط نستعلیق بسال۱۰۸۵درحیدرآبادهندنوشته‌اند، شامل قصائد وغزلیات مرتبه وترکیب وترجیع بند ورباعیات میباشد ودرحدود (۸۴۰۰) بیت است ، پشت صفحهٔ آخر چند سطری که نگاشته بوده‌اند محو گردیده ولی آثاری از آن باقی میباشد و چند برگ ازاول وآخرنسخه وصالی شده وصفحات مجدول بطلاست .

جلد تیماجی مذهب گل و بوته قدیمی ، رنگ روغن رفته وطرف درون نیم ضربی طلا کشیده . **کاغذ** دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۲۴۸) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۲۵سانتیمتر) . عرض (۱۳$\frac{۱}{۲}$سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۴) .

(۱۲۸۱)

دیوان نظیری نیشابوری این نسخه ظاهراً دراوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، ۲۸بیت از اول نسخه و ۲۶ رباعی ویك بیت از آخر آن افتاده ودر حدود (۷۰۰۰) بیت میباشد ، اوراقی از اول و آخر نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع خشتی باریك. شمارهٔ اوراق (۲۶۲). صفحه‌ای (۱۳) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲$\frac{۱}{۲}$سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۳) .

[۵۸۶] دیوان نوائی = نوادرالشباب (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی که در ص ۵۳۸ - ۵۴۰ بمعرّفی ایشان پرداخته ایم چنانکه در « تحفه سامی » تذکر داده شده چهاردیوان ترکی داشته وهریك را بنامی نامیده (غرائب‌الصغر ، نوادرالشباب ، بدایع الوسط ، فوائدالکبر(۱)) و نسخ زیرین بنابر آنچه در آخر نسخه شمارهٔ ۱۲۸۴ این فهرست نویسنده تصریح نموده **نوادرالشباب** میباشد ومقدمه‌ای بنثر ترکی خود امیر براین دیوان نوشته وبنام سلطان حسین میرزا موشح گردیده ودراینجا تذکر داده که مقتضیات جوانی را در هنگام فراغت از کارها به انشاء ونظم جلوگیری مینموده واین دیوان مشتمل برغزلیات مرتّبهٔ بحروف تهجی برحسب ردیف ها ، مستزاد ، مخمس ، مسدس ، ساقی نامه ، ترجیع بند ، مثنوی ، مقطعات ورباعیات میباشد و درحدود (۵۷۰۰) بیت است ودیباچه آن هم درحدود (۳۵۰) بیت میباشد .

آغاز دیباچه : حمد آنکا کلام خیرمآل قیلدی ایلکارسولدین ارسال. . .(۲)

---

(۱) درتحفه سامی چاپی نام این چهاردیوان غلط وتصحف چاپ گردیده واین نام ها از روی نسخه خطی این کتابخانه نقل شد ودرحاشیه نسخه اول این فهرست ودیباچه سنگلاخ نیز بهمین نحو ثبت گردیده .

(۲) دریکی ازنسخه های زیرین (سومین نسخه از دیوان) دیباچه به پنج شعر شروع گردیده که این بیت یکی ازآنها میباشد ولی درنسخ دیگر نیست .

فصاحت دیوانك غزل سرالاری طبع مخزنی دین شوریده حال عاشق‌لار خرمن الخ .

آغاز دیوان :

اشرقت من عکس شمس الکاس انوار الهدی
یار عکسین می‌دا کوردیب جام دین چتقی صدا

(۱۲۸۲)

دیوان نوائی (نوادر الشباب) این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ونام نویسنده چون برگ آخر آن افتاده معلوم نشد ، برگ ۴۷ دارای یك مجلس نقاشی چینی ظریف میباشد که شکارگاه وحالت شکار یکی از بزرگانرا میرساند و برگ ۱۱۰ نیز بطرز چینی تصویر شیرین وخسرو را درحال گردش وسواراسب وتماشای فرهاد دارد وهردو تصویر تقریباً بعرض وطول صفحه‌اند ، تمام دوصفحهٔ اول نسخه که شامل چند سطری از دیباچه میباشد که باطلا نوشته شده ، تذهیب ونفاتی بسیارخوب ظریفی گردیده درآغاز غزلیات و سائر بخشها پیشانی (مربع مستطیل) بسیار ظریف تذهیب شده وسر سوره هائی‌ظریف موجود وپاصفحه های برخی‌ازبرگها بابرگ بعد مطابقه نمیکند ومیرساند که اوراقی ازمیان نسخه افتاده وازیادداشتی که پشت نسخه شامل شمارهٔ میباشد باشمارهٔ کنونی آنها ، بدست می آید که ۱۹ برگ ازنسخه افتاده است .

پشت صفحه نخستین یادداشتهای زیادی بوده ومیباشد برخی‌را محو کرده‌اند ازآثارمحوشده هابرمی‌آید که نسخه‌در کتابخانه سلاطین صفویّه بوده ودرکناربیشتر ازبرگهای برگ ۱۲۵ تاآخرنسخه مطالب زیرین نگارش یافته وازاینکه ازسام‌میرزا به « اعلیحضرت سام میرزا » تعبیر کرده چنین استفاده میشود که این مطالب پیش از سال ۹۷۵ که سام میرزا مرده ، نگارش یافته واصل نسخه ظاهراً دراوائل قرن دهم نوشته شده است .

مندرجات حواشی برگ ۱۲۵ تاآخر عبارت است از- ۱- مکتوب ترکی امیرعلیشیر به‌سلطان‌حسین میرزا واجازه تشرف به مکّه معظمه خواستن ، ۲- جواب پادشاه بوی ، ۳- فرمان پادشاه به راه داران در هنگام حرکت امیرمذکور بمکّه ، ۴ - حالات امیر

علیشیر به نقل از تحفه سامی ، ۵ ـ دلیلی بر تشیّع امیر علیشیر از ابیات وی و ۶ـ صورت عهدنامه محمد شاه پادشاه هند با نادرشاه افشار . وبر این اوراق و بعضی از برگهای پیشین ابیاتی فارسی و ترکی بخط نویسنده همین مطالب نگارش یافته است .

تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین بخشها باسفیداب و عباراتیکه درفواصل غزلیات وغیره نوشته شده بترتیب یکی بالاجورد ودیگری باطلاست .

جلد مرغش مذهب دورو . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار. قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۴۸) صفحه‌ای (۱۷) بیت . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۶۸) .

(۱۲۸۳)

دیوان نوائی (نوادر الشباب)

این نسخه را بسال ۹۲۴ بخط نستعلیق خیلی خوب درقسطنطنیه نوشته اند ، دیباچه را در آغاز نیز دارد ، یك سرلوح بسیار ظریف دراول دیباچه ودیگری که نیز باکمال ظرافت تذهیب ونقاشی شده دراول غزلیات موجود وپشت برگ نخستین ترنج مثمّنی که باکمال استادی تذهیب ونقاشی گردیده موجود ودردائره ایکه در وسط آن میباشد وطلا اندازی شده این بیت باسفیداب نوشته شده :

دیدانکه دراین دیوان اوصاف پری رویان
دیوان سلیمان گفت دیوان نوائی را .

تمام صفحات مجدول بطلا و عناوینی که در فاصلهٔ غزلیات وغیره نوشته شده نیز باطلاست .

جلد ساغری ضربی داخل سرخته معرق بسیار ظریف . کاغذ بخارائی . واقف مشیرالسلطنه ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه‌ای (۱۳) بیت . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۱۷) . قفسه مدرسه مشیرالسلطنه .

(۱۲۸۴)

دیوان نوائی (نوادر الشباب)

این نسخه را بسال ۱۱۱۲(۱) علی اکبر تبریزی متخلص به مسکین نوشته ، دیباچه را هم داراست ، پس از اتمام کتاب قصیده ای بترکی نگارش یافته وپس از آن رساله ای بترکی

(۱) درآخردیوان بحروف سال نگارش را دراین سال نوشته ولی درآخررساله پیوسته باعدد سال ۱۱۱۰ را معین کرده ومسلماً نگارش رساله پس ازدیوان بوده بنابراین نویسنده دریکی از دومورد اشتباه کرده است .

دربیان معانی لغات مستعمله در ابیات امیرعلیشیر میباشد و مرتب بترتیب بحروف تهجی باملاحظه مفتوح ومضموم ومکسوربودن آنها که باالف وواو ویاموافق رسم وانشاء امیرنگارش یافته ونام مؤلف درمقدمه وآخراین رساله نیست و این رساله بایستی یکی از آن رساله هائی باشد که در معانی لغات امیر علیشیر تألیف گردیده و میرزا مهدی خان در مقدمه سنگلاخ بدانها اشاره نموده ، این رساله در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست : بسمله عشق ومحبت پیمانه سی نیك رند قدح پیمائی وشعر وبلاغت کاشانه الخ .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۹۷) . صفحه‌ای (۱۷) بیت . طول (۲۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳٦۷).

(۱۲۸۵)

دیوان نوائی (نوادرالشباب)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، درآغاز دیوان یك سرلوح ظریف دارد ، ظاهراً درقرن یازدهم هجری نگارش یافته ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف میباشد ، دیباچه را ندارد وبرخی ازبرگها وصالی گردیده است .

جلد میشن مستعمل ، طرف داخل معرق سوخته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۳۹) صفحه‌ای (۱۱) بیت . طول (۲۳ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۷ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۷) .

[۵۸۷] دیوان نوائی (ترکی)

چنانکه گفته شدامیرعلیشیرنوائی که درص۵۳۸-۵٤۰ بمعرّفی وی پرداخته‌ایم چهاردیوان داشته ونام آنهارانقل کرده‌ایم ازمندرجات فهرست ترکی کتابخانه خدیویه (ص۱۲٦-۱۲۷) معلوم میشود که چهاردیوان وی موجود میباشد وآغازهرکدام را هم نقل نموده وآن نقل شده ها چون ازمقدمه نثری دیوان های مذکور میباشد واین نسخهٔ زیرین چون دیباچه را ندارد ندانم مطابق کدام یك از شماره های دیوانهای نام برده میباشد و در صورت دانستن هم چون نام دیوانها درفهرست مذکور نیست معلوم نمیشود این نسخهٔ زیرین کدام یك از آن دیوانهاست .

این دیوان که شامل غزلیات مرتّبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی ومخمسات ورباعیات میباشد درحدود (۳۸۰۰) بیت است .

آغاز: یارب اولغان چاغدا جانیم جسم ویرا بدن جدا
اوبولوب موندین جداسین بولماغیل اندین جدا .

(۱۲۸۶)

دیوان نوائی این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، تاریخ نگارش ندارد ولی ظاهراً در اوائل قرن دهم هجری نگاشته شده ، در زیر آخر صفحه و حاشیهٔ آن یادداشتی با تاریخ بوده محو گردیده یادداشتی که بسال ۱۱۴۱ نوشته شده پشت صفحهٔ نخستین موجود ، اطراف دو صفحهٔ نخستین که شامل پنج بیت از اولین غزل این دیوان میباشد بابهترین طرزی نقاشی وتذهیب گردیده وتمام صفحات مجدول بطلا وزنگار میباشد و برگ اول وآخر وصّالی گردیده است .

جلد سوخته و طرف درون سوخته معرق طلا پوش ظریف . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۸) . صفحه ای (۱۲) بیت . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۰) .

[۵۸۸] دیوان نورعلیشاه (فارسی)

نورعلیشاه یکی ازمشاهیر متأخرین صفویه نعمت اللهی است ودرص ۴۸۹-۴۹۱ همین مجلد معرفی ایشان گردید ، و دیوان وی شامل غزلیات و رباعیات و قصائد ومقطعات وترجیع بند وساقی نامه ومثنوی هائیکه درجواب سؤال مظفرعلیشاه انشا کرده وغیر از اینها میباشد ونسخهٔ زیرین که شامل غزلیات قدیم و جدید بحروف تهجی است باسائر ابیات وی درحدو (۴۰۰۰) بیت است .

(۱۲۸۷)

دیوان نورعلیشاه . این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۵۶ نوشته شده ، پیش از شروع به غزلیات قدیم ، ترجمه خطبة البیان از نورعلیشاه نگارش یافته و بر ابتداء آن بخط نستعلیق در شت نوشته اند :

کلیات نورعلیشاه ولی این نسخه را نمیتوان بدین نام نامید و از آخر ترجمه خطبة البیان و اول غزلیات افتاده دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی رنگا رنگ . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (١٦٦) صفحه‌ای (١٤) سطر . طول (١٥ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٠ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٣٨) .

[٥٨٩] دیوان واله اصفهانی (فارسی)

آقا محمد کاظم اصفهانی متخلص به **واله** چنانکه معاصر وی « راوی » گروسی در انجمن چهارم ، انجمن خاقان نوشته (عین عبارات و معانی او را با اندك اسقاطی هدایت در مجمع الفصحا (ج ٢ ص ٥٥٩) آورده) ، از اعیان اصفهان بوده چندی برای تجارت و زیارت باعتاب مقدسه ائمّه عراق علیهم السلام مشرف شده چون از آنجا بوطن خود بر گشته در مدرسه جدّه حجره ای اختیار و در آنجا مسکن گزیده ، مرجع اصحاب حال و مجمع ارباب کمال گردید ، اسباب و لوازم حجره را از بهترین امتعه و پاکیزه ترین اوانی تهیه نموده ، راوی گروسی که خود آن وضعیت را مشاهده کرده گوید : « در آن پاکیزه مقام از صحب مجرّبه مهذّبه و کتب مصحّحه مذهّبه و صحف محشّا و فرش موشّا چندان یافتم که در کمتر جای عالم نشان توان داد و خود آدمی متمکن و شیخی متعیّن بنظافت جامه و قبول عامه فرید اصفهان بل وحید زمان بود الخ » :

حاج محمد حسین خان نظام الدوله صدر اصفهانی (متوفی بسال ١٢٣٨) که در آنعصر حاکم اصفهان بوده و از مردان خیّر و متدیّن و سخی الطبع روزگار بشمار است نسبت به واله کمال رعایت و مبالغه در احترام مینموده که حسود اقران گردید و تکیه‌ای بنام « الهیه » برای وی بساخت که در ظرافت و قشنگی کم نظیر بود و چون بسال ١٢٢٩ واله به آنجهان خرامید در همانجا بخاك سپرده شده و اینك مزار دانشمندان است .

نسخه زیرین از دیوان وی از قرائن موجوده در آن در زمان حیات شاعر نوشته شده و شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و یك مثنوی میباشد و در حدود (٥٢٠٠) بیت شعر است .

آغاز قصائد: مرا دست فراق دلبری افکنده است ازپا
که گر برپا فلك اندازدش سرنبودش پروا.

آغاز غزلیات: سر کوئی که هربیگانه را باشد پناه آنجا
چه میبود آشنائی را اگر میبود راه آنجا

(۱۲۸۸)

دیوان واله اصفهانی

چنانکه گفته شد ازقرائن بدست می آید که این نسخه درزمان حیات **واله** نوشته شده ، در حاشیهٔ چندین برگ غزلیات وابیات دیگری ازوی بخط خوب نوشته شده ،هدایت نوشته واله **خطی نیکو داشته** و علم عروض نیکو میدانسته بنابراین احتمال قوی میدهم که حواشی خط خود ایشان باشد ، سه سرلوح زیبا در آغاز قصائد و غزلیات ومثنوی مختصروی رسم شده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد و میان سطرهای دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده است .

در پایان آخرین صفحه دخول آن بسال ۱۲۴۷ بکتابخانه دارائی (شاهزاده دارا) وپشت صفحهٔ نخستین دخول آن بسال ۱۲۷۰ در کتابخانه اعتضادیه وپس از آن بسال ۱۲۹۷ وقف شدن آن یاد داشت گردیده و دو برگ مجدول ننوشته در آخر نسخه است .

جلد روغنی دورو ، گل و بوته ونرگس . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۷۷) . صفحه‌ای (۹) بیت . طول ($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۲۰) .

[۵۹۰] دیوان وحشی کرمانی (فارسی)

وحشی کرمانی ازشعرای عاشق پیشه پرسوزو گداز نیمهٔ دوم قرن دهم هجری بوده و چنانکه تقی‌الدین اوحدی مؤلف « تذکرهٔ عرفات » گفته بسال ۹۹۱(۱)

(۱) درتحفه سامی که بسال ۹۵۶ تألیف شده از این شاعرنام برده نشده بنابراین معلوم میشود که در آن سال هنوزشهرت نداشته ولی درص ۱۳۶-۱۳۷ هفت اقلیم ، تذکره خوشگودرحرف واو ، ص ۱۲۶-۱۳۵ آتشکده ، ص ۵۱ ج ۲ مجمع الفصحاوترجمه تاریخ ادبیات ادوارد برون (۱۰۹ ج ۴) وهفت آسمان ۱۰۹ - ۱۱۱ شرح حال این شاعر نگارش یافته ومراجعه شده است .

وفات یافته ونگارنده دردیوان وی ماده تاریخ فوت خان قلی را که بسال ۹۹۰(۱) بوده یافتم ، درهیچ یك از تذکره ها ومآخذ نام وحشی وپدروی ثبت نشده وهمه اورا درزیرعنوان **وحشی** کـه تخلص شاعرمیباشد ذکر کرده اند ، اصل وی از کرمان ولی چندی دریزد زندگانی کرده و شاگرد شرف‌الدین علی یزدی بوده ، دراوائل سلطنت اکبرشاه (۲) بهندوستان رفته ودر آنجا مشهور شده ، چنانکه تقی‌الدین اوحدی ادّعا نموده دیوان وحشی را وی جمع وتدوین کرده ودرحدود نه هزاربیت میباشدولی کاملترین نسخه‌ایکه‌نگارنده دیده‌نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی میباشد که درحدود ۸۰۰۰ بیت وبدین تفصیل است :

۱ ـ غزلیات مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف ها درحدود ۲۲۵۰ بیت ، ۲ ـ قصائد ومقطعات درحدود ۲۲۰۰ بیت ، ۳ ـ ترکیب بند ومسمط در حدود ۱۰۰ بیت ، ٤ ـ رباعیات در حدود ۱۰۰ ، ٥ ـ مثنوی ببحر خسرو شیرین بنام « ناظر و منظور » در حدود ۱۵۰۰ بیت ، ٦ ـ خلد برین بوزن مخزن‌الاسرار درحدود ۵۳۰ بیت ، ۷ ـ مثنوی مشتمل برمدح غیاث‌الدین وغیره درحدود ۲٤۰ بیت ، ۸ ـ فرهاد وشیرین که ناتمام مانده (۳) درحدود ۱۰۰۰ بیت است وخوددر قطعه ای که پس‌ازنسخهٔ ناظرومنظور متعلّق به‌مجلس شورای ملّی (جزءکلیات وحشی است) گذارده انشاءآنرا بسال ۹٦٦ معین نموده است .

بسال۱۳٤۷دیوان غزلیات وقصائد ورباعیات وناظرمنظوروخلد برین وفرهاد و شیرین وحشی درحدود ۷۰۰۰ بیت چاپ سنگی شده و دانشمندی بنام اسمعیل وملقب به « حمیدالملك » مقدمه‌ای درشرح حال وحشی باتحقیق شایسته ای درسبك

(۱) درمقطعات دیوان خطی وحشی (ص ۳۳۱ نسخه مجلس) است :

طلب کردم چوتاریخش فروگفت « شهید دشنه جور زمانه » =۹۹۰ .

(۲) اکبرشاه پادشاه هند که تاریخ اکبری را ابوالفضل بن مبارك بنام وی نوشته چنانکه درتذکره خوشگو تصریح شده بسال ۹۵۲ متولد شده وبسال۹٦٤ پادشاه شدوبسال ۱۰۱٤ رخت بسرای دیگر بست .

(۳) درص ۵۲۸ ج ۲ مجمع‌الفصحا ذکرشده که میرزا کوچك متخلص به وصال که ازشعرای قرن سیزدهم هجری بوده وبسال ۱۲٦۲ وفات یافته نقص این کتاب را تکمیل کرده است .

وروش این شاعر بامراجعهٔ به تذکره هائی فارسی وفهرست های فرنگی نوشته ومآخذ نگارش این بنده نگارش ایشان نیزبوده است .

آغاز غزلیات : ازکاه کهربا بگریزد به بخت ما

خنجر بجای برگ برآرد درخت ما

(۱۲۸۹)

دیوان وحشی کرمانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ونام نویسنده ذکرنشده ، ظاهراً نویسنده هندی و در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات وقصائد وحشی میباشد و « فرهاد و شیرین » را هم نیز دربردارد ، یك پیشانی (مربع مستطیل) مذهب در اول غزلیات ویکی دراول « فرهاد وشیرین » رسم شده وصفحات مجدول بطلاولاجورد میباشد وتمام برگها وصّالی شده ومتن وحاشیه است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۵) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۳\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۸۰) .

[۵۹۱] دیوان وحید قزوینی (فارسی)

میرزا محمد طاهر متخلّص به **وحید** منشی ومورخ عصر شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۸) بوده ، تاریخ و وقایع سلطنت این پادشاه را نوشته(۱) مثنوی هائی مفصّل و مختصر بنام : فتحنامه قندهار(۲)، خلوت راز ، ناز و نیاز ، گلزار عباسی ، ساغرسرشار ، مثنوی در وصف همایون تپه(۳)، ایضاً در تعریف نرد ، ایضاً در ذکر و معرفی یك به یك ازادوات جنگ و مثنوی عاشق ومعشوق (در آخر این مثنوی بوصف اصفهان وذکر یك به یك ازاصناف آنشهر وتعریف آنها پرداخته است) انشا نموده و نسخی از آنها در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا ذیل «کلیات وحید» معرفی کامل خواهد شد ، بنا برضبط رضا قلیخان هدایت در جلد هشتم روضة الصفا

(۱) نسخه‌ای ازاین تاریخ در کتابخانه آقای ملك الشعراء (بهار) موجود است .

(۲) درتتمه روضة الصفا (جلد هشتم) این فتح بسال ۱۰۵۸ معین گردیده است .

(۳) درتتمهٔ روضة الصفا عمارت همایون تپه بسال ۱۰۶۴ معین گردیده است .

(متمّم روضة الصفا) «پس از اینکه بسال ۱۱۰۹ شیخعلیخان زنگنه وزیر شاه سلیمان بن شاه عباس شاه (۱۰۷۸-۱۱۰۵) بدرود زندگانی گفت میرزا طاهر قزوینی متخلّص به وحید که مخذول ومنکوب و خانه نشین بود برمسند وزارت تکیه نمود ، مرجع امرا وسفرا ومطبوع عرب وعجم وترك ودیلم گردید ، چون او از اصحاب وارباب افضال بوده دیوانی مشحون بنظم و نثر ترکیّه و عربیّه وفارسیّه قریب بنود هزار بیت باتمام رسانیده ودرهنگام تذکره نگاری مکرر دیده شد » ادوارد برون در تاریخ ادبیات (۱) بمعرفی وی پرداخته وگوید در حدود سال ۱۱۲۰ وفات یافته و بنقل از اته خاور شناس معروف مؤلف فهرست کتب فارسی «ایندیاافیس» ، نقل نموده که وحید ازدوستان صائب بوده وخوشگو در تذکرهٔ خود چندین بیت از وحید را بنام اینکه انتخاب کردهٔ صائب میباشد نقل نموده و آقای جواهرالکلام درص ۱۰۰ جزء چهارم آثارالشیعة الامامیّه وحید را معرفی وگوید که صد سال عمر کرده و دراواخر ایام انحلال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی از وزارت استعفا داد وخوشگو وفات وحید را بسال ۱۰۸۲ ثبت کرده وبنابر آنچه گذشت مسلّماً این تاریخ اصلی ندارد .

ومؤلف شمع انجمن (ص۵۱۳) وحید را نام برده وگوید « درفنون وعلوم ونظم ونثر گوی ازهم عصران می برد ... . دیوان غزل قریب سی هزار بیت از وی بنظر رسیده » وابیاتی چند از آن انتخاب کرده است .

و نویسندگان نام برده تألیف رساله هائی در علوم مختلفه به وحید نسبت داده اند وتاکنون نگارنده ازنثر ونظم عربی ونثر ونظم ترکی وحید چیزی نیافته جز مکتوبی عربی که در آخر یکی از نسخ کلیات وی در مجلس وجود دارد .

آغاز دیوان غزلیات :

کرامت کن عیاری یارب این ناقص عیاران را
بده دستی که گیرم دامن پرهیزکاران را

(۱) ترجمهٔ تاریخ ادبیات ادواردبرون ص ۱۳۵ .

(۱۲۹۰)

دیوان وحید قزوینی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، ازطرز نگارش بدست می‌آید که برای خود شاعر نوشته شده ، ودر برگها تتمهٔ برخی ازردیف ها سفید گذارده شده که پس از انشا در آنجاها نوشته شود ودر پاره‌ای از موارد هم غزلیاتی نگارش یافته و در حاشیهٔ دو برگ اول نسخه غزلیاتی بخط غیر کاتب متن بردیف الف نوشته شده ، گذشته ازغزلیات ، فردها ورباعیات وغزلیات ناتمام وحید نیز پس ازغزلها وردیف های خود مندرج گردیده وتقریباًدرحدود(۳۶۰۰۰) بیت میباشد ، برگ آخر کنونی شامل غزلیات ردیف خاء معجمه میباشد وبرای اینکه نسخه بدون‌نقص نشان داده شود در آخر گذارده شده و شش برگ پیش ازآنهم بایستی پیشتر از اینجائیکه اکنون صحافی شده گذارده شود وازردیف یاء هم بایستی برگهائی افتاده باشد .

صفحهٔ نخستین دارای یك سرلوح و تمام اوراق مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف میباشد .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۴۳۷) . صفحه‌ای(۴۴) بیت . طول (۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) .شمارهٔ کتابخانه(۱۶۲) .

(۱۲۹۱)

دیوان وحید قزوینی

این‌نسخه تقریباًشامل(۲۲۰۰۰) بیت غزل وقطعه وفردورباعی میباشد (در حدود ۲۰۰ بیت مثنوی نیز شامل است) بخشی از غزلها (از اول غزل ردیف الف تا اواسط حرف تاء در آخر نسخه گذارده شده و اوائل نسخه جز سه ورق که شامل ابیاتی از یك مثنوی میباشد ازغزلیات به ردیف دال شروع وتاحرف نون خاتمه مییابد و میان این دو بخش مقطعات وماده تاریخ هاست وفرد ها ورباعیات هم درمیان غزلها موافق ردیف هاست ، برگهائی از نسخه وصّالی شده و بنام « جنگ اشعار » داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه شده وبهمین نام وقف ودردفاتر مدرسه ثبت گردیده‌است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی(۱) . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ ؛ شمارهٔ اوراق (۲۷۵) . صفحه ای (۸۰) بیت . طول (۳۶ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۶۳) .

[۵۹۲] دیوان ولی دشت بیاضی (فارسی)

ولی دشت بیاضی ازشعرای شاه طهماسب صفوی تااوائل شاه عباس اول بوده وچنانکه درسفینه خوشگو ثبت شده دیوان قصائد وغزلیات او درحدود پنجهزار(۲) بیت میباشد وبسال ۱۰۱۵(۳) غنیم(٤) بیك اوزبك بجرم تشیّع اورا شهید کرده است

دشت بیاض ازتوابع قائن خراسان میباشد ودراثرسفیدی خاك بدین نام نامیده شده است این رباعی درهفت اقلیم ازولی نقل شده ودردیوان وی (نسخهٔ زیرین) باکمی تغییر نیز موجود است :

امی لقبی کزانبیا اعلم بود — احمد نامی که سرور عالم بود
زان سایه بدو نبود همراه که بود — محرم جائی که سایه نامحرم بود .

آغاز : ای حریمت کعبهٔ حاجت روای جبرئیل
نقش نعلین توحراب دعای جبرئیل .

(۱۲۹۲)

دیوان ولی دشت بیاضی این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شمارهٔ (۱۱۷۵) معرفی گردید ودر کتابخانه باآن دیوان زیر شمارهٔ (۲۸٤) بنام « دیوان اثیرالدین اومانی » ثبت ووقف گردیده ،

---

(۱) پشت جلد باشنجرف ابیانیکه مطلع آنهانوشته میشود وآنچه روی یکی ازجدها بوده تراشیده شده است اینست : این چه شور است که در دور قمر میبینم الخ .

(۲) درص ۱۲۲ آتشکدهٔ آذرمعرفی مختصری ازولی گردیده و گوید : دیوانش دو هزاربیت بنظر رسیده اشعار دیوانش یکدست است .

(۳) درص ٦٦۹ ـ ٦۷۰ هفت اقلیم معرفی ودر باره وی پس از تعریف وتوصیف زیاد گوید : « روزگاری مهناداشت نالوای عالم مجلد برافراشت » وچون هفت اقلیم بسال ۱۰۰۲ تالیف شده بایستی درهمین سال وفات یافته باشد وپیش ازین نخواهد بود چرا که دردیوان وی مرثیه از سلطان علی که از او مکرر سلطان علی خلیفه تعبیر کرده موجود واین مرد چنانکه در عالم آراست بسال ۱۰۰۲ کشته شده است ،

(٤) درتذکره یاسفینهٔ خوشگو غنیم ثبت شده ولی در تاریخ عالم آرا (نسخه خطی مدرسه) یکجا تلیم وجای دیگر تمیم نگاشته شده است .

شامل قصائد وغزلیات ومقطعات و رباعیات میباشد و برحسب شمارهٔ نگارنده ۳۰۴۸ بیت میباشد ، بسال ۱۰۲۵ نوشته شده وخصوصیات دیگر نسخه را به ص ۵۷۶ نگاه کنید .

[۵۹۳] دیوان هاتف اصفهانی (فارسی)

سیّد احمد اصفهانی متخلّص به هاتف پدر سید محمد سحاب میباشد که در ص ۶۰۵ - ۶۰۶ معرّفی گردید ، هاتف بگفته راوی گروسی(۱) در فنون حکمی و علوم ریاضی مسلّم زمان ووحید دوران بوده وبحسن اخلاق شهرهٔ آفاق » ودراثر رفاقت ودوستی با آذر وصباحی متوطن در کاشان شده وبسال ۱۱۹۸ درقم بجوار رحمت الهی رهسپار گردید وراوی درذیل شرح حال سحاب طبیب بودن این شاعر را نیزتذکرداده ، آذر وهدایت قدرت هاتف را برنظم و نثرعربی تذکرداده اند ولی نگارنده تاکنون به نظم ونثر تازی وی ونثرفارسیش دست نیافته است .

دیوان هاتف شامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیات و ترجیع بند میباشد وشهرت هاتف بیشتربواسطه ترجیع بند معروف وی میباشد که دراین بخش هیچیك ازمتقدمین ومتأخرین بپایه هاتف نرسیده وهدایت گوید که دیوان مختصری دارد شمارهٔ ابیات دونسخه زیرین را درذیل معرّفی هریك خواهیم نگاشت .

آغاز : سحراز کوه خاورتیغ اسکندر چوشد پیدا
عیان شد رشحهٔ خون از شکاف جوشن دارا .

(۱۲۹۳)

دیوان هاتف اصفهانی

این نسخه رابخط شکسته نستعلیق خوب محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته وبادیوان صهبا ودیوان عبد المجید درویش که بدان پیوسته است زیر شمارهٔ (۴۰۱) دراین کتابخانه ثبت گردیده وبرگ ۱-۳۸ نسخه این دیوانست وخصوصیات دیگر آنرا درص ۶۲۷

(۱) انجمن خاقان درانجمن چهارم وآتشکدهٔ آذرص ۴۳۶-۴۴۵ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۶۷-۵۷۲ وترجمهٔ تاریخ ادبیات ادواردبرون ص ۱۸۷-۱۹۱ شامل شرح حال ومنتخبی ازاشعار هاتف میباشد .

نگاشته ام و این نسخه در حدود (۱۱۵۰) بیت از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات وترجیع بند میباشد .

(۱۲۹٤)

دیوان هاتف اصفهانی

این نسخه پیوسته به دیوان سحاب میباشد که درص ۶۰۵-۶۰۶ معرفی کردید ودراین کتابخانه هردونسخه زیرشمارهٔ (۲۶۱) ثبت کردیده اند ، خصوصیات دیگررا به صفحهٔ نام برده در سطربالا مراجعه نمائید وتقریباً شامل ۱۵۰۰ بیت ازقصیده وغزل و قطعه و رباعی وترجیع بند میباشد .

[٥٩٤] دیوان همایون اسفراینی (فارسی)

امیرهمایون(۱) ازنیکو طبعان اسفرائن بوده وامین احمد رازی در وصف وی کوید : « درشعرازشعری کذشته ودرنثرنسرین را بازپس کذاشته » و آذرنوشته « دراوائل شباب ازاسفرائن حرکت وبه‌تبریزرفته ودرآنجا بجوانی شیخ ولی بیك نام ازملازمان سلطان یعقوب(۲) فریفته شده ومیل بگفتن شعر برده . . . . . وبعد ازفوت سلطان وقتل قاضی عیسی که حضرات ارباب دانش ناچار ازتبریز حرکت کردند چون شیخ ولی بیك درقریه ازملك من‌اعمال قم ساکن ودرآن اوان باصوفی خلیل دم ازمخالفت زده امیرمشارالیه خودرا بآنجا رسانید ازحضرت معشوق نهایت مراعات یافته وسه سال درآنجا بوده هم درآنجا سنهٔ ۹۰۲ جان بجان آفرین تسلیم کرد الخ » .

این نسخه از دیوان همایون که شامل غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف هاست درحدود ۹۰۰ بیت میباشد واشعاری لطیف دارد ودرآن تبریزیان را برخراسانیان که هموطنان او بوده اند ترجیح داده و کوید :

---

(۱) درص ٦٥١ هفت اقلیم ، آتشکده آذر ص ۷۱ ، تذکره خوشکو درحرف ها ومجمع الفصحا ج ۲ ص ٥٥ شامل شرح حال این شاعر میباشد ومراجعه شده است .

(۲) سلطان یعقوب بسال ۸۹٦ وفات یافته ودرتحفه سامی ودانشمندان آذربایجان نام برده شده است .

همایون باسگان کوی تبریز آنچنان گشتم که در دل هم نیاید یاد یاران خراسانم.

واین بیت رادرهنگام حبس، که دراثرعشق به ولی بیك متهم به جنون شده ودرزنجیرش کرده اند گفته وبسیارلطیف میباشد :

بزنجیرم چو کردازبی قراری دلسنان من دل زنجیرشد سوراخ سوراخ ازفغان من

آغاز : بی ترجائی که شود خاك دل چاك آنجا

تاابد ناله برآید زدل خاك آنجا

(۱۲۹۵)

دیوان همایون اسفرائنی این نسخه با چهار دیوان دیگر در این کتابخانه زیر شمارهٔ (۲۷۹) ثبت شده، و ص۱۷۷-۲۶۰ شامل این دیوان است، خصوصیات دیگرنسخه را در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) معرفی کرده ایم بدآنجا مراجعه شود.

سپاس وستایش فراوان مرخداوند راکه این نگارندهٔ ناتوان را توانائی دادتا بخش دوّم ازفهرست را بپایان رساند وازوی نیز امیدوارم که درچشم دانشمندان آنرا بخوبی جلوه دهد.

واین کاردر روز شنبه سی و یکم شهریورماه یکهزار وسیصد وهیجده خورشیدی که برابر باهشتم ماه شعبان سال ۱۳۵۸ هجری قمری است انجام پذیرفت.

طهران ـ ابن یوسف شیرازی

فهرست اماکن

شماره های سیاه که برابر نامها گذارده شده میرسانند که در آن صفحه آن شهر یا محل معرّفی گردیده است

الف

آذربایجان ـ ۱۴۴، ۴۴۰، ۵۳۰، ۶۱۸، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۵۳، ۶۶۴.
آستان قدس رضوی علیه‌السلام (مشهد) ـ ۳۲۹.
آسنانه ـ ۳۰۴، ۳۱۳، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۴۹، ۳۶۹، ۴۱۷.
آشتیان ـ ۶۸۷.
آک ـ ۲۵۷.
آمد ـ **۷۶**.
آمل ـ ۵۷، ۶۳۸ ح.
آوه ـ ۲۱۶.
ابرقو ـ ۴۸۴.
ابیورد (باورد) **۵۶۴** ح.
احمد نگر ـ ۳۱۲ ح.
اردبیل ـ ۷۷، ۱۴۵، ۶۱۸.
ارمن ـ ۲۱۰.
اروپا ـ ۵ ح، ۷، ۱۳، ۷۰، ۱۹، ۷۱، ۸۹، ۹۲، ۳۰۹، ۳۹۱، ۳۹۸، ۴۷۶، ۵۵۱، ۵۸۶، ۶۶۹.
از ملك ـ ۷۰۴.
اسپانیا ـ ۵۴۹.
استراباد ـ ۴۴۲، ۶۱۶، ۶۲۹ ح، ۶۵۹.
اسدیّه حلب ـ ۳۶۹.
اسفراین ـ ۳۲۰، ۵۸۹، ۷۰۴.
اسفرنگ ـ ۶۱۳.
اسفرورین ـ **۳۵۷، ۳۵۸**.
اسکوریال (کتابخانه ایست در اسپانیا) ـ ۲۸۸.
اسلامبول ـ ۷، ۲۶، ۶۸، ۷۰، ۸۷، ۹۲، ۱۰۳۰، ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۴۲۴، ۴۴۱، ۴۷۶،
اسیوط (سیوط) ـ **۳۳۷** ح.
اصطخر ـ ۱۵۳.
اصطهبانات ـ ۱۵۳.
اصفهان ـ ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۵۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۵۳ ح، ۱۷۴ ح، ۱۷۶ ح، ۲۳۱، ۳۲۵، ۳۵۸ ح، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۴، ۴۸۹، ۵۰۴، ۵۶۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۴، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۴۳، ۶۶۱، ۶۷۱، ۶۷۹، ۶۹۶، ۶۹۹.
اکبرآباد ـ ۵۷۲.
اکسفورد ـ ۲۳۱.
اندلس ـ **۳۷** ح، ۳۰۳، ۳۸۲، ۴۳۶، ۵۰۸، ۵۴۸، ۵۹۴.
ایطالیا ـ ۶۶، ۳۰۴.
ایران ـ ۴، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۴۷، ۶۶، ۷۰، ۸۹، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۷۵، ۲۸۳ ح، ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۳۱، ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۱ ح، ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۲۰، ۴۵۲، ۴۶۰، ۴۸۴، ۵۴۲، ۵۷۳، ۵۹۸، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۲۳، ۶۲۸.

ب

بالس ـ **۳۳۳** ح.
باکو (بادکوبه) ـ ۲۵.
بحرین ـ ۵۰، ۷۵.
بحیره ـ ۶۹۳.

بخارا ـ ۱۷۰، ۴۱۶، ۵۷۳.
برّ الطویل ـ ۵۴۸ .
بران ـ ۲۰۵، ۲۳۶، ۲۷۰، ۳۰۷، ۳۳۱، ۳۳۴،
۳۷۶، ۶۵۷، ۶۸۷.
بروسه ـ ۲۵۱ .
برهانپور هندوستان ـ ۲۲۷.
بسطام ـ ۴۵۰ .
بصره ـ ۷ ح، ۱۹، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۷۹، ۸۹، ۹۱،
۲۸۱،
بصرة الصغری (زوزن) ۲۸۲ ح .
بعلبك ـ ۳۳۵ .
بغداد (دار السلام) ـ ۴۲، ۴۷، ۱۴۹، ۱۵۳ ،
۲۳۴، ۲۵۴، ۲۶۵، ۳۲۱، ۳۳۷ ، ۳۶۴،
۴۶۶، ۴۹۰، ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۰۸ ، ۵۰۹ ،
۵۱۴، ۵۴۶، ۶۶۹.
بلخ ـ ۳۲۰، ۶۳۱ ح ، ۶۵۸.
بُلْسُنه ـ ۵۴۸.
بمبئی ـ ۷۷، ۱۵۲ ح، ۵۸۶، ۶۰۱، ۶۳۹.
بنارس ـ ۱۴۴ .
بندر بوشهر ـ ۱۴۸، ۲۳۳ ح .
بولاق مصر ـ ۷۱، ۲۴۰، ۳۵۷.
بهار هندوستان ـ ۱۹۰ .
بهبهان ـ ۲۳۳ .
بیابانك ـ ۴۸۴ .
بیت السعاده مصر ـ ۲۳۴ .
بیت المقدس ـ ۵۰۵ .
بیروت ـ ۸۰۶ ح، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۹ ،
۱۴۶، ۳۰۴، ۴۱۷، ۴۳۶ ح، ۵۴۷، ۵۵۱،
۵۵۴، ۶۶۹ .
بیلفان ـ ۴۶۵ .

پ

پارس (نارس دیده شود)
پاریس ـ ۲۶، ۲۸۳، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۳۱، ۴۴۹،
۶۸۶،
پسا (فسا) ـ ۱۵۳ ح .
پژوه (شفروه) ـ ۹ .
پطرزبورغ (لنین کراد) ـ ۳۰۴ .
پیرنه (کوه) **۵۴۹** .

ت

تا ـ ۵۲۴ ح .
تاشکند ـ ۶۴۶ .
تبریز ـ ۷۰، ۷۱، ۸۵۰ ح، ۱۰۵ ح، ۱۰۷، ۱۱۱،
۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۷۵، ۲۱۹ ، ۲۲۶ ،
۲۶۹، ۲۷۱، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۴۱ ، ۴۴۵ ،
۵۶۶، ۶۴۶، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴ ، ۶۶۵ ،
۷۰۴، ۷۰۵ .
تته ـ **۲۱۷** ح .
تربت ـ ۶۳۰ .
تربت شیخ جام ـ ۳۵۸ .
ترشیز ـ ۵۶۹، ۶۵۹ .
ترکیه عثمانی (روم دیده شود) .
تفت ـ ۵۷۴ .
تفرش ـ ۵۲۴ ح .
تفلیس ـ ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸۰، ۹۷.
تکیه الهیته ـ **۶۹۶** .
تکیه نور ـ **۲۹۱** .
توران ـ ۴۵۲ .
تون (فردوس کنونی) ـ ۴۸۹ .
تونس ـ ۳۱۳، ۵۸۶ .
تویسرکان ـ ۶۷۵ .

ج

حام ـ ۳۵۸ .
جامع الازهر مصر ـ ۲۴۴ .
جامع طولونی ـ ۳۳۳ .
جایدر ـ ۳۲۴ .
جرجان ـ ۸۷، ۸۹ .
الجزایر ـ ۳۲۵، ۳۷۶ ،
جزیرهٔ ابن عمر ـ ۲۹۹ .
جندی شاپور ـ ۲۳۳ ح .
جوزجان ـ ۶۲۱ .
جوین ـ ۵۸۹ .
جیان ـ **۳۰۳** .

چ

چرندآب (یکی از محلّات تبریز است) ـ ۴۲.
چمن داش تپه رحمت آباد (میان دوآب) ـ ۲۱۹.
چیچکتو ـ ۶۳۲ ح .

ح

حجاز ـ ۴۶۶، ۵۰۸ .
حسین‌آباد ـ ۲۵۷ .
حلب ـ ۲۹ ح، ۳۳۳ ح، ۲۶۵۰ .
حلّه ـ ۵۰، ۵۱.
حمصّ ـ ۵۰۴، ۶۶۹.
حیدرآباد ـ ۲۰۵ .
حیدرآباد دکن ـ ۶۲۲ .
حیدرآباد هند ـ ۶۹۰ .

خ

خانقاه نوریه ـ ۵۵۹ .
خاوران ـ ۶۴ ح .
ختن ـ ۳۶۵ .
خراسان ـ ۵۱، ۶۹، ۸۸، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۷، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۹۵، ۴۸۴، ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۴۳، ۵۵۵، ۵۶۴، ۵۷۶، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۳۱، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۵۹، ۷۰۳، ۷۰۵.
خبزه ـ **۳۳۶** .
خرجردجام ـ ۳۵۸، ۵۴۳، ۶۵۳.
خروزان ـ ۲۵۷ .
الخضیریه ـ **۳۳۷** ح .
خفر (خیر) **۱۵۳** ح .
خلیج فارس ـ ۴۵۲ .
خمسه (زنجان) ـ ۶۲۴.
خوارزم ـ ۳۹، ۵۵۵ .
خوزستان ـ ۲۰۵، ۴۱۹، ۴۷۴، ۶۲۳.
خیارج ـ ۲۵۷ .

د

دارابجرد ـ ۱۵۳ ح .
دارالعباد (یزد) ۶۶۵ .
دارالعلم (مدرسه شخصی سیدرضی) ۱۵۱ .
دارالکتب مرو ـ ۱۷۰ .
دامغان ـ ۱۹۳ .
دانشگاه صیدا ـ ۱۸۴ .
دان اصفهان ـ ۲۵۷ .
دردشت ـ ۳۵۸ .
دشت‌بیاض ـ **۱۸۹** ح، ۷۰۲ .
دشتستان ـ ۳۵۸ ح .
دشت قپچاق ـ ۶۶۳ .
دکن ـ ۹۹، ۲۰۵، ۴۴۲، ۴۸۶، ۵۸۱، ۶۳۰، ۶۸۳ .
دماوند ـ ۶۲۷ .
دمشق شام ـ ۸۰، ۸۵، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۶۹، ۴۱۶، ۵۰۴،
دولت‌آباد هند ـ ۵۸۷ .
دیو گیر ـ **۵۸۷**.
دهلی ـ ۵۷۲ .
دیاربکر **۷۶** .
دینور ـ **۴**، ۲۸۱ .

ر

رامند ـ **۳۵۷**، ۲۵۸ .
راوند ـ ۱۰۳ .
رودنك ـ **۶۰۳**.
روسیّه ـ ۳۹۱ .
روم ـ ترکیه (عثمانی) ـ ۱۰۰، ۲۳۴، ۲۴۷، ۲۶۹، ۳۶۴، ۴۱۶، ۴۲۹، ۵۱۴، ۶۲۲.
ری ـ ۲۱۰، ۲۸۵ ح، ۲۸۶، ۴۸۴، ۶۰۷، ۶۶۷ ح .
رینجن (ریخن اریخن اربنجن) ـ **۳۵۹** .

ز

زاویه شافعی (درمصراست) ـ ۳۳۳ .
زبید ـ **۱۸۱** ح، ۱۸۳، ۲۳۴، ۲۴۳.
زنجان ـ ۱۳۶، ۶۵۸.
زوزن ـ **۳۸۲** ح .

س

سامرا ـ ۱۲۴ .
سبزوار ـ ۶۱۶ .
سپاهان (اصفهان) ـ ۲۱۰ .
سجاس ـ ۶۲۴ .
سجستان ـ ۸۸ .
سجلماسه ـ ۳۹ .
سرای (شهرسرای) ۶۶۳ .
سرخس ـ ۶۴ ح .
سروج ـ ۹۰ .

سعادت‌آباد اصفهان - ۵۷۴ .
سعید (پرت سعید) ۳۷۱ .
سُغد - ۶۱۳،۲۹۵ .
سلامه - ۴۳۶ .
سمرقند - ۹۴، ۱۷۰، ۲۷۱، ۲۹۵، ۳۲۰، ۳۶۷،
۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۵۳ .
سمنان - ۶۰۷ .
سنجارشام - ۲۹۵ .
سند - ۲۱۷، ۶۱۳ .
سهرورد - ۶۲۴ .
سیاه دهن - ۲۵۷، ۲۵۸ .
سیحون - ۶۳۱ .
سیواس - ۴۳۰ .
سیوط (اسیوط) - ۳۳۷ ح .

ش

شاربن - ۲۵۷ .
شابران (قلعه است) ۴۶۵ .
شاش - ۶۳۱ .
شال - ۲۵۷، ۲۵۸ .
شاطبیه - ۵۴۸ .
شام - ۷۳ ح، ۱۸۴، ۲۳۴، ۲۹۵، ۴۱۷، ۴۳۰،
۴۵۲ ح، ۴۶۶، ۵۰۸، ۵۲۹ ح، ۵۵۳ .
شاه درك (قلعه است) - ۶۶۰ .
شدونه - ۳۷ ح .
شروان - ۴۶۳، ۴۶۰، ۶۵۹ .
شریش - ۳۷ ح .
شط‌العرب - ۳۲۵ .
شفروه - ۹ .
شقر - ۴۸۶ .
شوشتر - ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵ .
شهر ری (قصبهٔ حضرت عبدالعظیم) - ۲۶۶ .
شیراز - ۷۷، ۱۴۱، ۱۴۸، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۲،
۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۹۱، ۳۲۳، ۳۲۵،
۳۵۱، ۳۶۷، ۳۷۰، ۴۲۱ ح، ۴۲۹، ۴۳۰،
۴۵۲، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۵۹،
۵۶۱، ۵۸۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۳۸، ۶۴۲،
۶۴۸، ۶۴۹ .

ص

صباعیه - ۳۲۵ .
صفد - ۷۳ ح .
صقلیه (جزیره) - ۵۰۸ .
صیمره - ۲۸۱ .

ط

طائف - ۲۳۶ .
طالقان خراسان - ۶۳۱ ح .
طهران - ۱۶، ۲۱، ۲۵، ۳۱، ۳۹، ۴۰، ۵۱، ۵۳،
۵۵، ۵۶، ۶۹، ۷۱، ۸۰، ۸۷، ۸۹، ۹۴، ۹۵،
۹۶ ح، ۹۸، ۱۰۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۴،
۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷،
۱۴۸، ۱۴۹، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴،
۲۰۵، ۲۰۷، ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۶۳،
۲۶۶، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۵۴، ۳۶۲،
۳۸۱، ۴۰۱، ۴۰۷، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۶۰،
۴۶۲، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۸۸، ۴۹۰،
۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۹، ۵۱۵، ۵۹۰، ۶۰۳،
۶۰۸، ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۴۹، ۶۵۸،
۶۷۰ ح، ۶۷۱، ۶۸۶، ۶۸۷ ح.

ع

عاملی‌شام - ۶۲۸ ح .
عراق - ۴۷، ۵۱، ۱۰۰، ۲۳۴، ۴۴۰، ۴۶۶،
۴۷۷، ۵۰۸، ۵۴۳ .
عراق عرب - ۱۳۷، ۴۱۲، ۴۵۰، ۶۹۸ .

غ

غجدوان - ۴۱۶ ح .
غرجستان - ۶۳۷ .
غرمانیا (جرمانیا = آلمان) - ۹۶ .
غری (نجف اشرف) - ۳۵۸ .
غزبن - ۸۸، ۵۸۸ .
غوطا - ۲۸۳ .

ف

فاریاب - ۱۸۱، ۶۳۱ .
فارس (پارس) - ۱۳۶، ۱۵۳ ح، ۲۱۰، ۲۱۲،
۲۱۴، ۲۱۵، ۳۲۳ ح، ۴۲۶ ح، ۴۳۰، ۴۸۳،
۶۶۹ .
فاس - ۲۳۹ .
فدشکو - ۴۲۶ ح.
فرانسه - ۵۴۹ .
فسا (پسا) - ۱۵۳ ح، ۴۲۶ .

فلسطین ـ ۵۰۸ .
فیروزآباد فارس ـ ۲۳۲ .

ق

قائن خراسان ـ ۱۸۹ ح، ۷۰۲.
قاهره (مصر نیز دیده شود) ـ ۷۳، ۱۶۳، ۳۳۰، ۳۷۶.
قرش ـ ۳۰۰ ح .
قبرآقا ـ ۶۷۰ ح .
قرطبه ـ ۴۳۶ ح .
قرفه ـ ۲۵۷ .
قزوین ـ ۲۱۰، ۲۵۷، ۳۸۹.
قسطنطنیه (اسلامبول نیز دیده شود) ـ ۱۹۷، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۸۸ ح، ۴۲۴، ۴۸۰، ۵۴۰، ۶۹۳.
قصر احمد بهمن‌شاه ـ ۳۹۱ .
قصر زر استراباد ـ ۳۶۷ .
قفقاز ـ ۲۵ .
قهقهه (قلعه) ـ ۴۶۱ .
قم ـ ۲۱۰، ۴۴۰، ۴۵۲، ۵۲۴، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۷۱، ۶۸۳، ۷۰۳، ۷۰۴.
قومس (کرمانشاهان) ـ ۱۹۴.
قونیه ـ ۲۹۶.

ک

کانپور ـ ۶۳۹ .
کاشان ـ ۱۰۳، ۱۷۶ ح، ۶۲۶، ۶۶۰، ۷۰۳.
کاشان (ازشهرهای اسفرنگ) ـ ۶۱۳ ح.
کارزین ـ ۲۳۳ .
کازرون ـ ۲۳۲ ح، ۴۸۴.
کاشغر ـ ۲۰۲ ح .
کاظمین ـ ۱۳۴ .
کتابخانه آستانه ـ ۲۳۸ .
کتابخانه آستانه مقدس علی بن ابی طالب ع ـ ۱۳۸.
کتابخانه آصفیه دکن ـ ۱۹۰.
کتابخانه آقای تقوی ـ ۶۵۸ .
کتابخانه احمدیه حلب ـ ۱۶۹ .
کتابخانه اسعدپاشا در اسلامبول ـ ۱۲۹.
کتابخانه اسکوریال ـ ۱۵۴ ح .
کتابخانه الجزائر ـ ۲۳۷.
کتابخانه اهلیه پاریس ـ ۵۰۸.
کتابخانه ایاصوفیا ـ ۱۶۹.
کتابخانه برلن ـ ۵۰۷.
کتابخانه تیموریه (خزانه تیموریه) ـ ۲۳۷.
کتابخانه خدیویه مصر ـ ۱۹۶.
کتابخانه خونساری ـ ۶۵ .
کتابخانه دارالکتب مصر ـ ۲۳۸ .
کتابخانه دهلی ـ ۵۲۸.
کتابخانه سرپل بازارچه ـ ۱۷۰ .
کتابخانه سلطنتی تهران ـ ۱۲۴ .
کتابخانه شاه‌عباس ـ ۶۱۱.
کتابخانه ظاهریه دمشق ـ ۲۳۴.
کتابخانه فاضلیه خراسان ـ ۱۸۴ .
کتابخانه فلایشر ـ ۲۳۷.
کتابخانه کوپرلی درآستانه ـ ۱۶۹ .
کتابخانه مدرسهٔ مروی تهران ـ ۴۰۶ ح .
کتابخانه ملی ملک (تهران) ـ ۴۸۲ .
کتابخانه نجف‌آبادی درنجف اشرف ـ ۱۳۸.
کتابخانه نورعثمانیه ـ ۱۶۹.
کتابخانه ولی‌الدین در اسلامبول ـ ۷۰ .
کربلاء معلی ـ ۵۰۹ .
کرمان ـ ۴۹۱ ح، ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۱۳، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۷۳، ۶۷۹، ۶۹۸.
کرمانشاهان ـ ۱۰۴، ۱۴۱، ۳۲۵.
کشمیر ـ ۴۸۵، ۶۴۹ .
کلاس ـ ۶۱۱ .
کاکه ـ ۱۶۳، ۲۰۱، ۲۱۸، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۹۳، ۳۰۷، ۴۰۷، ۵۱۹، ۵۳۱، ۶۶۹.
کنده (محله‌ای از بغداد است) ـ ۶۶۹.
کول حلالی ـ ۲۱۶ .
کوفه ـ ۱۸۰۴، ۴۶۶ .
کوهپایه ـ ۵۴۹ .
کوه شهربابو ـ ۶۷۰ ح .

گ

گجرات ـ ۱۸۹، ۲۱۲ ح.
گروس ۴۵۹، ۴۶۰.
گیلان ـ ۹۹، ۱۴۷، ۴۴۰، ۴۵۳.

ل

لار فارس ـ ۶۹، ۳۲۳، ۴۵۲، ۵۸۳.
لاهور ـ ۸ ح، ۲۰۱ ح، ۲۰۳، ۲۱۹، ۵۷۵، ۵۸۶، ۶۹۰.

لاهیجان ـ ۵۵۸ .
لبنان ـ ۲۸۲ .
لقانطه ـ ۳۱ .
لکنو ـ ۳۶ .
لکنهو ـ ۱۹۰،۲۱۵،۳۷۲،۵۱۹.
لندن ـ ۸۰ .
لَوَرْقه ـ **۳۸۲**ح .
لیپزیك ـ ۷۱،۳۰۳ .
لیدن ـ ۳۳۱،۳۵۶،۳۷۶.

م

مازندران ـ ۵۵۸،۶۲۸،۶۲۹.
ماوراءالنهر ـ ۲۰۰ح،۴۳۲،۶۱۰،۶۱۳ ، ۶۷۳.
محمودآباد هند ـ ۲۵۷ .
مدائن ـ ۴۶۳.
مدرس (یکی‌ازشهرهای هندوستان) ـ ۸۹.
مدرسه جدّه اصفهان ـ ۶۹۶ .
مدرسه جعفریه اصفهان ـ ۴۲۱ .
مدرسه خواجه تاج‌الدین‌حسین ـ ۴۰۸.
مدرسه دارالشفاء شیراز ـ ۳۶۸.
مدرسه صالحیّه (مدرسه‌نواب) ـ ۴۷۹،۴۸۰.
مدرسهٔ صدر تهران ـ ۹۳ .
مدرسه عمادیّه (در دمشق) ـ ۵۰۴.
مدرسه قنبرعلیخان ـ ۳۵۳.
مدرسه کاسه گران اصفهان ـ ۶۷۱ .
مدرسه محمدیّه امیریّه مصر ـ ۷۴ .
مدرسه مروی ـ ۲۹۲.
مدرسه مقیمیّه شیراز ـ ۴۲۱ .
مدرسهٔ منصوریه شیراز ـ ۴۱۲ .
مدرسه نجم‌آبادی‌دربخش‌سنگلج‌تهران ـ ۱۴۸.
مدرسه نظامیه بغداد ـ ۲۳۴ .
مدینه طیّبه ـ ۲۰۵،۲۱۲ح،۲۱۷ح،۲۳۴، ۲۳۹،۲۶۵،۲۸۹ح،۴۵۸،۶۰۵،۶۸۹.
مراغه ـ ۲۱۹،۴۸۷،۵۲۹.
مرغنان ـ **۶۱۲** .
مرو ـ ۶۳۷ .
مسجد بنی‌حرام ـ ۹۰ .
مسجد جامع عتیق شیراز (مسجدجمعه)ـ ۴۲۱ح، ۴۲۹ .
مسجد جامع نیشابور ـ ۱۹۶ .
مسجدشاه تهران ـ ۵۵.
مشان ـ ۱۹ .
مشهد مقدس ـ ۵۵ح،۱۲۳ح، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳،۱۳۷،۲۷۴،۴۷۹ح،۵۷۵،۵۹۶، ۵۹۸،۶۳۹.
مصر ـ ۴ ،۵،۷،۸ح،۱۲،۱۳،۱۹،۳۷،۴۷ ، ۷۳،۷۷،۷۹،۸۰، ۸۸ ، ۸۹، ۹۰ ، ۹۲ ، ۱۳۶،۱۳۹،۱۴۱،۱۴۲، ۱۵۴ ، ۱۹۸، ۲۰۷،۲۳۳،۲۳۴،۲۳۵ح،۲۳۷،۲۳۸، ۲۴۰،۲۸۲،۲۸۸،۲۹۲، ۳۰۱ ، ۳۰۴ ، ۳۰۷ ، ۳۱۰ح،۳۱۳،۳۱۴،۳۲۱،۳۳۱، ۳۳۳،۳۳۷ح،۳۳۸،۳۴۷،۳۵۷،۳۶۹، ۳۷۰،۳۷۵،۳۷۶،۳۷۷، ۳۸۱ ، ۳۸۳ ، ۳۸۸،۳۹۱،۳۹۳،۳۹۵، ۳۹۸ ، ۴۰۲ ، ۴۲۰،۴۲۶،۴۲۹،۴۳۳،۴۳۶ ، ۴۴۰ ، ۴۵۷ح،۵۰۴،۵۰۸،۵۴۹،۵۵۴،۵۵۹، ۵۸۶،۶۴۱،۶۶۹. (قاهره نیزدیده شود)
مطبعهٔ احمدی شیراز ـ **۱۴۰** .
مکتب هندی ـ ۳۷۶ .
مکّه (بیت‌الله حرام) ـ ۳۵،۴۸،۲۰۵،۲۱۲ح، ۲۳۴،۲۴۵،۲۷۳،۳۹۴، ۴۰۰ ، ۴۵۷ ، ۴۵۸،۴۶۶،۴۷۸،۵۳۰، ۵۵۱ ، ۵۸۶ ، ۶۰۵ ،
ملطیه ـ ۴۳۰ .
ملایر ـ ۴۷۲،۶۷۵ .
مندو ـ ۴۸۶ .
مِنیر ـ **۱۹۰**ح .
موریان ـ **۴۱۹**ح .
موزور ـ **۳۷**ح .
موزه بریتانیا ـ ۱۰.
موزه لندن ـ ۳۱۵ح .
موصل ـ ۳۶۴،۴۱۶،۴۶۶،۵۰۸ ، ۵۲۶ح، ۵۲۹ح.
مؤمن‌آباد هند ـ ۵۱۶.

ن

نائین ـ ۲۸.

نجف اشرف ـ ٥٤، ٦٥، ١٣٨، ١٥١، ١٥٢،
٣٦١، ٦٠٥، ٦٢٩.
نرجه ـ ٢٥٧ .
نسا ـ ٥٦٤ ح .
نطنز ـ **١٧٦** ح .
نظامیه ـ ٣١ .
نواج ـ **٧٣** ح .
نوقان (محلّهٔ درمشهد) ـ **١٢٣** ح .
نوقان ـ نزدیك نیشابور ـ ١٢٣ .
نیشابور ـ ٨٧، ١٢٣ ح، ١٩٣، ٢٨٢ ح، ٣٢٠ ح،
٤٤٧، ٦٣٢، ٦٥٩، ٦٩٤.

و

واسط ـ ٥٠٨ .
ولازیکرد ـ ٢٥٧ .
وین ـ ١٢ .

ه

هرات ـ ٨٨، ٢٨٢ ح، ٥٥٨، ٦٣٧، ٦٥٣.
هزارهٔ بلخ ـ ٥١٦ .
هزار جریب ـ ٦٢٩ .
همدان ـ ٨٦، ٨٧، ٢٨٦، ٤٥٩، ٤٦٦.
هند ـ ٣٦، ٨٠، ٨٩، ٩٢، ٩٥، ١٠٠، ١٤٠،
١٩٠، ١٦٣، ١٩٥، ١٩٧، ٢٠١،
٢٠٥، ٢١٠، ٢١٢ ح، ٢١٥، ٢١٦، ٢١٩،
٢٢٠، ٢٣٣، ٢٣٥، ٢٣٧، ٢٣٨، ٢٨٣ ح،
٢٩٣، ٣٠٤، ٣٢٤، ٣٣١، ٣٣٨، ٣٧٥،
٣٧٦، ٣٧٧، ٣٩١، ٣٩٥، ٣٩٨، ٤٠٨،
٤٢٠، ٤٥٢، ٤٦٦، ٤٧٣، ٤٧٦، ٤٨٥،
٤٩٧، ٥١٤، ٥١٦، ٥١٧، ٥١٨، ٥٢١ ح،
٥٢٣، ٥٢٨، ٥٧٢، ٥٧٤، ٥٧٩، ٥٨١،
٥٨٨، ٥٩٠، ٦١٥، ٦٢٢، ٦٢٣، ٦٢٨،
٦٣٩، ٦٦٩، ٦٨٢، ٦٨٧، ٦٨٩.
هیرمند ـ ٢١٠ .

ی

یزد ـ ٤٨٤، ٥٧٣، ٥٧٤، ٦٩٨.
یکی جامع (کتابخانه) ـ ١٩٦ .
یمن ـ ١٨١، ٢٣٤، ٢٣٩، ٣٧٥، ٥٠٨ .

فهرست کتب متفرقه

کتابهائیکه بمناسبت دراین مجلّد ازفهرست نام برده شده دراینجا بترتیب حروف تهجی با قید صفحات مرتب گردید وچون اندك معرّفی از آنها شده باشد شمارهٔ صفحات را با شماره های سیاه معین کرده ایم .

آثارالبلاد (از مآخذ است) - ٤٦٣ .
آثارالعجم فرصت (ازمآخذ است) - ٥٨١ .
آداب البحث تاضی عضد ایجی - ٣٢١.
آداب العشره - ٥ .
آرایش نگار - ٦٢٢ .
آئینه اسکندری (ازخمسه امیرخسرو دهلوی) - ٥١٩ .
ابتهاج النفوس بذکر مافات القاموس - ٢٣٧.
ابواب الجنان - ٣١٧ .
ابواب الحکم (ترجمه فارسی کلمات قصار) - ١٤٧.
الاتباع والمزاوجه - ٢٨٨.
اثارة اللحون فی زیارة الحجون - ٢٣٦ .
اثنی عشریة (اصول) - ٢٧٣ .
اجرومیه - ٣١٠ .
الاحتجاج فی مسائل الاحتیاج - ٢٧٣ .
احسن التواریخ - ٤١٢.
احوال الصحابه والتابعین - ٢٠٥.
احیاء العلوم - ٤٢٤ .
اخ القرآن (نهج البلاغه) - ٤٣ .
اخبار ذوالرّمه - ٥٩٨.
اخبار قضاة بغداد - ١٥٣ .
اختلاف تأویل الحدیث (تأویل مختلف الحدیث) - ٥.
اختلاف النحویین - ٢٨٨ .
اختیارات بدیعی - ٢٥٢ .
الاختیارات من شعر الشعرا - ٥٥٣ .
اخلاق النبی (سیرة النبی) - ٢٨٩.
ادب الکاتب (ابن انباری) - ٧.
ادب الکاتب (ابن درید) - ٧ .
ادب الکاتب (ابوجعفر احمدبن محمد نحاس) - ٧ .
ادب الکاتب (صفدی) - ٧ .
ادب الکاتب علی الحقیقة (شرح ادب الکاتب) - ٧.
اداة الفضلا - ١٩١، ٢٢١ .
اربعین (میرفیض الله حسینی تفرشی) - ١٠٤ .
اربعین (شیخ طریحی) - ٢٧٣.
اربعین (شهید اول) - ١٠٤.
اربعین (منظوم - امیرعلیشیر) - ٥٣٩ .
الازمنه - ٢٧٠ .
اساس السیاسه (شرح عهدنامه مالك اشتر) - ١٤١.
الاستغاثه الی الاخوان الثلاثه - ٩٣.
استقصاء النظر فی امامة الائمة الاثنی عشر - ٥٢ .
استنجاز الوعد - ٧٩ .
الاستیعاب (تألیف ابن عبدالبرّ) - ١٢٧.
اسرار البلاغه - ٣١ .
اسرار الشهود - ٥٦٠.
اسرار فاتحه - ٦٨٢ .
الاسعاد بالاصعاد الی درجة الاجتهاد - ٢٣٦.
اسماء السراح فی اسماء النکاح - ٢٣٦.
الاسمی فی الاسماء - ٢٩٦ .

اشارات ابوعلی - ١٢٧ .
الاشارة الی مافی کتب الفقه من الاسماء والاماکن واللغات - ٢٣٧.
الاشباح والنظائر - ٣٤٠ .
الاشتقاق (قطرب) - ٢٧٠ .
اشعه قدسیه - ٩٨ .
اشعة اللمعات - ٣٥٨ .
اشك وآه - ٥١٨.
اصباح (شرح مصباح مطرزی) - ٣٧٣ .
الاصباح (در فقه) - ٦١ ح .
اصداف الدرر (ترجمه غرر الحکم) - ٧٧.
اصلاح غلط ابی عبید (درغریب حدیث) - ٥ .
الاصلاح للخلل الواقع فی الصحاح - ١٩٥ .
اصلاح المنطق - ٣٩،٢٩٧ .
الاصنام - ٧٩ .
اصول آدمیت واصول مذهب دیوانیان - ٦٨.
اصول دین (رکن الدین استرابادی) - ٣٦٤.
اصول الفصول - ٤٩١ .
اصول الفقه - ٢٨٩.
اصول الملاحم (ملحمهٔ دانیال) - ٢٤٧ ح .
الاصول المنطقیه - ٣٦٧.
اضائة الادموس و ریاضة النفوس - ٢٣٨ .
اضائة الادموس و ریاضة الشموس - **٢٣٨**.
اضائة الراموس و افاضة الناموس - ٢٣٨.
الاضداد (قطرب) - ٢٧٠ .
الاطول (شرح تلخیص المفتاح) - ٣٢٠ .
الاعتبار - ٤٢.
اعجاز خسروی - ٥١٨ .
اعجاز القرآن صغیر - ٣١٥ .
اعجاز القرآن کبیر - ٣١٥.
اعراب الفیه ابن مالك - ٣١٠ .
الاعراب عن قواعد الاعراب - ٢٠٧.
اعراب القرآن - ٥ .
الاعلام (اکمال الاعلام) - ٣٠٤.
اعلام نهج البلاغه (شرح نهج البلاغه) - **١٣٩**.
اغانی - ٥٨٥ ح .
افتتاح (شرح مصباح مطرزی) - ٣٧٣ .
افتخار الملوك (نام یکی از قصائد اظهری است) - ٥٦١ .
افسانه شیرین (خسرو شیرین منثور) - ٥٢٨.
الافصاح (الایضاح) - ٣٩ .
الافصاح - ٣٠٩ .
الافصاح فی زوائد القاموس علی الصحاح - ٢٤٠.
اقبال (سید ابن طاوس) - ١٥٦ .
الاقتضاب (شرح ادب الکتاب) - ٦.
اقرب الموارد - ٨٧ .
اقلید (شرح مفصل) ٣٩٨.
الاقناع لماحوی تحت القناع - ٣٩.
اقنوم عجم - ٢٦٥ .
الاقیانوس البسیط فی ترجمة القاموس المحیط - **٢٣٨** .
اکمال الاعلام (الاعلام) - ٣٠٤ .
الهی نامه حسینی - ٥١٠،٥١١ .
السنه ثلاثه - ٢٤٩ .
الفیه ابن شحنه - ٤٣٣ .
الفیه و شلفیه - ٥٥٧ .
امالی بدیع همدانی - ٨٨ .
الامالی النحویه (ابن حاجب) ٣٣١ .
الامامة والسیاسه - ٥ .
امتحان الفضلاء سنگلاخ (ازمآخذ است) - ٦١٧.
امتضاض السهاد فی افتراض الجهاد - ٢٣٦ .
امثال علی (ترجمه کلمات قصار ترکی) - ١٤٥ .
امثال وحکم (دهخدا) - ٢٩٤ .
امواج العباد (نام یکی از قصائد اظهری است) - ٥٦١ .
الانتصار لثعلب - ٢٨٨ .
الانتقاد - ٣٧٣ .
انساب سمعانی - **٦٠٣** .
انس اللهفان (صدکلمه از عثمان - رض) - ٤٤٠ ح .
انشراح الصدر (مختصر دیوان رضی) - **١٥٣** ح .
الانصاف - ١١٧ .
الانصاف فی الجمع بین الکشف والکشاف - ٢٩٩.
انموزج - **٣٩٨**، ٣٤٠ .
انموزج جلیل من اسئلة واجوبة من غرائب آی التنزیل - ٢٧٨ .
الانواء - ٥ .
انواء الغیث فی اسماء اللیث - ٢٣٦ .

انوار العیون (نام یکی از قصائد اظهری است) - ۵۶۱ .
انوار الفصاحه و اسرار البلاغه (شرح نهج البلاغه نظام الدین گیلانی) - **۱۳۱** .
انوار ناصریه - **۱۷۵** .
الانوار النعمانیة - ۳۲۵ .
انهار جاریه - ۷۷ .
اوستا - ۲۵۹ .
الایضاح (ابن حاجب) - ۳۳۱ .
ایضاح (ظاهراً از ابوعلی است) - ۳۱۵ ح.

ب

البارع - **۵۰۶** .
الباهر فی الفروق فی النحو - ۲۹۹ .
البایوس (احمد ابن مرکز) - ۲۴۰ .
البحر الخضم - ۵۲ .
البخلاء - ۷۹ .
بدایع الجمال - ۵۱۳ .
بدایع الوسط - ۵۳۹ .
البدیع فی شرح الفصول - ۲۹۹ .
بدرة المعانی فی ترجمة اللآلی (ترجمهٔ منظوم نثر اللآلی) - ۱۴۵ .
البرق الشامی - ۵۰۴ .
بساتین الفضلا و ریاحین العقلا (شرح تاریخ عتبی)- ۴۴۵ .
بسحق اطعمه - ۱۹۱ .
البسیط (شرح کبیر بر کافیه رکن الدین استرابادی) ۳۶۵ .
بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز - ۲۳۵ .
بلاغ المنهج (شرح نهج البلاغه شهرستانی) - **۱۳۷** .
البلغه فی تراجم ائمة النحاة واللغه - ۲۲۶ .
بلغة المترجم فی اللغه - ۲۹۶ .
بلقیس و سلیمان (سلیمان و بلقیس - نظام استرابادی) ۶۸۹ .
البنین و البنات والآباء والامهات (المرصع فی- الآباء والامهات) - ۳۰۰ .
بوستان - ۴۵۳ .
بهارستان (جامی) - ۳۵۸ .
بهروز و بهرام (سنائی) ۴۹۴ .
بهجة الحدائق (شرح نهج البلاغه گلستانه) - ۱۳۳ .
بهجة النفوس فی المحاکمه بین الصحاح و القاموس (شرح قاموس) - ۲۳۹ .
بیان الاعراب - ۱۸۱، ۱۹۴ .
بیان التصریف - ۲۴۴ .
بیان الصناعات - ۲۴۷ .
بیان الطب - **۲۴۷** .
بیان مذاهب شیعه - ۷۹ .
البیان و التبیین - ۷۹ .

پ

پازند (شرح زند) - ۲۵۹ .
پولتیکهای دولتی - ۶۸ .
پیدایش خط و خطاطان (از مآخذ است)- ۶۴۹ ح.

ت

تأویلات ملا عبدالرزاق - ۳۵۰ .
تأویل مختلف الحدیث (اختلاف تأویل الحدیث) - ۵۰ .
تأهیل الغریب ۷۳ .
تاج العروس من جواهر القاموس - **۲۳۸** .
التاج فی اخلاق الملوک - ۷۹ .
تاج المآثر - ۱۹۱ .
تاج المصادر - ۲۸۲ .
تاریخ الآداب العربی (از مآخذ است) - ۹۱ .
تاریخ آل عثمان (ابن کمال پاشا) ۲۶۰ .
تاریخ اخبار البشر - ۳۲۰ ح .
تاریخ ادبیات (دکتر رضازاده شفق) - ۱۳ .
تاریخ الاسلام - ۳۰۳ .
تاریخ اکبری - ۵۲۱ .
تاریخ انبیا (نوائی) - ۵۳۹ .
تاریخ بغداد - ۲۹۵ .
تاریخ جهانگشای جوینی - ۱۷۰ .
تاریخ حلب - ۴۳۳ .
تاریخ خاتون آبادی - ۶۰ ح .
تاریخ دهلی - ۵۱۸ .

تاريخ سحاب - ٤٦١ .
تاريخ سلاجقه (زبدة النصرة ونخبة العصره) - ٥٠٥ .
تاريخ طبرى - ١٢٧ .
تاريخ عتبى - ٤٤٥ .
تاريخ علائى (خزائن الفتوح) ٥١٨ .
تاريخ غزالى - ٥٥٤ ح .
تاريخ ملوك عجم (امير عليشير) - ٥٣٩ .
تبيان نافع - **١٦٣** .
التتمه - ٣١٥ .
تجارب السلف - ٢١ .
التجاريح فى فوائد متعلقه باحاديث المصابيح - ٢٣٦ .
تجريد - ٣٦٧ .
تجريد التجريد - ٢٦٠ .
تحبير الموشين فى مايقال بالسين والشين - ٢٣٦ .
تحرير مجسطى - ٣٥٠ .
التحصيل والتفصيل لكتاب التكميل (شرح تسهيل الفوائد است) - ٣٠٧
التحفة - ٣٢٥ .
تحفة الابرار (سيد حسين بن مساعد) - ١٣٨ .
تحفة ابن حجر - ٢٣٩ .
تحفة الابيه فى من نسب الى غير ابيه - **٢٣٧** .
تحفة الاحباب - ٢٢٠ .
تحفة الحرمين - ٤٧٨ .
تحفه خاقانى - ١٨ .
تحفة سليمانيه (شرح عهد نامه مالك اشتر) - **١٤٠** .
تحفة الشاهيه - ٤٣١ .
تحفة الصديق (صد كلمه ابوبكر - رض) - ٤٤٠ .
تحفة العالم - ٤٥٢ .
تحفة القمائيل فى من يسمّى من الملائكه والناس باسماعيل - ٢٣٦ .
تحفة الورود فى المقصور والممدود - ٣٠٤ .
تحفة الوارد و عقال الشارد - ٢٧٣ .
تذكره تقى الدين كاشى - ١٨٩ ح .
تذكره عرفات - ٦٩٧ .
التذكره فى الفوائد النادره - ٢٠٥، ٢٠٦ .
تذكرة المعاصرين (تأليف محمد على حزين) ٥٧٣
التربيع والتدوير - ٧٩ .
ترتيب خلاصة العلامه - ٢٧٣ .
الترجمان - ٢٨٠ .
ترجمان القرآن (ترجمه فارسى لغات قرآن كريم - مير سيد شريف جرجانى) - ٣٦٨ .
ترجمان القرآن (تأليف زوزنى) - ٢٨٣ .
ترجمان اللغه قزوينى - **٣٣٩** .
ترجمان المترجم بمنتهى الارب فى لغة الترك والعجم والعرب - ٢٥٤ ح .
ترجمهٔ ادب الكبير - ١٤١ .
ترجمهٔ اطواق الذهب - ١٣ .
ترجمهٔ توحيد مفضّل - ١٤ .
ترجمهٔ جوك - ٢٥٥ .
ترجمهٔ شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد - **١٣٠** .
ترجمهٔ شرح ابن عقيل (آلمانى) - ٣٣٤ .
ترجمه كتاب شرح جامى (تركى) - ٣٥٩ .
ترجمه الشوق (قصيده اى از عرفى است) - ٦٣٩ .
ترجمه صحيفه سجاديه بفارسى (محمد هادى مازندرانى) ٣٥٢ .
ترجمه صيدنه ابوريحان - ٢٢٣ .
ترجمه الضوء (تركى) - ٣٧٢ .
ترجمهٔ قاموسى فارسى (ظاهراً از شيروانى است) - ٢٤٠
ترجمه قرآن كريم بفارسى (محمد هادى مازندرانى) ٣٥٢ .
ترجمه كافيه (محمد هادى مازندرانى) - ٣٥٢ .
ترجمهٔ كلمات قصار (هزار كلمه بفارسى) - ١٤٦ .
ترجمهٔ كلمات قصار تركى (امثال على) - **١٣٥** .
ترجمه لغات تركى بفارسى - ١٦١ .
ترجمه مأئة كلمه (تركى) **١٣٤** .
ترجمه مصباح الشريعه و مفتاح الحقيقه . ٤٩١ ح،
ترجمه معالم الاصول بفارسى (محمد هادى مازندرانى) - ٣٥٢ .
ترجمه نثر اللالى (نوائى - بفارسى) ٥٣٩ .
ترجمه نثر اللالى (درة المعانى فى ترجمة اللالى) ١٤٥ .
ترجمه نثر اللالى (رشته جواهر) تركى - **١٣٥** .
ترفيق الاسل فى تضعيف العسل - ٢٣٦ .
ترويح الارواح فى تهذيب الصحاح - ١٦٦ .

التسویه بین العرب والعجم - ۵ .
تسهیل - ۳۳۵ .
تسهیل طریق الوصول الی الاحادیث الزائدة علی جامع الاصول - ۲۳۶ .
تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس - ۳۱۳ .
التطریف (حاشیه ابن هلال بر شرح تصریف) - ۳۱۸ ح .
تعریفات العلوم - ۳۶۷ .
التعریف علی تغلیط التطریف - ۳۱۸ ح .
تعلّق نامه - ۵۱۸ .
تعلیق خلاف الفقهاء
التعلیقات الوفیه (شرح الدرة الالفیه ابن معط) - ۳۷ .
التعلیق الوجیز علی الکتاب العزیز - ۳۳۳ .
تعلیل الاعراب الشافیه فی حلّ الترکیب الکافیه - ۳۰۹ .
تعلیم نامه در عمل آیله زدن - ۱۷۵ .
تعیین الغرفات للمعین علی عین عرفات ۲۳۶ .
تفسیر آیه فارهبون - ۳۵۹ .
تفسیر آیة الکرسی (عبدالوهاب استرابادی) - ۴۱۵ .
تفسیر اسماء النبی - ۲۸۸، ۲۸۹ ح .
تفسیر التحریر (حاشیه تحریر مجسطی) - ۳۵۰ .
تفسیر قرآن (سوره بقره بنظم) - ۴۸۹ .
تفسیر قرآن (ابن عباس) ۲۳۵ .
تفسیر قرآن کریم (ابن کمال پاشا) - ۲۶۰ .
تفسیر قرآن (ابوالفتوح رازی) - ۴۹۳ .
تفسیر قرآن (ثعلب) - ۲۹۹ .
تفسیر قرآن کریم (جامی) - ۳۵۹ .
تفسیر قرآن جزائری (حواشی قرآن) - ۳۲۶ .
تفسیر قرآن (عکبری) - ۲۷۸ .
تفسیر قرآن (علی بن ابراهیم) - ۱۲۸ .
تفضیل النطق علی الصمت - ۷۹ .
تقدمة دارات العرب - ۲۸۸ .
تقدمة الفرائض - ۲۸۸
التقریب (ازهری) - ۱۶۷ .
تقویم اللسان (ابن جوزی) ۸۱، ۸۵ .
تقویم اللسان (ابن قتیبه) ۸۲ .
تقویم اللسان (زین الدین قاسم ابن قطلوبغا) - ۸۲ .
تقویم اللسان (محمد الخوارزمی) - ۸۲ .
تقویم اللسان (محمد ذکاء الله) ۸۲ .
تکمله (شرح تسهیل) - ۳۳۵ .
تکملة الاخبار - ۴۶۲ .
تکملة الحیاة - ۱۳۴ .
تکملة نفحات الانس - ۳۵۷ ح .
تلخیص البیان عن مجازات القرآن - ۱۵۲ .
تلخیص دیوان الادب (ابوسعید محمد بن جعفر) - ۱۸۳ .
تلخیص دیوان الادب (حسن بن مظفر) - ۱۸۳ .
تلخیص القاموس - ۲۴۰ ح .
تلقین نامه - ۲۵ .
تمثیلات - ۲۵ .
تمرین الطلاب - ۳۱۰ .
تمییز المنشابه من اسماء الرجال - ۲۷۲ ح .
تنظیم لشکر و مجلس اداره - ۶۸ .
تنویر المقباس فی تفسیر ابن عباس - ۲۳۵ .
التوصیف (حاشیه برشرح تصریف) - ۳۱۸ ح .
توضیح (ابن هشام) - ۷۳ ح .
توضیح التذکره (شرح تذکره) - ۳۵۰ .
توفیق امانت - ۶۸ .
تهذیب الاسماء والکناة - ۱۷۰ .
تهذیب الفصول - ۲۹۹ .
تهییج الغرام الی بلد الحرام - ۲۳۶ .
تیسیر فاتحة الاهاب بتفسیر فاتحة الکتاب - ۲۳۵ .
تیغ تیز - ۱۶۳ .
تیغ تیز تر - ۱۶۳ .

ج

الجاسوس علی القاموس - ۲۳۷ .
جامع الاصول فی احادیث الرسول - ۲۹۹، ۳۰۰ .
جامع التأویل فی تفسیر القرآن - ۲۸۹ .
جام جهان نما ۶۸۲ .
جامع الرواة - ۶۰ .
جامع الشواهد - ۳۳۸ .
الجامع الصغیر (ابن هشام) - ۳۰۷ .
جامع الفقه - ۵ .
جامعة الفوائد - ۲۷۳ .

جامع کبیر - ۳۸۳ .
الجامع الکبیر (ابن هشام) - ۳۰۷ .
جامع اللغات (فرهنگ نیازی حجازی) - ۲۲۱ .
جامع المقال فی تمییز المشترکة من الرجال - ۲۷۲ .
جامع المقدمات - ۳٤٤ .
جامع النحو - ٥ .
الجلیس الانیس فی اسماء الخندریس - ۲۳٦ .
جمرات - ۹۸ .
جمشید و خورشید (سلمان) - ٦۰۷ .
الجمع بین العباب والمحکم - ۱۷٤ ح .
جمل (ابوعبدالله محمدبن هشام) - ٦٦۸ .
جمل (تألیف حسین بن احمد) - ۳۱٥ .
الجمل الکبیره زجاجی - ۳۱٥ .
الجمهره (ابن درید) - ٦۹۰ .
الجنة العالیه و الجعبة الغالیه - ۱۲۱ .
جواهر - ۳۳ .
جواهر الاسرار (آذری) - ٦٤۲ .
جواهر البحور - ۳۷٦ .
جواهر الکلمات فی العقود والایقاعات - ۲۸۱ .
جواهر المطالب فی فضائل علی بن ابی طالب ع - ۲۷۳ .
جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص - ۳٥۸ ح .
جهانگشای نادری - ۲٦۸ .
الجید من شعر ابی تمام - ۱٥۳ .

ح

حاسد و محسود - ۷۹ .
حاشیه بر ارشاد (از عباسی و در فقه شافعی است) - ٤۲٥ .
حاشیه بر اسنبصار (جزائری) - ۳۲٦ .
حاشیه بر اوضع المسالک - ۳۰۸ .
حاشیه بر ایضاح ابوعلی فارسی - ۱٥۳ .
حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملاجلال - ٤۱۲ .
حاشیه بر تجرید العقاید (رکن الدین استرابادی) - ۳٦٤ .
حاشیه بر تفسیر بیضاوی (چلبی) - ٤۰۲ .
حاشیه بر توضیح - ۷۳ .
حاشیه بر تهذیب المنطق صغیر (ملاعبدالله یزدی) - ٤۲٤ .
حاشیه بر تهذیب المنطق کبیر (ملاعبدالله یزدی) - ٤۲٤ .
حاشیه برجاربردی - ۷۳ .
حاشیه بر حاشیه ملا جلال بر تهذیب المنطق (ملا عبدالله یزدی) - ٤۱۲ .
حاشیه بر حاشیه میرسیدشریف بر شمسیه - ۳۲۱ .
حاشیه بر حاشیه عبدالغفور (مولی نور محمد) - ۳۲٤ .
حاشیه بر حاشیه عبدالغفور (سیالکوتی) - ۳۲٤ .
حاشیه بر رساله وضعیه - ۳۲۱ .
حاشیه بر شرح اصفهانی بر تجرید (جرجانی) - ۲٦۷ .
حاشیه بر شرح تصریف تفتازانی (التطریف) - ۳۱۸ .
حاشیه بر شرح تصریف (شیخ ناصرالدین) - ۳۱۸ ح .
حاشیه بر شرح توحید صدوق ملاخلیل (شرح عربی) - ۳۷۳ .
حاشیه بر شرح جامی (جزائری) - ۳۲٦ .
حاشیه بر خطبه شقشقیه (سیدعباس شوشتری) - ۱۴۰ .
حاشیه بر شرح رضی بر کافیه (جرجانی) - ۳٦۷ .
حاشیه بر شرح شمسیه قطبی (اسفراینی) - ۳۲۱ ،
حاشیه بر شرح شمسیه (جرجانی) - ۳٦۷ .
حاشیه بر شرح شمسیه (ملا عبدالله یزدی) - ٤۱۲ .
حاشیه بر شرح عقاید نسفی - ۳۲۱ .
حاشیه بر شرح متوسط کافیه (جرجانی) - ۳٦۷ .

حاشیه بر شرح مطالع (جرجانی)-۳۶۷ .
حاشیه بر شرح مفتاح سید شریف - ۴۰۷ .
حاشیه بر شرح مواقف (چلبی)-۴۰۳ .
حاشیه بر شرح هدایة اثیریه مبیدی - ۳۲۳ .
حاشیه بر شرح هدایة اثیریه (میرك) -۴۱۵ .
حاشیه بر شفا (شمنی) - ۳۸۰ .
حاشیه بر عوامل ملا محسن (نظر علی جیلانی)- ۳۹۴ .
حاشیه بر فوائد شیخ میثم بحرانی -۳۶۷ .
حاشیه قاموس (شمس العلماء)- **۲۴۱** .
حاشیه قاموس (چلبی) - ۲۴۰ .
حاشیه بر کبری - ۳۲۱ .
حاشیه بر کشاف - ۲۶۰ .
حاشیه بر کشاف (جاربردی) - ۳۴۹ .
حاشیه بر کشاف (جرجانی) - ۳۶۷ .
حاشیه بر کشاف (حافظ) - ۵۸۰.
حاشیه بر مختصر (چلبی) - ۴۰۲ .
حاشیه بر مختصر (مولانازاده خطائی) - ۴۰۶.
حاشیه بر مختصر (ملاعبدالله یزدی)-۴۱۲ .
حاشیه بر مطول (جرجانی) - ۳۶۷ .
حاشیه بر مطول (خطائی) - ۴۰۵ .
حاشیه بر مطول (میرزا کمالا) - ۴۲۷ .
حاشیه بر معتبر محقق (طریحی) - ۲۷۳ .
حاشیه بر مغنی (جزائری) - ۳۲۶ .
حاشیه بر هدایه - ۲۶۰ .
حاصل کورة الخلاص فی فضائل سورة الاخلاص- ۲۳۵ .
حاسن اللطائف فی محاسن الطائف - ۲۳۶ .
الحاوی - ۳۶۴ .
الحجر - ۲۸۸ .
حدائق - ۳۳ .
حدائق الحقائق فی نسرد قائق احسن الخلائق (شرح نهج البلاغه قطب کیدری) - **۱۲۴ ، ۱۲۵** .
حدیقه (نظامی) -۵۳۱ .
حرف غریب - ۶۸ .
حسن المحاضره - ۳۰۳۷ .
الحسن من شعر الحسین (منتخب شعر ابن الحجاج)- ۱۵۲ .
حصار نای - ۶۷۷ .
حقائق التأویل فی متشابه التنزیل (تفسیر سید رضی)) **۱۵۳** .
الحکایه و المحکی - ۵ .
حکم الامثال - ۵ .
حلیة الفقها - ۲۸۸ .
الحماسة المحدثه - ۲۸۸ .
الحنین الی الاوطان - ۷۹ .
حنین المستجیر الی حضرت المجیر - ۹۳ .
حیواة الحیوان - ۷۹ .

خ

خداوند نامه صبا - ۶۲۶ .
خزانة الادب - ۵۸۰ ح .
خزائن الفتوح (تاریخ علائی) ۵۱۸ .
خسرو شیرین (عنصری) - ۶۴۵ .
خسرو شیرین منثور (افسانه شیرین) -۵۲۸.
خصائص الائمه - ۱۵۳ .
الخطط الجدیده (الخطط النوفیقیه الجدیده) - ۷۲ .
خلاصة الاشعار - ۴۴۰ .
خلاصه الاقوال - ۱۲۶ .
خلاصة الترجمان (شرح خطبة البیان) -**۱۴۰** .
خلاصه التعریف بدقایق شرح التصریف - ۳۱۸ ح .
خلاصه لطایف الخیال (تلخیص خالص)- ۴۸۱.
خلاصة المجمع (مختصر مجمع الفرس سروری) - ۳۲۳ .
خلد برین - ۶۹۸ .
خلع العذار فی وصف العذار - ۷۳ .
خلق الانسان (ابن فارس) - ۲۸۸ .
خلق الانسان (ابن قتیبه) - ۵ .
خلق الانسان (قطرب) - ۲۷۰ .
خلق الفرس - ۲۷۰ .
خلوت راز (وحید قزوینی) - ۶۹۹ .

خمسه المتحیرین - ۵۳۹ .
خنگ یت و سرخ یت - ٦٤٥ .

د

دائرة المعارف (فرید وجدی) - ۱۱٤ .
دافع هذیان - ۱٦۳ .
درایه شهید - ۲۰٦ ح .
الدرّه (ترجمه عربی کبری) - ۳٦۷ ح .
الدرة الالفیه فی العلم العربیّه (الفیه ابن معط) - ۳۰۳ .
درة التاج لغرة الدیباج - ٤۳۱ .
الدرة الفاخره فی تحقیق مذهب الصوفیه - ۳۵۹ .
درّه نادری - ۲٦۸ .
الدرة النجفیه (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۵ .
درة النوء (شرح خطبة الضوء) - ۳۷۳ ح .
الدرجات الرفیعه فی طبقات شیعة الامامیّه - ۲۰۵ .
الدرر الغرویه فی العترة المصطفویه - ٦۲۱ .
دررغرر (در رالکلم و غررالحکم) - ۱۱۰ .
الدر الغالی فی الاحادیث الغوالی - ۲۳٦ .
درر الفرید فی معرفت التوحید - ٦۸۲ .
الدرر الکامنه - ۳۰٦ .
الدرر اللوامع علی همع الهوامع - ۳٤۷ .
الدرر النثیر - ۳۰۱ .
الدرر النظیم الی فضائل القرآن العظیم - ۲۳۵ .
الدر اللقیط فی اغلاط القاموس المحیط - ۲۳۷ .
دریای کبیر - ۵۸۱ .
دلائل الاعجاز - ۳۱۵ .
دلائل النبوه - ۵ .
دمیّه القصر و عصرة اهل العصر - ۵۰۵ .
ده نامه (منطق العشاق) - ٤۸۷ .
دول رانی و خضر خانی - ۵۱۸ .
دیوان الادب فی نوادر شعر العرب - ۱۸٤ .
دیوان الاریب (مختصر مغنی اللبیب) - ۳۹۵ .
دیوان رسائل ومکاتیب (ابن اثیر) - ۲۹۹ .
دیوان رسائل (حریری) - ۱۹ .
دیوان رسائل عربی (عماد کاتب) - ۵۰٤ .
دیوان رسائل فارسی (عماد کاتب) - ۵۰٤ .
دیوان شعر (اثیرالدین اومانی) - ۷۰۲ .
دیوان اشعار (بدیع الزمان همدانی) - ۸۸ .
دیوان شعر (حریری) - ۱۹ .
دیوان خواجو (صنایع الکمال) - ۵۱۳ .
دیوان سعدی - ۲۱۱ .
دیوان (شیخ طریحی) - ۲۷۳ .
دیوان شعر (عماد کاتب) - ۵۰٤ .
دیوان دوبیتی و رباعی (عماد کاتب) - ۵۰٤ .
دیوان منجیك - ٦۵۷ .
دیوان منصور شیرازی - ۲۱۱ .
دیوان مهیار دیلمی - ۵٤۹ .
دیوان (قصائد و غزلیات هاتفی) - ۵٤۳ .
دیوان الکتّاب - ۵ .

ذ

ذخیرة الکلمات - ۲۸۸ .
الذریعة فی اصول الشریعه - ٤۲ .
ذکری حبیب (منتخب دیوان ابوتمام) - ۵۵٤ .
ذیل شقائق النعمانیه (ترکی) - ۳۲۳ .
ذم الخطاء فی الشعر - ۲۸۸ .
الذهب الابریز فی تفسیر کتاب العزیز - ۲۷۸ .
راز و نیاز (وحید قزوینی) - ٦۹۹ .
الراموز فی اللغة العربیه - ۱۹٦ .
ربیع الابرار - ۱۲۷ .
رجال نجاشی - ۵ .
رجل الطاوس فی اغلاط القاموس - ۲۳۸ .
الرحل و المنزل - ۵ .
رد بر قاموس (مناوی) - ۲۳۹ .
الردّ علی المشبّهه - ۵ .
الرد علی الملحدین فی متشابه القرآن - ۲۷۰ .
رشته جواهر (ترجمه نثر اللآلی بترکی) - ۱۴۵ .
رشحات سحاب - ٦۰۵ .
رفع الخساسه عن قراء الخلاصه - ۳۰۷ .
رفع الستور و الارائك - ۳۰۷ .
رفیق و وزیر - ٦۸ .
روشنائی نامه - ٦۸۷ .
روض الاذهان - ۳۳٦ .
الروض المسلوف فی ما له اسمان الی الوف - ۲۳٦ .
الروضه - ٤۷۳ .

الروضة‌الادبیه ـ ۳۰۷ .
روضة‌الانوار (شرح نهج‌البلاغه زواری) ـ ۱۲۹ .
روضة‌الانوار (یکی از کتابهای خمسه خواجو است) ـ ۵۱۵ .
روضة‌الرضا فی مدح ابی‌الرضا ـ ۹۳ .
روضة‌الشهداء ـ ۶۱ .
روضة‌الشهداء (منظوم) ـ ۴۸۹ .
روضة‌الفصاحه ـ ۲۷۸ .
روضة‌المجالس فی‌البدیع‌المجانس .
روضة‌الناظر فی ترجمه شیخ عبدالقادر ـ ۲۴۶.
روزنامه ارشاد ـ ۲۵ .
روزنامه دولتی ـ ۹۶ ح .
روزنامه شفق سرخ ـ ۳۵۸ ح .
روزنامه علمی ـ ۹۶ ح .
روزنامه ملت ـ ۹۶ ح .
ریاض‌الانشاء ـ ۱۰۱ .
ریاض‌السالکین (شرح صحیفه سجادیه)ـ۲۴ح.
ریاض‌الشعراء ـ ۲۱۹ .
رسائل بدیع‌الزمان ـ ۸۸ .
رسائل جاحظ ـ ۷۹ .
رسائل سید رضی ـ ۱۵۳ .
رسائل طریحی ـ ۲۷۳ .
رساله در آداب بحث ـ ۵۲ .
رساله ابوحفص سوزی (فرهنك) ـ ۲۲۱ .
رساله ابونصر علی طوسی (فرهنك اسدی) ـ ۲۲۱ .
رساله درائبات‌خلافت علی علیه‌السلام (غدیریه)ـ ۳۴۲ .
رساله استعارات بدیعیه ـ ۳۲۱ .
رسالهٔ استعارات‌سمرقندی (الفرائد والفوائد = سمرقندیه) ـ ۴۰۹ .
رساله‌الاضحویه (ابوعلی) ـ ۱۲۷ .
رساله در اغلاط قاموس ـ ۲۳۸ .
رساله در انتقاد از انشاء مجلدات سه‌گانه روضة الصفا ـ ۲۵ .
رساله در بیان نسب میان قضایا ـ ۳۲۱ .
رساله در پند و موعظه ـ ۴۸۹ .
رساله در تحقیق لفظ جلاله ـ ۳۷۳ .
رساله در تحقیق محصورات اربع ـ ۳۲۱ .
رساله در تحقیق معنی حرف ـ ۳۶۷ .
رساله در تصوّر و تصدیق (از قطب شیرازی یا قطب‌رازی) ـ ۴۳۱ح .
رساله در تقسیم قضیه ـ ۳۲۱ .
رساله حسنیه ـ ۵۷ .
رساله در حکم قنادیل النبویه ـ ۲۳۷ .
رساله در رجعت ـ ۱۳۲ .
رساله در رضاع (ابوالحسن عاملی) ـ۳۳ .
رساله در شرح حال امیر معزی و ممدوحین‌وی ـ ۶۸۰ .
الرسالة‌الشریعیه (در آداب البحث) ـ۳۶۷.
رساله در طریقهٔ سادات نقشبندیه ـ ۳۵۸ .
رساله درعروض (ادیب صابر) ـ ۴۴۶ .
رساله در عروض (جامی) ـ ۳۵۹ .
رساله در علم ـ ۵۲ .
رساله در علم حساب (نظام‌الدین نیشابوری) ـ ۳۵۰ .
رساله در علم فراست یا قیافه ـ ۱۴۱ .
رساله غیبیة ـ ۶۸ .
رساله در فن اصول حدیث ـ ۳۶۷ .
رساله درکلمه لااله‌الاالله ـ ۳۹۵ .
رساله معادیه (ابوعلی) ـ ۱۲۷ .
رساله محمد هندوشاه (صحاح‌العجم) ـ ۲۲۱ .
رساله در موسیقی (جامی) ـ ۳۵۹ .
رساله معربات ـ ۲۱۸ .
رساله در معرفت تقویم (پیوسته به شمارهٔ ده کتابخانه و ۸۹۱ فهرست است)ـ۲۶۸ .
رساله در معمّا (تأثیر) ـ ۵۷۴ .
رساله درمعمّا ـصغیر و متوسط و کبیر(جامی)ـ ۳۵۹ .
رساله در مؤلفات‌سماعی (محمدمهدی قزوینی) ـ ۳۷۳ .
رساله در موسیقی (امیر خسرو دهلوی) ـ ۵۱۸ .

رساله ناصر و خسرو در جواب نودونه سئوال- ۶۸۷ .
رساله در وجود - ۳۵۹ .
رساله در وحی و الهام - ۵۲ .
روضة المناظر فی اخبار الاوایل والاواخر- ۴۳۳ ح.
ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار - ۳۲۵.

ز

زاد السالکین (طریق التحقیق) - ۴۹۴ .
زاد المسافرین - ۶۸۷ .
زاد المعاد (بروزن بانت سعاد) - ۲۳۶ .
زبدة الحقایق - ۱۴۷ .
زبدة النصرة ونخبة العصره (مختصر نصرة الفتره) - ۵۰۵ .
زند - ۲۵۹ ح .
الزهره - ۲۰۵ .
زهر الربیع - ۲۰۴ ح .
زینة الدهر فی عصرة اهل العصر - ۵۰۶ ح .
زینت المسالک (شرح الفیه ابن مالک) - ۳۸۸ .

س

ساطع برهان - ۱۶۳ .
ساغر سرشار (وحید قزوینی) - ۶۹۶ .
ساقی نامه (اهلی خراسانی) - ۵۷۰ ح .
ساقی نامه (ملك قمی) - ۶۸۳ .
سالار نامه - ۱۴۹ .
سام نامه - ۵۱۴ .
السامی فی الاسامی - ۲۹۶ .
سبعه معلقه - ۲۸۲ .
سحاب البکا - ۶۰۵ .
سحر حلال - ۶۵۹ .
سخن نامه نظامی (فرهنك سعد بن ضیرغزنوی) - ۲۱۳ .
سراط السطور - ۲ .
سرخ بت و خنگ بت - ۶۴۵ .
سعادت نامه - ۶۸۷ .
سفر السعاده - ۲۳۶ .
سفر نامه ناصر خسرو - ۶۸۶ .
سفینة الشعراء - ۴۷۶ .
سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی الحدید - ۴۴ .
السلافة البهیه فی الترجمة المیثمیه - ۵۲ .
سلافة العصر - ۲۰۴ .
سلسلة الذهب - ۲۰۹ .
سُلّم السموات - ۴۲۹ .
سلیمان و بلقیس (یکی از کتابهای خمسه فیضی است) - ۵۲۲ .
سلیمان و بلقیس یا (بلقیس و سلیمان) نظام استرابادی - ۶۸۹ .
سلوة الحزین بمناظرة الربیع والخریف - ۷۹.
سلوة الغریب و اسوة الادیب - ۲۰۵ .
سمرقندیه (رساله استعارات ابو القاسم سمرقندی)- ۴۰۹ و ۴۲۳ .
سند باد - ۵۵۷ .
سواطع الالهام (تفسیر بی نقطه) - ۵۲۱ .
سهو اللسان - ۶۱۸ ، ۶۶۶ .
سیاحی گوید - ۶۸ .
سیرة الرسول (ابن هشام بصری) - ۳۰۸ .
سیرة النبی (ظ = اخلاق النبی است) - ۲۸۹ ح.
سیرة الطاهر (تألیف سید رضی) - ۱۵۲.
سیر العباد الی المعاد - ۴۹۴ .
سیف الرسائل - ۴۷۸ .
السیف الصارم علی عنق عضد الظالم - ۳۴۸ .
السیف الصقیل - ۳۳۳ .

ش

شاد بهر و عین الحیات - ۶۴۵ .
الشافی فی شرح مسند الشافعی - ۲۹۹ .
الشامل - ۱۹۶ .
شاهنامه (فردوسی) - ۱۹۰ ح .
شاهنامه (هاتفی) - ۵۴۳ .
شاهنشاه نامه - ۶۲۶ .
شذور الذهب فی معرفة کلام العرب - ۳۰۶ .
شرح آداب البحث (عصام اسفراینی) - ۳۲۱ .
شرح آداب المریدین - ۱۸۹ .
شرح اثنی عشریه شهید - ۲۷۳ .
شرح اجرومیه (خالد ازهری) - ۳۱۰ .
شرح احتجاج (قاطع اللجاج) - ۳۲۵ .
شرح الاحتشام علی نهج بلاغة الامام (شرح جواد طارمی) - ۱۳۶ .

شرح ادب‌الکاتب (احمدبن‌داودجذامی) ـ ۷.
شرح ادب‌الکاتب (اسحق‌بن‌ابراهیم‌فارابی) ـ ۷.
شرح ادب‌الکاتب (ابواسحق فارابی) ـ ۱۸۱.
شرح ادب الکاتب (ابی علی حسن بن محمد ـ بطلیوسی ـ ۷.
شرح ادب‌الکاتب (ابی‌منصور موهوب بن احمد جوالقی) ـ ۶ـ۵۲۹، ۴۶۶.
شرح ادب‌الکاتب (جوهری) ـ ۱۹۴.
شرح ادب‌الکاتب (زجاجی) ـ ۷.
شرح ادب‌الکاتب (سلیمان‌بن‌محمد زهراوی) ـ ۷.
شرح ادب‌الکاتب (مبارک‌بن‌فاخر) ـ ۷.
شرح ادب‌الکاتب (الاقتضاب) ـ ۶.
شرح ارشاد (موضح‌الرشاد) ـ ۲۰۵.
شرح‌الازهریة ـ ۳۱۰ ح.
شرح استبصار (کشف الاسرار) جزائری ـ ۳۲۵.
شرح اسماءالحسنی ـ ۳۲۵.
شرح اسماءالله حسنی (ابو منصور ازهری) ـ ۱۶۷.
شرح اشارات (شرح اشارات شیخ‌علی بحرانی از ابن‌میثم) ـ ۵۲.
شرح اصلاح المنطق ابن سکیت (ازهری) ـ ۱۶۷.
شرح الفاظ‌المزنی ـ ۱۶۷.
شرح الفیه ابن‌شحنه ـ ۴۳۳.
شرح الفیه ابن‌مالك (ابن‌ام‌قاسم) ـ ۳۸۴ ح.
شرح الفیه ابن‌مالك (ابن‌عقیل) ـ ۳۸۴ ح.
شرح الفیه ابن‌مالك (سلوستردساسی) ـ ۳۰۴.
شرح الفیه ابن‌مالك = زینت‌المسالك (ملا محسن قزوینی) ـ ۳۸۸.
شرح الفیه ابن‌مالك (ابن‌ناظم) ـ ۳۸۴ ح.
شرح الفیه ابن‌مالك (عبدالله طوسی) ـ ۳۴۲.
شرح الفیه ابن‌مالك (محمدبن‌علی کاشانی) ـ ۳۴۳.
شرح الفیه‌ابن‌مالك (محمدبن‌سلیم گیلانی) ـ ۳۴۳.
شرح الفیه ابن‌معط (ابن‌النحوی) ـ ۳۳۶ ح.
شرح الفیه ابن‌معط‌الدرة‌الالفیه (التعلیقات‌الوفیه) ۳۷.
شرح‌الایضاح (شریشی) ـ ۳۷.
شرح ایضاح ابوعلی (المغنی) ـ ۳۱۵.
شرح ایضاح (المقصد = المقتصد) ـ ۳۱۵.
شرح باب حادی عشر ـ ۷۱.
شرح تائیه ابن فارس ـ ۳۵۸.
شرح تسهیل (ابن‌عقیل = المساعد) ـ ۳۳۳.
شرح تسهیل الفوائد (التحصیل و التفصیل) ۳۰۷ ح.
شرح تسهیل (دمامینی) ـ ۳۷۶.
شرح تصریف عزّی (جرجانی) ـ ۳۶۷.
شرح‌تلخیص‌المفتاح (خطیب‌قزوینی) = ایضاح ـ ۴۱۷.
شرح توحید صدوق (جزائری) ـ ۳۲۵.
شرح تهذیب الاحکام (صغیر) سید نعمة الله ـ ۳۲۵.
شرح تهذیب الاحکام (کبیر) سید نعمة الله ـ ۳۲۵.
شرح تهذیب‌الاحکام (جزائری = غایة المرام) ـ ۳۲۵.
شرح تهذیب بهائی در نحو جزائری ـ ۳۲۵.
شرح‌الجمل (جرجانی) ـ ۳۱۵.
شرح‌الجمل (شریشی) ـ ۳۷.
شرح جمل ملا خلیل (محمد مهدی قزوینی) ـ ۳۷۳.
شرح جواهرالبحور ـ ۳۷۶.
شرح حاجبیّه (شرح‌شافیه‌ابن‌ناظم) ـ ۳۳۶ ح.
شرح حال امیرمعزی ـ ۶۸۰.
شرح حاوی (رکن‌الدین استرابادی) ـ ۳۶۴.
شرح حدیث کساء ـ ۱۰۴.
شرح حکمة‌العین (جرجانی) ۳۶۷.
شرح حکمة‌الاشراق (قطب‌شیرازی) ـ ۴۳۱.
شرح خبیصی ـ ۳۶۶.
شرح خزرجیّه (عباسی = بدرالدین‌اسلامبولی) ـ ۴۲۵.
شرح خزرجیّه (العیون‌الفاخرة‌الغامزه) ـ ۳۷۶.
شرح خطب نهج‌البلاغه (شیخ‌محمدعلی‌اصفهانی) ـ ۱۴۴.
شرح خطب و مکاتیب حضرت علی علیه السلام (تالیف سپهر ـ لسان‌الملك) ـ ۱۴۴.

شرح خطبه شقشقیه (سید عباس شوشتری) - ۱۴۰.
« « شقشقیه (سید مرتضی علم الهدی متوفی ٤۳٦) - ۱۴۰.
« « طنجیه (سید کاظم رشتی) - ۱۴۳.
« « قاصعه - ۱۴۳.
« خطبة البیان (محمد بن محمود دهدار بنام «خلاصة الترجمان») - ۱۳۹،۱٤۰.
شرح خطبة البیان (معالم التبیان) - ۱۳۹،۱٤۰.
« خطبهٔ قاموس (تالیف ابوالروح عیسی) - ۲۳۹.
« خطبة القاموس (فتح القدوس) - ۲۳۸.
« خطبهٔ قاموس (محمد بن شحنه) - ۲۳۹.
« « (میرزا علی شیرازی) - ۲۳۹.
« خطبة القاموس (تألیف مناوی) - ۲۳۸.
« خطبة الکشاف - ۲۳۵.
« خطبهٔ همام (میرآصف قزوینی) - ۱۴۳.
« « (شیخ مهدی آلهی) - ۱۴۳.
« دیباجه دفاتر ششگانه مثنوی مولوی رومی - ۵۱۰.
« دیوان حماسه ابوتمام (ابن فارس) - ۵۵۳.
« « ابی تمام (ازهری) - ۱٦۷.
« « ذوالرمه - ۵۹۹.
« رباعیات لوایح - ۳۵۸.
« رساله استعاره سمرقندی (عصام اسفراینی) - ۳۲۱.
« زهری الی عبد الملک بن مروان - ۲۸۸.
« « در هندسه - ٤۳۱.
« روضهٔ کافی (جزائری) - ۳۲۵.
« شرح زادالمعاد - ۲۳٦.
« سامی فی الاسامی - ۲۲۱.
« سمرقندیه (عصام اسفراینی) - ٤۰۹.
شاطبیه (علم الدین اندلسی) - ۳۸۲.
« شافیه (خود ابن حاجب) - ۳۳۰.
« « ابن حاجب (ابن ناظم) - ۳۳٦.
« « (شیخ رضی) - ۳٦۱.
« « (رکن الدین استرابادی) - ۳٦٤.
شرح شافیه ابن حاجب (میرزا کمالا) - ٤۲۷.
« « « (نقره کار) - ۳٦۹.
« شذورالذهب - ۳۰٦.
« شرایع (شیخ مفلح صیمری) - ۳۸۱.
« شرح تصریف - ۳۱۸ ح.
« « کافیه ابن حاجب - ۳۹۰.
« شمسیه منطق (اسفراینی) - ۳۲۱.
« « منطق (رکن الدین استرابادی) - ۳٦٦.
« شواهدالانتقاد - ۳۷۳.
« شواهد خبیصی - ۳۷٤.
« عینی (المقاصد النحویه فی شرح شواهد شروح الالفیه) - ۳۸۴ ح.
« مغنی صغری (ابن هشام) - ۳۰۷.
« « کبری « « «
« صحیح بخاری (بدرالدین عباسی - عبد الرحیم) - ٤۲٤.
« « (دمامینی) - ۳۷٦.
« صحیفه سجادیه (النکت اللطیفه) - ۲۷۳.
« سجادیه صغیر (جزائری) - ۳۲۵.
« « کبیر « «
« صمدیه سید علیخان (متوسط) - ۳۵٤.
« عبارت قدجرت عادت المصنفین - ۳۲۱.
« عروض الشعر - ۳۷.
« عهدنامه مالک اشتر (تر کی) - ۱۴۳.
« « (ابوالحسن عاملی) - ۱۴۹.
« عهدنامه مالک اشتر (بدایع نگار) - ۱۴۲.
« تحفه سلیمانی (سید ماجد بحرانی) - ۱۴۰.
« (اساس السیاسه فی - مقیاس الریاسه) - ۱۴۱.
« (محمد باقر مجلسی) - ۱۴۱.
« مالک (هدایات الحکام فی عجائب الهدایات الحکام) - ۱۴۱.
« مالک اشتر (مقیاس السیاسه) شیخ محمد عبده - ۱۴۱.

شرح عهدنامه مالك اشتر (شیخ محمد هادی بیرجندی) - **۱۴۱**.
« عهدنامه مالك‌اشتر (وقاربن‌وصال) **۱۴۱**.
« عیون اخبارالرضا (جزائری) - ۳۲۰.
« عصام برفریده - ۳۲۱ .
« غوالی‌اللآلی - ۳۲۵.
« فرائض سراجیه - ۳۶۷.
« فصوص‌الحکم - ۳۵۸ .
« فصول نصیریه (عبدالوهاب استرابادی) - ۴۱۵.
« قاموس (سعدی افندی) - ۲۳۹.
« « (کسر الناموس) - ۲۳۹ .
« « (مقدسی) - ۲۳۹.
« قانون ابوعلی (قطب‌شیرازی) - ۴۳۱.
« قصائد سبعه ابن ابی‌الحدید (شیخ رضی) - ۳۶۱.
« قصیده بانت سعاد - ۳۰۶ .
« « برده - ۳۱۰ .
« « (مهلب بن حسین) - ۳۱ .
« دعبل خزاعی (میرزا کمالا) - ۴۲۷.
« قواعد الاعراب ازهری (موصل الطلاب الی قواعدالاعراب) - ۳۱۰ ح .
« قواعدالعقاید (رکن‌الدین استرابادی) - ۳۶۴.
« قواعد علامه (ملاعبدالله یزدی) -۴۱۲.
« قوانی دمامینی (ابن‌عمر بلخی) - ۳۷۶.
« کافیه (خود ابن‌حاجب) - ۳۳۰.
« کافیه (ابن‌ناظم) - ۳۳۵.
« « ابن‌حاجب (جزائری) - ۳۲۵ .
« « « = البسیط (رکن‌الدین - استرابادی)-۳۶۴،۳۶۶.
« « « = صغیر (رکن‌الدین - استرابادی) - ۳۶۴ .
« کافیه بفارسی (محمد امین‌هروی) -۳۶۸.
« « (هندی) - **۳۹۱**.
« کشاف (تفتازانی) -۴۲۲ .
« کلمات خواجه محمد پارسا - ۳۵۸ .
« شرح کل ج - ب - ۳۲۱.
« گلشن راز (لاهیجی) - ۵۵۹.
« لامیة ابن‌مالك (ابن‌ناظم) - ۳۵۵ .
« لامیةالعجم صفدی - ۳۷۶ .
« لباب اسفراینی (محمد بن مسعود سیرانی قالی) - ۳۷۰ .
« مبادی علامه - ۲۷۳ .
« مثنوی (لطائف‌المثنوی) - ۲۲۷.
« محصل - ۴۲ .
« مختصر الاصول عضدی (جرجانی)-۳۶۷.
« « « ابن حاجب (رکن‌الدین - استرابادی) - ۳۶۴ .
« « « ابن‌حاجب (قطب‌شیرازی)- ۴۳۱.
« مختصر الشرایع (الضوءاللامع) ۲۷۳.
« مختصر الوقایه - ۳۸۰ .
« مراح‌الارواح (دیکنقوز) - ۳۹۳.
« « (الفلاح) - ۳۹۴.
« « (المفراح) - ۳۹۴ .
« مشکلات‌الغرر - ۴۲ .
« مصباح (الافتتاح) - ۳۷۱.
« شرح‌المصباح (ابن‌النحوی) -۳۳۶ ح .
« شرح مطالع (رکن‌الدین‌استرابادی) -۳۶۴.
« « (قطب رازی) - ۴۳۱ ح .
« شرح‌المظنون به علی‌غیر اهله - ۳۱۳ .
« « « « « « (غزالی)-۳۱۳ ح.
« شرح معلقات سبعه (زوزنی) - ۲۸۲.
« مغنی (مختصر دمامینی) ۳۷۷.
« مفتاح میرسید شریف (الاطول) -۳۶۷، ۴۲۱.
« مقامات حریری (محمد بن ابی‌بکر رازی)- ۲۷۸.
« مقامات حریری (عباسی = عبد الرحیم- اسلامبولی) - ۴۲۴ .
« مقامات‌حریری(مظهرالدین‌شیرازی)-۹۱.
« مقدمه جزریة (خالد ازهری) - ۳۱۰.
« شرح‌الملحه - ۳۰۷ .
« شرح ملحةالاعراب (ابن‌ناظم) - ۳۳۶.

شرح ملحقات صحیفه (جزائری) - ۳۲۰.
« منهاج بیضاوی - ۳۴۸ .
« مواقف قاضی عضد ایجی (جرجانی) - ۳۶۷.
« موجز (شیخ مفلح صیمری) - ۲۸۱.
« نصاب (دشت بیاضی) - ۱۸۹.
« نظام الغریب - ۲۳۹.
« نظم النخبه - ۳۸۰ .
« نهج البلاغه (سید ابن طاوس) - ۱۳۶ .
« « (ابن عتائقی) - ۱۳۶.
« « (ابن العنقا) - ۱۳۸ .
« « الهی اردبیلی (منهج الفصاحه) - ۱۲۹.
« « (اصفهانی) - ۱۳۸ .
« « (فصیح الدین = تحفة العلویة) - ۱۳۸.
« « (امام فخر رازی) - ۱۲۵ .
« « (امام وبری) - ۱۲۴ .
« « (برغانی) - ۱۲۵ .
« « (بیهقی) - ۱۲۴.
« « (تفتازانی) - ۱۳۶ .
« « (جرموزی) - ۱۳۳.
« « (سید جزائری) - ۱۳۳.
« « (جهانگیر خان قشقائی) - ۱۳۶.
« « (شیخ حسین عاملی) - ۱۳۲.
« « (خوئی = الدرة النجفیه) - ۱۳۵.
« « (حبیب الله خوئی = منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه) - ۱۳۶.
« « (دزفولی) - ۱۳۵.
« « (سید ذاکر حسین اختر هندی دهلوی) - ۱۳۷.
« « (زواری = روضة الانوار) - ۱۲۹ .
« « (صغیر) شبّر - ۱۳۴ .
« « (کبیر) شبّر - ۱۳۴ .
« « (شهرستانی) بلاغ المنهج - ۱۳۷ .
« « (صنعانی) - ۱۳۸ .
شرح نهج البلاغه - جواد طارمی (شرح الاحتشام علی نهج الاعلام) - ۱۳۶ .
« « (سلطان محمود طبسی - مختصر شرح ابن ابی الحدید) - ۱۳۲ .
« « (عبد الباقی صوفی) - ۱۳۱.
« « (علامه حلّی) - ۱۲۶ .
« « (علی بن ناصر - اعلام نهج البلاغه) - ۱۳۹ .
« « (عماد الدین قاری استرابادی) - ۱۲۹ .
« « (فخر الدین = مختصر شرح ابن ابی الحدید العقد النضید یا در النضید) - ۱۳۲ .
« « (فضل الله راوندی) - ۱۲۵ .
« « (قطب راوندی) - ۱۲۴ .
« « (قطب بیدری - منهاج البراعه) - ۱۲۵ .
« « (قطب بیدری - حدائق الحقایق فی تفسیر دقائق احسن الخلائق) - ۱۲۴، ۱۲۵.
« « (قوام الدین شیرازی) - ۱۲۹.
« « (کجکجی) - ۱۳۳ .
« « (گلستانه - بهجة الحدائق) - ۱۳۳ .
شرح یا ترجمه نهج البلاغه (لاهیجی) - ۱۳۴.
شرح نهج البلاغه (سید مجید بحرانی) - ۱۳۳.
« « (سید محمد تقی قزوینی) - ۱۳۴.
« « (محمد رفیع جیلانی) - ۱۳۳.
« « (شیخ محمد عبده) - ۱۳۵.
« « (محمد بن حبیب الدین) - ۱۲۹.
« « (محمد محی الدین) - ۱۳۹.
« « (محیی الدین خیاط) - ۱۳۹.
« « (مختصر قدیمی مجهول المؤلف) - ۱۳۷ .
« « (مختصر قدیمی) - ۱۳۸.
« « (میرصفی) - ۱۳۶ .
(منهاج الولایة) مؤلف مجهول است - ۱۳۷.

شرح نهج‌البلاغه (المولوی‌الهندی) - ۱۳۷.
» » (مهابادی) - ۱۲۵ .
» » (نظام‌الدین گیلانی = انوار - الفصاحه واسرارالبلاغه) - ۱۳۱.
» » (نفائس) - ۱۲۶ .
شرح وترجمه نهج‌البلاغه (نورمحمد) - ۱۳۰.
نهج‌البلاغه (یحیی‌بن‌حمزه‌علوی) - ۱۲۶.
شرح وصایای حضرت علی علیه السلام (تألیف میرزا جهانگیر خان آذربایجانی ضیائی) - ۱۴۴.
شرح‌الهادی = (الکافی) - ۳۱۳ .
» » (الصغیر) - ۳۴۸.
شرح هدایه (خطائی) - ۴۰۷ .
شرح یاقوت ابن نوبخت - ۴۲ .
شریعة الشیعه و دلائل الشریعه (شرح مفاتیح فیض) - ۳۳ .
الشعر و الشعراء - ۵ .
شفا (ابوعلی سینا) - ۱۰۲۷ .
الشفا فی بدیع الاکتفا - ۷۰۳ .
شمس المغرب فی‌الرقص و المطرب - ۳۷۶ ،
شمسیه - ۳۲۱ .
شوارق الاسرار العلیه فی‌شرح مشارق الانوار النبویه - ۲۳۵ .
شواهد التوضیح و التصحیح لمشکلات الصحیح ۳۰۴
شواهد عینی - ۳۸۴ .
شواهد النبوه - ۳۵۹ .
الشهاب السعیدی - ۲۹۶
الشیات والحلی - ۲۸۹ .
شیرین و خسرو (یکی از کتابهای خمسه امیر خسرو دهلوی است) ۵۱۸
شیرین وخسرو (یکی‌از منظومات هاتفی‌است) ۵۴۴ ح .

ص

الصاحبی (فقه اللغه) - ۲۸۸ .
صبح صادق - ۵۲۵ ح .
صبح گلشن - ۲۱۹ .
صحاح بخاری - ۳۰۰ .
صحاح اخبار - ۱۱۸ .
صحاح مسلم - ۳۰۰ .
صحاح العجم - ۲۱ .
صحاح عجم جدید - ۲۶۵ .
صحاح عجم دیرینه - ۲۶۵ ح .
صحائف الحسنات - ۷۳ .
صحائف العالم - ۲۸ .
صحة الابدان - ۲۴۷ .
صدخطابه (میرزا آقا خان کرمانی) - ۲۵ .
صدکلمه (حاج شیخ عباس قمی) - ۱۴۶ .
صدور زمان الفتور و فتور زمان الصدور - ۹۱ .
الصراط المستقیم - ۲۳۶ .
صرف میر - ۳۶۷ .
صغری - ۳۶۷ .
الصفات - ۲۷۰ .
صحف ابراهیم - ۴۸۷ .
صفوالراح من مخنار الصحاح - ۱۹۶ .
الصلات والبشرفی الصلاة علی‌خیرالبشر - ۲۳۶.

ض

ضالةالادیب فی‌الجمع بین الصحاح والتهذیب - ۱۷۰ ،
الضوء (تألیف برهان الدین باعونی) - ۷۰۳ ح.
الضوء اللامع فی‌اعیان القرن التاسع - ۲۳۴ .
الضوء اللامع فی‌شرح مختصرالشرایع - ۲۷۰۳.
ضیاء القلوب (نام‌یکی‌از قصائداظهری‌است) - ۵۶۱ .

ط

طبقات اکبری - ۹۹ .
طبقات سیوطی - ۱۹۲ ح .
طبقات الشافعیه (اسدی) - ۷۲ .
طبقات الشعرا - ۴ ، ۵ .
طبقات المغنین - ۷۹ .

الطراز (تألیف امام یحیی) ـ ۷٤ .
الطراز فی الحقیقه والمجاز ـ ۷٤ .
الطراز الموشی فی صناعت الانشا (شیخ محمد نجار) ـ ۷٤ .
طریق التحقیق (زادالسالکین) ـ ٤۹٤ .
طوطی نامه ـ ۲۰۹ .
طیف الخیال ـ ۱٥٤ ح .

ظ

ظفرالامانی فی مختصرالجرجانی ـ ۳٦۷ .
ظفرنامه تیموری (شرف الدین یزدی) ـ ٥٤۳ ح .
ظفرنامه شاه جهانی ـ ٦٦۰ .

ع

عاشق و معشوق (وحید قزوینی) ـ ٦۹۹ .
العباب (در لغت است) ـ **۱۷۴** .
العباب فی علم الاعراب ـ ۳۷۰ .
العبقری الحسان ـ ٤۲ .
عجائب البلدان ـ ۹۱ .
العرجان والبرصان والقرمان ـ ۷۹ .
عروض سیفی ـ ٤٤۹ .
عشق نامه (سنائی) ـ ٤۹٤ .
العشق والنساء ـ ۷۹ .
عشقیه یا عشیقه ـ ٥۱۸ .
العقد الفرید ـ **۴۳٦** .
عقدالجواهر ـ ۳۳۷ .
العقد النضید یاالدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید ـ ٤٦ .
العقود و المرجان (تفسیرجزائری) ـ ۳۲٦ .
العلل فی النحو ـ ۲۷۰ .
علل القرآت ـ ۱٦۷ .
علل القوافی ـ ۳۷ .
العلم والحال ـ ۲۸۹ ح .
العمده (درصرف) ـ ۳۱٥ .
عمدة الاحکام فی شرح عمدة الاحکام ـ ۲۳٦ .
عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب ـ ۱۲۰ .
» فی تحقیق صرف ابن حاجب ـ ۳۰٦ .
العنایه خفاجی ـ ۲۳۹ .
عنوان الزمان ـ ۷۳ .
عواطف الاستبصار ـ ۲۷۳ .
عودالشباب ـ **۵۰۷** .
العین (خلیل) ـ ۱٦۷ .
عین الحیات (دمامینی) ـ ۳۷٦ .
» (محمد مهدی قزوینی) ـ ۳۷۳ .
عیون الاخبار (مشتمل بر ده کتاب) ـ ٥۰ .
عیون الشرف ـ ٤٤۳ .
عیون الشعر (مشتمل بر ده کتاب) ـ ٤۰ .
العیون والمحاسن (عیون الحکم والمواعظ) ـ ۷٤ ح .

غ

الغاز نحویه ـ ۳۰٦ .
غایة المرام ـ ۲۸٦ .
غرایب الاخبار و نوادرالآثار ـ ۳۲٥ .
غرائب الصغر ـ ٥۳۹ .
غرائب القرآن (تفسیر نیشابوری) ـ ۳٥۰ .
غررالادآه ـ ٤۲ .
الغررالمنثه والدررالمبثه ـ ۲۳۷ .
الغره (ترجمه عربی صفری) ـ ۳٦۷ ح .
غریب الحدیث (ابن دریه) ـ ٥ .
غریب الحدیث (ابی عبید) ـ ۲۹۰ .
» (حربی) ـ ۲۷٤ .
» (قطرب) ـ ۲۷۰ .
غریب القرآن (ابن فارس) ـ ۲۸۸ .
» (ابن دریه) ـ ٥ .
غریب القرآن والحدیث (ابی عبید) ـ ۳۰۰ .
(نزهة الخاطر و سرور الناظر) ـ ۲۷۳ .
غریب المصنف (سیبای) ـ ۲۹۷ .
غریب نامه ـ ٤۹٤ .
غنیة الطالب ـ ۳۷۳ .
غنیة الاغانی ـ ۲۰٦ .

ف

فائق (زمخشری) ـ ٤۰۰ .
فتاوی فقیه العرب ـ ۲۸۸ .

فتح الجلید (شرح شواهد ابن عقیل) - ۲۳٤.
الفتح الربانی فی الرد علی النبانی - ۳۷٦ .
الفتح القدسی فی الفتح القدسی - ٥٠٥ .
فتح القدوس فی شرح خطبة القاموس - ۲۳۸.
الفتح القریب (حاشیه مغنی اللبیب) - ۳۸٥ ، ۳۸٦ ح .
فتح نامه (مفتاح الفتوح) - ٥۹٤ .
فتح نامه قندهار (صائب) - ٦۲۲ .
فتح نامه قندهار (وحید قزوینی) - ٦۹۹ .
الفتن والملاحم - ۲٤۲ .
فحول الشعر - ٥٥۳ .
فخر السودان علی البیضان - ۷۹ .
فخریه صغری - ۲۷۳ .
فخریه کبری - ۲۷۳ .
فراق نامه (سلمان) - ٦۰۷ .
فرائد الدّر - ٥ .
الفرائد والفلائد - ۱۴۷ .
فرائض سراجیه - ۳٦۷ .
الفرق - ۲۸۸ .
فروغستان - ۲۹ .
فرهنگ ابراهیمی - ۲۱۳ .
فرهنگ ابوحفص سغدی - ۲۱۳ .
فرهنگ ابومنصور علی طوسی (اسدی) - ۲۱۳ ،
فرهنگ اداة الفضلاء - ۲۱۳ .
« اسکندری - ۲۱۳ .
« اوبهی (تحفة الاحباب) - ۲۱۳ .
« تحفه السعاده - ۲۲۰ .
« حسنی - ۲۱۳ .
« حسین وفائی (نسخهٔ حسین وفائی) - ۲۲۱.
« دستور - ۲۱۳ .
دستور الافاضل - ۲۱۳ .
« دستور الفضلا - ۲۱۳ .
« دیوان خاقانی - ۲۱۳ .
« رسالة النصیر - ۲۱۳ .
« زبان گویا (هفت بخشی) - ۲۱۳ .
« سعد بن نصیر (سخن نامه نظامی) - ۲۱۳.
« شاهنامه - ۲۱۳ .
« شیخ زاده عاشق - ۲۱۳ .
فرهنگ ضمیر یا ضمیری - ۲۱۳ .
« ظهیر - ۲۱۳ .
« عاصمی - ۲۱۳ .
« عالمی - ۲۱۳ .
« شیخ عبدالرحیم بهاری - ۲۱۳ .
« عبدالله نیشابوری - ۲۱۳ .
« عجائب - ۲۱۳ .
« علی نیک پی - ۲۱۳ .
« میرزا فتح الله رازی - ۲۲۷ .
« فتنة الفتیان - ۲۱۳ .
« فتنة الطالبین - ۲۱۳ .
« فخر غواس (مشهور بفخر غواس) - ۲۱٤.
« فوائد برهانی - ۲۱۳ .
« فوائد الفؤاد - ۲۱٤ .
« قطران - ۲۱۳ .
« لسان الشعراء - ۲۱۳ .
« محمد بن قیس - ۲۱٤ .
« محمد ابن هندو شاه (صحاح العجم) - ۲۱٤
« شیخ محمود بهاری - ۲۱۳ .
« مختصر - ۲۱٤ .
« منصور شیرازی - ۲۱٤ .
« مؤید الفضلاء - ۲۱٤ .
« نیازی (جامع اللغات) - ۲۱۳ .
فرهنگ مولانا الهداد سرهندی - ۲۱٤ .
فصل الخطاب (صد کلمه عمر) - ٤٤۰ ح .
فصل الدره من الخزره فی فضل السلامه علی الخبزه ۲۳٦ .
الفصول (ابن دهّان) - ۲۹۹ .
فصل الائمه - ۷۹ .
فصول نصیریّه - ۳٦٥ .
الفصیح - ۲۸۹ .
فقر البلغا - ٥٥۳ ح .
فضائل الاتراك - ۷۹ .
الفضل الوفی فی العدل الاشرفی - ۲۳٦ .
فقه اللغه (الصاحبی) - ۲۸۸ .
الفلاح لشرح المراح (شرح مراح الارواح) - ۳۹۳ .
الفلك الدائر علی المثل السائر - ٤۲ .

فوائدالاصول ـ ۲۷۳ .
الفواکه البدریّه ـ ۳۷۶ .
فوائد غرویه ـ ۳۳ .
فوائد القلائد (مختصر شرح شواهد عینی) ـ ۳۸٤ ح .
فوائدالکبر ـ ۵۳۹ .
فهرست اسپرنگر ـ ۸ ح .
فهرست ایندیا افیس ـ ۷۰۰ .
» شواهد مغنی ـ ۳۷٤ .
» کافیه ـ ۳۷۳ .

ق

قائمهٔ لطف الله حلیمی ـ ۲٦۵ .
قاطع برهان ـ ۱٦۳ .
قانون (مقالات متوالیه ملکم) ـ ٦۸ .
قانون استیفا ـ ۵۱۸ .
القدح القدسی فی فتح القدسی (الفتح القدسی) ـ ۵۰۵ .
قدح المغنی فی مدح المعنی ـ ۹۳ .
القراح بتکمیل الصحاح ـ ۲۰۱ .
قران سعدین ـ ۵۱۸ .
قسطاس ـ ۲۱۳ .
قصائد مشهوره عرب ـ ۳٦ .
قصائد هفتگانه ـ ٤۲ .
قصص الانبیاء ـ ۳۲۵ .
قصه شیخ صنعان ـ ۵۳۹ .
القصیده الموشحه بالاسماء المونثه ـ ۳۳۱ .
قطرالندی ـ ۳۵٦ .
قطرالندی منظوم ـ ۳۵٦ .
قلائد الادب فی شرح اطباق الذهب ـ ۱۳ .
قلائد الشرف ـ ۵۵۳ .
قلائد العقیان ـ ۵۰۸ .
قراضة الذهب فی علم النحو والادب (مختصر مغنی اللبیب) ـ ۳۹۵ .
قوس نامه ـ ٦۵۸ .
قواعد الاعراب ـ ۳۱۰ .
القواعد الکبری (قواعد الاعراب = الاعراب عن قواعد الاعراب) ـ ۳۰۷ ح .
قواعد المرام ـ ۵۲ .
القول المأنوس (حاشیهٔ قاموس) ـ ۲٤۰ .
» بشرح مغلق القاموس ـ ۲۳۸
» فی تحریر القاموس ـ ۲۳۸ .
» فی صفات القاموس ـ ۲٤۰ .
القوافی (دماميني) ـ ۳۷٦ .
القوافی (قطرب) ـ ۲۷۰
القیح القسی فی فتح القدسی (الفتح القدسی) ۵۰۵ .

ک

کارنامه بلخ ـ ٤۹٤ .
کافی فی شرح الهادی ـ ۳۱۳ .
کافیه (بدیعیه صفی حلی) ـ ۳۷۳ .
کامل التعبیر ـ ۳۴۷ ح .
کامل مبرّد ـ ۵ .
کبری ـ ۳٦۷ .
کتاب الاشربه ـ ۵ .
کتاب الفقیه (درنسخه چنین ضبط شده شاید الفقیه باشد) ـ ۵ .
کتاب البلاغه ـ ۲۸۸ .
کتاب الحیوان (جاحظ) ـ ۷۹ .
کتاب الخیل ـ ۵ .
کتاب درجمع همزیه وطرّ ـ ٤۰۷ .
کتاب در معمّا ـ ۳٦۷ .
کتاب الروح ـ ۱٦۷ .
کتاب الزیادات فی شعر ابن تمام ـ ۱۵۳ .
کتاب الشعر ـ ۵۵۳ .
کتاب صغیر الحجم ـ ۲۸۹ .
کتاب العین ـ ۵ .
کتاب الغم والحزن ـ ۲۸۹ .
کتاب علی علیه السلام ـ ۱۳۲ .
کتاب فعل وافعل ـ ۲۷۰ .
کتاب المعارف ـ ۵ .
کتاب الهمزه ـ ۲۷۰ .

کشف الستاره عن نهج البلاغه - ۱٤۸ .
کشف غوامض القرآن - ۲۷۳ .
کشف الکشاف - ۲٤۲ .
کشف اللغات - ۲۲۷ .
کفایه سبزواری - ۳۳.
کفایة الطب - ۲٤۸ .
کفایة المتعلمین فی اختلاف النحویین - ۲۸۸.
کلمات علیه غرّا - ۱۴۷ .
الکلم الطیب - ۲۰٤ ح .
کلیات ملکم - ٦۸ .
کلیله و دمنه منظوم (رودکی) - ٦۰۳ .
کنز الاسامی - ۲۹٦ .
کنز الرموز (سیر العباد الی المعاد) - ٤۹٤ ح .
کنز العلوم واللغه (دائرة المعارف فرید وجدی)- ۱۲۱ .
الکنز المذکور فی عمل الساعات والایام اللیالی والشهور-۲۷۳ .

گ

گاهنامه - ٥۱۲ ح .
گلستان سعدی - ٦۷ .
گنج شایگان - ۳۰ .
گنجینة الحق - ٤٥۳ .
گنجینه معارف (مجله) - ۷۰.
گلشن راز - ۱۳۱ .

ل

لآلی عمان (جواهر خسروی) - ٥۱۸ .
لامیة الافعال (المفتاح - بنیة الافعال) - ۳۰٤.
لب الالباب یا لباب اسفراینی - ۳٦۹ .
لب التأویل - ۳٥۰ .
لسان الشعراء - ۱٦۱ .
لسان العرب - ۲٤۱ .
لطائف الخیال - ٤۸۰ .
لطائف المثنوی (شرح مثنوی) - ۱۲۷.
لطائف اللغه - ۲۲۸ .
لطیفة العرفان (الهی نامه سنائی) منتخب حدیقه- ٤۹۹ .
اللامع المعلم العجاب الجامع بین المحکم والعباب - ۲۳٦ .
اللبا واللبن - ٥ .
اللمع فی شرح الجمع - ۲۷۳ .
لمعه مظفریه - ۸٦ .
لوایح - ۳٥۸ .
لیلادقی - ٥۲۱ .
اللیل والنهار - ۲۸۸ .

م

مادار بین الرضی و ابی اسحق الصابی (مباحثات رضی وصابی) - ۱٥۳ .
مبادی فی التصریف - ۳۱۳ ح .
منحیّز الالفاظ
المتشابه فی القرآن (حقائق التأویل) - ٥۲ ح .
المتفق وضعاً المختلف صقعاً - ۲۳٦ .
المثلث المتفق المعنی - ۲۳۷ .
المثلث الکبیر - ۲۳٦ .
المثل السائر - ٤۲ .
مثنوی ملای روم - ۲۲۷ .
مجازات الآثار النبویه - ۱٥۲ .
مجازات الحدیث (مجازات الآثار النبویه) - ۱٥۲ ح.
مجالس النفائس (بپوسته به شمارهٔ ده کتابخانه و ۸۹۱ فهرست است) - ۲٦۸ .
مجامیع نواجی - ۷۲ .
مجله ارمغان - ٤٦۲ .
مجله المقتبس (المقتبس) - ٥ .
مجمع البحرین (محب و محبوب) - ٦٥۹ .
مجمع الحکمتین و جامع الطبین - ۱۷٥ .
مجمع السئوالات من صحاح الجوهری - ۲۳۷ .
مجمع الشتات - ۲۷۳ .
مجموعهٔ رباعیات (دقائق الخیال) از اشخاص مختلف - ٤۸۰ .
مجموع المتون الکبیر - ٤۳۳ .
مجمل اللغه ۲۸۹، ۲۹۰ .
مجنون ولیلی (یکی از کتابهای خمسه امیرخسرو دهلوی است) - ٥۱۸ .
مجیب الندی الی شرح قطر الندی (شرح قطر) - ۳٥۷ ح .
المحاسن والاضداد - ۷۹ .
محب و محبوب (محب ومحبوب) - ٦٥۹ .
محبوب القلوب (امیر علیشیر نوائی) - ٥۳۹.

محبوب القلوب (اشکوری) - ٤٩ ح .
محرّر - ٤٠٧ .
محرق قاطع برهان - ١٦٣ .
محصل (امام فخررازی) - ٤٢ .
المحصل دیباجی (شرح مفصل زمخشری) - ٣٨٢ ح.
محصول - ٤٢ .
محفظة الانوار - **١٤٨** .
المحکم - **١٧٤** .
محمود و ایاز (صائب) - ٦٢٢ .
مختار الشعر (ابی اسحق صابی) - ١٥٣.
مختصر الاصول (ابن حاجب) - ٣٣١ ح .
مختصر در فقه (ابن حاجب) - ٣٣٠ .
مختصر اصلاح المنطق (مطرزی) - ٣٩ .
مختصر حیوة الحیوان دمیری (مقاطع الشرب) - ٣٧٦ .
مختصر درة الغواص - ٢٠ .
مختصر شرح ابن میثم بر نهج البلاغه - ٥٣ .
مختصر الشرح الکبیر والجامع النفیس - ٣٣٣ .
مختصر شرح مقامات شریشی (شهاب الدین - حجازی) - ٣٧ .
مختصر شرح نهج البلاغه (علامه) - **١٣٦**.
مختصر الصحاح (شیخ مفلح صیمری) - ٢٨٨.
مختصر قاموس (تقی الدین کرمانی) - ٢٣٩.
مختصر القاموس - **٣٤٠** .
مختلف الحدیث - ٥ .
مختصر مجمع الفرس (خلاصة المجمع) - ٢٢٣.
مختصر المصباح - ٣٩ ح .
مختصر مفتاح در علم معانی (المصباح) تألیف ابن - ناظم - ٣٣٥ .
مختصر منظومه نسفی (الفیه) - ٤٣٣ .
مختصر نوادر القالی - ٣٧ .
مخلاة - ٢٠٤ .
مداد الخطوط - ٢ .
مدار الافاضل - ٢٢٧ .
مدح التجار و ذم عمل السلطان - ٧٩ .
مدخل منظوم - ١٩١ .
مرآت الخیال (صائب) - ٦٢٢ .
مرآت الصفا - ٤٧٥ ح .
مرآت العالم - ٢١٩ .
مرآت المثنوی - ٢٢٧ ح .
المراتب والمناقب (جزء عیون الشعر است) - ٥.
مراتع الغزلان - ٧٣ .
مراثی الحسین ع (کبیر، صغیر، وسیط) - ٢٧٣.
مراقی النجابه فی قواعد الکتابه - ١٤٥ .
مرج البحرین اویسی - **٣٤٠** .
مرزبان نامه - ٩٤ .
المرصع فی الاباء والامهات (البنین والبنات والاباء والامهات) - ٣٠٠.
مرقاة الادب (نطنزی) - ١٧٨ .
المرقاة الارفعیة فی طبقات الشافعیه - ٢٣٧ .
مرقاة الفقه - **١٧٧** ح .
المرقاة الوفیه فی طبقات الحنفیه - ٢٣٦.
المزهر - ٢٨٩ .
المسائل والجوابات - ٥ .
مسائل سفریه (ابن هشام) - ٣٠٧ .
مسائل فی الفقه - ٢٨٩ .
مسالک ابن فضل الله - ١٩٢ .
مستطرفات نهج البلاغه - ٢٧٣.
مستوجبة التشریف بتوضیح الشرح التصریف - ٣١٨ ح .
مسرح الفؤاد - ٦٩.
مشارب التجارب - ١٢٤ .
مشایخ الشیعه - ٢٨١ .
المشکل - ٥ .
مشکل القرآن - ٥ .
مشکل الوسیط - ١٩٥ .
مشکوة الانوار (تفسیر قرآن کریم است) - ٣٣.
مشکوة النجاة - ٤٩٠ .
المشوق المعلم فی تلخیص الجمع بین العباب والمحکم ١٧٤ ح .
المصباح (مختصر مفتاح تألیف ابن ناظم) ٣٣٥.
مصباح در نحو - ٣٩ .
مصباح الارواح - ٤٨٧ .
مصباح السالکین (شرح ابن میثم بر نهج البلاغه) - ٥٣ .

مصباح المنیر - ۲۴۲ .
مصباح ناصر الدین مطرزی - **۳۷۲** .
المصطفی والمختار - ۲۹۹ .
مصنف الغریب (ابی عبید) - ۲۹۰ .
مطالع الانوار - ۵۸۰ ح .
مطلع الانوار (یکی از کتب خمسه امیر خسرو است ونسخه آن در این کتابخانه نیست) - **۵۱۸** .
مطلوب کل طالب (صدکلمهٔ امیر المؤمنین علیه السلام) - ۴۴۰ ح .
المظنون به علی غیر اهله (عز الدین) - ۳۱۳ .
« « « « « (غزالی) - ۳۱۳ ح .
مظهر البینات و مظهر الدّلالات - ۴۵ .
معارج نهج البلاغه (شرح نهج البلاغه بیهقی) - **۱۲۴** .
المعارف (ابن قتیبه) - ۱۲۷ .
معالم التأویل والتبیان (شرح خطبة البیان) - **۱۴۰** .
معانی الشعر (دارای ۱۲ کتاب است) - ۴ .
معانی القرآن (سید رضی) - **۱۵۳** .
« « (قطرب) - ۲۷۰ .
المعراج السماوی - ۵۲ .
معرب الکافیه (تألیف مرعشی) - ۳۰۹ .
المعرب (لغة فقهی تألیف مطرزی است) - ۳۹ .
معیار جمالی - ۲۲۰ .
المغانم المطابه فی معالم طابه - ۲۳۶ .
المغرب فی ترتیب المعرب - ۳۹ .
المغنی (= اسماء النبی) - ۲۸۹ ح .
« (جاربردی) - ۳۴۹ .
المغنی (شرح ایضاح ابوعلی) - ۳۱۵ .
مفاتیح فیض - ۳۳ .
مفردات در فن معما و عروض - ۵۳۹ .
المفتاح (شرح بزرگ مصباح - تألیف افضل اسفراینی) - ۳۷۲ .
المفتاح (جرجانی) - ۳۱۵ .
مفتاح البدایع - ۴۴۱ .
مفتاح التواریخ - ۵۲۶ .
مفتاح العلوم - **۴۳۱** .
مقاتل الطالبیین
المقاصد النحویه فی شرح شواهد شروح الالفیه (شرح شواهد عینی) - ۳۸۴ ح .
مقاطع الشرب (مختصر حیات الحیوان دمیری) - ۳۷۶ .
مقالات زمخشری - ۸۰ .
مقامات فیروز آبادی - ۲۳۷ .
المقتبس (مجله المقتبس) - ۵ .
مقتبس السیاسیه (شرح عهدنامه مالك اشتر) - **۱۴۱** .
المقتبس فی توضیح ما التبس فخر اسفندری - ۳۸۲ ح .
مقدمه ازهریه - ۳۱۰ .
مقدمة فی العروض - ۳۳۶ .
مقدمة فی المنطق - ۳۳۶ .
مقدمة فی النحو (ابن فارس) - ۲۸۸ .
« « (جوهری) - ۱۹۴ .
المقصد الجلیل فی علم الخلیل - ۳۳۱ .
مقصود ذوی الالباب فی علم الاعراب - ۲۳۶ .
مکتوب وحید قزوینی - ۷۰۰ .
ملتقط الصحاح - ۲۸۰ ، ۲۸۱ .
ملحة الاعراب - ۱۹ .
ملحمه دانیال (اصول الملاحم) - **۳۴۷** .
ملل و نحل - ۷۸ .
ملوك الکلام (سلطان محمد بن فتحعلیشاه) - ۴۷۸ .
مناسك حج (جامی) - ۳۵۹ .
مناقب مولانای روم - ۳۵۹ .
مناقب خواجه عبدالله انصاری - ۳۵۹ .
منتخب الخلاف - ۲۸۱ .
منتخب دیوان سیدرضی (انشراح الصدر) - ۱۵۴ .
المنتخب فی الزیارات والخطب (مرائی الحسین) - ۲۷۳ .
منتهی الارب فی لغات العرب - ۲۴۰ .
منتهی السئول والعمل فی علمی الاصول والجدل - ۳۳۱ ح .
منتهی عمل الادیب من الکلام علی مغنی اللبیب (شرح مغنی اللبیب) - ۳۷۹ .

منشور الادب الهی و دستور العمل کار آگاهی - ٦٤ .
منح الباری بالسیح الفصیح الجاری فی شرح صحیح البخاری - ۲۳۵
منشآت (امیر علیشیر) - ٥۳۹ .
منطق العشاق (دهنامه) - ٤۸۷ .
منظومه جزری (الهدایه) - ۲۰ .
منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (سید حبیب الله خوئی) - ۱۳٦ .
منهاج بنائی - ۳۷٦ .
منهاج البراعه (قطب راوندی) - ۱۲٤.
منهاج العارفین فی شرح کلام امیر المؤمنین (شرح مائة کلمة الجاحظ تألیف ابن میثم) - ۸۰.
منهاج الولایه (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۱ .
منهج الفصاحه (شرح نهج البلاغه تألیف الهی اردبیلی) - ۱۳۹ .
منهج الیقین - ٦۱ .
منیة الراجی فی الجوهر التاجی - ۹۳ .
منیة السئول فی دعوات الرسول - ۲۳٦ .
ماهو نهج البلاغه - ۱۱۰ .
موارد الکلم - ٥۲۱ .
موصل (شرح مفصل) - ۳۹۸ .
موقد الاذهان و موقظ الوسنان - ۳۰٦ .
مؤید الفضلا (فرهنگ مؤید الفضلا) - ۲۲۱
مهر وماه حسینی - ٥۱۰ ، ٥۱۱.
میخانه (صائب) - ٦۲۲ .
میزان الادب - ۳۳۱ .
میزان الاعتدال - ۱۱٤
میزان البلاغه - ٤۲۸ .
المیسر والقداح - ٥ .

ن

ناظر و منظور - ٦۹۸ .
الناموس (شرح قاموس) - ۲۳۹ .
نتایج الافکار - ٥۲٥ ج .
نثر اللالی در فقه - ۱۰۳ .
نثر منتخبی از دیوان انوری و کمال اسمعیل و سلمان - ۱۰۱ .
نجاة القیامه فی تحقیق امر الامامه - ٥۲ .
نجد الفلاح - ۲۸۰ .
نخبه التواریخ - ٥٥ ج .
النخب الطرائف فی النکت الشرائف - ۲۳٦ .
نزول الغیث - ۳۷٦ .
نزهة الخواطر - ۱۸۹ .
نزهة الخواطر و سرور الناظر (غریب القرآن) ۲۷۳ .
نزهة الاذهان فی تاریخ اصفهان - ۲۳٦ .
نزهة الساسانیه - ٦۸۲ .
نزهة القلوب (حمدالله مستوفی) - ٥٦٥ ج .
نزهة الناظر بالطرف فی شرح علم الصرف - ۳۱۸ ج .
نسائم المحبه - ٥۳۹ .
نسخه حسین وفائی (فرهنگ حسین وفائی) - ۲۲۱ .
نسمة السحر - ۱۳۳
نصاب الصبیان - ۱۸۷ .
نصاب مثلث - ۲۲۱ .
نصایح الملوک و آداب السلوک - ۳۳ .
نصرة الفره وعصرة القطره - ٥۰٥ .
نظام الغریب - ۲۳۹ .
نظم الجواهر (نوائی) - ٥۳۹ ج .
نظم القرآن - ۷۹ .
نظم کلیه (از خود ابن حاجب) - ۳۳۱ .
نظم لبیبی منطق - ٤۹۰ .
نفائس (شرح نهج البلاغه) - ۱۳٦ .
النفحة العنبریه فی مولد خیر البریه - ۲۳٦ .
نقد الشعر - ۲۸۹ .
نقد النصوص - ۳٥۸ .
نقض المحصول - ٤۲ .
النکت الطریفه (شرح الصحیفه) - ۲۷۳ .
نگارستان (ابن کمال پاشا - نصر کلستان) - ۲٦۰ .
نگارستان دارا - ۲۲٤ .
نمکدان دین (نامه یکی از مثنوی های محمد داود است) - ٥۹۸ .
نوادر (ابوعلی قالی بغدادی) - ٥ .

النوادر (قطرب) ـ ۲۷۰.
نوادر الشباب ـ ۵۳۹ .
نورالصباح فی اغلاط الصحاح ـ ۱۹۵.
نهایة الادراك ـ ٤۳۱ .
نیرنات فصاحت (شرح نهج البلاغه)ـ۱۳۷.

و

الوافیه (نظم کافیه از ابن حاجب) ـ ۲۹۱.
وامق و عذرا (عنصری) ـ ٦٤٥ .
وجه دین ـ ٦۸۷ .
الوجیز (تفسیر ابن عتائقی) ـ ۱۲۸ .
وسط الحیات (دیوان امیر خسرو) ـ ٥۹٤ .
وسیله العفاة الی اکفی الکفاة ـ ۹۳ .
وسیلة المقاصد ـ ۲٦٥ .
الوشاح (تألیف بیهقی) ـ ٤٤۷ .
الوشاح وتنقیف الرماح ـ ۲٤۰ .
وصف الحال (حسینی) ـ ٥۱۰ ، ٥۱۱ .
الوصل والمنی فی نضل منی ـ ۲۳٦ .
وقوف قرآن کریم (نظام الدین نیشابوری)ـ ۳٥۰ .
الوکلاء (جاحظ)ـ ۷۹ .
ویس ورامین ـ ۵۳۱ .

ه

هادی (شرح تصریف عزی) ـ ۳۱۳.
الهادی (تألیف عبدالغفار قزوینی) ـ ۳٤۹.
هدایات الحسام فی عجائب الهدیات للحکام= (شرح عهدنامه مالك اشتر) ـ ۱۴۱ .
الهدایه (منظومه جزری) ـ ۲۰.
هدایه اثیریه ـ ٤۰۷ .
هفت اورنگ ـ ۳٥۸ .
(فرهنگ زبان گویا و جهان پویا) هفت‌بخشی- ۲۱۳ .
هفت پیکر (صبا) ـ ٦۲٦ .
هفت کشور (یکی از خمسه فیضی است)ـ٥۲۲

ی

یتیمة الدهر (از مآخذاست) ـ ٥۰٦ .
ینابیع اللغه ـ ۱۹٦ .
یوسف و زلیخا (آذر) ـ ٤٥۲ .

فهرست اعلام

در این مجلّد چون مجلّد پیشین نامهای کسانیکه مؤلف کتابی و یا نویسندهٔ نسخه ای بوده اند و یا بمناسبت از آنها نام برده شده بترتیب حروف تهجی مرتب گردید و برای اینکه نگاه کنندگان بزودی مطلوب خویش را بیابند اصطلاحاتی راکه بکار برده ایم یادآور میشویم :

۱ ـ نامی که باحروف سیاه نوشته بشرح حال وی پرداخته شده وصفحه ایکه شامل شرح حال اوست دراین علامت[ ]گذارده‌ایم وچون مؤلفهٔ دیگری نیز ازوی دراین فهرست معرفی‌شده‌باشدشمارهٔ صفحهٔ آن در این‌علامت( ) قرار داده شده وشماره هائیکه در یکی از این دو علامت نباشد میرساند که فقط نام آن شخص در آن صفحات یادگردیده است .

۲ ـ چون کسی دارای لقب و کنیه ونام وشهرت باشد درذیل نام مشهوروی معرفی‌کامل ودر ذیل‌دیگرنامها نیز معرفی ویاحواله بنام مشهوروی گردیده‌است .

۳ ـ کسیکه مؤلفه ای ازاو دراین مجلد نبوده ولی بمناسبت مختصر معرفی گردیده باشد شمارهٔ صفحه‌ایکه شامل آنست باشمارهٔ سیاه نمایانده شده .

٤ ـ چون کسی را در حاشیهٔ صفحه‌ای نام برده باشیم پس از شمارهٔ صفحه حرف ح گذاره ایم .

٥ ـ پس از نام یاشماره‌ای چون حرف « ك » بوده باشد میرساند که آنشخص نویسنده نسخه است .

فهرست اعلام

آخوندزاده (ملا فتحعلی بن میرزا محمد تقی) - [۲۴-۲۸] ، (۹۶-۹۷) و ۹۸ .
آذر (مؤلف آتشکده - حاج لطفعلی بیگدلی) [۴۵۲-۴۵۶]
گذشته از اینکه در این صفحات ذیل آتشکده نام برده شده چون این کتاب از مآخذ است در بسیاری ازصفحات نام وی برده شده .
آذری - شیخ - ۵۱۷، ۶۴۲ .
آزاد کشمیری - ۴۷۱ .
آصف قزوینی - میر - **۱۴۳** .
آقابابا شاه میرزائی ۲۰۹ ك .
آقابزرگ - شیخ (محمد حسن طهرانی مؤلف الذریعه الی تصانیف الشیعه میباشد که از مآخذ است ومکرر نام برده شده) .
آقای بهبهانی (محمدباقر) - ۲۵۲ .
آقاجمال خونساری - [۳۳-۳۶]، ۷۷، ۱۴۵ .
آقا حسن - ۵۸ .
آقا حسین خونساری - ۳۲۵ .
آقاخان (پدر آذربیگدلی) ۴۵۲ .
آقاسی - حاج میرزا - ۶۱۹ .
آقا علی حکیم - ۴۹۰ .
آقاملك = آقملك (امیرشاهی دیده شود) .
آقا محمد علی بهبهانی - ۲۵۲ .
آل افراسیاب (ملوك خانیه) - ۶۱۰ .
آل ظفر (رجوع به جلال الدین بن شریف حسن شود) .
آل مروان - ۶۱۳ .
آمدی (مؤلف غررالحکم ودرالکلم - ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد تمیمی) - ۳۴، ۳۶، [۷۶-۷۸]، ۸۰، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۴۵ .
ابان بن تغلب - ۶۲ .
ابدال سنجان = شاه سنجان (رکن الدین محمود) - ۶۵۶ .
ابراهیم - امیر - ۶۵۹ .
ابراهیم بن ابوالفتح (ابن خفاجه) - [۵۴۸-۵۵۰] .
ابراهیم بن احمد - ۳۴۸ .
ابراهیم بن اسحق - ۲۹۰ .
ابراهیمی - ۲۱۳ .
ابراهیم انوار - حاج سید (حاج مدرس) - ۴۲۱ ح .
ابراهیم پاشا (وزیر) - ۲۵۹ .
ابراهیم بن حسین خوئی - **۱۳۵** :
ابراهیم خان - ۴۹۱ ح .
ابراهیم سلطان - شیخ - ۴۰ .
ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی - ۱۹۰، ۲۱۴، ۲۲۱، [۲۲۹-۲۳۲] .
ابراهیم بن صالح ورّاق - ۱۹۶ .
ابراهیم قوام فاروقی - [۱۸۹-۱۹۲]، ۲۲۰ .
ابراهیم اللقبانی - **۳۱۸** ح .
ابراهیم بن محمد حلبی - **۲۳۹** .
ابراهیم بن محمد اسفرایینی (عصام الدین) - [۳۲۰-۳۲۲] ، ۳۲۳، ۴۱۰ و (۴۲۳-۴۲۴) .
ابراهیم بن محمد حسین غفاری - ۱۹۹ .
« « محمد مهدی (بدایع نگار) - **۱۴۲** .
« « محمد هروی - **۲۴۰** ح .
ابراهیم مرتضی (جد سید مرتضی) - ۱۲۰ .
ابراهیم میرزای صفوی - ۵۷۶ .

ابن ابی جمهور الاحسائی - ۳۲۵ .
ابن ابی الحدید (عزالدین عبدالحمید بن هبة الله) - [۴۱-۴۹] ، ۵۶۰ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۵ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۳۰ ، ۱۳۲ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۳۹ ، ۱۴۶ ، ۱۴۸ ، ۱۵۰ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶ ، ۳۶۱ .
ابن ابی الشحناء - ۱۱۷ .
ابن اثیر جزری (ضیاء الدین نصر الله) - **۴۲** و ۲۹۹ .
« « (عزالدین علی - ابوالحسن) - ۲۹۹ .
ابن اثیر جزری (ابوالسعادات مجدالدین مبارك بن عبدالکریم) - [۲۹۷-۳۰۲] .
ابن ام قاسم - **۳۸۴** ح .
ابن انباری (ابوبکر محمد بن قاسم) - **۷** .
ابن الاهدل - ۵۵۳ .
ابن ایاس - ۷۲ .
ابن بابویه (بنی بابویه) - ۲۹۸ .
ابن البهلوان (ادریس بن حاج سلیمان) - ۵۴۵ .
ابن التعاویذی (محمد بن عبیدالله بن عبدالله) - [۵۴۶-۵۴۸] .
ابن جزری - ۷۳ .
ابن جنی - ۱۵۴ ح ، ۳۸۳ .
ابن جوزی (ابوالفرج بن جوزی) - [۸۱-۸۵] ، ۲۸۵ ح .
ابن حاجب (جمال الدین ابوعمرو عثمان بن عمر مالکی) - ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۲۱ ، [۳۳۰-۳۳۲] ، (۳۹۰-۳۹۲) ، ۴۱۹ ، ۴۲۷ ، ۴۳۱ .
ابن الحجاج - ۱۵۳ .
ابن حجر - ۲۳۳ ، ۲۳۹ ، ۲۶۹ ، ۴۳۳ ح .
ابن حجه حموئی (تقی الدین) - ۳۷۶ ، ۵۰۱ .
ابن حنبلی (محمد بن ابراهیم حلبی) - **۳۱۸** ح .
ابن خالویه (حسین بن احمد) - **۳۱۵** .
ابن الخشاب (ابومحمد عبدالله بن احمد) - ۱۱۶ ، ۱۵۳ ، ۳۹۳ .
ابن خفاجه (ابواسحق ابراهیم بن ابوالفتح) - [۵۴۸-۵۵۰] .
ابن خلدون (تاریخ تألیف وی از مآخذ است و نام وی بسیار تکرار شده) .
ابن درید (محمد بن الحسن اللغوی) - ۷ .
ابن الدهان (یحیی بن سعدون قرطبی) - ۲۹۸ ، ۲۹۹ .
ابن الزبعری - ۵۸۵ .
ابن السقا (احمد بن علی بن مسعود) - [۳۹۳-۳۹۴] .
ابن السکیت - ۳۹ ، ۱۶۷ ، ۲۹۰ ، **۲۹۷** .
ابن السمعانی - ۵۰۶ .
ابن سید بطلیوسی (عبدالله بن محمد بن سید بطلیوسی) - **۶** .
ابن سیده - ۱۷۴ ح .
ابن سینا (ابوعلی ، شیخ الرئیس) - ۱۲۷ ، ۴۳۱ ، ۵۲۵ ح .
ابن الشحنه (محب الدین محمد بن محمد بن محمد) - ۴۱۷ - [۴۳۲-۴۳۴] .
ابن شهر آشوب - ۷۶ ، **۱۳۰** .
ابن صائغ دمشقی (شمس الدین محمد بن حسن بن سباع) - ۲۷۹ .
ابن صلاح - ۱۹۵ .
ابن طاوس - سید - **۱۳۶** ، ۲۹۸ .
ابن عباس - ۱۱۶ ، ۲۳۵ ح .
ابن عبدالبر - ۱۲۷ ، ۱۲۸ .
ابن عنائقی - ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، **۱۳۷** ، ۱۲۸ ، ۱۳۴ ، ۱۳۸ .
ابن عتیق (شریف نقی) - ۴۵۸ .
ابن عبدربه (ابوعمرو احمد بن محمد بن عبدربه) - ۳۱۱ ، [۴۳۶ ، ۴۳۷] .
ابن العربی - ۱۳۱ .
ابن عقیل (بهاءالدین عبدالله بن عبدالرحمن) - ۳۰۳ ، [۳۳۳-۳۳۵] ، ۳۳۸ ، ۳۳۹ ، ۳۴۰ ، ۳۸۴ ح .
ابن علقمی - ۴۲ ، ۴۳ و ۴۷ .
ابن عمر یلخی - ۳۷۶ .
ابن عمید - ۲۸۸ .
ابن العنقا - **۱۳۸** .
ابن فارس (ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا) - ۸۵ ح ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۱۳۱ ، ۱۹۶ ، [۲۸۵-۲۹۳] و ۵۵۳ .

ابن فارض (عمر بن ابی الحسن حموی مصری) - ۳۵۸ و [۵۵۰-۵۵۲].
ابن فضل الله - ۱۹۲ ح.
ابن قبه (ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی) - ۱۱۷.
ابن قتیبه (ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه) - [۴-۸]، ۸۲ و ۱۲۷.
ابن کمال پاشا (احمد بن سلیمان) - [۲۵۹-۲۶۱]، ۳۱۹، ۳۹۳ و (۳۹۹-۴۰۰).
ابن لؤلؤ زرکشی - ۳۷۶.
ابن مالک (محمد بن عبدالله بن مالک) - ۳۲، ۷۳ ح، [۳۰۳-۳۰۶]، ۳۱۳، ۳۳۶، ۳۸۴ و ۳۸۸.
ابن المصنف (ابن معطی دیده شود).
ابن المعالی (سعد بن علی موافق) - ۵۰۵.
ابن معطی (یحیی بن عبدالمعطی) - ۲۷، ۳۰۳ و ۳۳۶ ح.
ابن مقفع - ۱۴۱.
ابن مقله - ۱۹۴.
ابن مکتوم - ۱۷۴ ح.
ابن ملا (احمد بن محمد بن علی) - [۳۷۹-۳۸۰].
ابن منظور الافریقی - ۲۴۱.
ابن میثم (کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی) - [۴۹-۵۴]، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۸۰، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۵۵، ۱۵۸ و ۲۸۷.
ابن ناظم (ابن المصنف (بدرالدین محمد بن محمد بن مالک) - ۳۰۳، [۳۳۵-۳۳۶]، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱ و ۳۸۴ ح.
ابن ندیم (مؤلف فهرست مشهور است که یکی از مآخذ نگارش است).
ابن نوبخت - ۴۲.
ابن هانی - ۶۷۶.
ابن هشام بصری - ۳۰۶ و ۳۰۸.
ابن هشام نحوی (جمال الدین ابو محمد عبدالله بن یوسف) - ۷۳، ۳۰۳، [۳۰۶-۳۰۸]، ۳۱۰، (۳۳۲)، (۳۵۶)، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۰، ۳۸۴ ح، ۳۸۵، (۳۹۴-۳۹۷).
ابن هلال نحوی (شمس الدین محمد) - ۳۱۸.
ابن یمین - ۲۶۱.
ابواسحق (حاکم اندلس) - ۵۴۹.
ابو اسحق اسفراینی - ۳۲۰.
ابواسحق شیرازی - ۱۵۳ ح، ۲۳۳، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۸۰ و ۵۸۱.
ابواسحق صابی - ۱۵۱ و ۱۵۳.
ابوایوب مورانی (سلیمان بن ابی سلیمان) - ۴۱۹ ح.
ابوالبقا - ۳۸۳.
ابوبکر (اتابک نصرة الدین) - ۵۲۹ و ۵۳۰.
ابوبکر خوارزمی - ۸۷.
ابوبکر بن درید - ۲۹۰.
ابوبکر صدّیق - ۲۳۳.
ابوبکر صولی - ۵۵۳ و ۵۵۴.
ابوتراب رازی - امیر - ۴۷۵.
ابوتمام طائی (حبیب بن اوس) - ۱۶۷ و [۵۵۲-۵۵۴].
ابوالجیش (محمد بن انصاری) - ۴۴۸.
ابوحامد غزالی - ۲۱۳ ح.
ابوالحسن (امیرخسرو دهلوی دیده شود).
ابوالحسن اصفهانی - ۳۲۷.
ابوالحسن بیهقی - ۹۱ و ۱۲۷.
ابوالحسن جهرمی - ۳۸۲.
ابوالحسن خان شیرازی - میرزا - ۳۱.
ابوالحسن عاملی - ملا - [۳۳-۳۴] و ۱۴۹.
ابوالحسن موسوی (رضی دیده شود).
ابوالحسین بن علی - ۱۹۳ ح.
ابوالحسین نحوی - ۲۸۸.
ابوحفص سغدی - ۲۱۳.
ابوحفص سوزی - ۲۲۱.
ابوالحکیم خبری - ۱۵۳ ح و ۱۵۴ ح.
ابوحنیفه - رض - ۲۹ ح و ۴۹۷ ح.
اسکافی - ۶۴۵.
ابوحیان (محمد بن یوسف) - ۳۰۶، ۳۰۷ ح و ۳۳۳.
ابوذویب - ۱۹۹.
ابوریحان بیرونی - ۲۲۳.
ابوسعید بهادر (سلطان شیخ ابوسعید) - ۲۱، ۲۲ و ۵۱۴.

ابوسفیان - ۵۸۵ .
ابوالشرف بن صفی‌الدین زواری - ۳۲۱ و ۳۲۲.
ابوطالب - ك - ۳۰۵.
ابوطالب اصفهانی - میرزا (صاحب حاشیه بر سیوطی) - [۳۲۹-۳۳۰] ۳۳۸ و ۳٤۰.
ابوطالب بن میرزا علی‌رضای اصفهانی - میرزا - ۳۲۹ .
ابوطالب بن فخرالدوله دیلمی - ۲۸٦ .
ابوطالب کلیم (کلیم کاشانی) - [٦٥۹-٦٦۰].
« بن کنعان تبریزی انصاری - ك - ۳٦۲.
ابوالطیب (متنبّی احمدبن حسین) - ۱۰۱، ۱۵۳ ح و [٦٦۸-٦٦۹].
ابوعبدالله اللقبانی - ۳۱۸ ح .
ابوعبید - ۲۷۹ و ۲۹۰ .
ابوالعتاهیه - ۳۸ .
ابوالعلاء صاعدی - ٦٦۱ ح .
« گنجه ای - ٤٦۵ .
« المعرّی - ۵۵٤ .
ابوعلی طبرسی - [۱۰۳-۱۰٤] و ۱٤٤.
« طبری - ٤٤٦.
« فارسی - ۱۵۳، ۱۹۳، ۳۱٤ و ۳۱۵.
« قالی بغدادی - ۵ .
ابوالفتح (آمدی دیده شود) .
« (دخترزاده نطنزی) - ۱۷٦ ح .
« اسکندری - ۸۵، ۸۷ و ۹۰.
« بستی - ٦۹ .
« گیلانی - حکیم - ٦۳۸.
ابوالفتوح رازی - شیخ - ٤۹۳ ح .
ابوالفدا - **۱۱۴** و ۱۲۰ .
ابوالفرج اصفهانی - ۱۲۷ .
ابوالفرج ابن‌جوزی (ابن‌جوزی) - [۸۱-۸۵] و ۲۸۵ ح .
« سکزی - ٦٤۵.
ابوالفضل ساوجی - حاج میرزا (مجدالدین محمد بن فضل‌الله) - [٦۷۰-٦۷۱] .
ابوالفضل طبیب - میرزا - ۵۳٦ .
« « کاشانی - میرزا - ۲٦۲.
ابوالفضل قرشی (محمدبن خالد) - [٤٤۵] .
ابوالفضل بن مبارك - ۵۲۱، ۵۲۲ ح و ٦۹۸ ح .
ابوالفیض (فیضی هندی دیده شود) .
ابوالقاسم (امام جمعه طهران در اول مشروطه) - ۵۵.
« بلخی - **۱۱٦** ح ۱۱۷۰ .
« بن حسنقلی - ك - ۲۹٤.
« سکوت - ۵۱۰ .
ابوالقاسم سمرقندی - ۳۳۱ و [٤۱۰-٤۱۱] ۴۲۱، ۴۲۲ و ۴۲۳ .
ابوالقاسم - میرزا (قائم‌مقام) - **۲٦۱** .
« کازرونی - ۴۲۹.
« بن مجدالاشراف شیرازی - **۱۴۰**.
« بن محمد - ك - ۱۵۹ .
« نائینی - سید - ك - ۹۲.
هجری - ٤۵۵ .
ابوالمحاسن شنجی - ۵۰۵ ح .
ابومحمد بن التعاویذی - ۵٤۷ .
« « شیخ صنعان - ك ۱۱۸ و ۱۵۵.
« (نظامی گنجوی دیده شود) .
« یمنی عبدالله = یافعی - **۱۱۴**، ۱۹۲ و ۳۳۰ .
ابوالمعالی (سعدبن علی وراق خطیبری) - **۵۰٦**.
ابونصر اخت‌الیث - ۲۹۰ .
علی طوسی (اسدی طوسی دیده شود) .
« فارابی - ٦۳۱ .
ابونعیم بصری (علی‌بن حمزه) - ۵۵۳ ح .
ابوالوفا - سید - ۵۸۱ .
ابوهفان - ۷۸.
ابویوسف (یعقوب اسفراینی) قاضی - **۱۴۷**.
ابیوردی - ٤۱٤ .
اتابك سعد زنگی - ۴۲۹ .
اتسز بن اوق غزی - **۱۸۴** .
اتسز بن خوارزمشاه - ۱۸۳، **۱۸۴**، ۵۵۵ و ۵۵٦ .
اتیه - ۷۰۰ .
اثیرالدین اومانی - ۷۰۲ .
احمد (خواجه میرزا - پدر امین احمد رازی) - ۴۸۳.
احمد بن ابراهیم المعدانی - ابوالعباس - ۲۹۰ .
احمدبن محمدعلی (رجوع به تاج‌الدین عراقی شود).

احمد بن محمد علی ابی بکر البربهی - صفی الدین - ۲۳۵ .
احمد ابی وردی - ملا - [۳۲۷-۳۲۹] .
احمد احسائی - شیخ - ۲۸ ، ۲۹ ح ، ۲۱ ، **۱۴۳** .
« « بن امین شنقیطی - **۳۴۷** .
احمد بیجوری - شمس الدین - **۳۹۵** .
احمد بن حاج عبد الواحد کرمانشی (رجوع به نظامعلیشاه شود) .
احمد بهمن شاه - ۳۹۱ .
« تبریزی - میرزا (صاحب چاپخانه احمدی) - ۷۷ .
« چنگیزی - ۷۳ .
« حریری - خان - ۴۱۰ .
احمد بن حسن (رجوع به فخر الدین - جاربردی شود) .
احمد بن حسین (ابو الطیب متنبی) - ۱۰۱ ، ۱۵۳ ح ، [۶۶۸-۶۶۹] .
احمد بن شیخ حمزه - ك - ۴۲۰ .
احمد بن عبد الرحمن - ابو العباس (شریشی) - [۳۶-۳۸] .
« حنبل - امام - ۴۳۳ .
« خان - میرزا - ۴۷۴ .
« بن خضر اسکویی علوی - ۲۶۰ .
« داود جنابی - **۷** .
« دیکتوز - شمس الدین - ۳۹۳ .
احمد زین عاملی - شیخ - ۲۷۵ .
احمد بن سلیمان (ابن کمال پاشا) - [۲۵۹-۲۶۱] ، ۳۱۹ ، ۳۹۳ و (۳۹۹-۴۰۰) .
« شیرازی - شیخ - ۴۳۴ .
« صفوة المورخین - ۱۲۲ .
« عاصم افندی - **۲۳۸** .
« عاصم عنتابی - **۱۶۳** .
« عبادی - شهاب الدین - ۳۱۸ ح .
« بن عبدالله - ابو جعفر - **۴** .
« عبد العزیز سجلماسی - ابو العباس - ۲۳۸ .
« فیلالی - ۲۳۹ .
« عمی حسینی - ك - ۴۱ .
احمد علی احمد (مؤلف هفت آسمان میباشد) - **۵۳۱** .
احمد علی سپهر (مورخ الدوله) - ۱۴۸ .
« بن علی بن مسعود (ابن السقا) - [۳۹۳-۳۹۴] .
« « مقری بیهقی (بوجعفرك) - **۱۹۶** و **۲۸۳** .
« فارس معروف به شد یاق - **۲۳۸** .
« قسطنطینی - تقی الدین (شمّنی) - [۳۸۰-۳۸۲] .
« کاشانی - شیخ - ۱۴۸ ،
« کرمانی - شیخ - ادیب - **۱۴۹** .
احمد بن محمد حجازی (شهاب الدین) - ۳۷ .
« بن محمد خازرنجی - **۷** .
« « « خفاجی - ۳۱۸ .
« « محمدرضا - ك - ۳۰۸ .
« حاج محمد سنان (وهبی) - ۵۵۰ .
احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه - ۳۷۷ .
« بن محمد بن عربشاه دمشقی - **۲۵۴** .
« ملا محمد کاتب - ك - ۲۰۲ .
« محمد النحاس النحوی - ابو جعفر - ۷ .
« « هروی - ابو عبدالله - **۳۰۰** .
« محمود بن علی النحوی - ۱۰ .
« مرکز - ۲۴۰ .
« المستضیء عباسی (الناصر لدین الله) - ۵۰۵ .
« مصطفی اللبابیدی - **۳۲۸** .
« مفضل کاشانی - علاء الدین - ۳۴۴ .
« منیری - شرف الدین - **۱۸۹** ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۲۱۳ و ۲۲۰ .
« بن موسی ع - شاه چراغ - ۲۰۵ .
« مهذب - میرزا سید - ۲۰۴ و ۳۵۴ .
« بن مهنا - **۱۳۰** .
« میدانی - **۲۹۶** .
نظام الدین (پدر سید علیخان کبیر) - ۲۰۶ .
احمد هاتف اصفهانی - سید - ۶۰۴ و [۷۰۳-۷۰۴] .
هندی - شهاب الدین - **۳۹۱** .
احمد بن یوسف السلانیکی - ۳۰۹ .
احمدی کرمانی - **۱۷۸** ح .

احنف - ۵۶ .
اختری (قره‌حصاری - مصطفی بن شمس الدین) - [۲۶۳-۲۶۴] و ۲۶۵ .
اخستان بن منوچهر - شروانشاه - **۵۲۸**.
اخی فرج زنجانی - ۵۳۱ .
ادریس بن حاج سلیمان (ابن الپهلوان) - ۵۴۵.
ادوارد برون - ۴۷۶، ۴۸۳ و ۶۷۷ .
ادوارد فاندیك - ۱۱۴، ۱۲۰ و ۱۲۱ .
ادیب صابر (صابر بن اسمعیل) - ۴۴۶، [۵۵۴-۵۵۷] .
اردشیر میرزا قاجار - ۳۷۸ و ۶۲۵ .
ارسطو - ۶۱۵ ح .
ارسلان سلجوقی - معزالدین - ۶۷۳ .
« بن کرمانشاه - **۶۳۷** و ۶۷۳.
« بن مسعود غزنوی (ابوالملوك) - ۶۷۳، ۶۷۴ ح و **۶۷۷** .
ارسلان - نورالدین پادشاه موصل - ۵۲۶ ح.
ارسلان خان (محمد بن داود) - ۶۷۳ ح .
ارگانی (محمد جواد) - ۲۰۵ و ۶۲۳.
ازرقی (ابوبکر بن اسمعیل وراق) - [۵۵۷-۵۵۸] .
ازهری (ابومنصور محمد بن احمد بن ازهر) - [۱۶۶-۱۷۳]، ۱۸۴، ۱۹۶، ۳۰۰ و ۳۱۰ .
اسحق بن ابراهیم فارابی (صاحب دیوان الادب) - ۷، [۱۸۰-۱۸۵]، ۱۹۳، ۱۹۴ و ۶۳۱.
اسحق بیگ (عذری) - ۴۵۳ و [۴۶۹-۴۷۲].
« بن محمود القرشی - ۳۰۹ .
« مراد شیبانی - **۳۹۷** .
اسدالله - سید - ۳۵۳ .
اسدالله خان (حاکم توسرکان) - ۶۷۵.
« (غالب دهلوی) - ۱۶۳ .
« گلپایگانی - شیخ - ۱۳۶.
« بن میرزا خلیل - ك - ۶۸۱.
« نائینی - ۲۸، ۲۹ و ۳۲.
اسدی طوسی - ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۶۱، ۶۴۵ .
اسدی (مؤلف طبقات الشافعیه) - ۷۲.
اسعد پاشا - ۴۴۱ .
اسفراینی (عصام الدین - ابراهیم) - [۳۲۰-۳۲۲]، ۳۲۳، ۴۱۰ و (۴۲۳-۴۲۴) .
اسفراینی (شیخ نورالدین عبدالرحمن) - ۶۸۲.
اسفندیاری (جناب حاج محتشم السلطنه - حسن) - ۱۵ ح، ۴۵، ۶۵، ۱۳۰، ۱۴۱ و ۳۲۲.
اسکندر - ۵۲۹ .
« بیگ - ۲۳۱ .
« خان - ۳۶۷ .
« شاه - ۶۱۵ .
اسکندری - ۲۱۳ .
اسمعیل بن اسحق قاضی - ۷۸.
اسمعیل اشرف (پادشاه یمن) - ۲۳۴ و ۲۳۶ ح .
« بن حسن دزفولی - ك - ۵۵۴.
اسمعیل بن حماد (جوهری صاحب صحاح دیده شود).
« حمیدالملك - ۶۹۸.
« خان - میرزا - ۴۷۴ .
« - دبیر - ۵۵ ح .
« خورسند شیرازی - ۴۷۱ .
« سیسی - شیخ - ۶۸۲.
« بن علی - ۳۶۵.
« محمد نیشابوری - ابومحمد - ۱۹۴.
« موسوی حسینی - ك - ۲۷۶ و ۲۷۷ .
« بن نورالدین - پادشاه دمشق - ۵۰۴.
« وراق - ۵۵۸ .
اسیری (شمس الدین محمد بن یحیی لاهیجی) - [۵۵۸-۵۶۰] .
اشراق - میرزا - ۴۷۵ .
اصفهانی (شارح نهج البلاغه) - ۱۳۸ .
اصطخری - استخری - ۱۵۳ ح .
اصمعی - ۵۹۹ .
اظهری (بوداق) - [۵۶۱-۵۶۴] ك .
اعتضادالسلطنه (در بیشتر از صفحات نام ایشان برده شده و در ص ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۶۱ خط ایشان موجود است) .
اعتمادالدوله - حاتم بیگ - ۲۲۲.
اعجاز حسین - سید ۱۲۳.
اعشی - ۵۸۵ .
افتخارالدین - ۶۱۰ .
افصح الدین - **۱۳۸** .

افضل بن قاضی محمد نظام‌الدین - ك - ۲۸۴ .
اقبال آشتیانی (عباس) - ۲۲ ح، ۴۷، ۷۰، ۷۱، ۱۲۰، ۱۵۲ ح، ۴۳۸، ۴۳۹ ح، ۵۱۲ ح، ۵۱۳ ح، ۵۸۷، ۶۱۲ ح و ۶۸۰.
اکبرشاه - ۲۱۲، ۲۴۲، ۵۲۱، ۵۲۲ و ۶۹۸ ح.
الله داد سرهندی - شیخ - ۲۲۷ .
الب ارسلان - ۵۵۸ .
الغ بیگ بن شاهرخ - **۵۱۷**، ۶۵۳ و ۶۶۷ .
القاس میرزا - ۴۶۱ .
الهی اردبیلی (حسین) - **۱۲۹** .
الهی قمشه‌ای (مهدی) - **۱۴۳** .
امام جمعه طهران (حاج سید محمد) - ۵۵.
امام جمعه طهران (محمد مهدی دیده شود).
فخر رازی - ۴۲ و **۱۳۵** .
قلی - ۲۱۹ .
استرابادی - ك - ۳۵۱ .
قلیخان - **۳۱۰** .
وبری (احمد بن محمد - الشیخ الجلیل) - ۱۲۳، **۱۳۴** و ۱۲۷.
امامی هروی ۲۶۱ و ۶۳۲.
امرء القیس - ۲۸۳، ۴۳۷ و ۵۹۸.
امیرانشاه بن امیر تیمور - ۶۶۴.
امیر ابو تراب رازی - ۴۷۵ .
امیر تیمور گورکان - ۷۳، ۲۳۴، ۳۶۷، ۴۳۳ ح، ۴۳۸، ۴۵۲ ح و ۶۶۷.
امیرخان - ۶۵۰.
امیر خسرو دهلوی (خسرو - ابوالحسن - محمد [illegible] - [illegible]) - ۲۰۹، ۵۱۴، [۵۱۶-۵۲۰]، ۵۴۳، ۵۸۶، ۵۸۷، (۵۹۱-۵۹۳)، (۵۹۳-۵۹۵) و ۶۷۶.
امیر شاهی سبزواری (شاهی - آقملك) [۶۱۶-۶۱۸] .
امیر علیشیر نوائی (نوائی - علیشیر) - ۱۰۳، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۴۱۰، ۴۴۹، ۴۶۲، ۴۷۵، [۵۳۸-۵۴۱]، ۶۵۳، (۶۹۱-۶۹۴ و (۶۹۴-۶۹۵) .
امیر کبیر (میرزا تقی خان) - ۸۶ .
امیر معزی (معزی - محمد بن عبدالملك) - ۲۶۱، ۵۵۴، ۵۵۷، ۶۷۳ و [۶۸۰-۶۸۱] .
امیر نجم ثانی - ۹۷ .
امیری فیروز کوهی - ۱۳۱ و ۱۳۲.
امین احمد رازی - [۴۸۲-۴۸۶] (گذشته از اینکه در این دو صفحه، هفت اقلیم او معرفی شده چون کتاب او از مآخذ است بسیار از وی نام برده شده است).
امین‌الدین کازرونی - شیخ - ۴۸۴ .
امین عراقی (عبدالحسین) - ۱۴۷ و ۳۱۹ .
اندلس بن نوح علیه‌السلام - ۵۴۸ .
انوری (علی بن اسحق یا محمد بن محمد) - ۹۵، ۱۰۱، ۱۷۷ ح، ۱۹۱، ۲۶۱، ۲۹۵، ۲۹۶، ۴۴۵، [۵۶۴-۵۶۹]، ۶۳۲، ۶۵۸ و ۶۸۱ .
انوشیروان - ۴۶، ۴۶۵ ح .
بن محمد کاشانی وزیر - ۹۰ و ۹۱.
اوباش (نظام‌الدین حیدر) - ۱۶۵ .
اوبهی - ۲۱۳ .
اوحدالدین کرمانی - ۲۹ ح و ۴۸۶ .
اوحدی شیرازی (منعم‌الدین) - ك - ۵۸۲ و ۶۳۴ .
اوحدی مراغی اصفهانی - [۴۸۶-۴۸۹].
اورنگ زیب - ۲۰۳ .
اولان رمضان - ك - ۴۷۳ .
اویس بهادرخان (سلطان اویس = شاه اویس) - **۲۱**، ۲۲، ۲۳، ۶۰۶ و ۹۰۷.
اویس بن محمد - **۲۴۰** .
اهلی خراسانی - [۵۶۹-۵۷۱] .
اهلی شیرازی - ۵۶۹، ۵۷۰ و ۶۵۹.
اهلی نوائی - ۵۷۰ ح .
اهوازی - ۹۳ .
ایمانی (طالع هروی) - [۱۶۰ - ۱۶۱] و ۲۶۷ .

ب

بابافغانی شیرازی - [۶۴۸-۶۵۱] .
بابربهادرخان (سلطان ابوالقاسم) - ۶۶۵ .
بابوتاربیخزن متر - ۱۶۵ .
البارع بن الدباس النحوی - ابوعبدالله - ۵۰۷.
باقی (عبدالباقی صوفی) - ۶۹ ح .
بایزیدخان پادشاه عثمانی - سلطان - ۴۲۴ .
سلطان بایزید ابن سلطان محمد - ۴۰۲ .
« « بن سلطان مراد - **۳۷۱** .
بایسنقر ابن شاهرخ - **۵۱۷**، ۶۵۹ و ۶۶۷ ح .
بتول - ۱۹۳ .
بحتری - ۱۵۳ ح .
بحرالعلوم (آقا سیدمهدی بروجردی) - ۲۲۴، **۲۲۵** .
بحرینی - سید هاشم - ۴۴ و ۲۸۶.
بخاری - ۳۰۰، ۳۰۴ و ۳۷۶.
بخت - ۵۷۱ ح .
بدایع نگار - ۱۴۳ .
بدرمحمد دهلوی - قاضی‌خان ۲۱۳، ۲۲۱ .
بدرشاهی - ۱۹۱ .
بدرالدین (مؤلف فرهنگ زبان گویا) - ۲۱۳.
بدرالدین محمود - عینی - ۳۸۴ ح .
بدرالدین خبوشانی - ۴۴۷ .
بدرالدین قرائی - **۲۳۸** .
بدوانی - ۵۲۱ .
بدیع‌الزمان - ۹ .
« « بن سلطان حسین میرزا - ۵۳۹ ح .
« « خراسانی - ۴۶۴، ۶۳۷ .
« « (عبدالواسع جبلی دیده شود) .
بدیع‌الزمان ابوعبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی - [۱۷۶، ۱۸۰].
بدیع‌الزمان همدانی - ابوالفضل احمد بن حسین - [۸۵، ۹۰] ۹۴۰ و ۲۸۵.
بدیعی حکیم - [۲۷۱، ۲۷۲].
بدیعی تبریزی - ۲۷۱.
بدیعی سمرقندی (مولانازاده) - ۲۷۱.
برکیارق (برادرسنجرسلجوقی) - ۲۹۵ .
بروکلمان آلمانی - ۵ .
برهان‌الدین - ۲۴۰ ح .
« « ابراهیم ابن احمد بن ناصر بن خلیفه مقدسی شافعی ناصری باعونی دمشقی - ۷۳.
برهان بن ابی‌ذرغفاری - ۴۰۵ .
برهان‌الدین (ابوالمظفر ناصر بن المطرزی) - ۴۱.
برهان نظام‌الدین شاه هندوی - ۲۱۲ ح .
برهانی - ۲۱۳ .
(عبدالملک پدرامیرمعزی) - ۶۸۰.
بشیرخان - [۲۰۹-۲۱۱] .
بلعمی - ۶۰۳ .
بابا ابن میرزاحمد - میرزا - ک - ۱۶۴ .
بنبانی - ۳۷۶ .
بنتو (مستشرق) - ۳۰۴ .
بندارین لوّة الاصفهانی - ۲۹۰ .
بندینجی - ۵ .
بنی‌المظفر - ۵۴۷ .
بوجعفرك ← بیهقی - **۲۸۳** .
بهاءالدوله دیلمی - ۱۵۰ و ۱۵۲.
بهاءالدین - ۴۱ .
بن علی النجفی الشهیر بالنعلاوی - ۲۷۵.
محمد بغدادی - ۲۱ .
(محمودبن عزالدین یوسف) - ۵۱۵.
بهائی - شیخ - (بهاءالدین محمدبن حسین بن عبدالصمد حارثی جبائی عاملی) - ۲۹ ح، ۴۹۰ ح، ۵۴، ۸۱، ۸۲ ح، ۸۳، ۳۲۵، ۳۵۳، [۳۸۹-۳۹۰]، ۳۸۹ و ۵۵۱ .
بهرام چوبینه - ۴۶۵ ح .
بهرامشاه - ۴۹۵ .
بهرامشاه رومی - ۵۲۷.
بهرامشاه غزنوی - ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۸۹، ۶۳۶، **۶۷۳** .

بهرام گور - ۵۱۹، ۵۲۹.
بهمن بن اسفندیار - ۱۷۷ ح .
بهمن میرزا پسر نایب السلطنه عباس میرزا - ۵۰۰.
بیدل (رجوع به عبدالقادر شود).
بیدل (رجوع به محمدحسن بروجردی شود) .
بیضاوی (قاضی) - ۳۴۸، ۴۵۷، ۴۵۸.
بیهقی - ۲۸۲ ح.
(صاحب تاریخ) - ۶۰۳ .
(علی بن ابوالقاسم) - ۱۲۵ .
ابوالحسن علی - **۱۲۴** .
(شارح نهج البلاغه) - ۱۲۳.
وحیدی - ۴۴۸ .

پ

پرمان - ۵۸۱ ح .
پندت الشمیری - ۲۵۵.
پیر محمد بن یوسف الانقروی - ۲۸۰، ۲۸۱.

ت

تمارخان - ۴۸۴ .
تأثیر (میرزا محسن) - [۵۷۳-۵۷۵] .
تاج الدین ابن محمد اسفرایینی (فاضل اسفرایینی) - ۳۶۹ .
تاج الدین حسین - ۴۰۸.
زاهد - ۵۱۷، ۵۹۴.
عراقی (احمد بن محمد بن علی) - ۵۱۳ ، ۵۱۴.
عمر زاده - ۵۶۵.
ندی - **۳۸۲، ۳۸۳**.
محمود پادشاه کرمان - سلطان - ۶۱۳.
بن عبدالجواری آنوی - **۱۷۰** .
تاج الشعراء (شهاب اصفهانی) - ۶۱۹.
تارابی - ۱۷۰.
تربیت (محمدعلی) - کمتر صفحه ایست که نام ایشان را نداشته باشد چرا که مؤلفه ایشان از مآخذ است.
ترک الله (امیرخسرو دهلوی دیده شود) .
ترمذی - ۶۵۸ .
تفتازانی (سعدالدین مسعود) - **۱۲۶**، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۷، [۳۴۴-۳۴۶]، ۳۶۷، ۳۸۰، ۴۰۲، ۴۱۲، (۴۱۶-۴۲۰)، ۴۲۳، ۴۲۷ و ۴۳۲ .
تقریری - ۱۹۰ .
تقی صانع - ۳۳۳.
تقی عبقری منشی - ۶۸ .
تنکابنی (محمدطاهر) - ۶۱، ۶۲، ۷۴، ۹۱، ۲۰۶، ۴۳۱.
تقوی - حاج سید نصرالله رئیس دانشکده - ۶۴ ح، ۶۵، ۸۶، ۲۲۷، ۲۴۱، ۶۵۸ و ۶۸۷ .
تقی الدین کاشانی - ۸ ح ، ۱۸۹ ح ، ۵۲۵ ح ، ۶۱۱ و ۴۸۰.
کرمانی - ۲۳۹، ۲۴۰ .
اوحدی (مؤلف عرفات) - ۶۹۷، ۶۹۸.
تقی زاده - سیدحسن - ۶۸۶، ۶۸۷ .

ث

ثعالبی - ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۸۸ ح، ۵۰۶.
ثعلب - ۲۸۹ ح .
ثعلبی - ۲۹۹ .
ثقة الملك (طاهر بن علی) - ۶۷۶، ۶۷۷ .
ثنائی مشهدی (خواجه حسین) [۵۷۵-۵۷۷] ، ۶۹۰ و ۷۰۲.

ج

جاحظ (ابوعثمان عمرو بن بحر بن محبوب کنانی لیثی) - ۵، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۶ [۷۸-۸۱] ، ۱۲۷، ۱۴۴ و ۵۵۲.
جارالله (زمخشری دیده شود) .
جاربردی (فخرالدین احمد بن حسن) - ۳۱۳ ح و [۳۴۸-۳۴۹] .
جامی (عبدالرحمن بن احمد - نورالدین) - ۷۱، ۹۹، ۱۰۰، ۲۰۹، ۲۱۱ ، ۳۱۰ ، ۳۲۰ ، ۳۳۹ ، ۳۴۱ ، [۳۵۷-۳۶۰] ، ۳۹۱ ، (۴۴۹) ، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴ ح، ۵۳۹، ۵۴۰ ح، ۵۴۲، (۵۷۷-۵۷۹)، ۶۳۳ ح و ۶۶۸ .

جرجانی (ابوبکرعبدالقاهربن عبدالرحمن) - [۳۱٤-۳۱٦] ،۳٦۷ و۳۸۳.
جرجانی (رجوع به میرسید شریف شود).
جرجی زیدان - **۱۱۴**،۱۵۰،۱٦۹ و۲۳۷.
جعفربن‌شمس‌الخلافه ك - ٦۰۰.
« « عباس ك - ٤۱۹،٤۲۳.
« صادق علیه‌السلام (امام‌ششم‌شیعه) - ۱۹۹.
« قراچه داغی - میرزا - ۲۵.
« همدانی متخلص به‌ریاض - میرزا - ۸٦.
جغتای - ٦۱۳.
جلال‌بن‌خضربن‌داود - ۲٤۲.
جلال‌الدین اوبهی - ٤۰۷.
جلال‌الدین‌بن‌شریف حسن (آل‌ظفر) - ۳٤۸.
جلال‌الدین خوارزمشاهی - سلطان - ٦۱۳.
جلال - ملا (دوانی) - **۱۲۹**،۳۵۰ و٤۱۱.
جلال‌الدین رومی - ٤۲٦،٤۹٤.
جلال‌الدین (سیوطی) - ۱۸۳،۳۲۹،۳۳۳، [۳۳۷ - ۳٤۱]، (۳٤٦ - ۳٤۸)، (۳۸۵ - ۳۸٦)، ۳۹۸، ۳۹۹ و٤۲۵.
جلال‌الدین ابن شریف حسن عباسی (آل‌ظفر) ك - ۳٤۸.
جلال‌الدین‌طهرانی - سید - ۳٦٤ ح، ٥۱۲ ح.
جلال‌الدین قزوینی - ۳۳۳.
جلال محدث ارومی - ۳۹۹ ح.
جلال همائی - ٥۱۲ ح.
جلوه - میرزا - ٦۷۲.
جمال‌الدین - ٤۲۱.
« (ابن هشام دیده شود).
« (اسدآبادی همدانی ایرانی افغانی - سید - ۱۳۵.
انجو - میر - ۲۲۰.
عبدالرزاق اصفهانی - ۹، ٤٤٥، ٦۳۲ و٦٦۱.
جمال‌الدین وزیر - ٤٦٦.
جمال‌قرشی (ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن خالد قرشی) - [۲۰۰ - ۲۰٤].
جمال‌الدین محمد مطرزی - ٤٤۸.
« محمود - ٤۱۱.
جمیل بیك - ۳۳۷.
جنیدین عوض سالار - ك - ٦٤٤.
جواد طارمی - شیخ - **۱۳٦**.
« عراقی - شیخ - ۱۲٦.
جوالقی یا جوالیقی - ۱۹۵.
جواهرالکلام - عبدالعزیز (مکرر نام برده‌شده).
جوهری (اسمعیل‌بن حماد جوهری فارابی) - ٤۰، ۱۷۰، ۱۷۸ ح، ۱۸۰، ۱۸۳، [۱۹۲ - ۲۰۰]، ۲۰۱، ۲٤۰، ۲۷۸، ۲۷۹ و ٦۳۱ ح.
جوهری سمرقندی - ٤٤۹ و٤۵۰.
جهانگیر خان قشقائی - **۱۳٦**.
جهانگیر خان آذربایجانی (شرائی) - میرزا - **۱۴۴**.
جیان - ابومنصور - ۱۹٤.

چ

چاچی (حسن‌بن محمدشاه قنوری) - ۲٤۰، ۳۳۸، ۳٤۵، ۳۹۱، [٤۰۲ - ٤۰۵]، ٤۱٤۰، ٤۲۰، ٤۲۱ و٤۲۲.
چنگیز خان - ٥٦۰ ح.

ح

حاتم طائی - ٥٥۲.
حاج‌بن منصور احسائی ك - ۲۰.
حاج میرزا حسن (صاحب قزوینه) - ۲۰٦.
حاجب شعاری - ٦۲۵.
حاجی بابا الطوسی - ۳۰۸.
حاجی نوری (محدث نوری - حسین) - ۳۲٦.
حافظ ابوبکر - ۲۲۱.
حافظ شیرازی (شمس‌الدین محمد) - ۱۰۱، ۱۳۱، ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲٦۱، ۴۵۵، ۵۱۳، [۵۷۹ - ۵۸۵]، ٦۴۲، ٦۳٤۰، ٦٥٤، ٦٥٥، ٦٦٤.
حامدبن برهان غفاری - [٤۰۵ - ٤۰٦]، ٤۰۸، ٤۱۳.
حبیب‌بن‌اوس (ابوتمام) - ۱٦۷، [۵۵۲ - ۵۵٤].

حبیب الدین محمد خوئی (شارح نهج البلاغه) - **۱۳۶** .
حبیب الله بن محمود - ۴۰ .
حبیش بن ابراهیم بن محمد التفلیسی - [۲۴۷ - ۲۵۰] و (۲۵۰ - ۲۵۱) .
الحجاج - ۸۹ ح .
حجة الاسلام رشتی - ۷۴ .
حر عاملی (شیخ حر) - ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۴۰، ۲۷۲، ۳۴۲ و ۳۷۳ .
حر بن یزید ریاحی - ۲۶۶ .
حریری (ابو محمد قاسم بن علی بن عثمان البصری) - [۱۹ - ۲۱] ، ۳۶۰ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۱ ، ۸۱ ، (۹۰-۹۳) ، ۹۴ ، ۱۰۰ ، ۲۷۸ ، ۲۸۹ ح و ۴۲۴ .
حسان بن ثابت - [۵۸۵-۵۸۶] .
حسان عجم (خاقانی دیده شود) .
حسن - حاج - [۲۵۴-۲۵۵] .
حسن بن ابی نمی بن برکات - ابوعلی - ۴۵۷ و ۴۵۸ .
حسن بن احمد بلخی (عنصری) - ۱۹۱ ، ۶۰۲ و [۶۴۴-۶۴۵] .
حسن انجوی شیرازی - شاه - ۲۱۲ ح .
حسن ایلکانی - شیخ - ۶۰۶ .
حسن بیك رومو - ۴۱۲ و ۴۱۳ .
حسن پاشا بن علاء الدین اسود - [۳۷۱-۳۷۲] .
حسن جرموزی یمانی - **۱۳۳** .
حسن چلبی قتالی زاده - [۴۷۲-۴۷۳] .
حسن حلبدا - حاج شیخ کیا - ۶۶۵ .
حسن خطاط معروف (معاصر درویش) - ۶۳۵ .
حسن خان (امیر زین الدین هروی ملك الشعرا) - ۱۹۱ .
حسن دهلوی - ۵۴۳ ، [۵۸۶-۵۸۸] ، ۶۶۴ .
حسن بن شهید ثانی عاملی - ۲۷۳ .
حسن (صاحب فرهنگ) - ۲۱۳ .
بن صدقه وزیر انوشیروان - ۹۰ ح .
حسن بن عبدالمجید واعظ اصفهانی ك - ۱۱، ۱۳ .
حسنعلی میرزا - ۶۷۱ .
حسن بن علی - ابوعلی - ۱۹۳ ح .
حسن غزنوی - سید - ۲۶۱ ، [۵۸۸-۵۹۰] .
حسن فنری (چلبی حسن بن محمد) - ۴۰۲ ح .
حسن بن قاسم مرادی - شیخ شمس الدین - ۳۸۴ ح .
حسن مجتبی علیه السلام - ۵۳، ۶۴، ۱۴۴ و ۲۱۲ ح .
حسن بن محمد بن ابی الشحنا - ۱۸۴ .
« « بطلیوسی - ابوعلی - ۷ ح .
« « البورینی شافعی - ۳۹۰ .
حسن بن محمد بن حسین النیشابوری (نظام الدین اعرج) - [۳۵۰ - ۳۵۲] .
حسن بن محمد حکمی - ۲۴ .
حسن بن محمد زیباری - [۴۰۹ - ۴۱۰] .
« « صنعانی - ۱۷۴ ح .
حسین بن محمد فناری (چلبی) - ۲۴۰، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۹۱، [۴۰۲-۴۰۵]، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲ .
حسن بن مظفر نیشابوری - ۱۸۳ .
حسن - حاج میرزا (مؤلف فارسنامه) - ۲۰۶ .
حسین آقای ملك - حاج - ۲۱ .
حسین بن ابراهیم - ابوعبدالله - ۸۷ .
حسین بن ابی الحدید - ۴۱ ح .
حسین اصفهانی - میرزا شاه - ۲۲۹ ح .
حسین انجو - [۲۱۲-۲۱۷] .
حسین ایلکانی - سلطان - ۶۰۶، ۶۶۴ .
حسین بایقرا - (سلطان حسین بایقرا دیده شود) .
حسین بلگرامی حسینی - ۱۶۵ .
حسین (تاج الدین) - ۴۰۸ .
حسین جوهری - ۶۹۰ .
حسین بن الهائك - ۲۸۲ ح .
حسینخان - میرزا - ۲۶ .
حسین خونساری (آقا حسین دیده شود) .
حسین شهرت (حکیم الممالك) - شیخ - ۵۷۴ .
حسین صفوی - میر - ك - ۶۵۰ .
حسین عاملی کرکی - شیخ - ۲۹ ح ، **۱۳۳** .
حسینعلی خان - ۳۵۲ .
حسین بن علی (سید الشهداء علیه السلام) - ۴۸۹، ۴۹۷، ۵۱۰، ۵۷۳، ۶۰۵ و ۶۱۹ .
حسین بن علی بن منصور عائدی - ۵۹۹ ح .

حسین‌بن عیسی حسینی تفریشی‌ك - ۶۳۴ .
حسین‌بن محمد خشنامی - ابوعلی - ۸۸ ح .
حسین‌بن حاج محمد کاشانی - ۱۸۵ .
حسین‌بن ساعد حائری - سید - **۱۳۸** .
حسین مسرور - ۵۱۲ ح .
» مصری ك - سید - ۷۴ .
» بن مفلح - ۲۸۱ .
» ونائی - ۲۱۳ ، ۲۲۱ .
» بن یوسف هروی - **۱۴۷** .
حسینی - ۶۲۳ ح .
حقایقی (خاقانی شیروانی دیده شود) .
حکمت علی‌اصغر - ۲۰۷ ، ۲۶۲ .
حکیم باشی - ۲۶۳ .
حکیم‌الممالك (شیخ حسین شهرت) - ۵۷۴ ،
حکیم‌الملك (نظام‌الدین دیده شود) .
الحلو نسیم - ۱۸۴ .
حلیمی - ۲۵۴ .
حمیدالدین جوهری - ۶۱۰ .
حمیدالدین عمربن محمود محمودی مشهور به
حمیدی بلخی - [۹۳-۹۵] .
حمیدی (قاضی حمیدالدین) - ۵۶۵ .
حمیدی (از رجال قرن چهارم) - ۲۸۵ ح .
حمیدبن افضل‌الدین حسین - ۴۰۵ .
حیدر (قطب‌الدین) - [۶۵۶-۶۵۷] .
حیدر علی - مولوی - ۱۶۵ .
حیدرعلی ك - ۳۳۸ .
حیدر کرّار (رجوع به‌علی بن ابی‌طالب ع شود).
حیدر میرزای صفوی - ۴۴۲ .
حیرتی - ۴۴۰ .

خ

خاقانی شروانی (بدیل‌بن‌علی) - ۹ ح ، ۱۹۱ ، ۲۱۱ ، ۲۱۳ ، ۲۶۱ ، ۴۴۵ ، [۴۶۳-۴۶۹] ، ۴۷۷ ، (۵۰۲-۵۰۳) ، ۵۴۳ ، ۵۵۴ ، (۵۹۰-۵۹۱) ، ۶۰۲ و ۶۳۲ .
خالد بن عبدالله ازهری - [۳۰۹-۳۱۲] ، (۳۱۳-۳۱۴) ، ۳۳۲ و ۳۳۹ .
خالدبن یزید شیبانی - ۵۵۴ .
خالص - ۴۸۱ .
خان خانان (عبدالرحیم سپهسالار) - ۵۳۰ و ۶۳۸ .
خان‌قلی - ۶۹۸ .
خبری - خیری - خفری - حیری (ابوالحکیم) - **۱۵۴** ح .
خبیصی - ۳۶۶ ، ۳۷۴ .
خسته (رجوع به ولی‌محمد میرزا شود) .
خش قدم - ۷۴ .
خضربن داود - ۲۴۲ .
خضر بن عطاءالله موصلی - [۴۵۷-۴۵۹] .
خضری خونساری - ۲۱۰ .
لاری - ۲۱۰ .
خطائی (بقاءالدین عثمان) - [۴۰۶-۴۰۹] ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ .
خطیب بغدادی - **۱۱۴** ، ۵۰۶ .
خطیب رستم مولوی - ۲۶۵ ح .
خطیب قزوینی (جلال‌الدین محمدبن عبدالرحمن) - ۴۱۶ ، ۴۳۲ .
خفاجی (شهاب‌الدین خفاجی) - ۲۳۹ .
خلاق‌المعانی (کمال‌الدین اسمعیل دیده شود).
خلیفهٔ زمخشری (مطرزی دیده شود) .
خلیل - صوفی - ۷۰۴ .
خلیل (مؤلف کتاب العین) - ۱۶۷ .
بن احمد - ۲۹۰ ، ۴۳۷ .
ایبك (صلاح‌الدین صفدی) - ۳۷۶ ، ۳۷۷ و ۵۰۳ ح .
خلیل قزوینی - ملا - ۳۷۳ ، ۳۷۴ .
خواجه بیك - ۴۹۹ .
خواجه‌جهان (نجم‌الدین محمودبن محمد گیلانی). [۹۹ ، ۱۰۲] .
مرشدپسر خواجه‌میرك شیرازی - ۵۳۳ ح .
میرك شیرازی - ۵۳۳ ح .
خواجو کرمانی (کمال‌الدین ابوالعطاءمحمودبن علی کرمانی) - ۱۹۱ ، ۲۶۱ ، ۴۵۰ ، [۵۱۲-۵۱۶] .
خوارزمشاه - ۵۵۵ .
خوارزمی (ابوبکر) - ۸۸ .
خوشگو مؤلف سفینه‌خوشگو [۴۷۳-۴۷۵] (در بسیاری ازصفحات بعدی نیز یاد شده‌است) .
خیام - ۵۸۲ .

د

داود (محمد داود ابن میرزا عبدالله) - [۵۹۵-۵۹۸].
داود خان وزیر لشکر - میرزا - ۶۶، ۶۲۰ .
داود بن نصیر طائی - ۵۵۲.
دبستانی کرمانی - ۶۶.
دبیر (اسمعیل) - ۵۵ .
درویش اشرف - ۷۱ .
درویش (عبدالمجید) - ۴۵۳، [۶۳۵-۶۳۶]، و ۷۰۳ .
درویش بن مظفر - ۱۳۰.
درویش یوسف سنان - ۵۵۰ .
دزی شوشتری (جامع تذکره خوشگو) - ۴۷۳ - ۴۷۵ .
دساسی (سانوسی) - مستشرق - ۹۲ و ۳۰۴.
دشتی - (جامی دیده شود) .
دشتی - علی - ۳۵۸ ح .
دعبل خزاعی - ۴۲۷ .
دقیقی - ۲۶۱، ۶۰۲، ۶۵۷ .
دلشاد خاتون - ۶۰۶ .
دماوینی (بدرالدین محمد بن ابی بکر مخدومی) - [۳۷۵-۳۷۸] ، ۳۷۹ .
دمیری (صاحب حیات الحیوان) - ۷۹، ۳۷۶ .
دوانی (ملاجلال) - ۱۲۹، ۳۵۰ و ۴۱۱.
دوست علی ابن قنبر - ک - ۴۷۶ .
دولتشاه ابن علاءالدین بختشاه سمرقندی - [۴۷۵-۴۷۷] (گذشته از اینجا در بیشتر از صفحات نام وی برده شده) .
دهخدا (علی اکبر) - ۲۹۴، ۶۰۳-۶۸۷ .

ذ

ذاکر حسین هندی دهلوی - سید - **۱۳۷**.
ذوالرمه (ابوالحرث غیلان بن عقبة بن مسعود) - ۲۰۱، [۵۹۸-۶۰۰] .
ذوالفقار - سید - ۴۷۷ .
ذوالقرنین - ۱۰۵ ح .
ذوالسانین نصری (بدیع الزمان ابوعبدالله حسین بن ابراهیم) - [۱۷۶-۱۸۰] .
ذوالمنقبین (سید رضی دیده شود) .
ذهبی (مؤلف میزان الاعتدال) - ۱۱۴، ۳۰۳،

ر

رازی - سید - ۱۲۱ .
" شاعر - ۶۵۰ .
راشدی - ۶۴۵ .
رافعی نیشابوری - ۶۸۵ .
راوی گروسی بایندری (محمد ملقب بفاضل) - [۴۵۹-۴۶۱] (گذشته از اینجا مکرر نام او برده شده) .
رجب برسی - شیخ - ۱۳۹.
رجب بن محب علی شاملو - ک - ۲۶۸، ۶۴۷ .
رشیدالدین (صدراعظم بوده) - ۶۶۱ .
رشید (خواجه غیاث الدین رشید) - ۲۱۴ .
رشیدالدین (وطواط) - ۲۱، ۲۲ ح، ۷۰، ۷۱، ۹۳، ۲۶۱، ۴۳۸، [۴۳۹-۴۴۰]، ۵۵۴ و (۶۰۰-۶۰۱) .
رشیدی شاعر - ۶۰۲ .
رضا زاده شفق - دکتر - ۱۳.
رضا شفاء تبریزی - ملا - ۲۲۴.
رضاقلیخان هدایت - ک - ۶۱۳ و ۶۵۱ (بسیار نام وی در این کتاب برده شده وجندین نسخه ازاین فهرست شامل خط وی است) .
رضی - سید رضی - رضی ذوالحسبین - رضی موسوی - ابوالحسن موسوی - ۴۴، ۴۷، ۵۸، ۶۲، ۷۶، [۱۱۳-۱۵۹] (مخصوصاً در ص ۱۴۹-۱۵۴) و ۶۰۱ .
رضی استرابادی (نجم الائمه رضی الدین محمد بن حسن) - ۴۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۵۶، [۳۶۱، ۳۶۳] ، ۳۶۶ .
رضی الدین خوارزمی - ۳۷۳ ح .
" خشاب - ۲۱، ۲۲ ح ،
رضی کتابدار - ۵۰۰.
رضی الدین (محمد بن محمد شفیع طباطبائی) - [۴۵۰-۴۵۱] .
رضیه حدائق - ۵۲۸ .
رفیعا نائینی - میرزا (محمد بن سیدحیدر) - ۳۱۷.
رفیع الدین لنبانی - ۹، ۶۰۳ .
(محمد بن ملافتح الله قزوینی) واعظ - ۳۱۷.

رفیع‌الدین محمد بن فرج گیلانی - **۱۳۳**.
رکن‌الدوله - ۴۸۵ .
رکن‌الدین (ابو محمد یحیی) - ۳۵۱ .
رکن‌الدین استرابادی (حسن بن محمد ابن شرفشاه علوی حسینی) - ۳۲۸ و [۳۶۳-۳۶۶].
رکن‌الدین (اوحدی مراغی) - [۴۸۶-۴۸۹].
« (محمد بن علی استرابادی) - ۳۶۵.
رودکی (جعفر بن محمد - ابو عبدالله) - ۲۲۱، [۶۰۲-۶۰۴]، ۶۵۸.
رونق علیشاه - **۴۹۰**، ۴۹۱.
رونقی همدانی - ۶۳۹.
رئیس خراسان (ابو القاسم علی بن جعفر بن حسین قدامه) - ۵۵۵ و ۵۵۶ .
ریموندوس - ۳۱۳ .

ز

زال بیك (قورچی خاصه) - ۲۶۸، ۶۴۸.
« « (یوزباشی) - ۶۴۷.
زبیر - ۶۲ .
زجاجی (ابو القاسم عبدالرحمن ابن اسحق) - **۳۱۵**.
زردشت - ۲۵۹ ح .
زراتشت بهرام - ۲۵۹ .
زری = زیور (محمد صادق) - ۴۵۵ .
زکریا - پیغمبر - حضرت - ۴۵۴.
زکی بن مؤید (جد نظامی است) - ۵۲۵ ح .
زلیخا - ۶۴۱ .
زمخشری (جارالله - ابو القاسم) - ۹، ۱۰ [۱۱-۱۴]، ۳۹، ۹۰، ۱۲۷، ۲۹۹، ۳۱۳، ۳۴۳، ۳۵۶، (۳۹۷، ۳۹۸)، ۴۰۰ و (۴۱۴) .
زوزنی (ابو عبدالله حسین بن احمد) - [۲۸۲-۲۸۵] .
زُهری - ۲۸۸ .
زیدالاسود - ۲۱۲ ح .
زینب - ك (بنت مقصود علی) - ۶۱۹.
زینتی سکزی - ۶۴۵ .
زین‌الدین خوافی - شیخ - ۵۸۱ .
زین‌الدین علی نقی کمره‌ای - [۶۴۱-۶۴۲] .
قاسم ابن قطلوبغا - **۸۳** .
زین‌الدین محمد بن شمس‌الدین ابی‌بکر رازی حنفی - [۲۷۸-۲۷۹] .
مغربی زواری - ۱۹۷ .
نسیمی بن صالح - ۲۴۲.
زین‌العابدین اصفهانی ك - ۸۱ .
حاج میرزا (امام جمعه تهران) - ۵۵، ۶۷۰ .
خان (حسام‌الملك) - ۱۴۱.
زین‌العباد شریف ك - ۵۴۵ .
زین بن الکنانی - ۳۳۳ .

س

سامانی (محمد حسن بن فلآنی) - ۹۶ ح .
سام میرزا پسر شاه اسمعیل - [۴۶۱-۴۶۳].
سجاعی - ۳۳۴ .
سجاوندی - ۳۵۰ .
سجزی - ۲۹۶ .
سحاب (ابو القاسم) - ۵۵ .
سحاب (سید محمد بن هاتف اصفهانی) - ۴۶۱، [۶۰۴-۶۰۶] .
سخاوی - ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۳۸۳، ۴۰۲ ح .
سراج‌الدین ارموی - ۵۸۰ ح .
سروری کاشانی (محمد [illegible]) - ۱۷۷، ۲۱۳، ۲۱۷، [۲۱۹-۲۲۴]، ۲۲۹ و ۲۳۰.
سروری (مصطفی ابن شعبان) - **۳۳۰** ح .
سروش شمس‌الشعرا - ۹۶، ۹۷.
سعد بن احمد میدانی - **۲۹۶**.
سعدالله بردعی - **۳۱۸** ح .
حلبی - ۲۴۰، ۳۴۵.
بن طبلاوی - ۳۱۸ ح .
مستقیم زاده - ۲۴۹.
سعد مفتی ۲۴۲ .
سعدالملك (مسعود بن اسعد) - ۶۱۰ .
سعد بن نصر غزنوی - ۲۱۳ .
سعد وراوینی - ۹۴ .
سعدی مصلح‌الدین شیرازی - ۶۷، ۱۰۱، ۱۳۱، ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۶۱، ۴۲۹، ۴۵۳، ۵۱۷، ۵۶۳ و ۶۲۵ .

سعدی افندی ـ ۲۳۹ .
سعدبن‌علی‌وراق (ابوالمعالی‌دیده شود) .
سعیدبن‌محمدابراهیم‌رازی ك ـ ۴۱۷ .
سعید نفیسی ـ ۲۲۰، ۴۹۴ح، ۵۱۲ح، ۶۰۲، ۶۰۳ و ۶۰۴ .
سعید بن‌هبةالله (قطب‌راوندی دیده شود) .
سعیدی ـ ۳۶۶ .
سکاکی (بابا فغانی‌نیزدیده شود) ـ ۶۰۴۹ ـ صاحب مفتاح (یوسف ـ سراج‌الدین ابویعقوب) ـ ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۳۱، ۵۸۰ .
سکوت (ابوالقاسم) ـ ۵۱۰ .
سلطان احمد ثالث ـ ۲۵۰ .
احمد خان ـ ۱۴۷، ۴۶۱ .
اویس ایلکانی ـ **۳۱**، ۲۲، ۲۳، ۴۳۸، ۶۰۶ و ۶۰۷ .
بیگم بنت سلطان سلیمان ـ ۵۴۱ .
حسین ابن سلطان اویس ایلکانی ـ ۶۰۶ و ۶۶۴ .
حسین‌میرزا بایقرا ـ ۱۵۹، **۱۶۰**، ۴۷۶، ۵۳۸، ۵۳۹ ح ۵۶۹، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۱، ۵۹۲، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۲ .
سلطان سلیمخان ـ **۱۳۹**، **۲۵۵** .
سلیمان ـ ۴۲۵ .
سلیمان ابن سلطان سلیم ـ **۵۴۱** .
سلطان العلماء (حقیقةالسلطان) ـ ۴۸ .
سلطان علی خلیفه ـ ۷۰۲ ح .
مشهدی ـ ۲ .
نرخ ـ ۴۶۱ .
محمد بدخشانی ـ ۹۹ .
(پدرسلطان بایزید) ـ ۴۰۲ .
(برادرسلطان سنجر) ـ ۲۹۵ .
(پسرشاه‌طهماسب) ـ **۴۸۴** .
سلطان محمد (پسرفتحعلیشاه ملقب بسیف‌الدوله منجمی بسلطان) ـ [۴۷۷ ـ ۴۷۹] .
محمود بن غلامعلی‌حنبلی ـ **۱۳۲**، ۴۶ .
مراد ثالث ـ ۴۷۲ .
سلطان مراد ابن سلطان‌محمد ـ **۴۷۲** .
سلطانی بهبهانی نمایندهٔ مجلس ـ ۲۳۳ .
سلمان ساوجی (سلمان بن علاءالدین محمود ساوجی جمال‌الدین) ـ ۱۰۱، ۱۹۱، ۲۰۹، [۶۰۶ ـ ۶۰۸] .
سلمان فارسی ـ ۶۱۰ ح .
سلوستردساسی (مستشرق) ـ ۹۲ و ۳۰۴ .
سلیمان بن ابراهیم‌علوی (نفیس‌الدین) ـ ۲۳۵ .
« ابی‌سلیمان (ابوایوب‌مورانی) ـ ۴۱۹ .
« بیدگلی کاشانی (صباحی) ـ ۴۶۱، ۷۰۳ .
« بن‌محمدخان قاجار ـ ك ـ ۶۱۹ .
« « زهراوی ـ ۷ .
سمعانی ـ **۱۷۶** ح، **۶۰۳** .
سنائی حکیم (ابوالمجدمجدودبن‌آدم‌غزنوی) ـ ۱۹۱، ۴۶۶، [۴۹۳ ـ ۵۰۰]، ۵۸۸، (۶۰۸ ـ ۶۱۰)، ۶۷۲، ۶۷۷ و ۶۸۰ .
سنجرسلجوقی ـ سلطان ـ ۹۴، **۲۹۵**، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۵، ۶۱۰، ۶۳۶ و ۶۸۰ .
سنجری خراسانی ـ ۲۹۵، ۲۹۶ .
سنگلاخ ـ میرزای سنگلاخ ـ ۲ .
سودی ـ ۳۷۲ .
سوزنی (محمدبن علی‌یا ابوبکر ابن‌السلانی یا السامانی) ـ ۱۹۱، ۶۰۲، [۶۰۹ ـ ۶۱۱] .
سهیلی خوانساری ـ ۶۴۹، ۶۷۷ .
سیبویه نحوی ـ ۸۳، ۲۷۰، ۳۰۶، ۳۷۳، ۳۸۳ .
سیدرضی (محمدبن‌حسین موسوی شریف‌رضی رضی دیده شود) .
سید مرتضی (علی‌بن‌طاهرعلم‌الهدی‌دیده‌شود) .
سیدالشهدا (حسین‌بن‌علی‌علیه‌السّلام دیده‌شود) .
سیرافی ـ ۱۹۳، ۳۸۳ .
سیف‌الدوله آل حمدان ـ ۶۶۹ .
سیف‌الدین ـ خواجه ـ ۶۸۹ ح .
سیف‌الدین اعرج (سیف اسفرنگ) ـ [۶۱۲ ـ ۶۱۴] .

سیف‌الملك محمود - امیر - ۵۱۶ .
« (عباسقلیخان نوری) - ۳۰۱۱ و ۸۹.
سیواك (محمدبن‌علی) - ۴۴۴ .
سیوطی (جلال‌الدین - عبدالرحمن) - ۱۸۳، ۳۲۹، ۳۳۳، [۳۳۷-۳۴۱] ، (۳۴۶ - ۳۴۸) ، (۳۸۵-۳۸۶) ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ و ۴۲۵ .

ش

شادان (مهراج) - [۶۱۴-۶۱۶] .
شارح مقامات (شریشی دیده شود) .
شافعی - امام - ۲۹۹، ۳۳۳، ۴۵۶، ۴۹۷ ح.
شامی - ۲۰۹ .
شاه‌ابدالان (قطب‌الدین حیدر) - [۶۵۶ - ۶۵۷] .
شاه ابواسحق (ابواسحق شیرازی) - ۱۵۳، ۲۳۳، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۸۰، ۵۸۱.
شاه اسمعیل صفوی - ۱۲۹، ۲۲۹ ح، ۴۶۱، ۴۶۲، ۵۴۳.
شاه جهان - ۲۱۷ ح، ۲۹۳، ۶۲۸، ۶۶۰ .
شاه داعی‌الله - ۵۸۱ .
شاهدی - ۲۵۴ .
شاهرخ (پسر امیر تیمور) - ۷۳، ۶۵۳، ۶۶۷ ح .
شاه سلطانحسین صفوی - ۳۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۴۶، ۲۳۹، ۳۱۷، ۵۹۶، ۷۰۰ .
شاه سلیمان صفوی - ۱۳۰، ۱۳۳، ۵۷۳، ۷۰۰ .
شاه شجاع - ۳۶۷، ۵۸۱.
شاه صفی - ۲۱۰، ۵۶۲ .
شاه طهماسب صفوی - ۶۹، **۱۳۹**، ۱۸۹ ح، ۱۹۰، ۲۲۹، ۲۳۱، ۴۶۱، ۴۸۴، ۵۳۵، ۶۱۸، ۷۰۲.
شاه طهماسب کیلانی - ۱۹۰ ح .
شاه عباس اول - ۱۳۱، ۱۴۷، ۲۲۰، ۲۲۲، ۳۸۹، ۴۳۴، ۴۵۱، ۵۶۲، ۵۷۳، ۶۱۱، ۷۰۲ .
شاه عباس دوم - ۴۵۰، ۵۶۲، ۶۲۲، ۶۹۹ .
شاه قلی - ۲۲۹.
شاه محمود (معاصر اولاد شیخ اویس) - ۶۰۶.
« « بهمنی - ۵۸۱.
شاه منصور بن شاه شجاع آل مظفر - ۲۳۴، ۴۳۸، ۵۸۱.
شاه نعمت‌الله ولی - ۵۱۱، ۵۸۱ .
شبّر (سید عبدالله) - ۱۳۳ .
شبلی نعمان - ۶۲۲ .
شرف راعی (حسن بن محمد راعی تبریزی) - [۴۳۷-۴۳۹] ، ۴۷۸ .
شرف‌شفروه (شرف‌الدین عبدالمؤمن بن هبة‌الله مغربی اصفهانی) - [۸-۱۱] .
شرف‌الدین علی یزدی - ۵۴۳ ح، ۶۹۸.
عیسی بن ملك العادل ابی بکر - **۳۸۳** .
فضل‌الله (شفروه) - ۸ ح .
شریشی (ابوالعباس احمدبن عبدالمؤمن) - [۳۶-۳۸] .
شریف اجل (سیدرضی رجوع شود) .
شریف تبریزی - [۶۱۸-۶۱۹]، ۶۶۶.
« نقی (ابن عنیق) - ۴۵۸ .
شریف رضی (سیدرضی - محمدبن حسین موسوی) - ۴۴، ۴۷، ۵۸، ۶۲، ۷۶ ، [۱۱۳-۱۵۹] و ۶۰۱.
شریف العلماء - ۴۵۰ .
شفاء تبریزی (ملارضی‌الدین نیشکر) - ۲۲۴.
شفیعا - ۶۳۵ .
شفیع شیرازی - حاج میرزا - ۱۶۵ .
شقوره یا شفروه (شرف شفروه دیده شود) .
شمس فخری - ۲۲۰، ۲۲۲.
شمس‌الدین محمدبن حسن راعی - [۷۲-۷۴].
شمس‌الدین محمد بن شیخ زین‌الدین - ۳۱۸ ح .
محمد بن صائن - ۵۱۴ .
مراد - ۴۴، **۱۳۰**.
معزی - ۴۳۲ .
شمس منشی (محمد بن علی سوشاه) - [۲۱-۲۴]، ۱۷۷ ح، ۲۱۴ و ۲۱۵.

شمس العلماء گرکانی - **۲۴۱** .
شمنی - ۱۹۲ ح و [۳۸۰-۳۸۲] .
شهاب اصفهانی (نصرالله - میرزا) - [۶۱۹-۶۲۰] .
شهاب الدین سهروردی - ۶۶۱ .
» (رجوع به احمدبن محمد حجازی شود).
» (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱.
احمدبن محمد حجازی - شیخ - ۳۷.
احمد ملا زاده سمرقندی خطابی - ۴۰۷ .
حکیم کرمانی - امیر - ۱۹۱.
شهابی - محمود (استاد دانشکده) - ۶۹ .
شهرت (شیخ حسین حکیم الممالک) - ۵۷۴.
شهید ثانی - ۲۰۶ ح ، ۲۷۳ .
ثالث (محمدتقی قزوینی) - ۱۳۵ .
شهرستانی (مؤلف ملل ونحل) - ۷۸.
(سید هبة الدین) - ۵۸ ، ۷۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۳۳ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۶ .
شیخ الاسلام - ۴۱۹ ، ۴۲۱ ، ۴۲۲ .
» اصفهان - ۶۴۲ .
شیخ زاده (عاشق) - ۲۱۳ .
طوسی (محمدبن حسن) - **۷۶** ، ۱۲۰ ، ۱۲۳ ، ۲۷۳ .
عراقی - ۲۹ .
علی میرزا - ۴۷۲ .
مفید (محمدبن نعمان) - **۱۵۱** ، ۵۸۵.
تبریز - ۴۵۶ .

ص

صاحب جواهر (شیخ محمدحسن) - ۳۳ ، ۱۴۹
» حدائق » » (شیخ یوسف بحرینی) - ۳۳ ، ۴۳ ، **۴۴** ، ۵۲۰.
» دیوان الادب (اسحق بن ابراهیم فارابی دیده شود) .
» ریاض (سیدعلی) - ۲۲۴ ، **۲۳۵** .
صاحب ریاض العلماء - ۱۳۰ ، ۱۳۸ .
صاحب الزنج - ۵۷ .
» ابن عباد - ۸۷ ، ۲۸۶ ، ۲۸۸ ح .
صاحب علی آبادی (میرزا محمدتقی) - ۲۶۲ ، [۶۲۴-۶۲۵] .
» مدارک (سیدمحمد) - ۴۲ ، ۴۱۱ .
» معالم (شیخ حسن) - ۴۱۱ .
حضرت صادق ع (امام ششم شیعه) - ۴۹۱ ح .
صادق بن امین ک - ۴۲۱ .
» انصاری - ۱۸۹ ح .
صالح بن سعید بحرانی ک - ۱۷ .
صالح قزوینی سید - [۶۲۰-۶۲۱] .
» مازندرانی - ملا - ۳۵۲.
صالحی خراسانی - ک - ۵۴۱.
صائب میرزا محمدعلی ابن میرزا عبدالرحیم تبریزی - [۶۲۲ ، ۶۲۴] ، ۶۵۹ ، ۶۶۰.
صبا (فتحعلیخان ملک الشعرا) - ۲۶۱ ، ۳۶۲ ، ۴۶۸ ، ۶۰۵ ، [۶۲۶-۶۲۷] .
صباحی - ۴۶۱ و ۷۰۳ .
صدرالافاضل (قاسم بن حسین خوارزمی) - **۳۸۳**.
صدرالدین علی (علیخان کبیر - سیددیده شود).
» یمنی شیخ - ۶۵۳ .
» عمرخجندی - ۶۶۱.
» قونوی (صدر المحققین) - ۱۳۱ ، ۴۳۰ .
صدرالدین محمد تبریزی (نائب الصدر) - [۲۲۴-۲۲۵] .
» محمد سالکدهی - ک - ۲۰۲.
» محمد شیرازی (ملاصدرا) - ۲۴۳.
» مکرم بن یحیی ک - ۱۹۷.
صدرالممالک - ۱۸۸ .
(امیر محمدصالح رضوی) - ۴۸۰.
صدوق (محمدبن علی بن بابویه) - **۲۶۶** ، ۲۸۶ .
صفدی (صلاح الدین خلیل بن ایبک) - ۷ ، ۳۷۶ و ۵۵۳ ح .
صفی الدین اردبیلی - شیخ - ۶۵۳.
صفی حلی - ۳۷۳.

صفی‌الدین طریحی - ۲۷۲، ۲۷٤.
« علاءبن صفی‌الدین علی بسطامی - ٤٥٠.
« محمودبن ابی‌بکر ارموی - **۳۰۱**.
صلاح‌الدین پادشاه مصر - ٥٠٤.
« خلیل بن ایبك (صفدی) - ۳۷٦، ۷، ٥٥۳ ح.
« یوسف - ٥٠٥.
صنعان - شیخ ك - ٤۸.
صنعانی (شارح نهج‌البلاغه) - **۱۳۸**.
صوفی خلیل - ۷۰٤.
صهبا (محمدتقی) - [٦۲۷]، ٦۷۹، ۷۰۲.
صیرفی - خواجه عبدالله - ۸٥ ح.

ض

ضرار بن خطّاب - ٥۸٥.
ضمیری - ۲۱۳.
ضیاءالدین نصرالله (ابن‌اثیر) - ٤۲، ۲۹۹.
« یوسف‌بن‌خواجه اصیل‌الدین بن‌خواجه نصیرالدین طوسی - خواجه - ٤۸۷.

ط

طالب آملی - [٦۲۸].
طالع هروی (ایمانی) - [۱٦۰-۱٦۱]، ۲٦۷۰.
طاها بن خزام ك - ٥٥۲.
طاهر بن محمد الفاریابی (ظهیر فاریابی) - ۱۰۱، ۱۹۱، ۲۱۱، ٦۱۳ و [٦۳۱-٦۳٥].
طاهربن‌علی (نقة‌الملك) - ٦۷٦، ٦۷۷.
الطائع خلیفه عباسی - **۱٥۰**.
طبری - ٥۷.
طریحی - شیخ - ۱٥٤، ۱۹۲ ح، [۲۷۲-۲۷۸].
طرّاح - ۱٥۷.
طغانشاه بن ارسلان - ٥٥۷، ٥٥۸.
طغانشاه ابن مؤیّد - **۵۵۸**، ٦۱۰، ٦۳۲، ٦۷۳.
طغرل بن ارسلان سلجوقی - **۵۲۸**.
طغرل بن ملکشاه - ۹.
طمغاج خان (جلال‌الدین ابراهیم بن حسن) - ٦۱۰ ح.
طمغاج‌خان (مسعودبن‌حسین) - ٦۱۰
طلحه - ٦۲.
طوفان مزارجرمی (میرزا طیب) [٦۲۹ - ٦۳۰].

ظ

ظهوری ترشیزی (نورالدین محمد) - [٦۳۰-٦۳۱].
ظهیرالدین مرعشی - ۲٥۱ ح.
ظهیر فاریابی - ۱۰۱، ۱۹۱، ۲۱۱، ٦۱۳، [٦۳۱-٦۳٥].
ظهیر قاضی - ۲۱۳.

ع

عادل - [٦۸-۷۱]، ۱۰۳۰، ۱۰٤۰.
(ازشعرای خراسان) - ٦۹.
(پادشاه لار) - ٦۹.
عادلشاه - ٦۳۱.
عادل بن علی - ٦۹.
مراد اردستانی - ٦۹.
عارف تبریزی اصفهانی ك - ٦۲۳.
عاشق اصفهانی - ٤۷۰.
عاشق - ٦۷۹.
عاصمی - ۳٥٦.
عالم‌آرای المشرق (مورد سیف - رجائی است) - ۳٦۷.
عالم زیدی (این عبارت شرحه شود).
عالم نیر - ۲۱۷.
عاملی (شیخ حسن عاملی شرحه شود).
عالمیر - ۲۱۳.
عباس قمی - ج ۳ - ۱٤٦.
عباس میرزا نائب سلطنه - ۱۷٤، ۱۷٥، ۲۲٤، ۲۲٥، ٥۰۰.
عباس بن نجف ك - ٤۱۸.
عباسقلی وزیری (سیف‌الملك) - ۱۱، ۱۳، ۸۹.
عباس بن علی بن حسین ابوالفتح عبدالرحیم ابن عبدالرحمن احمد ... ظهیری اسلامبولی - [٤۲٥-٤۲٦].

عبدالباسط ابن خلیل حنفی - شیخ - ۲۴۰، ۲۴۲.
عبدالباقی صوفی ملقب به دانشمند - ۶۹، ۱۳۱ و ۱۳۲.
عبدالباقی نهاوندی - ۶۳۸.
عبدالجامع بن عمران بن ربیع - ۶۳۶.
عبدالجبار شیعی - قاضی - ۱۲۸.
عبدالجلیل بن حسن ك - ۳۷۱.
" نصیری - میرزا - ۲۶۷.
عبدالحجة ایروانی - سید - ۱۰۷.
عبدالحسین اصفهانی ك - ۱۶۴.
حلی ك - ۱۵۱، ۱۵۲ ح، ۱۵۳، ۱۵۴.
عبدالحسین (ذوالریاستین) نعمة‌اللهی شیرازی - حاج میرزا - ۱۳۱، ۵۰۹ ح، ۵۱۰.
عبدالحسین طریحی - شیخ - ۶۲۰.
(فیض علی شاه) - میرزا - ۴۸۹.
عبدالحکیم سیالکوتی - ۳۲۴.
عبدالحی بن عماد (مؤلف شذرات الذهب) - ۱۱۴.
عبدالخالق (پدر بیدل هندی) - ۵۷۱.
عبدالرحمن (جامی دیده شود).
بن اسحق الزجاجی - ابوالقاسم - ۷.
عبدالرحمن (سیوطی دیده شود).
بن عبدالعزیز - شیخ - ۲۴۰.
بن علی الاماسی - ۲۴۰.
بن عیسی - ۱۹۶.
عبدالرحیم بهاری - شیخ - ۲۱۳.
جمحالی - سید - ۱۳۱.
سوربهاری - ۲۲۷.
ابن عبدالکریم صفی پوری - ۲۴۰.
ابن علی بن حسن لخمی میسانی عسقلانی مصری (قاضی فاضل) - ۵۰۶.
بن فیروزآبادی - ۲۳۷.
هندی - شیخ - ۱۶۳ ح.
عبدالرؤف مناوی - تاج‌الدین - ۲۳۸.
عبدالرزاق بن شیخ داود - ۳۸۹.
غوطی - ۴۱ ح، ۴۲ و ۴۶.
کاشانی - ملا - ۳۵۰.
بن محمد الیمنی ك - ۲۴۲.
عبدالرزاق الویری ك - ۲۵۳.
عبدالرسولی - ۵۹۰.
عبد الرشید دیلمی خطاط معروف ك - ۴۹۹ و ۶۴۹.
عبدالرشید بن عبدالغفور حسن مدنی تتوی [۲۱۷ - ۲۱۹]، (۲۹۳ - ۲۹۴).
عبدالرضا بن محمد مبارك موسوی - ۲۹۱.
عبدالسلام احمد القویسنی - شیخ - ۱۴۵.
عبدالصانع ابن حاج علی خونساری - ۳۹۲.
عبدالصمد بن حسین عاملی - ۳۹۰.
عبدالعالی کرکی - شیخ - ۱۳۹، ۳۵۸.
عبدالعزیز پادشاه بخارا - ۵۷۳.
عبدالعزیز پادشاه عثمانی - سلطان - ۲۶، ۲۸.
جواهر الکلام - ۳۸۹، ۳۹۰.
حلی - ۲۳۸.
ابن عمر - ۱۷۰.
فرغلی انصاری - شیخ - ۳۵۶.
عبدالعلی بن ملاعلی ك - ۳۸۶.
عبدالغافر - ۲۸۲.
عبدالغفار - ۴۴۸.
عبدالغفار نویسرکانی ك - ۱۴۲.
عبدالغفار بن عبدالکریم قزوینی - ۳۴۸.
عبدالغفور لاری - ملا - [۳۲۳-۳۲۴].
عبدالقادر بیدل - [۵۷۱-۵۷۲].
عبدالقادر - شیخ - ۲۳۶.
بن محمد شریف مکی ك - ۵۴.
عبدالقاهر نحوی جرجانی - شیخ - [۳۱۴-۳۱۶] و (۳۸۷ و ۳۸۸).
عبدالکریم حلبی ك - ۱۹۸.
عبدالکریم سعادت - شیخ ۱۴۸.
بن عطاءالله اسکندری - ۱۷۱.
ابن میرزا محمد سعید اردستانی ك - ۱۵۶.
عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی - ۷۷، [۱۰۵-۱۱۲]، ۱۴۳، ۱۴۶.
عبدالکریم بن معصوم ك - ۴۹.
عبدالله (از دوستان ومعاصرین طوفان) - ۶۲۹.
عبدالله - میرزا - ۵۹۵.

عبدالله بن احمد مکی = جمال الدین یا عفیف الدین - ۳۵۷ ح .
عبدالله انصاری - خواجه - ۳۵۹ .
« بهبهانی - حاج سید - ۱۴۸ .
« بیك (جراح باشی نظام) - ۱۰۵ .
« خونساری ك - ۴۰۲ .
« بن شاه منصور قزوینی طوسی - ۳۴۲ .
« شبّر - سید - ۱۳۴ ، ۲۷۴ .
« بن شرف الدین حسن پادشاه یمن - ۲۳۹ .
« بن شریك - ۶۲ .
« شوشتری - ملّا - ۴۱۲ .
« بن عبدالجلیل ك - ۴۴۸ .
« بن عبدالرضا - ۲۹۱ .
« ابن عبدالعلی جزائری ك - ۴۲۱ .
عبیدالله عبیدی - ۳۱۳ .
عبدالله بن غلام‌علی آل محسن - ۲۳۲ .
« کردی حسینی - ملّا - ۴۱۰ .
« بن محب الدین ابن شحنه - ۴۳۳ .
« المحمدیّه ك - ۹۲ .
« بن المدی حوالی حمیدی - ۲۳۹ .
« منشی طبری ك - ۴۵۹ .
عبدالله بن محمد بن احمد حسینی - سید جمال الدین نقره کار - [۳۶۹ - ۳۷۱] .
عبدالله میرزا - ۶۲۴ .
« بن نورالدین بن نعمة‌الله - سید - ۳۲۵ .
« نیشابوری - ۲۱۳ .
« یافعی - شیخ - ۱۹۳ ح .
عبداللهیزدی - ملّا - ۴۰۶ ، ۴۰۸ [۴۱۱ - ۴۱۳] .
عبداللطیف - میرزا - ۶۶۷ .
« تستری - سید - ۴۵۲ .
عبداللطیف بن عبدالله نهری - [۲۲۶ - ۲۲۹] .
عبدالمجید دروبش - ۴۵۳ [۶۳۵ - ۶۳۶] ، ۷۰۳ .
عبدالمحسن صوری - ۵۴۹ .
عبدالمحمد همدانی - ۴۷۲ .
عبدالملك (اصمعی) - ۵۹۹ .
عبدالملك برهانی - (بدرمعزّی) ۶۸۰ .
عبدالملك بن مروان - ۲۸۸ .
عبدالمطلب کاشانی - میرزا - [۲۶۱ - ۲۶۳] .
عبدالمنعم جرجاوی - ۳۳۴ .
عبدالواحد (عالم عصر صفوی) - ۷۱ .
عبدالواسط بقینی - ۲۳۹ .
عبدالواسع جبلی - ۱۹۱ [۶۳۶ - ۶۳۷] .
عبدالوهاب مشتهر بواعظ مکی اصفهانی ك - ۱۷ .
عبدالوهاب بن علی استرابادی حسینی - [۴۱۵ - ۴۱۶] .
عبدالوهاب بن وجیه الدین (عفیف الدین) - ۲۴۳ .
عثمان بن عفان (رض) - ۵۸۵ .
عثمان بن محمد غزنوی - غازی - [۶۷۲ - ۶۷۴] .
عذری (اسحق بیگ) - ۴۵۳ و [۴۶۹ - ۴۷۲] .
عربشاه ابن محمد حسینی اسفندقی ك - ۵۸۳ .
عرفی شیرازی سید محمد بن خواجه زین الدین - ۵۲۴ [۶۳۷ - ۶۴۱] .
عزالدوله عبدالصمد میرزا - ۱۴۱ .
عزالدین آملی - [۵۷ - ۶۰] ۶۴۰ ح ۱۲۹۰ .
(ابن اثیر) - ۳۹۸ ، ۲۹۹ .
زنجانی - ۳۴۵ .
عزالدین عبدالوهاب بن ابراهیم زنجانی - [۳۱۲ - ۳۱۳] .
مسعود پسر ابن سعدان نورالدین ارسلان شاه ابن مسعود صاحب موصل ۵۳۶ - ح ۵۳۰ .
عزالدین موسك صلاحی - امیر - ۳۳۰ .
عزیزالرحمن - ۲۱۷ ح ۲۱۸۰ .
عسجدی - ۶۴۵ .
عصام الدین اسفرائنی (ابراهیم بن محمد دیده شود) عصمت - ۳۶۶ .
عضدالدین ایجی (قاضی عضد) - ۹۱ ، ۳۲۱ ، ۳۴۸ ، ۳۶۷ .
عضدالدوله دیلمی - ۲۱۲ ح ۶۶۹۰ ، ۶۷۳ .
شیراز ك - ۶۷۳ ح .
عطّار - ۱۳۱ ، ۴۹۳ .
عطائی - ۳۲۳ .
عفیف الدین (عبدالوهاب بن وجیه الدین بریهی) - ۸۴۱ .

عکبری - ۲۷۸.
علاءالدین جوینی (عطاملک) - ۵۱، ۵۲.
علاءالدوله - ۶۶۷.
سمنانی - ۵۱۵ و ۶۰۷.
محمد خان - ۶۷۳.
علاءالدین علی - ۶۰۶.
عیشاه - ۵۱۷.
فیروزشاه - ۵۸۷.
قاضی (مؤلف تاریخ حلب) - ۴۳۳.
کیقباد ارسلان - ۵۲۹.
علاءالدین کیکاوس (علاءالدوله بن محمد بن - الامیر شاه ابو تراب) حسینی - [۶۰-۶۳]، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۵۶، ۱۵۷.
علاءالدین محمد بن تکش بن ارسلان - ۶۱۲، ۶۱۳.
محمد خجندی - ۵۸۷.
محمد شاه بخشی - ۵۱۸.
محمد شاه هندی - ۵۱۹.
علاء قونوی - ۳۳۳.
علاءالملک محمود خان ضیاءالملکی تبریزی - ۳۶۱.
علامه حلی (حسن بن مطهر) - ۵۳، ۱۳۶، ۱۹۶، ۲۷۳.
علامه شیرازی (محمود بن مسعود - قطب الدین دیده شود).
علامه مجلسی (محمد باقر بن محمد تقی) - ۵۵، ۷۴، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۴۱، ۳۲۵، ۴۲۶.
علم الدین قاسم بن احمد اسی - [۳۸۲-۳۸۴].
علم الهدی بن صفی ك - ۲۹۱.
بسرقیض - ۷۶.
علوی (احمد بن خضر اسکویی) - ۲۶۰.
علی بن ابی طالب علیه السلام - ۷ ح، ۱۴۰، ۴۲۰، ۴۳۰، ۴۴، ۴۵، ۴۷۰، ۴۹۰، ۵۲۰، ۵۳۰، ۵۸۰، ۶۴۰، ۶۷۰، ۶۹، ۷۱۰، ۷۴۰، ۷۵، ۷۶۰، ۸۰۰، ۸۱۰، ۱۰۲۰، ۱۰۴، ۱۰۶۰، ۱۱۰۰، ۱۱۲۰، ۱۱۳۰، ۱۱۵۰، ۱۱۹، ۱۲۲۰، ۱۳۸۰، ۱۵۵۰، ۱۵۶۰، ۲۰۶۰، ۲۶۶، ۲۷۳۰، ۳۳۳۰، ۳۴۲۰، ۳۵۸۰، ۳۶۱، ۴۴۰، ۴۴۷۰، ۵۱۴۰ ح، ۵۴۰، ۵۵۲۰، ۵۵۴۰، ۵۵۶، ۵۵۷۰، ۵۸۵۰، ۵۹۰۰، ۶۱۳۰، ۶۱۵۰، ۶۲۱، ۶۲۴۰، ۶۴۷۰، ۶۶۶۰ و ۶۷۵.
علی بن الحسین زین العابدین ع - ۱۹۹.
علی بن موسی الرضا ع - ۵۷ ح، ۱۲۱۰، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۲۰، ۲۷۳۰، ۳۴۲۰، ۴۸۰۰، ۶۲۱، ۶۴۹، ۶۵۰۰ و ۶۹۳.
علی - شیخ - ۱۷.
علی آقای ایروانی - حاج سید - ۱۰۷.
علی بن ابراهیم - ۱۲۸.
قطان - ۲۹۰.
احمد حسینی ك - ۱۵۹.
(سید علیخان کبیر دیده شود).
علی بن احمد الساوی - ۲۹۰.
احمد سینکی رازی ك - ۴۰۳.
علی بن محمد استرابادی (رجوع به میر سید شریف شود).
علی بن محمد استرابادی الفنجکردی - ۴۴۷.
مهابادی - ابوالحسن - ۱۳۵.
الهیتی - ۲۴۰.
علی بن اسحق (انوری دیده شود).
علی اصغر ك - ۴۵۴.
علی اکبر مؤلف میزان البلاغه - [۴۳۴-۴۳۵].
ك - ۳۳۶.
- میرزا - ۱۶۵.
تبریزی - ۶۹۳.
دهخدا - ۲۹۴، ۶۰۳، ۶۸۷.
نهاوندی - ۱۲۱.
علیجان بن حیدرعلی ك - ۵۶۷.
علی بن جعفر بن حسین قدامه موسوی - ابوالقاسم مجدالدین - ۵۵۵، ۵۵۶.
علی بن حسام الدین هندی مشهور به متقی - شیخ - ۳۰۱.
علی حسن - سید (مؤلف صبح روشن) - ۲۱۹.
علی بن حسن زواری - ۶۴ ح، ۱۳۹.
کزازی ك - ۳۳۹.

علی بن حمزه اصفهانی - ۵۵۳ .
« « « بن عمارة بن حمزه اصفهانی - ۵۵۳ ح.
علیخان زنگنه - شیخ - ۷۰۰ .
« ژنرال - ۲۸ ،
علیخان کبیر - سید (علی بن احمد نظام الدین) - ۱۰۳ ، [۲۰۴-۲۰۹] ، (۳۵۳-۳۵۴) ، ۳۵۵ ، ۳۸۱ ك ، (۴۰۱-۴۰۲) - ۴۱۱ ك و ۴۲۸ .
علی خیرآبادی - منشی - امام - ۱۶۵ .
علی بن سلطان هروی - ملا - ۲۳۹ .
« « سلیمان بحرانی ۵۲ .
علی سهل بن شیخ ابواسحق - ۵۱۳ .
علی شیرازی - میرزا - ۲۳۹ .
« « (متخلص به نیاز) - ۱۶۵ .
علی بن طاهر (سید مرتضی علم الهدی) - ۴۲ ، ۷۶ ، ۱۱۴ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۵۱ ، ۲۶۵ .
علی بن عبدالعالی کرکی - ۲۸۱ .
علی بن فضل الله حسینی راوندی - سید - ۱۰۳ ، ۱۴۴ .
علی قاری استرابادی - عمادالدین - **۱۴۹** .
علی قلی خان کروسی - ۴۷۴ .
علی قلیخان واله - ۶۰۳ و ۶۵۰ .
علی کلا - شیخ - ۵۸۱ .
علی محمد باب - میرزا - ۱۳۵ .
علی محمد تاجر دهشتی - حاج میرزا - ۴۲۱ ح .
علی بن محمد رضائی رومی - **۵۰۷** .
علی محمد حکمی اصفهانی - میرزا - ۴۳۹ ، ۴۴۹ .
علی بن محمد بن الفرات - ابوالحسن - ۱۱۷ متن و ح .
علی بن محمد بن لبنی واسطی - [۷۴-۷۵] ، ۱۴۶ .
علی بن مطرز - ۳۹ .
علی بن محمد معصوم حسینی فاسی - ۲۳۹ .
علی ابن محمد ناشری - قاضی - ۲۳۵ .
علی مشتاق - سید - ۶۲۷ .
علی بن ناصر - **۱۳۹** .
علی بن ناصر غرتوی (برهان الدین) - ابوالحسن - ۴۹۸ .
علی قائنی ك - ۷۲ .
علی بن نظام ك - ۵۸۳ .
علی نقی بن اسمعیل موسوی ك - ۴۱۸ .
علینقی کمره ای (زین الدین) - [۶۴۱-۶۴۲] .
علی نقی بن یهرام ك - ۳۳۴ .
علی نقی (مؤ بن دیوان) - ۴۹۹ .
علی نیك پی - ۲۱۳ .
علی واعظ تبریزی - حاج ملا - ۱۱۱ ، ۱۲۴ .
علی همدانی - سید - ۱۳۱ .
علی بن یوسف قفطی - ۱۹۵ .
علی بن یونس عاملی نباطی - ۲۸۱ .
عمادخطاط معروف - میر - [۴۰۲] ، ۴۱۷ .
عماد خوئی (نظام الملك ثانی) - ۵۳۰ ح .
عمادالدین کاشی - ۲۴۲ .
عماد فقیه - ۱۹۱ ، [۶۴۲-۶۴۴] .
عماد کاتب اصفهانی (ابوعبدالله عمادالدین محمد بن محمد بن حامد بن محمد) - ۹۱ ، [۵۰۴-۵۰۹] و ۵۴۶ .
عمادی - ۱۹۱ ، ۲۶۱ .
عمر بن بحر بن محبوب (جاحظ دیده شود) .
عمر بن بهاءالدین بشرطی - ۳۷۸ .
عمر بن خطاب رضی - ۱۱۸ .
عمر ابن سعد عنزی - سید - ۵۴۷ .
عمرو بن عاص - ۵۸۵ .
عمیدالدین قزوینی - ۶۶۱ .
عندلیب (محمد حسین سراج الشعراء اصبا) - ۲۶۲ .
عنصری ابوالقاسم حسن بن احمد بلخی - ۱۹۱ ، ۶۰۲ و [۶۴۴-۶۴۵] .
عوفی - ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۴۶۳ .
عهدی بن شمس البغدادی - **۲۴۹** .
عیسی بن عبدالکریم گجرانی - ابوالروح - ۲۳۹ .
عیسی بن محمد صفدی - **۳۰۱** .
عیسی پیغمبر علیه السلام - حضرت - ۴۵۴ .
« - قاضی - ۷۰۴ .
« بن هشام - ۸۶ ، ۸۹ ، ۹۰ .

غ

غالب دهلوی (اسدالله) - ۱۶۳ .
غزالی - ۵۵۴ ح .
غضائری - ۶۴۵ .
غفور - ۳۲۱ .
غلام قادر - مولوی - ۱۶۵ .
غنیم‌بیك اوزبك - ۷۰۲ .
غیاث‌الدین (ممدوح وحشی) - ۶۹۸ .
غیاث‌الدین محمد رشیدی (وزیر) - ۲۱ ، ۲۲ ، ۴۴۵ ، ۵۱۴ .
غیاث‌الدین رشید - خواجه (رشید) - ۲۱۴ .
محمد (پدر ثنائی) - ۵۷۵ .
بن محمدحسنی حسینی - ۴۱ .
منصور دشتکی شیرازی - ۴۱ ، ۲۰۵ .
غیرتی شیرازی - ۶۳۸ .

ف

فارس‌بن زکریّا - ۲۹۰ .
فاطمه زهرا علیها سلام - حضرت - ۵۳ ، ۵۵۶ ، ۵۹۰ ، ۶۲۱ .
فارض - ۵۵۰ ح .
فتاحی - ۴۶۲ .
فتح‌الله رازی - میرزا - ۲۲۷ .
فتح‌الله کاشی - ملّا - [۱۶-۱۷] ، ۶۴۰ ح ، ۱۳۰ ، ۱۵۷ .
فتحی‌بن خاقان - ۷۸ ، ۵۴۸ .
فتحعلی (آخوند زاده دیده شود) .
فتحعلیخان (صبا) - ۲۶۱ ، ۳۶۲ ، ۴۶۰ ، ۴۶۸ ، ۶۰۵ [۶۲۶-۶۲۷] .
فتحعلیشاه قاجار - ۱۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۵۵ ، ۱۷۴ ح ، ۲۰۳ ، ۳۲۹ ، ۴۵۶ ، ۴۶۰ ، ۴۶۱ ، ۴۷۱ ، ۴۷۷ ، ۴۷۸ ، ۴۷۹ ، ۴۹۱ ح ، ۶۰۵ ، ۶۲۴ ، ۶۲۵ و ۶۲۶ .
فتوحی - ۲۹۶ .
فتح‌بن‌علی‌بن محمد بنداری - ۵۰۵ .
فخر اسفندری - علی‌بن عمر - فقیهی - ۳۸۲ ح .
فخرالدین احمد (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱ .
فخر رازی - امام - ۴۲ .
فخرالدین عبدالله‌بن المؤید بالله - ۴۶ ، ۱۳۳ .
فخرالدین گرگانی - ۵۳۱ .
فخرالدین ماستری - خواجه - ۴۳۸ .
فخری قاجار - ۲۱۶ .
فخرالملك وزیر بهاءالدوله - ۱۵۰ .
فراغی - ۲۶۷ .
فردوسی - ۱۹۰ ح ، ۱۹۱ ، ۲۱۱ ، ۲۶۱ ، ۴۴۵ ، ۵۵۸ ، ۶۴۴ .
فرصت‌الدوله - ۲۰۴ ح ، ۵۸۱ .
فرمانفرما (فریدون میرزا) - ۳۷۸ .
فروغ اصفهانی (میرزا محمد مهدی‌بن محمدباقر اصفهانی نائینی) - [۲۸-۳۲] .
فروغی (محمدحسین) - ۱۴۹ .
فروغی (محمدعلی) - ۵۸۲ .
فرهاد - ۴۵۶ .
فرهاد میرزا - معتمدالدوله - حاج - ۳۴ ، ۱۵۸ ، ۲۱۱ ، ۲۴۲ ، ۲۹۱ ، ۴۶۷ ، ۵۵۲ .
فریدون - ۱۹۰ .
فریدون حسین میرزا - ۵۶۹ .
فریدوجدی - ۱۱۴ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۵۰ ح ، ۱۵۴ ح .
فضّال - ۲۹ ح .
فضل‌الله‌بن ابراهیم انصاری‌ك - ۳۲۸ .
فضل‌الله راوندی (سید) - ۱۳۵ ، ۱۲۷ .
فضل‌الله ساوجی - حج میرزا - ۶۷۰ .
فضل‌الله شرف‌الملك رضی‌الدین ابوالرضا - ۹۴ ،
فضل‌الله کاتب‌ك - ۲۶۶ .
فضل الله نصیرالملك - میرزا - ۲۴۲ .
فضل‌الله مستوفی‌ك - میرزا - ۲۱۷ .
فضل مولی خان متخلّص به فضل - ۱۶۵ .
فضلعلی قاجار - ۵۶۰ .
فضولی (محمدبن‌سلیمان) ۲۱۱ و [۶۴۶-۶۴۸] .
فغانی (بابافغانی دیده شود)
فلایشر - ۷۱ .
فلك‌المعالی (منوچهربن‌قابوس) - ۶۸۴ .
فلوگل - ۸۲ ، ۳۳۷ ، ۳۹۹ .
فندرسکی - میر - ۲۵۵ .
فؤاد پاشا صدر اعظم دولت عثمانی - ۲۶ .

فیروزآبادی ابوطاهر مجدالدین محمد شیرازی شافعی - ۲۰۵ ، ۲۰۸ [۲۳۲ - ۲۴۷] ، ۲۷۰ ، ۳۱۶ ،
فیشر - ۹۶ .
فیض کاشانی (ملامحسن) - ۲۴ ، ۳۳، ۷۶ ، ۳۲۵ ، [۳۸۸-۳۸۹] ، (۶۵۱، ۶۵۲).
فیضی (ابوالفیض بن شیخ مبارک ناگوری)- ۲۱۰، [۵۲۰-۵۲۴] ، ۵۳۱ و ۶۳۸ (۶۵۲-۶۵۳) .
فیلسوف الدوله (کاظم بن محمد گیلانی)- ۱۰۴ .

ق

القادر - ۱۵۰ .
قاورك آقا ابیوردی‌ك - ۴۶۷ .
قاسم آغا - ۴۵۶ .
قاسم (قاسم انوار = قاسمی) - ۱۳۱، ۲۰۹، ۵۴۳ ، ۵۸۳ ، [۶۵۳-۶۵۶] .
قاسمی تبریزی - ۶۶۵ .
قاسم‌علی - ۲۶۸ .
قاسم بن قطلوبغا الحنفی - **۸۲، ۳۱۸** ح .
قاضی فاضل - ۵۰۵ .
قاضی نورالله - ۵۵۲ ، ۵۵۹ ، ۶۵۳ .
قالی (ابوعلی)- ۳۷ .
قائم آل محمد علیه السلام- ۲۸۶ ، ۵۷۳.
قاسم بن احمد اندلسی- علم الدین- [۳۸۲-۳۸۴].
قدسی شیرازی (محمد حسینی) - ۵۸۱ .
قرة العین - ۱۳۵ .
قرشی - ۴۴۶ .
قره حصاری - (اختری مصلح الدین مصطفی بن شمس الدین) - ۲۲۰ ، [۲۶۳-۲۶۴] ، ۲۶۵ .
قره دده (کمال الدین دده خلیفه) - [۳۱۸-۳۲۰] .
قزل ارسلان - اتابك - **۵۲۸**، ۵۲۹ ح، ۶۳۲.
قزوینی (میرزا محمد خان) - ۸ ح، ۹، ۹۴، ۱۶۹، ۱۷۰، ۴۶۴، ۴۹۳ ح، ۴۹۴ ح، ۴۹۵ ، ۶۷۳ ح، ۶۷۶ و ۶۸۰.
قزوینی (صاحب آثار البلاد) بسیار نام برده شده - ۴۶۲ .
قطب الدین حبش - امیر - ۶۱۳ .
حنفی مکی - ۲۴۲ .
رازی - ۳۶۷، ۴۳۱ .
راوندی (سعید بن هبة الله بن حسن فقیه)- ۴۴، ۸۰، ۱۲۳، **۱۲۴، ۱۲۵**، ۱۲۷، ۱۳۰ و ۱۴۴ .
قطب الدین سرخسی - ۱۷۰ .
قطب الدین شیرازی (ابوالثناء محمود بن مسعود - [۴۲۹-۴۳۲] ، ۳۵۰ .
قطب الدین (قلج ارسلان) - ۲۵۰، ۲۵۱.
کیدری (ابوالحسن محمد بن حسین) - ۶۱ ح ، **۱۲۴**، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸.
قطران تبریزی- ۲۱۳، [۶۵۷-۶۵۸].
قطرب ابوعلی محمد بن المستنیر بن احمد بصری - [۲۶۹-۲۷۱]، ۲۸۲.
قفطی - ۱۲۵، ۱۸۱، ۱۸۳ .
قلج ارسلان بن مسعود - ۲۴۷، ۲۵۰ .
قنالی زاده (حسن حلبی)- [۴۷۲-۴۷۳].
قوام الدین عبدالله - ۵۸۰ .
قزوینی - ۴۳۴ ح .
یوسف شیرازی - ۱۲۹ .

ك

کاتبی (محمد بن عبدالله) - [۶۵۹] .
کارکیا سلطان محمد - ۲۵۱ .
ناصر کیا پادشاه گیلان - **۲۵۱**.
کارلیل انگلیسی - ۵۹۹.
کارمك انگلیسی - دکتر - ۱۷۵ .
کاظم رشتی - سید - ۲۸، ۲۹ ح، **۱۴۳**.
کاظم بن میرزا صادق ك - ۲۱۶ .
کاظم علی نصیرآبادی - مولوی - ۱۶۵ .
کافور اخشیدی - ۶۶۹ .

کاکویار - ۳۵۶ .
کرمانی (اوحدالدین) - ۳۹ ح و ۴۸۶ .
کلمان‌هوار فرانسوی (خاورشناس) - ۱۱۴، ۳۳۷ .
کلیم (ابوطالب) - [۶۵۹-۶۶۰] .
کمال‌الدوله محمد حسن قاجار - **۱۴۷** .
کمال‌الدین - ۳۶۶ .
کمال اسمعیل اصفهانی (خلاق المعانی) - ۱۰۱-۱۹۱، ۲۰۹، ۲۶۱، [۶۶۱-۶۶۳].
کمال‌الدین (ابن‌میثم دیده شود) ،
کمال خجندی مسعود - ۱۹۱، ۵۸۱، ۶۵۵ . [۶۶۳-۶۶۵] و ۶۸۲ .
کمال‌الدین محمد (پسر ابن نارض) - ۵۵۱ .
کمال‌الدین محمد بن معین‌الدین محمد اصفهانی فسائی مشهور بمیرزا کمالا - [۴۲۶-۴۲۷] .
کمال‌الدین بن محمود کرمانی ك - ۴۹۹ .
کوهی کرمانی - ۱۴۷، ۴۹۴ ح، ۵۱۲ ح .

گ

گاب - واقف انگلیسی - ۹۳ ح .
گرشاسب - ۱۹۰ ح .
گلندام (محمد - جامع دیوان حافظ) - ۵۸۱ .

ل

لاد دهنوی - شیخ - ۲۲۹ .
لسان‌الملك سپهر - ۱۴۶ .
لسانی شیرازی - ۶۱۸، [۶۶۶-۶۶۷] .
لطف‌الله حسینی - ۲۶۵ .
لطف‌الله بن محمدبن عبدالمهدی البحرانی ك - ۴۸ .
لطف‌الدین شکرالله تبریزی (مخمور تخلص) نبیرهٔ مخمور معاصر اعتضادالسلطنه است - ۶۷۵ .
لطفی - [۶۶۷-۶۶۸] .
لؤلؤ (حاکم حمص) - ۶۶۹ .
لیث بن ادریس - ۲۹۰ .

م

ماجد بحرانی - سید - **۱۳۳، ۱۴۰** .
مالك - امام - ۳۳۰ .
مالك اشتر (مالك ابن‌حارث) - ۱۴، ۱۵، ۳۳، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۸ .
مبارزالدین مظفری - امیر - ۵۱۳ .
مبارك (پدرفیضی‌است) - ۵۲۴ .
مبارك شاه غزنوی (فخرقواس) ۲۱۴ .
مبارك بن عبدالکریم (ابن‌اثیر) - [۲۶۷-۳۰۲] .
مبارك بن فاخرنحوی - ۷ .
مبرّد - ۵ .
متقی (علی‌بن‌حسام‌الدین) - ۳۰۱ .
متنبی (ابوالطیب احمد بن حسن دیده شود) .
مجتبی مینوی - ۶۸۷ .
مجدالدوله - ۴۸۵ ك .
مجدالدین خواجه نصیری - ۴۹ ح، ۵۱ .
مجدالدین - ابوالفضل ساوجی [۶۷۰-۶۷۱] ممکر - ۲۶۱، ۶۳۲ ح .
مجذوب علیشاه - ۴۹۰ .
مجلسی اول - محمدتقی ۱۳۲ .
مجتهدالشعرا = مجمر (حسین طباطبائی زواری) - [۶۷۱-۶۷۲] .
مجیرالدین - ۹ ح، ۱۷۰ .
مجیر بیلقانی - ۹ .
محب‌الدین حسن ك - ۶۴۴ .
محب‌الدین ابوالولید محمد بن محمد ابن شحنه - ۲۳۹، [۴۳۲-۴۳۴] .
محتشم‌السلطنه - جناب (اسفندیاری دیده شود).
محتشم کاشی - ۳۲۷ .
محدث نوری - ۱۲۳ .
محدث نیشابوری - ۲۸۶ .

محسن ـ حاج سید ـ ۳۵۳ .
محسن ـ میرزا ـ ۳۱ .
محسن‌خوشنویس (عمادالفقرا متخلص به‌حالی) ـ ۷۷، ۱۴۵.
محسن بن عبدالله بن فتحعلیشاه ـ ۶۷۴ ك .
محسن‌بن‌محمدطاهر قزوینی ـ ملّا ـ ۳۸۸ .
محسن نعمت‌اللّهی ـ ۱۰۶، ۱۰۷.
محسن نواب ـ میرزا ـ ۴۷۹ .
محقق ثانی ـ ۵۷، ۳۵۸ .
محقق حلی(ابوالقاسم) ـ ۲۷۳.
محمد اکبرعظیم‌آبادی ـ ۱۶۵ .
محمد بن عبدالله ص ـ ۱۸، ۳۴، ۳۸، ۶۵ ح، ۸۲، ۱۰۴ ح، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۵۵، ۱۷۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۷، ۲۰۶ ح، ۲۲۳، ۲۳۶ ح، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۳۲، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۷۷، ۳۸۷، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۳۳، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۴۸، ۵۴۴، ۵۶۲، ۵۷۳، ۵۷۷، ۵۸۵، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۳۶ و ۶۸۸ .
محمد جلال‌الدین ـ ۱۴۳ .
» بن ابراهیم بن‌اولغ‌خان‌ك ـ ۴۶۸.
» ابراهیم سبزواری ـ ۱۷۶ .
» بن ابراهیم طهرانی ـ شیخ ـ ۱۹۹ .
» بن ابی‌بکر ـ ۱۴۲ .
محمدبن ابی بکر مخدومی(دمامینی) ـ [۳۷۵ـ۳۷۸]، ۳۷۹ .
محمد بن ابی‌بکر مخدومی اصفهانی ـ ابوموسی ـ ۳۰۰ .
محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی حنفی (زین‌الدین)[۲۷۸ـ۲۷۹]ـ ۲۸۰ .
» ابوالحسن ـ ۵۱۸ .
» بن ابوالقاسم ك ـ ۸۹ .
» ابی‌نصر ـ ۱۵۷ .
محمدبن احمدازهری ـ ازهری ـ[۱۶۶ـ۱۷۳]، ۱۸۴، ۱۹۶، ۳۰۰، ۳۱۰.
محمد بن احمد اصفهانی ـ ابوبکر ـ ۲۹۰.
» » بن‌محمدعلقمی(ابن‌علقمی)ـ ۴۲، ۴۳ و ۴۷.
» ادریس بن الیاس‌العرعشی ـ ۳۰۹ .
» اسمعیل ـ ۶۵۰ .
» اشرف ك ۲۵۳ .
افضل سرخوش ـ میرزا ـ ۴۷۳ .
» اکبر ـ ۴۳۴ ح .
» ـ جلال‌الدین ـ ۲۱۴ .
» بیك ـ ۲۵۲ .
امین ك ـ ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۷۲ .
» ـ میر ـ ۲۵۳ .
استرابادی ـ ۲۷۳ .
نجفی ك ـ ۳۹۶ .
محمدباقر ك ـ ۲۹۷ .
بن حسنعلی‌حسینی طبیب اصفهانی ك ـ ۱۸ .
محمد باقر خونساری ـ میرزا ـ ۵۴، ۱۲۶ .
» مدرس رضوی ـ ۴۷۹ .
» بن ملّا ولی استرابادی ك ـ ۳۱۱، ۴۳۷ .
» بن علیرضاه مشهدی ـ میر ـ ۵۷۵.
محمدباقر لاهیجی نواب ـ[۱۷ـ۱۹] ۱۳۴۰ .
» بقال ك ـ سید ـ ۱۰۴ .
محمدتقی ك ـ ۱۸۵، ۲۷۶.
» محمد تقی ـ میرزا ـ ۲۸ .
» ـ حاج میرزا ـ ۴۳۹ و ۴۴۹.
» استرابادی ك ـ ۴۸ .
» ابن حاج باقر ك ـ ۳۹۱ .
» جابرانصاری‌طبرسی ـ ۴۳۹ و ۴۴۹.
محمدتقی ابن میرزا زین‌العابدین سرابی (صاحب حبی آبادی) ـ ۲۶۲، [۶۲۴ـ۶۲۵] .
» شهید ك ـ ۱۳۵ .
» مدرس رضوی ـ ۴۷۹ ح .
» ابن سید حسین نصرآبادی ـ ۳۷۰ .
محمد بن سلمان ـ (شرح حال خود او) .

محمدتقی بن شاه محمد ك - ۲۱ .
ابن امیرمؤمن قزوینی - ۱۳۴.
محمدتقی ابن ملایدالله صهبا - [۶۲۷]، ۶۷۹، ۷۰۲ .
محمد جامی ك - ۶۶۵ .
جریر طبری - ۱۲۷ .
جعفر ك - ۳۵۵ .
بن جعفر - ابوسعید - ۱۸۳.
جعفر البصری - ۴۸۰.
بن عنایت الله شیرازی ك - ۶۴۲.
« بن حاجی جمال اردستانی ك - ۳۵۱ .
جمهور الاحسائی - شیخ - ۱۰۳.
جواد ارکانی - ۲۰۵ و ۶۲۳ .
جوکی - میرزا - ۶۶۷.
جهان پهلوان - ۵۲۸، ۵۲۹.
حافظ - ابوالفضل - ۱۵۳ ح .
بن حبیب الدین - **۱۳۹** .
حبیب الله - ۲۳۸ .
محمد بن حسن نواجی - [۷۲-۷۴] و (۵۰۰-۵۰۲) .
ابن سید حسن - سید - **۱۹۶** .
حسن پروسردی - بیدل - ۴۷۵ .
حسینی - **۳۶۶** .
بن حسن سروانی (ملامیرزا) - ۲۴۱.
فارسی - ابوالحسین - ۳۱۴ .
حسن بن قاآنی شیرازی (حکیم سامانی) - ۹۶ ح .
قاجار (کمال الدوله) - **۱۴۷** .
نائل مرصفی - **۱۳۶** .
محمدحسین ك - ۴۴۰.
محمد بن حسین (قطب کیدری دیده شود) .
محمدحسین - حاج ملا - ۲۳۴ ح .
محمد حسین بن محمد حسن مجتهد - حاج - [۵۰۹-۵۱۲] .
خان مروی - حاج - ۳۰۵.
محمدحسین میرزا (حشمت الدوله) - ۴۷۴ .
« استرابادی ك - ۳۱۲ .
« خاتون آبادی - امیر - ۳۵۸.
« خان (نظام الدوله صدر اصفهانی) - ۹۸، **۶۹۶** .
« طباطبائی نائینی ك - ۵۶۹ .
« طبیب کاشانی - میرزا - ۲۶۳ و ۳۶۲ .
عندلیب - ۲۶۲ .
فروغی (ذکاءالملك) - ۱۴۹ .
« مشهدی ك - ۵۷۶ .
« نیریزی ك - ۴۵۹ .
محمد بن حسین موسوی (شریف رضی - سیدرضی) - [۱۴۴-۱۵۵]. رضی نیز دیده شود
محمد بن حسین ك - ۳۱۱ .
محمدحسین بن خلف تبریزی متخلّص به برهان - [۱۶۱-۱۶۵] .
محمدحسین بن علی نقی همدانی - **۱۴۱** .
« فضل الله حسینی - ۲۹۴ .
« محتشم - ۳۲۷ .
محمد حسین (نظیری نیشابوری) - [۶۸۹-۶۹۱] .
محمدحسین بن نورالدین موسوی حسینی جزائری - ۳۶ .
محمد حکیم باشی شیرازی - میرزا - ۳۶۲ .
محمد حلبی، (رضی الدین ابوالبقا) - ۳۷۹ .
محمد حنفیه - ۶۴ .
خوارزمی - **۸۳** .
خان - آغا - ۴۶۱ .
« قزوینی - میرزا (قزوینی دیده شود) .
« (وزیر) - ۵۷۳ .
محمد خفری - شیخ - ۲۱۰ .
محمد خوئی (حکیم قبلی) - [۱۷۳-۱۷۶] .
داود حسینی - ۲۶۴ .
محمد داود بن عبدالله (داود تخلّص) - [۵۹۵-۵۹۸] .

محمد بن داود (ارسلان خان) - ٦٧٣ ح .
« درخشان - ١٨٠ ح .
« دشتی اصفهانی - شمس الدین - ٣٥٧، ٣٥٨ ح .
« (ذکاء الدوله) - ٨٢ .
« بن میرذوالفقار کرمی ك - ٣٣٩ .
« رحیم ك - ٦٦ .
« رسول برزنجی - سید - ٢٣٨ ح .
« رضا - ٢٧٦ ، ٥٢٨ .
محمدرضا کاتب اصفهانی ك - ٤٥٤
« رضا ابن علیخان طریشی ك - ١٥٦ .
« « « حاج بیگلر ك - ٥٣٦ .
« رضی بن محمد رحیم آشتیانی قمی ك - ٥٦٨ .
« « محمد شفیع - ٥٩٦ ، ٥٩٧ .
« رفیع بن محمدصادق شیرازی ك - ٦٢٧، ٦٣٦ ، ٧٠٣ .
محمد زمان - سید امیر - ٧٧ .
« « ابن حاج عبداللطیف تبریزی ك - ٣٤٢ .
محمدبن زید واسطی - ابوعبدالله - **١٣٥** ح .
محمد سحاب - سید - [٦٠٤-٦٠٦] و ٧٠٣ .
« سعدالله مراد آبادی - **٢٤٠** .
« سعید ك - ٦٤٠ .
سلطان - آقا - ٥٨ .
« « - حاج شیخ - **١٤١** .
« سلمان بن عبدالباقی ك - ٢٥٢ .
محمدبن سلیمان بغدادی (فضولی) - ٢١١، [٦٤٦ - ٦٤٨] .
محمدبن سلیم کیلانی - ٣٤٣ .
محمد سنان - حاج - ٥٥٥ .
« سنجر حسینی - ٣٣٩ .
« بن شاکر بن جیعان - ابوالبقاء - ٤٢٥ ح .
محمدبن شمس الدین ابی بکر رازی حنفی (زین الدین) [٢٧٨-٢٧٩] و ٢٨٠ .
محمدبن میر سیدشریف جرجانی - شمس الدین - ٣٦٧ ح .
محمد شاه قاجار - ٢٩ ، ٣١ ، ٣٢ ، ١٧٤ ح ، ١٧٥ ، ٤٦٠ .
محمد شاه هندی - ٢٣٨ ، ٤٧٣ ، ٦٩٣ .
محمد شریف ابهری ك - ٣١٢ .
« ابن حاج حسن آمدی ك - ٤١٤ .
« ابن صفی قلی ك - ٥٧٦ .
شفیع - میرزا - ٢٠٩ ، ٣٠٢ .
« طباطبائی - ٤٥٠ ، ٤٥١ .
« صادق ك - ٣٤٥ .
(زری واخبرالمتخلص بمزبور - ٤٥٥ .
سبزواری ك - ١٧٦ .
« صالح برغانی قزوینی - **١٣٥** .
صالح حسینی (خاتون آبادی) - امیر - ٣٣ .
محمد صالح رونقی - [١٤-١٦] - (٦٣-٦٦) - **١٣٣-١٤٠** .
محمد صالح بن عبدالوهاب خوشقدمی ك - ٢٢٣ .
محمد رفیع طبیب رشتی ك - ٣٩٠ .
محمدطاهر هزار جریبی - ٣١٢ .
محمدصالح نواب رضوی - امیر [٤٧٩-٤٨٢] .
صدرالدین شیرازی (ملا صدرا شیرازی) - ٢٤٣ .
محمدطاهر (قمشایی) - میرزا - ٦٢ ، ٩١ و ٢٠٦ ح .
محمدطاهر وحید قزوینی - [٦٩٩-٧٠٢] .
محمد بن طاهر حسینی - ١٦٠ .
محمد بن حسب بن محمد نسبی - ٢٣٨ و **٢٣٩** .
محمد ظهیر ابن حاج محمد رمضان ك - ٣٥٢ .
محمد عباس شوشتری - میرزا - **١٤٠** .
عبده - شیخ - ٨٧ ، ٨٩ ، ١٣٦ ، ١٣٩ ، **١٤١** ، ١٥٤ .
محمدبن عبدالله آشتیانی ك - ٤٦٨ .
محمدبن عبدالله (کاتبی) - [٦٥٩] .
عبدالخالق بن معروف - [٢٥١-٢٥٣] .
محمدبن عبدالرحیم ك - ٣٧٥ .
العمری البلخی - **٣٤٩** .
محمدبن عبدالعبود طبیب حکیم باشی قبلی - محمد خوئی - [١٧٣-١٧٦] .

محمدبن عبدالغنی اردبیلی - [۳۴۳-۳۴۴] .
محمدبن عبدالغنی (عبدالعظیم حسنی) - [۳۵۵-۳۵۶] .
محمدبن سید عبدالکریم - ۴۷۳ .
محمدبن عبدالکریم ك - ۲۷۱ .
محمدبن عبدالکریم بیکسماتی ك - ۲۵۱، ۲۸۲ .
محمدبن عبدالمجید بن سامولی - **۳۹۵** .
محمد عسکر ك - ۳۹۶ .
عصار تبریزی - سید - ۱۰۰ .
علی - ۳۹۶ .
علی - امام جمعه نون - ۴۸۹ .
بن علی بصری - ابوالحسن - **۴۳** .
علی بهبهانی - آقا - ۶۲ .
[illegible] - ۱۰۵ .
جیلانی اصفهانی - **۱۴۴** .
بن علی الرقا - ۴۹۴ ح ، ۴۹۵ ، ۵۹۶ .
بن علی ساوی - سعدالدین وزیر - ۳۴۹ .
محمدبن علی (سوزنی) - ۱۹۱ ، ۶۰۲ و [۶۰۹ ، ۶۱۱]
محمدبن علی (صائب تبریزی) - ۶۰۰ [۶۲۲-۶۲۴] ، ۶۵۹ .
محمد علی [illegible] (مهر) - ۴۷۱ .
محمدعلی فروغی - ۵۸۲ .
[illegible] - ۱۳۵ .
محمدعلی [illegible] - ۱۸۰ ح .
[illegible] - سلطان - ۳۴۳ .
[illegible] معروف بسواك - ۴۴۴ .
علی ابن [illegible] ك - ۶۵۸ .
[illegible] ك - ۵۳۵ .
[illegible] ك - ۳۵۶ .
محمدعلی ابن مولانا [illegible] - [۳۴۱-۳۴۲] .
محمدبن علی بن موسی الرضا علیه السلام (حضرت امام جواد محمدتقی) - ۵۵۲ .
محمد علی بن میرزا عبدالحسین بن محمدعلی رقی طبسی (نورعلیشاه) - [۴۸۹-۴۹۲] ، (۶۹۵-۶۹۶) .
محمدعلی [illegible] - ۵۵ ، ۴۷۴ .
محمدعلی ناصح کارمند وزارت فرهنگ - ۴۶۴ .
محمدعلی نجفی - ۱۷ ح .
محمدبن عمر (قورد آفندی) - **۳۵۹** .
« عیسی - مولا - **۲۸۰** .
« بن فصیح دشت بیاضی - ۱۸۸ .
محمدبن فضل‌الله (مجدالدین ساوجی) - ابوالفضل - [۶۷۰-۶۷۱] .
محمدقاری رودآوری ك - ۴۱۳ .
محمدقاسم بن خواجه محمدعلی اصفهانی (سراجا) - ۶۳۸ .
محمد قبلی (محمدخوئی - حکیم باشی - محمدابن عبدالصبور) - ۱۷۳ ، ۱۷۶ ، ۲۶۲ .
محمد قطة‌العدوی - ۳۳۴ .
« بن فرج گیلانی (رفیع‌الدین) - **۱۴۳** .
بن قاسم غزی - ۳۱۸ ح .
محمد قاسم (سروری کاشی دیده شود) .
بن حاج قرط کاتب ك - ۲۶۴ .
بن قطب‌الدین - ۴۳۲ .
بن ملا فتح‌الله قزوینی = واعظ (رفیع‌الدین) - ۳۱۷ .
محمدقلی ك - ۷۶ .
قلی قطب شاه - ۴۴۲ ، ۴۴۳ .
بن امیر قماج - ۶۵۸ .
« بن قوام بن رستم بلخی - ۵۲۸ .
بن قیس - ۲۱۴ .
محمد کاسه‌لیس (امیرخسرو دهلوی دیده شود) .
کاظم بروجردی - ك - ۱۰۲ ، ۲۴۵ ، ۴۰۲ .
شروانی - ۲۴۵ .
محمد کاظم واله اصفهانی - آقا - ۲۸ ، [۶۹۶-۶۹۷] .
بن عبدالغفور - ك - ۲۸۵ .
« بن مفید استرابادی - ۲۹۱ .
محمدبن کمال‌الدین حسین انصاری ك - ۳۵۹ ، ۳۸۷ .
محمد کلندام - ۵۸۰ ، ۵۸۴ .
لاد دهلوی - ۲۱۴ ، ۲۲۱ .

محمدحسن موسوی - ۵۳۷ .
محمدحسن میرزا - ۶۵۸ .
محمدبن محمد (فاضل اسفراینی) - [۳۷۲-۳۷۳].
« بن محمدرضای مشهدی - میرزا - ۳۷۵ .
محمدبن محمد شفیع طباطبائی (رضی‌الدین) - [۴۵۰-۴۵۱] .
محمدبن محمد شریف - ك - ۳۳۸
محمدبن محمدشفیع شیبانی اثیرالدین ابوالکرم - ۲۹۸ .
محمدبن محمد صالح لاهوری ك - ۲۴۶ .
محمدبن محمد عبدالکریم - ابوالکرم (پدر ابن اثیر) - ۲۹۱ .
محمدبن محمود دهدار - ۱۴۰ .
محمد محی‌الدین - ۱۳۹ .
محمد مرتضی زبیدی - ۲۳۸ .
محمد مروزی دیباجی (منتخب‌الدین) ۳۸۲ ح .
محمدبن المنیربن احمد بصری - ابوعلی = قطرب - ۲۷۰ ، ۲۷۱ و ۲۸۲ .
محمدبن مسعود سیرافی قالی - ۳۷۰ .
محمد مسیح بن نویدی شیرازی ك - ۴۶۷ .
محمد مشکوة - ۴۵، ۴۷ ح، ۶۱، ۸۰ - ۱۳۴ ، ۱۳۵ .
محمدبن مصطفی - سید - ۱۹۸ .
محمدبن مصطفی (داود زاده) - ۲۳۷ .
بن مصطفی الوانی (وان‌قلی) - ۱۹۷ .
محمدمعصوم حسینی منصوری دشتکی - ك - ۲۹۱ .
مناوی - ۲۳۹ .
منجم - جلال‌الدین - ۵۶۷ .
بن منصور - ابوسعید - ۸۷ .
مؤمن - ۴۴۴ .
استرابادی - ۵۸۲ .
حسینی - ۴۴۳ .
قاینی ك - ۴۰۸، ۴۱۳ .
محمدمؤمن بن علی حسینی استرابادی - [۴۴۲-۴۴۳] و ۵۸۲ .
محمدمهدی امام جمعه طهران - میر - ۱۳۴ و [۵۵-۵۸] .
عبدالرب آبادی - ك - ۳۸۱، ۴۱۳، ۶۰۰ .
محمد مهدی کجکجی - شیخ - ۱۳۳ .
محمدمهدی ابن علی اصغر قزوینی - [۳۷۳-۳۷۵].
محمد مهدی بن محمدباقر = فروغ اصفهانی - [۲۸-۳۲].
بن محمدعلی ك - ۱۶۴ .
بن حاج محمد یوسف ك - ۴۱۸ .
محمد نبی ك - ۳۷۴ .
محمد نجار - شیخ - ۷۴ .
محمد نصیر (نصرت) - [۴۷۹-۴۸۲] .
محمد نصیر (نصیرای همدانی) ۴۴۲ ، [۴۴۳-۴۴۴].
بن النعمان مفید (شیخ مفید) - ۱۵۱، ۱۱۷ ح .
نوربخش - سید - ۵۵۸، ۵۶۰ .
ولی بن علی اصغر - ك - ۴۲۲ .
هادی - ۷۵ .
بیرجندی - شیخ - ۱۴۱ .
محمد هادی (نصیر ملا صالح مازندرانی) - [۳۵۲ - ۳۵۳] .
طبیب - ۳۸ ح .
بن حاجی عبدالله [illegible] ك - ۶۸۱ .
قزوینی ك - ۶۷۹ .
بن محمد صادق [illegible] ك - ۴۲۲ .
بن معصوم [illegible] ك - ۳۵۵ .
هاشم بن محمد [illegible] ك - ۲۰۳ .
بن هشام - ابوعبدالله - ۳۱۵ .
محمدبن هندوشاه - [۲۱-۲۴]، ۱۷۷ ح ، ۲۱۴، ۲۶۵ .
بن یحیی الصولی [illegible] - ۷ .
القرافی - ۲۳۹ .
محمد یحیی بن [illegible] - ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، [۳۱۶-۳۱۷] .
بن یحیی [illegible] (ابوبکر صولی) - ۵۵۳ ، ۵۵۴ .
بن یعقوب دمشقی (ابن [illegible]) - ۳۳۶ ح .
یوسف (ابوحسن [illegible]) - ۳۰۶، ۳۰۷ ، ۳۳۳ .
محمدبن یوسف [illegible] - [۴۴۵].

محمد یوسف بن محمد قاسم نطنزی ك ـ ۲۴۵.
محمود ـ ك ـ ۴۸۸.
محمود بن احمد زنجانی ـ [۱۶۶] ، ۲۸۰.
بهاری ـ شیخ ـ ۲۱۳.
خان تبریزی طباطبائی (علاء الملك) ـ ۱۴۹.
خاطر بیك ـ ۲۷۸.
بن سلیمان ك ـ ۳۹۲، ۴۲۴.
شاه پادشاه کرمان ـ ۶۱۳ ح.
شهابی ـ ۶۹.
بن شیخ ضیاء الدین محمد ـ ۲۲۰.
عز الدین یوسف (بهاء الدین) ـ ۵۱۵.
عمر [illegible] ـ ۴۴۴.
محمود بن عمر بن محمد بن منصور قاضی الزنجی السنجری العربی ـ [۲۹۴ـ۲۹۷].
غزنوی ـ سلطان ـ ۵۵۸، ۶۴۴، ۶۸۹.
محمود بن شیخ محمد [illegible] (نجم الدین خواجه جهان) [۹۹ـ۱۰۲].
محمود بن علی [illegible] (خواجو) ـ ۱۹۱، ۲۶۱، ۴۵۵، [۵۱۲ـ۵۱۶].
محمود بن مسعود (علامه شیرازی ـ قطب الدین) [۴۲۹ـ۴۳۲]، ۳۵۰، ۳۶۴.
یوسف [illegible] ـ ۱۶۴.
[illegible] ۱۳۹، ۱۳۸.
[illegible] ـ ۴۱۰.
[illegible] ـ ۳۰۸.
[illegible] ـ ۶۸۲.
[illegible] ـ ۱۷۵.
[illegible] ـ ۳۳۴.
مختاری [illegible] [۶۷۲ـ۶۷۴] و ۶۸۱.
مخلوق ابن [illegible] ـ ۵۵۲.
مخمور ـ [۶۷۵ـ۶۷۶].
(لطف الدین [illegible]) ۶۷۵ ح.
[illegible] ـ ۳۴۴.
[illegible] ـ ۱۶۵.
[illegible] ـ ۴۲.
۷۶، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۵۱، ۲۶۵.
مرتضی بن نور الله کازرونی ـ سید ـ ك ـ ۱۵۷.
قلیخان ـ ۹۶ ح.
مرتضی قیلخان پسر میرزا علی محمد خان نظام الدوله ـ [۹۸ـ۹۹].
مرجان ـ ۵۴۱.
مرشد کاتب شیرازی (مرشد بن میرك شیرازی) ـ ك ۵۱۶، ۵۳۲ و ۵۳۳ ح.
مرکلیوس مستشرق ـ ۵۴۷.
مرندی ك ـ ۴۸.
مریم ـ حضرت ـ ۴۵۴.
المسترشد بالله ـ ۲.
المستنجد بالله ـ ۹۴ ح.
مستقیم زاده (ابو المواهب سعد الدین سلیمان) ـ ۲۵۰.
مسعود بیك ـ ۲۰۹.
مسعود بن عمر ـ (سعد الدین تفتازانی دیده شود).
مسعود سعد سلمان ـ ۵۵۵، ۶۷۳، [۶۷۶ـ۶۷۸].
مسعود ـ سلطان (ممدوح مسعود سعد سلمان) ـ ۶۷۷.
مسعود (سوزنی دیده شود).
مسعودی ـ ۱۲۳.
مسعود صاعدی ـ رکن الدین ـ ۶۶۱.
مسعود بن محمود غزنوی ـ سلطان ـ ۶۴۵.
مسلم ـ ۳۰۰.
مسیح شیرازی ك ـ ۳۲۲.
مسیو کوکه ـ ۳۰۴.
مشتاق (سید علی) ـ ۶۲۷، [۶۷۹].
مشرف الدین شفروه ـ ۶۳۲.
مشکوة بیرجندی (سید محمد) ـ ۴۵، ۴۷ ح، ۶۱، ۸۰، ۱۳۴ و ۱۳۵.
مشکور ـ شیخ ـ ۶۲۱.
مشیر السلطنه ـ ۸۶ ح، ۲۳۴، ۶۹۳.

مصدق بن شیب واسطی ـ ابوالخیر ـ ۱۱٦ .
مصطفی آغا پسر قاسم آغا ـ ٤٥٦ .
مصطفی قونوی ـ حافظ ـ ٤۰۳ .
« بن محمد (خواجکی زاده) ـ ۱٤٤ .
مصطفی بن شمس الدین (قره حصاری اختری) ـ [۲٦۳ـ۲٦٤] ۲٦٥ .
مصلح الدین لاری ـ **۳۳۳** ، ۳۹۲ .
مطرزی ـ خلیفه زمخشری (ابوالفتح ناصر بن ابی المکارم عبدالسید بن علی مطرزی) ـ [۳۹ـ٤۱] ، ۲۸۹ ح و ۳۷۲ .
مظفر الدین شاه قاجار ـ ۱٤۷ ، ۲۱۹ .
مظفر علیشاه ـ ٦۹٥ .
مظهر الدین شیرازی ـ ۹۱ .
معویه ـ ٤۹ ، ٦۲ ، ۱٥۷ ، ٥۸٥ .
معتمد الدوله ـ حاج فرهاد میرزا ـ ۳٤ ، ۱٥۸ ، ۲۱۱ ، ۲٤۲ ، ۲۹۱ ، ٤٦۷ و ٥٥۲ .
معتمد الدوله (غیر از فرهاد میرزا) ـ ٥٥۲ .
« (حاکم اصفهان ظاهرا منوچهر خان است) ـ ٦۷۱ .
معروف بلخی ـ ٦۰۳ .
معروف بن حسان ـ ۲۹۰ .
معز الدین مخاطب به معز الملک ـ ۷۷ ، ۷۸ .
معزی (امیر معزی دیده شود) .
معصوم بن ابراهیم الخادم الحسینی ـ ۳۹۸ .
علیشاه ـ ٤۸۹ .
معلم ناجی ـ ۱٤٥ .
مغربی ـ محمد شیرین ـ ۲۰۹ [٦۸۱ـ٦۸٤] .
مفاخ صیمری ـ شیخ ـ ۲۸۱ .
مفید استرابادی ـ سید ـ ۲۹۱ .
المقتدر بالله ـ ۱۱۷ .
مقدس اردبیلی ـ ٤۱۱ .
مقصود علی ـ ٦۱۹ .
مکسی شیرازی ـ ۱٤۷ ، ٤٦۷ .
ملک الجبال (قطب الدین محمد) ـ ٥۳۲ .
ملک خلاقی ـ ۱٤۱ .
ملکشاه ـ ٥٥۸ .
ملک الشعراء بهار ـ ۱٤۷ ، ٦۹۹ ح .
ملک الشعراء (فتحعلیخان صبا دیده شود)
ملک قمی ـ ٦۳۰ ، (٦۸۳ـ٦۸٤) .
ملکم خان ارمنی اصفهانی (ناظم الدوله) ـ ۲٦ ، [٦٦ـ٦۸] ، ۸۰ .
منتخب الدین محمد مروزی دیباجی ـ ۳۸۲ ح .
منجیك ـ ٦٤٥ .
منصور (ظاهرا خلیفه عباسی است) ـ ٤۱۹ ح .
شیرازی ـ ۱۹۱ ، ۲۱۱ ، ۲۱٤ .
منظر (یوسف) ٤۷٤ .
منعم الدین (اوحدی شیرازی) ك ـ ٥۸۲ ، ٦۳٤ .
ملا (ملا) زاده ـ ٤۲۰ .
منوچهر شروانشاه ـ ٤٦٥ .
منوچهری دامغانی ـ ٤۳٥ ح ، ٤۷۱ ، ٦٤٥ ، [٦۸٤ـ٦۸٦] .
منیری ـ شرف الدین ـ **۱۸۹** ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۲۱۰ ، ۲۱۳ و ۲۲۰
منیف پاشا ـ ۲٦ .
مورخ الدوله (احمد علی میرزا) ـ ۱٤۸ .
موسی بن عیسی ك ـ ۳۷ .
موفق الدین ـ ٤۲ ، ٤٦ .
مولانازاده (بدیعی سمرقندی) ـ ۲۷۱ .
مولوی رومی ـ ۲۹ ح ، ۲٦۱ ، ۳٥۹ ، ٥٦۰ ، ٥۱ .
مولوی الهدی ـ **۱۳۷** .
موهوب بن احمد جوالیقی ـ ابومنصور ـ ۷ .
مؤید (جد نظامی) ـ ٥۲٥ .
مهابادی (علی بن احمد ـ [illegible] ـ **۱۳٥** .
مهدی بروجردی ـ سید (ر [illegible]) ـ ۲۲٤ ، ۲۲٥ .
مهدیخان منشی دارالترجمه ـ میرزا ـ ۱٦۰ ، ۱۷۳ ، ۱۷٤ ، ۲٦۷ ، [۲٦۸ـ۲٦۹] ، ٥۳۹ ح ، ٦۲۹ ، ٦۹٤ .
مهلب بن حسین بن [illegible] ـ ۲۱ .
مهنهل ـ ۱۹٤ .
مهیار دیلمی ـ ۱٥۱ ، ٥٤۹ .
میدانی ـ ۲۲۱ .

میر آصف قزوینی - **۱۴۳** .
میرداماد - ۶۹ .
میر سید شریف جرجانی (علی بن محمد استرابادی) - [۳۶۶-۳۶۸] ، ۴۰۵ ، ۴۰۶ ، ۴۰۷ ، (۵۱۳-۴۱۴) ، ۴۲۰ ، ۴۲۱ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ، ۶۰۳ .
میرعلی هروی - ۲ .
میرعلی کاتب ک - ۵۷۹ ، ۶۱۶ ، ۶۱۷ .
میرعماد حسنی خطاط ک - [۲-۴] ، ۶۱۷ .
میرقاری کوکبی جیلانی - **۱۴۷** .
میرمعصوم - ۶۵۹ ، ۶۶۰ .
میرزا آقاجان کرمانی - ۲۵ .
« صدر اعظم نوری - ۳۰ ، ۳۱ ، ۱۷۵ ، ۳۷۱ ، ۶۲۰ .
میرزا جان باغنوی شیرازی - ملا - ۴۱۱ ، ۴۱۴ ، ۴۲۱ .
میرزا قلی (مدنی) - **۵۷۵** .
میرزا کمالا (کمال الدین محمد فسائی دیده شود) .
میرزا کوچک ک - ۴۵۳ .
(وصال) - **۱۳** ، ۱۴۱ و ۶۹۸ ح .
میرزای شیرازی (میرزا محمد حسن) - **۱۴۱** .
میلانی (محمد بن عبدالرحیم است که در کشف الظنون **بلالی** ضبط شده) - ۳۴۹ .
مهر (محمد علیخان) ۴۷۱ .

ن

نبیله جعفری - ۵۸۵ .
نابلسی - **۳۵۸** ح .
نجی بن محمد فقصانی ک - ۶۲۱ .
نادرشاه - ۱۶۰ ، ۱۷۳ ، ۲۶۷ ، ۲۶۹ ، ۴۵۳ ، ۴۷۳ ، ۶۲۹ ، ۶۹۳ .
ناصرخسرو - ۲۱۵ ، ۶۵۷ ، [۶۸۶-۶۸۸] .
ناصرالدین - امام خواجه - ۱۷۰ .
نوری - ۳۷۶ .
ناصرالدین شاه - ۲۸ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۴۵ ، ۶۷ ، ۹۶ ح ، ۱۳۵ ، ۱۷۵ ، ۲۱۶ ، ۲۶۲ ، ۶۱۹ .
ناصرالدین (مطرزی) - [۳۹-۴۱] ، ۲۸۹ و ۳۷۲ .
ناصرالشریعه منصور - ۴۱ .
الناصرلدین‌الله (احمدبن‌المستضیی بالله عباسی) - ۵۰۵ .
ناظم‌الدوله (ملکم‌خان‌ارمنی) - [۶۶-۶۸] .
نائب‌السلطنه (عباس میرزا دیده شود) .
نائب‌الصدر تبریز ابن محمدرضاصدرالدین - تبریزی - [۲۲۴-۲۲۶] .
نائب‌الصدر (مؤلف طرائق الحقائق است که از مآخذمیباشد ومکررنام برده شده) .
نجاتی (محمودبن‌عمر) - [۴۴۵] ، ۴۴۸ .
نجاشی - **۱۳۰** ، ۱۲۳ .
نجفعلیخان حجری - ۱۶۳ ح .
نجم‌الدین (خواجه‌جهان - محمودبن‌محمد گیلانی) - [۹۹-۱۰۲] .
عبدالغفار بن عبد الکریم - **۳۶۴** .
کبری - شیخ - ۲۰ .
نذرعلی - ۲۶۷ .
نسفی - ۳۲۱ .
نسیمی - ۶۵۹ .
نصرآبادی - ۲۳ ، ۴۴۴ .
نصر بن احمد سامانی - ۶۰۳ .
نصرالله - ۲۶ .
نصرالله بن ابوالقاسم ک - ۲۴۷ .
نصرالله تقوی - حاج سید (رئیس دانشکده) - ۶۴ ح ، ۶۵ ، ۶۹ ح ، ۸۶ ، ۲۲۷ ، ۲۴۱ ، ۶۵۸ ، ۶۸۷ .
نصرالله (ضیاءالدین - ابن‌الاثیر جزری) **۴۲** و ۲۹۹ .
بن‌ملافتحعلی دزفولی - حاج - ۴۵ ، ۱۳۵ .
نصرةالدین ابوبکربن‌محمدبن ایلدگز - ۵۲۹ ، ۵۳۰ و ۶۳۲ .
ملک - ۶۴۱ .
نصرت محمد نصیر نصرت - [۴۷۹-۴۸۲] .
نصیرای همدانی (محمد نصیر) - ۴۴۲ ، [۴۴۳] ، ۴۴۴ .
نصیرالدوله - ۲۵ .

نصیرالدین طوسی ـ خواجه ـ ۴۲، ۴۷، ۵۰۰، ۳۳۱، ۳۵۰، ۳۶۴، ۳۶۵، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۸۸ ح.
نصیر بن فرج ك ـ ۳۰۸.
نظام استرابادی (نظام معمائی) ـ ۲۱۱، ۵۷۶، ۶۸۸، ۶۸۹ [.
نظام الدین اعرج (حسن بن محمد بن حسین نیشابوری) ـ [۳۰۰ـ۳۰۲].
نظام الدین افضل بن قاضی محمد ـ ك ـ ۲۸۴.
« اولیا ـ ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۸۶.
« پانی پاتی ـ ۲۵۵.
« حیدر (اوباش) ـ ۱۶۵.
نظام الدین عثمان خطائی ـ [۴۰۶ـ۴۰۹].
« گیلانی (حکیم الملك) ـ ۲۰، ۵۳، ۱۳۱.
« محمد ـ ك ۴۸۵.
نظامعلیشاه (احمد بن حاج عبدالواحد کرمانی) ـ ۴۹۰، ۴۹۱.
نظام الملك ـ خواجه ـ ۱۷۹، ۲۱۳، ۵۱۵.
« ثانی (عماد خوئی) ـ ۵۳۰ ح.
« (پسر صدراعظم نوری) ـ ۳۱، ۳۷۱، ۶۲۰.
نظامی اثیری نیشابوری ـ ۵۳۲.
عروضی ـ ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۵۵، ۶۰۲، ۶۰۳.
منجری سمرقندی ـ ۵۳۲.
« گنجوی (ویس بن یوسف) ـ ۱۹۱، ۲۰۹، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۴ـ۵۳۸]، ۵۳۹، ۶۳۹.
نظرعلی جیلانی ـ ملا ـ ۳۸۹، ۳۹۴.
نظیری نیشابوری (محمدحسین) ـ [۶۸۹ـ۶۹۱].
نعمت الله بن احمد بن مبارك رومی ـ [۲۶۵ـ۲۶۶]، ۳۶۴.
نعمت‌الله ولی ـ شاه ـ ۵۱۱، ۵۸۱.
« جزائری سید ـ ۱۳۳، ۲۰۴، ۳۲۳ـ۳۲۷].
نعمت‌الله (روشنی‌زاده) ـ ۲۶۵.
نقیب ابواحمد (حسین ـ پدرسیدرضی) ـ ۱۱۶.
نقی بن علی ك ـ ۳۶۰.
نوائی (امیرعلیشیردیده شود).
نواب (محمدباقر لاهیجی) ـ [۱۷ـ۱۹] و ۱۳۴.
نواجی (محمدبن حسن) ـ [۷۲ـ۷۴]، (۵۰۰ـ۵۰۲).
نوح افندی ـ ۴۶۲.
نوح بن مصطفی مفتی ـ ۲۹۶.
نورالدین ارسلان‌شاه پادشاه موصل ـ ۵۳۶ ح.
نورالدین محمد ترشیزی (منهوری) ـ [۶۳۰ـ۶۳۱].
« محمد لاهیجی ك ۶۴۱.
« منشی ـ ۲۱.
نورعلیشاه (محمدعلی بن میرزا عبدالحسین) ـ [۴۸۹ـ۴۹۲]، (۶۹۵ـ۶۹۶).
نورعلی ابن خانه مقدسی ـ ۳۳۹.
نورمحمد علی ـ ۳۲۴.
نورمحمد بن فاضی عبدالعزیز شبی ـ ۱۳۰.
نوفل بن حرث ـ ۵۸۵.
نویدی شیرازی ـ ۴۶۷، ۴۷۴.
نیاز (سید علی شیرازی) ۱۶۵.
نیازی حجازی ـ ۲۱۳، ۱۲۱.

و

واحدی محقق ـ شیخ ـ ۱۹۱.
واعظ اصفهانی ـ (محمد تقی) ـ [۲۸۰ و ۶۹۶ـ۶۹۷].
واله داغستانی ـ ۶۰۳ ح، ۶۵۰.
وبری ـ امام ـ ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷.
وحشی کرمانی ـ [۶۹۷ـ۶۹۹].
وحید دستگردی ـ ۴۶۲، ۴۸۷ ح، ۴۸۸، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۳۳، ۵۳۹ ح.
وحیدقزوینی (محمدطاهر) ـ [۶۹۹ـ۷۰۲].
وحیدالدین محمد (سرابوری) ـ ۵۶۵.
وحیدی بیهقی ـ [۴۴۶]، ۴۴۷، ۴۴۹ك.

وحیدی تبریزی - ۱۰۰، [۴۴۰-۴۴۲]، ۴۴۹.

وزیرلشکر (میرزا داود خان بن میرزا آقاخان) - ۶۶، ۶۲۰.

وصال شیرازی - **۱۳**، ۱۴۱ و ۶۹۸ ح.

وقار بن وصال - **۱۴۱**.

ولی بیک - ۴۰۷، ۷۰۵

ولی دشت بیاضی - ۱۸۹ ح، ۵۷۵، ۵۷۶، [۷۰۲-۷۰۳].

ولی الدین - ۷۰.

ولی محمد میرزا ([illegible]) - ۴۷۱.

[illegible] ([illegible]) - ۳۰۴.

[illegible] ([illegible]) [illegible] شود).

ه

هاتف اصفهانی - ۶۷۹، [۷۰۳-۷۰۴]

هاتفی (ملاعبدالله) - [۵۴۲-۵۴۶].

هارون [illegible] - **۵۰۶**.

هارون بن موسی [illegible] - ۵۹۸.

[illegible] - ۴۴، ۲۸۶.

[illegible] - ۶۸.

[illegible] - ۳۴۱.

[illegible] - ۴۵۵.

[illegible] - ۲۱۴

[illegible] - ۶۶۲.

[illegible] - ۴۴۶.

همایون اسفراینی - [۷۰۴-۷۰۵].

[illegible] - ۲۱، ۴۶، ۲۲۱.

[illegible] - ۱۵۵ [illegible]

ی

[illegible]

۱۹۲ ح، ۳۳۰.

یاقوت (صاحب معجم البلدان) - ۱۷۶ ح، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۲ ح.

یاقوت ابن نوبخت - ۴۲.

یاقوت مستعصمی - ۸۴، **۸۵** ح.

یحیی بن ابراهیم بن یغرش - ۳۶۵.

حمزة العلوی - **۱۳۶**.

سعدون قرطبی (ابن الدهان) - ۲۹۸، ۲۹۹.

معطی بن عبدالنور - ۱۹۷.

یزید بن معویه - ۱۹۳.

یزیدی - ۱۹۴.

یعقوب اسفراینی - ابو یوسف - **۱۴۷**.

یعقوب - سلطان - ۶۴۹، **۷۰۴** ح.

بن ابوالحسن ك - ۶۸۷.

هذیانی - ۴۳۰.

یوسف - پیغمبر ع - ۶۴۱.

« - شاه - ۴۸۸ ح.

اعتصامی (اعتصام الملك) - ۱۳ و **۱۷۷** ح.

آفندی اسیر - شیخ - ۱۳.

النبهانی - شیخ - ۱۰.

ابن شیخ اویس چشتی ك - ۲۱۶.

بحرانی - شیخ - ۲۰۴ ح.

- حاج شیخ (پدر مؤلف) - ۴۲۱، ۵۸۰.

بن خضر بحیری - ۲۴۴.

عروض نیشابوری - ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸.

یوسف (منظر تخلص) - ۴۷۴.

بن مؤید (پدر نظامی) - ۵۲۵ ح.

نصیب - ۱۴۵.

یعقوب اسفراینی - ابو (قاضی) - **۱۴۷**.

یوسفی - ۲۰۹.

یونس بن عبدالاعلی - ابوموسی - ۴۵۶.

پوزش [illegible] اعلام [illegible] متفرقه را بطرزی تنظیم خواهد نمود که در آن [illegible] در هنگام تهیه و چاپ دچار ناخوشی درازی گردید و این [illegible]

فهرست کتب این مجلد

کتابهائی را که در این مجلّد از فهرست در شش فصل معرّفی کرده‌ایم اینك بترتیب حروف تهجّی در اینجا مرتّب نموده وعربی بودن کتابی را بدین نشانه (+) وترکی بودن آنرا بدین(×)علامت وفارسی بودن هریك را بهنداشتن چیزی نشان داده‌ایم وچون نسخه ای پیوستهٔ یکی از این کتابها باشد ودر این مجلّدجای معرّفی از آن نبوده باحروف سیاه نگاشته شده است .

آتشکدهٔ آذر (تذکره) ٤٥٢-٤٥٦
آداب المشق ٢-٤
+الابیات الحسان المجرّدة من وفیات الاعیان ٤٥٦-٤٥٧
×اختری = لغت کبیر اختری ٢٦٣-٢٦٤
+ادب الکاتب ٤-٨
+الاسعاف ٤٥٧-٤٥٩
اسکندرنامه (یکی از کتابهای خمسه نظامی است آن کتاب دیده شود) ٥٢٩
اشترنامه (یکی از کتابهای خمسه حسینی است) ٥٠٩-٥١٢
+اطباق الذّهب ٨-١١
+ اطواق الذّهب ١١-١٤
+اغناء الادیب ـ شرح مغنی اللبیب ٣٧٣-٣٧٥
افتخار الملوك (نام یکی از قصائد اظهری است) ٥٦١
اقبال نامه (یکی از کتابهای خمسه نظامی و جزئی از اسکندرنامه است) ٥٣٠
+الفیّه ابن مالك ٣٠٣-٣٠٦
القاب العروض ٤٤٨
امواج العباد (نام یکی از قصائد اظهری است) ٥٦١

انجمن خاقان ۴۵۹-۴۶۱
+ الانموزج = موجزالبیان (رساله درمعانی وبیان وبدیع) . . . ۴۱۵-۴۱۶
+انوار الربیع ۴۰۱-۴۰۲
انوارالعیون (نام یکی ازقصائد اظهری است) ۵۶۱
انیس العارفین (پیوستهٔ **دیوان قاسم انوار** شمارهٔ ۲۶۶ کتابخانه است) ۴۵۳-۴۵۶
انیس العشاق (پیوسته شمارهٔ ۳۸۱ کتابخانه است) ۶۳۴
+ اوضح المسالك (شرح الفیه ابن مالك) = التوضیح ۳۰۶-۳۰۸

ب

بدایع الاسحار ۴۴۸
بدایع اللغه ۱۶۰-۱۶۱
برهان قاطع ۱۶۱-۱۶۵
بزم خاقان = تذکرة السلاطین ۴۷۷-۴۷۹
بزم و رزم و بانگ و باده ۶۴۶-۶۴۸
+ البهجة المرضیّه (شرح الفیه سیوطی) ۳۳۷-۳۴۱

ت

تحفة الاغنیاء (نام یکی ازقصائد اظهری است) ۵۶۱
تحفة الخیال (« « « « «) ۵۶۱
تحفة سامی (تذکره شعراست) ۴۶۱-۴۶۳
تحفة الشعراء ۴۴۹
تحفة الصغر (یکی از دیوانهای امیرخسرو است) ۵۹۱-۵۹۲
تحفة العراقین ۴۶۳-۴۶۹
تحفة الغریب = شرح مغنی اللبیب ۳۷۵-۳۷۸
تذکرة الاولیاء = مقامات العارفین (پیوستهٔ دیوان قاسم انوار شمارهٔ ۲۶۶ کتابخانه میباشد) ۶۵۳-۶۵۶
تذکرة السلاطین بزم خاقان ۴۷۷-۴۷۹

تذکرة الشباب = سفینة الانشاء ۲۸-۳۲
تذکره اسحق ٤٦٩-٤٧٢
×تذکره حسن چلبی = تذکره قالی زاده ٤٧٢-٤٧٣
تذکره خوشگو = سفینه خوشگو ٤٧٣-٤٧٥
تذکره دولتشاه سمرقندی (تذکرة الشعراء) ٤٧٥-٤٧٧
×تذکره قالی زاده = تذکره حسن چلبی ٤٧٢-٤٧٣
تذکره نصرت = خلاصة لطائف الخیال ٤٧٩-٤٨٢
تذکره هفت اقلیم ٤٨٢-٤٨٦
ترجمهٔ خطبة البیان (از نورعلیشاه و پیوسته دیوان اوست) . . ٦٩٥
ترجمه عهدنامه مالك اشتر (یا شرح آن) ١٤-١٦
ترجمه نهج البلاغه (شرح ملافتح الله کاشانی) تنبیه الغافلین . . . ١٦-١٧
ترجمه نهج البلاغه (شرح محمد باقر لاهیجی) ١٧-١٩
+ترکیب الفیه = تمرین الطلاب ٣١٣-٣١٤
ترکیب بند جامی (قسمتی از دیوان اوست) ٥٧٩
+ترکیب کافیه ٣٠٨-٣٠٩
توزوك تیموری (پیوسته شماره ۱۵۰۲ کتابخانه است) . . . ٤٤٠
+التصریح بمضمون التوضیح (شرح اوضح المسالك) ٣٠٩-٣١٢
+تصریف ـ العزّی فی التصریف ٣١٢-٣١٣
+تقریرات شریف العلما ؟ ٤٥٠
+تلخیص المفتاح (بمناسبت شروح آن بمعرفی آن پرداخته شده) . ٤١٦
تمرنامه = ظفرنامه هاتفی (یکی از کتابهای خمسه هاتفی است) . . . ٥٤٢-٥٤٦
+ تمرین الطلاب (ترکیب الفیه ابن مالك) ٣١٣-٣١٤
+تنقیح الصحاح ١٦٦
تنبیه الغافلین (ترجمه یاشرح نهج البلاغه) ١٦-١٧
+التوضیح= اوضح المسالك ٣٠٦-٣٠٨

+تهذیب اللغه ۱۶۶-۱۷۳

ث

ثمرة الحجاب (یکی از بخشهای دیوان یا کلیات تأثیراست) . . . ۵۷۴

ج

جام جم اوحدی ۴۸۶-۴۸۹
جامع الاسرار (از نورعلیشاه و نظیر گلستان میباشد و پیوسته بنسخه‌ای
از جنات الوصال است) ۴۸۹
الجمل جرجانیه ۳۱۴-۳۱۶
الجموع والمصادر ۳۱۶-۳۱۷
جنّات الوصال ۴۸۹-۴۹۲
الجوهرة الثانیه فی اعاریض الشعر ۴۳۶-۴۳۷
جهان‌نما (یکی ازبخشهای دیوان یا کلیات تأثیراست) ۵۷۴

ح

حاشیه بر حاشیهٔ خطائی بر مختصر (حامد) ۴۰۵-۴۰۶
« « « « (ملا عبدالله یزدی) ۴۱۱-۴۱۳
« بر شرح الفیه سیوطی (حاشیه میرزا ابوطالب) ۳۲۹-۳۳۰
« « تصریف- دده جنگی ۳۱۷-۳۲۰
« « جامی (عصام اسفرایینی) ۳۲۰-۳۲۱
« « « (عبدالغفور) ۳۲۳-۳۲۴
« « « (سید نعمت‌الله جزائری) ۳۲۴-۳۲۷
« « سمرقندیه (زیباری) ۴۰۹-۴۱۰
« « کافیه (ابن‌وردی) ۳۲۷-۳۳۹

+حاشیه بر مختصر تفتازانی (خطائی یا خطابی) ٤٠٦-٤٠٩
+ « بر مطول « (چلبی) ٤٠٢-٤٠٥
+ « « « (سمرقندی) ٤١٠-٤١١
+ « « « (میرسید شریف) ٤١٣-٤١٤
حاشیهٔ میرزا ابوطالب (حاشیه بر شرح الفیه سیوطی) ٣٢٩-٣٣٠
+**حاشیهٔ بر هدایه اثیریه** (مصلح‌الدین لاری) [پیوسته بکتاب شمارهٔ ٣١٦٢ کتابخانه است] ٣٩٢
حدائق الحقائق (شرف رامی) ٤٣٧-٤٣٩
+ « « (شرح نهج‌البلاغه کلستانه) ٦٠-٦٢
حدائق السحر فی دقائق الشعر ٤٣٩-٤٤٠
+الحدائق الندیه (شرح صمدیه کبیر سید علیخان) ٣٥٣-٣٥٦
حدیقه الحقیقه = حدیقه سنائی = فخری نامه ٤٩٣-٥٠٠
حسن اتفاق (بخش از دیوان یا کلیات تأثیراست) ٥٧٤
+حلبة الکمیت ٥٠٠-٥٠٢
×حیرت الابرار (یکی از کتابهای خمسه نوائی است) ٥٤٠

خ

ختم الغرائب ٥٠٢-٥٠٣
خرد نامه اسکندری = اقبال نامه (یکی از کتابهای خمسه نظامی است) ٥٣٠
+خریدة القصر و جریدة اهل العصر ٥٠٤-٥٠٩
خسرو شیرین عرفی (پیوسته دیوان عرفی است دیوان وی دیده شود) . . . ٦٣٧-٦٤١
« « (یکی از کتابهای خمسه نظامی است) ٥٢٨
الخلاص = دستور اللغه نطنزی ١٧٦-١٨٠
خلاصهٔ عباسی ١٧٣-١٧٦
خمسه حسینی (از این کتاب در این کتابخانه فقط اشتر نامه و وامق و عذرا میباشد) ٥٠٩-٥١٢

خمسه خواجو ۵۱۲-۵۱۶
« دهلوی - امیرخسر (فقط هشت بهشت آن در این کتابخانه است) ۵۱۶-۵۲۰
« فیضی (نل دمن و مرکز ادوار) ۵۲۰-۵۲۴
« نظامی ۵۲۴-۵۳۸
× « نوائی ۵۳۸-۵۴۱
« هاتفی (لیلی مجنون، هفت منظر و تمرنامه یا ظفرنامه) . . . ۵۴۲-۵۴۶
خوان خلیل ظهوری (پیوسته کتاب شمارهٔ ۳۸۲ کتابخانه است) . ۶۳۱

د

+دده جنگی (حاشیه بر شرح تصریف) ۳۱۷-۳۲۰
+درّة الغوّاص فی اوهام الخواص ۱۹-۲۱
+الدرّة الغرویه (دیوان سید صالح قزوینی) ۶۲۰-۶۲۱
دستور الکاتب فی تعیین المراتب ۲۱-۲۴
دستور اللغه نطنزی = الخلاص ۱۷۶-۱۸۰
دعوت العاشقین (بخشی از دیوان یا کلیات تأثیر است) . . . ۵۷۴
دقائق الحقائق (لغت فارسی بترکی) ۲۵۹-۲۶۱
دیباچه نورس ظهوری (پیوسته به کتاب شمارهٔ ۳۸۲ کتابخانه است) ۶۳۱
+دیوان ابن التعاویذی ۵۴۶-۵۴۸
« ابن خفاجه ۵۴۸-۵۵۰
« ابن فارض ۵۵۰-۵۵۲
+« ابو تمام طائی ۵۵۲-۵۵۴
+دیوان الادب ۱۸۰-۱۸۵
دیوان ادیب صابر ۵۵۴-۵۵۷
« ازرقی هروی ۵۵۷-۵۵۸
« اسیری لاهیجی ۵۵۸-۵۶۰
« اظهری ۵۶۱-۵۶۴

دیوان انوری ۵۶۴-۵۶۹
« اهلی خراسانی ۵۶۹-۵۷۱
« بیدل (عبدالقادر) ۵۷۱-۵۷۲
« تأثیر = کلیّات تأثیر ۵۷۳-۵۷۵
« ثنائی مشهدی (خواجه حسین) ۵۷۵-۵۷۷
« جامی ۵۷۷-۵۷۹
« حافظ شیرازی ۵۷۹-۵۸۵
+« حسان بن ثابت ۵۸۵-۵۸۶
« حسن دهلوی ۵۸۶-۵۸۸
« حسن غزنوی ۵۸۸-۵۹۰
« خاقانی شیروانی ۵۹۰-۵۹۱
« امیرخسرو دهلوی = تحفة الصغر ۵۹۱-۵۹۳
« « « = غرة الکمال ۵۹۳-۵۹۵
« داود (محمد داود اصفهانی صفوی) ۵۹۵-۵۹۸
+« ذوالرّمه ۵۹۸-۶۰۰
« رشید و طواط ۶۰۰-۶۰۱
« رودکی ۶۰۲-۶۰۴
« سحاب (سید محمد پسر هاتف) ۶۰۴-۶۰۶
« سلمان ساوجی ۶۰۶-۶۰۸
« سنائی (مجدود بن آدم غزنوی) ۶۰۸-۶۰۹
« سوزنی ۶۰۹-۶۱۱
« سیف اسفرنگ ۶۱۲-۶۱۴
« شادان ۶۱۴-۶۱۶
« شاهی = امیرشاهی سبزواری ۶۱۶-۶۱۸
« شریف تبریزی ۶۱۸-۶۱۹

دیوان شهاب اصفهانی ۶۱۹-۶۲۰
« سید صالح قزوینی الدر الفروید ۶۲۰-۶۲۱
« صائب تبریزی ۶۲۲-۶۲۴
« صاحب علی آبادی ۶۲۴-۶۲۵
« صبا (ملک الشعرا فتحعلیخان) ۶۲۶-۶۲۷
« صهبا ۶۲۷
« طالب آملی ۶۲۸
« طوفان هزار جریبی ۶۲۹-۶۳۰
« (کلیات) ظهوری ۶۳۰-۶۳۱
« ظهیر فاریابی ۶۳۱-۶۳۵
« عبدالمجید درویش ۶۳۵-۶۳۶
« عبدالواسع جبلی ۶۳۶-۶۳۷
« (کلیات) عرفی ۶۳۷-۶۴۱
« علی نقی کمره ای ۶۴۱-۶۴۲
« عماد فقیه ۶۴۳-۶۴۴
« عنصری ۶۴۴-۶۴۵
« فضولی بغدادی ۶۴۶-۶۴۸
« فغانی (بابافغانی) شیرازی ۶۴۸-۶۵۱
« فیض کاشانی ۶۵۱-۶۵۲
« فیضی هندی ۶۵۲-۶۵۳
« (کلیات) قاسم انوار (قاسمی) ۶۵۳-۶۵۶
« قطب الدین حیدر ۶۵۶-۶۵۷
« قطران تبریزی ۶۵۷-۶۵۸
« کاتبی ۶۵۹
« کلیم کاشانی ۶۵۹-۵۶۰

دیوان کمال اسمعیل اصفهانی ۶۶۱-۶۶۳
« کمال خجندی ۶۶۳-۶۶۵
« لسانی شیرازی ۶۶۶-۶۶۷
×« لطفی ۶۶۷-۶۶۸
+« متنبی ۶۶۸-۶۶۹
« مجدالدین ساوجی ۶۷۰-۶۷۱
« مجمر ۶۷۱-۶۷۲
« مختاری ۶۷۲-۶۷۴
« مخمور ۶۷۵-۶۷۶
« مسعود سعد سلمان ۶۷۶-۶۷۸
« مشتاق ۶۷۹
« امیر معزّی ۶۸۰-۶۸۱
« مغربی ۶۸۱-۶۸۳
« ملك قمی ۶۸۳-۶۸۴
« منوچهری دامغانی ۶۸۴-۶۸۶
« ناصرخسرو ۶۸۶-۶۸۸
« نظام استرابادی (نظام معمائی) ۶۸۸-۶۸۹
« نظیری نیشابوری ۶۸۹-۶۹۱
×« نوائی (نوادرالشباب) ۶۹۱-۶۹۴
×« « ۶۹۴-۶۹۵
« نورعلیشاه ۶۹۵-۶۹۶
« واله اصفهانی ۶۹۶-۶۹۷
« وحشی کرمانی ۶۹۷-۶۹۹
« وحید قزوینی ۶۹۹-۷۰۲
« ولی دشت بیاضی ۷۰۲-۷۰۳

دیوان هاتف اصفهانی ۷۰۳-۷۰٤
« همایون اسفراینی ۷۰٤-۷۰۵

ر

رباعیات خیام (پیوسته شماره ۱۹۹ کتابخانه است) ۵۸۲
رساله در الفاظ مفرده ۱۸٦
« « « و مرکبه ۱۸٦-۱۸۷
رساله درشرح حال ناصرخسرو (پیوسته کتاب شماره ۱۹۲ کتابخانه‌است) ٦۸۷
رساله درلغات جغتائی نوائی (پیوسته کتاب شمارهٔ ۳٦۷ کتابخانه است) ٦۹۳
رساله در مجاز واستعاره ٤۱٤-٤۱۵
رساله در محل اعراب جمله (پیوسته کتاب شمارهٔ ۳۱۵۰ کتابخانه است) ۳۹۸
رساله درمعرفت تقویم (پیوسته کتاب شمارهٔ ۱۰۰ کتابخانه است) ۲٦۸
رساله درمعانی وبیان وبدیع = الانموزج = موجزالبیان. ٤۱۵-٤۲٦
رساله نفسیّه عرفی (پیوسته دیوان شمارهٔ ۲۹۷و۲۹۷ این کتابخانه است) ۳٦۹
رسم‌الخط آخوند زاده ۲٤-۲۸
رموزالعاشقین (ترکیب بند تأثیر وجزء دیوان اوست) ۵۷۳
روضة الانوار (یکی از کتابهای خمسه خواجو است) ۵۱۲-۵۱٦

ز

زبورالعاشقین (مثنوی محمد داود و پیوسته دیوان اوست) ۵۹۸

س

ساقی نامه ظهوری (پیوسته دیوان ظهوری شمارهٔ ۳۸۲ کتابخانه است) . . ٦۲۰
سبحة الاوتاد (مقاله‌ای از تحفة العراقین است) ٤٦۲
سبعه سیاره (نام یکی از کتابهای خمسه نوائی است) ۵٤۰

×سدّ سکندری (نام یکی از کتابهای خمسه نوائی است) ۵۴۰
سفینة الانشاء (تذکرة الشباب) ۲۸-۳۲
سفینه خوشگو (تذکره خوشگو) ۴۷۳-۴۷۵
+سلوة الشیعه ۴۴۷
سویداء الضمیر (نام یکی از قصائد اظهری است) ۵۶۲

ش

+شافیه ابن حاجب ۳۳۰-۳۳۲
شبستان خیال فتاحی (پیوسته کتاب شمارهٔ ۲۷۲۱ این کتابخانه است) . ۴۶۲
+شرح الاعراب عن قواعد الاعراب (موصل الطلاب) ۳۳۲-۳۳۳
+شرح الفیه (شرح ابن عقیل) ۳۳۳-۳۳۵
+ « « (شرح ابن ناظم) ۳۳۵-۳۳۷
+ « « (شرح سیوطی = البهجة المرضیه) ۳۳۷-۳۴۱
« « (توسرکانی) ۳۴۱-۳۴۲
« « (ترجمه الفیه) ۳۴۲-۳۴۳
+شرح انموزج ۳۴۳-۳۴۴
+ شرح اوضح المسالك (التصریح بمضمون التوضیح) ۳۰۹-۳۱۲
+ « تصریف ۳۴۴-۳۴۶
+ « تلخیص المفتاح (مختصر) ۴۱۶-۴۲۰
+ « « « (مطول) ۴۲۰-۴۲۳
+ « جامی (شرح کافیه الفوائد الضیائیه) ۳۵۷-۳۶۰
+ « جمع الجوامع (همع الهوامع) ۳۴۶-۳۴۸
+ « رضی (برکافیه است) ۳۶۱-۳۶۳
شرح زیارت رجبیه (پیوسته بکتاب شمارهٔ ۳۲۳۱ کتابخانه است) ۳۷۴
+شرح سمرقندیه ۴۲۳-۴۲۴
+ « شافیه (شرح جاربردی) ۳۴۸-۳۴۹
+ « « (شرح نظام) ۳۵۰-۳۵۲

شرح شافیه (شرح محمد هادی) ۳۵۲-۳۵۳
« برشرح جامی ۳۵۳
شرح شواهدالتلخیص (معاهد التنصیص) ۴۲۴-۴۲۶
« شواهد سیوطی ۳۸۴-۳۸۵
« مطول (کمال‌الدین فسائی) ۴۲۶-۴۲۷
« مغنی‌اللبیب ۳۸۵-۳۸۶
« عهد نامه مالك اشتر (ابوالحسن عاملی) ۳۳-۳۴
« غررالحکم و دررالکلم ۳۴-۳۶
« فوائدالصمدیه (شرح صمدیه = الحدائق‌الندیه) ۳۵۳-۳۵۴
« فوائدالصمدیه (شرح صمدیه = الفوائدالبهیه ـ شرح صغیر) ۳۵۴-۳۵۵
« « « (« « = شرح عبدالعظیم) ۳۵۵-۳۵۶
« قطرالندی ۳۵۶-۳۵۷
« کافیه (شرح جامی ـ الفوائد الضیائیه) ۳۵۷-۳۶۰
« « (شرح رضی) ۳۶۱-۳۶۳
« (شرح متوسط استرابادی = الوافیه) ۳۶۳-۳۶۶
« (شرح کیپانی) ۳۶۶-۳۶۸
لب‌الالباب (لعباب) ۳۶۹-۳۷۱
مراح‌الارواح (المفراح) ۳۷۱-۳۷۲
المصباح (الضوء) ۳۷۲-۳۷۳
معانی وبیان و بدیع ۴۲۷-۴۲۸
مغنی‌اللبیب (غنیة الادیب) ۳۷۳-۳۷۵
« (تحفة‌الغریب) ۳۷۵-۳۷۸
« (منتهی‌الادیب) ۳۷۹-۳۸۰
« (المنصف من‌الکلام) ۳۸۰-۳۸۲
مفتاح‌العلوم ـ مفتاح‌المفتاح ۴۲۹-۴۳۲

+شرح مفصل زمخشری (المحصل) ۳۸۲-۳۸٤
+ « مقامات حریری (شریشی) ۳٦-۳۸
+ « « « (مطرزی = الایضاح) ۳۹-٤۱
« نصاب ۱۸۷-۱۸۹
+ « نهج‌البلاغه (ابن ابی‌الحدید) ٤۱-٤۹
+ « « (ابن میثم) ٤۹-٥٤
« « (امام جمعه طهران) ٥٥-٥۷
« « (عزالدین آملی) ٥۷-٦۰
+ « « (علاءالدین گلستانه) ٦۰-٦۳
« « (ملا فتح‌الله کاشی) ۱٦-۱۷
« « (محمد باقر لاهیجی) ۱۷-۱۹
« « (محمد صالح روغنی) ٦۳-٦٦
شرفنامه (یکی از کتابهای خمسه نظامی است) ٥۲۹-٥۳۰
شرفنامه احمد منیری ۱۸۹-۱۹۲
شوارد‌الاوراد و خزانة الاوتاد (مقاله‌ای از تحفة العراقین است) . . ٤٦٦
شیخ و وزیر ٦٦-٦۸

ص

+صحاح‌اللغه ۱۹۲-۲۰۰
صدکلمه یا ترجمهٔ مائة کلمة الجاحظ ٦۸-۷۲
+صراح‌اللغه = الصراح من‌الصحاح ۲۰۰-۲۰٤
صرف منظوم = رساله در صرف ۳۸٦-۳۸۷
+ صمدیه = الفوائد الصمدیه ۳۸۹-۳۹۰

ض

الضوء شرح المصباح ۳۷۲-۳۷۳

ضیاءالقلب (نام یکی ازقصائد اظهری است) ۵۶۱

ط

طرازاللغه ۲۰۴-۲۰۹
طرازالموشی فی‌الانشاء ۷۲-۷۴

ظ

ظفرنامه تمرنامه (یکی از کتابهای خمسه هاتفی است) ۵۴۳-۵۴۶

ع

العباب شرح لب الالباب ۳۶۹-۳۷۱
عبرت‌نامه صبا (پیوسته به کتاب شمارهٔ ۴۱۱ کتابخانه است) ۴۶۸
عرائس‌الفکر و مجالس‌الذکر (مقاله‌ای از تحفة العراقین است) . . . ۴۶۶
عراضة العروضیین ۴۴۵-۴۴۶
عروض اندلسی ۴۴۸
عروض محمد مؤمن حسینی ۴۴۲-۴۴۳
عروض نجاتی الکافیه فی‌العروض والصنعة القافیه ۴۴۴-۴۴۵
عروض و قافیه وحیدی تبریزی = مختصروحیدی = جمع مختصر ۴۴۰-۴۴۲و۴۴۶و۴۴۹
العزی فی‌التصریف (تصریف) ۳۱۲-۳۱۳
عقل‌نامه سنائی (پیوسته شمارهٔ ۳۴۷ کتابخانه است) ۴۹۹
عهدنامه مالك اشتر (پیوسته به شمارهٔ ۳۰۸۷ کتابخانه است) . . . ۱۵۸
عهدنامه محمد شاه با نادرشاه (پیوسته به شمارهٔ ۳۶۸ کتابخانه است) ۶۹۳
عوامل جرجانی العوامل المائه ۳۸۷-۳۸۸
عوامل ملا محسن ۳۸۸-۳۸۹
عوامل منظوم (پیوسته به کتاب شمارهٔ ۲۷۶ کتابخانه است) ۴۶۸
عیون‌الحکم والمواعظ العیون والمحاسن ۷۴-۷۶

غ

غرة الکمال سیتین دیوان امیرخسرو دهلوی ۵۹۳-۵۹۵

غررالحکم و دررالکلم ۷۶-۷۸

ف

فخرالسالکین (نام یکی از قصائد اظهری است) ۵۶۱
+الفرائدالبهیه (شرح صغیرصمدیه) ۳۵۴-۳۵۵
فخری نامه = حدیقة الحقیقه سنائی ۴۹۴-۵۰۰
فرهاد و شیرین (نام یکی از کتابهای خمسه نوائی است) ۵۳۸-۵۴۱
فرهادوشیرین وحشی (پیوسته شمارهٔ ۲۶۸۰ کتابخانه است) . . . ۶۹۹
فرهنگ بشیرخانی ۲۰۹-۲۱۱
« جهانگیری ۲۱۲-۲۱۷
« رشیدی ۲۱۷-۲۱۹
« سروری (مجمع الفرس) ۲۱۹-۲۲۴
« عباسی ۲۲۴-۲۲۶
« مثنوی = لطائف اللغات ۲۲۶-۲۲۹
« میرزا ابراهیم اصفهانی = نسخه میرزا ۲۲۹-۲۳۲
+الفوائد الصمدیه = صمدیّه ۳۸۹-۳۹۰
+الفوائدالضیائیه (شرح جامی برکافیه) ۳۵۷-۳۶۰

ق

قافیه جامی ۴۴۹
+ القاموس المحیط (قاموس فیروزآبادی) ۲۳۲-۲۴۷
قانون الادب ۲۴۷-۲۵۰
قصیده بدرالدین خبوشانی ۴۴۶
+ قصیده حرباویّه ۴۴۷
قصیده همام تبریزی ۴۴۶-۴۴۷
قوافی ۲۵۰-۲۵۱

ك

کافیه ابن حاجب ۳۹۰-۳۹۲
الکافیه فی العروض والصنعة القافیه = عروض نجاتی ٤٤٤-٤٤٥
کمال نامه (یکی از کتابهای خمسه خواجو است) ٥١٥
کلیات تأثیر = دیوان تأثیر ٥٧٣-٥٧٥
» ظهوری دیوان ظهوری ٦٣٠-٦٣١
» عرفی دیوان عرفی ٦٣٧-٦٤١
» قاسم انوار دیوان قاسم انوار ٦٥٣-٦٥٦
کنز اللغات ٦٥١-٢٥٣

گ

گلزار ابراهیم (پیوسته شمارهٔ ۳۸۲ کتابخانه است) ٦٣١
» سعادت (پیوسته وجزء دیوان تأثیر است) ٥٧٤
» عباسی (پیوسته وجزء دیوان وحید قزوینی است) ٦٩٩
گلشن نامه (نام یکی از کتابهای خمسه خواجو است) ٥١٥

ل

لطائف اللغات فرهنگ مثنوی ۲۲٦-۲۲۹
لعل قطبی حاشیه بر عروض محمد مؤمن ٤٤٣-٤٤٤
لغات ثلثه = ترجمان معارف ۲٥٤-۲٥٥
» جوینی ۲٥٥-۲٥٦
» دساتیر ۲٥٦-۲٥٧
» رشیدی قزوینی ۲٥٧-۲٥٨
» زند و پازند و اوستا ۲٥٩
لغت فارسی و عربی ۲٦١-۲٦٣

لغت کبیر اختری = اختری ۲۶۳-۲۶۴
« نعمت‌الله رومی ۲۶۵-۲۶۶
×لغت نوائی ۲۶۷-۲۶۸
لیلی و مجنون مکتبی (پیوسته شمارهٔ ۴۶۳ کتابخانه است) ۴۶۷
لیلی و مجنون (یکی از کتابهای خمسه نظامی است) ۵۲۸
×« « (« « « نوائی است) ۵۴۰
« « (« « « هاتفی است) ۵۴۲

م

+مائة کلمة الجاحظ ۷۸-۸۱
مبانی اللغه = مقدمه سنگلاخ ۲۶۸-۲۶۹
مثلثات قطرب (ترجمه فارسی) ۲۶۹-۲۷۱
مثلث منظوم ۲۷۱-۲۷۲
مثنوی در تعریف نرد (جزء دیوان وحید است) ۶۹۹
« در ذکر ومعرفی ادوات جنگ (جزء دیوان وحید است) . . ۶۹۹
« در وصف همایون تپه (جزء دیوان وحید است) ۶۹۹
مجالس النفائس (پیوسته کتاب شمارهٔ ۱۰۰ کتابخانه است) ۲۶۸
مجمع الابکار (مثنوی عرفی وجزء دیوان اوست) ۶۳۹
+مجمع البحرین طریحی ۲۷۲-۲۷۸
مجمع الفرس (فرهنگ سروری) ۲۱۹-۲۲۴
مجموعه عروض و غیره ۴۴۴-۴۴۹
« « و قافیه ۴۴۹-۴۵۰
+المحصل = شرح مفصل زمخشری ۳۸۲-۳۸۴
+مختار الصحاح ۲۷۸-۲۷۹
+مختصر تفتازانی (شرح تلخیص المفتاح) ۴۶۱-۴۲۰
+مختصر تقویم اللسان ۸۱-۸۵
+ مختصر الصحاح ۲۷۹-۲۸۲

مختصر وحیدی = عروض وقافیه وحیدی تبریزی = جمع مختصر ۴۴۰-۴۴۲و۴۴۶و۴۴۹
مخزن الاسرار (یکی از کتابهای خمسه نظامی است) ۵۲۷-۵۲۸
مراح الارواح ۳۹۳-۳۹۴
مرکز ادوار (یکی از کتابهای خمسه فیضی است) ۵۲۳
المصادر زوزنی ۲۸۲-۲۸۵
مصادر غالف قیاس ۴۴۶
مصباح السالکین (شرح نهج البلاغه ابن میثم) ۴۹-۵۴
مطلع ۴۵۰-۴۵۱
مطوّل (شرح تلخیص المفتاح) ۴۲۰-۴۲۳
معاهد التنصیص (شرح شواهد التلخیص) ۴۲۴-۴۲۶
معراج العقول و منهاج الفحول (مقاله‌ای از تحفة العراقین است) . . . ۴۶۶
مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب ۳۹۴-۳۹۷
مفتاح المفتاح شرح مفتاح العلوم ۴۲۹-۴۳۲
المفراح شرح مراح الارواح ۳۷۱-۳۷۲
مفصل زمخشری ۳۹۷-۳۹۸
مقامات بدیع الزمان همدانی ۸۵-۹۰
« حریری ۹۰-۹۳
« حمیدی ۹۳-۹۶
مقامات العارفین = تذکرة الاولیا (پیوسته دیوان قاسم انوار است) ۶۵۳-۶۵۶
مقائیس اللغه ۲۸۵-۲۹۳
المقدمة الجزریه (پیوسته به شمارهٔ ۳۱۸۹ کتابخانه است) ۳۰۸
مکتوب آخوند زاده ۹۶-۹۷
مکتوب امیرعلیشیر نوائی به سلطان حسین میرزا (پیوسته شمارهٔ ۳۶۸ کتابخانه است) ۶۹۲
مکتوب سلطان حسین میرزا در جواب امیرعلیشیر پیوسته شماره ۳۶۸ کتابخانه است) ۶۹۲

مکتوب سنائی به بهرامشاه (پیوسته شمارهٔ ۳٤٥ کتابخانه است) . . ۵۰۰
مکتوب ظهوری (پیوسته شمارهٔ ۳۸۲ کتابخانه است) ٦۳۱
مکتوب « به فیضی (پیوسته شمارهٔ ۳۸۲ کتابخانه است) . . . ٦۳۱
مکتوب کمال‌الدین اسمعیل (پیوسته شمارهٔ ۲٦۵ کتابخانه است) . . ٦٦۳
مکتوب مرتضی‌قلی‌خان ۹۸-۹۹
مکتوب میرزا مهدیخان نادری (پیوسته شمارهٔ ۲۷٤۳ کتابخانه است) ٦۲۹
ملحقات برهان قاطع (پیوسته شمارهٔ ٦۹ کتابخانه است) ۱٦۵
مناظر الانشاء ۹۹-۱۰۲
+ منتخب شرح شواهد سیوطی ۳۹۸-۳۹۹
منتخب اللغات شاهجهانی ۲۹۳-۲۹٤
منتخب النفائس (نام یکی از قصائد اظهری است) ۵٦۱
+ منتهی امل الادیب = شرح مغنی اللبیب ۳۷۹-۳۸۰
+ المصنف من الکلام علی مغنی ابن‌هشام شرح مغنی اللبیب . . . ۳۸۰-۳۸۲
+ منظومه ابن‌شحنه درمعانی وبیان و بدیع ٤۳۲-٤۳٤
منهاج‌المعراج = معراج نامه (جزء دیوان تأثیر است) ۵۷۳
+ مؤلفات سماعی ابن‌حاجب (پیوسته‌شمارهٔ ۲۹۵۳ و ۳۱۵۵ کتابخانه‌است) . ۳٦۰ و ٤۱۹
+ موصل‌الطلاب (شرح الاعراب عن قواعد الاعراب) ۳۳۲-۳۳۳
مهذب الاسماء ۲۹٤-۲۹۷
+ میزان‌البلاغه و تبیان‌الرشاقه ٤۳٤-٤۳۵
میمنت نامه (جزء دیوان تأثیر است) ۵۷٤

ن

+ نثر اللآلی ۱۰۲-۱۰٤
نسخه میرزا = فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی ۲۲۹-۲۳۲
+ نصائح حضرت امیر ع ۱۰٤-۱۰۵
نظم‌الغرر و نضدالدرر ۱۰۵-۱۱۲

نکات بیدل (پیوسته دیوان بیدل است) ۵۷۲
نل و دمن (یکی از کتابهای خمسه فیضی است) ۵۲۲
نمکدان دین (نام یکی از قصائد محمد داودست) ۵۹۸
النهایه فی غریب الحدیث والخبر ۳۰۲-۲۹۷
نهج البلاغه ۱۵۹-۱۱۳

و

واجب الحفظ (جزء دیوان صائب است) ۵۲۴-۵۲۳
الوافیه (شرح متوسط استرابادی برکافیه) ۳۶۶-۳۶۳
والق و عذرا (یکی از کتابهای خمسه حسینی است) ۵۱۲-۵۰۹
ورد الابرار (نام یکی از قصائد اظهری است) ۵۶۱

ه

هدایة المهتدی الی الهادی (مقاله‌ای از تحفة العراقین است) . . . ۴۶۶
هشت بهشت (نام یکی از کتابهای خمسه دهلوی است) ۵۲۰-۵۱۶
هفت اقلیم (تذکرهٔ هفت اقلیم) ۴۸۶-۴۸۲

ی

یانیه ابن کمال پاشا ۴۰۰-۳۹۹

در روز شنبه اول مهرماه سال یکهزار وسیصد وهیجده خورشیدی برابر یازدهم ذیقعدة الحرام یکهزار وسیصد وپنجاه وهشت هجری قمری در چاپخانه مجلس شورای ملّی ایران چاپ گردید .

غلط‌نامه

بدیخانه با کوشش زیاد مؤلف و مصحح باز هم نشد کتاب بی‌غلط بیرون آید، از خوانندگان خواستار است که پیش از خواندن کتاب را تصحیح و چون جز اینها نیز کلمه یا جمله‌ای نادرست یابند بدرست کردن آن مبادرت فرمایند.

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۱۳	[illegible]	اعلام
۴	۱۶	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۱	[illegible]	[illegible]
۷	۱۳	[illegible]	[illegible]
۱۴	۱۸	[illegible]	[illegible]
۲۸	۱۱	[illegible]	[illegible]
۳۷	۷	شرح الدرة ـ الالفیه	شرح الدرة ـ الالفیه
[illegible]	۹	[illegible]	ماه
۴۵	۵	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱۸	ابن ابن الحدید	ابن ابی الحدید
۴۹	[illegible]	ص (۱۴۲ـ۱۴۴)	ص (۱۴۲ـ۱۴۴ ج ۴)
۵۲	۱۲	البحر الخضم	البحر الخضم
۶۰	۱۸	گسسته	گسسته
۶۳	۱۷	ص ۳۳ سه	ص ۱۴ سه
۷۲	۱۷	حبة الکمیت	حبة الکمیت
[illegible]	۱۹	[illegible]	[illegible]
۷۳	۹	[illegible]	حبة الکمیت
۷۴	۰۳	[illegible]	[illegible]
۷۹	۱۸	[illegible]	[illegible]
۸۶	۲۱	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۷	[illegible]	[illegible]
۸۷	۲۱	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۲	[illegible]	[illegible]
۸۸	۲۲	[illegible]	[illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۸۹	۸ح	طرحتی	طرحتنی
۹۰	۱۱	مقاماته	مقاماته
۹۱	۳	اهمیت	هیبت
	۲۰	سفبا	سغبا
۹۴	۱۱	چنانکه پس ازاین خواهیم گفت	چنانکه درحاشیه این صفحه گفته شده
۹۵	۶ و ۷	پس ازحکم نجومی مروف وعدم‌وقوع آن که مورد حملهٔ عمومی گردید	پس از شنیدن بلخیها هجو انوری آنان و بلخ را
۹۸	۲	و از حفیده	و حفیده
۹۹	۱	و انا	و انا
۱۱۳	۲۴	لجّاره	رجّاله
۱۲۹	۱۵	پس مرگ	پس از مرگ
۱۴۱	۱۳	اساس السیاسیه	اساس السیاسه
۱۴۷	۲	مؤلف کتابخانه	مؤلف فهرست کتابخانه
۱۵۰	۱ح	سال نقابت	سال نقابت
۱۵۳	۱۰ح	اصطهابات	اصطهابانات
۱۶۹	۲	شفویه	شفویّه
۱۷۲	۲۱	داد شد	داده شد
۱۷۹	۱۶	تطوّع	بطوع
۱۸۵	۲۳	بالاص	بلاّص
۱۸۸	۱۷	الابابیت	الاباییت
۱۹۱	۱۴	درفرهنگهای	در فهرست های
۱۹۱	۲۰	ترنقجی	یرنقجی
۱۹۶	۴	به جعفرك	به بوجعفرك
۱۹۹	۱۷	علی بن زین العابدین	علی بن الحسین ، زین العابدین
۲۰۲	۵	خمد	جلد
۲۰۹	۲۵	شرفنامهٔ	شرفنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۱	۲	قناد	قباد
۲۱۳	۱٤	معروف به	معروف به ؟
۲۲۷	۵ ح	ص۲۸۰ و ۲۸۱	ص۲۵۰ و ۲۵۱
۲۳۱	۵	این فرهنگ کورده	این فرهنگ آورده
۲۳۵	۱۸	نسخهٔ ۸۹۵ ذیل	نسخهٔ ۸۶۳ این فهرست
۲۳۶	۱۳	تهییج الغرام	تهییج الغرام
»	۱۵	روضة الناضر	روضة الناظر
»	۲۰	۵ بمن	فی من
۲۳۸	۱	معروف به یاق	معروف به شدیاق
۲۳۸	۱۳	، شرح قاموس	شرح قاموس
۲۳۹	۳۰	فیروزآبادی القاموس را	قاموس فیروزآبادی را
۲٤۰	۲۵	ترجمه ، فارس و	ترجمه فارسی و
۲٤۸	۱	کاملة التعبیر	کامل التعبیر
»	۲ ح	(ج۲ ص۴۱۳)	(ج۲ ص۴۱۳ فهرست نسخ)
۲۵۱	۱۸	نویسندهٔ نسخه	نویسندهٔ نسخه
۲۵۶	۲۶	الهیت	آلهیت
۲۵۹	۶	زاشت بهراه	زراتشت بهرام
۲۶۸	۱۰	شمارهٔ کتابخانه (۱۰)	شمارهٔ کتابخانه (۱۰)
۲۶۸	۱٤	آورده و آن را	آورده و ترجمه و توضیح و آن را
۲۷۳	۳	در صلوة شیخ حسن	در صورة تالیف شیخ حسن
۲۸۳	۱۵	به جعفرك	به بوجعفرك
»	۱۹	اعریتها	عریتها
»	۲ ح	قسمتی از آن	تمام آن
۲۸٤	۳	بشنود	بشود
	۲۱	(۹۰۱)	(۹۰۵)
۲۸۹	۲۲ ح	فقهیه	فقیه
۲۹۰	۱٤	و اشعر فیها	و اشعر فیها
»	۱۹	ابی نصر اخت	ابی نصر بن الخت
		عن ابن السکیت	عن ابن السکیت
۲۹۲	۲۱	ابن السیت	ابن السکیت
۲۹۳	۱۷	مصادر صحاح	مصادر صراح
۲۹۵	۱٤	تاریخ بغداد	تاریخ بغداد
۲۹۶	۲۵	شده است)	شده است)
۲۹۷	۱۰	فی مرتب	فی مرتب
»	۲۳	(ابو السعادات	(ابو السعادات

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۹۸	۵	ابو السعادت	ابو السعادات
۲۹۹	۲۳	آکشاف	الکشاف
۳۰۰	۱	البنین والبنان	البنین والبنات
۳۰۱	۷	تعیل	تذییل
۳۰٤	۱٤	خلاصه نمود	خلاصه نموده
۳۰۷	۲۹ ح	الحلی	الحلبی
۳۰۸	۱۵	وضح المسالک	اوضح المسالک
۳۰۹	۸	باشاره ٤ ـ	باشاره ۳۰۰ ـ
۳۱۰	۹	بر احرومیه	بن احرومیه
۳۱۵	۲	عبد القدر	عبد القاهر
	۳ ـ	المقیس	المقصد
۳۱۹	میان ۱۷ و ۱۸	افزوده شود: ده چنگی حنانکه در ص ۱۵۰۶ و ۱۵۰۷ مجموعات مصنوعات نوشته شده	
		پس ۱۲۸۸ در آستانه حسن شده و مؤلف آن هم	
		بنابل ۹۷۵ وفات یافته است .	
۳۲۰	۳	هو المشهور	هو المشهور
۳۳۱	۳ ح	شاه ...	... کرده ...
۳۳۳	۱ ح	معجم البلدان	معجم البلدان
۳٤۰	۱۲	...	...
۳۵۹	۱	مناقب ...	مناقب خواجه
		الدرة الفاخره	الدرة الفاخره
۳۶۱	۱۰	...	...
۳۶٤	۱۶	...	...
۳۶۶	۱ ح	...	...
۳۷۰	۸	...	...
۳۷۳	۴ ح	...	...
۳۷۷	۹	...	...
۳۸۲	۱	...	...
۳۸۱	۲۲	...	...
۳۹۶	۲۶	(۱۰۲)	(۱۰۲۱)
۴۰۵	۱۸	...	...
۴۲۶	۸	...	...
۴۳۰	۲۳	...	...
۴۶۰	۷	(۰۷۷)	(۱۰۷۷)

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۷۶	۱۰	کسی خوش نما	بسی خوش نما
۵۸۲	۱۰	جان بخش	جان بخشی
۶۲۰	۳	نظام الملك (۱)	نظام الملك
۶۳۲	۲	ابوبکرو	ابوبکر
	۱۳	تمیز را	تمییز را
۶۳۳	۵ و ٤	که نویسنده	(نویسندهٔ آن ازخود
		نبرده	نام نبرده)
	۵	معاصر ظهیر بوده	معاصر ظهیر بوده

(حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده ص ۸۲۱ عکسی نوشته که دیوان ظهیرفاریابی جمع کردهٔ شمس کاسی متوفی بسال ۶۰۲ میباشد و در مقبرة الشعراء تبریز مدفون شد)

۶۳۳	۱۶	کرامت	کرامست
	۱۷	ظهر	ظهیر
	۲۱	فن الفارسی	فی الفارسی
۶۳۸	۵	خان خان	خان خانان
	۱۹	«	«
٦٤٦	٤	براندازند	براندازنده
٦٤٩	۵	حالات وی	حالات
٦٥٧	۱	بر آب خراب	بر آب .
٦٥٨	۲۰	زد ولی	زده ولی
۷۵۷	۲۱	علی بن اسحق (	علی بن اسحق پدر ادوی (
۷۹۱	۱۸	مهرماه	دی ماه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٤٠	٤	[illegible]	[illegible]
٤٥٣	١٤	[illegible]	[illegible]
٤٥٥	٢	[illegible]	[illegible]
٤٦٤	١٣	[illegible]	[illegible]
٤٧٦	٨	[illegible]	[illegible]
	٢٤	[illegible]	[illegible]
٤٧٨	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٤٧٩	٩	[illegible]	[illegible]
٤٨٨	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٤٨٩	٢٠	[illegible]	[illegible]
٥٠٥	٩	[illegible]	[illegible]
٥١٠	١٥	[illegible]	[illegible]
٥١٢	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٥١٣	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٥١٧	٣	[illegible]	[illegible]
٥١٩	٣٠	[illegible]	[illegible]
٥٣٢	١٢	[illegible]	[illegible]
	١٣	[illegible]	[illegible]
٥٣٣	٤	[illegible]	[illegible]
٥٣٥	١٧	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٥٤١	٦	[illegible]	[illegible]

CALL No. { ف ۰۱۴۵۰۹۱ / ۲۹ ف ک د ACC. No. ۵۱۴۸

AUTH

ابن یوسف شیرازی

فہرست کتابخانۂ مدرسۂ عالی

کتب خطی: فارسی عربی

Acc. No. ۵۱۴۸

No. ۰۱۴۵۰۹۱ Book No. ۲۹ ف ک د ۲ ج

or ابن یوسف شیرازی

فہرست کتابخانۂ مدرسۂ عالی

کتب خطی: فارسی عربی

ower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue D

KED AT THE TIME

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.